



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
اداره ملی احصائیه و معلومات



سـروى وضعیت زندگى در افغانستان ۱۳۹۵



راپور تحليلی



این پروژه به حمایت مالی اتحادیه اروپا اجرا میشود

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ توسط اداره مرکزی احصائیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به کمک تخنیکي بخش عامه GmbH انستیتیوت آیکن انجام شد.

این نشریه به کمک مالی اتحادیه اروپا تهیه شده است. مسئولیت محتویات این نشریه تنها به اداره احصائیه مرکزی و انستیتیوت آیکن برمی گردد و به هیچ وجه نمی تواند منعکس کننده دیدگاه های اتحادیه اروپا باشد.

برای معلومات بیشتر لطفا تماس بگیرید:

اداره ملی احصائیه و معلومات

www.nsia.gov.af

پست الکترونیکی: mail@nsia.gov.af

انستیتیوت آیکن

www.icon-institute.de

پست الکترونیکی: christophe.dietrich@icon-institute.de (مدیر پروژه) یا

b.j.debruijn@online.nl (تحلیلگر ارشد / ایدیتور)

نماینده اتحادیه اروپا در افغانستان

http://eeas.europa.eu/delegations/afghanistan/index_en.htm

پست الکترونیکی: delegation-afghanistan-press@eeas.europa.eu

سفارش مآخذ

اداره ملی احصائیه و معلومات (۱۳۹۷)، سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵. کابل، کابل باستان

شاپک: ۹۷۸-۹۹۳۶-۱-۰۳۱۱-۵

تصاویر روی جلد توسط آقای سایسا اولیور روسچ استفاده شده است.

طراحی شده توسط: احمد ولید عبدالله

اعلانات کوفن

www.cophenadvertising.af

waleed_abdullah@hotmail.com

چاپ شده توسط: چاپخانه جیحون، کابل، افغانستان



سروی وضعیت زندگی در افغانستان که توسط اداره ملی احصائیه و معلومات و حمایت مالی اتحادیه اروپا انجام یافته است از زمان آغاز سروی در سال ۱۳۸۲، ششمین دور جمع آوری ارقام را پشت سر میگذراند.

طی این مدت، سروی وضعیت زنده گی در افغانستان شاهد انکشاف موضوعات توسعه یی بوده که برای برنامه ریزی توسعه افغانستان حایز اهمیت است، با اینهم حفظ تعادل، در جزئیات سروی و گزارش دهی دوره یی که برای تعداد زیادی از جوانب ذی نفع و کارکنان آنان مفید بوده، حفظ شده است. در عین حال، سروی وضعیت زنده گی در افغانستان، توانسته است که معیارها و میتودهای بین المللی را برای تولید شاخص های قابل مقایسه و بهبود کیفیت و سرعت گزارش دهی فراهم کند. انتشار گزارش سروی وضعیت زنده گی در افغانستان ۱۳۹۵ قریب به یک سال پس از اتمام جمع آوری احصائیه ها، دستاوردی است که سروی با پوشش و پیچیدگی این چنینی بتواند انجام یابد. علاوه بر این، پیشینه سروی در مورد جمع آوری ارقام، مدیریت سروی، پروسس و تحلیل ارقام مبین ارتقای ظرفیت اداره ملی احصائیه و معلومات می باشد، و من به تلاش ها و مهارت های کارکنان اداره ملی احصائیه و معلومات که در این سروی از خود نشان داده، افتخار می کنم.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان، یکی از مهمترین سروی های اداره ملی احصائیه و معلومات می باشد. ویژگی های چندگانه وضعیت زنده گی در افغانستان یک ابزار بی نظیر برای پالیسی سازان و تمام سازمان های ملی و بین المللی است که در آینده کشور سرمایه گذاری می کنند. این ویژگی ها عبارتند از پوشش جمعیت کوچی، توانایی ثبت تغییرات فصلی در شاخص های مربوط به توسعه، توانایی تولید احصائیه در سطح ولایت، همچنان تداوم سروی اجازه می دهد زمینه یی برای تجزیه و تحلیل میلان شاخص های کلیدی توسعه فراهم شود، که تعداد زیادی از جوانب ذی نفع از نتایج سروی و انعطاف پذیری سروی برای انطباق با نیازهای افغانستان بهره مند شوند.

این جامع ترین نوع گزارش در تاریخ سروی است و شامل تجزیه و تحلیل دقیق نفوس و خانوارها، بازار کار، زراعت، صحت، تعلیم و تحصیل، مسکن، جنسیت و چالش هایی که خانوار های افغان با آن دست و گریبان اند، به شمول استراتژی های مقابله با آن و اولویت های مردم برای توسعه است.

علاوه بر مجموعه ای از شاخص های معیاری تولید شده در هر دوره سروی، گزارش سروی وضعیت زنده گی در افغانستان در حال حاضر دوباره بر تحلیل فقر و امنیت غذایی تمرکز می کند و برعلاوه، معلومات دقیق راجع به معلولیت در نفوس فراهم می کند. من نیز به مثابه رئیس اداره ملی احصائیه و معلومات، بسیار افتخار می کنم که با این گزارش، افغانستان یکی از اولین کشورهای جهان برای تولید شاخص های رسمی اهداف انکشاف پایدار است.

دوره حاضر سروی وضعیت زندگی در افغانستان حد اقل از ۱۷ هدف انکشاف پایدار، برای ۱۲ هدف ۲۰ شاخص را تولید کرده است که بعضی از آنها در این گزارش گنجانیده شده است. در این راستا، سروی وضعیت زنده گی در افغانستان همچنین پلت فرمی را برای اجرای تست کیفیت آب آشامیدنی جدید به اجرا گذاشت که بر اساس آن افغانستان یکی از اولین کشورهای جهان برای تولید شاخص اهداف انکشاف پایدار در خدمات آب آشامیدنی قابل مدیریت است. علاوه بر این، من افتخار می کنم که سروی کنونی وضعیت زندگی در افغانستان، در این زمینه تا حدی با ادخال ارقام از طریق تلفون موبایل، انجام شده است، در نتیجه، اداره مرکزی احصائیه مهارت استفاده از تکنالوژی های جدید برای جمع آوری ارقام احصائیوی را گسترش می دهد.

من معتقدم که نتایج وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ ارائه شده در اینجا، و همچنین ارقام خام که برای تجزیه و تحلیل بیشتر در دسترس هستند، برای برنامه ریزی توسعه و برنامه ریزی برای طیف وسیعی از کاربران ارقام کمک خواهد کرد. من صمیمانه امیدوارم که این گزارش یک منبع جالب از معلومات و دانش برای خوانندگان باشد.

احمد جاوید رسولی
رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات
جمهوری اسلامی افغانستان

شاخص های کلیدی

شاخص	شاخص های اهداف انکشافی هزاره/ پایدار	گروه های فرعی الف	ملی
نفوس و خانوار ها			
فیصدی نفوس زیر سن ۱۵ سال		ش ۴۲.۹؛ د ۴۹.۰؛ ک ۵۲.۲	۴۷.۷
فیصدی نفوس دارای سن ۶۵ سال و بالاتر از آن		ش ۳۰.۰؛ د ۲۶.۰؛ ک ۱۶	۲.۷
نسبت جنسیت		ش ۱۰۲؛ د ۱۰۴؛ ک ۱۰۸	۱۰۴
نسبت وابستگی		ش ۸۵؛ د ۱۰۷؛ ک ۱۱۷	۱۰۱
نسبت وابستگی طفل		ش ۷۹؛ د ۱۰۱؛ ک ۱۱۳	۹۶
نسبت وابستگی سالمندان		ش ۵؛ د ۵؛ ک ۴	۵
اوسط اندازه خانوار		ش ۷.۳؛ د ۷.۸؛ ک ۷.۶	۷.۴
اوسط سن در ازدواج اول، در زنان ۲۰-۲۴ ساله		ش ۱۸.۰؛ د ۱۷.۵؛ ک ۱۷.۴	۱۷.۶
میانه (میدیان) سن در ازدواج اول، در زنان ۲۰-۲۴ ساله		ش ۱۸؛ د ۱۸؛ ک ۱۸	۱۸
فیصدی زنان دارای سن ۲۰-۲۴ که در سن ۱۵ سال ازدواج کرده اند	هدف انکشاف پایدار ۱.۳.۵	ش ۲۰.۱؛ د ۵۰.۰؛ ک ۴.۸	۴.۲
فیصدی زنان دارای سن ۲۰-۲۴ که در سن ۱۸ سال ازدواج کرده اند	هدف انکشاف پایدار ۱.۳.۵	ش ۱۸.۴؛ د ۳۱.۹؛ ک ۳۶.۳	۲۸.۳
فیصدی زنانی که شوهر شان چندین خانم دارند			۸.۲
نیروی کار (تعریف ملی)			
میزان اشتراک نیروی کار		ش ۴۸.۰؛ د ۵۴.۹؛ ک ۷۲.۴	۵۳.۹
نسبت نفوس مصروف در کار بر نفوس مجموعی	هدف انکشافی هزاره ۵.۱	ش ۳۵.۳؛ د ۴۱.۷؛ ک ۶۳.۵	۴۱.۰
فیصدی نفوس که به طور سودمند مصروف کار نیستند		ش ۳۵.۳؛ د ۴۱.۲؛ ک ۳۵.۳	۳۹.۵
میزان کم کاری بر نیروی مصروف کار		ش ۱۱.۹؛ د ۲۲.۶؛ ک ۲۶.۳	۲۰.۵
میزان کم کاری بر نیروی کار		ش ۸.۷؛ د ۱۷.۲؛ ک ۲۳.۰	
میزان بیکاری	هدف انکشاف پایدار ۲.۵.۸	ش ۲۶.۵؛ د ۳۴.۰؛ ک ۱۲.۳ م ۳۷.۷؛ س ۲۳.۳	۲۳.۹
فیصدی بیکاری جوانان		ش ۳۹.۱؛ د ۲۹.۶؛ ک ۱۳.۳	
سهم جوانان بیکار بر مجموع نیروی بیکار		ش ۴۸.۴؛ د ۴۴.۵؛ ک ۴۴.۰	۴۵.۵
سهم جوانان (بین سن ۱۵-۲۴ سال) بدون تعلیم، کار و پروگرام های آموزشی	هدف انکشاف پایدار ۱.۶.۸	ش ۳۷.۹؛ د ۴۴.۱؛ ک ۳۳.۶؛ م ۵۶.۶؛ س ۴۱.۷	۴۲.۰
سهم کار غیر رسمی در نیروی کار خارج از زراعت (به فیصدی) (نیابتی)	هدف انکشاف پایدار ۳.۵.۸	ش ۶۶.۷؛ د ۷۱.۳؛ ک ۶۶.۷	۶۶.۷
نسبت اشتغال در صنایع سیاحت پایدار از مجموع اشتغال سیاحت (به فیصدی) (نیابتی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۹.۸	ش ۸.۵؛ د ۰.۳؛ ک ۰.۳	۶.۷
سهم کارگران با پول خود شان و کارگران فامیلی در مجموع اشتغال (به فیصدی)	هدف انکشافی هزاره ۷.۱	ش ۶۰.۹؛ د ۸۵.۸؛ ک ۹۰.۰	۸۰.۲
نسبت نیروی کار تولیدی بر نیروی کار مجموعی (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۲.۹	ش ۱۶.۴؛ د ۲۴.۰؛ ک ۲۴.۰	۱۸.۱

شاخص	شاخص های اهداف انکشافی هزاره/ پایدار	گروه های فرعی الف	ملی
سهام بزرگ سالان (دارای سن ۱۵ و بالاتر) دارای یک حساب در یک بانک ، یا در یک نهاد مالی دیگر و یا با یک تهیه کننده خدمات پولی سیار	هدف انکشاف پایدار ۲۰۱۰۸	ذ ۱۹.۵ ۱۰.۱ ش ۹.۹؛ د ۴.۰؛ ک ۰.۱؛ م ۴.۷؛ س ۵.۴	۵.۴
فیصدی افرادی که مصروف کار استند مگر بر اساس تخمین، اعضای فامیل شان زیر خط فقر زندگی می کنند.		ذ ۵۱.۲ ۵۰.۰ ش ۳۸.۰؛ د ۵۴.۲؛ ک ۵۹.۳؛ م ۵۰.۴؛ س ۵۱.۰	۵۰.۹
زراعت و مالداري			
فیصدی خانوار های که دارای زمین های آبی هستند			۳۷.۹
فیصدی خانوار های که دارای زمین های للمی هستند			۱۹.۴
فیصدی خانوار های که دارای باغ و باغچه هستند			۱۳.۱
فیصدی خانوار های که دسترسی به زمین های آبی دارند			۴۱.۴
فیصدی خانوار های که دسترسی به زمین های للمی دارند			۲۰.۵
اوسط سائز زمین های آبی که در مالکیت قرار دارند (به جریب)ب			۴.۹
اوسط سائز زمین های للمی که در مالکیت قرار دارند (به جریب)ب			۱۲.۱
اوسط سائز دارنده گان مالکیت و یا دسترسی به زمین باغ ها یا باغچه(به جریب)ب			۱.۹
میان (میدیان) سائز دسترسی به زمین های آبی (به جریب)ب			۵.۱
میان (میدیان) سائز دسترسی به زمین های للمی (به جریب)ب			۱۲.۴
تعداد گاو ها (به هزار)			۳,۳۷۱
تعداد بز ها (به هزار)			۹,۷۵۴
تعداد گوسفند (به هزار)			۲۱,۸۱۳
تعداد مرغ ها (به هزار)			۱۰,۳۴۱
فقر			
فیصدی افرادی که زیر خط فقر به سطح ملی زندگی میکنند	هدف انکشاف پایدار ۱.۲.۱	ش ۴۱.۶؛ د ۵۸.۲؛ ک ۶۴.۱	۵۴.۵
شگاف فقر	هدف انکشافی هزاره ۲.۱	ش ۱۰.۳؛ د ۱۶.۴	۱۵.۰
مربع شگاف فقر		ش ۳.۶؛ د ۶.۲	۵.۶
شاخص جینی		ش ۰.۲۹؛ د ۰.۲۵	۰.۳۱
مصنوعیت غذایی			
فیصدی جمعیت که به کمبود مواد غذایی مواجه استند	هدف انکشافی هزاره ۹.۱	ش ۴۲.۱؛ د ۴۶.۲؛ ک ۳۲.۳	۴۴.۶
فیصدی جمعیت که بشکل شدید و یا بسیار شدید به کمبود مواد غذایی مواجه استند		ش ۲۵.۰؛ د ۲۸.۹؛ ک ۱۸.۳	۲۷.۵
فیصدی جمعیت با کمبود پروتئین		ش ۲۷.۱؛ د ۳۱.۷؛ ک ۲۲.۷	۳۰.۱
نمره تنوع رژیم غذایی (اوسط)		ش ۵.۸؛ د ۴.۹؛ ک ۵.۰	۵.۱
تعلیم یا تحصیلات			
میزان سواد افراد بالغ (افراد دارای سن ۱۵ سال و بزرگتر از آن)		ذ ۴۹.۴ ۱۹.۹ ش ۵۳.۷؛ د ۳۹.۶؛ ک ۵.۸	۳۴.۸

شاخص	شاخص های اهداف انکشافی هزاره/ پایدار	گروه های فرعی الف	ملی
میزان سواد جوانان (سن ۱۵ الی ۲۴ سال)	هدف انکشافی هزاره ۳.۲	ذ ۳۸.۷ ۶۸.۲ ش ۷۵.۱ ۴۷.۹ ک ۷.۰	۵۳.۶
نسبت پذیرش ناخالص در تعلیمات ابتدائی		ذ ۴۲.۹ ۵۳.۶ ش ۷۷.۴ ۴۱.۱	۴۸.۵
میزان حضوریابی خالص در تعلیمات ابتدائی	هدف انکشافی هزاره ۱.۲	ذ ۴۵.۵ ۶۵.۵ ش ۷۴.۳ ۵۴.۰ ک ۶.۶	۵۶.۱
میزان حضوریابی خالص در تعلیمات ثانوی		ذ ۲۴.۱ ۴۶.۸ ش ۵۱.۶ ۳۱.۷ ک ۱.۸	۳۵.۷
میزان حضوریابی خالص در تعلیمات عالی		ذ ۴۸.۱ ۱۴.۹ ش ۱۸.۱ ۶۶.۹ ک ۰.۲	۹.۷
میزان حضوریابی خالص قابل قبول در تعلیمات ابتدائی		ذ ۵۰.۱ ۷۳.۲	۶۲.۴
میزان حضوریابی خالص قابل قبول در تعلیمات ثانوی		ذ ۲۵.۷ ۴۷.۳	۳۶.۹
میزان حضوریابی ناخالص در تعلیمات ابتدائی		ذ ۵۸.۹ ۸۴.۴ ش ۹۵.۵ ۶۹.۹ ک ۸.۹	۷۲.۵
میزان حضوریابی ناخالص در تعلیمات ثانوی		ذ ۳۲.۲ ۶۳.۰ ش ۶۹.۲ ۴۲.۵ ک ۲.۶	۴۸.۰
میزان حضوریابی ناخالص در تعلیمات عالی		ذ ۸.۰ ۳۰.۶ ش ۲۷.۳ ۹.۶ ک ۰.۲	۱۴.۱
فیصدی شاگردانیکه از صنف اول به صنف پنجم تعلیمات ابتدائی رسیده اند	هدف انکشافی هزاره ۲.۲	ذ ۸۶.۳ ۸۸.۹ ش ۹۰.۲ ۸۶.۹ ک +	۸۷.۹
فیصدی شاگردانیکه از صنف اول به ختم دوره تعلیمات ابتدائی رسیده اند	هدف انکشافی هزاره ۲.۲	ذ ۸۲.۶ ۸۶.۵ ش ۸۸.۳ ۸۳.۷ ک +	۸۵.۱
فیصدی شروع کننده گان مکتب که قبل از صنف ششم ترک می کنند		ذ ۱۵.۷ ۱۲.۳ ش ۱۰.۲ ۱۵.۰	۱۳.۶
میزان تکمیل ابتدائی		ذ ۳۳.۲ ۵۱.۹ ش ۷۴.۶ ۳۳.۷	۵۶.۶
میزان انتقال به تعلیمات ثانوی		ذ ۹۳.۲ ۹۶.۲ ش ۹۶.۶ ۹۴.۲	۹۵.۲
میزان انتقال به تحصیلات عالی		ذ ۵۴.۸ ۶۱.۲ ش ۶۷.۵ ۵۱.۱	۵۸.۹
توقعات ادامه تعلیم (به سال)		ذ ۵۶ ۹.۷ ش ۱۱.۱ ۶.۷	۷.۸
اطفال دارای سن تعلیمات ابتدائی، خارج از مکتب (به هزار)		ذ ۱,۲۷۲ ۸۶۴ ش ۲۰۶ ۱,۹۳۰ ک	۲,۱۳۶
اطفال دارای سن تعلیمات ثانوی، خارج از مکتب (به هزار)		ذ ۱,۲۹۸ ۸۰۳ ش ۳۳۶ ۱,۷۶۵ ک	۲,۱۰۱
جوانان دارای سن تحصیلات عالی، خارج از پوهنتون ها (به هزار)		ذ ۱,۳۴۶ ۱,۰۳۶ ش ۵۸۳ ۱,۷۹۹ ک	۲,۳۸۲
میزان مشارکت جوانان در تعلیمات رسمی و غیر رسمی و پروگرام های آموزشی در ۱۲ ماه گذشته	هدف انکشاف پایدار ۱.۳.۴	ذ ۱۷.۲ ۳۹.۹ ش ۴۲.۲ ۴۴.۶ ک ۱.۹ م ۱۷.۹ ۲۸.۷ س	۲۸.۵
صحت			
فیصدی جمعیت که به اندازه دو ساعت از کلینیک عامه فاصله دارند		ش ۹۵.۸ ۹۲.۵ ک ۹۰.۴	۹۳.۲
فیصدی زنان حامله که در زمان حامله گی تزریق تیتانوس گرفته اند		ش ۳۵.۶ ۳۴.۴ ک ۲۳.۵	۳۵.۶

شاخص	شاخص های اهداف انکشافی هزاره/ پایدار	گروپ های فرعی الف	ملی
پوشش مراقبت های قبل از ولادت (حد اقل یک ملاقات)	هدف انکشافی هزاره ۵.۵	ش ۸۷.۷؛ د ۶۶.۸؛ ک ۴۶.۳	۷۰.۲
پوشش مراقبت های قبل از ولادت (حد اقل چهار ملاقات)	هدف انکشافی هزاره ۵.۵	ش ۳۳.۵؛ د ۱۲.۷؛ ک ۵.۴	۱۶.۳
فیصدی ولادت ها با موجودیت پرسونل ماهر صحتی	هدف انکشاف پایدار ۲.۱.۳ هدف انکشافی هزاره ۲.۵	ش ۸۶.۸؛ د ۴۶.۰؛ ک ۱۸.۵	۵۳.۴
فیصدی ولادت ها در شفاخانه ها و کلینک ها		ش ۸۲.۷؛ د ۴۳.۴؛ ک ۱۶.۴	۵۰.۵
فیصدی اطفال دارای سن ۵۹- ماهه گی که در شش ماه گذشته تابلیت ویتامین A یا کپسول دریافت کرده اند		ش ۶۴.۷؛ د ۴۸.۸؛ ک ۳۳.۷	۵۱.۲
نسبت اطفال زیر سن ۵ سال که تولد شان در نهاد ملکی درج شده است (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۱.۹.۱۶	ش ۶۰.۹؛ د ۳۹.۵؛ ک ۱۰.۴	۲۹.۵
میزان شیوع معلولیت (به فیصدی)		ش ۳.۲؛ د ۴.۳؛ ک ۲.۸ د ۳.۲؛ د ۳.۱؛ ک ۳.۱	۳.۲
فیصدی اشخاص معلول دارای چندین معلولیت		د ۳۳.۴؛ د ۳۲.۲؛ ک ۳۳.۱	۳۳.۱
مسکن و تسهیلات			
فیصدی جمعیت دهاتی که محلات زندگی شان در ۲ کیلومتر سرک موتررو که در تمام فصول سال باز باشد. (به فیصدی)			۶۳.۱
فیصدی خانوار های که مالک محل اقامت خود هستند.		ش ۶۶.۹؛ د ۹۴.۲؛ ک ۸۸.۴	۸۷.۱
حد اوسط تعداد افراد در هر اتاق		ش ۳.۱؛ د ۳.۱؛ ک ۵.۲	۳.۲
فیصدی خانوار های که در مسکن های پر ازدحام زندگی می کنند		ش ۴۲.۷؛ د ۴۱.۵؛ ک ۸۳.۳	۴۳.۹
نسبت نفوس شهری که در محلات فقیر نشین، غیر رسمی و نا کافی زندگی می کنند (به فیصدی)	هدف انکشافی هزاره ۱۰.۷ هدف انکشاف پایدار ۱.۱.۱۱		۷۲.۴
نسبت جمعیت که دسترسی به هر نوع برق دارند (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۱.۱.۷	ش ۹۹.۵؛ د ۹۷.۸؛ ک ۸۶.۱	۹۷.۷
نسبت جمعیت که از منابع آب آشامیدنی مناسب استفاده می کنند ^۳	هدف انکشافی هزاره ۸.۷	ش ۹۱.۵؛ د ۵۶.۶؛ ک ۳۵.۸	۶۳.۹
نسبت جمعیت که از خدمات آب آشامیدنی مطمئن استفاده می کنند (به فیصدی) شاخص نیابتی ^۴	هدف انکشاف پایدار ۱.۱.۶	ش ۷۵.۳؛ د ۲۵.۱؛ ک ۳.۰	۳۶.۰
نسبت جمعیت که از خدمات آب آشامیدنی مصئون استفاده می کنند (به فیصدی) ^۵	هدف انکشاف پایدار ۱.۱.۶	(ش ۳۶.۷؛ د ۱۰.۱)	(۲۱.۰)
فیصدی خانوار های که در آب آشامیدنی شان ایکولای موجود است.		(ش ۶۷.۱؛ د ۸۴.۲)	(۷۶.۹)
فیصدی جمعیت که از تسهیلات فاضلاب بهتر استفاده می کنند (خدمات محدود و ابتدائی)	هدف انکشافی هزاره ۹.۷	ش ۸۳.۲؛ د ۴۶.۱؛ ک ۷.۴	۵۳.۰
نسبت جمعیت که از خدمات فاضلاب منظم بطور مصئون استفاده می کنند (به فیصدی) (شاخص نیابتی) ^۶	هدف انکشاف پایدار ۱.۳.۶	ش ۵۶.۵؛ د ۳۸.۸؛ ک ۶.۷	۴۱.۴
تعداد نفوس با اتکای اصلی بالای مواد سوخت پاک و وسایل معاصر برای آشپزی (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۱.۷	ش ۹۰.۱؛ د ۹.۰؛ ک ۱.۱	۲۵.۲
تعداد نفوس با اتکای اصلی بالای مواد سوخت پاک و وسایل معاصر برای گرم نمودن منازل شان (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۱.۷	ش ۱۱.۹؛ د ۱.۹؛ ک ۰.۶	۴.۲

شاخص	شاخص های اهداف انکشافی هزاره/ پایدار	گروپ های فرعی الف	ملی
تعداد نفوس با اتکای اصلی بالای مواد سوخت پاک و وسایل معاصر برای روشنائی (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۱.۷	ش ۹۹.۸ د ۹۸.۲؛ ک ۸۷.۷	۹۸.۱
نسبت افرادی که دارای تلفون های همراه (مبایل) هستند (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۱.۵.۵	ش ۶۰.۲ د ۳۸.۴؛ ک ۲۴.۸	۴۳.۳
استفاده کننده های انترنت در هر ۱۰۰ نفر از نفوس	هدف انکشافی هزاره ۱۶.۸ هدف انکشاف پایدار ۱۸.۱۷	ش ۱۰.۸ د ۱.۵؛ ک ۰.۲ ذ ۶.۴؛ ۱.۳	۳.۹
سهم زنان مصروف کار، دارای حقوق مالی، در سکتور غیر زراعت (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۳		۱۳.۲
نسبت زنان در پست های مدیریتی (به فیصدی)	هدف انکشاف پایدار ۲.۵.۵	ش ۴۰.۴ د ۳.۸؛ ک -	۴.۳
شاخص تساوی جنسیت، سواد بالغان (سن ۱۵ سال و بزرگتر از آن)		ش ۰.۶۱ د ۰.۲۹؛ ک ۰.۰۷	۰.۴۰
شاخص تساوی جنسیت، سواد جوانان (سن ۱۵-۲۴ سال)		ش ۰.۸۱ د ۰.۴۴؛ ک ۰.۱۰	۰.۵۷
شاخص تساوی جنسیت، میزان حضوریابی ناخالص در مکاتب ابتدائی	هدف انکشافی هزاره ۱.۳	ش ۰.۹۰ د ۰.۶۲؛ ک ۰.۳۰	۰.۷۱
شاخص تساوی جنسیت، میزان حضوریابی ناخالص در تعلیمات ثانوی	هدف انکشافی هزاره ۱.۳	ش ۰.۷۴ د ۰.۳۸؛ ک ۰.۰۰	۰.۵۱
شاخص تساوی جنسیت، میزان حضوریابی ناخالص در تحصیلات عالی	هدف انکشافی هزاره ۱.۳	ش ۰.۵۸ د ۰.۲۱؛ ک ۰.۰۰	۰.۳۹

الف ش: شهری، د: دهات، ک: کوچی، ذ: ذکور، ا: اناث، م: معلول، س: سالم.

۲ یک جریب مساوی به ۰.۲ هیکتار (۲۰۰۰ متر مربع) می باشد.

۳ شامل آب که توسط موتر (تانکر) عرضه می گردد.

۴ شاخص نیابتی نتایج ارزیابی آلوده گی آب را قبل از استفاده آن توسط خانوار ها، مورد ملاحظه قرار نمی دهد.

۵ براساس نمونه های غیر حضوری از ۱۰ ولایت انتخابی.

۶ شاخص نیابتی پروسه تخلیه فاضلاب را مورد ملاحظه قرار نمی دهد: این شاخص مطابق با خدمات فاضلاب ابتدایی در مطابقت با تنظیم قدم به قدم سیستم فاضلاب می باشد.

() شاخص های که در بین قوس ها نوشته میشوند به میزان کمتر قابل اعتماد بوده و فقط نشاندهنده یک تخمین میباشد.

III.....	پیشگفتار
IV.....	شاخص های کلیدی
XXIV.....	اختصارات
XXVI.....	نقشه افغانستان
XXVII.....	سپاسگزاری
XXIX.....	خلاصه
۱.....	۱. معرفی
۱.....	۱.۱ معرفی سروی
۱.....	۲.۱ توسعه انکشاف در افغانستان
۲.....	۱.۲.۱ امنیت و وضعیت اقتصادی کشور
۴.....	۲.۲.۱ وضعیت نفوس در افغانستان
۶.....	۳.۱ سروی وضعیت زندگی در افغانستان و اهداف انکشاف پایدار
۷.....	۴.۱ ساختار گزارش
۹.....	۲. میتودولوژی و عملیات سروی
۹.....	۱.۲ مقدمه
۹.....	۲.۲ آمادگی سروی
۹.....	۱.۲.۲ سهیم شدن جوانب ذی دخل
۱۰.....	۲.۲.۲ طرح پرسشنامه
۱۱.....	۳.۲.۲ آموزش و انتخاب کارمندان ساحوی
۱۲.....	۴.۲.۲ طرح نمونه گیری
۱۲.....	۳.۲ جمع آوری ارقام
۱۲.....	۱.۳.۲ عملیات ساحه
۱۴.....	۲.۳.۲ جمع آوری ارقام از طریق موبایل در عملیات ساحوی
۱۵.....	۴.۲ پروسس ارقام
۱۵.....	۱.۴.۲ چک دستی و کود گذاری
۱۵.....	۲.۴.۲ ادخال ارقام و تصحیح ارقام
۱۵.....	۵.۲ نتایج سروی
۱۶.....	۱.۵.۲ مقایسه پذیری نتایج
۱۶.....	۲.۵.۲ محدودیت ارقام
۱۷.....	۳.۵.۲ گزارش دهی
۱۹.....	۳. نفوس و خانوار ها
۱۹.....	۱.۳ مقدمه
۲۰.....	۲.۳ ساختار و توزیع نفوس
۲۰.....	۱.۲.۳ توزیع به تفکیک محل اقامت
۲۰.....	۲.۲.۳ توزیع سن
۲۳.....	۳.۲.۳ نسبت جنسیت
۲۵.....	۳.۳ ترکیب خانوار
۲۵.....	۱.۳.۳ ساختار خانوار
۳۰.....	۲.۳.۳ سرپرستان اناث خانوار
۳۱.....	۴.۳ الگو های ازدواج
۳۱.....	۱.۴.۳ توزیع حالت مدنی
۳۳.....	۲.۴.۳ سن در ازدواج اول
۳۵.....	۳.۴.۳ خلاء سن ازدواج
۳۶.....	۴.۴.۳ تعدد زوجات
۳۷.....	۵.۳ مهاجرت
۳۷.....	۱.۵.۳ الگو های مهاجرتی افغانستان
۳۷.....	۲.۵.۳ مفاهیم مهاجرات
۳۸.....	۳.۵.۳ مهاجرین مادام العمر

۴۱.....	۴.۵.۳ مهاجرت های اخیر
۴۲.....	۵.۵.۳ دلایل مهاجرت
۴۳.....	۶.۵.۳ خصوصیات مهاجرین
۴۴.....	۷.۵.۳ خانوار های آواره گان برگشته
۴۷.....	۴. بازار کار.....
۴۸.....	۱.۴ مقدمه.....
۴۹.....	۲.۴ مشارکت نیروی کار.....
۴۹.....	۱.۲.۴ میزان مشارکت نیروی کار.....
۵۰.....	۲.۲.۴ تفاوت ها در مشارکت نیروی کار.....
۵۶.....	۳.۲.۴ دلیل برای فعالیت اقتصادی.....
۵۷.....	۳.۴ مشخصات نیروی کار.....
۵۷.....	۱.۳.۴ مفهوم نیروی کار.....
۵۸.....	۲.۳.۴ ترکیب نیروی کار.....
۵۹.....	۴.۴ بیکاری.....
۶۲.....	۵.۴ اشتغال.....
۶۲.....	۱.۵.۴ کم کاری.....
۶۳.....	۲.۵.۴ وضعیت اشتغال.....
۶۷.....	۳.۵.۴ سکتور اقتصادی اشتغال.....
۷۰.....	۴.۵.۴ شغل.....
۷۲.....	۵.۵.۴ ساعات کار.....
۷۳.....	۶.۴ کار مناسب.....
۷۶.....	۷.۴ میلان بازار کار.....
۷۷.....	۸.۴ مالکیت حساب.....
۷۹.....	۵. زراعت و مالداري.....
۸۰.....	۱.۵ مقدمه.....
۸۰.....	۲.۵ زراعت و باغداری.....
۸۰.....	۱.۲.۵ زمین های آبی.....
۸۶.....	۲.۲.۵ زمین های للمی.....
۸۸.....	۳.۲.۵ مصارف کشت.....
۹۰.....	۴.۲.۵ باغداری.....
۹۲.....	۳.۵ مالداري.....
۹۲.....	۱.۳.۵ تعداد مواشی.....
۹۳.....	۲.۳.۵ مالداري.....
۹۴.....	۳.۳.۵ عوامل تولید و پرورش مواشی.....
۹۷.....	۶. فقر.....
۹۷.....	۱.۶ مقدمه.....
۹۸.....	۲.۶ میتودلوژی برآورد فقر.....
۹۸.....	۱.۲.۶ اندازه گیری فقر در افغانستان: روش مصارف نیاز های اولیه.....
۹۹.....	۲.۲.۶ تعیین خط فقر در افغانستان.....
۱۰۰.....	۳.۶ تخمین های مربوط به وضعیت فقر.....
۱۰۰.....	۱.۳.۶ روند وضعیت فقر از ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵.....
۱۰۴.....	۲.۳.۶ تغییرات توزیعی در رفاه.....
۱۰۷.....	۳.۳.۶ گرایش های ساحوی.....
۱۰۹.....	۴.۳.۶ تغییرات فصلی در رفاه.....
۱۱۰.....	۴.۶ نفوس فقیر افغانستان چه کسانی هستند؟.....
۱۱۰.....	۱.۴.۶ خصوصیات دموگرافیکی.....
۱۱۲.....	۲.۴.۶ تعلیمات و تحصیلات و تاثیرات آن بر بازار کار.....
۱۱۷.....	۷. مصئونیت غذائی.....
۱۱۷.....	۱.۷ مقدمه.....
۱۱۸.....	۲.۷ وضعیت کنونی مصئونیت غذائی.....
۱۱۸.....	۱.۲.۷ وضعیت کلی مصئونیت غذائی.....
۱۱۹.....	۲.۲.۷ توزیع نفوس به اساس زون و ولایت.....
۱۲۰.....	۳.۲.۷ مصرف پروتین.....
۱۲۱.....	۳.۷ روند تغییر مصئونیت غذائی.....

۱۲۲.....	۴.۷ خصوصیات نفوس نا مصئون غذائی.....
۱۲۲.....	۱.۴.۷ مشخصات اقتصادی.....
۱۲۴.....	۲.۴.۷ مشخصات دموگرافیکی و اجتماعی.....
۱۲۵.....	۵.۷ فصول سال و عدم مصئونیت غذایی.....
۱۲۵.....	۱.۵.۷ تفاوت های موسمی یا فصلی.....
۱۲۶.....	۲.۵.۷ تفاوت ها بین برداشت حاصل و فصول کم حاصلی.....
۱۲۸.....	۶.۷ فیصدی نفوس نامصئون غذایی به اساس محل اقامت و فصل زراعتی.....
۱۲۹.....	۷.۷ صرف غذا.....
۱۲۹.....	۱.۷.۷ تنوع غذایی.....
۱۳۱.....	۲.۷.۷ نمره مصرف غذا.....
۱۳۲.....	۳.۷.۷ سهم گروپ های مختلف غذایی در تامین کالوری.....
۱۳۳.....	۸.۷ میزا گرسنگی خانوار.....
۱۳۴.....	۹.۷ مجادله با صدمات.....
۱۳۴.....	۱.۹.۷ مقابله برای امرار معیشت.....
۱۳۶.....	۲.۹.۷ استراتیژی های مقابله با کاهش غذا.....

۱۳۹.....	۸. تعلیم و تحصیل.....
۱۳۹.....	۱. مقدمه.....
۱۴۱.....	۲.۸ حضوریابی در تعلیم.....
۱۴۱.....	۱.۲.۸ معرفی.....
۱۴۲.....	۲.۲.۸ میزان حضوریابی خالص.....
۱۴۵.....	۳.۲.۸ میزان حضوریابی ناخالص.....
۱۴۶.....	۴.۲.۸ توقع دوران مکتب.....
۱۴۶.....	۵.۲.۸ اشتراک در تعلیم و آموزش.....
۱۴۷.....	۶.۲.۸ مکاتب خانگی.....
۱۴۸.....	۷.۲.۸ تغییر در دوره تعلیم.....
۱۵۱.....	۸.۲.۸ روندهای حضوریابی تعلیمی.....
۱۳۵.....	۳.۸ عدم حضوریابی تعلیمی.....
۱۵۳.....	۱.۳.۸ اطفال خارج از مکتب.....
۱۵۴.....	۲.۳.۸ عدم حضوریابی: دلایل و علل.....
۱۵۹.....	۴.۸ دستیابی تعلیمی و تحصیلی.....
۱۶۲.....	۵.۸ سواد.....
۱۶۲.....	۱.۵.۸ سواد جوانان و بزرگسالان.....
۱۶۴.....	۲.۵.۸ روند سطوح سواد.....

۱۶۷.....	۹. صحت.....
۱۶۸.....	۱. مقدمه.....
۱۶۸.....	۲.۹ دسترسی به خدمات صحتی.....
۱۷۴.....	۳.۹ استفاده از خدمات صحتی.....
۱۷۴.....	۱.۳.۹ مراقبت داخل بستر.....
۱۷۷.....	۲.۳.۹ مراقبت خارج بستر (سرایا).....
۱۷۹.....	۳.۳.۹ ادویه جات.....
۱۸۱.....	۴.۹ صحت مادر و طفل.....
۱۸۱.....	۱.۴.۹ مراقبت قبل از ولادت.....
۱۸۹.....	۲.۴.۹ حضور کارمند ماهر صحتی در زمان ولادت و محل ولادت.....
۱۹۴.....	۳.۴.۹ تنظیم خانواده.....
۱۹۶.....	۴.۴.۹ مراقبت طفل.....
۱۹۹.....	۵.۹ معلولیت.....
۱۹۹.....	۱.۵.۹ اندازه گیری معلولیت.....
۱۹۹.....	۲.۵.۹ شیوع و الگوی معلولیت.....
۲۰۲.....	۳.۵.۹ انواع معلولیت.....
۲۰۵.....	۴.۵.۹ همبستگی معلولیت.....

۲۰۷.....	۱۰ مسکن و تسهیلات خانوار.....
۲۰۸.....	۱. مقدمه.....
۲۰۹.....	۲.۱۰ نوع تصرف و مشخصات مسکن.....
۲۰۹.....	۱.۲.۱۰ تصرف.....
۲۱۰.....	۲.۲.۱۰ مشخصات مسکن.....

۲۱۵.....	۳.۱۰ تسهیلات خانوار.....
۲۱۵.....	۱.۳.۱۰ آب و بهداشت.....
۲۲۸.....	۲.۳.۱۰ سایر تسهیلات خانوار.....

۲۳۵.....	۱.۱ چالش ها و راهکار های خانوار.....
۲۳۵.....	۱.۱.۱ مقدمه.....
۲۳۶.....	۲.۱.۱ درک وضعیت زندگی.....
۲۳۶.....	۱.۲.۱.۱ وضعیت اقتصادی خانوار.....
۲۳۶.....	۲.۲.۱.۱ رضایت از پولیس در ولسوالی.....
۲۳۷.....	۳.۲.۱.۱ احساس امنیت در ولسوالی.....
۲۳۸.....	۳.۱.۱ تکانهای های خانوار و راهکار مقابله.....
۲۳۸.....	۱.۳.۱.۱ تکان های خانوار.....
۲۴۳.....	۲.۳.۱.۱ راهکار های مقابله.....
۲۴۵.....	۴.۱.۱ اولویت های انکشاف جامعه.....

۲۴۹.....	ضمیمه ۱ اشخاصیکه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان شامل بودند.....
۲۴۹.....	۱.۱ کارمندان اداره ملی احصائیه و معلومات.....
۲۴۹.....	۲.۱ کارمندان آیکان.....
۲۴۹.....	۳.۱ کمیته رهبری.....
۲۵۰.....	۴.۱ کمیته تخنیکي مشورتی.....
۲۵۰.....	۵.۱ مولفین فصل ها.....

۲۵۱.....	ضمیمه ۲ پوشش موضوعات در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ الی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....
۲۵۳.....	ضمیمه ۳ پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ – ۹۶.....
۲۳۵.....	۱.۳ پرسشنامه های خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان.....
۲۹۸.....	۲.۳ پرسشنامه شورای مردانه سروی وضعیت زندگی در افغانستان.....
۳۰۴.....	۳.۳ پرسشنامه قیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان.....

۳۰۷.....	ضمیمه ۴ طرح نمونه و تطبیق آن.....
۳۰۷.....	۱.۴ مقدمه.....
۳۰۷.....	۲.۴ چوکات نمونه.....
۳۰۷.....	۳.۴ حجم نمونه.....
۳۰۷.....	۴.۴ طبقه بندی.....
۳۰۸.....	۵.۴ حجم و تعداد خوشه ها.....
۳۰۸.....	۶.۴ مراحل نمونه گیری و پروسه انتخاب.....
۳۰۹.....	۷.۴ تطبیق طرح نمونه.....
۳۱۰.....	۸.۴ محاسبه کردن وزن های نمونه و طبقه بندی بعدی.....
۳۱۰.....	۱.۸.۴ نفوس ساکن.....
۳۱۳.....	۲.۸.۴ نفوس کوچی.....
۳۱۳.....	۳.۸.۴ وزن های متحولین.....

۳۱۵.....	ضمیمه ۵ استفاده جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و جی آی اس در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....
۳۱۵.....	۱.۵ ارزیابی تخنیکي.....
۳۱۵.....	۱.۱.۵ معرفی.....
۳۱۶.....	۲.۱.۵ یافته های اصلی ارزیابی.....
۳۱۸.....	۲.۵ درس های آموخته شده اصلی.....

۳۱۹.....	ضمیمه ۶ جداول نفوس.....

۳۲۵.....	ضمیمه ۷ روش اندازه گیری فقر با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....
۳۲۵.....	۱.۷ میتودولوژی.....
۳۲۵.....	۲.۷ تشکیل مجموع مصرف با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....
۳۲۵.....	۱.۲.۷ اجزای غذایی.....
۳۲۶.....	۲.۲.۷ اجزای غیر غذایی.....
۳۲۶.....	۳.۲.۷ کالای مصرفی با دوام.....
۳۲۷.....	۴.۲.۷ مسکن.....
۳۲۷.....	۵.۲.۷ تحلیل مجموع مصرف.....
۳۲۸.....	۳.۷ خط فقر.....

۳۲۹.....	۱.۳.۷ خط فقر غذایی.....
۳۲۹.....	۲.۳.۷ اجزای غیر غذایی خط فقر.....
۳۳۰.....	۳.۳.۷ تعیین خط فقر ملی.....
۳۳۱.....	ضمیمه ۸ روش تحلیل مصئونیت غذایی.....
۳۳۳.....	ضمیمه ۹ تضمین و ارزیابی کیفیت.....
۳۳۳.....	۱.۹ مقدمه.....
۳۳۳.....	۲.۹ تضمین کیفیت.....
۳۳۸.....	۳.۹ خطاء نمونه گیری.....
۳۴۲.....	۴.۹ خطاهای غیر نمونه گیری.....
۳۴۲.....	۱.۴.۹ نظر اجمالی در مورد خطاهای ممکن غیر نمونه گیری.....
۳۴۴.....	۲.۴.۹ ارزش های از دست رفته.....
۳۴۷.....	ضمیمه ۱۰ مفاهیم و تعاریف.....
۳۵۳.....	مفاهیم و تعاریف.....

لیست جداول

۹.....	۲. میتودولوژی و عملیات سروی.....
۱۰.....	جدول ۱.۲ بخش های پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....
۱۰.....	جدول ۲.۲ بخش های پرسشنامه شورای مردانه سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵.....
۱۹.....	۳. نفوس و خانوار ها.....
۲۲.....	جدول ۱.۳ نفوس، به تفکیک گروه عمده سنی، جنسیت و محل اقامت.....
۲۶.....	جدول ۲.۳ خانوار ها و تعداد وسطی اعضای در هر خانوار به تفکیک محل اقامت.....
۲۸.....	جدول ۳.۳ خانوار ها، به تفکیک نوع و محل اقامت.....
۲۸.....	جدول ۴.۳ نفوس، به تفکیک قرابت به رئیس خانوار.....
۳۱.....	جدول ۵.۳ نفوس به تفکیک جنس، حالت مدنی و محل اقامت.....
۳۲.....	جدول ۶.۳ نفوس به تفکیک جنس، حالت مدنی، و گروه عمده سنی.....
۴۷.....	۴. بازار کار.....
۵۱.....	جدول ۱.۴ نفوس سن کار (۱۴ و بالاتر)، به تفکیک محل اقامت، جنس و به تفکیک وضعیت اقتصادی (به هزار) و میزان مشارکت نیروی کار.....
۵۷.....	جدول ۲.۴ نیروی کار به تفکیک محل اقامت، جنس و وضعیت اقتصادی.....
۵۸.....	جدول ۳.۴ شاخص های نیروی کار، به تفکیک محل اقامت و، جنس.....
۵۸.....	جدول ۴.۴ نیروی کار به تفکیک گروه سن ده سال و جنس.....
۶۴.....	جدول ۵.۴ نفوس شاغل به تفکیک وضعیت استخدام، و به تفکیک محل اقامت و جنس.....
۷۲.....	جدول ۶.۴ اوسط و میانه ساعات کاری هفته وار نفوس شاغل به تفکیک محل اقامت و جنس.....
۷۹.....	۵. زراعت و مالداری.....
۸۱.....	جدول ۱.۵ خانوار های (الف) دارای زمین آبی بوده و خانوار های (ب) به زمین های آبی دسترسی دارند، توسط مالکیت / دسترسی به زمین آبی، مساحت زمین (به فیصد)؛ اوسط و میانه مساحت زمین آبی (به جریب).....
۸۶.....	جدول ۲.۵ محصولات به دست آمده از زمین زراعتی آبی، به تفکیک نوع محصول و فصل حاصلخیزی (به هزار تُن).....
۸۷.....	جدول ۳.۵ خانوار های (الف) دارای زمین های للمی و (ب) خانوار های که به زمین های للمی دسترسی دارند، بر اساس ملکیت/ دسترسی به زمین للمی، مساحت زمین (به فیصدی)، اوسط و میانگین مساحت زمین للمی (به جریب).....
۸۸.....	جدول ۴.۵ محصولات زمین های للمی براساس نوع حاصل (به هزار تُن).....
۸۹.....	جدول ۵.۵ خانوار های دهقان براساس طبقه بندی مخارج زراعت و همچنین اوسط و میانه مخارج زراعت.....
۹۱.....	جدول ۶.۵ خانوار ها، براساس ملکیت/دسترسی به باغ، مساحت باغ (به فیصد)؛ همچنان اوسط و میانه مساحت باغ ها (به جریب).....
۹۱.....	جدول ۷.۵ میوه جات و سایر محصولات باغ ها (به هزار تُن).....
۹۲.....	جدول ۸.۵ مالداری، براساس نوع حیوان و سروی سرشماری ها (به هزار).....
۹۳.....	جدول ۹.۵ مواشی فروخته شده در سال قبل از انجام سروی بر اساس نوع حیوان و سال سروی (به هزار).....
۹۴.....	جدول ۱۰.۵ فروش محصولات حیوانی در ماه قبل از انجام سروی بر اساس نوع محصول حیوانی و بر اساس سال سروی (به تُن).....
۹۷.....	۶. فقر.....
۹۹.....	جدول ۱.۶ مناطق و ولایات شامل در تخمین فقر.....
۱۰۳.....	جدول ۲.۶ شاخص های فقر براساس سروی (به فیصدی).....
۱۰۵.....	جدول ۳.۶ محدوده مصارف (براساس قیمت های ۲۰۱۶ به افغانی)، گروه های پنج گانه توزیع و براساس سال سروی (به افغانی).....
۱۱۳.....	جدول ۴.۶ میزان فقر، سهم در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس وضعیت فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار.....
۱۱۷.....	۷. مصئونیت غذایی.....
۱۱۸.....	جدول ۱.۷ نفوس، به اساس محل اقامت و وضعیت مصئونیت غذایی (به میلیون و به فیصدی).....
۱۱۹.....	جدول ۲.۷ نفوس، به اساس محل اقامت زون و وضعیت غذایی (به هزار و به فیصدی).....
۱۲۳.....	جدول ۳.۷ نفوس، به اساس منبع عایداتی خانوار و سطح فقر و نداشتن دارایی و عدم مصئونیت غذایی (به فیصدی).....
۱۲۴.....	جدول ۴.۷ نفوس، به تفکیک وضعیت فعالیت اقتصادی رئیس خانوار و وضعیت مصئونیت غذایی (به فیصدی).....
۱۲۵.....	جدول ۵.۷ نفوس، به تفکیک محل اقامت زون و وضعیت مصئونیت غذایی.....
۱۳۰.....	جدول ۶.۷ نمره میانه تنوع رژیم غذایی، فیصدی نفوس دارای خانوار های که دارای تنوع پایین غذایی هستند و فیصدی نفوس که از گوشت، لبنیات و سبزیجات استفاده نمیکنند، به اساس متغیر های گذشته.....

جدول ۷.۷	فیصدی نفوس، به تفکیک متغیرهای پس منظر انتخابی، و گروپ نمره بی مصرف غذایی (به فیصد)	۱۳۱
جدول ۸.۷	فیصدی نفوس با کمبود پروتئین، کیلو کالوری و کمبود همزمان پروتئین-کیلو کالوری و اوسط روزهای مصرف غذای غنی از پروتئین، به اساس گروپ مصرف غذا	۱۳۲
جدول ۹.۷	نفوس به اساس متغیرهای گذشته مورد نظر و به اساس گروپ میزان گرسنگی خانوار و اجزای میزان گرسنگی خانوار (به فیصد)	۱۳۴
جدول ۱۰.۷	نفوس، به اساس استراتیژی مجادلوی معیشتی و به اساس محل اقامت (به فیصد)	۱۳۵
جدول ۱۱.۷	نفوس که از استراتیژی های مجادلوی استفاده میکنند، به تفکیک محل اقامت و نوع استراتیژی (به فیصد)	۱۳۵
جدول ۱۲.۷	شاخص استراتیژی مجادله به تفکیک متغیرهای گذشته خانوار مورد نظر و به تفکیک سطح مقابله (به فیصد)	۱۳۷

۸. تعلیم و تحصیل		
جدول ۱.۸	میزان حضوربایی خالص و میزان حضوربایی غیر خالص، به تفکیک سطح تعلیم، محل سکونت و جنسیت (به فیصد)؛ شاخص تساوی جنسیتی، به تفکیک سطح تعلیم، محل سکونت	۱۴۳
جدول ۲.۸	شاخص های تغییر تعلیم، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصد)	۱۵۰
جدول ۳.۸	نفوس دارای سن ۲۵ سال و بزرگتر از آن، به تفکیک دستیابی تعلیمی و تحصیلی و جنسیت (به هزار و به فیصد)	۱۶۰
جدول ۴.۸	میزان سواد بزرگسالان، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصد)؛ شاخص های تساوی جنسیت به تفکیک محل سکونت	۱۶۲
جدول ۵.۸	میزان سواد جوانان، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصد)؛ شاخص های مشارکت جنسیت، به تفکیک محل سکونت	۱۶۴

۹. صحت		
جدول ۱.۹	نفوس به اساس نوع مراکز خدمات صحتی، مدت سفر به مراکز صحتی با استفاده از هر وسیله نقلیه، و به تفکیک محل اقامت (به فیصد)	۱۷۰
جدول ۲.۹	اوسط و میانه مصارف یک طرفه به مراکز صحتی به تفکیک محل اقامت و نوع مرکز صحتی (به افغانی)	۱۷۱
جدول ۳.۹	حضور کارمندان به تفکیک مراکز صحتی، نوع کارمندان و به تفکیک محل اقامت (به فیصد)	۱۷۳
جدول ۴.۹	تعداد دفعات که اشخاص در شفاخانه بستری گردیده اند، به تفکیک جنسیت	۱۷۴
جدول ۵.۹	مراجعه مریضان بستری به شفاخانه به تفکیک امراض قابل معالجه و به تفکیک جنسیت (به فیصد)	۱۷۶
جدول ۶.۹	مراجعه مریضان بستری به شفاخانه به تفکیک دلیل بستری شدن و به تفکیک محل اقامت (به فیصد)	۱۷۷
جدول ۷.۹	مریضان غیر بستری، به تفکیک امراض که جهت تداوی آن مراجعه نموده اند و به تفکیک جنسیت (به فیصد)	۱۷۸
جدول ۸.۹	مریضان غیر بستری، به تفکیک امراض که جهت تداوی آن مراجعه نموده اند و به تفکیک (به فیصد)	۱۷۸
جدول ۹.۹	ادویه جات که مریضان غیر بستری به دست آورده اند، به تفکیک محلات که ادویه عرضه میکنند و محل اقامت	۱۸۱
جدول ۱۰.۹	اوسط دفعات مراجعه زنان برای مراقبت های قبل از ولادت با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی، محل اقامت، فیصدی با یکبار ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که ۴ مرتبه مراقبت های قبل از ولادت را دریافت نموده باشند، به تفکیک محل اقامت	۱۸۲
جدول ۱۱.۹	زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی، به تفکیک محل آراین ولادت و به تفکیک محل اقامت	۱۹۳
جدول ۱۲.۹	میزان وقوع معلولیت به تفکیک گروپ سنی دارای تفاوت پنج سال، و جنسیت (به فیصد)؛ شاخص تساوی جنسیتی و معلولیت به تفکیک گروپ سنی	۲۰۰
جدول ۱۳.۹	میزان معلولیت در فعالیت های مشخص به تفکیک جنسیت (به فیصد)	۲۰۴
جدول ۱۴.۹	شش محدودیت شدید و متوسط به تفکیک جنسیت و عامل محدودیت (به فیصد)	۲۰۵

۱۰ مسکن و تسهیلات خانوار		
جدول ۱.۱۰	خانوار ها، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع تصرف منزل (به فیصد)	۲۰۷
جدول ۲.۱۰	خانوار ها، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع تصرف منزل (به فیصد)	۲۰۹
جدول ۳.۱۰	خانوار ها، به تفکیک محل اقامت، و به تفکیک مواد اساسی ساختمان دیوار های بیرونی منازل (به فیصد)	۲۱۰
جدول ۴.۱۰	خانوار ها، به تفکیک محل اقامت، و به تفکیک نوع مواد ساختمانی سقف منازل (به فیصد)	۲۱۲
جدول ۵.۱۰	خانوار ها به تفکیک محل اقامت و به تفکیک مواد ساختمانی اساسی سطح منازل (به فیصد)	۲۱۲
جدول ۶.۱۰	نفوس، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک خدمات آب آشامیدنی (به فیصد)	۲۱۶

جدول ۷.۱۰ نفوس به تفکیک محل اقامت و به تفکیک منبع آب آشامیدنی (به فیصد).....	۲۱۸
جدول ۸.۱۰ خانوار ها به تفکیک محل اقامت و به تفکیک زمان برگشت جهت تهیه آب آشامیدنی (به فیصد).....	۲۱۹
جدول ۹.۱۰ خانوار ها در ولایات انتخاب شده، به تفکیک متحول های پیشینه، و به تفکیک سطح خط آلودگی با مدفوع بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای که در منبع آب آشامیدنی شناسایی شد (به فیصد).....	۲۲۱
جدول ۱۰.۱۰ خانوار ها در ولایات انتخاب شده، به تفکیک معلومات قبلی متحولین انتخاب شده و به تفکیک سطح خطر آلودگی با مدفوع بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای که در آب آشامیدنی تثبیت شده است (به فیصد).....	۲۲۳
جدول ۱۱.۱۰ فیصدی خانوار ها در ولایات انتخاب شده که دارای مشخصات آب آشامیدنی هستند (الف) سالم، (ب) قابل دسترس در حویلی، (ج) قابل دسترس در هنگام ضرورت، (د) عاری از آلودگی به مدفوع (و) مدیریت شده سالم به تفکیک محل اقامت.....	۲۲۴
جدول ۱۲.۱۰ نسبت نفوس به تفکیک محل اقامت و به تفکیک خدمات سیستم فاضلاب (به فیصد).....	۲۲۶
جدول ۱۳.۱۰ نفوس، براساس دسترسی به توالی اصلی و براساس محل اقامت (به فیصد).....	۲۲۷
جدول ۱۴.۱۰ نفوس، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک دسترسی به منابع مختلف برق در ماه گذشته (به فیصد).....	۲۲۹
جدول ۱۵.۱۰ نفوس، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک استفاده از مواد سوخت غیر جامد برای پخت و پز، تسخین در زمستان و تنویر (به فیصد).....	۲۳۲

۱۱. چالش ها و راهکار های خانوار..... ۲۳۵

جدول ۱.۱۱ فیصدی خانوار های که تکان خانوادگی را به تفکیک سال سروی، محل سکونت و به تفکیک نوع تکان تجربه نموده اند.....	۲۴۱

ضمیمه ۴ طرح نمونه و تطبیق آن..... ۳۰۷

جدول ۱.۴ ولسوالی های که از چوکات نمونه بمنظور نمونه احتیاطی خارج ساخته شده اند.....	۳۰۹

جدول ۲.۴ خانوار های مصاحبه شده به تفکیک فصل (تقویم شمسی).....	۳۱۰

ضمیمه ۵ استفاده جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و جی آی اس در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵..... ۳۱۵

جدول ۱.۵ مختصات جغرافیایی خوشه های نمونه بر اساس مکان (فیصدی).....	۳۱۷

ضمیمه ۶ جداول نفوس..... ۳۱۹

جدول ۱۶ نفوس به تفکیک پنجساله سن، محل اقامت و جنس (ارقام به هزار).....	۳۱۹

جدول ۲۶ نفوس به تفکیک پنجساله سن، محل اقامت و جنس (ارقام به فیصدی).....	۳۲۰

جدول ۳۶ نفوس به تفکیک گروپ های سنی و جنس (ارقام به هزار).....	۳۲۱

ضمیمه ۷ روش اندازه گیری فقر با استفاده از سروی وضعیت زنده گی افغانستان ۱۳۹۵..... ۳۲۵

جدول ۱.۷ میانه ارزش گزارش شده و تخمین شده خانه، براساس نوع مسکن (به افغانی).....	۳۲۷

جدول ۲.۷ سبد نیاز های اولیه ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری * ۱۳۸۶.....	۳۲۹

جدول ۳.۷ شاخص های فقر در افغانستان.....	۳۳۰

ضمیمه ۹ تضمین و ارزیابی کیفیت..... ۳۳۳

جدول ۱.۹ معیار ها و ابعاد تضمین کیفیت در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵.....	۳۳۴

جدول ۲.۹ خطاء های نمونه گیری و درجه اطمینان برای شاخص های انتخاب شده.....	۳۳۹

جدول ۳.۹ فیصدی ارزشهای از دست رفته برای متغیرین منتخب.....	۳۴۴

۱. معرفی

- شکل ۱.۱ رشد واقعی تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص ملی در هر شخص، ۱۳۹۵-۱۳۸۶.....
- شکل ۲.۱ تلفات جنگ و ثبت شرکت های جدید، ۱۳۹۵-۱۳۸۶ (به هزار).....
- شکل ۳.۱ جراحات و تلفات و اشخاص بیجا شده داخلی به اثر منازعات، ۱۳۹۵-۱۳۸۶ (به هزار).....
- شکل ۴.۱ میزان رشد سالانه، ۱۳۹۵-۱۳۸۶ براساس سکتور اصلی اقتصادی (به فیصد).....
- شکل ۵.۱ مهاجرین افغان براساس سال مهاجرت و براساس نوع مهاجرت (به هزار).....

۲. میتودولوژی و عملیات سروی

- شکل ۱.۲ پوشش سروی، بر اساس ناحیه و سطح پوشش.....
- شکل ۲.۲ نرم افزار درج معلومات سیستم پروسس احصائیه و سروی (CSPPro).....
- شکل ۳.۲ ولایت کاپیسا، معلومات جی پی اس و خوشه های سروی.....

۳. نفوس و خانوار ها

- شکل ۱.۳ نفوس، به تفکیک سال سروی و محل اقامت (به فیصد).....
- شکل ۲.۳ نفوس، به تفکیک جنس و سال واحد سن (به هزار).....
- شکل ۳.۳ نفوس، به تفکیک گروه سنی پنج سال و محل اقامت (به فیصدی).....
- شکل ۴.۳ نسبت جنس سنین مشخص به تفکیک سال های سروی.....
- شکل ۵.۳ خانوار ها، به تفکیک حجم خانوار و سال سروی (به فیصدی).....
- شکل ۶.۳ نفوس ذکور، به تفکیک گروه سنی پنج سال و به تفکیک قرابت با رئیس خانوار (به فیصدی).....
- شکل ۶.۳ نفوس اناث، به تفکیک گروه سنی پنج سال و به تفکیک قرابت با رئیس خانوار (به فیصدی).....
- شکل ۷.۳ اوسط سن سرپرستان ذکور و اناث خانوار به تفکیک حالت مدنی.....
- شکل ۸.۳ نفوس، به تفکیک جنس، حالت مدنی و گروه سنی پنج ساله (به فیصدی).....
- شکل ۹.۳ زنان سنین ۱۵ - ۴۹ سال، به تفکیک سن اولین ازدواج و به تفکیک گروههای سنی کنونی (به فیصدی).....
- شکل ۱۰.۳ زنان متاهل، به تفکیک گروههای سنی دارای تفاوت پنج سال و تفکیک سن اقرار شوهر (به فیصدی).....
- شکل ۱۱.۳ فیصدی زنان متاهل در خانوار چند زوجه به تفکیک گروه های سنی پنج ساله.....
- شکل ۱۲.۳ فیصدی افرادی که در ولایت غیر از محل تولد شان زندگی میکند (نسبت کوچ آمدن مادام العمر) به تفکیک ولایت زندگی فعلی.....
- شکل ۱۳.۳ فیصدی افرادی که در ولایت دیگری غیر از ولایت محل تولد شان زندگی میکند (نسبت کوچ کردن مادام العمر) به تفکیک ولایت محل تولد.....
- شکل ۱۴.۳ خالص تاثیر مهاجرت داخلی (نسبت خالص مهاجرت داخلی مادام العمر) بر اساس ولایت.....
- شکل ۱۵.۳ نفوس مهاجرین، بر اساس دلیل مهاجرت به منطقه سکونت فعلی، و به اساس جنسیت.....
- شکل ۱۶.۳ جمعیت، به تفکیک گروه سنی پنج سال، جنسیت و به تفکیک وضعیت مهاجرت (به فیصدی).....
- شکل ۱۷.۳ ویژه گی های پس زمینه انتخابی، به اساس وضعیت مهاجرین.....
- شکل ۱۸.۳ خانوار های برگشته از آواره گی، بر اساس مملکت پناهنده، و نوعیت مسکن در جریان آواره گی (به فیصدی).....
- شکل ۱۹.۳ فیصدی خانوار های فقیر، بر اساس وضعیت برگشت از آواره گی و کشور پناهنده.....

۴. بازار کار

- شکل ۱.۴ میزان مشارکت نیروی کار در ممالک منتخبه.....
- شکل ۲.۴ میزان مشارکت نیروی کار به تفکیک محل سکونت و جنس.....
- شکل ۳.۴ میزان مشارکت نیروی کار به تفکیک گروه های سنی پنج ساله و جنس.....
- شکل ۴.۴ میزان مشارکت نیروی کار مردان و زنان به تفکیک گروه سنی و محل سکونت.....
- شکل ۵.۴ فیصدی احتمال ریگریشن لوجستیک بر مشارکت نیروی کار افراد در سن کار.....
- شکل ۶.۴ نفوس غیرفعال اقتصادی، به تفکیک جنس و دلیل عدم فعالیت (به فیصدی).....
- شکل ۷.۴ میزان بیکاری به تفکیک گروه سنی پنج ساله و جنس.....
- شکل ۸.۴ میزان بیکاری به تفکیک محل اقامت و فصل.....
- شکل ۹.۴ فیصدی کم کاری در نفوس استخدام شده به تفکیک محل اقامت و جنس.....
- شکل ۱۰.۴ نفوس شاغل به تفکیک گروه های سنی ده ساله و حالت استخدام (به فیصدی).....
- شکل ۱۱.۴ فیصدی احتمال ریگریشن لوجستیک در استخدام آسیب پذیر نفوس کار.....
- شکل ۱۲.۴ نفوس شاغل به تفکیک سکتور کاری اقتصادی (به فیصد).....
- شکل ۱۳.۴ سکتور های فعالیت اقتصادی به تفکیک جنس (به فیصد).....
- شکل ۱۴.۴ نفوس شاغل به تفکیک جنس و گروه های عمده شغلی (به فیصد).....

شکل ۱۵.۴	نفوس شاغل به تفکیک کتگوری ساعات کاری هفته وار و به تفکیک جنس (به فیصد)	۷۳
شکل ۱۶.۴	فیصدی افراد فقیر در نفوس سن کار به تفکیک وضعیت فعالیت اقتصادی؛ فیصدی افراد فقیر در نفوس شاغل، به تفکیک وضعیت اشتغال	۷۴
شکل ۱۷.۴	نیروی کار، به تفکیک جنس و به تفکیک وضعیت کار مناسب (به فیصد)	۷۵
شکل ۱۸.۴	میزان بیکاری جوانان به تفکیک جنس و محل اقامت و به تفکیک سال های سروی	۷۷

۵. زراعت و مالداري		
شکل ۱.۵	فیصدی خانوار های مالک زمین آبی به تفکیک ولایت	۷۹
شکل ۲.۵	فیصدی خانوار های فقیر که مالک زمین های آبی اند، به تفکیک ملکیت زمین آبی	۸۲
شکل ۳.۵	خانوار های زمیندار که زمین های خویش را ترک نمودند، بر اساس دلیل عدم کشت و بر اساس سکونت (به فیصد)	۸۳
شکل ۴.۵	خانوار های که زمین آبی را میکارند، بر اساس منبع مهم آبیاری (به فیصد)	۸۴
شکل ۵.۵	فیصدی خانوار های مالک زمین للمی براساس ولایت	۸۵
شکل ۶.۵	خانوار های دارای زمین للمی که زرع ناشده باقی مانده، به تفکیک دلیل عدم کشت زمین (به فیصد)	۸۷
شکل ۷.۵	هزینه سالانه زراعت در سطح ملی بر اساس نوع تولید (به میلیون افغانی)	۸۸
شکل ۸.۵	خانواری های زارع بر اساس نوعیت زمین و مقدار کود و کود اضافی مورد ضرورت (به کیلو)	۸۹
شکل ۹.۵	فیصدی خانوار های دارای هر نوع گاو، براساس ولایت	۹۰
شکل ۱۰.۵	خانوار های مالدار، به تفکیک مواشی و سطح واکسین مواشی (به فیصد)	۹۳

۶. فقر		
شکل ۱.۶	منابع ارقام (دیتا) برای اندازه گیری فقر و میتودولوژی مربوط به آن	۹۵
شکل ۲.۶	خطوط فقر در سطح ملی، به ترتیب سال انجام سروی و اجزاء اصلی مصارف (به افغانی)	۹۷
شکل ۳.۶	تورم بیان شده به نسب قیمت ها در سال ۱۳۸۶ بر اساس سال انجام سروی و بر اساس بخش اصلی تشکیل دهنده مصارف	۱۰۰
شکل ۴.۶	سطح فقر، بر اساس سال و محل زندگی (شهر یا روستا) بیان شده به فیصد	۱۰۰
شکل ۵.۶	فیصدی تغییرات در تولید ناخالص ملی سرانه، دوره های ۱۳۸۶، تا ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵	۱۰۱
شکل ۶.۶	نفوس فقیر، براساس سروی و محل زندگی (به میلیون نفر)	۱۰۲
شکل ۷.۶	نفوس فقیر، براساس سروی و محل زندگی (به فیصد)	۱۰۲
شکل ۸.۶	مصارف سرانه - الف) مجموع مصارف، ب) مواد خوراکی، ج) مواد خوراکی - (قیمت های ۲۰۱۶)، بر اساس سال سروی، و بر اساس گروه های پنج گانه توزیع مصرف (به افغانی)	۱۰۳
شکل ۹.۶	شاخص فاصله فقر، براساس سال سروی و بر اساس محل زندگی	۱۰۴
شکل ۱۰.۶	نابرابری مصارف (شاخص جینی) بر اساس سال سروی و محل زندگی	۱۰۵
شکل ۱۱.۶	نابرابری رشد، تجزیه تغییرات میزان فقر بین سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵	۱۰۶
شکل ۱۲.۶	میزان فقر براساس منطقه، سال سروی (به فیصد)	۱۰۷
شکل ۱۳.۶	نفوس فقیر، براساس محل زندگی و منطقه (به فیصد)	۱۰۸
شکل ۱۴.۶	نفوس فقیر، براساس سال سروی، منطقه (به فیصد)	۱۰۸
شکل ۱۵.۶	میزان فقر براساس فصل (به فیصد)	۱۰۹
شکل ۱۶.۶	نرخ تورم الف) مواد خوراکی و غیر خوراکی و ب) شاخص قیمت مصرف کننده CPI برای مواد خوراکی و غیر خوراکی، بر اساس ربع سال (ربع اول = ۱۰۰)	۱۰۹
شکل ۱۷.۶	میزان فقر براساس نفوس خانوار (به فیصد)	۱۱۰
شکل ۱۸.۶	نفوس فقیر (به میلیون) و سهم آنها از مجموع نفوس کشور (به فیصد) براساس اندازه خانوار	۱۱۱
شکل ۱۹.۶	میزان فقر بر اساس ضریب وابستگی کل و وابستگی اطفال، بر اساس ظرفیت وابستگی (به فیصد)	۱۱۱
شکل ۲۰.۶	میزان فقر، سهم آن در نفوس فقیر و سهم آن در کل نفوس کشور، بر اساس میزان تعلیم و تحصیل سرپرست خانوار (به فیصد)	۱۱۲
شکل ۲۱.۶	میزان فقر، سهم آن در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس شغل سرپرست خانوار (به فیصد)	۱۱۳
شکل ۲۲.۶	میزان فقر، در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس منبع درآمد اصلی خانوار (به فیصد)	۱۱۴

۷. مصئونیت غذائی		
شکل ۱.۷	فیصدی نفوس غیر مصئون غذایی، به اساس ولایت	۱۱۷
شکل ۲.۷	فیصدی نفوس مواجه با کمبود پروتین، به اساس ولایت	۱۲۰
شکل ۳.۷	نفوس، به تفکیک محل اقامت، سال سروی و به تفکیک وضعیت مصئونیت غذائی (به فیصد)	۱۲۱

شکل ۴.۷	فیصدی نامصنوع غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل سال.....	۱۲۶
شکل ۵.۷	فیصدی نفوس نامصنوع غذایی به اساس محل اقامت و فصل سال زراعتی.....	۱۲۷
شکل ۶.۷	فیصدی نفوس نامصنوع غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل زراعتی.....	۱۲۷
شکل ۷.۷	فیصدی نفوس نامصنوع غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل سال.....	۱۲۸
شکل ۸.۷	نفوس، براساس محل اقامت، حالت غیرمصنوع غذایی و منبع تهیه غله (به فیصد).....	۱۲۹

۸. تعلیم و تحصیل.....		
شکل ۱.۸	میزان حضوریابی ابتدایی برای نفوس سنین ۶-۲۴، به تفکیک سن و جنسیت (به فیصدی).....	۱۴۲
شکل ۲.۸	میزان حضوریابی ابتدایی خالص برای (الف) ذکور و (ب) اناث، به تفکیک ولایت (به فیصدی).....	۱۴۴
شکل ۳.۸	شاخص تساوی جنسیتی نسبت های حضوریابی غیر خالص، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک سطح تعلیم.....	۱۴۵
شکل ۴.۸	توقع ادامه مکتب برای (الف) شهری، (ب) دهاتی و کوچی (ج) مجموع نفوس، با تفکیک جنسیت (در سالها).....	۱۴۶
شکل ۵.۸	فیصدی نفوس ۶ ساله و بزرگتر که در مکاتب خانگی یا مراکز سواد آموزی اشتراک نموده اند، به تفکیک گروه سنی ۵ سال و به تفکیک جنسیت.....	۱۴۸
شکل ۶.۸	نسبت پذیرش غیر خالص در تعلیمات ابتدایی، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک جنس (به فیصدی).....	۱۴۹
شکل ۷.۸	احتمال ترک تعلیمات ابتدایی، به تفکیک صنف، و به تفکیک محل سکونت و جنسیت (به فیصدی).....	۱۵۰
شکل ۸.۸ الف	میزان حضوریابی خالص ابتدایی، به تفکیک سروی و به تفکیک جنسیت (به فیصدیها).....	۱۵۲
شکل ۸.۸ ب	میزان حضوریابی خالص ثانوی، به تفکیک سروی و به تفکیک جنسیت.....	۱۵۲
شکل ۸.۸ ج	میزان حضوریابی خالص تعلیمات عالی، به تفکیک سروی و جنسیت (به فیصدیها).....	۱۵۲
شکل ۹.۸	نسبت تساوی جنسیتی میزان حضوریابی غیر خالص، به تفکیک سال سروی.....	۱۵۳
شکل ۱۰.۸	اطفال خارج از مکتب (الف) دارای سن دوره ابتدایی (ب) دارای سن دوره ثانوی، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک جنسیت (به هزار).....	۱۵۴
شکل ۱۱.۸	نفوس ۶ ساله و بزرگتر از آن که هرگز در تعلیمات اشتراک نکرده اند، به تفکیک دلایل اصلی برای عدم اشتراک (به فیصدی).....	۱۵۵
شکل ۱۲.۸	نفوس در گروه سنی ۲۴-۶ سال که تعلیمات را متوقف کرده اند، به تفکیک دلیل اصلی عدم اشتراک در آموزش در سال قبل (به فیصدی ها).....	۱۵۵
شکل ۱۳.۸	نسبت های نابرابری ریگریشن لوجستک در مورد عدم آغاز مکاتب توسط نفوس ۶ سال و بزرگتر از آن.....	۱۵۷
شکل ۱۴.۸	نسبت های نابرابری ریگریشن لوجستک عدم حضوریابی در مکاتب در سال ۲۰۱۵-۱۶ (۱۳۹۵) جمعیت سنی ۶ تا ۲۴ سال که گاهی مکتب رفته باشند.....	۱۵۹
شکل ۱۵.۸	مردها و زن ها ۱۵ سال و بزرگتر از آن، به تفکیک سن و دستیابی تعلیمی (به فیصدی).....	۱۶۱
شکل ۱۶.۸	خانوار ها، به تفکیک بلندترین دستیابی تعلیمی در خانوار (به فیصدی).....	۱۶۱
شکل ۱۷.۸	میزان سواد بزرگسالان، براساس ولایت برای (الف) مرد ها (ب) زن ها (به فیصدی).....	۱۶۳
شکل ۱۸.۸	میزان سواد بزرگسالان و جوانان، به تفکیک سال سروی و جنسیت (به فیصدی).....	۱۶۵
شکل ۱۹.۸	میزان سواد، به تفکیک سن و جنسیت؛ شاخص های مشارکت جنسیت، به تفکیک سن (به فیصدی).....	۱۶۶

۹. صحت.....		
شکل ۱.۹	نفوس، به تفکیک نوعیت مراکز صحتی، مدت سفر به مراکز صحتی با استفاده از هر نوع وسیله نقلیه، و به تفکیک سروی (به فیصدی).....	۱۶۷
شکل ۲.۹	اوسط مصارف سفر یک طرفه به مراکز صحتی به تفکیک مراکز صحتی و به تفکیک سروی (به افغانی).....	۱۷۱
شکل ۳.۹	شاخص تساوی جنسیتی برای پرسونل صحتی، به تفکیک مراکز صحتی و نوع وظیفه مسلکی صحتی و به تفکیک سروی.....	۱۷۲
شکل ۴.۹	فیصدی افراد بستری در شفاخانه در سال قبل از سروی به تفکیک گروه سنی پنج سال و به تفکیک جنسیت.....	۱۷۳
شکل ۵.۹	مراجعه مریضان بستری به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع شفاخانه (به فیصدی).....	۱۷۵
شکل ۶.۹	مراجعه مریضان غیر بستری، به تفکیک مراکز صحتی و محل اقامت (به فیصدی).....	۱۷۵
شکل ۷.۹	توصیه ادویه برای مریضان غیر بستری، به تفکیک شخص توصیه کننده ادویه و محل اقامت (به فیصدی).....	۱۷۹
شکل ۸.۹	زنان که با یک ولادت زنده در جریان سروی که حد اقل یک بار برای معاینه نزد کارمندان ماهر صحتی در جریان آخرین مورد بارداری مراجعه نموده اند، به تفکیک محل اقامت و سروی (به فیصدی).....	۱۸۰
شکل ۹.۹	فیصدی زنان که با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که مراقبت های قبل از ولادت را دریافت کرده اند (به کمک کارمندان صحتی ماهر یا غیر ماهر) در جریان آخرین مورد حاملگی به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال.....	۱۸۲
شکل ۱۰.۹	اوسط تعداد دفعات مراجعه زنان غرض دریافت مراقبت های قبل از ولادت (به کمک کارمندان صحتی ماهر یا غیر ماهر) با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال.....	۱۸۳
شکل ۱۱.۹	فیصدی زنان که با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که حد اقل یک بار مراجعه برای مراقبت های قبل از ولادت را در جریان آخرین حاملگی گزارش داده اند به تفکیک ولایت.....	۱۸۴

شکل ۱۲.۹ فیصدی زنان که با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که یک نوعی از مراقبت های تخصصی قبل از ولادت را حاصل نموده اند، به تفکیک سطح دانش..... ۱۸۵

شکل ۱۳.۹ زنان که با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که یک نوعی از مراقبت های قبل از ولادت را در جریان بارداری دریافت نموده اند، به تفکیک فراهم کننده مراقبت های صحتی و محل اقامت (به فیصدی)..... ۱۸۶

شکل ۱۴.۹ فیصدی زنان که با یک ولادت زنده در مدت پنج سال قبل از سروی که طی آخرین حاملگی واکسین تیتانوس اخذ نموده اند به تفکیک گروه های سنی با تفاوت پنج سال..... ۱۸۷

شکل ۱۵.۹ فیصدی زنان که با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که در آخرین حاملگی شان واکسین تیتانوس گرفته اند به تفکیک ولایت..... ۱۸۸

شکل ۱۶.۹ فیصدی زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی، که در آخرین حاملگی واکسین تیتانوس اخذ کرده اند به تفکیک تعداد واکسین دریافت شده و محل اقامت..... ۱۸۹

شکل ۱۷.۹ زنان با ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع کارمندان ماهر صحتی (به فیصدی)..... ۱۹۰

شکل ۱۸.۹ فیصدی زنان که با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت میکنند به تفکیک سروی ۱۳۸۲ - ۱۳۹۵..... ۱۹۱

شکل ۱۹.۹ فیصدی زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت نموده اند، به تفکیک ولایت..... ۱۹۱

شکل ۲۰.۹ فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت نموده اند، به تفکیک کارمندان ماهر صحتی و سطح تحصیلی..... ۱۹۲

شکل ۲۱.۹ فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که در خانه ولادت کرده اند، به تفکیک ولایت..... ۱۹۳

شکل ۲۲.۹ فیصدی زنانی که در مراکز صحتی ولادت نموده اند به تفکیک سروی..... ۱۹۴

شکل ۲۳.۹ فیصدی زنان که در پنج سال آخر قبل از سروی یک طفل به دنیا آورده و از روش های ضد حاملگی استفاده می نمودند، به تفکیک روش ضد حاملگی..... ۱۹۵

شکل ۲۴.۹ فیصدی زنان با یک ولادت در پنج سال آخر قبل از سروی که در حال حاضر از روش های ضد حاملگی استفاده میکنند به تفکیک روش ضد حاملگی و تفکیک استفاده از مراقبت های قبل از ولادت..... ۱۹۶

شکل ۲۵.۹ فیصدی اطفال ۰ - ۵۹ ماه که در شش ماه اخیر تابلیت یا کپسول ویتامین A دریافت کرده اند، به تفکیک ولایت..... ۱۹۷

شکل ۲۶.۹ فیصدی اطفال سنین ۰ - ۵۹ ماه که بعد از ولادت ثبت تولد شده اند، به تفکیک ولایت..... ۱۹۸

شکل ۲۷.۹ میزان وقوع معلولیت به تفکیک گروه سنی دارای تفاوت پنج سال و به تفکیک جنسیت (به فیصدی)..... ۲۰۱

شکل ۲۸.۹ فیصدی اشخاص دارای معلولیت که به معلولیت های متعدد مبتلا هستند به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال..... ۲۰۲

شکل ۲۹.۹ اشخاص دارای محدودیت های مشخص وظیفوی به تفکیک محدودیت ها در فعالیت، درجه مشکل بودن اجرای فعالیت های مشخص به تفکیک جنسیت (به فیصدی تمام نفوس)..... ۲۰۳

شکل ۳۰.۹ میزان سواد به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال، به تفکیک وضعیت معلولیت (به فیصدی)..... ۲۰۶

۱۰ مسکن و تسهیلات خانوار..... ۲۰۷

شکل ۱.۱۰ فیصدی خانوار هایی که منازل مسکونی شخصی دارند، به تفکیک ولایت..... ۲۱۰

شکل ۲.۱۰ فیصدی منازل اعمار شده از سال ۱۳۷۷ بدینسو، به تفکیک ولایت..... ۲۱۱

شکل ۳.۱۰ خانوار ها، به تفکیک تعداد اتاق در منزل و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)..... ۲۱۳

شکل ۴.۱۰ نفوس شاغل به تفکیک گروه های سنی ده ساله و حالت استخدام (به فیصدی)..... ۲۱۴

شکل ۵.۱۰ بخشی از نفوس که دسترسی به آب آشامیدنی سالم دارند، به تفکیک سروی (به فیصدی)..... ۲۱۸

شکل ۶.۱۰ فیصدی نفوس که از منابع آب آشامیدنی سالم استفاده می نمایند، به تفکیک ولایت..... ۲۱۹

شکل ۷.۱۰ منابع آب و خانوار ها در ولایات، انتخاب شده، به تفکیک سطح باکتریای ایکولای در آب آشامیدنی (به فیصدی)..... ۲۲۲

شکل ۸.۱۰ فیصدی خانوار ها در ولایاتی انتخاب شده که از منبع آب آشامیدنی سالم استفاده میکنند ، با موجودیت آب در حویلی، قابل دسترس در هنگام نیاز، عاری از آلودگی به مدفوع و مدیریت شده صحتی..... ۲۲۴

شکل ۹.۱۰ فیصدی نفوس که از سهولت های صحتی پیشرفته غیر مشترک با سایر خانوار ها، استفاده می کنند به تفکیک ولایت (به فیصد)..... ۲۲۷

شکل ۱۰.۱۰ فیصدی نفوس که به منابع مختلف برق دسترسی دارند، به تفکیک محل اقامت..... ۲۳۰

شکل ۱۱.۱۰ فیصدی نفوسبا دسترسی به شبکه برق، به تفکیک ولایت..... ۲۳۱

۱۱. چالش ها و راهکاری های خانوار..... ۲۳۵

شکل ۱.۱۱ درک نمایندگان خانوار از تغییرات اقتصادی خانوار ها به تفکیک محل سکونت، جنسیت و جهت تغییر (به فیصدی)..... ۲۳۶

شکل ۲.۱۱ رضایت نمایندگان خانوار از پولیس منطقه به تفکیک سطح رضایت و محل سکونت (به فیصدی)..... ۲۳۷

- شکل ۳.۱۱ ارزیابی امنیت ولسوالی توسط نمایندگان خانوار به تفکیک سطح امنیت و محل سکونت (به فیصدی)..... ۲۳۸
- شکل ۴.۱۱ فیصدی خانوار هایی که تکان منحصر به فرد را در ۱۲ ماه قبل از سروی به اساس ولایت تجربه نموده اند..... ۲۴۰
- شکل ۵.۱۱ فیصدی خانواری هایی که تکان آب آشامیدنی را در ۱۲ ماه قبل از سروی به تفکیک ولایت تجربه نموده اند..... ۲۴۰
- شکل ۶.۱۱ نسبت احتمال رگراسیون لوجستیک در باره وقوع تکانهای خانوار..... ۲۴۳
- شکل ۷.۱۱ خانوار هایی که یک تکان خانگی را تجربه نموده اند، به تفکیک استفاده از راهکار مقابله ای و به تفکیک محل سکونت (به فیصدی)..... ۲۴۴
- شکل ۸.۱۱ توزیع اولین اولویت انکشاف جامعه نمایندگان خانوار ها به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)..... ۲۴۶
- شکل ۹.۱۱ توزیع اولویت اول انکشافی جامعه شورای مرد ها و نمایندگان مرد و زن خانوار (به فیصدی)..... ۲۴۷
- شکل ۱۰.۱۱ اولین اولویت های انتخاب شده انکشاف جامعه توسط شورای مردان به تفکیک سال سروی (به فیصدی)..... ۲۴۷

ضمیمه ۵ استفاده جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و جی آی اس در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵..... ۳۱۵

شکل ۱.۵ مثال مختصات جغرافیایی تجسم شده در محیط جی آی اس (۱ خوشه انتخاب شده)..... ۳۱۷

ضمیمه ۷ روش اندازه گیری فقر با استفاده از سروی وضعیت زنده گی افغانستان ۱۳۹۵..... ۳۲۵

شکل ۱.۷ مجموع مصرف، با استفاده از مصرف و اجزای مصرف (فیصدی)..... ۳۲۸

لیست چوکات های متن

۱. معرفی.....
چوکات متن ۱.۱ دیدگاه ۲۰۲۰ روی باروری بلند.....
چوکات متن ۲.۱ اهداف انکشاف پایدار.....
۳. نفوس و خانوار ها.....
چوکات متن ۱.۳ کیفیت گزارش دهی سنی.....
چوکات متن ۲.۳ شاخص اهداف انکشافی پایدار ۱.۳.۵: میزان زنان دارای سنین ۲۰ - ۲۴ سال که قبل از سن ۱۵ سالگی و قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند.....
چوکات متن ۳.۳ نسبت های مهاجرت.....
۴. بازار کار.....
چوکات متن ۱.۴ تعاریف نیروی کار.....
چوکات متن ۲.۴ سود از توزیع نفوس.....
چوکات متن ۳.۴ ریگریشن لجستیک.....
چوکات متن ۴.۴ شاخص اهداف انکشاف پایدار ۲.۵.۸ - میزان بیکاری.....
چوکات متن ۵.۴ شاخص ۱.۶.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت جوانان که نه استخدام شده اند و نه شامل تحصیل و آموزش اند.....
چوکات متن ۶.۴ شاخص ۱.۵.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت استخدام غیر رسمی در شغل های غیر زراعتی اشتغال.....
چوکات متن ۷.۴ شاخص ۲.۲.۹ اهداف انکشاف پایدار: نسبت استخدام در صنایع بر مجموع استخدام.....
چوکات متن ۸.۴ شاخص ۲.۹.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت کار درصنعت توریزم پایدار از جمله تمام کار های مربوط به توریزم (به فیصدی).....
چوکات متن ۹.۴ شاخص ۲.۵.۵ اهداف انکشاف پایدار - سهم زنان در موقف ها مدیریتی (به فیصدی).....
چوکات متن ۱۰.۴ شاخص ۲.۱۰.۸ اهداف انکشاف پایدار: مالکیت حساب.....
۶. فقر.....
چوکات متن ۱.۶ سلسله گرایش های قابل مقایسه فقر: سلسله قدیمی و بازینی شده.....
چوکات متن ۲.۶ شاخص اهداف انکشاف پایدار شماره ۱.۲.۱ - بخشی از نفوس کشور که تحت فقر زندگی میکنند (به فیصد).....
۷. مصئونیت غذایی.....
چوکات متن ۱.۷ استراتیژی مقابله برای امرار معیشت.....
چوکات متن ۲.۷ شاخص استراتیژی مجادله با صدمات.....
۸. تعلیم و تحصیل.....
چوکات متن ۱.۸ سیستم تعلیمی و تحصیلی افغانستان.....
چوکات متن ۲.۸ شاخص ۱.۴.۳ اهداف انکشاف پایدار: میزان مشارکت جوانان در تعلیم رسمی و غیر رسمی و کارآموزی در ۱۲ ماه گذشته.....
۹. صحت.....
چوکات متن ۱.۹ شاخص اهداف انکشافی پایدار ۲.۱.۳ - میزان ولادت های که با همکاری پرسونل ماهر صحتی صورت گرفته اند (به فیصدی).....
چوکات متن ۲.۹ شاخص ۱.۹.۱۶ اهداف انکشاف پایدار - نسبت اطفال زیر پنج سال که تولد شان توسط یک مرجع رسمی ملکی ثبت شده است (به فیصد).....
۱۰. مسکن و تسهیلات خانوار.....
چوکات متن ۱.۱۰ شاخص ۱.۱.۱۱ اهداف انکشاف پایدار - قسمتی از نفوس شهری که در ساحات فقیر نشین، زیستگاه های غیر رسمی یا مسکن نامناسب زندگی میکنند.....
چوکات متن ۲.۱۰ دسته بندی خدمات آب آشامیدنی.....
چوکات متن ۳.۱۰ شاخص ۱.۱.۶ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوسی که از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی استفاده مینمایند (به فیصدی).....
چوکات متن ۴.۱۰ روش آزمایش آب.....
چوکات متن ۵.۱۰ تصنیف خدمات سیستم فاضلاب.....
چوکات متن ۶.۱۰ شاخص نیابتی برای شاخص ۱.۲.۶ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوسی که از خدمات سیستم فاضلاب مدیریت شده مصئون استفاده می کنند.....
چوکات متن ۷.۱۰ شاخص ۱.۱.۹ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوس دهاتی که در دو کیلو متری سرک همه فصله زندگی میکنند (به فیصد).....
چوکات متن ۸.۱۰ شاخص ۱.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار - نسبت نفوسی که دسترسی به برق دارند (به فیصد).....
چوکات متن ۹.۱۰ شاخص ۲.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار - نسبت نفوس با اتکا اساسی به مواد سوخت پاک و تکنالوژی (به فیصد).....

چوکات متن ۱۰.۱۰ شاخص ۱.ب.۵ اهداف انکشاف پايدار - بخشی از افرادی که دارای تلفون همراه اند، به تفکیک جنس (به فیصد).....	۲۳۳
چوکات متن ۱۱.۱۰ شاخص ۱.۸.۱۷ اهداف انکشاف پايدار - نسبت افرادی که از انترنت استفاده میکنند (به فیصد).....	۲۳۴
۱۱. چالش ها و راهکار های خانوار.....	
چوکات متن ۱.۱۱ تکان های خانوار.....	۲۳۹

مخففات

معلومات جدید انکشاف افغانستان	-	ADU
سروی صحت افغانستان	-	AHS
پروژه دستیابی مناطق محلی افغانستان	-	ARAP
بسته ابتدایی مراقبت های صحت	-	BPHS
سروی دموگرافیک و صحت افغانستان	-	ADHS
سروی وضعیت زندگی در افغانستان	-	ALCS
مراقبت های قبل از ولادت	-	ANC
ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان	-	ANDS
پلان ملی احصائی افغانستان	-	ANSP
بسته ابتدایی مراقبت های صحت	-	BPHS
مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر	-	CAPI
قیمت ضروریات اولیه	-	CBN
کارمند صحت عامه	-	CHW
فاصله اطمینان	-	CI
شاخص قیمت مصرفی	-	CPI
شاخص ستراتیژیک محدود سازی	-	CSI
سیستم پروسس احصائیه و سروی	-	CSPRO
اداره مرکزی احصائیه	-	CSO
اداره انکشاف بین المللی بریتانیا	-	DfID
سروی قیمت در ولسوالی	-	DPS
ساحه شمارش	-	EA
لیست ادویه جات ضروری	-	EML
بسته ضروری خدمات شفاخانه	-	EPHS
برنامه توسعهی مصون سازی	-	EPI
اتحادیه اروپا	-	EU
سازمان خوراکه و زراعت ملل متحد	-	FAO
اندازه مصرف غذا	-	FCS
نسبت حضوریی ناخالص	-	GAR
تولید ناخالص داخلی	-	GDP
نسبت شمولیت ناخالص	-	GIR
سیستم معلومات جغرافیایی	-	GIS
اداره انکشافی بین المللی کشور جرمنی	-	GIZ
حکومت افغانستان	-	GoA
شاخص تساوی جنسیتی	-	GPI
سیستم تعیین موقعیت جهانی	-	GPS
نمره تنوع غذایی	-	HDDS
مقیاس گرسنگی خانوار	-	HHS
اچ آی وی/ایدز	-	HIV/AIDS
دسته بندی بین المللی فعالیت، معلولیت و صحت	-	ICF
ICON - سکتور عامه انستیتیوت GmbH	-	ICON
دسته بندی بین المللی حالت شغلی	-	ICSE
شخص بیجا شده داخلی	-	IDP
سازمان بین المللی مهاجرت	-	IOM
دسته بندی استندرد آموزش بین المللی	-	ISCED
دسته بندی استندرد مسلکی بین المللی	-	ISCO
تکنولوژی معلوماتی و مخابرات	-	ICT
سازمان بین المللی کار	-	ILO
برنامه نظارت مشترک تأمین آب و فاضلاب	-	JMP
کیلو کالوری	-	Kcal
میزان مشارکت نیروی کار	-	LFPR
وزرات زراعت، آبیاری و مالداري	-	MAIL
اهداف انکشافی هزاره	-	MDG
سروی خوشه ای چند شاخصه	-	MICS

نسبت مرگ و میر مادران	-	MMR
وزارت معارف	-	MoE
وزارت اقتصاد	-	MoEc
وزارت مالیه	-	MoF
وزارت انرژی و آب	-	MoEW
وزارت تحصیلات عالی	-	MoHE
وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین	-	MoLSAMD
وزارت صحت عامه	-	MoPH
وزارت شهر سازی	-	MoUA
وزارت انکشاف شهری	-	MoUDA
وزارت امور زنان	-	MoWA
وزارت فواید عامه	-	MPW
وزارت احیا و انکشاف دهات	-	MRRD
میزان حضوریابی خالص	-	NAR
مؤسسات غیر دولتی	-	NGO
نسبت شمولیت خالص	-	NIR
ارزیابی چند سکتوری ملی کوچی ها	-	NMAK
سروی غذایی ملی افغانستان	-	NNS
ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری	-	NRVA
شامل نبودن در برنامه تعلیمی، کار یا آموزش	-	NEET
پلان ستراتیژیک ملی تعلیمی	-	NESP
احتمال متناسب به اندازه	-	PPS
کارمند احصائیه ولایتی	-	PSO
واحد نمونه گیری اولیه	-	PSU
کارمند احصائیه محلی	-	RSO
سروی اجتماعی-دموگرافیکی و اقتصادی	-	SDES
هدف انکشاف پایدار	-	SDG
خطای استندرد	-	SE
اوسط عمر هنگام ازدواج	-	SMAM
کمیته مشورتی تخنیکی	-	TAC
دایه محلی	-	TBA
میزان حاصلخیزی کلی	-	TFR
هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)	-	UNAMA
یونسکو	-	UNESCO
صندوق جمعیت سازمان ملل متحد	-	UNFPA
کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان	-	UNHCR
صندوق کودکان ملل متحد	-	UNICEF
دفتر ملل متحد در امور بشر دوستانه	-	UNOCHA
واحد نهایی نمونه گیری	-	USU
دالر امریکایی	-	USD
آب، فاضلاب و حفظ الصحه	-	WASH
بانک جهانی	-	WB
پروگرام جهانی غذای ملل متحد	-	WFP
سازمان جهانی صحت	-	WHO
سمپوزیم شاخص های جهانی مخابرات/تکنولوژی معلوماتی	-	WTIS

نقشه افغانستان



سروی وضعیت زندگی در افغانستان یک پروژه بلند پروازانه و طولانی ترین و جامع ترین سروی در سیستم احصای افغانستان است. این پروژه از سال ۲۰۰۳ بدینسو برای مدت بیشتر از ۱۵ سال ادامه داشته و معلومات ارزشمند در باره وضعیت زندگی افغان ها برای دولت افغانستان، جامعه مدنی، محققین و جامعه بین المللی فراهم نموده است.

محدوده سروی و هدف آن در جریان روند تطبیق، از سروی ملی خطرات و آسیب پذیری به سروی وضعیت زندگی افغان ها جهت انعکاس تکامل تدریجی آن تغییر نموده است. چنانچه سروی ملی خطرات و آسیب پذیری با درنظر داشت میتودولوژی سازمان خوراکه و زراعت ملل متحد بالای امنیت غذایی، و جلوگیری غربت تمرکز نموده که از حمایت پروگرام جهانی غذا ملل متحد برخوردار بود. در حال حاضر این سروی توسط نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان مورد حمایت مالی قرار میگیرد و به بررسی اهداف چند گانه خانواده ها توسعه یافته است که تعداد زیادی ابعاد انکشافی را تحت پوشش قرار میدهد.

گزارش فعلی نتیجه کوشش های خستگی ناپذیر تعداد زیادی از افراد میباشد که با استفاده از این فرصت از همکاری همه آنها در مراحل گوناگون سروی تشکری نموده و از آنها بیکه اسم هایشان اشتباه تحریر یافته پوزش میخواهم. مشخصاً میخواهم از افراد و نهاد های آتی الذکر تشکری نمایم. اولتر از همه میخواهم از حمایت ارزشمند و پایدار نمایندگی اتحادیه اروپا در افغانستان و به خصوص از آقای موریضو کاین آمر عملیاتی، آقای بار بارا ایگر آتشه انکشاف اقتصادی و آقای ولی محمد فرهادی مدیر برنامه در راستای تطبیق این پروژه تشکری نمایم. نمایندگی اتحادیه اروپا تمویل کننده اصلی نشر این گزارش بوده که بدون تعهد آنها امکان تهیه این گزارش غیر ممکن بوده است. همچنان میخواهم از حمایت اعضای کمیته رهبری و کمیته مشاوریت تخنیک سروی وضعیت زندگی در افغانستان تشکری و اظهار سپاس نمایم. همکاری های آنها ارزشمند بوده و از حمایت و نظریات ارزشمند آنها در جریان جلسات متعدد در زمینه راه اندازی این سروی بسیار تقدیر مینمایم.

به صورت خاص میخواهم از حمایت مداوم پروگرام جهانی غذا ملل متحد از سروی وضعیت زندگی در افغانستان یادآوری نمایم و از کمک آنها در زمینه ارایه برنامه های آموزشی و دیگر موضوعات گسترده شامل سروی تقدیر نمایم. در زمینه نقش امان الله اصیل، آمر "وی ا م" پروگرام جهانی غذا ملل متحد ارزشمند بوده است. نقش همکاران بانک جهانی از سروی فعلی وضعیت زندگی در افغانستان نهایت حمایت کننده بوده و میخواهم از خانم نان دینی کریشان و خانم کریستینا ویسر صمیمانه تشکری نمایم. از تعهد آقای رولف لیون دیجک رئیس تامین آب، بهداشت و حفظ الصحه یونیسف در قسمت تقویت محتویات این سروی و از حمایت تخنیک آقای عبدالصبور تحلیل گر واش در یونسف یک تشکری خاص مینمایم.

این سروی در برگیرنده حمایت وسیع جامعه بین المللی، تعهد مداوم متخصصین کمک های تخنیک از سکتور عامه انستیتوت آیکان و به خصوص رهبری تیم روبرت بینچینی بوده است. کسیکه ظرفیت وسیع خویش را در حمایت از تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان داده است. شخص دیگری که باید از تعهدات با ارزش آن سپاسگزاری نمود، آقای بارت دی برویجن، تصحیح کننده ارشد این گزارش میباشد. همکاری های او در جریان سالهای متمادی یکی از دارایی های ارزشمند برای اداره بوده است. همچنان میخواهم از همکاری آقای فرانک ایلین از جهت پروسس معلومات تشکری نمایم و مخصوصاً از اشتیاق خاتمه ناپذیر آقای کریستوف دیتریج جهت بهبود پروسه های کلیدی این سروی تشکری مینمایم.

البته میخواهم از فعالیت کارمندان اداره مرکزی احصایه در راه اندازی این سروی و به خصوص از آقای عصمت الله حکیمی، آقای احمد خالد امرخیل و آقای منیر جمشیدی از تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان تشکری نمایم. همچنان از زحمات و تعهد آقای وحید الله ابراهیمی از بخش دیتابیس، آقای زیر از بخش اذخال ارقام و خانم شکیبا از بخش سیستم معلومات جغرافیای که در جریان این روند سروی انجام داده اند تشکری نمایم.

بدرنظر داشت ارایه این گزارش، میخواهم از تمام همکاران و تحلیل گران این سروی هریک: اندریو گیر مین سی، نان دینی کریشان، زیحاو وانگ و کریستینا ویسر از بانک جهانی؛ امان الله اصیل از پروگرام جهانی غذا ملل متحد، روبرت باین از یونسف، احمد خالد امرخیل و عصمت الله حکیمی از اداره مرکزی احصایه؛ روبرت بینچینی، کریستوف دیتریج، فرانک ایلین، و بارت دی برویجن از به صورت خاص اظهار سپاس و تشکری نمایم. همچنان با استفاده از فرصت از حمایت فامیل های مولفین این گزارش، آنها که هفته ها با اداره مرکزی احصایه جهت ترتیب این گزارش همکاری نموده اند نیز تشکری نمایم.

در اخير ميخواهم از تمام كارمندان ساحوي، مصاحبه دهندگان سروي كه بدون آنها تطبيق اين سروي ممكن نبود تشكري كنم و همچنان واقعاً ميخواهم از شما خوانندگان عزيز كه مشتاق درك وضعيت زندگي مردم افغانستان هستيد و از فعاليت اداره ملي احصائيه و معلومات اظهار سپاس و امتنان نمايم.

اداره ملي احصائيه و معلومات

گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان یکی از دراز مدت ترین و جامع ترین منبع معلومات در باره وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان میباشد. در نتیجه شش سروی متواتر، اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان به طور فزاینده مجموعه از شاخص های ملی را برای دولت افغانستان، جامعه مدنی، محققین، جامعه بین المللی و احصایه های که ایجاب سروی انکشاف اقتصاد- اجتماعی را در افغانستان مینماید، فراهم نموده است. سروی صورت گرفته شامل معلومات در سطح ولایتی و ملی بوده چنانچه در دوره سروی ۱۳۹۵ به تعداد ۱۹۸۳۸ خانواده و ۱۵۵۶۸۰ فرد را در تمام کشور تحت پوشش قرار داده است. یافته های گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان منحصر به فرد و بینظیر میباشد، چنانچه این سروی شامل نفوس متحرک و خیمه نشین کوچی در افغانستان نیز میباشد. ویژگی خاص دیگری این سروی جمع آوری معلومات جاری در جریان ۱۲ ماه میباشد که تحولات فصلی را در شاخص های متعدد نیز شامل میباشد.

افغانستان یکی از جمله ۱۹۳ کشور جهان میباشد که برنامه انکشاف پایدار سال ۲۰۳۰ (۱۴۰۹) را در ماه سنبله ۱۳۹۴ امضا نمود. این برنامه ۱۵ ساله (۱۳۹۴-۱۴۰۹) چارچوب هدف انکشاف هزاره را تعویض نموده و جامعه بین المللی را جهت بدست آوردن سه هدف ذیل رهنمایی مینماید.

- خاتمه دادن فقر بسیار شدید؛
- مبارزه با عدم مساوات و بی عدالتی و
- حفظ سیاره زمین

منبع عمده نظارت بر تطبیق برنامه انکشاف پایدار در افغانستان نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان میباشد. گزارش ۱۳۹۵ سروی وضعیت زندگی در افغانستان شامل ۲۰ شاخص برای ۱۲ هدف انکشاف پایدار (SDGs) از مجموع ۱۷ هدف میباشد.

حسب گزارش های متداوم از سروی وضعیت زندگی در افغانستان و اخیراً گزارش ۱۳۹۵، بهبود قابل ملاحظه را در بسیاری از شاخص های انکشافی که شامل تعلیم و تحصیل، صحت مادران، آب و خدمات تنظیم فاضلاب میشود به ثبت رسانیده است. در حالیکه شاخص های دیگر که شامل استخدام، فقر و مصئونیت غذایی میباشد در جریان زمان دارای نوسانات بوده است. در پهلوی بهبود متداوم در بعضی شاخص ها، نتایج کنونی حاکی از رکود در بعضی دیگر از شاخص ها میباشد که نگرانی عمده در میان آنها، شاخص های آموزش و مساوات جنسیتی میباشد. برعلاوه تحلیل های سروی و وضعیت زندگی در افغانستان نشان دهنده روند متداوم تجزیه و یا قطعه قطعه شدن زمین های زراعتی میباشد، یک وضعیت نگران کننده در مارکیت نیروی کار افغانستان و افزایش گسترده عدم مصئونیت غذایی و فقر در مقایسه به سروی قبلی میباشد.

حالت رکود و خرابی را عمدتاً وخیم شدن وضعیت امنیتی در کشور، بازگشت کتله عظیم از مهاجرین، کاهش حضور کشورهای بین المللی، کاهش کمک آنها به افغانستان و وضعیت کلی اقتصاد متأثر نموده است. برعلاوه، عوامل ساختاری به شمول اشتراک اندکی زنان در اقتصاد کشور و به طور کل در جامعه، سطح پائین تعلیم و تحصیل و مهارت نیروی کار و عملکرد ضعیف نیروی کار در مارکیت از جمله عوامل مانع انکشاف در کشور اند.

همچنان رشد سریع رقم بارداری و ازدیاد نفوس وضعیت نا پایدار را برای انکشاف کشور بوجود آورده است. تحلیلات سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان دهنده آن است که عوامل فوق الذکر تلاش های انکشافی دولت و دوتر ها را حثی نموده و ظرفیت خانواده ها و افراد بخصوص زنان و دختران را جهت رهایی از فقر و سلامتی پائین، تضعیف نموده است. تعداد بیشتر و بیشتر مردم به سن قانونی کار رسیده و شامل نیروی کار میگردد، در حالیکه ظرفیت مارکیت کار جهت فراهم نمودن وظیفه برای آنها پائین میباشد. به همین ترتیب رشد سریع نفوس همچنان فشار را بالای تعلیم و تحصیل، سیستم صحتی و ساحه زمین قابل زرع نیز میگذارد.

یافته های سروی

نفوس

ساختار نفوس افغانستان را عمدتاً نیروی جوان تشکیل میدهد. تقریباً نصف نفوس یعنی در حدود ۴۸٪ آنها اطفال زیر سن ۱۵ سال تشکیل میدهد، که این شاخص افغانستان در میان چهار کشور جهان که بیشترین بخش نفوس آن اشخاص پائینتر از سن ۱۵ میباشد،

قرار میدهد. نسبت متذکره تخمین های ملی و بین المللی میزان بلند بارداری و رشد نفوس را در کشور تأیید نموده که دقیقاً افغانستان در میان کشور های با رشد بلند نفوس میباشد. به دلیل بلند بودن نفوس جوان نسبت وابستگی نفوس کشور^۱ در سطح بسیار بلند ۱۰۱ میباشد. این دلالت میکند بر اینکه هر ۱۰۰ نفر که دارای عاید اصلی بوده و سن ایشان بین ۱۵ تا ۶۴ سال میباشد باید تکافوی احتیاج ۱۰۱ جوان وابسته زیر سن ۱۵ سال و یا اشخاص بالاتر از سن ۶۵ سال را نماید. نسبت متذکره دلالت کننده جدی مانع رشد اقتصادی کشور میباشد، چنانچه از یک طرف منابع محدود جهت تعلیم و تحصیل، مراقبت های صحت و انکشاف اجتماعی نفوس جوان به مصرف رسیده و از جانب دیگر تنها یک تناسب کوچک از نفوس در فعالیت های مولد اقتصادی مصروف اند. به همین ترتیب در سطح خانواده ها، به طور نسبی تعداد کمی از افراد دارای فعالیت عایداتی بوده و منابع محدود آنها در بین اعضای متعدد خانواده شریک ساخته شده که باعث کاهش سرمایه گذاری ها در تعلیم و تحصیل، صحت و دیگر انکشافات فردی میگردد.

اوسط تعداد افراد اعضای خانواده در افغانستان ۷.۷ نفر بوده و نصف نفوس افغانستان در خانواده های با ۹ یا بیشتر اعضا زندگی مینمایند. حدود ۴۴٪ نفوس افغانستان در ساحات پرجمعیت زندگی نموده که نشان دهنده زندگی بیشتر از ۳ فرد در یک اطاق میباشد که اعضای خانواده ها را در معرض وضعیت غیر صحتی و وضعیت نامطلوب اجتماعی قرار میدهد. ازدواج در افغانستان همگانی بوده و تقریباً کمتر از یک فیصد مردان و زنان افغانستان که بالاتر از ۴۰ سال عمر دارند غیر عروسی شده اند. حدود ۸٪ زنان عروسی شده در افغانستان با شوهران چندین زنه زندگی مینمایند. ازدواج اطفال به خصوص برای دختران متداول بوده و ازدواج پیش از وقت اطفال مانع انکشاف دختران در نتیجه حاملگی قبل از وقت، منزوی ساختن اجتماعی، مانع رفتن آنها به مکتب و محدود ساختن پیشرفت مسلکی آنها میگردد. این همه دلیل آشکار و مستقیم از عدم مساوات جنسیت بوده و دلیل شمولیت آن در شاخص هدف انکشاف پایدار^۲ برای مساوات جنسیت میباشد. گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان در بین سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ نشان دهنده آن است که ۲۸٪ زنان در حال حاضر در سن ۲۰ الی ۲۴ سال قرار دارند قبل از سن ۱۸ سالگی عروسی نموده و حتی ۴٪ آنها قبل از سن ۱۵ سالگی عروسی نموده اند. (شاخص هدف انکشاف پایدار ۵.۳.۱).

ولایت کابل به خصوص پایتخت محل عمده تجمع مهاجرین داخلی و خارجی در کشور میباشد. بیشتر از یک بر سه حصه باشندگان کابل کسانی هستند که در خارج از کشور و یا جایی دیگر افغانستان تولد شده اند. این ولایت میزبان بیشتر از نیمی مهاجرین اند که بعد از تولد از محل تولد شان نقل مکان نموده اند و محل دوم جذب مهاجرین ولایات بلخ، هرات و کندهار میباشد. به طور کلی شرایط زندگی مهاجرین نسبت به غیر مهاجرین بهتر بوده چنانچه سطح فقر در آنها پائین بوده، دارای سواد بلند تر بوده و رقم اشتراک شان در مارکیت نیروی کار بلند تر میباشد. موارد فوق الذکر صرف در رابطه به مهاجرین که از خارج کشور بازگشت نموده اند صدق کرده در حالیکه در قسمت بیجاها شدگان داخلی این چنین نمی باشد.

مارکیت نیروی کار

تحلیل سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان دهنده تحت فشار بودن قابل ملاحظه مارکیت نیروی کار در افغانستان میباشد. تقریباً یک بر چهار حصه یعنی ۲۴٪ نیروی کار افغانستان بیکار میشوند. (شاخص هدف انکشاف پایدار ۸.۵.۲). اگر بیکاری را یگانه، شاید اصلی ترین، مشکل بازار کار فکر کنیم، دچار اشتباه شده ایم. حد اقل کیفیت پائین کاری و آسیب پذیری های مشخص شده آن، مولدیت پائین و وظایف با درآمد پائین نیز به همان اندازه مهم بوده و مانع خانواده ها جهت بیرون شدن از فقر و بهبود وضعیت زندگی آنها میگردد. از مجموع نفوس استخدام شده، ۲۰٪ آن دارایی درآمد کاری پائین (نیاز به کار بیشتر دارند) اند. برعلاوه، ۸۰٪ از اشتغال منحیت شغل آسیب پذیر به دلیل شرایط ضعیف و عدم مصونیت کار صنف بندی گردیده و ۶۷٪ کار در کار های غیر زراعتی از جمله کار های غیر رسمی میباشد (شاخص هدف انکشاف پایدار ۸.۵.۳). فقط ۱۳٪ نفوس شامل کار در افغانستان دارای شغل مناسب و شایسته اند. کیفیت پائین کار همچنان نشانه از یافته های رقم فقر در افراد شامل کار میباشد که بسیار کمتر از افراد بیکار است. فقر در میان نفوس شامل کار که دارایی عاید کمتر اند حتی بیشتر از نفوس بیکار میباشد. پیام عمده در این قسمت جهت بیرون شدن از فقر نه تنها فراهم کردن فرصت کاری برای نیروی بیکار میباشد بلکه همچنان فراهم کردن کار مناسب و شایسته برای تعداد بزرگ از مردم شامل کار نیز میباشد.

جوانان بیکاری که شامل تعلیم و تحصیل و برنامه های آموزشی نیستند^۳ (شاخص هدف انکشاف پایدار ۸.۶.۱). بخش عمده جوانانی را تشکیل میدهند که کار نمی کنند و همچنان مهارت های لازم نیروی کار را کسب نمی نمایند، و ممکن از نداشتن توانمندی رنج ببرند. این شاخص عمدتاً نشان دهنده آنده جوانان که در خطر بلند محرومیت از مارکیت نیروی کار و خطر بلند محرومیت اجتماعی قرار دارند، میباشد. تعداد از جوانان بیکار که شامل تعلیم و تحصیل و برنامه های آموزشی نمیشوند ۴۲٪ هر دو قشر را تشکیل میدهد که عمدتاً برای زنان جوان بیشتر میباشد. فرصت کاری به خصوص برای نیروی کار جوان کم بوده و رقم بیکاری جوانان^۴ بسیار بلند یعنی ۳۱٪ میباشد. بیکار دیگر، سطح بیکاری زنان جوان خیلی بیشتر از همسالان مرد میباشد. فکتور های بسیار بلند رشد نفوس و علاوه شدن به نفوس واجد شرایط کار در نتیجه تکمیل نمودن سن قانونی کار فشار هر چه بیشتر را بالای مارکیت کار افزایش میدهد. توقع میروید که ۳.۹ میلیون نفر در پنج سال آینده به سن قانونی کار برسند، مطابق به ارقام فعلی میزان اشتراک نیروی کار و بیکار،

^۱ نسبت وابستگی نفوس، نسبت آنده افراد وابسته (جوان تر از ۱۵ سال و یا کهن سالتن از ۶۵ سال) بر نفوس واجد شرایط کار که بین ۱۵ تا ۶۴ سال هستند میباشد.

^۲ (Sustainable Development Goal SDG)

^۳ Not in Education, Employment, or Training (NEET)

^۴ رقم بیکاری اشخاص که سن شان بین ۱۵ الی ۲۴ سال قرار دارند.

از جمله ۱.۶ میلیون آنها وارد مارکیت کار خواهند شد و از مجموع آنها در حدود ۵۴۰ هزار نفر آن بیکار باقی خواهند ماند.

در مجموع رقم اشتراک نیروی کار پائین بوده که به طور نسبی ۵۴٪ میباشد و فیصدی نیروی شامل کار بر مجموع نفوس^۵ ۴۱٪ میباشد. این شاخص ها حاکی از آن است که نسبت به کل جمعیت، تعداد نیروی بصری موجود برای تولید کالاها و خدمات کوچک میباشد که به شدت مانع توسعه بیشتر اقتصادی میگردد. عامل اصلی این شاخص های پایین، مشارکت بسیار پائین زنان در فعالیت های اقتصادی میباشد.

اشتغال در زارعت بخش عمده مارکیت کار افغانستان را تشکیل میدهد؛ چنانچه ۴۴٪ کار در سکتور زراعت بوده که ۴۳٪ تمام کارگران را کارگران زارعت تشکیل میدهد. استخدام در سکتور صنعت در مقایسه به مجموع استخدام حسب شاخص ۹.۲.۲ هدف انکشاف پایدار بسیار پائین بوده یعنی ۱۸٪ میباشد که این نشان میدهد که انتقال به یک اقتصاد پیشرفته و انعطاف پذیر هنوز هم در مرحله اولیه آن قرار دارد. سرمایه عمده دهاقین را در افغانستان زمین های زراعتی به خصوص زمین های آبی تشکیل میدهد، چنانچه زمین های متذکره نسبت به زمین های للمی بیشتر حاصلخیز میباشد. مالکیت زمین در نتیجه رشد سریع نفوس تحت فشار بلند قرار داشته که باعث قطعه قطعه شدن زمین گردیده است. تحلیل متواتر سروی ها نشان دهنده آنست که اوسط اندازه زمین های آبی در سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۷ به ۶.۷ جریب (۱.۳ هکتار) و در ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ به ۴.۹ جریب (۱.۰ هکتار) کاهش نموده است. که به این ترتیب معیشت تعداد زیاد از خانواده های کشاورز و دهقان را به خطر مواجه ساخته است.

فقر

نتایج سروی سطح زندگی در افغانستان در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ وخیم تر شدن رفاه نفوس افغانستان را به ثبت رسانده است. نسبت جمعیت که پائین تر از خط فقر زندگی مینمایند (شاخص هدف انکشاف پایدار ۱.۲.۱) از ۳۴٪ در جریان سالهای ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۷ به ۵۵٪ در سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ افزایش نموده. که بلند رفتن رقم فقر در تمام کشور یعنی در ساحات روستا نشین و شهر نشین تجربه شده است. نتایج سروی سطح زندگی در افغانستان در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳^۶ نشان دهنده آن است که بیشترین افزایش در فاصله بین دو سروی اخیر رخ داده است. این سروی نه تنها نشان دهنده افزایش سهم افراد فقیر در مجموع نفوس میباشد بلکه عمق و شدت فقر را نیز شامل میشود. وسیله اندازه گیری شدت فقر عبارت از نسبت شگاف فقر^۷ میباشد که در جریان سالهای ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ از ۷٪ به ۱۵٪ افزایش نموده که بیشتر از دو چند افزایش را نشان میدهد.

آخرین شاخص های فقر در هنگام سروی، نشان دهنده آن است که نزدیک به ۱۶ میلیون افغان در فقر زندگی مینمایند. اثرات نامطلوب رقم بالای بارداری بالای رفاه خانواده ها را میتوان در میزان فقر بسیار بلند در میان خانواده های بزرگ و خانواده های که دارای اطفال بیشتر اند به طور واضح مشاهده نمود. از سوی دیگر، آموزش و سواد بالای رفاه خانواده ها تاثیر مطلوب دارد در حالیکه بیکاری سرپرست خانواده ها با فقر بالاتر مرتبط بوده و استخدام او در مقابل فقر تضمین بوده نمیتواند. بیشتر از نصف خانواده هایی که سرپرست خانواده شان کاملاً کار می کنند، زیر خط فقر زندگی می کنند و سرپرست آنده خانواده های که با عاید کمتر کار مینمایند بیشتر فقیر اند نسبت به خانواده های که سرپرست شان بیکار است.

از دست دادن ۲۰٪ سرمایه از میان طبقه سرمایه دار نفوس بیشتر انعکاس داده میشود نسبت به توزیع آن در میان اقشار پائین جامعه. شاخص جینی یک شاخص کلیدی برای نابرابری ثروت است و توزیع ثروت میان افراد و خانواده ها را از حالت تعادل کامل الی یک^۸ اندازه گیری مینماید. شاخص جینی برای افغانستان نشان دهنده کاهش بسیار کوچک از ۰.۳۰ به ۰.۲۹ در میان سروی سالهای ۱۳۹۱ و سروی ۱۳۹۵ میباشد.

مصنویت غذایی

مصنویت غذایی توسط شاخص شماره ۱.۹ هدف انکشاف هزاره اندازه گیری میگردد (تعدادی از نفوس که پائینتر از حداقل مصرف انرژی در رژیم غذایی قرار دارند). معلومات موجود برای این شاخص از سروی قبلی امکان مقایسه روند مصنویت غذایی را فراهم میسازد. مطابق به این شاخص، عدم مصنویت غذایی از ۳۰٪ در سال ۱۳۹۱ به ۴۵٪ در سروی فعلی افزایش نموده که در حدود ۱۳٪ نفوس شدیداً در عدم مصنویت غذایی^۹ قرار دارند.

^۵ تناسب کسانیکه شامل سن قانونی کار اند و نفوس بیکار.

^۶ نتایج سروی سطح زندگی در افغانستان در بین سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳ به صورت کامل با نتایج سروی ۱۳۹۵ قابل مقایسه نبوده و به همین دلیل در سروی فعلی گزارش داده نشده است.

^۷ نسبت شگاف فقر وسیله اندازه گیری شدت فقر بوده چنانچه شامل اوسط فاصله در میان سطوح مصارف عاید سرانه نفوس و خط فقر میباشد. حدس زده میشود که هیچ فقیر دارای بیلائنس صفری نبوده- و به شکل فیصدی خط فقر نشان داده میشود.

^۸ شاخص جینی وسعت توزیع مصارف را در میان افراد و خانواده از صفر الی مساوی به یک اندازه گیری مینماید. ارزش صفر نشان دهنده مساوات مطلق میباشد که همه افراد به سطح مساوی مصرف مینمایند. در حالیکه ارزش یک نشان دهنده عدم مساوات مطلق میباشد، جاییکه تمام مصارف توسط یک شخص صورت میگیرد.

^۹ عدم مصنویت شدید غذایی به معنی مصرف کمتر از ۶۰۰ کالوری مواد غذایی در روز میباشد.

برعلاوه نگرش انرژي کافي، نزديک به یک بر سه حصه يا ۳۰٪ از نفوس قادر به خوردن حد اقل ۵۰ گرام پروتئين در یک روز نميباشند. از ۵ نفر دو نفر يعني ۳۹٪ نفوس دارای مصرف غذایي با تنوع پائين بوده که فاقد مواد مغذی کافي، پروتئين ها و مواد مغذی کوچک (ويتامين ها و منرال ها) ميباشند.

تعليم و تحصيل

سروى هاى مسلسل وضعيت زندگى در افغانستان در دهه اول بعد از سقوط رژيم طالبان نشان دهنده پيشرفت موثر در بسيارى از شاخص هاى تعليم و تحصيل بوده است. گرچه که گزارش فوق الذكر در بين سالهاى ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳ نشان دهنده کاهش در پيشرفت تعليم و تحصيل بوده است اما سروى سال ۱۳۹۵ ثابت ساخت که ساخت هاى بيشتى براى اکثر شاخص هاى تعليم و تحصيل کامل گرديده است. کاهش ميزان حضور خالص براى اولين بار در بخش تعليمات ابتدايى به مشاهده رسيده (از ۳۷٪ در سال ۲۰۰۵ به ۵۷٪ در سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۱ افزايش نموده و اکنون به ۵۶٪ کاهش نموده است). به تعقيب آن تعليمات متوسطه (از ۱۶٪ در سال ۲۰۰۵ به ۳۷٪ در سالهاى ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳ افزايش نموده و اکنون به ۳۶٪ ميرسد). در اخير تحصيلات عالى (در سالهاى ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۱ پنج فيصد بوده، در سالهاى ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳، ۹٪ بوده و در جريان سالهاى ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ به ۱۰٪ افزايش نموده است). در سال ۱۳۸۰، در مرحله اول بازسازى سيستم آموزشى که اطفال کمترى به مکتب مى رفتند، پيشرفت زيادى براى افزايش تعداد شاگردان مى توانست صورت بگيرد. بهبود و پيشرفت سيستم تعليمى هنگاميکه سطح حضور دانش آموزان افزايش نمايد، به خصوص در مناطق کمتر قابل دسترس کشور و آن مناطق که مقاومت در مقابل آموزش رسمى به ويژه آموزش دختران نشان ميدهند مشکل ميباشد. برعلاوه، بلند نگهداشتن توسعه تسهيلات آموزشى در مطابقت با رشد بلند نفوس مشکل بوده و حتى افزايش ميزان پوشش را مشکل ميسازد. به طور مثال تعداد اطفال واجد شرايط مکتب ابتدايه در ظرف شش سال آينده ۱۸ فيصد بلند تر نسبت به تعداد فعلى خواهد بود که تعليمات ابتدايه نيز نيازمند توسعه به عين فيصدى در شش سال آينده ميباشد. همچنان مکاتب ابتدايه نيازمند ۳۸٪ توسعه جهت جذب آئنده اطفال است که در حال حاضر در هيچ یک تسهيلات تعليم و تحصيل حضور ندارند.

رقم اشتراک جوانان که بين سن ۱۵ تا ۲۴ سال اند در تعليم و تحصيل رسمى و غير رسمى و آموزش هاى ۱۲ ماه گذشته يکى از شاخص هاى هدف انکشاف پايدار چهارم براى تعليم و تحصيل ميباشد (شاخص هدف انکشاف پايدار ۴.۳.۱). رقم ملّى اشتراک جوانان در تعليم و تحصيل به رقم پايين ۲۸٪ ميرسد. همانند ساير شاخص هاى تعليم و تحصيل اين شاخص عمومى نظر به محل اقامت و جنسيت تفاوت هاى زيادى را نشان ميدهد.

به اساس تحليل سروى سطح زندگى در افغانستان جهت شموليت در سيستم تعليم و تحصيل، گزار از مراحل تحصيلى و پايدار دادن به دوره تحصيلى نشان دهنده دلايل متفاوت جهت عدم شروع تحصيل در مقاطع مختلف ميباشد. دليل عمومى نرفتن اطفال به مکتب سهل انگارى و فاصله دور جهت فرستادن آنها به مکتب ميباشد (از ۳۷ و ۲۵ فيصد آنهاى که هرگز به مکتب حضور پيدا نمى کنند يادآورى گرديده است). همچنان استفاده از کودکان منحيث نيروى کار و نيازمندى خانواده ها به کار آنها از جمله دلايل عمده عدم توجه به آموزش و پايدار دادن به تحصيل آنها پنداشته ميشود. يکى از يافته هاى عمده سروى وضعيت زندگى در افغانستان برعلاوه کيفيت تحصيلى (موردى که شامل معلومات اين سروى نمى باشد) براى اکثريت شروع نکردن مکتب، همچنان عدم تداوم بيشتى و ترک تحصيل مشکل عمده سيستم تعليمى در افغانستان ميباشد. نتيجه کلى تاريخ آموزش و پرورش در افغانستان اين است که ۸۲ درصد از جمعيت بالغ در سن ۲۵ سالگى سطح تحصيلات را کامل نکرده و تنها چهار فيصد تحصيلات خویش را بالاتر از سطح تعليمات متوسطه تکميل نموده اند.

رقم سواد در بزرگ سالان بادر نظر داشت نفوس ۱۵ سال و يا بالاتر از آن، شاخص ديگرى جهت اندازه گيرى دست آورد هاى کلى سيستم تعليم و تحصيل ميباشد. حسب سروى سال ۱۳۹۵ رقم سواد در بزرگ سالان به ۳۵٪ رشد نموده است در حالیکه در سال ۲۰۰۵، ۲۴٪ بوده است. حسب نتايج آموزشى ۱۰ سال گذشته و اندازه گيرى پيشرفت هاى اخير تحصيلى، رقم سواد در بين نفوس جوان کشور، آنهاى که در بين سن ۱۵ الی ۲۴ سال عمر دارند در حدود ۵۴٪ ميباشد. در حالیکه در سال ۲۰۰۵ فيصدى متذکره ۳۱٪ بوده است که اين نشان دهنده بهبود قابل ملاحظه در رقم سواد جوانان در کشور ميباشد.

نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان بهبود مداوم و قابل توجه در مجموعه از شاخص های مراقبت صحتی به ثبت رسیده است. شاخص های مهم برای سلامتی مادران و کودکان شامل معاینات قبل از ولادت توسط یک متخصص مراقبت های صحتی و مراقبت های ویژه کودکان میباشد. هردو مراقبت های به موقع قبل از ولادت و مراقبت های زایمان به موقع دلیل عمده کاهش سطح بالایی از مرگ و میر مادران و نوزادان میباشد. مطابق به سروی وضعیت زندگی در افغانستان در جریان سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ فیصدی زنان باردار که حداقل یکبار معاینه قبل از ولادت دارند از ۲۳٪ در جریان سال ۲۰۰۵ به ۷۰٪ در حال حاضر افزایش نموده است. با این حال، تنها ۱۶٪ زنان باردار چهار بار قبل از ولادت بررسی های صحتی حسب توصیه سازمان بین المللی صحتی دریافت مینمایند. فیصدی ولادت که توسط پرسونل ماهر صحتی صورت میگیرد از ۱۷٪ در جریان سال ۲۰۰۵ به ۵۳٪ در جریان سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ افزایش نموده است (شاخص هدف انکشاف پایدار ۳.۱.۲).

افراد معلول دارای جایگاه آسیب پذیر در جامعه افغانستان بوده، مگر معلومات بسیار اندک در باره آنها قابل دسترس میباشد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان در جریان سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ شامل یک مودل جهت ارزیابی و وضعیت معلولیت در اعضای خانواده های بررسی شده میباشد. یافته های سروی نشان دهنده صنف بندی سه فیصد نفوس در جمله افراد معلول میباشد. شیوع معلولیت در اثر بلند رفتن عمر به خصوص بعد از سن ۵۰ سالگی یک مشکل عمده بوده و تقریباً یک بر چهار حصه نفوس اضافه تر از ۶۵ سال معیوب اند. شایع ترین نوع معلولیت شامل محدودیت عملیاتی جهت داشتن تحرک در چهار اطراف (قدم زدن، بالا رفتن)، دیدن، به یاد داشتن ویا تمرکز کردن میباشد. یک بر سه حصه معلولین بیشتر از یک معلولیت دارند که دلیل عمده آن مریضی، نقص مادر ذاتی و کهنسالی میباشد.

تسهیلات مسکن و خانوار

وضعیت زندگی مردم افغانستان به میزان زیادی بستگی به شرایط مسکن، از جمله امکانات برای آب آشامیدنی و بهداشت دارد. اکثریت مردم (۸۳٪) در مساکن که از مواد تعمیراتی غیر قابل دوام ساخته شده زندگی مینمایند، ۴۴٪ در وضعیت پرجمعیت زندگی نموده که به معنی زندگی سه و یا بیشتر از سه فرد در یک اطاق میباشد. بیشتر ساکنان شهری - ۷۲٪ آنها در ساحات فقیر نشین یا پرجمعیت-با مساکن غیر معیاری زندگی مینمایند. (شاخص هدف انکشاف پایدار ۱۱.۱۱)^{۱۱}

دسترسی به آب پاک، بهداشت و حفظ الصحه کافی، عوامل کلیدی در کاهش مرگ و میر و بخصوص برای کودکان خورد سال میباشد. سروی های مسلسل بهبود چشمگیر را در دسترسی به خدمات بهداشتی بخصوص آب آشامیدنی به ثبت رسانیده است. تسلسل یا ردیف شاخص انکشاف هزاره نشان میدهد که تعداد نفوس که از منابع^{۱۱} آب آشامیدنی صحیح استفاده میکنند از ۲۷ فیصد در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ به ۶۲ فیصد در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ افزایش نموده است.

شاخص هدف انکشاف هزاره در زمینه اقدامات صحتی^{۱۲} نشان دهنده بهبود از ۳۹٪ در میان سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۳ به ۵۳٪ در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶^{۱۳} میباشد

جهت اندازه گیری دسترسی مردم به آب آشامیدنی مناسب و خدمات تنظیم فاضلاب شاخص جدید در چوکات چارچوب هدف انکشاف پایدار انکشاف داده شده است. این شاخص ها، شاخص هدف انکشاف هزاره بر آب و خدمات تنظیم فاضلاب را با استفاده از معیار های اضافی برای مدیریت مصئون خدمات که تا اکنون شامل سروی وضعیت زندگی در سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ نگردیده است گسترش میدهد. در نتیجه یک تعداد از شاخص ها را به نمایندگی از آن میتوان منتشر ساخت. شاخص های نیابتی نشان میدهد که ۳۶٪ مردم از آب آشامیدنی مصئون و مدیریت شده استفاده مینمایند (هدف انکشاف پایدار ۶.۱.۱)^{۱۴} و ۴۱٪ مردم از خدمات^{۱۵} تنظیم فاضلاب مصئون استفاده مینمایند.

^{۱۰} ساحات فقیر نشین یا پرجمعیت با مساکن غیر معیاری (Slum) یا مسکن ناکافی در برگزیده مقاومت مساکن، بر جمعیت بودن، دسترسی به آب آشامیدنی و خدمات تنظیم فاضلاب، و قانونی بودن اسناد مالکیت آن می باشد.

^{۱۱} منابع بهبود یافته آب آشامیدنی منابع اند که توانایی انتقال آب آشامیدنی مصئون را نظر به طرح و ساختمان شان دارا میباشد. که شامل منابع که دارای نل دوانی یا لوله کشی میباشد و یا نمی باشند، میگردد. (مانند چاه های عمیق، چاه های و چشمه های محافظت شده، آب باران و آب های بسته بندی شده یا انتقال داده شده، مانند انتقال آب توسط تانکر ها)

^{۱۲} خدمات فاضلاب بهبود یافته عبارت از خدماتی میباشد که فاضلاب انسانی را از تماس با انسان ها دور میسازد. این تسهیلات شامل تکنالوژی بهداشتی مرطوب (تشناب های فلش دار که تشناب را به مسیر فاضلاب و یا مخزن سبتیک وصل میسازد) و یا هم تسهیلات تکنالوژی خشک (کنارآب های سوراخ دار یا تهویه مناسب، کنارآب های سر پوش دار و کنارآب های کمپوس کننده) میباشد.

^{۱۳} معلومات در باره خدمات تنظیم فاضلاب قبل از سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به اساس تعاریف مختلف بوده و با معلومات اخیر قابل مقایسه نمی باشد.

^{۱۴} شاخص ۶.۱.۱ به اساس معیار منابع آب نوشیدنی بهبود یافته (هدف انکشاف هزاره ۷.۸، پاورقی ۱۰) میباشد، موجودیت آن در محل اقامت، موجودیت آن در وقت ضرورت و عدم آلودگی. دو معیار اخیر در سروی وضعیت زندگی فعلی موجود نمیباشند.

^{۱۵} سروی وضعیت زندگی در افغانستان کیفیت آب را در ده ولایت به وسیله پرسشنامه مورد آزمایش قرار داده که محاسبه هدف انکشاف پایدار را برای آب نوشیدنی مطابق به تعریف مکمل آن ممکن ساخته است. تطبیق تعریف کامل آن شاخص نماینده یا پراکسی را در ۱۰ ولایت از ۶۸٪ (نظر به شاخص ملی از ۳۶٪) به ۲۱٪ کاهش داده.

^{۱۶} شاخص هدف انکشاف پایدار ۶.۲.۱ به اساس معیار خدمات تنظیم فاضلاب (یا ورق ۱۱)، تسهیلات مشترک و مدیریت دفع فاضلاب میباشد. معیار اخیر در سروی وضعیت زندگی در افغانستان موجود نمیباشد.

آخرین یافته های سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان میدهد که دسترسی مردم به انرژی برق تقریباً همگانی گردیده است (۹۸٪ به اساس شاخص هدف انکشاف پایدار ۷.۱.۱). سطح بالای دسترسی به برق به ویژه در اثر گسترش سریع استفاده از پنل های خورشیدی میباشد که از ۲٪ در سال ۱۳۸۷ به ۲۲٪ در سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۱ و به ۴۸٪ در سال ۱۳۹۲ افزایش نموده و اکنون به ۵۵٪ میرسد. میزان مصرف مواد سوخت پاک برای روشنایی، پخت و پز و سیستم گرمایشی هریک بالترتیب ۹۸٪، ۲۵٪ و ۴٪ نفوس میباشد (شاخص هدف انکشاف پایدار ۷.۱.۲).

شرایط فیزیکی زندگی مربوط به دسترسی به مارکیت، تسهیلات صحتی و دیگر خدمات بوده که شاید در جامعه قابل دسترس نباشد. زیرساخت های فیزیکی قابل اعتماد شامل جاده های همه فصله از جمله عوامل انکشاف اقتصادی و رفاه مردم میباشد. یکی از شاخص های مربوط به هدف انکشاف پایدار، تعداد از نفوس دهاتی است که آنها در نزدیک دو کیلومتری سرک های همه فصله زندگی مینمایند (شاخص هدف انکشاف پایدار ۹.۱.۱). طی سروی وضعیت زندگی در افغانستان در جریان سال ۱۳۹۵ به مشاهده رسیده است که ۶۳٪ نفوس دهاتی به شمول کوچی ها دسترسی به سرک های فوق الذکر الی دو کیلومتری دارند.

برنامه هدف انکشاف پایدار ۱۴۰۹ معلومات جدید و تکنالوژی معلوماتی را در پیشبرد هدف انکشاف پایدار سودمند می شناسد. سروی و وضعیت زندگی در افغانستان معلومات مربوط به دو شاخص هدف انکشاف پایدار در رابطه به تعداد افرادی که صاحب تلفون اند (شاخص هدف انکشاف پایدار ۱۰.۵b) و تعداد از افراد که از انترنت استفاده مینمایند (شاخص هدف انکشاف پایدار ۱۷.۸.۱) جمع آوری نموده است. حسب نتایج سروی ۴۳٪ نفوس افغانستان که دارایی سن ۱۵ سال یا بیشتر میباشد از تلفون های موبایل استفاده مینمایند. مگر تنها ۴٪ نفوس افغانستان که ۱۵ سال یا بیشتر میباشد طی ۱۲ ماه قبل از انترنت استفاده نموده اند.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان نه تنها معلومات را در باره وضعیت زندگی جمع آوری میکند بلکه همچنان معلومات کیفی را در باره صدماتی که توسط خانواده تجربه میشود نیز جمع آوری مینماید (به طور مثال آفات طبیعی، کمبود آب، تغییرات منفی در قیمت، از دست دادن وظیفه و مرگ اعضای خانواده میباشد) و همچنان استراتیژی مورد استفاده با این صدمات را نیز شامل میشود. برعلاوه نماینده های مرد و زن خانواده ها و شورای مرد ها در باره نیازمندی های مبرم شان که دولت باید آنرا برآورده کند، پرسیده شده اند. مطابق به سروی های قبلی، آب نوشیدنی و عرضه کافی آن نگرانی عمده بود که باید از آن یادآور شد (۲۰٪ از پاسخ دهندگان آنرا اولویت اولی انکشاف دانسته اند)، که به طور نزدیک توسط بهبودی زیربنا ها تعقیب شده است. (۱۷٪ از پاسخ دهندگان سرک و پل ها را اولویت اولی انکشاف دانسته اند) و موضوع امنیت را ۱۶٪ هدف اولی انکشاف دانسته اند. پاسخ دهندگان مرد و زن نظریات مشابه در اولویت های انکشاف داشته اند، مگر پاسخ های ارایه شده نظر به ساحات مسکونی کاملاً متفاوت بوده است. از آب نوشیدنی منحصراً اولویت انکشافی بیشتر در ساحات دهاتی نسبت به ساحات شهری و به خصوص بیشتر در میان کوچی های خیمه نشین یادآوری گردیده است. از جانب دیگر، موضوع زیربنا ها و کار نگرانی عمده به خصوص در ساحات شهری میباشد.

برابری جنسیتی

برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان یک بُعد عمده چارچوب انکشاف افغانستان و همچنان به صورت بین المللی برنامه هدف انکشاف پایدار ۱۴۰۹ را نیز تشکیل میدهد. هدف انکشاف پایدار ۵ به طور خاص جهت انکشاف این موضوع اختصاص داده شده است. اما تأکید شد که هر شاخص هدف انکشاف پایدار باید از نظر جنسیت برای اندازه گیری پیشرفت در جهت محو عدم مساوات جنسی متمایز باشد. شاخص هدف انکشاف پایدار مساوات جنسیت که توسط سروی وضعیت زندگی در افغانستان در جریان سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ تحت پوشش قرار داده شده است (شاخص هدف انکشاف پایدار ۵.۵.۲) نشان دهنده چهار فیصد سهمگیری زنان در اتخاذ تصمیم گیری در اقتصاد میباشد.

بدون استثناء، شاخص های گوناگون جنسیتی^{۱۷} که توسط نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان ایجاد شده، نشان دهنده موقف زیان بار و فرصت های محدود انکشاف برای زنان و دختران در مقایسه به پسران و مرد ها میباشد. در زمینه تحصیلات، رقم سواد آموزی بزرگسالان و جوانان طبقه انات در مقایسه به مرد ها ۰.۴۰ و ۰.۵۷ بوده و رقم حضور غیر خالص طبقه انات در تعلیمات ابتدایه، متوسطه و عالی بالترتیب ۰.۷۱، ۰.۵۱ و ۰.۳۹ در مقایسه به رقم مرد ها میباشد. رقم اشتراک زنان در مارکیت کار و رقم بیکاری زنان جوان ۰.۳۳ در مقایسه به مرد ها میباشد. سهم زنان جوان که شامل در تعلیم و تحصیل، استخدام و آموزش بالترتیب ۱.۵۵، ۱.۴۹ و ۱.۷۶ از سطح شاخص مرد ها میباشد.

^{۱۷} شاخص برابری جنسیتی به حیث نسبت در میان ارزش شاخص های مشخص دختران یا زنان یا پسران یا مردان میباشد. ساحه ارزش این شاخص در بین ۰ الی ۲ میباشد. شاخص یک دلالت کننده مساوات جنسیتی بوده و شاخص

۱. معرفی

۱.۱ معرفی سروی

اداره ملی احصائیه و معلومات بمنظور ارائه معلومات به حکومت افغانستان، جامعه مدنی و جامعه جهانی جهت نظارت پیشرفت پروژه‌های انکشافی و همچنان جهت آگاهی دهی و اولویت بندی پالیسی‌ها و برنامه‌ها، سروی وضعیت زندگی در افغانستان را که قبلاً بنام سروی ملی خطرات و آسیب پذیری یاد می‌گردید، بطور دوره‌ای راه اندازی می‌نماید. با راه اندازی دو دوره سروی در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴، سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۸۶ به یک سروی کامل و چند منظوره مبدل گردید. این سروی شاخص‌های انکشافی متعدد مانند فقر، مصونیت غذایی، عملکرد بازار کار، دموگرافی (مطالعات انسانی)، تعلیم، صحت، مساوات جنس، خانوارها و زراعت را تحت پوشش قرار می‌دهد. بنابراین، سروی وضعیت زندگی در افغانستان یگانه منبع عمده آمار اقتصادی اجتماعی در کشور پنداشته می‌شود. این سروی در ذات خود بی نظیر است طوریکه با شامل ساختن کوچی‌ها در ارقام احصائیوی، این سروی تمام نفوس افغانستان را در بر می‌گیرد. همچنان از سروی سال ۱۳۸۶ بدینسو، ارقام احصائیوی بشکل سالانه جمع‌آوری می‌گردد تا تغییرات فصلی در شاخص‌های چون اشتغال، مصونیت غذایی و فقر نیز مشخص گردد. این سروی بمنظور ارائه ارقام تخمینی در سطح ملی، ولایات و همچنان ارقام جمعیت کوچی‌ها طرح گردیده است.

با راه اندازی هر دور سروی مجموعه‌ای از شاخص‌های اصلی و معیاری را که توسط استفاده کنندگان ارقام اولویت بندی شده است، فراهم می‌کند. ارقام و معلومات همه جانبه به هدف محاسبه شاخص‌های فرعی و با راه اندازی سروی‌های پی در پی و بطور دوره‌ای جمع‌آوری می‌گردد. قاعده "دوره‌ای" در سروی در پروسه نظارت بر پیشرفت شاخص‌های انکشافی زیاد با فاصله زمانی مناسب کمک نموده و قابلیت اداره و پایداری را در سروی حفظ می‌کند. تمرکز اساسی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ روی فقر، مصونیت غذایی و معلولیت می‌باشد که ارقام جمع‌آوری شده از حمل ۱۳۹۵ الی حمل ۱۳۹۶ را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، سروی وضعیت زندگی کنونی دربرگیرنده ۲۰ شاخصی است که بمنظور نظارت از اجندای سال ۲۰۳۰ برای انکشاف پایدار انتخاب شده‌اند که افغانستان و ۱۹۲ کشور دیگر آنرا در سال ۲۰۱۵ تأیید کردند.

گزارش فعلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ جامع‌ترین و آخرین گزارش در باره وضعیت زندگی در افغانستان در کشور می‌باشد. تمرکز اصلی این گزارش در سطح ملی بوده ولی معلومات شامل در گزارش اکثراً برای جمعیت‌های مسکونی (شهری، دهاتی و کوچی‌ها) نیز تقسیم بندی می‌گردد. هرچند اکثر فصل‌های این گزارش نقشه موضوعی دارند که بیانگر توزیع شاخص‌های منتخب در سطح ولایات می‌باشد، با آنهم معلومات در سطح ولایات عمدتاً خارج از محدوده این گزارش می‌باشد. معلومات شامل در این گزارش تا حد زیادی توصیفی بوده ولی تجزیه و تحلیل متقابل سکتورهای مختلف را نیز در بر می‌گیرد. برعلاوه، در این گزارش از تجزیه و تحلیل رگرسیون که قابلیت درک تعداد شاخص‌های منتخب را بصورت چشمگیر افزایش می‌دهد، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل بیشتر و همه جانبه مخصوصاً تحلیل‌هایی که رابطه علت و اثر، نیازمند مطالعات موضوعی جداگانه می‌باشد.

گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در چندین شاخص‌های مورد مطالعه کاهش بوجود آمده ولی در شاخص‌های فقر و مصونیت غذایی تغییرات منفی جدی رونما گردیده است. بمنظور درک بهتر این تغییرات منفی، بخش ۱.۲ این گزارش موضوعات مختلف را که در فصل‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد، بصورت اجمالی به بحث گرفته است. بخش ۳.۱ سهم سروی وضعیت زندگی در افغانستان را در تهیه شاخص‌های ملی بمنظور نظارت از پیشرفت اهداف انکشاف پایدار مورد مطالعه قرار می‌دهد. همچنان بخش اخیر این فصل (۴.۱) ساختار کلی این گزارش را بیان می‌کند.

۲.۱ توسعه در افغانستان

افغانستان با سپری نمودن چند دهه جنگ و بی ثباتی‌های سیاسی به حیث یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. در سال ۱۳۹۵، سال که دورفعلی سروی وضعیت زندگی راه اندازی گردید، از جمله ۱۸۸ کشور در رده بندی توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد که مختصر از واحد اندازه گیری توسعه در بخش صحت، آموزش و پرورش و معیارهای زندگی می‌باشد، افغانستان جایگاه ۱۶۹ را بخود اختصاص داد (UNDP ۲۰۱۶). این رده بندی ضعیف بیانگر چالش‌های فراراه یک کتله بزرگ ساکنین این کشور بوده و درعین حال پیشرفت‌هایی را که از سال ۱۳۸۰ الی اکنون در سکتورهای مختلف رونما گردیده و در دوره‌های مختلف سروی وضعیت زندگی مردم و سروی ملی خطرات و آسیب پذیری به ثبت رسیده‌اند، نادیده می‌گیرد. بااینحال، براساس آخرین دور سروی‌های انجام شده چندین شاخص نه تنها کاهش را به ثبت رسانیده بلکه رشد آنها در حالت رکود قرار دارد در حالیکه این شاخص‌ها قبلاً روند رشد صعودی قوی را به ثبت رسانیده بودند. سروی کنونی همچنان بیانگر افت شدید در شاخص مصونیت غذایی و مبارزه علیه فقر می‌باشد.

علائم رکود و وخامت اوضاع اقتصادی که از نتایج سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۵ بدست آمده است، باید در سطوح عالی بحیث چالش‌های فراراه توسعه در کشور مطرح گردد مخصوصاً تحولات اخیر نظیر ناامنی و فعالیت‌های شورشیان، کاهش حمایت‌دوورها و شمار نیروهای بین‌المللی و برگشت کتله عظیم از مهاجرین به کشور از پاکستان و ایران، برعلاوه، سایر عوامل ساختاری مانند رشد سریع نفوس، فرصت‌های اندک برای اشتراک زنان در

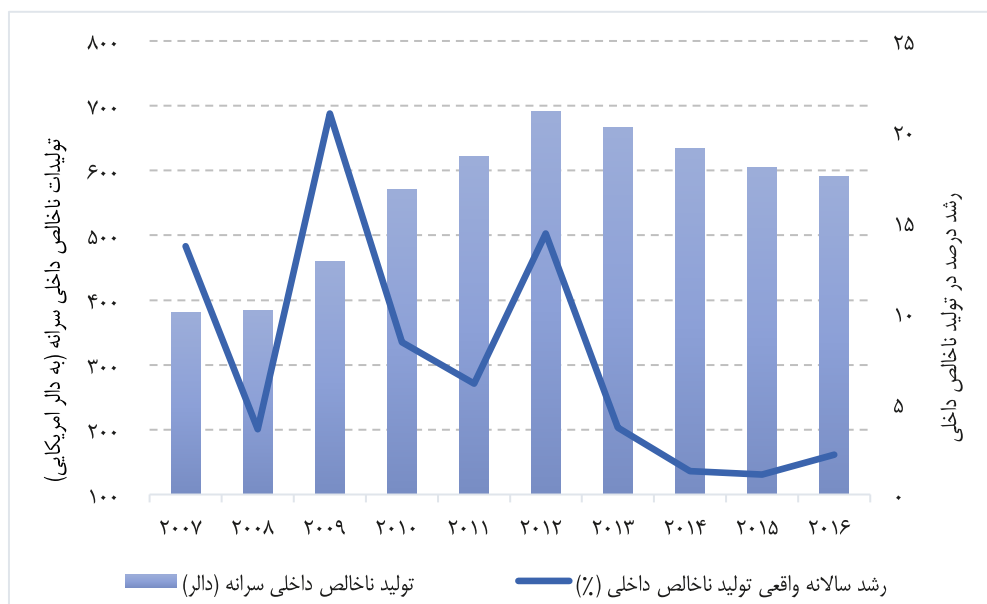
جامعه، کیفیت پائین تحصیل و عدم سرمایه گذاری مانع جدی پیش روی توسعه پنداشته میشوند. بخش بعدی در باره فصول که نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان را به بحث گرفته اند، بعضی از معلومات مربوط را ارائه می دارد.

۱.۲.۱ امنیت و وضعیت اقتصادی کشور

در کل اوضاع اقتصادی و امنیتی افغانستان بعد از سال ۱۳۸۵ را میتوان به دو مرحله عمده تقسیم بندی نمود: قبل و بعد از انتقال امنیتی سال ۱۳۹۴. دوره قبل از ۱۳۹۴ با رشد اقتصادی بلند و اوضاع امنیتی نسبتاً بهتر به همراه بود در حالیکه از سال ۱۳۹۴ به بعد رشد اقتصادی کشور در حالت رکود قرار داشته و اوضاع امنیتی رو به وخامت است.

گراف ۱.۱ رشد سرانه تولیدات ناخالص داخلی و رشد سالانه تولیدات ناخالص داخلی بین سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵^۱ را به نمایش میگذارد. بین سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱، رشد سرانه تولیدات ناخالص داخلی از ۳۸۱ دلار به ۶۹۱ دلار امریکایی افزایش نموده و رشد اقتصادی بطور اوسط ۱۱.۲ درصد به ثبت رسیده بود. در مقایسه با این سالها، اقتصاد افغانستان در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ بطور اوسط ۲.۱ درصد رشد داشته و رشد سرانه تولیدات ناخالص داخلی در کمتر از حد سال ۱۳۹۱ (۱۰۰ دلار امریکایی) قرار گرفته است. این کاهش در رشد اقتصادی کشور با بدتر شدن اوضاع امنیتی از سال ۱۳۹۳ بدینسو همراه بود که روی فعالیت های اقتصادی (که معیار سنجش آن ثبت شرکت های جدید میباشد، گراف ۱.۱) نیز تأثیر منفی برجا گذاشته است.

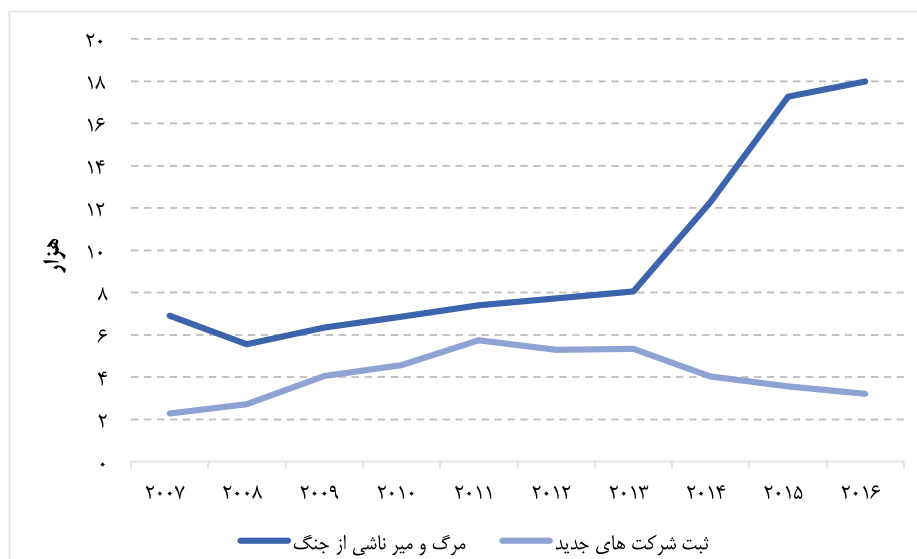
شکل ۱.۱: رشد واقعی تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص ملی در هر شخص، ۱۳۸۶-۱۳۹۵



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

^۱ چنین پیش بینی شده است که رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۷ افزایش اندک را به ثبت رسانیده و به ۲.۶ درصد خواهد رسید، با ثابت قرار دادن اوضاع امنیتی در سال ۲۰۱۸، این رقم به ۳.۲ درصد افزایش خواهد یافت (بانک جهانی ۲۰۱۷ ب).

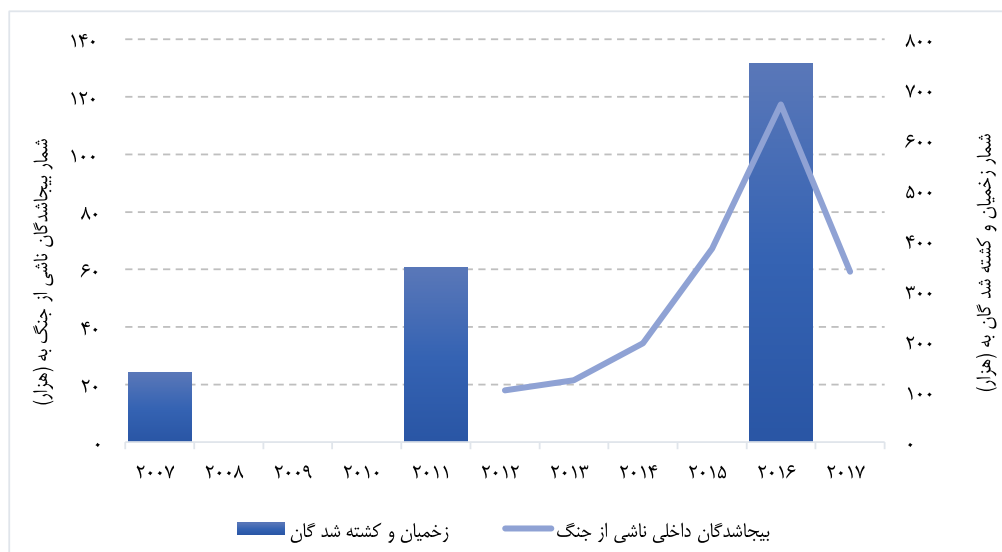
شکل ۲.۱: تلفات جنگ ثبت شرکت های جدید، ۱۳۹۵-۱۳۸۶ (به هزار)



منبع: بانک جهانی ۲۰۱۷ ب، یوناما

اوضاع امنیتی رو به وخامت منجر به بیجا شدن یک بخش عظیم نفوس در کشور گردیده است (گراف ۱.۳). این در حالیست که بیشتر از یک میلیون تن از مهاجرین افغان نیز به وطن عودت نموده اند. از شروع سال ۱۳۸۶ بدینسو، شمار زخمیان و کشته شدگان در کشور به پنج برابر افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی ۶۵۰ هزار تن به دلیل ادامه جنگ در داخل کشور بیجا شده اند (۲۰۱۷ UNAMA and UNOCHA). در عین حال، ارقام دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) و سازمان بین المللی مهاجرت نشان میدهد که در سال ۱۳۹۵ بیشتر از یک میلیون افغان با اسناد و فاقد اسناد به کشور عودت نموده اند (۲۰۱۷ UNHCR). بیجا شدن در داخل کشور و برگشت کتله عظیم از مهاجرین از خارج در چنین شرایط ناگوار اقتصادی و امنیتی نه تنها رفاه بیجا شدگان/عودت کنندگان بلکه یک قسمت بزرگ از نفوس را نیز در معرض خطر قرار داده و روی سیستم ارائه خدمات فشار وارد میکند که منجر به افزایش رقابت برای منابع اقتصادی که نادر و کمیاب اند، میگردد.

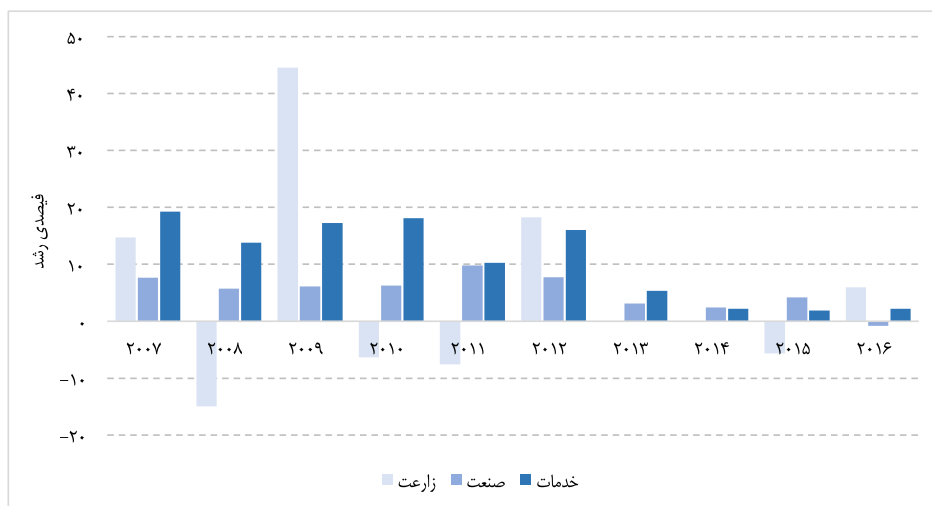
شکل ۳.۱: جراحات و تلفات و اشخاص بیجا شده داخلی به اثر منازعات، ۱۳۹۵-۱۳۸۶ (به هزار)



منبع: UNAMA and UNOCHA

دلایل روند رشد در سکتورهای اقتصادی مشخص نیز قابل نگرانی است. در حالیکه سهم سکتور زراعت در تولیدات ناخالص داخلی بصورت یکنواخت کاهش یافته و از ۳۰ درصد سال ۱۳۸۶، در سال ۱۳۹۵ به ۲۲ درصد رسیده است، با آنهم زراعت یکی از سکتورهای مهم و منبع معیشت ده نیشینان فقیر بشمار میرود. همچنان، تأثیرگذاری روی توان مالی مردم برای اقلام مواد غذایی اساسی و سهم سکتور زراعت در سکتور تولیدات نیز از دلایل اهمیت سکتور زراعت به حساب می آیند. باوجود نوؤسانات سالانه قابل توجه، سکتور زراعت در سالهای ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۱ بطور اوسط ۸ درصد رشد داشت (گراف ۱.۴). از آن به بعد، میزان رشد سالانه سکتور زراعت اُفت شدید را تجربه نموده و بطور اوسط به ۰.۱ درصد رسیده است. همزمان با سروی وضعیت زندگی درافغانستان ۱۳۹۵، قیمت مواد غذایی نیز افزایش یافته و در ماه می ۲۰۱۷ به ۱۰.۷ درصد (سال به سال) صعود نمود (بانک جهانی ۲۰۱۷ ب).

شکل ۴.۱: میزان رشد سالانه، ۱۳۸۶-۱۳۹۵ براساس سکتور اصلی اقتصادی (به فیصد)



منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات

۲.۲.۱ وضعیت نفوس در افغانستان

رشد بالای نفوس در افغانستان یک عامل بی ثبات کننده بوده و مانع پیشرفت و توسعه در کشور می گردد. این مسأله توسط حکومت افغانستان زمانیکه میزان باروری به لیست شاخص های انکشافی در اجندای توسعه هزاره (حکومت افغانستان ۱۳۸۸؛ جبهه متنی ۱.۱) اضافه می شد نیز تأیید گردید.

چوکات متن ۱.۱: دیدگاه ۲۰۲۰ روی باروری بلند

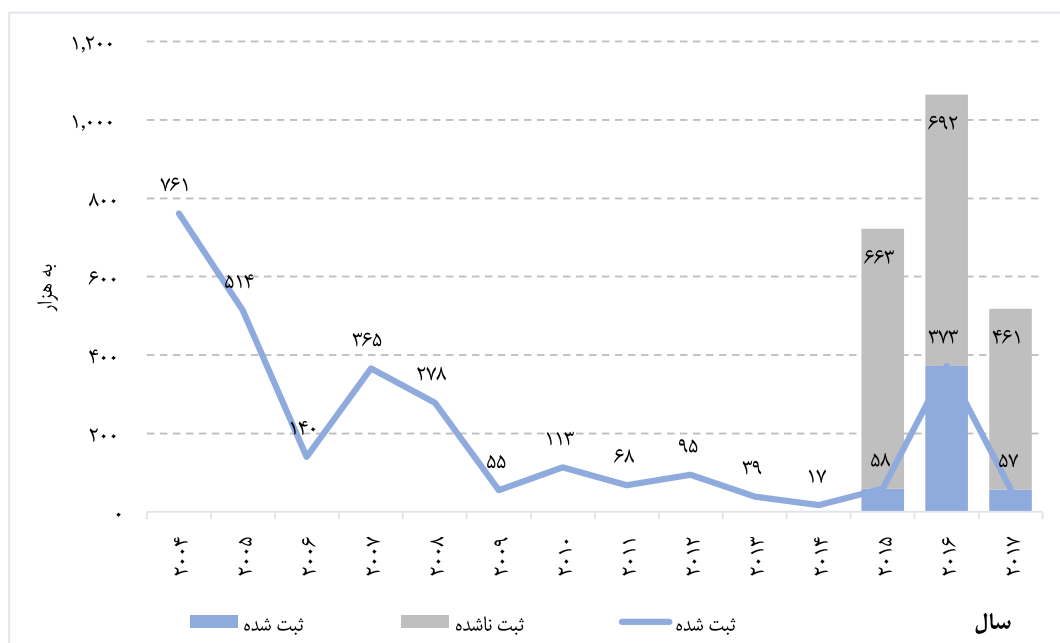
{میزان باروری} به دلیل اهمیت ویژه این موضوع، به اهداف انکشافی هزاره افزوده شد. رشد سریع نفوس کشور یک مشکل برای اشتغال و رشد اقتصادی به شمار می رود همچنان باعث این می شود تا تعداد بیشتری از مردم در حال حاضر از خدمات عمومی محروم باشند. با توجه به فقدان زمین قابل کشت و منابع آبی، رشد سریع نفوس نیز یک مسئله مصونیت غذایی و به طور بالقوه یک مسئله استراتژیک درازمدت به حساب می آید؛ طوری که تعداد کثیری از نفوس محروم جوان را به حیث نیروی شورش آماده جذب سازد و به لحاظ سیاسی ایشان را به مثابه عناصر ضد دولتی درآورد. در نهایت، میزان بلند باروری افغانستان بار تحمل ناپذیری را بر زنان تحمیل می کند و بطور غیر منتظره در کاستن امید به زندگی زنان کمک می کند.

احصائیه های تخمینی نفوس سال ۱۳۹۶ که اداره ملی احصائیه و معلومات آنرا در ۱۳۹۷ اقتباس نمود نشان دهنده رشد ۱۲.۵ میلیونی نفوس در افغانستان میباشد که رقم مجموعی آن از ۲۳.۲ میلیون در سال ۱۳۸۳، در ۱۳۹۶ به ۳۵.۷ میلیون رسیده است.^۲ این رقم بطور اوسط نشاندهنده میزان رشد سالانه ۳.۳ درصدی نفوس در کشور طی ۱۸ سال گذشته میباشد که این میزان رشد سریع به دلیل میزان باروری بالا در کشور اتفاق افتاده است. میزان بارور کلی که در سروی صحت و دموگرافی افغانستان سال در ۱۳۹۴ گزارش شده بود، ۵.۳ طفل در هر زن میباشد (اداره احصائیه مرکزی، وزارت صحت عامه و IFC) که بدین ترتیب افغانستان در جمع ۱۹۸ کشور، جایگاه دوازدهم را بخود اختصاص داده است. این یافته ها در مطابقت با نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در رابطه به افراد تحت ۱۵ سال در کشور میباشد. طی سالهای گذشته، این رقم همواره بطور ثابت ۴۸ فیصد است، رقمی که افغانستان را در رده چهار کشور برتر از نظر افراد زیر سن ۱۵ سال در جهان قرار میدهد. میزان باروری کلی بالا همچنان بیانگر میزان پائین پیش گیری از بارداری میباشد که در حال حاضر در میان زنان متاهل ۲۳ درصد بوده و ۲۰ درصد آنها از روش های مدرن جلوگیری از بارداری استفاده میکنند (اداره احصائیه مرکزی، وزارت صحت عامه و IFC).

باروری بالا در کشور اتفاق افتاده است. میزان بارور کلی^۳ که در سروی صحت و دموگرافی افغانستان سال در ۱۳۹۴ گزارش شده بود، ۵.۳ طفل در هر زن میباشد (اداره احصائیه مرکزی، وزارت صحت عامه و IFC) که بدین ترتیب افغانستان در جمع ۱۹۸ کشور، جایگاه دوازدهم را بخود اختصاص داده است.^۴ این یافته ها در مطابقت با نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در رابطه به افراد تحت ۱۵ سال در کشور میباشد. طی سالهای گذشته، این رقم همواره بطور ثابت ۴۸ فیصد است، رقمی که افغانستان را در رده چهار کشور برتر از نظر افراد زیر سن ۱۵ سال در جهان قرار میدهد. میزان باروری کلی بالا همچنان بیانگر میزان پائین پیش گیری از بارداری^۵ میباشد که در حال حاضر در میان زنان متاهل ۲۳ درصد بوده و ۲۰ درصد آنها از روش های مدرن جلوگیری از بارداری استفاده میکنند (اداره احصائیه مرکزی، وزارت صحت عامه و IFC).

دلیل دیگری رشد جمعیت در افغانستان را میتوان تعداد زیاد عودت کنندگان عمدتاً از ایران و پاکستان به افغانستان خواند. براساس آمار دفتر سازمان ملل متحد در امور مهاجرت، از شروع سال ۱۳۸۳ در حدود ۲.۹ میلیون عودت کنندگان ثبت شده به وطن برگشت نموده اند که نیمی از آنها در سه سال اول به کشور عودت نموده اند (UNHCR ۲۰۱۷، گراف ۱.۵). شمار عودت کنندگان بعد از سه سال اول الی سال ۱۳۹۴ نسبتاً کاهش یافت ولی در سال ۱۳۹۵، تعداد عودت کنندگان ثبت شده به کشور رقم بالایی را به ثبت رساند. حتی شمار عودت کنندگان فاقد اسناد براساس تخمین سازمان بین المللی مهاجرت در سال ۱۳۹۵ نیز بسیار بالا گزارش شده است.^۶

شکل ۵.۱: مهاجرین افغان براساس سال مهاجرت و براساس نوع مهاجرت (به هزار)



منبع: دفتر سازمان ملل در امور مهاجرت، سازمان بین المللی مهاجرت الی نومبر ۲۰۱۷

میزان بالای باروری و رشد جمعیت در افغانستان وضعیت ناپایدار را برای توسعه کشور بوجود میآورد که سکتورهای مختلف را تحت تأثیر خویش قرار میدهد. رشد سالانه تعداد اطفال که به سن مکتب میرسند، ظرفیت توسعه سیستم تعلیمی افغانستان را به چالش میکشد. همچنان، ظرفیت جذب بازار کار نیز کافی نمی باشد تا شمار روزافزون متقاضیان کار در کشور را که به سن قانونی کار میرسند،

^۲ این آمار شامل نفوس مقیم در کشور و کوچی ها میگردد.

^۳ مجموع اطفال تولد شده یا اطفالیکه از یک زن در طول عمر وی متولد خواهند شد در صورتیکه وی در یکی از کتگوری های میزان باروری به اساس عمر در جمعیت کشور قرار داشته باشد.

^۴ منبع: صندوق جمعیت سازمان ملل متحد ارقام دموگرافیکی جهان ۲۰۱۷.

^۵ میزان جلوگیری از بارداری نظر به درصدی زنان متاهل و دارای سن ۱۵-۴۹ سال که در حال حاضر آنها یا همسران شان (بدون درنظرداشت میتود) از یکی از روش های جلوگیری از بارداری استفاده میکنند.

^۶ اینکه عودت کنندگان فاقد اسناد تا کدام حد شامل افراد میشوند که بیشتر از یکبار شامل آمار مهاجرت شده اند، واضح نیست.

استخدام نماید. به همین گونه اندازه زمین های رهایی که یکی از مهمترین وسیله امرار معیشت برای خانوارهای افغان محسوب میشود، با رشد جمعیت در کشور کاهش میابد. دختران و زنان افغان به دلیل ازدواج قبل از وقت و میزان باروری بالا، بیشترین قربانی را میدهند طوری که مرگ و میر مادران هنگام ولادت و بیماریهای ناشی از ازدواج قبل از وقت افزایش یافته و برای رشد شخصیت خویش فرصت نمی یابند. تعادل نامطلوب خانوار در میان اطفال و افراد کارگر در فامیل که با سهم خیلی ناچیز زنان در فعالیت های اقتصادی تشدید می یابد، بیانگر این امر است که بطور اوسط روی رشد اطفال سرمایه گذاری ناچیز صورت گرفته و حتی اکثراً برای داشتن حداقل استاندارد زندگی این اطفال وادار میشوند تا کار کنند. بطور خلاصه، میزان بالای باروری و رشد جمعیت تلاش های دولت و دونرها برای توسعه را متأثر ساخته و ظرفیت و توانایی اکثر خانوارها و افراد (مخصوصاً زنان و دختران) را برای رهایی از فقر و مشکلات صحتی، محدود میسازد.

۳.۱ سروی وضعیت زندگی در افغانستان و اهداف انکشاف پایدار

اجندای ۲۰۳۰ برای انکشاف پایدار در ماه سپتمبر ۲۰۱۵ میلادی توسط ۱۹۳ کشور بشمول افغانستان به امضا رسید. اجندای ۱۵ ساله (۲۰۳۰-۲۰۱۵) جایگزین اهداف انکشاف هزاره گردیده و جامعه جهانی را بسوی دستیابی به سه هدف عمده سوق میدهد: از بین بردن فقر، مبارزه علیه نابرابری و بی عدالتی، و حفظ سیاره (زمین). سروی وضعیت زندگی در افغانستان یکی از ابزارهای عمده تولید شاخص ها برای نظارت از دستاوردهای اهداف انکشاف پایدار در افغانستان میباشد. هرچند سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ قبل از نشر رسمی شاخص های اهداف انکشاف پایدار از طرف گروه متخصص و میان دفتری شاخص های اهداف انکشاف پایدار طرح ریزی شده بود، با آنهم چندین شاخص پیش بینی شده و در پرسشنامه های این سروی گنجانیده شده بودند.

چوکات متن ۲.۱: اهداف انکشاف پایدار

- هدف ۱: به تمام انواع فقر در هر کجا که باشند پایان داده شود.
- هدف ۲: به گرسنگی در همه جا پایان داده شود، مردم به مصونیت غذایی و تغذیه سالم برسند و زراعت پایدار نیز رشد داده شود.
- هدف ۳: زندگی سالم تضمین گردد و سطح سلامتی برای همه در همه سنین بهبود یابد.
- هدف ۴: آموزش با کیفیت برای همه بطور مساویانه و فراهمی فرصتهای یادگیری برای همه در هر سن ..
- هدف ۵: برابری جنس در همه جا تضمین شده و زنان و دختران در عرصه های مختلف توانمند گردند.
- هدف ۶: آب سالم در دسترس همه قرار گیرد و امکانات فاضلاب برای همه فراهم شود.
- هدف ۷: دسترسی به منابع انرژی ارزان، مطمئن، پایا و مدرن برای همه فراهم شود.
- هدف ۸: به همه مردم کار مناسب فراهم شود و اقتصاد پایا و فراگیر در همه جا رشد داده شود.
- هدف ۹: زیرساخت های مقاوم در همه جا ایجاد شود و صنعت پایا همراه با نوآوری ها فراهم گردد.
- هدف ۱۰: کاهش نابرابری در داخل و بین کشورها..
- هدف ۱۱: شهر ها و و زیستگاه های بشری امن، فراگیر، پویا و پایدار شود،
- هدف ۱۲: الگوهای پایدار به گونه مسوولانه تولید و مصرف گردند.
- هدف ۱۳: برای مبارزه با تغییر آب و هوا و خطرات ناشی از آن به گونه فوری اقدام صورت گیرد.
- هدف ۱۴: حفظ و استفاده پایدار از اقیانوسها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار .
- هدف ۱۵: حفاظت، بازیابی و ترویج استفاده پایدار از ایکوسیستم های زمین.
- هدف ۱۶: برای توسعه پایدار ارتقای جوامع صلح آمیز و فراگیر ، دسترسی به عدالت برای همه و ساخت موسسات کارا، قابل اعتماد برای همه.
- هدف ۱۷: تقویت ابزارهای اجرایی و احیای مشارکت جهانی برای انکشاف پایدار.

با درنظرداشت برنامه قبلی اهداف انکشاف هزاره در قسمت ریشه کن ساختن فقر شدید و سایر ابعاد آن بشمول درآمد و اشتغال، گرسنگی، جندر، تعلیم، صحت و سایر ابعاد، باید خاطرنشان ساخت که اهداف انکشاف پایدار مفصل بوده و دامنه آن گسترده تر میباشد. اساس اهداف انکشاف پایدار را اصول انکشاف پایدار تشکیل میدهد- که روی پایداری اقتصادی و محیط زیستی تأکید مینماید- و اینکه "هیچ فردی را نباید نادیده گرفت". این موضوع دلالت بر تلاش های توافق شده بمنظور برطرف ساختن نابرابری های اجتماعی و منطوقی مینماید که براساس آن گروه متخصص و میان دفتري شاخص های اهداف انکشاف پایدار پیشنهاد مینمایند که اگر شاخص های اهداف انکشاف پایدار با درآمد، جنسیت، عمر، نژاد، قومیت، حالت مهاجرت، معلولیت و موقعیت جغرافیایی یا سایر مشخصات ربطی داشته باشند، آنها باید تجزیه گردند.

در مقایسه با نظارت بر پیشرفت اهداف انکشاف هزاره با ۸ هدف و ۱۸ تارگیت که نیازمند ۶۰ شاخص بود، ۱۷ هدف انکشاف پایدار دارای ۱۶۹ تارگیت بوده و ۲۳۰ شاخص را دربر میگیرد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ به نوبه خود دارای ۲۰ شاخص بوده و ۱۲ هدف انکشاف پایدار را تحت پوشش قرار میدهد. دور بعدی سروی معلومات در مورد شاخص های اضافی را در بر داشته و پروسه مشاوره ملی روی شاخص های اهداف انکشاف پایدار در اولویت بندی، اضافه نمودن یا طرح دوباره مجموعه شاخص ها برای افغانستان نقش خواهد داشت.

۴.۱ ساختار گزارش

فصل دوم مشخصات میتودولوژیکی عمده سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ بشمول معرفی مختصر طرح نمونه گیری، پرسشنامه های سروی، جمع آوری و طی مراحل ارقام، محدودیت ها ارقام، مقایسه با سروی های گذشته و اصول مرتبط و دوره ای که در سروی های قبلی استفاده شده اند، را تحت بررسی قرار میدهد. ضمایم جداگانه وضاحت بیشتر و جزئیات مفصل را در مورد میتودولوژی ارائه میدارد.

فصل سوم معلومات موضوعی را در رابطه به موضوعی که از سروی گرفته شده است، به بحث میگیرد. این فصل ساختار نفوس و دینامیک نفوس را مورد مطالعه قرار میدهد زیرا این عوامل در تجزیه و تحلیل هر سکتور که در فصل های بعدی انجام شده است، نقش دارد. ترکیب نفوس براساس سن و جنسیت، خانوارها و روش ازدواج، و مشخصات مهاجرت مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

فصل چهارم ساختار و دینامیک بازار کار در افغانستان تجزیه و تحلیل مینماید. در ضمن شاخص های اشتراک نیروی کار در بازار، اشتغال، کم کاری و بیکاری، این فصل مشخصات نفوس کارگر مانند ساعات کاری، وضعیت آنها در شغل آنها را با تمرکز خاص روی اشتغال آسیب پذیر و کار مناسب تحت مطالعه قرار میدهد. تمام بخش های این فصل شامل تحلیل مرتبط به سن و جنس بوده و یک بخش آن به روند بازار کار اختصاص داده شده است.

فصل پنجم این گزارش زراعت بشمول مزرعه و دامپروری را مورد مطالعه قرار میدهد. این فصل سکتور زراعت را با درنظرداشت دسترسی به زمین، مساحت زمین، مسایل کشت و زرع، تولید فارم و باغ ها، نوع و تعداد مواشی، فروش مواشی و همچنان عوامل مرتبط به تولید مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهد.

فصل های ششم و هفتم این گزارش به ترتیب فقر و مصونیت غذایی را براساس مدل های تمدید شده پرسشنامه در مورد مصرف مواد غذایی و قییم بازار به بررسی گرفته است. این دو فصل تحلیل روند فقر و مصونیت غذایی و همچنان توضیح آنها را در بر میگیرد.

به همین گونه فصل های هشتم و نهم به نوبه خود به سکتورهای اجتماعی تعلیم و صحت و تحولات در این سکتورها اختصاص داده شده اند. سکتور تعلیم و تربیه میزان سواد، حاضری مکاتب، دستیابی به امکانات آموزشی، عوامل میزان انتقال تعلیم و تربیه و در نهایت اوسط عمر که یک طفل در مکتب میگذراند، را مورد مطالعه قرار میدهد. سکتور صحت معلومات چون دسترسی به امکانات صحتی و استفاده از خدمات صحتی برای مادران را در بر میگیرد. موجودیت معلولیت، نوعیت معلولیت، معلومات در مورد سن و جنسیت معلولین در بخش جداگانه مورد بحث قرار میگیرد.

فصل دهم در رابطه به خانوارها و امکانات آنها بحث میکند. این فصل وضعیت مسکن و خانوارها را با درنظرداشت دسترسی به اجتماع، قرارداد اجاره، مشخصات فیزیکی امکانات مسکونی و مسکن مانند برق، آب آشامیدنی و بهداشت، مواد سوخت برای آشپزی، سیستم گرمایشی و وسیله معلومات و ارتباطات؛ احتوا میکند. اکثر شاخص های جدید اهداف انکشاف پایدار در این فصل مورد مطالعه قرار میگیرد.

فصل یازدهم گزارش در باره تحولات شدید خانوارها و اولویت های انکشافی بوده، موجودیت شرایط ناگهانی را که روی رفاه خانوارها تأثیرگذار باشد، و همچنان استراتژی های را که خانوارها برای مبارزه با این نوع چالش ها بکار میبرند، مورد بررسی قرار میدهد. برعلاوه، این فصل اولویت های عاجل برای توسعه را شناسایی مینماید چون این موضوع توسط نمایندگان خانوارها اعم از مرد و زن و همچنان توسط بزرگان منطقه نیز بیان شده است.

تمام فصل‌ها با خلاصه‌ای از یافته‌ها به پایان می‌رسد در حالیکه پیشگفتار- قبل از این فصل- نتایج کلیدی را بشکل خلاصه و یکپارچه بیان میکند. همچنان، ضمایم این گزارش شرح
تخنیک‌ی میتودولوژی، جمع‌آوری ارقام موبایل، طرح نمونه‌گیری و تطبیق، کنترل کیفیت، مفاهیم و تعاریفات را ارائه مینماید.

۲. میتودولوژی و عملیات سروی

۱.۲ مقدمه

سروی وضعیت زندگی در افغانستان که قبلاً به نام ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری یاد می گردید سروی ملی چند مقصده افغانستان است که توسط اداره ملی احصائیه و معلومات جمهوری اسلامی افغانستان انجام شده است. این سروی توسط اتحادیه اروپا به همکاری برنامه جهانی غذا تمویل شده است. دوره فعلی ۱۳۹۵ ششمین دوره جمع آوری ارقام از مجموعه دوره ها می باشد، سروی های قبلی در سال های ۱۳۸۲، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ انجام گردیده بود. مدت این سروی از اپریل ۲۰۱۶ (ثور ۱۳۹۵) الی مارچ ۲۰۱۷ (حمل ۱۳۹۶) را در بر دارد و شامل معلومات فردی، خانوار و محلی (شورا) و همچنین معلومات مربوط به قیمت های بازار در این دور می گردد.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان قصد دارد تا دولت افغانستان و سایر جوانب ذی نفع را در تصمیم گیری های آگاهانه جهت برنامه ریزی های انکشافی و پالیسی سازی توسط جمع آوری و تحلیل ارقام مربوط به فقر، مصونیت غذایی، اشتغال، مسکن، صحت، معارف، نفوس، جنسیت و سایر مسایل گسترده انکشافی کمک کند. طرح نمونه گیری سروی، امکان ارایه نتایج که به سطح ملی و ولایتی نمایندگی کرده بتواند، میسر می سازد. دور فعلی (۱۳۹۵) بر علاوه ارایه مجموعه وسیع شاخص ها و احصائیه های انکشافی دوره ای، تمرکز خاص بالای فقر، مصونیت غذایی و معلولیت دارد.

سروی های وضعیت زندگی در افغانستان و ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری، طی سال ها مهم ترین منبع شاخص ها جهت نظارت اهداف انکشافی هزاره بوده است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان به طور مشابه به عنوان منبع اصلی ایجاد مجموعه ای از شاخص ها خدمت می کند که در ماه مارچ ۲۰۱۶ (حمل ۱۳۹۵) توسط کمیته احصائیه سازمان ملل متحد برای نظارت بر تطبیق اجندای ۲۰۳۰ برای انکشاف پایدار مورد تأیید قرار گرفت. با آنکه مجموعه شاخص های اهداف انکشاف پایدار حاضر زمانی نهایی گردید که کار ساحوی سروی وضعیت زندگی در افغانستان آغاز گردیده بود، ولی باز هم معلومات مورد نیاز بسیاری از شاخص های جدید پیش بینی شده و در طرح پرسشنامه قرار گرفت. در نتیجه سروی وضعیت زندگی در افغانستان (۱۳۹۵) قادر است تا در مورد گزارش ارایه کرده و برای ۲۰ شاخص اهداف انکشاف پایدار اساس تعیین گردد.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان شیوه مصاحبه شخصی با کمک کامپیوتر را برای جمع آوری ارقام به سطح محل در پرسشنامه ذکور شورا و پرسشنامه قیمت بازار معرفی کرد (به بخش ۲.۳.۲ مراجعه کنید). این اولین بار بود که تکنالوژی موبایل و بی سیم برای سروی های احصائیوی در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و استفاده از آنها منحصی آزمایش برای مراحل بعدی سروی وضعیت زندگی در افغانستان و سایر سروی های که از جانب اداره ملی احصائیه و معلومات مدیریت می گردد، در نظر گرفته شده بود.

گزارش حاضر، نتایج نهایی سروی را که ارقام آن در دوازده ماه جمع آوری گردیده است، ارایه می کند. ارقام مذکور شامل معلومات نزدیک به ۲۰ هزار خانوار و بیش از ۱۵۵ هزار نفر، به شمول نفوس کوچی می گردد، معلومات نفوس کوچی در سایر سروی های ملی جمع آوری نمی گردد. این فصل، شرح مختصری از میتودولوژی و مسایل عملیاتی، متعاقباً مراحل آمادگی برای سروی، جمع آوری ارقام، پروسس ارقام، تحلیل و نوشتن گزارش را ارایه می کند.

۲.۲ آمادگی سروی

۱.۲.۲ سهیم شدن جوانب ذی دخل

از آنجایی که هدف اولیه سروی وضعیت زندگی در افغانستان خدمت در جهت رفع نیازمندی معلومات استفاده کننده گان ارقام می باشد، مشوره با طرف های ذیدخل در مراحل مهم سروی صورت گرفته است. مجالسی که از طرف اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان تدویر گردیده بود، گروه های ذیدخل شامل وزارتخانه های مربوطه و ادارات دولتی^۱، سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی^۲، اهدا کنندگان دو جانبه^۳ و مؤسسات علمی و تحقیقی در آن اشتراک کرده بودند. این جلسات همچنین در رابطه به پایداری و دراز مدت بودن سروی وضعیت زندگی در افغانستان به عنوان مهمترین ابزار برای تولید معلومات اجتماعی و اقتصادی افغانستان تأکید داشتند.

^۱ وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت زراعت، آبیاری و مالدار، وزارت صحت عامه، وزارت معارف، وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، وزارت امور زنان، وزارت انرژی و آب، وزارت اقتصاد، وزارت مالیه، وزارت شهرسازی.

^۲ WFP, WB, UNICEF, UNFPA, UNDP, ILO, UNHCR, WHO

^۳ EU

علاوه بر این جلسات، تعدادی از جوانب کلیدی ذیدخل در کمیته رهبری این سروی حضور داشتند تا بر پیشرفت کار نظارت داشته و اقدامات خاصی را پیشنهاد نمایند. به همین ترتیب جوانب ذیدخل مربوطه در کمیته مشورتی تخنیکي اشتراك داشتند تا مسائل میتودولوژيكي و تخنیکي را مورد تدقيق قرار داده و در صورت لزوم مشوره دهند. اعضای کمیته رهبری و کمیته تخنیکي در ضمیمه نمبر یک تذکر داده شده است.

۲.۲.۲ طرح پرسشنامه

از سال ۱۳۸۲ به این طرف در سروی های متوالی وضعیت زندگی در افغانستان به تعداد سوالات افزوده شده است. این موضوع تا حدی گسترش یافت که تحمل مصاحبه و تراکم کار پروسس و تحلیل ارقام از ظرفیت کارمندان ساحوی، مصاحبه شونده ها و کارمندان اداره ملی احصائیه و معلومات خارج گردید. ضرورت شامل ساختن تمام معلومات ضروری که آن هم در فواصل غیر منظم اجرا می گردید، با تنظیم پلان ملی احصائی افغانستان (۱۳۸۹) کاهش یافت. پلان ملی احصائی افغانستان یک چشم انداز میان مدت را پیشکش نمود که تطبیق ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان را در حال حاضر به عنوان سروی ملی چند مقصده افغانستان بر مبنای دوره سالانه پیشبینی کرده بود. با آنکه هر دوره ای از سروی یک مجموعه اصلی از شاخص های کلیدی را فراهم می کند، دور های بعدی مادیول های مختلف را اضافه یا گسترش می دهد تا معلومات دقیق تر در مورد موضوعات خاص ارایه گردد. در جلسات مشورتی با طرف های ذیدخل در سال ۱۳۸۹، توافق به عمل آمد تا جمع آوری ارقام و پرسشنامه های سروی وضعیت زندگی در افغانستان بر طبق اصول دوره بی دوباره طرح گردد. این موضوع دلالت بر آن دارد که معلومات مورد ضرورت و تطبیق سروی به یک شکل پایدارتر حاصل خواهد شد. ضمیمه دوم خلاصه محتویات دوره های متوالی سروی را نشان میدهد.

سروی اصلی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ شامل پرسشنامه خانوار با ۱۶ بخش بوده که از آن جمله ۱۱ بخش آن توسط سروی کنندگان ذکور مصاحبه شده و از جانب مرد خانوار (معمولاً رئیس خانوار) پاسخ داده شده و ۵ بخش آن از طرف مصاحبه کنندگان اناث سوال شده و از جانب پاسخ دهندگان اناث جواب داده شده است. برعلاوه پرسشنامه ها متشکل از سه بخش جهت شناسایی و نظارت می باشد. (جدول ۲.۱ مشاهده شود). در پنج ماه آخر کار ساحوی، یک مودل دیگر برای آزمایش یک روش جهت ارزیابی کیفیت آب اضافه گردید.

به طور اوسط وقت مورد ضرورت برای پاسخگویی به پرسشنامه خانوار یک تا یک و نیم ساعت بود. برعلاوه جمع آوری معلومات از خانوار، ارقام به سطح محل نیز توسط پرسشنامه مردانه شورا جمع آوری گردیده و در جدول (۲.۲) نشان داده شده است. به منظور بر آورد فقر، از یک پرسشنامه جداگانه قیمت بازار برای جمع آوری معلومات مربوط به قیمت مواد غذایی بازار در سطح محل استفاده شده است. ضمیمه III مجموعه ای از پرسشنامه های سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ ارایه شده است.

جدول ۲.۱: بخش های پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ (موضوع بحث به خط درشت)

بخش های مردانه	بخش های زنانه
شناسایی خانوار	شناسایی خانوار
عاید خانوار و مصارف	اعضای خانوار که راپور داده نشده اند
تکان های خانوار و راهکار های مقابله	وضعیت عمومی زندگی
معارف	مصارف غذا
کار	معلومات
مهاجرت	صحت طفل و مادر
آزمایش آب	
دارایی خانوار	

جدول ۲.۲: بخش های پرسشنامه شورای مردانه سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ (موضوع بحث به خط درشت)

شناسایی محل
نظارت از جریانات
دسترسى به محله و دسترسى به سهولت ها
پروژه های محلی
اولویت های انکشاف محله
آزمایش آب

۳.۲.۲ آموزش و انتخاب کارمندان ساحوی

برای سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، به صورت مجموعی ۱۷۷ کارمند ساحوی در ۳۴ ولایت نیاز بود. در ۳۲ ولایت، تیم معیاری مرکب از دو جوهره که هر یک شامل یک مصاحبه کننده زن و یک مرد و یک ناظر بود. با توجه به نفوس های بزرگتر، در ولایت هرات سه جوهره و یک ناظر نیاز بود و در ولایت کابل، چهار جوهره و دو ناظر ضرورت بود.

انتخاب کارمندان محلی

با توجه به تصمیم کمیته رهبری سروی وضعیت زندگی در افغانستان، یک ارزیابی عملکرد کارمندان سروی قبلی انجام شد و کارمندان ساحوی که کار شان قناعت بخش بود، فرصت ادامه کار را برای سروی سال های ۱۳۹۵ پیدا نمودند. در بعضی از ولایات فقط بخشی از تیم باقی ماند، بنابراین استخدام افراد کمبود انجام شد. در ۱۴ ولایات، تمام کارمندان ساحوی که در سروی های قبلی وضعیت زندگی در افغانستان و صحت و دموگرافی کار میکردند، مجدداً بدون امتحان همراهی شان قرارداد صورت گرفت. استخدام های جدید در ۲۰ ولایت انجام شده است.

استخدام در شش مرحله صورت گرفت:

۱. معیارهای انتخاب کارمندان در شعبات مرکزی اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان^۴ تعیین گردید.
۲. اعلان کاریابی برای نظارت کنندگان و مصاحبه کنندگان در ولایات مربوطه از طریق رسانه های محلی به کمک کارمندان احصائیه ولایتی صورت گرفت.
۳. خلص های سوانح نامزدان توسط کارمندان احصائیه ولایتی جمع آوری شده و به دفتر مرکزی اداره ملی احصائیه و معلومات برای بررسی ارسال گردید.
۴. بر اساس لست مختصر خلص های سوانح، سه نامزد برای هر کار انتخاب شده و از ایشان بخاطر سپری نمودن امتحان دعوت به عمل آمد.
۵. از کاندیدان بر اساس کار شان که درخواست نموده بودند، یک امتحان تقریری و یک امتحان تحریری گرفته شد. (امتحان برای ناظران و مصاحبه کننده گان متفاوت بود). برای هر دو بخش از مصاحبه کنندگان و ناظران، این امتحانات بخش های مختلفی چون ریاضیات (محاسبه فیصدی و تبدیل فاصله، وزن و سطح)، معلومات در مورد ساحات (فرهنگ محلی، ترکیب قومی) و ارزیابی فیزیکی را در بر داشت، چون مصاحبه گیرنده باید در حین انجام کار ساحوی بعضاً شرایط سخت را متحمل شوند.
۶. پس از اتمام امتحانات، نامزدها درجه بندی شدند و کسانی که دارنده بلندترین نمره بودند برای این کار انتخاب شدند. سپس از نامزد کامیاب شده قبل از قرار داد پرسیده شد که با وظایف، مسؤولیت ها و شرایط مالی موافقت دارد یا خیر؟

آموزش کارمندان محلی

در ماه مارچ ۲۰۱۶ (حمل ۱۳۹۵)، یک آموزش مرکزی سه هفته ای کارمندان محلی در کابل انجام شد. تمام بخش های از کار سرویران و ناظران به طور دقیق مورد بررسی قرار گرفت. در هر مرحله از آموزش، تمرینات عملی و امتحانات برای اطمینان از اینکه سرویران نه تنها درک مؤثر از انجام سروی وضعیت زندگی در افغانستان را به دست آوردند، بلکه این بود که - هنگامی که آنها به ساحه رفتند، با دانش خاص و تجربه عملی انجام کار سروی آماده باشند. برای انجام این کار، در هر مرحله از آموزش، در کنار تدریس، سرویران تمرینات عملی را انجام دادند. همچنین در هر مرحله از آموزش سرویران با انجام آزمایش ها و امتحانات آزمایش شدند تا اندازه درک و معلومات عملی شان از پرسشنامه ها، تخنیک های مصاحبه و روش های سروی معلوم گردد. این آزمایش ها و امتحانات هم در قالب نوشته و هم به شکل آزمون های عملی، با نقش بازی کردن و ایجاد شرایط مصاحبه زندگی واقعی صورت گرفت.

به تعقیب آموزش اصلی قبل از انجام کارهای ساحوی، در هفت مکان، یادگیری مجدد به صورت ربعوار برای کارمندان محلی انجام شد. هدف از این یادگیری مجدد بازگردانیدن دروس بعد از هر سه ماه جمع آوری ارقام و تحلیل ارقام اولیه، بحث در مورد مسایل مربوطه، ارایه آموزش های اضافی، انتقال منابع جدید و تقویت روابط کاری و هماهنگی بین دفاتر ولایتی، ناظران منطقه ای، ناظران ولایتی و کارمندان دفتر مرکزی بود.

^۴ این معیارها عبارت اند از: (a) داشتن ملیت افغان، (b) سن ۵۰-۲۰ سال، (c) اقامت معمول در ولایت، (d) عدم داشتن شغل دومی، (e) حداقل فارغ التحصیل از صنف ۱۲ مکتب (f) توانایی و خواست سفر در همه مناطق ولایت اختصاص داده شده را داشته باشد.

۴.۲.۲ طرح نمونه گیری

طرح نمونه گیری سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ طوری انکشاف داده شده است که به سطح ملی و ولایتی، برای نفوس کوچی و فصل^۵ های تقویم شمسی نمایندگی کرده می تواند. به صورت عموم، ۳۵ طبقه شناسایی گردید که ۳۴ آن برای ولایات افغانستان و یکی برای نفوس کوچی در نظر گرفته شده بود. طبقه بندی بر اساس فصل سال به واسطه توزیع مساویانه جمع آوری ارقام بر ۱۲ ماه در هر ولایت به دست آمده است. برای نفوس کوچی، طرح نمونه گیری تنها در زمستان و تابستان در نظر گرفته شده است، چون آنها تنها درین دو فصل به شکل موقتی در یک محل مقیم میگردند. توزیع مناطق نمونه گیری در هر ولایت بر مبنای یک توافق مطلوب دقت به سطح ملی و ولایتی صورت گرفته بود.

چوکات نمونه گیری برای نفوس ساکن هفت ولایت شامل بامیان، غور، دایکندی، کاپیسا، پروان، سمنگان و کابل، از فهرست برداری خانوار سروی اقتصادی، اجتماعی و دموگرافی استفاده شده است. برای سایر ولایات، از چوکات نمونه گیری مربوط به فهرست برداری خانوار قبل از سرشماری که توسط اداره ملی احصائیه و معلومات در سال های ۱۳۸۲-۱۳۸۴ انجام شد و در سال ۱۳۸۸ تجدید گردید، استفاده شده است. خانوار ها بر اساس یک طرح خوشه ای دو مرحله ای در داخل هر ولایت انتخاب شدند. در مرحله اول نمونه گیری، ساحات شمار به عنوان واحد های اولیه نمونه گیری با احتمال متناسب به اندازه ساحه شمار انتخاب شدند، بعدا در مرحله دوم، ده خانوار منحصی واحد نهایی نمونه گیری نهایی^۶ انتخاب شدند. در نتیجه این طرح، جمع آوری ارقام به طور اوسط ۱۷۰ خوشه (۱۷۰۰ خانوار) در هر ماه و ۲۰۴۰ خوشه (۲۰۴۰۰ خانوار) را در جریان سال فراهم نمود.

نمونه کوچی براساس ارزیابی ملی چند سکتوری کوچی (۲۰۰۴-NMAK) طراحی شده است. برای این طبقه، انتخاب محلی مساویانه نظر به ساحه شمار در نظر گرفته شده بود و مرحله دوم با یک اندازه خوشه ثابت ده خانوار بود. ۶۰ خوشه (۶۰۰ خانوار) برای این طبقه از دوره های تابستان و زمستان در جریان دوره سروی، به ترتیب به ۴۰ و ۲۰ خوشه تقسیم شدند.

واقعیت انجام سروی در افغانستان مقداری انحرافات را از طرح نمونه گیری اعمال می نماید. در سه ماه اول کار ساحوی، مناطقی که به علت ناامنی خارج از دسترس بودند، با ساحاتی که در ماه بعد برنامه ریزی شده بود، جایگزین شدند، با امیدواری این که شرایط امنیتی در طول زمان بهبود یابد و مصاحبه ها در خوشه اصلی بتواند انجام شود. با توجه به ناامنی های متداوم، بعد از ماه چهارم جمع آوری ارقام، خوشه هایی که در مناطق غیرقابل دسترس قرار داشت، با خوشه های چوکات نمونه گیری احتیاطی که در ولسوالی های ناامن نبودند، جایگزین شد.

وزن های نمونه بخاطر بالا بردن خانوار ها و افراد سروی شده به تعداد کل خانوار ها و نفوس در افغانستان سنجش گردیده است. این سنجش بر اساس تخمین نفوس رسمی اداره ملی احصائیه و معلومات به تفکیک ولایت برای سال ۱۳۹۵ صورت گرفته و اوسط حجم خانوار به سطح ولایت از نتایج این سروی به دست آمده است. ضمیمه چهارم پس منظر و تفصیلات تخنیکی طرح و تطبیق نمونه گیری را ارایه می کند.

۳.۲ جمع آوری ارقام

۱.۳.۲ عملیات ساحه

جمع آوری ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان دور ۲۰۱۶ مطابق سال شمسی ۱۳۹۵ اجرا گردید. کارهای ساحوی این سروی در آپریل ۲۰۱۶ (حمل ۱۳۹۵) آغاز گردید و در آپریل ۲۰۱۷ (حمل ۱۳۹۶) تکمیل شد. یک سیستم نظارت دقیق برای بررسی پیشرفت و کیفیت جمع آوری ارقام، منجمله نظارت از سوی ناظران ساحوی و کارمندان سروی در مرکز اداره ملی احصائیه و معلومات، ردیابی از طریق جی پی اس و ارزیابی سریع ارقام براساس چک کردن ارقام به طور دستی و کمپیوتری اعمال گردید. موضوعات دریافت شده با مصاحبه کنندگان و ناظران روزانه از طریق تلفون و از طریق آموزش های مجدد در میان گذاشته می شد.

با توجه به مشکلات امنیتی متداوم، یک استراتیژی امنیتی اعمال گردید که شامل نقشه برداری مناطق ناامن، ارزیابی امنیت در ساحه و مشورت با سایر منابع معلومات می گردد.

^۵ سال ۱۳۹۵ شمسی که در آن سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ انجام شد، ۲۱ مارچ ۲۰۱۶ (۱۵ حمل ۱۳۹۵) تا ۲۰ مارچ ۲۰۱۷ (۱۳ حمل ۱۳۹۶) را دربر دارد. تاریخ های فصل در ضمیمه دهم ارایه شده است.

^۶ برای تخصیص نمونه مطلوب، یک توازن بین تخصیص متناسب و تخصیص حجم یکسان با تخصیص توان کیش ۰.۲۵ = I بدست آمد.

^۷ در بعضی از ساحات شمار انتخاب شده مناطق دهاتی بیشتر از یک قریه وجود داشت. در آن موارد، تنها یک قریه با احتمال متناسب به حجم قریه انتخاب گردید، بنابراین مرحله سوم نمونه گیری را نیز ایجاد می کرد.

ساحات جمع آوری ارقام که به عنوان مناطق ناامن شناخته شده بود، با ساحات دیگر از نمونه اصلی و یا با ساحاتی از نمونه ریزرف تعویض گردید.

وظایف آمرین احصائیه ساحوی را چک کردن پرسشنامه های تکمیل شده به طور نمونه، منجیت سطح دوم کنترل کیفیت در ساحه بعد از چک توسط ناظران تشکیل می داد. به همین منظور، چک لست مخصوص طرح گردید. آنها بصورت ماهوار بسته ای از پرسشنامه های تکمیل شده و سایر اسناد سروی را به اداره ملی احصائیه و معلومات رسانیده و وسایل جدید مورد ضرورت ساحه را به ولایات انتقال می دادند. آمرین احصائیه ولایات مسؤولیت معرفی تیم های ساحوی را به مقامات ولایتی و محلی، نظارت از پیشرفت کار ساحوی و وضعیت امنیتی و تایید نتایج سروی را در ساحه به عهده داشتند.

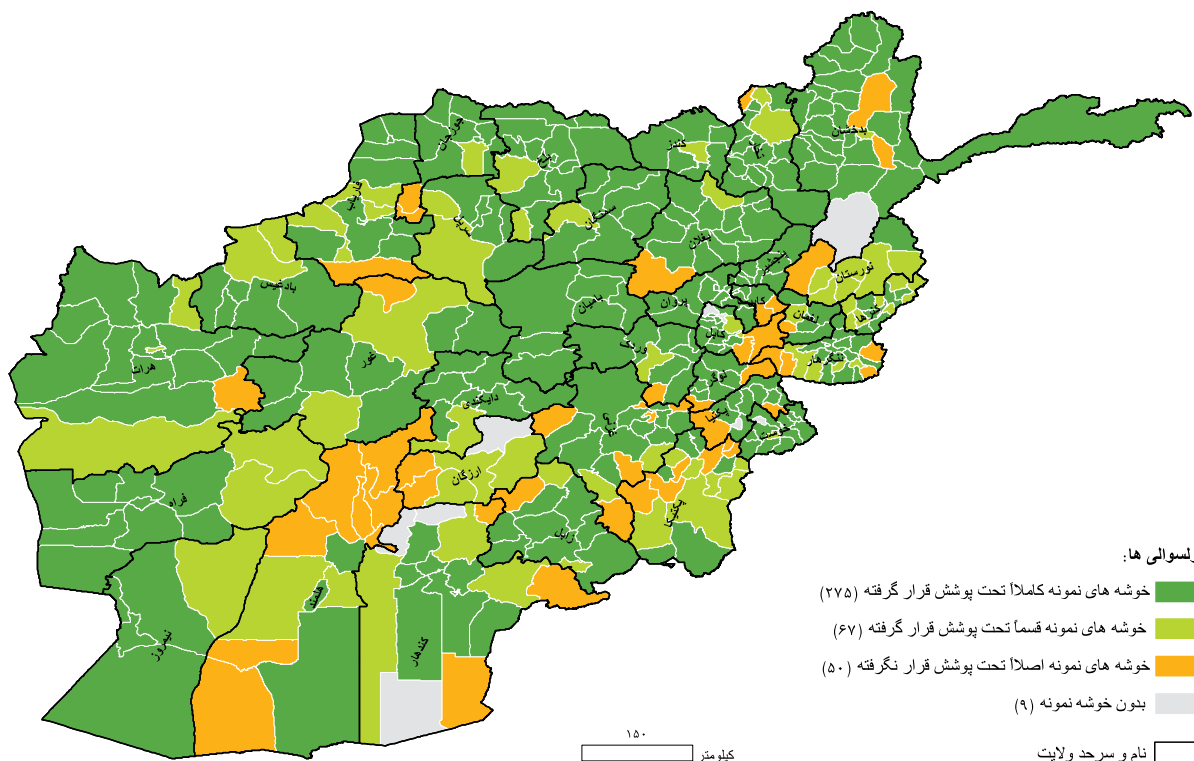
اطمینان از کیفیت بیشتر در هنگام جمع آوری ارقام توسط هفت عضو تیم سروی در مرکز احصائیه که مأموریت نظارت ساحوی را در هر ربع داشتند، صورت می گرفت. این نظارت کنندگان به طور خاص بالای آن ولایات تمرکز داشتند که پرسشنامه های شان اغلباً بعد از چک دستی در دفتر مرکزی احصائیه به سبب بی نظمی های زیاد مسترد می گردید.

ولایاتی که با بیشترین مشکلات امنیتی مواجه بودند عبارت اند از کاپیسا، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، وردک، سرپل، ارزگان، بغلان، کندهار و هلمند. به عنوان آخرین دسته بندی، مناطق ناامن با مناطق امن تری تعویض گردید. وضعیت امنیتی در پکتیکا پس از ماه ششم، فرصت جمع آوری ارقام را نداد.

از جمله ۳۹۱ ولسوالی و مراکز ولایات نمونه گیری شده افغانستان، از ۳۴۲ آن (۸۷ فیصد) معلومات جمع آوری گردید. به طور مجموعی، از ۱۹۲۹ خوشه، در مقایسه با ۲۰۴۲ خوشه نظر به طرح نمونه گیری (۹۴ فیصد) معلومات جمع آوری گردید. از میان این ها، ۱۵۵۷ خوشه (۸۱ درصد) مطابق پلان اولی تحت پوشش قرار گرفت، در حالی که ۱۷۶ (۹ درصد) با خوشه های از نمونه ریزرفی تعویض گردید. مصاحبه ۱۹۶ خوشه باقیمانده (۱۰ درصد) در ساحات پلان شده صورت گرفت، اما یک ماه بعد از پلان اولی. از ۶۰ خوشه کوچی، ۵۵ آن بر اساس طرح نمونه گیری تحت پوشش قرار گرفت، در حالی که پنج خوشه باقیمانده، نفوس کوچی مورد مطالعه در ساحه پیدا نشد.

شکل ۱.۲ تطبیق سروی را در رابطه به طرح نمونه گیری نشان می دهد. در نواحی سبز تاریک تعدادی از خوشه های برنامه ریزی شده تحت پوشش قرار گرفته اند و در نواحی سبز روشن یک یا چند خوشه تحت پوشش قرار گرفته است، نواحی سایه دار نارنجی عمدتاً به دلایل ناامنی برای تیم های سروی قابل دسترسی نبود، در حالی که ساحات با سایه خاکستری نواحی اند که از ابتدا شامل نمونه نبودند.

شکل ۱.۲: پوشش سروی، بر اساس ناحیه و سطح پوشش



نواحی که به طور کامل یا به طور قسمی تحت پوشش قرار گرفته اند، ممکن است شامل خوشه های باشند که با خوشه های اصلی تعویض شده باشند. این خوشه ها شامل نمونه نفوس کوچی می گردد.

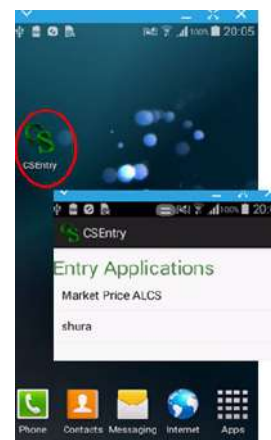
۲.۳.۲ جمع آوری ارقام از طریق موبایل در عملیات ساحوی

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ مصاحبه شخصی با استفاده از کامپیوتر را برای جمع آوری ارقام در سطح محل برای پرسشنامه ذکور شورا و برای پرسشنامه قیمت بازار استفاده نمود. این اولین بار بود که موبایل و تکنالوژی بی سیم برای سروی های احصائی در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و استفاده از آنها در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ منجبت آغاز آزمایشی برای دور های بعدی این سروی و سایر سروی هایی که از جانب اداره ملی احصائیه و معلومات تطبیق میگردد، درنظر گرفته شد.

کارمندان سروی وضعیت زندگی در افغانستان برنامه ای را برای هر دو پرسشنامه به زبانهای دری، پشتو و انگلیسی با استفاده از سافت ویبر سیستم پروسس سروی و سرشماری نسخه ۶.۲ انکشاف دادند (شکل ۲.۲).

شکل ۲.۲: نرم افزار درج معلومات سیستم پروسس احصائیه و سروی (CSPro)

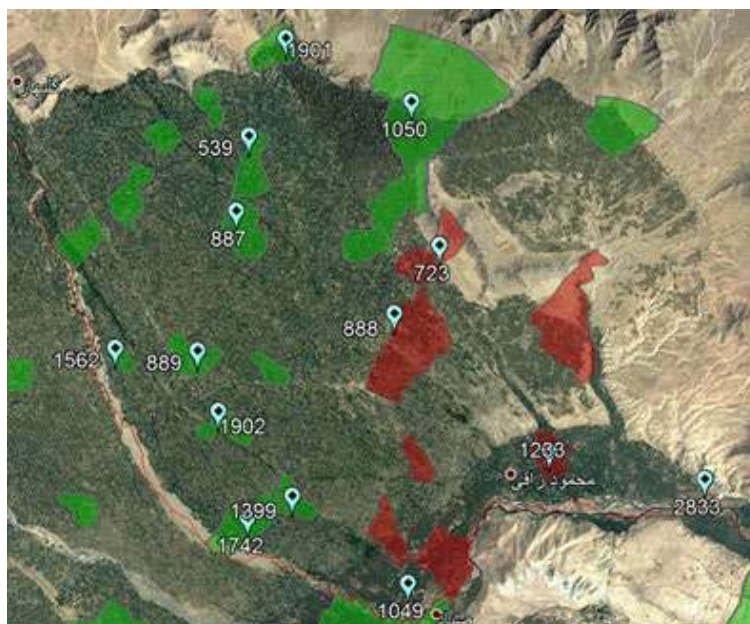
برنامه های کامپیوتری نخست مورد آزمایش قرار گرفتند و سپس به موبایل های هوشمند منتقل شدند. ناظران ولایتی سروی وضعیت زندگی در افغانستان موبایل های هوشمند مرتب شده را دریافتند و آموختند که در ساحه چگونه ارقام را در آن وارد کرده و معلومات را با مرکز معلوماتی مرکزی همگام سازند. در حین عملیات ساحوی، خطاهای ورود ارقام توسط برنامه چمپ های اتوماتیک، میکانیزم های اعتبار دهی پاسخ و مینوها به منظور انتخاب گزینه های مناسب، به حداقل رسید. در تعداد کمی از خوشه های سروی، ناظران به دلایل مختلف، به جای استفاده از موبایل از پرسشنامه های کاغذی ذکور شورا و قیمت های بازار استفاده کردند و چنین تفاوت ها را به کارمندان مرکزی سروی وضعیت زندگی در افغانستان به اداره ملی احصائیه و معلومات گزارش دادند.



برنامه های موبایل شامل مجموعه ای از کوردینات جغرافیایی موقعیت هایی بود که ناظران این سروی مصاحبه های محلی را انجام دادند و ارقام مربوط به قیمت ها با استفاده از سیستم موقعیت یابی جهانی (جی پی اس) در موبایل های هوشمند نصب گردید.

بررسی کنندگان ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان مسؤولیت مرور و جدول بندی ارقام جمع شده هفته وار توسط موبایل، ذخیره شده در دیتابیس مرکزی را به عهده داشتند، تا ناهماهنگی های احتمالی و ارزش های ناموجود شناسایی شده و به ناظران ساحوی از طریق تلیفون موبایل اطلاع داده شود. برای ارزیابی اشتباهات در پوشش سروی، بررسی کنندگان ارقام جی پی اس را استفاده کردند که از دیتابیس مرکزی به جی پی اس منتقل شده و نشان می دهد که ارقام از کدام موقعیت ها جمع آوری شده است (شکل ۳.۲).

شکل ۳.۲: ولایت کاپیسا، ارقام جی پی اس و خوشه های سروی



نوت: ساحات سرخ: شهری؛ ساحات سبز: دهاتی.

کارمندان سروی وضعیت زندگی در افغانستان با استفاده از یک رویکرد واحد بین مصاحبه شخصی به کمک کامپیوتر، جی پی اس و جی آی اس توانستند کیفیت ارقام، پوشش سروی و بطور عمومی عملکرد ناظران را نظارت کند. به طور کلی، استفاده از تکنالوژی جدید توانایی بالقوه را در قسمت جمع آوری و نظارت ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان جهت بهبود کیفیت ارقام و کاهش وقت جمع آوری و پروسس ارقام نشان داد. همچنین فرصتی را برای تجربه و یافتن راه های حل برای مقابله با چالش هایی مانند تامین برق غیرقابل اعتماد برای دستگاه های موبایل در بعضی از مناطق، خراب شدن موبایل های هوشمند، عدم تمایل برخی ناظرین به استفاده از دستگاه های موبایل در مناطق ناامن و ظرفیت محدود تیم مساعدت به منظور ارزیابی کیفیت و پوشش ارقام در زمان واقعی فراهم نمود.

ضمیمه پنجم این گزارش، ارزیابی مفصل تری را در رابطه به مصاحبه از طریق موبایل و جی پی اس در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ ارائه می دهد.

۴.۲ پروسس ارقام

۱.۴.۲ چک دستی و کود گذاری

پروسس ارقام در اداره ملی احصائیه و معلومات موازی با کار ساحوی با رسیدن اولین دسته پرسشنامه در ماه می ۲۰۱۶ (ثور ۱۳۹۵) آغاز شد. دو مرحله اول پروسس ارقام شامل چک کردن دستی و کودگذاری توسط تیم هشت نفری ایدیتوران و کود گذاران پرسشنامه صورت گرفت. وظایف ایدیتوران پرسشنامه عبارت بود از:

- ضبط و آرشیف کردن پرسشنامه های بازگشت شده؛
 - چک کامل بودن دسته های پرسشنامه و فورمه های پرسشنامه؛
 - چک کردن پاسخ های پرسشنامه جهت تکمیل بودن، درست بودن و قابل خواندن بودن آن
 - تصحیح پاسخ ها یا تکمیل پاسخ های نامکمل برای تعداد محدود و مجاز سوالات، از جمله شناسایی ساحه و برخی سوالات کلیدی دیگر؛
 - اضافه کردن کود ها برای ارزش های ناموجود؛
 - تکمیل یک فورم ارزیابی بر اساس این که دسته ای از پرسشنامه ها برای کود گذاران دوباره ارسال خواهد شد تا جهت جمع آوری مجدد ارقام به ساحه فرستاده شود.
- کود گذاران مسؤولیت اضافه کردن کود ها را در پاسخ متنی و به سوالات و متحولین مربوط به مشاغل، صنایع، ولایات و کشورها دارند که مطابق دستورالعمل ها بوده و در زمان آموزش تدریس گردیده است. تصنیف معیاری بین المللی برای کود گذاری مورد استفاده قرار می گیرد^۸. در نتیجه دسته پرسشنامه برای ادخال ارقام ارسال می گردد.

۲.۴.۲ ادخال ارقام و تصحیح ارقام

برنامه ادخال ارقام در نرم افزار CSPro انکشاف داده شده است تا ارقام سروی با ورود اولی در آن ضبط شده و با ورود بار دوم، اشتباهات ادخال ارقام به حداقل کاهش یابد. برعلاوه، برنامه های تصحیح کننده CSPro برای شناسایی اشتباهات و یا استنباط ها اتومات، تصحیح غیر اتومات روی سکرین، و به واسطه آن بازگشت بعضی موارد به تصحیح کنندگان ارقام برای بازرسی بیشتر پرسشنامه و اصلاحات دستی، مورد استفاده قرار گرفت. دور نهایی چک کردن ارقام ماهانه توسط متخصص پروسس ارقام پروژه صورت گرفت.

بخش ادخال ارقام اداره ملی احصائیه و معلومات، ادخال ارقام ماه اول را در ماه جنوری ۲۰۱۶ (جدی ۱۳۹۵) آغاز کرد. معمولاً ارقام در طی دو هفته از زمان دریافت پرسشنامه از بخش چک و کود گذاری به انجام می رسد. عملیات ضبط و تصحیح ارقام در مارچ ۲۰۱۷ (حمل ۱۳۹۶) تکمیل شد.

برنامه های گسترده ای در نرم افزار Stata برای تکمیل، تغییر، تصحیح، بازبینی و برآورد ارقام نهایی انکشاف داده شد و یا تجدید گردید. مجموعه کامل ارقام در اسد ۱۳۹۶ در پروگرام STATA و SPSS در دسترس قرار گرفت. یک تیم ۱۵ نفری از تحلیل گران ملی و بین المللی^۹ در تهیه این گزارش تحلیلی شرکت کرده اند (به ضمیمه ۱.۵ مراجعه کنید).

^۸ ISIC (تصنیف معیاری بین المللی رشته فعالیت، نسخه ۲، ISCO-۰۸) (تصنیف معیاری بین المللی مشاغل) و ISCED-۲۰۱۱ (تصنیف معیاری بین المللی آموزش)

^۹ از FAO و ICON. WFP. World Bank. UNICEF

۵.۲ نتایج سروی

۱.۵.۲ مقایسه پذیری نتایج

مقایسه پذیری بین سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ و دوره های قبلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان و ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری، تا حد زیاد به واسطه طرح پرسشنامه مشابه، محتوی شاخص های گزارش شده، آموزش و روش جمع آوری ارقام حفظ شده است. یک طرح جدید و مناسب تر نمونه گیری برای سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ معرفی گردید که از آن در سال ۱۳۹۵ نیز استفاده شده است. این طرح نمونه گیری از دوره های قبلی متفاوت بود، تمام سروی ها نتایج را به سطح ملی و ولایتی تولید می نمود. مقایسه پذیری با ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۴ با توجه به اصلاحات عمده پرسشنامه سال ۱۳۸۶ محدودتر گردید. برعلاوه، جمع آوری ارقام در سال ۱۳۸۴ سه ماه صورت می گرفت که زمینه تحلیل های فصلی را محدود می کرد ولی در چهار دور اخیر سروی این امکان وجود دارد. بنابراین هر گونه مقایسه با نتایج ۱۳۸۴ در این گزارش باید با احتیاط برخورد شود.^{۱۰}

در طول زمان، سوالات خاصی اضافه، حذف یا تغییر کرده است تا با روش سروی های بین المللی، مانند سروی صحت و دموگرافی، سروی خوشه ای چند شاخصه و سروی معیاری نیروی کار مطابقت داشته و نیاز های جدید معلوماتی را انعکاس دهد. این درخواست ها از وزارتخانه ها و نمایندگی های ملل متحد دریافت شده است، اما از شاخص هایی که در اجندهای انکشافی هزاره و انکشاف پایدار تعریف شده بود نیز اخذ شده است. بر این اساس، جمع آوری ارقام و تحلیل بخش معارف، تامین آب و سیستم فاضلاب، نیروی کار، کار اطفال و مراقبت های صحتی مادران با معیارات بین المللی مطابقت دارد. بنابراین، بسیاری از شاخص های تولید شده در این گزارش سطح بالایی از قابلیت مقایسه بین المللی را نشان می دهند. اگر بنابر دلایلی، تعاریف کاربردی متفاوت از موارد توصیه شده بین المللی باشد در متن گزارش تذکر داده شده است. ضمیمه با مفاهیم و تعاریف مشخصات مورد استفاده در تحلیل حاضر را فراهم می کند (ضمیمه دهم).

با توجه به تغییرات در تعاریف و دستورالعمل های ملی و بین المللی، همچنان درس های آموخته از تاریخچه سروی وضعیت زندگی در افغانستان و محدودیت های ارقام خاص، بعضی از شاخص ها در این گزارش با شاخص های گزارشات قبلی مستقیماً قابل مقایسه نیستند. آن موارد عبارت اند از:

- شاخص های بازار کار: مدل کار مختصر ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱ مواردی خاصی را معرفی کرد که مقایسه مستقیم با دوره های بعدی این سروی را غیر ممکن می سازد. همچنین سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ دارای محدودیت های خاصی بود که مانع مقایسه مستقیم می شود.
- به منظور مطابقت با مفهوم اهداف انکشاف پایدار، شاخص های آب و سیستم فاضلاب، مجموعه ای از تصانیف جدید در سروی وضعیت زندگی در افغانستان مطابقت داده شد. در نتیجه، شاخص های ارائه شده در این گزارش با مقادیر گزارش های قبلی مقایسه نمی شود. با آن هم، بخاطر پر نمودن خلاء معلوماتی برای تحلیل های میلان شاخص ها با درنظر گرفتن تعاریف جدید و قبلی تحلیل شده اند.
- عدم موجودیت یک مدل پرسشنامه در مورد مصرف مواد غذایی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳، امکان مقایسه مستقیم شاخص های مصونیت غذایی و شاخص های فقر بین سروی ۱۳۹۵ و دور قبلی از بین می برد. ولی این دور سروی می تواند به صورت کامل با سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ مقایسه گردد زیرا روش های مشابه در آن ها استفاده شده است.^{۱۱}

۲.۵.۲ محدودیت ارقام

محدودیت های خاص در افغانستان در رابطه به مشکلات امنیتی، موانع فرهنگی و ظرفیت سروی محلی باعث محدودیت ارقام شده است. مشاهدات زیر در هنگام تفسیر نتایج این گزارش باید مورد توجه قرار گیرد:

- از ۲۱۰۲ خوشه ۳۰۴ آن (۱۴ فیصد)، که شامل خوشه های اصلی بودند، در بیشتر موارد به دلایل مشکلات امنیتی تحت پوشش قرار گرفته نتوانست. برای ۱۷۶ مورد از این موارد، خوشه ها تعویض شدند و تعداد خوشه های بازدید شده را به ۱۹۲۶ تغییر داد که ۹۲ فیصد پلان اولی می باشد. تا جایی که مناطق تعویض شده و غیر بازدید شده ممکن است دارای مشخصات متفاوت از مناطق بازدید شده باشند، بنابراین نمونه نهایی ممکن است نتایج تفاوت را ارایه کند. این تأثیر در سطح ولایت برای ولایات با تعداد نسبتاً زیادی از خوشه های بدون پوشش و تعویض شده مانند پکتیکا، نورستان، ارزگان، هلمند، کاپیسا، کندهار، فاریاب و پکتیا بزرگتر خواهد بود.
- تحلیل ساختار نفوس به تفکیک جنس و سن کم شماری زنان و دختران، همچنان اطفال کم سن به طور عموم و به ویژه نوزادان را نشان می دهد. پوشش گروپ سنی پائین در مقایسه با سروی های قبلی بسیار بهتر است، اما هنوز هم تعداد قابل ملاحظه ای حذف شده اند. احتمالاً پیشینه فرهنگی در رابطه به انزوای زنان و همچنان مرگ و میر نوزادان دلایل این نادیده گرفتن خواهد بود. در افغانستان کیفیت گزارش سن نفوس به شدت مشکل دارد، طوری که نشان داده شد تراکم سنی با رقم ۵ و یا صفر بیشتر گزارش می شود.^{۱۲}

^{۱۰} طرح نمونه گیری، طرح سروی و محتوای پرسشنامه ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۲ از دوره های بعدی بسیار متفاوت است، در اینجا نتایج آن در بخش تحلیل های میلان درنظر گرفته نشده است.

^{۱۱} برخی تغییرات در روش تخمین فقر استفاده شده است (بخش ۶.۲.۱ و ضمیمه VII را ببینید). روش محاسبه عقبی برای سروی سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ جهت تحلیل ترند انجام شده است. برخی تغییرات در روش تخمین فقر استفاده شده است (بخش ۶.۲.۱ و ضمیمه VII را ببینید). روش محاسبه عقبی برای سروی سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ جهت تحلیل ترند انجام شده است.

^{۱۲} شاخص ویپل ۱۸۰ است.

منبع تمام معلومات در این گزارش، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ است، مگر اینکه مشخص شده باشد. ارایه معلومات از سایر منابع خارج از سروی وضعیت زندگی در افغانستان به معنی تصدیق اداره ملی احصائیه و معلومات نمی باشد، بلکه فقط منحصراً همخوان سازی از یافته های کنونی تفسیر شود. تحلیل عمدتاً در سطح ملی و در زیر مجموعه های اصلی ساکنان شهری، دهاتی و کوچی تمرکز دارد. تحلیل در سطح ولایت فراتر از محدوده این گزارش است. با این حال، چندین نقشه موضوعی، توزیعات شاخص های انتخاب شده را به طور گسترده دسته بندی کرده است که به خواننده کمک می کند تا به سرعت مشخصات دموگرافیکی، اجتماعی و اقتصادی را در سراسر کشور درک کند.^{۱۳}

هر زمان که شاخص ها به سطح فرد گزارش می شود، معلومات مربوط به جنسیت را به همراه دارد. محل اقامت همراه با جنسیت مهم ترین عامل برای نابرابری های اجتماعی در کشور است. برعلاوه مطابق با توصیه های شاخص های انکشاف پایدار می باشد. شاخص های مرتبط به فرد به تفکیک وضعیت معلولیت نیز تحلیل شده است.

عناوین جداول ارائه شده در این گزارش به منظور تعریف دقیق محتویات جدول و ساختار آن ستندرد ها را رعایت کرده است: طور مثال، عنوان، عناصر عمومی داخل جدول را نشان می دهد، سپس متحولین ارائه شده در عنوان قطار تعریف گردیده است، سپس متحول (های) در عنوان ستون ارائه شده است. در عنوان عمومی و متحولین قطار به علامه کامه ('،') تفکیک شده است؛ متحولین قطار و متحولین ستون با 'و' به تفکیک جدا شده اند. عناوین گراف های خطی و میله ای در نخست توسط محتویات ارائه شده در شکل مشخص می شود، سپس متحولینی که در محور اصلی ارائه شده است، و سپس متحول در شرح (در صورت که وجود داشته باشد) ارائه شده است. در صورتی که ارقام فشرده شده در جداول یا گراف ها ارایه می گردد، شاید مجموع اصلی با مجموع فشرده شده همیشه مطابقت نداشته باشد.

به منظور اینکه خوانندگان بیشتر در مورد مفاهیم ارقام ارائه شده تعمق کنند، یک ضمیمه (ضمیمه نهم) در این گزارش بخاطر تضمین کیفیت و ارزیابی کیفیت اضافه شده است. برای شاخص های اهداف انکشاف پایدار و اهداف انکشافی هزاره یک مرور کلی از خطا های استندرد و ۹۵ درصد محدودیت اطمینان در این ضمیمه شامل شده است.

نقشه ها با استفاده از نرم افزار اطلاعات جغرافیایی (GIS) تهیه شده اند که شاخص های انتخاب شده از ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان با واحد های اداری مربوطه کشور با آن مطابقت می کند، با توجه به ارزش های ثبت شده در سطح ولایت، با رنگ ها و شیب های مختلف ارائه شده اند. روش تصنیف ارقام احصائیه، روش معیاری Jenks می باشد که به نام روش "تصنیف طبیعی" نیز یاد می گردد. وسعت کلاس ها جهت به حداکثر رساندن تفاوت های ارقام در بین کلاس ها تعریف شده است. کوشش به عمل آمده است که وسعت کلاس های متفاوت به حداقل برسد.

۳. نفوس و خانوارها

خلاصه: افغانستان عمدتاً یک جامعه دهاتی بوده که ۲۰.۷ میلیون نفوس آن در مناطق دهاتی، ۶.۹ میلیون نفوس آن در مناطق شهری زندگی می کند و ۱.۵ میلیون نفوس آنرا نیز کوچی ها تشکیل می دهد که جمعاً نفوس این کشور به ۲۹.۱ میلیون تن میرسد. به اساس برآورد سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نفوس افغانستان به سرعت در حال رشد بوده که در نتیجه یک ساختار بسیار جوان نفوس بوجود آمده است که ۴۷.۷ فیصد نفوس این کشور را جوانان سنین کمتر از ۱۵ سال تشکیل می دهد در حالی که فیصدی افراد کهن سال در سطح پایینتر قرار دارد (۲.۷ فیصد). در افغانستان تفاوت های چشمگیری در نسبت جنسی بین ساحات شهری، دهاتی و نفوس کوچی وجود دارد که در بین نفوس کوچی این نسبت (۱۰۷.۹) مرد در برابر هر ۱۰۰ صد زن) در سطح بالاتر قرار دارد. به اساس برآورد سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در کشور بصورت مجموعی ۳.۸ میلیون خانوار وجود داشته که بصورت اوسط حجم هر خانوار ۲.۷ نفر می باشد. اکثر خانوارها (۵۲.۳ فیصد) مشتمل بر یک فامیل دارای یک زوج متاهل و فرزندان شان می باشد.

مدارک موثق وجود دارد که در بسیاری از کشورها خانوارهایی که توسط زنان سرپرستی میشوند در یک موقعیت آسیب پذیر با سطح بلند فقر و محرومیت قرار دارند. در افغانستان تنها ۱.۲ فیصد یا ۴۵ هزار خانوار توسط زنها سرپرستی می گردد مجموع افراد این نوع خانوارهایی که دارای سرپرست زن می باشد بالغ به ۲۱۲ هزار نفر می گردد. ازدواج در افغانستان بسیار عام می باشد. بعد از سن ۴۰ سالگی کمتر از یک فیصد زنان و مردان مجرد باقی میمانند. اوسط سن در اولین ازدواج ۲۱.۶ سال برای زنان و ۲۴.۴ سال برای مردان می باشد. موضوع ازدواج اطفال در افغانستان در سالهای اخیر توجه زیاد را بخود جلب نموده است. به اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در حدود ۴.۲ فیصد زنانی که در سنین ۲۰ الی ۲۴ سالگی قرار دارند قبل از سن ۱۵ سالگی و ۲۸.۳ فیصد آنها قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند. تفاوت سنی بین رئیس خانوار و خانم رئیس خانوار دریافت گردیده که بصورت اوسط ۶.۲ سال می باشد. طبق سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵، ۸.۲ فیصد تمام زنان عروسی شده در خانوارهای چند زنه زندگی می کنند.

تا زمان سرنگونی رژیم طالبان، وضعیت پیچیده مهاجرت افغانستان تحت تاثیر جریان های بیجا شده گان - یا در داخل افغانستان و یا از طریق مرزها قرار داشت. سال ۱۳۸۲ آغاز دوره بود که برگشت از آواره گی به عنوان انگیزه اصلی مهاجرت تلقی می گردید بر اساس ارقام سروی ۱۳۹۵ وضعیت زندگی در افغانستان این مورد برای ۳۸ فیصد از کل مهاجرین بوده است. ده فیصد از افغان ها خارج از ولایت مقیم فعلی شان تولد شده اند، در حالیکه ۸ فیصد مقیم ولایت محل تولد شان هستند اما مدتی از زندگی شانرا در خارج از آن گذرانده اند. شهر کابل به عنوان مرکز اصلی جاذبه کشور، ولایتی است که اکثر باشندگان آن خارج از آن تولد شده اند، هم از لحاظ تعداد مطلق و هم از لحاظ تناسب. مراکز گرایش ثانویه مهاجرت بلخ، هرات و قندهار است. مهاجران اکثراً ساکنان شهری هستند نسبت به غیر مهاجران و در اکثر حالات شرایط زندگی بهتر را دارند. نسبت مهاجرین که زیر خط فقر زندگی می کنند (۴۴ درصد) به طور قابل ملاحظه پایین تر از حد اوسط ملی (۵۵ درصد) است و نیز مهاجرین از نظر سواد، مشارکت نیروی کار و اشتغال کامل، بهتر عمل می کنند.

۱.۳ مقدمه

در افغانستان سرشماری یک بار در سال ۱۳۵۷ صورت گرفت و حتی در آن زمان تنها ۶۷ فیصد نفوس بنابر وضعیت نامناسب امنیتی در کشور سرشماری گردید. با درنظر داشت نبود یک سرشماری جامع و تازه و ثبت و راجستر دقیق نفوس، سروی وضعیت زندگی در افغانستان در امر تعیین وضعیت دموگرافیک در کشور یک نقش کلیدی را ایفا می نماید.

از سال ۱۳۸۴ بدینسو، اداره ملی احصائیه و معلومات یک میزان رشد سالانه نفوس ۲.۰۳ فیصدی را به هدف برآورد نفوس مورد استفاده قرار می دهد. در نتیجه، تعداد نفوس بطور رسمی ۲۹.۱ میلیون نفر برآورد گردیده است. از سوی دیگر تخمین بین المللی رشد نفوس افغانستان طی سالهای ۱۳۹۴-۱۳۸۹ حدوداً ۳.۰ فیصد بوده است. این میزان رشد، افغانستان را در بین آنده کشورهای جهان که دارای سریعترین رشد دموگرافیک می باشد قرار می دهد. رشد سریع نفوس، ناشی از موجودیت سطح بلند تولدات پایدار می باشد به اساس گزارش سروی صحت و دموگرافی افغانستان ۱۳۹۴ (CSO, MoPH and ICF 2017) افغانستان و تیمور شرقی تنها دو کشور بین سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴، بیرون از قاره افریقا بوده که در آنها میزان باروری کل بلندتر از ۵ طفل برای یک خانم گزارش شده است (UNDESA ۲۰۱۷).

^۱ میزان باروری کل نشان دهنده تعداد اطفالی است که از مادرانی تولد شده اند که سن باروری ایشان مطابق به جدول زمانی گروپ سنی مشخص باروری باشد.

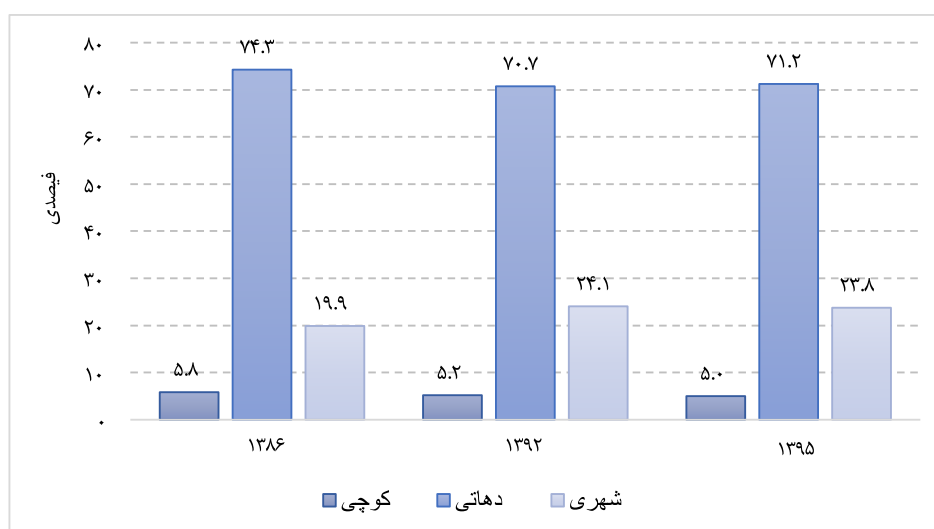
در این فصل، جوانب مختلف تغییرپذیری و تحرکات نفوس افغانستان توضیح خواهد گردید. بر علاوه تحرکات نفوس، ترکیب و ساختار خانوار و همچنین نوع ازدواج ها بحث خواهد شد و موضوعات مرتبط به مهاجرت ها در بخش (۵.۳) مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۲.۳ ساختار و توزیع نفوس

۱.۲.۳ توزیع به تفکیک محل اقامت

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ بر اساس برآورد های اداره ملی احصائیه و معلومات نفوس مجموعی را ۲۹.۱ میلیون نفر در نظر گرفته، که ۱۴.۸ میلیون نفر را مردان و ۱۴.۳ میلیون نفر را زنان تشکیل می دهد. افغانستان عمدتاً یک جامعه دهاتی باقی مانده است که ۲۰.۷ میلیون نفوس آن در مناطق دهاتی، ۶.۹ میلیون نفوس آن در مناطق شهری^۲ زندگی می کنند و ۱.۵ میلیون نفوس آنرا نیز کوچی ها (خیمه نشین) تشکیل می دهند. سه گروپ ذکر شده به ترتیب ۷۱.۲ فیصد، ۲۳.۸ فیصد و ۵.۰ فیصد مجموع نفوس را تشکیل می دهند. فیصدی نفوس ساکن در مناطق دهاتی در مقایسه با ارقام سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ تا اندازه یی کاهش یافته است. در آن زمان، ۷۴.۳ فیصد نفوس در مناطق دهاتی زندگی می کردند. برعکس، نفوسی که در شهرها زندگی دارند از ۱۹.۹ فیصد به ۲۳.۸ فیصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (شکل ۱.۳ دیده شود). قابل ذکر است که در خصوص توزیع نفوس به اساس محل اقامت بین یافته های سروی کنونی وضعیت زندگی در افغانستان و سروی انجام شده قبلی تغییرات عمده مشاهده نمی شود.

شکل ۱.۳: نفوس، به تفکیک سال سروی و محل اقامت (به فیصد)



۲.۲.۳ توزیع سن

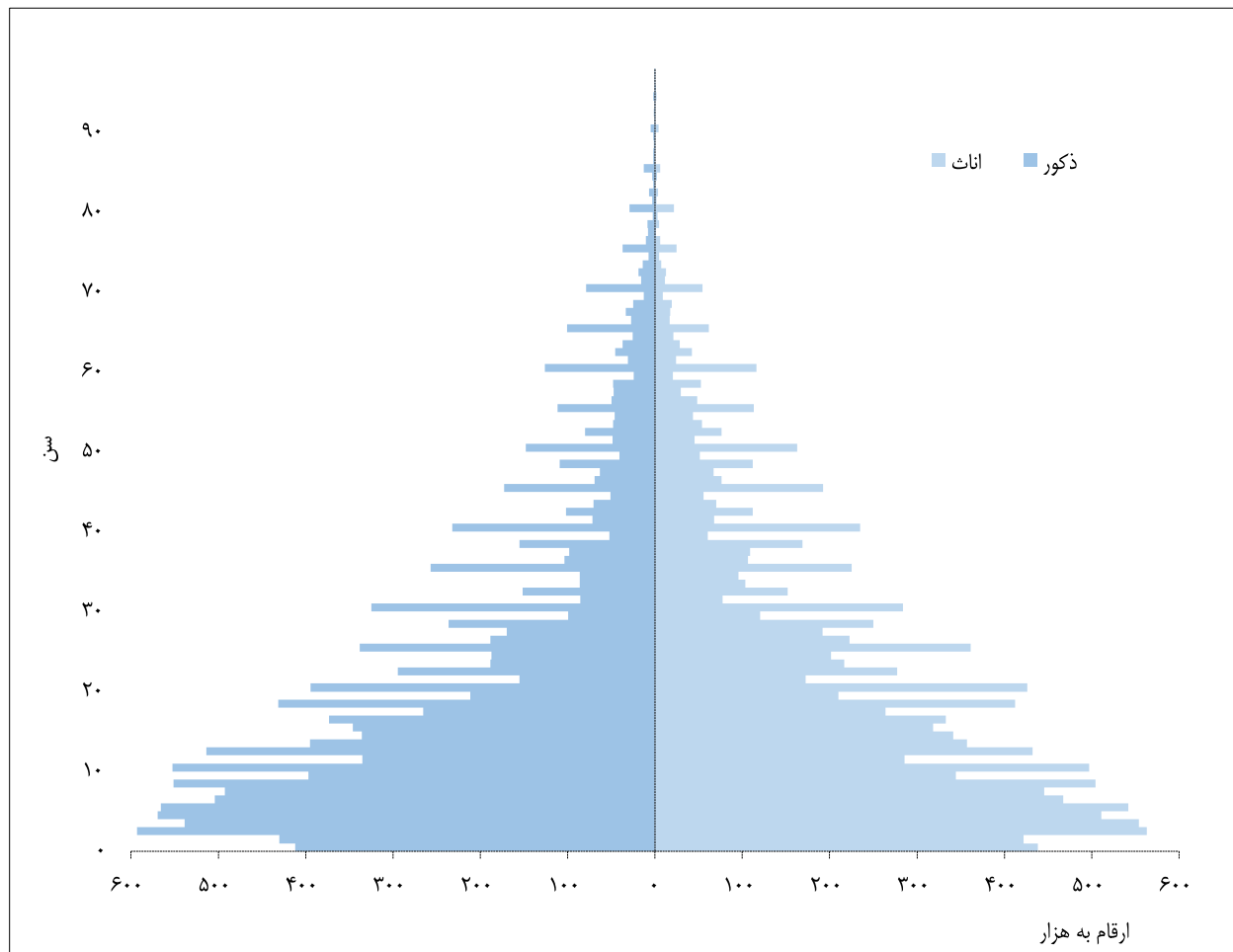
مانند اکثر کشورهای دیگر که سطح بی سوادی در آن بلند است، ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان نیز از عدم گزارش واقعی سن و حذف اطفال کوچک متأثر شده است. در اکثر موارد، اشخاصی که سن دقیق خویش را نمی دانند بیشتر تمایل دارند تا سن شان را به اعدادی که به صفر یا ۵ ختم میشود نشان دهند. این پدیده عموماً بنام "تراکم سن" یاد میشود. هرم نفوس تک سال که در شکل ۲.۳ نشان داده شده است تراکم سن را در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ بوضوح نمایش می دهد. هرم نفوس همچنان یک کم شماری اطفال سنین ۱-۰ سالگی را نشان می دهد. طبق ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان، تعداد اطفال ۲ ساله در کشور به ۱.۱۶ میلیون می رسد در حالی که تعداد نوزدان در حدود ۸۵۰ هزار تن می باشد.

^۲ مفاهیم شهری و دهاتی بر اساس معیارات اداری توسط اداره ملی احصائیه و معلومات، تعریف شده است.

چوکات متن ۱.۳: کیفیت گزارش دهی سن

متخصصین مطالعات نفوس برای چندین سال بالای یک سلسله شاخص ها اتکاء داشتند تا تمایل یا عدم تمایل ختم سن به یک رقم مشخص را نشان دهد به طور مثال، شاخص واپیل یک میزان متمادی را نشان می دهد هرگاه یک ارزش پایین تر از ۱۰۵ دریافت گردد که از حالت کامل بودن کمتر از ۵ فیصد انحراف داشته و نشانه صحت یک گزارش بسیار دقیق می باشد. یعنی گزارش ارائه شده سنی بسیار دقیق است، ۱۱۰-۱۰۵ یعنی نسبتاً دقیق است، ۱۲۵-۱۱۰ یعنی تا حدی دقیق است، ۱۷۵-۱۲۵ یعنی دقیق نیست و بالاتر از ۱۷۵ فاقد دقت می باشد. در خصوص سروی وضعیت زندگی افغانستان برای سال ۱۳۹۵، شاخص Whipple برای مردان ۱۸۴ و برای زنان ۱۷۶ می باشد و ۱۸۰ برای هردو جنس می باشد. این امر نشان میدهد که تراکم سن در افغانستان بسیار بلند بوده و بصورت عموم گزارش دهی در مورد سن فاقد دقت می باشد. ولی با آنهم یک بهبود گزارش دهی سن مشاهده شده می تواند قسمی که شاخص واپیل در سروی قبلی ۲۳۱ بود.

شکل ۲.۳: نفوس، به تفکیک جنس و سال واحد سن (به هزار)



از اینکه میزان تولدات بسیار بلند است افغانستان دارای یک ساختار بسیار جوان سنی می باشد؛ ۴۷.۷ فیصد نفوس در حال حاضر دارای سن کمتر از ۱۵ سال می باشد (جدول ۱.۳).^۳ این نسبت طی چند سال گذشته اندکی تغییر یافته است. در سال ۱۳۹۳، ۴۷.۵ فیصد نفوس را سنین کمتر از ۱۵ سال تشکیل میداد در حالیکه این رقم در سال ۱۳۸۶ به ۴۸.۶ فیصد میرسید. این نسبت اشخاص کمتر از ۱۵ سال در تمام کشورهای آسیایی بصورت مجموعی ۲۴ فیصد می باشد (UNDESA ۲۰۱۷). از جانب دیگر، نسبت اشخاص کهن سال در افغانستان بسیار پایین است. تنها ۲.۷ فیصد نفوس در حال حاضر در سن ۶۵ سالگی یا بیشتر از آن قرار دارند. به دلیل اینکه بیشتر نفوس را جوانان تشکیل می دهد، نسبت وابستگی^۴ در افغانستان بسیار بلند است و در حال حاضر به (۱۰.۵) می رسد.

^۳ ضمیمه ششم جدول های مفصل توزیع نفوس را به تفکیک جنس، محل اقامت و ولایت ارائه می نماید.

^۴ نسبت وابستگی سنی عبارت از نسبت اشخاص وابسته میباشد - اشخاص دارای سن کمتر از ۱۵ سال یا بلندتر از ۶۴ سال - به نفوسی که مولد اقتصادی هستند یا در سن کار قرار دارند - کسانی که دارای سنین ۱۵-۶۴ میباشند. اکثراً نسبت وابستگی برای نفوسی که در سن کار قرار دارند در هر صد نفر نشان داده میشوند.

درمقایسه با افغانستان کشورهای همسایه تماماً دارای نسبت وابستگی بسیار زیاد پایین می باشد: ایران (۴۰.۲)، ترکمنستان (۴۷.۹)، تاجکستان (۶۰.۹) و پاکستان (۶۵.۳).^۵ در افغانستان نسبت بلند وابستگی یک معضله جدی در برابر انکشاف اقتصادی تلقی می گردد، منابع محدود باید بالای مسایل تعلیم، مراقبت صحت و انکشاف اجتماعی نفوس جوان به مصرف برسد. هرگاه افغانستان به طرف یک کاهش سریع تولدات برود یک بخش بزرگ از نفوس جوان می تواند در تحت شرایط و پالیسی خوب یک پدیده را به وجود آورد که بصورت عموم بنام تقسیمات دموگرافیکی یاد میشود. تغییرات در ساختار سنی نفوس، درنتیجه سن باروری و فاصله مشخص تولدات، و مهاجرت ها که با طی دوران حیاتی تولید و مصرف افراد و خانوارها بوجود می آید (Mason and Kinugasa ۲۰۰۵). اثرات مثبت بالای اقتصاد زمانی بوجود می آید که یک رقم قابل ملاحظه افراد در گروه سنی مولد اقتصادی شامل گردد. هرگاه سایر مسایل ثابت فرض گردد این گروه فعال افراد باعث بلند رفتن سطح عاید سرانه می گردد، در صورتی که دولت اقدامات لازم اقتصادی را روی دست بگیرد

جدول ۱.۳: نفوس، به تفکیک گروه عمده سنی، جنسیت و محل اقامت (به هزار و فیصد)

الف. به هزار

گروه های سنی	شهری			دهاتی			کوچی			ملی	
	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور	اناث	مجموع
مجموع	۳,۴۹۴	۳,۴۲۳	۶,۹۱۷	۱۰,۵۸۶	۱۰,۱۵۲	۲۰,۷۳۸	۷۵۶	۷۰۱	۱۴۵۷	۱۴,۸۳۷	۲۹,۱۱۳
۰-۱۴	۱,۵۳۳	۱,۴۳۴	۲,۹۶۶	۵,۲۵۱	۴,۹۱۱	۱۰,۱۶۱	۴۰۱	۳۶۰	۷۶۰	۷,۱۸۴	۱۳,۸۸۸
۱۵-۲۴	۷۶۷	۷۸۷	۱,۵۵۴	۱,۹۵۳	۱,۹۳۲	۳,۸۸۵	۱۲۷	۱۱۲	۲۳۹	۲,۸۴۷	۵,۶۷۸
۲۵-۳۹	۵۹۸	۶۳۱	۱,۲۲۹	۱,۷۱۴	۱,۷۵۸	۳,۴۷۲	۱۲۰	۱۳۷	۲۵۷	۲,۴۳۲	۴,۹۵۸
۴۰-۶۴	۴۷۲	۴۸۵	۹۵۷	۱,۳۳۳	۱,۳۴۷	۲,۶۸۰	۹۴	۸۳	۱۷۷	۱,۸۹۹	۳,۸۱۴
۶۵+	۱۲۴	۸۷	۲۱۱	۳۳۶	۲۰۴	۵۳۹	۱۵	۹	۲۴	۴۷۵	۷۷۴

ب. به فیصدی

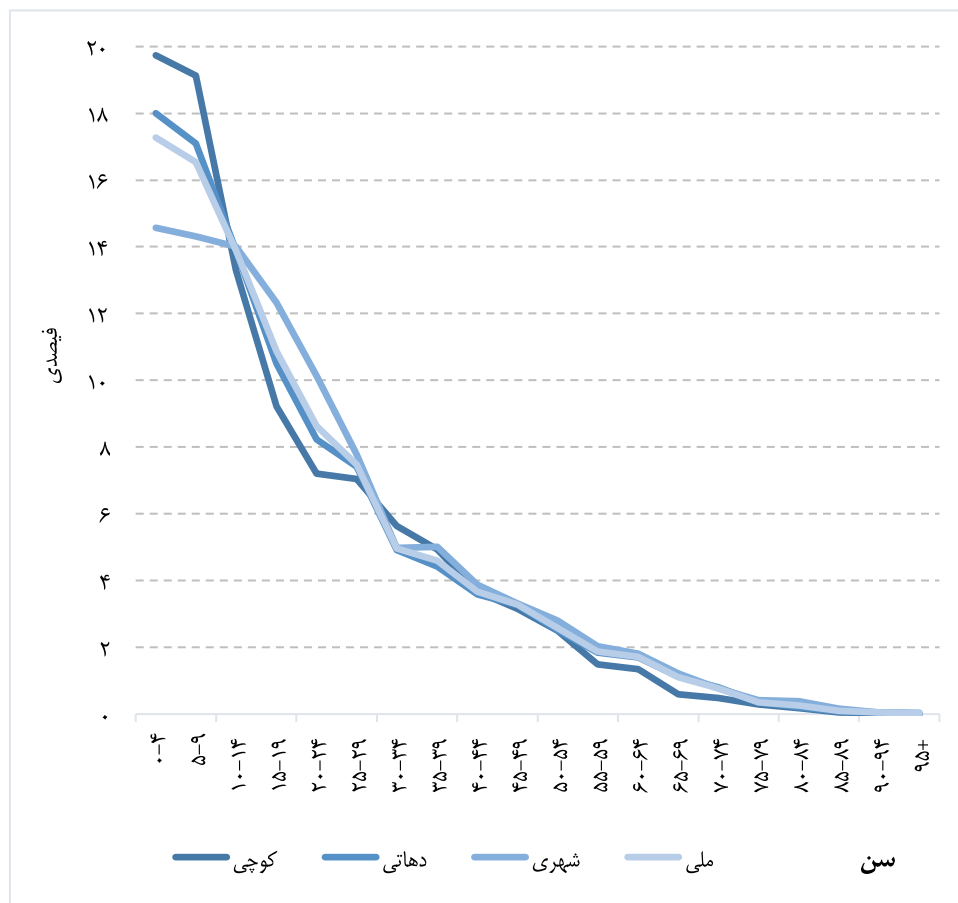
گروه های سنی	شهری			دهاتی			کوچی			ملی	
	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور	مجموع	اناث	ذکور	اناث	مجموع
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۰-۱۴	۴۳.۹	۴۱.۹	۴۲.۹	۴۹.۶	۴۸.۴	۴۹.۰	۵۳.۰	۵۱.۳	۵۲.۲	۴۸.۴	۴۷.۷
۱۵-۲۴	۲۱.۹	۲۳.۰	۲۲.۵	۱۸.۴	۱۹.۰	۱۸.۷	۱۶.۸	۱۶.۰	۱۶.۴	۱۹.۲	۱۹.۵
۲۵-۳۹	۱۷.۱	۱۸.۴	۱۷.۸	۱۶.۲	۱۷.۳	۱۶.۷	۱۵.۸	۱۹.۵	۱۷.۶	۱۶.۴	۱۷.۰
۴۰-۶۴	۱۳.۵	۱۴.۲	۱۳.۸	۱۲.۶	۱۳.۳	۱۲.۹	۱۲.۴	۱۱.۹	۱۲.۱	۱۲.۸	۱۳.۱
۶۵+	۳.۶	۲.۵	۳.۰	۳.۲	۲.۰	۲.۶	۲.۰	۱.۳	۱.۶	۳.۲	۲.۷

قابل ذکر است که از لحاظ توزیع سنی و شاخص های وابستگی بین نفوس دهاتی و شهری در کشور بعضی تفاوت ها وجود دارد. شکل ۳.۳ توزیع نسبی نفوس را به تفکیک محل اقامت و گروه های دارای تفاوت سنی پنج سال نشان می دهد. تفاوت های از لحاظ ساختار سنی در بین اشخاص پائینتر از ۲۵ سال بین سنین ۱۵-۲۴ بسیار محسوس می باشد. میزان افراد کمتر از ۱۵ سال در بین نفوس کوچی بسیار بلند می باشد (۵۲.۲ فیصد)، این رقم در بین نفوس دهات اندک پائینتر (۴۹.۰ فیصد) بوده و در مناطق شهری پایین ترین می باشد (۴۲.۹ فیصد). گروه سنی ۱۵-۲۴ سال یک سیر معکوس را نشان می دهد: میزان این افراد در مناطق شهری بلندترین (۲۲.۵) است و در بین نفوس کوچی پایین ترین است (۱۶.۴ فیصد)، در حالی که در مناطق دهاتی میزان ذکر شده در موقعیت وسط (۱۸.۷ فیصد) قرار دارد. تفاوت در توزیع سنی بین سه گروه متذکره منتج به تفاوت های قابل ملاحظه در نسبت های وابستگی می گردد: در حالی که نفوس کوچی دارنده یک نسبت بسیار بلند وابستگی (۱۱۶.۶) می باشد، در مناطق دهاتی این نسبت (۱۰۶.۶) بوده و در مناطق شهری به (۸۵.۰) میرسد. همچنان باید به خاطر داشت که سطح ارائه شده نسبت وابستگی در مناطق شهری هنوز هم در مقایسه با کشورهای همسایه افغانستان بسیار بلند گزارش گردیده است.

^۵ این نسبت های وابستگی مربوط به سال ۱۳۹۴ و از تخمین های بانک جهانی میباشد

[http://world-statistics.org/index-res.php?code=SPPOPDPND?name=Age%20dependency%20ratio%20\(%20of%20working-age%20population\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SPPOPDPND?name=Age%20dependency%20ratio%20(%20of%20working-age%20population)#top-result)

شکل ۳.۳: نفوس، به تفکیک گروپ سنی پنج سال و محل اقامت (به فیصدی)



۳.۲.۳ نسبت جنس

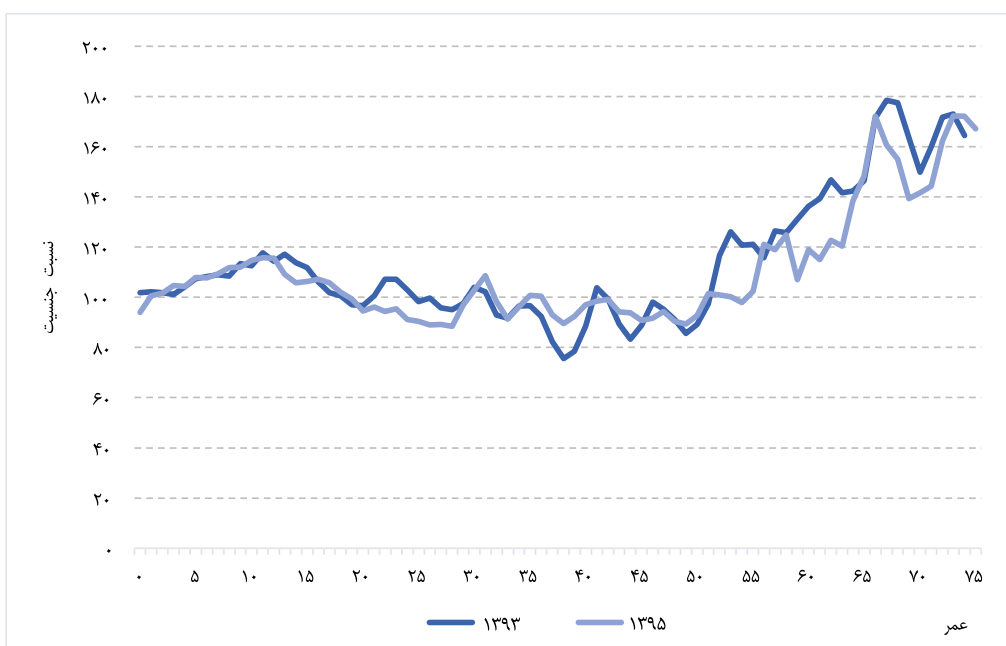
نسبت جنس تعادل بین ذکور و اناث را در یک جمعیت اندازه گیری می نماید طوری که تعداد مردان در برابر هر ۱۰۰ زن محاسبه می گردد. نسبت جنس میتواند که برای یک جمعیت بطور عموم و یا به کتگوری های مشخص سنی محاسبه شود. در سطح جهان، در حال حاضر ۶۸ میلیون مرد بیشتر از زنان وجود دارد. آسیا یگانه قاره جهان است که در آن تعداد مردان به مراتب بیشتر از زنان می باشد یعنی ۱۰۱ میلیون مرد بیشتر از نفوس زنان در قاره آسیا زندگی می کنند.

چین و هند عمدتاً در قبال مازاد مردان مسئول اند زیرا در این کشورها سقط جنین عمدی و به قتل رساندن نوزاد دختر صورت می گیرد. هر دو کشور دارنده نسبت بلند جنسی در زمان تولد می باشد: در ۱۳۹۴ در کشور چین ۱۱۸ نوزاد پسر در برابر هر ۱۰۰ نوزاد دختر و در هند این تناسب ۱۱۲ پسر در برابر هر ۱۰۰ دختر به مشاهده رسیده است در حالیکه به سطح جهان این نسبت ۱۰۳ می باشد. در افغانستان نیز تعداد مردان نسبت به زنان بیشتر می باشد. طبق سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نسبت جنس ۱۰۳.۹ می باشد. طوری که مشاهده گردیده در جریان سالهای گذشته نسبت جنس اندکی پایین آمده است. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ نسبت جنس ۱۰۵.۳ بود، که شاید ناشی از پوشش بهتر زنان در جریان جمع آوری ارقام بوده باشد.

در افغانستان، تفاوت های بزرگ در نسبت جنس بین مناطق دهاتی، شهری و کوچی وجود دارد. نسبت عمومی جنس در میان نفوس کوچی بلندترین است (۱۰۷.۹ مرد در برابر هر ۱۰۰ زن)، که این رقم در بین مناطق دهاتی یک اندازه پایین است (۱۰۴.۳ مرد در برابر هر ۱۰۰ زن) و در مناطق شهری به ۱۰۲.۱ مرد در برابر هر ۱۰۰ زن میرسد.

شکل ۴.۳ یک تصویر مشرح نسبت جنس را در سنین مشخص برای سال ۱۳۹۳ و سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد^۷. گرچه نمونه‌های کوچک متنوع و گزارش سنی اشتباه آمیز وجود دارد ولی با آن هم مشخصات عمومی هر دو سروی نشان دهنده تمایزات تقریباً مشابه می‌باشد. نسبت جنس برای نوزادان بسیار پایین است. در سروی سال ۱۳۹۵ تنها ۹۳.۹ نوزاد ذکور در برابر هر صد نوزاد اناث وجود دارد. این رقم نهایت پایین بوده و همچنان و پایینتر از سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۳ می‌باشد که در آن نسبت جنس ۱۰۱.۸ بود. طوری که قبلاً تذکر به عمل آمد یک کم شماری جدی در بین اطفال خورده‌سن در این سروی وجود داشت. در این شکی نیست که نسبت جنس تحریف شده در بین نوزدان نظر به مشکل ارقام بیشتر است آنگاه که با مشخصات حقیقی مقایسه شود.

شکل ۴.۳: نسبت جنس سنین مشخص به تفکیک سال‌های سروی



بعد از سن یک سالگی نسبت جنس به تدریج الی سن ۱۲ سالگی افزایش می‌یابد، یعنی به ۱۱۸.۷ پسر در برابر هر ۱۰۰ دختر میرسد. نسبت بلند جنس در میان نوجوانان احتمالاً به عنعنه ستر زنان مرتبط باشد که در آن دختران جوان با مشارکت محدود در فعالیت‌های خارج از خانه در انزوا زندگی می‌کنند موقعیت منزوی دختران جوان به سادگی باعث میشود تا رئیس خانوار از درج نام و شمارش آنها در فهرست خانوار خود داری کند. یک اندازه استثنائات کوچک در محدوده سنین ۲۰ تا ۵۰ وجود دارد که نسبت جنس را در سنین خاص، بسیار پایین تر از ۱۰۰ نشان می‌دهد. تا حال مشخص نیست که دلیل عمده پایین بودن نسبت جنس چه خواهد بود. اما احتمال آن وجود دارد - طوری که فوقاً نیز تذکر به عمل آمده - که دلیل عمده آن عدم حضور مردان در خانوار بنا بر مهاجرت یا دخیل بودن آنها در فعالیت‌های نظامی باشد. با وجودی که زنان گروپ‌های سنی باروری نیز مستور اند، ولی احتمال حذف شان نظر به زنان جوانتر و مسن تر از این گروپ به مراتب پایینتر است، زیرا در سوالنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان بخش‌های مشخص برای زنانی که در گروپ‌های سن باروری قرار دارند اختصاص داده شده و بالای خانوارها دقت شده تا تمام زنان واجد شرایط را شامل گردد.

^۷ ارزش‌های هر دو سروی با استفاده از اوسط‌های جاری نورمال گردیده است. این یک تخنیک ساده است که بنام اوسط‌های متحرک نیز یاد می‌گردد، که در آن هر اوسط به جای ارزشهای حقیقی قبلی و بعدی آن، جایگزین می‌شود.

در اکثر کشورها توقع به حیات در زنان نسبت به مردان بلندتر می باشد. در نتیجه زنان معمولاً بخش اعظم نفوس بزرگسال را تشکیل می دهند. در سطح جهان، میزان وفیات زنان مسن تر عمدتاً پایینتر از مردان می باشد و تعداد زنان بزرگسال با پیشرفت سن بصورت قابل ملاحظه افزایش می یابد فلذا نسبت جنس برای افراد بزرگ سال عموماً از ۱۰۰ پایین بوده و با افزایش سن کاهش می یابد. شکل ۴.۳ نشان می دهد که این امر قطعاً در افغانستان صدق نمی کند. بعد از سن ۵۰ سالگی، در نسبت جنس یک افزایش سریع دیده میشود. در سنین بالاتر از ۷۵ سال، حدود ۱۶۵.۷ مرد در برابر هر ۱۰۰ زن قرار دارد. امکان آن میرود که اکثر زنان مسن و بزرگسال بنا بر دلایل فرهنگی (مستور بودن) در سروی شامل نگردیده باشند، با وصف آنکه یک تعداد عوامل دیگر نیز در زمینه نقش مهم دارند. زنان بزرگسال چندین سال قبل اطفال داشتند آن زمانی که مرگ و میر مادران در افغانستان در یک سطح بسیار بلند قرار داشت. طبق تخمین (Bartlett et al) در سال ۱۳۸۴، در جریان سالهای ۱۳۸۱-۱۳۷۸ میزان مرگ و میر مادران (MMR) از ۱۶۰۰ تا ۲۲۰۰ میرسید. به عباره دیگر، طی سالهای ذکر شده بین ۱۶۰۰ تا ۲۲۰۰ واقعه فوت مادران در ۱۰۰۰۰۰ ولادت زنده واقع شده بود. با در نظر داشت سطوح بلند تولدات این امر باعث شده تا در طول عمر خطرات مرگ و میر مادران احتمالاً تا حدود ۱۵ الی ۲۰ فیصد وجود داشته باشد. یک توضیح دیگر که در هنگام تحلیل نسبت جنس در افغانستان مورد توجه قرار گیرد واقعات مهم مربوط به مسایل جنسیت برای زنان بزرگسال باشد: یک برتری عمومی که خاصاً در مناطق دوردست کشور وجود دارد اینست که بیشتر مریضان ذکور نسبت به مریضان اناث مورد معالجه قرار گرفته و به تدای ایشان اولویت داده میشود. این امر بویژه زمانی بوقوع می پیوندد که منابع مالی و اقتصادی خانوار محدود باشد. مشکل است که چنین سلوک مورد سنجش قرار گیرد.

۳.۳ ترکیب خانوار

سروی وضعیت زندگی در افغانستان از تعریف ملل متحد در مورد خانوار استفاده میکند. یک خانوار عبارت از یک گروپ از افرادی می باشد که با هم خویشاوند یا غیرخویشاوند بوده و با همدیگر بصورت یک واحد زندگی می کنند طوری که دارای وظایف مشترک تنظیم امور خانوار بوده و از یک بودجه مشترک استفاده می کنند. اعضای خانوار با هم زندگی می کنند، در مصارف خانوار سهم مالی میگیرند و حد اقل یک بار در روز یکجای غذا صرف می کنند.

۱.۳.۳ ساختار خانوار

به اساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، افغانستان در مجموع دارای ۳.۸ میلیون خانوار می باشد. قابل ذکر است که در جریان کار ساحوی صرف از خانوارهای معمولی بازدید صورت گرفته طوری که خانوارهای سازمانی و جمعی شامل نمونه نگردیده اند. جدول ۲.۳ تعداد خانوار و حجم خانوار را به تفکیک محل اقامت نشان می دهد. اکثریت خانوارها در دهات وجود دارند (۲۶ میلیون)، که تقریباً سه برابر خانوارهای مناطق شهری (۹۴۲ هزار) می باشد. در حدود ۱۹۱ هزار خانوار کوچی در کشور ساکن هستند. بصورت عموم، خانوارها در افغانستان از لحاظ تعداد بزرگ میباشند. با در نظر داشت نفوس کشور که ۲۹.۱ میلیون گزارش شده، در حدود ۳.۸ میلیون خانوار وجود دارد که به طور اوسط حجم خانوار مساوی به ۷.۷ نفر می گردد. این ارقام نظر به ارقام ارائه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ اندکی بلندتر بوده که در آن زمان اوسط یک خانوار به ۷.۴ عضو میرسید. خانوارها در مناطق دهاتی در مقایسه با مناطق شهری از لحاظ تعداد بزرگتر میباشند (۷.۸ عضو)، این رقم در بین نفوس کوچی به ۷.۶ و در مناطق شهری به ۷.۳ میرسد.

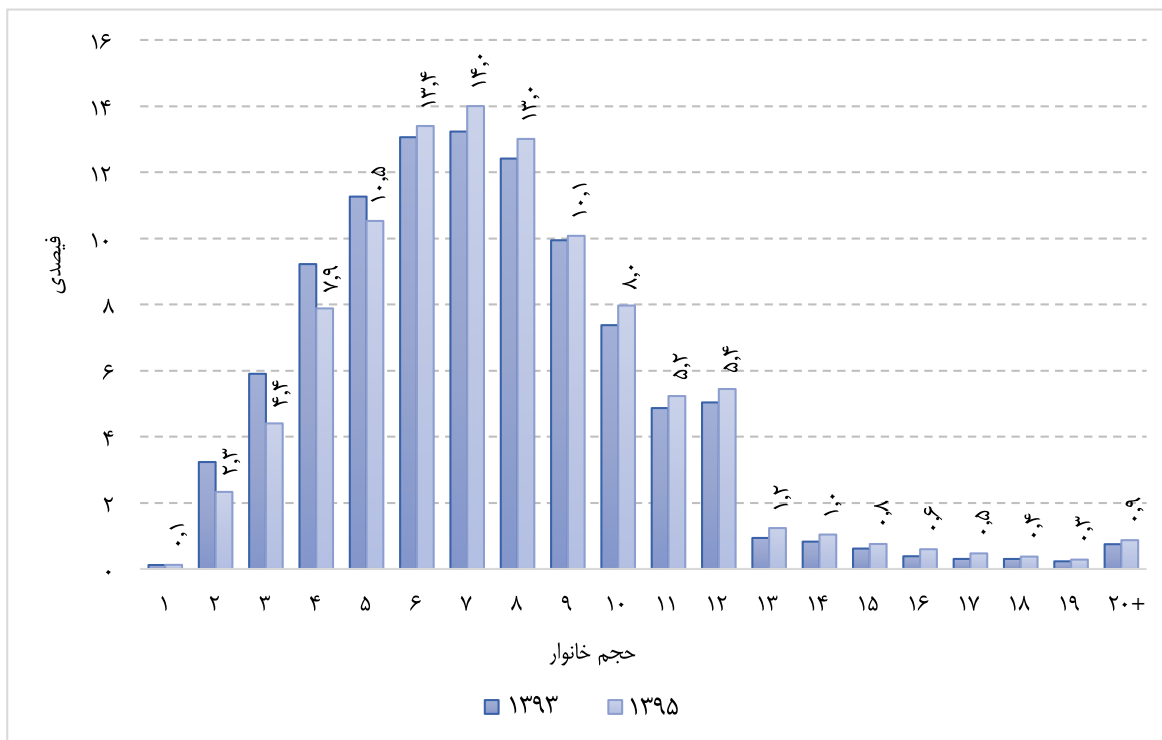
جدول ۲.۳: خانوارها و تعداد وسطی اعضای در هر خانوار به تفکیک محل اقامت (به هزار و فیصد)

خانوار انتخاب شده شاخص ها	به هزار				به فیصد			
	ملی	شهری	دهاتی	کوچی	ملی	شهری	دهاتی	کوچی
حجم خانوار								
مجموع	۹۴۲.۳	۲,۶۴۷.۳	۱۹۰.۸	۳,۷۸۰.۳	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۱ - ۲ نفر	۲۳.۸	۶۶.۵	۲.۴	۹۲.۷	۲.۵	۲.۵	۱.۳	۲.۵
۳ - ۵ نفر	۲۵۸.۹	۵۶۰.۸	۴۲.۶	۸۶۲.۳	۲۷.۵	۲۱.۲	۲۲.۳	۲۲.۸
۶ - ۸ نفر	۳۹۲.۳	۱,۰۵۳.۶	۸۱.۴	۱,۵۲۷.۴	۴۱.۶	۳۹.۸	۴۲.۷	۴۰.۴
۹ - ۱۰ نفر	۱۴۲.۴	۵۰۱.۵	۳۸.۳	۶۸۲.۱	۱۵.۱	۱۸.۹	۲۰.۱	۱۸.۰
۱۱ - ۱۴ نفر	۹۲.۲	۳۷۵.۹	۲۱.۴	۴۸۹.۴	۹.۸	۱۴.۲	۱۱.۲	۱۲.۹
۱۵ نفر یا زیاد	۳۲.۷	۸۹.۰	۴.۷	۱۲۶.۴	۳.۵	۳.۴	۲.۵	۳.۳
اوسط								
حجم خانوار	۷.۳	۷.۸	۷.۶	۷.۷				
تعداد اطفال ۰ - ۱۴	۳.۱	۳.۸	۴.۰	۳.۷				
تعداد سالمندان ۶۵ سال و بالاتر	۰.۲	۰.۲	۰.۱	۰.۲				
سهم								
اطفال ۰ - ۱۴	۴۲.۹	۴۹.۰	۵۲.۲	۴۷.۷				
سالمندان ۶۵ سال و بالاتر	۳.۰	۲.۶	۱.۶	۲.۷				

شکل ۵.۳ تفاوت ها را در توزیع حجم خانوار بین سروی کنونی و قبلی وضعیت زندگی در افغانستان را نشان می دهد. طوری که درگراف نشان داده شده تقریباً هیچ کس در افغانستان تنها زندگی نمی کند (۰.۱ فیصد)، تنها ۶.۹ فیصد خانوارها دارای یک الی سه عضو میباشند و ۶۱.۳ فیصد خانوارها دارای ۷ عضو یا بیشتر از آن بوده و ۲۴.۳ فیصد خانوارها دارای ۱۰ عضو یا بیشتر از آن میباشند. جالب است که در سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ کاهش چشمگیر بین ۱۲ و ۱۳ عضو در هر خانوار دیده میشود، در حالیکه یک کاهش تدریجی در حجم سایر خانوارهای بالاتر از ۷ عضو نیز دیده میشود. تعداد خانوارهای دارای ۱۳ عضو نسبت به خانوارهای دارنده ۱۲ عضو کمی بیشتر می باشد و دلایل عمده در قبال این تفاوت ها به مشکل دانسته میشود. صفحه اول سوالنامه فهرست خانوار برای هر دو سروی دارای یک بخش مشخص برای ۱۲ عضو می باشد که ممکن یک توضیح باشد. شاید در بعضی موارد مصاحبه کننده گان بعد از یادداشت مشخصات تمام مردم که پاسخ میدادند دچار خستگی شده و بعد از تکمیل نمودن صفحه اول مصاحبه را ترک نموده اند.

یک روش دیگر دست یابی به معلومات در مورد حجم یا بزرگی خانوار بررسی تعداد اعضای یک خانوار در یک خانوار دارای اندازه مشخص می باشد. افغانها عادت دارند که در اطراف شان افراد زیاد وجود داشته باشد: تنها ۶.۴ فیصد نفوس در خانوارهایی که دارای ۴ عضو یا کمتر از آن میباشند زندگی می کنند، تنها ۲.۳ فیصد خانوارها دارای ۳ عضو یا کمتر از آن می باشد. بطور معمول بیشتر خانوارها ۸ عضوی هستند که در مجموع دارای ۴.۹ میلیون افراد می باشد. حدود ۵۰ فیصد نفوس در خانوارهایی زندگی می کنند که دارای ۹ یا بیشتر از آن عضو میباشند. این ارقام نسبت به ارقام سال ۱۳۹۳ کمی زیادتر بوده که حدود ۴۷.۳ فیصد تمام نفوس افغانستان درخانوارهای دارای ۹ عضو یا بیشتر از آن زندگی می کنند.

شکل ۵.۳: خانوارها به تفکیک حجم خانوار و سال سروری (به فیصدی)



در سروری وضعیت زندگی، در افغانستان برای هر خانوار یک رئیس توسط مصاحبه کننده مشخص شده است. رئیس یا سرپرست خانوار عبارت از شخص است که اعضای خانوار وی را رئیس یا سرپرست خانه می پندارند. معمولاً سرپرست خانه درآمد مالی داشته و در تصمیم گیری در خانوار نیز رول عمده دارد که عموماً مرد می باشد اما مصاحبه کننده باید تصمیم اعضای خانوار را بپذیرد که کدام عضو باید سرپرست خانوار باشد. سپس یک سوال از هر عضو خانوار در مورد رابطه آنها با رئیس یا سرپرست خانوار پرسیده شد. به اساس این معلومات میتوان نوع خانوار را تعیین کرد. از لحاظ رابطه اعضای خانوار با رئیس خانوار شش نوع خانوار را میتوان مورد توجه قرار داد: خانوار دارای یک عضو، یک زوج بدون طفل، زوج دارای طفل، یکی از والدین با طفل، خانوار متشکل از اقارب و خانوارهای مرکب.^۸

اکثر خانوارها (۵۲.۳ فیصد) متشکل از یک خانوار یا یک زوج و اطفال (جدول ۳.۳) می باشد. قابل یاد آور است که خانوارهای چند همسر بدون اطفال یا دارای اطفال نیز در جمله خانوارهای وسیع کود گذاری شده اند. نوع دوم خانوار که دارای اهمیت می باشد متشکل از خانوارهای وسیع می باشد: ۴۲.۷ فیصد تمام خانوارها را خانوارهای وسیع تشکیل می دهد. طوری که قبلاً ذکر شد، کمتر اشخاص و افرادی وجود دارند که بدون فامیل زندگی می کنند (۰.۱ فیصد). زوج های عروسی شده که بدون طفل هستند و مستقل زندگی می کنند تنها ۲.۰ فیصد تمام خانوارها را تشکیل میدهند، در حالیکه ۲.۷ فیصد خانوارها از یک زوج (پدر یا مادر) و اطفال تشکیل شده اند. خانوارهای افغان متشکل از اعضای فامیل همسته و جدا نشدنی میباشد. اشخاص و افراد بیگانه یا غیر مرتبط در خانوارهای افغان ندرتاً دیده میشود. تنها ۰.۳ فیصد تمام خانوارها به شکل مرکب کود گذاری شده اند مثلاً کمتر از یک خانوار در هر ۳۰۰ خانوار.

بین خانوارهای کوچی، دهاتی و شهری تفاوت های کوچک وجود دارد (جدول ۳.۳). فیصدی خانوارهایی که متشکل از یک زوج با اطفال میباشد در مناطق شهری زیاد (۵۶.۲ فیصد) بوده که در مقایسه با آن در مناطق دهاتی این رقم به ۵۰.۸ فیصد و در بین نفوس کوچی به ۵۲.۶ فیصد میرسد. نتیجتاً، فیصدی خانوارهای وسیع در مناطق شهر (۳۷.۵ فیصد) نسبت به نفوس کوچی (۴۴.۰ فیصد) و مناطق دهاتی (۴۴.۴ فیصد) پایین تر می باشد.

^۸ تعریف خانوارهای مرکب و وسیع که در سروری وضعیت زندگی در افغانستان ذکر شده با اساسات و سفارشات ملل متحد برای احصائیه نفوس و محل اقامت در مطابقت قرار دارد (United Nations ۲۰۱۷, Rev. ۳, para. ۴.۱۴۶).
(یک خانوار وسیع متشکل از اعضای ذیل میباشد: یک هسته واحد خانواده و سایر اعضای مرتبط به هسته مرکزی، دو یا بیشتر از دو هسته فامیلی مرتبط به همدیگر بدون اشخاص و افراد دیگر، دو یا بیشتر از دو هسته مرکزی فامیلی مرتبط به همدیگر به اضافه اشخاص و افراد دیگر که حد اقل با یکی از هسته ها ارتباط دارند و دو یا بیشتر از دو شخص مرتبط به یکدیگر، که هیچکدام دارای هسته فامیلی نمی باشند. یک خانوار مرکب عبارت از خانوار است که حد اقل یکی از اعضای آن با سایر اعضای خانوار ارتباط نداشته باشد.

جدول ۳.۳: خانوارها به تفکیک نوع و محل اقامت (به فیصدی)

نوعیت خانوار	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
خانوار یک نفره	۰.۲	۰.۱	۰.۰	۰.۱
زوج بدون طفل	۱.۷	۲.۱	۱.۱	۲.۰
زوج دارای طفل	۵۶.۲	۵۰.۸	۵۲.۶	۵۲.۳
یکی از والدین با طفل	۴.۱	۲.۲	۱.۶	۲.۷
خانوار توسعه یافته	۳۷.۵	۴۴.۴	۴۴.۰	۴۲.۷
خانوار مرکب	۰.۲	۰.۳	۰.۷	۰.۳

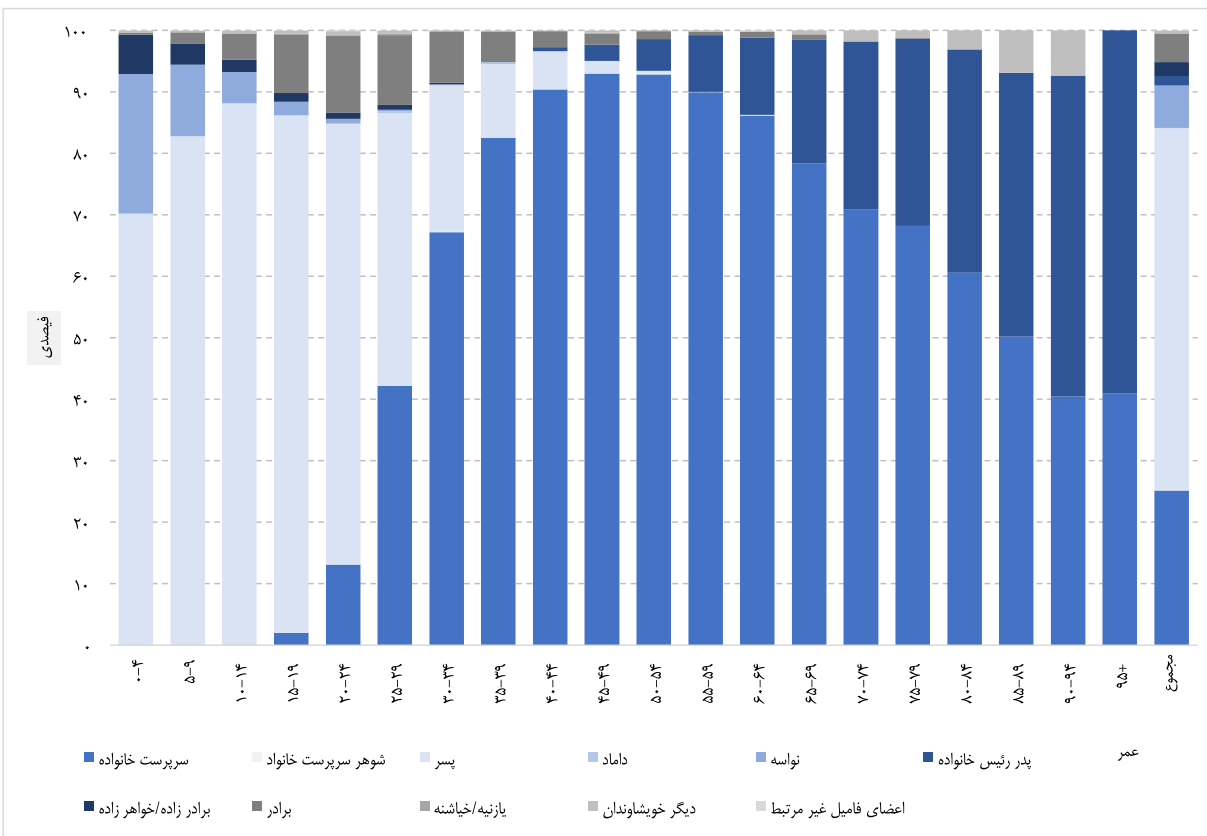
جدول ۴.۳ توزیع مرتبط و مطلق مردم را مطابق به رابطه آنها با رئیس خانوار نشان می دهد: ۱۳.۰ فیصد تمام اشخاص رئیس خانوار، ۱۲.۸ فیصد منحیت همسر رئیس خانوار ثبت شده اند و ۵۴.۲ فیصد منحیت پسر یا دختر خانوار یا رئیس خانوار ثبت شده اند. اعضای دیگر فامیل به ترتیب شامل داماد یا عروس (۳.۱ فیصد)، نواسه (۶.۶ فیصد)، پدر و مادر (۳.۰ فیصد)، خواهرزاده یا برادرزاده (۲.۱ فیصد)، برادر یا خواهر (۳.۹ فیصد)، خسربره یا خیاشنه (۰.۹ فیصد) و اقارب دیگر (۰.۵ فیصد) می باشد. رقم اعضای غیر خویشاوند خانوار بسیار کم گزارش شده است.

جدول ۴.۳: نفوس، به تفکیک قرابت به رئیس خانوار (به هزار و فیصدی)

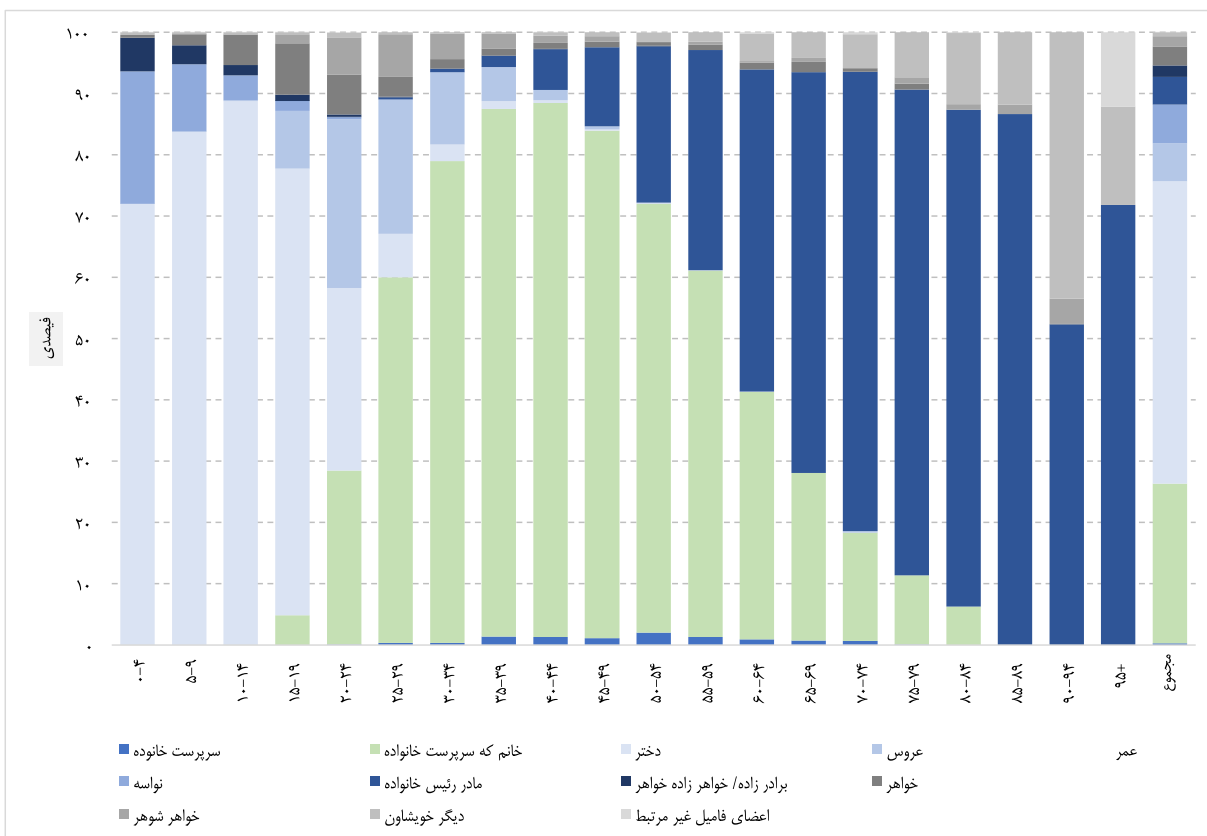
ارتباط با رئیس خانوار	هزار	فیصد
مجموع	۲۹,۱۱۳	۱۰۰.۰
رئیس خانوار	۳,۷۸۰	۱۳.۰
خانم یا شوهر رئیس	۳,۷۲۱	۱۲.۸
پسر یا دختر	۱۵,۷۷۴	۵۴.۲
عروس / داماد	۸۹۹	۳.۱
نواسه	۱,۹۲۳	۶.۶
پدر یا مادر	۸۷۳	۳.۰
برادر زاده یا خواهر زاده	۶۰۱	۲.۱
برادر یا خواهر	۱,۱۲۸	۳.۹
یازنه / خیاشنه	۲۵۴	۰.۹
دیگر خویشاوندان	۱۴۷	۰.۵
اعضای فامیل غیر مرتبط	۱۳	۰.۰

موقف یک شخص در خانوار تا حدی زیاد وابسته به سن و جنس شخص می باشد. اشکال ۶.۳ الف و ۶.۳ ب ارتباط یا خویشاوندی اشخاص را با رئیس خانوار برای هر دو جنس اناث و ذکور نشان می دهد. در هر دو شکل از عین کودهای رنگه استفاده شده اما سیر هر دو بسیار متفاوت می باشد. در بین مردان کتگوری "همسر رئیس خانوار" بسیار کوچک می باشد، تنها در حدود ۴۵ هزار خانوار (فقط ۱.۲ فیصد) توسط زنان سرپرستی می گردند. طوری که توقع می رود کمتر خانوارها توسط مردانی که در سن جوانی قرار دارند سرپرستی میشوند. به گونه مثال، در گروپ سنی ۲۴-۲۰ سالگی، ۱۳.۱ فیصد تمام مردان سرپرستی خانوارهای مربوطه را به عهده دارند. با افزایش سن، فیصدی مردانی که سرپرست خانوارها هستند در سنین ۴۹-۴۵ سالگی به حد اعظمی آن میرسد از جمله تمام مردان شامل در این گروپ سنی ۹۳.۰ فیصد آنها منحیت رئیس یا سرپرست خانوار ثبت شده اند.

شکل ۶.۳ الف : نفوس ذکور، به تفکیک گروه سنی پنج سال و به تفکیک قرابت با رئیس خانوار (به فیصدی)



شکل ۶.۳ ب : نفوس اناث، به تفکیک گروه سنی دارای تفاوت پنج سال و قرابت با رئیس خانوار (به فیصدی)



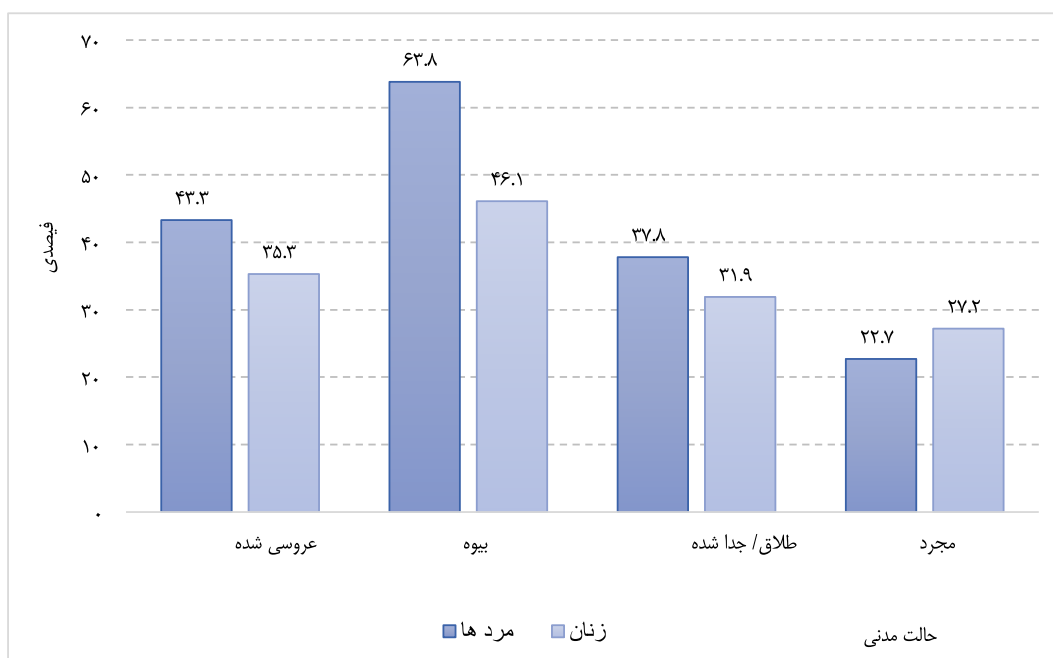
معمولاً تا رسیدن به یک سن مشخص اطفال همراهی والدین زندگی می کنند که پس از رسیدن به سن معین والدین همراهی اولادهاشان زندگی می کنند. بعد از سن ۵۰ سالگی، تعداد مردانی که گزارش داده شده که پدر رئیس خانوار هستند سریعاً افزایش می یابد. بین سنین ۷۰ الی ۷۴ سالگی حدود ۲۷.۴ فیصد تمام مردان خاطر نشان نموده اند که همراهی پسران شان زندگی می کنند و در بین زنان این فیصدی بسیار بلند بوده یعنی به ۷۵.۰ فیصد میرسد. این تفاوت دقیقاً با حالت مدنی مردان و زنان شامل در این گروه مرتبط می باشد. در گروه سنی ۷۴-۷۰ سالگی، ۱۲.۶ فیصد مردان و در مقابل ۶۳.۵ فیصد زنان، بیوه میباشند. قابل ذکر است که در بین سنین ۳۹-۲۰ سال تعداد کمی از زنان خاطر نشان نموده اند که خانم پسر سرپرست خانوار میباشند؛ به گونه مثال، ۲۷.۶ فیصد تمام خانم های دارای سنین ۲۴-۲۰ سالگی در خانوارهای شوهران شان زندگی می کنند. بالمقابل تنها ۰.۱ فیصد مردان در عین گروه سنی همراه خانوارهای خانم هایشان زندگی می کنند. در بین هر دو جنس، یک تعداد افراد جوان همراه خانوار های برادران شان زندگی می کنند اما رقم شان بعد از سن ۳۰ سالگی تا حد زیاد کاهش می یابد. حضور سایر اعضای فامیل یا اشخاص و افراد غیرخویشاوند در تمام گروه های سنی بسیار کم رنگ می باشد.

۲.۳.۳ سرپرستان اناث خانوار

طوری که مستند سازی شده در اکثر کشورها زنان که سرپرستی خانوارها را به دوش دارند در یک موقعیت آسیب پذیر با سطح بلند فقر و محرومیت قرار دارند. مشکل دسترسی به زمین، کار، وجوه مالی و مارکیت بیمه، مواجه شدن با تبعیض بنابر موجودیت نورم های فرهنگی و رنج بردن از وابستگی و عدم تحرک اقتصادی تنها یک تعداد کم از مشکلاتی است که زنان سرپرست خانوارها با آنها دست و پنجه نرم می کنند (Klasen, Lechtenfeld and Felix Povel ۲۰۱۱). فلهاذا، لازم است تا مشخصات سرپرستان زن در مقایسه با سرپرستان مرد خانوارها دانسته شود. قسمی که فوقاً تذکر داده شد، تنها ۱.۲ فیصد یا ۴۵ هزار خانوارها توسط زنان سرپرستی میشوند که در مجموع تعداد افراد شامل در این خانوارها به ۲۱۲ هزار نفر میرسد. در کشوری مانند افغانستان که بیشتر مردان مسلط هستند، یک خانوار که توسط زن سرپرستی می گردد دارای مشخصات به خصوص خویش می باشد. یکی از تفاوت های بزرگ بین سرپرستی زن و مرد حالت مدنی می باشد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که تنها ۱.۲ فیصد مردان سرپرست بیوه هستند در حالی که ۷۸.۰ فیصد زنان سرپرست خانوار بیوه بوده و ۵۸.۵ فیصد خانوارهایی که توسط زنان سرپرستی میشوند در آنها حتی یک مرد بین ۱۵ الی ۶۴ سال وجود نداشته بناءً گزینه دیگر برای سرپرستی در این خانوارها بجز سرپرستی توسط زنان وجود ندارد.

اوسط سن زنان و مردان که سرپرستی خانوار را به دوش دارند تقریباً یکسان می باشد؛ یعنی ۴۳ سال برای مردان سرپرست و ۴۳.۶ سال برای زنان سرپرست. همچنان، یک تفاوت بزرگ بین سنین ذکر شده مطابق به حالت مدنی ایشان وجود دارد (شکل ۳.۷). اوسط سن مردان بیوه به ۶۳.۸ سال میرسد، در حالی که زنان بیوه تنها ۴۶.۱ سال دارند. زنان عروسی شده و طلاق شده نیز نظر به همتای مرد ایشان بسیار جوانتر هستند: زنان سرپرست متأهل و طلاق شده ۳۵.۳ و ۳۱.۹ ساله میباشند که این رقم برای مردان به ترتیب ۴۳.۳ و ۳۱.۹ سال می باشد. یگانه کتگوری که در آن زنان نسبت به مردان دارای سن بلندتر میباشد گروه سنی است که هرگز عروسی نکرده اند که زنان سرپرست خانوار در این کتگوری به ۲۷.۲ سال در برابر مردان به ۲۲.۷ سال میرسد.

شکل ۳.۷: اوسط سن سرپرستان ذکور و اناث خانوار به تفکیک حالت مدنی



۴.۳ الگوهای ازدواج

۱.۴.۳ توزیع حالت مدنی

با وجود اینکه مطابق فصل ۶۱ قانون مدنی افغانستان تمام ازدواج‌ها باید ثبت شوند، تنها یک تعداد کمی ازدواج‌ها ثبت می‌گردند. بصورت عموم مردم زمان متأهل تلقی می‌گردند که مطابق به خواست خانواده و محیط اجتماعی ازدواج کنند (Landinfo ۲۰۱۱). بنابر عدم ثبت و راجستر ازدواج‌ها، در این زمینه احصائیه‌ها می‌تواند تنها از معلومات و ارقام سروی‌های انجام شده به دست آید.

جدول ۵.۳ فیصدی اشخاص و افراد را به تفکیک جنس، محل اقامت و حالت مدنی نشان می‌دهد. با وجود آنکه ازدواج در افغانستان بسیار عام است، به دلیل سن بسیار جوان نفوس، تنها ۳۲.۹ فیصد مردان و ۳۵.۶ فیصد زنان ازدواج کرده‌اند. در حال که یک گروه بزرگ تا هنوز در حالت مجردی به سر می‌برند (۶۰.۸ فیصد). یک زوج جوان زمانی نامزد میشوند که خانواده‌های هر دو جانب به توافق برسند. به اساس گزارش ارائه شده در مورد ازدواج در افغانستان (Landinfo ۲۰۱۱)، مدت دوره نامزدی متفاوت می‌باشد. معمولاً ازدواج در جریان یک سال از آغاز نامزدی صورت می‌گیرد، اما موارد استثنایی نیز وجود دارد. در بعضی موارد زمانی که در مورد عروسی اطفال زیر سن مذاکره و گفتگو صورت می‌گیرد، دوره نامزدی چندین سال را در بر می‌گیرد. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، درحقیقت یک تعداد واقعات نامزدی دختران و پسران از ۱، ۲ و حتی ۳ سال نیز دوام نموده است. از جمله تمام نفوس کشور، ۲.۶ فیصد خاطر نشان نموده‌اند که نامزد هستند.

لغو و یا فسخ ازدواج در افغانستان به اساس قواعد و مقررات جدی قانونی، مذهبی و عنعنوی صورت می‌گیرد که با درنظرداشت شجره‌های قومی واقعات از هم متفاوت می‌باشند. ازدواج پیامد‌های جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای خانواده‌های هر دو طرف در قبال دارد زیرا در افغانستان ازدواج بیشتر یک قرارداد بین دو خانواده است تا اینکه یک رابطه احساساتی بین دو فرد باشد بنابر این لغو و فسخ ازدواج خاصاً از طریق طلاق در این کشور ندرتاً واقع میشود. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، کمتر از ۰.۱ فیصد زنان از طلاق یا جدایی یادآوری کرده‌اند: در بین مردان این رقم به ۰.۰۳ فیصد میرسد. فسخ ازدواج بعد از مرگ یا فوت بیشتر معمول می‌باشد: ۴ فیصد تمام زنان مصاحبه شده در سروی بیوه بودند و این فیصدی در بین مردان ۰.۸ فیصد گزارش شده است.

جدول ۵.۳: نفوس به تفکیک جنس، حالت مدنی و محل اقامت (به فیصدی)

جنس، حالت مدنی	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
متأهل	۳۳.۲	۳۴.۵	۳۵.۴	۳۴.۲
بیوه	۲.۷	۲.۲	۲.۰	۲.۳
طلاق شده / جدا شده	۰.۱	۰.۰	۰.۰	۰.۱
نامزد	۲.۳	۲.۶	۳.۷	۲.۶
مجرد	۶۱.۷	۶۰.۷	۵۸.۸	۶۰.۸
ذکور	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
متأهل	۳۲.۳	۳۳.۰	۳۳.۳	۳۲.۹
بیوه	۰.۷	۰.۸	۰.۵	۰.۸
طلاق شده / جدا شده	۰.۱	۰.۰	۰.۰	۰.۰
نامزد	۲.۳	۲.۶	۴.۳	۲.۶
مجرد	۶۴.۷	۶۳.۶	۶۱.۸	۶۳.۷
اناث	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
متأهل	۳۴.۰	۳۶.۰	۳۷.۶	۳۵.۶
بیوه	۴.۸	۳.۷	۳.۶	۴.۰
طلاق شده / جدا شده	۰.۱	۰.۱	۰.۰	۰.۱
نامزد	۲.۴	۲.۶	۳.۱	۲.۶
مجرد	۵۸.۷	۵۷.۶	۵۵.۶	۵۷.۸

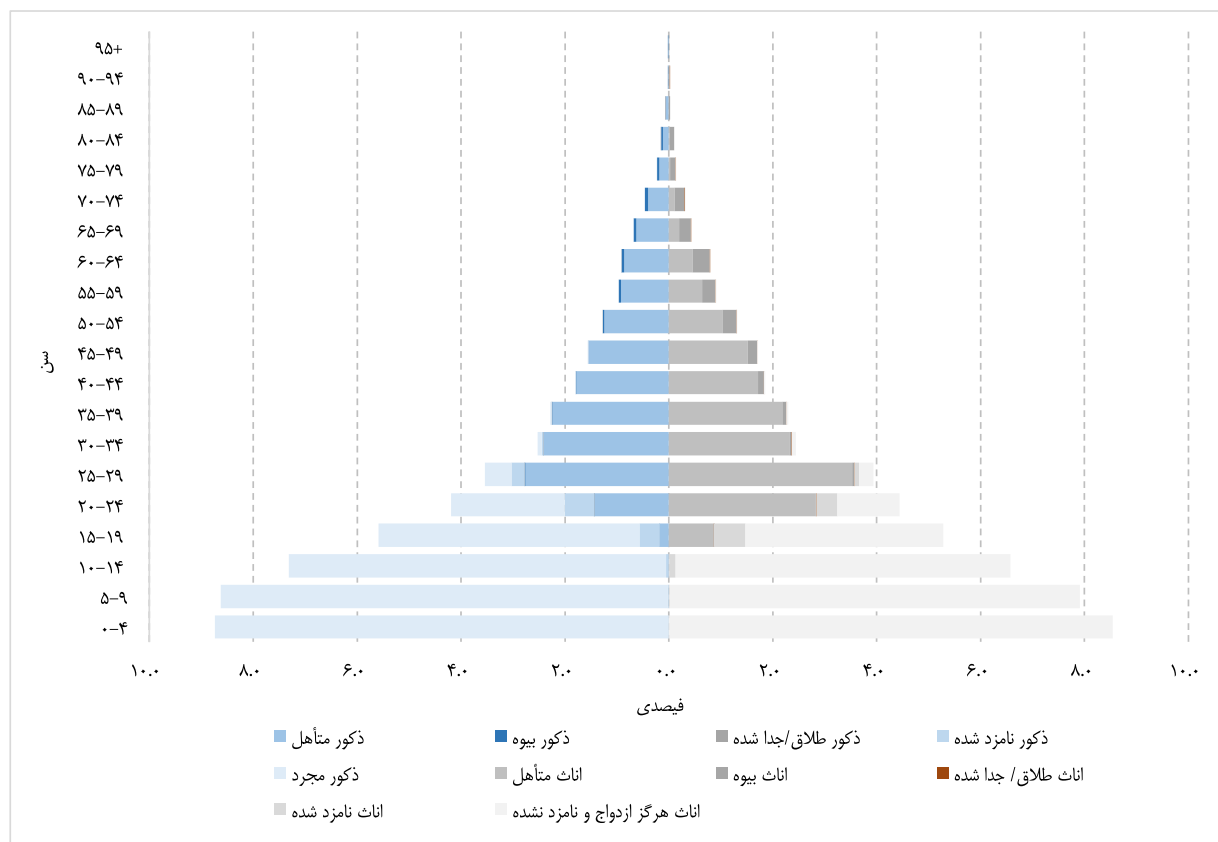
ازدواج در افغانستان یک پدیده عام است. بعد از ۴۰ سالگی کمتر از ۱ فیصد مردان و زنان بدون ازدواج یا مجرد باقی میمانند (جدول ۶.۳). سن ابتدایی که در آن دختران ازدواج می کنند و از لحاظ فیصدی در سطح بسیار بلند قرار دارد سنین ۱۵-۲۴ سالگی می باشد. در این گروه سنی، ۳۷.۹ فیصد زنان در برابر ۱۶.۴ فیصد مردان ازدواج کرده اند. برای تمام گروه های سنی مختلف، فیصدی اشخاص و افراد طلاق شده بسیار کم می باشد. فیصدی احتمال بیوه شدن یک زن در جریان زندگی نظر به مرد بیشتر می باشد. بین سنین ۴۰ و ۶۴ سالگی، ۱۷.۳ فیصد زنان بیوه گزارش شده اند و برخلاف آن فیصدی مردان در این زمینه به ۲.۱ فیصد میرسد. در سنین بالاتر از ۶۵ سال تفاوت ها حتی بیشتر، آشکارا به ملاحظه می رسد طوری که ۶۴.۳ فیصد زنان بالاتر از این سن شوهران شان را از دست داده و این فیصدی در مردان به ۱۴.۰ نشان داده شده است. تفاوت ذکر شده بین هر دو جنس قابل ملاحظه بوده و دلیل آن تفاوت بزرگ سنی بین هر دو جنس و همچنان میزان ازدواج دوباره مردان در مقایسه با زنان می باشد.

جدول ۶.۳: نفوس به تفکیک جنس، حالت مدنی، و گروه عمده سنی (به فیصدی)

جنس گروه سنی	متاهل	بیوه	طلاق جدا شده	نامزاد	مجرد	مجموع
مجموع						
۰-۱۴	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۴	۹۹.۵	۱۰۰.۰
۱۵-۲۴	۲۷.۱	۰.۱	۰.۰	۱۰.۱	۶۲.۶	۱۰۰.۰
۲۵-۳۹	۹۰.۷	۱.۰	۰.۱	۲.۳	۵.۹	۱۰۰.۰
۴۰-۶۴	۸۹.۴	۹.۷	۰.۲	۰.۰	۰.۷	۱۰۰.۰
۶۵+	۶۵.۵	۳۳.۴	۰.۳	۰.۰	۰.۷	۱۰۰.۰
ذکور						
۰-۱۴	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۳	۹۹.۷	۱۰۰.۰
۱۵-۲۴	۱۶.۴	۰.۱	۰.۰	۹.۹	۷۳.۷	۱۰۰.۰
۲۵-۳۹	۸۸.۷	۰.۳	۰.۱	۳.۴	۷.۵	۱۰۰.۰
۴۰-۶۴	۹۷.۲	۲.۱	۰.۱	۰.۰	۰.۷	۱۰۰.۰
۶۵+	۸۵.۳	۱۴.۰	۰.۱	۰.۰	۰.۶	۱۰۰.۰
اناث						
۰-۱۴	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۶	۹۹.۳	۱۰۰.۰
۱۵-۲۴	۳۷.۹	۰.۲	۰.۱	۱۰.۴	۵۱.۵	۱۰۰.۰
۲۵-۳۹	۹۲.۷	۱.۶	۰.۲	۱.۰۲	۴.۴	۱۰۰.۰
۴۰-۶۴	۸۱.۶	۱۷.۳	۰.۲	۰.۰	۰.۸	۱۰۰.۰
۶۵+	۳۴.۰	۶۴.۳	۰.۷	۰.۰	۱.۰	۱۰۰.۰

یک تصویر مفصل تجربه ازدواج مردان و زنان در هرم نفوس در شکل ۸.۳ نشان داده شده است. هرم متذکره بوضوح تفاوت در سیر ازدواج بین هر دو جنس را نشان داده و همچنان به وضاحت شمار بزرگ نفوس جوان را نشان می دهد که در سالهای آینده برای ازدواج شرایط لازم را کسب می کنند.

شکل ۸.۳: نفوس به تفکیک جنس، حالت مدنی و به تفکیک گروپ های سنی پنج ساله (به فیصدی)



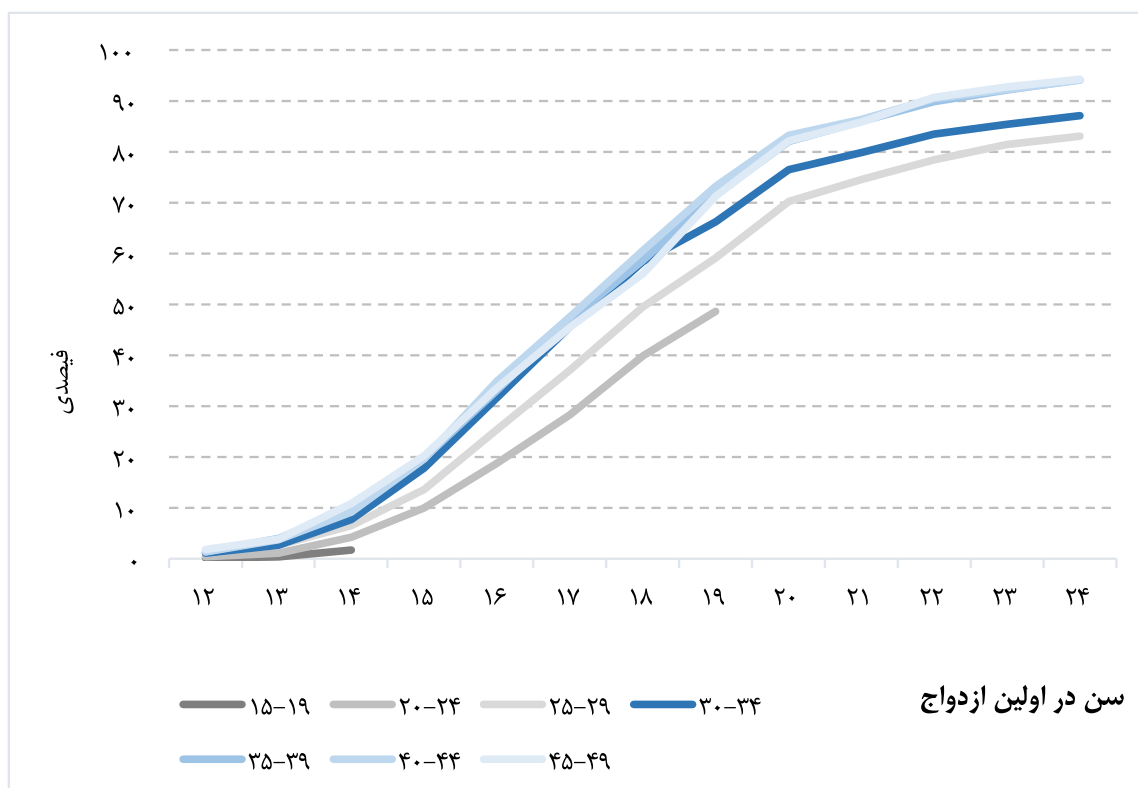
۲.۴.۳ سن در ازدواج اول

سن در نخستین ازدواج برای زنان مهم می باشد زیرا با ازدواج زنان داخل دوره جدید زندگی می گردند که به دنیا آوردن اطفال را نیز آغاز می کنند. یکی از روش های پیشرفته تخمین عبارت از اوسط سن برای اولین ازدواج (SMAM)^۹ می باشد^{۱۰}. اوسط سن برای اولین ازدواج در زنان ۲۱.۶ سال و برای مردان ۲۴.۴ سال محاسبه شده است. نتایج بدست آمده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ نشان می دهد که سن اولین ازدواج طی چند سال افزایش یافته است. ارقام بدست آمده از سروی کنونی نیز بیانگر آنست که تمایل به افزایش سن نخستین ازدواج ادامه دارد. شکل ۹.۳ فیصدی زنان بین سنین ۱۵-۴۹ سال را، به تفکیک گروپ های سنی پنج ساله و سن در اولین ازدواج، نشان می دهد. منحنی های زنان ۳۵-۴۹ ساله کاملاً روی هم قرار گرفته اند، فیصدی مجموعی اولین ازدواج ها بصورت قابل ملاحظه در بین گروپ های سنی جوانتر در سطح پایین قرار دارد. به گونه مثال، در سن ۱۸ سالگی، ۳۹.۹ فیصد (آنهایی که در حال حاضر بین سنین ۲۰-۲۴ قرار دارند) ازدواج نموده اند، در حالی که برای گروپ های سنی بزرگسال این فیصدی ۴۹.۵ فیصد (کسانی که در حال حاضر بین سنین ۲۵-۲۹ سال قرار دارند) بوده و (برای سنین ۳۰ الی ۳۴ سالگی) این رقم به ۵۸.۴ فیصد میرسد.

^۹ Singulate Mean Age at Marriage

^{۱۰} SMAM یک روش دیموگرافیک است که به منظور محاسبه اوسط طول عمر اشخاص که ازدواج نکرده اند و نتیجتاً قبل از ۵۰ سالگی ازدواج می کنند استفاده میشود و از تناسب گروه های سنی پنج ساله افرادی که هرگز ازدواج نکرده اند بر اساس ارقام سرشماری و سروی محاسبه می گردد. این روش توسط (Hajnal ۱۹۵۳) پیشنهاد گردیده است

شکل ۹.۳: زنان سنین ۱۵ - ۴۹ سال، به تفکیک سن اولین ازدواج و به تفکیک گروپهای سنی کنونی (به فیصدی)



موضوع ازدواج در سنین پایین، زیر سن در افغانستان در سالهای اخیر توجه زیاد را به خود جلب نموده است. ازدواج زیر سن یک تخطی حقوق بشری پنداشته میشود و میتواند بالای کیفیت زندگی و صحت دختر تاثیر نموده و دورنمای یک زندگی هدفمند را برای وی محدود سازد. عروس شدن زیر سن طفل را در معرض خشونت، بد رفتاری و سوء استفاده قرار داده و همچنان آزادی وی را از اشتراک در فعالیت های اجتماعی سلب مینماید که تمام این موارد پیامد های ناگوار را در زندگی روانی و فیزیکی دختران جوان در قبال دارد. از آنجائیکه دختران عروسی شده زیر سن در سنین بسیار جوان حمل میگیرند، فلهاذا صحت خود آنها و همچنان صحت طفل نوزاد نیز متاثر می گردد. ازدواج زیر سن و ولادت زود هنگام دقیقاً به سطوح بلند مرگ و میر مادر آن ارتباط داشته و تاثیرات منفی را بالای چانس زنده ماندن اطفال نوزاد نیز به جا میگذارد.

قانون مدنی (قانون مدنی ۱۳۵۶، فصل ۷۰) تصریح نموده که برای دختران حد اقل سن ازدواج در افغانستان ۱۶ سالگی می باشد، اما در صورت رضایت پدر و یا حکم محکمه ذیصلاح (Landinfo ۲۰۱۱) حالات استثنایی نیز پیشبینی شده است. در سطح جهان، دو شاخص عمده برای اندازه گیری ازدواج زیر سن مورد استفاده قرار میگیرد: الف فیصدی زنان ۲۰ - ۲۴ سال که قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده باشند و ب : فیصدی زنان ۲۰ - ۲۴ سالگی که قبل از سن ۱۵ سالگی ازدواج نموده اند. این شاخص ها شامل چارچوب شاخص اهداف انکشافی پایدار نیز میباشد. چوکات متنی ۲.۳ این شاخص ها را ارائه نموده است. طبق معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، ۴.۲ فیصد زنان گروپ سنی ۲۰ - ۲۴ سال قبل از سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده اند و ۲۸.۳ فیصد قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند. ارقام نشان می دهد که تا هنوز هم یک بخش عمده نفوس قانون مدنی را در خصوص ازدواج زیر سن مراعات نمی نمایند. ازدواج زیر سن بیشتر در مناطق دهاتی و بین نفوس کوچی ها شایع است. در حالی که ۱۸.۴ فیصد تمام زنان ۲۰ - ۲۴ سال در مناطق شهری، ۳۱.۹ فیصد در مناطق دهاتی و ۳۶.۳ فیصد در بین نفوس کوچی قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند. به اساس گزارش صندوق وجهی اطفال ملل متحد برای سال ۱۳۹۵ در مورد وضعیت اطفال جهان (UNICEF ۲۰۱۶) فیصدی زنان افغان دارای سنین ۲۰ - ۲۴ سال که در ایام نخستین ازدواج زیر ۱۸ سال قرارداشتند ۳۳ فیصد بوده که این فیصدی نظر به تخمین سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ بلندتر می باشد.

چوکات متن ۱.۳: شاخص اهداف انکشافی پایدار ۱.۳.۵: میزان زنان دارای سنین ۲۰ - ۲۴ سال که قبل از سن ۱۵ سالگی و قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند

شاخص اهداف انکشافی پایدار ۱.۳.۵: (میزان زنان دارای سنین ۲۰ - ۲۴ سال که قبل از سن ۱۵ سالگی و قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند) یک شاخص است که پیشرفت هدف انکشافی پایدار ۳.۵ را اندازه گیری مینماید: رفع تمام فعالیت های مضرمانند ازدواج زیر سن و ازدواج اجباری و قطع اعضای تناسلی زنان.

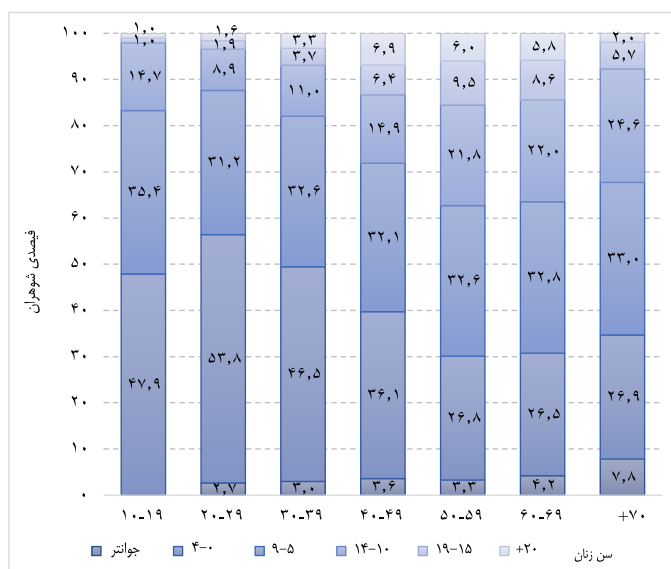
شاخص	ملی	شهری	دهاتی	کوچی
فیصدی ازدواج قبل از ۱۵ سال	۴.۲	۲.۱	۵.۰	۴.۸
فیصدی ازدواج قبل از ۱۸ سال	۲۸.۳	۱۸.۴	۳۱.۹	۳۶.۳

۳.۴.۳ خلاء سن ازدواج

ازدواج زیر سن دقیقاً به تفاوت های بزرگ سنی بین همسران ارتباط دارد. قسمی که سن تعیین کننده صلاحیت و قدرت در یک خانواده می باشد، تفاوت سنی بسیار زیاد معمولاً زنان جوان را از لحاظ موقف اجتماعی و مالی و همچنان در امر تصمیم گیری در یک موقعیت آسیب پذیر قرار می دهد. در سروی تفاوت بین اوسط سن سرپرست خانوار و خانم خانوار ۶.۲ سال گزارش شده است. این یافته ها با معلومات ارائه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ بسیار نزدیک بوده که در آن زمان تفاوت سنی بین رئیس خانوار و خانم خانوار ۶.۱ سال گزارش گردیده بود. شکل ۱۰.۳ کاهش تفاوت سنی بین همسران را نشان می دهد. یافته ها نشان می دهد که در سنین ۲۰ الی ۲۹ سالگی، حدود ۵۶.۵ فیصد زنان که با رئیس خانوار ازدواج کرده اند، ۲.۷ فیصد شان از رئیس خانوار بزرگتر بوده و ۵۳.۸ فیصد شان کمتر از ۵ سال جوانتر می باشد. در میان زنان ۵۰ الی ۵۹ سال، این فیصدی به ۳۰.۱ فیصد میرسد. در سطح گسترده همچنان تفاوت های چشمگیری بین زنان جوان و بزرگسال وجود دارد: ۱۲.۴ فیصد زنان ۲۰ - ۲۹ سال نسبت به شوهران شان بیشتر از ۱۰ سال جوانتر می باشند. در بین زنان ۵۰ - ۵۹ سال این رقم به ۳۷.۳ فیصد می رسد به شمول ۶.۰ فیصد زنان که نسبت به شوهران شان ۲۰ سال جوانتر می باشند.

برخلاف سیر عمومی یافته های دیگر نشان می دهد که در سنین بزرگتر (۷۰ سالگی و بالاتر)، یک تعداد زیاد زنان - ۷.۸ فیصد - شوهران شان در مقایسه با آنها ۱۰ سال جوانتر می باشند. این پدیده بیان کننده آن است که یک تعداد زیاد مردان بعد از بیه شدن دوباره ازدواج می کنند و یا یک امر معمول دیگر در بین پشتون ها اینست که از یک زن بیه خواسته میشود تا با یکی از اقارب - احتمالاً جوانتر - شوهر خویش ازدواج کند.

شکل ۱۰.۳: زنان متاهل به تفکیک گروپ های سنی دارای تفاوت پنج سال و تفکیک سن اقارب شوهر (به فیصدی)



قابل ذکر است که با در نظر داشت تفاوت های سنی یک پروسه انتخابی مورد کاربرد قرار میگیرد. زنان جوانی که با مردان بسیار بزرگتر از خود ازدواج می کنند. بیشتر به خطر بیوه شدن در سن جوانی مواجه میباشند لذا آنها شامل این تجزیه و تحلیل نمی گردند، زیرا در مورد تفاوت سنی آنها معلومات در دسترس نمی باشد. فیصدی بلند خلاء های بزرگ سنی بین زنان ۱۵ - ۱۹ سال در مقایسه با زنان ۲۰ - ۲۴ سال مشاهده میشود: زنانی که قبلاً در سن جوانی ازدواج کرده اند به خانوارهای بیشتر عنعنوی متعلق هستند که در بین همچو خانوارها تفاوت بزرگ سنی یک نورم قبول شده می باشد.

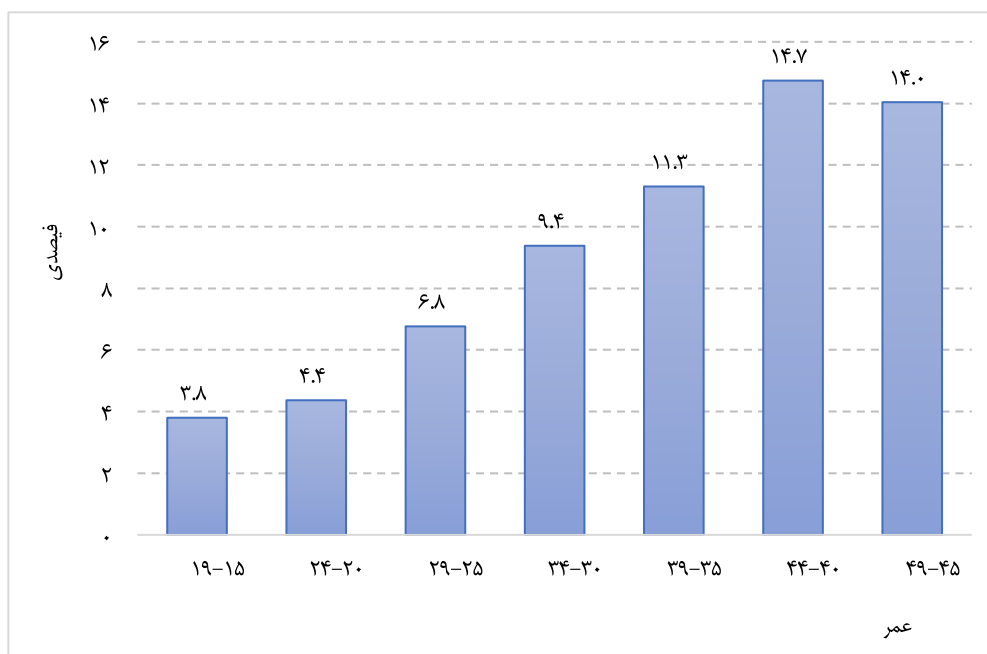
۴.۴.۳ تعدد زوجات

تعدد زوجات عبارت از ازدواج با بیشتر از دو همسر می باشد. در قضیه افغانستان، تعدد زوجات عبارت از عروسی با بیشتر از یک زن پنداشته میشود. تعدد زوجات بین امباق ها سبب بوجود آمدن نابرابری شده و بالاخره چندین خطر دیگر را بعد از بیوه شدن در خصوص میراث در قبال دارد. برعلاوه، تعدد زوجات سبب پیامد های روانی اجتماعی منفی می گردد مانند ناتوانی، حس کم ارزش بودن و خیانت (UNFPA n.d). تعدد زوجات در افغانستان از دید شریعت و قانون مدنی جواز دارد. بخاطر ازدواج با یک زن اضافی، قانون مدنی (قانون مدنی ۱۳۵۶، فصل ۸۶) یک تعداد قواعد جدی ذیل را مشخص میسازد:

- زمانی که ترس عدم تامین عدالت بین زوجات وجود نداشته باشد
- زمانی که شخص دارای امکانات کافی مالی جهت حمایت زوجات داشته باشد، یعنی توانایی تامین غذا، لباس، محل بود و باش و تداوی را داشته باشد.
- زمانی که مصلحت قانونی وجود داشته باشد، هرگاه زن اول نازا یا بدون طفل باشد و یا وقتی که از امراض لاعلاج رنج ببرند (LandInfo ۲۰۱۱).

به اساس برآورد سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، ۸.۲ فیصد تمام زنان متاهل در خانوارهایی زندگی می کنند که دارای تعدد زوجات یا چند همسری هستند. این رقم نسبت به ارقام ارائه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ اندکی بلندتر می باشد که در آن زمان ۷.۹ فیصد زنان در خانوارهای چند همسره زندگی می کردند و طبق برآورد سروی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ شش فیصد زنان در خانوارهای چند همسره زندگی می کردند. شکل ۱۱.۳ نشان می دهد که با افزایش سن، چانس عضویت یک زن در ازدواج چند همسره بیشتر میشود. درگروپ سنی ۱۵ - ۱۹ سال، ۳.۸ فیصد زنان دارای امباق میباشند. این فیصدی بتدریج تا ۱۴.۷ فیصد درگروپ سنی ۴۰ - ۴۴ سال و ۱۴.۰ فیصد در گروپ سنی ۴۵ - ۴۹ سال افزایش می یابد. گراف ارایه شده نشان دهنده آن نیست که واقعات تعدد زوجات کاهش یافته، زیرا اکثراً زنان جوان برای وقت کم در معرض دید قرار میگیرند. اکثر زنان جوان با زن بزرگسال نخست زندگی مشترک داشته، در حالی که زن بزرگسال احتمالاً زن دوم یا سوم باشد. از جانب دیگر همچو واقعات ممکن بصورت درست گزارش داده نشود، و یا اینکه زنان و یا شوهران تمایل نداشته باشند که در مورد وضعیت زندگی در خانوار مربوطه ایشان معلومات ارائه کنند.

شکل ۱۱.۳: فیصدی زنان متاهل در خانوار چند زوجه به تفکیک گروپ های سنی پنج ساله



الگوی مهاجرتی افغانستان کاملاً پیچیده است. جریان مهاجرت منظم و سنتی هر دو تحرکات نفوس چه در داخل و چه در بیرون از مرزهای کشور، مهاجرت دائمی، فصلی و یا مهاجرت دایروی به شمول کوچی نشینی بخش جدایی ناپذیر نفوس افغانستان است. الگوی مهاجرتی بصورت بسیار بالا مختص به جنسیت خاص است و برای کسانی از فواصل دور و نزدیک بسیار مشکل است (اداره مرکزی احصائیه ۲۰۱۴، اداره مرکزی احصائیه ۲۰۱۶) این جریان ها با تأثیرات یکی از بزرگترین و طولانی ترین شرایط پناهندگان و بیجاشده گان در جهان مخلوط شده است. این کشور بزرگترین حجم بازگشت کننده گان از تبعید را در تاریخ نزدیک نشان داده است، که با مقیاس بزرگ از بیجا شده گان داخلی و مقاصد نو ظهور مهاجرت برای کارگری و پناهجویان تازه ترکیب شده است. تعداد افغانهای درگیر مهاجرت بین المللی و بالخصوص تعداد پناهجویان (مهاجرین) و بازگشت کننده گان (عودت کننده) آنقدر بزرگ است که در معادله تخمین ملی نفوس یک ضریب بحرانی تلقی میگردد.

سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ تنها یک مودل کوچک از مهاجرت را در بر گرفته است. در این مودل مهاجرت سوالهایی در مورد محل تولد افراد، محل اقامت دو سال قبل از مصاحبه (سال شمسی ۱۳۹۳، ۲۰۱۵-۲۰۱۴ تقویم میلادی) و دلیل برگشت شخص به محل سکونت فعلی پرسیده شده است. بر علاوه یک بخش کوچک از سوالات خانوارها را موضوعات مرتبط به آواره گی مهاجران در برگرفته است. هر چند این سروی اساساً برای مطالعات مهاجرت دیزاین نگردیده است، اما معلومات جمع آوری شده به جمع بدنه محدود معلومات مهاجرین و جریان های مهاجرت افغانستان مرتبط می باشد. همچنین باید تأکید کرد که تمرکز معلومات مهاجرت در سروی وضعیت زندگی افغانستان بیشتر به منظور تشریح الگوهای مهاجرت می باشد، تا مشخص کردن تعداد مطلق مهاجرین.

۲.۵.۳ مفاهیم مهاجرت

مهاجرت در سروی وضعیت زندگی افغانستان به عنوان عمل عبور از یک مرز تعریف می شود که حداقل یک سال در جای دیگر زندگی کرده باشد. عبور از مرز بین المللی میان دو کشور مهاجرت بین المللی شمرده میشود. مهاجرینی که داخل یک مملکت میشوند (به شمول برگشت کنندگان و مردمی که خارج از کشور متولد شده اند) بنام عودت کننده؛ و کسانی که یک مملکت را ترک میکنند بنام کوچ کننده (مهاجر) یاد میشود. عبور از مرزهای (اداری) در داخل مملکت مهاجرت داخلی را نشان میدهد. شخصی که از یک ساحه به ساحه دیگر در داخل مملکت وارد میشود، تازه وارد-داخلی پنداشته میشود و کسانی که از ساحه خارج میشود و به محل دیگر در داخل مملکت میرود کوچک کننده - داخلی گفته میشود. مهاجرت داخلی در سطوح مختلف اندازه گیری شده میتواند، چنانچه در سطوح ولایت، ولسوالی ها و حتی شهر داری ها. سروی وضعیت زندگی مردم افغانستان در سال ۱۳۹۵ برای اندازه گیری مهاجرت در داخل ولایات افغانستان طراحی شده است.

- در این گزارش، تجزیه و تحلیل مهاجرت، دو ابعاد مختلف زمانی را تشخیص می دهد، که میتواند در مورد مهاجرت ملی و بین المللی تطبیق شود:
- مهاجرت مادام العمر نشان دهنده تفاوت میان محل تولد و محل اقامت فعلی میباشد. این نتیجه خالص تمامی حرکات فرد را برای ما میدهد که در تمام عمر خود انجام داده باشد و شاید مهاجرت های احتمالی متوالی در طول عمر شخص را پیوند دهد. در سطح کل، این دلالت بر مقدار خالص از دست دادن و یا افزایش تعداد جمعیت در یک منطقه را دارد.
- مهاجرت اخیر به عنوان مهاجرت در دوره دو سال قبل از نظرسنجی (سروی) اندازه گیری می شود و نتیجه خالص هر حرکت شخصی را در این دو سال به دست می دهد. اندازه گیری مهاجرت اخیر اجازه میدهد تا الگوی های ممکن مهاجرتی جدید را شناسائی کنیم.

سکونت فعلی در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ عبارت از محل سکونت در زمان انجام مصاحبه میباشد.

پناهنده: فردی که به علت ترس قطعی از آزار و اذیت به دلایل نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی، خارج از کشور و ملیت خود است و به دلیل چنین ترس قادر نیست یا نمیکوهد خود را به حفاظت آن کشور بسپارد.

فرد بی جا شده داخلی: فردی که مجبور یا مکلف به فرار یا ترک خانه یا محل اقامت خود شده است، به ویژه در نتیجه یا به منظور جلوگیری از تأثیرات درگیری مسلحانه، شرایط خشونت عمومی، نقض حقوق بشر یا بلایای طبیعی یا بشری و از مرزهای دولتی شناخته شده بین المللی عبور نکرده است.

اگر چه تعداد مطلق مهاجران اطلاعات مربوطه را فراهم می کند، یک شاخص مرتبط همسان در این نمبر، ارتباط بین تعداد کل نفوس ساحه مهاجر پذیر و ساحه مهاجر فرست میباشد. این شاخص ها به عنوان نسبت های مهاجرتی بیان میشود. برای تعاریف این شاخص ها چوکات متنی ۳.۳ ذیل را مشاهده نماید.

چوکات متن ۳.۳: نسبت های مهاجرت

۳.۵.۳ مهاجرت مادام العمر

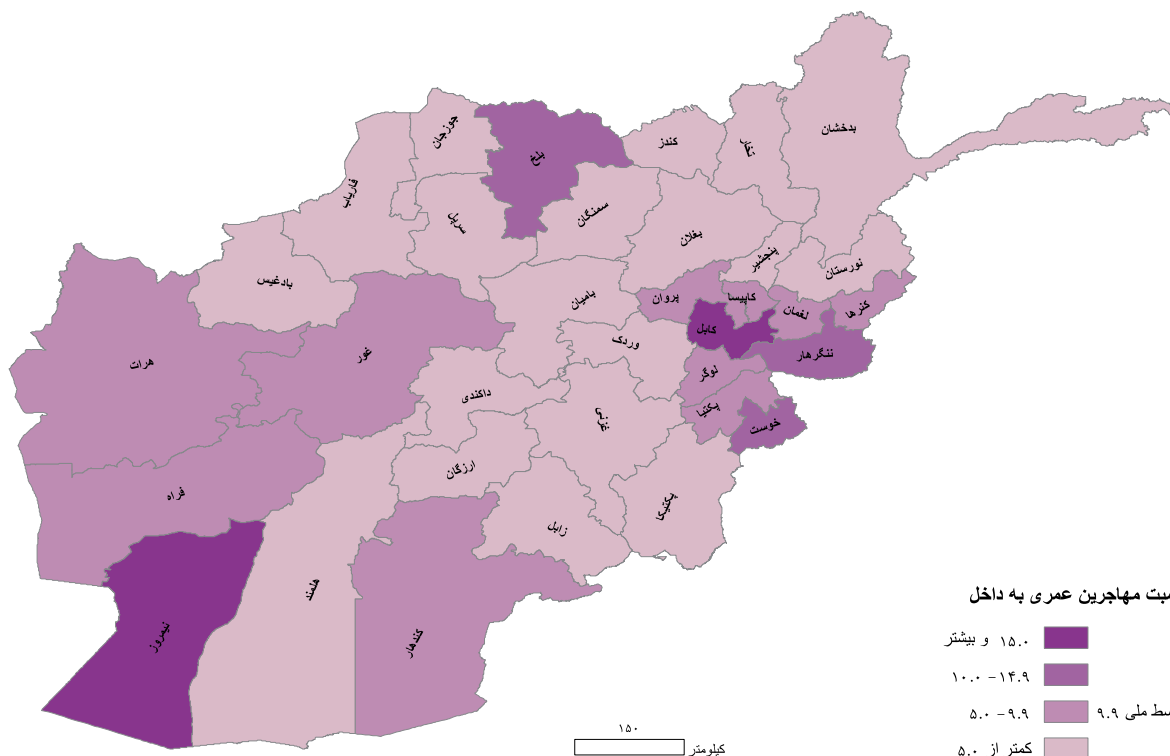
مهاجرت بین المللی	مهاجرت داخلی
نسبت مهاجرت به کشور: تعداد افرادی که در حال حاضر در افغانستان و یا در یک ولایت خاص افغانستان زندگی می کنند اما قبلا در یک کشور دیگر زندگی می کردند، به عنوان درصدی از کل جمعیت ساکن در افغانستان یا ولایت خاص افغانستان بیان شده است. این نسبت عبارت از اندازه فشار مهاجرت در ساحه مهاجر پذیر میباشد.	نسبت کوچ آمدن: تعداد افرادی که در حال حاضر در یک ولایت خاص زندگی می کنند، اما در گذشته در ولایت دیگر زندگی می کردند، به عنوان درصدی از کل جمعیت در ولایت خاص بیان می شود. این نسبت بیانگر اندازه فشار کوچ آمدن در ولایت است که مهاجران را دریافت می کند.
نسبت مهاجرت از کشور: تعداد افرادی که قبلا در افغانستان و یا یک ولایت خاص افغانستان زندگی کرده اند، اما فعلا در یک کشور دیگر زندگی می کنند، که به عنوان درصدی از کل جمعیت افغانستان یا ولایت خاص افغانستان بیان می شود. این نسبت، احتمال خروج مردم از منطقه را اندازه مینماید.	نسبت کوچ رفتن: تعداد افرادی که قبلا در یک ولایت خاص زندگی کرده اند، اما اکنون در یک ولایت دیگر زندگی می کنند، که به عنوان درصدی از کل جمعیت ولایت که قبلا در آن زندگی میکردند بیان میشوند. این نسبت احتمال کوچ کردن مردم از یک ولایت را نشان میدهد.
نسبت خالص کوچ کردن: تفاوت میان افرادی که به داخل ولایت می آیند و تعداد افرادی که آن ولایت را ترک میکنند، و به شکل فیصدی جمعیت ولایت بیان میگردد.	

کوچ آمدن مادام العمر و مهاجرت به کشور

در سطح ملی، یک نفر در هر ده نفر (۹.۹ فیصد جمعیت) خارج از ولایت سکونت فعلی خویش متولد گردیده است و به صورت مطلق این عدد مطابقت با ۲.۹ میلیون جمعیت دارد. ۷.۶ فیصد دیگر جمعیت در ولایت محل تولد شان سکونت دارد، اما مدتی از زندگی شانرا خارج از این ولایت گذرانده اند. بدین ترتیب کل سهم افراد با سابقه مهاجرت به ۱۷.۵ فیصد میرسد، که مطابقت با ۵.۱ میلیون نفر دارد.

دو سوم تمام مهاجرت های مادام العمر (۶۸ فیصد کل جمعیت) مهاجرین مادام العمر داخلی هستند و یک سوم (۳۲ فیصد کل جمعیت) مهاجران مادام العمر هستند. تفاوت میان کوچ آمدن های داخلی و مهاجرت به کشور در سراسر کشور بسیار بزرگ است (شکل ۱۲.۳). کابل به عنوان ولایتی نمایان گردیده است که بیشترین قسمت نفوس آن خارج از آن متولد شده است: بیشتر از یک سوم باشندگان کابل (۱۶ میلیون نفر) خارج از کابل در سایر مناطق افغانستان متولد گردیده است. نیمروز یکی دیگر از ولایت هایی است که قسمت اعظم باشندگان آن (بیشتر از ۱۵ فیصد) متولد جای دیگر است. اما بر اساس ارقام مطلق نمایانگر تعداد کم افراد میباشد. از سوی دیگر تعداد زیاد از ولایات سهم قابل صرف نظر (ناچیز) افراد را دارد که خارج از آن متولد گردیده است. از تمام ۳۴ ولایت، ۱۹ ولایت تناسب کمتر از ۵ فیصد را دارا است.

شکل ۱۲.۳: فیصدی افرادی که در ولایت غیر از محل تولد شان زندگی میکند (نسبت کوچ آمدن مادام العمر) به تفکیک ولایت زندگی فعلی



چنانچه توقع می‌رود، ولایات هم مرز با پاکستان و ایران از آن جمله ولایاتی هستند که بیشترین سهم مهاجرت از خارج به کشور را جمعیت شان دارد. ننگرهار، پکتیا، کنر، فراه، نیمروز و خوست تمام شان ۶ فیصد یا بیشتر افراد را داراست که متولد خارج اند، دو ولایت آخری حتی بیشتر از ۱۲ فیصد سهم را دارد. کابل تنها ولایت بدون مرز با کشور خارجی است که عین سهم مهاجرت به کشور (۷.۴ فیصد) را داراست. از لحاظ کوچ آمدن، کابل با بیشتر از یک چهارم (۲۶.۸ فیصد) باشندگان متولد در سایر ولایات موقعیت ویژه دارد. سایر ولایات با نسبت های بزرگ کوچ آمدن عبارت اند از قندهار، غور، ننگرهار، بلخ و نیمروز، تماماً با ۶ فیصد یا بیشتر کوچ آمدن ها است.

اگر تعداد مهاجرین مادام العمر را به ارقام مطلق نشان دهیم تفاوت های ولایاتی بیشتر نمایان میگردد. حجم کوچ آمدن ها و مهاجرت به ولایت کابل بیشتر از کل مقدار سایر ولایات است. با ۱.۶ میلیون نفر متولد سایر مناطق، تعداد کوچیدن ها به کابل بیشتر از نصف (۵۵ فیصد) تمام بیجا شده گان کشور است. ننگرهار، بلخ و هرات بیشترین ارقام بعدی هستند و تنها ولایاتی هستند که رقم ۱۰۰ هزار بیجا شده را عبور میکنند. این احتمال بسیار زیاد است که موجودیت شهر های عمده (جلال آباد، مزار شریف و هرات) در این ولایات، بیجاشده گان را جذب نموده که در جستجوی وظیفه و فرصت های تعلیمی هستند. ولایاتی که به سختی بیجا شده گان را جذب میکنند شامل نورستان، هلمند، ارزگان، زابل، پکتیکا، دایکندی و بامیان هستند. ظاهراً شرایط در این ولایات به لحاظ فرصت های معیشتی و یا به لحاظ وضعیت بد امنیتی نا مساعد است.

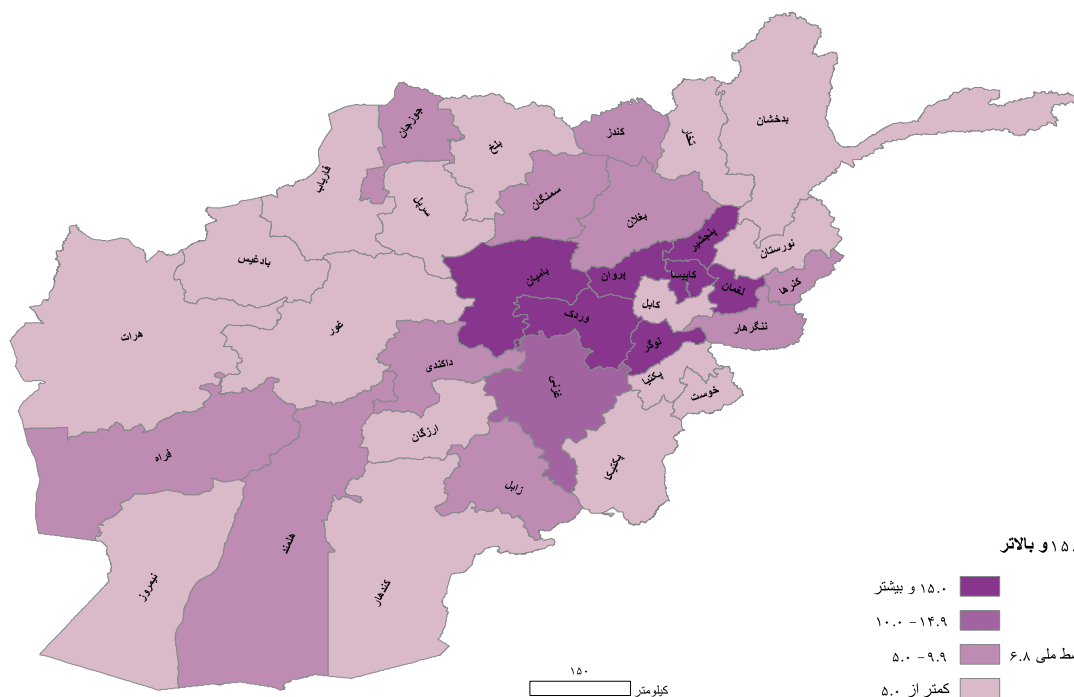
کابل همچنین بیشترین تعداد مهاجرت های مادام العمر به کشور را دارا میباشد - ۳۷ فیصد تمام مهاجرت مادام العمر به کشور - و به تعقیب آن ولایت هم مرز - پاکستان ننگرهار با تفاوت ۱۳ فیصد میباشد. دو ولایت همجوار دیگر پاکستان پکتیا و خوست و هرات ولایت هم مرز با ایران، میزان ۵ الی ۱۰ فیصد این مهاجرت ها به کشور است، حال آنکه پروان، لوگر، لغمان و خوست در شرق، کندز و بلخ در شمال و فراه و نیمروز در غرب رقم بین ۱ الی ۵ فیصد مهاجرین مادام العمر به کشور را در خود جا داده اند. تمامی سایر ولایات کمتر از یک فیصد را دریافت کرده است.

کوچ رفتن مادام العمر:

نسبت کوچ رفتن مادام العمر در شکل ۱۳.۳ نشان داده شده است. باید در نظر داشت که این معلومات مقید به اشخاصی هستند که در جاهای دیگر افغانستان زندگی میکنند و شامل کسانی نمیشود که به خارج از کشور کوچیده اند، زیرا آنها در این سروی شامل شده نمیتواند.

شامل کردن مهاجرت به خارج بصورت قابل ملاحظه سهم کسانی را که در جاهای دیگر زندگی میکنند افزایش خواهد داد. سهم بیشتر نفوسی (۲۰ الی ۳۰ فیصد) که متولد لغمان، وردگ و لوگر اند، حالا در ولایات دیگر زندگی میکنند. نسبت کوچ رفتن ولایت پنجشیر حتی در حدود ۳۲ فیصد است، که تقریباً یک سوم کسانی هستند که متولد آنجا هست. از سوی دیگر، نسبتاً تعداد کمی افراد - کمتر از سه فیصد - کابل، بلخ، تخار، پکتیا، ارزگان، نورستان و اکثر ولایات غربی (نیمروز، هرات، بادغیس و فاریاب) را ترک کرده اند.

شکل ۱۳.۳: فیصدی افرادی که در ولایت دیگری غیر از ولایت محل تولد شان زندگی میکنند (نسبت کوچ کردن مادام العمر) به تفکیک ولایت محل تولد



توجه به تعداد مطلق کوچ کننده گان تصویر دیگری را میدهد. بزرگترین تامین کننده گان بیجا شده گان مادام العمر عبارت اند از لغمان، ننگرهار، پروان، لوگر، و غزنی - که هر کدام در حدود ۱۲۰ هزار و ۱۶۰ هزار بیجا شده گان - و وردک جاییکه حتی بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر آنجا را ترک گفته اند. قابل توجه است که کابل با داشتن بیشترین ارقام در اکثر موارد، در جمع شش ولایت اول نیامده است.

خالص بیجا شده گان داخلی مادام العمر

نسبت خالص بیجا شده گان داخلی در شکل ۱۴.۳ ارائه شده است. این نشان میدهد که اکثر ولایت های افغانستان نفوس خود را در اثر کوچ های داخلی از دست میدهند. تنها شش ولایت: غور، هرات، قندهار، بلخ، نیمروز، و کابل نسبت خالص مثبت مهاجرت را داراست. نقشه بصورت واضح بیانگر کوچیدن در شهر کابل و ولایات اطراف آن بصورت جذب کننده و یا تامین کننده کوچ های داخلی میباشد. پنجشیر، کاپیسا، پروان، وردک، پکتیا و بامیان تمام شان در حدود ۹۰ فیصد کوچ رفتن ها را به کابل دارد، پنجشیر حتی ۹۴ فیصد را دارا میباشد. فاصله دورتر از کابل عموماً تأثیر جذابیت به پایتخت را کاهش میدهد. اگر چه این مقصد همیشه در میان مقاصد مهم باقی میماند. سیستم مشابه مهاجرت، گر چند کمتر برجسته، در اطراف بلخ، هرات و قندهار قابل مشاهده است^{۱۱}، که به ترتیب منحنی جذب های منطقه ای در شمال، غرب و جنوب عمل میکند. این سه ولایت - و به احتمال زیاد مراکز اصلی شهری این ولایات - در میان محدود مناطقی هستند که بیشترین بیجا شده گان را از ولایات اطراف نزدیک خود نسبت به مقداری که به کابل میفرستد، دریافت مینمایند.^{۱۲}

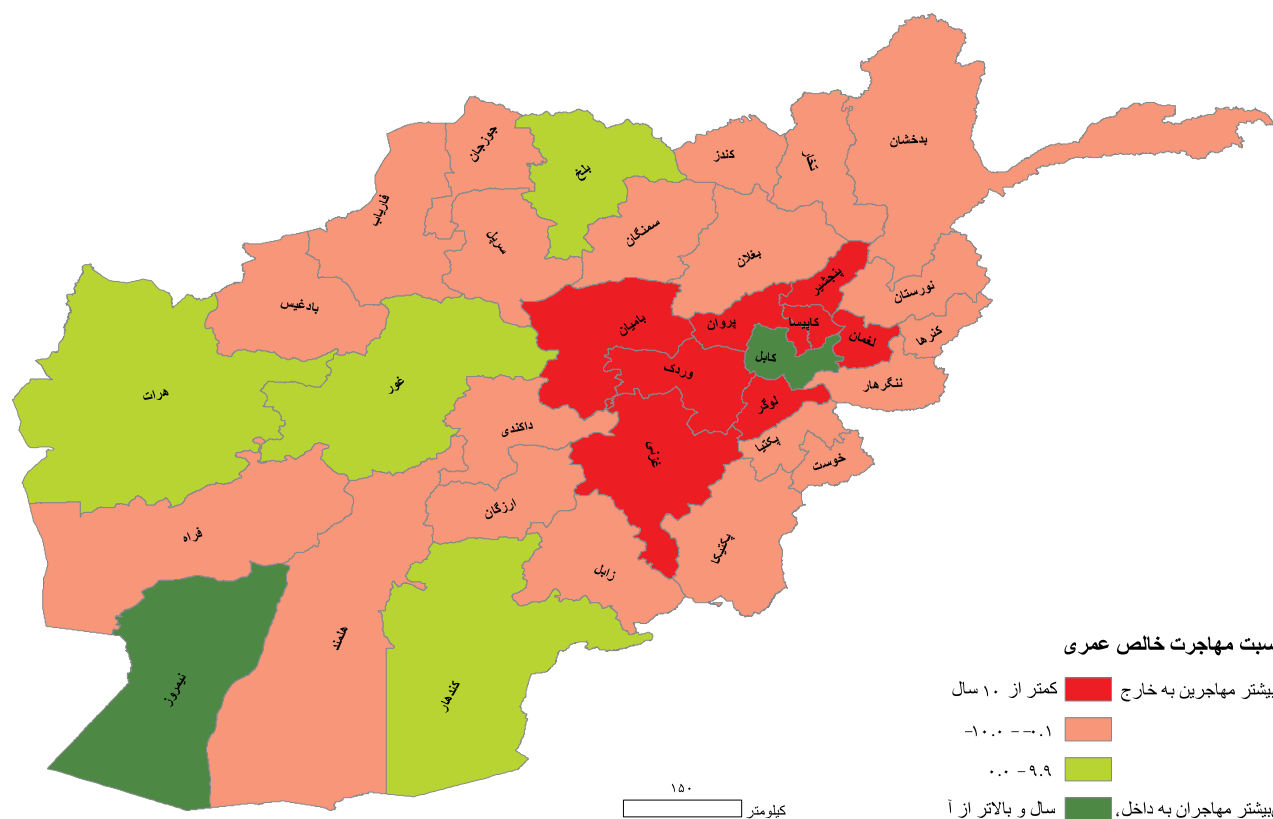
نسبت های خالص مهاجرت برای ولایات اذعان مینماید که بدون مهاجرت های داخلی، نفوس کابل در حدود سه چهارم اندازه فعلی آن خواهد بود. بزرگترین تأثیر منفی مهاجرت بالای اندازه نفوس،

^{۱۱} ولایت نیمروز با در نظر داشت نفوس آن همچنان جمعیت زیاد را به دلیل مهاجرت جذب کرده است. هر چند تعداد مطلق نفوس کافی نیست.

^{۱۲} به عین ترتیب، بلخ بیشترین دریافتی کوچ های عمریه (مادام العمر) را از سمنگان، سرپل، جوزجان و فاریاب نسبت به کابل داشته است، قندهار بیشترین کوچ ها را از ارزگان، زابل، هلمند و فراه نسبت به کابل دریافت کرده است و هرات بیشترین کوچ های دریافتی را از بادغیس، فراه و نیمروز نسبت به کابل داشته است.

در ولایات لغمان، لوگر، وردک و پنجشیر مشاهده شده است. در صورت عدم مهاجرت داخلی، برای سه ولایت اولی نفوس در حدود ۲۴ الی ۳۰ فیصد بیشتر خواهد بود و در مورد ولایت آخری نفوس حتی در حدود ۴۵ فیصد بیشتر از اندازه فعلی خواهد بود.

شکل ۱۴.۳: خالص تاثیر مهاجرت داخلی (نسبت خالص مهاجرت داخلی مادام العمر) بر اساس ولایت



۴.۵.۳ مهاجرت های اخیر

واضح است که حجم مهاجرت های اخیر به دلیل بررسی مدت زمان بسیار کوتاه، برای پرسش محل اقامت دو سال قبل از سروی به جای محل تولد، بسیار کمتر از مهاجرت های مادام العمر است. علاوه بر این، احتمال موجود است که تعداد مطلق گزارش شده بصورت بسیار زیاد حجم واقعی مهاجرت های اخیر را کم برآورد کرده است، به ویژه که برای سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ توسط کمیساریای سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) و سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) زیاد گزارش شده بود (قسمت ۲.۲.۱ دیده شود). این کسر برآورد به سبب این واقعیت است که مهاجرین بیشتر تمایل دارد تا در محل های جدید مسکن گزین شوند. از آنجائیکه تعداد کثیر این باشندگان جدید در لیست خانوارهای این سروی قرار نگرفته است، مهاجرت های اخیر بصورت پوشیده باقی مانده است. به این دلیل تحلیل مهاجرت های اخیر تمرکز بالای الگو، فیصدی و توزیع داشته است و تعداد مطلق را نادیده انگاشته است.

مهاجرت و کوچ آمدن های اخیر

توزیع الگوی مهاجرت های اخیر در سراسر کشور بیشتر همسان با توزیع الگوی مهاجرت های مادام العمر است. ننگر هار نسبت به جمعیت آن، نسبتاً بیشترین سهمیه کوچ آمدن و مهاجرت را به تعقیب کابل و نیمروز دارا میباشد. قابل تأمل است که کابل بزرگترین کوچ آمدن و مهاجرت را ندارد، در حالیکه از لحاظ مهاجرت های مادام العمر کابل به مراتب ضریب بزرگتر را دارا است. هرچند از لحاظ تعداد مطلق، کابل مهمترین ولایت مقصد برای مهاجرت های اخیر از داخل و خارج کشور میباشد، در جایگاه دوم ننگرهار و جایگاه های بعدی به فاصله بسیار زیاد به فاریاب، قندهار و بلخ اختصاص دارد.

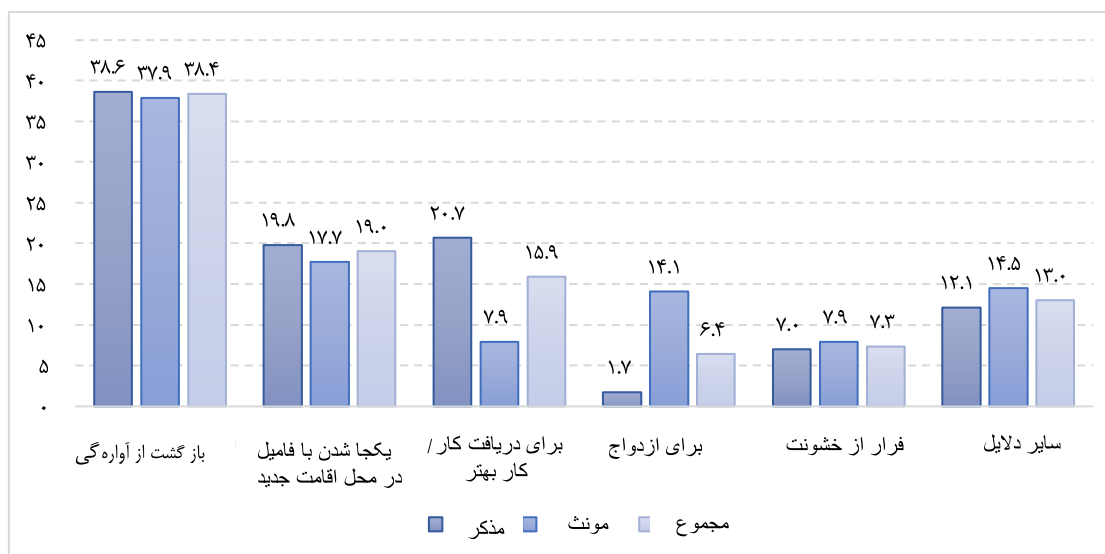
الگوی کوچ رفتن های اخیر – تعداد افراد که در یک ولایت دو سال قبل از سروی زندگی میکرده اند و فعلاً در ولایت دیگر زندگی میکنند، منحنی فیصدی نفوس ولایت مبدأ بیان شده است – شباهت زیاد به الگو های کوچ رفتن مادام العمر دارد، هرچند مقدار کوچ رفتن از پنجشیر شدیداً افزایش یافته است. ولایات با بزرگترین نسبت های کوچ رفتن عبارت از لغمان و لوگر هستند. اما به اساس تعداد مطلق نیز لوگر ولایتی بود، که بیشترین نفوس اش را به نسبت کوچ رفتن از دست داده است و به تعقیب آن کابل، لغمان، ننگرهار و غزنی قرار دارند.

در مقایسه با جمعیت باشندگان محل، در دو سال اخیر، کابل دیگر بزرگترین ولایتی نیست که بیشترین مهاجرت خالص مثبت داخلی را دارا می باشد، مگر به طور مطلق ورود مهاجرین در کابل دو چند ولایتی است که در درجه دوم به اساس فیصدی جذب مهاجرین قرار دارد (ننگرهار). دو ولایت بعدی کاپیسا و نیمروز می باشند که بطور نسبی بیشترین مهاجرین داخلی را به خود اختصاص داده است. لغمان و لوگر ولایتی اند که بلندترین مهاجرت خالص منفی را هم از لحاظ نسبی و هم مطلق را به خود اختصاص داده است.

۵.۵.۳ دلایل مهاجرت

از تمامی کسانی که گاهی مهاجرت کرده باشد، یک سوال در مورد دلیل آخرین مهاجرت به ولایت مقیم فعلی شان پرسیده شده است. بیشترین اطفال و سایر وابسته گان فامیل جواب (پیوستن به فامیل/والدین) را داده اند و این، انگیزه اصلی مهاجرت را پنهان نگه میدارد، این جوابات بیشترین تعداد را در کتگوری تمام جوابات به خود اختصاص داده است. شکل ۱۵.۳ بیانگر بازگشت از آواره گی چه از داخل و چه از خارج مرز دلیل مهاجرت به داخل افغانستان و محل سکونت فعلی شان ذکر شده است (۳۸.۴ فیصد). نزدیک به یک پنجم مهاجرت (۱۹.۰ فیصد) به دلیل یکجا شدن به فامیل که قبلاً جای دیگر زندگی میکردند، صورت گرفته است. اهمیت این دلیل برای مذکر و مونث بسیار مشابه است. هرچند، برای دلایل مانند یافتن کار و ازدواج تفاوت زیاد میان جواب های ارائه شده جنسیت مذکر و مونث گزارش شده است، که اولی به ویژه برای مردان اهمیت داشته است (۲۰.۷ فیصد) و آخری برای زنان (۱۴.۱ فیصد).

شکل ۱۵.۳ نفوس مهاجرین، بر اساس دلیل مهاجرت به منطقه سکونت فعلی، و به اساس جنسیت



۶.۵.۳ خصوصیات مهاجرین

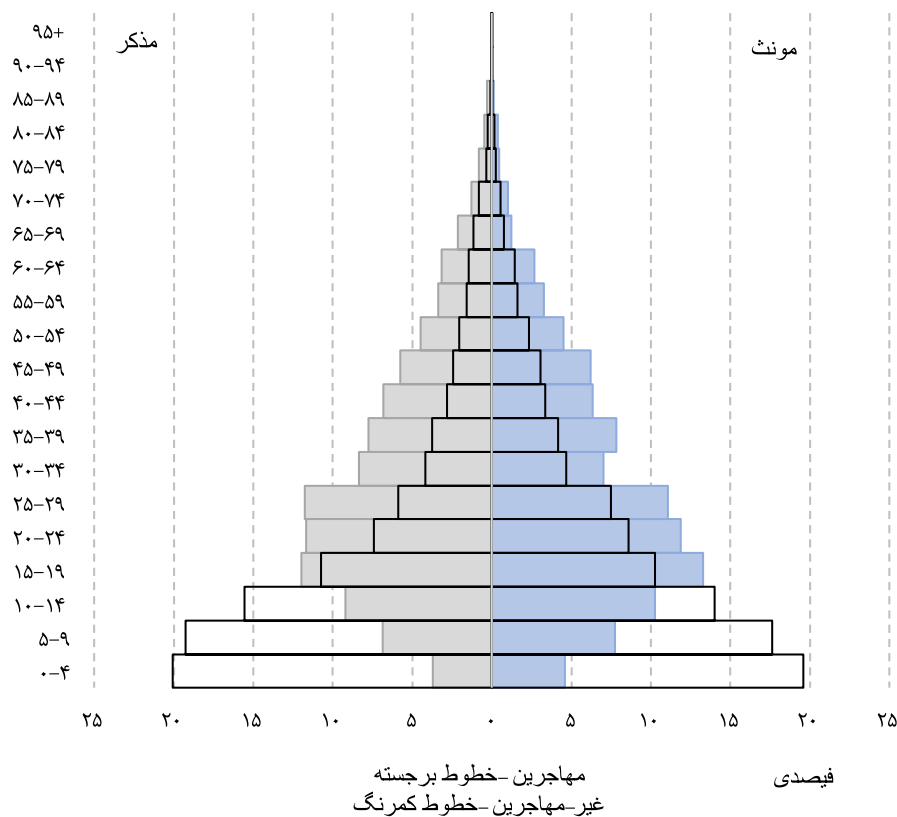
در سطح جهانی، مشخصات سنی و جنسیتی مهاجرین غلبه مردان و موجودیت بیش از حد جوانان بالغ را نشان میدهد، زمانیکه افراد در آستانه ختم تحصیل قرار می گیرند، کار را شروع ، خانه های پدری خود را ترک ، ازدواج کرده و تصمیم تعیین کننده مسیر زندگی را اتخاذ می نمایند (UNDESA ۲۰۱۳). نفوس مهاجرین در افغانستان – داخلی

و با ترکیب سایر مهاجرین - عمدتاً با این خصوصیت تطابق دارد، اما بعضی خصوصیات جالب دیگر نیز قابل مشاهده است.

از لحاظ ترکیب جنسی، مهاجرین مذکر در واقع تعداد بیشتر را نسبت به مهاجرین مونث دارا میباشند، مگر نه به اندازه بسیار زیاد: ۵۶.۷ در مقابل ۴۳.۳ فیصد. بخشی از این تفاوت نسبتاً کوچک عبارت از توزیع دلایل مهاجرت در افغانستان است. چنانچه در بخش قبلی نشان داده شد، مهاجرت به دلایلی چون آواره گی و بازگشت از آواره گی تاثیر خاص دارد، که اکثراً با فامیل صورت میگیرد و با توازن جنسی مناسب همراه است. بر علاوه، تاثیر مهاجرت مردان به دلیل اشتغال، تا اندازه یی به واسطه مهاجرت زنان به دلیل ازدواج که تقریباً منحصراً مرتبط به آنها است، جبران شده است.

شکل ۱۶.۳ تفاوت ترکیب سن میان مهاجران و غیر مهاجران را نشان میدهد. چنانچه غیر مهاجران قسمت فوقانی هرم کل نفوس افغانستان را تشکیل میدهند (مقایسه شکل ۲.۳)، مهاجران بیشتر حوالی سنین جوانی (۱۵ تا ۲۹) تمرکز را نشان میدهد. اگرچه تمرکز سنی در میان مهاجران افغان به مثابه سایر کشورها با سهم بیشترین مهاجران اطفال و بزرگسالان، بارز نمیباشد. اهمیت نسبی مهاجرت فامیلی در مقابل مهاجرت انفرادی محتمل ترین وضاحت برای تمرکز مهاجرت گروه سنی پایانتز میباشد.

شکل ۱۶.۳: جمعیت، به تفکیک گروه سنی پنج سال، جنسیت و به تفکیک وضعیت مهاجرت (به فیصدی)

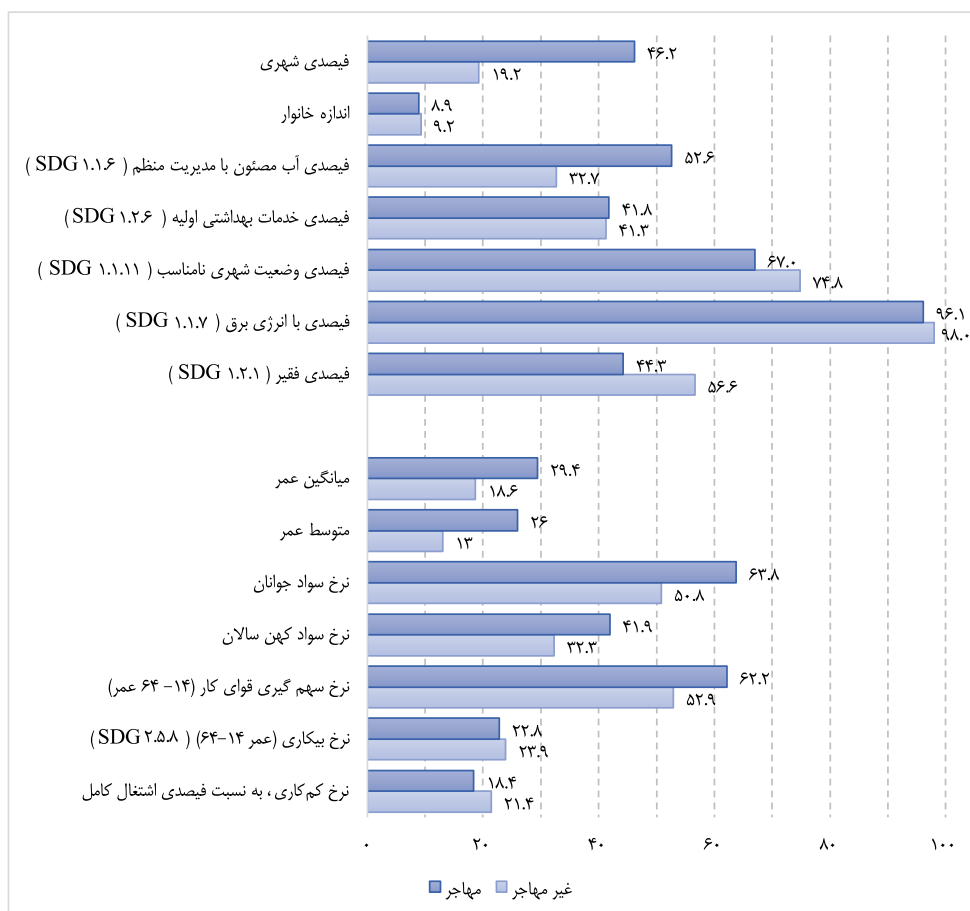


شکل ۱۷.۳ مقایسه خصوصیات مهاجرین و غیر مهاجرین را نشان میدهد و نیز چندین شاخص انکشاف پایدار (SDG) را شامل است.^{۱۲} یکی از تفاوت های بسیار مهم میان دو گروه این واقعیت است که قسمت بزرگ از مهاجرین نسبت به غیر مهاجرین در مناطق شهری زندگی میکنند (۴۶.۲ در مقابل ۱۹.۲ فیصد). هر چند، دسترسی بهتر به خدمات اساسی در مناطق شهری - مانند آبرسانی، بهداشت، برق و تعلیمات (به چتر ۸ و ۱۰ مراجعه شود) تنها بصورت قسمی در وضعیت زندگی مهاجرین انعکاس داده شده است. تا اندازه، مهاجرین کمتر در وضعیت نا مساعد زندگی میکنند و دسترسی بیشتر به آب نوشیدنی مدیریت شده را دارا میباشند،

^{۱۲} برای تشریحات شاخص های ارائه شده در شکل ۱۹.۳، به پاورقی زیر شکل مراجعه شود

آنها خود را جدا از غیر مهاجرین از لحاظ دسترسی به انرژی برق و خدمات اولیه بهداشتی نمی پندارند. با این حال، تناسب افراد که زیر خط فقر قرار دارند در میان مهاجرین به مراتب کمتر از غیر مهاجرین است (به ترتیب ۴۴.۳ و ۵۶.۶ فیصد).

شکل ۱۷.۳ ویژه گی های پس زمینه انتخابی، به اساس وضعیت مهاجرین



شرح شاخص ها: برای "آب مصئون با مدیریت منظم" و "خدمات بهداشت اولیه" به بخش ۱.۳.۱۱؛ برای وضعیت "نامناسب شهری" به بخش ۲.۲.۱۰؛ برای "انرژی برق" به بخش ۲.۲.۱۰؛ برای "فقیر" به بخش ۲.۶؛ برای "نرخ سواد" به بخش ۱.۵.۸؛ برای "نرخ سهمگیری قوای کار" به بخش ۱.۲.۴ و برای "نرخ بیکاری" به بخش ۲.۴.۴ و برای "نرخ اشتغال کم" به بخش ۱.۵.۴ مراجعه شود.

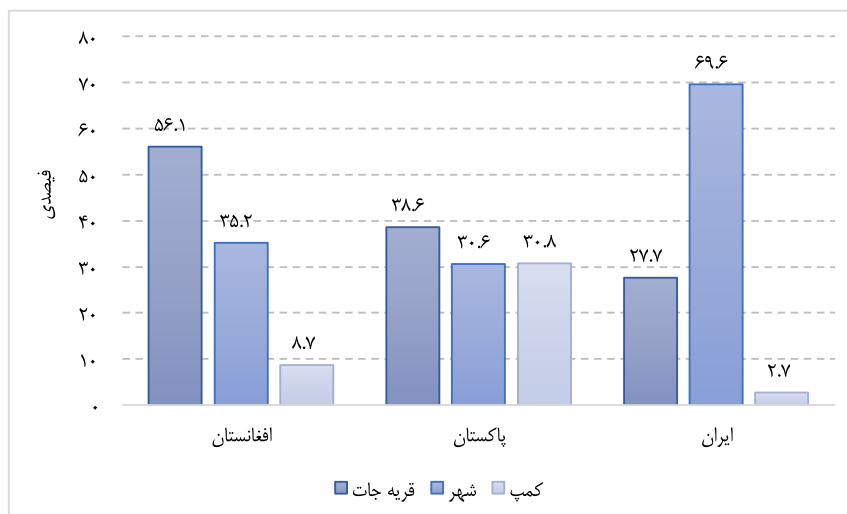
تفاوت قابل ملاحظه در میزان فقر بین مهاجرین و غیر مهاجرین مربوط به قابل دسترس بودن و استفاده کردن از سرمایه انسانی در هر دو گروه میباشد. مهاجرین نسبت به غیر مهاجرین در بخش سواد جوانان و بزرگسالان، مشارکت نیروی کار و کمی در کم کاری امتیاز قابل ملاحظه بهتری میگیرند. در حالیکه از لحاظ احصائیوی تفاوت قابل ملاحظه یی بین دو گروه از نظر بیکاری وجود ندارد.

۷.۵.۳ خانوارهای آواره گان برگشته

پرسشنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ شامل بخش جداگانه سوالات در مورد تجربه آواره گی خانوارها را در بر دارد. یک دهم خانوارها — ۱۰.۶ فیصد — گفته اند که از آواره گی در داخل افغانستان و یا هم از خارج افغانستان از — سال ۲۰۰۲ (سال تقویمی ۱۳۸۲) به اینطرف، برگشته اند، یک سال بعد از سرنگونی رژیم طالبان. در ولایات پکتیا، ننگرهار، لوگر، کابل، نیمروز، فراه و پروان این فیصدی حتی بالای ۲۰ فیصد بوده است. دو پنجم حصه تمام این خانوارهای برگشته (۳۹.۵ فیصد) در کابل زندگی میکنند، در صورتیکه پروان و ننگرهار دو ولایتی هستند که بیشتر از ۱۰ فیصد خانوارهای آن عبارت از خانوارهایی هستند که از سال ۱۳۸۲ به بعد از آواره گی برگشته اند.

بیشتر از نصف برگشت کننده گان فعلی (۵۳.۶ فیصد) خانوارهایی هستند که بشکل پناهنده در پاکستان، یک پنجم (۲۱.۲ فیصد) در ایران و یک چهارم (۲۴.۸ فیصد) در خود افغانستان جای داشته اند. در داخل افغانستان کابل ولایتی بوده که بیشترین سهم خانوارهای برگشته از پناهندگی را داراست (۶۰ فیصد)، در صورتیکه این سهم برای ولایات لوگر، ننگرهار، پنجشیر و هرات اندکی بیشتر از ۲ فیصد گزارش شده است. نوعیت مسکن خانوارها در جریان آواره گی از یک کشور تا کشور دیگر شدیداً تفاوت داشته است. (شکل ۱۸.۳). اما بیشتر بیجا شده گان داخلی در قریه ها زندگی میکرده اند، در حدود یک سوم در شهرها و اقلیت کوچک هم در کمپ های IDP زندگی میکرده است. در پاکستان توزیع سکونت بصورت متناسب مساویانه است. از طرف دیگر بیشتر از دو سوم خانوارهای پناهنده در ایران در شهر ها، فقط کمی بیشتر از یک چهارم در قریه ها و ندرتاً در کمپ ها سکونت داشته اند.

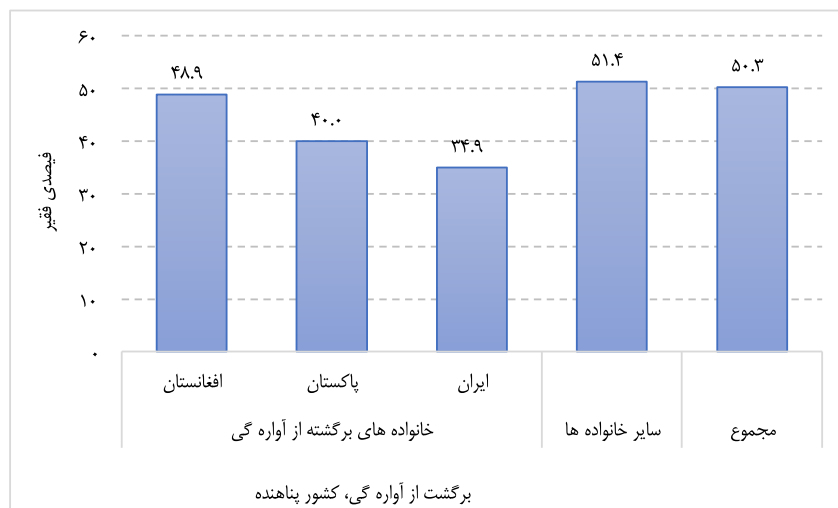
شکل ۱۸.۳: خانوارهای برگشته از آواره گی، بر اساس مملکت پناهنده، و نوعیت مسکن در جریان آواره گی (به فیصدی)



تجمع بازگشت خانوارهای آواره در سه سال بعد از ۱۳۸۰ صورت گرفت، زمانیکه حدوداً ۴۵ فیصد برگشت کردند. برای سالهای بعدی حجم کمتر در حدود ۴ فیصد گزارش شده بود و تنها در سال ۱۳۹۵ به حدود ۱۱ فیصد افزایش نمود. اکثر خانوارها (۷۳ فیصد) گزارش شده است که بصورت دسته جمعی برگشت داده شده اند. برای خانوارهای بیجاشده داخلی برگشت بصورت نورمال بوده است، اما برای خانوار های برگشته از پاکستان و ایران این تناسب برگشت کتلوی به ترتیب در حدود ۶۷ و ۶۱ فیصد بوده است و برگشت از این کشورها به کمک موسسات بین المللی به ترتیب در حدود ۱۹ و ۱۷ فیصد گزارش شده است، در حالیکه ۱۴ و ۲۲ فیصد خانوار ها اخراج شده اند.

خصوصیات خانوارهای برگشته از آواره گی از خانوارهای دیگر در کشور تفاوت میکند. خانوارهای شهر نشین در سطح ملی ۲۴.۹ فیصد است، اما برای برگشت کننده گان این رقم ۴۰.۴ فیصد و برای سایر خانوار ها ۲۳.۱ فیصد است. فیصدی خانوارهای که در داخل کشور بیجا شده اند شبیه حد اوسط ملی (۲۴.۶ فیصد) است، در حالیکه خانوار های برگشته از پاکستان و ایران به ترتیب ۴۲.۹ و ۵۲.۶ فیصد شهر نشین می باشند. از لحاظ فقر فیصدی خانوارهای بیجا شده داخلی (۴۸.۹) نزدیک به رقم فقر در سطح ملی (۵۰.۳ فیصد) میباشد (شکل ۱۹.۳). خانوارهای برگشته از خارج بطور قابل ملاحظه وضعیت بهتر را دارا هستند. فیصدی کسانی که از پاکستان برگشته اند ۴۰ فیصد، در صورتیکه این فیصدی برای برگشت کنندگان از ایران ۳۴.۹ فیصد میباشد.

شکل ۱۹.۳: فیصدی خانوارهای فقیر، براساس وضعیت برگشت از آواره گی و کشور پناهنده



۴. بازار کار

خلاصه: تحلیل این فصل نشان می دهد که بازار کار افغانستان تحت فشار قابل توجه قرار دارد. عوامل کلیدی که بازار کار را مشخص می سازد عبارت از تسلط بخش زراعت، حضور کم رنگ زنان، موقعیت نامساعد زنان و جوانان و موجودیت سطح بالای اشتغال نامنظم، پرداخت کم و غیر مولد می باشد.

با وجود شرایط زندگی ناگوار برای بسیاری از خانوار ها در کشور، نیروی کار بالقوه زنان جهت ارتقاء وضعیت معیشتی خانوارها شدیداً غیر قابل استفاده باقی مانده است، طوری که صرف ۲۷ فیصد از زنانی که در سن کار قرار دارند اقتصاداً فعال اند و ۱۶ فیصد آنها به صورت عملی کار می کنند. این امر موجب پایین آمدن میزان عمومی مشارکت نیروی کار به ۵۴ فیصد و پایین آمدن نسبت عمومی اشتغال بر نفوس به ۴۱ فیصد، گردیده است. این ارقام حاکی از آن است که حجم منابع انسانی موجود برای تولید اجناس و خدمات پایین است و مانع انکشاف اقتصادی می گردد.

سطح بلند بیکاری که توسط میزان بیکاری (شاخص ۲۵.۸ اهداف انکشاف پایدار) اندازه گیری می گردد، در سطح ملی ۲۴ فیصد است، یعنی ۲ میلیون نفر که نشان دهنده عدم توانایی اقتصاد افغانستان برای جذب کافی نیروی کار موجود در کشور می باشد. فرصت های شغلی برای جوانان، بخصوص برای زنان بسیار اندک است، طوری که میزان بیکاری جوانان و زنان به ترتیب ۳۱ و ۴۱ فیصد می باشد. بخشی از جوانان که شامل اشتغال، معارف و آموزش نیستند^۱ (نییت) (شاخص ۱۶.۸ اهداف انکشاف پایدار) وسیله ای را فراهم می کند که میزان جوانانی را که به طور خاص در معرض خطر بلند بازار کار و محرومیت اجتماعی قرار دارند را اندازه گیری میکند. این میزان (نییت) جمعاً برای هر دو جنس ۴۲ فیصد می باشد. ولی برای زنان جوان به طور خاص بلند است (۶۸ فیصد). از اینکه صرف ۴ فیصد موقف های مدیریتی توسط زنان اشغال گردیده است، بنابراین موقف ضعیف زنان را در بازار کار افغانستان، نشان می دهد (شاخص ۲.۵.۵ اهداف انکشاف پایدار).

مشکلات بازار کار افغانستان صرف قسماً به واسطه بیکاری منعکس شده است ولی کیفیت کار های موجود هم به همان پیمانه مهم اند. از مجموع نفوس شاغل، ۲۰ فیصد - ۱.۳ میلیون نفر - دارای کار ناکافی اند و نمایانگر آنست که کار های شان کافی نیست تا معیشت کامل و پایدار را برای شان فراهم نماید. به طور عموم ۸۰ فیصد شغل ها به عنوان کارهای آسیب پذیر شناخته شده اند، که با موجودیت وضعیت ناگوار و عدم مصئونیت کار مشخص می شوند. صرف ۱۳ فیصد کارکنان افغانستان را می توان گفت که دارای شغل مناسب اند. عوامل کلیدی که به طور متداوم و به طور قابل ملاحظه ای احتمال فعال بودن از لحاظ اقتصادی، بیکار نبودن و داشتن یک شغل مناسب را بالا می برد، مرد بودن و داشتن تحصیل بلند تر از متوسطه می باشد.

تحلیل گرایش بازار کار در مقایسه به وضعیت سال ۹۳ به طور عمده نشان دهنده رکود می باشد و هیچ تغییر قابل ملاحظه ای در مشارکت نیروی کار و سطوح بیکاری و کم کاری به وجود نیامده و در سطح بلند آن باقی مانده است. در حالیکه نسبت افراد شاغل در نفوس سن کار به اندازه دو فیصد کاهش یافته است. برعلاوه موقعیت بازار کار در طبقات نفوس خاص (زنان، جوانان و نفوس دهاتی) از لحاظ میزان بیکاری و نسبت اشتغال بر نفوس بدتر شده است.

اشتغال در زراعت بر بازار کار افغانستان مسلط است؛ ۴۴ فیصد کارها در سکتور زراعت صورت می گیرد و ۴۳ فیصد کارگران، کارگران زراعتی اند. اشتغال در صنعت به عنوان جزء از اشتغال (شاخص ۲.۲.۹ اهداف انکشاف پایدار) به اندازه ۱۸ فیصد پایین است و نشان می دهد که گذار به یک اقتصاد پیشرفته و متحرک هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد.

میزان بلند و تقلیل نیافته تولدات و رشد نفوس در افغانستان یک تأثیر بزرگ بر عملکرد بازار کار و شرایط زندگی دارد. در حالیکه کیفیت پایین اشتغال یک وضاحت کلیدی برای وجود فقر است، کثرت تعداد مردم در سنین وابستگی اقتصادی بخصوص اطفال عامل دیگر آن است. نیاز تقسیم عایدات اشخاص شاغل با تعداد کثیری از اعضای خانوار اغلب منجر به پائین رفتن از خط فقر می شود، حتی اگر معاش خوبی را از کار های شان به دست آورند. با وجود سرمایه گذاری زیاد بالای تعلیمات که تعداد اطفال در سنین مکتب را در هر سطح تحصیلی افزایش داده است ولی تعداد زیادشان هیچ به تعلیمات دسترسی ندارند و یا بطور ناکافی دسترسی دارند. این موضوع به نوبه خود دلالت بر آماده گی ضعیف برای بازار کار بوده که شانس آنان را برای داشتن یک زندگی سالم و عاری از فقر کاهش می دهد. افزایش همیشگی این گروه که به سن کاری می رسند خود فشار زیادی را بالای بازار کار ایجاد می کند. انتظار می رود که ۳.۹ میلیون جوان در پنج سال آینده به سن کاری برسند، از آن جمله ۱.۶ میلیون نفر وارد بازار کار خواهند شد و حدود ۵۴۰ هزار نفر با توجه به میزان مشارکت نیروی کار و میزان بیکاری، بیکار خواهند ماند. در نهایت، با یکجا شدن فشار زیاد بازار کار به دلیل افزایش نفوس و ناتوانی در فراهم ساختن حد کافی اشتغال شایسته و خدمات تعلیم و تحصیل، کشور را از رشد اقتصادی که از طریق تغییرات دموگرافیکی میسر خواهد شد بی بهره میسازد.

^۱ عدم شمولیت در کار، تحصیل و آموزش: نییت (NEET : Not in Employment, Education or Training)

امرار معاش اکثریت افغانها متکی به کار یک یا چند عضو خانوار است. کرایه املاک، انواع صدقات (زکات) و ارسال پول از طرف اعضای خانوار که در خارج از کشور کار می کنند، ممکن است منابع اضافی درآمد به شمار روند یا حتی می توانند منبع اصلی امرار معاش را تشکیل دهند. با وجود آن، اکثریت خانوارها بطور مستقیم وابسته به کار مولد اعضای خانوار هستند، که به شکل فعالیت های امرار معاش و یا کار با مزد میباشد. بخش زیاد کار در اقتصاد افغانستان توسط فعالیت های غیر رسمی، کار کم مزد، مولدیت پایین، کار فامیلی، کار شاقه اطفال، و با ساعات کاری بسیار زیاد و یا بسیار کم مشخص می گردد. به خوبی معلوم شده است که شاخص های معیاری بین المللی کار به ویژه در ارتباط به اشتغال و بیکاری برای دستیابی به عملکرد بازار کار در چنین اقتصاد ها ناکافی هستند (ILO 2008, ILO 2011). از اینرو، اداره ملی احصائیه و معلومات، وزارت اقتصاد و وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین تعاریفی را به وجود آورده و بکار برده اند که مناسب با شرایط بازار کار افغانستان هستند. بر این اساس، این گزارش شاخص های بازار کار را بر اساس تعاریف ملی در مطابقت با تعاریف بین المللی که در چوکات متنی ۱.۴ توضیح گردیده، ارائه می نماید.

اولین و اساسی ترین انتخابی که افغانهای در سن کار با آن مواجه اند، اینست که آیا در بازار کار شامل میشوند یا خیر. آنان با دو نتیجه ممکن مواجه می شوند: ممکن است شغل قابل قبول شان را پیدا کنند - در این صورت آنها بخشی از نیروی کار شاغل گردند - یا ممکن کار دریافت نمایند - در این صورت آنها به جستجوی کار ادامه می دهند و بخشی از نیروی کار که بیکار اند، باقی می مانند. کسانی که کار پیدا می کنند، با یک انتخاب اضافی مواجه می گردند: ممکن است آنها از کارشان راضی باشند، در این صورت به طور کامل مشغول در کار شمرده می شوند (مگر اینکه کمتر از ۸ ساعت کار کنند، در این صورت آنها بیکار شمرده می شوند). با این حال ممکن است آنها متمایل و آماده به کار بیشتر باشند، در آنصورت به حیث کم کار حساب می شوند (مگر اینکه ۴۰ ساعت و یا بیشتر از آن در هفته کار کنند). بیکاری و کم کاری با هم تشکیل دهنده آن بخشی از نیروی کاری است که بحیث "اشتغال غیر سودمند" تعریف می شود.^۲

چوکات متنی ۱.۴: تعاریف نیروی کار

شاغل (مصرف کار)	تعاریف ملی	تعاریف بین المللی
	تمامی افراد دارای سن ۱۴ و بالاتر که در جریان یک هفته مشخص دارای یک کار با معاش یا کارگر مستقل بوده و حداقل ۸ ساعت کار کرده باشند.	تمامی افراد دارای سن ۱۵ یا بزرگتر از آن که در جریان یک هفته مشخص یک کار با معاش داشته یا کارگر مستقل بوده و حداقل یک ساعت کار کرده باشند.
کم کار	تمام افراد دارای سن ۱۴ سال و یا بزرگتر از آن که در جریان یک هفته مورد نظر: الف: کمتر از ۴۰ ساعت کار کرده باشند. ب: برای ساعات اضافی کار آماده باشند ج: خواهان ساعات اضافی کار باشند	تمامی افرادی که ساعات کاری شان نظر به شرایط کاری یک شغل دیگر ناکافی باشد، آنکه فرد آماده و مایل به کار کردن در آن است. (کم کاری مرتبط به وقت)
بیکار	تمام افراد دارای سن ۱۴ سال و یا بزرگتر از آن که در جریان یک هفته: الف. بدون هیچگونه کار بوده و یا کمتر از ۸ ساعت کار کرده باشند ب. در جستجوی کار بوده باشند.	تمام افراد دارای سن ۱۵ سال و یا بزرگتر از آن که در جریان یک هفته مورد نظر: الف. بدون هیچگونه کار بوده، یعنی در استخدام با معاش و یا کارگر مستقل نیستند، ب. فعلا آماده به کار اند؛ و ج. در جستجوی کار باشند.
اشتغال غیرسودمند:	تمامی افرادی سن ۱۴ سال یا بزرگتر که در جریان یک هفته مورد نظر بیکار و یا کم کار بوده اند.	

^۲ تعاریف ملی نیروی کار افغانستان، "تعریف ساده" بیکاری را ارائه می کند که افراد مایوس از جستجوی کار را نیز شامل می گردد، کسانی که کار نمی کنند و کسانی که می خواهند کار کنند ولی در جستجوی کار نیستند، زیرا آنها فکر می کنند که چانس پیدا کردن کار را ندارند. بخاطر دریافت تعاریف جامع شاغل، کم کار و بیکار ضمیمه ۱۰ را ملاحظه کنید.

این فصل، بازار کار افغانستان را نظر به این چهار چوب اساسی توضیح می دهد، تصمیمات شمولیت و نتایج اشتغال. بخش ۲.۴ انتخاب ابتدایی افغان های در سن کاری را توضیح می دهد، که آیا در نیروی کار مشارکت داشته باشند و یا خیر. بخش ۳.۴ و بعد آن درباره کسانی اند که در بازار کار مشارکت دارند، افراد بیکار در (بخش ۴.۴) و افراد کم کار در بخش ۵.۴ توضیح می گردد. بخش ۶.۴ چالش های نیروی کار افغانستان را در رابطه انتقال به اشتغال مناسب مشخص می سازد. در بخش ۷.۴ تغییرات در شاخص های بازار کار بین سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ بررسی شده است.

۲.۴ مشارکت نیروی کار

۱.۲.۴ میزان مشارکت نیروی کار

نیروی کار شامل بخشی از نفوس در سن کار می باشد که اقتصاداً فعال اند؛ آنانی که در حال حاضر به کار گماشته شده اند و آنانی که در جستجوی کار اند (بیکار). میزان مشارکت نیروی کار عبارت از قسمت نفوسی است که در سن کار اند که فعلاً مشغول به کار و یا بیکار می باشند. این یک شاخص کلیدی جهت تحلیل و بررسی منابع انسانی موجود برای تولید کالاها و خدمات، برای پیش بینی عرضه کار و درک عملکرد طبقات مختلف نفوس در بازار کار می باشد.

ساختار سنی جوان نفوس افغانستان (به فصل ۳ مراجعه شود) ظرفیت کنونی تولید اقتصادی کشور را محدود می سازد، زیرا تنها ۵۴۶ فیصد نفوس در سن کاری ۱۴ و بیشتر از آن می باشد. هر چند، با توجه به شرایط مناسب و پیشرفت های نفوس، گروپ های بزرگ نفوس در آینده نزدیک، به سن کاری خواهند رسید که می توانند به یک منبع قابل توجه رشد اقتصادی، به اصطلاح "سود از توزیع نفوس" (به چوکات متنی ۲.۴ مراجعه شود) تبدیل شوند. این سود از توزیع نفوس زمانی می تواند تحقق یابد که از یک طرف نفوس جوان زیر ۱۵ سال - به دلیل کاهش تولدات - نسبت به نفوس بالقوه اقتصاداً مولد سنین ۱۵ الی ۶۴ کاهش یابد و از سوی دیگر، نفوس سن کار بالقوه با تطبیق پالیسی های مناسب اقتصادی و اجتماعی که میزان مشارکت در کار، دسترسی به کارهای مناسب و تولیدی، تعلیم و تحصیل کافی و صحت خوب را افزایش دهد، درک گردد (Bloom, Canning and Sevilla ۲۰۰۳). افغانستان هنوز به جایگاهی نرسیده است که دریچه فرصت سود از توزیع نفوس به رویش باز گردد، زیرا هیچ کاهش قابل ملاحظه تولدات در کشور دیده نمی شود. در حال حاضر شرایط درست وجود ندارد، تا بتواند فرصت را به رشد اقتصادی واقعی تبدیل نماید، زیرا سطوح پایین تحصیل و سواد آموزی (فصل ۸)، مشارکت پایین زنان در نیروی کار، میزان بالای بیکاری و کارها با مولدیت پایین به مشاهده می رسد (همین فصل).

چوکات متن ۲.۴: سود از توزیع نفوس

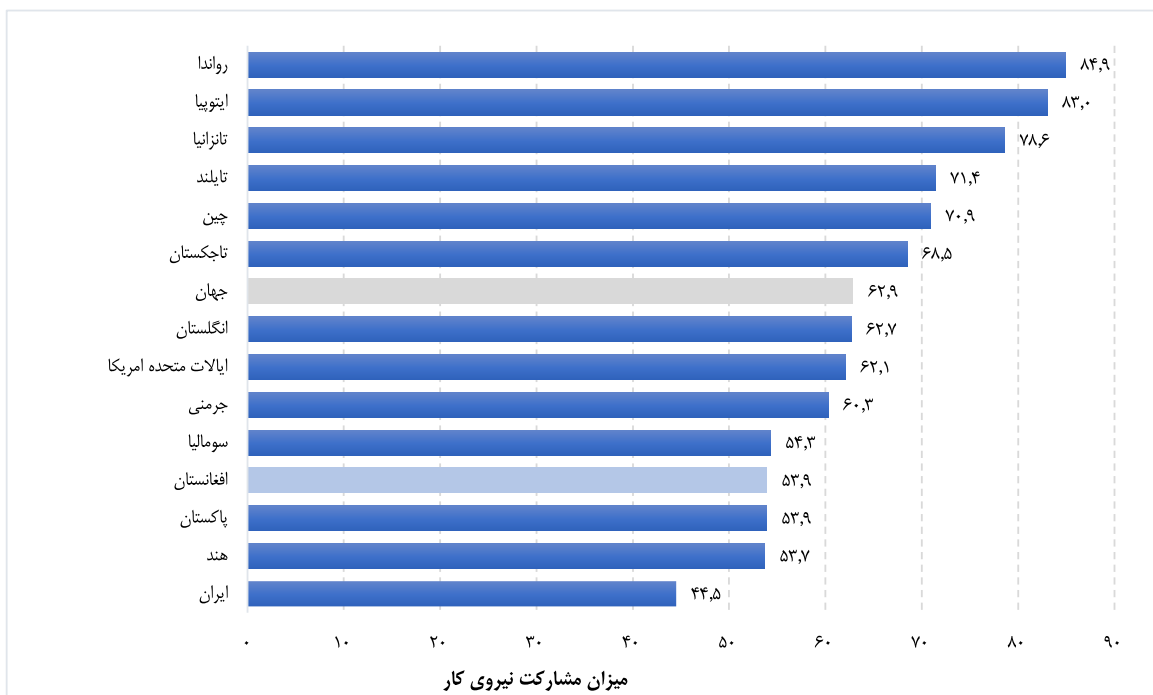
سود از انشقاق نفوس، رشد بالقوه اقتصادی است که از جا به جایی ساختار سنی نفوس بدست می آید، عمدتاً وقتی که - در نتیجه کاهش تولدات - بخش نفوس سن کاری (سنین ۱۵ الی ۶۴) بزرگتر از بخش نفوسی که در سن کار نیستند (پایین تر از سن ۱۵ و بالاتر از ۶۵) باشد. با داشتن تعداد کمی از جوانان که نیاز به حمایت دارند، یک کشور فرصتی برای رشد سریع اقتصادی، افزایش منابع برای سرمایه گذاری جهت انکشاف اقتصادی و رفاه خانواده دارد. تعداد کمتری از کودکان در هر خانوار عمدتاً به سرمایه گذاری بیشتر بالای هر کودک می انجامد که منجر به تعلیم و صحت بهتر، آزادی بیشتر برای زنان برای ورود در نیروی کار رسمی و پس انداز بیشتر خانوارها می گردد. همه این ها اثری بر شرایط زنده گی خانواده ها گذاشته، سبب تحرک اقتصاد و افزایش تولیدات ناخالص سرانه میگردند.

کاهش چشمگیر تولدات تنها دریچه برای فرصت رشد سریع اقتصاد را مهیا مینماید. این که آیا یک کشور از انشقاق نفوس استفاده می کند یا نه، بستگی به سرمایه گذاری های مناسب و سیاست های موثر برای حکومتداری خوب، زیربنا ها، اشتغال، کار مولد، تعلیم و تربیه که با تقاضای بازار کار همخوانی داشته باشد، دسترسی زنان به بازار کار، صحت و مولدیت و غیره دارد.

نیروی ذخیره ی کار نفوس سن کاری ۱۵.۹ میلیون نفر به اندازه محدودی مورد استفاده قرار گرفته و فقط ۵۳.۹ فیصد این افراد (۸.۵ میلیون نفر) در اقتصاد به شکل شاغل و یا در جستجوی کار (بیکار) مشارکت دارند. این میزان در مقایسه با کشور های دیگر منطقه نسبتاً بلند است، اما در مقیاس جهانی

کم بشمار می‌رود (شکل ۱.۴ را مشاهده کنید)^۲. چنین میزان کم مشارکت نیروی کاری نشان می‌دهد که منابع انسانی نسبت به نفوس مجموعی برای تولید اجناس و خدمات کم است، بنابراین به انکشاف اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

شکل ۱.۴: میزان مشارکت نیروی کار در ممالک منتخبه



منبع: افغانستان: سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ - کشورهای دیگر: سازمان بین‌المللی کار، دیتابیس سال ۲۰۱۵ م

۲.۲.۴ تفاوت‌ها در مشارکت نیروی کار

جدول ۱.۴ توزیع نفوس فعال و غیر فعال اقتصادی و میزان مشارکت در نیروی کار به تفکیک جنسیت و محل سکونت را ارائه می‌کند. این رقم نشان می‌دهد که میزان مشارکت عمومی نیروی کار در افغانستان در اثر پائین بودن سطح فعالیت زنان در بازار کار تحت فشار قرار دارد و نشان دهنده آنست که زنان یک نیروی مهم اقتصادی استفاده نشده باقی مانده‌اند. میزان مشارکت ۲۶.۸ فیصدی نیروی کار زنان نشان می‌دهد که تنها حدود یک چهارم زنان در سن کار، اقتصاداً فعال می‌باشند. این رقم در مقایسه با میزان مشارکت کار مردان تفاوت زیادی را نشان می‌دهد که ۸۰.۶ فیصد است.

^۲ میزان نسبتاً پائین مشارکت نیروی کار در اقتصادهای پیشرفته، اکثراً ناشی از حضور در تحصیلات، سن قانونی تقاعد، حقوق تقاعدی و غنای عمومی می‌باشد.

جدول ۱۰۴: نفوس سن کار (۱۴ و بالاتر)، به تفکیک محل اقامت، جنس و به تفکیک وضعیت فعالیت اقتصادی (به هزار) و میزان مشارکت نیروی کار

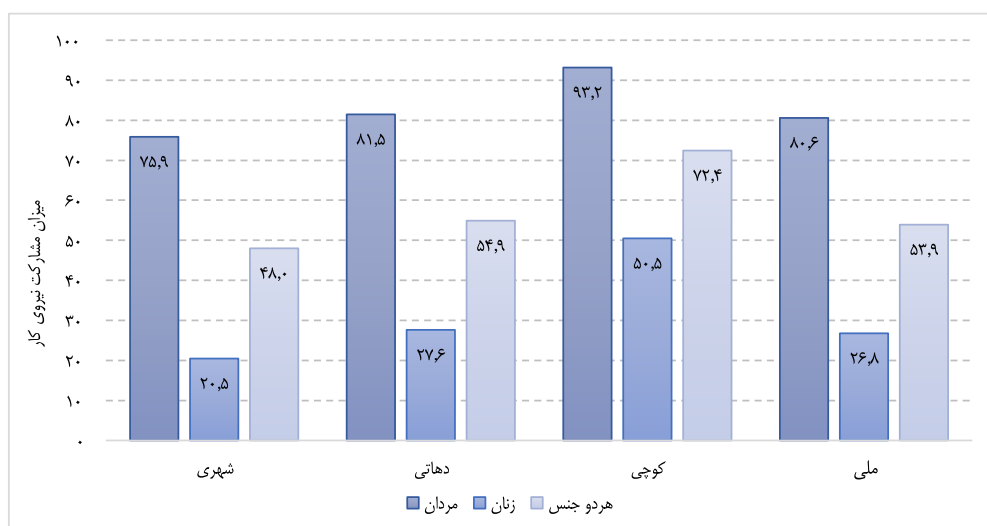
میزان مشارکت نیروی کار	مجموع	اقتصادی		مسکن جنس
		غیر فعال	فعال	
۵۳.۹	۱۵,۷۲۴	۷,۲۴۶	۸,۴۷۸	جمع
۸۰.۶	۷,۹۳۳	۱,۵۴۰	۶,۳۹۳	مرد
۲۶.۸	۷,۷۹۱	۵,۷۰۶	۲,۰۸۶	زن
۴۸.۰	۴,۰۸۹	۲,۱۲۶	۱,۹۶۳	شهری
۷۵.۹	۲,۰۳۳	۴۹۰	۱,۵۴۲	مرد
۲۰.۵	۲,۰۵۶	۱,۶۳۵	۴۲۱	زن
۵۴.۹	۱۰,۹۱۴	۴,۹۲۱	۵,۹۹۳	دهاتی
۸۱.۵	۵,۵۳۰	۱,۰۲۵	۴,۵۰۵	مرد
۲۷.۶	۵,۳۸۵	۳,۸۹۷	۱,۴۸۸	زن
۷۲.۴	۷۲۱	۱۹۹	۵۲۲	کوچی
۹۳.۲	۳۷۱	۲۵	۳۴۵	مرد
۵۰.۵	۳۵۰	۱۷۴	۱۷۷	زن

حاصل جمع عمومی شاید مساوی به مجموعه اصلی نگردد، زیرا ارقام روند شده است.

مشارکت نیروی کار در مناطق دهاتی و مخصوصاً در میان کوچی ها (به ترتیب ۵۴.۹ و ۷۲.۴ فیصد) بیشتر است (همچنان شکل ۲.۴ را مشاهده کنید). این برای اقتصادهای کمتر انکشاف یافته معمول است، زیرا فرصت های تعلیمی و تحصیلی اندک است و اکثریت مردم درگیر فعالیت های کار بر، دارای مولدیت پائین و زراعت می باشند. برعلاوه فرصت های بدست آوردن مزد در این بخش ها کمیاب است، بنابراین بسیاری از اعضای خانوار برای بدست آوردن عاید باید کار کنند. مشارکت نیروی کار در مناطق شهری پائین تر است، که در مجموع برای هر دو جنس ۴۸ فیصد می باشد. این به دلیل موجودیت فرصت های دیگر غیر از اشتغال، مانند مشارکت در مکاتب، احتمالاً ضرورت کم کار مبتنی بر تشکیلات خانواده و بطور کلی پائین بودن سطح فقر است (فصل ۶ را مشاهده کنید).

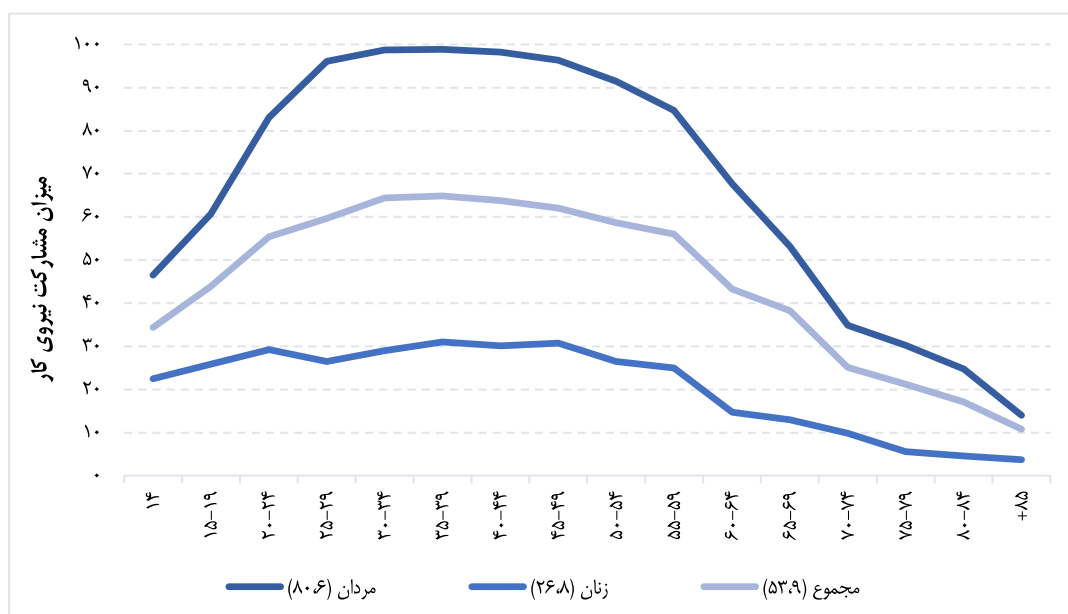
اگر چه تفاوت های مشارکت اقتصادی در اشکال محل اقامت برای زنان و مردان نظیر همدیگر اند، اما تفاوت برای زنان بسیار واضح است. این در حالیکه که میزان مشارکت در نیروی کار زنان دهاتی (۲۷.۶ فیصد) بوده و نزدیک به اوسط ملی زنان (۲۶.۸ فیصد) می باشد، از زنان کوچی تقریباً دو برابر (۵۰.۵ فیصد) می باشد، در حالیکه این میزان برای زنان شهری به طور قابل توجهی پائین است (۲۰.۵ فیصد).

شکل ۲.۴: میزان مشارکت نیروی کار، به تفکیک محل سکونت و جنس.



به طور کلی میزان مشارکت در نیروی کار از الگوی سن متابعت می کند که عمدتاً معمول است، به صورت نسبی مشارکت بالا در بین میانسالان و مشارکت پائین و بسیار پائین در بین نوجوانان و کهنسالان به مشاهده میرسد (شکل ۳.۴). هر چند تصویر عمومی تفاوت های بزرگ جنسیتی را در هر دو سطح و نوع الگوی سنی پنهان می کند. میزان مشارکت مردان در سنین بالای ۳۰ تا ۴۴ سالگی به بیشترین حد خود نزدیک به ۱۰۰ فیصد می رسد و از ۲۵ تا ۴۹ سالگی بالاتر از ۹۵ فیصد می باشد. در مقایسه با آن، میزان مشارکت زنان که به سختی بالاتر از ۳۰ فیصد است آن هم تنها برای سنین بزرگسال ۳۰ تا ۴۹ سالگی. علاوه بر آن، مشارکت زنان تغییر کوچکی را در سراسر گروه های سنی نشان می دهد تا به سن ۶۴-۶۰ که یک سقوط مشاهده می شود. این در حالیست که میزان پائین مشارکت زنان به طور کلی به موانع فرهنگی - هر دو طرف عرضه کار داخلی و طرف تقاضای بازار کار- و ملاحظات امنیتی می تواند ارتباط داشته باشد (Aturupane et al 2013). فقدان آشکار صعود در سنین میانی بزرگسالان احتمالاً ناشی از شدت بالا و مدت زمان طولانی دوران بارداری و مسئولیت های مربوط به خانوارها برای زنان افغان می باشد.

شکل ۳.۴: میزان مشارکت نیروی کار به تفکیک گروه های سنی پنج ساله و جنس^a

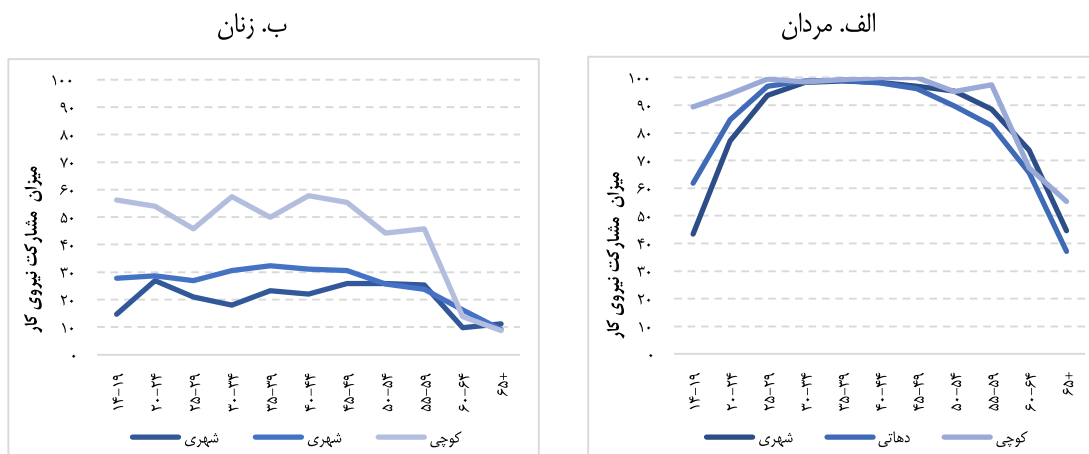


a. اعداد داخل قوس به اوسط میزان مشارکت نیروی کار هر کتگوری اشاره می کند.

تفصیل بیشتر مشارکت نیروی کار بر اساس محل سکونت، جنسیت و سن (شکل ۴.۴) نشان می دهد که برای اکثر گروه های سنی میزان مشارکت برای مردان شهری، دهاتی و کوچی از یک طرف و برای زنان شهری و دهاتی از طرف دیگر کاملاً مشابه است. ولی زنان کوچی با داشتن میزان بسیار بلندتر در طول زندگی شان، بجز سنین بالا، نسبت به زنان مسکون متفاوت می باشند. در غیر این صورت، دلیل اصلی تفاوت در میزان مشارکت نظر به محل سکونت تفاوت هایی در فعالیت اقتصادی افراد سنین پائین تر از ۲۰ سال می باشد. بیشترین تفاوت هایی که در میزان مشارکت این گروه جوان سنی، پیدا گردید، ناشی از آنست که گروه سنی متذکره بخش بزرگی از نفوس سن کار را با (۲۴.۰ فیصد) تشکیل میدهند، که به طور قابل ملاحظه ای تصویر کلی را تحت تأثیر قرار می دهد. دسترسی کمتر جوانان و اطفال به تعلیم و تحصیل (فصل ۸ را ملاحظه کنید) در میان نفوس دهاتی و مخصوصاً کوچی در مقایسه با ساکنین شهری، توضیحات کلیدی در رابطه به تفاوت ها در مشارکت کار بین سنین جوانتر را ارائه می دارد. تقاضای شدید برای کار شاقه اطفال عامل دیگریست، طوری که در تحلیل کار شاقه اطفال سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ نشان داده شده است (اداره مرکزی احصائیه ۱۳۹۵) ارقام سروی ۱۳۹۳ نشان می دهد که از اطفال سن کاری ۱۴ تا ۱۷ سال شهری، دهاتی و کوچی، به ترتیب ۵۴.۷، ۷۷.۳ و ۵۴.۷ فیصد آنان درگیر کار شاقه اطفال اند و یا طور دیگر کار میکنند^۴.

^۴ براساس تعریف سازمان بین المللی کار، از کار شاقه اطفال

شکل ۴.۴: میزان مشارکت نیروی کار مردان و زنان به تفکیک گروپ سنی و محل سکونت



تحلیل ریگریشن لجستیک یک طریقه خوب برای ارائه توضیحات بیشتر تنوع در سطح فعالیت اقتصادی افراد با خصوصیات مختلف و تعامل میان این خصوصیات است. یک مجموعه متحول های توضیحی جهت پیش بینی احتمال مشارکت یک فرد در نیروی کار (شاغل و یا بیکار) انتخاب شده است. این مجموعه متحول های توضیحی شامل خصوصیات فردی (جنسیت، سن، حالت مدنی، معلولیت، با سواد و حصول بالاترین مدارج تحصیلی) و خصوصیات خانوار فرد (نوع محل سکونت، حجم خانوار و حصول بالاترین مدارج تحصیلی رئیس خانوار). نتایج تحلیل به گونه فیصدی احتمال اقتصادا فعال بودن، در مقایسه با افرادی که در این کتگوری یک متحول توضیحی شامل می باشد، ارائه گردیده است. برای توضیحات بیشتر ریگریشن لجستیک و تفسیر فیصدی احتمال، چوکات متن ۳.۴ را مشاهده نمایند. نتایج ریگریشن لجستیک در شکل ۵.۴ ارائه گردیده است.

ریگریشن لجستیک نشان دهنده تفاوت های سطوح فعالیت اقتصادی ساکنین شهری، دهاتی و کوچی می باشد. با کنترل سایر متحولین، به طور اوسط یک ساکن دهاتی در سن کار ۳۵ فیصد بیشتر احتمال دارد که از یک ساکن شهری در نفوس مورد نظر اقتصادا فعال باشد. احتمال یک کوچی حتی ۳.۴ بار زیادت از یک ساکن شهری است.

حجم خانوار نیز یک تأثیر قابل توجهی را در احتمال فعال بودن اقتصادی مردم دارد. نسبت احتمال ۰.۹۷ برای حجم خانوار نشان می دهد که احتمال مشارکت در نیروی کار با هر کدام عضو اضافی خانوار ۳ فیصد کاهش می یابد. گرچه تفاوت افزایشی ۳ فیصدی کوچک است، با توجه به حجم بزرگ خانوارهای افغان - به طور متوسط ۷.۷ عضو - که اثر متراکم آن می تواند مهم واقع گردد. این نشان می دهد که بطور متوسط، خانوار های بزرگ دارای افراد نسبتا کمتری اند که از لحاظ اقتصادی فعال بوده و معاش کافی را تامین می کنند.

دستیابی به تحصیلات سرپرست خانوار نشان دهنده سطوح مختلف معنی دار احصائیوی برای رده های مختلف است. خانوار هایی که توسط اشخاص با مدارک تحصیلی پائین سرپرستی می شوند (مکتب ابتدایی و متوسطه) به احتمال زیاد (۸-۹ فیصد) در مقایسه با رئیس خانوارهایی که هیچ تحصیلات را به پایان نرسانده اند از لحاظ اقتصادی فعال اند. با افزایش کسب مدارج تحصیلی سرپرست خانوارها، احتمال آنکه از لحاظ اقتصادی فعال باشند، کوچکتر می شود. افرادی که دارای یک سرپرست خانوار اند که تحصیلات بالای ثانویه را انجام داده است در مقایسه با آنانی که توسط شخص بدون تحصیلات سرپرستی می شوند، ۲۴ فیصد کم احتمال می رود که در بازار کار از لحاظ اقتصادی فعال باشند. این احتمال برای افراد دارای سرپرست تحصیل کرده در دانشکده و پوهنتون ها به ترتیب ۳۷ و ۶۰ فیصد پائین تر می باشد. احتمال می رود که سرپرستان با مدرک تحصیلی پیشرفته تر دارای کار خوبتر و عاید بالا بوده، که ضرورت دیگر اعضای خانوار برای دریافت اشتغال را کاهش می دهد. علاوه بر این، اطفال مردم تحصیل کرده احتمال کمتر برای فعال بودن اقتصادی دارند، زیرا در مجموع آنان با امتداد دادن حرفه تحصیلی شان دخول در بازار کار را به تعویق می اندازند.

تمام متحولین به سطح فردی در مدل ریگریشنی نتایج قابل توجهی را از نظر احصائیوی ارائه می دارد. تا حد زیادی، تبعیض آمیز ترین عامل در مشارکت نیروی کار، جنسیت است. مردان در افغانستان بیشتر از ۱۸ برابر احتمال زیادتیر برای اقتصاداً فعال بودن نظر به زنان دارند، در صورتیکه اثرات متحول های دیگر کنترل شوند. اگر چه رابطه دو جانبه میان جنسیت و فعالیت اقتصادی یک تأثیر قوی را از قبل نشان داده که این ظاهراً توسط عوامل مبهم تحت فشار قرار گرفته است و تأثیر اساسی جنسیت حتی قوی تر هم می گردد.

چوکات متن ۳.۴: ریگریشن لوجستیک

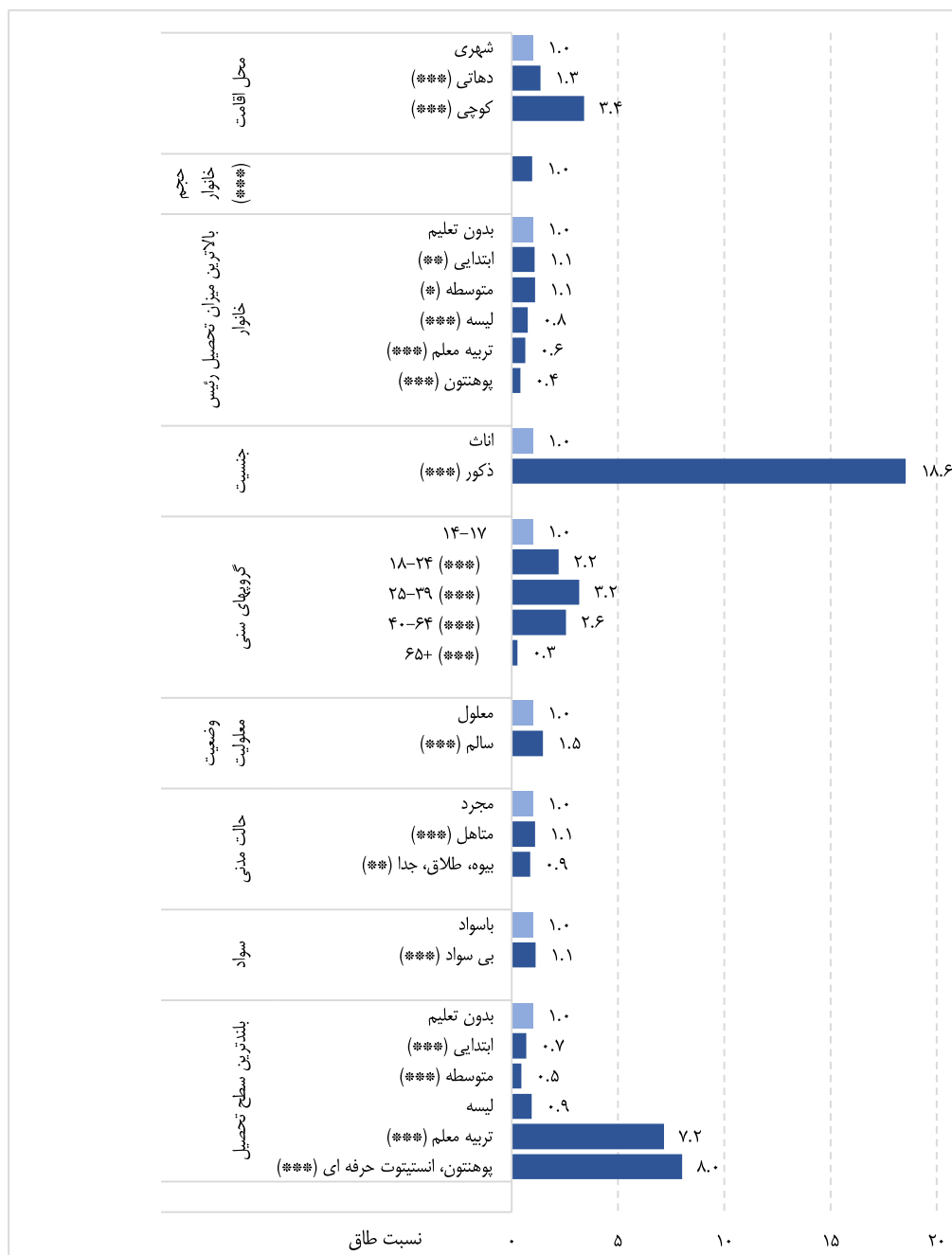
ریگریشن لوجستیک یک روش احصائیوی برای سنجش احتمال نتیجه یک متحول وابسته، بر اساس یک یا چند متحول توضیحی (متحول مستقل) است. مزیت اصلی این تحلیل در آن است که تأثیر تخمین شده هر متحول توضیحی بالایی متحول وابسته برای تمام تأثیرات دیگر متحولین مستقل موجود در مدل کنترل شده است. در ریگریشن لوجستیک ارائه شده در این گزارش، متحول وابسته یک متحول دوگانه (۰-۱) است، به این معنی که فقط دو نتیجه امکان دارد، مثلاً در رابطه به مشارکت در نیروی کار "۰" عدم مشارکت و "۱" مشارکت را معنی می دهد.

احتمال اینکه برای یک مقدار معین متحول مستقل، متحول وابسته ۱ باشد، به عنوان فیصدی احتمال بیان می شود، که اثر نسبی مقدار معین از متحول وابسته در مقایسه با تأثیر مقدار معین متحول مستقل می باشد. بنابراین، در صورتی که مشارکت در نیروی کار به حیث یک متحول وابسته و حالت معلولیت به حیث یک متحول مستقل در نظر گرفته شود، فیصدی احتمال ۱.۴۷ برای "افراد غیر معلول" (شکل ۵.۴) به این معنی است که در مقایسه با گروه معلولین انتخاب شده مورد نظر افرادی که معلول نیستند ۱.۴۷ برابر (یا ۴۷ فیصد) به احتمال زیاد در نیروی کار شامل هستند. در حالی که نسبتهای احتمال بزرگتر از ۱ نشان می دهد که یک فرد به احتمال زیاد در نیروی کار مشارکت دارد نظر به فردی که در کتگوری مورد نظر واقع است، نسبت احتمال بین ۰ و ۱ نشان دهنده یک چانس کمتر است. بطور مثال، نسبت احتمال ۰.۲۷ برای افراد ۶۵ سال و بالاتر بدان معنی است که افراد مسن این گروه - زمانی که تأثیرات سایر متحولین در مدل کنترل شده است، احتمال مشارکت شان در نیروی کار صرف ۲۷ فیصد افراد جوان ۱۷-۱۴ ساله می باشد. از آنجایی که گروه مورد نظر تأثیر ناقص یک متحول توضیحی بر متحول وابسته را ارائه می کند، مقدار تأثیر، بر اساس تعریف ۱.۰۰ است. در ارقام ارائه کننده نسبت احتمال ریگریشن لوجستیک، گروه های مورد نظر به رنگ آبی روشن برجسته گردیده است.

بیشترین متحولین مستقل ارائه شده در مدل ریگریشنی در این گزارش عبارت از متحولینی اند که کتگوری های مجزا (غیر متمادی) را دارا اند. با آنکه چند متحول مستقل محدود "متحولین متمادی" تعریف شده اند، که می تواند ارزش های نامحدودی را به خود اختیار کند. برای این متحولین (به عنوان مثال حجم خانوار در شکل ۵.۴)، هیچ گروه مشخصی وجود ندارد و نسبت احتمال ارائه شده باید بحیث تأثیر در متحول وابسته تفسیر شود که به واسطه افزایش یک واحد متحول مستقل متمادی به وجود آمده، در حالیکه تأثیرات سایر متحولین کنترل شده است. بنابراین، نسبت احتمال ۰.۹۷ برای حجم خانوار به این معنی است که اگر یک فرد دیگر در خانوار اضافه شود، احتمال مشارکت در نیروی کار ۰.۹۷ می گردد.

برای هر نسبت احتمال ارائه شده در گراف، سطح معنی دار ارائه شده است. این نشان می دهد تأثیر برآورد شده از لحاظ احصائیوی تا چه اندازه دارای اطمینان است، یا به عباره دیگر، احتمال نتایج ارائه شده تا چه اندازه نزدیک به تأثیر اصلی و یا یک اشتباه نمونه گیری تصادفی است. یک سطح معنی دار ۹۵ فیصد بطور کلی ارائه کننده نتیجه که ما اطمینان کافی به نزدیک بودن آن به رقم اصلی داریم در نظر گرفته می شود. یک سطح معنی دار ۹۹ فیصد حاکی از موجودیت احتمال بسیار بالایی نزدیک بودن ارزش تخمین شده به ارزش اصلی است، در حالی که سطح ۹۰ فیصد، نشان دهنده آنست که تا حدود کمتر میتوان مطمئن بود.

شکل ۵.۴: فیصدی احتمال ریگریشن لجستیک بر مشارکت نیروی کار افراد در سن کار



سطح معنی دار: (***) سطح اطمینان ۰.۰۱ فیصد، (**) سطح اطمینان ۰.۰۵ فیصد، (*) سطح اطمینان ۰.۱ فیصد؛ ضریب تثبیت = ۰.۳۰۳۲

اثرات خالص سن مطابقت با مشخصات سن مشارکت نیروی کار دارد که در شکل ۲.۴ ارائه شده است. جوانان (۱۸ الی ۲۴ سال) و بزرگان میانسال (۴۰ تا ۶۴) در مقایسه با اطفال زیر ۱۸ سال، بیش از دو برابر احتمال فعال بودن اقتصادی را دارند، در حالیکه سطح فعالیت ها به حداکثر خود در گروه های سنی ۲۵ تا ۳۹ میرسد (نسبت احتمال ۳.۱۹) و در سنین بالاتر از ۶۵ به پائین ترین سطح خود کاهش می یابد (نسبت احتمال ۰.۲۷). همانطور که انتظار می رود، معلولیت با نواقص نیروی کار مرتبط است: افراد بدون معلولیت ۴۷ فیصد بیشتر امکان فعال بودن در بازار کار را نسبت به افراد معلول دارند.

در مقایسه با محل اقامت، جنسیت، سن، دستیابی به تعلیم و تربیه، حالت مدنی و با سواد یک فرد یک تأثیر نسبتاً کوچک - اما معنی دار احصائیوی بر مشارکت نیروی کار را دارا می باشد. در مقایسه با افرادی که هرگز ازدواج نکرده اند، افرادی که ازدواج کرده اند ۱۰ فیصد بیشتر

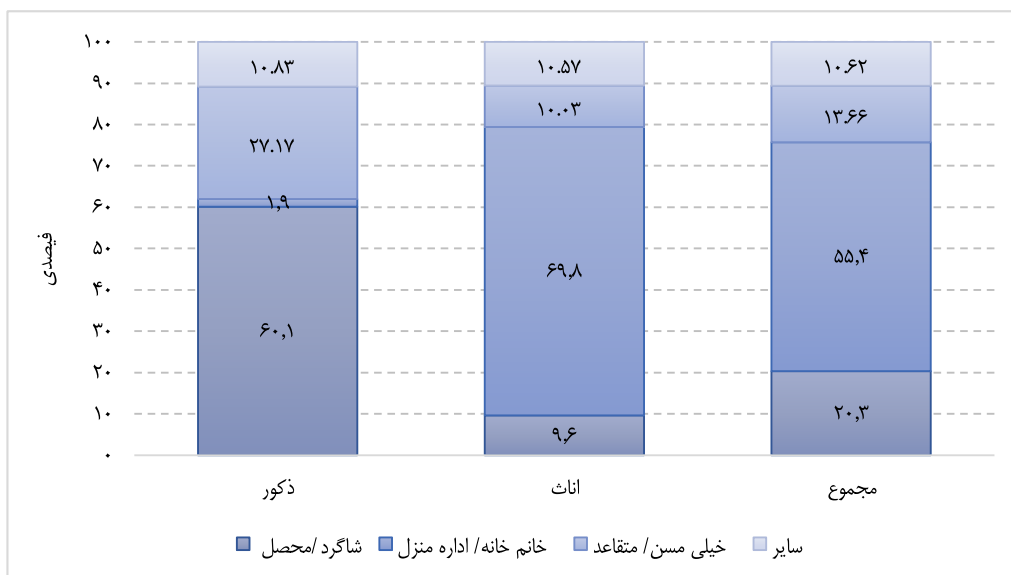
احتمال دارد که در بازار کار مشارکت داشته باشند، در حالیکه افراد بیوه، طلاق شده و یا هم جدا شده ۱۳ فیصد کمتر احتمال دارد که مشارکت داشته باشند. یافته های اخیر تا حدی قابل توجه است، زیرا همانطور که انتظار می میرود افرادی که عروسی شان فسخ شده (اکثریت زیاد زنان بیوه هستند)، امکان دارد که نان آورشان را از دست داده و خودشان ضرورت به دریافت کار داشته باشند.

تأثیر تعلیم و تحصیل بر فعالیت اقتصادی، در صورت کنترل سایر عوامل، یک موضوع جالب است. در مقایسه با افرادی که هیچ سطح تحصیلی را تکمیل نکرده اند، آنانی که تحصیلاتی با سطح پائین (مکتب ابتدایی و متوسطه) دارند، احتمال کمتری دارد که از لحاظ اقتصادی فعال باشند (نسبت احتمال به ترتیب ۰.۶۸ و ۰.۴۵). این درحالیست، افرادی که مدارج دارالمعلمین، پوهنتون یا تکنیکم را به اتمام رسانیده اند ۷ تا ۸ برابر احتمال فعال بودن را دارا هستند. این مشخصه نشان می دهد که سطوح بالای تحصیلات، حالات مطلوب را بطور خاص برای مشارکت در نیروی کار ایجاد می کند، که شامل تطابق با تقاضای کار، عاید بلند، زمینه سازی برای استخدام رسمی و کار رضایت بخش می باشد. این یافته که افراد بی سواد ۱۳ فیصد بیشتر احتمال فعال بودن اقتصادی نظر به افراد با سواد را دارد، پذیرفتنی است، این خود نشان دهنده یک ارتباط قوی بین بیسوادی و فقر می باشد (فصل ۶ را ببینید). مردم فقیر نمی توانند بیکار باشند و همیشه در جستجوی کار و پذیرفتن کار می باشند، ولو بدون مزد هم باشد.

۳.۲.۴ دلیل برای فعالیت اقتصادی

از آنجا که شامل بودن فرد در نیروی کار بسیار مرتبط با جنسیت او است، بنابراین جنسیت دلایلی برای عدم شامل بودن در نیروی کار نیز است. برای بیش از دو سوم (۶۹.۸ فیصد) زنان و دختران که از لحاظ اقتصادی غیر فعال هستند، دلیل اصلی عدم فعالیت شان را مسئولیت های خانم خانه بودن و امور منزل تشکیل می دهد، در حالیکه این دلیل برای مردان تقریباً وجود ندارد (شکل ۶.۴ را ملاحظه کنید). مردان غیر فعال عمدتاً متشکل از افراد جوان و پیر هستند. با توجه به میزان بالای مشارکت در نیروی کار در سنین بزرگسالی (شکل ۴.۴ در بالا). در نتیجه، دلایل اصلی عدم فعالیت اقتصادی برای مردان و پسران، مصروف بودن در تعلیم و تحصیل (۶۰.۱ فیصد)، تقاعد و یا کهولت سن (۲۷.۲ فیصد) می باشد. برای زنان و دختران در کل مصروفیت در تعلیم و تحصیل، صرف ۹.۶ فیصد دلیل به شمار می رود، حتی برای دختران در سن مکتب ۱۴ الی ۱۷، این فیصدی فقط ۳۹.۱ فیصد است (در مقایسه با پسران در همین سن که ۸۸.۷ فیصد می باشد، ولی در ارقام نشان داده نشده است) و امور منزل و مسئولیت های خانم خانه که تقریباً به همان اندازه مهم اند (۳۳.۱ فیصد؛ در ارقام نشان داده نشده است).

شکل ۶.۴: نفوس غیر فعال اقتصادی به تفکیک جنس و دلیل عدم فعالیت (به فیصدی)



۳.۴ مشخصات نیروی کار

۱.۳.۴ مفهوم نیروی کار

این بخش نیروی کار افغانستان را به اجزای تشکیل دهنده آن یعنی شاغل، کم کار و بیکار تقسیم میکند چنانچه در چوکات متنی ۴.۴ در بالا و گزارش ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری افغانستان ۱۳۹۱ (اداره مرکزی احصائیه ۱۳۹۳) تعریف شده است. این تعاریف ملی برای درک بهتر واقعیت بازار کار افغانستان، که توسط استخدام کم پرداخت، مولدیت پائین و فقدان شبکه های محافظت اجتماعی، مانند معاش تقاعد و مساعدت مالی برای بیکاران مشخص می گردد. در چنین اقتصاد های غیررسمی، بیکاری باز – کاملاً بدون کار بودن در دوره مورد نظر، بر اساس توصیه های بین المللی تعریف شده است، حاضر بودن برای کار و در جستجوی کار بودن، معمولاً گزینه ای برای فقرا نمی باشد. چنین بیکاری کامل اغلب تنها گزینه برای آنانی است که خود دارای توان مالی ماندگار هستند و یا دسترسی به منابع قابل توجه فامیل دارند. در نتیجه، در چنین اقتصاد ها، بر اساس تعاریف بین المللی نسبتاً حصه کوچک از نیروی کار غالباً بیکار یافت می شود. اکثر اوقات مردم باید هر نوع کار را برای زنده ماندن – در واقع – می پذیرند، هر چند که معاش ناچیز و ساعات کم داشته باشد. از این رو، تناقض اینست که کشورهایی که دارای این نوع اقتصاد هستند اغلب نسبتاً میزان پائین بیکاری را نظر به تعاریف بین المللی دارا می باشند، که این نشانه عملکرد خوب بازار کار نه، بلکه عملکرد ضعیف است.

در این وضعیت اقتصادی، مشکل اصلی بیکاری نیست بلکه فقدان گسترده کار مولد و مناسب است. بنابراین شاخصی که ارتباط بیشتر به پالیسی نسبت به میزان بیکاری دارد، عبارت از فیصدی نیروی کاری که کار ناکافی دارند به شمول افراد بیکار و کم کار. اینها افرادی هستند که به کار بیشتر و یا یک کار دیگر نیاز دارند تا عاید و یا مزد کافی و پایدار به دست بیاورند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، مفهوم کار ناکافی، از نظر ارتباط کار ناکافی با زمان تعریف گردیده است: اشتغال افرادی که کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند و آنانی که می خواهند و آماده به انجام ساعات اضافی کار هستند، اشتغال به کار ناکافی در نظر گرفته می شوند. این فصل نه تنها تحلیل و بررسی بیکاری را ارائه می کند (بخش ۴.۴)، بلکه بالای نفوس بزرگ شاغل غیر سودمند بحثی گروه مورد هدف برای سیاست استخدام نیز تمرکز نموده است (بخش ۱.۵.۴). این بخش ها توسط ارائه ساختار دموگرافیکی نیروی کار پیش برده می شود (بخش ۲.۳.۴).

جدول های ۲.۴ و ۳.۴ یک نمای کلی از توزیع کتگوری های نیروی کار شاغل، کار ناکافی و بیکار به تفکیک محل سکونت و جنسیت و شاخص های مربوط به نیروی کار را به ترتیب ارائه می کند.

جدول ۲.۴: نیروی کار به تفکیک محل اقامت، جنس و وضعیت فعالیت اقتصادی (به هزار)

محل اقامت، جنس	شاغل		بیکار	مجموع نیروی کار	استخدام غیر سودمند
	کاملاً شاغل	کم کار			
ملی	۵,۱۳۲.۷	۱,۳۲۰.۹	۶,۴۵۳.۶	۲,۰۲۴.۸	۳,۳۴۵.۷
ذکور	۴,۱۹۵.۵	۱,۰۲۷.۰	۵,۲۲۲.۶	۱,۱۷۰.۱	۲,۱۹۷.۱
اناث	۹۳۷.۲	۲۹۳.۹	۱,۲۳۱.۱	۸۵۴.۷	۱,۱۴۸.۶
شهری	۱,۲۷۰.۶	۱۷۱.۷	۱,۴۴۲.۳	۵۲۰.۶	۶۹۲.۴
ذکور	۱,۱۲۹.۴	۱۲۹.۰	۱,۲۵۸.۴	۲۸۳.۷	۴۱۲.۷
اناث	۱۴۱.۲	۴۲.۷	۱۸۳.۹	۲۳۶.۹	۲۷۹.۶
دهاتی	۳,۵۲۴.۳	۱,۰۲۸.۹	۴,۵۵۳.۳	۱,۴۳۹.۸	۲,۴۶۸.۸
ذکور	۲,۸۱۷.۵	۸۳۰.۰	۳,۶۴۷.۵	۸۵۷.۷	۱,۶۸۷.۷
اناث	۷۰۶.۹	۱۹۸.۹	۹۰۵.۸	۵۸۲.۲	۱,۴۸۸.۰
کوچی	۳۳۷.۸	۱۲۰.۳	۴۵۸.۰	۶۴.۳	۱۸۴.۶
ذکور	۲۴۸.۷	۶۸.۰	۳۱۶.۷	۲۸.۷	۹۶.۷
اناث	۸۹.۱	۵۲.۲	۱۴۱.۳	۳۵.۶	۸۷.۹

حاصل جمع عمومی شاید مساوی به مجموعه اصلی نگردد، زیرا ارقام روند شده است

جدول ۳.۴: شاخص های نیروی کار به تفکیک محل اقامت و جنس

محل اقامت، جنس	نسبت استخدام بر نفوس	میزان کم کاری، به اساس فیصدی		میزان بیکاری	استخدام غیر سودمند
		شاغل	نیروی کار		
ملی	۴۱.۰	۲۰.۵	۱۵.۶	۲۳.۹	۳۹.۵
ذکور	۶۵.۸	۱۹.۷	۱۶.۱	۱۸.۳	۳۴.۴
اناث	۱۵.۸	۲۳.۹	۱۴.۱	۴۱.۰	۵۵.۱
شهری	۳۵.۳	۱۱.۹	۸.۷	۲۶.۵	۳۵.۳
ذکور	۶۱.۹	۱۰.۳	۸.۴	۱۸.۴	۲۶.۸
اناث	۸.۹	۲۳.۲	۱۰.۱	۵۶.۳	۶۶.۴
دهاتی	۴۱.۷	۲۲.۶	۱۷.۲	۲۴.۰	۴۱.۲
ذکور	۶۶.۰	۲۲.۸	۱۸.۴	۱۹.۰	۳۷.۵
اناث	۱۶.۸	۲۲.۰	۱۳.۴	۳۹.۱	۵۲.۵
کوچی	۶۳.۵	۲۶.۳	۲۳.۰	۱۲.۳	۳۵.۳
ذکور	۸۵.۴	۲۱.۵	۱۹.۷	۸.۳	۲۸.۰
اناث	۴۰.۳	۳۷.۰	۲۹.۵	۲۰.۱	۴۹.۷

۲.۳.۴ ترکیب نیروی کار

نظر به تفاوت های بسیار بزرگ در سطوح فعالیت اقتصادی میان مردان و زنان نیروی کار افغانستان ترکیب نامناسب جنسیتی دارد، البته با داشتن ۶.۴ میلیون مرد (۷۵.۴ فیصد) و ۲.۱ میلیون زن (۲۴.۶ فیصد). بخاطری که ساختار نفوس بسیار جوان است، کشور یک نیروی کار فوق العاده جوان را دارا است. نیمی از نفوس فعال اقتصادی (۵۰.۲ فیصد) از جوانان بین ۱۴ و ۲۹ ساله تشکیل شده است. در مجموع، ۶.۰ میلیون نفر در نیروی کار (۷۱.۳ فیصد) کمتر از ۴۰ سال سن دارند (جدول ۴.۴).

جدول ۴.۴: نیروی کار به تفکیک گروپ سن ده سال و جنس (به هزار و فیصد)

سن	به هزار			به فیصدی		
	مردان	زنان	هر دو جنس	مردان	زنان	هر دو جنس
مجموع	۶,۳۹۲.۷	۲,۰۸۵.۸	۸,۴۷۸.۴	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۱۴-۱۹	۱,۱۲۹.۸	۴۶۴.۴	۱,۵۹۴.۲	۱۷.۷	۲۲.۳	۱۸.۸
۲۰-۲۹	۱,۹۸۹.۸	۶۷۲.۰	۲,۶۶۱.۸	۳۱.۱	۳۲.۲	۳۱.۴
۳۰-۳۹	۱,۳۷۸.۸	۴۱۱.۶	۱,۷۹۰.۴	۲۱.۶	۱۹.۷	۲۱.۱
۴۰-۴۹	۹۵۳.۶	۳۱۳.۵	۱,۲۶۷.۱	۱۴.۹	۱۵.۰	۱۴.۹
۵۰-۵۹	۵۷۵.۸	۱۶۴.۲	۷۴۰.۰	۹.۰	۷.۹	۸.۷
۶۰-۶۹	۲۸۴.۲	۴۸.۱	۳۳۲.۳	۴.۴	۲.۳	۳.۹
۷۰-۷۹	۶۵.۶	۱۰.۳	۷۶.۰	۱.۰	۰.۵	۰.۹
۸۰+	۱۴.۹	۱.۷	۱۶.۶	۰.۲	۰.۱	۰.۲

حاصل جمع عمومی شاید مساوی به مجموعه اصلی نگردد، زیرا ارقام روند شده است

۴.۴ بیکاری

بیکار عمومی

در سطح ملی، ۲.۰ میلیون نفر به حیط بیکار تصنیف شده اند، بیکار به کسانی اطلاق می شود که کار نمی کنند ولی در جستجوی کار اند و یا کمتر از ۸ ساعت در هفته کار می کنند. بنابر آن در مجموع نیروی کار، سهم این تعداد ۲۳.۹ فیصد می باشد. این میزان بیکاری نشان دهنده عدم توانایی اقتصاد افغانستان برای جذب کافی عرضه نیروی کار در کشور می باشد، زیرا یک چهارم حصه آن غیر قابل استفاده باقی مانده است. با ۲۶.۵ فیصد، میزان بیکاری نیروی کار شهری کمی بیشتر از دهاتی است (جدول ۴.۴ را در فوق مشاهده کنید). سطح بیکار در میان کوچی ها تقریباً نصف اوسط ملی است (۱۲.۳ فیصد)، تفاوتی که به طور وسیع توسط شیوه زندگی کوچی های مالدار توضیح می شود.

چوکات متن ۴.۴: شاخص اهداف انکشاف پایدار ۲.۵.۸ - میزان بیکاری

"میزان بیکاری" یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای نظارت جهت دستیابی به هدف هشتم اهداف انکشاف پایدار می باشد: بلند بردن رشد اقتصادی همه جانبه و پایدار، استخدام کامل و مولد و کار مناسب برای همه. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ میزان بیکاری ملی را ۲۳.۹ فیصد ثبت کرده است که کمی بالاتر از رقم مشاهده شده در سروی وضعیت زنده گی در افغانستان ۱۳۹۳ می باشد (۲۲.۶ فیصد).

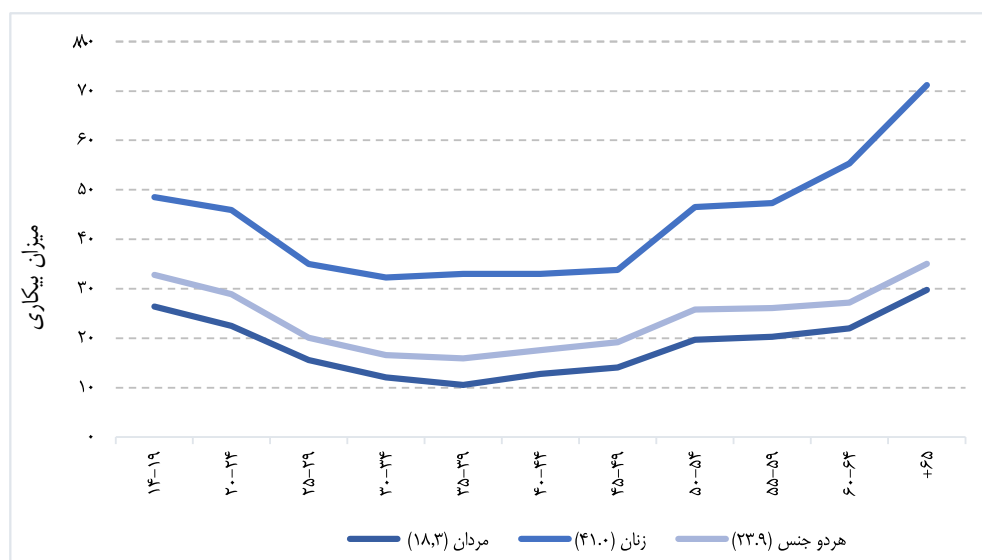
ملی	۲۳.۹	
شهری	۳۸.۸	مرد ۲۴.۵
دهاتی	۳۰.۱	زن ۴۷.۴
کوچی	۱۴.۴	افراد معلول ۳۷.۷
		افراد غیرمعلول ۲۳.۳

قابل توجه است که هر چند تعداد زنان در نیروی کار تنها یک سوم تعداد مردان (به ترتیب ۲.۱ و ۶.۴ میلیون) است، تعداد بیکاران به ترتیب: ۰.۹ و ۱.۲ میلیون به صورت مشابه به همان اندازه می باشد. یعنی میزان بیکاری زنان دو برابر بیشتر از بیکاری مردان است: ۴۱.۰ فیصد در برابر ۱۸.۳ فیصد. یک عامل مهم در میزان بالای بیکاری زنان اینست که سهم زنان کارگر که کمتر از ۸ ساعت کار می کنند و به همین دلیل آنان بیکار شمرده می شوند، خیلی بیشتر از مردان است (۱۸.۴ فیصد در برابر ۲.۴ فیصد). با این حال، حتی زمانیکه بیکاران مطلق نیز در نظر گرفته شود، میزان بیکاری برای زنان خیلی بیشتر نسبت به مردان خواهد بود: به ترتیب ۲۸.۶ فیصد و ۱۶.۴ فیصد می باشد.

میزان بیکاری یک شکل U-مانند را در رابطه به سن نشان می دهد، با سطوح بالای بیکاری در میان افراد پائین تر از سن ۲۵ و بالاتر از ۵۰ سال، و با سطوح پائین در بین نفوس میان سال (شکل ۷.۴). میزان بیکاری زنان همواره نسبت به میزان بیکاری مردان برای تمام سنین بلند تر است، با شاخص تساوی جنسیت^۵ از ۱.۸ تا ۳.۱.

^۵ به شکل نسبت بین میزان بیکاری زنان و مردان سنجش می گردد

شکل ۷.۴: میزان بیکاری، به تفکیک گروه سنی ۵ ساله و جنس^۳.



^۳ اعداد داخل قوس به اوسط میزان بیکاری هر کتگوری اشاره می کند.

بیکاری جوانان و عدم شمولیت شان در کار، تحصیل و آموزش (نبیت)

میزان بلند بیکاری جوانان باید دلیلی برای نگرانی باشد. در سرتاسر جهان، بیکاری جوانان به طور روز افزون در دستور کار مسائل انکشافی قرار دارد، بر اساس بررسی ها افراد جوان در میان آسیب پذیرترین گروه ها در بازار کار قرار دارند. بیکاری در آغاز دوره زندگی یک فرد، به ویژه برای مدت دوامدار، بالای کار آینده و توانایی های آن برای شروع یک زندگی مستقل می تواند تأثیر منفی بگذارد (ILO ۲۰۱۵). همچنان موجب سردرگمی و احساس نا امیدی و دلسردی شده و در صورت شیوع آن در جامعه باعث نا آرامی های اجتماعی می گردد. بر علاوه، منابع نشان می دهد که بیکاری و کم کاری جوانان یک تهدید برای ثبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و باعث تحریک نا آرامی و درگیری های مدنی در یک کشور می گردد (Azeng and Yogo ۲۰۱۳).

بیکاری جوانان^۶ در سال های ۱۳۹۵، ۳۰.۷ فیصد محاسبه شده است، ۳۹.۱ فیصد برای جوانان شهری، ۲۹.۶ فیصد برای جوانان دهاتی و ۱۳.۳ فیصد برای جوانان کوچی. وضعیت زنان جوان ناراحت کننده است، زیرا با در نظر داشت میزان عمومی بیکاری جوانان اناث ۴۷.۴ فیصد، بیکاری جوانان اناث شهری به میزان بسیار بلند ۶۳.۷ فیصد است. طوری که این ارقام خیلی بلند است، بزرگی مشکل بیکاری جوانان را در افغانستان پنهان میکند. با توجه به ساختار جوان نیروی کار، تعداد افراد جوان بیکار و سهم آنها در مجموع نفوس بیکار بطور نامتناسبی زیاد است. جوانان بیکار، استفاده نشده به ۸۴۲ هزار نفر می رسد که کمتر از ۴۱.۶ فیصد مجموع نفوس بیکار است. با توجه به توزیع سنی افغانستان و با فرض میزان مشارکت نیروی کار و میزان بیکاری، این می تواند انتظار برود که در طی ۵ سال پیشرو سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، ۳.۹ میلیون فرد جوان به سن کاری خواهند رسید، و ۱.۶ میلیون آنها وارد بازار کار خواهند شد و در حدود ۵۴۰ هزار نفر بر اساس میزان فعلی مشارکت نیروی کار و بیکاری، بیکار خواهند ماند (محاسبات نویسنده).

یک گروه مهم قابل توجه پالیسی افراد جوانی اند که نه در کار و نه در تحصیل و آموزش شمولیت دارند (نبیت)، این جوانان شاید نتوانند مهارت های جدیدی را کسب کنند و از هدر رفتن لیاقت شان رنج ببرند. بنابراین، آنها در معرض خطر بالای بازار کار و محرومیت اجتماعی قرار دارند و احتمال زیادتری وجود دارد که در زندگی آینده به دیگران و یا حمایت های اجتماعی وابسته شوند.

^۶ میزان بیکاری جوانان، فیصدی افراد بیکار ۲۴-۱۵ ساله از مجموع نیروی کار در گروه سنی متذکره محاسبه می شود. میزان بیکاری جوانان یکی از شاخص های انکشاف هزاره برای انجام کار مناسب برای جوانان بود (هدف ۸ اهداف انکشاف هزاره: توسعه مشارکت جهانی برای انکشاف). این شاخص همچنین در لست شاخص های استراتژی انکشاف ملی افغانستان (۱۷ الف دولت افغانستان ۲۰۰۸) قرار داشت

میزان جوانانی که بیکارند، و شامل هیچ مقطع تحصیلی و یا دوره آموزشی نیستند ابزاری را برای اندازه گیری میزان جوانانی که خارج از سیستم معارف، تحصیلات، پرورش و اشتغال هستند فراهم می کند، بنابراین معیاری وسیع تر از نیروی ذخیروی جوانان وارد شونده در بازار کار را نسبت به بیکاری جوانان ارائه می کند که جوانان کارگر دلسرد و همچنین آنانی که به دلیل معلولیت و کار های خانه و به دلایل دیگر خارج از نیروی کار مانده اند، را شامل می گردد. نییت معیار بهتری برای اندازه گیری بازار بالقوه فعلی نیروی کاری جوانان در مقایسه با میزان عدم فعالیت جوانان می باشد، طوری که بعداً جوانانی در آن می شامل می شوند که خارج از نیروی کار اند ولی مصروف تعلیم و تحصیل می باشند، بنابراین نمی تواند قابل دسترس برای کار فعلی در نظر گرفته شود.

نییت یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار ۸ است (ترقی پایدار، رشد اقتصادی دوامدار و جامع، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه) بیشتر بطور خاص در مقصد ۶.۸ انعکاس یافته است: تا سال ۲۰۲۰ کاهش اساسی جوانانی که نه در اشتغال و نه در تعلیم و تحصیل و پرورش سهم دارند. این شاخص متمم شاخص ۱.۳.۴ اهداف انکشاف پایدار است: میزان مشارکت جوانان در تعلیم و تحصیل و پرورش (بخش ۱.۲.۹ را نگاه کنید). تفاوت میان آنها اینست که شاخص اهداف انکشاف پایدار ۸ شامل اشتغال نیز می باشد. چوکات متنی ۵.۴ میزان کلی جوانانی که نه در اشتغال سهمی دارند و نه در تعلیم و تحصیل و پرورش در کشور (۴۲.۰ فیصد) و میزان نفوس فرعی را ارائه می کند. تفاوت میزان جوانان که نه در اشتغال سهمی دارند و نه در تعلیم و تحصیل و آموزش بین جوانان شهری و دهاتی نسبتاً کوچک است، اما تفاوت ها بر اساس جنسیت و حالت معلولیت بزرگ است. عوامل کمک کننده در سهم بالای زنان عبارت است از مشارکت پائین زنان در تعلیم و تحصیل و پرورش (بخش ۵.۲.۹)، بیکاری زیاد زنان (بخش ۴.۴) و مخصوصاً مشارکت خیلی پائین زنان در نیروی کار می باشد (بخش ۲.۲.۴). در نتیجه از مجموع کسانی که نه شامل کار اند، و نه در تعلیم و تحصیل و آموزش شمولیت دارند (۲.۳ میلیون نفر)، ۸۰.۱ فیصد شان (۱.۹ میلیون نفر) را زنان تشکیل میدهند. از تعداد زنان متذکره، قسمت اعظم شان (۸۳.۶ فیصد) از لحاظ اقتصادی غیر فعال بوده، بنابراین در جستجوی کار نیستند. در مقابل نفوس بسیار کوچک (۴۶۸ هزار نفری) مردان در همین کتگوری قرار دارند. در اینجا، ۷۷.۰ فیصد به عنوان بیکار تصنیف شده، بنابراین در جستجوی کار اند، صرف ۲۳.۰ فیصد آنان غیر فعال اند.

چوکات متن ۵.۴: شاخص ۱.۶.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت جوانان که نه استخدام شده اند و نه شامل تحصیل و آموزش اند

جوانان (۲۴-۱۵ ساله) که سهمی در اشتغال، تعلیم، تحصیل و آموزش ندارند، شاخصی است برای نظارت جهت دستیابی به مقصد ۶.۸ (۶.۸ تا سال ۲۰۲۰، کاهش قابل ملاحظه جوانانی که نه در اشتغال، آموزش و یا پرورش سهم دارند) هدف هشتم انکشاف پایدار: رشد اقتصادی جامع و پایدار، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه را ارتقاء بخشید.

ملی	۴۲.۰	
شهری	۳۷.۹	ذکور ۱۶.۶
دهاتی	۴۴.۱	اناث ۶۷.۹
کوچی	۳۳.۹	افراد معلول ۵۶.۶
		افراد غیر معلول ۴۱.۷

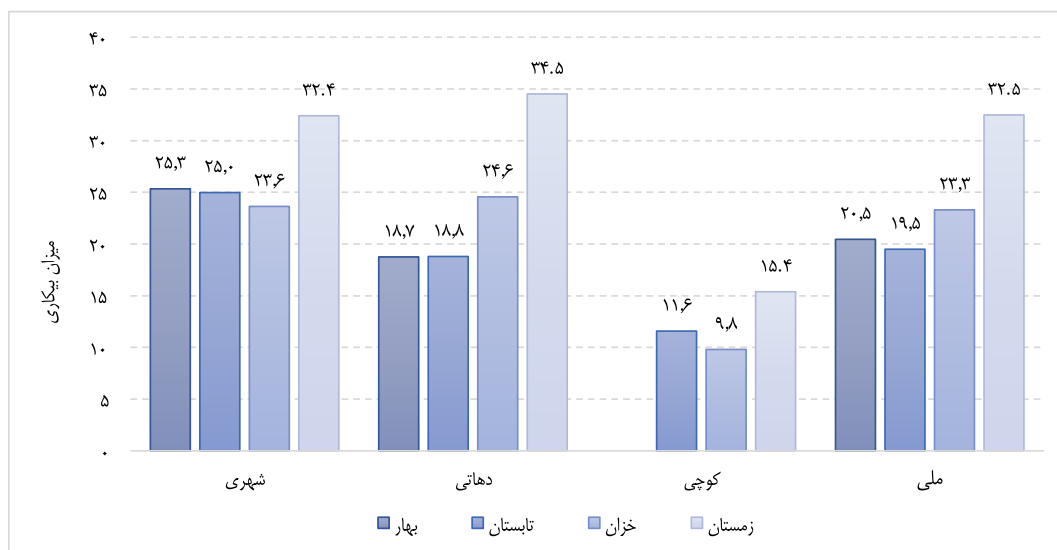
تفاوت های بیکاری

در میان سایر عوامل، کسب مدارج تحصیل و حالت صحتی افراد عواملی اند که عمدتاً تأثیرات عمیق بالایی سطح بیکاری دارد. میزان بیکاری افراد معلول ۳۷.۷ فیصد است، در مقایسه با ۲۳.۳ فیصد برای آنانی که معلولیت ندارند. تغییرات میزان بیکاری برای مردان با کسب مدارج تحصیلی نسبتاً کوچک است: بین ۱۷.۱ فیصد برای مردانی دارای مدارج پوهنتون تا ۲۰.۸ فیصد برای آنانی که بالاتر از مکتب متوسطه را به اتمام رسانیده اند. از طرف دیگر برای زنان، تغییر بزرگ را نشان می دهد، از ۳۰.۳ فیصد برای زنانیکه که مدرک دارالمعلمین دارند تا ۵۶.۸ فیصد برای آنانی که مکتب متوسطه را به اتمام رسانیده اند تحول می کند.

بیکاری نظر به فصل نیز نوسان مینماید. از آنجاییکه میزان بیکاری در بهار و تابستان نسبتاً کم است (در حدود ۲۰ فیصد)، سطح مشاهده شده در فصل زمستان به قدر ۳۲.۵ فیصد بالا است (شکل ۸.۴). چنانچه انتظار می رود، تأثیر فصلی به ویژه در مناطق دهاتی، به دلیل تناوب زراعت بسیار شدید است. در حالیکه، افزایش بیکاری در زمستان در مناطق شهری نیز مشاهده شده است، شاید، در برخی از سکتورهای شهری اشتغال فصلی موجود باشد^۷، اما شاید این افزایش در نتیجه عرضه زیاد کار از مناطق دهاتی باشد.

^۷ این نوع بیشتر در موارد سکتور ساختمان صدق می کند که در زمستان استخدام کمتری صورت می گیرد.

شکل ۸.۴: میزان بیکاری به تفکیک محل اقامت و فصل



۵.۴ اشتغال

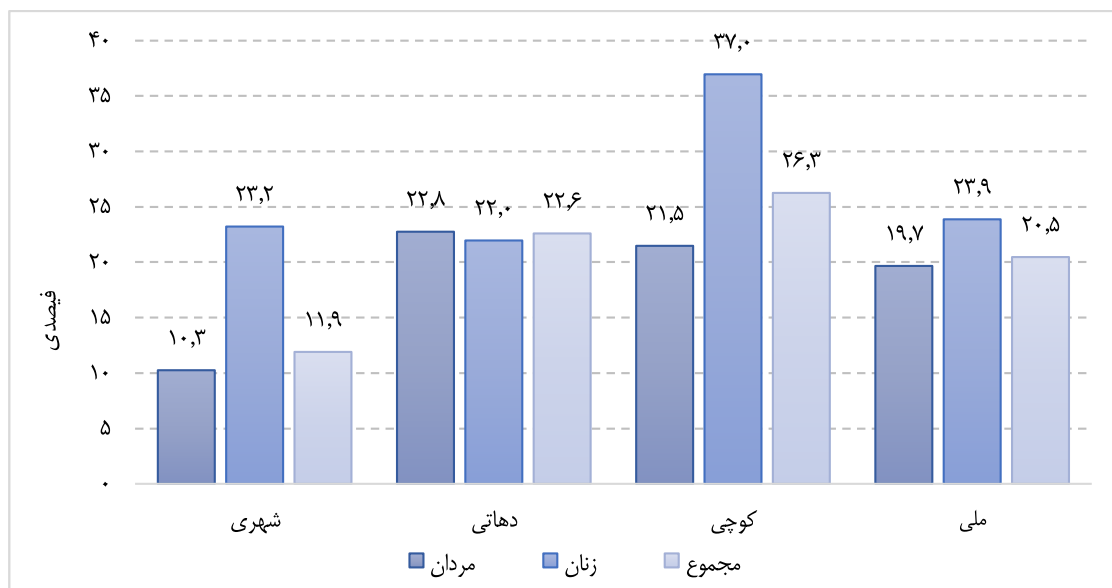
در افغانستان، حدود ۶.۵ میلیون افراد شاغل اند که اکثریت بزرگ آن — ۵.۰ میلیون و یا ۷۷.۷ فیصد — در مناطق دهاتی (به شمول کوچی) ساکن هستند. توزیع جنسیتی به شدت طرف مردان کشیده شده (جدول ۲.۴ را مشاهده کنید)، که تشکیل دهنده ۸۰.۹ فیصد نفوس شاغل است. یک شاخصی که معلومات در مورد توانایی اقتصاد برای ایجاد کارها را ارائه میکند، نسبت اشتغال به نفوس است، نسبت نفوس سن کاری که شاغل هستند.

به مقیاس جهانی، و همچنان در مقایسه با کشور های منطقه (ملل متحد ۲۰۱۵)، نسبت اشتغال به نفوس ۴۱.۰ فیصد در افغانستان خیلی کم است. عوامل اصلی این نسبت پائین عبارت از مشارکت کم غیر معمول زنان در نیروی کار (۲۶.۸ فیصد؛ بخش ۲.۴ را مشاهده کنید) و بیکاری بلند زنان (۴۱.۰ فیصد؛ بخش ۳.۳.۴ را مشاهده کنید). نسبت اشتغال به نفوس زنان کمتر از ۵۰ فیصد پائین تر از مردان است.

۱.۵.۴ کم کاری

در حالیکه نسبت اشتغال به نفوس به شدت با سیاست های بازار کار مرتبط است، ارائه معلومات در باره سهم نفوس شاغل در سن کاری، معلوماتی در مورد کیفیت کار و میزان درآمد آنان ارائه نمیکند. یک گزینه برای پر کردن این خلاء معلوماتی اندازه گیری کم کاری با شناسایی افرادی که کمتر از ۴۰ ساعت کار میکنند و آنهایی که تمایل به کار اضافی داشته و آمادگی انجام آن را دارند (کم کاری مرتبط با زمان) می باشد. همانند افراد بیکار، افراد کم کار نیز نیازمند کار مناسب برای تامین ضروریات لازم برای یک زندگی پایدار هستند. به سطح ملی، ۲۰.۵ فیصد نفوس در سن کار — که از ۱.۳ میلیون نفر نمایندگی می کند — بر اساس معیار کم کاری مرتبط با زمان، کم کار هستند. سطوح کم کاری در انواع محل سکونت و جنسیت به طور کلی نزدیک به اوسط ملی می باشد، به جزء از زنان کوچی (۳۷.۰ فیصد) و مردان شهری (۱۰.۳ فیصد) (شکل ۹.۴). عرضه بیشتر مشاغل رسمی در مناطق شهری، که درآمدهای نسبتاً بالا و امن تر را تامین میکند، دلیل اصلی نسبت پائین تر کم کاری در آنجا است. این در حالیکه، که زنان کمتر از این شرایط بهره میبرند، چنانچه سهم کم کاری در نفوس کاری زنان شهری ۲۳.۲ فیصد است.

شکل ۹.۴: فیصدی کم کاری در نفوس استخدام شده به تفکیک محل اقامت و جنس



۲.۵.۴ وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال یک شاخص دیگر کیفیت اشتغال است. تصنیف بین المللی وضعیت اشتغال (ICSE-۹۳) تصنیف های وضعیت اشتغال ذیل را تعیین می نماید: کار فرما، کارگران مستقل، کارگران فامیلی بدون مزد و اعضای کوپراتیف تولید کننده گان. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، کارگران دارای مزد به سکتور دولتی و خصوصی تقسیم شده اند. علاوه بر آن، کارگران روزمزد به عنوان یک گروه جداگانه کارگران مستقل شناخته می شوند.

نسبت بلند کارگران با مزد نشان دهنده انکشاف اقتصادی در یک کشور است. از سوی دیگر، اگر نسبت کارگران روزمزد، کارگران مستقل و کارگران فامیل بزرگ باشد، می تواند نشان دهنده ای یک سکتور بزرگ زراعتی و رشد کم اقتصاد رسمی باشد. این گروه ها می توانند به عنوان مشاغل آسیب پذیر در نظر گرفته شوند، زیرا کار غیر رسمی و اشتغال غیر مصئون، درآمد ناکافی و ناپایداری، با مولدیت پائین و همچنان فقدان شبکه های محافظتی که در شرایط بحران اقتصادی از کارگران در برابر از دست دادن کار و عایدشان محافظت نماید (ILO ۲۰۰۸, ۲۰۰۷).

اساساً وضعیت اشتغال، انواع خطر های اقتصادی که یک شاغل در کار به آن مواجه می گردد، قدرت وابستگی سازمانی بین فرد و کار، و نوع نفوذ بر دسته های کارگری و دیگر کارگران را اندازه گیری می کند. سروی وضعیت زندگی در افغانستان چندین دسته کارگران را متمایز می سازد، که عمدتاً با (ICSE-۹۳) مطابقت دارد. تحلیل معلومات اشتغال بر اساس موقعیت شغلی معیار احصائیوی را برای توصیف رفتار کارگران، شرایط کاری و تعریف گروه اجتماعی-اقتصادی. یک فرد ارائه می کند.

وضعیت اشتغال همچنان به متمایز سازی میان کار مناسب و آسیب پذیر کمک می نماید، به همین دلیل در چارچوب اهداف انکشاف هزاره برای ریشه کنی فقر و گرسنگی (MDG۱) استفاده شده است، به خصوص برای کنترل دست آوردهای هدف B.۱: دستیابی به اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه به شمول زنان و جوانان. شاخصی که از انکشاف هزاره مورد استفاده قرار گرفته نسبت کارگران مستقل و کارگران فامیل به کل استخدام شده گان است. در میتودولوژی سروی وضعیت زندگی در افغانستان این نسبت شاغلین آسیب پذیر کارگران روزمزد را نیز شامل می شود.

جدول ۵.۴ نشان دهنده این است که تنها ۱۹.۸ فیصد تمام افراد شاغل در کار هایی که "مناسب" پنداشته می شوند، در اشتغال با مزد شخصی و دولتی، استخدام شده اند. این بدان معنی است که اکثریت کارگران در افغانستان در صنوف مشاغل آسیب پذیر قرار دارند، (۸۰.۲ فیصد). بیشتر از نیمی (۵۵.۸ فیصد) از تمام افراد شاغل، کارگران روز مزد و کارگران مستقل هستند، این درحالیست که ۲۴.۵ فیصد مجموع اشتغال را کارگران فامیلی بدون مزد تشکیل می دهد. اینجا دوباره، تفاوت های جنسیتی تشدید شده است: دو سوم (۶۷.۴ فیصد) زنان بحیث کارگران فامیلی بدون مزد کار میکنند، این درحالیست که تنها یک هشتم (۱۲.۴ فیصد) مردان در چنین حالت قرار دارند. در عین حال، کارگران مرد ۱۰ برابر بیشتر احتمال دارد که به شکل روز مزد نظر به کارگران زن کار کنند (۱۹.۵ فیصد در برابر ۱.۹ فیصد). به همین ترتیب، ۴۵.۵ فیصد مردان منحیث کارگر مستقل کار میکنند، در حالیکه سهم زنان در چنین کاری فقط ۲۰.۷ فیصد است.

از آنجایی که کارفرمایان صرف یک گروه بسیار کوچک (۲.۶ فیصدی)، کارگران با مزد ۱۷.۲ فیصد نفوس افراد شاغل را تشکیل می‌دهند، که تنها دسته ملموس در بازار کار می‌باشند که دارای کارهای کم و بیش مصنوع هستند. موجودیت کار با مزد اساساً یک پدیده شهری، با ۳۷.۵ فیصد در برابر ۱۱.۳ فیصد میان افراد شاغل دهاتی است. هر چند کارگران شهری کمتر از یک چهارم (۲۲.۳ فیصد) را تشکیل می‌دهند، تقریباً نیم (۴۸.۶ فیصد) نیروی کار با مزد در مناطق شهری زندگی میکنند. قابل ذکر است که گروه کوچک زنان کارگر ساکن در مناطق شهری، ۴۱.۲ فیصد شامل اشتغال با مزد می‌باشند، در مقایسه با ۱.۹ فیصد زنان دهاتی و ۳۶.۸ فیصد مردان شهری.

جدول ۵.۴: نفوس شاغل به تفکیک وضعیت استخدام، و به تفکیک محل اقامت و جنس (به فیصدی)

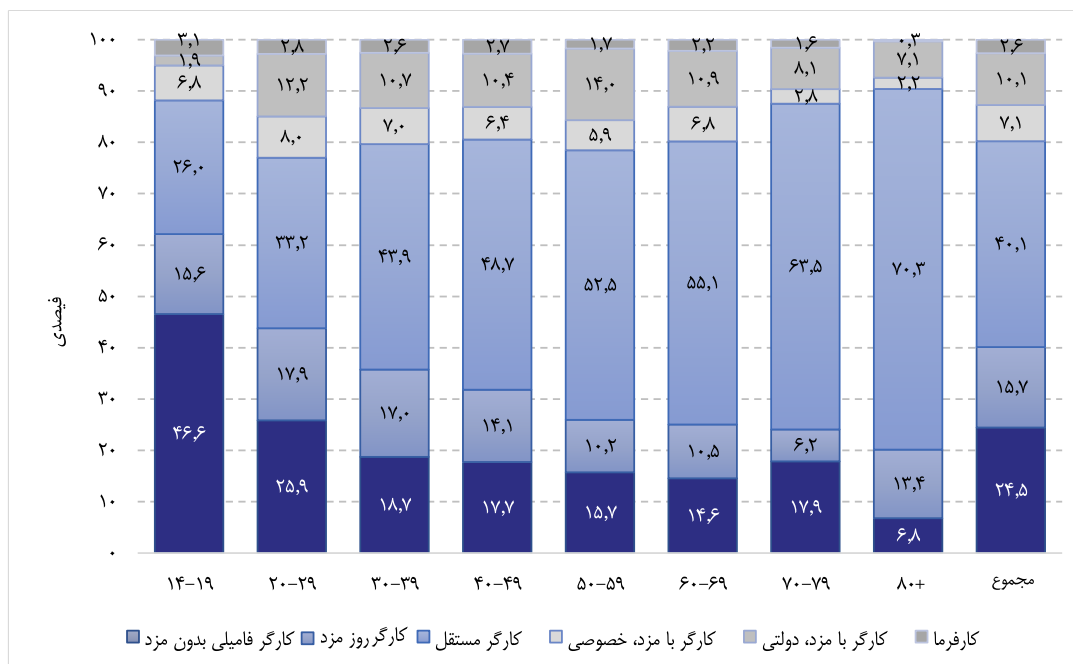
وضعیت استخدام	شهری			دهاتی ^a			ملی	
	مرد	زن	جنس	مرد	زن	جنس	مرد	زن
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
کار فرما	۱.۸	۰.۷	۱.۶	۳.۰	۲.۶	۲.۹	۲.۳	۲.۶
کارگرا با مزد خصوصی	۱۸.۶	۱۸.۱	۱۸.۵	۴.۸	۰.۵	۳.۸	۳.۱	۷.۱
کارگر با مزد، دولتی	۱۸.۲	۲۳.۱	۱۹.۰	۹.۵	۱.۴	۷.۵	۴.۷	۱۰.۱
کارگر مستقل	۳۹.۱	۱۹.۸	۳۶.۳	۴۷.۶	۲۰.۹	۴۱.۲	۲۰.۷	۴۰.۱
روز مزد	۱۵.۳	۵.۱	۱۳.۸	۲۰.۹	۱.۳	۱۶.۲	۱.۹	۱۵.۷
کارگر فامیل بدون مزد	۷.۰	۳۳.۲	۱۰.۸	۱۴.۲	۷۳.۴	۲۸.۴	۶۷.۴	۲۴.۵
از جمله استخدام آسیب پذیر	۶۱.۴	۵۸.۱	۶۰.۹	۸۲.۷	۹۵.۵	۸۵.۸	۷۷.۵	۸۰.۲

^a دهاتی شامل کوچی نیز میباشد

در کل، فیصدی زنان در کارهای آسیب پذیر از فیصدی مردان ۱۲.۴ فیصد بیشتر است، ۸۹.۹ فیصد در مقابل ۷۷.۵ فیصد. این ارقام نشان دهنده یک شاخص تساوی جنسیت برای اشتغال آسیب پذیر ۱.۱۶ است، و می‌رساند که زنان ۱۶ فیصد بیشتر در معرض اشتغال آسیب پذیر نسبت به مردان هستند. یک شاخص مربوط به کار که برای اندازه گیری پیشرفت در دستیابی به اهداف انکشاف هزاره ۳ (بهبود تساوی جنسیت و توانمند سازی زنان) استفاده گردید، سهم زنان در اشتغال با مزد در سکتور غیر زراعتی بود. این شاخص حدودی دسترسی زنان به اشتغال با مزد و پیوستن آنها به اقتصاد پولی را اندازه گیری می‌کند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، این سهم حدود ۱۳.۲ فیصد بالغ گردیده است.

یک چوکات سنی واضح در توزیع وضعیت اشتغال قابل مشاهده است (شکل ۱۰.۴). تقریباً نصف (۴۶.۶ فیصد) جوان ترین گروه سنی، زیر ۲۰ سال بحیث عضو بی مزد فامیل کار میکنند، سهمی که برای گروه های سنی بعدی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، سهم افرادی که به طور مستقل کار میکنند، بطور قابل ملاحظه ای در گروه های سنی بعدی افزایش می‌یابد. انواع شغلها با آسیب پذیری پائین برای کارگران با مزد و استخدام کنندگان در گروه های سنی بزرگ ۲۰ تا ۶۹ ساله بهتر نشان داده شده است، حتی اگر نسبت ها از ۲۳ فیصد تجاوز نکنند. بر اساس ارقام مقطعی سروی، نمیتوان نتیجه گرفت که تا چه حدی این الگو نشان دهنده یک پروسه معمول شغلی است و یا اینکه آیا سابقه ویژه گیهایی فردی، افراد در سنین مختلف را نشان میدهد. با این حال، بسیار محتمل است که افراد در گروه های سنی جوان و یا کهنسال برای دریافت کارهای با کیفیت از نظر تحصیلی واجد شرایط نباشند؛ جوانان به دلیل اینکه تا به حال تحصیلات کافی را به اتمام نرسانیده اند، و افراد کهنسال به این دلیل که در زمان جوانی آنها کمتر کسی شانس تحصیل داشت.

شکل ۱۰.۴: فیصدی کم کاری در نفوس استخدام شده به تفکیک محل اقامت و جنس



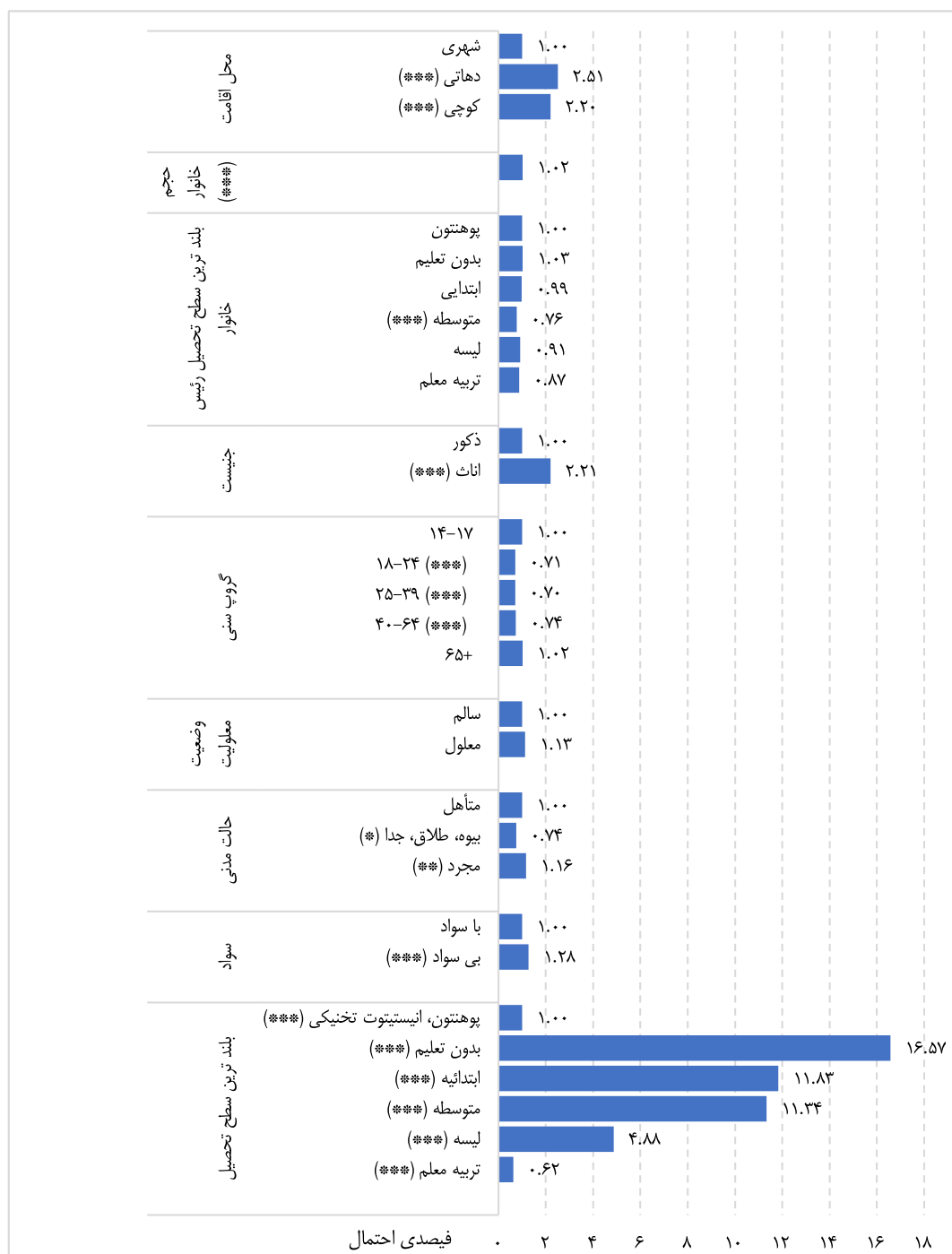
به منظور آزاد سازی تأثیرات عوامل مختلف بالای احتمال کار کردن در مشاغل آسیب پذیر، یک ریگریشن لجستیک دیگر تطبیق شده است (شکل ۱۱.۴). جالب ترین نتیجه این تحلیل این است که تعلیم و تحصیل تا اکنون قوی ترین عامل تمیز کننده است^۸. در مقایسه با شاغلین دارای مدرک پوهنتون و با کنترل عوامل دیگر شامل در مدل، آنانی که دارای تعلیمات ابتدایی و متوسطه هستند ۱۱ برابر بیشتر احتمال دارد که در کارهای آسیب پذیر شامل باشند. برای آنانی که کاملاً بدون تعلیم هستند، احتمال برای داشتن کارهای آسیب پذیر ۱۷ برابر بیشتر است. همچنان، یک کارگر با تعلیمات بالاتر از متوسطه هنوز ۵ برابر احتمال بیشتر بودن در اشتغال آسیب پذیر را دارند. در حالیکه، افراد شاغل با تحصیلات دارالمعلمین به نظر می رسد مقام خوبی برای کیفیت اشتغال داشته باشند، چنانکه خطر اشتغال آسیب پذیری آنها ۳۸ فیصد کمتر از کارگران با تحصیلات عالی پوهنتون است. این شاید تعجب آور به نظر برسد، چنانچه به اساس تصنیف استاندارد بین المللی برای تعلیم و تحصیل^۹ISCED، افراد با مدارک دارالمعلمین از نظر شرایط تحصیلی نسبت به افرادی که دارای مدرک پوهنتون هستند پائین تر رده بندی می گردند. با این حال، احتمال می رود که تعداد زیاد این افراد یک کار با مزد در سکتور دولتی دریافت کنند، در حالی که افراد تحصیل کرده به سطح لیسانس نیز ممکن است کارهای تخصصی به شکل کارگر مستقل دریافت کنند، که به این ترتیب آنها نیز در گروه اشتغال آسیب پذیر دسته بندی می شوند.

عوامل دیگری که احتمال بودن در مشاغل آسیب پذیر را شدیداً متأثر میسازند محل سکونت و جنسیت می باشد: احتمال موجودیت ساکنان دهاتی و کوچی در مشاغل آسیب پذیر نسبت به ساکنان شهری ۲ برابر بیشتر است، احتمال استخدام زنان در کارهای آسیب پذیر نیز ۲ برابر بیشتر از مردان است. در مطابقت با شکل ۱۱.۴، گروه های سنی از ۱۸ تا ۶۴ سال، احتمال کمتر به بودن در مشاغل آسیب پذیر (نسبت احتمال نزدیک به ۰.۷) نسبت به افراد پائین تر از سن ۱۸ را دارند. نفوس ۶۵ سال و بالاتر از آن احتمال بودن در اشتغال آسیب پذیر بعنوان گروه مرجع را دارند، اما این نتیجه از نگاه احصائیوی قابل توجهه نیست. سه عامل دیگر تأثیر متوسط بالای احتمال موجودیت در اشتغال آسیب پذیر را دارند: حجم خانوار، حالت مدنی و بی سوادی. معلولیت و سطح تحصیل رئیس خانوار تأثیرات قابل ملاحظه ای بالای اشتغال ندارند.

^۸ بخاطر تشریح ریگریشن لجستیک و تفسیر نتایج آن، متن مربوط به شکل ۴.۵ را ملاحظه کنید.

^۹ تصنیف استاندارد بین المللی برای تعلیم و تحصیل

شکل ۱۱.۴: فیصدی احتمال ریگریشن لوجستیک در استخدام آسیب پذیر نفوس کار



در چاچوب اهداف انکشاف پایدار، شاخص دیگری برای کیفیت اشتغال که شامل اهداف انکشاف پایدار ۸) ترویج رشد اقتصادی جامع و پایدار، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه) و مقصد ۳.۸^{۱۰} می باشد. در این شاخص (۱.۳.۸) - نسبت اشتغال غیر رسمی در سکتور های غیر زراعتی - کیفیت اشتغال از لحاظ کار رسمی و غیر رسمی تعریف می شود^{۱۱}. از آنجا که سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تا هنوز تحقیقی در رابطه به شرایط اشتغال انجام نداده است،

^{۱۰} مقصد ۸.۳: ارتقاء سیاست های انکشاف گرا که از فعالیت های مولد، ایجاد شغل مناسب، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری حمایت کند، و تشویق جهت رسمی سازی و رشد تشبثات خیلی کوچک، کوچک و متوسط، منجمله، دسترسی به خدمات مالی.

^{۱۱} اشتغال غیر رسمی شامل افرادی می شود که (الف) کارگران مستقل و کارفرمایی که به طور غیر رسمی در شرکت های خصوصی خویش کارگران را استخدام کرده اند (ب) کارگران مستقلی که مصروف تولید کالاهای اختصاصی که توسط خانوار خودشان مورد استفاده قرار می گیرد، (ج) اشتراک کارگران فامیل بدون در نظر داشت اینکه آیا آنان به طور رسمی و یا غیر رسمی در سکتور خصوصی کار می کنند (د) کارگرانی که یک کار غیر رسمی دارند، چه اینکه توسط بخش رسمی و یا غیر رسمی استخدام شده اند یا به حیث کارگران فامیل معاش می گیرند

بنابراین نمی توان شاخص دقیقی را تهیه کرد. در عوض، شاخص نیابتی، نسبت کارگران مستقل، کارگران روزمزد و کارگران فامیل بی مزد در سکتور غیر زراعتی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۱۲} نتایج این شاخص نیابتی اهداف انکشاف پایدار در مورد کیفیت اشتغال نشان می دهد که حتی در سکتور های غیر زراعتی، دو سوم کارگران در کارهای کم کیفیت و آسیب پذیر مشغول هستند (چوکات متنی ۶.۴؛ بخش ۶.۴ را نیز ببینید).

۶.۴: شاخص ۱.۵.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت استخدام غیر رسمی در شغل های غیر زراعتی اشتغال

شاخص نسبت اشتغال غیر رسمی در شغل های غیر زراعتی، پیشرفت جهت دستیابی مقصد ۸.۳ (افزایش پالیسی های انکشافی که فعالیت های مولد، ایجاد کار مناسب، ایجاد تشبثات، خلاقیت و نوآوری را حمایه نموده و رسمی سازی و رشد تشبثات بسیار کوچک - کوچک - و متوسط، به شمول دستیابی مستقیم به خدمات مالی را تشویق کند) هدف هشتم انکشاف پایدار را سنجش می کند: رشد اقتصادی جامع و پایدار، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه.

ملی	۶۷.۳
مردان	۶۶
زنان	۷۱.۳

نوت: این نتایج یک شاخص نیابتی است، چنانچه اشتغال غیر رسمی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان به عنوان کارگر مستقل، کارگران روز مزد و کارگران فامیلی بدون مزد تعریف گردیده است.

۳.۵.۴ سکتور اقتصادی اشتغال^{۱۳}

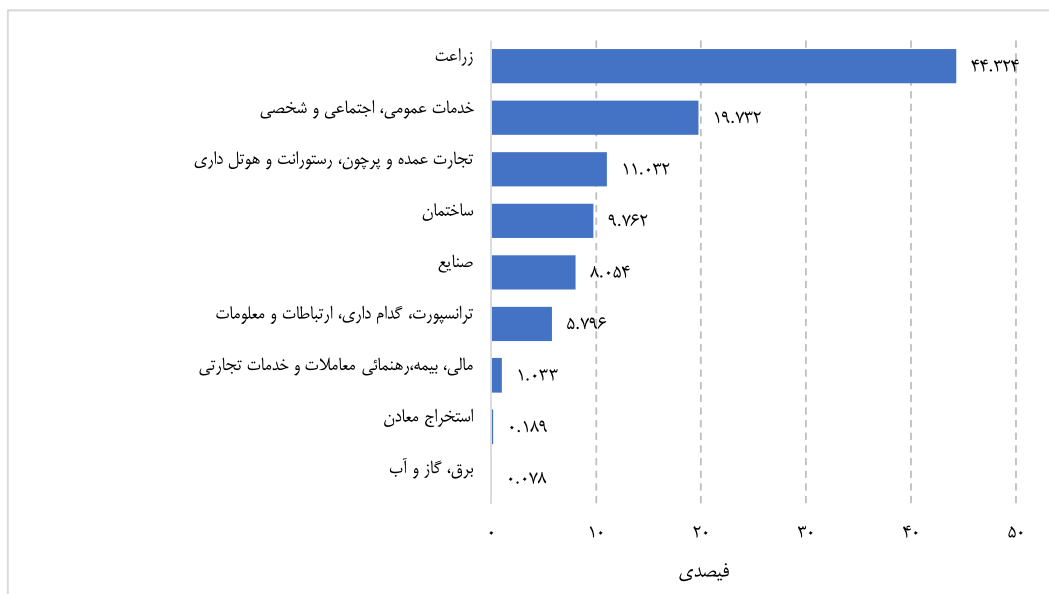
سکتور زراعت بر اقتصاد افغانستان حاکم میباشد. تقریباً ۴۵ فیصد نفوس شاغل - ۲۸ میلیون نفر - در بخش زراعت و یا سکتور های فرعی مالداری کار میکنند (شکل ۴.۱۲). اشتغال در این سکتور اقتصادی بطور مساوی میان سکتور فرعی زراعت (۲۳.۲ فیصد از مجموع اشتغال) و تولیدات مالداری (۲۱.۲ فیصد) توزیع می شود. سکتور خدمات جایگاه دوم را نظر به تعداد کار، با ۱۹.۷ فیصد (۱.۳ میلیون افراد) اختیار کرده است. سکتور های فرعی مهم شامل در سکتور خدمات عبارت اند از خدمات امنیتی (اردو و پولیس؛ ۴.۰ فیصد مجموع اشتغال)، خدمات تعلیم و تحصیل (۴.۰ فیصد) و سایر خدمات اجتماعی (۵.۲ فیصد) می باشد.

چهار سکتور دیگر در توزیع اشتغال قابل تشخیص می باشند، هر کدام تقریباً ۶ تا ۱۱ فیصد نیروی کار را تشکیل داده اند: تجارت عمده و پرچون، رستوران ها و هتل ها (عمدتاً تجارت پرچون؛ ۱۰.۴ فیصد مجموع اشتغال)، ساختمان (عمدتاً اعمار منازل؛ ۹.۲ فیصد)، صنایع (عمدتاً تولید لباس و منسوجات؛ ۶.۵ فیصد) و حمل و نقل، خدمات گدام داری، ارتباطات و اطلاعات (تقریباً به طور عمده حمل و نقل زمینی؛ ۵.۷ فیصد). سکتور های مهم اقتصادی باقیمانده در احصائیه های اشتغال به سختی قابل مشاهده هستند.

^{۱۲} این تبعیض، نتایج کارگران مستقل را که در موسسات سکتور رسمی فعالیت می کنند، افزایش می دهد و تبعیض مذکور نتایج کارفرمایان و کارگران با مزد را که در سکتور غیر رسمی کار می کنند، کاهش می دهد.

^{۱۳} بر اساس تصنیف استاندارد بین المللی رشته فعالیت نسخه دوم (۱۹۸۶ UNDESA).

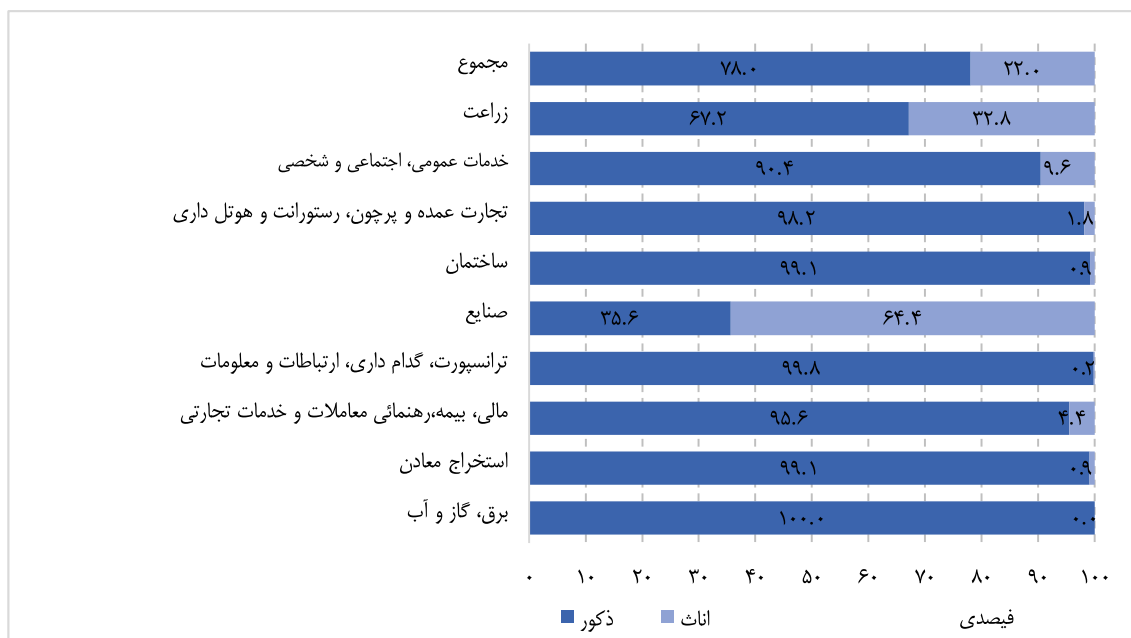
شکل ۱۲.۴: نفوس شاغل به تفکیک سکتور های کار اقتصادی (به فیصد)



واضح است، که توزیع اشتغال در سکتور های اقتصادی شدیداً توسط محل اقامت تغییر می کند. زراعت، سکتور اشتغال برای بیش از نیم نفوس دهاتی (۵۲.۶ فیصد) به دلیل سبک خاص زندگی شان، و برای ۸۰.۱ فیصد نفوس کوچی می باشد. از سوی دیگر، اشتغال شهری بیشتر متنوع است، صرف ۵.۵ فیصد نیروی کار در زراعت، ۱۲.۹ فیصد در صنایع، ۲۳.۵ در تجارت و خدمات رستوران و ۳۶.۵ فیصد در خدمات مختلف دیگر مشغول اند.

تفاوت های جنسیتی در توزیع اشتغال بر اساس سکتور اقتصادی قابل توجه اند. درحالی که روی هم رفته استخدام در چند سکتور متمرکز شده است، شواهد نشان می دهد که اشتغال زنان عملاً به سه سکتور اصلی اقتصاد محدود شده است: زراعت، صنعت و خدمات. شکل ۱۳.۴ توزیع جنسیتی را برای سکتور های اصلی اقتصاد ارائه می کند. در زراعت، یک سوم (۳۲.۸ فیصد) کارگران زن شامل می باشند. این سکتور شامل سکتور های فرعی زراعت و تولیدات بخش مالداري می باشد. برای این سکتور های فرعی، توزیع جنسیتی بسیار متفاوت است. فیصدی زنان که در فعالیت های زراعت کار میکنند تنها ۹.۵ فیصد است، اما در بخش تولیدات مالداري این رقم به ۵۸.۶ فیصد می رسد. این موضوع تمایز جنسیتی را در تولید محصولات زراعت در افغانستان به وضاحت نشان می دهد. زنان در سکتور خدمات طبی و تعلیم و تربیه حضور نسبتاً خوبی دارند، بالترتیب با ۱۶.۱ فیصد و ۲۴.۰ فیصد. صنایع یگانه سکتور اصلی اقتصادی با اکثریت زنان (۶۴.۴ فیصد) می باشد. این رقم به ویژه در زمینه تولید پوشاک و منسوجات می باشد که در آن زنان حتی ۷۸.۷ فیصد کارگران را تشکیل میدهند – و حتی برای سکتور فرعی پائین تر تولید منسوجات (عمدتاً قالین بافی)، که در آن ۹۰.۸ فیصد کار ها را زنان انجام می دهند.

شکل ۱۳.۴: سکتور های فعالیت های اقتصادی به تفکیک جنس (به فیصد)



هدف نهم از اهداف انکشاف پایدار ایجاد زیرساخت های انعطاف پذیر، رشد صنعتی شدن جامع و پایدار و تقویت نوآوری ها، مخصوصاً تسريع صنعتی شدن و بلند بردن سهم اشتغال در صنعت و توليد ناخالص داخلي را خواهان است (مقصد ۲.۹). سکتور صنعت - که شامل سکتور های اقتصادی معادن و استخراج آن، صنعت، ساختمان و خدمات تسهیلات عامه (برق، گاز و آب) در بیشتری از کشور ها منحیث ماشین اقتصاد جهت توليد ملی و ایجاد کار می باشد. سهم صنایع در اشتغال نشان دهنده جایگاه یک کشور در پروسه انتقال از یک -اقتصاد مبتنی بر زراعت سنتی- به یک اقتصاد مدرن و متنوع است. شاخص ۲.۲.۹ اهداف انکشاف پایدار اشتغال در سکتور صنعت را منحصی یک نسبت از مجموع اشتغال جهت نظارت از پیشرفت دستیابی مقصد ۲.۹ اهداف انکشاف پایدار اندازه گیری می کند. بطور کل این شاخص نشان می دهد که ۱۸.۱ فیصد کارگران در فعالیت های سکتور صنعت مشغول اند. در این رابطه جالب است تا یادآور شویم که زنان در مقایسه به مردان خیلی در موقف خیلی خوب قرار دارند، زیرا عمدتاً زنان در توليد لباس و منسوجات حضور قوی دارند. این شاخص برای زنان ۲۴.۰ است، در حالی که برای مردان ۱۶.۴ می باشد.

چوکات متن ۷.۴: شاخص ۲.۲.۹ اهداف انکشاف پایدار: نسبت استخدام در صنایع بر مجموع استخدام

نسبت استخدام در معادن و صنایع استخراجی، صنایع، ساختمان و خدمات رفاهی عامه بر مجموع استخدام یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار است تا رسیدن به هدف نهم انکشاف پایدار را نظارت کند: ایجاد زیربناء های مقاوم، تسريع صنعتی سازی جامع و پایدار و ترغیب نوآوری.

ملی	۱۸.۱
مردان	۱۶.۴
زنان	۲۴.۰

یک هدف شناسایی شده به منظور دستیابی به هدف انکشاف پایدار ۸ ترویج رشد اقتصادی و اشتغال کامل و مولد، تشویق توریزم می باشد که باعث ایجاد کار ها و ترویج کلتور محلی و تولیدات می شوند (مقصد ۹.۸). سکتور های فرعی اقتصادی که بحیث صنایع توریزم شناخته می شوند شامل هتل داری، رستوران با فعالیت های غذایی سیار، حمل و نقل زمینی مسافری، و فعالیت های فرهنگی و تفریحی شناخته می شوند. اگر چه از لحاظ تخنیکي امکان آن وجود دارد که شاخص اهداف انکشاف پایدار را از نسبت اشتغال بر مجموع اشتغال در این سکتور محاسبه کرد، ولی سوال برانگیز خواهد بود که آیا نتیجه واقعاً فعالیت های توریزم را در افغانستان پوشش می دهد یا خیر، زیرا اکثر فعالیت های انتخاب شده مربوط به توریزم و فعالیت های تفریحی نمی گردد. به سطح ملی، شاخص نشان می دهد که ۶.۷ فیصد کارها موجود در این سکتور فرعی منحصی صنایع توریزم شناخته شده است (چوکات متنی ۸.۴).

چوکات متن ۸.۴: شاخص ۲۰۹.۸ اهداف انکشاف پایدار - نسبت کار در صنعت توریزم پایدار از جمله تمام کار های مربوط به توریزم (به فیصدی)

این شاخص پیشرفت دستیابی به مقصد ۹.۸ (تدوین و تطبیق پالیسی ها تا سال ۱۴۰۹ جهت ترویج توریزم پایدار تا سبب ایجاد کار ها و ترویج فرهنگ و تولیدات محلی گردد) از هدف هشتم اهداف انکشاف پایدار را اندازه گیری می کند: رشد اقتصادی جامع و پایدار، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه.

۶.۷	ملی
۸.۵	مردان
۰.۳	زنان

یادداشت: نتایج شاخص نیابتی را ارائه می کند، زیرا در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، کتگوری های تصنیف ستندرد بین المللی رشته فعالیت، نسخه ۲ مورد استفاده قرار گرفته و نسخه مذکور با نسخه چهارم آن دقیقاً مطابقت نمی کند که در تعریف شاخص ۲۰۹.۸ اهداف انکشاف پایدار بکار گرفته است. برای سروی وضعیت زندگی در افغانستان سکتور های فرعی در صنعت توریزم اضافه شده است. ضمیمه شماره X- مفاهیم و تعاریف را ملاحظه کنید.

۴.۵.۴ شغل^{۱۴}

از لحاظ توزیع شغلی، سهم کارگران زراعتی منعکس کننده فراگیر بودن سکتور زراعت می باشد. در حدود ۴۲۶ فیصد اشتغال در سکتور زراعت وجود دارد (شکل ۱۴.۴). این بخش دوباره به شکل مساویانه میان دهاقین و زارعین (۲۲.۰ فیصد) و تولید کننده گان محصولات حیوانی و پرورش دهنده گان حیوانات (۲۰.۶ فیصد) توزیع شده است. در میان زنان، اکثریت اعظم شان کارگران زراعتی (۶۴.۶ فیصد؛ اکثراً تولید کنندگان محصولات حیوانی) و یا کارگران صنایع دستی و تجارت مرتبط به آن (۲۳.۶ فیصد؛ اکثراً صنایع دستی، کارگران لباس و منسوجات) هستند. سهم شغل زراعت در مناطق شهری کمتر (۵.۰ فیصد) و در مناطق دهاتی و قبایل کوچی بزرگتر است (۵۳.۲ فیصد برای هر دو مشترکاً). به جز از شغل های زراعتی و ابتدایی (۱۶.۰ فیصد)، هیچ شغل دیگری از ۹ فیصد تجاوز نمی کند. این برای مناطق شهری خیلی متفاوت است، طوری که کارگران خدمات و فروش بزرگترین گروپ های شغلی را با ۲۵.۸ فیصد تشکیل می دهد (دو برابر بیشتر از رقم ملی)، به تعقیب آن کارگران صنایع دستی و تجارت مربوط به آن (۱۹.۳ فیصد)، شغل های ابتدایی (همچنان ۱۶.۰ فیصد) و مونتاژ کنندگان کارخانه ها و ماشین کار ها (۱۰.۲ فیصد). شکل ۱۴.۴ همچنان نشان می دهد که کار های معمولی و با مهارت پایین در اشتغال افغانستان فراگیر است و سهم بزرگ را شغل های ابتدایی مانند ماشین کار ها و مونتاژ کنندگان آن، کارگران صنایع دستی و تجارت مربوط به آن و کارگران سکتور زراعت دارد. کار های با مهارت بلند (تکنیشن ها، همکاران متخصصین، متخصصین و مدیران) تنها به مقدار خیلی کم (۶.۱ فیصد شغل ها را در افغانستان تشکیل می دهد.

^{۱۴} بر اساس تصنیف ستندرد بین المللی شغل (ISCO-۰۸).

شکل ۱۴.۴: نفوس شاغل به تفکیک جنس و به تفکیک گروپ های عمده شغلی (به فیصد)



سهم زنان در موقف های مدیریتی در چارچوب اهداف انکشاف پایدار بحیث یک شاخص هدف پنجم جا داده شده است: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران. این شاخص معلومات درباره سهم زنان در موقف های مدیریتی و تصمیم گیرنده در حکومت، نهاد ها و شرکت های بزرگ را ارائه می کند، بنابراین شاخص مذکور در رابطه به قدرت در خصوص قدرت زنان در تصمیم گیری های اقتصادی معلوماتی فراهم می کند. مقدار این شاخص برای افغانستان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ خیلی کم یعنی ۴.۳ فیصد می باشد (چوکات متنی ۹.۴).

چوکات متنی ۹.۴: شاخص ۲.۵.۵ اهداف انکشاف پایدار - سهم زنان در موقف ها مدیریتی (به فیصدی)

نسبت زنان در موقف های مدیریتی یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای نظارت به دستیابی مقصد ۵.۵ اهداف انکشاف پایدار: تامین مشارکت کامل و موثر زنان و فرصت های مساوی برای رهبریت در تمام سطوح تصمیم گیری در سیاست، اقتصاد و زنده گی عامه میباشد.

۴.۳	ملی
۴.۴	شهری
۳.۸	دهاتی
-	کوچی

۵.۵.۴ ساعات کار

ساعاتی که افراد کار میکنند شاخص خوبی برای کم کاری در بسیاری از جهات است. طوری که در بالا ذکر گردید، کم کاری شامل کار کردن کمتر از ۴۰ ساعت معیاری در هفته است، به شرطی که شخص تمایل به کار کردن بیشتر را داشته و آماده به آن باشد. در حالی که، ساعات کاری بیش از حد می تواند نشان دهنده نوع دیگر از کم کاری مرتبط به سطوح پائین مولدیت نهایی کار باشد که افراد را مجبور به کار کردن ساعات بسیار طولانی برای زنده ماندن می کند.

ساعات کاری در هفته

اوسط عمومی ۳۷.۸ ساعت کاری در هفته، تفاوت های بزرگی را به تفکیک محل اقامت و جنسیت پنهان می کند. کارگران شهری تمایل قابل ملاحظه یی به کار کردن ساعات طولانی در هفته (۴۶.۳) را نسبت به کارگران دهاتی و کوچی (در حدود ۳۵.۵) دارند (جدول ۶.۴). نصف نیروی کار شهری حتی ۴۸ ساعت و یا بیشتر از آن کار میکنند. تفاوت های جنسیتی حتی بیشتر از آن به ملاحظه می رسد، طوری که اوسط و میانه ساعات کاری هفته وار زنان صرف نصف ساعات کاری مردان است. علاوه بر موانع فرهنگی که فرصت های اشتغال را برای زنان کاهش می دهد، ایشان با مسئولیت های خانوار و فامیل حضور شان در کار مولد اقتصادی محدود می گردد. به دلیل محدود بودن فرصت ها برای به عهده گرفتن کار با مزد، ظرفیت زنان برای کسب درآمد خیلی کم است و وابستگی بیشتر به اعضای دیگر خانوار برای معیشت را منتج می شود.

جدول ۶.۴: اوسط و میانه ساعات کاری هفته وار نفوس شاغل به تفکیک محل اقامت و جنس

محل اقامت	الف. اوسط			ب. میانه		
	مجموع	اناث	مجموع	ذکور	اناث	مجموع
ملی	۴۲.۵	۲۱.۲	۳۷.۸	۴۲	۱۸	۳۶
شهری	۵۰.۰	۲۴.۹	۴۶.۳	۴۸	۲۱	۴۸
دهاتی	۳۹.۹	۲۰.۳	۳۵.۴	۴۲	۱۵	۳۵
کوچی	۴۲.۳	۲۲.۱	۳۵.۶	۴۲	۲۱	۳۰

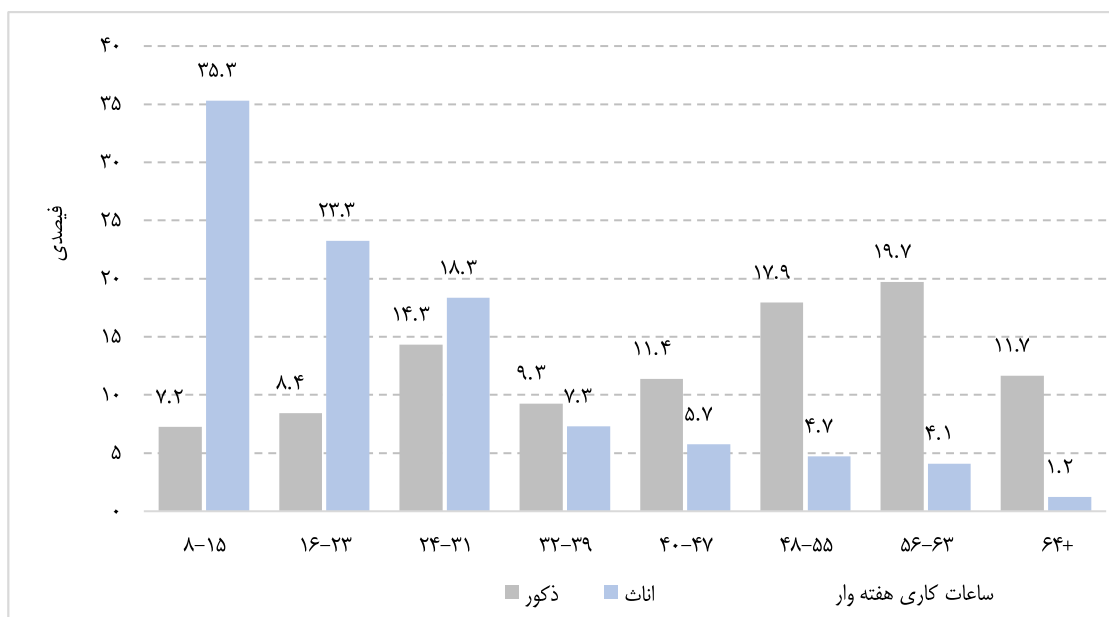
تفاوت های ساعات کاری فصلی نیز وجود دارد. بطور کلی، اوسط تعداد ساعت کار شده به بیشترین در تابستان (۳۸.۹ ساعت) و کمترین در زمستان (۳۵.۸ ساعت؛ ارقام نشان داده نشده) میرسد. تفاوت های ساعات کار در دهات حتی بیشتر دیده می شود: ۳۷.۵ ساعت در تابستان و ۳۲.۰ ساعت در زمستان.

شکل ۱۵.۴ نشان دهنده تفاوت های قابل ملاحظه ای در توزیع مشخصات ساعات کاری می باشد. نسبت زنان شاغل تدریجاً با افزایش ساعات کاری کم می شود. بیش از نیم (۵۸.۶ فیصد) زنان شاغل کمتر از ۲۴ ساعت کار میکنند و تنها ۱۵.۸ فیصد ۴۰ ساعت و یا بیشتر از آن کار میکنند^{۱۵}. برای مردان، توزیع کاملاً معکوس است، ۱۵.۷ فیصد کمتر از ۲۴ ساعت کار میکنند و ۶۰.۷ فیصد ۴۰ ساعت و یا بیشتر از آن^{۱۶} کار میکنند. توزیع ساعات کاری مردان نیز قابل توجه است به این مفهوم که توزیع دو بلندترین زمان را نشان می دهد و در محدوده ۳۱-۲۴ ساعت و ۶۳-۴۸ ساعت متمرکز است. این توزیع نشان می دهد، آنانی که بصورت مکمل کار نمی کنند، تمایل به کار کردن ۲۴ تا ۳۱ ساعت و یا حدود ۴ روز در هفته دارند. این گروه کارگران شامل افرادی هستند که کار کردن نیمه وقت را انتخاب میکنند، زارعین در فصول مخصوص که فعالیت زراعتی کم می باشد، کارگران روزمزد و کارگران مستقل که کار بیشتر را دریافت کرده نمی توانند و اکثر کسانی که بخشی از کم کاران را تشکیل می دهند، شامل این گروه می باشند. همچنان قابل یادآوری است که ۱۱.۷ فیصد مردان شاغل هفته های کاری خیلی طولانی با ۶۴ ساعت و یا بیشتر از آن را دارا می باشند.

^{۱۵} رقم ۱۵.۸ فیصد که در متن ذکر شده است، از جهت روند کردن، با جمع کتگوری های شکل ۱۵.۴ مطابقت نمی کند.

^{۱۶} مانند موضوع بالا

شکل ۱۵.۴: نفوس شاغل به تفکیک کتگوری ساعات کاری هفته وار و به تفکیک جنس (به فیصد)



همانطوری که انتظار میرود، نسبت مردان شاغل که متمایل و آماده به انجام کار بیشتر می باشند، با افزایش ساعات کاری یک کاهش متداوم را نشان می دهد، از ۵۹.۸ فیصد میان کسانی که کمتر از ۱۶ ساعت کار میکنند تا ۲۸.۶ فیصد برای افرادی که ۴۸ ساعت یا بیشتر از آن کار میکنند. این نسبت های بزرگ، و بخصوص مشاهده این موضوع که بیش از یک چهارم مردان که ساعات طولانی در هفته کار میکنند و بیان کرده اند که به کار بیشتر ضرورت دارند، نشان می دهد که تا چه اندازه کار ناکافی در افغانستان گسترده است.

سهم زنان که تمایل به کار کردن ساعات بیشتر دارند و همچنان آماده به انجام آن هستند نشان دهنده یک ارتباط معکوس با ساعات کاری شان نیست. برای هر کتگوری ساعات کاری - بجز از کتگوری که ۶۴ ساعت یا بیشتر کار می کنند - این نسبت نشان دهنده حدود ۳۰ فیصد نوسان می باشد.

۶.۴ کار مناسب

همانطور که در بیانیه جهانی حقوق بشر تصریح شده، "هر کس حق کار کردن، انتخاب آزاد اشتغال، به شرایط کار عادلانه و مناسب و محافظت در برابر بیکاری را دارا می باشد"^{۱۷}. مسایلی مانند کیفیت کار و دسترسی به کار مناسب تقریباً در هر بخش فصل بازار کار افغانستان ارائه شده است که عملی کردن این حق برای همه مردم افغانستان یک هدف بعید به نظر میرسد. این بخش نتایج مختلف را جهت ارائه یک دیدگاه واحد سر هم نموده و چالش های اصلی بازار کار را در کشور شناسایی کرده است.

به مانند بسیاری از کشور ها با اقتصاد های کمتر انکشاف یافته و غیر رسمی، پدیده بیکاری در افغانستان صرف از یک بخش کوچک مشکلات اشتغال نمایندگی می کند. کسانی که بکار گماشته شده اند، ولی کار مناسب را دریافت کرده نمی توانند، کاری که به اندازه کافی عاید داشته و مولد باشد مهم تر است. در نتیجه، در پهلوی نفوس بیکار که نیاز به کار دارند، یک بخش بزرگی در بازار کار جهت رهایی از فقر نیاز به کار های مناسب دارند.

در افغانستان شاغل بودن - حتی اشتغال کامل و سهیم نبودن در شغل های آسیب پذیر- به هیچ وجه تضمین کننده رهایی از فقر نیست. شکل ۱۶.۴ کتگوری های نفوس سن کار و شاغل را نشان می دهد که در خانوار ها با مصرف پائین تر از خط فقر زندگی می کنند (فصل ۶ را مشاهده کنید).

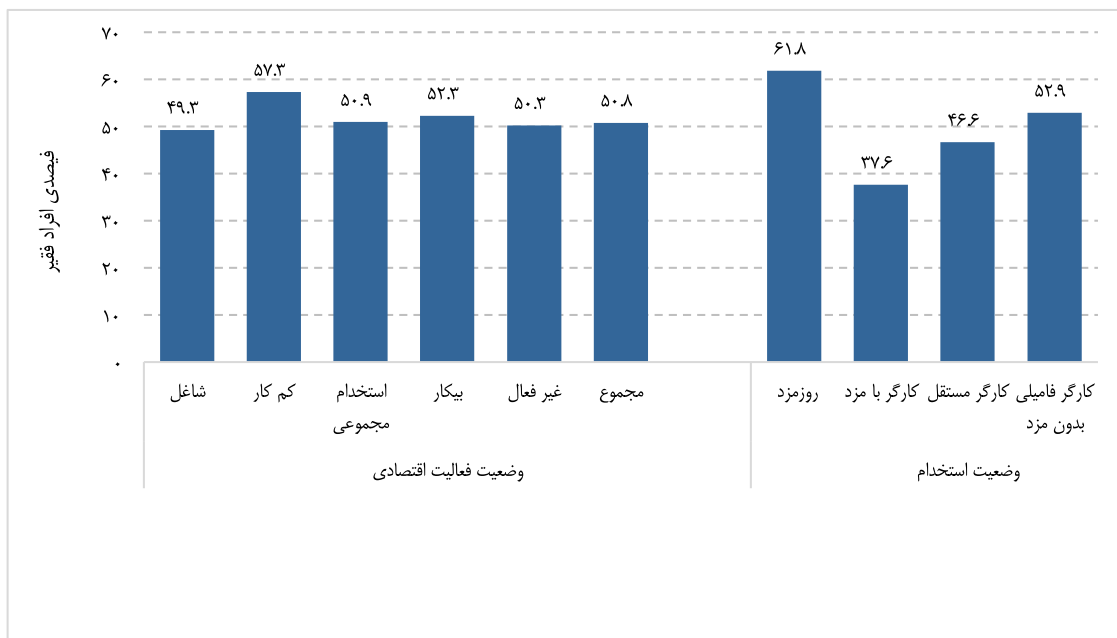
^{۱۷} ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر از سایت ذیل دریافت گردیده است. http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf

جالب ترین نتیجه ارقام متذکره این است که کدام فرق در سطوح فقر مردم شامل در گروپ های مختلف فعالیت های اقتصادی به مشاهده نمی رسد. بجز از نسبت فقر میان کم کاران (۵۷.۳ فیصد)، میزان فقر میان تمام گروپ های فعالیت های اقتصادی - به شمول بیکاران - بسیار به هم نزدیک هستند که تفاوت های آن از لحاظ احصائیوی بسیار ناچیز است. این موضوع نشان می دهد که داشتن یک شخص شاغل در خانوار - حتی اگر او کاملاً شاغل باشد - مزد کار موصوف ناکافی است تا یک خانوار بتواند به طور کامل حمایت شود.

شکل ۱۶.۴ تفاوت های بزرگتری را در نسبت فقر میان کتگوری های مختلف اشتغال نشان می دهد. کارگران روز مزد تا اکنون بلند ترین احتمال را داراست که در خانوار های فقیر زندگی کنند (۶۱.۸ فیصد)، اما در میان کارگران با مزد، عاید کار اکثر اوقات برای تامین ضروریات اساسی خانوار کافی نیست (۳۷.۶ فیصد).

در حالیکه کیفیت پائین کار (از نگاه پرداخت و مولدیت) یک عامل کلیدی فقر میان نفوس کار است (۵۰.۹ فیصد^{۱۸})، حجم بزرگ فامیل عامل دیگر فقر می باشد. عاید حاصله از کار اغلباً با بسیاری از افراد خانوار شریک ساخته می شود، که به این ترتیب عاید سرانه خانوار زیر خط فقر فرو می رود، حتی اگر مزد کارگران مذکور در یک سطح مناسب هم باشد.

شکل ۱۶.۴: فیصدی افراد فقیر در نفوس سن کار به تفکیک وضعیت فعالیت اقتصادی؛ فیصدی افراد فقیر در نفوس شاغل، به تفکیک وضعیت اشتغال



این امکان وجود دارد، افرادی که به بازار کار وارد شده اند بر طبق کتگوری های "کار مناسب" تصنیف گردند. بر اساس تعریف سازمان بین المللی کار، کار مناسب عبارت از "کاری مولد است که عاید خوب را به همراه داشته باشد، مسئولیت در محل کار و محافظت اجتماعی برای خانواده ها داشته باشد، توجه بهتر برای انکشاف فردی و یک پارچگی اجتماعی صورت گیرد، آزادی برای بیان نگرانی های مردم، سازماندهی و مشارکت در تصمیماتی که بالای زندگی آنان تأثیر دارد، فرصت های مساوی و رفتار یکسان برای تمام زنان و مردان در نظر گرفته شود"^{۱۹}. هر چند سروی وضعیت زندگی در افغانستان تمام موارد را برای سنجش کار مناسب بدست نیاورده است، ولی سروی دارای معلومات کافی برای ایجاد تصنیف کلی وضعیت کار مناسب می باشد.

شکل ۱۷.۴ شش دسته از وضعیت کار مناسب را در داخل نیروی کار افغانستان متمایز می سازد.

- کاملاً بیکار: تمام افراد ۱۴ ساله و بالاتر از آن که در جریان دوره معین یک هفته، (الف) هیچ کاری نکرده باشند و (ب) در جستجوکار بوده، و یا کمتر از ۸ ساعت کار کرده باشند (بخش ۴.۴ را ببینید).
- کم کار: تمام افراد ۱۴ ساله و بالاتر از آن که در جریان دوره معین یک هفته، (الف) کمتر از ۴۰ ساعت کار کرده، (ب) آماده برای انجام ساعات بیشتری کار و (ج) تقاضای کار اضافی را داشته باشد (بخش ۱.۵.۴).
- کارگران کاملاً شاغل در اشتغال آسیب پذیر، بر اساس وضعیت اشتغال سنجش شده و شامل کارگران روزمزد، کارگران مستقل بدون کارگر و کارگران فامیلی بدون مزد (بخش ۲.۵.۴ را مشاهده کنید).

^{۱۸} بخش ۶ را مشاهده نمایید.

^{۱۹} <http://www.ilo.org/global/topics/decent-work/lang-en/index.htm>

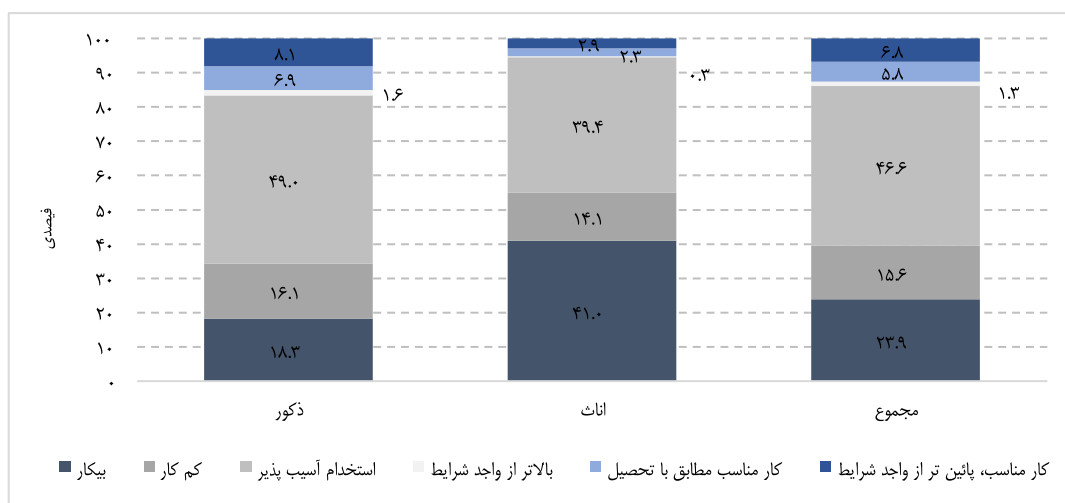
- کارگران کاملاً شاغل در شغل های غیر آسیب پذیر (کارگران با مزد و کارفرمایان) که در کار های پائین تر از توانایی تحصیلی خود مشغول هستند (کارگران بالاتر از واجد شرایط). درحالی که کم کاری، مقیاسی نامناسب کیفیت کار است، اشتغال بالاتر از واجد شرایط، نیز مقیاسی نامناسب کیفیت کار است.
- کارگران کاملاً شاغل در اشتغال غیر آسیب پذیر (کارگران با مزد و کارفرمایان) کسانی که کار های شان با توانایی تحصیلی شان مطابقت دارد.
- کارگران کاملاً شاغل در اشتغال غیر آسیب پذیر که وظایف آنها از توانایی تحصیلی شان بالاتر است (کار گران پائین تر از واجد شرایط).

تنها دو کتگوری آخر کارگران (به رنگ آبی در شکل ۱۷.۴) انتقال به کاری را انجام داده اند که می توان آنرا کار مناسب نامید؛ چهار کتگوری اول (به رنگ خاکستری) افراد بیکار و یا کم کار را ارائه می کند. اکثریت اعظم نیروی کار افغانستان - ۸۷.۴ فیصد - قادر به بدست آوردن کار مناسب نیستند. این بدان معنی است که پالیسی های کار باید محدود به ایجاد اشتغال برای ۲۳.۹ فیصد بیکاران در نیروی کار نباشد، بلکه اشتغال سودمند را برای بیکاران و کم کاران ایجاد کند. این دو کتگوری با هم ۳۹.۵ فیصد نیروی کار را تشکیل می دهد که نشان دهنده کمبود حدود ۳.۳ میلیون جای کار در بازار کار می باشد. بر علاوه، اشتغال مصوّن و کارهای مطابق توانایی های تحصیلی، برای افراد باقیمانده در نیروی کار با مشاغل آسیب پذیر (۴۶۶ فیصد) و برای کسانی که بالاتر از واجد شرایط در نیروی کار اند (۱.۳ فیصد) ضرورت است که حدود ۴.۱ میلیون کارگر می گردد.

باید یادآور شد که فیصدی زنانی که انتقال به کار مناسب را انجام داده اند کمتر از مردان است: به ترتیب ۵.۲ در برابر ۱۵.۰ فیصد زنان و مردان نیروی کار. همچنان قابل ذکر است که از تعداد کم کارگران کارهای مناسب، بیشتر از نصف شان (۶.۸ فیصد کل نیروی کار) کار های را انجام می دهند که در آن تخصص کافی تحصیلی ندارند. این بدان معنی است که در بسیاری از کار های با کیفیت بهتر - به شمول تعدادی از کار های با مزد در سکتور خصوصی و دولتی - کارگران برای انجام وظایف شان بطور مکمل آماده نیستند، بنابراین حاصل کار شان ممکن است پائین تر از استاندارد باشد.

سهم نیروی کار شهری که دارای کار مناسب هستند خیلی بیشتر از نیروی کار دهاتی است: بالترتیب ۲۲.۹ فیصد و ۹.۵ فیصد (ارقام نشان داده نشده است). میان افرادی که دارای کار مناسب در مناطق شهری اند، سهم آنانی که کار شان با سطوح تحصیلاتی شان مطابقت دارد خیلی بیشتر از آنانی است که پایین تر از واجد شرایط اند، با ۱۲.۸ و ۱۰.۱ فیصد مجموع نیروی کار شهری.

شکل ۱۷.۴: نیروی کار به تفکیک جنس و به تفکیک وضعیت کار مناسب (به فیصد)



اکثر شاخص‌هایی که در این فصل ارائه شده‌اند در مقایسه به وضعیتی که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳^{۲۰} ارائه شده بود، تغییر کم و یا عدم تغییر را نشان می‌دهد. رکود در انکشاف بازار کار همراه با افزایش فقر (فصل ۶) ممکن است باعث میکانیزم گریز، مانند مهاجرت و مهاجرت موقتی جهت کار به کشورهای همسایه گردد. تحلیل‌های عمیق‌تر از تحرکات بازار کار و ارتباط آن‌ها به تحرکات نفوس و سایر شاخص‌های انکشافی برای دانستن وضعیت انکشاف لازم می‌باشد.

میزان مشارکت ۵۳.۹ فیصدی نیروی کار در سروی فعلی وضعیت زندگی در افغانستان (بخش ۲.۴ را مشاهده کنید) کمتر از ۵۵.۴ فیصد است که در سال ۱۳۹۳ مشاهده شده بود. تفاوت‌ها بسیار نزدیک‌اند که از لحاظ احصائیوی معنی‌دار باشند^{۲۱}، اما نه کاملاً. بنابراین، اطمینان خیلی کمی برای نتیجه‌گیری وجود دارد که فعالیت در بازار کار کاهش یافته باشد. یک تقسیم‌بندی به تفکیک محل اقامت شواهد کافی از لحاظ احصائیوی جهت مشارکت نیروی کار مناطق شهری (از ۵۷.۱ به ۵۴.۹ فیصد) و تقریباً کاهش در میزان مشارکت زنان (از ۲۹.۰ به ۲۶.۸ فیصد) را نشان می‌دهد.

تغییر در میزان عمومی اشتغال بر نفوس (بخش ۵.۴ را مشاهده کنید) از لحاظ احصائیوی معنی‌دار می‌باشد، اما باز هم نسبتاً کوچک است. در ۱۳۹۳، ۴۲.۹ فیصد نفوس سن کار استخدام شده بودند، حال آنکه در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۴۱.۰ فیصد می‌رسد. این موضوع نشان‌دهنده کمی بدتر شدن وضعیت بازار کار می‌باشد. کاهش در سهم زنان (۱۸.۳ به ۱۵.۸ فیصد) و برای مناطق دهاتی (۴۴.۲ به ۴۱.۷ فیصد) واضح است، اما برای مردان و مناطق شهری معنی‌دار نمی‌باشد.

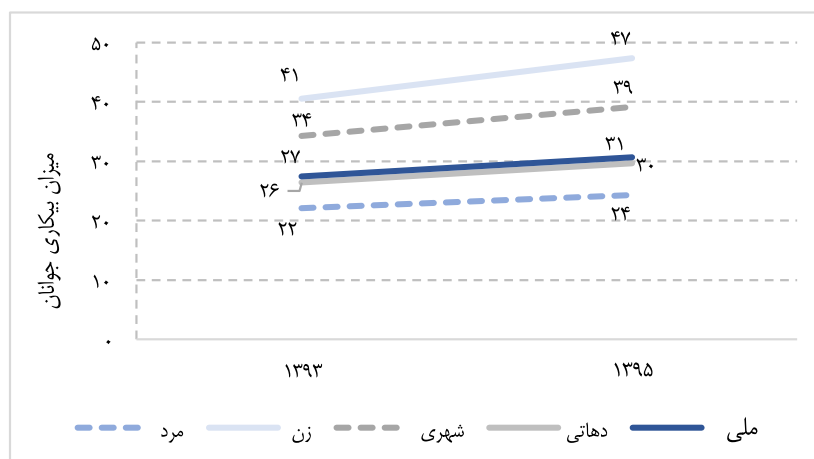
تغییرات در شاخص‌های کم‌کاری – میزان کم‌کاری از نیروی کار و از نفوس شاغل (بخش ۱.۵.۴ را مشاهده کنید) – کوچک بوده و از لحاظ احصائیوی معنی‌دار نیستند. این مورد برای میزان کلی کم‌کاری، و همچنین برای کتگوری‌های فرعی محل اقامت و جنسیت نیز صدق می‌کند. همین امر برای نسبت کارگران که در شغل‌های آسیب‌پذیر مصروف هستند (بخش ۲.۵.۴) بکار برده می‌شود، که تغییرات قابل توجه مشاهده نمی‌شود (۷۹.۹ فیصد در سال ۱۳۹۳ و ۸۰.۲ فیصد در سال ۱۳۹۵). نتایج سروی سطوح بالای ناامنی متداوم، بی‌مزدی و مولدیت پائین نیروی کار کشور را نشان می‌دهد.

میزان کلی بیکاری (بخش ۴.۴ را مشاهده کنید) یک افزایش ۲۲.۶ تا ۲۳.۹ فیصد بین سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. در حالیکه، این تفاوت‌ها در محدوده ۹۵ فیصد سطح اطمینان قرار دارد، بنابراین نتایج شواهد ناکافی جهت افزایش بیکاری ارائه می‌کند. استثنایی، بار دیگر برای بیکاری زنان وجود دارد که نشان‌دهنده افزایش قابل توجه از ۳۶.۸ به ۴۱.۰ فیصد است.

^{۲۰} با توجه به تغییر میتودولوژی سروی، منطقی نخواهد بود که نتایج سروی وضعیت زندگی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ را با ارزیابی ملی خطرات و آسیب‌پذیری سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ مقایسه نمود.

^{۲۱} با ۹۵ فیصد سطح اطمینان

شکل ۱۸.۴: میزان بیکاری جوانان به تفکیک جنس و محل اقامت و به تفکیک سال های سروی^a



a خطوط صاف نشان دهنده ای تغییرات قابل ملاحظه احصائیوی و خطوط شکسته نشان دهنده ای عدم تغییر قابل ملاحظه احصائیوی می باشد

شاخص های بازار کار برای سال ۱۳۹۵ نشان دهنده تغییرات کلی نسبتاً کم و یا عدم تغییر در مقایسه با سال ۱۳۹۳ است، هرچند که یک کاهش واضح در نسبت افراد شاغل وجود دارد. با توجه به نفوس فرعی خاص، گروپ هایی اند که به طور آشکار بازار کار را از دست میدهند. این موضوع به ویژه بالای نفوس دهاتی و زنان بیشتر تطبیق می گردد، که برای آنان از نظر مشارکت نیروی کار، نسبت کار و بیکاری رو به وخامت مشاهده گردیده است. جوانان، گروپ دیگری هستند که بطور فزاینده ای چانس های بدتر را جهت دریافت کار دارا می باشند، مخصوصاً برای زنان جوان و ساکنان جوان دهات. با توجه به گروپ های بزرگ تولدات که در سال های پیشرو وارد بازار کار می شوند، کاهش بیکاری جوانان یک چالش عظیم خواهد بود.

۸.۴ مالکیت حساب

از دهه گذشته شمولیت مالی به عنوان یک اولویت جهانی عرض اندام نموده است. گسترش خدمات مالی ارزان، موثر، و مشتری محور، به ویژه برای نفوس کم درآمد و تشبثات کوچک، فرصت های بی شماری را ایجاد می کند، برای افراد امکان فراهم نمودن غذا را می دهد مانند ارائه مراقبت های بهتر صحتی، آغاز یک تجارت و یا پس انداز برای دوران تقاعد. دسترسی به خدمات مالی رسمی مانند پس انداز، بیمه، پرداخت ها، اعتبار و ارسال پول - بدون در نظر داشت سطح عاید، جنسیت، سن، تحصیلات و محل سکونت آنان برای توانایی مردم ضروری است تا زندگی شان را مدیریت کنند، آینده خویش را بسازند و تجارت شان را رشد دهند. به همین منظور، "نسبت بزرگسالان ۱۵ سال و بزرگتر دارای یک حساب در بانک و یا نهاد مالی و یا با ارائه دهنده خدمات پولی تلفیون همراه" در لست شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای هدف ۸ گنجاینده شده است : هدف ۸: ترقی پایدار، رشد جامع و پایدار اقتصادی، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ دریافت نمود که در میان افراد ۱۵ سال و بالاتر از آن، تنها ۵.۴ فیصد آنها یک حساب در بانک و یا نهاد مالی دیگری توسط خودش یا همراه با شخص دیگری داشته اند. تفاوت های بزرگ بر اساس جنسیت و محل سکونت مشاهده گردیده است. در حالیکه برای ۹.۵ فیصد مردان بزرگسال یک حساب در بانک یا نهاد مالی گزارش داده شده است، برای زنان این رقم صرف ۱.۱ فیصد می باشد. برای نفوس شهری، دهاتی و کوچی، ارقام، به ترتیب ۴۰.۰، ۰.۱ و ۰.۱ فیصد است.^{۲۳}

^{۲۳} این ارقام که به واسطه سروی وضعیت زندگی در افغانستان گزارش شده است به طور قابل ملاحظه ای پایین تر از ارقام بانک جهانی ۲۰۱۴ است که ۱۰ فیصد و ۹.۲ فیصد برای نفوس دهاتی را نشان می دهد (بانک جهانی ۲۰۱۵). دیتابیس گلوبل فایندهکس ۲۰۱۴ به طور کلی ۴۶.۴ فیصد افراد را با داشتن یک حساب در منطقه جنوب شرق آسیا (افغانستان، بنگلادش، بوتان، هند، نپال، پاکستان و سریلانکا) گزارش داده است.

چوکات متن ۱۰.۴: شاخص ۲۰۱۰.۸ اهداف انکشاف پایدار: مالکیت حساب

"نسبت بزرگسالان (۱۵ سال و بالاتر) با یک حساب در یک بانک یا موسسه مالی دیگر و یا با یک ارائه دهنده خدمات پولی سیار" یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای نظارت بر دستیابی به اهداف انکشاف پایدار ۸ است: ترقی پایدار، رشد اقتصادی پایدار و جامع، اشتغال کامل و مولد و کار مناسب برای همه. نسبت ها به فیصد ارائه شده است.

ملی ۵.۴			
۹.۵	مردان	۹.۹	شهری
۱.۱	زنان	۴.۰	دهاتی
۴.۷	معلولین	۰.۱	کوچی
۵.۴	غیر معلول		

با تشکر از گسترش تیلیفون های همراه، ارسال پول از طریق موبایل در اجتماعی که خدمات مالی در آن محدود است، یک نقش حیاتی را در گسترش خدمات مالی ایفای می نماید. از تمام افراد بزرگسال ۱۵ سال و بالاتر از آن که دارای حساب در یک بانک یا یک موسسه مالی می باشند، ۵۰ فیصد آنان از تیلیفون موبایل برای پرداخت ها و یا برای ارسال و دریافت پول استفاده می نمایند.

۵. زراعت و مالداري

خلاصه: براساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، سکتور زراعت و مالداري بخش مهم و اساسی اقتصاد افغانستان را تشکیل می دهد. این سکتور در کل منبع درآمد ۴۴ فیصد خانوارها را در کشور تشکیل داده و این سکتور مهمترین منبع درآمد ۲۸ فیصد از خانوارها به شمار می آید. به همین ترتیب، سکتور زراعت مهمترین سکتور کارایی در کشور محسوب می شود طوریکه ۴۵ فیصد از نیروی کار در این سکتور مشغول کار اند. تقریباً ۳۸ فیصد (بیشتر از ۱.۴ میلیون) خانوار در افغانستان دارای زمین های آبی زراعتی بوده در حالی که در حدود یک پنجم - ۷۳۰ هزار - خانوار دارای زمین های للمی با حاصل خیلی اندک می باشند. مکانیزمهای اجاره دهی، کرایه، نصفه کاری و گروهی تا اندازه یی باعث می شود تا خانوارهای زارع به زمین های خانوارهای زمیندار دسترسی پیدا کنند. این مکانیزمها کمک می کند تا ساحات زراعتی نسبتاً بیشتر در اختیار خانوارهای زارع قرار گیرد. با اینحال، خاک ضعیف، مصارف زراعت و مخصوصاً کمبود آب، خانوارها را مجبور می سازد تا ساحات زیادی زمین های موجود و قابل کشت را ترک کنند. باوجود وضعیت زراعتی نسبتاً مناسب در طول مدت سروی وضعیت زندگی در افغانستان (۱۳۹۵)، ۲۱ فیصد زمین های آبی و ۳۶ فیصد زمین های للمی تحت زراعت قرار ندارد. همچنان، احتمال می رود تا تغییر آب و هوا باعث کاهش بیشتر آبهای موجود برای زراعت گردد.

با اینحال، روند نگران کننده همانا کاهش زمین خانوارهایی است که مشغول کشت در زمین های آبی اند. سروی های پیاپی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری / سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان دهنده کاهش در اوسط مساحت زمین می باشد چنانکه از ۶.۷ جریب (۱.۳ هکتار) در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ طی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، این رقم به ۴.۹ جریب (۱ هکتار) کاهش یافته است. همچنان، قسمت اعظم ملکیت های کوچک نیز از دست رفته است. زمین های آبی محدود توأم با رشد سریع نفوس، موجودیت زمین های زراعتی را تحت فشار قرار داده، منجر به تقسیم مزارع شده و در نهایت یک دلیل احتمالی برای افزایش فقر در کشور به شمار می رود.

در فصل حاصلخیز بهار بخش اعظم خانوارها که در زمین های آبی کشت می کنند - ۷۸ فیصد، حدوداً معادل یک میلیون خانوار - اقدام به کشت گندم نموده اند. جواری یا سورگوم، علفه و کچالو؛ به ترتیب محصولاتی اند که در زمین های آبی زرع شده اند. تمرکز روی تولید گندم در زمین های للمی عمدتاً بیشتر می باشد طوری که ۹۲ فیصد خانوارها در کشت و زرع گندم مشغول اند. با اینحال، مجموع گندم تولید شده صرف یک سوم حصه مجموع محصولات زمین آبی می باشد؛ درحالی که مساحت مجموعی زمین های للمی تقریباً ۲۰ برابر زمین های آبی می باشد. خانوارهای باغدار (۱۳ فیصد مجموع خانوارها)، معمولاً محصولات پرارزش و مقوی را می توانند کشت و زرع نمایند. بطور مثال انگور و سیب از جمله میوه هایی اند که عمدتاً در این نوع زمین ها بیشتر رشد میکند.

خانوارهای زارع بطور اوسط ۱۳۰۰۰ هزار افغانی را در زراعت هزینه نموده اند که عمدتاً روی کود، دانه های بذری و ماشین آلات به مصرف رسیده است. آنها در مجموع ۲۱ میلیون افغانی (حدود ۳۶۵ میلیون دالر امریکایی) را هزینه کشت و زرع نموده اند. مطالعات روی ضرورت و طرز استفاده از کود نشان دهنده نیازهای برآورده نشده دهاقین در افغانستان می باشد. دهاقین زمین های آبی ۳۶ فیصد و زمین های للمی حدود ۶۱ فیصد ضرورت به کود را نتوانسته اند مرفوع سازند.

مواشی دارایی مهمی برای خانوارهایی افغان به حساب می آید، چه برای مصرف اعضای خود خانوار و چه برای فروش در بازار فروش مواشی یا محصولات حیوانی. احصائیه های به دست آمده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان طی سال ۱۳۹۵ حاکی از آنست که تعداد گاوها (۳.۴ میلیون) نظر به سروی قبلی وضعیت زندگی در افغانستان افزایش نموده ولی هنوز هم کمتر از رقمی است که در سرشماری حیوانات سال ۱۳۸۱ گزارش شده بود. از سوی دیگر، تعداد گوسفندان (۲۱.۸ میلیون) از سروی قبلی الی انجام این سروی تغییر ننموده ولی نظر به سرشماری حیوانات در سال ۱۳۸۱ ۲.۵ برابر بیشتر شده است. سطح واکسیناسیون حیوانات نیز پایین بوده طوری که روی حدود یک چهارم بز ها و گوسفند ها، یک ششم شترها، گاوها، غرگا و گاوهای قلهای و همچنان در سطح خیلی پایینی حدود ۷ فیصد اسب ها و مرغ ها واکسین تطبیق شده است. تقریباً ۳۴ فیصد از خانوارهای مالدار برای حیوانات خویش ادویه دریافت نموده یا در صدد دریافت کمک یا معلومات و ترنری بوده اند که از این جمله ۸۵ فیصد آنها از کلینیک های خصوصی و ترنری استفاده نموده اند. برعلاوه دلایل داوطلبانه، دلایل اساسی عدم استفاده از خدمات و ترنری عدم دانش در رابطه به منبع و چگونگی استفاده از این خدمات، فاصله از محل ارائه خدمات، هزینه و مشخصاً عدم جدیت در فراهم آوری خدمات توسط فراهم کنندگان چنین خدمات می باشند.

۱.۵ مقدمه

زراعت که شامل فعالیت های زراعتی و مالداری می گردد، یک جزء مهم و اساسی اقتصاد افغانستان به حساب می آید طوری که این سکتور منبع درآمد ۴۴.۲ فیصد خانوارها را تشکیل داده و مهمترین منبع درآمد ۲۸ فیصد خانوارها شمرده می شود. به همین ترتیب، سکتور زراعت با ۴۵ فیصد کارگر، سکتور عمده کارایی به حساب می آید (به بخش ۵.۵.۳ مراجعه شود). براساس تخمین های اداره مرکزی احصائیه، سکتور زراعت ۲۳ فیصد سهم تولیدات ناخالص داخلی سال مالی (۱۳۹۵) را تشکیل می دهد (اداره ملی احصائیه و معلومات ۱۳۹۶). با اینحال، عواملی چون وقوع خشکسالی ها، عدم زیربنای کافی و کاهش چراگاه ها باعث کاهش ظرفیت این سکتور در افغانستان شده است.

افغانستان با موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی متفاوت، از مجموع ۶۵۲ هزار کیلومتر مربع مساحت، صرف ۱۲ فیصد آن آبی، ۳ فیصد جنگلات، ۴۶ فیصد تحت پوشش دائمی علوفه و سبزه زارها و در نهایت ۳۹ فیصد مساحت کوهستانی بوده و قابل زراعت نمی باشد (اداره مرکزی احصائیه ۱۳۹۳).

این گزارش جوانب مختلف سکتور زراعت افغانستان را تحت پوشش قرارداده و به دو بخش تقسیم می گردد: بخش ۲.۵ در رابطه به زراعت و باغداری و بخش ۳.۵ از مالداری و پرورش حیوانات بحث می نماید.

۲.۵ زراعت و باغداری

اراضی در افغانستان دارای سیستم ملکیت پیچیده بوده و دسترسی به زمین ذریعه کرایه دهی، نصفه کاری و گروهی امکان پذیر می باشد. برعلاوه، تفاوت عمده در قابلیت تولیدی زمین های آبی و للمی دیده می شود. بناً وزارت زراعت، آبیاری و مالداری (MAIL) تخمین نموده است که حاصل گندم زمین های آبی در مقایسه با زمین های للمی ۲.۷ مرتبه بیشتر است (وزارت زراعت ۱۳۹۱). از سوی دیگر، هرچند باغ ها از نظر مساحت کوچک می باشند، باغداری شامل غرس دوباره می گردد که دارای ارزش پولی بیشتر است. در نتیجه، بخش زراعت و مالداری انواع مختلف زمین (آبی و للمی) و باغداری را بطور جداگانه مورد بحث قرار داده و اقسام گوناگون ملکیت زمین را نیز تفکیک می نماید.

۱.۲.۵ زمین های آبی

مالکیت زمین های آبی

در افغانستان نزدیک به ۳۸ فیصد خانوارها - بیشتر از ۱.۴ میلیون - دارای زمین آبی می باشند. اکثریت این زمینداران (۶۳.۹ فیصد؛ ۲۴.۲ فیصد تمام خانوارها) دارای فارم به اندازه کمتر از ۴ جریب (۰.۸ هکتار) هستند^۱ (جدول ۵.۱، پل الف). خانوارهایی دارای زمین های آبی اند، بطور اوسط دارای ۴.۹ جریب (۱.۰ هکتار) زمین بوده و میانه مساحت زمین -میانه ساحاتی که توسط خانوارها گزارش شده است- نشان می دهد که نصف خانوارها دارای ۲.۵ جریب (۰.۵ هکتار) یا کمتر بوده و نصف دیگری آنها ۲.۵ جریب زمین یا بیشتر را در ملکیت خویش دارند.

^۱ ۱ جریب = ۰.۲ هکتار (۲۰۰۰ متر مربع)

جدول ۱.۵: خانوارهای (الف) دارای زمین آبی بوده و خانوارهای (ب) به زمین های آبی دسترسی دارند، توسط مالکیت/ دسترسی به زمین آبی، مساحت زمین (به فیصد)؛ اوسط و میانه مساحت زمین آبی (به جریب).

الف. ملکیت		ب. دسترسی	
مجموع	۱۰۰.۰	مجموع	۱۰۰.۰
عدم ملکیت	۶۲.۱	عدم دسترسی	۵۸.۶
هرونوع ملکیت	۳۷.۹	هرونوع دسترسی	۴۱.۴
کمتر از ۲ جریب	۱۲.۷	کمتر از ۲ جریب	۱۱.۹
۲.۰ الی ۳.۹ جریب	۱۱.۵	۲.۰ الی ۳.۹ جریب	۱۲.۷
۴.۰ الی ۵.۹ جریب	۵.۵	۴.۰ الی ۵.۹ جریب	۶.۶
۶.۰ الی ۹.۹ جریب	۳.۶	۶.۰ الی ۹.۹ جریب	۴.۷
۱۰ الی ۱۹.۹ جریب	۳.۲	۱۰.۰ الی ۱۹.۹ جریب	۳.۹
۲۰ جریب یا بیشتر	۱.۴	۲۰ جریب یا بیشتر	۱.۵
اوسط مساحت زمین	۴.۹	اوسط مساحت زمین	۵.۱
میانه مساحت زمین	۲.۵	میانه مساحت زمین	۳.۰

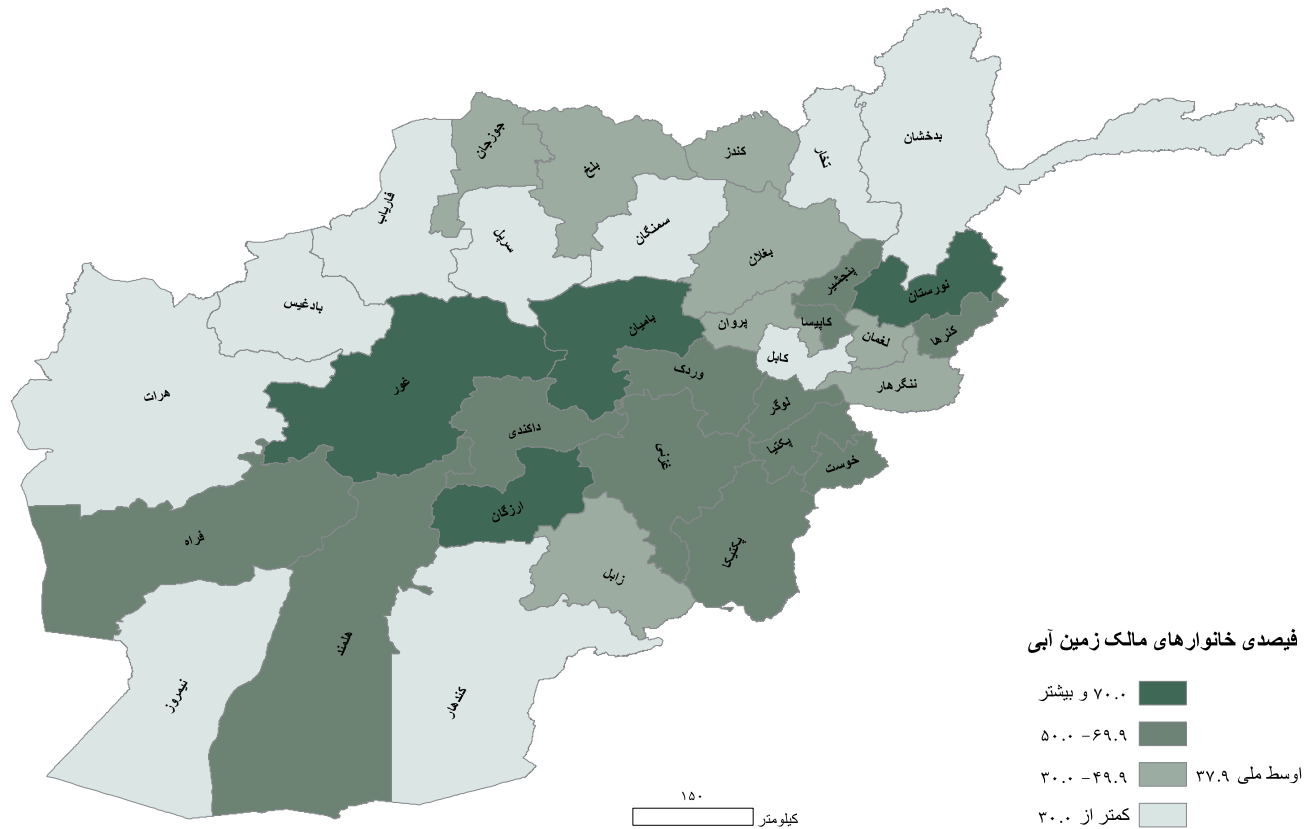
خانوارها ضمن اینکه ملکیت زمین خویش را در اختیار دارند، می توانند به زمین بیشتر به منظور زراعت دسترسی داشته باشند که این امر از طریق کرایه یا اجاره، نصفه کاری و یا هم گروهی امکان پذیر است. برعکس، مالکین زمین نیز از طریق کرایه دهی یا اجاره، نصفه کاری یا گروهی به سایر خانوارها دسترسی به زمین را فراهم نموده می توانند. بعضی از زمینداران اختیار زمین های خویش را به زارعین می دهند تا در آن زرع صورت گیرد. براساس این گزارش، حدود ۶ فیصد از خانوارها گفته اند که آنها بدون ملکیت زمین، به زمین های بیشتر از طریق کرایه، اجاره، نصفه کاری و یا گروهی دسترسی داشته و یا هم بدون پرداخت مزد، زمین های دیگران را جهت کشت در اختیار دارند، که این روش برای ۳.۵ فیصد از خانوارها (در حدود ۱۳۰ هزار خانوار) یگانه راه دسترسی به زمین آبی بوده و ۲.۵ فیصد از خانوارهای دیگر مالک زمین خود هستند. از جانب دیگر، ۹.۱ فیصد خانوارهایی که دارای زمین آبی اند، همه یا قسمتی از زمین خود را به منظور کشت و زرع در اختیار خانوارهای زارع قرارداده اند. قسمت اعظم زمین (حدود سه چهارم حصه) کشت شده توسط خانوارهایی که مالک زمین نیستند، از طریق نصفه کاری میان زمیندار و زارع در اختیار زارع قرار داده شده است در حالی که بخش اعظم دیگر (بین یک چهارم و یک پنجم) از طریق کرایه و یک قسمت اندک نیز از طریق گروهی در اختیار زارعین قرار داده شده اند.

انتقال دسترسی به زمین میکانیزمی است که برای خانوارهای بیشتر فرصت معیشت را از طریق زراعت فراهم می سازد چون تعداد خانوارهایی که به زمین آبی دسترسی دارند (۴۱.۴ فیصد؛ جدول ۵.۱، جدول ب) نسبت به خانوارهایی که مالک زمین آبی اند (۳۷.۹ فیصد؛ جدول الف) بیشتر می باشد. انتقال دسترسی به زمین بر روی اندازه زمین نیز تاثیر گذاشته که توسط خانوار زارع تنظیم می شود. طوری که اوسط و میانه مساحت زمین های آبی به ترتیب به ۵.۱ و ۳.۰ جریب زمین افزایش می یابد.

انتقال دسترسی به زمین آبی به منظور کشت و زرع عمدتاً از جانب زمینداران صورت گرفته است که در شهرها سکونت داشته و از زمین های خویش دور هستند. تقریباً دو سوم حصه (۶۴.۳ فیصد) مجموع زمین هایی که ملکیت خانوارهای شهرنشین می باشد، به منظور کشت و زرع به خانوارهای زارع سپرده شده است. خانوارهای زمیندار روستا نشین حدود ۲۴.۹ فیصد زمین های آبی خویش را جهت کشت و زرع در دسترس خانوارهای زارع قرار داده اند.

فیصدی ملکیت زمین های آبی نظر به ولایت در شکل ۵.۱ نشان داده شده است. این شکل نشان می دهد که بخش اعظم خانوارهای که مالک زمین های آبی هستند در محدوده ای که از غرب به شرق کشور امتداد دارد و همچنین در ولایت آب ریز هلمند واقع اند. ولایت کابل در این سروی به دلیل سکونت بیش از حد شهر نشینان و ملکیت نسبتاً کم خانوارها استثنأ قرار داده شده است.

شکل ۱.۵: فیصدی خانوارهای دارای زمین آبی به تفکیک ولایت



از ملاحظهٔ سروی های متوالی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان چنین بر می آید که نسبت مالکین زمین با مساحت کم (کمتر از ۴ جریب) نظر به سال ۱۳۸۶ که ۵۴.۰ فیصد گزارش شده بود، پیوسته در حال افزایش بوده و به ۶۳.۹ فیصد رسیده است. این روند ملکیت ساحهٔ کوچک زمین در اوسط مساحت زمین آبی نیز نشان داده شده و نظر به ۶.۷ جریب (۱.۳ هکتار) در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶، طی سروی متذکره در سال ۱۳۹۵ به ۴.۹ فیصد (۱.۰ هکتار) کاهش یافته است. تغییر در میانه مساحت زمین بیانگر آنست که نصف خانوارهای دارای زمین آبی ۲.۵ جریب یا کمتر زمین را در اختیار دارند در حالی که در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ این رقم تا ۳.۰ جریب زمین می رسید. این روند مبین رشد سریع نفوس در افغانستان بوده که منجر به افزایش فشار و تقسیم زمین های زراعتی آبی در کشور می گردد.

تقسیم و پارچه شدن زمین های آبی می تواند یکی از دلایل باشد که باعث افزایش سطح فقر و عدم مصونیت غذایی در کشور می گردد (به فصل هفتم و هشتم مراجعه شود). شکل ۲.۵ بیانگر ارتباط مستقیم مساحت زمین آبی و فقر می باشد. اگرچه ملکیت بیشتر زمین آبی دلیل قطعی بر عدم فقر نیست ولی ملکیت کمتر زمین آبی توسط خانوارها نسبت زیرخط فقر قرارگرفتن آنها را بیشتر میسازد. این نسبت از ۴۲.۲ فیصد در میان خانوارهایی که زمین آبی به اندازهٔ ۲۰ جریب یا بیشتر دارند، به ۵۲.۱ فیصد در میان خانوارهایی که کمتر از ۲ جریب زمین آبی دارند افزایش می یابد.

شکل ۲.۵: فیصدی خانوارهای فقیر که مالک زمین های آبی اند، به تفکیک ملکیت زمین آبی



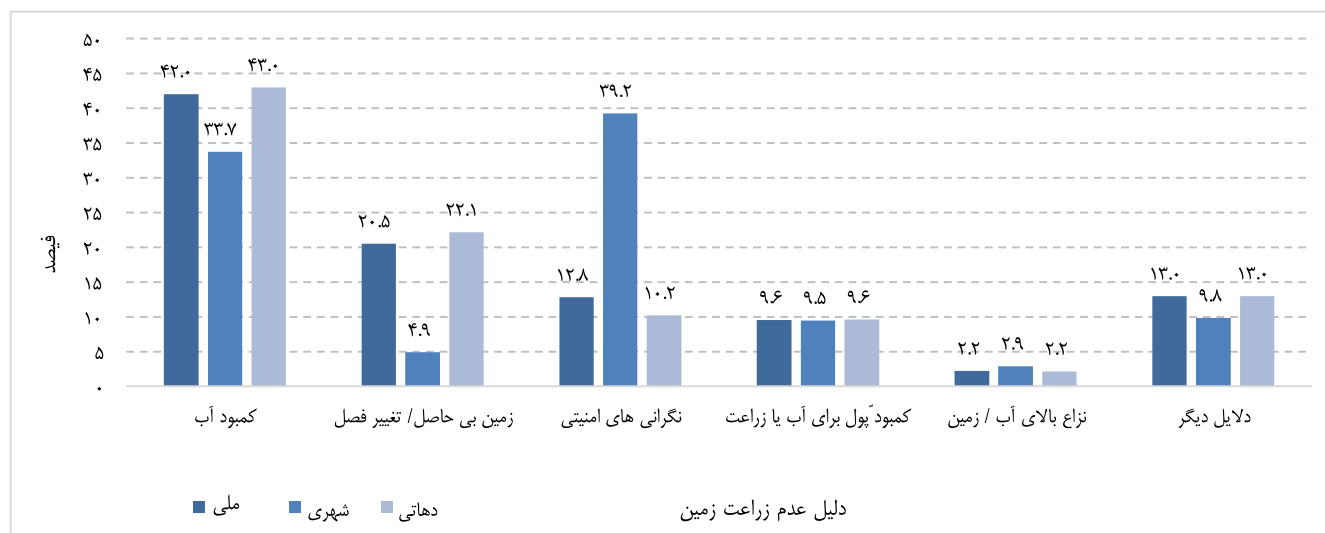
زمین های آبی کشت شده و کشت نشده

براساس معلومات ارایه شده توسط خانوارها، مجموع مساحت زمین های قابل کشت آبی در حدود ۱۴۱ هزار کیلومتر مربع می باشد که ولایات بلخ، هلمند، غزنی و فراه تقریباً یک سوم این مساحت را تشکیل می دهد، هرچند یک قسمت بزرگ این زمین ها در ولایت بلخ، جوزجان، فراه و غزنی که ۲۱ فیصد مساحت متذکره را تشکیل می دهد، کشت نشده اند. در حدود ۱۰ فیصد از خانوارهای که در زمین های آبی زرع نموده بودند، در مقایسه با فصل گذشته کمتر کشت نموده بودند در حالی که نزدیک به ۹ فیصد از خانوارها گفته اند که آنها زمین های بیشتری را زرع کرده اند. از سوی دیگر، اکثریت خانوارها (۸۲ فیصد) زمین های با عین مساحت را کشت نموده اند.

بی حاصلی زمین ها و مشخصاً نبود آب برای آبیاری دلایل عمده برای کشت نکردن زمین های قابل دسترس می باشد (شکل ۳.۵). در کل این دلایل ۶۲.۵ فیصد مجموع دلایلی را تشکیل می دهند که خانوارها قسمتی از زمین های قابل استفاده خویش را ترک نموده و مورد کشت و زرع قرار نمی دهند. دو دلیل متذکره در فوق مربوط به وضعیت فیزیکی زراعت بوده و نشان دهنده ضعف سکتور زراعت به حیث وسیله امرار معیشت در افغانستان می باشد. یک تفاوت چشمگیر در میان روستا نشینان و شهرنشینان در خصوص عدم کشت زمین های قابل استفاده، نبود امنیت عنوان شده است. در حالی که نگرانی های امنیتی ۱۰.۲ فیصد دلیل قابل ملاحظه را در میان خانوارهای روستایی تشکیل میداد، این رقم در بین خانوارهای شهر نشین به ۳۹.۲ فیصد رسیده و نبود امنیت یکی از مهمترین دلایلی عدم زراعت به شمار می رود. چنین به نظر می رسد که کنگوری خانوارهای شهرنشین شامل تعداد زیاد خانوارهای زمیندار می شود که نظر به دلایل امنیتی به شهرها منتقل شده و نتوانسته اند تا به کشت و زراعت خویش رسیدگی نمایند. چهارمین دلیل عمده برای ترک کشتزارها محدودیت مالی عنوان شده است که ۹.۶ فیصد تمام خانوارهای مالک زمین آبی را در بر می گیرد که نبود وجوه کافی باعث شد تا آنها قادر به پرداخت مصارف آبیاری و سایر مصارف کشت و زراعت نشوند.

ولایاتی که عمدتاً از نبود آب کافی متأثر گردیده بودند عبارت از جوزجان، بلخ، دایکندی، خوست و وردک می باشند. بدون درنظرداشت اینکه خانوارها عدم آب کافی را دلیل عمده برای ترک کشتزارها ذکر نموده بودند، یک بخش عمده این خانوارها (۴۰.۷ فیصد) کمبود آب را یک دلیل عمده عنوان نموده اند.

شکل ۳.۵: خانوارهای زمیندار که زمین‌های خویش را ترک نمودند، براساس دلیل عدم کشت و براساس سکونت (به فیصد)



مشکل تهیه آب برای زمین‌های که وابسته به آب دریاها، کانال‌ها و یا بندهای آب بودند نسبتاً کمتر شدید بوده است. با اینحال، برای حداقل ۳۳.۵ فیصد از خانوارهایی که متکی به آبهای یادشده بودند، کمبود آب دلیل عدم کاشت زمین محسوب می‌شود. سایر منابع آبیاری (چاهای عمیق و پمپ دار، چشمه، کاریز^۲، نواره^۳، آب برف در میان سایر طریقه‌ها) حتی کمتر قابل اعتبار بوده و مشکلات آبیاری را به ۴۵.۸ فیصد میان خانوارهایی که از آب چشمه استفاده می‌نمایند و به ۷۸.۹ فیصد از خانوارهایی که متکی به آب ناوور^۴ هستند، بیشتر نموده است.

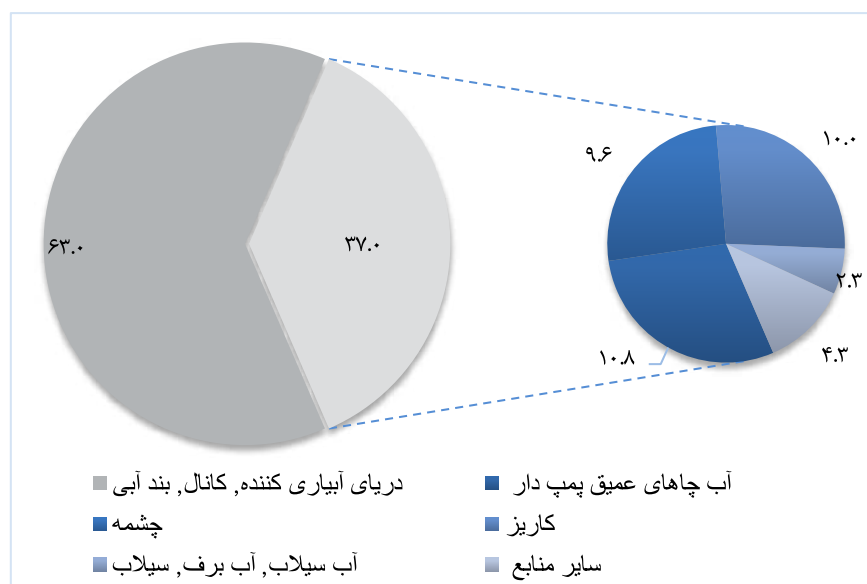
دهاقین در افغانستان بدون در نظر داشت منبع آبیاری بیشتر از پیش با مشکلات کمبود آب مواجه اند. برف و یخچال‌ها در کوه‌های هندوکش منبع مهم آب در بیشترین ساحات افغانستان بشمول ساحه دریای آمو، هلمند و حوزه دریایی کابل شمرده می‌شود. براساس گزارش‌ها، یخچالهای این منطقه بطور چشمگیری آب شده و یا حتی کاملاً ناپدید شده اند.

در کل آب دریاها، کانالها و بند‌های آبی به حیث مهمترین منابع آب شمرده میشوند طوری که ۶۳.۰ فیصد خانوارهای دارای زمین‌های آبی از آنها به حیث منبع مهم آب استفاده می‌نمایند (شکل ۴.۵). با اینحال، تفاوت‌های عمیقی در مناطق مختلف کشور به نظر میرسد. بطور مثال، چاه‌های عمیق پمپ دار مهمترین منبع آبیاری در کابل، پکتیکا، کندهار و فراه به حساب می‌آید (۴۲ الی ۸۷ فیصد تمام منابع آبی) و آب چشمه‌ها (میان ۲۴ و ۳۶ فیصد تمام منابع آبی) مشخصاً در وردک، غزنی، نورستان و غور به حیث منبع مهم آب شناخته می‌شود. از سیستم‌های کاریز (میان ۲۳ و ۴۶ فیصد تمام منابع) عمدتاً در وردک، غزنی، پکتیکا، پکتیا، زابل و هرات به هدف آبیاری مورد استفاده قرار گرفته و سیستم منابع آب ناوور بیشتر در بامیان (۲۲ فیصد) و دایکندی (۳۸ فیصد) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^۲ کاریز عبارت از سیستم آبیاری است که از یک سلسله افقی چاه‌های عمودی که توسط کانالهای زیرزمینی با هم وصل اند و به منظور تهیه آب عمدتاً به مزارع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

^۳ ناوور عبارت از جریان آب در یک نهر/جویبار میباشد که از یک چهل سرچشمه می‌گیرد.

شکل ۴.۵: خانوارهایی که زمین های آبی را میکارند، براساس منبع مهم آبیاری (به فیصد)



حاصلات از زمین های آبی:

بیشتر از سه چهارم — ۷۷.۶ فیصد یا ۹۳۰ هزار خانوار — از خانوارهایی که در زمین های آبی کشت می کنند، در زمین های خویش گندم کاشته اند. گندم از دید ۶۹.۰ فیصد خانوارها مهمترین محصول به حساب می آید. سایر محصولات غذایی مهم عبارت از جواری و سورگوم (که توسط ۲۳.۵ فیصد خانوارهای دارای زمین آبی مخصوصاً در فصل زمستان کشت شده است) و کچالو — که توسط ۱۲.۷ فیصد خانوارها کشت شده است — می باشد.

حاصلات غیرغذایی نیز از تولیدات مهم دهاقین در زمین های آبی به شمار می آید طوری که حدود ۱۹.۲ فیصد خانوارهایی که در زمین های آبی کشت و زرع می نمایند، علوفه جات (بشمول ریشه و شبدر) کشت نموده اند تا یک قسمت آن را خوراک مواشی خود نموده و قسمتی دیگر آن را به فروش برسانند. همچنان، از هر ۲۰ خانوار یک خانوار (۵.۲ فیصد خانوارها) گفته اند که آنها خشخاش کشت نموده اند. این تخمین با احتمال زیاد غیرواقع بینانه است، اما از این احصائیه ها بر می آید که از مجموع محصولات که به حیث مهمترین محصول در میان خانوارها ذکر گردید، خشخاش بعد از گندم، کچالو و علوفه جات، جایگاه چهارم را به حیث یک محصول مهم بخود اختصاص داده است.

در عین حال، نیمی از خانوارهایی که در زمین های آبی کشت می کنند (۴۹.۶ فیصد)، برای بار دوم زمین های خویش را کاشته و این بار این خانوارها به ترتیب ۱۹.۲ فیصد و ۱۵.۸ فیصد علوفه جات و گندم کاشته و رده های بعدی را کچالو و جواری/سورگوم هرکدام با ۱۳.۷ فیصد به خود اختصاص داده اند. یک اقلیت عمده خانوارهای زارع (۲۶.۱ فیصد) نیز محصولی سوم را در زمین های خویش کاشته اند که ۲۹.۲ فیصد آنها علوفه جات، ۱۵.۶ فیصد کچالو و ۱۰.۷ فیصد خانوارها اقدام به کشت پیاز نموده اند.

تولیدات خانوارهای زارع افغان در زمین های آبی در جدول ۲.۵ نشان داده شده است. براساس گزارش خانوارها در سروی وضعیت زندگی در افغانستان که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، در فصل بهار و زمستان (عمدتاً در بهار) حدود ۱.۳ میلیون تن گندم حاصل برداشت شده است. جواری/سورگوم و برنج از نظر تولید با ۲۸۱ هزار تن و ۱۳۸ هزار تن به ترتیب در رده های دوم و سوم قرار دارند که اکثراً آنها در فصل زمستان کشت شده اند. در مجموع تولید غله جات مانند گندم، جواری/سورگوم، جو، برنج و ارزن طی مدت تحت بررسی به ۱.۸ میلیون تن میرسد. در ضمن آنها، کچالو، پیاز و خربوزه/ تربوز از جمله محصولات غذایی عمده و علوفه جات به حیث تولید غیرغذایی عمده محسوب می شود.

جدول ۲.۵: محصولات به دست آمده از زمین های زراعتی آبی، به تفکیک نوع محصول و فصل حاصلخیزی (به هزار تن)

محصول	بهار	زمستان	مجموع
مجموع غله جات	۱,۴۷۰	۳۲۳	۱,۷۹۳
گندم	۱,۳۰۴	۱۲	۱,۳۱۶
جواری، سورگوم	۷۰	۲۱۱	۲۸۱
برنج	۴۶	۹۲	۱۳۸
جو	۴۹	۳	۵۲
ارزن	۱	۵	۶
کچالو	۲۷۷	-	۲۷۷
پیاز	۱۵۰	۹	۱۵۹
تربوز/ خربوزه	۲۰۴	۶	۲۱۰
بادنجان	۴۳	۶۱	۱۰۴
لوبیا	۱۱	۹	۲۰
بامیه	۶	۷	۱۳
سایر سبزیجات	۵۱	-	۵۱
سایر میوه جات و مغزباب	۱۴	۶	۲۰
علوفه	۳۰۷	۱	۳۰۸
پنبه	۱۳	۱	۱۴

۲.۲.۵ زمین های للمی

مالکیت زمین های للمی

خانوارهای زارع در افغانستان عمدتاً از زمین ها آبی نظر به زمین للمی بیشتر استفاده می نمایند. در حدود یک پنجم از خانوارها (حدود ۷۳۰ هزار خانوار) از این نوع زمین در اختیار دارند (جدول ۲.۵). از نقطه نظر سطح کلی تولید نهائی زمین های للمی، نسبت خانوارهایی که مالک کمتر از ۶ جریب (۱.۲ هکتار) زمین اند، صرف ۷.۵ فیصد (۳۸.۶ فیصد خانوارهای مالک زمین های للمی) بوده و ۱۱.۹ فیصد خانوارها ۶ جریب زمین یا بیشتر را در ملکیت خویش دارند. اوسط ملکیت زمین های للمی ۱۲.۱ جریب (۲.۴ هکتار) و میانه آن ۸.۰ جریب (۱.۶ هکتار) برآورد شده است. نسبت خانوارهای مالک زمین های للمی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نظر به سروی سال ۱۳۹۳ به اندازه ۳ فیصد افزایش نموده ولی اوسط ملکیت زمین در کل از ۱۳.۲ جریب (۲.۶ هکتار) سال ۱۳۹۳ و ۱۶.۴ جریب سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است که احتمال می رود افزایش نفوس یک دلیل عمده برای کاهش این اوسط در زمین های للمی باشد.

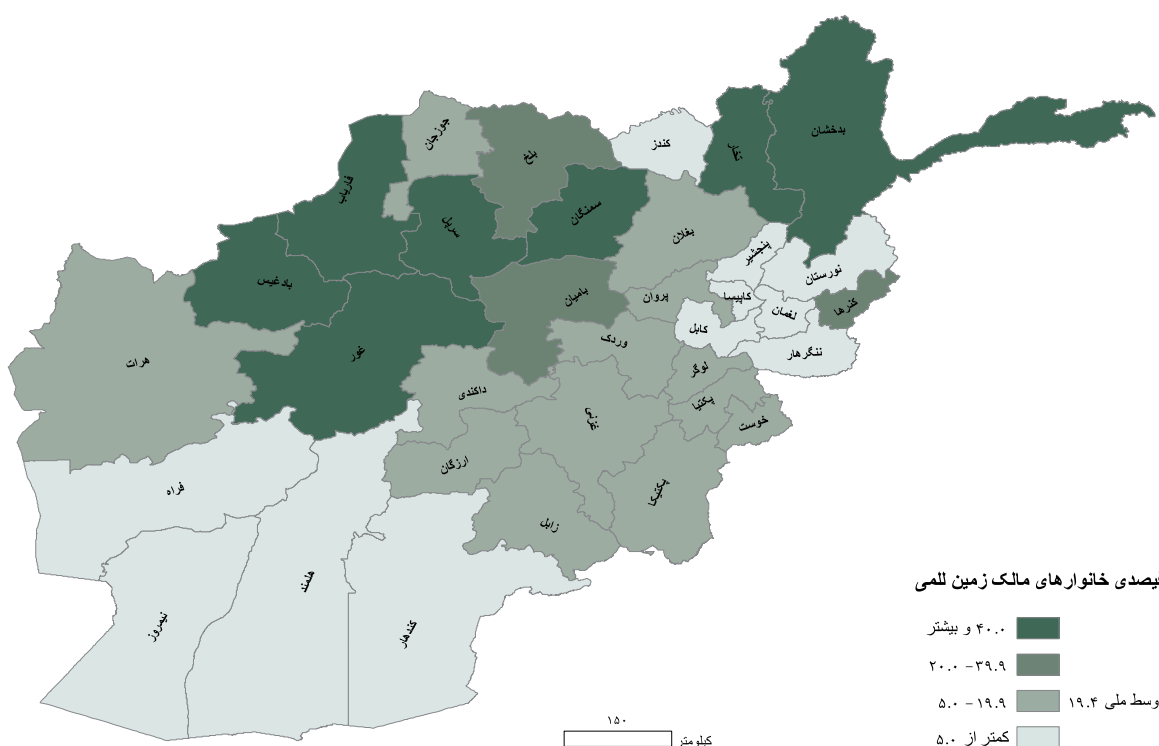
در مقایسه با زمین های آبی، میان ملکیت زمین و دسترسی واقعی به زمین للمی تفاوت های بنظر میرسد، اما تأثیر آن نظر به زمین آبی کمتر است. اجاره دهی، نصفه کاری و گروهی زمین های للمی باعث می شود تا قسمتی خیلی کم زمین از طرف زمیندار به دهاقین سپرده شده و یک قسمت کم زمین مورد کشت و زرع قرار گیرد (بطور اوسط ۱۲.۱ الی ۱۲.۴ جریب).

شکل ۵.۵ اوسط خانوارهای دارای زمین های للمی را براساس ولایت به نمایش میگذارد. کشت زمین های للمی اکثراً به مناطق شمالی افغانستان محدود می شود در حالی که در ولایات جنوبی خانوارهای کمی دارای این نوع زمین می باشند.

جدول ۳.۵: خانوارهای (الف) دارای زمین های للمی و (ب) خانوارهایی که به زمین های للمی دسترسی دارند، براساس ملکیت/دسترسی به زمین للمی، مساحت زمین (به فیصدی)، اوسط و میانگین مساحت زمین للمی (به جریب)

الف. ملکیت		ب. دسترسی	
مجموع	۱۰۰.۰	مجموع	۱۰۰.۰
عدم ملکیت	۸۰.۷	عدم دسترسی	۷۹.۵
هرنوع ملکیت	۱۹.۳	هرنوع دسترسی	۲۰.۵
کمتر از ۲۰ جریب	۱.۶	کمتر از ۲۰ جریب	۱.۷
۲۰-۳۹ جریب	۲.۸	۲۰-۳۹ جریب	۲.۹
۴۰-۵۹ جریب	۳.۱	۴۰-۵۹ جریب	۳.۰
۶۰-۹۹ جریب	۳.۸	۶۰-۹۹ جریب	۴.۲
۱۰۰-۱۹۹ جریب	۴.۸	۱۰۰-۱۹۹ جریب	۵.۲
۲۰ جریب یا بیشتر	۳.۲	۲۰ جریب یا بیشتر	۳.۶
اوسط مساحت زمین	۱۲.۱	اوسط مساحت زمین	۱۲.۴
میانۀ مساحت زمین	۸.۰	میانۀ مساحت زمین	۸.۰

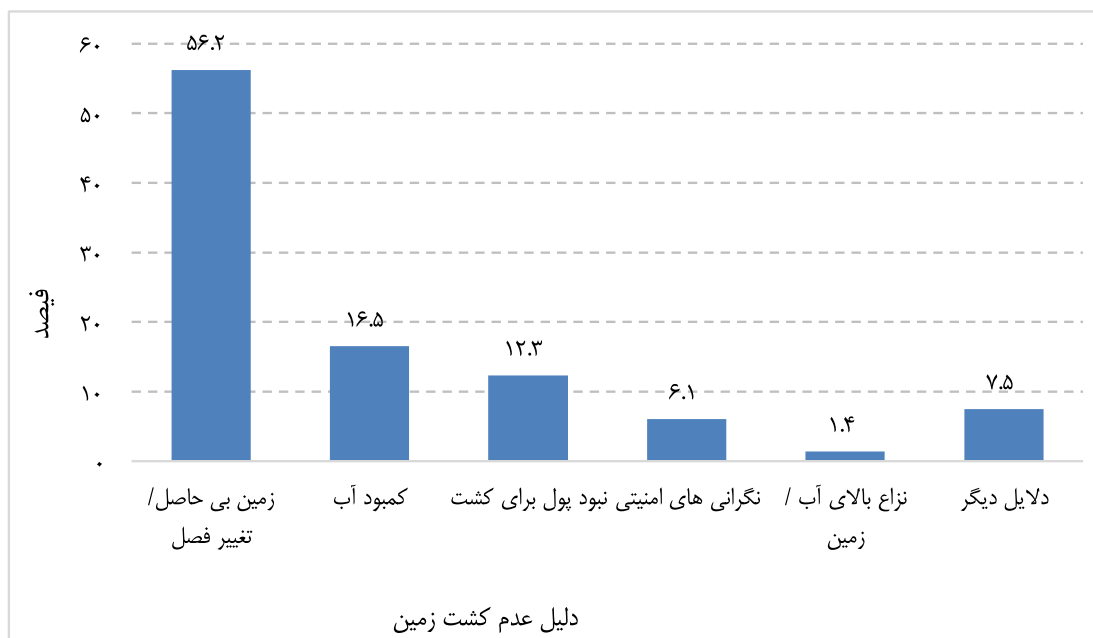
شکل ۵.۵: فیصدی خانوارهای مالک مزارع للمی براساس ولایت



زمین های للمی کشت شده و کشت نشده:

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نشان می دهد که مجموع مساحت زمین موجود برای زراعت للمی به ۱۷۷ هزار کیلومتر مربع تقریباً ۲۰ برابر مساحت زمین های آبی می باشد که اکثراً در مناطق شمال و شمال شرقی (دو سوم تمام زمین های للمی) کشور موقعیت دارد. با اینحال، بیشتر از یک سوم این زمین ها (۳۶ فیصد) بدون کشت و زرع باقی مانده است. مساحت زمین های للمی که بدون کشت و زرع باقی مانده اند، در ۱۷ ولایت (نصف ولایات کشور) بیشتر از ۵۰ فیصد می باشد. کیفیت پایین خاک یکی از دلایل عمده (۵۶.۲ فیصد) برای عدم کشت و زرع این زمین ها به شمار می آید که به تعقیب آن کمبود آب (۱۶.۵ فیصد) و نبود امکانات مالی برای پرداخت مصارف کشت و زرع در زمین (۱۲.۳ فیصد) از دلایل دیگری است که زمین های للمی بدون کشت باقی مانده است (شکل ۶.۵).

شکل ۶.۵: خانوارهایی دارای زمین للمی که زرع ناشده باقی مانده، به تفکیک دلیل عدم کشت زمین (به فیصدی)



محصولات زمین های للمی:

از مجموع تمام خانوارهایی که در زمین های للمی زرع می نمایند، دو پنجم حصه آن دو نوع محصول مختلف و تقریباً ۱۳ فیصد آنها حتی سه نوع محصول مختلف کشت می نمایند. تقریباً تمام این خانوارها گندم زرع می کنند چون برای ۹۱۶ فیصد خانوارها گندم یک محصول خیلی مهم و ارزنده به شمار می آید. ۵ فیصد از خانوارها گندم را به حیث یک محصول درجه دوم یا سوم کشت می نمایند. تقریباً یک چهارم (۲۴.۱ فیصد) تمام خانوارهایی که در زمین های للمی کشت می نمایند، جو را به حیث محصول درجه دوم یا سوم کشت می نمایند.

هرچند مجموع مساحت زمین های للمی قابل کشت نسبت به زمین های آبی بیشتر می باشد، با آن هم محصولات زمین های للمی خیلی کم است. براساس گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان، از زمین های للمی ۶۲۰ هزار تن حبوبات برداشته شده است در حالی که این رقم در زمین های آبی به ۱.۸ میلیون تن می رسد (جدول ۴.۵). از مجموع تمام حبوبات تولید شده در زمین های للمی، ۸۹ فیصد آن گندم می باشد. تولید خربوزه نسبتاً از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و ۱۱۰ هزار تن خربوزه از زمین های للمی به دست آمده و ۲۱۰ هزار تن خربوزه از زمین های آبی حاصل شده است.

جدول ۴.۵: محصولات زمین های للمی براساس نوع محصول (به هزار تن)

محصول	هزار تن
مجموع حبوبات	۶۲۰
گندم	۵۵۱
جو	۶۵
جواری، سورگوم	۴
تربوز / خربوزه	۱۱۰
سایر محصولات	۱۹

۳.۲.۵ مصارف کشت

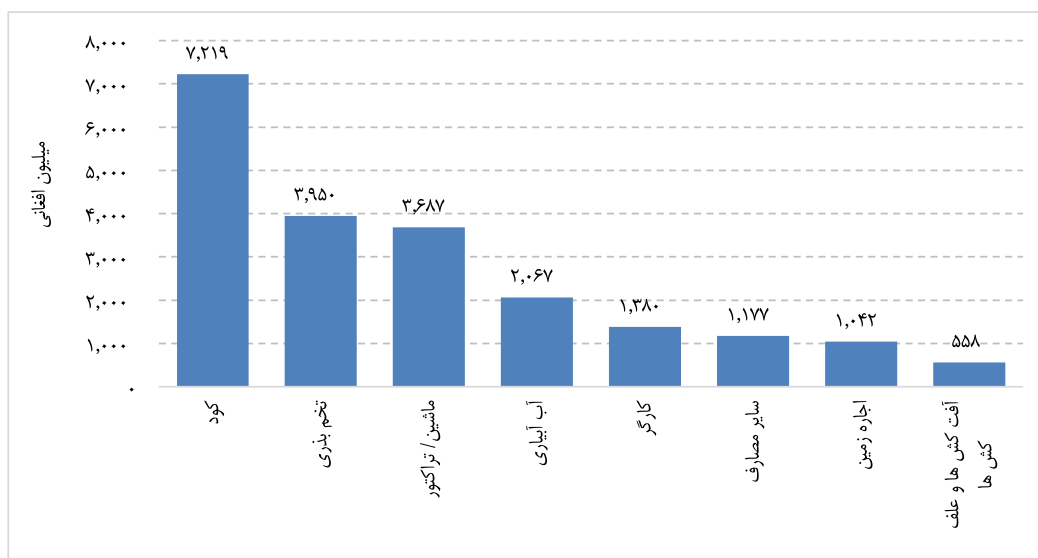
سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل یک سلسله سوالات در مورد مصارف و مخارج زراعت می شد. این مصارف که اکثراً توسط دهاقین پرداخته می شود شامل کود (۶۶ فیصد دهاقین)، تخم بذری (۵۶ فیصد) و کرایه تراکتور و سایر ماشین آلات (۵۰ فیصد) می گردد. خانوارهای دهقان بطور اوسط ۱۲.۷ هزار افغانی را در سال قبل از انجام سروی هزینه کشت و زرع نموده ولی ۵۱ فیصد این خانوارها صرف ۷ هزار افغانی یا کمتر صرف نموده اند (جدول ۵.۵).

جدول ۵.۵: خانوارهای دهقان بر اساس طبقه بندی مخارج زراعت و همچنین اوسط و میانه مخارج زراعت

مخارج به افغانی	فیصد
عدم مخارج	۷.۲
کمتر از ۲۰۰۰	۱۱.۴
۲۰۰۰-۳۹۹۹	۱۵.۵
۴۰۰۰-۶۹۹۹	۱۶.۹
۷۰۰۰-۹۹۹۹	۱۱.۱
۱۰۰۰۰-۱۴۹۹۹	۱۲.۴
۱۵۰۰۰-۲۴۹۹۹	۱۱.۹
۲۵۰۰۰ یا بیشتر	۱۳.۶
اوسط مصارف به هزار افغانی	۱۲.۷
میانه مصارف به هزار افغانی	۶.۶

بیشترین مصارف زراعت را خرید کود تشکیل می دهد که بطور اوسط ۴.۵ هزار افغانی هزینه دارد. متعاقباً تخم بذری و کرایه ماشین آلات هرکدام به ترتیب ۲.۴ و ۳.۲ هزار افغانی هزینه میگیرند. مصارف آبیاری به ۱.۳ هزار افغانی می رسد در حالی که هزینه کارگر و اجاره زمین بطور اوسط ۹۰۰ و ۶۰۰ برآورد شده اند. درکل، خانوارهای زارع مبلغ ۱۲.۰ میلیارد افغانی (۳۶۵ میلیون دالر امریکایی) را هزینه زراعت نمودند که از آنجمله ۷.۲ میلیارد روی کود، ۳.۹ میلیارد روی تخم بذری، ۳.۷ میلیارد افغانی روی ماشین آلات و در نهایت ۲.۰ میلیارد افغانی هزینه آبیاری شده است (شکل ۷.۵).

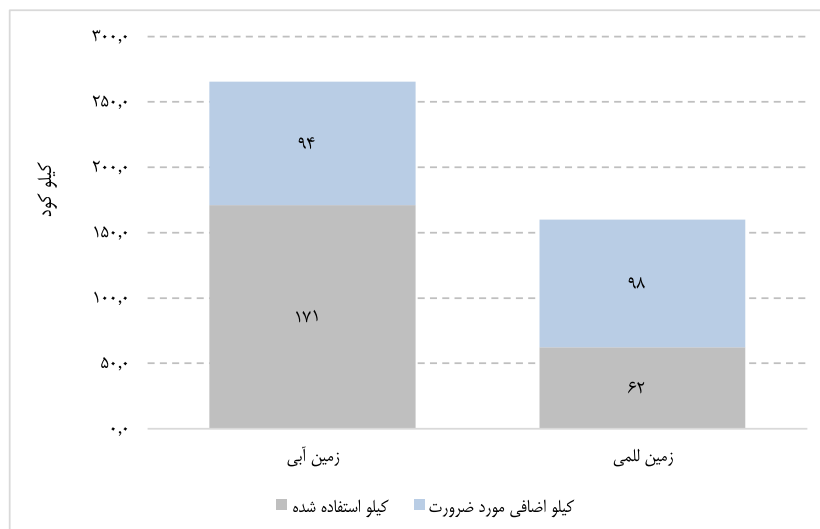
شکل ۷.۵: هزینه سالانه زراعت در سطح ملی براساس نوع تولید (به میلیون افغانی)



از نقطه نظر کیفیت پایین خاک در اکثر مناطق کشور، کود یک هزینه مهم برای تولیدات زراعتی می باشد که باید توسط دهاقین ماهر و آموزش دیده استعمال گردد. هرچند باید درنظر داشت که استفاده بیش از حد و غیرمناسب کودها می تواند به محیط زیست و صحت عامه مضر واقع شود. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ شامل این سوال بود که خانوارهای زارع چند کیلو کود را در جریان کشت و زرع استفاده نموده و به چند کیلو کود ضرورت بوده است. ترکیب این دو ارقام نشان داد که اختلاف عمده میان نیاز و استفاده واقعی وجود دارد. دهاقین زمین های آبی نظر به دهاقین زمین های للمی (۱۶۰ کیلو) به کود بیشتر (بطور اوسط ۲۶۵ کیلو) ضرورت داشتند (شکل ۸.۵). دهاقین زمین های آبی توانستند بطور اوسط ۱۷۱ کیلو کود را که دو سوم (۶۴.۴ فیصد)

نیازمندی تخمینی آنهاست، مورد استفاده قرار بدهند. دهاقین زمین های للمی صرف ۶۲ کیلو کود را که کمتر از دو پنجم (۳۹.۰ فیصد) کود مورد نیاز آنهاست، مورد استفاده قرار داده اند. حسب نیاز برآورده نشده، هردو گروه به کود بیشتر نیازمند اند (۹۴ و ۹۸ کیلو به ترتیب). دهاقین زمین های آبی به اندازه ۳۵.۶ فیصد و دهاقین زمین های للمی ۶۱.۰ فیصد کسر را در استعمال کود مورد ضرورت نشان داده اند.

شکل ۸.۵: خانوارهای زارع براساس نوعیت زمین و مقدار کود و کود اضافی مورد ضرورت (به کیلو)



تقریباً نیمی از خانوارهای زارع (۴۸.۹ فیصد) از تراکتور یا سایر ماشین آلات جهت قوه کششی برای شخم زدن زمین استفاده می نمایند. تعداد کمتر از این رقم (در حدود ۳۴.۳ فیصد) از گاوهای قلبه یا سایر حیوانات و ۱۶.۸ فیصد از نیروی انسانی در شخم زدن استفاده می نمایند.

۴.۲.۵ باغداری

محصولات باغداری برای اکثر خانوارهای افغانستان از نقطه نظر تهیه مصرف غذایی و درآمد مالی مهم به شمار می آید. محصولات با ارزش باغ ها با محتویات مقوی و انرژی زا مخصوصاً میوه جات و مغزیاب از طریق باغداری به دست می آید. در کل ۱۳ فیصد خانوارها مالک باغ هستند و یا باغ در اختیار دارند. در مناطق روستائی دسترسی به باغ بیشتر است، طوری که ۱۷ فیصد خانوارها مالک باغ اند یا باغ در دسترس دارند. حتی در مناطق شهرنشین، ۶ فیصد از خانوارها یا مالک باغ اند و یا به باغ دسترسی دارند. در مناطق شرقی و مرکزی مانند زابل، وردک، پروان، ارزگان و غزنی اکثر خانوارها (میان ۳۰ الی ۵۰ فیصد) یا دارای باغ اند و یا به آن دسترسی دارند.

باغها نظر به مساحت زمین های زراعتی (آبی یا للمی) دارای مساحت کوچک تر اند. اوسط مساحت یک باغ ۱.۹ جریب (۰.۴ هکتار) می باشد (جدول ۶.۵)، ولی ۲۶ فیصد از باغداران دارای باغ به اندازه یک جریب یا کمتر می باشند.

جدول ۶.۵: خانوارها براساس ملکیت / دسترسی به باغ، مساحت باغ (به فیصد)؛ همچنان اوسط و میانه مساحت باغ ها (به جریب)

ملکیت یا دسترسی ^a	
مجموع	۱۰۰.۰
عدم ملکیت	۸۶.۹
هرنوع ملکیت	۱۳.۱
کمتر از ۲۰ جریب	۳.۴
۲۰-۳۹ جریب	۴.۶
۴۰-۵۹ جریب	۳.۵
۶۰-۹۹ جریب	۱.۰
۱۰۰-۱۹۹ جریب	۰.۴
۲۰ جریب یا بیشتر	۰.۲
اوسط مساحت زمین	۱.۹
میانه مساحت زمین	۱.۰

^a برخلاف مراحل گذشته، ملکیت و دسترسی به باغ ها تفکیک نشده اند.

محصولات باغداری:

محصولاتی که معمولاً از باغ ها به دست می آیند انگور (۴۰ فیصد باغها) و سیب (۲۵ فیصد) می باشند. انگور عمدتاً برای مصارف تازه و بازاریابی استفاده شده ولی بیشتر از یک چهارم انگورهای به دست آمده قبل از مصرف یا فروش، خشک شده اند. زردآلو و مغزباب به ترتیب سومین و چهارمین جایگاه را در باغداری به خود اختصاص داده اند که به ترتیب ۱۶ و ۱۴ فیصد محصولات باغداری را تشکیل می دهند. زردآلو اکثراً بشکل تازه به مصرف می رسد. انار به حیث آخرین محصول مهم باغداری به شمار می رود که صرف ۴ فیصد از باغداران آن را تولید می کنند. جدول ۷.۵ محصولات برداشت شده از باغ ها را نشان می دهد.

جدول ۷.۵: میوه جات و سایر محصولات باغ ها (به هزار تن)

حاصلات	هزار تن
انگور تازه	۱۷۵
انگور خشک	۷۰
سیب	۲۰۷
زردآلو تازه	۲۱
زردآلو خشک	۱۵
انار	۲۸
آلو	۴
سایر میوه جات	۴
مغزباب	۲۳
علوفه	۱۸
شکرپاره	۸
سایر محصولات	۸

۳.۵ مالداري

۱.۳.۵ تعداد مواشي

سکټور فرعي مواشي يک بخش عمده ديگر در اقتصاد افغانستان بوده ولي تا اکتون احصائيه هاي دقيقی از اين سکټور در دست نيست. سرشماری مالداري ۱۳۸۱ در افغانستان آخرين و معتبرترين منبع معلومات در رابطه به مالداري در افغانستان می باشد (سازمان غذا و زراعت ملل متحد-۱۳۸۷). جدول ۸.۵ نتایج این سروی را و تخمین های برآورد شده براساس ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری / سروی وضعیت زندگی در افغانستان را در مورد انواع مختلف مواشي در ۱۳۹۱، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ به نمایش می گذارد. ارقام ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که تعداد گاوها بعد از احصائیه مالداري رو به کاهش بوده است هرچند در مقایسه با سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ یک رشد قابل ملاحظه به نظر میرسد. با اینحال، تعداد چارپایان کوچک مانند گوسفند افزایش را نشان می دهد. این بدین معناست که این حیوانات حتی بعد از تلفات ناشی از امراض حیوانی و خشکسالی و حتی با وجود مشکلات ساختاری در زمان چریدن، غصب چراگاه ها توسط زراعت للمی، نبود امنیت و از دست دادن حق چراگاه ها؛ رشد خوبی را تجربه نموده اند.

ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ همچنان نشان می دهد که ۳۶.۸ فیصد خانوارها در افغانستان دارای یک یا بیشتر از یک گاو می باشند. فیصدی خانوارهایی که دارای گاو اند، در بر اساس ولایت در شکل ۹.۵ نشان داده شده است. ۲۳.۸ فیصد از خانوارها دارای بز و ۲۶.۵ فیصد خانوارها دارای گوسفند می باشند. به دلیل شیوه زندگی خاص کوچی ها، این ارقام برای این بخش از نفوس بسیار بیشتر است طوری که ۷۱.۶ فیصد خانوارهای کوچی دارای بز بوده و ۸۱.۶ فیصد آنها گوسفند نگهداری می نمایند. مالکیت شتر تقریباً به طور انحصاری در اختیار کوچی ها میباشد. ۳۶.۷ فیصد خانوارها کوچی ها دارای یک شتر یا بیشتر بوده و در واقع هیچ یک از خانوارهای ساکن دارای شتر نمی باشند.

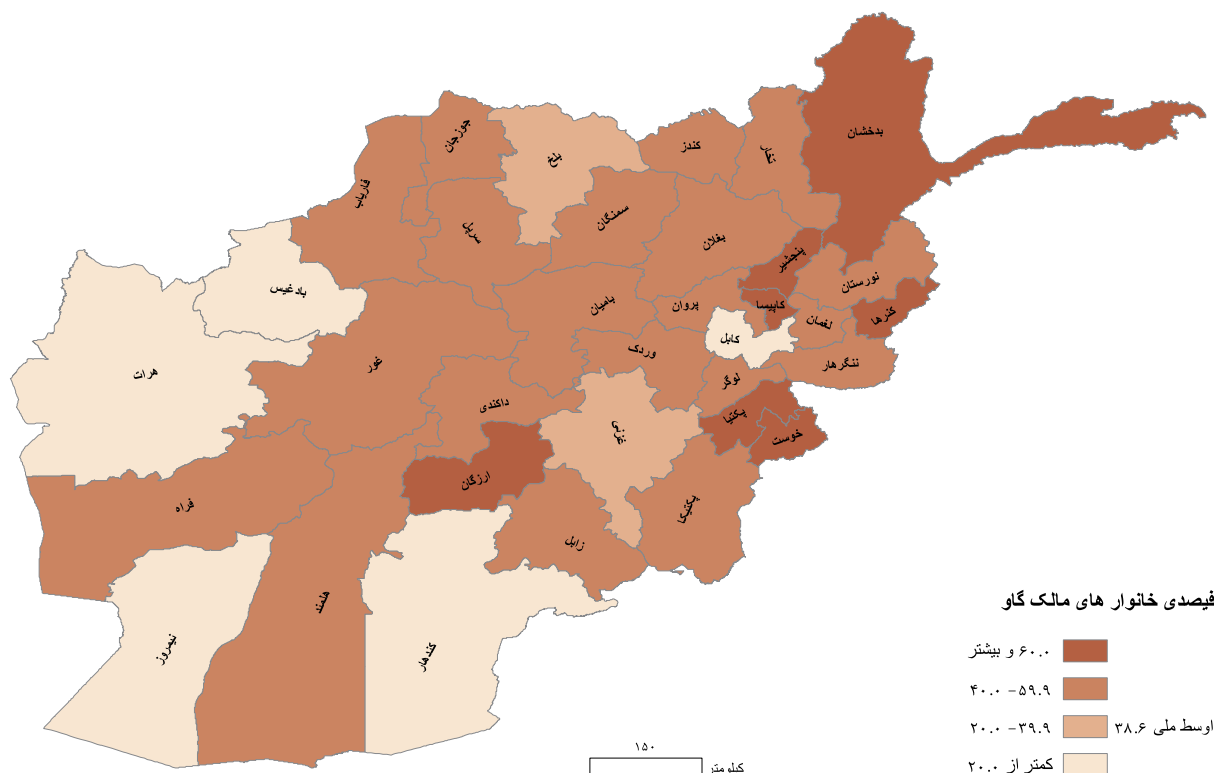
مرغداری نیز در میان خانوارهای افغان معمول است طوری که ۴۳.۲ فیصد خانوارها در سطح کشور و ۵۳.۰، ۴۵.۲ و ۱۵.۳ فیصد روستا نشینان، مالکیت شتر تقریباً به طور انحصاری در اختیار کوچی ها میباشد. این امر مخصوصاً در میان زنهای رواج دارد چون زنهای افغان معمولاً مسئول نگهداری مرغ ها بوده و از محصولات آنها نیز مستقیماً بهره مند میشوند.

جدول ۸.۵: مالداري بر اساس نوع حيوان و سروی / سرشماری (به هزار)

نوع حيوان	سرشماری ۱۳۸۱	ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵
گاوها	۳,۷۱۵	۲,۸۵۴	۱۳۹۲	۳,۳۷۱
گاو قلبه، غزگاو	n.d.	۴۷۴	۴۶۳	۴۱۳
اسپ	۱۴۲	۱۰۲	۹۳	۷۶
خر	۱,۵۸۸	۱,۵۱۹	۱,۷۵۱	۱,۶۵۰
شتر	۱۷۵	۴۸۱	۲۳۹	۲۸۴
بز	۷,۲۸۱	۱۰,۴۴۵	۱۰,۲۶۵	۹,۷۵۴
گوسفند	۸,۷۷۲	۱۸,۰۱۸	۲۱,۶۳۹	۲۱,۸۱۳
مرغ	۱۲,۱۵۶	۱۳,۱۷۶	۱۲,۲۲۱	۱۰,۳۴۱
سایر پرندگان	۱,۰۲۲	۱,۳۶۷	۹۴۲	۸۹۴

سرشماری مالداري صرف شامل نفوس ساکنان شده و کوچی ها را احتوا نمی کند. ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان نفوس کوچی ها را نیز دربر می گیرد.

شکل ۹.۵: فیصد خانوارهای دارای هر نوع گاو براساس ولایت



۲.۳.۵ مالداري

جدول ۹.۵ تعداد حیوانات فروخته شده در سال قبل از مصاحبه برای سروی وضعیت زندگی در افغانستان (۱۳۹۵) را نشان می دهد. در مقایسه با سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ تعداد گوسفند های فروخته شده بطور فزاینده ای افزایش یافته و به ۱.۱ میلیون رأس رسیده است در حالی که فروش سایر چارپایان افزایش میانه را پیموده است طوری که بز ۱۷۹ هزار رأس، گاو ۱۶۱ هزار و سایر حیوانات ۱۷۴ هزار رأس به فروش رسیده اند. اگرچه فروش گاو و سایر حیوانات نسبتاً افزایش بیشتر را به ثبت رسانیده است. از سوی دیگر، تعداد مرغ های فروخته شده کاهش را نشان می دهد.

جدول ۹.۵: مواشی فروخته شده در سال قبل از انجام سروی براساس نوع حیوان و سال سروی (به هزار)

نوع حیوان	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵
گاوها	۳۴۱	۵۰۲
غزگاو و گاو قلبه	۷۰	۷۱
اسپ	۱۰	۱۱
خر	۸۳	۵۳
بز	۳,۰۳۷	۳,۲۱۶
گوسفند	۵,۸۸۰	۶,۹۷۹
مرغ	۱,۱۴۳	۹۹۲
سایر حیوانات	۹۳	۲۶۷

جدول ۱۰.۵ حجم محصولات حیوانی انتخاب شده و فروخته شده در ماه قبل از انجام مصاحبهٔ سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ را نشان می دهد. نتیجه نشان دهندهٔ نوسانات بزرگ در خصوص فروش محصولات حیوانی را نشان می دهد. بنابراین، در مقایسه با سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ فروش مسکه به اندازهٔ ۷۰ فیصد، فروش گوشت حیوانات دوبرابر و فروش گوشت مرغ حتی سه برابر افزایش نموده است.

جدول ۱۰.۵: فروش محصولات حیوانی در ماه قبل از انجام سروی براساس نوع محصول حیوانی و براساس سال سروی (به تن / هزار)

محصول حیوانی	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳	سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵
مسکه (تن)	۱۳۹۲	۵۹۵
پنیر (تن)	۱,۲۹۵	۱۴۲
قروت (تن)	۲,۲۰۸	۱,۹۵۳
گوشت حیوانات (تن)	۱,۱۶۸	۲,۱۰۵
گوشت مرغ (تن)	۱۷	۵۴
پشم، کشمیری (تن)	۳,۹۹۳	۳,۳۳۱
تخم (هزار)	۸,۸۲۴	۷,۴۴۱

۳.۳.۵ عوامل تولید و پرورش مواشی

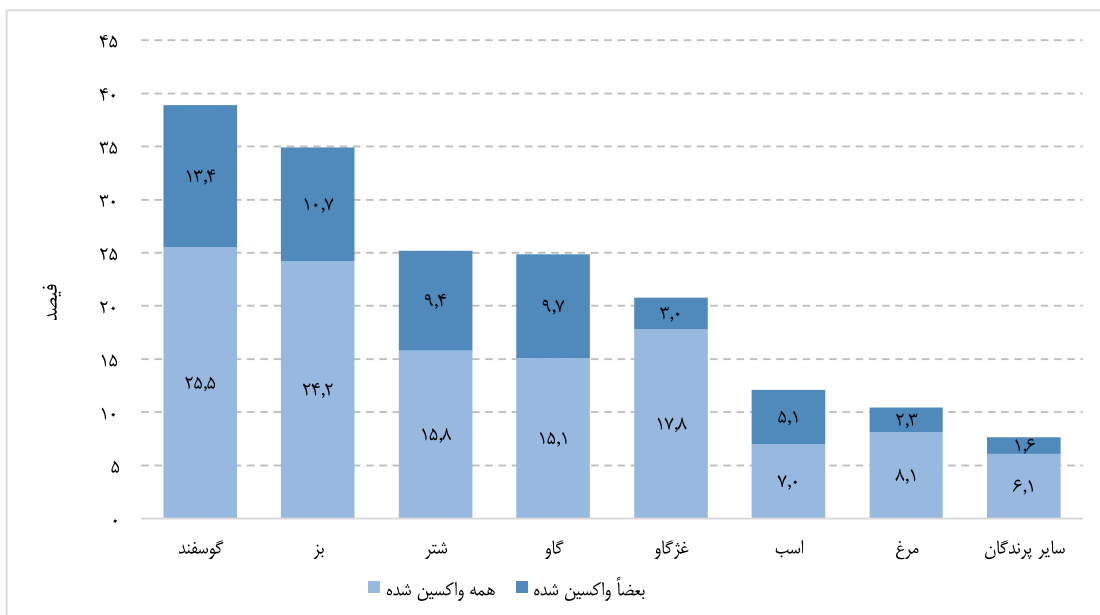
به منظور بهبود وضعیت حیوانات، خدمات مختلفی به مالکین آنها ارائه می گردد. این خدمات شامل دسترسی به تغذیه حیوانات، واکسیناسیون، خدمات و ترنری، قرصه، بازاریابی و مشوره دهی در قسمت تغذیه، نسل گیری و مدیریت حیوانات می گردد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ در مورد بعضی از این اجزاء معلومات ارائه کرده است.

تقریباً ۹۰ فیصد از مالداران گزارش دادند که آنها یکسال قبل از سروی به چراگاه ها دسترسی داشتند ولی صرف ۴۸.۳ فیصد آنها گفتند که آنها به چراگاه ها به اندازهٔ کافی دسترسی داشته اند. این حالت در ولایات غزنی، غور، نورستان و لوگر نظر به سایر نقاط کشور از سطح اوسط بهتر بوده که میان ۷۶ الی ۹۱ فیصد گزارش شده است. برای مالداران کوچی، میان دسترسی و دسترسی کافی تفاوت چشمگیری وجود دارد طوری که ۶۰ فیصد به چراگاه ها دسترسی داشته ولی فقط نصف آنها (۳۲ فیصد مجموع مالداران کوچی) به چراگاه های کافی دسترسی داشته اند.

واکسیناسیون مواشی یک پروسهٔ چالش برانگیز برای صحت و بقای حیوانات می باشد. خانوارهایی که حیوانات خویش را واکسین نمی نمایند، خود را در معرض خطر از دست دادن حاصل سرمایه گذاریشان بر روی مواشی قرار خواهند داد، چه بسا ممکن است که تمام مواشی خویش را از دست بدهند سطح کلی واکسیناسیون نیز پایین است طوری که برای گوسفند و بز یک چهارم، در حدود یک ششم برای شتر، گاو ها، غرگا و گاو قله و یک فیصدی خیلی کم (۷ فیصد) برای اسب و مرغ ها می باشد (شکل ۱۰.۵). چون اکثراً زنها در قسمت نگهداری و تربیهٔ مرغها و سایر پرندگان نقش دارند، در صورت بروز یک مرض، منبع درآمد آنها و سهم آنها در امرار معیشت خانواده در معرض خطر قرار می گیرد.

سایر خانوارها بخشی از حیوانات خویش مخصوصاً گوسفند، بز، گاو و شتر را در مقابل امراض واکسین نموده اند. از نقطه نظر سطح کلی واکسین، در میان ولایات تفاوت های عمده وجود دارد طوری که لوگر، پنجشیر، فاریاب، بادغیس و هرات در قسمت تطبیق کلی واکسین روی گاو، بز و گوسفند در ردهٔ نخست قرار دارند. از سوی دیگر، ولایات پکتیکا، خوست، سرپل، زابل، ارزگان، کندهار و هلمند در این زمینه عملکرد ضعیف داشته اند. اکثر ولسوالی ها در این ولایات ناامن ارزیابی شده است (همچنان به بخش ۱۰.۳.۲ مراجعه شود) که مانع تطبیق برنامه ها واکسیناسیون می گردد.

شکل ۱۰.۵: خانوارهای مالدار، به تفکیک مواشی و سطح واکسین مواشی (به فیصد)



در حدود ۳۴ فیصد از خانوارهای مالدار در سال قبل از انجام سروی برای مواشی خویش ادویه جات خریداری نموده یا طالب کمک و تترنری یا معلومات شده اند که این امر نظر به سروی قبلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ افزایش چشمگیر ۲۰ فیصدی داشته است. با اینحال، این فیصدی در ولایات بادغیس، فاریاب، خوست و هرات بیشتر از ۵۰ فیصد تا سطوح خیلی پایین در ولایات کندهار، هلمند و دایکندی رسیده است. قسمت اعظم خانوارهای مالدار که طالب کمک شده اند، به کلینیک های و تترنری خصوصی (۸۵.۴ فیصد) مراجعه نموده اند. ۱۰ فیصد آنها به کلینیک های و تترنری دولتی و یک قسمت کوچک از واحد های و تترنری در ساحه و خدمات سازمان های غیردولتی (NGO) (در مجموع ۴ فیصد) مستفید شده اند. خانوارهایی که طالب کمک نشده اند به دلیل کم اهمیت بودن آن بوده است (۱۵.۷ فیصد) و یا هم دارای حیوانات خیلی کم بوده اند (۱۹.۲ فیصد). موانع عمده فرااهی عدم درخواست کمک عدم جدیت در ارائه خدمات توسط فراهم کنندگان چنین خدمات (۲۷.۰ فیصد)، نبود دانش کافی در زمینه چگونگی دریافت کمک و محل ارائه خدمات (۱۲.۸ فیصد)، فاصله از محل ارائه خدمات (۱۱.۳ فیصد) و هزینه (۸.۸ فیصد) عنوان شده است.

۶. فقر

خلاصه: کاهش سریع در رشد اقتصادی افغانستان در بین سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ وجود داشته است. علت این کاهش سریع رشد را می توان به تأثیر مشترک خروج نیرو های نظامی بین المللی، کاهش چشمگیر مصارف مرتبط به آن و کاهش مقدار کمک های بین المللی و افزایش منازعات و عدم ثبات سیاسی نسبت داد. این روند انعکاس دهنده ی افزایش آسیب پذیری مردم افغانستان می باشد، به نحوی که وخامت گسترده در رفاه باعث افزایش شدید میزان فقر الی ۵۵ فیصد در سال ۱۳۹۵ گردیده است. نا برابری های بسیاری در افغانستان میان مناطق، شهرها، ساحات دهاتی و بین مردم غنی و فقیر وجود دارد. میزان فقر در تمامی ساحات کشور در بین سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ افزایش یافته است و کاهش رفاه در بین فقیرترین خانوارها و نیز بین ثروتمندترین خانوار ها تجربه شده است. این تغییرات توزیعی فقر به این معنی است در حالیکه شدت فقر در میان سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ افزایش یافته است نابرابری کاهش یافته است، زیرا که کاهش رفاه در قسمت بالایی توزیع نسبت به قسمت های پایانی توزیع طور نسبی بیشتر است.

خصوصیات دموگرافیکی با میزان فقر قویاً مرتبط است. میزان فقر همزمان با افزایش حجم خانوار افزایش می یابد و خانوار های بزرگتر بطور وسیع با میزان فقر بلندتری مواجه اند. تعلیم و تربیه (یا نبود آن) یکی دیگر از مهمترین عوامل فقر در افغانستان است. سطح پایین تعلیم و تربیه فراگیر بوده و خانوارهایی که رئیس آن بی سواد است ۷۴ فیصد نفوس کشور را تشکیل داده و بطور متوسط ۶۳ فیصد آن ها با فقر روبرو هستند. در حالیکه فیصدی فقر میان خانوارهایی که سرپرست با سواد دارند ۴۰ فیصد است، با آنکه بیکاری سرپرست خانواده با فقر شدید خانواده مرتبط است، ولی شاغل بودن آن تضمینی در برابر فقر نیست. تقریباً نیمی از نفوس کشور که سرپرست شاغل دارند در شرایط فقر زندگی میکنند و تعداد کمی به مشاغل تولیدی یا سود آور دسترسی دارند. احتمال بیشتری وجود دارد که خانوارهایی که سرپرست آن ها در بخش زراعت شاغل هستند، با فقر شدیدتری (۶۳ فیصد) روبرو شوند و این خانوار ها یک سوم نفوس فقیر کشور را تشکیل میدهند. بطور گسترده تری تقریباً ۶۰ فیصد نفوس کشور را خانوارهایی تشکیل می دهند که سرپرست آن ها شغل آسیب پذیر دارد، یا به عبارت دیگر کار شخصی یا شغل آزاد دارد، کارگر روزمزد و یا کارگر بدون مزد است.

۱.۶ مقدمه

یکی از اهداف اصلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان، ارایه معلومات در مورد سطح رفاه و معیارهای زندگی، تکامل این معیار ها در طول زمان و توزیع آنها در میان خانوار هاست. مهمترین بخش این گزارش اندازه گیری و دنبال کردن میزان رفاه در فقیرترین اقشار جامعه است و ارقام بدست آمده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ارقامی برای تخمین حدود و شدت فقر در افغانستان به دسترس قرار میدهد. بخش ۲.۱ سوابق روشن و روند مربوط به اقتصاد و وضعیت امنیتی کشور را ارایه میکند، این بخش انتقال امنیتی را که در سال ۱۳۹۳ با رکود اقتصادی همراه بود برجسته میسازد. برعلاوه، رشد سریع نفوس، شمار زیاد بیجا شده گان داخلی و بازگشت مهاجرین، بر سیستم خدمات رسانی فشار وارد کرده و رقابت بر سر فرصت های کمیاب اقتصادی فعلی را افزایش داده است.

این فصل به شکل ذیل ترتیب شده است. بخش بعدی خلاصه روش تطبیقی استفاده شده برای برآورد فقر در سروی وضعیت زندگی افغانستان را ارایه میکند. معلومات تفصیلی در مورد روش برآورد فقر در ضمیمهء تخنیکی VII ارایه شده است. بخش ۶.۳ شرحی را در مورد میلان رفاه در بین سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۵ بیان میکند. این میلان در سطح ملی، مناطق شهری و دهاتی و زون ها تحلیل شده اند. این فصل با نمایه فقرای افغانستان و برجسته ساختن روابط کلیدی رفاه جمع بندی شده است. (بخش ۶.۴).

در این زمینه، برآورد فقر ۱۳۹۵ اولین برآورد مستقیم رفاه پس از انتقال امنیتی در سال ۱۳۹۳ می باشد.

۱.۲.۶ اندازه گیری فقر در افغانستان: روش مصارف نیازهای اولیه

اندازه گیری رفاه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان که جهت ارزیابی معیارات زندگی مردم استفاده گردیده، مبتنی بر مصارف خانوار میباشد. افراد زمانی فقیر محسوب میشوند که سطح مخارج استهلاکی آنها برای برآورده شدن نیازهای اولیه ای شان کافی نباشد، به عباره دیگر زمانی که مخارج استهلاکی آنان از حد اقل یک حد معین که موسوم به خط فقر است پایینتر گردد. در مطابقت با معیارات بین المللی، خط فقر مطلق رسمی برای افغانستان بر اساس روش مصارف نیازهای اولیه^۱ که در ادامه می آید و در گزارش ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال های ۱۳۸۶ استفاده شده است، تخمین زده شده است. خط فقر مطلق بر اساس مصارف نیازهای اولیه بیانگر مصارف سرانه اعضای خانوار به صورتی است که هر یک از آنها بتوانند نیازهای اولیه خوراکی و غیر خوراکی خویش را بر طرف نمایند^۲.

خط فقر سال ۱۳۸۶ جهت ارزیابی تغییر در سطح رفاه و انعکاس تغییرات در مصارف زندگی به قیمت های سال های سروی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ بروز رسانی شده اند. شکل ۶.۱. بطور خلاصه منابع ارقام و میتودولوژی تخمین را بیان میکند، جزئیات بیشتر در ضمیمه هفتم ارائه شده است. قابل یادآوری است که روش (مدل) جزئیات مخارج مصرف کننده که تخمین مستقیم فقر را ممکن میسازد در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳ در نظر گرفته نشده بود. در عوض در این گزارش از روش جبران کمبود تکنیک های استفاده از ارقام یک سروی برای سروی دیگر برای تخمین میزان فقر در این سال استفاده شده بود.

در روش تخمین سروی ۱۳۹۵ بهبود ایجاد گردیده، در حالیکه در سروی های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰ به شکل مداوم یکی از روش های کهنه استفاده می شد. (تکنیک جبران کمبود ارقام از یک سروی تا سروی دیگر که در سال ۱۳۹۳ استفاده شده بود بازبینی نشده بود). این تغییر شامل سه مورد زیر است:

- جهت افزایش شفافیت و سازگاری با روش های مناسب بین المللی، حدود مصارف غیرغذایی در مقایسه به معیار سال ۱۳۸۶، با استفاده از نرخ تورم مواد غیر غذایی در شاخص رسمی قیم مستهلکین، افزایش یافته است. بهبود ها و تغییراتی که در پرسشنامه سروی ایجاد شده است منجر به ایجاد تغییراتی در تعریف سنجش رفاه شده و این تغییرات در ارقام مربوط به تمام سال ها اعمال شده اند.
- بهبود و تغییرات در پرسشنامه سروی برای تعریف اندازه گیری رفاه ضرورت به تغییر کوچکی داشته که به صورت دوامدار در سروی های سالهای بعد اصلاح گردیده است
- اداره مرکزی احصائیه برای افزایش شفافیت تصمیم اتخاذ نمود تا ارقام مربوط به تمام ولایات را برای انجام تخمین ها در سطح ملی شامل سازد، این تصمیم در حالی اعمال شده است که ولایاتی که ارقام مربوط به تخمین ها در آنها به دلایل امنیتی یا سایر نگرانی های مربوط به کیفیت ارقام، مناسب تشخیص داده نشده اند به وضوح تفکیک شده اند. این تغییرات نشان میدهند که تخمین فعلی با تخمین های قبلی شاید متفاوت باشند.

^۱ Cost of Basic Needs (CBN)

^۲ به خصوص، قسمتی از خط فقر که مربوط به مواد خوراکی است، قیمت مصرف ۲۱۰۰ کیلوکالری در روز در نظر گرفته شده است که از الگوی مصرف غذای مردم نسبتاً فقیر پیروی می کند؛ بخش مربوط مواد غیر خوراکی تشکیل دهنده خط فقر، محاسبات بر اساس میانگین مصارف افرادی که مصرف غذای آنها در حدود خط فقر بوده است انجام شده است. برای معلومات بیشتر به ضمیمه هفتم مراجعه نمایید.

شکل ۱.۶: منابع ارقام (دیتا) برای اندازه گیری فقر و میتودولوژی مربوط به آن^۳



^۳ برای ارقام بیشتر به ضمیمه هفتم مراجعه نمایید

۲.۲.۶ تعیین خط فقر در افغانستان

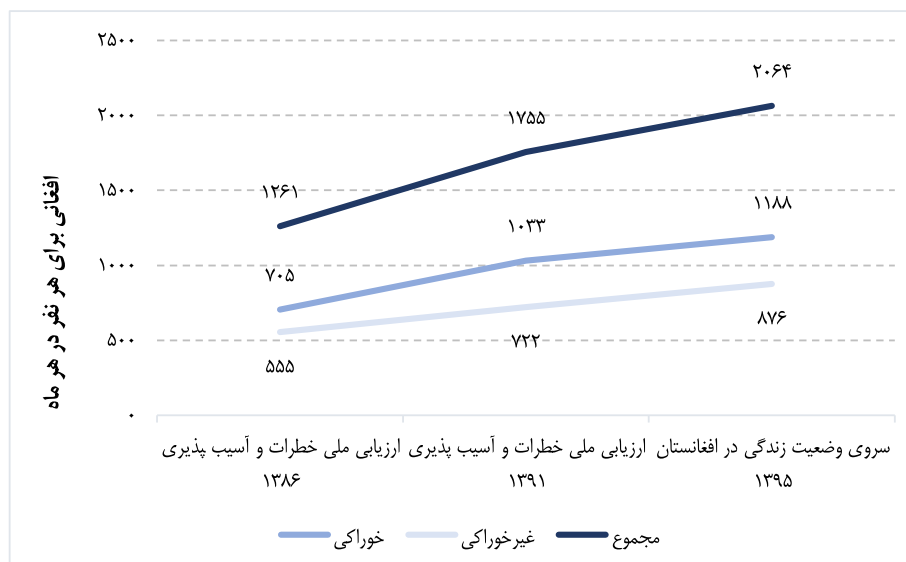
خط فقر در مناطق مختلف ساحوی- شهری/ دهاتی افغانستان محاسبه شده و برای خط فقر ملی از روش محاسبه اوسط وزنی مقادیر به دست آمده برای مناطق مختلف ساحوی- شهری/ دهاتی استفاده شده و دسته بندی ولایات برای این منظور در جدول ۶.۱ ارائه شده است. این هشت منطقه زمانی که به دو سطح شهری و دهاتی تقسیم شوند ۱۴ دسته ساحوی را ایجاد می کنند، (بعضی از این مناطق حالت شهری ندارند) بنابراین، در کل ۱۴ خط فقر محاسبه شده است.

جدول ۱.۶: مناطق و ولایت در تخمین میزان فقر

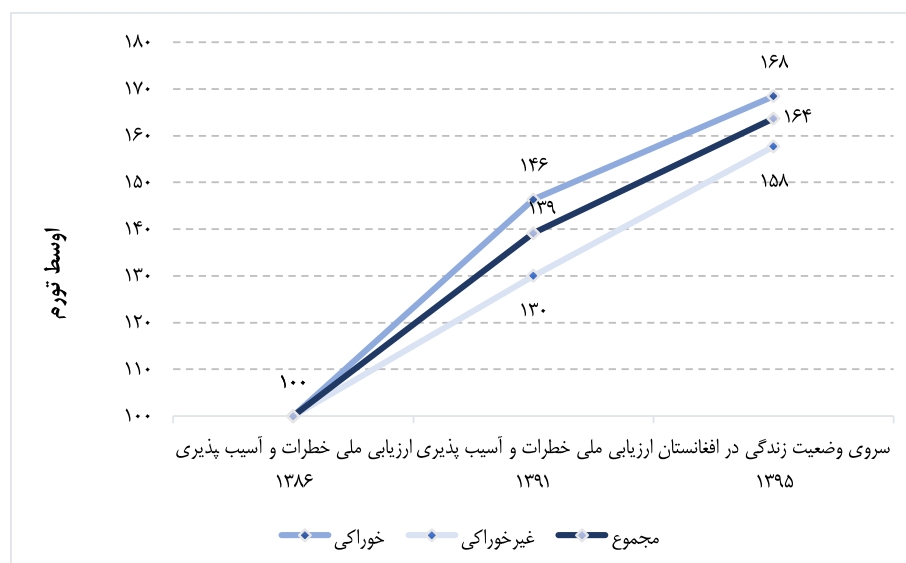
مرکز	جنوب	شرق	شمال شرق	شمال	غرب	جنوب غرب	مرکزی غربی
کابل	غزنی	کنرها	بدخشان	بلخ	بادغیس	هلمند	بامیان
کاپیسا	خوست	لغمان	بغلان	فاریاب	فراه	قندهار	دایکندی
لوگر	پکتیکا	ننگرهار	قندوز	جوزجان	هرات	نیمروز	غور
پنجشیر	پکتیا	نورستان	تخار	سمنگان	ارزگان		
پروان				سرپل	زابل		
وردک							

شکل ۶.۲ نشان دهنده خطوط فقر در افغانستان پس از اعمال تغییرات لازم فوق الذکر در میتودولوژی است. در سال ۱۳۸۶ حد متوسط ملی برای پوشش مصارف مربوط به نیازهای اولیه- خط فقر- ۱۲۶۱ افغانی برای هر نفر در هر ماه بوده و این حد در تمامی محاسبات در نظر گرفته شده بود. بر اساس قیمت های به دست آمده در سروی سال ۱۳۸۶، این حد به ۲۰۶۴ افغانی برای هر نفر در هر ماه افزایش یافته است. به نسبت سال ۱۳۸۶ این مقدار بیانگر ۶۴ فیصد افزایش در مصارف مربوط به نیازهای اولیه است، این مقدار شامل ۶۸ فیصد افزایش در مصارف سبد مواد اولیه خوراکی (بر اساس شاخص قیمت سبد خوراک ۲۱۰۰ کیلوکالری برای هر نفر در هر روز) و ۵۸ فیصد افزایش مصارف در نیازهای غیر خوراکی میباشد. شکل ۳.۶ بیانگر افزایش این مصارف در سال هایی سروی بر مبنای میزان تورم به نسبت قیمت های ثبت شده در سال ۱۳۸۶ بیان شده اند.

شکل ۲.۶: خطوط فقر در سطح ملی، به ترتیب سال انجام سروی و اجزاء اصلی مصارف (به افغانی)



شکل ۳.۶: تورم بیان شده به نسب قیمت ها در سال ۱۳۸۶ بر اساس خطوط فقر، بر اساس سال انجام سروی و بر اساس بخش اصلی تشکیل دهنده مصارف

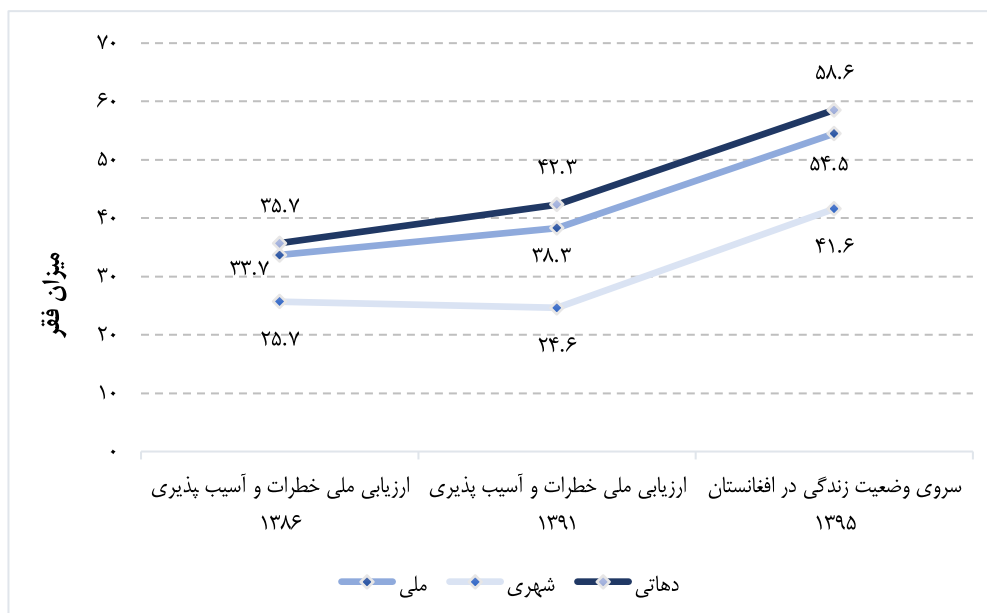


۳.۶ تخمین های مربوط به وضعیت فقر

۱.۳.۶ روند وضعیت فقر از ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵

افغانستان افزایش سریع فقر را از سال ۱۳۹۱ تجربه کرده است. شکل ۶.۴ خط فقر را در سطوح شهری، دهاتی و ملی به اساس سلسله جدید ارقام و سه سروی تا حدی که تخمین مستقیم فقر ممکن باشد را نشان میدهد. چوکات متنی ۶.۱ تخمین های مربوط به فقر را بر مبنای ارقام سروی های قبلی و بر اساس تغییراتی که در میتودولوژی آورده شده و در قسمت ۶.۲.۱ شرح داده شده است را ارایه می کند. نرخ سرانه فقر، تعداد نفوسی را نشان میدهد که مصارف ماهوار سرانه آنها زیر خط فقر است. در سطح ملی، شمار نفوس فقیر از ۳۳.۷ فیصد در سال ۱۳۸۶ به ۳۸.۳ فیصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است و این افزایش در سال ۱۳۹۵ شدت بیشتری یافته و به ۵۴.۵ فیصد رسیده است.

شکل ۴.۶: سطح فقر، بر اساس سال و محل زندگی (شهر یا روستا) بیان شده به فیصد^۳



نفوس دهاتی شامل نفوس کوچی ها نیز می شود^۳

چوکات متن ۱.۶: سلسه گرایش های قابل مقایسه فقر: سلسه قدیمی و بازبینی شده

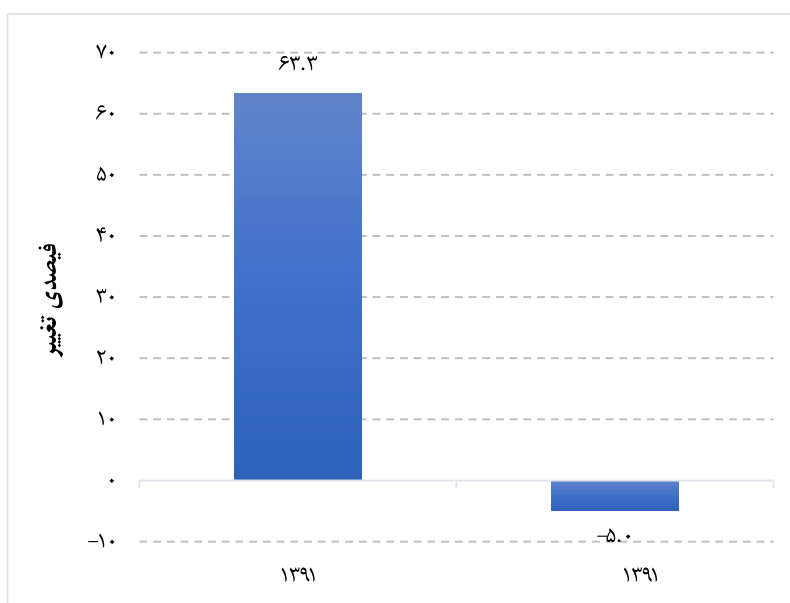
انجام بازبینی در میتودولوژی تخمین میزان فقر، در ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان که در سال ۱۳۹۵ بیانگر آن است که تخمین های این دوره قابلیت مقایسه مستقیم با گزارش های دوره های قبل را ندارد، در جدول زیر سلسله تخمین فقر در گزارش های قبلی و پس از انجام بازبینی در میتودولوژی نشان داده شده است. ارقام به دست آمده اخیر، با توجه به تغییر در متدولوژی معتبر هستند و به ارقام گزارش های که سالهای اخیر اعمال شده اند، بنابراین این ارقام با گزارش هایی که قبلاً منتشر شده اند تفاوت دارند. در میتودولوژی تخمین فقر بطور مداوم بهبود ایجاد گردیده و با تخمین که در سال های قبل به نشر رسیده بود متفاوت میباشد.

سلسله روند فقر			
سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری	سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری	سروی وضعیت زندگی در افغانستان	سروی وضعیت زندگی در افغانستان
۱۳۸۶	۱۳۹۱	۱۳۹۳	۱۳۹۵
ارقام قدیمی که در آنها هلمند و خوست شامل نبودند	۳۶.۳	۳۵.۸	۳۹.۱
ارقام باز بینی شده که شامل همه ولایات هستند	۳۳.۷	۳۸.۳	۵۴.۵

^۳ تخمین های جبرانی

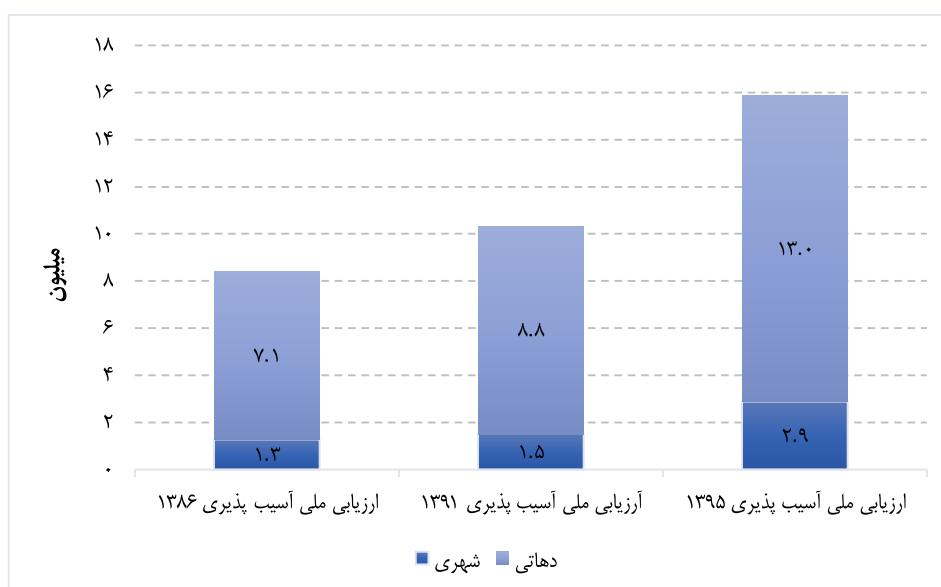
اگرچه کاهش رفاه گسترده تر شده است، فقر در مناطق دهاتی به طور مداوم بیشتر از میزان فقر در مناطق شهری باقی مانده است. این در حالی است که افزایش میزان فقر در دوره اول بین سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ در نتیجه افزایش میزان فقر در مناطق دهاتی بوده است، در دوره دوم میزان فقر به طور چشمگیری هم در مناطق شهری و هم در مناطق دهاتی افزایش یافته است. این روند ها با انقباض اقتصادی کلانی که کشور پس از سال ۱۳۹۱ تجربه کرد همخوانی دارد. مشخصه دوره بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ افزایش کلان تولید ناخالص ملی سرانه است (که رشد ۶۳ فیصدی به نسبت ۱۳۹۱ داشته است) این درحالی است که تولید ناخالص ملی سرانه در دوره بعدی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ واقعاً کاهش یافته است. (شکل ۶.۵)

شکل ۵.۶: فیصدی تغییرات در تولید ناخالص ملی سرانه، دوره های ۱۳۸۶، تا ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵



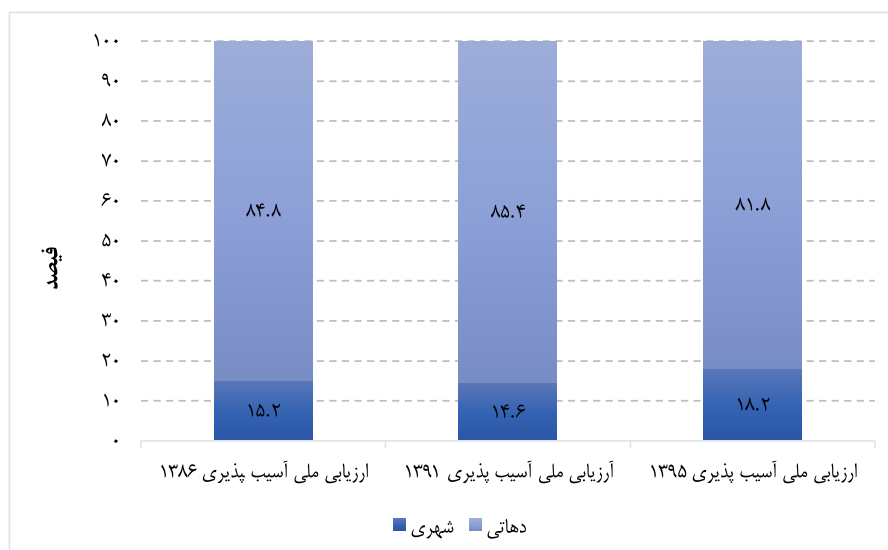
از آنجا که میزان رشد اقتصادی از رشد نفوس کمتر شده است، و بازگشت ۳.۲ میلیون مهاجر به کشور در سال ۱۳۹۴ را نیز نباید نادیده گرفت، کشور افزایش زیادی را در تعداد فقرا تجربه کرده است (شکل ۶.۶) در سال ۱۳۹۵ تقریباً ۱۳ میلیون نفر از نفوس دهاتی کشور زیر خط فقر زندگی میکنند، در همین دوره، فقر در مناطق شهری نیز گسترده تر شده است، به نحوی که تعداد فقرا در شهر ها به نسبت سال ۱۳۸۶ دو برابر شده است، و در نتیجه ۱۸ فیصد نفوس فقیر کشور اکنون در شهر ها زندگی می کنند (شکل ۶.۷). افزایش میزان فقر پس از سال ۱۳۹۱ در ولایات قندهار، کابل، هرات، بلخ و کندز متمرکز شده است. در سال ۱۳۹۵ این ولایات ۸۰ فیصد نفوس شهری فقیر را در خود جا داده اند، در حالیکه کابل به تنهایی نیمی از نفوس فقیر شهرنشین کشور را در خود جا داده است. این روند در اثر افزایش میزان بیجا شده گان داخلی و عودت کننده گان که غرض جستجوی محلات امن تر، فرصت های کاری و خدمات بهتر به شهر ها جا گزین میگردند شدت یافته است. اگر این روند ادامه پیدا کند فشار بالای مراکز شهرها را افزایش خواهد داد.

شکل ۶.۶: نفوس فقیر، بر اساس سال سروی و محل زندگی^۱ (به میلیون نفر)



نفوس دهاتی نفوس کوچی ها را نیز شامل شده است.^۱

شکل ۷.۶: نفوس فقیر، بر اساس سال سروی و محل زندگی^ا (به فیصد)



نفوس دهاتی نفوس کوچی ها را نیز شامل شده است.^ا

شمار نفوس فقیر به عنوان یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار در نظر گرفته شده است، هدف شماره یک اهداف انکشاف پایدار چنین بیان می کند: پایان دادن به فقر در همه شکل های آن در همه جا (چوکات متن ۶.۲). در حالیکه، یکی از محدودیت های استفاده از شاخص تعداد نفوس فقیر برای دستیابی به هدف شماره یک اهداف انکشاف پایدار عدم تعریف "عمق یا درجه" فقر است، یعنی نمی توان تشخیص داد، مصارف یک فرد فقیر دقیقاً به اندازه خط فقر است یا بسیار کمتر از آن. در حقیقت، ممکن است دو دسته نفوس که فقیر محسوب می شوند، زنده گی شان دو معیار متفاوت داشته باشد، یعنی مصارف یک دسته از آنها دقیقاً به اندازه آنچه در خط فقر آمده است باشد و یک دسته از آنها مصارفی بسیار کمتر از خط فقر داشته باشند. شاخص دیگری که برای اندازه گیری فقر استفاده شده است، فاصله فقر است. این معیار بیانگر فاصله متوسط میان مصارف یک فرد فقیر و خط فقر است، بنابراین با استفاده از این شاخص می توان پی برد مصارف فقرا دقیقاً برابر خط فقر است یا بسیار از آن کمتر است. سومین شاخص تخمین فقر "مربع فاصله فقر" است، که از نظر ساختاری مشابه شاخص فاصله فقر است اما به گروه هایی که مصارف آنها فاصله بیشتری از خط فقر دارد وزن محاسباتی بیشتری می دهد، و می تواند معیاری برای اندازه گیری شدت فقر باشد. جدول ۶.۲ بیانگر مقادیر هر سه شاخص فقر است، که بر مبنای میتودولوژی اصلاح شده تخمین فقر بدست آمده است.

چوکات متن ۲.۶: شاخص اهداف انکشاف پایدار شماره ۱.۲.۱ بخشی از نفوس کشور که زیر خط فقر زندگی می کنند (به فیصد)

شمار نفوس فقیر یکی از شاخص های SDG است که برای بررسی دستیابی به (هدف ۱.۲ اهداف انکشاف پایدار) نشانه ۲.۱ به کار می رود (این هدف بیان می کند تا سال ۲۰۳۰، باید نفوس فقیر میان زنان و مردان و کودکان در تمامی سنین به نصف کاهش پیدا کند)، هدف شماره یک SDG (پایان بخشیدن به فقر در تمامی اشکال آن در همه است)

۵۴.۵	سطح ملی
۴۱.۶	شهری
۵۸.۲	دهاتی
۶۴.۱	کوچی

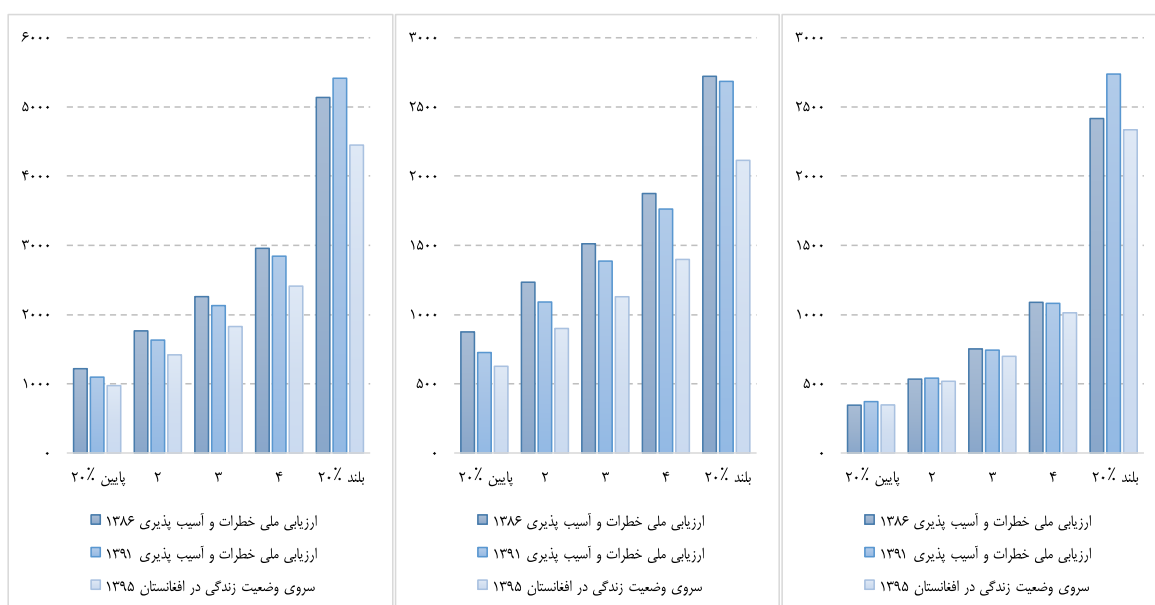
جدول ۲.۶: شاخص های فقر بر اساس سروی (به فیصد)

شاخص فقر	ارزیابی ملی آسیب پذیری ۱۳۸۶	ارزیابی ملی آسیب پذیری ۱۳۹۱	سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵
میزان فقر	۳۳.۷	۳۸.۳	۵۴.۵
شگاف فقر	۷.۲	۹.۹	۱۵.۰
مربع شگاف فقر	۲.۳	۳.۶	۵.۶

۲.۳.۶ تغییرات توزیعی در رفاه

کاهش میزان رفاه در تمام بخش های توزیع تجربه شده است، هم فقیر ترین خانوارها این کاهش رفاه را تجربه کرده اند و هم ثروتمند ترین خانوارها این امر را تجربه کرده اند. شکل ۶.۸ الف، بیانگر اوسط مصارف سرانه بر اساس قیمت های سال ۱۳۹۵ به شکل دسته بندی شده است (توزیع مصارف به پنج گروه مساوی تقسیم و بر اساس افزایش مصارف سرانه مرتب شده است) این گراف ها نشان می دهند حتی دسته بالایی توزیع (که بیانگر بیست فیصد مرفه جامعه است) نیز کاهش رفاه را تجربه کرده اند. بطور میانگین مصارف خانوار ها در ۱۳۹۵ در مقایسه با دوره ۱۳۹۱ کاهش معادل ۱۸ فیصد را تجربه کرده است، این در حالیست که مصارف دسته پایینی توزیع (که بیانگر بیست فیصد فقیر جامعه است) کاهش معادل ۱۱ فیصد را تجربه کرده است. در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ گروه بالای توزیع (که بیانگر بیست فیصد مرفه جامعه است) تنها بخشی از جامعه بودند که افزایش رفاه را تجربه کرده بودند. در همین دوره مصارف سرانه کشور کمی بیشتر از ۳ فیصد افزایش داشته است که به دلیل افزایش رفاه قشر ثروتمند جامعه بوده است، اما در همین دوره بیست فیصد فقیر جامعه مصارف شان ۱۰ فیصد کاهش داشته است. این روند در دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به خوبی با بررسی مصارف سرانه برای مواد خوراکی شرح داده شده است، که این مصارف سرانه برای مواد خوراکی در این دوره ۲۱ فیصد کاهش داشته است، همه گروه های نفوس که این کاهش را تجربه کرده اند اما بیست فیصد پایین توزیع (که بیانگر بیست فیصد فقیر جامعه است) کاهش ۱۴ فیصدی را در مصارف مواد خوراکی تجربه کرده اند.

شکل ۸.۶: مصارف سرانه- الف) مجموع مصارف، ب) مواد خوراکی، ج) مواد غیر خوراکی- (قیمت های ۱۳۹۵)، بر اساس سال سروی، و بر اساس گروه های پنج گانه توزیع (به افغانی)



^a قیمت ها بر اساس نرخ تورم بر اساس خط فقر مجموعی اصلاح شده است

^b قیمت ها بر اساس نرخ تورم و بر اساس حدود مربوط به مواد خوراکی اصلاح شده است

^c قیمت ها بر اساس نرخ تورم و بر اساس حدود مربوط به مواد غیر خوراکی اصلاح شده است

جدول ۶.۳ نشان دهنده نقاط مرزی میان مصارف گروه های پنجگانه بر اساس قیمت های سال ۱۳۹۵ است، همچنین نشان دهنده این است که مصارف همه گروه ها به طور چشمگیری در دوره میان ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ کاهش یافته است. آنچه ما دریافته ایم این است که تقریباً همه مردمی که دسته سوم را تشکیل میدهند، مصارفی کمتر از خط فقر که ۲۰۶۴ افغانی داشته اند، این در حالی است که در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ فقط تقریباً دو گروه هر سال (دسته چهارم و دسته پنجم) زیر خط فقر بوده اند.

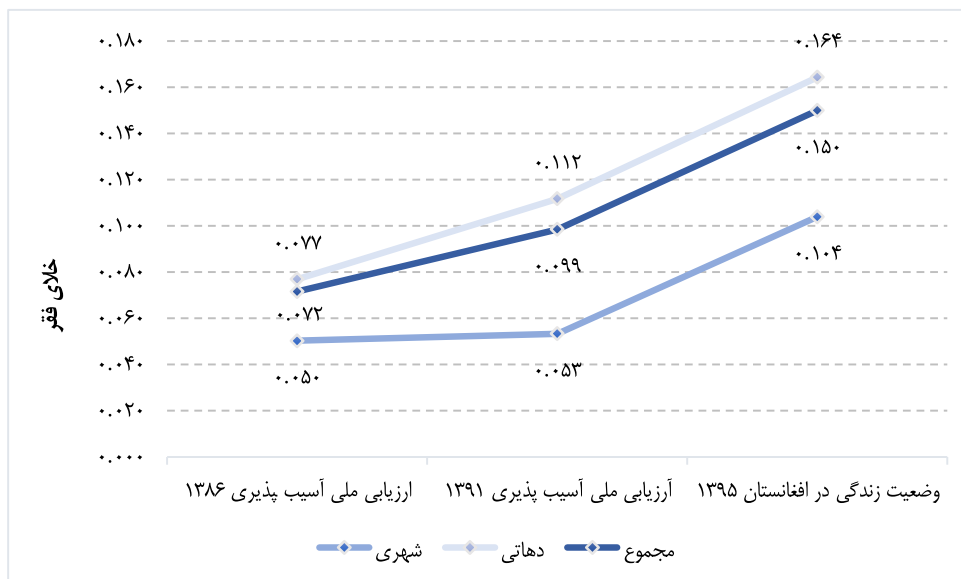
جدول ۳.۶: محدوده مصارف (بر اساس قیمت های ۲۰۱۶ به افغانی)، گروه های پنج گانه توزیع و بر اساس سال سروی (به افغانی)

پنج یک مصارف	ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶	آرزیابی ملی آسیب پذیری ۱۳۹۱	وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵
۲۰ فیصد پایینی	۲۶۹ - ۱,۵۳۱	۳۳۰ - ۱,۳۹۴	۳۳۱ - ۱,۲۲۸
۲	۱,۵۳۱ - ۱,۹۹۲	۱,۳۹۴ - ۱,۸۶۶	۱,۲۲۹ - ۱,۶۰۶
۳	۱,۹۹۲ - ۲,۵۴۹	۱,۸۶۶ - ۲,۴۲۵	۱,۶۰۶ - ۲,۰۷۸
۴	۲,۵۴۹ - ۳,۴۸۶	۲,۴۲۵ - ۳,۳۷۹	۲,۰۷۹ - ۲,۹۰۰
۲۰ فیصد بالایی	۳,۴۸۶ - ۴۹,۳۶۲	۳,۳۷۹ - ۵۰,۱۶۴	۲,۹۰۰ - ۳۴,۱۰۳

این تغییرات در توزیع، بیانگر این است که شدت فقر در فاصله سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ افزایش یافته است (شکل ۶.۹) اما نابرابری کاهش یافته است (شکل ۶.۱۰)، چنان که می توان دریافت، کاهش رفاه در قسمت بالای توزیع به طور قابل قیاسی بزرگ تر از کاهش رفاه در قسمت پایین توزیع است (البته در قیاس با خط مبنای بسیار متفاوت). شاخص فاصله فقر شدت فقر را با استفاده از مقایسه مصارف سرانه نفوس با خط فقر اندازه می گیرد. چنان که شکل ۶.۹ نشان میدهد، شدت فقر در سطح ملی، مناطق شهری و مناطق دهاتی به نسبت دوره ۱۳۸۶ دو برابر شده است. به طور اوسط، مصارف سرانه نفوس ۱۵۰ برابر خط فقر، با مقدار معین شده به عنوان خط فقر تفاوت دارد. (برای کل نفوس کشور محاسبه شده است)^۲

تفسیر دیگری که می توان از شاخص فاصله فقر داشت این است که این شاخص می تواند با فرض این که دولت بتواند تمام فقرا را شناسایی نماید، مقدار سرمایه گذاری مالی لازم برای خارج کردن فقرا از حالت فقر را محاسبه کند. با فرض اینکه نفوس کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۹ میلیون نفر باشد، با در نظر داشت این که خط فقر برابر با ۲۰۶۴ افغانی برای هر نفر در هر ماه است و با در نظر گرفتن شاخص فاصله فقر که برابر با ۱۵۰ برابر خط فقر یا پانزده فیصد خط فقر است، می توان محاسبه کرد پرداخت ۳۱۰ افغانی به هر فرد فقیر در هر ماه می تواند وضعیت زندگی او را از خط فقر بالاتر ببرد. (که این کار بودجه ای برابر با ۱۳۱ میلیون افغانی در هر ماه نیاز دارد تا به افراد فقیر اختصاص داده شود). از سوی دیگر مربع فاصله فقر (جدول ۶.۲) که به شاخص شدت فقر نیز معروف است، در محاسبات با در نظر گرفتن تفاوت اوسط مربع فاصله فقر با خط فقر، وزن بیشتری برای خانوار های فقیر که مصارف آنها فاصله زیاد تری از خط فقر دارد قائل می شود، این شاخص در سال سروی ۱۳۹۵ با دو فیصد افزایش بیانگر این است که نفوس بیشتری در کشور در مقایسه با دوره ۱۳۸۶، میزان مصارفشان فاصله زیادی با خط فقر دارد.

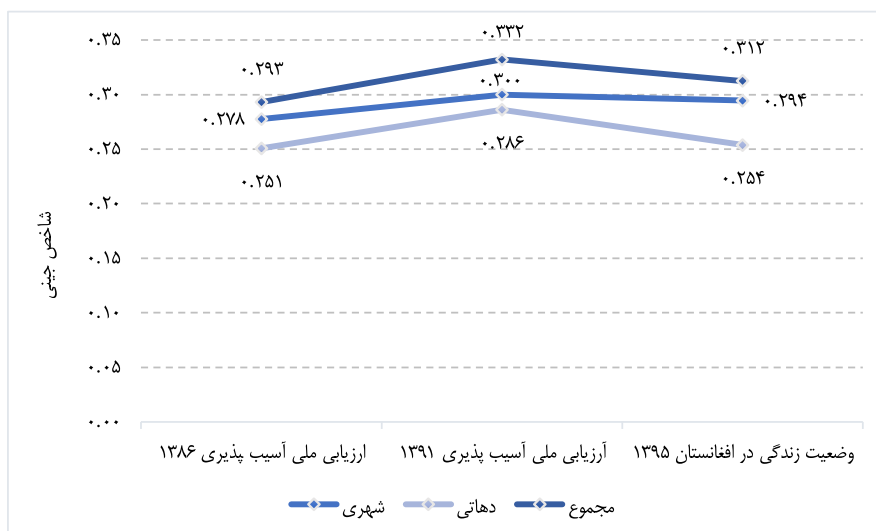
شکل ۹.۶: شاخص فاصله فقر، بر اساس سال سروی و بر اساس محل زندگی^۳



^۳ نفوس دهاتی، نفوس کوچی را نیز شامل می شود.

^۲ میان فقرا این فاصله بیشتر است، به طور متوسط ۲۷ فیصد خط فقر

شکل ۱۰.۶: نابرابری مصارف (شاخص جینی) بر اساس سال سروی و محل زندگی^۳



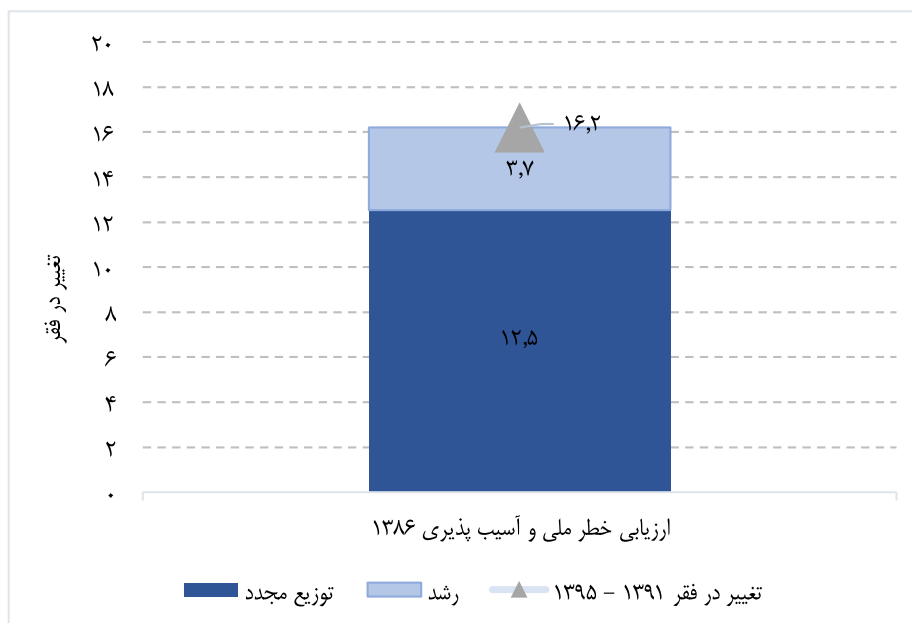
^۳ نفوس دهاتی، نفوس کوچی را نیز شامل می شود.

شکل ۱۰.۶ نابرابری مصارف را که با ضریب جینی اندازه گیری شده است را نشان می دهد. شاخص جینی سطح تفاوت توزیع مصرف میان افراد یا خانوار ها را با افراد یا خانوار کاملاً مشابه اندازه گیری می کند. مقدار صفر در این ضریب، نشان دهنده برابری مطلق میان افرادی است که به یک میزان مصرف می کنند، مقدار یک برای این ضریب، به معنای نابرابری مطلق است، یعنی تمام مصرف فقط در یکی از طرفین مقایسه متمرکز شده است. {یعنی فقط یک طرف مقایسه برای مصارف خود پول دارد و طرف دوم هیچ پولی برای مصرف کردن ندارد}. کاهش میزان رفاه که در تمام قسمت های توزیع تجربه شده است، (و در شکل ۶.۸ الف تا ج نشان داده شده است) در این جا به شکل کاهش شاخص جینی ۱۳۹۵ به نسبت ۱۳۹۱ بیان شده است که نتیجه کاهش نابرابری بر مبنای مقایسه معیارهای زندگی در مناطق دهاتی است.

چه حدی از افزایش فقر میان ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ تحت تأثیر عوامل مربوط به تغییرات توزیع بوده است؟ (که توزیع رفاه را تحت فشار قرار داده است) و چه حدی در مقایسه با کاهش کلی مصارف سرانه؟ (یا به عبارت دیگر، رشد منفی رفاه). کاهش فقر می تواند بدون تغییر مصارف سرانه فقط با مقدار قابل توجهی افزایش در مصارف انجام شده توسط بخش فقیر جامعه نیز ایجاد شود (که کاملاً اثر توزیعی دارد). در مقابل اگر توزیع تغییر نکند، و یا مصارف همه افراد جامعه برابر مقدار اوسط باشد، در این صورت تغییر میزان فقر کاملاً تحت تأثیر پدیده رشد قرار دارد.

بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، افزایش کلی در میزان فقر ۲.۱۶ فیصد بوده است، یک پنجم این مقدار به دلیل کاهش میزان مصارف در تمام بخش های توزیع به وجود آمده است، در حالیکه ۸۰ فیصد آن به دلیل تغییرات در توزیع مصارف سرانه (که در شکل ۶.۱۱ نشان داده شده) به وجود آمده است. به بیان دیگر در صورتیکه در توزیع مصارف در سال ۱۳۹۵ به نسبت ۱۳۹۱ تغییراتی حاصل نمی شد، میزان فقر در سطح ملی ۴ فیصد افزایش یافته بود. یعنی تغییرات در توزیع مصارف میزان فقر را تشدید کرده است.

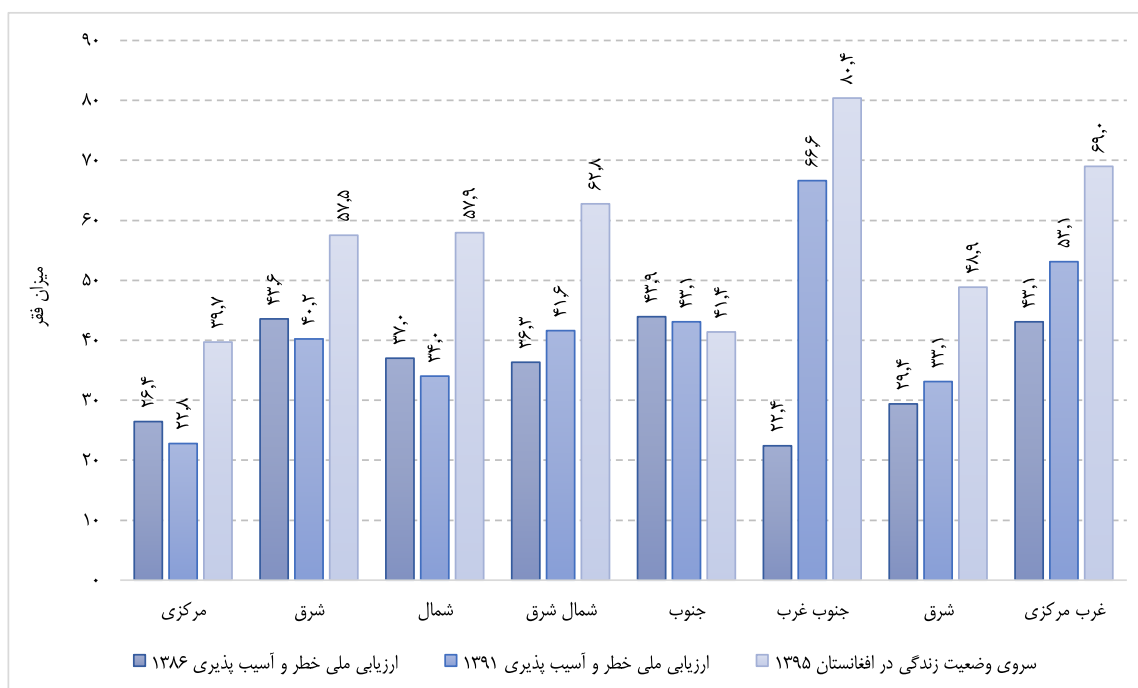
شکل ۱۱.۶: نابرابری رشد، تجزیه تغییرات میزان فقر بین سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵



۳.۳.۶ گرایش های ساحوی

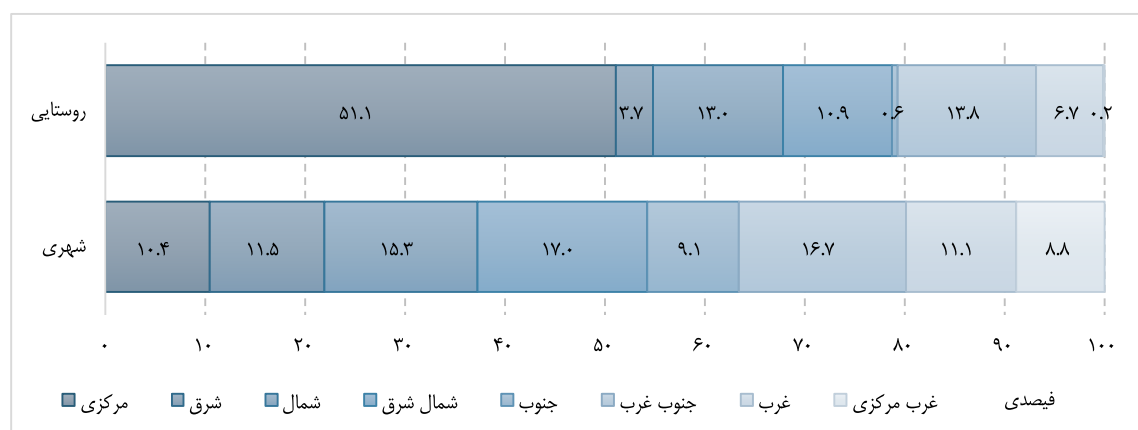
شمار فقرا در همه مناطق در فاصله سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ افزایش یافته است (شکل ۶.۱۲). حتی در جنوب کشور در حالیکه تخمین های ساحوی وضعیت فقر را بدون تغییر نشان می دهند، به جز یک ولایت که سروی فقط در دو ربع اول سال انجام شده است، در سال ۱۳۹۵ مقدار فقر ۴۶ فیصد تخمین زده شده است. نابرابری در میزان رفاه در میان مناطق نیز در همین دوره واضح تر شده است. بیشترین میزان افزایش فقر در فاصله میان سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در مناطق مرکزی، شرقی، شمالی و شمال شرقی بین ۱۷ تا ۲۰ فیصد ثبت شده است. مناطق جنوب غربی بیشترین میزان فقر را در سال ۱۳۹۵ ثبت کرده اند، حتی اگر ارقام مربوط به ولایاتی که از نظر امنیتی انجام سروی در آنها تحت تأثیر قرار گرفته اند یا ارقام آن ها از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند را از محاسبه خارج کنیم، تخمین میزان فقر برای این منطقه در کمترین حالت ۷۲ فیصد را نشان می دهد که هنوز بیشترین میزان در سطح کشور محسوب می شود.

شکل ۱۲.۶: میزان فقر، بر اساس منطقه، سال سروی (به فیصد)



چنان که پیش تر بیان شد، بخش مشخصی از افزایش میزان فقر در فاصله سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به دلیل توزیع فقر به مناطق شهری است. گرچه هنوز هم از هر پنج فرد فقیر در کشور چهار نفر از آنها در مناطق دهاتی زنده گی می کنند. شکل ۶.۱۳ جزئیات بیشتری را در مورد توزیع نفوس فقیر در مناطق دهاتی و مناطق شهری در سال های ۱۳۹۵ نشان می دهد. مناطق مرکزی که شامل کابل می شود به تنهایی نیمی از نفوس فقیر شهر نشین کشور را در خود جای داده است. در حالیکه مناطق شمالی، شمال شرق و جنوب غرب محل زندگی یک سوم دیگر از نفوس فقیر شهر نشین کشور به شمار می روند. نفوس فقیر دهاتی در کل کشور پراکنده تر هستند، مناطق شمال شرقی و جنوب غربی هر کدام ۱۷ فیصد از نفوس فقیر دهاتی را در خود جای داده اند، به دنبال آن منطقه شمالی کشور محل زندگی ۱۵ فیصد از نفوس فقیر دهاتی کشور است.

شکل ۱۳.۶: نفوس فقیر، بر اساس محل زندگی^۳، و منطقه (به فیصد)



^۳ نفوس دهاتی، نفوس کوچی را نیز شامل می شود.

توزیع فقر در مناطق در طول زمان نیز تغییر کرده است (شکل ۶.۱۴) سهم مناطق دهاتی جنوبی و شرقی در کل نفوس فقیر، پس از ۱۳۸۶ به طور مداوم کاهش یافته است. سهم مناطق دهاتی جنوب غربی از کل نفوس فقیر نیز از ۱۷ فیصد در ۱۳۹۱ به ۱۴ فیصد در ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در مقابل مناطق دهاتی شمالی و مرکزی تعداد نفوس فقیر بیشتری را به نسبت ۱۳۹۱ در خود جای داده است.

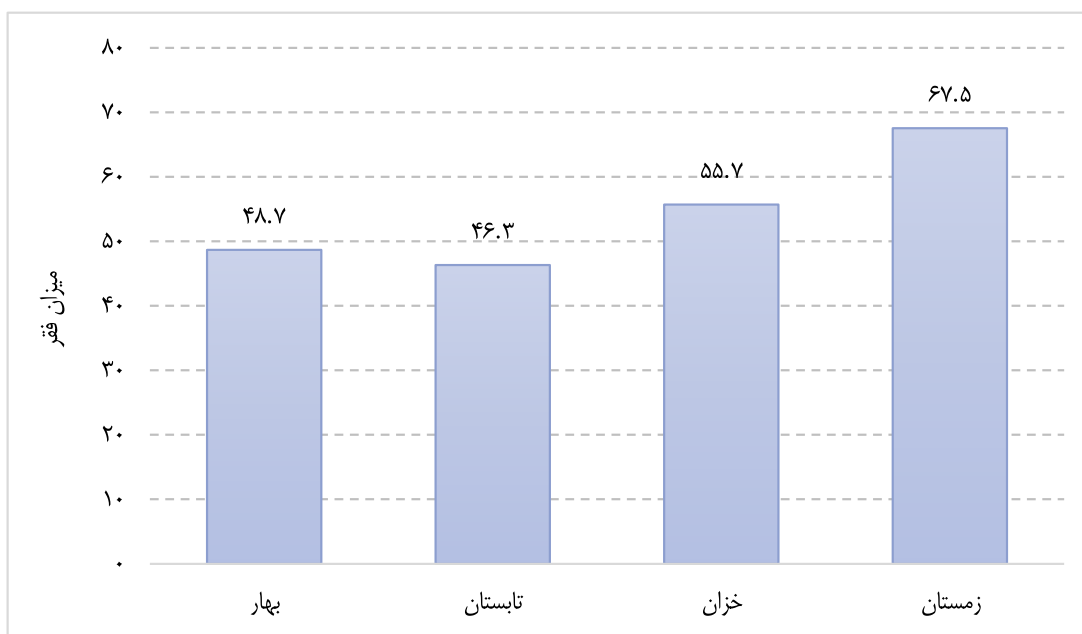
شکل ۱۴.۶: نفوس فقیر، بر اساس سال سروی، منطقه (به فیصد)



۴.۳.۶ تغییرات فصلی در رفاه

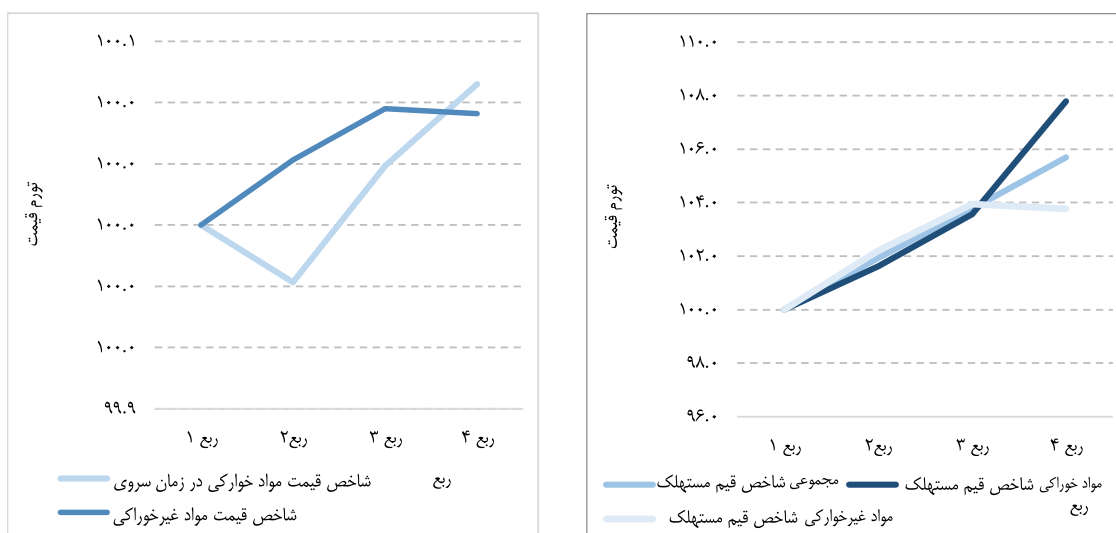
فقر همیشه در افغانستان خصوصیت فصلی داشته است؛ فصل زمستان زمان کاهش رفاه^۴ است. این الگو در سال ۱۳۹۵ نیز با رشد سریع میزان فقر در فصل خزان و زمستان (شکل ۶.۱۵) مشاهده می شود. بخشی از این روند به دلیل افزایش قیمت ها به خصوص افزایش قیمت مواد خوراکی در بین دوره های سروی به وجود می آید، بیشترین افزایش قیمت در ربع چهارم سال مشاهده شده است که تقریباً مصادف با فصل زمستان است (شکل ۶.۱۶ و شکل ۶.۱۷). این الگو همچنین می تواند با کاهش فرصت های مرتبط کسب درآمد از زراعت و کمیاب شدن اجناس خوراکی در بازار در فصل زمستان توضیح داده شود.

شکل ۱۵.۶: میزان فقر، بر اساس فصل (به فیصد)



^۴ در حالی که میتدولوژی سروی، دوره های سروی را به ربع های سال تقسیم کرده است، این ربع ها تقریباً تغییرات فصل ها را در کشور تعقیب می کنند، ربع اول تقریباً مصادف با بهار است، و ربع چهارم با زمستان مصادف است. به هر حال میزان فقر باید در رابطه با تغییر فصل ها در نظر گرفته شود و نه در رابطه با ربع های سال.

شکل ۱۶.۶: نرخ تورم الف) مواد خوراکی و غیر خوراکی و ب) شاخص قیمت مصرف کننده برای مواد خوراکی و غیر خوراکی، بر اساس ربع سال (ربع اول = ۱۰۰)



a منبع: سروی و شاخص ۱۳۹۵ شاخص قیمت مستهلک

b منبع: ۱۳۹۵، شاخص قیمت مستهلک

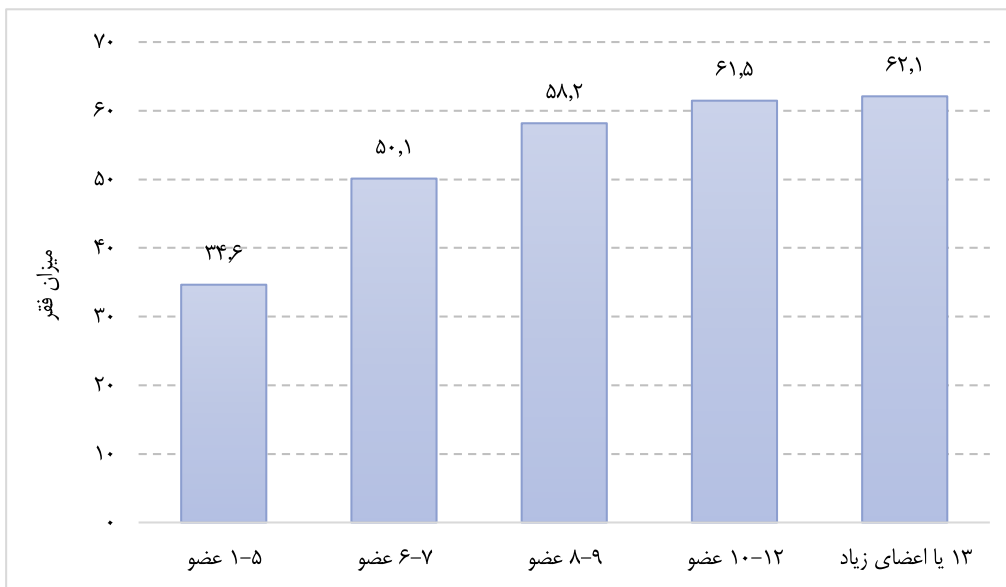
۴.۶ نفوس فقیر افغانستان چه کسانی هستند؟

فاکتور های دموگرافیک در مقیاس افراد و خانوار ها و خصوصیات اجتماعی-اقتصادی عواملی مهمی هستند که با فقر رابطه دارند. این بخش آمار و ارقام مشروعی در مورد عوامل کلیدی مرتبط با فقر در افغانستان ارایه می کند، رابطه این عوامل هم با فقر و هم با سایر فاکتور های مربوط به نفوس در مجموع شرح داده شده است.

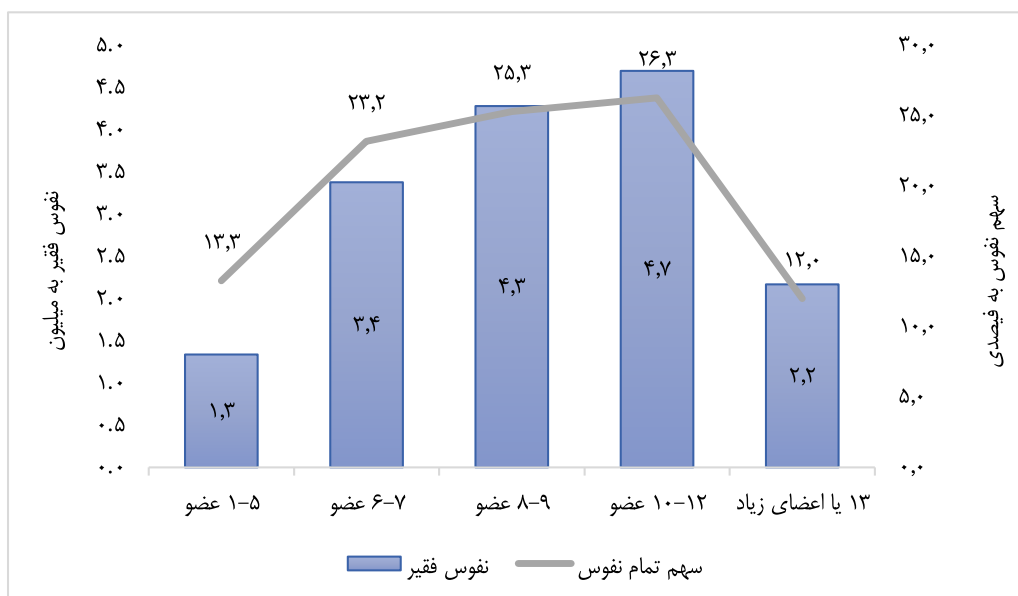
۱.۴.۶ خصوصیات دموگرافیکی

همانند آنچه در سروی قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری مشخص شد، خصوصیات دموگرافیک به صورت قوی با شمار فقرا رابطه دارند. اولاً میزان فقر با تعداد نفوس خانوار مرتبط است (شکل ۶.۱۷). در حالیکه یک سوم از خانوارهایی که یک تا پنج نفر عضو دارند زیر خط فقر زندگی می کنند، تقریباً ۶۰ فیصد از خانوارهایی که هشت نفر یا بیشتر عضو دارند فقیر هستند، علاوه براین خانوار های کم نفوس تر با یک تا پنج نفر عضو فقط ۱۳ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند، خانوارهایی که هشت عضو یا بیشتر دارند بیش از ۶۰ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند (شکل ۶.۱۸). بنا براین خانوار های پر نفوس تر، تعداد بیشتری دارند و بیشتر با فقر بیشتری روبرو هستند.

شکل ۱۷.۶: میزان فقر، بر اساس نفوس خانوار (به فیصد)



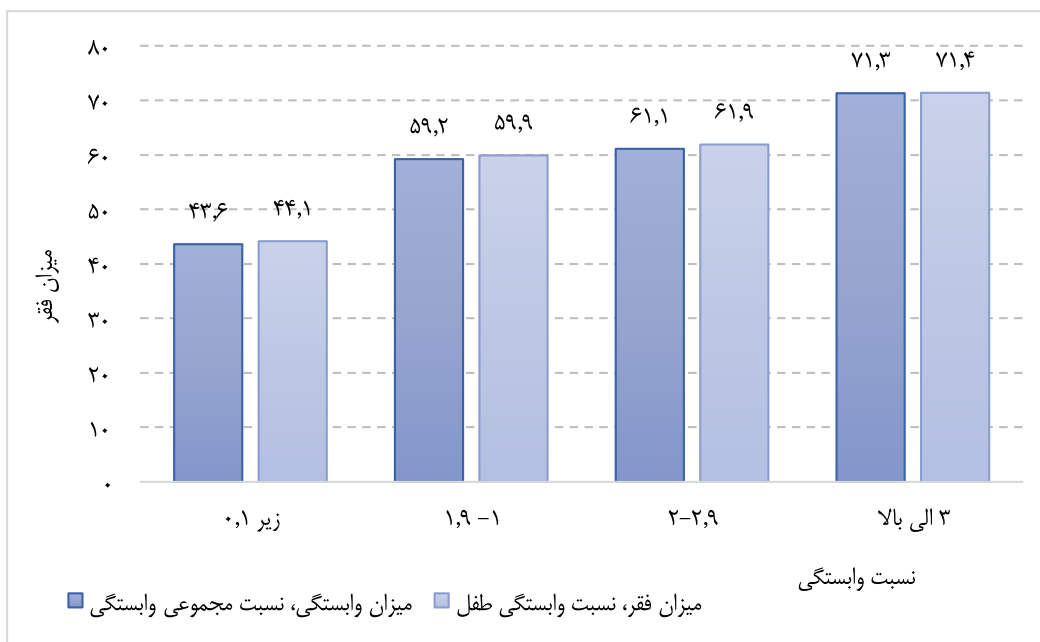
شکل ۱۸.۶: نفوس فقیر (به میلیون) و سهم آنها از مجموع نفوس کشور (به فیصد)، بر اساس اندازه خانوار



فقر همچنین با افزایش وابستگی افزایش می یابد. شکل ۶.۱۹ نشان دهنده سهم نفوسی است که زیر خط فقر زندگی می کنند و با نسب وابستگی اطفال و وابستگی کل مشخص شده اند^۵ با در نظر داشت توزیع دموگرافیک کشور، و در نظر داشت این نکته که ۴۸ فیصد نفوس کشور را نفوس زیر سن ۱۵ سال تشکیل می دهد، قسمت عمده وابستگی مربوط به اطفال است در نتیجه درجه شیوع فقر میان گروه های وابسته کل و گراف وابستگی اطفال مشابهت زیاد دارد. چنانکه در مورد نفوس خانوار ها گفته شد، خانوارهایی که وابستگی بیشتری دارند، بطور مثال خانوارهایی سه نفر یا بیشتر در آنها وابسته به یک عضو کارگر هستند، ۷۰ فیصد بیشتر با فقر روبرو هستند.

^۵ ضریب وابستگی کل، میزان وابستگی افرادی با سن کمتر از ۱۵ سالگی و کلان تر از ۶۴ سالگی به افرادی است که در سن فعالیت اقتصادی و کار کردن (بین ۱۵ تا ۶۴) است، وابستگی اطفال یعنی تعداد اطفالی که سن کمتر از ۱۵ سال دارند و به یک فرد که در سن کار است وابسته هستند.

شکل ۱۹.۶: میزان فقر بر اساس ضریب وابستگی کل و وابستگی اطفال، براساس ضریب وابستگی (به فیصد)

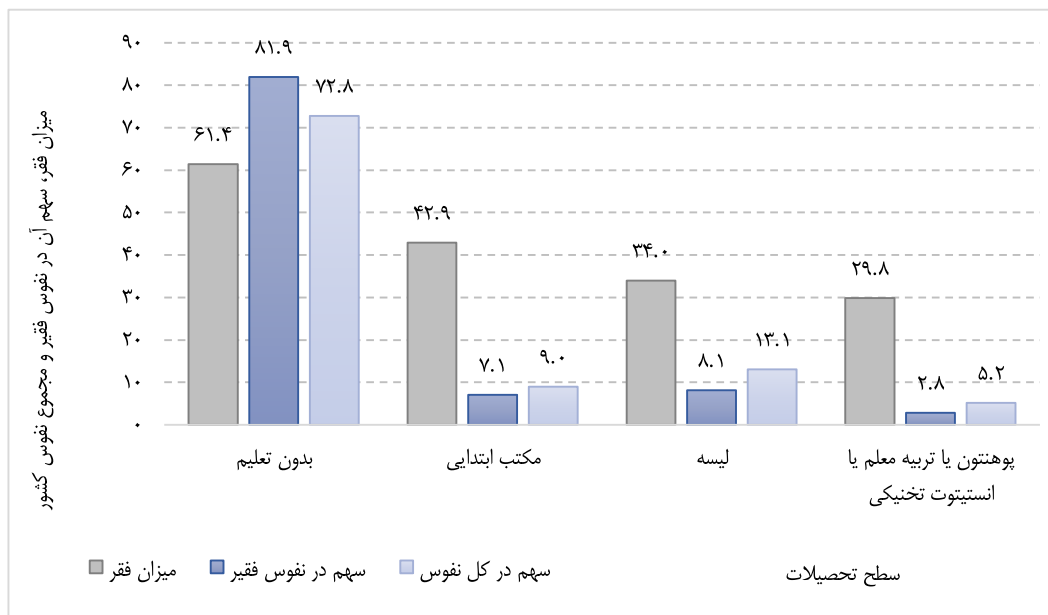


۲.۴.۶ تعلیمات و تحصیلات و تأثیرات آن بر بازار کار

تعلیم و تحصیل (و یا نبود آن) یکی دیگر از عوامل مرتبط با فقر در افغانستان به شمار میرود، در حالی که فقط ۳۶ فیصد خانوار ها سرپرست با سواد دارند، کم سواد ی در کشور فراگیر است. خانوارهایی که سرپرست آنها بی سواد است ۷۴ فیصد از کل نفوس کشور را تشکیل می دهند، به طور اوسط ۶۳ فیصد این خانوارها با فقر روبرو هستند، این درحالی است که نفوس فقیر در خانوارهایی که سرپرست باسواد دارند ۴۰ فیصد است.

با بررسی بیشتر و جزئیات بیشتر، این نکته واضح می شود که نبود تعلیمات و تحصیلات، همزمان که شایع است با فقر رابطه مستقیم دارد. تقریباً ۷۳ فیصد نفوس کشور به خانوارهایی تعلق دارد که هیچ تعلیماتی/تحصیلاتی ندارند، (شکل ۶.۲۰) این خانوار ها ۸۲ فیصد نفوس فقیر کشور را تشکیل می دهند، و میزان فقر در این خانوار ها به طور اوسط ۶۱ فیصد است. در حالیکه فقر با افزایش سطح تعلیمات/تحصیلات کمتر می شود، خانوارهایی که سرپرست آنها تعلیم بیشتر از ثانویه دارند، فقط ۵ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند. در نهایت، وجود سرپرست تعلیم و تحصیل کرده در خانوار خطر فقر را از میان نمی برد.

شکل ۲۰.۶: میزان فقر، سهم آن در نفوس فقیر و سهم آن در کل نفوس کشور، بر اساس میزان تعلیم و تحصیل سرپرست خانوار (به فیصد)



نبود رابطه قوی میان تحصیلات عالی و فقر کمتر بیانگر گستردگی عدم دسترسی به مشاغل تولیدی است.^۶ در مجموع ۳۸ فیصد از نفوس کشور به خانوارهایی تعلق دارد که سرپرست آنها بیکار است، یا کمتر از توانش کار پیدا می کند یا غیر فعال (از کار افتاده) است (جدول ۶.۴). حدود ۴۲ فیصد نفوس فقیر کشور به چنین خانوارهایی تعلق دارد. به عبارت دیگر، شاغل بودن سرپرست خانوار عامل جدا کننده قوی میان خانوارهای فقیر و غنی نیست. در حالیکه میزان فقر در خانوارهای با سرپرست بیکار بیشترین مقدار (۵۹ فیصد) را نشان می دهد، این مقدار بدون توجه به وضعیت شاغل بودن سرپرست خانوار بالا باقی می ماند.

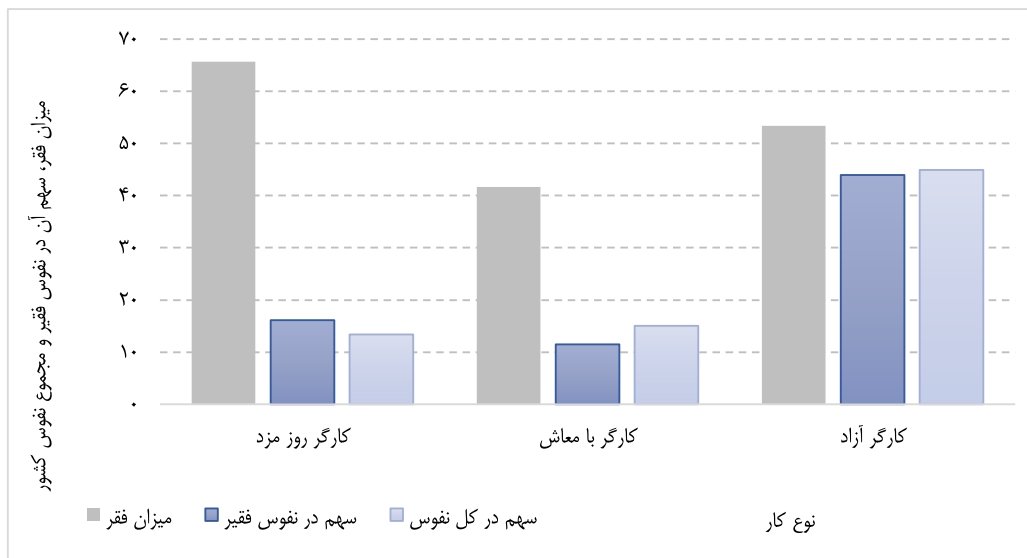
جدول ۴.۶: میزان فقر، سهم در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس وضعیت فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار (به فیصد)

وضعیت فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار	میزان فقر	سهم	
		نفوس فقیر	کل نفوس
شاغل	۵۱.۱	۵۷.۶	۶۱.۴
کم کار	۶۳.۰	۱۷.۶	۱۵.۲
بیکار	۵۸.۸	۱۳.۹	۱۲.۹
غیر فعال	۵۷.۲	۱۰.۸	۱۰.۳

برای درک این که چرا میزان فقر میان خانوارهایی که سرپرست شاغل دارند بیش از ۵۰ فیصد است، باید به کیفیت شغل آنها توجه کنیم. شکل ۶.۲۱ میزان فقر را بر اساس سهم نفوس فقیر هر بخش از کل نفوس فقیر و یا کل نفوس کشور بر اساس مشاغل سرپرست آنها دسته بندی کرده است. حدوداً ۵۹ فیصد نفوس کشور را خانوارهایی تشکیل می دهند که سرپرست آنها در مشاغل آسیب پذیر مشغول به کار هستند، یا به عبارت دیگر برای خودشان کار می کنند یا کارگر روزمزد هستند و یا بدون معاش کار می کنند. فقط ۱۷ فیصد از نفوس کشور به خانوارهای تعلق دارد که سرپرست آنها مشاغلی دارند که معاش ماهوار دریافت می کنند یا سرپرست خانوار کسب و کاری دارد که دیگران را نیز استخدام کرده است. چنان که شکل ۶.۲۱ نشان می دهد، فقط داشتن سرپرستی که معاش ماهوار دریافت کند (۱۵ فیصد کل نفوس) میزان فقر را ۵۰ درصد کمتر می کند، در مقابل، ۵۶ فیصد نفوس کشور به خانوارهایی تعلق دارد که سرپرست آنها به کسب و کار خود مشغول است یا کارگر روزمزد است، میزان فقر در این دو گروه به ترتیب ۵۳ فیصد و ۵۶ فیصد است.

^۶ برای معلومات بیشتر در باره درآمد بازار کار، لطفاً در فصل ۴ بازار کار مراجعه کنید.

شکل ۲۱.۶: میزان فقر، سهم در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس شغل سرپرست خانوار (به فیصد)

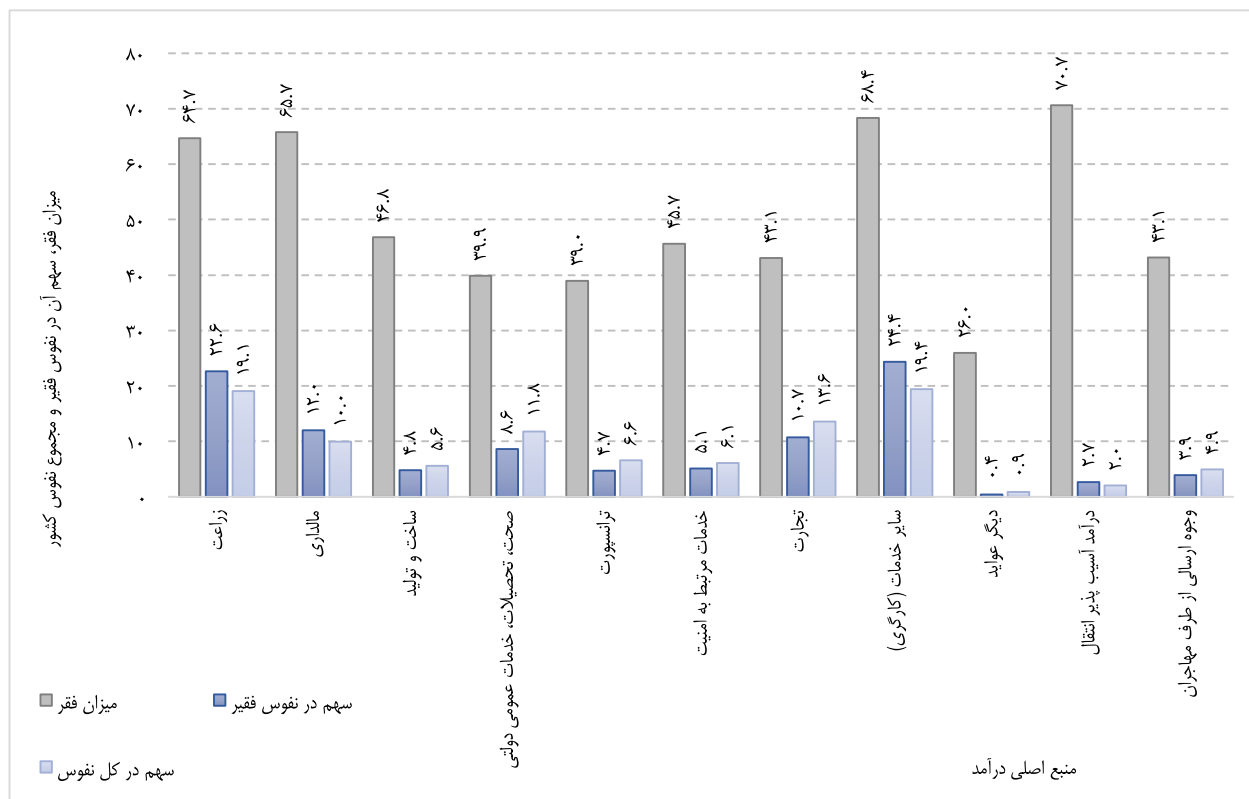


در حالی که فعال بودن سرپرست خانوار در مشاغل زراعتی با میزان فقر بیشتر مرتبط است (۶۳ فیصد) و این خانوارها و خانوارهایی که سرپرست شاغل دارند، یک سوم کل نفوس فقیر (و همچنین ۲۹ فیصد کل نفوس) را تشکیل می دهند، سایر سکتور ها نیز سطح فقر بالایی دارند. خانوار های که سرپرست آن ها در سکتور صنعت مشغول به کار هستند ۱۱ فیصد نفوس فقیر و کل نفوس را تشکیل می دهند و اندازه فقر میان این خانوار ها ۵۸ فیصد است. خانوار های شاغل در سکتور خدمات^۷ ۲۹ فیصد کل خانوار های فقیر (و ۳۵ فیصد کل نفوس) را تشکیل می دهند میزان فقر در میان این خانوار ها ۴۵ فیصد است.

شکل ۶.۲۲ همچنین آسیب پذیری خانوارهایی که سرپرست آنها در سکتور زراعت و مالداري مصروف هستند و آن هایی را که روزمزد هستند را در قسمت ("کسب و کار های دیگر") برجسته ساخته است. خانوارهایی که درآمد اصلی خود را از زراعت، مالداري و مشاغل غیر رسمی (مانند کار روزمزد) به دست می آورند سطح بالایی از فقر را تجربه می کنند (به ترتیب ۶۵، ۶۶ و ۶۸ فیصد)؛ تقریباً ۶۰ فیصد نفوس فقیر افغانستان در چنین خانوارها زندگی می کنند. خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش های صحت، تحصیلات یا خدمات عمومی دولتی و ترانسپورت کار می کنند کمترین میزان فقر را تجربه می کنند، این در حالی است که فقط ۱۳ فیصد نفوس کشور در چنین خانوارهایی زندگی می کنند. علاوه براین، ۲ فیصد مردم افغانستان، در خانوارهایی زنده گی می کنند که درآمد اصلی آن ها آسیب پذیر است (چون قرض گرفتن، دریافت ذکات، مهریه، یا تکدی). میزان فقر در این خانوارها تا ۷۱ فیصد بلند می باشد از سویی دیگر وجوه ارسالی برای خانوار هایشان به عنوان عاملی برای کاهش فشار مالی محسوب می شود: مردمی که در خانوارهایی زندگی می کنند که منبع اصلی درآمدشان وجوه ارسالی عضو مهاجرشان است (حدود ۵ فیصد) با فقر راحت تر کنار آمده اند و میزان فقر در میان آن خانوار ها ۴۳ فیصد است.

^۷ سکتور خدمات شامل صنعت های ذیل را شامل می گردد: خرده و عمده فروش، ترانسپورت، گدام داری، ارتباطات، مالی، بیمه، راهنمایی معاملات و خدمات اجتماعی و شخصی

شکل ۲۲.۶: میزان فقر، سهم در نفوس فقیر و سهم در کل نفوس، بر اساس منبع درآمد اصلی خانوار (به فیصد)



۷. مصوّنیت غذایی

خلاصه: قسمت اعظم نفوس افغانستان به عدم مصوّنیت غذایی مزمن و عدم مصوّنیت غذایی موسمی مواجه میباشند. عدم مصوّنیت غذایی به اساس مصرف کیلو کالوری انرژی طبق، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ به ۴۵ فیصد یعنی در حدود ۱۳۰ میلیون نفوس کشور مصوّنیت غذایی ندارند. از جمله نفوس ذکر شده تقریباً ۳۹ میلیون (۱۳ فیصد) با عدم مصوّنیت غذایی بسیار شدید، ۴۱ میلیون (۱۴ فیصد) با عدم مصوّنیت غذایی شدید و ۵۰ میلیون (۱۷ فیصد) با عدم مصوّنیت غذایی نسبی مواجه میباشند. میزان عدم مصوّنیت غذایی در میان نفوس کوچی (۳۲ فیصد) در مقایسه با نفوس شهری و دهاتی کمتر میباشند که به ترتیب ۴۶ فیصد و ۴۲ فیصد از لحاظ دسترسی به غذا غیر مصوّن میباشند. این درحالیست که تا اکنون سطح عدم مصوّنیت غذایی در میان ۱.۵ میلیون نفوس کوچی بسیار بلند گزارش شده است که از لحاظ دسترسی به غذا تعداد افراد غیر مصوّن کوچی به ۴۷۱ هزارتن میرسد. مناطق شرق، شمال و شمال شرق دارای بیشترین نفوس غیر مصوّن غذایی بسیار شدید و شدید میباشند. در مجموع سطح ۴۵ فیصد عدم مصوّنیت غذایی در جریان سال ۱۳۹۵ نشان میدهد که در مقایسه با ۳۰ فیصد عدم مصوّنیت غذایی طی سال ۱۳۹۱ در حدود ۱۵ فیصد افزایش به عمل آمده است. نفوس دهات از عدم مصوّنیت غذایی (تخمیناً ۱۷ فیصد) در مقایسه با نفوس شهری و کوچی (به ترتیب ۸ فیصد و ۷ فیصد) بیشتر متاثر گردیده است.

رژیم غذایی مردم افغانستان نه تنها از لحاظ مقداری ناکافی بوده بلکه از لحاظ کیفیت نیز فقیر بوده و اساساً به غله جات، شکر و روغن متکی میباشند. بصورت کل نیم نفوس (۵۱ فیصد) کشور بصورت نسبی یا کمتر غذا مصرف میکنند که میزان آن در بین نفوس دهات به ۵۵ فیصد، در بین نفوس کوچی به ۴۳ فیصد و بالاخره در بین نفوس شهری به ۴۰ فیصد میرسد. در مجموع حدوداً ۳۰ فیصد افغانها (۸.۸ میلیون تن) از انواع مواد خوراکی موجود که روزمره استفاده میکنند به اندازه کافی پروتئین اخذ کرده نمی توانند (حد اقل ۵۰ گرم برای هرفرد در یک روز). تقریباً تمام افرادی که به اندازه کافی پروتئین مصرف نمیکنند به فقدان مصرف کالوری نیز مواجه میباشند. مصرف ناکافی پروتئین و کالوری بصورت مشخص نزدیک به ۱.۴ میلیون طفل زیر پنج سال را متاثر ساخته و آنها را در برابر سوء تغذی آسیب پذیر میسازد. به منظور مجادله با صدمات مختلف، اکثر خانوارها و اعضای آنها اساساً از استراتژیهای کوتا مدت مجادله به صدمات استفاده میکنند. همچنان، از یک تعداد استراتژیهای غیر عملی (نا پایدار) نیز بعضاً استفاده صورت میگیرد که بالای مصوّنیت غذایی آینده اثرات منفی به جا میگذارد. بصورت مشخص یک بر پنجم حصه اعضای خانوارهای نفوس کوچی از استراتژیهای ناپایدار مجادله با صدمات استفاده میکنند.

میزان عدم مصوّنیت غذایی نظر به ولایات متفاوت بوده که نشان دهنده راه های مختلف و رایج بدیل معیشت و فعالیت های اقتصادی در هر ولایت میباشند. بلند ترین رقم نفوس نا مصوّن غذایی (بیشتر از ۶۰ فیصد) در ولایات مانند جوزجان، پکتیا، تخار، بدخشان، ننگرهار، ارزگان، نورستان، سمنگان، بلخ و لغمان گزارش شده است.

۱.۷ مقدمه

مصوّنیت غذایی زمانی وجود دارد، که تمام مردم، در تمام اوقات برای تداوم یک حیات فعال و صحت مند به غذای کافی، صحتی و مغذی دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند. درین گزارش، خانوارها و مردم که حد اقل نیاز کالوری مورد نیاز خویش را نظر به سن، جنس و عیار شده با موسم و فصل به دست میآورند از نگاه غذایی مصوّن پنداشته می شوند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ ارقام در مورد مقدار مصرف غذا به سطح خانوار، منابع غذا و انواع غذا طی هفت روز گذشته در جریان ارزیابی به مصرف رسیده اند، جمع آوری گردیده که امکان محاسبه مصوّنیت غذایی نفوس و خانوارها را به اساس مصرف کیلو کالوری که برای نیازمندی بیشتر در جریان زمستان عیار گردیده، فراهم میسازد. در این فصل در بخش تحلیل و تجزیه، کنگوری های ذیل در بخش مصرف کیلو کالوری افراد در خانوارها مورد استفاده قرار گرفته اند:

- عدم مصوّنیت غذایی بسیار شدید - کمبود ۶۰۰ کیلو کالوری یا بیشتر از آن نزد یک فرد در فی روز
- عدم مصوّنیت غذایی شدید - کمبود ۳۰۰ - ۵۹۹ کیلو کالوری نزد یک فرد در فی روز
- عدم مصوّنیت غذایی متوسط - کمبود ۱ - ۲۹۹ کیلو کالوری نزد یک فرد در فی روز
- مصوّنیت غذایی سرحدی - مصرف دقیق کالوری مورد نیاز یا ۱ - ۳۰۰ کیلو کالوری نزد یک فرد در فی روز
- مصوّنیت غذایی کافی - مصرف بیشتر از ۳۰۰ کیلو کالوری مورد نیاز نزد یک فرد در فی روز

بر علاوه اخذ کیلو کالوری، سایر شاخص ها مانند نمره مصرف غذا استراتژیهای مجادله با کمبود غذا و نمره سطح گرسنگی خانوار منحیت شاخص های عدم مصوّنیت غذایی شامل گردیده اند.

۲.۷ وضعیت کنونی مصوّنیت غذایی

۱.۲.۷ وضعیت کلی مصوّنیت غذایی

عدم مصوّنیت غذایی بصورت گسترده در بین تمام گروپهای نفوس افغانستان شیوع یافته است. بطور کلی در حدود ۱۳۰ میلیون تن یا ۴۴.۶ فیصد نفوس افغانستان به عدم مصوّنیت غذایی بسیار شدید و یا عدم مصوّنیت غذایی نسبی مواجه میباشند. ازین جمله ۳.۹ میلیون تن یا ۱۳.۴ فیصد نفوس با عدم مصوّنیت غذایی بسیار شدید مواجه هستند که مصرف غذایی آنها نشان دهنده کاهش ۶۰۰ کیلو کالوری یا بیشتر از آن را در روز نشان میدهد (جدول ۱.۷). نفوس دهات (۴۶.۲ فیصد) در مقایسه با نفوس شهری (۴۲.۱ فیصد) بیشتر در معرض عدم مصوّنیت غذایی قرار دارند. در مقایسه با نفوس شهری و دهاتی، نفوس کوچی در موقعیت بهتر قرار دارد اما با وصف آن نیز با سطح بلند عدم مصوّنیت غذایی (۳۲.۹ فیصد) مواجه میباشند. بصورت مجموعی در حدود ۹.۶ میلیون تن در دهات، ۲.۹ میلیون تن در مناطق شهری و ۴۷۰ هزار تن در بین نفوس کوچی مصوّنیت غذایی ندارند.

جدول ۱.۷: نفوس، به اساس محل اقامت و وضعیت مصئونیت غذایی (به میلیون و فیصدی)

الف: به میلیون

محل اقامت

محل اقامت	عدم مصئونیت غذایی			مصئونیت غذایی			مجموع
	بسیار شدید	شدید	متوسط	مجموع	خط فاصل یا سرحدی	کافی	
ملی	۳.۹	۴.۱	۵.۰	۱۳.۰	۴.۷	۱۱.۴	۲۹.۱
شهری	۰.۹	۰.۸	۱.۲	۲.۹	۱.۱	۲.۹	۶.۹
دهاتی	۲.۹	۳.۱	۳.۶	۹.۶	۳.۳	۷.۸	۲۰.۷
کوچی	۰.۱	۰.۱	۰.۲	۰.۵	۰.۳	۰.۷	۱.۵

ب: به فیصدی

محل اقامت

محل اقامت	عدم مصئونیت غذایی			مصئونیت غذایی			مجموع
	بسیار شدید	شدید	متوسط	مجموع	خط فاصل یا سرحدی	کافی	
ملی	۱۳.۴	۱۴.۱	۱۷.۱	۴۴.۶	۱۶.۲	۳۹.۳	۱۰۰.۰
شهری	۱۲.۹	۱۲.۱	۱۷.۱	۴۲.۱	۱۵.۵	۴۲.۴	۱۰۰.۰
دهاتی	۱۴.۰	۱۵.۰	۱۷.۳	۴۶.۳	۱۶.۱	۳۷.۷	۱۰۰.۰
کوچی	۸.۱	۱۰.۲	۱۴.۰	۳۲.۳	۱۹.۸	۴۷.۹	۱۰۰.۰

یادداشت: جمع تمام ارقام ستون های مربوطه جدول بنابر عملیه روند آف ممکن مجموع مورد نظرا ارایه ننماید.

اکثریت افراد در تمام گروپ های نفوس که با کمبود کالوری مواجه اند و با عدم مصرف کافی پروتئین نیز مواجه میباشند. ^۱در مجموع ۸.۸ میلیون تن یا ۳۰.۱ فیصد نفوس کشور توانایی رفع نیازمندی روزمره پروتئین بدن خویش را حد اقل تا ۵۰ گرم برای هرفرد دریک روز ندارند. در این میان ۸.۴ میلیون تن به کمبود کالوری و پروتئین مواجه میباشند. عدم دریافت کافی کالوری و پروتئین بصورت مشخص بالای اطفال زیر سن پنج سال اثرات منفی به جا میگذارد که طبق. سروی وضعیت زندگی در افغانستان اطفال زیرسن پنج سال ۱۷ فیصد اعضای خانوارها را تشکیل میدهند. این امر نشان دهنده آنست که حد اقل درحدود ۲.۲ میلیون تن اطفال زیر پنج سال درخانوار های غیر مصئون غذایی زندگی میکنند و ۱.۴ میلیون تن ازجمله این اطفال درخانوارهای زندگی میکنند که به کمبود هردو یعنی پروتئین و کالوری مواجه هستند ازینرو این اطفال در برابر سوء تغذی آسیب پذیر میباشند.

همچنان درحدود ۲.۹ میلیون نفوس شهری به عدم مصئونیت غذایی مواجه هستند (فقدان یک کیلوکالوری)، ۱.۹ میلیون این افراد (۲۷.۱ فیصد) به فقدان پروتئین و ۱.۸ میلیون (۲۵.۷ فیصد) آنها به فقدان هردو یعنی پروتئین و کالوری مواجه میباشند. در مناطق دهات، ۹.۶ میلیون تن به فقدان کیلو کالوری و ۶.۶ میلیون تن (۳۱.۷ فیصد) به فقدان پروتئین مواجه هستند، این در حالیست که در حدود ۶.۴ میلیون تن (۳۰.۷ فیصد) به کمبود هردو یعنی کالوری و پروتئین مواجه میباشند. در بین نفوس کوچی، درحدود ۴۷۱ هزار تن درمعرض عدم مصئونیت غذایی قراردارند که از این جمله ۳۳۰ هزار تن (۲۲.۷ فیصد) به کمبود پروتئین و ۲۷۹ هزارتن (۱۹.۱ فیصد) دیگر به کمبود هر دو یعنی پروتئین وکیلو کالوری مواجه میباشند.

۲.۲.۷ توزیع نفوس به اساس زون و ولایت

عدم مصئونیت غذایی نظربه زون متفاوت میباشد^۲. فیصدی بلند نفوس که از نگاه غذایی مصئون نیستند (۵۹.۷ فیصد) در مناطق زون شرقی گزارش گردیده که به تعقیب آن زون شمال (۵۴.۹ فیصد) مناطق زون شمال شرق با داشتن (۵۰.۵ فیصد) در جایگاه سوم و زون مناطق مرتفع مرکزی با داشتن (۴۹.۰ فیصد) نفوس که از نگاه غذایی مصئون نمی باشند در جایگاه چهارم قرار دارد (جدول ۷.۲). زونهای متذکره همچنان دارای بلندترین میزان نفوسی که با عدم مصئونیت غذایی شدید مواجه اند. بزرگترین رقم نفوس غیر مصئون غذایی ۲۰.۲- میلیون تن- درشمال زندگی میکنند که به تعقیب آن درحدود ۲.۱ میلیون تن درمناطق مرتفع مرکزی و ۲۰۰ میلیون مردم غیر مصئون غذایی درزون شمال شرق قرار دارند. مصئونیت غذایی نظربه ولایت نیز وسیعاً متفاوت میباشد. درحدود ۱۰ ولایت کشور دارای بلند ترین میزان عدم مصئونیت غذایی میباشند (بیشتر از ۶۰ فیصد عدم مصئونیت غذایی در ولایات مانند جوزجان، پکتیا، تخار، بدخشان، ننگرهار، ارزگان، نورستان، سمنگان، بلخ و لغمان وجود دارد - شکل ۷.۱ دیده شود). ولایات که در کنگوری دوم عدم مصئونیت غذایی قرار دارند

۱ محاسبه خطوط فاصل میزان کمبود پروتئین بین افراد قرارذیل صورت میگردد: کمبود بسیارشدید - کمتر از ۵۰ فیصد نیازمندی پروتئین (مصرف کمتر از ۲۵ گرم پروتئین توسط هر فرد در یک روز); کمبود شدید - ۲۵-۵۰ فیصد نیازمندی پروتئین (مصرف ۲۵ الی کمتر از ۳۷.۵ گرم پروتئین توسط هرفرد دریک روز); کمبود متوسط یا نسبی - کمتر از ۲۵ فیصد نیازمندی (مصرف ۳۷.۵ الی کمتر از ۵۰ گرم پروتئین توسط هر فرد در یک روز); مصرف قابل قبول - ۵۰-۵۰ گرم یا بیشتر از آن توسط هرفرد دریک روز.
۲ ولایات که در هر زون طبقه بندی گردیده اند قرار ذیل میباشند: مرکزی - شامل کابل، کاپیسا، پروان، پنجشیر، وردک و لوگر. مناطق مرتفع مرکزی شامل بامیان، دایکندی، غور و غزنی میباشند. شرق شامل ننگرهار، لغمان، کندهار و سرپل، بلخ، جوزجان و فاریاب بوده زون شمال شرق در برگرفته بدخشان، تخار، کندز و بغلان میباشند. همچنان زون جنوب شرق شامل ولایات پکتیا، پکتیکا وخوست و زون جنوب غرب شامل ولایات هلمند، زابل، ارزگان، و نیمروز میباشند و بالاخره زون غرب دربرگیرنده هرات، بادغیس و فراه می باشد.

(۴۰.۱ - ۶۰ فیصد) شامل غزنی، کندز، زابل، هرات، دایکندی، بادغیس، کندهار، فاریاب، غور و سرپل میباشند و کتگوری گروپ سوم (۳۰.۱-۴۰.۰ فیصد) دربرگیرنده پروان، نیمروز، کنړها، بامیان و وردک میباشند. همچنان در کتگوری چهارم (۲۰.۱-۳۰) نیز ولایات پنجشیر، کابل، خوست، فراه، کاپیسا، هلمند و لوگر شامل هستند. و گروپ ولایات که دارای کمترین رقم عدم مصئونیت غذایی هستند (۱۰.۱-۲۰) شامل پکتیکا و بغلان میباشند که عدم مصئونیت غذایی در این ولایات کمتر از ده فیصد گزارش شده است.

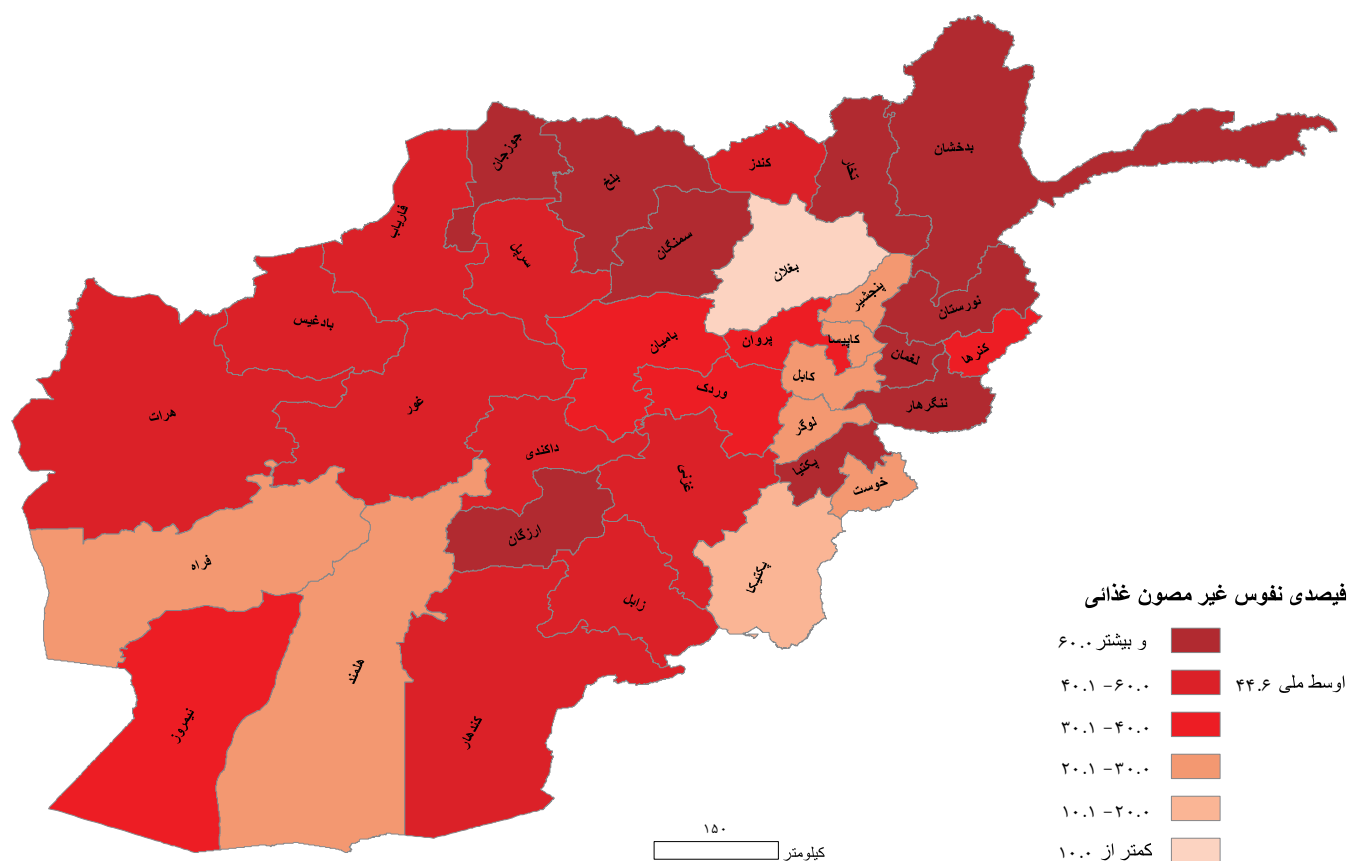
جدول ۲.۷: نفوس، به اساس محل اقامت زون و وضعیت مصئونیت غذایی (به هزار و فیصدی)

یادداشت: مجموع تمام سلول های یک ستون ممکن مجموع را به دلیل روند آف ارایه نکند

زون	الف - به هزار						
	عدم مصئونیت غذایی			مصئونیت غذایی			مجموع
	بسیار شدید	شدید	متوسط	مجموع	خط فاصل	کافی	
مجموع	۳,۸۹۹	۴,۰۹۰	۴,۹۷۷	۱۲,۹۶۷	۴,۷۰۰	۱۱,۴۳۴	۲۹,۱۰۱
مرکزی	۴۱۵	۵۶۷	۱,۱۰۰	۲,۰۸۲	۱,۲۲۵	۳,۷۹۶	۷,۱۰۳
مناطق مرتفع مرکزی	۶۳۳	۳۸۸	۴۳۰	۱,۴۵۱	۴۱۳	۱,۰۹۶	۲,۹۶۱
شرق	۳۸۵	۶۳۶	۶۴۱	۱,۶۶۱	۴۶۵	۶۵۶	۲,۷۸۲
شمال	۸۶۵	۶۹۳	۶۸۳	۲,۲۴۱	۵۸۸	۱,۲۵۰	۴,۰۷۸
شمال شرق	۷۸۲	۶۶۸	۵۸۱	۲,۰۳۰	۴۵۴	۱,۵۳۶	۴,۰۲۰
جنوب شرق	۱۹۵	۲۳۵	۲۱۴	۶۴۴	۱۸۶	۷۹۱	۱,۶۲۱
جنوب غرب	۲۱۱	۴۲۸	۶۹۴	۱,۳۳۳	۷۲۸	۱,۱۳۷	۳,۱۹۸
غرب	۴۱۴	۴۷۶	۶۳۶	۱,۵۲۶	۶۴۰	۱,۱۷۱	۳,۳۲۷

زون	ب- به فیصدی						
	عدم مصئونیت غذایی			مصئونیت غذایی			مجموع
	بسیار شدید	شدید	متوسط	مجموع	خط فاصل	کافی	
مجموع	۱۳.۴	۱۴.۱	۱۷.۱	۴۴.۶	۱۶.۲	۳۹.۳	۵۵.۴
مرکزی	۵.۸	۸.۰	۱۵.۵	۲۹.۳	۱۷.۲	۵۳.۴	۷۰.۷
مناطق مرتفع مرکزی	۲۱.۴	۱۳.۱	۱۴.۵	۴۹.۰	۱۴.۰	۳۷.۰	۵۱.۰
شرق	۱۳.۸	۲۲.۸	۲۳.۰	۵۹.۷	۱۶.۷	۲۳.۶	۴۰.۳
شمال	۲۱.۲	۱۷.۰	۱۶.۷	۵۴.۹	۱۴.۴	۳۰.۶	۴۵.۱
شمال شرق	۱۹.۴	۱۶.۶	۱۴.۴	۵۰.۵	۱۱.۳	۳۸.۲	۴۹.۵
جنوب شرق	۱۲.۰	۱۴.۵	۱۳.۲	۳۹.۷	۱۱.۵	۴۸.۸	۶۰.۳
جنوب غرب	۶.۶	۱۳.۴	۲۱.۷	۴۱.۷	۲۲.۸	۳۵.۶	۵۸.۳
غرب	۱۲.۴	۱۴.۳	۱۹.۱	۴۵.۷	۱۹.۲	۳۵.۱	۵۴.۳

شکل ۱.۷: فیصدی نفوس نامصنوع غذایی، به اساس ولایت



۳.۲.۷ مصرف پروتین

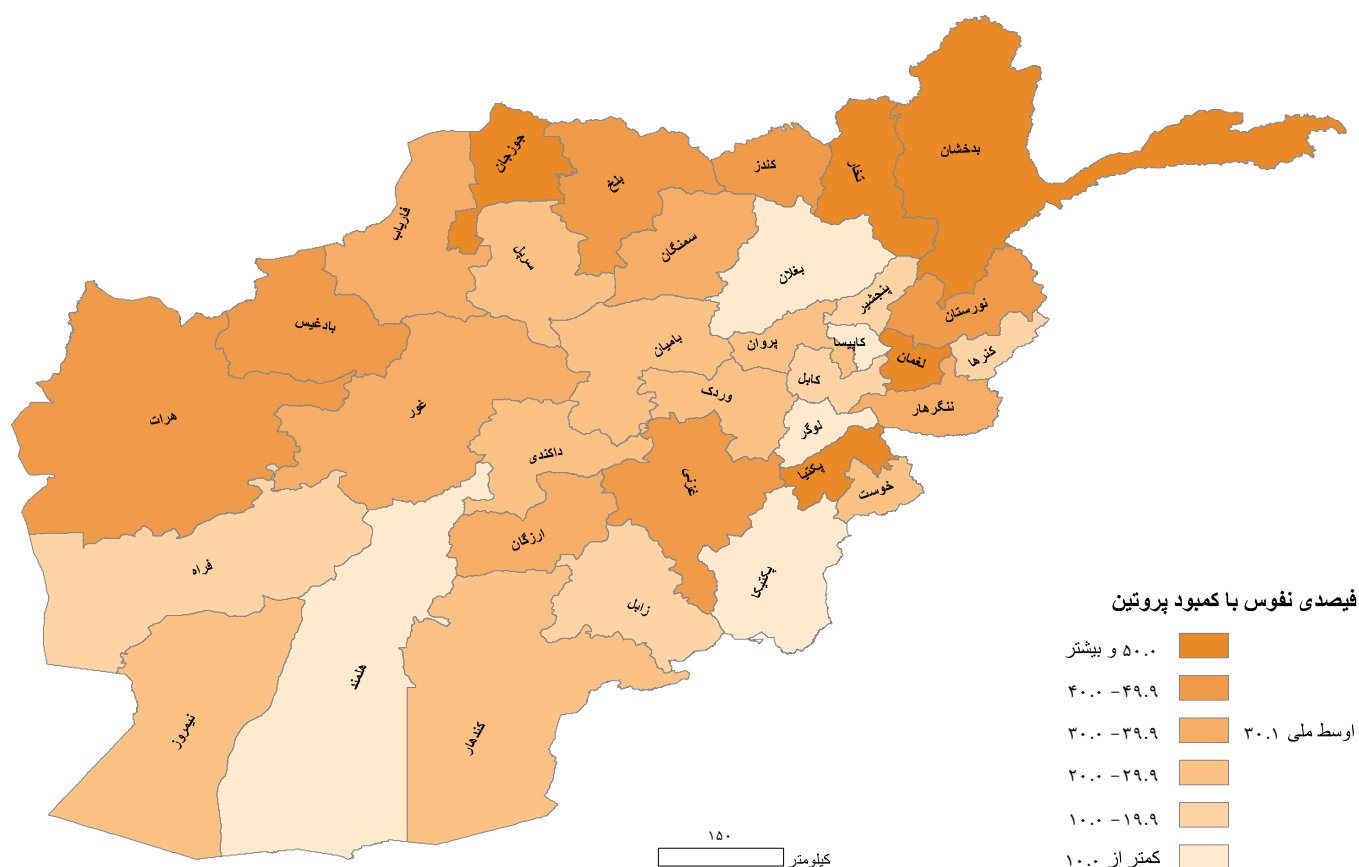
رژیم غذایی در افغانستان نه تنها از لحاظ تنوع و انرژی فقیر بوده بلکه از لحاظ داشتن پروتین کافی نیز ضعیف میباشد. بصورت مجموعی در حدود ۸.۸ میلیون تن (۳۰.۱ فیصد) مردم در رژیم غذایی شان، کمبود پروتین دیده می شود. ازین جمله تخمیناً ۰.۴ میلیون (۱.۴ فیصد) تن به کمبود بسیار شدید پروتین (مصرف کمتر از ۵۰ فیصد نیازمندی) مواجه بوده، و ۲.۳ میلیون (۸ فیصد) تن کمبود شدید پروتین را تجربه میکنند (کمبود ۵۰-۲۵ فیصد نیازمندی) و همچنان در حدود ۶.۰ میلیون تن دیگر (۲۰.۸ میلیون) به کمبود نسبی پروتین مواجه میباشند (به کمبود یک برچهارم حصه نیازمندی پروتین بدن دچار هستند).

فقدان پروتین در بین نفوس دهاتی در سطح بلند تر (۳۱.۷ فیصد، که نشان دهنده ۶۶ میلیون نفوس میباشد) قرار دارد، بعد از آن نفوس شهری (۲۷.۱ فیصد یا ۱.۹ میلیون تن) در رده دوم قرار دارند و نفوس کوچی بنابر دسترسی به تولیدات حیوانی و شیر در پایین ترین سطح کمبود پروتین قرار دارند (۲۲.۷ فیصد یا ۳۳۰ هزار نفوس کوچی). نفوس کوچی در عرصه ابتلا به فقدان بسیار شدید و شدید پروتین نیز در سطح پایین ترین کتگوری قرار دارند، درحالیکه درین دو کتگوری بین نفوس شهری و دهاتی تفاوت زیاد وجود ندارد.

در سطح زون ها، زون های شمال و شمال شرق دارای بلند ترین رقم نفوس مواجه به فقدان پروتین میباشد (۴۱.۰ و ۴۰.۱ فیصد به ترتیب)، به تعقیب آن زون شرق (۳۶.۷ فیصد)، غرب (۳۵.۸ فیصد)، زون مناطق مرتفع مرکزی (۳۵.۶ فیصد) و زون جنوب شرق (۳۰.۲ فیصد) قرار دارند. زون های جنوب غرب و مرکزی دارای کمترین میزان نفوس مواجه به فقدان پروتین میباشد (به ترتیب ۱۶.۵ فیصد و ۱۶.۷ فیصد). بصورت کل زون های شمال و شمال شرق بیشترین نفوس (۱.۷ و ۱.۶ میلیون) مواجه به فقدان پروتین را دارا میباشد.

در سطح ولایات، جوزجان دارای بیشترین نفوس مواجه به فقدان پروتین بوده که به تعقیب آن ولایات پکتیا، تخار، لغمان و بدخشان (در مجموع ۵۰ فیصد) به ترتیب در رده های بعدی قرار دارند. سایر ولایات مانند بلخ، کندز، غزنی، نورستان، هرات و بادغیس دارنده نفوس بین ۴۰ تا ۵۰ فیصد مواجه به فقدان پروتین میباشد.

شکل ۲.۷: فیصدی نفوس مواجه به کمبود پروتئین به اساس ولایت

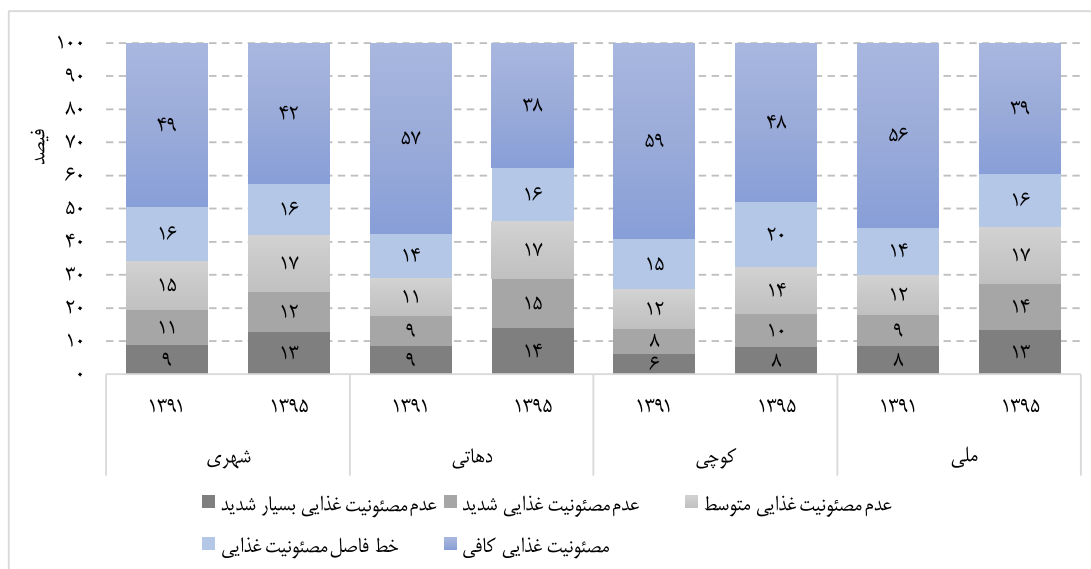


۷.۳ روند تغییر مصئونیت غذایی

شکل ۷.۳ در مورد روند تغییر مصئونیت غذایی نفوس میان ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵. معلومات فراهم مینماید. درکل، مصئونیت غذایی از ۳۰.۱ فیصد درسال ۱۳۹۱ به ۴۴.۶ فیصد درسال ۱۳۹۵ رسیده است که حدود ۱۴.۵ فیصد افزایش را طی این مدت نشان میدهد. در کتگوری های مختلف عدم مصئونیت غذایی (بسیار شدید، شدید، متوسط یا نسبی) به سطح ملی تقریباً درحدود ۵ فیصد افزایش به مشاهده میرسد.

در بین گروه های مختلف شهروندان یک افزایش در عدم مصئونیت غذایی بوجود آمده است که بلند ترین رقم این افزایش درمناطق دهات (۱۷.۲ فیصد) نشان داده شده و متعاقب آن در مناطق شهری این رقم به (۷.۷ فیصد) و در بین نفوس کوچی (به ۶.۷ فیصد) میرسد. نفوس دهات افزایش قابل ملاحظه را در عدم مصئونیت غذایی درهرسطح عدم مصئونیت غذایی (به ترتیب ۵.۴، ۵.۸ و ۶.۹ فیصد درکتگوری بسیار شدید، شدید و متوسط) تجربه نموده است. درمناطق شهری، بلند ترین افزایش در کتگوری بسیار شدید عدم مصئونیت غذایی (۴.۱ فیصد) بملاحظه میرسد، این درحالیست که بین نفوس کوچی بلند ترین افزایش در کتگوری بسیار شدید (۲.۵ فیصد) دیده میشود که به تعقیب آن درکتگوری عدم مصئونیت غذایی نسبی (۲.۳ فیصد) و اندکی افزایش در کتگوری بسیار شدید عدم مصئونیت غذایی دیده میشود.

شکل ۳.۷: نفوس، به تفکیک محل اقامت، سال سروری، و به تفکیک وضعیت مصئونیت غذایی (به فیصدی)



یادداشت: جمع تمام ارقام ستون های مربوطه جدول بنابر عملیه روند آف ممکن مجموع مورد نظرا ارایه ننماید.

۴.۷ خصوصیات نفوس نامصئون غذایی

۱.۴.۷ مشخصات اقتصادی

میان منابع عاید و مصئونیت غذایی خانوارها رابطه وجود دارد. در حدود بیشتر از ۵۰ فیصد خانوار های نا مصئون غذایی را خانوارهای تشکیل میدهند که منبع عاید شان قرض، گدایی، جهیزیه، قالبین بافی و یا روزمزدی میباشد (جدول ۷.۳). گروه دوم نفوس نا مصئون غذایی (۴۵-۵۰ فیصد) در برگیرنده خانوارهایست که منبع عاید شان را تولید و پروسس مواد غذایی، سایر کارهای روزمزدی، دریافت زکات، خیاطی و صنایع دستی و غیره تشکیل داده و یا منبع درآمد شان را روز مزدی دربخش زراعت، ترانسپورت/رانندگی تکسی، تولید و فروش مواشی، سایر مشاغل تولیدی، تولید و فروش محصولات زراعتی، کارهای خدماتی دیگر، تدریس و دریافت وجوه مالی از خارج کشور تشکیل میدهد.

گروه سوم نفوس (۴۰-۴۴ فیصد) نا مصئون غذایی شامل خانوارهایست که منبع عمده عاید شان را دکانداری/کاروبار کوچک و سایر فعالیت های تجاری، انواع کارهای صنعتی دستی، کار در صفوف پولیس، چوپانی روز مزدی، دست فروشی در بازار، کار ساختمانی/سرکسازی و کار در سکتور خدمات صحتی تشکیل میدهد. افرادی که در پایین ترین سطح عدم مصئونیت غذایی قرار دارند در خانوار های زندگی میکنند که منبع عمده عاید شان از حقوق تقاعد، امنیت، سایر وظایف دولتی/سازمان های غیر دولتی و موسسات بین المللی، عواید کرایه، کار روز مزدی در مزارع خشخاش، خدمات امنیتی، و کارهای دفاتر دولتی و غیردولتی تامین میکنند.

جدول ۳.۷: نفوس، به اساس منبع عایداتی خانوار و سطح فقر و نداشتن دارایی و عدم مصئونیت غذایی (به فیصدی)

منبع عاید خانوار	فیصدی منبع عاید	از جمله عدم مصئونیت غذایی
مجموع ^a	۴۴.۶	
قرضه	۲.۴	۵۴.۲
چهارپایه	۰.۵	۵۴.۱
گدایی	۰.۲	۵۲.۰
قالین بافی	۱.۱	۵۱.۶
کارهای دیگر، روزمزدی	۹.۱	۵۱.۰
تولید و فروش خشخاش	۱.۷	۵۰.۳
تولید و پروسس مواد غذایی	۱.۴	۴۹.۴
کارهای دیگر، روزمزدی	۱۸.۹	۴۸.۷
زکات	۱.۳	۴۸.۳
خیاطی، صنایع دستی و غیره	۲.۰	۴۷.۹
روزمزدی در زراعت (غیرخشخاش)	۴.۹	۴۶.۶
ترانسپورت/تکسی	۹.۳	۴۶.۶
تولید و فروش مواشی	۱۸.۶	۴۶.۲
کارهای تولیدی دیگر	۱.۱	۴۶.۱
تولید و فروش محصولات زراعتی (غیرخشخاش)	۲۸.۵	۴۵.۸
کارهای خدماتی دیگر	۳.۵	۴۵.۶
تدریس	۵.۴	۴۵.۳
وجوه ارسالی از خارج کشور	۷.۰	۴۵.۱
تولید و فروش محصولات باغداری	۶.۷	۴۴.۳
تجارت های دیگر	۲.۱	۴۳.۸
دکانداری/تجارت کوچک	۱۳.۹	۴۳.۷
کارهای دیگر صنایع دستی	۰.۸	۴۳.۴
پولیس	۳.۳	۴۳.۲
روزمزدی چوپانی	۱.۷	۴۳.۲
کارمیکانیکی	۲.۱	۴۲.۸
دستفروشی روی سرک/بازار	۲.۰	۴۲.۵
کار ساختمانی / سرک سازی	۱.۳	۴۲.۱
داکتر/نرس / کارمند صحتی	۱.۴	۴۱.۳
کار دفتر، غیردولتی	۲.۵	۳۹.۶
کار دفتر، دولتی	۴.۸	۳۹.۴
خدمات نظامی	۳.۴	۳۸.۳
روزمزدی در مزارع خشخاش	۰.۵	۳۸.۰
عاید کرایه	۱.۷	۳۷.۴
کارهای دیگر دولتی/غیردولتی / ملل متحد	۰.۶	۳۵.۵
امنیت	۰.۶	۳۴.۸
تقاعد/بازنشستگی	۱.۳	۳۱.۱

a بنا بر چند جوابه بودن سوالات در مجموع رقم صد فیصد بدست نمیاید.

عدم مصئونیت غذایی یک رابطه واضح با وضعیت اشتغال ریس یا سرپرست خانوار دارد. فیصدی نفوس که نامصئون غذایی هستند و در بین خانوارهاییکه سرپرست آنها دارای وظیفه باشند (۴۱.۵ فیصد) در کمترین حد قرار دارد و این رقم در بین خانوار های مختلف دیگر که به ترتیب توسط افراد دارای وظیفه وقفه یی (۴۷.۲ فیصد) افراد بیکار(۵۰.۸ فیصد) و افراد غیرفعال (۵۱.۱ فیصد) سرپرستی میشوند بسیار بلند گزارش شده است (جدول ۴.۷).

در قسمت شدت عدم مصئونیت غذایی نیز یک روال مشابه قابل مشاهده میباشد: تناسب نفوس نامصئون غذایی بسیار شدید در بین خانوارهاییکه توسط افراد شاغل سرپرستی میشوند در پایین ترین حد (۱۰.۸ فیصد) قرار دارد، این درحالیست که رقم متذکره در بین خانوارهاییکه توسط افراد دارای وظیفه وقفه یی (۱۴.۸ فیصد) سرپرستی میشوند بلند تر بوده و در خانوار های که توسط افراد بیکار یا از لحاظ اقتصادی توسط اشخاص غیر فعال (۲۰.۴ و ۱۸.۴ فیصد) سرپرستی میشوند بسیار بلند گزارش شده است. روال معکوس زمان به ملاحظه میرسد که نفوس مصئون غذایی سرحدی و یا مصئون غذایی مناسب مورد مشاهده یا توجه قرارگیرد.

عین روند در عدم مصئونیت غذایی در تمام زون های افغانستان وجود دارد.

جدول ۴.۷: نفوس، به تفکیک وضعیت فعالیت اقتصادی ریس خانوار و وضعیت مصئونیت غذایی(به فیصدی)

فعالیت اقتصادی وضعیت ریس خانوار	عدم مصئونیت غذایی				مصئونیت غذایی			مجموع
	بسیار شدید	شدید	متوسط	مجموع	خط فاصل	کافی	مجموع	
مجموع	۱۳.۴	۱۴.۰	۱۷.۱	۴۴.۶	۱۶.۱	۳۹.۳	۵۵.۴	۱۰۰.۰
دارای وظیفه	۱۰.۸	۱۳.۴	۱۷.۲	۴۱.۵	۱۶.۶	۴۱.۹	۵۸.۵	۱۰۰.۰
وظیفه وقفه یی	۱۴.۸	۱۴.۷	۱۷.۷	۴۷.۲	۱۷.۲	۳۵.۶	۵۲.۸	۱۰۰.۰
بیکار	۲۰.۴	۱۵.۶	۱۴.۹	۵۰.۸	۱۴.۲	۳۴.۹	۴۹.۲	۱۰۰.۰
غیرفعال	۱۸.۴	۱۴.۶	۱۸.۰	۵۱.۱	۱۴.۳	۳۴.۶	۴۸.۹	۱۰۰.۰

۲.۴.۷ مشخصات دموگرافیکی و اجتماعی

مشخصات متعدد دموگرافیکی و اجتماعی بصورت واضح به سطوح. مصئونیت غذایی وابسته هستند فلهاذا عدم مصئونیت غذایی با افزایش اعضای خانوار ها افزایش می یابد (جدول ۷.۵). همچنان طوریکه مشاهده میگردد سن رئیس خانوار نیز به وضعیت مصئونیت غذایی مرتبط میباشد. بصورت کل، خانوار های که توسط افراد زیر سن ۲۰ سال سرپرستی میگردند (۵۳.۲ فیصد) در مقایسه با خانوارهاییکه توسط افراد ۲۰ الی ۴۴ سال سرپرستی میگردند(۱.۳۶) بیشتر در معرض عدم مصئونیت غذایی قرار دارند. خانوار های که توسط افراد مسن تر(۶۴-۴۵ سال) سرپرستی میشوند نیز بیشتر(۴۹.۶ فیصد) در معرض عدم مصئونیت غذایی قرار دارند، این درحالیست که سطح عدم مصئونیت غذایی در میان خانوار های که توسط افراد دارای ۶۵ سال یا بیشتر از آن سرپرستی میگردند بسیار پایین میباشد. تفاوت ها بیشتر وابسته به بزرگی خانوار و تناسب بین تعداد اعضای خانوار و تعداد افراد نان آور درخانوار میباشد. افرادی که در خانوارهای زندگی میکنند که توسط زنان سرپرستی میشوند درمقایسه با خانوارهاییکه توسط مردان سرپرستی میشوند نیز بیشتر در معرض عدم مصئونیت غذایی قرار دارند، با وجود اینکه درنواحی شهری این ارتباط معکوس میباشد. قابل ذکر است که تفاوت ها از لحاظ احصائوی بسیار جدی نبوده و ارقام بدست آمده از گزارشات مبنی بر تفاوت های قابل ملاحظه وضعیت عدم مصئونیت غذایی را در میان خانوارهای که توسط زنان یا مردان سرپرستی میشوند، توجیه نموده نمیتواند. بطور کلی اعضای خانوار های که توسط افراد متاهل سرپرستی میشوند درمقایسه با اشخاص که در سایر کتگوری های حالت مدنی قرار دارند کمتر به عدم مصئونیت غذایی مواجه میگردند، به استثنای اشخاص که ازدواج نکرده یا نامزد نشده اند. همچنان، بنابر موجودیت کتگوری های کوچک اشخاص که در خانوار های زندگی میکنند که توسط افراد مجرد سرپرستی میگردند، تفاوت ها از لحاظ احصائیه بسیار چشمگیر نمیباشند.

سطح عدم مصئونیت غذایی به تعلیم/تحصیل رئیس خانوار ارتباط دارد. در کل، تفاوت های چشمگیر مصئونیت غذایی بین خانوارهای که توسط افرادی سرپرستی می گردند که تعلیمات/تحصیلات شان را تکمیل نکرده اند یا صرف دوره ابتداییه را تکمیل کرده و جالب در این که تا سطح تربیه معلم را خوانده اند (۴۵ الی ۴۶ فیصد نامصئون غذایی اند). و خانوارهای که توسط افراد سرپرستی می گردند که دوران لیسه، دانشگاه و یا تعلیمات تخنیکی را سپری کرده باشند، به طور چشمگیر کمتر در معرض عدم مصئونیت غذایی رو برو اند

جدول ۵.۷: نفوس، به تفکیک محل اقامت زون و وضعیت مصئونیت غذایی (به هزار و فیصدی)

خصوصیات خانوار	شهر	دهات	مجموع
مجموع	۴۲.۱	۴۶.۲	۴۴.۶
۱-۲ نفر	۱۳.۶	۱۷.۴	۱۸.۳
۳-۵ نفر	۲۸.۲	۳۲.۴	۳۰.۹
۶-۸ نفر	۴۱.۶	۴۵.۱	۴۳.۲
۹-۱۰ نفر	۴۸.۴	۵۰.۶	۴۸.۹
۱۱-۱۴ نفر	۴۸.۰	۵۰.۶	۵۰.۲
۱۵ نفر یا بیشتر	۴۷.۳	۴۹.۵	۴۸.۱
کمتر از ۲۰	۵۰.۶	۴۷.۱	۴۵.۹
۲۰-۴۴	۳۹.۹	۴۱.۹	۴۰.۹
۴۵-۶۴	۴۴.۹	۵۲.۰	۴۹.۶
۶۵ یا بالاتر	۴۱.۶	۴۶.۵	۴۴.۱
جنسیت سرپرست خانوار			
ذکور	۴۲.۲	۴۶.۲	۴۴.۵
اناث	۳۶.۸	۵۴.۱	۴۸.۵
حالت مدنی سرپرست خانوار			
متاهل	۴۲.۱	۴۶.۲	۴۴.۵
بیوه	۴۹.۴	۴۹.۲	۴۸.۷
طلاق شده / جدا شده	۲۸.۷	۵۹.۷	۴۸.۰
نامزد	۳۵.۸	۵۳.۵	۴۹.۱
مجرد/نامزد نشده	۳۶.۱	۴۲.۳	۳۸.۴
بدون تحصیل	۴۶.۷	۴۶.۹	۴۵.۸
مکتب ابتدایی	۴۳.۰	۴۶.۹	۴۵.۴
مکتب ثانوی	۳۴.۱	۳۸.۴	۳۶.۵
تربیه معلم	۳۸.۵	۴۸.۴	۴۶.۱
پوهنتون/تعلیمات تکنیکی	۲۶.۰	۳۹.۶	۳۱.۳

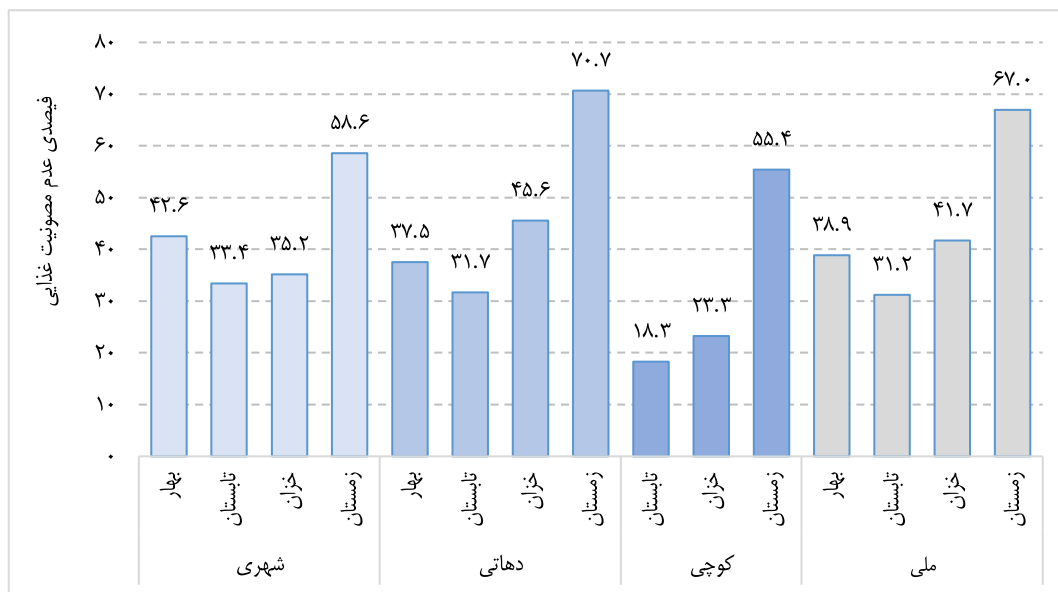
۵.۷ فصول سال و عدم مصئونیت غذایی

۱.۵.۷ تفاوت های موسمی یا فصلی

در افغانستان تفاوت های زیاد موسمی زراعتی وجود دارد خاصاً در مناطق که تولید محصولات بصورت قابل ملاحظه متکی به آبیاری میباشد. از آنجاکه موسم تولیدات زراعتی و زمان برداشت حاصل در کشور نظربه هرمنطقه متفاوت میباشد، دریک تعداد مناطق در دو فصل کشت وکار صورت میگيرد(بهار و زمستان). به اساس تخمین اوسط تولید در ۱۲ سال گذشته که توسط وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته، تولید گندم ۷۸ فیصد تمام تولید غله جات را تشکیل میدهد. با این تنوع موسمی، بعضی ساحات وقفه پنج ماهه را بین برداشت حاصل بهاری و زمستانی جو و گندم تجربه میکنند، درحالیکه این وقفه در بعضی ساحات کمتر از سه ماه میباشد. این تنوع وسیع منتج به تفاوت های در آغاز و طول دوره قبل از برداشت حاصل، زمان برداشت حاصل گردیده و بالاخره بالای موجودیت و دسترسی به غذا، بازارها و مصئونیت غذایی اثر میگذارد.

در تقویم افغانستان فصل بهار از اول حمل الی ۳۱ جوزا، تابستان از اول سرطان الی ۳۱ سنبله، خزان از اول میزان الی ۳۰ قوس و زمستان از اول جدی الی آخر حوت میباشد. عدم مصئونیت غذایی در دوران زمستان الی بهار و تابستان الی خزان در جریان سال با وجود موجودیت سطح بلند عدم مصئونیت غذایی در سر تاسر افغانستان، دارای تفاوت ها و نوسانات قابل ملاحظه میباشد (شکل ۷.۴). بصورت کلی بلند ترین سطح عدم مصئونیت غذایی در بین نفوس در حدود ۶۷.۰ فیصد در جریان زمستان تخمین شده که این رقم در فصل بهار به ۳۸.۹ فیصد و در فصل تابستان که معمولاً رفع حاصلات صورت میگیرد به ۳۱.۲ فیصد کاهش میابد. این روند در تمام کتگوری های محلات اقامت خانوارها وجود دارد

شکل ۷.۴: فیصدی نفوس نامصئون غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل سال

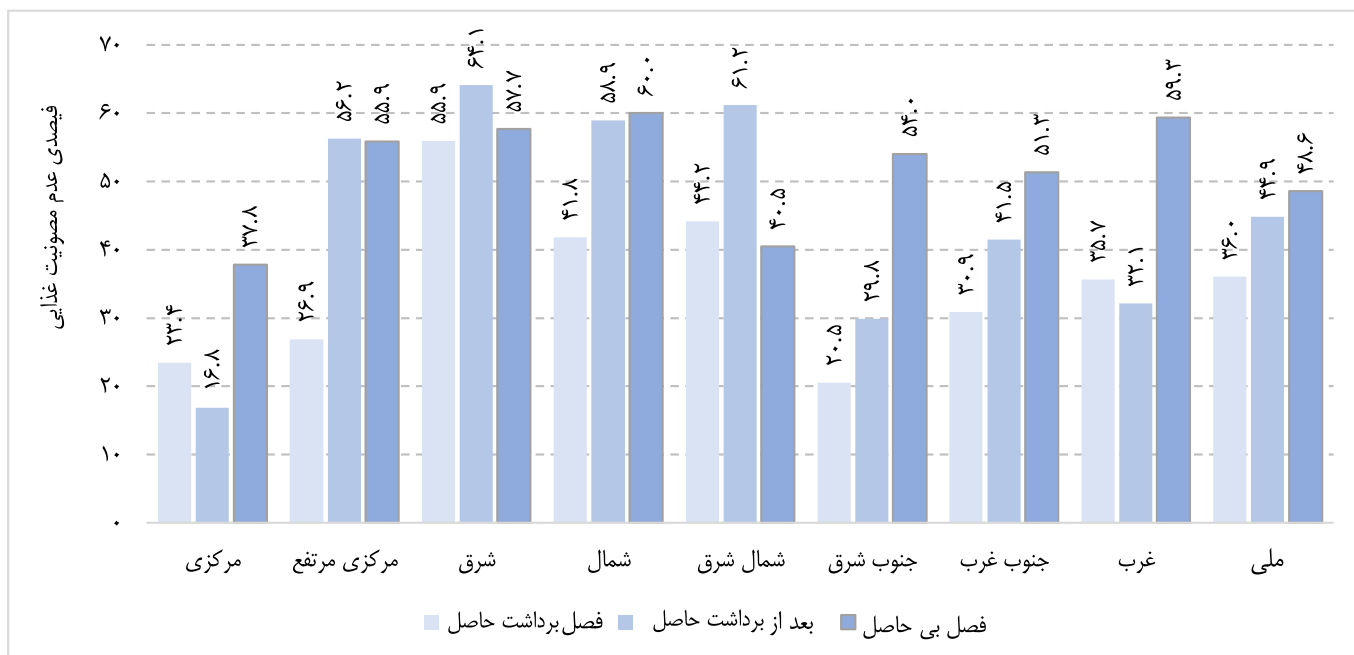


۲.۵.۷ تفاوت ها بین برداشت حاصل و فصول کم حاصلی

تفاوت های قابل ملاحظه ای فصول برداشت حاصل و عدم برداشت حاصل در سطح افغانستان وجود دارد. فصل عمده برداشت حاصل در جریان ماه های اسد و سنبله برای محصول عمده (گندم) می باشد، در حالیکه بسیاری از ولایات زمان کشت محصول عمده دومی (برنج و جواری) را دارا بوده که این ماه ها نیز از جمله ماه های برداشت حاصل شمرده می شود. زمان پس از برداشت حاصل عمدتاً ماه های اسد الی قوس را در بر داشته و زمان عدم برداشت حاصل ماه های جدی الی حوت می باشد. در این تحلیل فصول حاصل برداری، فصول پس از برداشت حاصل و عدم برداشت حاصل به اساس تحلیل جریان برداشت حاصل محلی بوده و برداشت حاصل و عدم برداشت حاصل در جریان سال عادی صورت میگیرد.

عموماً، عدم مصئونیت غذای در جریان برداشت حاصل کم بوده و به صورت تدریجی در زمان پس از برداشت حاصل افزایش یافته و در جریان عدم برداشت حاصل به اوج خود می رسد. روند عادی عدم مصئونیت غذایی در مناطق جنوب غربی، جنوب شرقی و شمال ملاحظه شده در حالیکه به اساس زون ها با هم فرق دارند (شکل ۷.۵) زون مرکزی کم ترین عدم مصئونیت غذایی را پس از فصل برداشت حاصل نشان می دهد و زون شرق عدم مصئونیت غذایی را در تمام فصول نشان داده که در بین زون ها بلندترین درجه را در فصل پس از برداشت حاصل، نشان می دهد که ممکن این به خاطر عودت کنندگان زیاد در سال ۱۳۹۵ باشد. زون شمال شرق از نگاه عدم مصئونیت غذایی پیشتاز بوده که شامل بدخشان هم است که همه ساله به کمبود غذا مواجه می باشد و دارای چرخه ای زراعتی متفاوت در بین تمام ولایات شامل این زون می باشد.

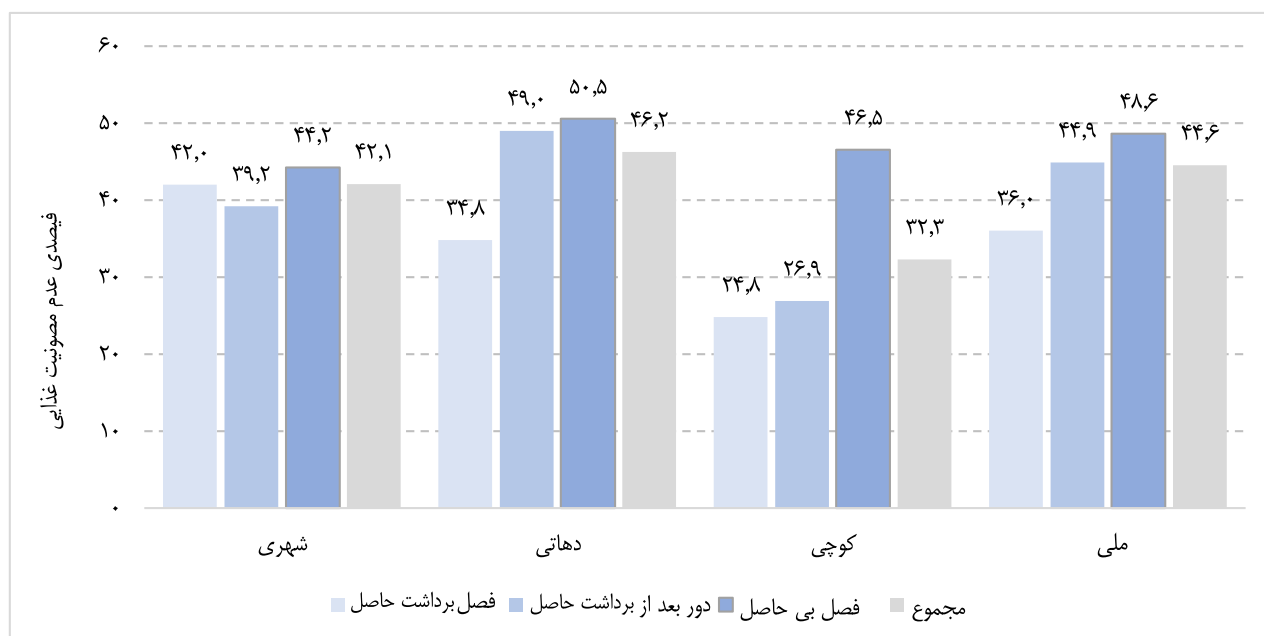
شکل ۵.۷: فیصدی نفوس نامصنوع غذایی به اساس محل اقامت و فصل سال زراعتی



یک مقایسه گروپ های مختلف شهروندان نشان دهنده روال مشابه برای تمام گروپها میباشد که طی آن قسمت اعظم نفوس در جریان فصل بدون حاصل به عدم مصنویت غذایی مواجه میگردد و این رقم در زمان رفع حاصل به حد اقل میرسد (شکل ۶.۷). در مناطق دهاتی، شمار افراد نامصنوع غذایی از ۵۰.۵ فیصد در جریان فصل بدون حاصل به ۳۴.۸ فیصد در زمان برداشت حاصل کاهش میابد و در دوره بعد از برداشت حاصل به ۴۹.۰ فیصد بلند میروند. نفوس کوچی در جریان فصل بدون حاصل یا تنگدستی دارای بلند ترین سطح عدم مصنویت غذایی میباشد ۴۶.۵- فیصد - که در جریان فصل رفع حاصل به ۲۴.۸ فیصد کاهش یافته و سپس به تدریج در زمان بعد از برداشت حاصل به ۲۶.۹ فیصد افزایش میابد. برای نفوس کوچی زمان رفع حاصل مصادف است با زمان که تولیدات لبنی به حد اعظمی رسیده و عدم مصنویت غذایی بنابر مصرف وافر لبنیات و افزایش عواید از فروش تولیدات لبنی کاهش میابد.

در مناطق شهری، عدم مصنویت غذایی نیز در زمان رفع حاصل کم شده و در زمان بعد از برداشت حاصل بیشتر کاهش میابد، با وجود یکه تفاوت ها بین این دوره ها در مقایسه با مناطق دهات کمتر واضح میباشد. از آنجاکه عدم مصنویت غذایی در مناطق شهری و بین نفوس کوچی تنها توسط مقدار محصولات قابل دسترس در بازار های شهری متاثر نگردیده بلکه سایر عوامل بازار و اقتصادی، همچنان عوامل مربوط به تولیدات مالداری نیز در زمینه دخیل بوده، تغییر پذیری عدم مصنویت غذایی فراتر از روند فصل رفع حاصلات تولیدات زراعتی به مشاهده میرسد.

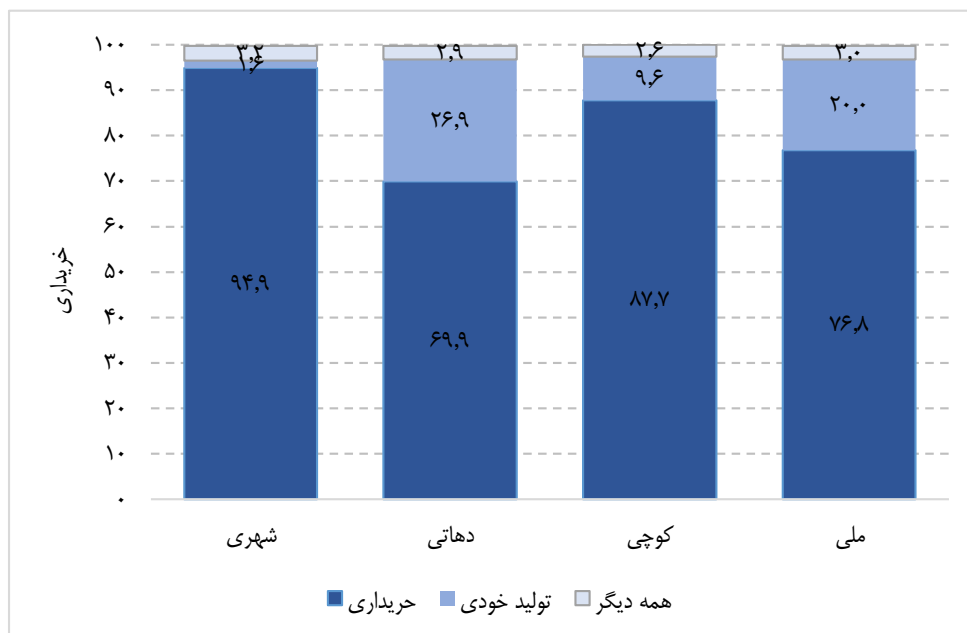
شکل ۶.۷: فیصدی نفوس نامصنوع غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل زراعتی



۶.۷ فیصدی نفوس نامصنئون غذایی به اساس محل اقامت و فصل زراعتی

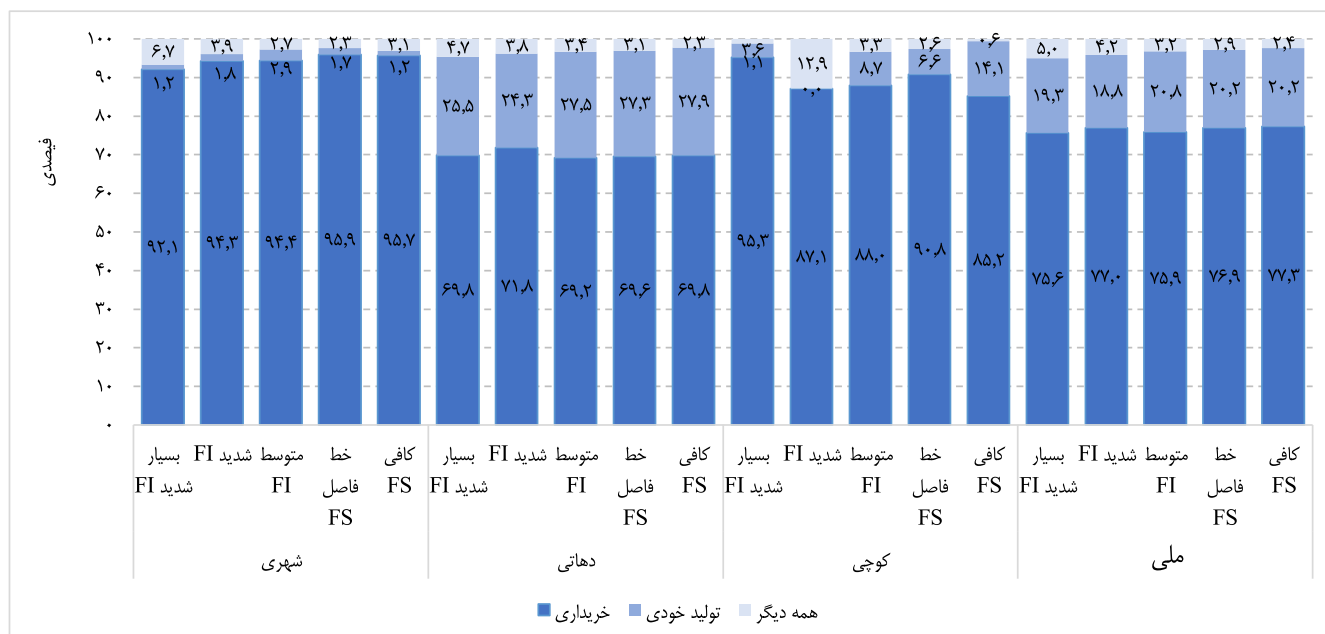
در اکثر بخش های کشور، غله جات محصولات عمده غذایی محسوب میشوند و گندم یکی از مهم ترین اقلام مصرفی در زمینه بشمار میرود. یک قسمت اعظم نفوس (۷۶.۸ فیصد) وابسته به خرید غله جات منجیث منبع عمده غذایی بوده و ۲۰.۰ فیصد نفوس دیگر از تولیدات خویش استفاده میکنند (شکل ۷.۷). منابع دیگر - مبادله جنس بدون پرداخت پول، تحفه، صدقه، جمع آوری غذای دست نخورده و غذایی کمکی - دارای اهمیت کمتر بوده و تنها ۳.۰ فیصد منابع خوراکی غله بی را تشکیل میدهد. همچنان توزیع منابع غله جات نظریه محل اقامت نیز از هم متفاوت میباشد. قسمیکه توقع میرود، خانوار های دهات بیشتر غله جات را برای مصرف خویش تولید میکنند (۲۶.۹ فیصد تولید خودی و ۶۹.۹ فیصد خرید) ، در حال که برای نفوس کوچی و شهری این منبع دارای اهمیت اندک میباشد. برای دو گروه اخیر، تناسب میزان وابستگی به خرید غله جات به ترتیب به ۹۴.۹ و ۸۷.۷ فیصد میرسد.

شکل ۷.۷: فیصدی نفوس نامصنئون غذایی به تفکیک محل اقامت و فصل سال



در قسمت توزیع منبع غله جات به اساس وضعیت مصئونیت غذایی به استثنای کوچی ها تفاوت اندک بملاحظه میرسد (شکل ۷.۸). در زمینه، بخش که وابسته به تبادل یا خریداری توسط پول میباشد (درکتگوری "دیگر" شامل میباشد) با افزایش عدم مصئونیت غذایی افزایش میابد، که این افزایش برای نفوس که مصئونیت مناسب غذایی دارند از یک فیصد به ۱۳ فیصد برای نفوس که به عدم مصئونیت غذایی بسیار شدید مواجهه میباشد، میرسد. در سطح زون، بلند ترین فیصدی نفوس که وابسته به تولیدات خود هستند در مناطق مرتفع مرکزی (۳۶.۲ فیصد) سکونت دارند که این رقم در زون غرب به (۳۵.۳ فیصد) در جنوب غرب به (۲۸.۴ فیصد) و در شمال به (۲۴.۷ فیصد) میرسد. این درحالیست که در سایر زون ها وابستگی به تولیداتی خودی از ۷.۶ فیصد الی ۱۶.۵ فیصد میباشد.

شکل ۸.۷: نفوس، براساس محل اقامت، حالت غیرمصرفیت غذایی و منبع تهیه غله (به فیصد)



نفوس شهری در قسمت خریداری غله جات تفاوت اندک فصلی را گزارش داده اند، با وجود آنکه این روال در ماه های فصل خزان و زمستان اندک بلند می باشد. نفوس دهاتی در قسمت وابستگی به خریداری غله جات در بهار قبل از فصل برداشت حاصل فیصدی بلند تری را نشان داده اند (۷۲.۶ فیصد) و وابستگی آنها به تولیدات خودشان در جریان تابستان و زمستان افزایش را نشان می دهد. برای نفوس کوچی خریداری اقلام مورد نیاز در جریان فصل تابستان به حد کمتر (۷۹.۲ فیصد، تولید خودشان ۲۱ فیصد) میرسد و سپس به تدریج این رقم در فصل زمستان به حد اعظمی یعنی ۹۴ فیصد افزایش میابد.

۷.۷ صرف غذا

۱.۷.۷ تنوع غذایی

در افغانستان حتی در بین کسانی که کالوری مورد نیاز را بدست میاورند، آنهایی که از غذاهای غیر متنوع استفاده میکنند و یا رژیم غیر متوازن و غیرصحیح دارند در جمله افراد نامصنوع غذایی تصنیف بندی میشوند. مردم گرسنه یک قسمت عمده عاید خویش را بالای خریداری قلم عمده غذایی شان مانند گندم یا آرد گندم و برنج مصرف میکنند که برای آنها منبع ارزان و قابل دسترس کالوری محسوب میشود. با این حال آنها از بیشتر اقلام غذایی صرف نظر مینمایند و رژیم غذایی شان به کمبود اخذ پروتئین کافی و سایر مواد مغذی دچار میشود.

در اکثر مناطق افغانستان رژیم غذایی ضعیف و غیر متنوع یک معضله جدی محسوب میشود. اکثراً غذای که مصرف میشود از غله جات به ویژه گندم ساخته میشود. به اساس نمره تنوع غذایی^۴ بصورت اوسط خانوارها در افغانستان از ۵.۱ گروه انواع غذاها استفاده میکنند جدول (۶.۷). نمره متذکره برای نفوس شهری درمقایسه با نفوس دهات و کوچی اندک بلند تر میباشد (۵.۸، ۴.۹ و ۵.۰ گروه غذایی، به ترتیب). زونهای مناطق مرتفع مرکزی، شمال شرق، جنوب شرق و شمال نظریه اوسط ملی دارای نمره کمتر بوده و از گروه های غذایی ۳.۹، ۴.۸ و ۴.۹ به ترتیب استفاده میکنند. افراد در خانوارهای که توسط زنان سرپرستی میشوند از کمترین گروه های غذایی (۴.۶ گروه) استفاده میکنند که در مقایسه با خانوارهای که توسط مردان سرپرستی میشوند (۵.۱ گروه) در حد پایین تر قرار دارند.

^۴ نمره تنوع غذایی (DDS) شاخص است که تعداد گروه های غذایی را که در یک زمان مشخص مورد استفاده قرار میگیرند اندازه گیری مینمایند. این شاخص بصورت تخمینی کیفیت رژیم غذایی را تعیین میکند. برای تجزیه و تحلیل مصنوعات غذایی از چندین شاخص تنوع غذایی استفاده میشود مانند نمره تنوع غذایی خانوار (FAO HDDS)، و IFPRI DDS (که توسط FAO از زمان سازگاری آن با وسیله جمع آوری ارقام FCS مورد استفاده قرار میگیرد). درین گزارش IFPRI DDS با محدودیت های ذیل مورد استفاده قرار میگیرد

۶ = تنوع خوب غذایی
۴-۵ = تنوع متوسط غذایی
۴، ۵ < = تنوع پایین غذایی

جدول ۶.۷: نمره میانه تنوع رژیم غذایی، فیصدی نفوس دارای خانوارهای که دارای تنوع پایین غذایی هستند و فیصدی نفوس که از گوشت، لبنیات و سبزیجات استفاده نمیکنند، به اساس متغیرهای گذشته

متغیرهای گذشته	نمره تنوع رژیم غذایی		در هفته گذشته استفاده نکرده اند:		
	متوسط	فیصدی نمرات پایین	گوشت، ماهی و تخم	لبنیات	سبزیجات
ملی	۵.۱	۳۳.۷	۳۴.۳	۳۹.۶	۲۹.۲
اقامت					
شهری	۵.۸	۱۷.۲	۲۰.۶	۳۶.۰	۹.۷
دهاتی	۴.۹	۳۹.۱	۳۹.۲	۴۱.۴	۳۵.۰
کوچی	۵.۰	۳۵.۹	۲۹.۶	۳۱.۶	۴۰.۸
زون					
مرکزی	۵.۸	۱۷.۹	۲۴.۲	۳۱.۵	۱۶.۳
مرتفع مرکزی	۴.۰	۶۶.۰	۵۷.۶	۴۴.۰	۷۴.۳
شرق	۵.۷	۱۹.۲	۳۷.۲	۲۶.۹	۸.۱
شمال	۴.۹	۳۹.۱	۲۶.۶	۴۲.۷	۴۱.۴
شمال شرق	۴.۱	۶۱.۸	۵۳.۳	۵۶.۰	۴۷.۷
جنوب شرق	۴.۹	۳۸.۲	۵۴.۰	۵۸.۸	۶۸
جنوب غرب	۵.۵	۱۵.۹	۲۴.۸	۴۲.۱	۵.۶
غرب	۵.۳	۲۵.۶	۱۸.۹	۲۸.۷	۳۱.۰
جنسیت سرپرست خانوار					
ذکور	۵.۱	۳۳.۶	۳۴.۲	۳۹.۶	۲۹.۲
اناث	۴.۶	۵۱.۰	۴۴.۸	۵۰.۷	۳۸.۹

بصورت مجموعی نسبت نفوس که دارای تنوع ضعیف رژیم غذایی هستند در حدود ۳۳.۷ فیصد تمام نفوس کشور را تشکیل میدهند، ازین جمله ۱۷.۲ فیصد آن در مناطق شهری و ۳۹.۱ فیصد در مناطق دهات سکونت دارند، همچنان ۳۵.۹ فیصد متباقی آنها مربوط به نفوس کوچی میباشد. نفوس شهری در مقایسه به نفوس دهاتی و کوچی بیشتر از گوشت، ماهی، تخم و سبزیجات استفاده میکنند. طوریکه توقع میرو، مردم کوچی نسبت به سایر گروپ ها بیشتر از لبنیات و تولیدات حیوانی استفاده میکنند. در مناطق شهری غذا های متنوع بصورت وسیع قابل دسترس میباشد زیرا اکثر مواد غذایی از بازار خریداری میشود - دسترسی آسان به مواد غذایی وجود دارد - و همچنان سطوح بلند درآمد های نقدی نیز در شهر وجود ازینرو توان خریداری نیز در مناطق شهری وجود دارد. صرف نظر از توان خریداری مواد غذایی پروتئینی و سایر اقلام مغذی، رژیم ضعیف غذایی سبب شده که در بین نفوس کوچی و دهاتی بصورت عموم سبزیجات کمتر مصرف شود، در حال که سبزیجات چندین ماه در جریان یک سال قابل دسترس میباشد.

در یک تعداد ساحات در افغانستان مردم بصورت مشخص دارای یک رژیم متنوع غذایی ضعیف میباشد که دلیل عمده آن وابسته به مشکلات در امر موجودیت، مصئونیت و دسترسی به غذا میباشد. در مناطق مرتفع مرکزی و ساحات شمال شرقی بیشتر از نیم نفوس از یک رژیم غذایی استفاده میکنند که از لحاظ تنوع بسیار ضعیف بوده و بعد از ساحات ذکر شده زون شمال و مناطق جنوب شرق بیشتر در برابر این معضله آسیب پذیر میباشد که در این مناطق به ترتیب ۳۹ فیصد و ۳۸ فیصد نفوس دارای رژیم غذایی غیر متنوع میباشد.

۲.۷.۷ نمره مصرف غذا^۵

نمره مصرف غذا شامل تنوع و تعداد دفعات وعده های غذایی (تعداد روزهای که غذا توسط هرگروه نفوس صرف میشود)، که دارای وزن مشخص متشکل از اقلام مغذی گروپ های مواد غذایی مختلف میباشد. در سطح ملی، در حدود ۴۹.۵ فیصد نفوس دارای سطح مصرف غذایی قابل قبول میباشد، این در حالیست که ۱۹.۸ فیصد نفوس دارای رژیم غذایی فقیر ۳۰.۷ فیصد دارای مصرف سرحدی مواد غذایی میباشد (جدود ۷.۷). نفوس که از لحاظ مصرف غذایی در سرحد قرار دارند در صورت بدت رشدن وضعیت مستعد هستند تا به مصرف رژیم غذایی فقیر دچار شوند. طبق عین اصول، درصورت که اقدامات درست روی دست گرفته شود نفوس متذکره میتواند به مصرف رژیم غذایی قابل قبول نایل شوند.

جدول ۷.۷: فیصدی نفوس، به تفکیک متغیرهای گذشته، و گروپ نمره یی مصرف غذایی (به فیصدی)

متغیرهای گذشته	فقیر ($28 \geq$)	سرحدی ($28.5 - 42$)	قابل قبول ($42 <$)	مجموع
ملی	۱۹.۸	۳۰.۷	۴۹.۵	۱۰۰.۰
اقامت				
شهری	۹.۳	۳۰.۴	۶۰.۳	۱۰۰.۰
دهاتی	۲۳.۸	۳۰.۸	۴۵.۳	۱۰۰.۰
کوچی	۱۲.۳	۳۱.۱	۵۶.۶	۱۰۰.۰
زون				
مرکزی	۷.۸	۲۷.۶	۶۴.۶	۱۰۰.۰
مرتفع مرکزی	۴۰.۴	۲۵.۸	۳۳.۸	۱۰۰.۰
شرق	۶.۶	۳۷.۸	۵۵.۶	۱۰۰.۰
شمال	۲۵.۱	۲۷.۷	۴۷.۲	۱۰۰.۰
شمال شرق	۴۶.۱	۲۲.۷	۳۱.۲	۱۰۰.۰
جنوب شرق	۳۰.۲	۵۴.۱	۱۵.۷	۱۰۰.۰
جنوب غرب	۶.۶	۳۹.۶	۵۳.۸	۱۰۰.۰
غرب	۷.۴	۲۹.۴	۶۳.۲	۱۰۰.۰
جنسیت سرپرست خانوار				
ذکور	۱۹.۷	۳۰.۷	۴۹.۵	۱۰۰.۰
اناث	۲۷.۳	۳۴.۲	۳۸.۵	۱۰۰.۰

مردم شهری نیست به مردم دهات و کوچی تا حدی از غذای بهتر صرف میکنند، و فیصدی مصرف مواد غذایی فقیر در نزد آنها (۹.۳ فیصد) درمقایسه با مردم دهاتی و کوچی (۲۳.۸) و ۱۲.۳ فیصد) پایین تر گزارش گردیده است. از لحاظ زون نیز درسطح مصرف غذا تفاوت های قابل ملاحظه مشاهده گردیده است. از نظر مصرف مواد غذایی فقیر زون شمال شرق و زون مرتفع مرکزی دربلند ترین سطوح قرار دارند، که بیشتر از ۴۰ درصد نفوس درین جمله در پایین ترین کتگوری قرار دارند، درقدمه دوم زون جنوب شرق و شمال قرار دارند که یک بر سوم یا یک بر چهارم حصه نفوس این مناطق از رژیم غذایی فقیر استفاده میکنند. سایر زون ها دارای ۷ الی ۸ فیصد نفوس دارای رژیم غذایی فقیر میباشد.

^۵ نمره مصرف غذا (FCS) یک شاخص متبادل اندازه گیری کالوری مورد نیازو کیفیت رژیم غذایی درسطح خانوار بوده و درصورت که با سایر شاخص های دسترسی خانوار یکجا گردد وضعیت مصئونیت غذایی خانوار را تعیین مینماید. این شاخص یک نمره ترکیبی بوده که به اساس تنوع رژیم غذایی، تکرر یا تعداد وعده های غذایی و اهمیت غذایی گروپ های مربوطه مواد غذایی مختلف تعیین میگردد. نمره مصرف غذا (FCS) به اساس مصرف غذایی هفت روز گذشته خانوار محاسبه گردیده و به سه کتگوری تصنیف بندی گردیده است: نمره فقیر صرف غذا ($28 \leq FCS < 28.5$)؛ نمره سرحدی صرف غذا ($28.5 \leq FCS < 42$)؛ و نمره قابل قبول صرف غذا ($FCS \geq 42$). نمره FCS مجموع وزن گروپ های غذایی میباشد. نمره هرگروه غذایی به اساس ضرب تعداد روزهای که غذا با درنظر داشت وزن آن صرف شده است تعیین میگردد.

نسبت نفوس که با رژیم غذایی فقیر مواجه هستند در خانوار های که توسط زنان سرپرستی میشوند درمقایسه با خانوار های سرپرستی شده توسط مردان (۲۷.۳ فیصد و ۱۹.۷ فیصد به ترتیب) بلند تر میباشد.

در میان گروه صرف غذا، فقدان پروتئین و کیلو کالوری و مصرف غذای غنی از پروتئین رابطه نزدیک وجود دارد. نزد افرادی که دارای رژیم غذایی فقیر هستند، فقدان پروتئین و کیلو کالوری و فقدان هر دوی آنها نسبت به افراد مربوط به رژیم سرحدی یا قابل قبول در سطح بلند قرار دارد (جدول ۸.۷). افرادی که دارای رژیم غذایی فقیر هستند ندرتاً از گوشت، ماهی و تخم یا محصولات لبنی و مواد مغذی مانند مغزیات و حبوبات استفاده میکنند. رژیم غذایی این افراد اساساً متشکل از گندم، روغن و شکر میباشد. افرادی که در کتگوری مصرف سرحدی قرار دارند بر علاوه از صرف غله جات از شکر و روغن هر روز استفاده میکنند - از سبزیجات نیز هر روز استفاده میکنند - بصورت اوسط هفته یک بار میوه، لبنیات، حبوبات، گوشت ماهی و تخم مرغ صرف میکنند. افراد شامل در کتگوری رژیم غذایی قابل قبول هفته دو بار گوشت، ماهی، تخم مرغ و حبوبات صرف میکنند و تقریباً پنج روز در هفته از محصولات لبنی استفاده نموده و سه الی چهار روز در هفته از سبزیجات استفاده میکنند.

جدول ۷.۷: فیصدی نفوس با کمبود پروتئین، کیلو کالوری، و کمبود همزمان پروتئین و کیلو کالوری و اوسط روزهای مصرف غذای غنی از پروتئین، به اساس گروه مصرف غذا

گروه مصرف غذا	فیصدی با کمبود			اوسط روزهای که خانوار از غذای غنی پروتئینی استفاده میکنند		
	پروتئینها	کیلو کالوری	کیلو کالوری و پروتئین	گوشت ماهی و تخم مرغ	لبنیات و محصولات لبنی	حبوبات و مغزیات
مجموع	۳۰.۱	۴۴.۶	۲۹.۰	۱.۴	۲.۷	۱.۴
فقیر (>= ۲۸)	۵۰.۲	۶۴.۷	۴۹.۰	۰.۳	۰.۱	۰.۴
سرحدی (۲۸.۵-۴۲)	۳۴.۸	۵۰.۹	۳۳.۵	۰.۹	۰.۹	۱.۳
قابل قبول (<= ۴۲.۵)	۱۹.۲	۳۲.۶	۱۸.۲	۲.۲	۴.۹	۱.۹

۳.۷.۷ سهم گروه های مختلف غذایی در تامین کالوری

با در نظر داشت توزیع نفوس با داشتن ۴۸ فیصد افراد زیر سن ۱۵ سال حد اوسط و میانه نیازمندی کالوری روزانه برای افغان ها برای هر فرد در فی روز بالترتیب به ۲۰۵۵ و ۲۰۴۰ کیلو کالوری میرسد. در بین نیازمندی های حد اوسط و میانه کیلو کالوری روزانه هر فرد تفاوت های کوچک وجود دارد که از ۲۰۸۶ الی ۲۰۷۲ کیلو کالوری برای هر فرد در یک روز میرسد، برای نفوس شهری این نیازمندی برای هر فرد در روز ۲۰۱۴ کیلو کالوری و برای نفوس کوچی ۲۰۰۲ کیلو کالوری میباشد، این نیازمندی برای نفوس دهاتی در بین دو رقم ذکر شده قرار دارد. اخذ حد اوسط و میانه کیلو کالوری از مواد غذایی مصرف شده در فی روز به ترتیب ۲۳۳۳ و ۲۱۳۶ کیلو کالوری میباشد. تامین کیلو کالوری روزانه برای فی فرد در سال ۱۳۹۵ خاطر نشان نموده که مصرف حد اوسط و میانه مصرف کیلو کالوری برای هر فرد در ساحات شهری در بلند ترین حد (۲۴۹۹ و ۲۲۳۷ کیلو کالوری برای هر فرد در یک روز. بالترتیب) قرار دارد، متعاقب آن مصرف متذکره در بین نفوس کوچی (۲۴۰۵ و ۲۲۶۹ کیلو کالوری برای هر فرد در یک روز) در درجه دوم قرار دارند و در بین ساحات دهاتی این رقم (۲۲۷۳ و ۲۰۹۶ کیلو کالوری برای هر فرد در یک روز) در کمترین حد قرار دارد. این نتایج نشان میدهد که عدم مصئونیت غذایی در بین نفوس کوچی بسیار پایین میباشد: ترکیب خانوار آنها مشابه نفوس دهاتی بوده اما میانه و اوسط اخذ کیلو کالوری روزانه آنها بلند تر میباشد.

از جمله تمام کالوری مورد نیاز، ۶۹.۱ فیصد را غله جات و گیاه ها تشکیل داده، روغنیاات و شحمیات ۱۳.۴ فیصد، گوشت، ماهی، حبوبات و محصولات لبنی ۸.۰ فیصد، سبزیجات و میوه جات ۵.۲ فیصد، و شکر ۴.۲ فیصد را تشکیل میدهد.

در ساحات دهاتی و بین نفوس کوچی سهم استفاده از غله جات و گیاه ها اندک بلند تر بوده که به ترتیب ۷۹.۸ فیصد و ۶۸.۱ فیصد مجموع کالوری مصرفی را تشکیل میدهد که این رقم در ساحات شهری به ۶۴.۲ فیصد میرسد. همچنان، در بین هر گروه نفوس، تناسب کالوری به دست آمده از غله جات و گیاه ها در بین تمام گروه های مصئونیت غذایی یکسان میباشد.

روغن و شحم ۱۴.۶ فیصد کالوری مجموع نفوس شهری، ۱۳.۰ فیصد کالوری مجموعی نفوس دهاتی و ۱۲.۹ فیصد کالوری مجموعی نفوس کوچی را فراهم مینماید. لبنیات و محصولات لبنی در بین نفوس کوچی نسبت به سایر گروه ها مصرف بیشتر دارد (۵.۳۰ فیصد کالوری مجموعی)، در مقایسه در ساحات دهاتی (۳.۵ فیصد) شهری (۳.۶ فیصد) میباشد. مصرف شکر در بین افراد شهری (۳.۶ فیصد) و کوچیها (۴.۵ فیصد) در مقایسه با افراد ساکن در دهات (۴.۱ فیصد) اندک بیشتر میباشد.

۸.۷ میزان گرسنگی خانوار^۶

میزان گرسنگی خانوار (HHS) در مورد محرومیت غذایی در سطح خانوار یک اندازه گیری مقایسوی را انجام میدهد. طبق این میزان، ۱۰.۱ فیصد نفوس در کشور گرسنگی متوسط یا شدید را تجربه نموده که از جمله یک فیصد آن گرسنگی شدید را تجربه مینمایند.^۶ طبق تجزیه و تحلیل میزان گرسنگی خانوار، خاطرنشان گردیده که در حدود ۲۵.۰ فیصد نفوس حداقل یک مورد را در یک ماه گذشته تجربه کرده اند که در خانه هیچ نوع غذا برای صرف کردن نداشتند، بنا بر به نبود منابع تخمیناً ۹.۸ فیصد گرسنه خوابیده اند و ۳.۷ فیصد در تمام روز و شب به غذا دسترسی پیدا نکرده اند (جدول ۷.۹). از لحاظ میزان HHS بین گروه های مختلف شهروندان تفاوت های قابل ملاحظه دیده شده است.

اعضای خانوار های کوچی ها طوریکه گزارش داده اند حدوداً ۱۵.۱ فیصد گرسنگی متوسط الی شدید را در مقایسه با نفوس شهری (۶.۰ فیصد) و دهاتی (۱۱.۱ فیصد) بیشتر تجربه کرده اند. نتایج میزان گرسنگی خانوار یا HHS در بین زون های مختلف جغرافیایی نیز دارای تفاوت های چشمگیر میباشد. در زون های جنوب غرب و غرب قسمت اعظم نفوس گرسنگی متوسط الی شدید را (۱۷.۲ و ۱۵.۷ فیصد به ترتیب) تجربه کرده اند. مناطق مرتفع مرکزی و زون های شمال شرق و شمال شامل گروه دوم نفوس هستند که با گرسنگی متوسط الی شدید (۱۱.۹ و ۱۱.۲ فیصد) مواجه شده اند. زون جنوب غرب نیز دارای فیصدی بلند نفوس گزارش شده که گرسنگی شدید را در میان تمام زون ها (۲.۰ فیصد) تجربه نموده اند.

نفوس خانوار های که توسط زنان سرپرستی میشوند در مقایسه با خانوارهای سرپرستی شده توسط مردان بیشتر از دو برابر گرسنگی متوسط الی شدید را (۲۴.۴ و ۱۰.۰ فیصد) را سپری نموده اند. فیصدی نفوس خانوار های زنان که گرسنگی شدید را تجربه نموده اند در مقایسه با خانوار های که توسط مردان سرپرستی میشوند نیز بصورت چشمگیری در سطح بلند (۵.۰ در برابر ۰.۷ فیصد) قرار دارد.

^۶ میزان گرسنگی خانوار (HHS) یک شاخص متبادل اندازه گیری سطح گرسنگی خانوار در ساحت نامصنوع غذایی میباشد.

میزان متذکره بصورت مشخص برای استفاده در بین جوامع دارای کلتور و فرهنگهای گوناگون انکشاف داده شده که در دوجوامع مختلف نتایج موثق و قابل مقایسه را ارائه مینماید. همچنان میزان ذکر شده از سه شاخص محرومیت غذایی و تعداد وقوعات محروم شدن از دسترسی به غذا در جریان یک ماه قبل از سروی استفاده میکند: الف - نبود هرگونه غذا در خانه به خاطر صرف کردن، ب - رفتن به بستر خواب بدون صرف غذا به دلیل عدم موجودیت غذا، ج - عدم صرف غذا در جریان تمام شب و روز بنابراین غذا در خانه. تعداد دفعات محرومیت از غذا قرار ذیل تعریف میشود: "هیچگاه - ۰ بار"، که به شکل ۰ کودگذاری میگردد، "تدرتاً/بعضی اوقات - ۱-۱۰ بار" که به شکل ۱ کودگذاری میشود، "اکثراً/وقت - بیشتر از ۱۰ بار" که به شکل ۲ کود گذاری میشود.

در مورد محرومیت غذایی در سطح خانوار یک اندازه گیری مقایسوی را انجام میدهد. طبق این میزان، ۱۰.۱ فیصد نفوس در کشور گرسنگی متوسط یا شدید را تجربه مینمایند که از جمله یک فیصد آن گرسنگی شدید را تجربه میکنند. مجموع نمره میزان گرسنگی خانوار عبارت از سرجم نمرات پاسخ های دریافت شده در برابر سوالات مطرح شده میباشد که از ۰ الی ۶ نمره میباشد. مجموع نمرات میزان گرسنگی خانوار، سطح گرسنگی خانوار را به سه گروه تصنیف بندی مینماید: نمره ۰-۱، HHS، که نشان دهنده عدم یا اندک گرسنگی در خانوار میباشد.

دوم نمره ۲-۳ HHS که نشان دهنده گرسنگی متوسط در خانوار بوده و سوم نمره ۴-۶ HHS که نشان دهنده گرسنگی شدید در خانوار میباشد.
^۷ در مورد جزئیات در زمینه سایت انترنیتی دیده شود: <http://www.fantaproject.org/monitoring-and-evaluation/household-hunger-scale-hhs>.

جدول ۹.۷: نفوس به اساس متغیرهای گذشته مورد نظرو به اساس گروپ میزان گرسنگی خانوار و اجزای میزان گرسنگی خانوار (به فیصدی)

متغیرهای گذشته	میزان گرسنگی خانوار			حد اقل یک بار درماه گذشته	
	گرسنگی متوسط یا شدید	گرسنگی شدید	نبود هرگونه غذا درخانوار به خاطر مصرف	بدون صرف غذا درحالت گرسنه به بستررفته اند	تمام روز و شب را بدون خوردن غذا سپری کرده اند
ملی	۱۰.۱	۰.۷	۲۵.۰	۹.۸	۳.۷
اقامت					
شهری	۶.۰	۰.۸	۲۱.۴	۵.۹	۲.۵
دهاتی	۱۱.۱	۰.۷	۲۵.۷	۱۰.۸	۴.۰
کوچی	۱۵.۱	۰.۹	۳۱.۱	۱۴.۸	۵.۱
زون					
مرکزی	۶.۷	۰.۴	۲۲.۱	۷.۹	۲.۵
مرتفع مرکزی	۱۱.۹	۱.۲	۱۶.۹	۱۳.۶	۲.۷
شرق	۴.۱	۰.۸	۷.۱	۴.۵	۳.۱
شمال	۹.۰	۰.۴	۲۷.۱	۸.۲	۲.۹
شمال شرق	۱۱.۲	۰.۲	۳۳.۲	۱۱.۸	۲.۲
جنوب شرق	۶.۲	۰.۲	۱۵.۲	۶.۷	۴.۰
جنوب غرب	۱۷.۲	۲.۰	۲۷.۱	۱۷.۴	۱۰.۶
غرب	۱۵.۷	۱.۰	۴۳.۵	۹.۰	۳.۷
جنسیت سرپرست خانوار					
ذکور	۱۰.۰	۰.۷	۲۴.۸	۹.۷	۳.۷
اناث	۲۴.۴	۵.۰	۴۹.۸	۲۱.۵	۹.۶

۹.۷ مقابله با صدمات

۱.۹.۷ مقابله برای امرار معیشت

از خانوار ها در مورد اینکه کدام استراتیژی را برای مقابله برای امرار معیشت شان در جریان ۱۲ ماه قبل از سروی به خاطر کاهش صدمات استفاده کرده اند، سوال شده است. درکل، تنها یک ربع اعضای خانوار به کدام استراتیژی مجادلوئی به خاطر رفع اثرات صدمات ضرورت نداشتند، درحالیکه متباقی (۷۵ فیصد) افراد از یک یا بیشتر استراتیژی ها استفاده کرده اند(جدول ۷.۱۰). نفوس که در مناطق دهاتی زندگی میکنند در امر استفاده از استراتیژی های جهت مقابله برای امرار معیشت سهم بیشتر(۲۶.۷ فیصد) داشتند، که متعاقب آن نفوس کوچی (۲۳.۵ فیصد) و خانوار های شهری (۲۰.۵ فیصد) در رده های بعدی قراردارند.

کاهش مصارف (۲۵ فیصد)، گرفتن قرضه (۲۲ فیصد)، کاهش کیفیت رژیم غذایی (۱۱.۴ فیصد) و خریداری غذا به قرض (۶.۰ فیصد) ازجمله استراتیژی های به شمار میروند که بصورت کلی توسط گروپ های فرعی شهروندان مورد استفاده قرار گرفته اند. نفوس کوچی بر علاوه اکثرا از فروش مواشی استفاده کرده اند (۱۸.۶ فیصد) که ممکن دلیل آن عدم دسترسی به گرفتن قرضه باشد. بصورت مجموعی، ۲۵.۹ فیصد نفوس بیشترازیک استراتیژی مقابله برای امرار معیشت را به کار برده اند. بنابراینسوء کمتر بعضی استراتیژی های مقابله برای امرار معیشت آنها در یک گروپ استراتیژی های دیگر یک جا گردیده اند، اما قابل ذکر است که نگاه اطفال خورد سال در بدل پول اطفال منحیث یک استراتیژی مقابله امرار معیشت (۲.۵ فیصد) بیشتر دربین نفوس کوچی در مقایسه با نفوس دهاتی و شهری (۰.۷ فیصد و ۰.۱ فیصد) استفاده شده است.

جدول ۱۰.۷ : نفوس ، به اساس استراتیژی مجادلوئی معیشتی و به اساس محل اقامت (به فیصدی)

استراتیژی امرار معیشت	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
ضرورت نداشتند تا به خاطر جبران دست به کدام اقدام بزنند	۲۰.۵	۲۶.۷	۲۳.۵	۲۵.۰
کاهش مصارف	۳۰.۷	۲۳.۰	۲۷.۱	۲۵.۰
گرفتن قرض	۳۰.۸	۱۹.۰	۲۳.۳	۲۲.۰
کاهش کیفیت رژیم غذایی	۷.۱	۱۲.۳	۱۸.۸	۱۱.۴
خریداری غذا توسط پول از فروشنده گان	۷.۷	۵.۶	۳.۵	۶.۰
دریافت کمک از دیگران در اجتماع	۳.۵	۴.۷	۵.۱	۴.۴
فروش خان، زمین یا مواشی بارور	۰.۸	۴.۱	۱۸.۶	۴.۰
کاهش مقدار غذا، و حذف وعده غذایی	۲.۰	۳.۴	۶.۰	۳.۲
استراتیژی دیگر	۲.۹	۴.۰	۵.۴	۳.۸

خانوارها به منظور مقابله با صدمات که تجربه میکنند از استراتیژی های مختلف استفاده کرده میتوانند (فصل ۱۱ دیده شود). همچون استراتیژی ها مطابق به اضرار که آنها درقبال معیشت و مجادله درآینده نفوس در برابر صدمات دارند ، تصنیف بندی میگردند.

متن چوکات شماره ۷.۱ توضیحات و مثالهای چهار کتگوری مقابله با حوادث را ارایه مینماید. در زمان کاربرد تصنیف بندی استراتیژی ها ۵.۴ فیصد نفوس که از یک یا بیشتر استراتیژی های استفاده کرده اند، استراتیژی ها فشار را به کار برده اند، که یکی از استراتیژی های مضر به شمار میرود (جدول ۷.۱۱). یک تعداد کم افراد - ۳.۷ فیصد - از استراتیژی های بحران استفاده کرده اند که زیاد زیان بار نبوده اند، و ۳۱ فیصد از استراتیژی های فشار استفاده کرده اند - که از جمله استراتیژی های زیان بار متوسط به شمار میروند. یک تعداد زیاد افراد یعنی ۵۹.۹ فیصد از استراتیژی های پایدار کارگرفته اند.

چوکات متن ۱.۷: استراتیژی های مقابله برای امرار معیشت

استراتیژی های تنگدستی: مانند فروش زمین - که مولدیت آینده را متاثر میسازد، اما به مشکل به حالت اولی برمیگردد یا بیشتر دارای یک ماهیت دراماتیک درمقایسه با استراتیژی های بحران میباشد.
استراتیژی های بحران: مانند فروش اموال تولیدی - مستقیماً مولدیت آینده را کاهش میدهد، که شامل تشکل سرمایه انسانی نیز میباشد.
استراتیژی های فشار: مانند قرض گرفتن پول یا مصرف پول پس انداز - سبب کاهش توانایی ها در برابر مجادله با صدمات آینده در نتیجه کاهش منابع کنونی و افزایش قرضه میگردد.
استراتیژی های پایدار: مانند افزایش وقت کاری یا افزایش کار اعضای خانوار - که در نتیجه دارای خانوار کاهش نیافته ، تولید کاهش میابد ، سرمایه انسانی کاهش میابد.

مردم کوچی بیشتر از استراتیژی های فشار و بحران استفاده میکنند (۲۰.۶ و ۵.۴ فیصد به ترتیب) و نفوس شهری از این استراتیژی های ویرانگر حد اقل ۱.۸ و ۲.۷ فیصد به ترتیب استفاده میکنند، این در حالیست که نفوس دهاتی در بین استراتیژی ها تنگدستی و بحران (۵.۵ و ۴.۰ فیصد به ترتیب) قرار دارند. همچنان، نفوس دهات اکثراً از استراتیژی ها پایدار (۶۲.۷ فیصد) استفاده میکنند. این تفاوت ها نشان دهنده سطوح آسیب پذیری معیشت گروپ های ذکر شده میباشد.

جدول ۱۱.۷ : نفوس که از استراتیژی های مجادله استفاده میکنند، به تفکیک محل اقامت و نوع استراتیژی (به فیصدی)

محل اقامت	استراتیژی های تنگدستی	استراتیژی های بحران	استراتیژی های فشار	استراتیژی های پایدار	مجموع
ملی	۵.۴	۳.۷	۳۱.۰	۵۹.۹	۱۰۰.۰
شهری	۱.۸	۲.۷	۴۱.۵	۵۴.۰	۱۰۰.۰
دهاتی	۵.۵	۴.۰	۲۷.۹	۶۲.۷	۱۰۰.۰
کوچی	۲۰.۶	۵.۴	۲۵.۷	۴۸.۳	۱۰۰.۰

۲.۹.۷ استراتیژی های مقابله با کاهش غذا

زمان که خانوارها با کمبود غذا مواجه میشوند یا مورد تهدید فقدان غذایی قرار میگیرند، در این حالت میتوانند از یک سلسله استراتیژی های (عیار ساختن غیر عادی) استفاده کنند. شاخص استراتیژی مقابله با صدمات یک تعداد استراتیژی های را به کار میبرند که توسط یک خانوار به هدف انکشاف یک شاخص متبادل وضعیت مربوطه عدم مصئونیت غذایی آنها را مورد استفاده قرار میگیرد (متن چوکات شماره ۲.۷ دیده شود). پرسش عمده که شاخص استراتیژی مقابله با صدمات میخواهد بداند عبارت است از: " شما کدام کار را انجام میدید زمانیکه غذایی کافی ندارید یا پول کافی جهت خریداری غذا نزد شما موجود نیست؟ در سطح ملی اوسط نمره شاخص استراتیژی مقابله با صدمات طبق محاسبه انجام شده ۲.۷ میباشد. این شاخص برای کوچی ها (۳.۲) نسبت به دهات (۲.۷) و ساحات شهری (۲.۶) بلند تر میباشد (جدول ۱۲.۷). اوسط شاخص استراتیژی مقابله با صدمات برای زون جنوب غرب (۴.۲) در بلند ترین حد قرار دارد که به تعقیب آن زون غرب (۴.۰) و مناطق مرتفع مرکزی (۳.۶) دارای بلند ترین نمره شاخص استراتیژی مقابله با صدمات میباشد.

چوکات متن ۲.۷: شاخص استراتیژی مجادله با صدمات

شاخص استراتیژی با صدمات اکثراً منحیث یک شاخص بدیل عدم مصئونیت غذایی خانوار مورد کاربرد قرار میگیرد. از خانوارها در مورد اینکه چند بار از یک مجموعه ۵ استراتیژی کوتاه مدت مقابله با کمبود غذایی در یک وضعیت که غذای کافی نداشتند یا به پول کافی جهت خریداری غذا دسترسی نداشتند در جریان یک هفته قبل از مصاحبه، استفاده کرده اند.

معلومات بدست آمده با استراتیژی مقابله با صدمات توحید گردیده و طبق آن یک نمره به خانوار اختصاص داده میشود که در مورد تکرر و شدت استراتیژی های استفاده شده معلومات ارایه میکند. به هر اندازه که از استراتیژی های شدید توسط خانوارها استفاده میشود و همچنان به هر اندازه که به تکرار مورد استفاده قرار میگیرند به همان اندازه دارای نمره بلند استراتیژی مقابله با صدمات بوده و به همان جدیت خانوار متذکره نامصئون غذایی میباشد. نمره شاخص استراتیژی مقابله با صدمات خود مفهوم کوچک را افاده میکند: شاخص استراتیژی مقابله با صدمات دارای کدام حدود مشخص که نشان دهنده مصئونیت و عدم مصئونیت غذایی خانوار باشد نمی باشد بلکه استراتیژی مقابله با صدمات یک شاخص مربوط به عدم مصئونیت غذایی بوده و تنها زمان دانسته میشود که بین گروپ های مورد معیشتی که برای آنها این شاخص انکشاف داده شده، یک مقایسه صورت گیرد. به منظور محاسبه شاخص استراتیژی مقابله با صدمات، در قدم اول برای هریک از پنج استراتیژی یک معیار به اساس وزن در مورد شدت آن در نظر گرفته میشود: الف - متکی بودن بالای غذا های که کمتر مورد پسند بوده و قیمت شان نیز کم باشد (وزن = ۱.۰): ب - محدود کردن مقدار غذا در اوقات صرف وعده های غذایی (۱.۰): ج - کاهش تعداد وعده های غذایی که در یک روز صرف میشوند (۱.۰): د - قرض گرفتن غذا یا اتکا به کمک اقارب و دوستان (۲.۰): و - وضع محدودیت مصرف غذا بالای اطفال در خانه توسط بزرگسالان (۳.۰). (سپس نمره های شاخص استراتیژی مقابله با صدمات خانوار توسط ضرب روزهای یک هفته قبل از کاربرد هر استراتیژی و مطابقت شدت وزن و حاصل جمع آنها، تعیین میگردند. مجموع نمره شاخص استراتیژی مقابله با صدمات اساس تعین و تصنیف بندی سطح مجادله به سه کتگوری را تشکیل میدهد: نبود مجادله یا سطح پایین مجادله (۰-۳ = استراتیژی مقابله با صدمات)، متوسط (۴-۹ = استراتیژی مقابله با صدمات) بلند (۱۰ ≤ استراتیژی مقابله با صدمات).

افراد دارای سطح بلند مجادله با صدمات کسان هستند که طبق شاخص استراتیژی مقابله با صدمات نمره ۱۰ یا بلند تر از آن را دارا میباشند. این خانوارها تا حد زیاد از استراتیژی های استفاده میکنند یا از استراتیژی های که استفاده میکنند نسبتاً شدید میباشند، و یا هر دو حالت ذکر شده در نزد آنها صدق میکند. در سطح ملی، ۹.۸ فیصد خانوارها دارای یک سطح بلند مقابله هستند که رقم بلند تر در میان کوچی ها (۱۱.۵ فیصد) دیده میشود و متعاقب آن مردم دهات (۱۰.۱ فیصد) از استراتیژی های استفاده میکنند و بالاخره این رقم در نزد نفوس شهری به (۸.۴ فیصد) میرسد. خانوارهای که توسط زنان سرپرستی میشوند در مقایسه با خانوارهای سرپرستی شده توسط مردان دارای نمره بلند استفاده از استراتیژی مجادله با صدمات میباشند.

جدول ۱۲.۷: شاخص استراتیژی مجادله به تفکیک متغیرهای گذشته خانوار مورد نظر و به تفکیک سطح مقابله (به فیصدی)

متغیرهای گذشته	اوسط شاخص استراتیژی مجادله	سطح مجادله			
		نخیر	پایین	متوسط	بلند
ملی	۲.۷	۶۴.۶	۱۰.۰	۱۵.۶	۹.۸
اقامت					
شهری	۲.۶	۶۳.۰	۱۳.۳	۱۵.۳	۸.۴
دهاتی	۲.۷	۶۵.۵	۸.۹	۱۵.۵	۱۰.۱
کوچی	۳.۲	۵۹.۱	۱۰.۹	۱۸.۵	۱۱.۵
زون					
مرکزی	۲.۱	۶۲.۳	۱۶.۶	۱۵.۶	۵.۵
مرتفع مرکزی	۳.۶	۵۲.۷	۱۵.۳	۲۲.۱	۹.۹
شرق	۲.۴	۷۵.۳	۲.۷	۱۲.۵	۹.۵
شمال	۱.۸	۷۱.۰	۱۰.۴	۱۴.۱	۴.۵
شمال شرق	۲.۲	۷۲.۸	۵.۷	۱۱.۷	۹.۸
جنوب شرق	۲.۱	۶۷.۵	۱۶.۹	۷.۷	۷.۹
جنوب غرب	۴.۲	۵۸.۵	۳.۶	۱۷.۹	۱۹.۹
غرب	۴.۰	۵۷.۷	۵.۱	۲۰.۸	۱۶.۵
جنسیت سرپرست خانوار					
ذکور	۲.۷	۶۴.۷	۱۰.۱	۱۵.۶	۹.۷
اناث	۶.۲	۴۶.۲	۷.۵	۲۲.۴	۲۳.۹

۸. تعلیم و تحصیل

خلاصه: سروی های متواتر ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که بسیاری از شاخص های تعلیم و تحصیل در یک دهه اول پس از سقوط رژیم طالبان، پیشرفت قابل ملاحظه نموده است. هر چند، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ سیر بطی بهبود را نشان می دهد ولی سروی فعلی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ بهبود بیشتر را در بسیاری از شاخص های تعلیم و تحصیل نشان داده - میزان حضوریابی خالص و غیر خالص، میزان سواد جوانان و بزرگسالان، توقع ادامه تحصیل در مکاتب، شاخص های تساوی جنسیتی- به توقف کامل رسیده اند. یکی از دلایل احتمالی موانع پیشرفت این است که در مناطق و گروپ های مردمی که برای آنها توسعه خدمات تعلیم و تحصیل آسان است، بطور وسیعی تحت پوشش قرار گرفته اند و در مناطق و گروپ های مردمی که مقاومت در مقابل تعلیم و تحصیل مدرن وجود داشته است، به حال خود باقی مانده است. بر علاوه، سطح بالای تولدات و رشد سریع نفوس در افغانستان باعث بوجود آمدن گروپ های وسیع شاگردان جدید در سطوح مختلف تعلیم گردیده است که این افزایش تلاش های اضافی جهت وسعت بخشیدن سیستم تعلیم و تحصیل در افغانستان را به شکست مواجه خواهد ساخت.

یافته های سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که بطور کلی میزان حضوریابی خالص تعلیم در افغانستان در دوره ابتدایی ۵۶.۱ فیصد، ثانوی ۳۵.۷ فیصد و عالی ۹.۷ فیصد می باشد. همچنان میزان حضوریابی نا خالص تعلیم در دوره های ابتدایی، ثانوی و عالی بالترتیب ۷۲.۵، ۴۸ و ۱۴.۱ فیصد را تشکیل می دهد. معلومات حضوریابی در مکاتب نشان می دهد که ۱.۹ میلیون اطفال سنین دوره ابتدایی و ۱.۸ میلیون اطفال سنین دوره ثانوی تعلیم و فرصت آموختن مهارت های اساسی زندگی را از دست میدهند. توقع ادامه تحصیل در مکاتب- تعداد مجموعی سال های دوره مکتب که یک طفل شش ساله توقع فراگیری آنرا دارد، فقط ۷.۸ سال است. نرخ سواد جوانان و بزرگسالان در این سروی بالترتیب ۳۴.۸ و ۵۳.۶ فیصد دریافت گردید. علاوه بر پرسشنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان که محاسبه شاخص ۱.۳۴ اهداف انکشاف پایدار (SDG) (نسبت اشتراک رسمی و غیر رسمی جوانان در تعلیم و تحصیل در ۱۲ ماه گذشته) را ممکن می سازد، در حد ۲۸.۵ فیصد می رسد. مقایسه بین المللی نیز نشان می دهد که افغانستان در سطح جهان هنوز در بین فقیرترین بازیگران فراهم کننده تعلیم و تحصیل مناسب به نفوس خویش است.

یکی از مهم ترین موارد دریافتی سروی وضعیت زندگی در افغانستان این است که جدا از کیفیت تعلیم و تحصیل که در مورد آن این سروی معلومات ارائه نمی کند - مشکل اساسی سیستم تعلیم و تحصیل افغانستان حفظ و ترک تعلیم و تحصیل بسیار زیاد نیست، بلکه اولتر و مهمتر از همه شروع و آغاز تعلیم در مکاتب است. محل سکونت، جنسیت، معلولیت و فقر از عواملی اند که بطور تغییر ناپذیر نتایج تعلیم و تحصیل را تحت تأثیر قرار می دهد، همیشه شدیداً و اغلباً بطور کلی نتایج دختر ها، ساکنین دهاتی و کوچی، افراد دارای معلولیت و فقرا را آسیب می رساند.

۱.۸ مقدمه

تعلیم و تحصیل یکی از مهمترین جنبه های انکشاف بشری بشمار می رود. مجمع بین المللی در مورد حقوق اطفال - یکی از معاهدات حقوق بشر که به سطح بسیار وسیع به تصویب رسیده است - حقوق دسترسی همه اطفال را به تعلیم ابتدایی ارج می گذارد تا ازین طریق به مهارت های دست یابند که در طول زندگی برای ادامه آموزش به آن نیاز دارند. یقیناً که افزایش دسترسی دخترها و خانم ها به تعلیم و تحصیل سبب بهبود سلامت مادر و طفل گردیده، دسترسی اطفال آنها را به تعلیم بهبود می بخشد و مشوق رشد اقتصادی می گردد. آندای ۲۰۳۰ اهداف انکشاف پایدار دربرگیرنده یک هدف جداگانه برای تعلیم و تحصیل است، هدف انکشاف پایدار ۴: حصول اطمینان از تعلیم و تحصیل همه شمول و متوازن و گسترش فرصت های آموزشی متداوم برای همه. این هدف در برگیرنده ۱۰ هدف فرعی و ۱۱ شاخص بررسی پیشرفت می باشد. در مقایسه به آندای هزاره دورنمای اهداف انکشاف پایدار بیشتر مشرح است، که تمام سطوح تعلیم و تحصیل را تحت پوشش قرار می دهد و تمرکز بیشتر بالای جنبه های کیفی و نتایج تعلیم و تحصیل دارد تا اینکه سطح اشتراک در تعلیم و تحصیل را مد نظر گیرد. نسبت نبود معلومات در مورد بسیاری ازین شاخص های ۱۱ گانه جهانی در سال های گذشته، ارزیابی پیشرفت اجراءات تعلیمی قبلی بر اساس این شاخص ها بسیار محدود است. بر علاوه، شاخص های اهداف انکشاف پایدار به هیچ وجه ارزیابی تعلیمی و تحصیلی همه جانبه را نشان نمیدهد. بنابراین، این فصل تحلیل تعلیم و تحصیل را فراتر از چارچوب اهداف انکشاف پایدار توسعه می دهد و از شاخص های اهداف انکشاف هزاره (MDG) برای تحلیل روند استفاده می نماید.

افغانستان در مقابل یک چالش بزرگ قرار دارد تا دوباره بعد از ۳۰ سال جنگ و عدم ثبات سیاسی که منتج به ویرانی سیستم تعلیمی افغانها در زمینه دسترسی به پرسونل تعلیمی، تعمیر و جای، برنامه تعلیمی و حضوریابی شاگردان مکاتب گردیده است، جبران گردد. در دوره حکمرانی طالبان دخترها حتی اجازه رفتن به مکتب را نداشتند. بعد از سال ۱۳۸۰ پروسه بازسازی ملی با حمایت وسیع جامعه جهانی در حال تطبیق است. بر اساس معلومات وزارت معارف، تنها ۱ میلیون طفل (اکثریت ذکور) در سال ۱۳۸۰ در مکاتب شامل گردیده بودند، ولی در سال ۱۳۹۲ اضافه تر از ۸.۶ میلیون ثبت گردیده که از جمله ۳۹ فیصد آن دخترها بوده است (وزارت معارف سال ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۴ وزارت معارف ۹.۲ میلیون شاگرد را ثبت نام کرده است (وزارت معارف سال ۲۰۱۶). همچنان بوسیله نتایج سروی های متواتر ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان بهبود عملکرد سیستم تعلیمی نیز نشان داده شده است (سال های ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳)، که پیشرفت قابل توجهی را در ساحات سواد، حضور یابی و دستاورد تعلیمی نشان می دهد. هر چند، آخرین سروی سروی وضعیت زندگی در افغانستان بیانگر رکود در روند هابست که قبلاً مثبت مشاهده گردیده اند و هنوز راه طولانی در پیش است تا به اهداف دولت افغانستان که در قسمت سواد و ثبت نام در مکاتب تعیین گردیده است به ویژه برای دخترها، دست یافت. نسبت شاگرد - معلم ۴۷ شاگرد برای هر معلم به مراتب از نورم وزارت معارف بزرگتر است (۳۵ شاگرد برای هر معلم). بر علاوه، ۵۸ فیصد معلمین حداقل شرایط لازمی را ندارند (درجه تحصیلی فارغ ۱۴)، این بیانگر این است که تعداد شاگردان بر هر معلم واجد شرایط همچنان بسیار زیاد است (۱۱۱ شاگرد برای هر معلم واجد شرایط).

کمبود معلمان بخصوص در ساحات دهاتی و مضامین اختصاصی مانند ریاضی و ساینس زیاد است. همچنان تقریباً نصف مکاتب ابتدایی و ثانوی ساختمان کافی نداشته و عده بی دیگری با وجود داشتن ساختمان با کمبود صنوف درسی، وضعیت صحتی، آب آشامیدنی یا دیوارهای محافظتی روبرو اند و اکثراً در وضعیت بد قرار دارند (وزارت معارف ۲۰۱۴). تازه ترین پلان استراتژیک تعلیم ملی برای دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۶ (NESP III) (وزارت معارف ۲۰۱۶) مجموعه جدیدی از شاخص های مقداری را تشخیص نموده تا بهبود در توسعه سیستم تعلیم و دستاوردهای تعلیمی را بررسی نماید. متأسفانه، تعداد اندکی از این شاخص ها با شاخص های تعیین شده بین المللی برای هدف انکشاف پایدار (SDG۴) مطابقت دارد. معلومات را که سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ برای شاخص های مرتبط تعلیمی اهداف انکشاف پایدار می تواند فراهم کند، بسیار محدود نیز اند. دوره های آینده سروی وضعیت زندگی در افغانستان شاخص های بیشتری برای هدف انکشاف پایدار ۴، فراهم خواهد کرد، ولی معلومات مورد نیاز بسیاری آنها خارج از محدوده چند هدفی سروی بی مانند سروی وضعیت زندگی در افغانستان اند و ضرورت است تا بالای سروی های مشخص شده تعلیم و معلومات اداری اتکا شود.

سروی کنونی وضعیت زندگی در افغانستان بار دیگر بخش های تحلیل وضعیتی تعلیم و تحصیل را برای دوره ۱۳۹۵ تحت پوشش قرار داد. بخش ۲.۸ عملکرد فعلی سیستم تعلیمی و تحصیلی افغانستان را با مرور حضوریابی و عدم حضوریابی با بعضی پس زمینه های مرتبط مورد بحث قرار می دهد. بخش ۳.۸ به مسایل سرمایه بشری بادر نظر داشت دستیابی نفوس بزرگسال افغانستان به بلند ترین سطح تعلیمی اختصاص یافته است. در نهایت، قسمت ۴.۸ ارزیابی وضعیت مرتبط به سواد آموزی را که یکی از تاثیرات تعلیم و تحصیل است، فراهم میکند.

سیستم تعلیمی افغانستان بازسازی و تجدید ساختار گردیده است. وزارت معارف مسئول سطوح تعلیمی ابتدایی و ثانوی است، در حالیکه وزارت تحصیلات عالی، تحصیلات عالی را فراهم می نماید. اصولاً، تعلیمات عامه بصورت رایگان بوده و تعلیمات ابتدایی و متوسط الزامی است.

تعلیمات ابتدایی ۶ سال دوام میکند، از صنف ۱ الی ۶ و برای شاگردان سنین ۶ الی ۱۲ سال مدنظر گرفته شده است. در ۳ سال اول تعلیمات ابتدایی، نصاب تعلیمی در برگیرنده مضامین از قبیل هنر، عقاید، دری یا پشتو (بادرنظر داشت منطقه)، حساب، خوش نویسی و می باشد. مضامین دیگر، از قبیل ساینس، جغرافیه و تاریخ در مرحله بعدی اضافه می گردند. آموزش مبتنی بر جامعه در مناطق کم امن مانند ولایت های جنوبی فراهم می گردد. این تعلیمات عمدتاً در مساجد بوسیله امام فراهم گردیده و تاکید بیشتر اصلی آن بالای مضامین دینی است. شاگردان تعلیمات ابتدایی خویش را با سپری نمودن امتحان تکمیل می نمایند که زمینه شمولیت در تعلیمات مرحله اول دوره ثانوی ایشان را فراهم می سازد.

تعلیمات مرحله اول دوره ثانوی (متوسطه) دارای مدت ۳ سال است، از صنف ۷ الی ۹ برای شاگردان سنین ۱۲ الی ۱۴ سال می باشد. نصاب تعلیمی دوره متوسطه شامل مضامین از قبیل، ریاضی، ساینس، بیولوژی، فزیک، کمیا و زبان های خارجی (انگلیسی، المانی، فرانسوی و روسی) می باشد. تعلیمات دوره متوسطه برای آماده گی دوره بعدی ثانوی فراهم می گردد. دوره متوسطه زمینه پذیرش در تعلیمات تخنیکی و حرفوی ثانوی را نیز فراهم می سازد. شاگردان تعلیمات متوسطه خویش را با سپری نمودن امتحان تکمیل نموده که زمینه شمولیت در تعلیمات مرحله دوم دوره ثانوی ایشان را فراهم می سازد.

تعلیمات مرحله دوم دوره ثانوی ۳ سال آخر تعلیمات ثانوی را در بر داشته، از صنف ۱۰ الی ۱۲ برای شاگردان سنین ۱۴ الی ۱۷ سال می باشد. در دوره دوم تعلیمات ثانوی، شاگردان می توانند مضامین تئوریک را میخوانند، از قبیل، تاریخ، ریاضی و تعلیمات اسلامی، یا مضامین حرفوی از قبیل، زراعت، تعلیم، هنرها و فرهنگ و اقتصاد. هر دو بخش مختلف با سپری نمودن امتحان ملی خاتمه می یابد، با تکمیل نمودن مؤفقاته این دوره اسناد فراغت صنف دوازدهم برای شاگردان اعطا می گردد (NUNFFIC ۲۰۱۵).

به دلایل مختلف (شروع دیر هنگام، ترک مؤقت تعلیم، تکرار صنف یا تکمیل دو صنف در یک سال)، سن واقعی اطفال که در سطوح مختلف تعلیمی شمولیت حاصل می کنند، اکثراً با سن قانونی مکتب بسیار متفاوت است. برای دلایل عملی، درین گزارش سن ۷ الی ۱۲ برای دوره ابتدایی، سن ۱۳ الی ۱۸ برای دوره ثانوی و سن ۱۹ الی ۲۴ برای تحصیلات عالی مد نظر گرفته شده است.

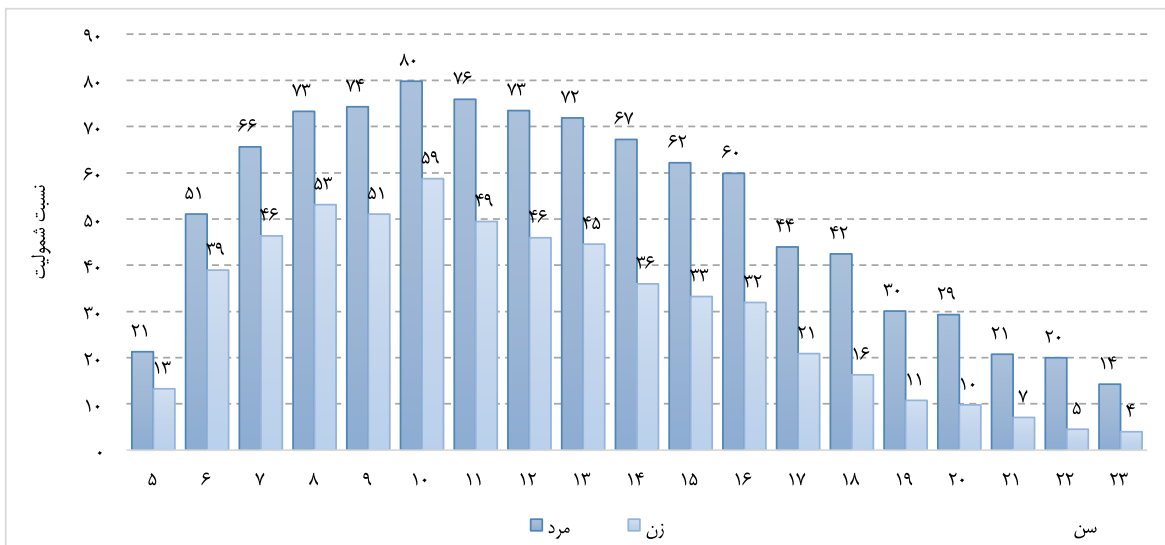
تحصیلات عالی در افغانستان توسط مؤسسات عالی دولتی و خصوصی فراهم می گردد. نصاب درسی تحصیلات عالی بوسیله وزارت تحصیلات تدوین گردیده است. پوهنتون ها هم اختیارات نسبی در نصاب درسی دارند. پوهنتون ها اکثراً پروگرام های دوره لیسانس و ماستری را عرضه می دارند، ولی هنوز هم تعداد پروگرام های ماستری محدود است. پروگرامهای دوره لیسانس معمولاً ۴ سال را در بر می گیرد، درحالیکه پروگرام های ماستری دارای مدت ۲ سال می باشد.

۲.۸ حضور یابی در تعلیم

۱.۲.۸ معرفی

پس از سال ۱۳۸۷، تعلیم ابتدایی احتمالاً از سن ۶ سالگی آغاز می گردد (جدول متنی فوق الذکر راجع به سیستم تعلیمی افغانستان دیده شود). نتایج سروی های قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که در حقیقت تعداد اندکی از اطفال در همان سن تعلیم را آغاز می نمایند. سروی فعلی ۱۳۹۵ افزایش نسبت اشتراک کننده گان در تعلیم را در سن ۶ سالگی نشان می دهد که از ۳۹.۱ فیصد در سال ۱۳۹۳ به ۴۵.۳ فیصد در سال ۱۳۹۵ می رسد. این افزایش در بین پسر ها (از ۴۳.۶ فیصد در سال ۱۳۹۳ به ۵۱.۱ فیصد در سال ۱۳۹۵) نسبت به دخترها (از ۳۴.۳ فیصد به ۳۹.۰ فیصد) بیشتر محسوس است. شکل ۱.۸ میزان سن اختصاصی حضور یابی در تعلیم را نشان می دهد. این بیانگر آن است که بسیاری از اطفال حتی در سنین بیشتر از ۷ سالگی در مکاتب ابتدایی شامل می شوند و بیشترین میزان حضوریابی صرف در سنین اواخر دوره ابتدایی و اوایل دوره ثانوی در مکاتب بدست میآید. از طرف دیگر، اطفال معدودی نیز وجود دارند که قبل از سن رسمی ۶ سالگی شمولیت در مکاتب، تعلیمات ابتدایی را شروع می نمایند.

شکل ۱.۸: میزان حضور یابی در تعلیم برای نفوس سنین ۲۴-۶، به تفکیک سن و جنسیت (به فیصدی)



با در نظر داشت حضور یابی پائین در مکاتب در سن ۶ سالگی، این سن به مثابه یک شاخص حقیقی برای شروع تعلیم در نظر گرفته نمی شود. بنابراین، در تحلیل این گزارش سن ۷ سالگی جهت شمولیت در مکاتب ابتدایی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنان قابلیت مقایسوی با سروی های ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان و تحلیل سروی خوشه ئی چند شاخصه ئی (MICS) افغانستان نیز در نظر گرفته شده است.

۲.۲.۸ میزان حضور یابی خالص

میزان حضور یابی نشان دهنده عملکرد سیستم تعلیم جهت ارائه خدمات برای نفوس در سنین مکاتب است.^۱ میزان حضور یابی خالص^۲ (NAR) شمولیت در سطح معین تعلیم اطفال و نوجوانان متعلق به گروپ سنی خاص مربوط به همان سطح تعلیمی را نشان می دهد. میزان حضور یابی ابتدایی خالص بعنوان یکی از شاخص های استراتیژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) و اهداف انکشافی هزاره (MDG) جهت بررسی پیشرفتها در راستای اهداف هزاره بمنظور دستیابی به تعلیمات ابتدایی عمومی است که اطفال را با مهارت های اساسی خواندن، نوشتن و ریاضی بر علاوه درک ابتدایی از مضامین مانند تاریخ، جغرافیا، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، هنر و موسیقی آماده می سازد. هدف تعیین شده برای افغانستان، دستیابی به حضور یابی خالص ۱۰۰ فیصد تا سال ۱۳۹۹ بوده است (جمهوری اسلامی افغانستان ۲۰۱۰).

جدول ۱.۸ میزان حضور یابی خالص برای تعلیمات ابتدایی، ثانوی و عالی را با در نظر داشت محل سکونت و جنسیت فراهم می کند. این نشان دهنده آن است که میزان کلی گزارش شده تفاوت های زیادی محل سکونت و جنسیت را مشخص نمی سازد. بنابراین، برای هر یک از سطوح تعلیمی، حضور یابی مناطق شهری بسیار بیشتر از حضور یابی در مناطق دهاتی است. بطور مثال، حدود سه بر چهارم حصه (۷۴.۳ فیصد) از اطفال سن ابتدایی در شهر ها در مکاتب ابتدایی حضور دارند، اما در مناطق دهاتی، فقط بیشتر از نیم از اطفال (۵۴ فیصد) این چنین است. در عین حال، با سطوح بالاتر تعلیمی، تفاوت بزرگتر را

^۱ نسبت و میزان حضور یابی در تعلیم به همان اهداف معلوماتی میزان و نسبت شمولیت بکار می رود که از منابع اداری بدست می آید. در شرایط معلوماتی کامل و در تنظیمات درست تعلیم، ارقام حضور یابی و شمولیت نیز بسیار شبیه اند. در غیر این صورت، اختلاف زیادی را می توان به دلایل مختلف دریافت. به عنوان مثال، سنجش میزان حضور یابی ممکن است منجر به انحراف سن شود. در غیر این حالت، ارقام شمولیت اکثراً شامل شاگردانی است که باید حذف گردند، زیرا آنها در جای دیگری شمولیت یافته و یا از مکاتب خارج شده اند. براساس معلومات وزارت معارف، این در مورد ۱.۷ میلیون شاگرد در سال ۱۳۹۳ میلادی بود (۱۸.۳ فیصد از مجموع تعداد شاگردان) (وزارت معارف سال ۱۳۹۵). میزان و نسبت شمولیت در مقابل درست بودن نفوس اصلی بسیار حساس است. تا آنجاییکه نفوس اصلی بزرگتر از تخمین های رسمی می باشد، در مورد تعداد شمولیت مبالغه شده است.

^۲ میزان حضور یابی خالص (NAR) بر اساس تعداد شاگردان گروپ سنی مکتبی تیوریک برای سطح معینی از تعلیم، که بصورت فیصدی از مجموع نفوس در همان گروپ سنی محاسبه می گردد، بیان می شود. در این گزارش سنین ۷ تا ۱۲ سال به حیث گروپ سنی تعلیمات ابتدایی، سنین ۱۳-۱۸ سال به حیث گروپ سنی تعلیمات ثانوی و سنین ۱۹-۲۴ سال به حیث گروپ سنی تحصیلات عالی مشخص گردیده است

می توان در ارتباط به میزان حضوریابی در میان مناطق شهری و دهاتی مشاهده کرد. سطوح حضوریابی در نفوس کوچی ها بسیار کم است و کمتر از ۷ فیصد حضوریابی خالص در تعلیم ابتدایی و در حدود ۲ فیصد در تعلیم ثانوی است. برای کوچی ها نیز محرومیت مربوط به سطوح بالاتر تعلیمی در مقایسه با اطفال شهری و دهاتی بیشتر است شکل ۲.۸ همچنان نشان دهنده تفاوت های بزرگی در میزان حضوریابی خالص دوره ابتدایی در سطح ولایات بالترتیب برای پسر ها و دختر ها است.

بطور کلی میزان حضوریابی خالص دریافت شده در افغانستان (۵۶.۱ فیصد برای تعلیم ابتدایی، ۳۵.۷ فیصد برای ثانوی و ۹.۷ فیصد برای دوره عالی) مشخص شده است که این کشور هنوز در میان فقیرترین ارائه دهنده گان تعلیم مناسب برای نفوس آن است. نتیجه سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ در مورد تعلیم ابتدایی افغانستان را از طرف پائین در جایگاه هفتم در میان کشور های جهان قرار داده است.^۳

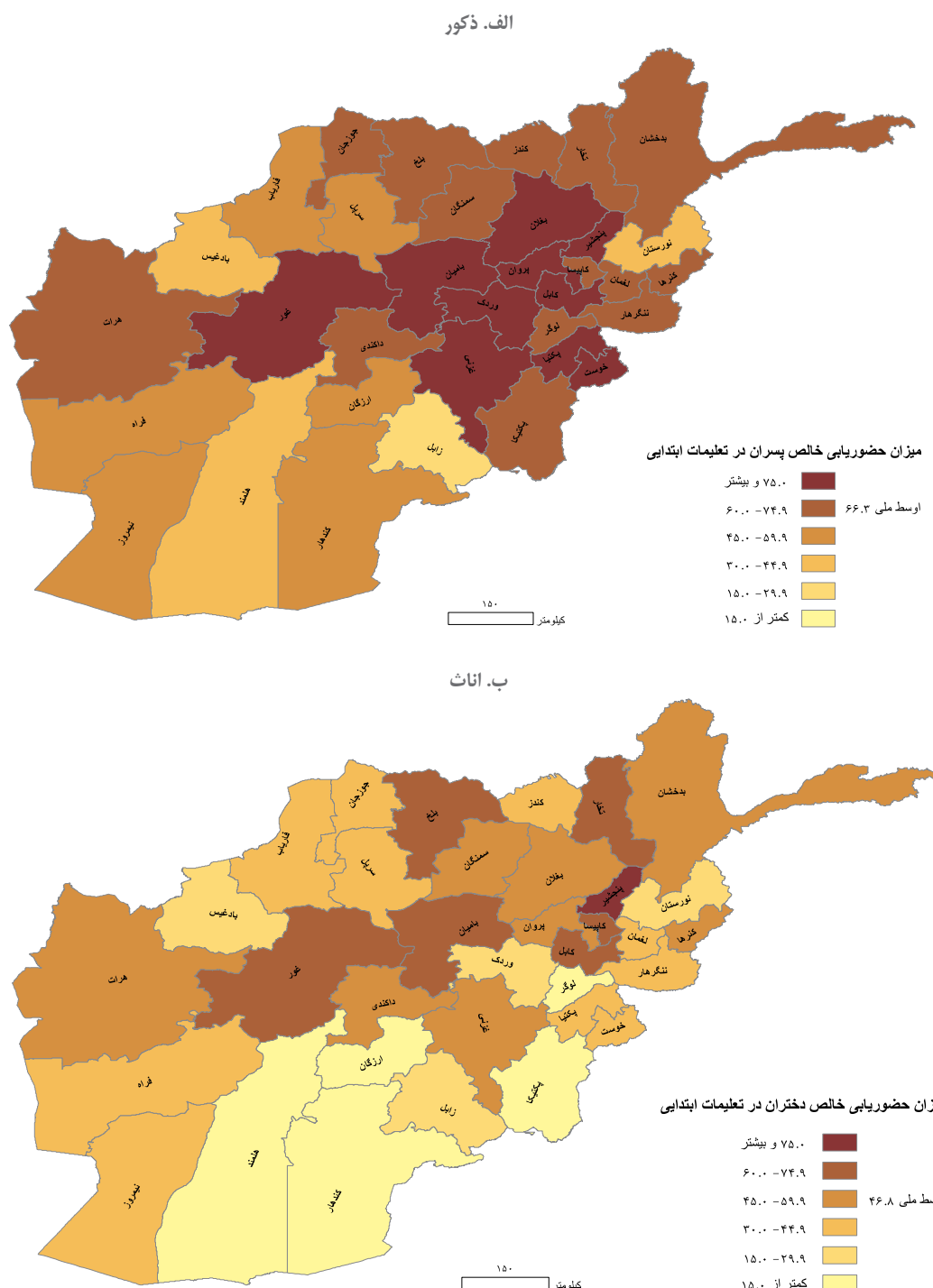
جدول ۱.۸: میزان حضوریابی خالص و میزان حضوریابی غیر خالص، به تفکیک سطح تعلیم، محل سکونت و جنسیت (به فیصدی)؛ شاخص تساوی جنسیتی، به تفکیک سطح تعلیم، محل سکونت

سطح تعلیمی، محل سکونت	میزان حضور یابی خالص			شاخص تساوی جنسیت	میزان حضور یابی غیر خالص			شاخص تساوی جنسیت	محل اقامت
	مجموع	اناث	ذکور		مجموع	اناث	ذکور		
ابتدایه									
ملی	۶۵.۵	۴۵.۵	۵۶.۱	۰.۶۹	۸۴.۴	۵۸.۹	۷۲.۵	۰.۷۰	
شهری	۷۷.۵	۷۰.۸	۷۴.۳	۰.۹۱	۱۰۰.۳	۹۰.۲	۹۵.۵	۰.۹۰	
دهاتی	۶۶.۰	۴۰.۳	۵۴.۰	۰.۶۱	۸۴.۹	۵۲.۷	۶۹.۹	۰.۶۲	۰.۶۹
کوچی	۱۰.۰	۲.۵	۶.۶	۰.۲۵	۱۳.۰	۳.۹	۸.۹	۰.۳۰	۰.۳۳
متوسطه									
ملی	۴۶.۸	۲۴.۱	۳۵.۷	۰.۵۱	۶۳.۰	۳۲.۲	۴۸.۰	۰.۵۱	
شهری	۵۸.۶	۴۴.۵	۵۱.۶	۰.۷۶	۷۹.۵	۵۸.۸	۶۹.۲	۰.۷۴	
دهاتی	۴۵.۳	۱۷.۳	۳۱.۷	۰.۳۸	۶۰.۷	۲۳.۲	۴۲.۵	۰.۳۸	۰.۵۲
کوچی	۳.۲	۰.۰	۱.۸	۰.۰۰	۴.۶	۰.۰	۲.۶	۰.۰۰	۰.۰۰
عالی									
ملی	۱۴.۹	۴.۸	۹.۷	۰.۳۲	۲۰.۶	۸.۰	۱۴.۱	۰.۳۹	
شهری	۲۴.۵	۱۲.۳	۱۸.۱	۰.۵۰	۳۴.۹	۲۰.۴	۲۷.۳	۰.۵۸	
دهاتی	۱۲.۰	۲.۰	۶.۹	۰.۱۶	۱۶.۱	۳.۳	۹.۶	۰.۲۱	۰.۳۵
کوچی	۰.۵	۰.۰	۰.۲	۰.۰۰	۰.۵	۰.۰	۰.۲	۰.۰۰	۰.۰۰

می توان در ارتباط به میزان حضوریابی در میان مناطق شهری و دهاتی مشاهده کرد. سطوح حضوریابی در نفوس کوچی ها بسیار کم است و کمتر از ۷ فیصد حضوریابی خالص در تعلیم ابتدایی و در حدود ۲ فیصد در تعلیم ثانوی است. برای کوچی ها نیز محرومیت مربوط به سطوح بالاتر تعلیمی در مقایسه با اطفال شهری و دهاتی بیشتر است شکل ۲.۸ همچنان نشان دهنده تفاوت های بزرگی در میزان حضوریابی خالص دوره ابتدایی در سطح ولایات بالترتیب برای پسر ها و دختر ها است.

بطور کلی میزان حضوریابی خالص دریافت شده در افغانستان (۵۶.۱ فیصد برای تعلیم ابتدایی، ۳۵.۷ فیصد برای ثانوی و ۹.۷ فیصد برای دوره عالی) مشخص شده است که این کشور هنوز در میان فقیرترین ارائه دهنده گان تعلیم مناسب برای نفوس آن است. نتیجه سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ در مورد تعلیم ابتدایی افغانستان را از طرف پائین در جایگاه هفتم در میان کشور های جهان قرار داده است.^۲

شکل ۲.۸ : میزان حضوریابی ابتدایی خالص برای (الف) ذکور و (ب) اناث، به تفکیک ولایت (به فیصدی)



با توجه به تفاوت وسیع بین سنین رسمی و واقعی مکاتب، میزان حضوریابی خالص معیاری شاخص خوبی برای عملکرد سیستم تعلیمی در افغانستان نخواهد بود. یک جایگزین که اکثراً استفاده می شود، میزان حضور یابی خالص تعدیل شده قابل قبول است که شامل اشتراک شاگردان در سطح تعلیمات بالاتر نسبت به مطابقت سنی آنها است. احساس می گردد که این مقیاس درستر است چون شاگردانیکه در دوره ثانوی مکاتب شامل گردیده اند اما سن آنها مطابق دوره ابتدایی است، نباید ناکامی سیستم تلقی گردد. با تطبیق تعریف جاگزین، میزان حضوریابی خالص قابل قبول تعلیمات ابتدایی (فیصدی اطفال در سن دوره ابتدایی مکاتب که در مکاتب ابتدایی و ثانوی اشتراک نموده اند) ۶۲.۴ فیصد (۷۳.۲ فیصد ذکور و ۵۰.۱ فیصد اناث) خواهد بود و میزان حضوریابی خالص قابل قبول تعلیمات ثانوی (فیصدی اطفال در سن دوره ثانوی که در مکاتب ثانوی یا بالاتر از آن اشتراک نموده اند) ۳۶.۹ فیصد (ذکور ۴۷.۳ فیصد و اناث ۲۵.۷ فیصد) خواهد بود.

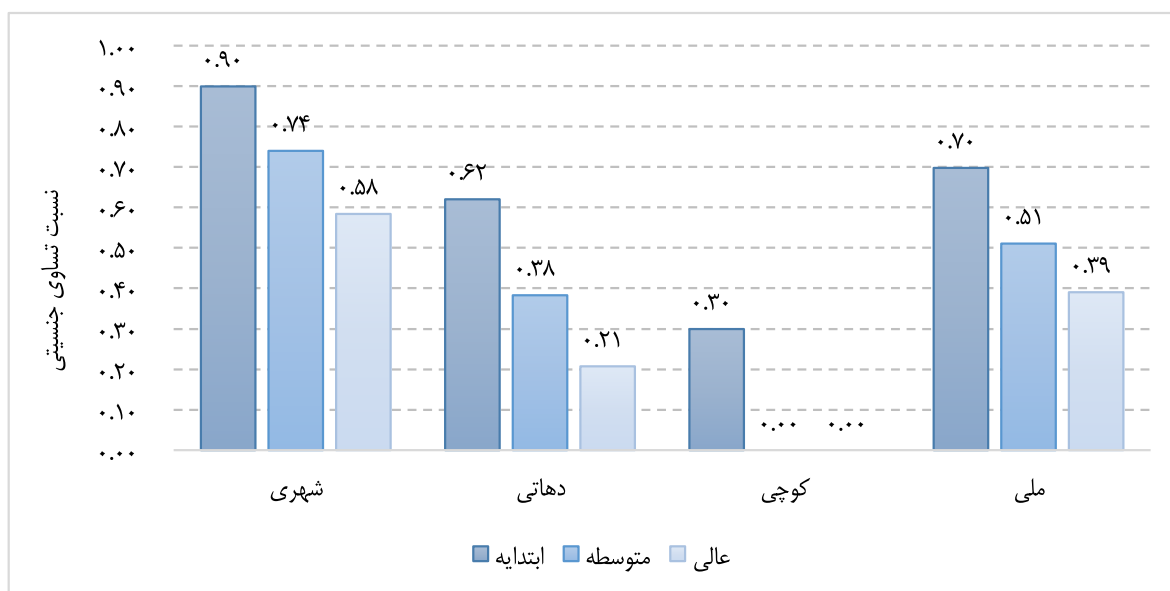
۳.۲.۸ میزان حضوریابی نا خالص

میزان حضوریابی ناخالص^۴ یکی دیگر از مقیاس عملکرد تعلیمی است. این تعداد مجموعی جاهای مکاتب را در هر سطح تعلیمی ارائه نموده و نشان دهنده ظرفیت سیستم تعلیمی جهت ارائه تعلیم برای تمام اطفال سنین مشخص مکاتب است. جدول ۱۸ (سمت راست) میزان حضوریابی نا خالص سه سطح اصلی تعلیمی را نشان می دهد. میزان کلی ۷۰.۰ فیصد تعلیمات ابتدایی بدین معنی است که برای هر ۱۰۰ طفل در سن ابتدایی تنها ۷۰ طفل چه در سن دوره ابتدایی باشند و یا خیر- در دوره تعلیمی ابتدایی اشتراک می کنند.

تفاوت میزان حضوریابی خالص به تفکیک محل سکونت و جنسیت بازتاب دهنده طرح میزان حضوریابی خالص است. میزان حضوریابی نا خالص سنی مکاتب در دهات و بخصوص نفوس کوچی بسیار پائین تر از همتای شهری شان است و تفاوت در محل سکونت با سطح تعلیمی افزایش می یابد. به عنوان مثال، ارزش میزان و نسبت حضوریابی نا خالص در مناطق دهاتی (۶۹.۹ فیصد) ۰.۶۹ مناطق شهری (۹۵.۵ فیصد) است، در حالیکه برای تعلیمات عالی، میزان حضوریابی در دهات (۹.۶ فیصد) فقط مطابق ۰.۳۵ میزان شهر (۲۷.۳ فیصد) است. همینطور، تفاوت های چشمگیری بین میزان حضوریابی دختران و پسران دریافت گردیده است.

شاخص تساوی جنسیت میزان حضوریابی نا خالص^۵ به عنوان یکی از شاخص های اهداف انکشاف هزاره مورد استفاده قرار می گرفت تا پیشرفت در جهت تقویت تساوی جنسیتی و توانمند سازی زن ها را بررسی نماید. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ دریافت است که تفاوت های جنسیتی در مناطق شهری تا اندازه کمتری به مشاهده می رسد، اما در مناطق دهاتی بسیار زیاد است و عدم تساوی جنسیتی با سطح تعلیمات افزایش می یابد. بنابراین، شاخص تساوی جنسیت برای شاگردان شهری در تعلیمات ابتدایی ۰.۹۰ و برای شاگردان دهاتی در تعلیمات عالی تا اندازه ۰.۳۸ (شکل ۳۸ و جدول ۱۸) است. در حقیقت تعلیمات بالاتر از دوره ابتدایی برای دخترهای کوچی تقریباً وجود ندارد. این ارقام نشان دهنده فرصت های معکوس تعلیمی برای دخترهای دهاتی و کوچی در مقایسه با دخترهای شهری و یک وضعیت نامساعد انباشته شده در هنگام پیشرفت در سیستم تعلیم است.

شکل ۳۸: شاخص تساوی جنسیتی نسبت های حضوریابی غیر خالص، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک سطح تعلیم



^۴ میزان حضوریابی نا خالص براساس تعداد شاگردان در یک سطح تعلیمی بدون در نظر داشت سن، بطور فیصدی مجموع نفوس براساس همان سطح تعلیمی نشان داده می شود.

^۵ بطور نسبت دخترها بر پسرها با در نظر داشت، بالترتیب، تعلیمات ابتدایی، ثانوی و عالی محاسبه می شود.

۴.۲.۸ توقع دوران مکتب

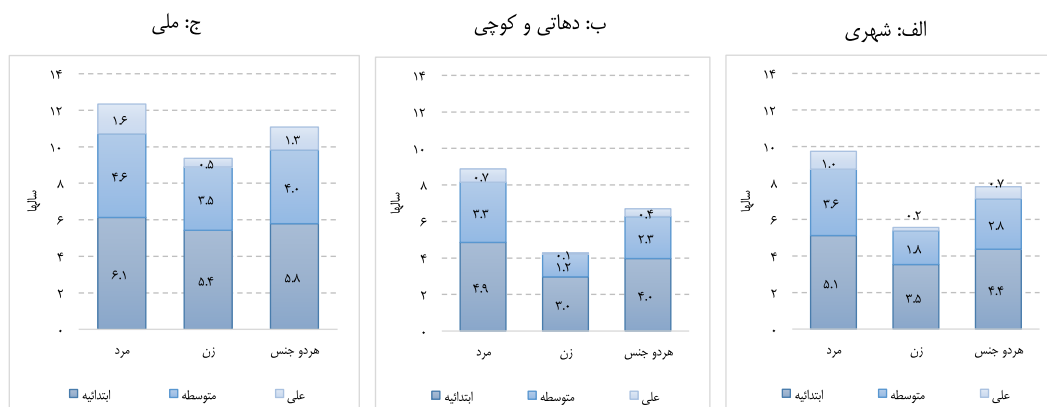
سن و سطح مشخص میزان حضور یابی، امکان پیش بینی تعداد مجموعی سال های مکتب رفتن را که یک طفل در سن معین توقع دریافت آنرا می تواند کند، فراهم میکند. توقع دوره مکتب^۶ نشان دهنده سطح کلی توسعه یک سیستم تعلیمی از نظر تعداد اوسط سال های تعلیمی است که سیستم تعلیمی در اختیار نفوس واجد شرایط قرار می دهد، از جمله برای کسانی که هرگز وارد مکتب نشده اند. برای افغانستان، توقعات ادامه مکتب یک معیار خوبی برای تعداد صنف های تعلیمی متوقعه است که به دلیل میزان نسبتاً کمتر تکرار صنوف، تکمیل خواهد شد. باید خاطر نشان کرد که از آنجائیکه توقع ادامه مکتب یک اوسط مبتنی بر مشارکت در سطوح مختلف تعلیمی است، تعداد سال های تعلیم متوقعه بوسیله اطفال زیادی که هرگز به مکتب نمی روند، کاهش یافته است. اطفال شامل مکاتب از تعداد سال های تعلیمی بیشتری نسبت به اوسط توقع دوره مکتب بهره مند می شوند.

شکل ۴.۸ توقعات دوره مکتب را به تفکیک جنسیت در سطح ملی برای نفوس شهری و دهاتی نشان می دهد. اگر میزان حضور یابی مشخص سن فعلی حفظ شود، توقع می رود که یک طفل ۶ ساله برای ۷.۸ سال جهت تعلیم باقی خواهد ماند، یک اوسط که از ۴.۴ سال در تعلیمات ابتدایی، ۲.۸ سال در ثانوی و ۰.۷ سال در تحصیلات عالی تشکیل گردیده است.^۷

توقع می رود که تعلیمات پسرها برای ۹.۷ سال ادامه یابد، که ۱.۷ برابر طولتر از دخترها، برای آنهاست که توقعات ادامه مکتب ۵.۶ سال است. رقم ملی ۷.۸ سال بدین معنی است که افغانستان از طرف آخر در جایگاه چهارم در رتبه بندی بین المللی قرار گرفته است چنانچه در پایگاه اطلاعاتی بین المللی یونسکو ارائه شده است.^۸

توقع دوره مکتب شهری ۱۱.۱ سال بسیار بالاتر از نمونه ی دهاتی (از جمله کوچی) (۶.۷ سال) است. شکل ۴.۸ همچنین نشان می دهد که عدم تساوی جنسیتی دخترها در مناطق دهاتی، هر دو بطور مطلق و نسبی، بیشتر است. بطور اوسط، توقع می رود که در مناطق دهاتی یک دختر برای ۴.۳ سال جهت آموزش باقی خواهد بماند.

شکل ۴.۸: توقع ادامه مکتب برای (الف) شهری، (ب) دهاتی و کوچی (ج) مجموع نفوس، با تفکیک جنسیت (در سالها)



۵.۲.۸ اشتراک در تعلیم و آموزش

جوانان و نوجوانان دوره ای را سپری می نمایند که در آن مردم اکثراً بمنظور پیشبرد اشتغال، عدم اشتغال و یا هم عدم فعالیت اقتصادی از سیستم تعلیم خارج می شوند. گروه دیگر تحصیلات عالی را تعقیب می نمایند یا در پروگرام های مختلف آموزشی یا تعلیمات ترکیبی، کار آموزی و یا هم اشتغال وارد می شوند.

^۶ توقع ادامه مکتب عبارت از مجموعه نسبت حضور یابی در سن مشخص برای سطوح تعلیمی ابتدایی، ثانوی و عالی است، که انتظار می رود نسبت حضور یابی موجود در آینده حفظ خواهد شد.

^۷ مجموع توقعات ادامه مکتب در سطح مشخص به دلیل تقریب، در مجموع اضافه نگردیده است.

^۸ <http://data.uis.unesco.org/index.aspx?queryid=۱۲۷>

شیوه های فوق الذکر برای دستیابی به مهارت های لازم برای کار مناسب در مراحل بعدی زندگی مهم است (بخش های ۲.۲.۴ و ۲.۵.۴ در بالا دیده شود). میزان مشارکت جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال) در تعلیمات رسمی و غیر رسمی و کار آموزی در ۱۲ ماه گذشته در شاخص های هدف انکشاف پایدار ۴ شامل است: اطمینان دسترسی به تعلیم جامع و با کیفیت متوازن و گسترش فرصت های آموزشی متداوم برای همه (شاخص ۱.۴.۳ اهداف انکشاف پایدار).^۹ این میزان مشارکت در تعلیمات یا کار آموزی تکمیل کننده یک جزء شاخص ۱.۶.۸ هدف انکشاف پایدار (سهم جوانانیکه در تعلیم، اشتغال یا کار آموزی نیستند) نیز است، یکی از شاخص هایی است که بهبود دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، جامع و مستمر، استخدام مؤلفه و کامل و کار مناسب برای همه را اندازه گیری می نماید (هدف انکشاف پایدار ۸).

سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ راجع به اشتراک در کار آموزی های تکنیکی و حرفه ای در ۱۲ ماه گذشته سوال جداگانه را اضافه نمود که بمنظور تحت پوشش قرار دادن مفهوم کار آموزی رسمی و غیر رسمی مشخص شده در شاخص هدف انکشاف پایدار بکار می رود. به طور کل، میزان مشارکت جوانان در تعلیم ۲۸.۵ فیصد است، اما این تفاوت های بزرگ را به تفکیک محل سکونت، جنسیت و معلولیت پنهان می کند (جدول متنی ۲.۸ دیده شود). در مجموع شاخص تساوی جنسیت برای این شاخص ۰.۴۳ است و برای شاخص های تساوی جنسیت جوانان شهری، دهاتی و کوچی بالترتیب ۰.۶۶، ۰.۳۰ و ۰.۰۷ اند.^{۱۰}

جدول متنی ۲.۸: شاخص ۱.۴.۳ اهداف انکشاف پایدار: میزان مشارکت جوانان در تعلیم رسمی و غیر رسمی و کارآموزی در ۱۲ ماه گذشته

میزان مشارکت جوانان در تعلیم و تربیه و کارآموزی یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای بررسی دستیابی به هدف ۳.۴ است (تا سال ۲۰۳۰، تأمین دسترسی متوازن تمام زن ها و مردها برای تعلیمات مناسب و با کیفیت فنی، حرفه ای و عالی، به شمول پوهنتون) هدف انکشاف پایدار ۴ است: اطمینان دسترسی به تعلیم و تربیه جامع و با کیفیت متوازن و گسترش فرصت های آموزشی متداوم برای همه

ملی	۲۸.۵	
شهری	۴۲.۲	ذکور ۳۹.۹
دهاتی	۲۴.۶	اناث ۱۷.۲
کوچی	۱.۹	افراد معلول ۱۷.۹
		افراد غیر معلول ۲۸.۷

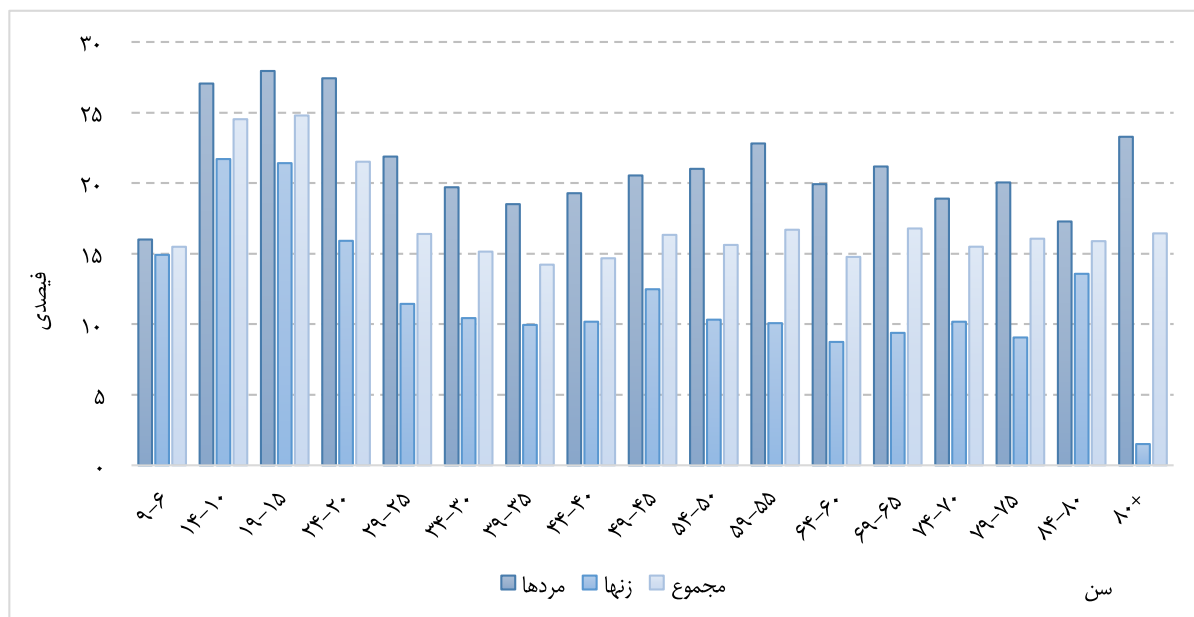
۶.۲.۸ مکاتب خانگی

سیستم تعلیمی رسمی به اندازه کافی نیاز های آموزشی مردم افغانستان را برآورده نمی سازد. به دلایل گوناگون - عدم موجودیت مکاتب، اجازه ندادن فامیل جهت رفتن به مکتب یا عوامل خارجی در مقابل تعلیم، کیفیت پایین آموزش، از میان سایرین (بخش ۲.۳.۸ دیده شود) - که درین حالت ممکن مردم در مورد گزینه های تعلیمی دیگر تصمیم بگیرند. مکاتب خانگی و سواد آموزی در این زمینه بسیار مهم بوده است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که ۱۹.۰ فیصد از نفوس ۶ ساله و بزرگتر از آن در این نوع تعلیمات شرکت کرده اند. با توجه به رفتار انزوایی طبقه اناث، می توان انتظار داشت که این بیشتر در میان زن ها و دخترها معمول است، اما نتایج سروی حالت برعکس را نشان می دهد. مشارکت ذکور ۲۲.۷ فیصد در مقایسه با مشارکت زن ها که ۱۵.۳ فیصد بوده است. شکل ۵.۸ نشان می دهد که این تفوق ذکور برای هر گروه سنی دریافت شده است و از سنین نوجوانی به بعد به مراتب بیشتر است.

^۹ با توجه به اهمیت آموزش دراز مدت جهت رفع تقاضای برای نیروی کاری انعطاف پذیر و با کیفیت عالی با مهارت های مناسب، میزان اشتراک برای نفوس بزرگ سال بین سنین ۲۵ الی ۶۴ در تعلیمات و کار آموزی ضروری پنداشته می شود. سروی سروی وضعیت زندگی در افغانستان در مورد حضوریایی تعلیمی بزرگتر از سن ۲۴ معلوماتی جمع آوری نمی نماید و این شاخص فرعی تهیه نمی گردد.

^{۱۰} شاخص های تساوی بر اساس نسبت بین گروه های بیشتر محروم و گروه متبایق محاسبه می گردد.

شکل ۵.۸: فیصدی نفوس ۶ ساله و بزرگتر که در مکاتب خانگی یا مراکز سواد آموزی اشتراک نموده اند، به تفکیک گروپ سنی ۵ سال و به تفکیک جنسیت



معلومات ارائه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که مکاتب خانگی و مراکز سواد آموزی برای تجربه یادگیری افراد کمک می کنند، اما سفارش نیز می دهد که در اغلب موارد نمی تواند جایگزین مناسب تعلیمات رسمی شوند. بنابراین، تنها ۱.۱ فیصد از افراد ۱۵ سال و بزرگتر که به هیچ یک از مکاتب رسمی و یا هم مکاتب خانگی یا سواد آموزی نرفته اند، توانایی خواندن و نوشتن را داشته اند، لیکن ۲۷.۷ فیصد از افراد بدون تعلیمات رسمی کسانی که در مکاتب خانگی یا سواد آموزی رفته اند، باسواد اند، که یک سهمگیری واضح است. اما، فیصدی افرادی که توانایی خواندن و نوشتن را داشتند از میان کسانی که تعلیمات رسمی دارند، بسیار بیشتر (۸۸.۲ فیصد) بوده است.

۷.۲.۸ تغییر در دوره تعلیم

همانند سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۳، سروی سال ۱۳۹۵ سوال های مربوط به حضور یابی در تعلیم در دو سال متواتر را دربر داشته است، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ (۲۰۱۴-۱۵ و ۲۰۱۵-۱۶). این امکان سنجش میزان تغییر از یک صنف به صنف دیگر و از یک سطح تعلیمی به سطح دیگری را فراهم می سازد. علاوه بر این، این ارقام اندازه گیری تکرار صنف و ترک مکتب را نیز ممکن می سازد.

اولین تغییر تعلیمی شروع مکتب در صنف اول دوره ابتدایی است. نسبت پذیرش نا خالص در تعلیمات ابتدایی یکی از شاخص هایی است که می تواند مؤثریت این تغییر را در سیستم تعلیم اندازه گیری کند^{۱۱}. این نسبت براساس تعداد مجموعی پذیرش جدید در صنف اول تعلیمات ابتدایی محاسبه می شود، بدون در نظر داشت سن، و بصورت فیصدی نفوس دارای سن شمولیت در تعلیمات ابتدایی نشان داده می شود. به دلایل عملی، سن ۷ سالگی به عنوان سن شمولیت در تعلیمات ابتدایی انتخاب شده است.^{۱۲} میزان پذیرش غیر خالص نشان دهنده سطح عمومی دسترسی به تعلیمات ابتدایی است و همچنین نشان دهنده ظرفیت سیستم تعلیمی بمنظور دسترسی به صنف اول نفوس دارای سن پذیرش رسمی مکتب است.

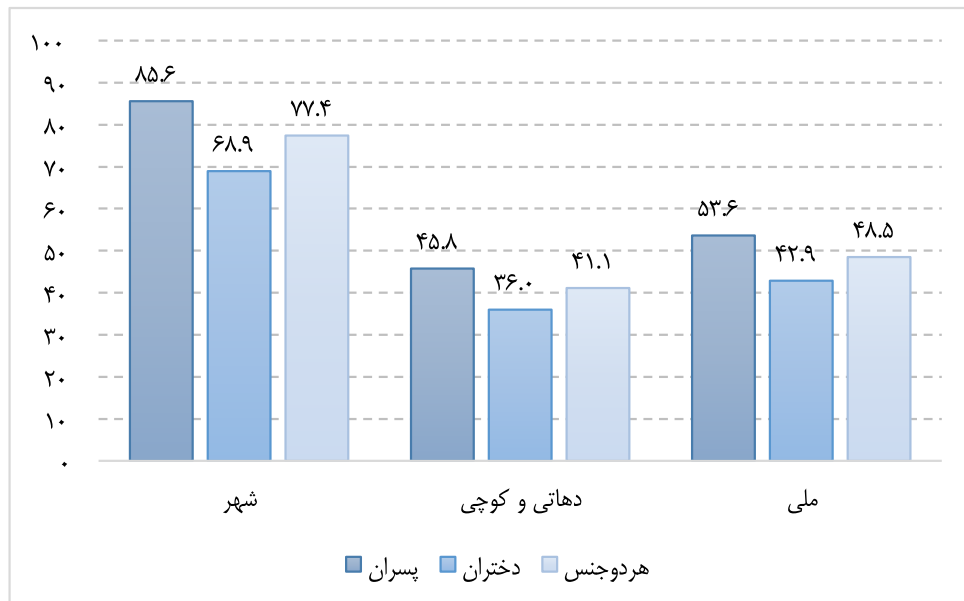
شکل ۸.۶ نسبت پذیرش غیر خالص در تعلیمات ابتدایی را نشان می دهد. نسبت کلی پذیرش غیر خالص ۴۸.۵ فیصد نشان دهنده این است که ظرفیت سیستم تعلیمی برای جلب و جذب شاگردان جدید پایین است، تقریباً نیمی از آنها نیاز است تا به هر یک از اطفال واجد شرایط جایی در مکتب فراهم شود. عدم تساوی جنسیتی عمومی در افغانستان

^{۱۱} شاخص دیگر نسبت پذیرش خالص (NIR) است. این یک مقیاس بیشتر باز دارنده دسترسی به تعلیمات ابتدایی است و تنها پذیرفته شده گان دارای سن پذیرش ابتدایی بطور فیصدی نفوس همان سن را مشخص می سازد. با توجه به پذیرش وسیعی تنوع سنی در افغانستان، این شاخص اهمیت چندانی ندارد.

^{۱۲} سن رسمی پذیرش دوره ابتدایی در افغانستان به ۶ سالگی تعدیل شده است. هرچند، بسیاری از خانوار ها اطفال خویش را در سن ۷ سالگی به مکتب می فرستند (بخش ۱.۲.۸ دیده شود).

در تفاوت های مشخص شده برای شاخص بین پسرها و دخترها انعکاس یافته است (به ترتیب ۵۳.۶ و ۴۲.۹ فیصد که در شاخص تساوی جنسیت ۰.۸۰ بدست می آید)، اگرچه تفاوت آن به نسبت سایر شاخص های جنسیتی کمتر اعلان شده است. بین نسبت پذیرش شهری و دهاتی تفاوت های بیشتر مشاهده شده است. بطور معمول، سطح پذیرش اطفال در مناطق دهاتی (به شمول اطفال کوچی) تنها حدود نیمی از اطفال شهری است.

شکل ۶.۸: نسبت پذیرش غیرخالص در تعلیمات ابتدایی، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک جنس (به فیصدی)



در واقع، سیستم تعلیمی اطمینان می دهد که تمام شاگردانیکه دوره ابتدایی را آغاز کرده اند در پایان صنف آخر دوره ابتدایی فارغ التحصیل می شوند. ظرفیت سیستم برای نگهداری متعلمین و مؤثریت کلی با محاسبه فیصدی متعلمین که دوره ابتدایی را شروع کردند و آنهایکه به صنف آخر دوره تعلیمی ابتدایی می رسند، اندازه گیری می شود. این میزان تداوم تا صنف ششم تعلیمات ابتدایی ۸۵.۱ فیصد است و برای پسرها نسبت به دخترها نسبتاً زیاده تر است (بالترتیب ۸۶.۵ و ۸۲.۶) (جدول ۲.۸). تفاوت های محل سکونت نیز موجود است، ولی بار دیگر - حداقل در مقایسه با سایر شاخص های توسعه - بسیار شدید نبوده، با فیصدی های بالترتیب ۸۸.۳ و ۸۳.۷ درصد، آغاز کننده گان مکاتب شهری و دهاتی به صنف ششم می رسند. برای مقایسه بین المللی، میزان تداوم به صنف پنج نیز داده شده است. این یک شاخص در چارچوب اهداف انکشاف هزاره و استراتژی انکشاف ملی افغانستان برای بررسی مقصد دستیابی به هدف جهانی تعلیمات ابتدایی است (حکومت افغانستان سال ۱۳۸۷).

میزان تکمیل دوره ابتدایی یکی دیگری از مقیاس هایست که ظرفیت سیستم تعلیم را در قسمت فراهم سازی دوره تعلیمی ابتدایی کامل برای اطفال در سنین دوره ابتدایی اندازه گیری می نماید. در نبود احصائیه فارغان، شاخص جاگزین مورد استفاده قرار میگیرد که تعداد مجموعی پذیرفته شده گان جدید در صنف آخر تعلیمات ابتدایی (صنف ششم) را صرف نظر از سن آنها محاسبه می نماید و بطور فیصدی تعداد شاگردان که از لحاظ تیوریک در صنف آخر ابتدایی (۱۲ سالگی) ارائه می گردد. این شاخص نشان می دهد که شمار اطفال جدید که در صنف ششم قرار دارند، تنها ۵۶.۶ فیصد از نفوس را تشکیل می دهد که در سن مرتبط به صنف ششم قرار دارند. در اینجا، تفاوت جنسیت و محل سکونت بیشتر مشاهده می شود، که منعکس کننده شرایط تعلیمی ضعیف برای دخترها (با میزان تکمیل ۴۲.۰ فیصد) و نفوس دهاتی (۳۳.۷ فیصد) است. تفاوت های بزرگ با میزان تداوم در صنف ششم به دلیل شمولیت در میزان تکمیل ابتدایی اطفال است که هرگز مکتب را شروع نمی کنند. پیام مهم پالیسی نهفته درین نتایج این است که رفع موانع ورود به تعلیم، مهمتر از کاهش ترک مکتب است.

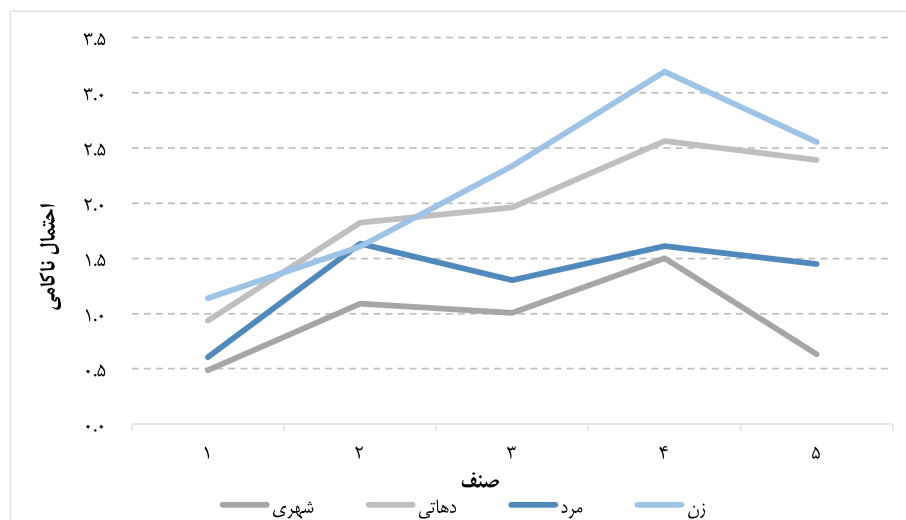
جدول ۲.۸: شاخص های تغییر تعلیم، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصدی)

جنسیت و محل اقامت	فیصدی شاگردانکه صنف اول را شروع کرده به صنوف ذیل رسیده		فیصدی دارب شده گان قبل از رسیدن به صنف ششم	میزان تکمیل کردن سطح ابتدائیه	میزان انتقال به	
	صنف ۵	صنف ۶			مکاتب	تحصیلات عالی
					متوسطه و لیسه	
ملی	۸۷.۹	۸۵.۱	۱۳.۶	۵۶.۶	۹۵.۲	۵۸.۹
پسران	۸۸.۹	۸۶.۵	۱۲.۳	۶۹.۰	۹۶.۲	۶۱.۲
دختران	۸۶.۳	۸۲.۶	۱۵.۷	۴۲.۰	۹۳.۴	۵۴.۸
شهری	۹۰.۲	۸۸.۳	۱۰.۲	۷۷.۷	۹۶.۶	۶۷.۵
دهاتی و کوچی	۸۶.۹	۸۳.۷	۱۵.۰	۵۰.۱	۹۴.۲	۵۱.۱

فیصدی آغاز کننده گان مکاتب که قبل از رسیدن به صنف ششم ترک می کنند اکثراً^{۱۳} میزان تداوم را مکمل می سازند. ^{۱۴} بطور کلی، ۱۳.۶ فیصد اطفال که دوره ابتدایی مکتب را شروع می کنند قبل از سطح نهایی ترک می کنند (جدول ۲.۸). ازین لحاظ، تفاوت های جنسیت و محل سکونت بزرگتر اند، در دخترها احتمال ترک مکتب ۱.۳ برابر و در اطفال دهاتی حتی ۱.۵ برابر است.

میزان ترک صنف به صنف^{۱۵} با پیشرفت دوره ابتدایی مکتب، به استثنای ترک مکتب در صنف پنجم افزایش می یابد. ولی هنگامیکه میزان ترک مکتب براساس جنسیت و محل سکونت از بین برده شود، تأثیرات آن فقط برای دخترها و شاگردان دهاتی مشاهده می شود (شکل ۷.۸). این بدان معنی است که این گروه های فرعی با افزایش سن و صنف با مشکلات بیشتری روبرو می شوند، در حالیکه شاگردان و پسرهای مناطق شهری در سطح مشابه شرایطی قرار دارند که منتج به ترک مکتب در دوره ابتدایی می شود.

شکل ۷.۸: احتمال ترک تعلیمات ابتدایی، به تفکیک صنف، و به تفکیک محل سکونت و جنسیت (به فیصدی)



موانع دیگر پیشرفت به صنف بعدی زمانی بوجود می آید که یک شاگرد ملزم است تا یک صنف را تکرار کند. میزان تکرار - تعداد تکرار کننده گان یک صنف داده شده در یک سال تعلیمی خاص که بشکل فیصدی تعداد شاگردان موجود در همان صنف در سال تعلیمی قبلی- در حالت فرضی باید به صفر فیصد برسد. میزان تکرار بالا،

^{۱۳} تکرار کننده گان صنف پنجم در ترکیب گروه متبایق که دوره ابتدایی را شروع می کنند، شامل اند.

^{۱۴} بر اساس تفریق میزان مجموعی ارتقا و میزان ترک از ۱۰۰ در یک سال مشخص تعلیمی محاسبه می گردد.

^{۱۵} میزان ترک صنف مشخص براساس نسبت بین تعداد ترک در صنف مشخص و تعداد شاگردان همان صنف، با وضع تعداد تکرار کننده گان همان صنف محاسبه می گردد

مشکلات کارایی درونی سیستم تعلیمی را نشان می دهد و احتمالاً منعکس کننده سطح پائین آموزش است. میزان تکرار مبتنی بر سروی وضعیت زندگی در افغانستان در تعلیمات ابتدایی نسبتاً پایین است - بطور اوسط کمتر از ۲ فیصد در صنف متواتر (ارقام نشان داده نشده است).

با تکمیل دوره ابتدایی، تغییر به دوره ثانوی (متوسطه) باید انجام شود، زیرا حضور یابی در این دوره در افغانستان اجباری است. میزان تغییر به دوره متوسطه ثانوی براساس تعداد شاگردان موجود در صنف آخر دوره ابتدایی (صنف ششم) در سال تعلیمی قبلی که در سال اول تعلیمی متوسطه ثانوی قرار دارند، محاسبه گردیده و بطور فیصدی تعداد مجموعی شاگردان موجود در صنف آخر دوره ابتدایی در جریان سال تعلیمی قبلی نشان داده می شود. میزان انتقال به دوره متوسطه ثانوی نسبتاً بالا است - ۹۵.۲ فیصد (جدول ۲.۸) - نشان دهنده اینست که تقریباً تمام شاگردانیکه دوره ابتدایی را تکمیل نموده اند، دوره متوسطه ثانوی را نیز ادامه می دهند. باز هم تفاوت کمی در میزان تغییر بین پسر ها و دختر ها و میان اطفال شهری و دهاتی وجود دارد.

میزان تغییر صنف به صنف در دوره متوسطه ثانوی به همان اندازه بالا است که در تعلیمات ابتدایی است؛ حدود ۹۶ فیصد از اطفال به صنف بعدی در هر سال ارتقا می یابند، باز هم اندکی - یک درجه فیصد - برای دختر ها کمتر از پسر ها (ارقام نشان داده نشده است). همچنین کاهش قطعی در ادامه تعلیمات از دوره ابتدایی به ثانوی دوره متوسطه وجود ندارد، اما در مراحل بالاتر دوره ثانوی، میزان تغییر اندکی افزایش می یابد. در حالیکه میزان تکرار صنف در تعلیمات ثانوی نظر به دوره ابتدایی کمتر است (بطور اوسط ۱ فیصد در سال)، میزان ترک صنف به صنف از دو برابر بزرگتر، معمولاً ۳ فیصد در هر سال است.

یک کاهش بزرگ در ادامه آموزش بعد از تکمیل تعلیمات ثانوی رخ می دهد. میزان تغییر به تحصیلات عالی تنها ۵۸.۹ فیصد است (جدول ۲.۸)، نشان می دهد که تمام شاگردانیکه به صنف ۱۲ رسیده اند، حدود ۴۱ فیصد ترک ادامه تحصیلات عالی می نمایند. بر خلاف میزان تغییر در دوره متوسطه ثانوی، تفاوت قابل ملاحظه ای بین میزان ادامه نفوس شهری و دهاتی موجود (بالترتیب ۶۷.۵ و ۵۱.۱ فیصد) است. همچنین میزان تغییر اناث (۵۴.۸ فیصد) پائین تر از میزان ذکور (۶۱.۲ فیصد) است.

۸.۲.۸ روند حضور یابی تعلیمی

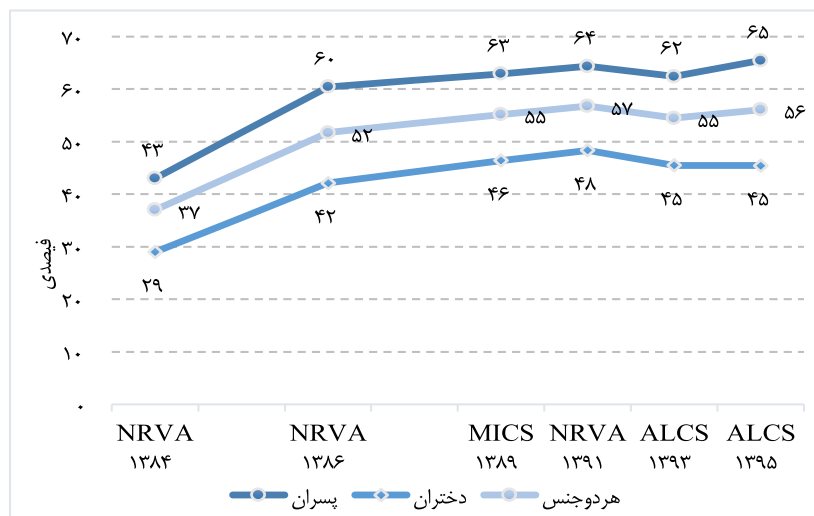
دوره های متواتر سروی های ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان معلومات فزاینده ای را در مورد حضور یابی تعلیمی جمع آوری کرده اند، که زمینه ترتیب تسلسل زمانی شاخص های بیشتر تعلیمی را فراهم می سازد. علاوه بر این، سروی خوشه ای چند شاخصه افغانستان ۱۳۸۹ نقطه بررسی وسطی را برای برخی از شاخص ها فراهم می کند.

سه سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ افزایش وسیعی را در میزان حضور یابی خالص دوره ابتدایی مشاهده کرده است، به ویژه در دوره سال ۱۳۸۶ (شکل ۸.۸الف). لیکن، دوره بین سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ با رکود تشخیص شده است. ارزش تمام شاخص ها از سال ۱۳۹۱ - برای پسر ها، دختر ها و ترکیب از هر دو جنس - در محدوده اهمیت احصائیوی قرار داشته اند و از این رو نمی توان نتیجه گیری قابل اعتماد کرد که وضعیت از آن زمان تغییر کرده است. این یک یافته قابل ملاحظه است با در نظر داشت تلاش های مداوم برای گسترش امکانات تعلیمات ابتدایی در سراسر کشور. در میان سایر توضیحات ممکن این طرح، احتمال این وجود دارد که بازسازی اساسی سیستم تعلیمی در دهه اول پس از سرنگونی رژیم طالبان می تواند تأثیر بزرگی داشته باشد. زمانیکه از یک سطح بسیار پائین آغاز می گردد، هر بهبودی باعث تفاوت زیادی می شود و مجموعه بزرگ از خانوار ها وجود دارند که به آسانی قابل دسترس اند و گرایش مثبت در مورد آموزش پسر ها و دختر ها بطور یکسان دارند. با گسترش تعلیمات، پیشرفت های بیشتر باعث تأثیر نسبتاً کمتر شده و این مجموعه بیشتر و بیشتر کم رنگ می گردد. در عین حال، این مشکل است - اگر با امکانات در دسترس غیر ممکن نباشد مشکل است گروپ های جدید در حال افزایش اطفال را که در سن تعلیم وارد می شوند، با منابع موجود نگهداری کرد.

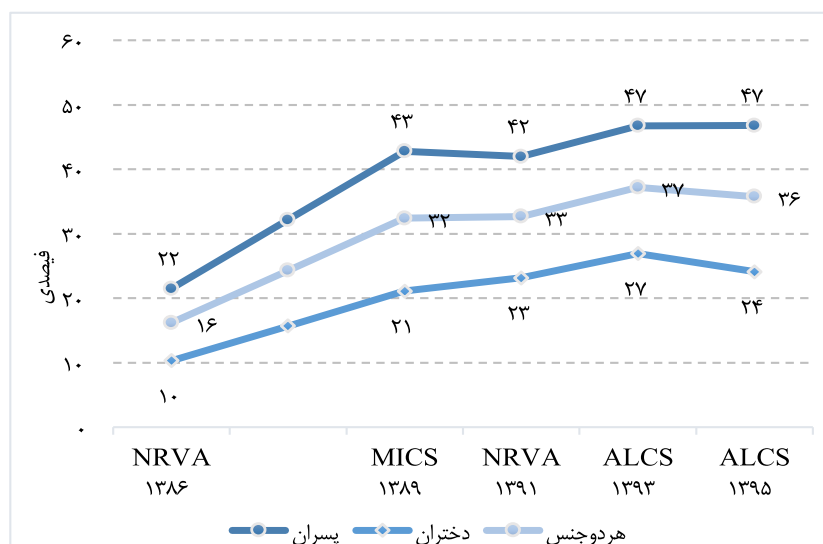
برای میزان حضور یابی خالص ثانوی، طرح مشابهی نیز دیده می شود (شکل ۸.۸ب)، اما با کمی تأخیر با توسعه میزان حضور یابی خالص ابتدایی مقایسه شده است. در اینجا افزایش سریع حضور یابی تا سال ۱۳۹۱ نیز دریافت گردیده است، ولی بعداً بطور مستمر کوچک - اما از لحاظ احصائیوی حایز اهمیت - تا سال ۱۳۹۳ افزایش می یابد. رکود توسعه بیشتر برای میزان حضور یابی خالص ثانوی در دوره های بین سروی های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ قابل مشاهده است. تفاوت بین توسعه میزان حضور یابی دوره ابتدایی و ثانوی قابل قبول است، زیرا حضور یابی ثانوی بطور عمده به جریان فارغ التحصیلان تعلیمات ابتدایی بستگی دارد.

اگر تأثیر این تأخیر واقعی باشد، باید به توسعه میزان حضور یابی تحصیلات عالی گسترش یابد. این در حقیقت همان چیزی است که شکل ۸.۸ج پیشنهاد می نماید. میزان حضور یابی خالص تحصیلات عالی به سیر افزایشی خویش تا سروی کنونی سال ۱۳۹۵ ادامه می دهد. با این حال، لازم به ذکر است که در محدوده سروی اخیر، افزایش تنها مرتبط به شاگردان ذکور است. افزایش در سطح حضور یابی اناث از لحاظ احصائیوی تنها برای دوره های بین ارزیابی سروی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ قابل توجه است؛ هیچگونه شواهد مهم احصائیوی در مورد بهبود بعد از آن دوره، دریافت نگردیده است.

شکل ۸.۸ الف: میزان حضوریابی خالص ابتدایی، به تفکیک سروی و به تفکیک جنسیت (به فیصدیها)



شکل ۸.۸ ب: میزان حضوریابی خالص ثانوی، به تفکیک سروی و به تفکیک جنسیت (به فیصدیها)



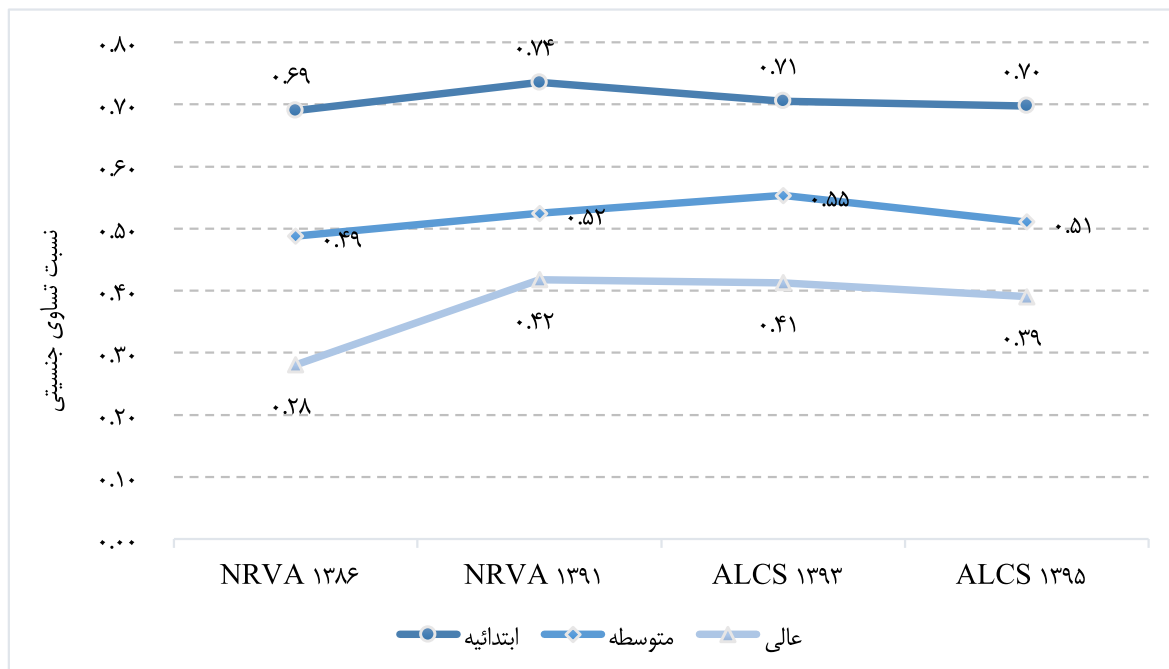
شکل ۸.۸ ج: میزان حضوریابی خالص تعلیمات عالی، به تفکیک سروی و جنسیت (به فیصدیها)



روند نسبت حضوریابی نا خالص بیشتر میزان حضوریابی ابتدایی را تعقیب می کند (ارقام نشان داده نشده): از سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ بدینسو رکود نسبت های نا خالص ابتدایی در حدود ۷۲ فیصد بوده، و اخیراً سیر بطی افزایش نسبت های ثانوی (۲۶.۵ فیصد در سال ۱۳۸۶، ۴۲.۳ فیصد در سال ۱۳۹۱، ۴۶.۲ فیصد در سال های ۱۳۹۳ و ۴۸.۰ فیصد در سال ۱۳۹۵) و افزایش مستمر و حتی سریعتر نسبت های تعلیمات عالی (بالترتیب در سروی سال های فوق الذکر ۲.۷، ۶.۵، ۱۰.۱ و ۱۴.۱ فیصد) نشان داده شده است.

شاخص تساوی جنسیت میزان حضوریابی نا خالص به عنوان یک شاخص کلیدی برای دستیابی به اهداف تساوی جنسیتی در تعلیم بکار می رود. همانطوریکه در شکل ۹.۸ نشان داده شده است، در هیچ یک از سطوح تعلیمی، سیستم تعلیم افغانستان در این زمینه پیشرفتی نداشته است، به استثنای دوره های سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ در تعلیمات ابتدایی. با ترکیب روند میزان حضوریابی، این بدان معنی است که از سال های ۱۳۸۶ بدینسو شاگردان بیشتری در تعلیم اشتراک می کنند، لیکن شاگردان اناث توانسته اند تفاوت نسبی با همتایان ذکور شان را کم کنند (به استثنای تعلیمات ابتدایی بین سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱)، بصورت مطلق در سیستم تعلیم شاگردان ذکور بیشتری نسبت به اناث اضافه شده است. با این نتایج، مقصد اهداف انکشاف هزاره (MDG) و استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) که از بین بردن عدم تساوی جنسیتی در تعلیم با دستیابی به شاخص تساوی ۱۰۰ فیصد است، بعید از دسترس است.

شکل ۹.۸: نسبت تساوی جنسیتی میزان حضوریابی غیر خالص، به تفکیک سال سروی



توقع ادامه مکاتب، که برای اولین بار از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ بدینسو محاسبه شده است، افزایش حداقل از ۷.۷ تا ۷.۸ سال را نشان می دهد. هر چند، این تغییر از لحاظ احصائیوی با اهمیت نیست و بدین ترتیب نتیجه گیری باید این باشد که هیچ بهبودی برای این شاخص وجود ندارد.

۳.۸ عدم حضوریابی تعلیمی

۱.۳.۸ اطفال خارج از مکاتب

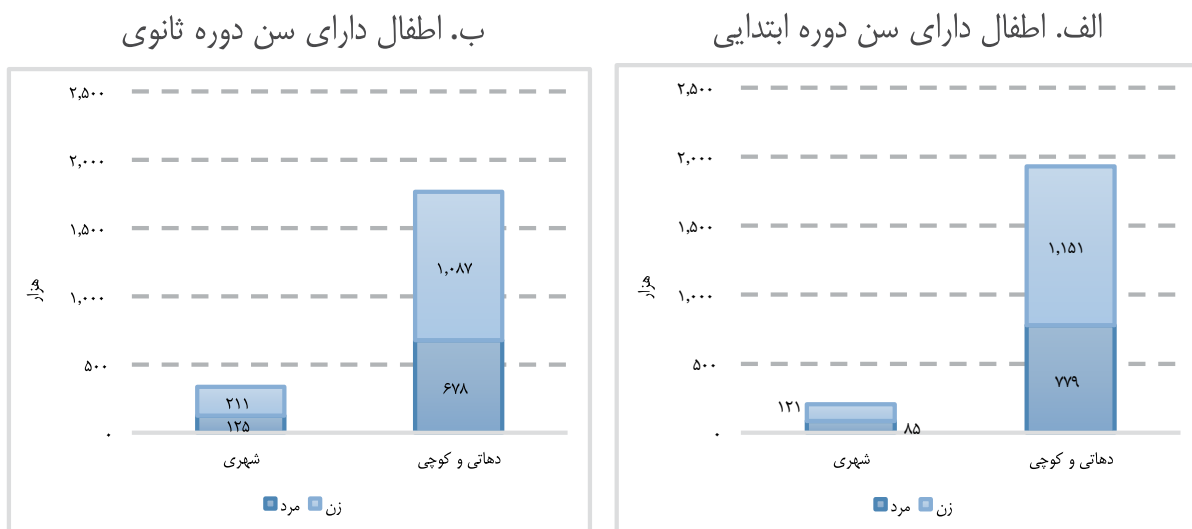
مقصد ۴.۱ هدف انکشاف پایدار ۴ (اطمینان از دسترسی به تعلیم جامع و با کیفیت متوازن و گسترش فرصت های آموزشی متداوم برای همه) تصریح می دارد که تمام دخترها و پسرها تعلیمات ابتدایی و ثانوی را تکمیل نمایند. تعداد اطفال دارای سن تعلیمات ابتدایی و ثانوی که در تعلیمات اشتراک نکرده اند، نیاز است تا تعداد نفوس آنها تشخیص گردد که در سیاستگذاری و تلاش ها برای دستیابی به تعلیمات ابتدایی و ثانوی عمومی مورد هدف قرار گیرند.

شکل ۱۰.۸ تعداد اطفال دارای سن تعلیمات ابتدایی و ثانوی خارج از مکاتب را نشان می دهد. این بطور واضح نشان می دهد که تلاش برای دستیابی به آموزش عمومی باید به نفوس دهاتی (از جمله کوچی ها) رهبری شود جاییکه اکثریت اطفال خارج از مکاتب زندگی می کنند: ۹۰.۳ فیصد از اطفال دارای سن دوره ابتدایی (۱.۹ میلیون) و

۸۴.۰ فیصد از اطفال دارای سن دوره ثانوی (۱.۸ میلیون). این ارقام همچنین نشان می دهد که بزرگترین دستاورد در کاهش تعداد اطفال خارج از مکاتب می تواند در میان دخترها بوجود آید. در حدود ۱.۳ میلیون دختر دارای سن دوره ابتدایی در تعلیم اشتراک نمی ورزند در مقابل این رقم برای پسرها در همان سن در ۸۶۴ هزار است. برای اطفال دارای سن دوره ثانوی، تعداد دختران خارج از مکاتب ۱.۳ میلیون و تعداد پسرها ۸۰۴ هزار اند.

این قابل دقت است که تعداد اطفال خارج از مکاتب در سن دوره های ابتدایی و ثانوی مشابه هستند. از این رو، میزان تلاش مورد نیاز جهت اشتراک این دو گروه در مکاتب نیز مشابه خواهد بود. باردیگر، یک تعداد مشابه (۱.۸ میلیون) جوانان دارای سن دوره تعلیمات عالی، در آموزش اشتراک نمی کنند (ارقام نشان داده نشده است).

شکل ۸.۱: اطفال خارج از مکاتب (الف) دارای سن دوره ابتدایی (ب) دارای سن دوره ثانوی، به تفکیک محل سکونت و به تفکیک جنسیت (به هزارها)



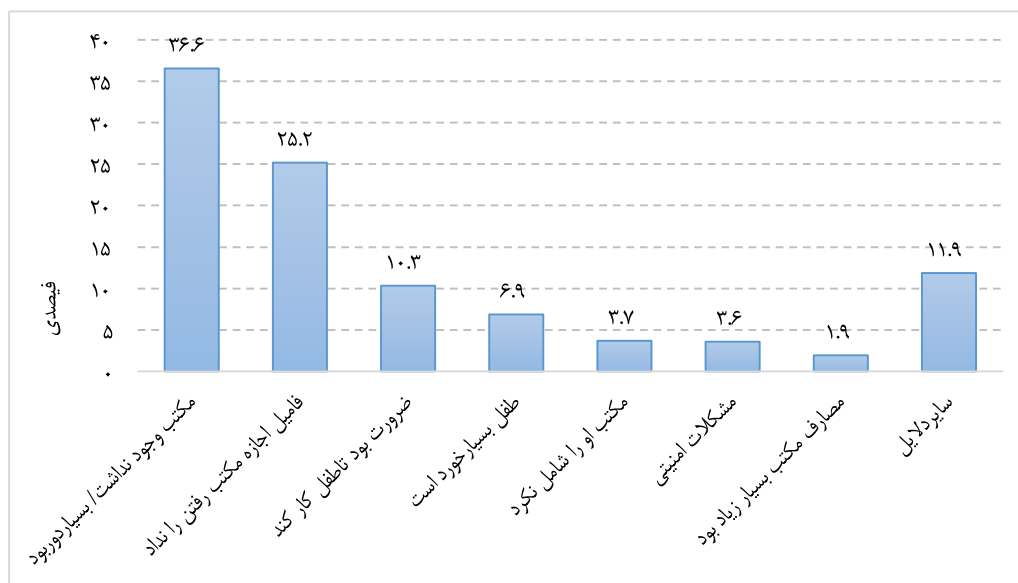
۲.۳.۸ عدم حضوریابی: دلایل و علل

عدم حضوریابی در تعلیم و تحصیل مشکل چند بعدی است که شامل - در میان دیگران - مسائل اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، صحتی و فاصله مکانی/زمانی است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ معلومات در مورد دلایل اصلی عدم اشتراک در مکاتب و دلایل اصلی عدم اشتراک کسانی که تا به حال در مکاتب اشتراک داشته اند، اما در سال قبل از سروی اشتراک نکرده اند، جمع آوری نموده است. پاسخ به این سؤالات می تواند راجع به پالیسی ها و برنامه ها جهت حضوریابی بیشتر در مکاتب برای گروه های مختلف مورد هدف معلومات مهمی را تهیه نماید.

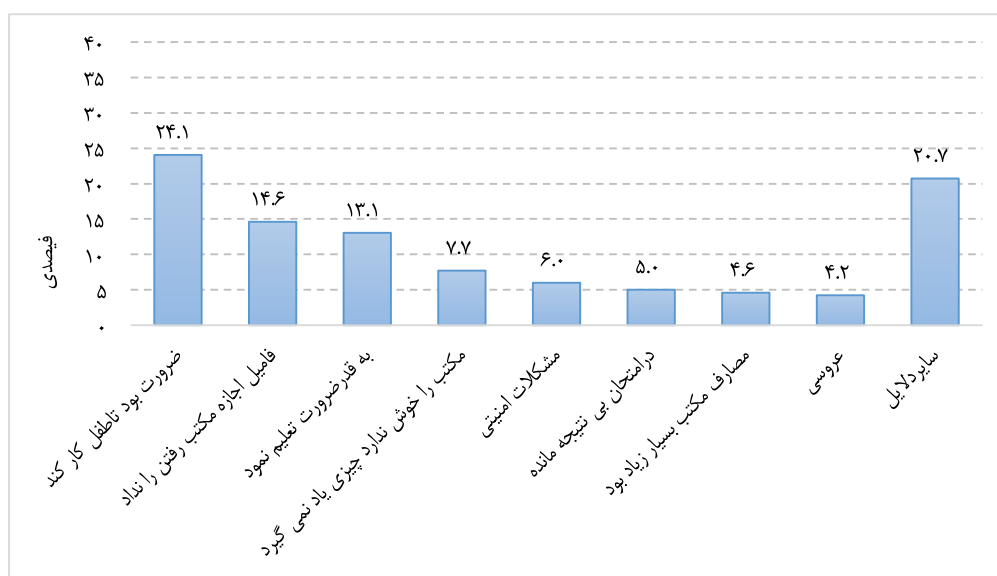
توزیع دلایل عدم حضوریابی در شکل ۱۱.۸ و شکل ۱۲.۸ نشان می دهد که دلایل عدم شروع تعلیمات اکثراً از دلایل پایان دادن به تعلیمات متفاوت است. دو دلیل بسیار مهمی عدم شروع مکتب، نبود یا فاصله زیاد مکتب (۳۶.۶ فیصد) و عدم رضایت خانوار در قسمت رفتن به مکتب (۲۵.۲ فیصد) است (شکل ۱۱.۸). دلایل اقتصادی شامل نیاز به کار اطفال و مصارف زیاد تعلیم است که هر دو ۱۲.۳ فیصد مجموع همه دلایل را شامل می شوند. بیش از حد کوچک بودن (۶.۹ فیصد از همه دلایل) تقریباً بطور اختصاصی برای اطفال که قبل از سال سروی بین سنین ۵ تا ۷ سال بوده اند، بکار می رود. باید توجه داشته باشید که پاسخ به این سوال که چرا هرگز در مکاتب اشتراک نشده است به تمام گروه های سنی ۶ سال و بزرگتر از آن اشاره می کند. بنابراین، دلایل ارائه شده ممکن به وضعیت فعلی (برای اطفال خورد سن) اشاره کند، لیکن به گذشته دور (برای افراد سالمند) نیز اشاره می کند زمانی که سیستم تعلیمی در حالت کاملاً متفاوت قرار داشت.

^{۱۶} مجموع کنجوری های شکل ۴.۸ با تنها ۱۲.۲ منظور تکمیل علاوه گردیده است.

شکل ۱۱.۸: نفوس ۶ ساله و بزرگتر از آن که هرگز در تعلیمات اشتراک نکرده اند، به تفکیک دلایل اصلی برای عدم اشتراک (به فیصدی)



شکل ۱۲.۸: نفوس در گروپ سنی ۲۴-۶ سال که تعلیمات را متوقف کرده اند، به تفکیک دلیل اصلی عدم اشتراک در آموزش در سال قبل (به فیصدی ها)



ضرورت به کار اطفال (۲۴.۱ فیصد) به عنوان دلیل توقف آموزش بسیار مهم است (شکل ۱۲.۸). همراه با ملاحظات در مورد مصارف (۴.۶ فیصد)، علل اقتصادی حتی به ۲۸.۶ فیصد می رسد. بسیاری از دلایل توقف تعلیم و تحصیل مربوط به تجارب تعلیمی است (نبود علاقه مندی به مکتب یا به اندازه کافی یاد نگرفتن، نمرات ناکافی بدست آمده؛ با هم ۱۲.۷ فیصد)، رشد به سنین بزرگتر و یک مرحله مختلف از دوره زندگی (ازدواج، عدم رضایت خانوار؛ ۱۸.۸ فیصد) و یا ترکیبی از هر دو (آموزش تا آنجا که لازم است).

^{۱۷} مجموع کنگوری های شکل ۱۲.۸ با ۲۸.۷ بمنظور تکمیل علاوه گردیده است

توزیع دلایل عدم حضوریابی که در شکل ۱۱.۸ و ۱۲.۸ نشان داده شده است، تفاوت های زیادی را از نظر جنسیت و محل سکونت پنهان می کند. به عنوان مثال، نبود یا فاصله زیاد مکتب علت بسیار مهمی است که آموزش را در مناطق دهاتی (۳۹.۶ فیصد) شروع نکرد در مقایسه به مناطق شهری (۱۷.۷ فیصد). عدم رضایت خانوار ها برای ورود به تعلیم و تحصیل تقریباً یک مشکل اختصاصی برای دخترها است (۳۹.۶ فیصد دلایل، در مقایسه با پسرها ۳.۲ فیصد). همین دلایل برای ادامه تعلیم و تحصیل نیز در نظر گرفته می شود، جاییکه اعتراضات اعضای خانوارها دلیل اصلی ۳۰.۹ فیصد دخترها و برای پسرها تنها ۱.۵ فیصد است.

شرایط دیگری در هنگام جستجوی توضیحات عدم حضوریابی نیز تأثیرگذار اند. بدین ترتیب، ۶۲.۴ فیصد از نفوس فقیر در سن ۶ سال و بزرگتر از آن هرگز مکتب را آغاز نکرده اند، در مقایسه با ۴۸.۸ فیصد از افراد غیر فقیر. افراد دارای معلولیت که هرگز در مکتب حضور نیافتند ۷۵.۱ فیصد بوده است، در مقایسه با ۵۵.۳ فیصد افراد که بدون معلولیت بودند. نمونه های مشابهی برای عدم تعلیم و تحصیل در سال قبل از سروی در میان افراد ۶ تا ۲۴ سال پیدا شده است.

بسیاری از متغیرهاییکه بر ورود و خروج از سیستم مکاتب تأثیر می گذارد، و پیچیدگی تأثیرات متقابل بین این متغیرها، نیاز به تجزیه و تحلیل پیشرفته تر از جداول متقاطع ساده با دو یا سه متغیر دارد. اگرچه تجزیه و تحلیل پیشرفته عمدتاً از محدوده این گزارش اصلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان خارج است، دو ریگریشن لوجستیک درینجا ارائه شده اند، یکی برای نسبت های نابرابری در بین اطفال و جوانان سن ۶ تا ۲۴ سال که هرگز مکتب را شروع نکرده اند و یکی برای نسبت های نابرابری حضوریابی در تعلیم و تحصیل در سال قبل از سروی. برای توضیح ریگریشن لوجستیک و نسبت های نابرابری، به متن جدول ۳.۴ در فصل بازار کار مراجعه کنید.

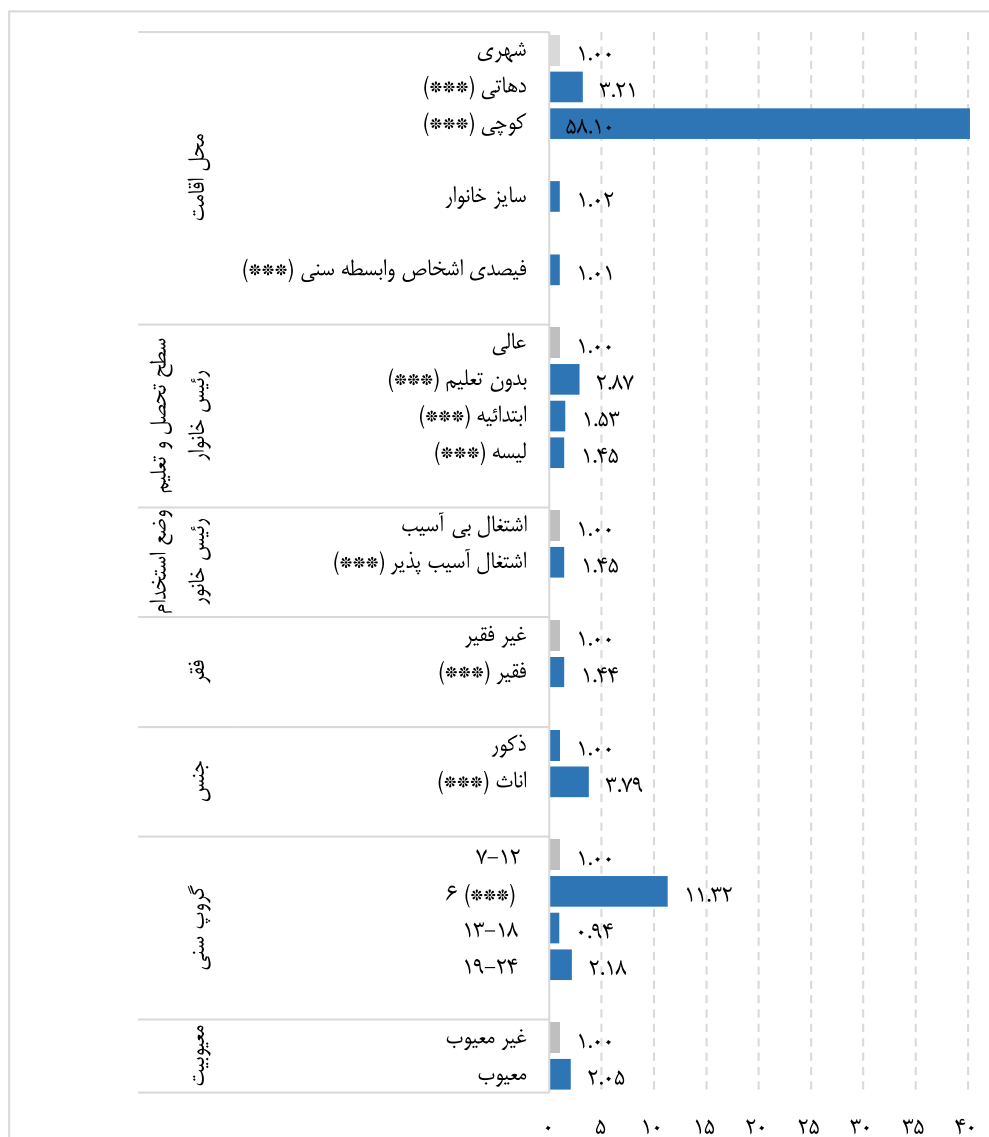
تمام متغیر های شامل در مدل ریگریشن که هرگز در مکاتب اشتراک نکرده اند (شکل ۱۳.۸) به استثنای تعداد خانوار، تأثیرات احصائیوی قابل توجهی را نشان می دهند، بدون تأثیرات سایر متغیر های دیگر در مدل، فقر تأثیر واضحی بر احتمال اشتراک در مکاتب دارد. در مقایسه با افراد غیر فقیر، افراد فقیر ۴۴ فیصد احتمال بیشتری دارند که هرگز وارد مکاتب نشوند. هر چند، سایر مشخصات خانوار و متغیرهای زمینه ای (با ۱۳.۸ در شکل ۱۳.۸ نشان داده شده است) بیشتر متفاوت هستند. متغیریکه تا حد زیادی بیشترین تأثیر را دارد، محل سکونت است: در مقایسه با مردمان شهری، ساکنان دهاتی ۳.۲ برابر و مردمان کوچی هم ۵.۸ برابر که به احتمال زیاد هرگز در مکاتب اشتراک نکرده اند.

حضوریابی رئیس خانوار در تعلیم و تحصیل هم روند متمایزی را نشان می دهد. در مقایسه با افرادی که در خانوار های زندگی می کنند که بزرگان شان تحصیلات عالی خویش را تکمیل کرده اند، افرادی که بزرگان شان تنها دارای دوره تعلیمی ابتدایی یا ثانوی هستند، احتمال اینکه هرگز مکتب را شروع نکرده اند، بالترتیب ۴۵ و ۵۳ فیصد بالاتر است. افراد خانواریکه، بزرگ آنها هیچگونه آموزشی را تکمیل نکرده است، احتمال اینکه آموزش را آغاز نکنند، شش برابر بیشتر است. این موضوع به انتقال بین نسلی عملکرد تعلیمی و تحصیلی اشاره می کند: مستقل از وضعیت فقر، محل سکونت و سایر عوامل، دستاوردهای تعلیمی و تحصیلی ضعیف والدین در فرزندان شان تکرار می شود.

تأثیر فیصدی افراد خانوار در سنین وابستگی (کسانیکه در سن ۶۵ سال و بیشتر از آن، اما اکثراً اطفال زیر سن ۱۵ سال) از لحاظ احصائیوی حایز اهمیت است، لیکن کوچک به نظر می رسد. با این حال، نسبت میزان تفاوت ۱.۰۱ (که یک رقم در حدود ۱.۰۰۵ است) باید طوری تعبیر شود که یک درجه افزایش در فیصدی افراد گروپ های سنی وابسته بوجود آمده است که منتج به افزایش احتمالی ۰.۵ فیصد عدم ورود به مکاتب شده است. این بدان معنی است که افراد خانوار افغان بطور متوسط با ۵۰.۴ فیصد افراد در سن وابستگی (۴۷.۷ فیصد کمتر از ۵ سال و ۲.۷ فیصد افراد ۶۵ سال و بزرگتر از آن؛ جدول ۲.۳ دیده شود)، شانس بیشتر از ۲۷ فیصد برای عدم اشتراک در تعلیم و تحصیل را در مقایسه با خانوار های بدون وابستگی خواهند داشت.

خصوصیات انفرادی (با ۱۳ در شکل ۱۳.۸ نشان داده شده است) تأثیرات مهم یکسان را بر احتمال عدم آغاز تعلیم و تحصیل نشان میدهد. برای دخترها و زن ها، این احتمال ۳.۸ برابر بزرگتر از پسرها و مردها است، در حالیکه نابرابری افراد دارای معلولیت دو برابر بزرگتر از افراد غیر معلول اند.

شکل ۱۳.۸ : نسبت های نابرابری ریگریشن لجستیک در مورد عدم آغاز مکاتب توسط نفوس ۶ سال و بزرگتر از آن



(***) سطح معنی دار (***), سطح اطمینان ۱ فیصد, (**) سطح اطمینان ۵ فیصد, (*) سطح اطمینان ۱۰ فیصد; ضریب تثبیت=۰.۲۲۸۳

تأثیر سن یک نمونه جالبی را نشان می دهد. برای این متغیر، یک توزیع گروه سنی خاص ایجاد شده است. گروه اولی سنی شامل پسرهای می شود که برای آنها سن کم (سن ۶ سال) یک ملاحظه برای عدم فرستادن ایشان به مکاتب است (میزان حضوریابی مشخص سنی در شکل ۱۸ دیده شود). اطفال بین ۷ تا ۱۲ سال از آن سنین گذشته اند که بسیاری از خانوار ها آنرا برای مکتب رفتن زیاد کوچک می پندارند. این اطفال تماماً بعد از سرنگونی رژیم طالبان در سال ۱۳۸۰ به دنیا آمده اند و در دوره ای که بازسازی سیستم تعلیم و تحصیل اتفاق افتاده است وارد سن مکاتب شده اند. بر علاوه، این اطفال هنوز به سن رسمی کاری ۱۴ سال وارد نشده اند، که در آن حالت چانس تنظیم شدن در کار امکان پذیر است. گروه های سنی ۱۳ تا ۱۸ و ۱۹ تا ۲۴ شامل جوانان می شوند که تماماً در دوران رژیم طالبان و یا جنگ های پیشین مجاهدین متولد شده اند. در این زمینه، سن تا حدی وضعیت تعلیم و تحصیل در گذشته را ارائه می دارد.

مدل ریگریشن نشان می دهد که در مقایسه با گروه مرجع اطفال در گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال، اطفال خورد سال (سن ۶ سال) ۱۱ برابر بیشتر هستند که احتمالاً در مکاتب داخل نشده اند. همانطوریکه در بالا نشان داده شد، سن ۶ سالگی اغلباً برای شروع مکتب خیلی کوچک محسوب میگردد، حتی اگر این سن رسمی برای شروع مکتب باشد. نسبت نابرابری فقط کمتر از ۱ (۰.۹۴) برای گروه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال نشان می دهد که اطفال در سن دوره ثانوی (متوسطه) با احتمال اندکی بیشتر در مقایسه به گروه مرجع مکتب را آغاز کرده اند. توضیحات آماده برای این مشاهدات وجود ندارد و جالب خواهد بود تا تحقیق بیشتر در مورد این تأثیرات صورت گیرد، همچنین در رابطه به بهبود رکود در میزان حضوریابی نیز جالب خواهد بود (بخش ۸.۲.۸ دیده شود). گروه جوانان بزرگتر بطور واضح از شرایط نامطلوب تعلیمی و تحصیلی در هنگامیکه آنها در سن دوره ابتدائیه مکتب بودند، رنج برده اند، چنانچه با نسبت نابرابری ۲.۲ نشان داده شده است.

باید خاطرنشان گردد که متغیرهای شامل در مدل ریگریشن به شرایط و خصوصیات افراد در زمان سروی اشاره دارد. این شرایط و خصوصیات ممکن است در زمانیکه افراد به سن مکتب می رسند، بسیار متفاوت بوده و احتمالاً در گذشته دور بوده باشد.

معلومات سروی در مورد شرایط و خصوصیات افراد در زمان سروی یک تخمین بسیار بهتر از وضعیت در کنون مکتب را آغاز نموده اند. شکل ۱۴.۸ نسبت های نابرابری ریگریشن لوجستک را نشان می دهد که آیا فردی در گروه سنی ۶ تا ۲۴ سال در یکی از سطوح آموزشی در سال ۱۳۹۵ (۱۶-۲۰۱۵) اشتراک نموده، در سال قبل از سروی وضعیت زندگی در افغانستان. در مقایسه با تحلیل شروع تعلیم و تحصیل در شکل ۱۳.۸، حالت مدنی به عنوان متغیرهای مستقل اضافه گردیده است. علاوه بر این، سن براساس کتگوری های سن مکتب گروه دسته بندی شده اند.^{۱۸}

در میان متغیرهای خانوار و زمینه ای در مدل ریگریشن، محل سکونت بار دیگر عامل بزرگ تغییر دهنده است. بدون وابستگی به سایر متغیرهای مدل، در مقایسه با همقطاران شهریشان، نفوس دهاتی دارای سن مکتب بین ۶ تا ۲۴ سال، ۵۷ درصد احتمال بیشتر دارند که در سال ۱۳۹۵ در آموزش اشتراک نکرده باشند. برای نفوس کوچی، این حتی ۶۶ برابر بیشتر است. همچنین دستیابی بزرگ خانوار به آموزش، امکان فسخ تعلیم و تحصیل را متاثر میسازد.^{۱۹} افراد خانوارهایی که رئیس و یا بزرگ آنها تعلیمات دوره ابتدایی و یا هر دوره ثانوی را تکمیل کرده اند، بالترتیب ۷۶ و ۲۹ فیصد امکان بیشتر توقف ادامه آموزش در آنها وجود دارد، در حالیکه در افراد خانوارهایی که بزرگ آنها تحصیل نکرده است، ۹۵ فیصد دریافت شده است.

فقر و نوع اشتغال رئیس یا بزرگ خانوار همچنین تأثیرات احصائیوی قابل توجهی در مورد احتمال حضوریایی تعلیمی اعضای خانوار دارای سن مکتب در سال ۱۳۹۵ داشته است. افراد خانوارهای فقیر و با سرپرست که دارای شغل ضعیف هستند،^{۲۰} بالترتیب ۳۴ و ۱۴ فیصد احتمال بیشتر عدم اشتراک در تعلیم در سال گذشته داشته اند. خانوارهای بزرگ و خانوارهای دارای افراد متعدد در گروه های سنی وابسته (افراد زیر ۱۵ سال و ۶۵ و بزرگتر از آن) به نظر می رسد که محیط های محرک اندک را برای ادامه تحصیل در هنگامیکه افراد شروع به آموزش می کنند، فراهم میکند طوریکه نسبت های نابرابری این متغیرها کمتر از ۱ است.^{۲۱}

چندین خصوصیت فردی فرصت های شروع کننده گان مکاتب را که قرار بود در آموزش سال قبل از سروی شامل میبودند، بطور چشمگیری تحت تأثیر قرار می دهد. سن متمایز کننده ترین متغیر است. بدون در نظر گرفتن سطح آموزش حاصل شده، حالت مدنی، جنسیت و سایر متغیرهای مدل، احتمال عدم اشتراک در تعلیم و تحصیل با سن افزایش می یابد. این تأثیر احتمالاً مربوط به ملاحظات مختلف است، مهمتر آنها شامل ارزش های مربوط به سن (مشخصات جنسیت)، ضرورت ها و معیار های مربوط به نقش و رفتار در جامعه افغانستان، از قبیل ضرورت سهم گیری در درآمد خانوار، موانع و ارزش اختصاص یافته به تعلیم و تحصیل و مصارف مکرر تعلیم و تحصیل اند. اطفال در گروه سنی دوره پائین ثانوی که تا هنوز تعلیم خود را شروع کرده اند، احتمالاً ۵.۴ برابر بیشتر خارج از مکاتب در سال ۱۳۹۵ بوده و ارقام متذکره برای اطفال در گروه سنی دوره بالاتر ثانوی و افراد سنی لیسه بالترتیب ۱۶ و ۴۱ بزرگ بوده اند.

در صورت کنترل متغیرهای دیگر، جنسیت بطور جدی یک عامل تشخیص باقی می ماند، زیرا دخترها و خانم های جوان در مقایسه با پسرها و مردهای جوان، احتمالاً ۲.۳ برابر بیشتر در سال گذشته در تعلیمات اشتراک نکرده اند. ازدواج یک مانع قوی برای ادامه تعلیم و تحصیل افراد در مقایسه به عدم ازدواج است، کسانیکه ازدواج کرده اند احتمالاً ۴.۳ برابر بیشتر در آموزش اشتراک نکرده اند.

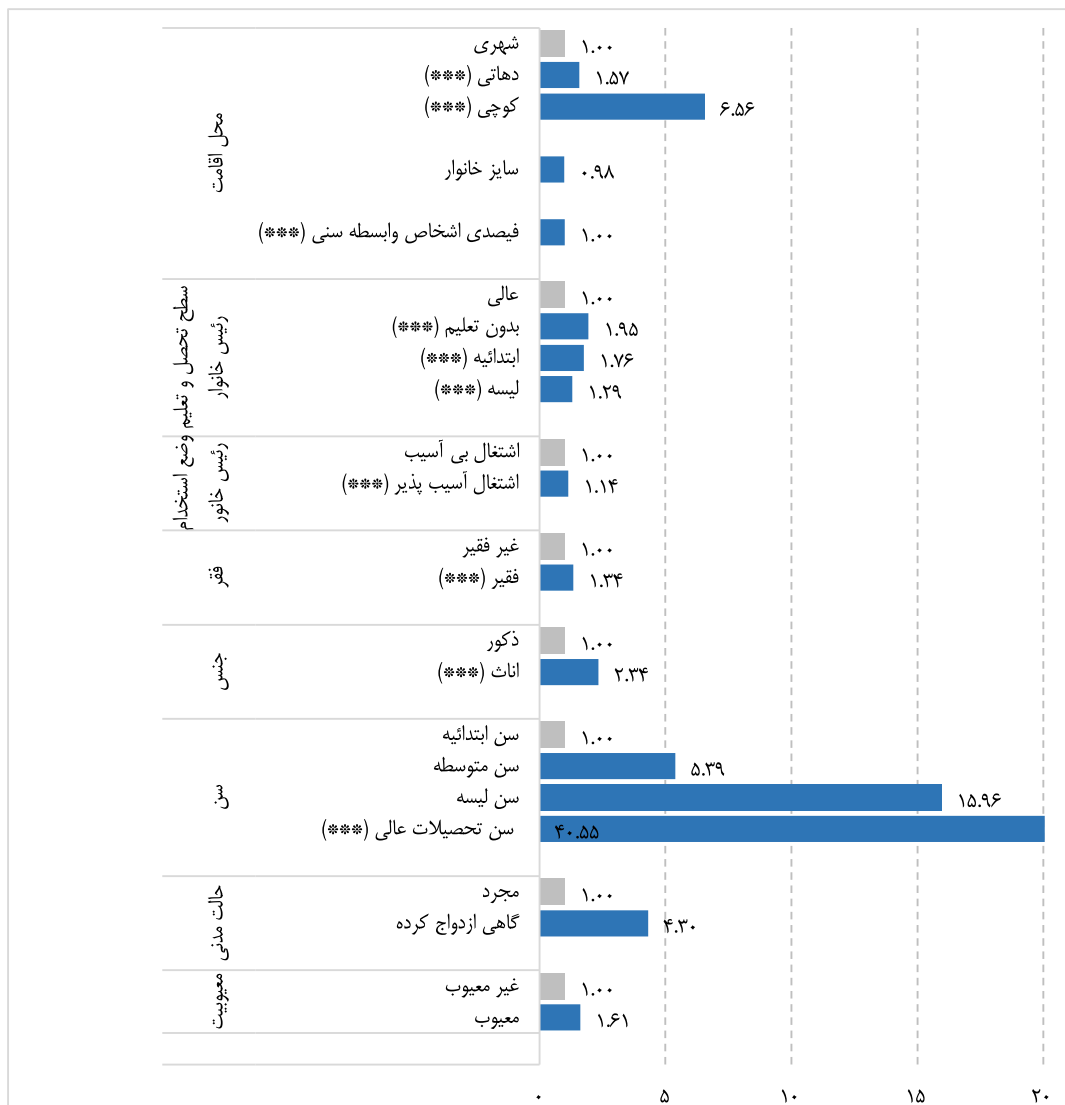
^{۱۸} حالت مدنی در هنگامیکه اطفال به سن مکتب می رسند، یک متغیر بی ربط است: همه اطفال هرگز درین سن ازدواج نمی کنند و نظر به تعریف، هیچکدام تعلیمی را تکمیل نکرده اند. حضوریایی تعلیمی قبل از سال سروی، سن بیشتر در دوره زندگی و در سیستم تعلیمی پیشرفت را ارائه می دارد.

^{۱۹} تحلیل در صورت شاید سازگار باشد که افراد شامل در مدل خود بزرگ خانوار باشند. این موارد (۱.۴ فیصد مدل در جهان) از مدل حذف شده است.

^{۲۰} شغل ضعیف شامل کارگر روزانه، کارگر که کار خود را انجام می دهد، کارگر فامیلی بدون پرداخت (بخش ۲.۵.۵ دیده شود).

^{۲۱} عدد ۱.۰۰ که در شکل ۹.۸ نشان داده شده است از ۰.۹۹۵۵ - رونداف گردیده است.

شکل ۱۴.۸: نسبت های نابرابری ریگریشن لجستیک عدم حضوریابی در مکاتب در سال ۲۰۱۵-۱۶ (۱۳۹۵) جمعیت سنی ۶ تا ۲۴ سال که گاهی مکتب رفته باشند



(***) معنی دار در سطح احتمال ۰.۰۰۱ (***) معنی دار در سطح احتمال ۰.۰۰۵ ؛ ضریب تثبیت = ۰.۳۲۹۲

۴.۸ دستیابی تعلیمی و تحصیلی

دستیابی تعلیمی و تحصیلی نفوس می تواند به عنوان یک شاخص سهام و کیفیت سرمایه بشری در داخل کشور، و هم منجیث یک مقیاس جهت ارزیابی نیازمندی ها و ایجاد پالیسی ها برای ارتقای آن مورد استفاده قرار گیرد. همچنین نشان دهنده ساختار و عملکرد سیستم تعلیمی و تحصیلی و تأثیرات جمع شونده آن بر شکل سرمایه بشری است. این شاخص های سفارش شده بین المللی فیصدی توزیع نفوس ۲۵ سال و بزرگتر از آن را براساس تعداد سال های آموزش در مکتب و یا بالاترین سطح تعلیمی و تحصیلی تکمیل شده سنجش می کند (UNESCO ۲۰۰۹).

جدول ۳.۸ نشان می دهد که کمتر از یک پنجم (۱۷.۶ فیصد) نفوس بالغ در سن ۲۵ سال و بزرگتر از آن در افغانستان تعلیم و تحصیل رسمی دارند. برای مردها این سهم ۲۸.۸ فیصد و برای زن ها فقط ۶.۲ فیصد است. در اینجا، عدم دسترسی به تعلیم و تحصیل رسمی در زمان رژیم طالبان، که بطور ویژه دخترها را تحت تأثیر قرار داده است، هنوز هم محسوس است. نسل جدیدیکه بعد از سال ۱۳۸۰ در دوره بازسازی سیستم تعلیم مکتب ابتدایی را آغاز کرده اند تا هنوز به نفوس سن ۲۵ سال و بزرگتر از آن نرسیده اند. علاوه بر این، طی دهه های خشونت، کشور سهم قابل توجهی

از نفوس تحصیل کرده خود را از دست داده است، که تعداد اندکی از آنها باز گشته اند. بطور کلی، فقط ۱۲ فیصد از نفوس بزرگسالان بیشتر از دوره ابتدایی تعلیمات دارند، در مقابل ارقام مربوط به مردها و زن ها بالترتیب ۱۹.۸ و ۴۰.۰ فیصد بوده است.

در شرایط مطلق، افراد دارای سن ۲۵ سال و بزرگتر از آن با تکمیل تحصیلات عالی (عالی یا نیمه عالی) ۳۳۳ هزار نفر در کشور موجود است. این در مقایسه با ارقام دریافت شده سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ افزایش بزرگ است، در زمانیکه تعداد افراد دارای تحصیلات عالی فقط ۹۳ هزار نفر بودند (۲۰۰۹ اداره مرکزی احصائیه). اگرچه نفوس شهری گروپ سنی ۲۵ و بزرگتر از آن فقط ۲۵ فیصد نفوس مجموعی را در این گروپ سنی تشکیل می دهند، ۶۶ فیصد همه افرادی که دارای تحصیلات عالی در سطح کشور هستند، در مناطق شهری زندگی می کنند.

جدول ۳.۸: نفوس دارای سن ۲۵ سال و بزرگتر از آن، به تفکیک دستیابی تعلیمی و تحصیلی و جنسیت (به هزار و به فیصدی)

با تکمیل تحصی	در هزار ها			در فیصدی ها		
	مذکر	مونث	مجموع	مذکر	مونث	مجموع
مجموع	۴,۴۵۰	۴,۳۳۳	۸,۷۸۳	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
بدون تعلیمات	۳,۱۷۰	۴,۰۶۳	۷,۲۳۳	۷۱.۲	۹۳.۸	۸۲.۴
ابتداییه	۴۰۰	۹۵	۴۹۴	۹.۰	۲.۲	۵.۶
متوسطه	۱۸۰	۴۱	۲۲۱	۴.۱	۰.۹	۲.۵
ثانوی	۴۲۴	۷۷	۵۰۱	۹.۵	۱.۸	۵.۷
معلم پوهنتون	۱۰۵	۳۱	۱۳۶	۲.۴	۰.۷	۱.۵
پوهنتون / انستیتیوت تخنیکي	۱۷۱	۲۶	۱۹۷	۳.۸	۰.۶	۲.۲

در پهلوی سهم بسیار بزرگ افراد بدون تعلیم و تحصیل رسمی، مهمترین یافته های جدول ۳.۸ تفاوت بزرگ در میزان دستیابی به تعلیم و تحصیل بین مردها و زن ها است. شکل ۱۵.۸ ، تفاوت های جنسیت در دستیابی به تعلیم و تحصیل را براساس سن، از ۱۵ سال به بعد در معرض دید قرار می دهد. برای هر دو زن ها و مردها، سطوح دستیابی به تعلیم و تحصیل در بین مجموع از گروپ های سنی ۳۴-۳۰ سال و بزرگتر از آن بسیار پائین است و برای زن ها بسیار پائین تر از مردها است. نسبت مردها با سطح تحصیلی تکمیل شده در هر یک از این گروپ ها کمتر از ۳۲ فیصد است و فیصدی مربوط زن ها حتی کمتر از ۷ فیصد است. این نشان می دهد که از یک طرف، دسترسی بسیار محدود به آموزش در دوره هاییکه این گروپ ها در سن تحصیل (دوره قبل از سال ۱۹۹۲) بوده اند، و از سوی دیگر، کاهش احتمالی بسیاری از افراد با سطح تحصیلی تکمیل شده به دلیل مهاجرت، بخصوص کسانی که سطح تحصیلات پیشرفته داشته اند.

از گروپ سنی ۳۴-۳۰ سال به بالا، هر یک از گروپ های متواتر جوان تر دستیابی به تعلیم و تحصیل را بطور اساسی بهبود می بخشد. برای این گروپ ها، میزان تکمیل شده هر سطح تحصیلی از ۳۱.۵ به ۶۴.۲ فیصد برای مردها و از ۶.۵ تا ۳۸.۸ برای زن ها افزایش می یابد. این نمونه انعکاس دهنده دسترسی مجدد به تعلیم و تحصیل در یک و نیم دهه قبل از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ است.

به عنوان یک نتیجه، فیصدی کسانی که نصاب به تعلیم و تحصیل دوره مکمل شش سال ثانوی را تکمیل کرده اند ۲.۸ برابر برای مردهای جوانتر از سنین ۲۰ تا ۲۴ سال بیشتر از کسانی است که در سنین ۳۴-۳۰ سال هستند و برای زن ها در همین سن حتی ۵.۹ برابر بیشتر است. به همین ترتیب، فیصدی تعلیمات ابتدایی تکمیل شده ۳.۵ برابر برای مردها بین سنین ۱۹-۱۵ سال نسبت به کسانی که در سنین ۲۰ تا ۲۴ سال هستند، بیشتر است و برای زن ها حتی ۵.۷ برابر بیشتر است.

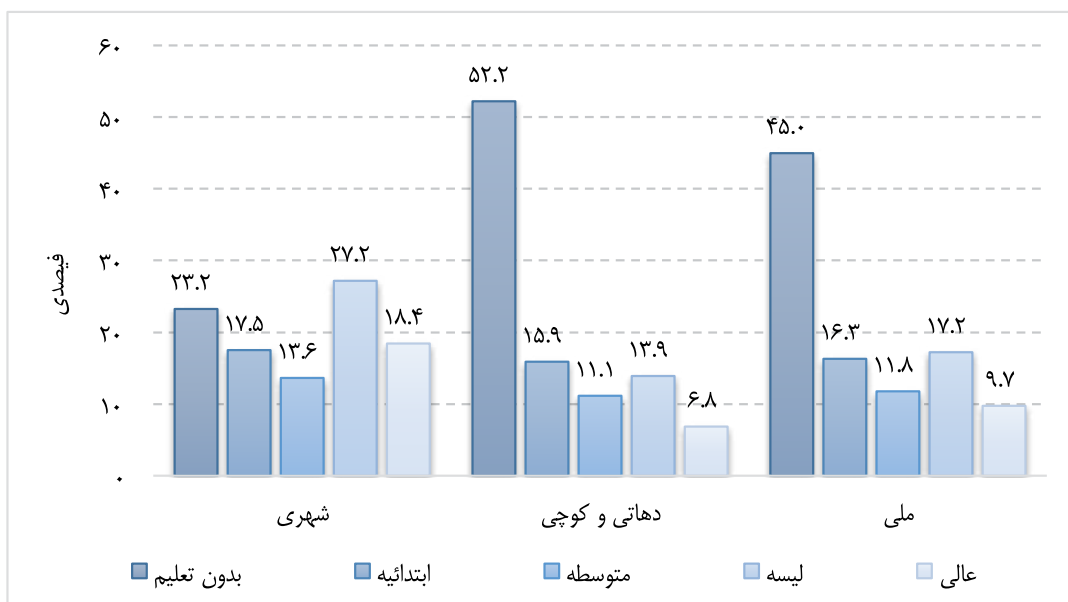
شکل ۱۵.۸: مردها و زن ها ۱۵ سال و بزرگتر از آن، به تفکیک سن و دستیابی تحصیلی (به فیصدی)



• توجه داشته باشید که گروه های سنی ۱۵ تا ۱۹ و ۲۰ تا ۲۴ ارائه کننده گروه های هستند که برای آنها راجع به دستیابی تحصیلی معلومات مختصر ارائه گردیده است: برخی از افراد موجود در این گروه های سنی هنوز در تعلیم اشتراک دارند و در نهایت به سطوح تحصیلات عالی فراتر ازین دست خواهند یافت.

موجودیت افرادی که در هر سطح تحصیلی و به ویژه سطح تعلیمات عالی دست یافته اند- در خانوار تأثیر مهمی بر موقعیت معیشتی به وسیله موقف بهتر در بازار کار دارند (فصل چهارم را ببینید). شکل ۱۶.۸ توزیع خانوار ها را براساس اعضای خانوار با بالاترین سطح دستیابی تحصیلی و تحصیلی نشان می دهد و بازگو کننده تفاوت های بزرگ در سرمایه بشری موجود در خانوار های شهری و دهاتی است. بیش از نیمی (۵۲.۲ فیصد) خانوار های دهاتی و کوچی هیچ فردی با تکمیل سطح تعلیم و تحصیل وجود ندارد و فیصدی خانوارهایی که در آن فرد به بلندترین سطح آموزش ابتدایی دست یافته است- تعلیمات ثانوی- یا عالی پائین است. این تنوع از ۱۵.۹ فیصد برای خانوار های دارای تعلیمات ابتدایی به عنوان بالاترین سطح دستیابی تحصیلی در خانوار تا ۶.۸ فیصد با تحصیلات عالی به عنوان بالاترین سطح دستیابی تحصیلی است. در خانوار های دهاتی، توزیع بسیار زیاد یکنواخت است: خانوارهایی که هیچ یک از سطح تعلیمات را تکمیل نکرده اند نسبتاً پائین ۲۳.۲ فیصد، در حالیکه خانوار هایی که حداقل یک نفر از آنها تعلیمات ثانوی یا عالی را تکمیل کرده اند بالترتیب ۲۷.۲ و ۱۸.۴ فیصد است.

شکل ۱۶.۸: خانوار ها، به تفکیک بلندترین دستیابی تحصیلی در خانوار (به فیصدی)



۱.۵.۸ سواد جوانان و بزرگسالان

سواد بطور کلی توانایی خواندن و نوشتن و استفاده از کلمات نوشته شده در زندگی روزمره را نشان می دهد. سواد یکی از نتایج در نظر گرفته شده تعلیمات، همچنین مقیاس توانایی فرد در عملکرد اجتماعی و نیروی بشری برای رشد بیشتر فکری و کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. سواد متمم نشان دهنده گسترش سیاست های مورد نیاز و تلاش ها جهت راه اندازی برنامه های سواد آموزی بزرگسالان و تعلیمات ابتدایی با کیفیت است. هدف انکشاف پایدار ۴ برای تعلیمات شامل اهداف ۴.۶ است، که بطور خاص به سواد اشاره دارد: تا سال ۲۰۳۰، حصول اطمینان از اینکه تمام جوانان و نسبت قابل توجهی از بزرگسالان، مردها و زن ها، سواد و حسابداری را کسب کنند. شاخص مرتبط ۱.۴.۶ (نسبت نفوس در یک گروه سنی خاص به دست آوردن حداقل سطح ثابت مهارت در عملکرد (الف) سواد و (ب) مهارت های حسابداری) باید برای بزرگسالان (افراد ۱۵ سال و بزرگتر از آن) و جوانان (افراد ۲۴-۱۵ سال) ارائه گردد.

"مهارت عملی سواد" که در این شاخص ذکر شده، متأسفانه شرایط عملیاتی آن هنوز مشخص نشده است و احتمالاً پوشش مقیاس آن در یک سروی چند هدفی مانند سروی وضعیت زندگی در افغانستان نیز امکان پذیر نخواهد بود، که به دلیل ارزیابی مستقیم، سواد لازم خواهد بود. این گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان - همانند قبلی آن - معلومات مربوط به میزان سواد بزرگسالان و جوانان را براساس گزارش دهی خودی ارائه می کند که به عنوان شاخص های نماینده اهداف انکشاف پایدار بکار می رود. میزان سواد بزرگسالان - به نفوس ۱۵ سال و بزرگتر از آن اشاره می کند- نشان دهنده دستاوردهای جمع شونده تعلیمات ابتدایی و برنامه های سواد آموزی در فراهم نمودن مهارت های اساسی سواد به مردم است، بدین وسیله آنها را قادر می سازد تا چنین مهارت هایی را در زندگی روزمره به کار گیرند و همچنان آموزش و ارتباط را در نوشتن ادامه دهند. جدول ۴.۸ نشان دهنده میزان بسیار پائین سواد بزرگسالان در افغانستان، با ۳۴.۸ فیصد مجموع سواد در نفوس ۱۵ سال و بزرگتر از آن است. میزان بی سوادی متمم ۶۵.۲ فیصد را نشان می دهد که در حدود ۹.۹ میلیون نفر از افراد بی سواد ۱۵ سال و بزرگتر از آن در افغانستان، ۶.۰ میلیون زن و ۳.۹ میلیون مرد هستند. تفاوت خالص ۲.۱ میلیون نفری را طوری می تواند تعبیر کرد چنانچه تعداد از زن ها باید با سواد گردند تا حداقل تساوی جنسیتی بدست آید.

میزان سواد بزرگسالان که در جدول ۴.۸ نشان داده شده است، تفاوت های چشمگیر را نیز براساس محل سکونت نشان می دهد: در نفوس شهری میزان سواد بزرگسالان (۵۳.۷ فیصد) تقریباً دو برابر در مقایسه با نفوس دهاتی (۲۹.۶ فیصد) زیاد است، در حالیکه میان کوچی ها سواد بزرگسالان تا حد ۵.۸ فیصد می رسد.

جدول ۴.۸ : میزان سواد بزرگسالان، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصدی)؛ شاخص های تساوی جنسیت، به تفکیک محل سکونت

جنسیت و شاخص های مشارکت جنسیت	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
الف. جنسیت				
مجموع	۵۳.۷	۲۹.۶	۵.۸	۳۴.۸
ذکور	۶۶.۸	۴۵.۶	۱۰.۶	۴۹.۴
اناث	۴۰.۸	۱۳.۱	۰.۷	۱۹.۹
ب. شاخص های مشارکت جنسیت				
تفاوت مطلق	۲۶.۰	۳۲.۵	۹.۹	۲۹.۵
شاخص تساوی جنسیت	۰.۶۱	۰.۲۹	۰.۰۷	۰.۴۰

در سطح ملی، تنها ۱۹.۹ فیصد از زن ها ۱۵ سال و بزرگتر از آن در مقایسه با ۴۹.۴ فیصد مردها توانایی خواندن و نوشتن را دارند. رقم مربوط به زن های دهاتی ۱۳.۱ فیصد پائین است (در مقابل ۴۵.۶ فیصد برای مردها دهاتی) و در میان زن های کوچی، تقریباً هیچ کس توانایی خواندن و نوشتن را ندارد و تنها ۱۰.۶ فیصد مردها قادر اند.

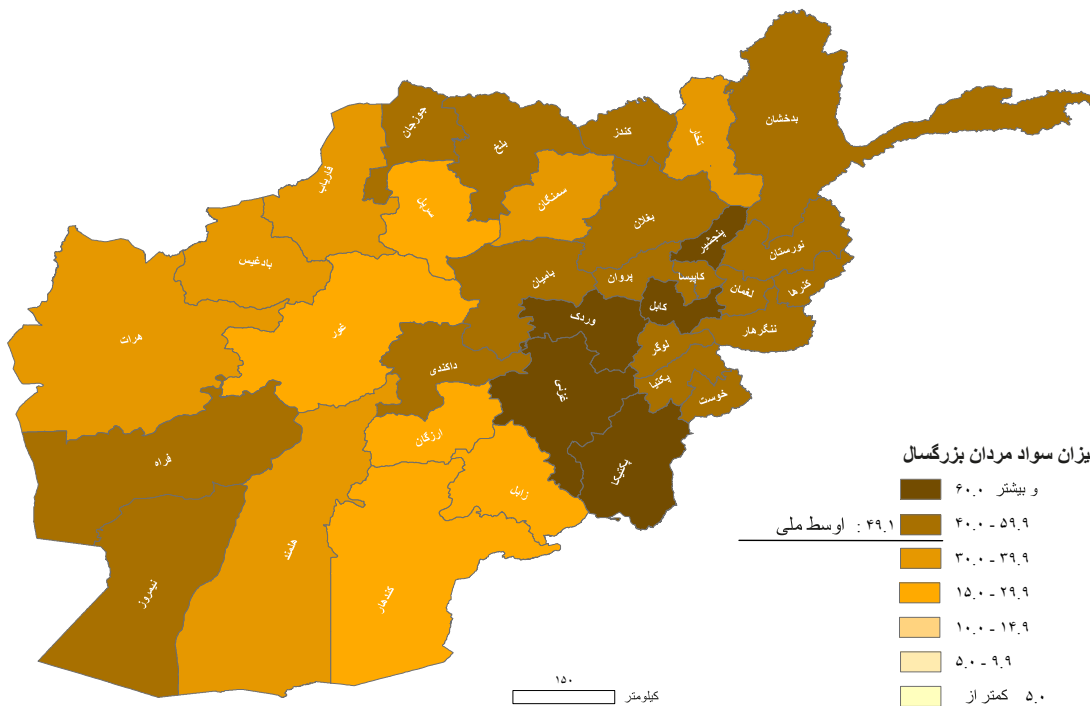
همانطوریکه در جدول ۴.۸ نشان داده شد، این ارقام با تفاوت های خالص بزرگی در بین سواد مردها و زن ها و نسبت پائین سواد زن در مقایسه به مرد (شاخص های تساوی جنسیت) منجر به ضعف شاخص های مشارکت جنسیت می شود. اگر چه تفاوت های خالص جنسیت میان نفوس شهری و دهاتی با اندازه مشابهی (حدود ۳۰ فیصد) بزرگ است، عملکرد در قسمت نسبت شاخص در مناطق شهری (۰.۶۱) دو برابر در مقایسه با مناطق دهاتی (۰.۲۹) زیاد است، که وضعیت محروم زن های دهاتی را نشان می دهد.

نقشه های موضوعی شکل های ۱۷.۸ الف و ۱۷.۸ ب ذیل زمینه مقایسه میزان سواد را براساس ولایت و جنسیت ممکن می سازد. توزیع منطقه ای نشان می دهد که میزان سواد مردها در شرق افغانستان تقریباً زیاد و

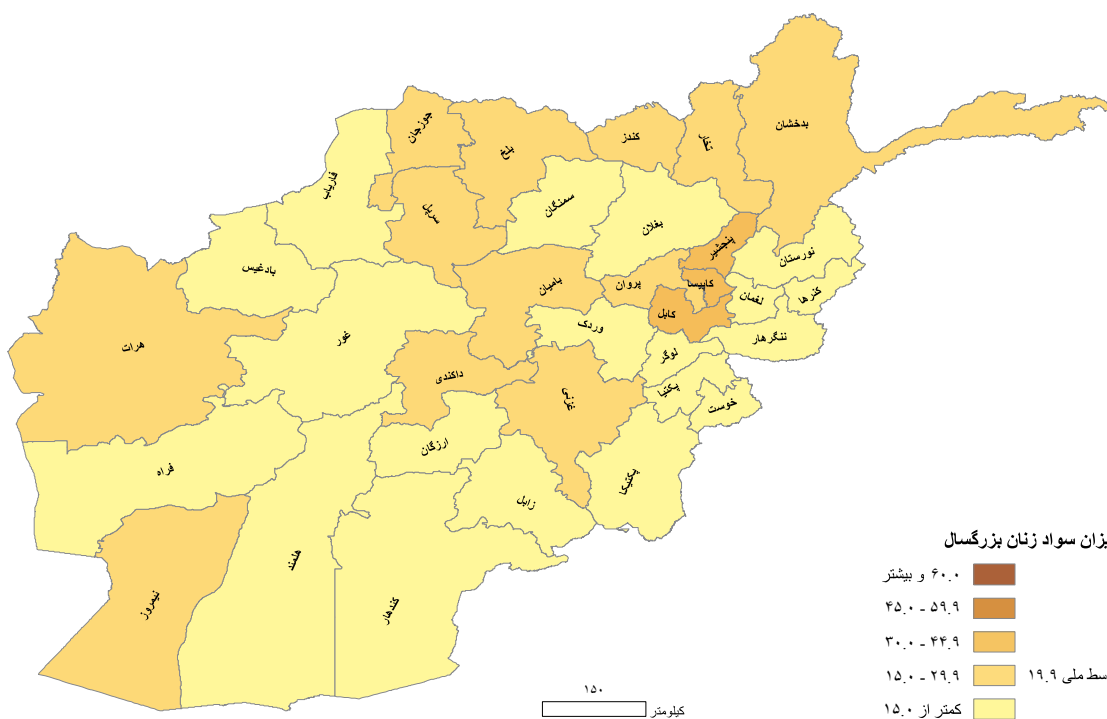
میزان سواد زن ها در جنوب بسیار پائین است - بیشتر پشتون نشین. از مجموع ۹.۷ میلیون نفر بی سواد ۱۵ سال و بزرگتر از آن در افغانستان، ۵.۹ میلیون و یا ۶۱ فیصد آن زن ها و ۳.۸ میلیون یا ۳۹ فیصد آن مرد ها هستند.

شکل ۱۷.۸: میزان سواد بزرگسالان براساس ولایت، برای (الف) مرد ها و (ب) زن ها (به فیصدی)

الف. مرد ها



ب. زن ها



میزان سواد جوانان - میزان سواد محاسبه شده نفوس بین سنین ۲۴-۱۵ سال - یکی از شاخص های اهداف انکشاف هزاره (MDG) برای اندازه گیری پیشرفت در جهت دستیابی به آموزش ابتدایی جهانی (هدف ۲ MDG) بود. این شاخص نتایج تعلیمات ابتدایی را طی ۱۰ سال گذشته انعکاس می دهد. طوریکه یک مقیاس مؤثر سیستم تعلیمات ابتدایی، اغلباً به عنوان مقیاس نمایندگی پیشرفت اجتماعی و دستاورد های اقتصادی اخیر شناخته شده است. جدول ۵.۸ بار دیگر تفاوت های بزرگ میزان سواد جوانان براساس محل سکونت و جنسیت و به ویژه در قسمت مشکلات ارائه خدمات آن به کوچی ها و نفوس زن های دهاتی را نشان می دهد. معلولیت اغلباً مانعی برای سوادآموزی نیز است، قسمیکه فیصدی جوانان دارای معلولیت فقط ۴۱.۰ فیصد، در مقایسه به ۵۳.۸ فیصد جوانان بدون معلولیت است (ارقام نشان داده نشده است).

یونسکو سواد جوانان در سطح جهان را در سال ۱۳۹۵، ۹۱.۳ فیصد تخمین کرده است.^{۳۲} میزان عمومی سواد ۵۳.۶ فیصد جوانان در افغانستان به شدت در مغایرت با رقم فوق الذکر قرار دارد و نشان دهنده آن است که افغانستان از طرف آخر جایگاه نهم را در بین کشورها گرفته است، درین مورد معلومات هر سال بعد از سال ۱۳۹۱ در دسترس موجود است.

جدول ۵.۸: میزان سواد جوانان، به تفکیک جنسیت و محل سکونت (به فیصدی)؛ شاخص های مشارکت جنسیت، به تفکیک محل سکونت

جنسیت و شاخص های مشارکت جنسیت	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
الف. جنسیت				
مجموع	۷۵.۱	۴۷.۹	۷.۰	۵۳.۶
ذکور	۸۳.۰	۶۶.۱	۱۲.۲	۶۸.۲
اناث	۶۷.۳	۲۹.۲	۱.۲	۳۸.۷
ب. میزان مشارکت جنسیت				
تفاوت مطلق	۱۵.۷	۳۶.۹	۱۱.۰	۲۹.۵
شاخص مشارکت جنسیت	۰.۸۱	۰.۴۴	۰.۱۰	۰.۵۷

شاخص تساوی جنسیت سواد جوانان نسبتی است که میزان سواد آموزی زن ها در مقایسه به مردها را در گروپ سنی ۲۴-۱۵ سال، مشخص می سازد - این شاخص در افغانستان به عنوان شاخص استراتیژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) برای اندازه گیری پیشرفت در راستای مشارکت جنسیت در تعلیم بکار رفته و شاخص کلیدی توانمند سازی زن ها در جامعه را ارائه می دارد. در سطح ملی، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ یک رقم ۰.۵۷ برای این شاخص دریافت گردیده است (جدول ۵.۸ را ببینید). ارقام مربوط به نفوس شهری و دهاتی بالترتیب ۰.۸۱ و ۰.۴۴ بوده است.

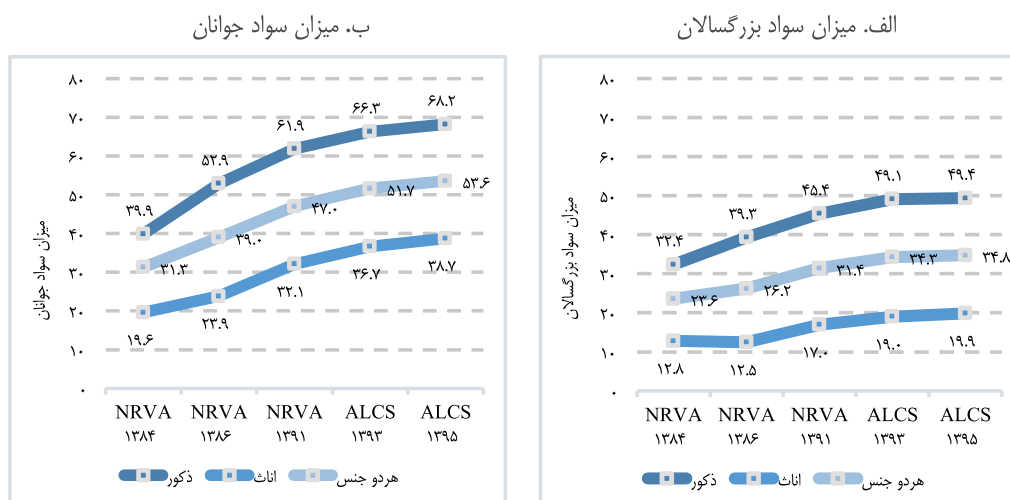
۲.۵.۸ روند سطوح سواد

با وجود سرمایه گذاری های بزرگ در سیستم تعلیم در یک و نیم دهه قبل از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، تأثیرات آن بالای رشد میزان سواد، دارای روند بطی است. میزان سواد بزرگسالان به نفوس سنی ۱۵ سال و بزرگتر از آن اشاره می کند از ۲۳.۶ فیصد در سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۴ تا ۳۱.۴ فیصد در سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است و در حال حاضر ۳۴.۸ فیصد ثبت شده است (شکل ۱۸.۸ الف). این به معنی بهبود ۴۷ فیصد برای این شاخص طی ۱۱ سال گذشته است. هر چند، هیچ پیشرفت احصائیوی قابل توجهی از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ تا بحال گزارش شده نمی تواند. از آنجائیکه میزان سواد زن های بزرگسال نسبتاً کمی در مقایسه با میزان مردها افزایش یافته است، شاخص تساوی جنسیت برای این شاخص از ۰.۳۲ در سال ۱۳۸۶ به ۰.۴۴ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. به تفکیک محل سکونت، بیشترین افزایش برای ساکنین دهاتی تثبیت گردیده است، آنائیکه میزان سواد بزرگسالان از یک سطح پائین ۱۹.۶ فیصد در سال ۱۳۸۴ به فیصدی ۳۹.۶ هنوز پائین در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است (بهبود ۶۱ فیصد).

^{۳۲} پایگاه معلوماتی بین المللی یونسکو:

(https://www.google.nl/search?source=hp&ei=q1EuVWqfUOMzGwALzjKOWCA&q=unesco+youth+literacy&oq=unesco+youth+literacy&gs_l=psy-ab.3...889.617.0.7441.21.21.0.0.0.102.1263.20j1.21.0...0...1c.1.64.psy-ab.0.15.898...0j46j0i46k1j0i22i30k1j0i8i13i30k1.0.K65OjPubh58)

شکل ۱۸.۸: میزان سواد بزرگسالان و جوانان، به تفکیک سال سروی و جنسیت (به فیصدی)



در مقایسه با میزان سواد بزرگسالان، میزان سواد جوانان نشان دهنده بهبود سریعتر است. شاخص کلی به میزان ۷۱ فیصد از ۳۱.۳ (فیصدی) در سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۴ تا ۵۳.۶ فیصدی) در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (شکل ۱۸.۸ ب). قسمیکه بهبود نسبی میزان زن ها نسبت به میزان مردها بیشتر بوده، شاخص تساوی جنسیت برای میزان سواد جوانان از ۰.۴۹ در سال ۱۳۸۴ به ۰.۵۷ در سال ۱۳۹۵ افزایش نمود. همچنین برای این شاخص، بیشترین افزایش در میان ساکنان دهاتی بدست آمده که این شاخص تقریباً دو برابر از ۱۹.۶ فیصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۸.۷ فیصد در سال ۱۳۹۵ رسید. باز هم، هیچ افزایش قابل ملاحظه ای احصائی در میزان سواد جوانان از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ بدینسو گزارش نشده است، که در مطابقت با روند رکودی در حضوریابی تعلیمی قرار دارد، که در بخش ۸.۲.۸ در بالا گزارش شده است.

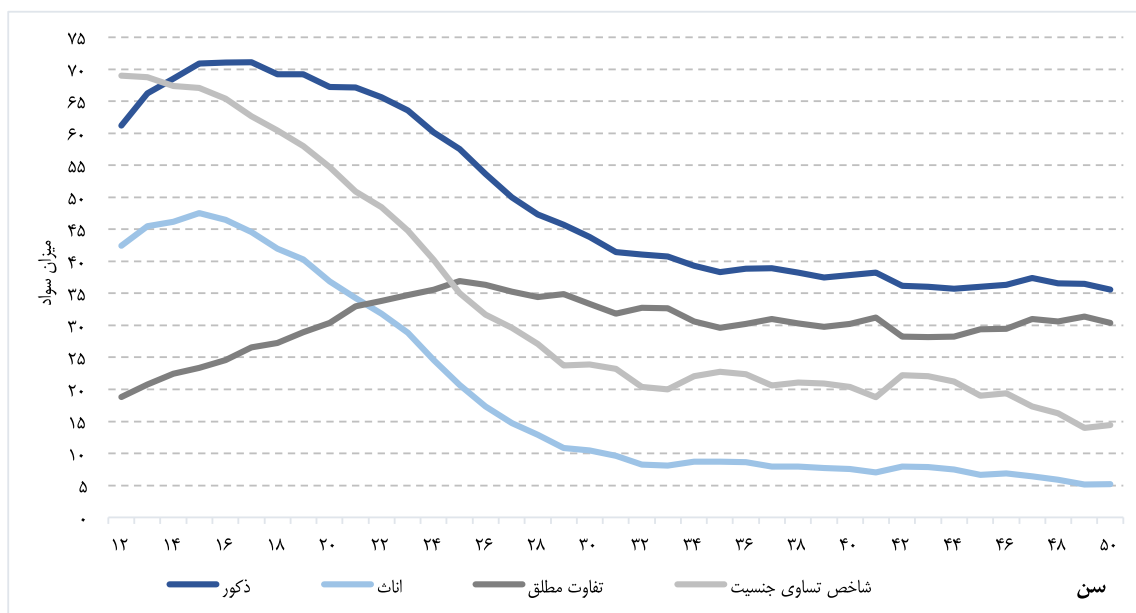
شکل ۱۹.۸ تغییر در سطوح سواد را بر مبنای میزان سواد آموزی سن اختصاصی نشان می دهد. این نشان دهنده بهبود عملکرد تعلیمی درین دوره پس از سال ۱۳۸۰ است. پیشرفت تعلیمی از طریق افزایش میزان سواد در گروه های سنی جوانتر در سمت چپ گراف نشان داده شده است، تأثیراتی که برای هر دو یعنی زن ها و مردها مشاهده می گردد. برای تمام زن ها سن ۳۱ سال و بزرگتر از آن، میزان سوادآموزی کمتر از ۱۰ فیصد است، که نشان دهنده فرصت های بسیار پائین تعلیمی در جریان سال هایی است که ایشان در سنین مکتب بوده اند. تغییر وضعیت مشاهده شده برای زن ها در اواخر ۲۰ سالگی آنها انعکاس دهنده فرصت های جدید ورود به سیستم تعلیمات رسمی پس از حذف رژیم طالبان از قدرت در سال ۱۳۸۰ است.^{۳۳}

افزایش سواد برای هر یک از سنین نوجوان بشكل متواتر تا سن ۱۵ سال ادامه می یابد. در نهایت، ۴۷.۵ فیصد دخترها و ۷۰.۹ فیصد پسرها قادر به خواندن و نوشتن هستند. اطفال کم سن و سال، به دلیل تأثیر شروع کننده گان دیرتر مکاتب و استفاده اوسط محرک در گراف، سواد پائین تر را نشان می دهند. تغییرات در فرصت های تعلیمی از سال ۱۳۸۰ بدینسو بطور مستقیم شاخص های مشارکت جنسیت را متأثر ساخته است. اگر چه هر دو دخترها و پسرها از دسترسی بهتر به مکاتب برخوردار بودند، اما تأثیر نسبی دخترها بیشتر بود. همانطوریکه در شکل ۱۹.۸ دیده می شود، شاخص تساوی جنسیتی- نسبت سواد زن و مرد- درست بالای ۲۰ فیصد برای افرادی که در سن ۳۲ سال (برای آنانی که بسیار بزرگ سال اند تا بطور موثر از تغییر در سال ۱۳۸۰ بهره مند شوند) و برای اطفال در حدود سن ۱۲ سال تا ۶۹ فیصد شدیداً افزایش یافته است.

این رقم نشان می دهد که در این سن سهم دخترهایی که قادر به خواندن و نوشتن هستند، ۶۹ فیصد سهم پسرهای را تشکیل می دهد که توانایی خواندن و نوشتن را دارند. در شرایط مطلق، تفاوت بین میزان سواد مرد و زن نسبتاً پایدار است و بین ۳۰ تا ۳۶ فیصد از سنین بزرگتر تا سن ۲۵ سال است. از این سن به بعد کاهش تفاوت مطلق نیز برای هر یک از گروه های جوانتر بطور متواتر از ۳۶ تا کمتر از ۱۸ فیصد در حدود ۱۲ سالگی آغاز می یابد. این ارزیابی مبتنی بر سن، نشان می دهد که سواد برای جوانان در افغانستان بهبود یافته است و دخترها نسبت به پسرها نسبتاً بیشتر بهره مند شده اند و رسیدن آنها به میزان پسرها ادامه دارد.

^{۳۳} تعین موقعیت سن در تغییر به طرف مثبت وضعیت تعلیمی در اواخر دهه سنی ۲۰ سالگی نتیجه تأثیرات ترکیبی ورود دخترها در تعلیم و تربیه در سنین بزرگتر، تطبیق اوسط محرک ۵ سال در گراف، و گزارش دهی اشتباه سن می باشد.

شکل ۱۹.۸ : میزان سواد ، به تفکیک سن و جنسیت؛ شاخص های مشارکت جنسیت، به تفکیک سن (به فیصدی) الف



الف: تسلسل درین گراف اوسط محرک پنج سال را نشان می دهد.

خلاصه: از آغاز قرن جدید در عرصه فراهم سازی مراقبت های صحتی برای مردم افغانستان پیشرفت های چشمگیری صورت گرفته است. با وجود آنکه تلاش های فراوان از طرف دولت، مؤسسات غیردولتی و جامعه، بین المللی در زمینه صورت گرفته، اما سیستم صحتی افغانستان هنوز هم نیازمند حمایت بیشتر می باشد. در قسمت دسترسی به مراقبت های صحتی، یافته ها نشان می دهد که ۹۳ فیصد نفوس افغانستان در فاصله دو ساعته از کلینیک های عامه زندگی می کنند و ۸۲ فیصد نفوس در فاصله کمتر از ۲ ساعت از شفاخانه های ولایتی یا ولسوالی قرار داشته و ۸ فیصد مردم در فاصله بیشتر از ۶ ساعت از مراکز صحتی زندگی می کنند. یکی از انکشافات مثبت در این زمینه طوری که شوراها نیز گزارش داده اند، در قسمت کاهش قابل ملاحظه مصارف سفر به مراکز صحتی به وجود آمده است.

در این تحلیل برآورد شده است که در حدود ۹۵۴ هزار نفر مراقبت های داخل بستر را به دست آورده اند. در مقایسه به شفاخانه های خصوصی، بیشترین خدمات مراقبت های صحتی داخل بستر را شفاخانه های دولتی عرضه می نمایند. ۶۴ فیصد افرادی که در شفاخانه ها بستر شده اند در شفاخانه های دولتی خود را بستر کرده اند و ۲۷ فیصد افراد خود را در شفاخانه های خصوصی بستر کرده اند تفاوت های واضح در مشخصات امراضی که به اساس آن داخل بستر می شوند در بین نفوس مرد و زن، مناطق شهری و دهاتی و کوچی مشاهده گردیده است. ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که در حدود ۲.۵ میلیون نفر منحصراً در خارج بستر، که ۹ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند به مراکز خدمات صحتی مراجعه نموده اند. زنان در مقایسه با مردان بیشتر به مراکز صحتی مراجعه کرده اند.

مراقبت های قبل از ولادت به موقع و با کیفیت عالی در امر پایین آوردن سطح مرگ و میر نوزادان و مادران دارای اهمیت کلیدی می باشد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که در مجموع استفاده از مراقبت های قبل از ولادت (یک یا چند بار مراجعه) بهبود یافته است، اما یک فیصدی کمتر زنان مطابق به سفارشات سازمان صحتی جهان تا چهار بار به خاطر معاینه و دریافت مراقبت های قبل از ولادت مراجعه نموده اند. یافته ها نشان می دهد زنانی که مراقبت های قبل از ولادت را دریافت کرده اند به تناسب زنانی که این مراقبت ها را دریافت نکرده اند بیشتر از میتود های کنترل حاملگی استفاده می نمایند.

فیصدی زنان حامله که با کارمندان ماهر صحتی در جریان حاملگی مشوره کرده اند به ۶۴ فیصد می رسد، در حدود ۳۶ فیصد زنان در جریان حاملگی زرقیات ضد تیتانوس را دریافت نموده اند. در افغانستان، ۱۰ فیصد ولادت ها با همکاری داکتران و ۴۳ فیصد ولادت ها به همکاری قابله ها یا نرسها صورت می گیرد یعنی در مجموع حدود ۵۳ فیصد تمام ولادت ها به همکاری کارمندان ماهر صحتی (شاخص ۲۰.۱۳ اهداف انکشاف پایدار) صورت می گیرد. در طی چند سال کمک های کارمندان ماهر صحتی بطور متداوم افزایش یافته است. قابل ذکر است که نتایج به دست آمده هنوز هم نگران کننده می باشد زیرا تا هنوز ۴۷ فیصد تمام ولادت ها بدون همکاری کارمندان ماهر صحتی صورت می گیرد. تقریباً نصف تمام ولادت ها هنوز هم در خانه صورت گرفته و ۵۰ فیصد ولادت ها در مراکز صحتی صورت می گیرد.

تقریباً نصف تمام اطفال کمتر از ۵ سال در جریان ۶ ماه قبل از سروی مکمل ویتامین A را دریافت نموده اند. ثبت تولد بخاطر صحت و مصونیت اجتماعی اطفال مهم می باشد. ثبت تولد سن یک طفل را تصدیق نموده و در مدیریت بهتر اخذ واکسین های مربوطه و نظارت از آن و سایر اقدامات صحتی کمک می کند. در بین تمام اطفال زیر سن ۵ سال ۲۹ فیصد آنها ثبت تولد شده اند (شاخص ۱۰.۱۶ اهداف انکشاف پایدار). صرف ۱۰ فیصد اطفال کوچی، ۲۲ فیصد اطفال دهاتی و ۶۱ فیصد اطفال در مناطق شهری در زمان تولد ثبت شده اند.

معلومات اندک در مورد موجودیت و مشخصات اشخاصی که دارای معلولیت اند به دسترس می باشد. معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که در حدود ۹۲۴ هزار افراد دارای معلولیت در کشور وجود دارند که نشان دهنده میزان موجودیت ۳ فیصد معلولیت می باشد. با آنکه شواهد نشان می دهد که این رقم نظر به ارقام اصلی در رابطه به اشخاص دارای معلولیت کمتر برآورد گردیده است. در بین هر سه معلول یکی از آنها دارای بیشتر از یک نوع معلولیت می باشد. طوری که توقع می رود در بین افراد کهن سال معلولیت بیشتر است، مگر معلولیت در بین اطفال خردسال به مقایسه بزرگسالان بیشتر دیده می شود. به اساس نتایج به دست آمده سطح معلولیت در قسمت فعالیت راه رفتن / بالا شدن در زینه ها (۱.۵ فیصد) بلند تر بوده و در قدم بعدی معلولیت در عمل دیدن (یک فیصد) می باشد. سطح معلولیت در رابطه به توانمندی افهام و تفهیم نسبت به سایر انواع معلولیت ها پایین تر (۰.۴ فیصد) می باشد. به صورت عموم تفاوت اندک در رابطه به معلولیت بین زنان و مردان وجود دارد. جالب است که نسبت بیشتر از زنان نظر به مردان به سبب امراض معلول گردیده اند (۲۲ فیصد در مقابل ۳۴ فیصد).

بعد از گذشت سالهای غفلت جدی در قبال سیستم صحت افغانستان، ناشی از جنگ و ویرانی در رژیم طالبان، وزارت صحت عامه بسته خدمات صحتی اساسی را در ماه حمل ۱۳۸۱ و متعاقب آن بسته خدمات ضروری شفاخانه ای را تطبیق نمود. هدف بسته خدمات صحتی اساسی تمرکز روی مسایل صحتی بود که پیشرفتهای قابل ملاحظه را می توانست ایجاد کند. این بسته خدمات را از طریق یک روش هماهنگ عرضه می دارد نه از طریق پروژه ها و فعالیت های عمودی. اکثر بخش های مجموع خدمات صحتی اساسی بالای مناطق دهاتی و بخصوص مراقبت های مشخص برای زنان و اطفال متمرکز می باشد. بسته خدمات ضروری شفاخانه ای تمدید بسته خدمات صحتی اساسی بوده که در سال ۱۳۸۴ معرفی گردید. در نتیجه این تغییرات ساختاری در سیستم صحتی، طی ده سال گذشته با وجود جنگهای داخلی فراگیر، پیشرفت های قابل ملاحظه در وضعیت صحتی مردم افغانستان به وجود آمده است.

گزارشات قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان نتایج مثبت احیای مجدد سیستم صحتی را نشان داده اند. مطالعات انجام شده بر علاوه خاطر نشان می سازد که در مقایسه با کشورهای منطقه، شاخص های صحتی و وضعیت صحتی بخصوص در مناطق دهاتی و در میان نفوس کوچی ضعیف باقی مانده است که یک نگرانی جدی پنداشته می شود. یکی از موانع مهم در راستای فراهم سازی مراقبت های مؤثر و مفید صحتی نبود زیربنا و عدم دسترسی به خدمات ضروری می باشد. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، دسترسی به خدمات صحتی و استفاده از آن مورد توجه قرار گرفته و با تجارب گذشته مقایسه گردیده است. تمرکز استفاده از خدمات صحتی بالای مراقبت های داخل بستر و خارج بستر و فراهم نمودن ادویه می باشد.

پیشرفت های چشمگیر در سکتور صحت در عرصه صحت مادر و طفل صورت گرفته است. بخش عمده این پیشرفت ها در گذشته به علت مراقبت های خوب قبل از ولادت و افزایش ولادت ها در مراکز تخصصی صحتی با همکاری کارکنان ماهر صحتی، انجام یافته است. در این فصل دیده خواهد شد که آیا روند مثبت مراقبت های قبل از ولادت، مکان ولادت و ولادت در حضور کارمندان ماهر صحتی بیشتر بهبود یافته است یا نه؟

اشخاص دارای معلولیت در جامعه افغانی در موقعیت آسیب پذیری قرار دارند. به رغم وضعیت دشوار که معلولین در آن قرار دارند احصائیه های اخیر نشان دهنده آن است که معلومات کامل در مورد تعداد واقعی اشخاص معلول وجود ندارد. در سال ۱۳۸۴، یک سروی ملی معلولیت روی دست گرفته شد و ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ نیز شامل یک سلسله پرسش ها در مورد معلولیت بود اما از آن زمان به بعد کدام معلومات جامع درین مورد جمع آوری نگردیده است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل یک مودل مشخص در مورد معلولیت بود. این فصل معلومات جدید را در مورد وقوع معلولیت در افغانستان ارائه می نماید.

۲.۹ دسترسی به خدمات صحتی

خدمات صحتی نقش اساسی را در قبال بهبود صحت، حفظ سلامتی، مدیریت امراض و وقایع، کاهش معلولیت های غیرضروری و مرگ و میر قبل از وقت و همچنان تحقق خدمات یکسان صحتی بطور کل برای تمام مردم، بازی می نماید. مگر در صورتی که دسترسی به این خدمات مختل گردد، اهداف ذکر شده به سادگی حاصل گردیده نمی تواند که در نتیجه اثرات منفی آن بالای صحت مردم قابل توجه خواهد بود.

در اوایل سالهای ۱۳۷۹، نبود مراکز صحتی فعال در سراسر افغانستان محسوس بود و سیستم صحتی با کمبود جدی کارکنان ماهر صحتی مواجه بود. به اساس یافته های سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۲، در مناطق دهاتی افغانستان صرف ۷ فیصد خانوارها در اجتماع شان به خدمات صحتی دسترسی داشتند و ۳۲ فیصد خانوارها مجبور بودند تا به منظور جستجوی کمک های طبی به اندازه کمتر از چهارم حصه یک روز سفر کنند.^۱ طی سالهای گذشته، تشریک مساعی بین وزارت صحت عامه و سازمان های بین المللی و مؤسسات غیر دولتی باعث شده تا پیشرفت های قابل توجه در قبال فراهم سازی خدمات صحتی به وجود بیاید. سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ مناطق شهری و دهاتی را تحت پوشش قرار داده است و نتایج به دست آمده نشان می دهد که ۵۷.۴ فیصد مردم در فاصله یک ساعته از مرکز صحتی دولتی زندگی می کنند. فیصدی مناطق شهری، دهاتی و کوچی ها به ترتیب ۵۸.۵، ۵۳.۸ و ۳۷.۱ بوده است (اداره مرکزی احصائیه ۱۳۸۸).

مردم افغانستان هنوز هم فراهم سازی مراکز جدید خدمات صحتی یا بهبود مراکز موجود را یک اولویت جدی می پندارند. در این سروی، از مردان شوراها پرسیده شده است که اولویت اول، دوم و سوم مردم چیست تا دولت افغانستان در رفع آن اقدام نماید. یکی از جوابات ممکن در کتگوری مربوطه "ایجاد/ تقویت مراکز صحتی محلی" رده بندی شده است. در میان تمام ۱۹۲۸ شورا که مصاحبه شده اند، ۱۸۳ (۹.۵ فیصد) شان خاطرنشان ساخته اند که ساخت مراکز صحتی جدید یا تقویت مراکز صحتی موجود اولین اولویت شان می باشد؛ ۳۱۲ (۱۶.۲ فیصد) این امر را اولویت دوم شان و ۲۱۰ شورا (۱۰.۹ فیصد) دیگر ایجاد مراکز جدید صحتی یا تقویت مراکز موجود خدمات صحتی را اولویت مهم سوم شان تذکر داده اند. شوراهای مصاحبه شده می توانستند از ۲۸ اولویت ممکن سه اولویت را انتخاب نمایند. یافته ها نشان می دهد که ۷۰۵ (۳۶.۵ فیصد) شورا داشتن مراکز خدمات صحتی با کیفیت و جامع را به حیث سه اولویت مقدم انکشافی تذکر داده اند (به گزارش اداره مرکزی احصائیه ۱۳۸۸ و اداره مرکزی احصائیه ۱۳۹۳ مراجعه نمایید).

در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، دو سوال در مورد دسترسی به نزدیکترین مرکز صحتی پرسیده شده است. در سوال اول فاصله زمانی جهت رسیدن به نزدیکترین مرکز صحتی به صورت پیاده یا با استفاده از حیوانات در ماه گذشته (سفر یک طرفه) پرسیده شده است و سوال دوم مشابه سوال اول بوده با تفاوت اینکه از موتر منجیث وسیله نقلیه استفاده شده باشد. هردو سوال برای پنج مرکز مختلف خدمات صحتی مطرح شده است:

- پوسته صحتی (خانه کارمند صحتی اجتماعی)
- کلینیک عامه (مرکز ابتدایی یا جامع خدمات صحتی)
- شفاخانه ولسوالی یا ولایتی
- معاینه خانه شخصی داکتر یا شفاخانه خصوصی و
- دواخانه خصوصی

به خاطر ربط دادن پاسخ به کل نفوس، پاسخ های ارایه شده توسط هر شورا به تمام خانوارهایی که در جامعه تحت پوشش شورا قرار دارند و مصاحبه شدند ارتباط داده شد. جدول ۱.۹ نشان دهنده فیصدی نفوس که به مراکز خدمات صحتی در اوقات مشخص زمانی با استفاده از امکانات دست داشته ترانسپورتنی دسترسی حاصل می کنند می باشد. سوالات در مورد شیوه دسترسی با استفاده از رفتن پیاده، استفاده از حیوانات و موتر مقایسه گردید و کوتاه ترین زمان بخاطر محاسبه زمان "به واسطه هر وسیله نقلیه در نظر گرفته شده است.

متاسفانه، در حدود ۲۵ فیصد شوراهای ذکر نتوانستند یک پاسخ را در مورد زمان سفر به نزدیکترین پوسته صحتی ارایه نمایند. بنابراین نتیجه به دست آمده در مورد پوسته های صحتی/ خانه های کارمندان صحتی اجتماعی مدار اعتبار نمی باشد. در حال حاضر، ۹۳.۲ فیصد مردم افغانستان هنوز هم در مناطقی زندگی می کنند که با کلینیک عامه دو ساعت فاصله دارند. همچنان ۴.۵ فیصد مردم در مناطقی سکونت دارند که در حدود فاصله ۶ ساعته یا بیشتر از آن از کلینیک های عامه زندگی می کنند. به خاطر دسترسی به مراقبت های تخصصی بیشتر، یک شخص باید به شفاخانه ولسوالی یا ولایتی مراجعه نماید. ۸۲.۴ فیصد مردم در مناطقی زندگی می کنند که از شفاخانه ولسوالی یا ولایتی کمتر از دو ساعت فاصله دارند و ۸.۲ فیصد مردم از این مراکز حدود ۶ ساعت یا بیشتر فاصله دارند. دواخانه ها در فاصله کمتر از ۲ ساعت قرار دارد تا ۹۴.۸ فیصد مردم به آن برسند.

جدول ۱۰۹: نفوس، به اساس نوع مراکز خدمات صحتی، مدت سفر به مراکز صحتی با استفاده از هر وسیله نقلیه، و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)

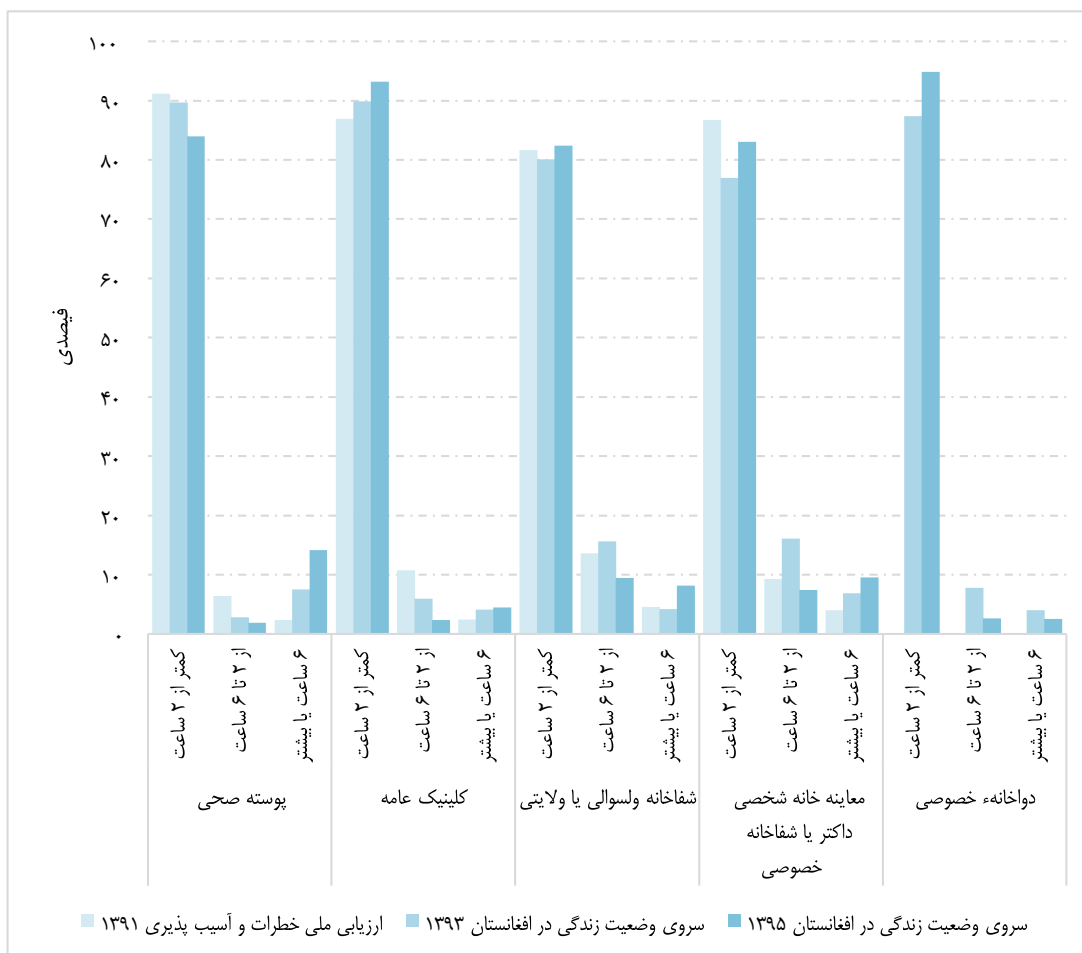
مرکز خدمات صحتی، زمان سفر	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
پوسته صحتی				
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	(۱۰۰.۰)
کمتر از ۲ ساعت	(۱۰۰.۰)	(۸۴.۴)	(۷۵.۵)	(۸۳.۹)
از ۲ تا ۶ ساعت	-	(۲.۱)	-	(۱.۹)
۶ ساعت یا بیشتر (در دسترس نیست)	-	(۱۳.۵)	(۲۴.۵)	(۱۴.۱)
کلینیک عامه				
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
کمتر از ۲ ساعت	۹۵.۸	۹۲.۵	۹۰.۴	۹۳.۲
از ۲ تا ۶ ساعت	۰.۰	۳.۳	-	۲.۳
۶ ساعت یا بیشتر (در دسترس نیست)	۴.۲	۴.۲	۹.۶	۴.۵
شفاخانه ولسوالی یا ولایتی				
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
کمتر از ۲ ساعت	۸۰.۷	۸۲.۶	۸۸.۶	۸۲.۴
از ۲ تا ۶ ساعت	۰.۰	۱۲.۵	۱۰.۶	۹.۴
۶ ساعت یا بیشتر (در دسترس نیست)	۱۹.۲	۴.۹	۰.۸	۸.۲
معاینه خانه شخصی داکتر یا شفاخانه خصوصی				
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
کمتر از ۲ ساعت	۹۹.۲	۷۷.۷	۸۱.۹	۸۳.۱
از ۲ تا ۶ ساعت	۰.۰	۱۰.۰	۶.۷	۷.۴
۶ ساعت یا بیشتر (در دسترس نیست)	۰.۸	۱۲.۴	۱۱.۴	۹.۵
دواخانه خصوصی				
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
کمتر از ۲ ساعت	۹۹.۸	۹۳.۱	۹۵.۴	۹۴.۸
از ۲ تا ۶ ساعت	۰.۰	۳.۸	-	۲.۷
۶ ساعت یا بیشتر (در دسترس نیست)	۰.۱	۳.۲	۴.۶	۲.۵

الف ارقام داخل قوس کمتر مدار اعتبار می باشند، چون این ارقام از متغیرهای که زیاده از ۲۰ فیصد ارقام آن ها موجود نبوده گرفته شده است.

در هر نوع شرایط، به استثنای دسترسی به شفاخانه های ولسوالی و ولایتی، نفوس دهاتی و کوچی بخاطر دسترسی به مراکز خدمات صحتی به زمان بیشتر نیاز دارند. در حدود ۲۰ فیصد نفوس شهری در فاصله بیشتر از ۶ ساعت از شفاخانه های ولسوالی یا ولایتی سکونت دارند که یک امر باور نکردنی است، بخصوص به دلیل اینکه شفاخانه ها معمولاً در مرکز ولسوالی یا ولایت موقعیت دارند. رقم بلند نفوس شهری در فاصله ۶ ساعته از شفاخانه های ولسوالی یا ولایتی به دلیل تراکم نفوس در ولسوالی ها می باشد و طوری که شوراها گزارش داده اند سرک در مسیر شفاخانه ها وجود ندارد. تا حد زیاد در این عرصه معلومات کامل وجود ندارد.

طی سالهای گذشته پیشرفت های قابل ملاحظه در راستای دسترسی قسمت اعظم نفوس به مراکز خدمات صحتی صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۵، سروی صحتی افغانستان دریافت نمود که ۶۰ فیصد نفوس افغانستان به هیچ نوع تسهیلات صحتی (وزارت صحت عامه ۱۳۸۶) دسترسی نداشتند. شکل ۱۰۹ زمان دسترسی به هریک از پنج نوع تسهیلات صحتی را به صورت مقایسوی در سروی ارزیابی خطرات ۱۳۹۱ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ را نشان می دهد. در جریان هر سه سروی یاد شده عین سوالات در مورد دسترسی به تسهیلات صحتی پرسیده شده اند. گراف مربوطه نشان می دهد که در فیصدی نفوسی که در فاصله دو ساعته از مراکز خدمات صحتی قرار دارند تفاوت اندک وجود دارد. این امر نشان می دهد که بیشترین پیشرفت های مهم در قبال بهبود دسترسی به خدمات صحتی در سال ۱۳۹۱ به وجود آمده است. قابل یادآوری است که نتایج به دست آمده در مورد پوسته های صحتی برای سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ به علت رقم بلند عدم پاسخ دهی مصاحبه شوند ها غیر قابل اطمینان می باشد. در مورد چهار نوع تسهیلات دیگر، فیصدی نفوس که در فاصله کمتر از دو ساعت در نزدیک آنها قرار دارند نظر به سروی قبلی وضعیت زندگی در افغانستان اندک بلندتر گزارش شده است.

شکل ۱.۹: نفوس، به تفکیک نوعیت مراکز صحي، مدت سفر به مراکز صحي با استفاده از هرنوع وسیله نقلیه، و به تفکیک سروی (به فیصدی)



مشکل دسترسی به مراکز خدمات صحي تنها محدود به فاصله نمی باشد. توانایی مصارف رفت و آمد خانوارها به مراکز صحي نیز به صورت مساوی دارای اهمیت می باشد. در مورد هر پنج نوع مراکز صحي ذکر شده از شوراهای ذکور در مورد مصارف یکطرفه از محله مسکونی الی مرکز صحي یک سوال پرسیده شده است. اوسط و میانه مصارف یک طرفه به مراکز صحي در جدول ۲.۹ نشان داده شده است.

جدول ۲.۹: اوسط و میانه مصارف یک طرفه به مراکز صحي، به تفکیک محل اقامت، نوع مراکز صحي (به افغانی) الف

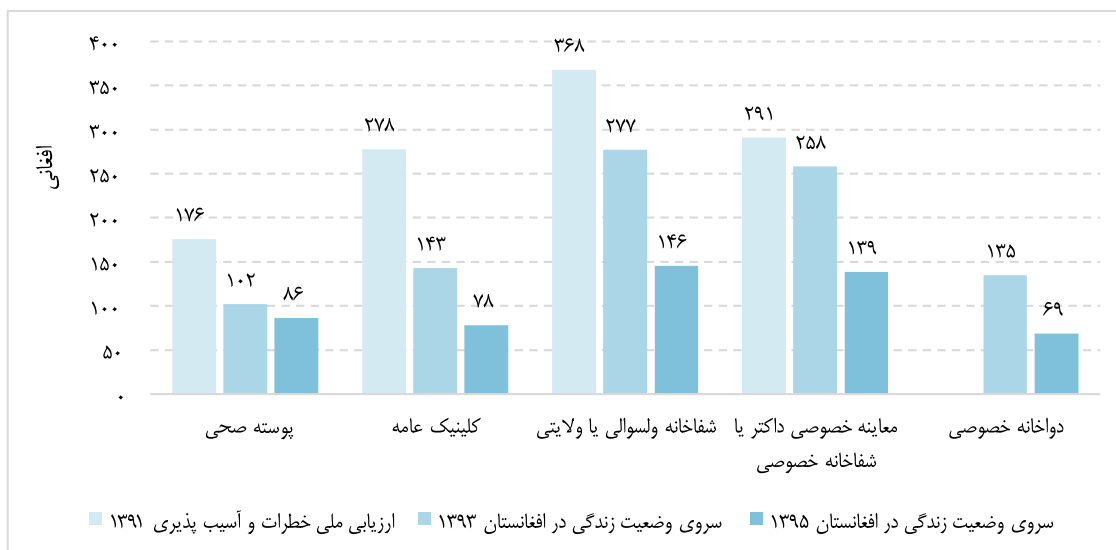
محل اقامت	پوسته صحي	کلینیک عامه	شفاخانه ولسوالی یا ولایتی	معاینه خصوصی داکتر یا شفاخانه خصوصی	دواخانه خصوصی
ملی	اوسط (۸۶.۴)	۷۸.۳	۱۴۵.۶	۱۳۸.۷	۶۹.۰
	میانه (۳۰)	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰
شهری	اوسط (۳۳.۹)	۱۱.۸	۲۰.۰	۱۱.۸	۴.۹
	میانه (۱۰)	۱۰	۱۰	۱۰	۰
دهاتی	اوسط (۸۸.۱)	۱۰۳.۱	۱۸۴.۶	۱۸۸.۱	۹۳.۱
	میانه (۳۰)	۴۰	۶۵	۵۰	۴۰
کوچی	اوسط (۶۵.۶)	۵۲.۶	۱۰۳.۸	۱۱۶.۳	۴۸.۲
	میانه (۲۰)	۲۰	۶۰	۵۰	۲۰

الف ارقام داخل قوس کمتر مدار اعتبار می باشند، چون این ارقام از متغیرهای که زیادت از ۲۰ فیصد ارقام آنها موجود نبودند گرفته شده است.

به صورت عموم مصارف سفر برای رسیدن به شفاخانه ولسوالی یا ولایتی بلند می باشد. بطور اوسط، مصرف حمل و نقل یک شخص به ۱۴۶ افغانی می رسد. میانه مصارف سفر به شفاخانه ولسوالی یا ولایت به ۵۰ افغانی می رسد یعنی نصف مردم ۵۰ افغانی یا بیشتر از آن را جهت رسیدن به شفاخانه مصرف می کنند. مردمی که در مناطق دهاتی سکونت دارند بخاطر حمل و نقل به مراکز صحتی در مقایسه با ساکنین شهری و کوچی مصارف بیشتر را متقبل می شوند. به خاطر رسیدن به کلینیک عامه ساکنین دهاتی به صورت اوسط ۱۰۳ افغانی مصرف می کنند بالمقابل ساکنین مناطق شهری ۱۲ افغانی مصرف می کنند و کوچی ها به صورت اوسط ۵۳ افغانی را جهت رسیدن به کلینیک عامه به مصرف می رسانند.

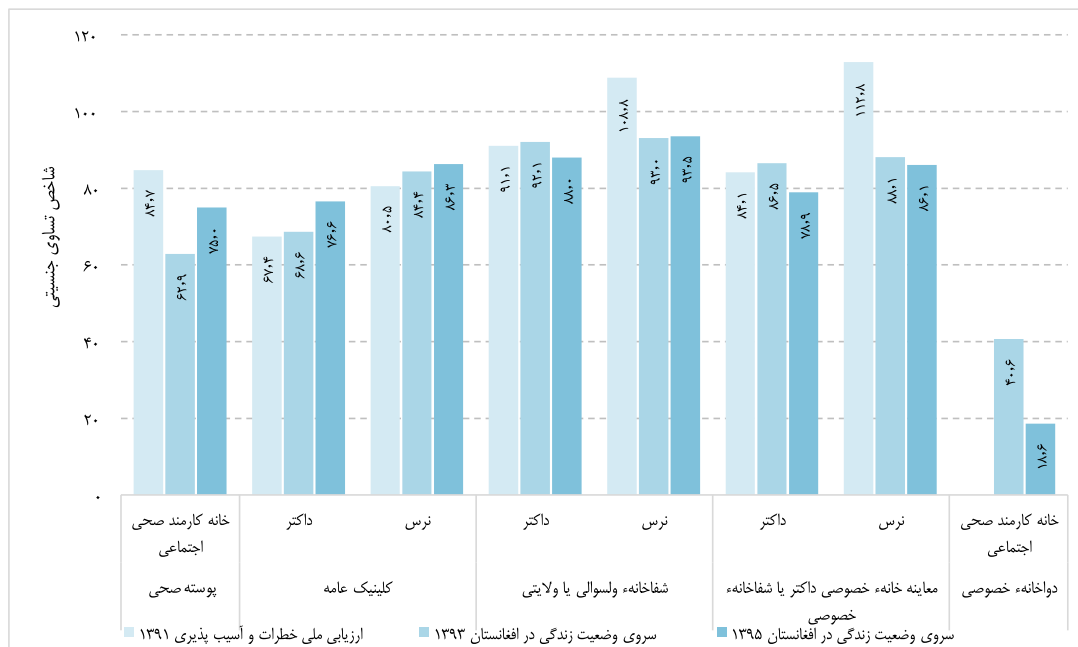
شکل ۲.۹ نشان دهنده اوسط مصارف حمل و نقل مردم به نزدیکترین مرکز صحتی به اساس سروی های مختلف بین سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ می باشد. طی این مدت مصارف دسترسی به خدمات صحتی کاهش یافته است. به طور مثال، در سال ۱۳۹۱ اوسط مصرف سفر یک طرفه به یک شفاخانه ولسوالی یا ولایتی به ۳۶۸ افغانی می رسید، که به اساس سروی سال ۱۳۹۲ به ۲۷۷ افغانی کاهش یافت و طبق یافته های سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ اوسط مصرف یاد شده به ۱۴۶ افغانی رسید. کاهش در مصارف و دسترسی به انواع مختلف خدمات صحتی به صورت یکسان به وجود آمده است. قابل یادآوری است که برای سال ۱۳۹۱ در مورد مصارف سفر به دواخانه ارقام وجود ندارد زیرا این سوال در سروی سروی خطرات و آسیب پذیری در افغانستان در آن زمان شامل نگردیده بود. توضیح اینکه به کدام دلیل مصارف حمل و نقل به صورت قابل ملاحظه کاهش یافته مشکل به نظر می رسد. ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان در زمینه شرح بیشتر نمی دهد، اما علت عمده اینست که با توسعه سیستم صحتی، فاصله ها به نزدیکترین مراکز صحتی کاهش یافته که در نتیجه سبب کاهش مصارف گردیده است.

شکل ۲.۹: اوسط مصارف یک طرفه سفر به مراکز صحتی به تفکیک مراکز صحتی و به تفکیک سروی (به افغانی)



به خاطر رسیدگی مؤثر به مریضان اناث، لازم بود تا تعداد کارمندان مسلکی زن در تمام سطوح سیستم های رجعت دهی افزایش داده شود. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سبب شده تا یک مقایسه در چند سال گذشته صورت بگیرد، طوری که سوالات مشابه در سه سروی گذشته مطرح گردیده است. در سطح هریک از پنج نوع خدمات صحتی حضور کارمندان صحتی (جدول ۳.۹) به تفکیک کارمندان صحتی و شاخص تساوی جنسیت (GPIs) برای کارمندان صحتی محاسبه شده است. شاخص تساوی جنسیتی از تقسیم فیصدی کارمندان اناث بر فیصدی کارمندان ذکور ضربدر ۱۰۰ محاسبه می شود. که نشان دهنده تعداد کارمندان اناث که در یک سطح مشخص خدماتی در برابر هر ۱۰۰ کارمند ذکور کار می کنند، می باشد. شکل ۳.۹ شاخص تساوی جنسیت را برای سه سروی متوالی وضعیت زندگی از سال ۱۳۹۱ نشان می دهد. نتایج به دست آمده یک تصویر مختلط را ارایه می کند. در یک تعداد مراکز خدمات صحتی پیشرفت صورت گرفته است؛ به گونه مثال، در کلینیک های عامه شاخص تساوی جنسیت برای داکتران از ۶۷.۴ در سال ۱۳۹۱ به ۷۶.۶ در سال ۱۳۹۵ می رسد و برای نرسها از ۸۰.۵ به ۸۶.۳ افزایش یافته است. برای سایر تسهیلات صحتی شاخص تساوی جنسیت به صورت قابل ملاحظه کاهش یافته است. شاخص تساوی جنسیت برای نرسها در معاینه خانه های شخصی یا کلینیک های شخصی از ۱۱۲.۸ در سال ۱۳۹۱ به ۸۶.۱ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. عین تغییرات در مورد نرسها در شفاخانه های ولسوالی و ولایتی و بین کارمندان محلی صحتی در پوسته های صحتی به وجود آمده است. مگر یک مورد را که باید در نظر گرفت این است که تفاوت های ذکر شده ممکن است به دلیل تفاوت در نمونه گیری، بعضاً عدم پاسخ دهی به سطح بلند، و جمع آوری ارقام و معلومات به اساس جوابات تخمینی اعضای شورا ها بوده نه به اساس مشاهدات واقعی از مراکز صحتی. فلذا نتایج به دست آمده بیشتر نمایشی می باشد و نیازمند تحقیق و رسیدگی بیشتر می باشند.

شکل ۳.۹: شاخص تساوی جنسیت برای پرسونل صحت، به تفکیک مراکز صحت و نوع وظیفه مسلکی صحت و به تفکیک سروی



جدول ۳.۹: حضور کارمندان صحت به تفکیک مراکز صحت، نوع کارمندان و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)

مراکز صحت، نوع کارمندان	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
پوسته صحت				
خانه کارمند صحت اجتماعی زن	۸۵.۸	۴۹.۰	۴۳.۹	۴۸.۹
خانه کارمند صحت اجتماعی مرد	۹۴.۹	۶۵.۴	۶۰.۴	۶۵.۲
کلینیک عامه				
داکتر زن	۹۲.۴	۵۳.۸	۶۵.۵	۶۳.۷
نرس زن	۸۸.۹	۶۳.۶	۶۷.۲	۶۹.۹
قابل زن	۷۷.۴	۸۰.۳	۷۵.۱	۷۹.۴
داکتر مرد	۸۵.۸	۸۲.۳	۸۴.۲	۸۳.۲
نرس مرد	۷۱.۹	۸۴.۱	۸۰.۰	۸۱.۰
شفافخانه ولسوالی یا ولایتی				
داکتر زن	۷۹.۹	۸۰.۷	۹۰.۴	۸۱.۰
نرس زن	۸۰.۲	۸۴.۷	۹۰.۰	۸۳.۹
قابل زن	۷۹.۸	۹۲.۹	۹۳.۱	۸۹.۷
داکتر مرد	۸۱.۰	۹۵.۵	۹۷.۹	۹۲.۱
نرس مرد	۷۸.۵	۹۳.۴	۹۱.۳	۸۹.۷
شفافخانه ولسوالی یا ولایتی				
داکتر زن	۹۶.۰	۶۱.۲	۷۰.۷	۷۰.۰
نرس زن	۹۳.۳	۶۱.۸	۶۷.۸	۶۹.۷
قابل زن	۹۲.۸	۶۸.۳	۷۰.۴	۷۴.۴
داکتر مرد	۹۸.۴	۸۵.۵	۸۹.۲	۸۸.۸
نرس مرد	۸۹.۶	۷۸.۵	۷۵.۰	۸۱.۰
دواخانه خصوصی				
خانه کارمند صحت اجتماعی زن	۲۵.۰	۱۵.۱	۸.۹	۱۷.۲
خانه کارمند صحت اجتماعی مرد	۹۸.۷	۹۰.۵	۹۰.۹	۹۲.۵

۳.۹: استفاده از خدمات صحي

۱.۳.۹: مراقبت داخل بستر

طبق یافته های سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، از جمله ۳.۸ میلیون خانوار، ۸۴۳ هزار خانوار یک عضو شان در جریان ۱۲ ماه قبل از سروی در شفاخانه بستری گردیده است. این رقم ۲۲.۳ فیصد تمام خانوارها را تشکیل می دهد. رقم تخمینی تعداد مراجعینی که در شفاخانه بستری گردیده اند به ۹۵۴ هزار نفر می رسد که ۳.۳ فیصد تمام نفوس کشور را تشکیل می دهد. فیصدی افرادی که در شفاخانه بستری شده اند در هر سه نوع محل اقامت (شهری، دهاتی و کوچی) تقریباً مشابه است: کوچی (۳.۷ فیصد)، دهاتی (۳.۱ فیصد) و شهری (۳.۷ فیصد) می باشد. در جریان ۱۲ ماه قبل از سروی زنان بیشتر از مردان در شفاخانه بستری شده اند: ۳۷۷ هزار مرد در برابر ۵۷۷ هزار زن. این معلومات نشان می دهد که در هر ۱۰۰ مورد واقعات بستری شدن مریضان ۶۰.۵ فیصد آنها را زنان تشکیل می دهد.

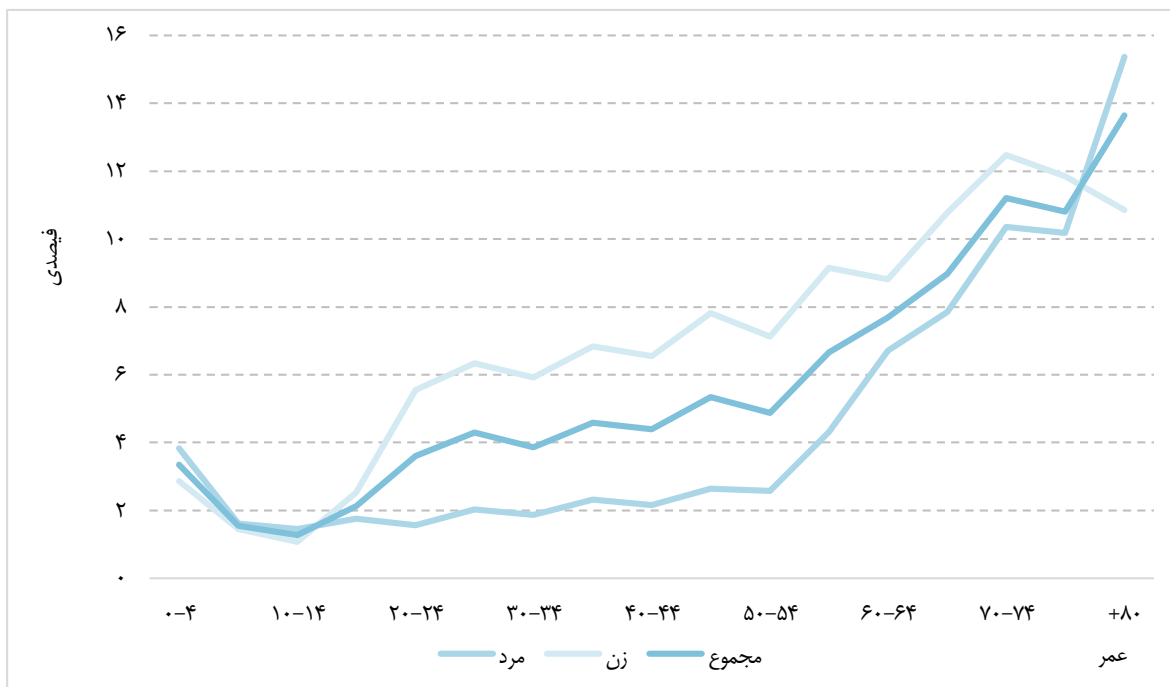
یک تعداد افراد در جریان ۱۲ ماه قبل از انجام سروی بیشتر از یک بار در شفاخانه بستری گردیده اند. جدول ۴.۹ تعداد مریضان داخل بستر را به تفکیک جنسیت نشان می دهد. طی این مدت در بین تمام افراد بستر شده، ۷۸.۴ تن یک بار، ۱۴.۰ تن دو بار بستر شده اند ۲ فیصد از افراد تا ۵ مرتبه یا بیشتر از آن بستری گردیده اند. بستری شدن مردان و زنان کم و بیش یک الگوی مشابه را نشان می دهد. به صورت اوسط، مردان و زنان که حد اقل یک بار جویای خدمات صحي داخل بستر شده اند در یک شفاخانه در حدود ۱.۴ مرتبه بستری شده اند.

جدول ۴.۹: تعداد دفعات که اشخاص در شفاخانه بستری گردیده اند، به تفکیک جنسیت (به فیصدی)

دفعات داخل بستر شدن در شفاخانه	ذکور	اناث	مجموع
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
۱	۷۸.۳	۷۸.۵	۷۸.۴
۲	۱۴.۸	۱۳.۵	۱۴.۰
۳	۴.۲	۴.۸	۴.۵
۴	۰.۷	۱.۳	۱.۱
۵+	۲.۰	۲.۰	۲.۰

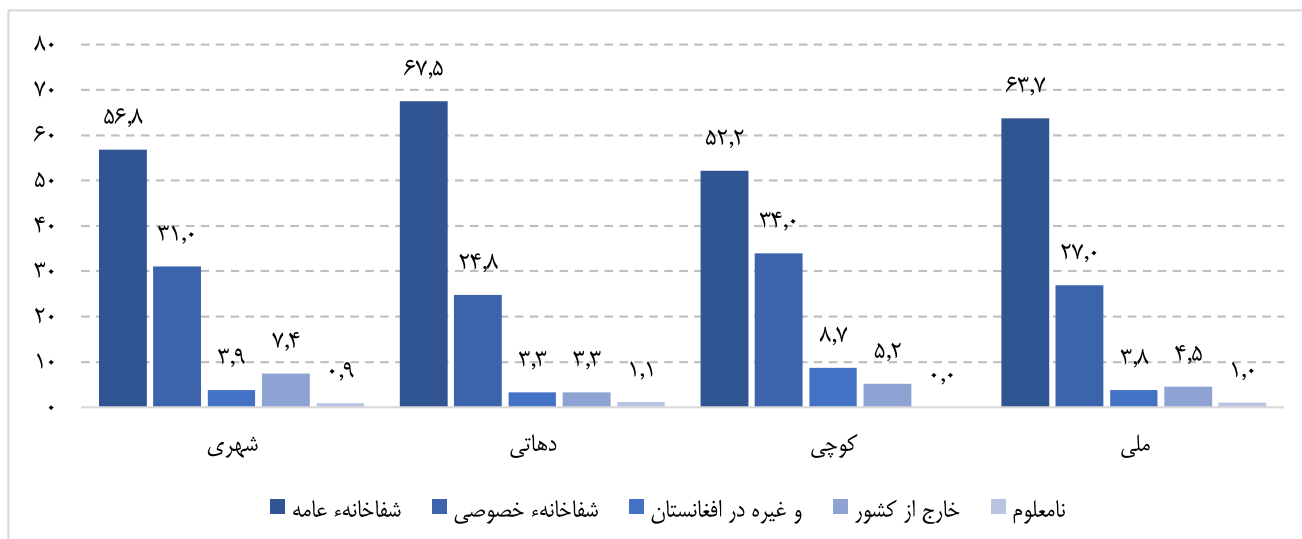
فیصدی نفوس که در شفاخانه ها بستری گردیده اند وابسته به سن و جنس می باشد. شکل ۴.۹ نشان می دهد که فیصدی بستری شدن اطفال بین سنین صفر تا ۴ سال (۳.۴ فیصد) نسبتاً بیشتر از اطفال بین سنین ۵ تا ۹ سال (۱.۵ فیصد) و اطفال بین سنین ۱۰ تا ۱۴ سال (۱.۳ فیصد) است. فیصدی مردان داخل بستر بین ۵ الی ۵۴ اندک افزایش یافته که عمدتاً در حدود ۲ فیصد می باشد. در قسمت زنان، یک افزایش سریع در میزان بسترس شدن بین سنین ۱۵-۲۹ دیده می شود. ۱.۱ فیصد از زنان ۱۰ تا ۱۴ سال در شفاخانه بستری شده اند در مقابل ۶.۳ از زنان ۲۵ تا ۲۹ سال در شفاخانه بستری بوده اند. اکثر موارد بسترس شدن زنان مربوط به حاملگی یا ولادت می باشد. بعد از سن ۳۰ سالگی، میزان موارد مشخص بستری شدن بین زنان افزایش می یابد. ۹.۸ فیصد زنان بین ۶۵ تا ۶۹ سال حداقل یک بار بستری شده اند. با پیشرفت سن، میزان بستری شدن مردان نیز افزایش می یابد اما این افزایش معمولاً بعد از سن ۵۰ سالگی دیده شده که نظریه میزان بستری شدن زنان بسیار پایین می باشد. در بین گروه مسن تر (۸۰+) میزان بستری شدن به شکل سریع در مردان نظریه زنان بلند می رود (۱۵.۴) در برابر ۱۰.۸ فیصد). دلیل اینکه دقیقاً به کدام علت سبب سیر معکوس می شود هنوز واضح نشده است. روال ذکر شده فوق با موارد ذکر شده در گزارش ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ مشابه بوده که شامل میزان بلند بستری شدن مردان بالاتر از سن ۸۰ سال می باشد.

شکل ۴.۹: فیصدی افراد بستری در شفاخان در سال قبل از سروی به تفکیک گروپ سنی پنج سال و به تفکیک جنسیت



شفاخانه های عامه به اکثریت مریضان رسیدگی می نمایند؛ از جمله تمام کسانی که در افغانستان بستر میگردند ۶۳.۷ فیصد آنها در شفاخانه عامه بستری می شوند. ۲۷.۰ فیصد مریضان بستری به شفاخانه های خصوصی غرض دسترسی به مراقبت صحتی مراجعه می نمایند، ۱.۶ فیصد به شفاخانه های دیگر مراجعه می کنند و ۲.۱ فیصد مریضان در شفاخانه های نظامی بستری می شوند. در حدود ۴.۵ فیصد مریضان در خارج از کشور معالجه می گردند. تحلیل انجام شده نشان می دهد که از لحاظ استفاده انواع مختلف شفاخانه ها تفاوت زیاد بین هر دو جنس دیده نمی شود. شکل ۵.۹ نشان می دهد که بین مریضان بستری که مربوط به مناطق شهری، دهاتی ویا کوچی هستند بعضی تفاوت ها وجود دارد. در مناطق دهاتی، ۶۷.۵ فیصد تمام مردم به شفاخانه های عامه مراجعه می کنند این رقم در بین نفوس کوچی ۵۲.۲ فیصد و بین مریضان بستری شهری ۶۷.۵ فیصد می باشد. تا حدی نفوس کوچی به یک فیصدی بلندتر به شفاخانه های خصوصی غرض معالجه مراجعه می نمایند: ۳۴.۰ فیصد در برابر ۲۴.۸ فیصد در مناطق دهاتی و ۳۱.۰ فیصد در مناطق شهری. افراد که در مناطق شهری سکونت دارند بیشتر غرض معالجه به شفاخانه های بیرون از کشور مراجعه می نمایند (۷.۴ فیصد).

شکل ۵.۹: مراجعه مریضان بستری به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع شفاخانه (به فیصدی)



سروی وضعیت زندگی در افغانستان در مورد امراضی که جهت مداوی آنها مردم به شفاخانه مراجعه می کنند جمع آوری نموده است. این سروی معلومات را در مورد مشکلات بسیار جدی صحتی که بخاطر معالجه آن بستری شدن ضروری می باشد، فراهم می نماید. یک سلسله پاسخ های ممکنه به پاسخ دهنده گان ارایه گردیده است. برای مردان؛ امراض دیگر؛ کتگوری عمده را تشکیل می دهد (۲۹.۶ فیصد). انتانات امعایی و اسهالات (۱۳.۵ فیصد) و انتانات حاد تنفسی (۷.۷ فیصد) علت عمده بستری شدن مردان را تشکیل میدهد. برای زنان تقریباً یک چهارم (۲۴.۳ فیصد) علت بستری شدن مربوط به حاملگی، ولادت و اختلالات بعد از ولادت پنداشته می شود (جدول ۵.۹). همچنان کتگوری؛ امراض دیگر؛ نزد زنان بسیار بزرگ (۱۸.۳ فیصد) می باشد. انتانات امعایی / اسهالات (۹.۷ فیصد) و انتانات حاد تنفسی نزد زنان به صورت مکرر واقع گردیده (۵.۸ فیصد) است. میزان این فیصدی ها نزد زنان نظر به مردان کوچکتر بوده اما باید مورد توجه قرار گیرد که فیصدی این امراض به علت فیصدی بلند بستری شدن زنان به سبب حاملگی و ولادت ها پایین می آید. در حقیقت، تعداد زیاد زنان نظر به مردان به خاطر انتانات تنفسی و امعایی / اسهالات بستری می گردند. در جریان سال قبل از سروی ۳۳.۶ هزار زن در برابر ۲۹.۱ هزار مرد به علت ابتلا به انتانات تنفسی بستری گردیده اند. برعلاوه، ۵۶.۲ هزار زن در برابر ۵۰.۹ هزار مرد به علت انتانات امعایی / اسهالات بستری گردیده اند. جالب توجه است که تعداد مردان بستری شده بخاطر جراحات، مسمومیت و سایر عوامل بیرونی در مقایسه با زنان نهایت بلند گزارش گردیده است: ۲۹.۵ هزار مرد در برابر ۱۷.۲ هزار زن، به حساب فیصدی ۷.۸ و ۳.۰ فیصد.

جدول ۵.۹: مراجعه مریضان بستری به شفاخانه به تفکیک امراض قابل معالجه و به تفکیک جنسیت (به فیصدی)

نوع مرض	مرد	زن	مجموع
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
انتان حاد تنفسی	۷.۷	۵.۸	۶.۶
استما	۴.۵	۴.۸	۴.۷
دیابت	۲.۴	۲.۷	۲.۶
امراض سیستم هضمی	۶.۸	۶.۲	۶.۵
امراض طرق بولی تناسلی	۴.۵	۲.۸	۳.۵
امراض قلب	۵.۹	۵.۰	۵.۴
امراض فشار خون	۴.۷	۵.۸	۵.۳
جراحات، مسمومیت و سایر عوامل بیرونی	۷.۸	۳.۰	۴.۹
امراض انتانی امعایی، اسهالات	۱۳.۵	۹.۷	۱۱.۲
ملاریا	۳.۸	۲.۶	۳.۱
امراض عقلی / عصبی	۳.۴	۳.۷	۳.۵
نیوپلازم (تومور)، اندوکراین، امراض تغذی و میتابولیک	۱.۶	۲.۰	۱.۹
تغذی	۱.۱	۰.۵	۰.۷
توبرکلوز	۲.۷	۲.۸	۲.۷
حاملگی، ولادت و اختلالات بعد از ولادت	۰.۰	۲۴.۳	۱۵.۰
سایر امراض	۲۹.۶	۱۸.۳	۲۲.۴

در جدول (۶.۹) امراض مشخص در مناطق شهری و دهاتی به اساس تعداد دفعات بستری شدن به تفکیک محل اقامت نشان داده شده است. بستری شدن بخاطر انتانات امعایی و اسهالات در مناطق دهاتی (۱۲.۸ فیصد) و بین مردم کوچی (۱۲.۰ فیصد) در مقایسه با ساکنین شهری (۷.۲ فیصد) بسیار معمول می باشد. از جانب دیگر، جراحات ها و واقعات مسمومیت ها در مناطق شهری علت عمده بستری شدن را تشکیل می دهد: ۷.۲ فیصد در برابر ۳.۹ فیصد؛ که بیشتر به شدت ترافیک در مناطق شهری مرتبط می باشد. ملاریا بیشتر در بین کوچی ها شیوع داشته و علت عمده بستری شدن (۵.۵ فیصد) را نزد آنها تشکیل می دهد که در مناطق دهاتی (۳.۷ فیصد) در مقایسه با مناطق شهری (۰.۹ فیصد) می باشد.

جدول ۶.۹: مراجعه مریضان بستری به شفاخانه به تفکیک دلیل بستری شدن و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)

نوع مرض	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
انتان حاد تنفسی	۷.۲	۶.۶	۳.۶	۶.۶
استما	۳.۲	۵.۴	۳.۲	۴.۷
دیابت	۲.۴	۲.۷	۲.۶	۲.۶
امراض سیستم هضمی	۷.۴	۵.۸	۹.۵	۶.۵
امراض طرق بولی تناسلی	۲.۶	۴.۰	۲.۲	۳.۵
امراض قلب	۵.۵	۵.۳	۴.۹	۵.۴
امراض فشار خون	۴.۶	۵.۷	۴.۵	۵.۳
جروحات، مسمومیت و سایر عوامل بیرونی	۷.۲	۳.۹	۶.۲	۴.۹
امراض انتانی امعایی، اسهالات	۷.۲	۱۲.۸	۱۲.۰	۱۱.۲
ملاریا	۰.۹	۳.۷	۵.۵	۳.۱
امراض عقلی / عصبی	۵.۳	۲.۸	۳.۶	۳.۵
نیوپلازم (تومور)، اندوکراین، امراض تغذی و میتابولیک	۲.۶	۱.۶	۱.۲	۱.۹
تغذی	۰.۱	۰.۸	۱.۹	۰.۷
حاملگی، ولادت و اختلاطات بعد از ولادت	۱۴.۹	۱۵.۳	۱۲.۴	۱۵.۰
توبرکلوز	۲.۰	۲.۸	۵.۳	۲.۷
امراض دیگر	۲۶.۹	۲۰.۸	۲۱.۵	۲۲.۴

۲.۳.۹: مراقبت خارج بستر(سراپا)

از جمله تمام خانوار ها، ۴۹.۲ فیصد حد اقل یک عضو خانواده شان بخاطر مشوره با عرضه کننده خدمات صحی یا دواخانه یا طبیبان عنعنوی بدون اینکه در جریان شب بستری شوند، مراجعه نموده اند. این رقم در حدود ۱.۹ میلیون خانوار در کشور را تشکیل می دهد. تخمیناً در حدود ۲.۵ میلیون افراد به مراکز خدمات صحی بحیث مریضان خارج بستر مراجعه نموده اند که ۸.۷ فیصد تمام نفوس محسوب می شوند. زنان نسبت به مردان زیادتیر نزد عرضه کننده های خدمات صحی مراجعه نموده اند: ۱.۵ میلیون زن در برابر ۱.۰ میلیون مرد. به عبارت دیگر، ۵۹.۸ فیصد تمام مریضان خارج بستر یا غیر بستری زنان و ۴۰.۲ فیصد آن مردان می باشد. از جمله تمام زنان، ۹.۶ فیصد شان طی یک سال قبل از سروی به مراکز صحی مراجعه کرده اند که این رقم در بین مردان به ۶.۹ فیصد می رسد. افراد که در مناطق شهری سکونت دارند با یک فیصدی (۱۱.۱ فیصد) نسبتاً بیشتر در مقایسه با افراد مناطق دهاتی (۷.۸ فیصد) و نفوس کوچی (۲.۹ فیصد) برای تداوی خارج بستر مراجعه کرده اند.

سیر امراض که بخاطر تداوی آنها مریضان خارج بستر مراجعه نموده اند بسیار مشابه امراض است که مریضان آن جهت دریافت مراقبت صحی بستری شده اند. فیصدی انتانات حاد تنفسی (۱۳.۰ فیصد تمام واقعات) تمام امراض انتانی امعایی و اسهالات (۱۵.۷ فیصد تمام واقعات) بسیار بلند می باشد. کنگوری امراض دیگر بیشتر از یک چهارم تمام واقعات را تشکیل می دهند (۲۷.۲ فیصد) (جدول ۷.۹). رقم بزرگ مراجعت ها را در مناطق دهاتی و میان نفوس کوچی (۱۸.۵ و ۱۶.۶ فیصد) در مقایسه با مناطق شهری (۹.۷ فیصد) واقعات انتانات امعایی تشکیل می دهد. (جدول ۹.۸). همچنان، امراض سیستم هضمی در مناطق دهاتی و میان نفوس کوچی در مقایسه با مناطق شهری به تداوی بیشتر نیاز دارد. از جانب دیگر، انتانات حاد تنفسی (۱۶.۸ فیصد تمام واقعات) در مناطق شهری در مقایسه با مناطق دهاتی (۱۱.۸ فیصد) و نفوس کوچی (۷.۶ فیصد) به توجه و کمک بیشتر نیاز دارند. ملاریا در مناطق دهاتی و بین نفوس کوچی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر تداوی می شود که این امر نشان دهنده حقیقت شیوع بیشتر مرض در این مناطق می باشد.

جدول ۷.۹: مریضان غیر بستری، به تفکیک امراض که جهت تداوی آن مراجعه نموده اند و به تفکیک جنسیت (به فیصدی)

نوع مرض	مرد	زن	مجموع
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
انتان حاد تنفسی	۱۶.۰	۱۱.۱	۱۳.۰
استما	۳.۹	۴.۰	۴.۰
دیابت	۱.۸	۱.۸	۱.۸
امراض سیستم هضمی	۵.۹	۶.۹	۶.۵
امراض طرق بولی تناسلی	۱.۷	۱.۵	۱.۶
امراض قلب	۲.۴	۳.۰	۲.۷
امراض فشار خون	۴.۲	۷.۰	۵.۹
جروحات، مسمومیت و سایر عوامل بیرونی	۴.۳	۳.۳	۳.۷
امراض انتانی امعایی، اسهالات	۱۷.۴	۱۴.۶	۱۵.۷
ملاریا	۵.۴	۳.۶	۴.۳
امراض عقلی / عصبی	۳.۱	۳.۵	۳.۳
نیوپلازم (تومور)، اندوکراین، امراض تغذی و میتابولیک	۱.۲	۱.۳	۱.۲
تغذی	۱.۵	۱.۱	۱.۳
حاملگی، ولادت و اختلاطات بعد از ولادت	۲۹.۹	۲۵.۴	۲۷.۲
توبرکلوز	۰.۲	۱۰.۵	۶.۳
امراض دیگر	۱.۳	۱.۴	۱.۳

جدول ۸.۹: مریضان غیر بستری، به تفکیک امراض که جهت تداوی آن مراجعه نموده اند و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)

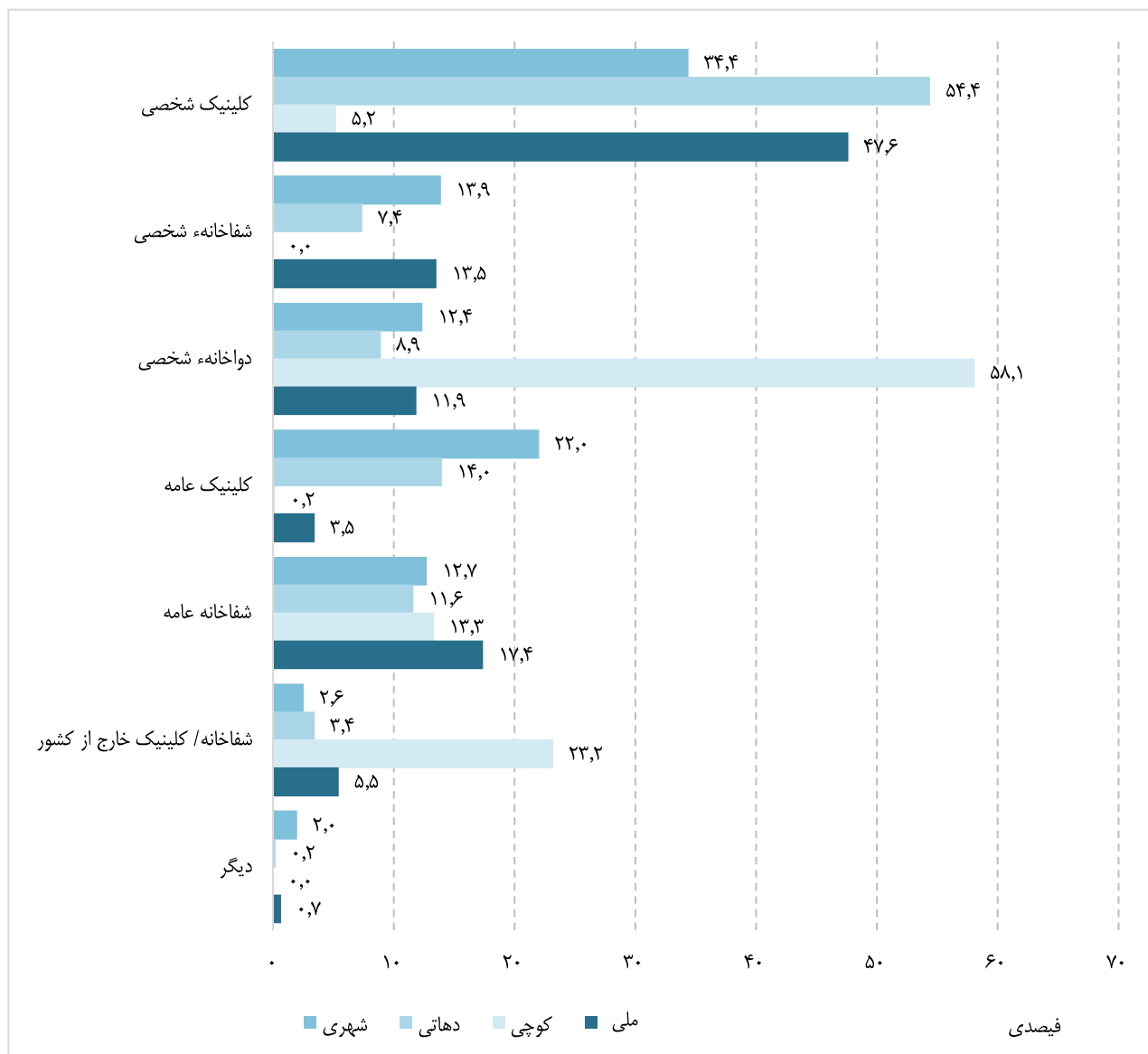
نوع مرض	کوچی	دهاتی	شهری	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
انتان حاد تنفسی	۱۶.۸	۱۱.۸	۷.۶	۱۳.۰
استما	۲.۵	۴.۶	۴.۸	۴.۰
دیابت	۲.۴	۱.۶	۱.۳	۱.۸
امراض سیستم هضمی	۵.۵	۶.۶	۱۱.۶	۶.۵
امراض طرق بولی تناسلی	۱.۵	۱.۸	۰.۹	۱.۶
امراض قلب	۲.۷	۲.۸	۲.۰	۲.۷
امراض فشار خون	۵.۸	۵.۸	۶.۶	۵.۹
جروحات، مسمومیت و سایر عوامل بیرونی	۷.۱	۲.۱	۲.۹	۳.۷
امراض انتانی امعایی، اسهالات	۹.۷	۱۸.۵	۱۶.۶	۱۵.۷
ملاریا	۱.۴	۵.۶	۵.۱	۴.۳
امراض عقلی / عصبی	۳.۲	۳.۴	۲.۷	۳.۳
نیوپلازم (تومور)، اندوکراین، امراض تغذی و میتابولیک	۰.۹	۱.۲	۲.۴	۱.۲
تغذی	۰.۶	۱.۵	۲.۴	۱.۳
حاملگی، ولادت و اختلاطات بعد از ولادت	۶.۹	۶.۱	۶.۵	۶.۳
توبرکلوز	۰.۶	۱.۶	۲.۱	۱.۳
امراض دیگر	۳۲.۵	۲۴.۹	۲۴.۵	۲۷.۲

در بخش چگونگی مراجعه مریضان خارج بستر و مراقبت های صحی بین نفوس مناطق دهاتی، شهری و کوچی تفاوت قابل ملاحظه وجود دارد. مراقبت خارج بستر در مناطق شهری عمدتاً در کلینیک های شخصی (۳۴.۴ فیصد تمام واقعات) جستجو می گردد (شکل ۶.۹). در مناطق دهاتی مردم حتی بیشتر از مناطق شهری به کلینیک های شخصی مراجعه می نمایند (۵۴.۴ فیصد).

حال آنکه دسترسی به کلینیک های شخصی برای مردم کوچی بخاطر تداوی مریضان خارج بستر بسیار محدود می باشد (۵.۲ فیصد). مریضان کوچی اکثر اوقات به دواخانه های شخصی جهت تداوی خارج بستر میروند (۵۸.۱ فیصد) و یا به شفاخانه های عامه (۱۳.۳ فیصد) مراجعه می نمایند. و جالب است که یک تعداد مریضان کوچی (۲۳.۲ فیصد) بخاطر دسترسی به مراقبت های صحی به شفاخانه ها یا کلینیک های خارج از کشور مراجعه می کنند.

در قسمت نوع خدمات مریضان خارج بستر تفاوت زیاد بین مردان و زنان وجود ندارد. یگانه تفاوت این است که مردان نسبت به زنان بیشتر از دواخانه های شخصی (۱۴.۲ فیصد در برابر ۱۰.۶ فیصد برای زنان) استفاده می کنند و زنان کماکان به کلینیک های شخصی (۴۱.۱ فیصد در برابر ۳۷.۳ فیصد برای مردان) مراجعه می کنند.

شکل ۶.۹: مراجعه مریضان غیر بستری، به تفکیک مراکز صحی و محل اقامت (به فیصدی)



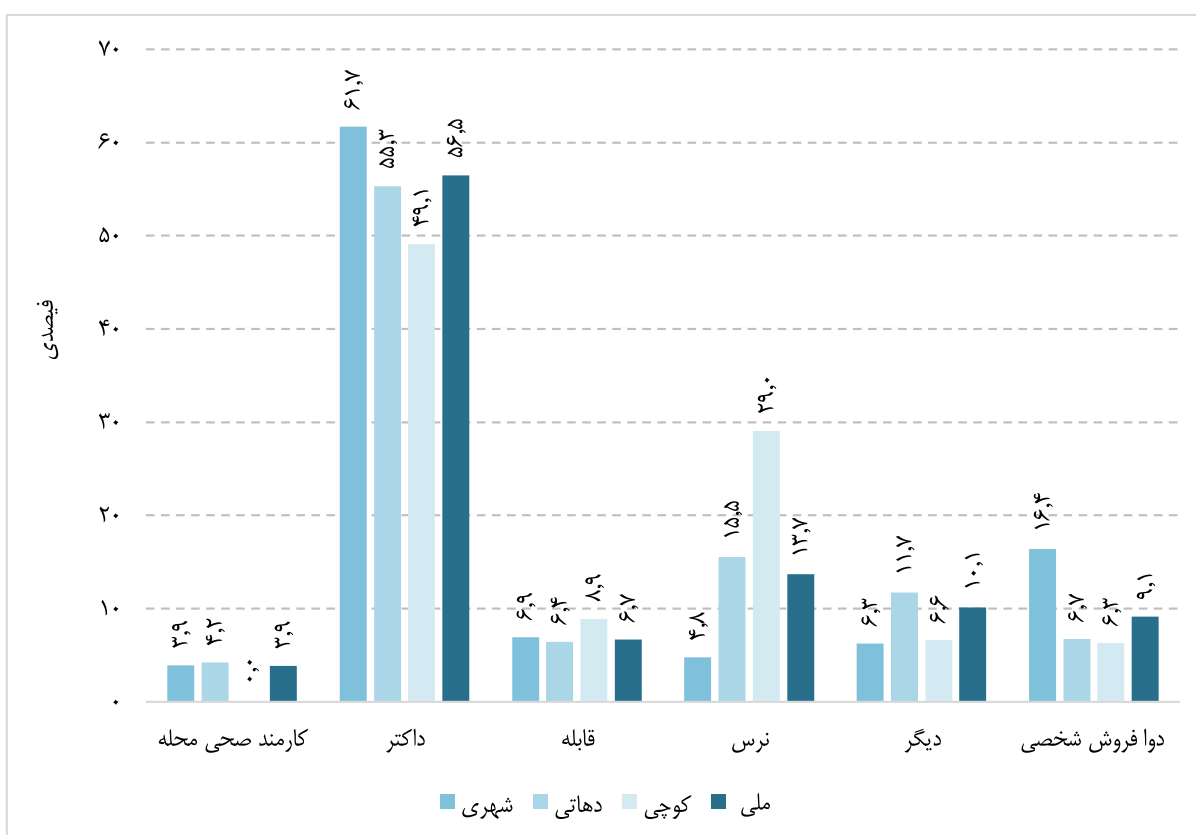
۳.۳.۹: ادویه جات

از تمام اشخاص و افرادی که از خدمات تداوی خارج بستر استفاده نموده اند پرسیده شده که آیا کدام نوع ادویه را نیز دریافت نموده اند. از جمله ۲.۵ میلیون مراجعین که مراقبت های خارج بستر به دست آورده اند، ۵۲۷ هزار نفر ادویه را نیز به دست آورده اند که ۲۱.۳ فیصد تمام مریضان را تشکیل می دهد. فیصدی مردان (۲۲.۵ فیصد) در مقایسه با زنان (۲۰.۶ فیصد) اندک بیشتر می باشد. این فیصدی با در نظر داشت نوع مرض که مریضان تداوی آن را جستجو نموده اند بسیار پایین می باشد. مرضی که بیشترین فیصدی دریافت ادویه بخاطر تداوی را تشکیل می دهد مالاریا می باشد که ۵۶.۶ فیصد مریضان خارج بستر ادویه دریافت کرده اند و متعاقب آن توبرکلوز در قدمه بعدی قرار دارد که ۳۱.۵ فیصد مریضان را تشکیل می دهند. تنها ۹.۴ فیصد پاسخ دهنده گان خاطرنشان نموده اند

که آنها بخاطر تداوی انتانات حاد تنفسی ادویه گرفته اند و ۱۷.۷ فیصد مریضان مبتلا به انتانات امعایی و اسهالات برای شان ادویه تجویز شده است. دلیل اینکه فیصدی در زمینه پایین می باشد واضح نگردیده است. ممکن پاسخ دهنده گان تنها از مواردی نام برده باشند که در بدل ادویه پول پرداخت نموده اند. از جمله پاسخ دهنده گان تنها ۱.۸ فیصد خاطر نشان نموده اند که بخاطر ادویه پول پرداخت نکرده اند و قابل ذکر است که یک مقدار بزرگ ادویه جات در کشور سبسایدی می گردد. پروفایل وابسته به داروسازی افغانستان (وزارت صحت عامه و سازمان صحتی جهان ۱۳۹۰) خاطر نشان ساخته که برای یک گروه مشخص مردم ادویه به شکل مجانی فراهم می گردد. این گروه ها شامل افرادی هستند که توانایی پرداخت پول را ندارند، و همچنان اطفال کمتر از پنج سال، زنان حامله و افراد مسن می باشند. سیستم صحت عامه همچنان در شرایط ذیل برای مریضان ادویه مجانی فراهم می کند: تمام امراض که شامل لست ادویه ضروری می باشند، انواع امراض غیرساری، ملاریا، توبرکلوز، امراض مقاربتی جنسی، ایدز/ اچ آی وی و واکسین اطفالی که شامل برنامه معافیت می باشد.

در میان ساکنین مناطق شهری و دهاتی و کوچی در قسمت اینکه ادویه برای مریضان غیربستری توسط کی توصیه شده بعضی تفاوت ها وجود دارد (شکل ۷.۹). در مناطق شهری، برای ۶۱.۷ فیصد مریضان داکتران ادویه تجویز می کنند حال آنکه این فیصدی در مناطق دهاتی ۵۵.۳ فیصد و بین نفوس کوچی ۴۹.۱ فیصد می باشد. ۲۹.۰ فیصد نفوس کوچی اکثر اوقات از نرسها ادویه دریافت می کنند که در مقایسه با مریضان شهری و دهاتی تفاوت قابل توجه را نشان می دهد (به ترتیب ۴.۸ فیصد و ۱۵.۵ فیصد). این امر نشان می دهد که برای مریضان کوچی نظربه مردم شهری و دهاتی دسترسی به تداوی تخصصی بسیار مشکل می باشد. در قسمت چگونگی توصیه ادویه برای مریضان بین زنان و مردان تفاوت زیاد مشاهده نگردیده است و هر دو جنس در قسمت توزیع به اساس مجموع نفوس نزدیک می باشند طوری که در شکل ۹.۷ نشان داده شده است.

شکل ۷.۹: توصیه ادویه برای مریضان غیربستری، به تفکیک شخص توصیه کننده ادویه و محل اقامت (به فیصدی)



قسمی که گزارش شده در حدود دو سوم تمام ادویه جات از طریق دواخانه های شخصی به مریضان توزیع گردیده است (جدول ۹.۹ دیده شود). قابل یادآوریست و طوری که پاسخ دهنده گان گفته اند، در شفاخانه های عامه ادویه به مریضان توزیع نگردیده حال آنکه معالجه ۱۷.۴ فیصد تمام مریضان غیربستری در شفاخانه های عامه صورت می گیرد (شکل ۶.۹ دیده شود). بنا" این ممکن نیست که در شفاخانه های عامه ادویه به مریضان توزیع نگردد.

معلومات ذکر شده این باور را تقویه می کند، که در اکثر حالات تنها ادویه بی را که در بدل پول دریافت کرده اند را پور داده اند (قسمی که پاسخ دهنده گان در جریان مصاحبه اذعان نموده اند). کلینیک های شخصی و عامه و محلات دیگر هر کدام ۷ الی ۸ فیصد مکان های را تشکیل می دهند که از آنها ادویه به دست می آید. در مناطق شهری، ۸۴ فیصد افراد ادویه خویش را از دواخانه های شخصی به دست میاورند. این رقم نسبت به مناطق دهاتی (۶۰.۴ فیصد) و نفوس کوچی (۶۱ فیصد) بسیار بلند می باشد.

جدول ۹.۹: ادویه جات که مریضان غیربستری به دست آورده اند، به تفکیک محلات که ادویه عرضه می کنند و محل اقامت (به فیصدی)

مراکز خدمات صحتی	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
شفاخانه عامه	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰
کلینیک عامه	۳.۹	۸.۷	۱.۰	۷.۰
کلینیک شخصی	۳.۰	۹.۸	۱.۴	۷.۵
شفاخانه شخصی	۲.۳	۵.۱	۸.۷	۴.۶
دواخانه شخصی	۸۴.۰	۶۰.۴	۶۱.۰	۶۶.۴
دیگر	۳.۱	۱۱.۵	۱۲.۵	۹.۴
گزار داده نشده است	۳.۷	۴.۶	۱۵.۵	۵.۰

۴.۹: صحت مادر و طفل

۱.۴.۹.۱: مراقبت قبل از ولادت

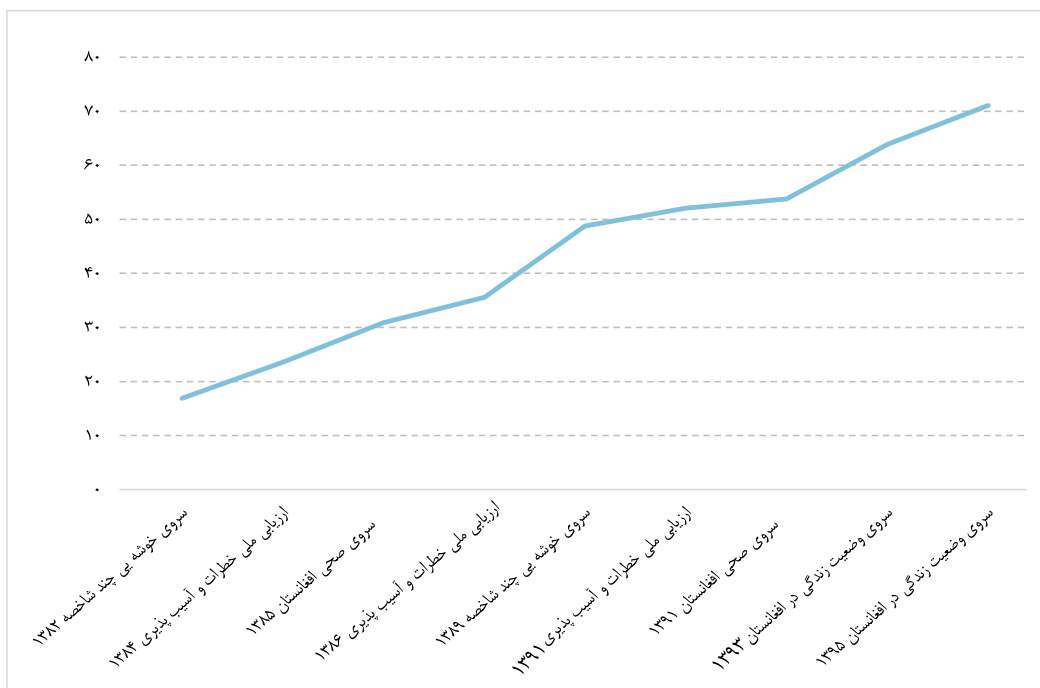
دفعات مراجعه برای مراقبت های قبل از ولادت :

طبق سفارشات سازمان صحتی جهان، مراقبت به وقت و با کیفیت قبل از ولادت در کاهش سطوح بلند مرگ و میر نوزادان و مادران نقش کلیدی دارد. به اساس سفارشات سازمان صحتی جهان، مراقبت های ضروری قبل از ولادت باید درواقعات حاملگی نورمال حد اقل چهار مرتبه در فواصل زمانی مشخص برای مادران حامله فراهم گردد (Villar and Bergsjø 2002). در جریان هر مراجعه موارد مشخص باید کنترل گردد که با استفاده از یک چک لست مراقبت های قبل از ولادت صورت می گیرد. طوری که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ ذکر شده، دربخش فراهم سازی مراقبت های کافی برای مادران حامله پیشرفت های چشمگیر صورت گرفته اما هنوز هم نیاز به اقدامات زیاد است تا مراقبت های عمومی برای همه مادران میسر گردد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ زمینه نظارت از پیشرفت های بیشتر در این راستا را فراهم نموده است.

شکل ۸.۹ فیصدی زنانی را نشان می دهد که حد اقل یک ولادت زنده در مدت زمان سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ کرده و کم از کم یک بار در جریان بارداری اخیر در مرحله قبل از ولادت توسط کارمندان ماهر صحتی معاینه شده اند و همچنان معلومات حاصل شده از سروی های قبلی را نیز نشان میدهد. قابل یادآوری است که نتایج سروی های گذشته مختص به معلومات مشخص و محدود نمی باشند طوری که یک تعداد واقعات بارداری که در سروی های مشخص ذکر گردیده اند با معلومات سروی های که در اوایل صورت گرفته نیز در تداخل قرار دارند. در حال حاضر، ۷۰.۲ فیصد تمام زنهای که در پنج سال گذشته صاحب طفل شده اند دست کم یک بار قبل از ولادت معاینه شده اند. این رقم ۷.۰ فیصد از ارقام که در سروی قبلی (۱۳۹۳) ارایه گردیده بود بلندتر می باشد و ۱۹.۲ فیصد بلندتر از ارقام سال ۱۳۹۱ می باشد. در گراف به صورت واضح پیشرفت قابل ملاحظه که در جریان سال های گذشته در راستای فراهم سازی مراقبت های قبل از ولادت برای زنان باردار به وجود آمده نشان داده شده است.

بین مناطق شهری و دهاتی تفاوت های بزرگ تا هنوز وجود دارند. در مناطق شهری، ۸۷.۷ فیصد زنان در برابر ۶۶.۸ فیصد زنان در مناطق دهاتی مراقبت های قبل از ولادت را جستجو می نمایند. کمتر از نصف زنان کوچی در جریان بارداری (۴۶.۳ فیصد) یک بار به خاطر دریافت مراقبت های قبل از ولادت مراجعه نموده اند که با آن هم در مقایسه با سال ۱۳۹۱ تقریباً دوچند (۲۳.۴ فیصد) افزایش را نشان می دهد. تمام سه کتگوری یک افزایش قابل ملاحظه، تقریباً مشخص، را نشان می دهد با وجود آنکه در بین نفوس کوچی افزایش تا حدی کمتر ملاحظه می شود.

شکل ۸.۹: زنان با یک ولادت زنده در جریان سروی که حد اقل یک بار برای معاینه نزد کارمندان ماهر صحنی در جریان آخرین مورد بارداری مراجعه نموده اند، به تفکیک محل اقامت و سروی (به فیصدی)



تعداد زنان که چهار بار مراجعه سفارش شده را به خاطر مراقبت های صحنی قبل از ولادت مراعات می کنند کم می باشد. تنها ۱۶.۳ فیصد زنان چهار بار بخاطر معاینه قبل از ولادت مراجعه می کنند (جدول ۱۰.۹). این ارقام کمتر از ارقام سال ۱۳۹۳ که ۲۲.۷ گزارش شده می باشد. کاهش در بین هر سه نوع ساکنین ذکر شده مشاهده گردیده است. شمار زنان شهری با ۳۳.۵ فیصد که چهار بار برای دستیابی به مراقبت های قبل از ولادت مراجعه کرده اند بلندتر می باشد، در عین حال ۵.۴ فیصد زنان کوچی و ۱۲.۱ فیصد زنان مناطق دهاتی برای مراقبت های قبل از ولادت چهار بار مراجعه نموده اند. قابل توجه است که به صورت کل استفاده از مراقبت های قبل از ولادت (با یک یا چندین بار مراجعه) بهبود یافته است (شکل ۸.۹ دیده شود) اما ظاهراً کشور یک قدمه به عقب رفته است تا به تعداد دفعات مراجعه که از طرف سازمان صحنی جهان پیشنهاد شده، دست پیدا کند.

بطور اوسط، زنان دو بار برای مراقبت های قبل از ولادت (به شمول آنهایی که هیچگاه مراقبت های قبل از ولادت استفاده نکرده اند) مراجعه می کنند. اوسط تعداد دفعات مراجعه برای مراقبت های قبل از ولادت در مناطق شهری (۳.۶ بار) به سفارشات سازمان صحنی جهان نزدیک می باشد. دفعات مراجعه زنان دهاتی به کمتر از نصف رقم ذکر شده (۱.۷ بار) می رسد. علاوه بر آن زنان کوچی به صورت اوسط یک بار برای معاینه قبل از ولادت مراجعه می کنند. اوسط ملی ۲.۰ بار مراجعه مشابه اوسط ارایه شده در سروی ۱۳۹۳ (۲.۱ بار) می باشد. قسمی که اوسط تعداد دفعات مراجعه در مناطق شهری و دهاتی مشابه می باشد، در بین نفوس کوچی این رقم از ۱.۳ به ۱.۰ بار کاهش یافته است.

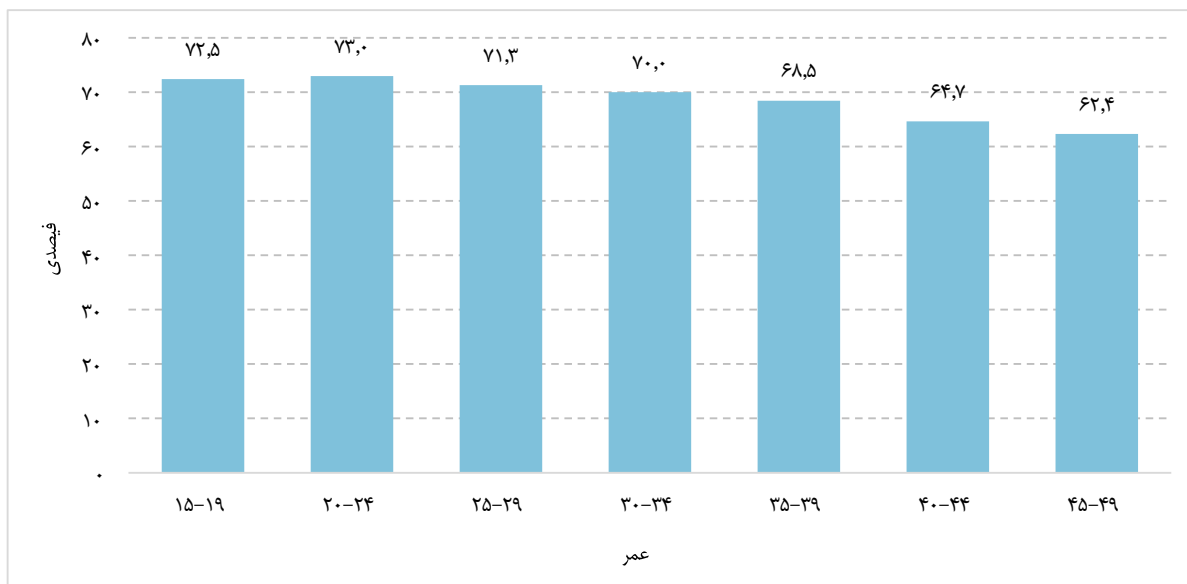
جدول ۱۰.۹: اوسط دفعات مراجعه زنان برای مراقبت های قبل از ولادت با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی به تفکیک سروی، محل اقامت، فیصدی با یکبار ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که ۴ مرتبه مراقبت های قبل از ولادت را دریافت نموده باشند، به تفکیک محل اقامت

شاخص مراقبت قبل از ولادت، سروی	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
اوسط تعداد دفعات مراجعه				
سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳	۳.۵	۱.۸	۱.۳	۲.۱
سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵	۳.۶	۱.۷	۱.۰	۲.۰
چهار بار مراجعه یا بیشتر از آن				
سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۳	۴۳.۹	۱۷.۴	۱۱.۷	۲۲.۷
سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵	۳۳.۵	۱۲.۱	۵.۴	۱۶.۳

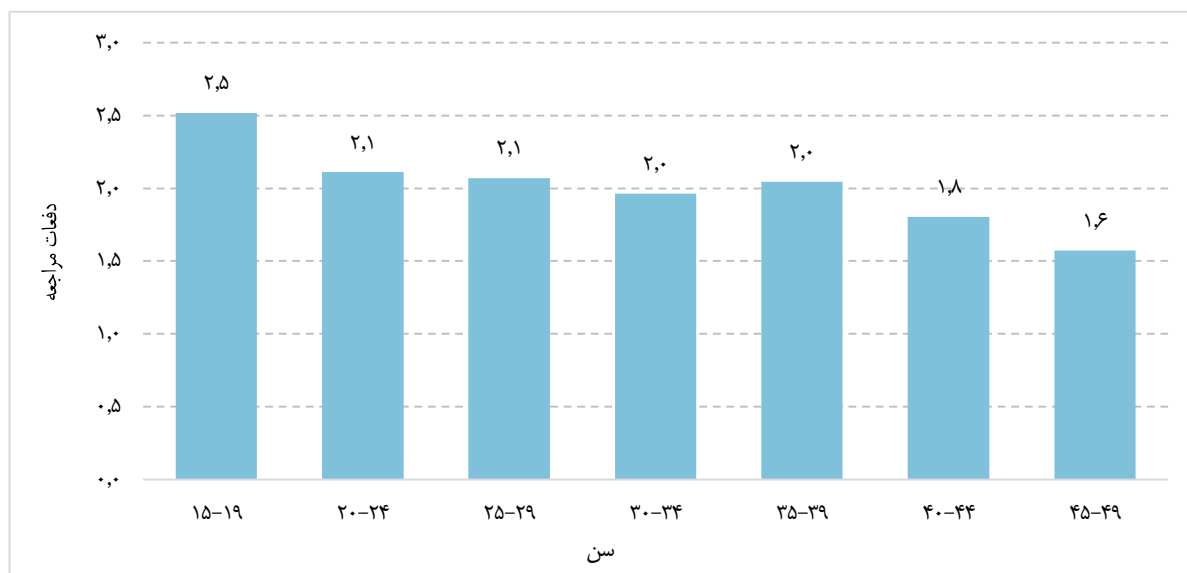
استفاده از مراقبت های قبل از ولادت دقیقاً به سن زن حامله ارتباط دارد. شکل ۹.۹ نشان می دهد که زنان جوانتر در مقایسه با زنان مسن تر جهت معاینات قبل از ولادت بیشتر مراجعه می نمایند. تا سن ۳۵ سالگی، بیشتر از ۷۰ فیصد زنان در جریان قبل از ولادت کم از کم یکبار به مراکز عرضه خدمات صحنی مراجعه می کنند. در بین زنان دارای سنین ۴۹-۴۵، ۶۲.۴ فیصد

مراقبت های قبل از ولادت را حاصل می کنند. سن یک مشخصه مهم در شمار دفعات مراجعه به مراکز صحت پنداشته می شود (شکل ۱۰.۹ دیده شود). زنان جوان به صورت اوسط نسبت به زنان مسن تر معاینات / مراقبت های بیشتر قبل از ولادت را دریافت می کنند. زنان حامله جوان که بین سنین ۱۵-۱۹ قرار دارند به صورت اوسط ۲.۵ بار غرض مراقبت های قبل از ولادت مراجعه می کنند. شمار دفعات مراقبت ها به اساس سن در هر گروه سنی دارای تفاوت پنج سال کاهش می یابد، کاهش الی دو بار درگروه سنی ۳۰-۳۴ دیده می شود و در بین گروه سنین ۴۵-۴۹ به ۱.۶ بار کاهش می یابد.

شکل ۹.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که مراقبت های قبل از ولادت را دریافت کرده اند (به کمک کارمندان صحت ماهر یا غیرماهر) در جریان آخرین مورد حاملگی به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال

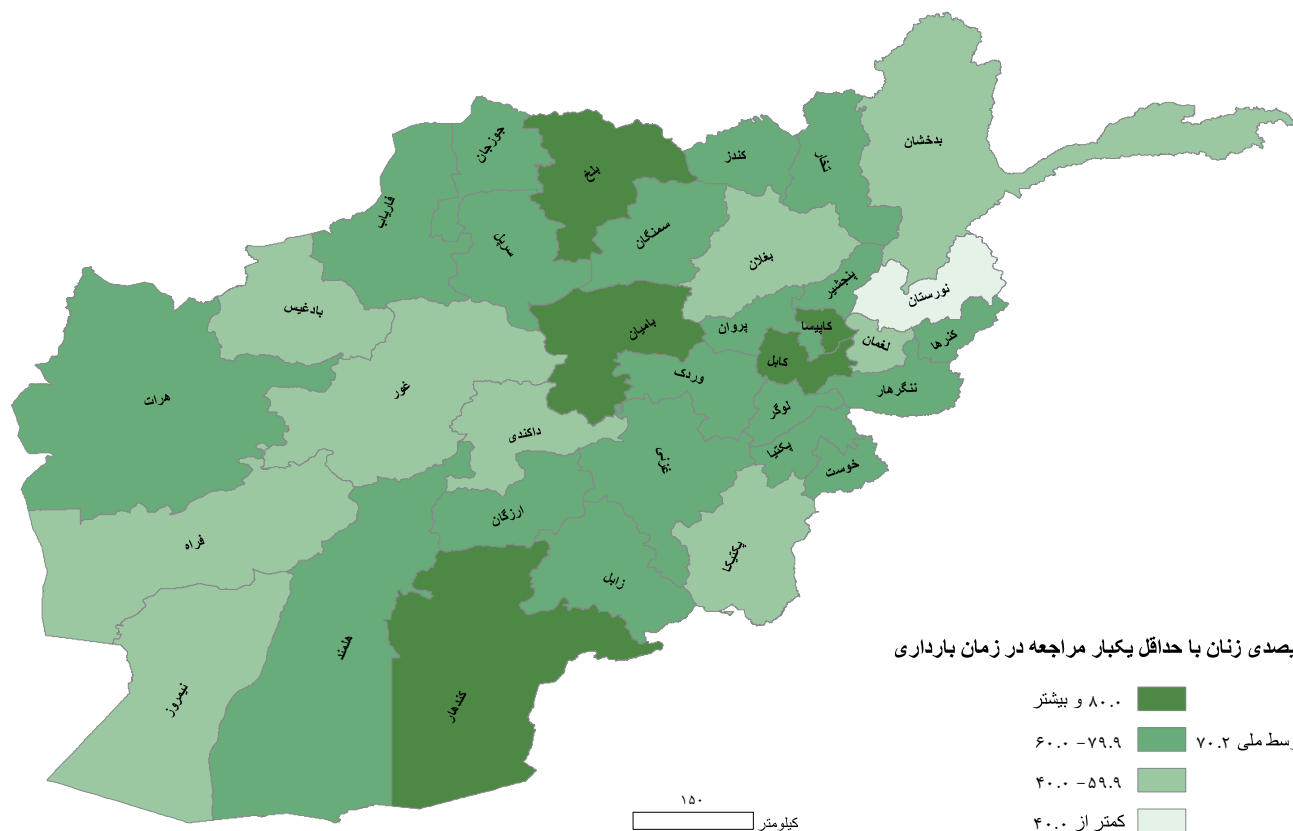


شکل ۱۰.۹: اوسط تعداد دفعات مراجعه زنان غرض دریافت مراقبت های قبل از ولادت (به کمک کارمندان صحت ماهر یا غیرماهر) با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال



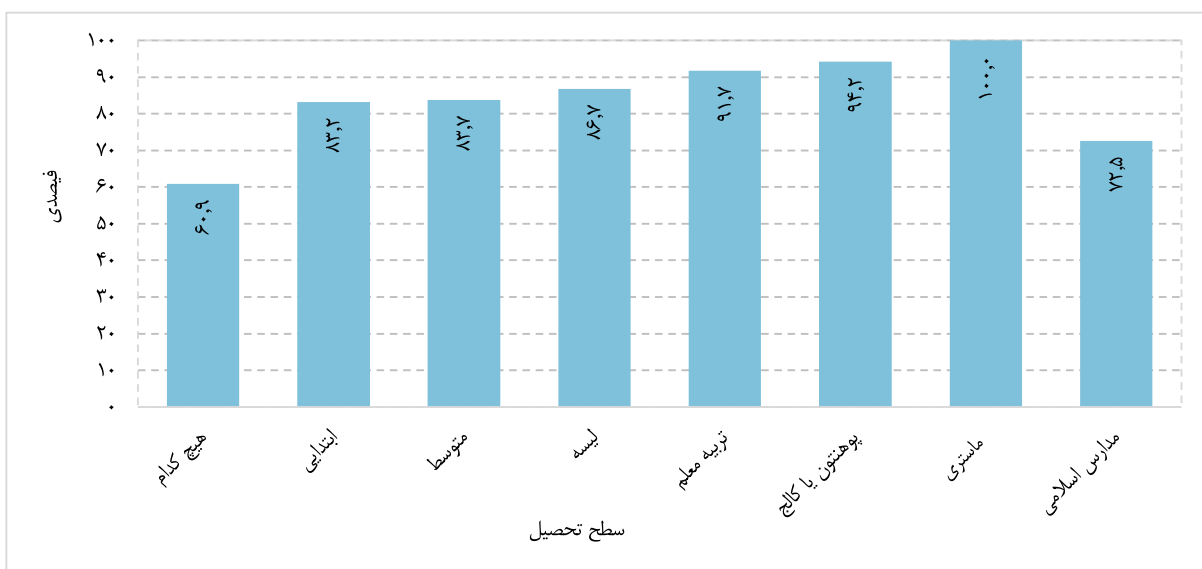
ولایت محل اقامت یک فکتور یا عامل مهم و تعیین کننده در امر عدم دسترسی کلی یا دستیابی زنان حامله به مراقبت های قبل از ولادت حد اقل یک بار (شکل ۱۱.۹ دیده شود) می باشد. پنج ولایت که بیشتر از ۵۰ فیصد زنان در آن به هیچ نوع مراقبت های قبل از ولادت دسترسی ندارند عبارت اند از: نورستان، پکتیکا، بدخشان، نیمروز و دایکندی. در سطح بلند پنج ولایت که بیشتر از ۸۰ فیصد زنان در آن در جریان بارداری به معاینات قبل از ولادت دسترسی دارند عبارت اند از کندهار، کابل، بامیان، بلخ و کاپیسا.

شکل ۱۱.۹ : فیصدی زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که حد اقل یک بار مراجعه برای مراقبت های قبل از ولادت را در جریان آخرین حاملگی گزارش داده اند به تفکیک ولایت



مراجعه به خاطر دریافت مراقبت های صحی دقیقاً به سطح تعلیمی مادر ارتباط دارد. در بین زنان که تعلیمات رسمی کسب نکرده اند، ۶۰.۹ فیصد آنها مراقبت های قبل از ولادت را به دست آورده اند. به هر اندازه که سطح دانش و تعلیم یک مادر بلند باشد به همان اندازه فیصدی دستیابی به مراقبت های قبل از ولادت بلند می باشد. بزرگترین خلاء در میان زنان که هیچ نوع آموزش در مکتب ندیده اند (۶۰.۹ فیصد) و زنان که آموزش ابتدایی دارند (۸۳.۲ فیصد) دیده می شود. بین زنان دارای تعلیم ابتدایی، ثانوی و عالی تفاوت اندک وجود دارد. زنانی که به سطح لیسه، کالج، پوهنتون یا کالج تخنیکی آموزش دیده اند یا دیپلوم فوق لیسانس دارند تمام شان از سطوح بلند مراقبت های قبل از ولادت استفاده می کنند که فیصدی آنها به بیشتر از ۹۰ فیصد می رسد. هیچ یک از گروههای زنان که شامل رده فوق لیسانس هستند مراقبت های قبل از ولادت را از دست نمی دهند. یک گروپ کوچک زنانیکه بین سنین ۱۵-۴۹ قرار داشته و مدارس دینی را به پایان رسانیده اند در مقایسه با زنان بدون تعلیم از مراقبت های قبل از ولادت بیشتر (۷۲.۵ فیصد) اما نسبت با زنانی که تعلیمات ابتدایی دارند از مراقبت های قبل از ولادت کمتر استفاده میکنند.

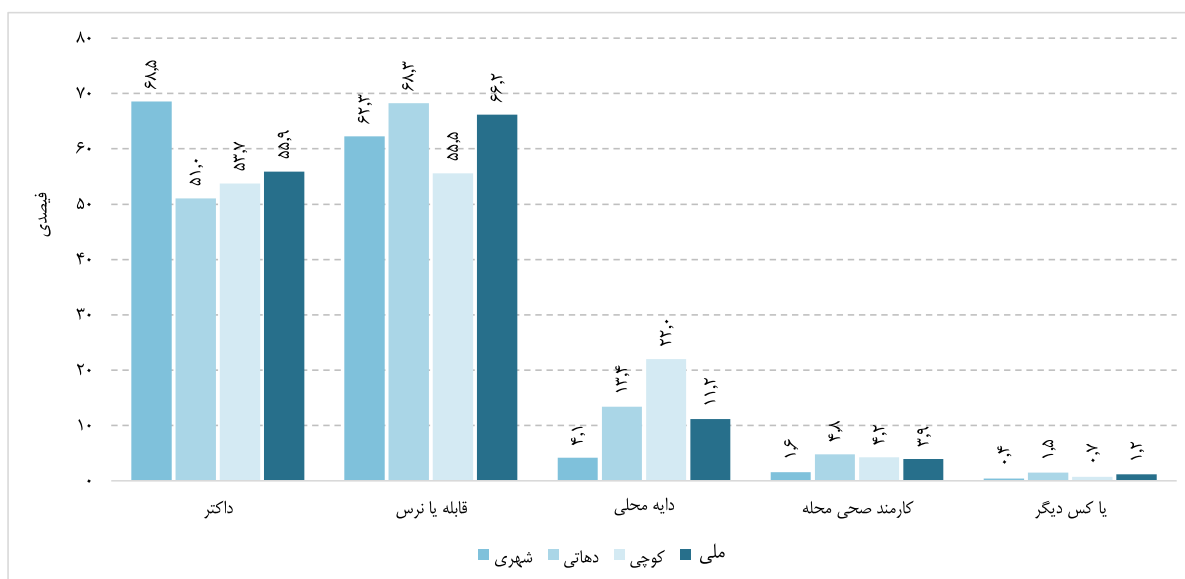
شکل ۱۲.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که یک نوعی از مراقبت های تخصصی قبل از ولادت را حاصل نموده اند، به تفکیک سطح دانش



عرضه کننده مراقبت های قبل از ولادت

در مراقبت های قبل از ولادت نه تنها تکرار دریافت این مراقبت ها مهم است بلکه سطح تجربه و دانش فراهم کننده مراقبت ها که معاینات لازم را انجام داده و مراقبت های لازم را فراهم می کنند نیز مهم پنداشته می شود. شکل ۱۳.۹ فراهم کننده مراقبت های قبل از ولادت را به تفکیک محل اقامت نشان می دهد. در مصاحبه سروی وضعیت زندگی در افغانستان، از مادران حامله سوال شد که در جریان حاملگی به یکی از فراهم کننده گان مراقبت های صحنی مراجعه نموده اند. بعداً برای هر نوع فراهم کننده مراقبت ها، زنان جواب بلی یا نخیر ارایه کردند. نتایج نشان می دهد که زنانی که بیشتر از یکبار جهت دریافت مراقبت های قبل از ولادت مراجعه کرده بودند با بیش از یک نوع فراهم کننده مراقبت های صحنی ملاقات داشته اند. در یک تعداد واقعات زنان زنان هم با یک دایه محلی و هم یک داکتر ملاقات داشته اند. از جمله تمام زنان حامله که در پنج سال گذشته ولادت نموده اند، ۶۶.۲ فیصد آنها یک بار نزد قابله یا نرس جهت معاینه مراجعه نموده و ۵۵.۹ فیصد آنها نزد داکتر طب مراجعه نموده اند که در کتگوری فراهم کننده گان ماهر مراقبت های صحنی محسوب می شوند. یک فیصدی نسبتاً کوچک زنان حامله متکی به دایه محلی (۱۱.۲ فیصد) و کارکنان صحنی اجتماعی (۳.۹ فیصد) می باشند. در حدود ۱.۲ فیصد زنان را افراد دیگر کمک می کنند. در مناطق شهری، اکثر زنان (۶۸.۵ فیصد) نزد داکتر مراجعه می کنند تا مراقبت های صحنی را دریافت کنند اما در مناطق دهاتی به قابله ها و نرسها بیشتر مراجعه صورت می گیرد (۶۸.۳ فیصد). در بین زنان کوچی داکتران و قابله ها/نرس ها دارای اهمیت مساوی می باشند. قابل ذکر است که برای زنان کوچی تا هنوز ۲۲ فیصد متکی به دایه های محلی جهت دریافت مراقبت های صحنی قبل از ولادت هستند.

شکل ۱۳.۹: زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که یک نوعی از مراقبت های قبل از ولادت را در جریان بارداری دریافت نموده اند، به تفکیک فراهم کننده مراقبت های صحی و محل اقامت (به فیصدی)



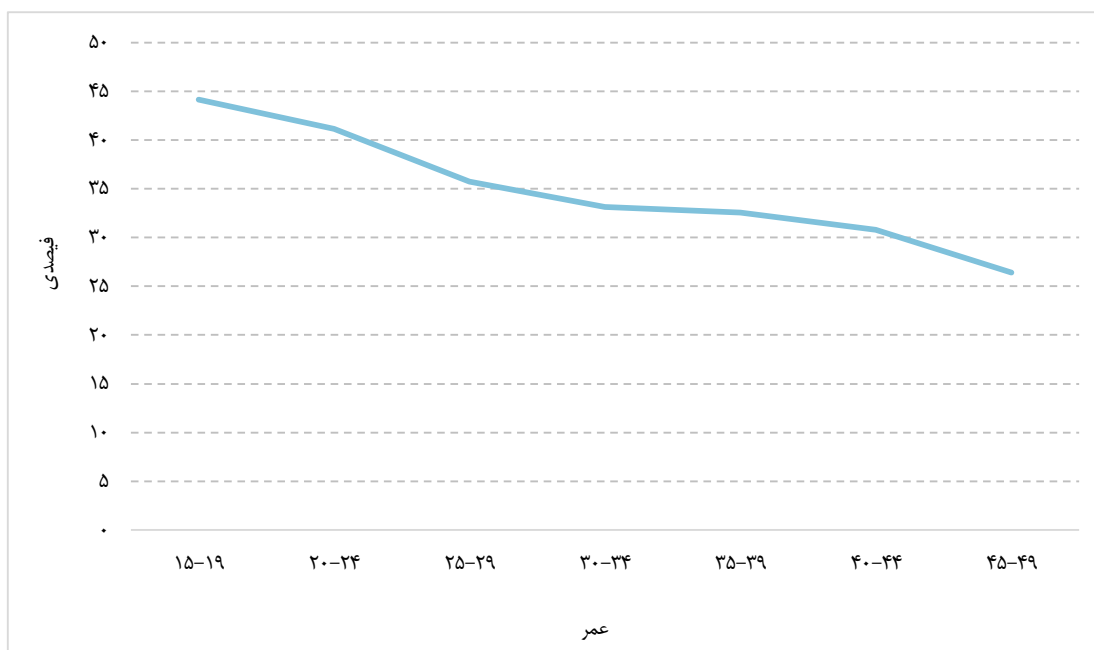
سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴ افغانستان دریافت شده است که ۵۹ فیصد زنان با یک ولادت در جریان پنج سال قبل از سروی، مراقبت های صحی قبل از ولادت را از یک عرضه کننده ماهر مراقبت های صحی در جریان آخرین مورد بارداری به دست آورده اند (اداره مرکزی احصائیه، وزارت صحت عامه، و دسته بندی بین المللی فعالیت، معلولیت و صحت ۲۰۱۷) در تجزیه وتحلیل حاضر، هرگاه یک زن حامله خاطر نشان سازد که نزد یک داکتر، نرس یا قابله غرض مراقبت های صحی قبل از ولادت مراجعه نموده است، شامل کتگوری زنانی که نزد عرضه کننده های ماهر مراجعه کرده اند می گردد. از جمله تمام زنان که در جریان پنج سال گذشته قبل از سروی یک بار ولادت نموده اند، ۶۳.۹ فیصد آنها به همکاری کارمندان ماهر صحی ولادت نموده اند. رقم اخیر به یافته های سروی صحت و دموگرافی افغانستان بسیار نزدیک می باشد.

واکسین ضد تیتانوس

مطابق به استندردهای سازمان صحتی جهان برای مراقبت های نوزاد و مادر، تمام زنان که ولادت می کنند و نوزدان شان باید بخاطر محافظت کامل در مقابل تیتانوس واکسین شوند. هرگاه مادر واکسین نشده باشد یا وضعیت واکسین شدن یا نشدن وی نامعلوم باشد، دو دوز واکسین تیتانوس را باید به وقفه های یکماهه از یکدیگر، قبل از ولادت اخذ نماید. به منظور افزایش مدت محافظت کامل در مقابل تیتانوس دوز های اضافی واکسین نیز می تواند تطبیق گردد. هرگاه زن حامله در گذشته یک الی چهار دوز واکسین ضد تیتانوس گرفته باشد، یک دوز واکسین باید قبل از ولادت برایش تطبیق گردد. در مجموع پنج دوز واکسین می تواند یک محافظت کامل را در تمام طول عمر ولادی یک خانم ایجاد نماید (سازمان صحتی جهان، معافیت مادران در مقابل تیتانوس).

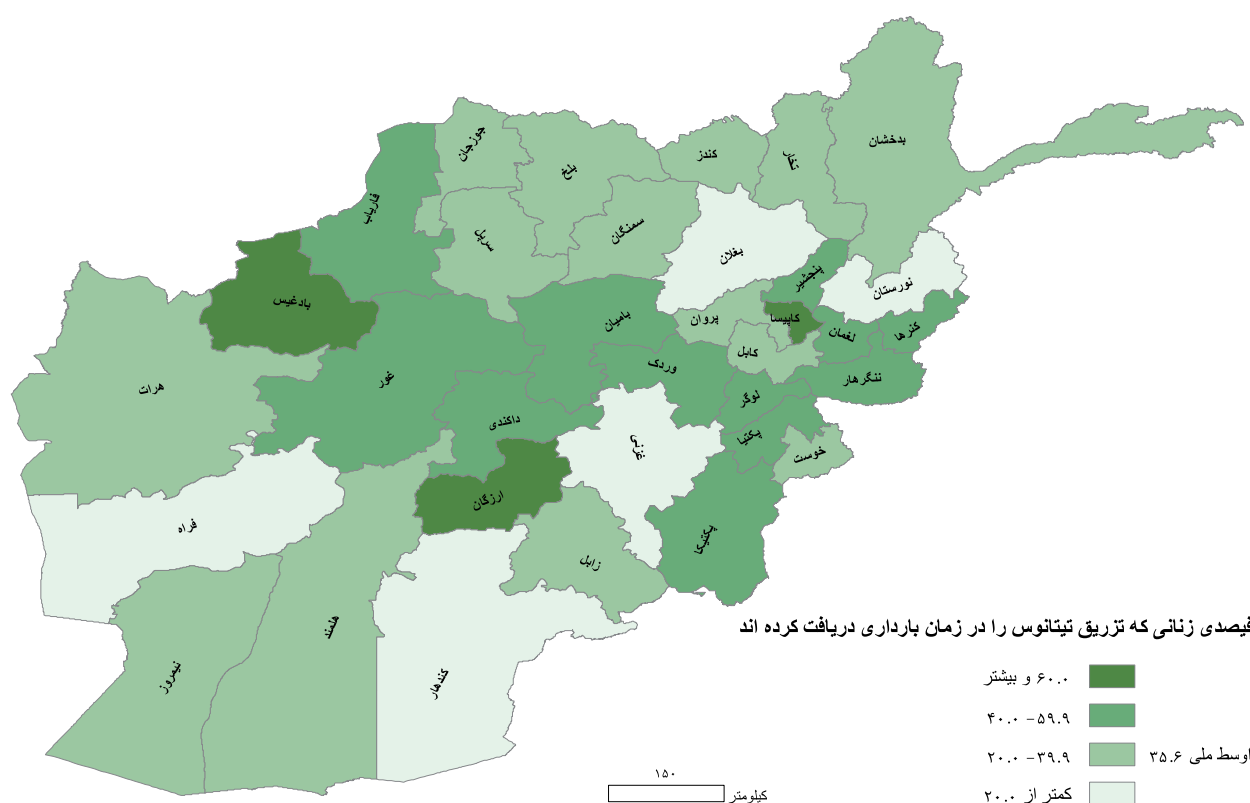
به اساس یافته های سروی وضعیت زندگی مردم افغانستان ۱۳۹۵، ۳۵.۶ فیصد زنان در جریان حاملگی از زرقیات تیتانوس استفاده نموده اند. در زمینه بین مناطق شهری و دهاتی تفاوت زیات وجود ندارد: ۳۵.۶ فیصد مناطق شهری و ۳۶.۴ فیصد مناطق دهاتی تحت پوشش واکسین قرار گرفته اند. زنان کوچی تا حد نسبتا کمتر (۲۳.۵ فیصد) تحت پوشش قرار گرفته اند. شکل ۱۴.۹ نشان می دهد که واکسین تیتانوس نزد زنان جوان در مقایسه با زنان مسن زیادتیر تطبیق می گردد. مادران باردار بین سنین ۱۵ و ۱۹ سال در حدود ۴۴.۲ فیصد تحت پوشش قرار می گیرند. برای هر گروه سنی با تفاوت پنج سال، پوشش کاهش می یابد: ۳۵.۷ فیصد برای زنان ۲۵-۲۹ سال، ۳۲.۶ فیصد برای زنان ۳۵-۳۹ سال و ۲۶.۴ فیصد برای زنان ۴۵-۴۹ سال.

شکل ۱۴.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در مدت پنج سال قبل از سروری که طی آخرین حاملگی واکسین تیتانوس اخذ نموده اند به تفکیک گروپ های سنی با تفاوت پنج سال



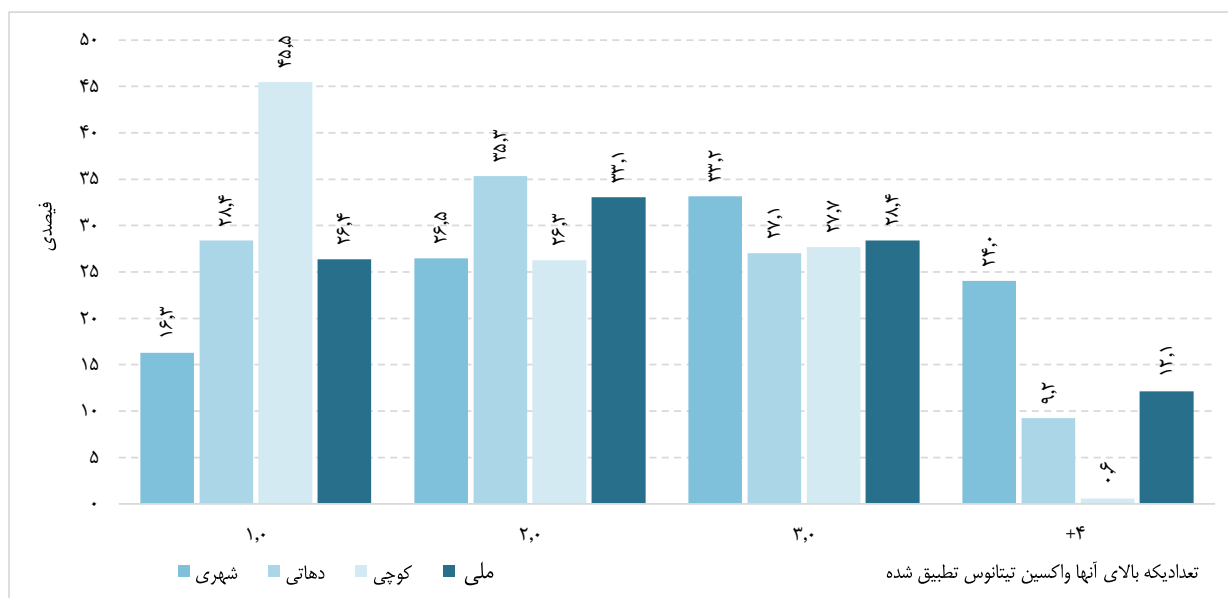
فیصدی زنان واکسین شده در مقابل تیتانوس در تمام ولایات کشور متفاوت می باشد (شکل ۱۵.۹ دیده شود). پنج ولایت دارنده پوشش کمتر از ۲۰ فیصد می باشد: کندهار، غزنی، بغلان، نورستان و فراه. از جانب دیگر درسه ولایت کشور بیشتر از ۶۰ فیصد زنان حامله تحت پوشش واکسین قرار گرفته اند: بادغیس، ارزگان و کاپیسا.

شکل ۱۵.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که در آخرین حاملگی شان واکسین تیتانوس گرفته اند به تفکیک ولایت



تعداد دوزهای واکسین تیتانوس که یک زن حامله ضرورت دارد وابسته به تعداد واکسین های است که در گذشته اخذ نموده است. شکل ۱۶.۹ فیصدی زنان حامله را نشان می دهد که واکسین شده اند، به تفکیک شمار دوز های اخذ شده و تفکیک محل اقامت. در بین تمام زنان واکسین شده، ۲۶.۴ فیصد آنها یک دوز واکسین، ۳۳.۱ فیصد آنها دو دوز واکسین و ۲۸.۴ فیصد آنها سه دوز واکسین و ۱۲.۱ فیصد آنها چهار دوز واکسین دریافت کرده اند. در چند سال اخیر پیشرفت های مهم در زمینه فراهم آوری زرقیات ضد تیتانوس صورت گرفته است. در سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ مشاهده شد که ۳۴.۹ فیصد زنان ۲ یا بیشتر از دو امپول زرقی واکسین تیتانوس دریافت کرده اند. این رقم به ۷۳.۶ فیصد افزایش یافته است. اکثریت زنان کوچی تنها یک زرق واکسین تیتانوس (۴۵.۵ فیصد) اخذ کرده اند. تعداد زناتی که سه الی چهار زرق واکسین تیتانوس اخذ کرده اند در مناطق شهری نظر به مناطق دهاتی و بین زنان کوچی زیادتر هستند. در مجموع تمام زناتی که واکسین شده اند به صورت اوسط ۲.۴ دوز واکسین تیتانوس گرفته اند. زنان ساکن در مناطق شهری ۲.۹ دوز، زنان مناطق دهاتی ۲.۲ دوز و زنان کوچی ۱.۸ دوز واکسین تیتانوس دریافت نموده اند.

شکل ۱۶.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی، که در آخرین حاملگی واکسین تیتانوس اخذ کرده اند به تفکیک تعداد واکسین دریافت شده و محل اقامت



۲.۴.۹. حضور کارمند ماهر صحنی در زمان ولادت و محل ولادت

ولادت در حضور پرسونل ماهر صحنی

به منظور تضمین صحت مادر و طفل نوزاد، هر ولادت باید با همکاری یک کارمند ماهر صحنی در یک محیط صحنی، سالم و مصون صورت گیرد. در یک مطالعه که در سال ۱۳۹۰ در مورد مؤثریت بسته های مختلف مراقبت ولادت بالای مرگ و میر نوزادان به علت اختلالات زایمان و سایر عوامل صورت گرفته، نتایج به دست آمده نشان می دهد که در سطح جهانی واقعات مرگ و میر اطفال در هنگام زایمان می تواند با استفاده از مراقبت های صحنی برای همه با همکاری کارمند ماهر صحنی الی ۲۵ فیصد کاهش یابد.

هدف سوم اهداف انکشافی پایدار زندگی مصون و بهبود صحتمندی را برای تمام سنین تأمین می نماید. ولادت توسط کارمندان ماهر صحنی دقیقاً به دو مقصد مهم هدف شماره ۳: اهداف انکشافی پایدار ارتباط دارند. مقصد ۱.۳ الی سال ۲۰۳۰ کاهش میزان وفیات مادران به کمتر از ۷۰ واقعه در هر ۱۰۰۰۰۰ تولید زنده و مقصد ۲.۳ الی سال ۲۰۳۰ محو واقعات مرگ و میر قابل جلوگیری نوزادان و اطفال کمتر از پنج سال، در تمام کشور ها کاهش مرگ و میر نوزادان به میزان حد اقل ۱۲ واقعه در هر ۱۰۰۰ تولد زنده و کاهش مرگ و میر اطفال کمتر از پنج سال تا حدی ۲۵ واقعه در هر ۱۰۰۰ تولد زنده. شاخص ۲.۱.۳ (میزان ولادت های که با همکاری پرسونل ماهر صحنی صورت گرفته) یکی از اندازه گیری هایست که بواسطه آن پیشرفت در قبال رسیدن به اهداف ذکر شده نظارت می گردد (متن داخل چوکات شماره ۱.۹ دیده شود)

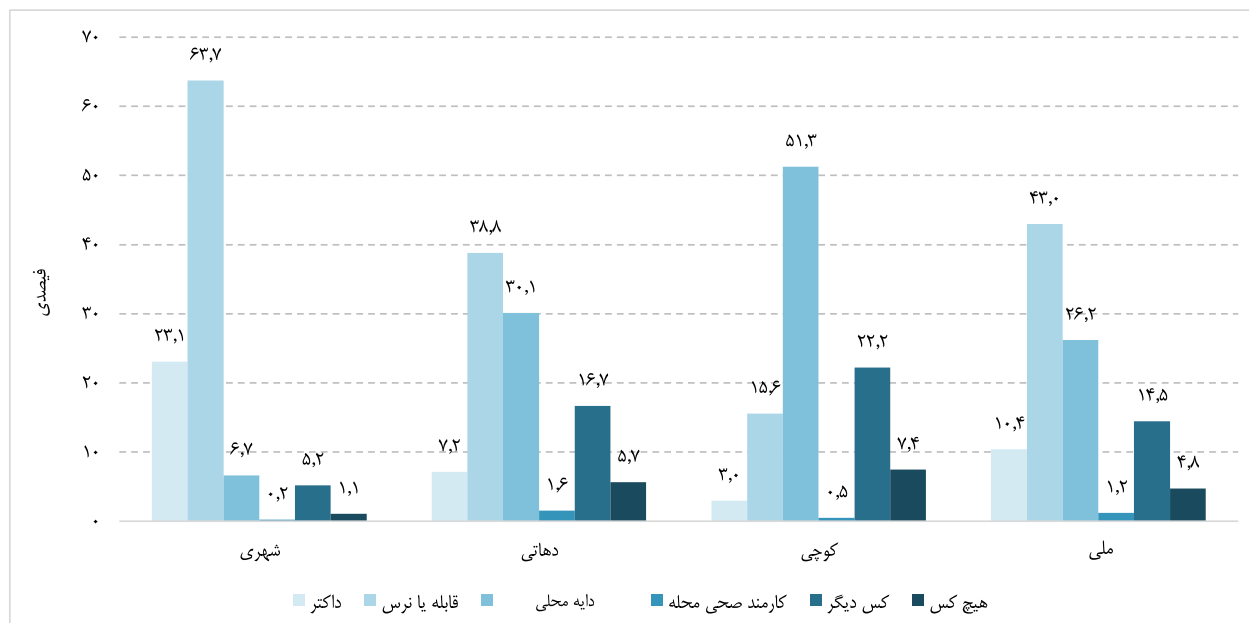
چوکات متن ۱.۹: شاخص اهداف انکشافی پایدار ۲.۱.۳- میزان ولادت های که با همکاری پرسونل ماهر صحنی صورت گرفته اند (به فیصدی)

نسبت ولادت های که با همکاری کارمندان ماهر صحنی صورت می گیرد؛ اقداماتی را که باید به منظور دستیابی به مقاصد شماره ۱.۳ و ۲.۳ هدف سوم اهداف انکشافی پایدار بدست آید، نظارت می کند: زندگی مصون و بهبود صحتمندی را برای همه و در تمام سنین تأمین می نماید. سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ دریافته است که ۵۳.۴ فیصد تمام ولادت ها با همکاری کارمندان ماهر صحنی صورت می گیرد. این یافته ها یک بهبود را درمقایسه با یافته های سال ۱۳۹۳ (۴۵.۲ فیصد) نشان میدهد.

ملی	۵۳.۴
شهری	۸۶.۸
دهاتی	۴۶.۰
کوچی	۱۸.۵

در افغانستان، ۱۰.۴ فیصد ولادت ها با همکاری یک داکتر و ۴۳.۰ فیصد واقعات با همکاری قابله یا نرس صورت می گیرد (شکل ۱۷.۹). این رقم نشان می دهد که تا هنوز ۴۶.۶ فیصد تمام ولادت ها بدون همکاری کارمندان ماهر صحتی صورت می گیرد. بیشتر از یک چهارم ولادت ها (۲۶.۲ فیصد) با همکاری دایه های محلی و ۱.۲ فیصد ولادت ها با همکاری کارمندان صحتی اجتماعی انجام می شود. کتگوری " یک شخص دیگر" به صورت قابل ملاحظه بزرگ می باشد (۱۴.۵ فیصد). معمولاً اکثر افراد در این کتگوری دوستان یا اقارب می باشند. در سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴، ۱۵ فیصد تمام ولادت ها با همکاری دوستان یا اقارب صورت گرفته است.

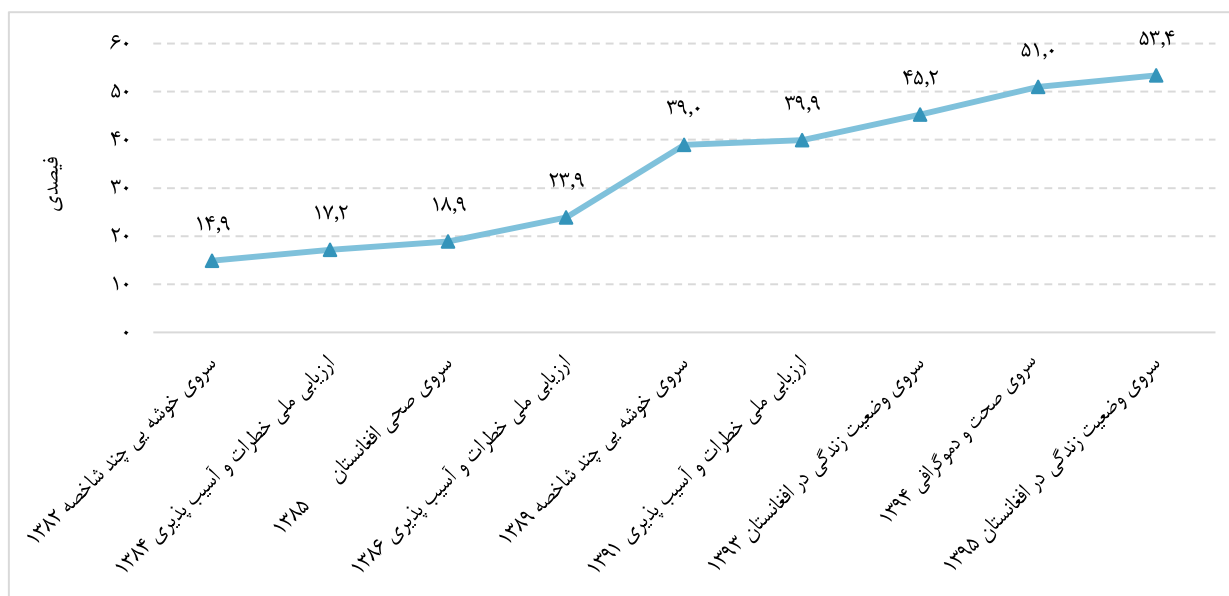
شکل ۱۷.۹: زنان با ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع کارمندان ماهر صحتی (به فیصدی)



در قسمت همکاری در جریان ولادت تفاوت های چشمگیری بین زنان شهری، دهاتی و کوچی وجود دارد. در مناطق شهری، اکثریت زنان توسط یک کارمند صحتی ماهر ولادت داده می شوند: ۲۳.۱ فیصد توسط داکتر، ۶۳.۷ فیصد توسط قابل یا نرس (جمعاً به ۸۶.۸ فیصد می رسد). یک کارمند ماهر صحتی یا داکتر بوده و یا یک قابله آموزش دیده می باشد. در مناطق دهاتی، موجودیت کارمندان ماهر صحتی در اثنای ولادت در سطح پایین قرار دارد: ۷.۲ فیصد داکتر و ۳۸.۸ فیصد نرس یا قابله. این امر نشان دهنده آن است که کمتر از نصف ولادت های دهاتی با همکاری کارمندان ماهر صحتی صورت می پذیرد (۴۶.۰ فیصد). اکثر زنان در مناطق دهاتی تا هنوز به دایه های محلی (۳۰.۱ فیصد) یا؛ یک شخص دیگر (۱۶.۷ فیصد) اتکا دارند. در بین نفوس کوچی بیشتر از نصف زنان توسط دایه های محلی و ۲۲.۳ فیصد توسط؛ یک شخص دیگر؛ ولادت داده می شوند. زنانی که به تنهایی ولادت می کنند کاملاً در معرض خطرات مختلف قرار دارند. در مناطق دهاتی ۵.۷ فیصد و بین نفوس کوچی ۷.۴ فیصد زنان بدون همکاری ولادت می کنند.

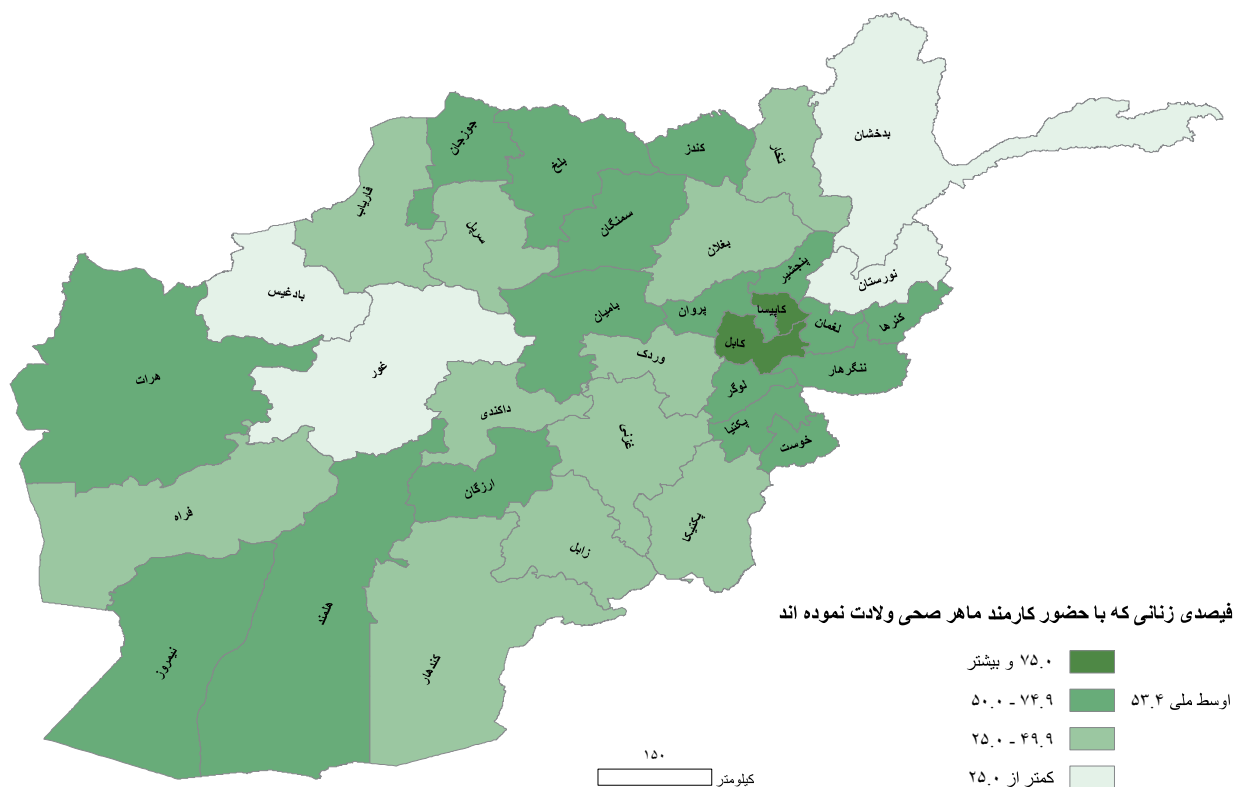
شکل ۱۸.۹ نشان می دهد که در جریان سالهای اخیر پیشرفت قابل ملاحظه در زمینه فراهم سازی مراقبت های صحتی هنگام ولادت حاصل گردیده است. در سال ۱۳۸۲، تنها ۱۴.۹ فیصد تمام ولادت ها با همکاری کارمندان ماهر صحتی صورت می گرفت. طی سالهای گذشته این رقم بتدریج افزایش یافته است. در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ ولادت ها با همکاری کارمندان ماهر صحتی ۳۹.۹ فیصد گزارش گردیده بود. از آن زمان به بعد روند ولادت با همکاری کارمندان ماهر صحتی تا ۴۵.۲ فیصد در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ افزایش یافت و در سروی حاضر این رقم به ۵۳.۴ فیصد رسیده است.

شکل ۱۸.۹: فیصدی زنان که با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت می کنند به تفکیک سروی ۱۳۸۲-۱۳۹۵



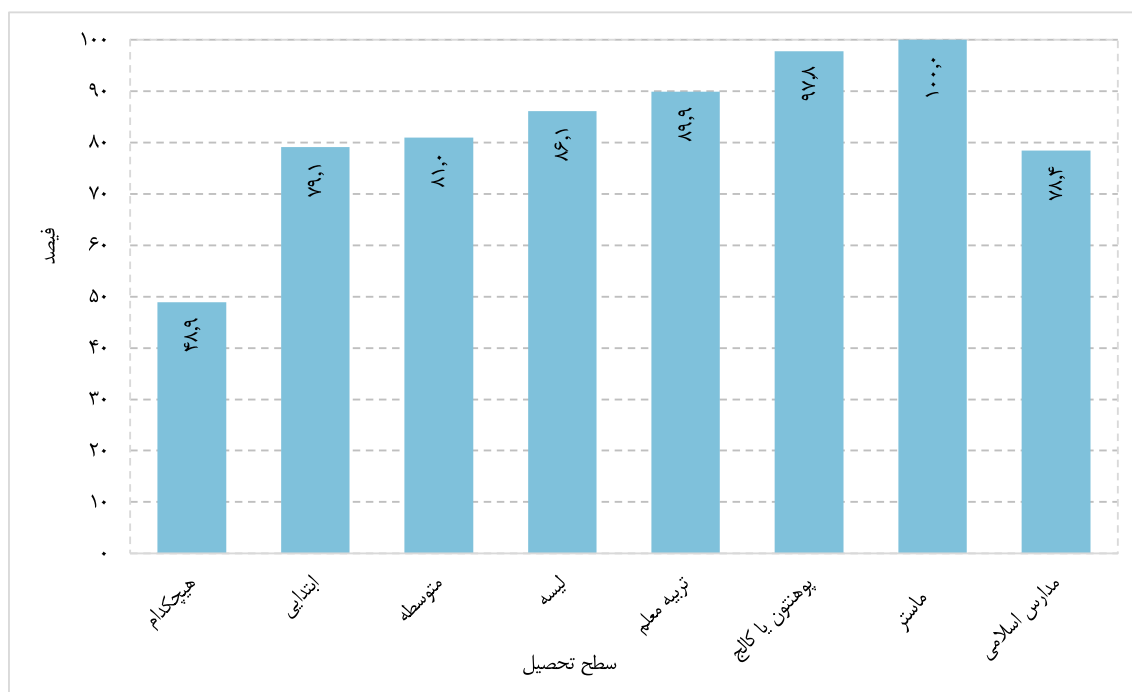
با وجود پیشرفت های مهم که تا حال حاصل شده هنوز هم تفاوت های بزرگ بین ولایات وجود دارد. شکل ۱۹.۹ به وضاحت نشان میدهد که بخاطر بدست آوردن ولادت های مضمون برای همه (در تمام کشور) به چه اندازه تلاش باید صورت گیرد. تنها در پنج ولایت کشور بیشتر از ۷۰ فیصد زنان حامله با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت می کنند: کابل، کاپیسا، جوزجان، ارزگان و خوست. از جمله تمام ۳۴ ولایت افغانستان، در ۱۵ ولایت کمتر از نصف واقعات ولادت به کمک کارمندان ماهر صحتی صورت میگرد.

شکل ۱۹.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در جریان پنج سال قبل از سروی که با همکاری کارمندان ماهر صحتی ولادت نموده اند، به تفکیک ولایت



ولادت با همکاری یک کارمند ماهر صحنه دقیقاً به سطح تعلیمی مادر وابستگی دارد. زنانی که در کل تعلیم ندیده اند نسبت به زنانی که از تعلیمات ابتدایی برخوردار هستند ۳۰ فیصد کمتر از کارمندان ماهر صحنه در جریان ولادت کمک می گیرند. تنها ۴۸.۹ فیصد زنانی که در کل تحصیلات ندارند (بی سواد) میتوانند بالای کارمندان مسلکی صحنه حساب کنند. به هر اندازه که سطح تعلیمی و تحصیلی یک زن بلند باشد به همان اندازه چانس ولادت با همکاری کارمندان مسلکی بیشتر است. باید تذکر داد که زنانی که دارای درجه تحصیلی پوهنتون هستند تقریباً تمام آنها با همکاری کارمندان ماهر صحنه ولادت می کنند.

شکل ۲۰.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که با همکاری کارمندان ماهر صحنه ولادت نموده اند، به تفکیک کارمندان ماهر صحنه و سطح تحصیلی



محل ولادت

در کنار موجودیت کارمندان ماهر صحنه، ولادت باید در یک محیط مصون و تمیز با داشتن دسترسی به مراقبت های عاجل هنگام ولادت (برای جلوگیری از اختلالات جدی ولادی) صورت گیرد. به اساس تخمین مطالعه (Lee et al, ۲۰۱۱)^۲ واقعات مرگ و میر نوزادان هنگام زایمان با استفاده از مراقبت های جامع نسایی ولادی عاجل تا ۸۵ فیصد و با موجودیت مراقبت های اساسی عاجل تا ۴۰ فیصد در سطح جهان کاهش یافته می تواند. نبود یک محیط مناسب با موجودیت مراقبت های خوب نسایی ولادی نیز دقیقاً با وفیات مادران ارتباط دارد. با در نظر داشت این امر محل ولادت برای زایمان مصون دارای اهمیت بسیار زیاد می باشد.

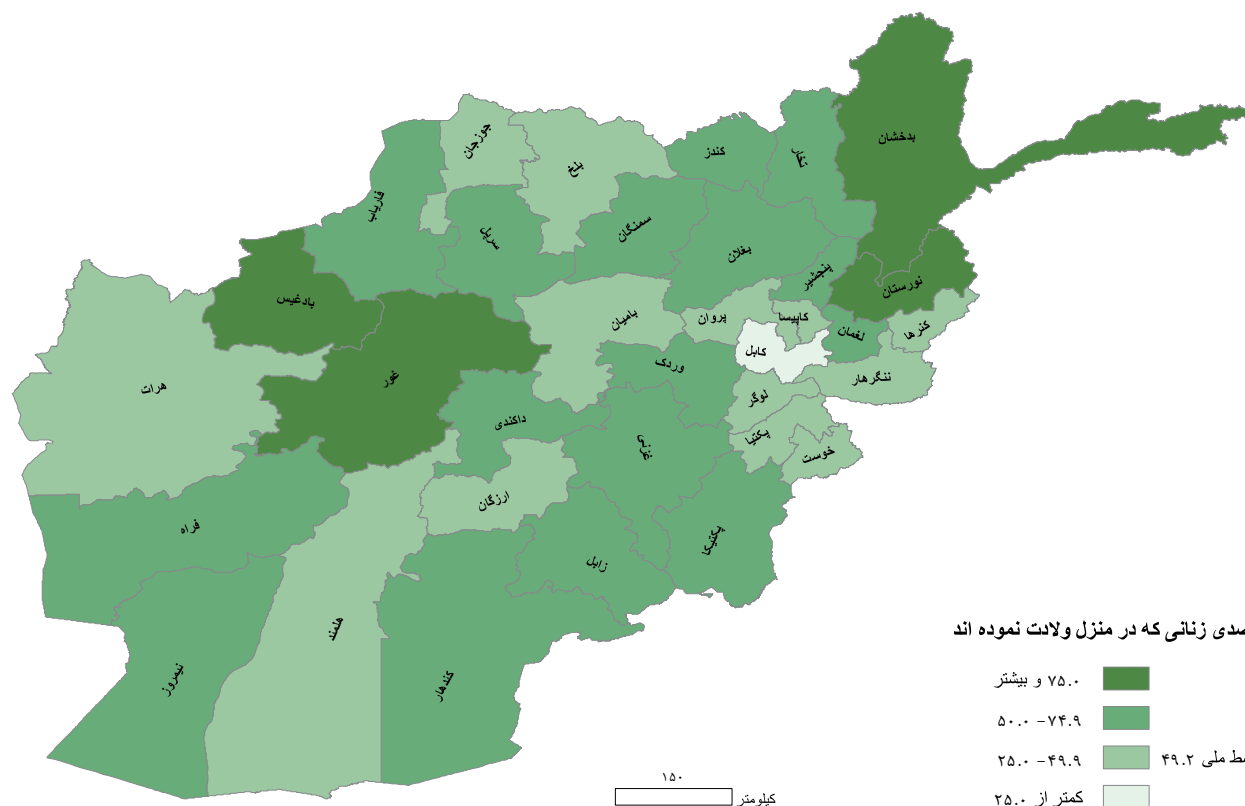
در افغانستان، ۴۹.۲ فیصد تمام ولادت ها در خانه صورت می گیرد (جدول ۱۱.۹). در بین سه نوع محلات مسکونی مختلف تفاوت های بزرگ وجود دارد. در مناطق شهری، تنها ۱۷.۰ فیصد تمام ولادت ها در خانه صورت می گیرد، این رقم در مناطق دهاتی به ۵۶.۳ فیصد و در بین نفوس کوچی به ۸۲.۹ فیصد می رسد. در حال حاضر در مجموع ۳۵.۲ فیصد تمام ولادت ها در شفاخانه های عامه صورت می گیرند اما باز هم تفاوت بزرگ بین سه محل مسکونی دیده می شود. تقریباً دو سوم نوزادان در مناطق شهری در شفاخانه های عامه به دنیا می آیند، بالمقابل این رقم در مناطق دهاتی کمتر از ۳۰ فیصد و بین نفوس کوچی به یک هشتم می رسد. مراکز صحنه خصوصی و سایر مراکز صحنه عامه صرف یک رقم کوچک تمام ولادت ها را تحت پوشش قرار می دهند، به ترتیب ۵.۰ فیصد و ۱۰.۳ فیصد تمام ولادت ها. در مجموع ۵۰.۵ فیصد تمام ولادت ها در مراکز صحنه صورت می گیرند که باز هم به تفکیک مناطق شهری (۸۲.۷ فیصد)، مناطق دهاتی (۴۳.۴ فیصد) و نفوس کوچی (۱۶.۴ فیصد) دارای تفاوت های قابل ملاحظه می باشند.

جدول ۱۱.۹: زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی، به تفکیک محل آخرین ولادت و به تفکیک محل اقامت

محل ولادت	شهری	دهاتی	کوچی	ملی
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
در خانه	۱۷.۰	۵۶.۳	۸۲.۹	۴۹.۲
شفاخانه عامه	۶۴.۴	۲۸.۲	۱۲.۷	۳۵.۲
مراکز صحتی عامه دیگر	۶.۴	۱۲.۰	۲.۵	۱۰.۳
مراکز صحتی خصوصی	۱۱.۹	۳.۲	۱.۲	۵.۰
دیگر	۰.۳	۰.۳	۰.۶	۰.۳

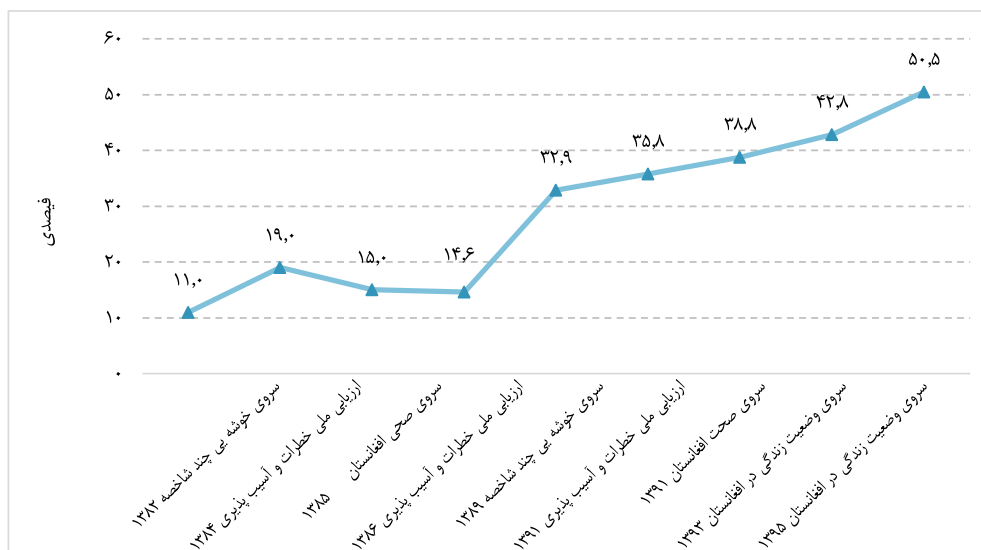
از آنجا که ولادت در خانه خطرات قابل ملاحظه را برای مادر و طفل با در نظر داشت محیط فیزیکی و اجتماعی افغانستان در قبال دارد، برای فعالیتهای صحت عامه مهم است تا مناطقی را که در آن ولادت ها بیشتر در خانه صورت می گیرد مورد شناسایی قرار دهند. به اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، در سه ولایت افغانستان هنوز هم بیشتر از ۹۰ فیصد ولادت ها در خانه انجام می شود: غور، نورستان و بادغیس. در ۲۰ ولایت از جمله ۳۴ ولایت کشور بیشتر از ۵۰ فیصد زنان در خانه ولادت می کنند (شکل ۲۱.۹ دیده شود)

شکل ۲۱.۹: فیصدی زنان با یک ولادت زنده در پنج سال قبل از سروی که در خانه ولادت کرده اند، به تفکیک ولایت



سروی های متعددی که طی ۱۴ سال گذشته انجام شده نشان می دهند که پیشرفت ابتدایی در زمینه ولادت در مراکز صحتی قبل از سال ۲۰۱۰ مشکل بوده است. به اساس راپور^۳ سروی خوشه یی چند شاخصه سال ۱۳۸۲ تنها ۱۱.۰ فیصد زنان در مراکز صحتی ولادت کرده اند. سروی های بعدی (سروی ملی ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۴، سروی صحتی افغانستان ۱۳۸۵ و سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶) از پیشرفت های اندک در این راستا گزارش داده اند. صرفاً بعد از ۱۳۸۶ فیصدی ولادت ها در مراکز صحتی به سرعت ازدیاد حاصل نمود. سروی خوشه یی چند شاخصه ۱۳۸۹ فیصدی ولادتها در مراکز صحتی را ۳۲.۹ فیصد نشان داد. و از آن زمان به بعد یک رشد ثابت و خطی در زمینه مشاهده می شود (شکل ۹.۲۲). همچنان گراف نشان می دهد که با در نظر داشت میزان رشد فعلی به دو دهه دیگر نیاز است تا وقوع ولادت ها در مراکز صحتی همگانی گردد.

شکل ۲۲.۹: فیصدی زنانی که در مراکز صحتی ولادت نموده اند به تفکیک سروی



۳.۴.۹: تنظیم خانواده

دسترسی به پروگرام تنظیم خانواده مصون و داوطلبانه یکی از حقوق ابتدایی بشری است که به یک زوج اجازه می دهد تا در مورد تعداد، زمان و فاصله بین اطفال شان به صورت مستقلانه تصمیم بگیرند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تجزیه و تحلیل مکمل پروگرام تنظیم خانواده در نظر گرفته نشده است اما تنها دو سوال ذیل در مورد پلان گذاری خانواده در آن گنجانیده شده است:

- آیا شما در حال حاضر از کدام روش جلوگیری یا تاخیر حاملگی استفاده می کنید؟
- از کدام روش استفاده می کنید؟

مصاحبه شونده ها سپس یک لست روش های جلوگیری از حاملگی را مرور نموده اند: عقیم سازی، آله داخل رحمی^۴، زرقیات، غرس، تابلیت، کاندوم، شیردهی، پرهیز در زمان مشخص سیکل ماهوار زنان، و سایر روش های سنتی و روش های جدید. معلومات در مورد پروگرام تنظیم خانواده به منظور محاسبه میزان استفاده ادویه ضد حاملگی یا توضیح مشخصات زنان که از روش های کنترل ولادت استفاده می کنند، استفاده شده نمی تواند زیرا سوالات مطرح شده محدود به زنانی بود که در پنج سال گذشته قبل از سروی یک بار ولادت نموده باشند و در جریان مصاحبه حمل نداشتند. معلومات مندرج این بخش لذا منحصی شاخص های استفاده از ادویه ضد حاملگی برای تمام زنان افغانستان استفاده شده نمی تواند.

در میان تمام زنان عروسی شده که در سنین ۴۹ سال یا جوانتر از آن بودند، ۹۲.۳ فیصد آنها ولادت کرده و ۷.۷ فیصد هنوز طفل نداشتند. از جمله زنانی که طفلی تولد کرده اند، ۷۶.۸ فیصد آنها در جریان پنج سال آخریک بار ولادت نموده اند. برای ۲۰ فیصد این زنان هیچ معلومات در مورد استفاده از ادویه ضد حاملگی به دست نیامده است زیرا آنها در جریان سروی خاطرنشان نمودند که حمل دارند. در بین زنانی که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان شامل بودند و در پنج سال گذشته ولادت نموده اند ۱۴.۴ فیصد تمام زنان از روش زرقیات ضد حمل، ۱۱.۹ فیصد از تابلیت های ضد حمل استفاده نموده اند (شکل ۲۳.۹ دیده شود). شیردهی نیز یک روش جلوگیری از حمل در جریان شش ماه اول بعد از ولادت یا الی زمان آغاز دوباره عادت ماهوار به شمار می رود. از جمله زنان شامل سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۹.۹ فیصد آنها از شیردهی منحصی یک روش جلوگیری از حمل استفاده کرده اند. روش غرس کردن ۰.۵ (فیصد) و استفاده از آله داخل رحمی (۲.۴ فیصد) در مقایسه با استفاده از کاندوم (۶.۳ فیصد) کمتر معمول بوده است. روش های سنتی کم و بیش استفاده شده اند: ۰.۷ فیصد زنان از پرهیز در زمان مشخص استفاده کرده اند و ۲.۹ فیصد سایر روش های عنعنوی را تجربه نموده اند.

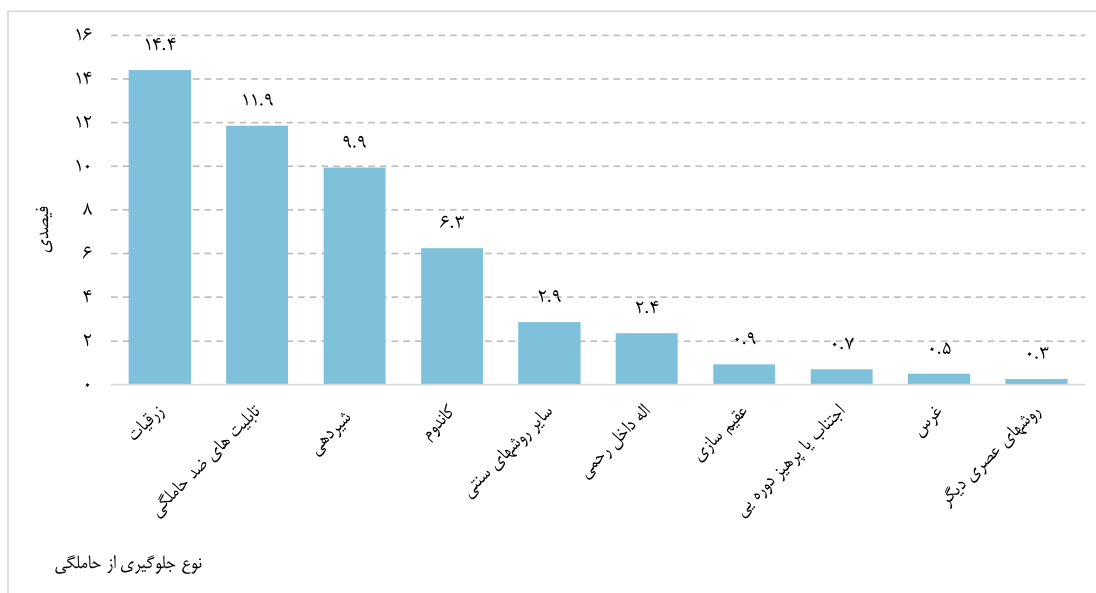
طبق یافته های سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴، ۳۳ فیصد زوج های موجود از روش های ضد حاملگی استفاده نموده اند که ۲۰ فیصد آن را استفاده از یک عصری تشکیل می دهد.

^۴ - Inter Uterus Device (IUD)

به دلیل اینکه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان از یک گروه محدود زنان سوالات در مورد روش های ضد حاملگی پرسیده شده ، لذا فیصدی استفاده از روش های ضد حاملگی بسیار بلند می باشد: ۴۹.۳ فیصد تمام زنان واجد شرایط گزارش داده اند که از روش های ضد حاملگی استفاده نموده اند، که از جمله آنها ۴۵.۹ فیصد زنان از یک روش عصری ضد حاملگی استفاده کرده اند. قسمی که در سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴ ذکر شده روش های عصری شامل عقیم سازی، زرقیات، آله داخل رحمی، تابلیت های ضد حاملگی، غرس، کاندوم یا پوش مردانه و شیردهی می باشد. روش های عصری ضد حاملگی ۹۳.۲ فیصد تمام روش های استفاده شده ضد حاملگی را تشکیل می دهد که مشابه معلومات ارایه شده در سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴ (۹۳.۱ فیصد) می باشد.

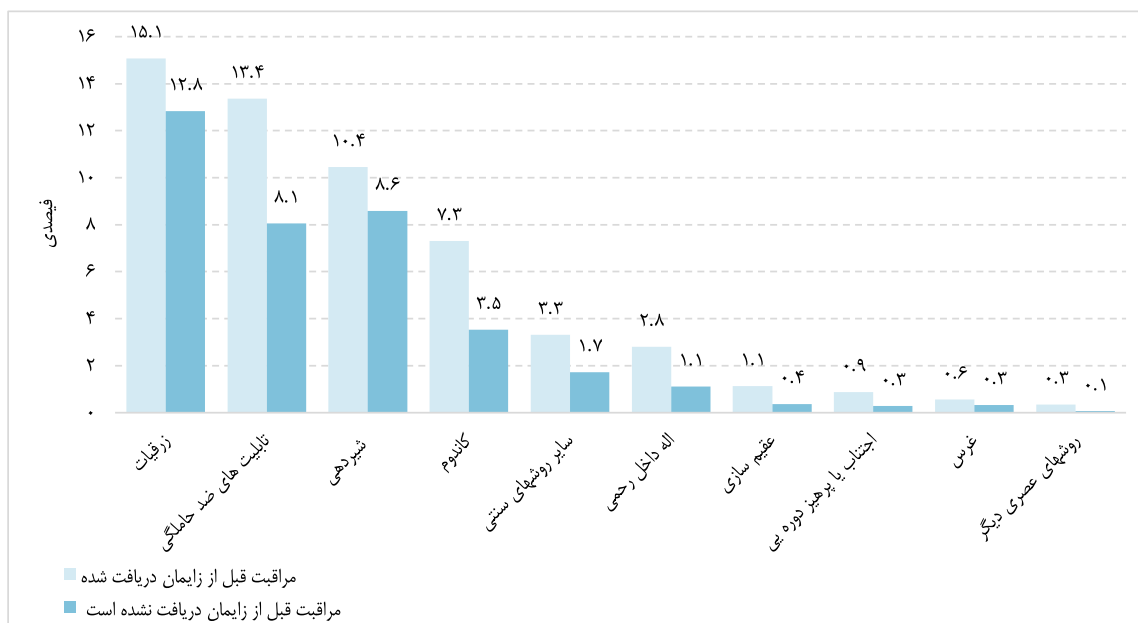
طبق یافته های سروی صحت و دموگرافی سال ۱۳۹۴، روش های پروگرام تنظیم خانواده که به صورت مکرر در بین خانواده ها در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرند شامل استفاده از تابلیت های ضد حاملگی (۷۰.۰ فیصد) و زرقیات (۵۰.۰ فیصد) ضد حاملگی می باشد.

شکل ۲۳.۹: فیصدی زنان که در پنج سال آخر قبل از سروی یک طفل به دنیا آورده و از روش های ضد حاملگی استفاده می نمودند، به تفکیک روش ضد حاملگی



مراقبت های قبل از ولادت برای عرضه کننده گان خدمات مراقبت های صحتی این فرصت را فراهم می کند تا مزایای مادری مصون، صحت مادر و طفل و فواید پروگرام تنظیم خانواده را با زنان شریک نماید. سروی ارزیابی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ زمینه ارزیابی زنانی را که از مراقبت های قبل از ولادت استفاده کرده اند و بیشترین کاربرد روش های ضد حاملگی نزد شان وجود داشته، را فراهم می نماید. این واقعیت قضیه است. استفاده از روش های مختلف کنترل حاملگی در میان زنانی که مراقبت های صحتی قبل از ولادت را دریافت کرده اند به ۵۴.۴ فیصد می رسد و در مقابل ۳۶.۱ فیصد را زنانی تشکیل می دهند که مراقبت های قبل از ولادت را دریافت نکرده اند. شکل ۲۴.۹ نشان می دهد که فیصدی استفاده از روش های جلوگیری از حاملگی در میان زنانی که از مراقبت های قبل از ولادت استفاده می کنند بلندتر می باشد. تفاوت مقدار استفاده از تابلیت ضد حاملگی بین زنانی که مراقبت های قبل از ولادت دریافت کرده اند با زنانی که به این مراقبت ها دست نیافته اند بسیار بزرگ می باشد یعنی ۱۳.۴ فیصد در برابر ۸.۱ فیصد.

شکل ۲۴.۹: فیصدی زنان با یک ولادت در پنج سال آخر قبل از سروی که در حال حاضر از روش های ضد حاملگی استفاده می کنند به تفکیک روش ضد حاملگی و تفکیک استفاده از مراقبت های قبل از ولادت



۴.۴.۹: مراقبت طفل

مکمل ویتامین A

کمبود ویتامین A در اطفال زیر ۵ سال یک مشکل مهم صحتی در افغانستان است. به اساس یافته های سروی ملی غذایی افغانستان سال ۱۳۹۲، نصف تمام اطفال در گروپ های سنی ۵۹-۰ ماه (۵۰.۵ فیصد) و ۱۱.۳ فیصد زنانی که در سن باروری قرار دارند به کمبود ویتامین A مواجه می باشند (وزارت صحت عامه، و ۲۰۱۳ UNICEF). همچنان ۴۵.۸ فیصد اطفال سنین ۵۹-۶ ماه و ۱۰.۸ فیصد زنانی که در سن باروری قرار دارند به کمبود ویتامین A مواجه هستند. مطابق به نورم های سازمان صحتی جهان، در صورتی که بیشتر از ۲۰ فیصد اطفال سنین ۵۹-۶ ماه به یک کمبود مواجه باشند، این امر یک مشکل جدی صحت عامه تلقی می شود. بنابراین با رقمی که بیش از ۵۰ فیصد است، افغانستان معضله بسیار جدی کمبود ویتامین A دارد.

ویتامین A یک ماده مغذی حیاتی بوده که در انکشاف نورمال سیستم عینی یا بصری، رشد حجرات و تولید حجرات خون نقش دارد. امراض مزمن کمبود ویتامین A شامل کوری زمان طفولیت، کم خونی و مقاومت پایین در مقابل انتانات مانند سرخکان و امراض اسهالات می باشد. مطالعات متعدد نشان داده اند که مکمل ویتامین A (به شکل دوا یا غذا) میزان وفیات را در بین اطفال خورده سن کاهش می دهد و منجر به کاهش واقعات مرگ و میر نزد مادران نیز می گردد (WHO ۲۰۰۹). به منظور مقابله با کمبود ویتامین A در افغانستان، مکمل ویتامین A به خانواده های دارای اطفال جوان توزیع می شود. جهت اندازه گیری مؤثریت این کمپاین یک سوال در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ گنجانیده شده که چند طفل زیر سن پنج سال در جریان شش ماه اخیر تابلیت و یا کپسول ویتامین A دریافت کرده اند. این سوال مرتبط با سوالی بود که یک زن چند طفل کمتر از پنج سال دارد.

در میان تمام اطفال زیر سن پنج سال، ۵۱.۲ فیصد آنها یک مکمل ویتامین A در جریان شش ماه قبل از سروی دریافت کرده اند. اطفال مناطق شهری تابلیت یا کپسول های ویتامین A را به میزان بیشتری (۶۴.۷ فیصد) نسبت به اطفال مناطق دهاتی (۴۸.۸ فیصد) و اطفال کوچی (۳۳.۷ فیصد) دریافت کرده اند.

توزیع ویتامین A در سالهای اخیر کاهش یافته است. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ حدود ۶۳.۲ فیصد اطفال مکمل ویتامین A به دست آورده اند که نشان دهنده ۱۲ فیصد رقم بیشتر از یافته های سروی کنونی می باشد. همچنان در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ و در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ فیصدی اطفالی که مکمل ویتامین A را دریافت نموده بودند به ترتیب به ۵۹.۸ فیصد و ۶۹.۴ فیصد می رسید.

چوکات متن ۲.۹: شاخص ۱۹.۱۶ اهداف انکشاف پایدار- نسبت اطفال زیر پنج سال که تولدشان توسط یک مرجع رسمی ملکی ثبت شده است (به فیصد).

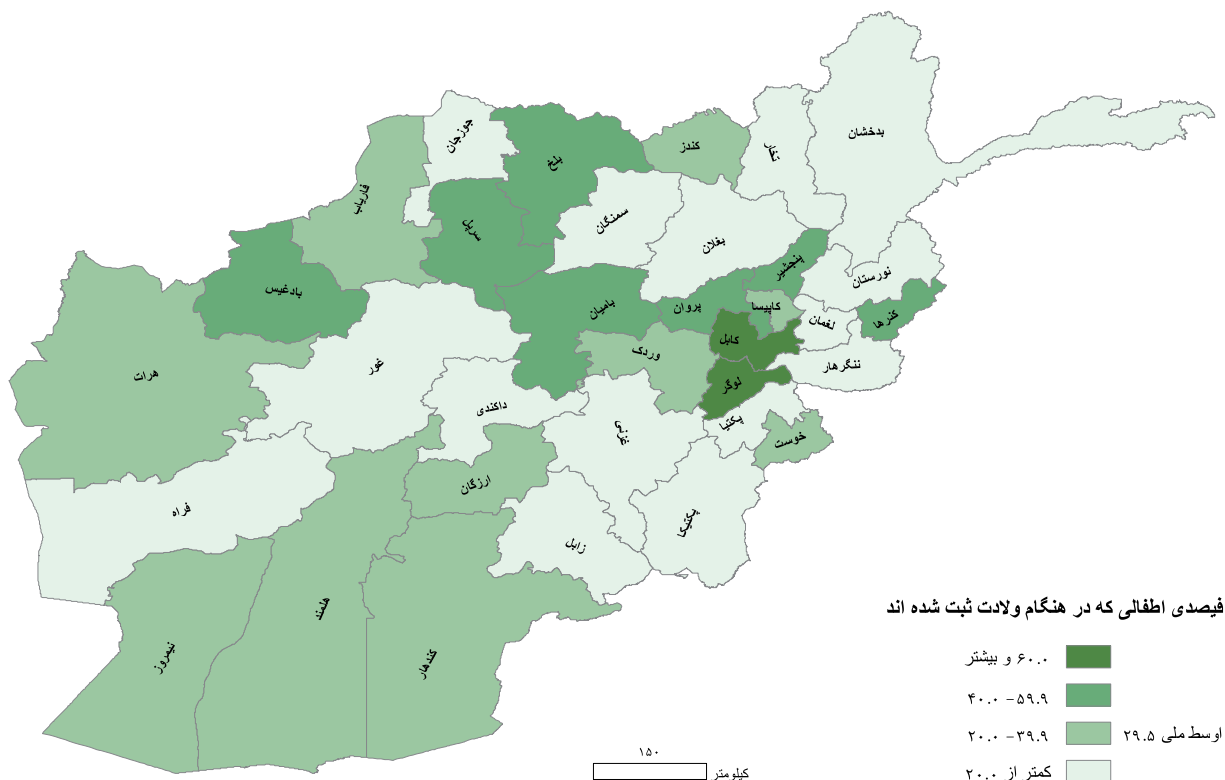
تناسب اطفال زیر پنج سال که تولدشان توسط یک مرجع رسمی ملکی ثبت شده یک شاخص مهم برای هدف ۱۶، اهداف انکشاف پایدار میباشد. (بهبود جوامع صلح آمیز و همه شمول برای انکشاف پایدار، فراهم سازی دسترسی به عدالت برای همگان و ایجاد نهادهای مؤثر، حساسیده و همه شمول در تمام سطوح). کارکرد سیستم عدلی و سایر خدمات دولتی بسیار زیاد وابسته به ثبت و راجستر درست شهروندان میباشد.

ملی	۲۹.۵ فیصد
شهری	۶۰.۹
دهاتی	۲۹.۵
کوچی	۱۰.۴

در جریان سروی وضعیت زندگی در افغانستان از پاسخ دهندگان انث سوال شد که در جریان پنج سال اخیر چند طفل نوزاد شان ثبت تولد شده اند. در میان تمام اطفال کمتر از پنج سال، ۲۹.۵ فیصد آنها ثبت تولد شده اند. در مناطق شهری ۶۰.۹ فیصد، در مناطق دهاتی ۲۲.۴ فیصد و در بین نفوس کوچی تنها ۱۰.۴ فیصد اطفال ثبت تولد شده اند. سوال در مورد ثبت تولد در سروی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱ نیز شامل گردیده بود. در آن زمان ۳۵.۲ فیصد تمام ولادت ها ثبت می شدند. نتایج به دست آمده در زمینه نشان می دهد که کشور یک قدم عقب رفته است زیرا رقم ثبت تولد در حال حاضر ۵.۷ فیصد کمتر از سال ۱۳۹۱ می باشد.

شکل ۲۶.۹ نشان می دهد که چندین ولایت تا هنوز فاصله طولانی درپیش دارند تا به یک سیستم کارآمد ثبت تولد دسترسی پیدا کنند. حدود ۹ ولایت تا هنوز کمتر از ده فیصد ولادت ها را ثبت می کنند. تنها پنج ولایت بیشتر از ۵۰ فیصد پوشش دارد: بلخ، پروان، بادغیس، لوگر و کابل بلندترین شمار ثبت تولدات را دارند.

شکل ۲۶.۹: فیصدی اطفال سنین ۰-۵۹ ماه که بعد از ولادت ثبت تولد شده اند، به تفکیک ولایت



۵.۹ معلولیت

۱.۵.۹ اندازه گیری معلولیت

در جریان سالهای گذشته میتودولوژی اندازه گیری وقوع معلولیت به صورت قابل ملاحظه تغییر یافته است. در حال حاضر عقیده بر این است که به منظور تعریف و دانستن معلولیت و ارزیابی یک شخص برای معلولیت ها، شرایط فیزیکی و روانی آن در مقایسه با گذشته تمام فعالیت های عمومی فیزیکی و اجتماعی آن مورد مشاهده قرار می گیرد. بین اشخاص دارای معلولیت و اشخاص بدون معلولیت کدام خط مشخص وجود ندارد (WHO ۲۰۱۱). تحت نظر کمیسیون احصائیوی ملل متحد، گروپ واشنگتن یک مجموعه شش سوال را در مورد تعیین وضعیت معلولیت یک شخص انکشاف دادند. این سوالات به اساس اصول حقوق مساوی و مشارکت اجتماعی و دسترسی مساوی به فرصت ها برای شخص معلول طرح شده اند. هدف این سوالات این است تا دانسته شود که تا کدام حد اشخاص دارای معلولیت توانایی سهمگیری در فعالیت های روزمره مانند اشتغال، تحصیل، زندگی در خانه و خانواده را در مقایسه با اشخاص بدون معلولیت دارا می باشند. فعالیت هایی که انتخاب شده اند شامل: دیدن، شنیدن، قدم زدن یا از زینه ها بالا آمدن، به یاد آوردن یا تمرکز کردن، مراقبت شخصی و توانمندی افهام و تفهیم می باشد. کنگوری جوابات برای هر سوال مشابه بوده و وابسته به درجه مشکل پاسخ دهنده در انجام دادن هر فعالیت مربوطه می باشد. چهار جواب ممکن عبارتند از: نخیر - مشکل نیست، بلی - اندکی مشکل، بلی بسیار مشکل است و به هیچ وجه نمی توانم انجام دهم.

سروی ارزیابی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ تمام شش سوال ذکر شده را از مصاحبه شونده گان پرسیده است. در صورتی که جواب شخص نخیر - مشکل نیست باشد، سوال بعدی در مورد مشکلات انجام یک فعالیت مشخص پرسیده شده است. در صورتی که پاسخ دهنده جواب داده که اندکی مشکل است یا بسیار مشکل است یا خاطر نشان نموده که به هیچ وجه توان انجام فعالیت را ندارد، یک سوال اضافی در مورد دلیل محدودیت مطرح شده است. کنگوری چهار جواب برای شش سوال در مورد معلولیت با چهار سطح معلولیت مطابقت دارد:

- عدم معلولیت: شخص جواب دهنده در مورد تمام ۶ فعالیت ذکر شده پاسخ داده؛ نخیر - مشکل نیست؛
- محدودیت خفیف در فعالیت: شخص جواب دهنده بیان داشته که با یک یا چندین فعالیت مشکل جزئی دارد اما در انجام هیچ یک از فعالیت های ذکر شده نگفته است که در انجام دادن آن مشکلات زیاد دارد و یا به هیچ وجه قادر به انجام آن نمی باشد.
- محدودیت متوسط در فعالیت: شخص جواب دهنده بیان داشته که با یک یا چندین فعالیت مشکل زیاد دارد اما در انجام هیچ یک از فعالیت های ذکر شده نگفته است که به هیچ وجه قادر به انجام آن نمی باشد.
- محدودیت شدید در فعالیت: شخص جواب دهنده بیان داشته که به هیچ وجه قادر به انجام یک یا چندین فعالیت نمی باشد.

گروپ واشنگتن^۶ پیشنهاد نموده که: نفوس فرعی معلولین شامل تمام اشخاصی است که حداقل در یکی از زمینه ها دارای یک محدودیت باشد که تحت مشخصات؛ مشکلات زیاد در انجام فعالیت؛ یا عدم نبود هیچ نوع توانایی برای انجام فعالیت، شناسایی گردیده است. یا به عبارت دیگر، محدودیت متوسط یا شدید در فعالیت، به معلولیت یک شخص دلالت می کند^۷. در این گزارش، از همین دسته بندی استفاده شده است. در منطقه آسیا تلاشها به منظور بهبود وضعیت اشخاص دارای معلولیت توسط استراتیژی انجیون^۸ اداره می شود (حقیقت را واقعیت ببخش)^۹ این استراتیژی نیز عین تقسیمات را که گزارش بانک جهانی در مورد معلولیت تذکر داده به کاربرده است^{۱۰}.

۲.۵.۹ شیوع و الگوی معلولیت

در تحلیل ها زمانی شخص معلول تلقی می شود که در پاسخ سوالات مطرح شده در مورد یک یا چندین فعالیت جواب؛ مشکلات زیاد در انجام کار؛ یا؛ نبود هیچ نوع توانایی در انجام کار؛ را ارایه نماید. با استفاده از این معیار قبول شده بین المللی، تخمیناً ۹۲۴ هزار نفر در افغانستان دارای یک نوع معلولیت هستند. این رقم دلالت بر میزان شیوع ۳.۲ فیصدی معلولیت می کند و بین میزان معلولیت مردان و زنان تفاوت اندکی وجود دارد که به ترتیب ۳.۲ فیصد در برابر ۳.۱ فیصد می باشد. میزان معلولیت در مناطق شهری (۴.۳ فیصد) نسبت به مناطق دهاتی (۲.۸ فیصد) و نفوس کوچی (۳.۱ فیصد) بلندتر می باشد. به اساس نتایج به دست آمده در یک تعداد ولایات معلومات ارایه شده مبنی بر موجودیت معلولیت بسیار اندک بوده که می دهد که گزارش دهی موارد معلولیت بسیار کم بوده است. به اساس گزارش بانک جهانی سال ۱۳۹۰ در مورد معلولیت وقوع معلولیت به سطح جهانی ۲.۹ فیصد می باشد (سازمان صحتی جهان ۲۰۱۱). با در نظر داشت انکشاف اقتصادی و اجتماعی در افغانستان رقم متوقعه در سطح کمتر از یک یا دو فیصد به این امر دلالت می کند که شیوع واقعی معلولیت ناچیز شمرده شده و از نظر باز مانده است. ارقام ارایه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان در مورد معلولیت نشان می دهد که شش ولایت دارای شیوع کمتر از یک فیصد معلولیت می باشد و در ۱۵ ولایت این رقم به کمتر از ۲ فیصد می رسد. در قسمت سایر کشورهای آسیایی عوامل اجتماعی و فرهنگی سبب می شود تا پاسخ دهندگان در مورد شرایط و وضعیت اعضای دارای معلولیت خانواده معلومات دقیق ارایه نمایند و حتی در یک تعداد واقعات مصاحبه کننده گان نیز از طرح سوالات مناسب خودداری می کنند. حقیقتی که نشان دهنده شمار بسیار پایین واقعات معلولیت می باشد نشان می دهد که برآورد کنونی تمام کشور ۳.۲ فیصد ممکن یک تصویر حقیقی سطح معلولیت در کشور نباشد. این بدان معنی است که معلومات ارایه شده در مورد میزان شیوع معلولیت دقیق نمی باشد.

^۶ - Washington Group

^۷ - Washington Group ۲۰۱۰

^۸ - Incheon Strategy

^۹ - Make the Right Real

^{۱۰} - UN-ESCAP ۲۰۱۲

در سال ۱۳۸۴، نخستین سروی ملی معلولیت در افغانستان توسط مؤسسه بین المللی معلولیت (Handicap International)^{۱۱} به نمایندگی دولت افغانستان انجام شد. سروی از یک روش یا میتودولوژی استفاده کرد که توسط گروپ واشنگتن انکشاف یافته بود بنابراین روش متفاوتی را جهت دریافت موجودیت اشخاص دارای معلولیت در خانوارها به کار برد. سروی از یک مجموعه ۲۷ سوالی به منظور تعیین موجودیت یک شخص دارای معلولیت در خانوار^{۱۲} استفاده نمود. یافته های به دست آمده نشان داد که میزان وقوع معلولیت به ۲.۷ فیصد می رسد که نظر به یافته های سروی وضعیت زندگی در افغانستان رقم پایین تر را نشان می دهد. همچنان مقایسه مستقیم هردو رقم مشکل می باشد زیرا در هردو سروی از روش های مختلف استفاده شده است. سروی ارزیابی ملی خطرات در افغانستان سال ۱۳۸۶ از یک روش اندازه گیری وقوع معلولیت استفاده کرده که مشابه به روش سروی کنونی وضعیت زندگی در افغانستان می باشد. مگر، به عوض تمام شش نوع فعالیت پیشنهاد شده توسط گروپ واشنگتن، تنها پنج نوع آن مورد بررسی قرار گرفته است: دیدن، شنیدن، قدم زدن، مراقبت از خود و به یادآوردن. سروی ارزیابی ملی خطرات در افغانستان از تعریفات مشابه شامل در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ استفاده نموده است. به طور مثال یک شخص زمانی معلول محسوب می شود که حداقل یکی از فعالیت های ذکر شده را با مشکل بسیار انجام داده بتواند. مطالعات انجام شده نشان داده است که ۱۶ فیصد تمام اشخاص دارای یک نوع معلولیت بوده اند که تنها نصف سطح موجود را تشکیل می دهد. ازدیاد یک سوال اضافی در مورد توانمندی ها ممکن است اثراتی داشته باشد اما تمام تفاوت های را که مشاهده شده تحت پوشش قرار داده نمی تواند. دلیل اینکه تفاوت ها بین سروی ارزیابی ملی خطرات در افغانستان سال ۱۳۸۶ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ به علت تغییرات واقعی یا کیفیت معلومات به وجود آمده واضح نمی باشد.

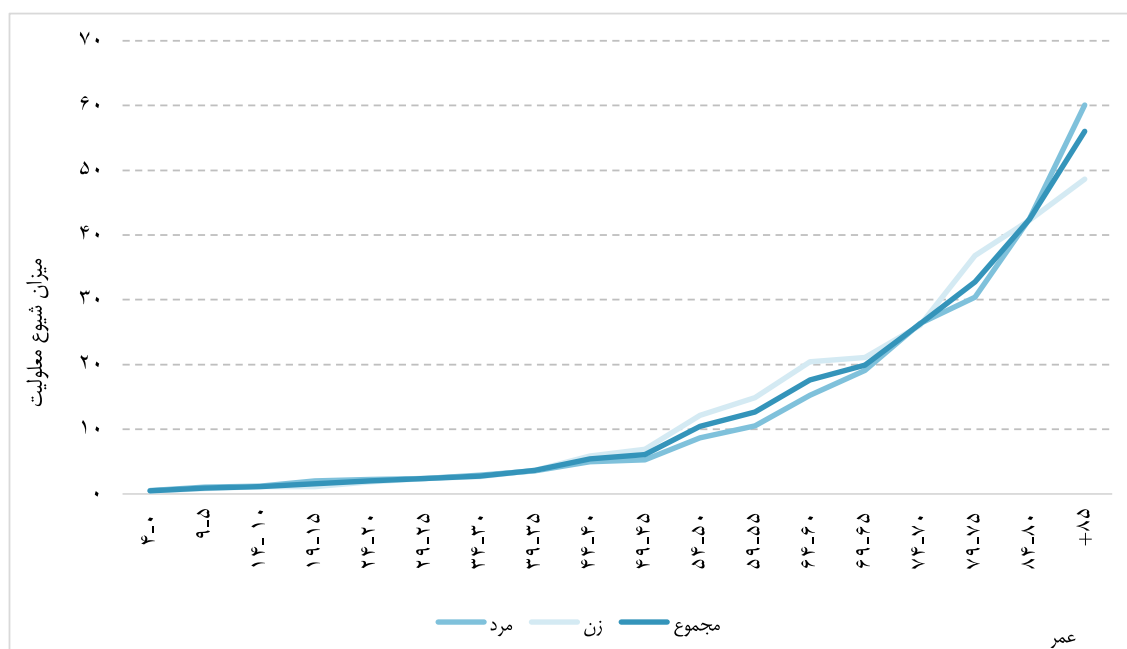
وقوع معلولیت در بین نفوس تا حدی زیاد به سن وابسته است. جدول ۱۲.۹ میزان وابستگی سنی به معلولیت را با ذکر شاخص تساوی جنسیت در معلولیت نشان می دهد و شکل ۲۷.۹ به شکل گرافیک میزان معلولیت را بیان می کند. شاخص تساوی جنسیتی مساوی به نسبت میزان معلولیت نظر به سن مشخص برای زنان تقسیم میزان معلولیت نظریه سن مشخص برای مردان میباشد.

جدول ۱۲.۹: میزان وقوع معلولیت به تفکیک گروپ سنی دارای تفاوت پنج سال، و جنسیت (به فیصدی): شاخص تساوی جنسیتی و معلولیت به تفکیک گروپ های سنی

عمر	مرد	زن	مجموع	معلولیت شاخص تساوی جنسیتی
مجموع	۳.۲	۳.۱	۳.۲	۰.۹۸
۴ -	۰.۵	۰.۴	۰.۵	۰.۸۳
۵ - ۹	۱.۰	۰.۸	۰.۹	۰.۸۰
۱۰ - ۱۴	۱.۲	۱.۱	۱.۲	۰.۹۴
۱۵ - ۱۹	۲.۰	۱.۱	۱.۶	۰.۵۶
۲۰ - ۲۴	۲.۲	۱.۹	۲.۰	۰.۸۴
۲۵ - ۲۹	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۱.۰۲
۳۰ - ۳۴	۲.۹	۲.۷	۲.۸	۰.۹۴
۳۵ - ۳۹	۳.۶	۳.۷	۳.۶	۱.۰۲
۴۰ - ۴۴	۵.۰	۵.۹	۵.۵	۱.۱۷
۴۵ - ۴۹	۵.۳	۶.۹	۶.۱	۱.۳۱
۵۰ - ۵۴	۸.۶	۱۲.۲	۱۰.۴	۱.۴۱
۵۵ - ۵۹	۱۰.۵	۱۴.۹	۱۲.۶	۱.۴۲
۶۰ - ۶۴	۱۵.۲	۲۰.۴	۱۷.۶	۱.۳۴
۶۵ - ۶۹	۱۹.۱	۲۱.۱	۱۹.۹	۱.۱۱
۷۰ - ۷۴	۲۶.۴	۲۶.۱	۲۶.۲	۰.۹۹
۷۵ - ۷۹	۳۰.۴	۳۶.۸	۳۳.۸	۱.۲۱
۸۰ - ۸۴	۴۲.۵	۴۲.۳	۴۲.۴	۰.۹۹
۸۵+	۶۰.۱	۴۸.۶	۵۶.۰	۰.۸۱

دارای تفاوت پنج سال

شکل ۲۷.۹: میزان وقوع معلولیت به تفکیک گروه سنی دارای تفاوت پنج سال و به تفکیک جنسیت (به فیصدی)

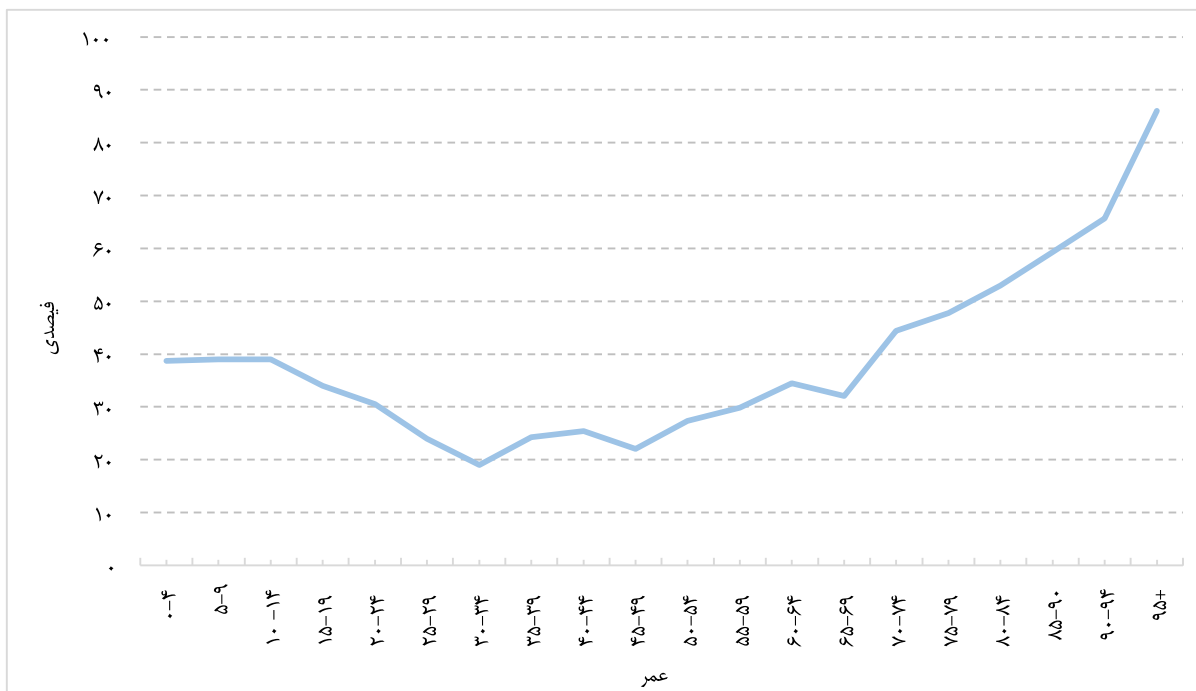


شکل به وضاحت نشان می دهد که در بین گروه های سنی جوانتر میزان معلولیت بسیار پایین است. برای هر گروه سنی بعدی یک افزایش اندک در میزان معلولیت برای هر دو جنس مرد و زن دیده می شود. در گروه سنی ۴۵-۴۹ میزان معلولیت برای هر دو جنس ۶.۱ فیصد می باشد. بعد از سن ۵۰ سال یک افزایش سریع در میزان معلولیت مشاهده شده است. بین سنین ۶۵ تا ۶۹ یک پنجم اشخاص در افغانستان معلول هستند. در گروه ها سنی ۷۰-۷۴ این رقم یک نفر از چهار نفر می باشد. در بین گروه سنی مسن تر ۸۵+ بیشتر از نصف اشخاص دارای یک معلولیت هستند (۵۶.۰ فیصد).

با وجود اینکه نمونه ها متغیر هستند، شاخص تساوی جنسیتی یک روال وابسته به جنسیت و سن را در وقوع معلولیت نشان می دهد. در سنین جوانتر، الی ۳۵ سال، واقعات معلولیت در بین مردان در تناسب با زنان (شاخص کمتر از ۱، به استثنای گروه سنی ۲۵-۲۹) بیشتر دیده می شود. بین سنین ۴۰ الی ۷۰ سال، وقوع معلولیت در زنان نسبت به مردان واضحاً بلندتر می باشد. این رقم در شمار دقیق اشخاص دارای معلولیت در هر دو گروه بزرگ سنی به صورت واضح منعکس گردیده است. بین سنین ۰ الی ۳۴ سالگی ۱۷۰ هزار مرد و ۱۳۹ هزار زن دارای معلولیت وجود دارد، در عین حال در سنین بین ۴۰ الی ۶۹ سالگی ۱۹۰ هزار مرد دارای یک معلولیت در برابر ۲۲۵ هزار زن وجود دارد. دلایل مربوطه در زمینه واضح نشده و نیازمند یک تحقیق ژرف می باشد.

در بین اشخاص دارای معلولیت، ۳۳.۱ فیصد گفته اند که دارای معلولیت های متعدد می باشند. این فیصدی در بین مردان (۳۳.۴ فیصد) در مقایسه با زنان (۳۲.۲ فیصد) اندکی بلندتر می باشد با وصف آنکه تفاوت های موجود از نظر احصائیوی بسیار با اهمیت نمی باشند. معلولیت های متعدد در مناطق شهری (۳۱.۴ فیصد) نظر به مناطق دهاتی (۳۳.۷ فیصد) و نفوس کوچی (۳۱.۴ فیصد) تا حدی کمتر می باشد. تفاوت های دریافت شده بین مناطق شهری و دهاتی از لحاظ احصائیوی چشمگیر بوده اما بین مناطق شهری و کوچی و دهاتی و کوچی به آن سطح نمی باشند. الگوی سنی معلولیت های متعدد به شکل U^{۱۳} نشان داده می شود (شکل ۲۸.۹ دیده شود). تناسب مردم دارای معلولیت، که معلولیت های متعدد دارند در سنین جوانتر بسیار بلند می باشد (به طور مثال ۳۸.۷ فیصد برای سنین ۴-۰ سال) و سپس در بین سنین ۳۴-۳۰ سالگی کاهش حدود ۱۸.۷ فیصد در آن دیده شده و بلاخره در سنین مسن تر این رقم به سطح بسیار بلند می رسد. داشتن معلولیت های متعدد در سنین کهنسالی نزد اشخاص قابل درک بوده اما دلیل اینکه یک کاهش قابل ملاحظه در سنین ۳۰ سالگی نزد اشخاص دیده می شود دانسته نشده است. احتمالاً یک پروسه طبیعی انتخابی در آن دخیل است که طی آن اطفال و اشخاص جوانتر دارای معلولیت های متعدد قبل از رسیدن به سن پختگی فوت می نمایند.

شکل ۳۸.۹: فیصدی اشخاص دارای معلولیت که به معلولیت های متعدد مبتلا هستند به تفکیک گروه های سنی دارای تفاوت پنج سال

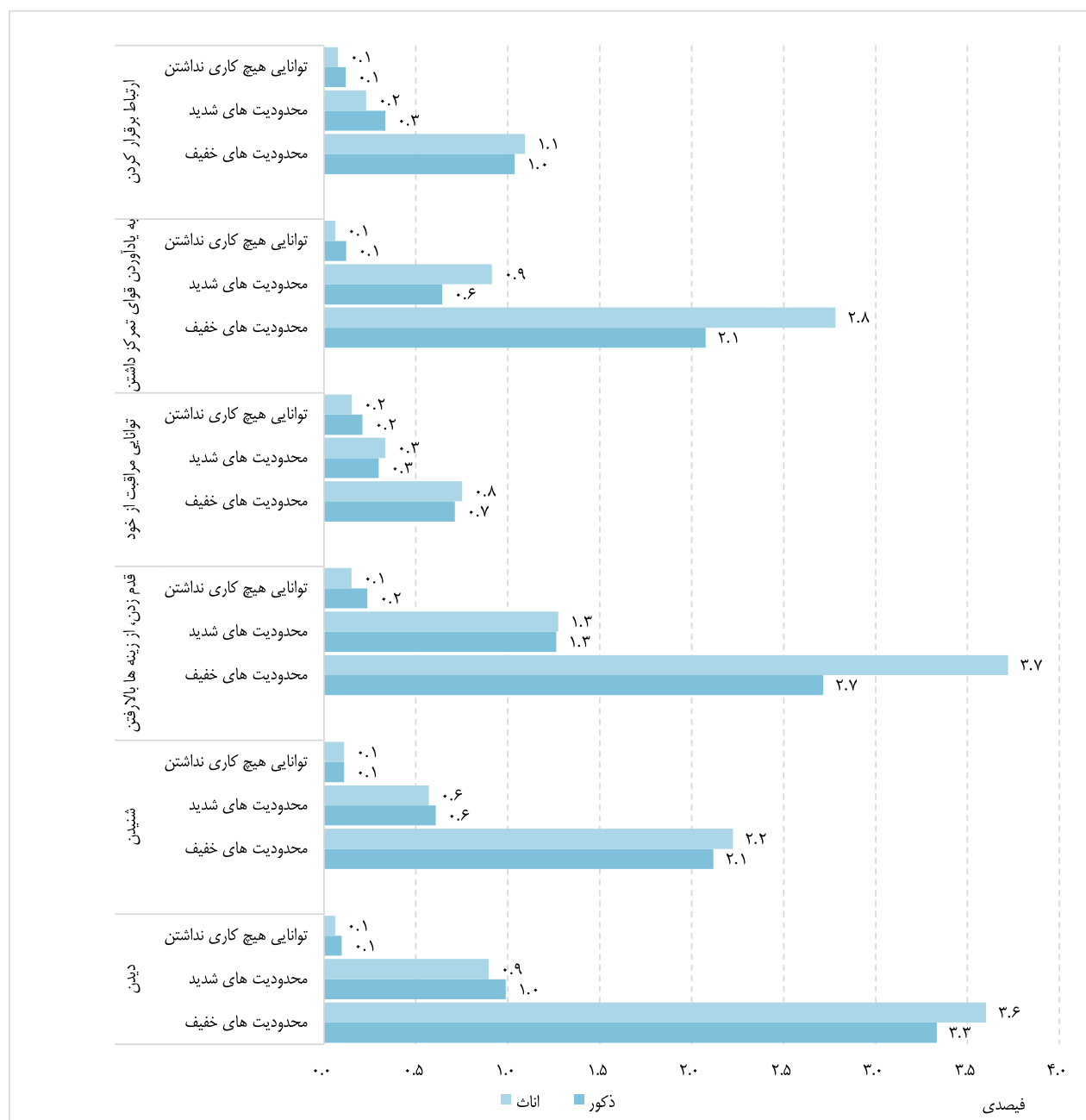


۳.۵.۹ انواع معلولیت

شکل ۳۹.۹ فیصدی اشخاص با درجه مشکلات در اجرای شش فعالیت پیشنهاد شده توسط گروه واشنگتن^{۱۴} برای زنان و مردان را نشان می دهد. فیصدی محدودیت های خفیف، قسمی که توقع می رود، نظریه محدودیت های شدید بسیار بلند می باشد.

برای هریک از شش فعالیت پیشنهاد شده زنان فیصدی بلند محدودیت های خفیف (با بعضی مشکلات) در تناسب به مردان نشان داده اند در حالی که فیصدی زن ها و مردها برای محدودیت های وظیفوی متوسط و شدید مشابه می باشد. فعالیتی که در آن محدودیت متوسط و شدید در سطح بلند وجود دارد؛ قدم زدن / بالا رفتن از زینه ها؛ می باشد، همچنان فیصدی هر دو جنس برای فعالیت های با مشکلات زیاد ۱.۳ فیصد بوده و برای محدودیت های شدید برای هر دو جنس به ترتیب ۰.۱ و ۰.۲ فیصد برای زنان و مردان می باشد. محدودیت دوم که به صورت مکرر دیده می شود فعل دیدن می باشد.

شکل ۲۹.۹: اشخاص دارای محدودیت های مشخص وظیفوی به تفکیک محدودیت ها در فعالیت ، درجه مشکل بودن اجرای فعالیت های مشخص به تفکیک جنسیت (به فیصدی تمام نفوس)



نتایج به دست آمده از سروی نشان می دهد که افغانستان دارای ۲۳ هزار نابینا، ۳۲ هزار ناشنوا، ۵۶ هزار نفر که توانایی راه رفتن یا بالا رفتن از زینه ها را ندارند، ۵۳ هزار نفر که توانایی مراقبت از خود را ندارند، ۲۷ هزار نفر که مشکل فراموشی دارند و قوه تمرکز شان ضعیف است و ۲۸ هزار نفر که مشکلات افهام و تفهیم دارند. به اساس پاسخ های داده شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، تخمین می شود که ۱۱۳ هزار نفر در افغانستان یک معلولیت شدید دارند. از میان اشخاص دارای معلولیت شدید، وقوع معلولیت های متعدد (متوسط یا شدید) بسیار بلند می باشد: ۷۰.۶ فیصد اشخاص دارای معلولیت شدید معلولیت های متعدد دارند.

جدول ۹.۱۳: میزان معلولیت های مشخص وظیفوی را نشان می دهد. که شامل اشخاصی می شود که در اجرای وظایف بسیار مشکل دارند یا هیچ توانایی اجرای فعالیت های وظیفوی را ندارند. راه رفتن، بالا رفتن از زینه ها از جمله فعالیت هایی است که در آن میزان وقوع معلولیت بسیار بلند است (۱.۵ فیصد)، پس از آن در قدم دوم فعل دیدن است که شیوع آن ۱.۰ فیصد می باشد. توانمندی در افهام و تفهیم از جمله فعالیت هایی است که دارای میزان پایین وقوع معلولیت می باشد (۰.۴ فیصد). تفاوت های کمتر در زمینه وقوع معلولیت بین هر دو جنس دیده می شود.

جدول ۱۳.۹ : میزان معلولیت در فعالیت های مشخص به تفکیک جنسیت (به فیصدی)

معلولیت	ذکور	اناث	مجموع
دیدن	۱.۱	۱.۰	۱.۰
شنیدن	۰.۷	۰.۷	۰.۷
قدم زدن، از زینه بالا رفتن	۱.۵	۱.۴	۱.۵
توانایی مراقبت از خود	۰.۵	۰.۵	۰.۵
به یاد آوردن، قوای تمرکز داشتن	۰.۸	۱.۰	۰.۹
ارتباط برقرار کردن	۰.۵	۰.۳	۰.۴

معلومات در مورد عوامل اینکه مردم به کدام دلیل دچار معلولیت می شوند برای پالیسی سازان مهم پنداشته می شود، و آنها را قادر می سازد تا در مورد چگونگی جلوگیری از معلولیت در بین نفوس به اساس شواهد تصمیم اتخاذ نمایند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، از افرادی که دارای یکی از سه نوع معلولیت، خفیف، متوسط و شدید بودند در مورد علت معلولیت شان نیز سوال پرسیده شده است. جدول ۱۴.۹ دلایلی که برای هر یک از شش نوع فعالیت گروپ واشنگتن به تفکیک جنسیت توسط پاسخ دهنده گان ارایه شده خاطر نشان میسازد که شامل محدودیت های متوسط و شدید می باشد. برای تمام شش فعالیت ذکر شده، مریضی، عوامل ارثی و کبرسن منحث عوامل مهم معلولیت برای هر دو جنس ذکور و اناث تذکر داده شده است. عامل چهارم و بسیار مهم شامل کتگوری "دیگر" می باشد (۱۱.۲ فیصد). برای سالیان متمادی، افغانستان درگیر جنگها و منازعات مسلحانه بود. از جمله تمام عوامل فزیکتی یا روانی محدودیت ها ذکر شده، ۳.۲ فیصد توسط ماین ها و مواد انفجاری و ۲.۱ فیصد واقعات به سبب جنگ و منازعات مسلحانه به وجود آمده اند. این فیصدی در بین مردها به تناسب زنها ۵.۱ فیصد در برابر ۱.۱ فیصد برای ماین ها و مواد منفجره گزارش شده و ۲.۸ فیصد در برابر ۱.۳ واقعات بنابر عوامل جنگ و منازعات مسلحانه می باشد. به اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، تعداد افراد و اشخاص دارای معلولیت در افغانستان به سبب جنگ و مواد منفجره و ماین های زمینی حدود ۱۲۰ هزار تخمین شده است. قابل ذکر است که این معلومات بنابردلایل ذیل بسیار دقیق نمی باشد:

- طوری که در فوق تذکر داده شد، در یک تعداد ولایات در مورد سطح معلولیت ها گزارش کافی و دقیق ارایه نمی شوند.
- سروی وضعیت زندگی در افغانستان قادر نبود تا از یک تعداد زیاد مناطق در کشور بنابر وضعیت شکننده امنیتی و منازعات داخلی بازدید نماید. احتمال آن می رود که در این مناطق تعداد اشخاص و افرادی که دارای معلولیت هستند بنابر موجودیت جنگ و منازعه بالقوه به صورت قابل ملاحظه بلند باشد.

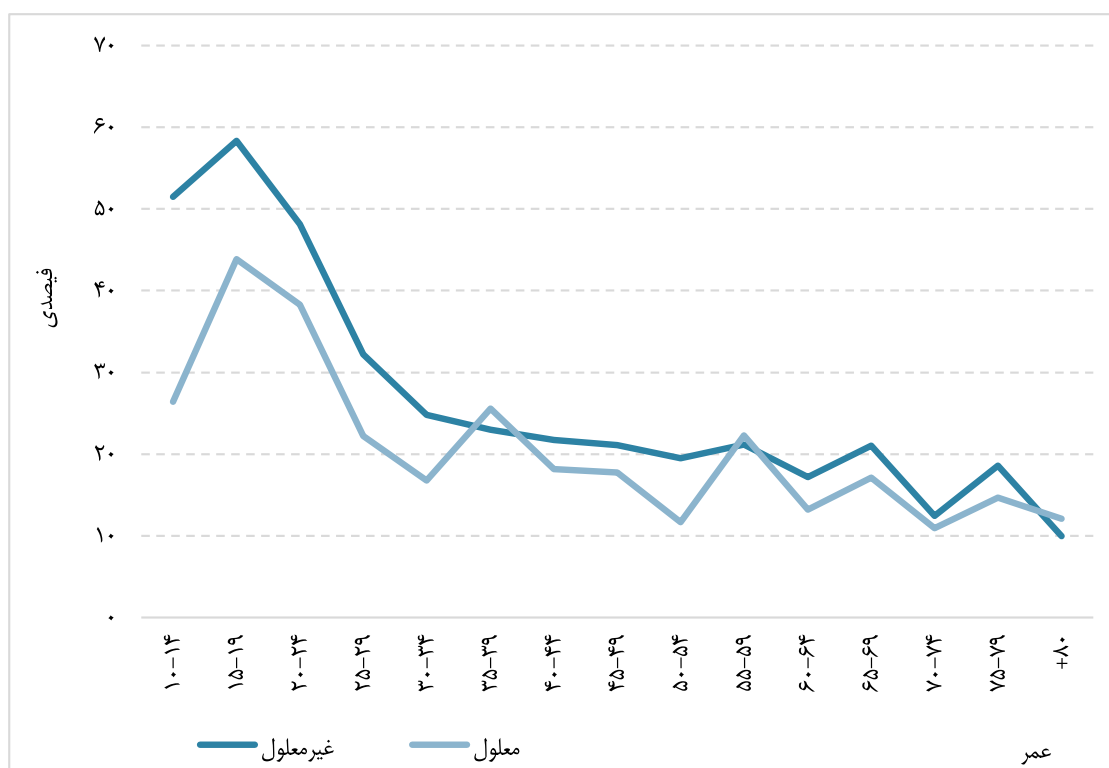
جدول ۱۴.۹ : شش محدودیت شدید و متوسط به تفکیک جنسیت و عامل محدودیت (به فیصدی)

جنسیت، نوع معلولیت	دیدن	شنیدن	قدم زدن، از زینه بالا رفتن	توانایی مراقبت از خود	به یادآوردن قوای تمرکز داشتن	ارتباط برقرار کردن	همه معلولیت ها
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
حادثه ترافیکی	۱.۱	۱.۲	۲.۸	۲.۵	۱.۰	۱.۸	۱.۸
حادثه ناشی از کار	۲.۱	۲.۱	۴.۲	۲.۳	۰.۹	۱.۷	۲.۵
حوادث دیگر	۴.۹	۴.۹	۵.۸	۶.۷	۴.۰	۶.۳	۵.۳
ماین ها/ مواد منفجره	۲.۲	۱.۸	۵.۹	۲.۵	۱.۳	۳.۰	۳.۲
منازعات/ جنگ	۱.۸	۲.۴	۲.۶	۱.۶	۱.۸	۱.۳	۲.۱
مادریزادی (از بدو تولد)	۶.۲	۱۸.۷	۱۰.۵	۲۷.۴	۱۶.۴	۳۴.۸	۱۵.۲
مریضی	۲۶.۰	۲۵.۲	۳۴.۸	۳۰.۳	۲۰.۸	۲۶.۹	۲۸.۱
سالمندی	۴۷.۱	۳۷.۵	۲۷.۶	۲۳.۸	۱۸.۱	۱۵.۱	۳۰.۲
مواد مخدر	۰.۳	۰.۲	۰.۱	۰.۰	۱.۰	۲.۵	۰.۵
دیگر	۸.۳	۶.۰	۵.۶	۲.۹	۳۴.۹	۶.۶	۱۱.۲
ذکور	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
حادثه ترافیکی	۱.۲	۱.۷	۴.۷	۲.۵	۲.۰	۱.۸	۲.۸
حادثه ناشی از کار	۳.۲	۲.۷	۵.۹	۲.۳	۱.۷	۲.۴	۳.۷
حوادث دیگر	۵.۸	۷.۱	۶.۸	۶.۷	۵.۸	۷.۴	۶.۴
ماین ها/ مواد منفجره	۳.۲	۳.۲	۹.۶	۲.۵	۱.۶	۴.۵	۵.۱
منازعات/ جنگ	۲.۹	۳.۳	۳.۹	۱.۶	۱.۸	۰.۹	۲.۸
مادریزادی (از بدو تولد)	۷.۳	۱۸.۹	۱۲.۷	۲۷.۴	۲۳.۴	۳۶.۱	۱۸.۱
مریضی	۲۱.۱	۱۹.۴	۲۶.۰	۳۰.۳	۱۷.۷	۲۲.۶	۲۲.۳
سالمندی	۴۷.۲	۳۷.۷	۲۵.۵	۲۳.۸	۲۱.۹	۱۴.۱	۳۰.۰
مواد مخدر	۰.۶	۰.۴	۰.۲	۰.۰	۲.۲	۳.۹	۰.۹
دیگر	۷.۵	۵.۷	۴.۶	۲.۹	۲۱.۹	۶.۲	۷.۹
اناث	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
حادثه ترافیکی	۱.۰	۰.۷	۰.۸	۰.۴	۰.۱	۱.۷	۰.۷
حادثه ناشی از کار	۰.۷	۱.۴	۲.۴	۰.۸	۰.۲	۰.۸	۱.۲
حوادث دیگر	۴.۰	۲.۵	۴.۶	۷.۴	۲.۵	۴.۵	۴.۰
ماین ها/ مواد منفجره	۱.۱	۰.۲	۱.۸	۰.۵	۱.۰	۰.۷	۱.۱
منازعات/ جنگ	۰.۵	۱.۵	۱.۳	۱.۷	۱.۷	۱.۹	۱.۳
مادریزادی (از بدو تولد)	۴.۸	۱۸.۵	۸.۱	۲۰.۳	۱۰.۹	۳۲.۸	۱۲.۲
مریضی	۳۱.۸	۳۱.۷	۴۴.۴	۳۶.۳	۲۳.۳	۳۳.۳	۳۴.۳
سالمندی	۴۶.۹	۳۷.۴	۲۹.۹	۲۸.۳	۱۵.۲	۱۶.۷	۳۰.۴
مواد مخدر	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۳	۰.۰
دیگر	۹.۲	۶.۲	۶.۷	۴.۳	۴۵.۱	۷.۳	۱۴.۸

۴.۵.۹ وابستگی معلولیت

مانند اکثر کشورهای دیگر در جهان، در افغانستان نیز اشخاص دارای معلولیت یک گروپ آسیب پذیر را تشکیل داده اند. به گونه مثال، فیصدی اطفال و جوانان سنین ۵ - ۱۸ سال که به مکتب می روند در میان اشخاص دارای معلولیت (۷۴.۷ فیصد) در مقایسه با اشخاص بدون معلولیت (۸۷.۴ فیصد) نهایت پایین است. مثال دیگر سطح پایین سواد بین اشخاص دارای معلولیت می باشد. شکل ۳۰.۹ میزان سطح سواد را در سنین مشخص بین اشخاصی که دارای معلولیت و یا بدون معلولیت هستند نشان می دهد. عموماً اشخاص دارای معلولیت در مقایسه با اشخاص بدون معلولیت در سطح پایین سواد قرار دارند. این امر در خصوص یک تعداد کتگوری های سنی تطابق نمی کند، اما دلیل آن ممکن است به علت تغییرات بیشتر در نمونه های کوچک باشد. برای تمام اشخاص بالای ۱۵ سال، سطح سواد بین اشخاص دارای معلولیت ۱۹.۷ فیصد بوده این در حالیست که میزان کلی سطح سواد در بین اشخاص بدون معلولیت به ۳۵.۶ فیصد می رسد. به اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ جوانب مختلف آسیب پذیری اشخاص دارای معلولیت مانند شرایط خانه و مسکن موقعیت آنها در بازار کار، جایگاه اقتصادی، صحت باروری زنان دارای معلولیت و نوع خانوار که در آن زندگی می کنند، می تواند مورد بررسی قرار گیرند. موارد ذکر شده از محدوده و امکانات این گزارش خارج است تا به تمام جوانب زندگی اشخاص دارای معلولیت در افغانستان پرداخته شود. یک تعداد جوانب مختلف جایگاه اشخاص دارای معلولیت در فصل های دیگر (قوه کاری و تعلیم و تربیه) مورد بررسی قرار گرفته اند. بنابر وضعیت آسیب پذیر اشخاص دارای معلولیت در جامعه افغانی، تهیه یک گزارش مشخص موضوعی در این زمینه سودمند خواهد بود.

شکل ۳۰.۹: میزان سواد به تفکیک گروپ های سنی دارای تفاوت پنج سال، به تفکیک وضعیت معلولیت (به فیصدی)



۱۰. مسکن و تسهیلات خانوار

خلاصه: وضعیت مسکن مردم افغانستان بطور کل نامناسب است. اما طی سالهایی که سروی های متمادی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان انجام شده است، معیارهای مسکن و تسهیلات مسکن به طور عموم در اکثر خانوارها، با تفاوت بزرگ میان مناطق شهری و دهاتی بهبود را در سراسر ولایات نشان می دهد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نشان دهنده بهبود قابل ملاحظه در بعضی از شاخص های مرتبط به مسکن و پیشرفت خیلی محدود، رکود یا حتی زوال در سایر شاخص ها است. تحلیل این فصل اساس ۸ شاخص اهداف انکشاف پایدار را در سکتور مسکن ایجاد نموده و نظارت پیشرفت دوره های بعدی سروی وضعیت زندگی در افغانستان و سایر منابع ارقام احصائیوی را فراهم خواهد نمود.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان شاخص ۱۰.۱.۹ اهداف انکشاف پایدار (بخشی از نفوس شهری که در ۲ کیلومتری سرک همه فاصله زندگی می کنند) را ۶۳ فیصد تعیین نمود. دسترسی نفوس به برق (شاخص ۱۰.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار) در مقایسه به دوره قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری/ سروی وضعیت زندگی در افغانستان افزایش قابل ملاحظه نموده تا اندازه یی که تقریباً تمام خانوارهای افغان (۹۸ فیصد) حالا دسترسی به برق، حداقل به هدف تنویر خانه ها دارند. عامل اصلی این پیشرفت سریع، افزایش در استفاده از انرژی آفتابی، خصوصاً در دهات و در میان طوایف کوچی می باشد. استفاده انرژی آفتابی از ۲ فیصد در سال ۱۳۸۶ آغاز شده و حالا توسط ۵۹ فیصد خانوارها استفاده میشود.

دسترسی خانوارها به وسایل تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی در سالهای اخیر افزایش سریع نموده است، اگرچه آن در مقیاس جهانی بسیار پایین است. شاخص های اهداف انکشاف پایدار در خصوص استفاده از تلفون های موبایل و اینترنت نشان دهنده این است که در حدود ۴۳ فیصد نفوس افغانستان از موبایل و ۴ فیصد از اینترنت استفاده می نمایند.

بهبود اندک در خصوص کاهش فقر نشینی شهری نفوس از ۷۴ فیصد در سال ۱۳۹۳ به ۷۲ فیصد در سال ۱۳۹۵ و کاهش استفاده از مواد بیدوام برای اعمار ساختمانها در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ مشاهده شده است. ویژه گی تصرف مسکن، اسکان مالکین در منازل به میزان بلند (۸۷ فیصد) است. کرایه نشینی در مناطق شهری در حال افزایش است، اما صرف در کابل این یک عمل معمولی پنداشته میشود. تقریباً ۷۰ فیصد خانوارهای افغان در خانه های تک فامیلی زندگی می نمایند. در حدود ۶۳ فیصد خانه های مسکونی موجود در کشور بعد از سال ۱۳۹۷ اعمار شده و صرف کمتر از ۲ فیصد آنها در سه سال گذشته اعمار گردیده اند.

بخشی از خانوارهای افغان که از آب صحتی استفاده می کنند، از لحاظ دسترسی به منابع آب آشامیدنی سالم، در مدت میان ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ (۲۷ فیصد) و سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۳ (۶۶ فیصد)، افزایش قابل ملاحظه داشته است. اما سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵، ۶۴ فیصد گزارش شده که در مقایسه با دوره قبلی دو در صد کاهش را نشان میدهد. برعلاوه در جریان سروی، آزمایش کیفیت آب ۱۰ ولایت با همکاری یونیسف صورت گرفت و نشان داد که بیشتر از نصف منابع آبهای آزمایش شده آلوده با مواد مدفوع بوده اند و کیفیت آب از منبع آبی الی مصرف آن توسط خانوارها اغلباً بدتر شده اند. این یافته ها، اگرچه محدود بوده و نماینده گی به سطح ولایت یا کشور نمی نمایند، ولی نشان می دهد که تنها ۲۳ فیصد آب مصرفی خانه های افغانستان در ولایات عاری از آلوده گی اند و صرف ۲۱ فیصد خانوارها دسترسی به خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی دارند (شاخص اهداف انکشاف پایدار ۱۰.۱.۶). شاخص نیابتی که سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ برای این شاخص تهیه می نماید - بدون درنظرداشت آلودگی آب- یک رقم نماینده گی کننده برای افغانستان در سطح ملی ۳۶ فیصد است.

وضعیت دسترسی خانوارها به تسهیلات سیستم فاضلاب از هنگام سروی قبلی وضعیت زندگی در افغانستان بهبود قابل ملاحظه نموده است، با افزایش از ۳۹ فیصد در سال ۱۳۹۳ به ۵۳ فیصد در سال ۱۳۹۵. اما اگر صرف بهبود تسهیلات سیستم فاضلاب که میان خانوارها شریک نگردیده اند درنظرگرفته شود (خدمات اساسی سیستم فاضلاب، حسب تعریف شاخص اهداف انکشاف پایدار ۲.۱.۶)، این فیصدی به ۴۱ فیصد کاهش می نماید. به طور عموم، سیستم فاضلاب در مقایسه به کشورهای منطقه به طور کل ضعیف بوده است. تا هنوز کمبود همه جانبه زیرساختهای اساسی سیستم فاضلاب در کشور بر احتمال خطرات بلند و بالقوه امراض ساری مهلک، خصوصاً به صحت و ادامه حیات اطفال دلالت می کند.

طوریکه ازدحام توسط مؤسسه هیئات ملل متحد تعریف گردیده است، منازل با بیشتر از ۳ نفر در هر اتاق - یکی از نگرانی ها فرا راه بهبود وضعیت مسکن در افغانستان می باشد. به طور کل، در حدود ۴۴ فیصد نفوس افغانستان در خانه های مزدحم زندگی می کنند، به طور اوسط با ۳.۲ نفر در هر اتاق. وضعیت صحتی در اثر استفاده از سوخت های جامد جهت پخت و پز (۷۵ فیصد خانوار ها) و تسخین (۹۶ فیصد) بدتر شده و در ۳ سال اخیر بهبود قابل توجه نداشته است.

وضعیت مسکن و تسهیلات خانوار انعکاس دهنده مستقیم انکشاف اجتماعی-اقتصادی و وضعیت زندگی نفوس است. وضعیت مسکن و تسهیلات آن دربرگیرنده وضعیت فیزیکی منزل و عمر آنها، نوعیت منزل، اندازه منزل با ترکیب تعداد ساکنین، تصرف منزل، دسترسی اعضای خانوار به سهولت های آب و سیستم فاضلاب، نوعیت انرژی استفاده شده، محیط و ماحول و مهیا بودن تسهیلات می باشد. عاید ناکافی مردم را وادار میکند تا در منازل بی کیفیت زندگی کنند. مسکن نامناسب میتواند منجر به مصونیت کمتر در برابر امراض، مشکل در خوابیدن و استراحت، مشکلات برای اطفال در انجام کار خانگی، خطر آتش سوزی و درگیری فامیلی گردد. اغلباً سیستم های فاضلاب ناکافی اند، آب آشامیدنی وجود نداشته یا اندک است و تخلیه و نجات در حالات اضطرار مشکل بوده میتواند. در بعضی محله های فقیر، زباله ها برداشته نمی شوند که احتمالاً باعث ابتلا به بیماری های ساری و سایر مشکلات صحت میگردد. محله های فقیر اغلباً با کمبود مکتب، میدان های بازی، سهولت های ورزشی و تفریحی مواجه بوده و ممکن است که بعضی اوقات غیرموصون باشند.

دسترسی به آب آشامیدنی پاک، سیستم فاضلاب و حفظ الصحة میتواند بیماری و مرگ و میر ناشی از امراض را کاهش داده، و در کاهش فقر و انکشاف اجتماعی-اقتصادی کمک نماید. موجودیت و نوعیت تسهیلات خانوار شاخص های خوبی برای نشان دادن وضعیت اجتماعی-اقتصادی یا محرومیت از نیازهای اساسی برای خانوارها یا اشخاص می باشند. عدم دسترسی به ترانسپورت و مخابرات، پیدا نمودن شغل و انجام فعالیت های مستقل اقتصادی را بیشتر با چالش مواجه میسازد. عدم دسترسی به سرک، دریافت کار، سهولت های صحتی، اجتماعی و تفریحی را محدود میسازد. بعضی اوقات فقر، برای خانوارها پرداخت مصارف برق یا اتصال به شبکه برق را ناممکن ساخته و خانوارها را از اجناس و حتی از تسهیلاتی که به برق نیاز داشته و سطح زندگی را با فعالیت های مثمر بهبود می بخشد، محروم میسازد. استفاده از مواد سوخت جامد آلوده گی هوا را افزایش داده و میتواند وضعیت صحتی اعضای خانوار را مختل کند.

معلومات تجدید شده در مورد مسکن جهت توسعه پالیسی ها برای رفع نیازمندی های ملی و منطقوی و جهت توسعه چارچوب جامع برای نظارت از سکتور مسکن خیلی مهم است. اینها ابزارهای اساسی تسهیل کننده جهت بهبود شرایط زندگی مردم و جهت حصول اطمینان از انکشاف پایدار اند و در مطابقت کامل با آئندای ۲۰۳۰ انکشاف پایدار قرار دارند. هدف یازدهم انکشاف پایدار (ایجاد شهرها و زیستگاه های فراگیر، مصون، پویا و پایدار)، ۱۰ مقصد و ۱۵ شاخص را مشخص میسازد. از میان سایرین، هدف این مقاصد بهبود شرایط مسکن و دسترسی مردم به خدمات اساسی، سیستم های ترانسپورتی، پلان گذاری و مدیریت اسکان مردم، پلان گذاری توسعهی همه شمول ملی و منطقوی، مناطق شهری، نیمه شهری و دهاتی، پالیسی ها جهت کاهش و سازگاری با تغییرات اقلیم و مقاومت در برابر حوادث را می باشد.

حتی با پیشرفتهای حاصله در سالهای اخیر در بعضی از شاخص های سکتورهای مسکن و با وجود اتخاذ طرح های مختلف توسط حکومت افغانستان و جامعه جهانی، یک بخش مهم نفوس افغانستان با مشکلات مسکن نامناسب، کمبود آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی و خدمات سیستم فاضلاب و سایر خدمات و تسهیلات اساسی مواجه اند. این نوع محرومیت ها در دهات و شهرها وجود دارند، گاهی با تفاوت های بزرگ در میان ولایات. برعلاوه، تعداد قابل ملاحظه نفوس بیجا شده داخلی و مهاجرین قبلی در زیستگاه های غیررسمی داخل یا اطراف شهرهای بزرگ کشور، مانند کابل، هرات، مزارشریف، جلال آباد و کندهار به زندگی ادامه میدهند. جریان مهاجرت های اخیر خصوصاً از پاکستان و ایران، محلات غیررسمی را در اطراف شهرها گسترش داده است. رشد سریع مناطق شهری با برگشت مهاجرین، بیجاشده گان داخلی و مهاجرین اقتصادی از دهات، به شهرها، بیش از پیش تسریع گردید. بنابر همین دلایل، در مناطق مشخص کشور، خاصاً وضعیت مسکن خراب بوده و تعداد منازل فقیر نشین رشد نمود.

این فصل به تشریح ویژگیهای مختلف مسکن پرداخته است که دربرگیرنده مشخصات مسکن (بخش ۱.۲.۱۰)، وضع ملکیت منازل (بخش ۲.۲.۱۰)، آب و سیستم فاضلاب (بخش ۱.۳.۱۰) و سهولت ها و خدمات متعدد اغلباً مرتبط به وضعیت مسکن، از قبیل منابع برق و استفاده از مواد سوخت جهت پخت و پز، تسخین و تنویر، و همچنان موجودیت وسایل ارتباطات و معلومات می باشد. این فصل ارتباط با آئندای ۲۰۳۰ انکشاف پایدار را نشان داده و شاخص ها مطابق به میتادیتا رسمی تا جای ممکن محاسبه شده است تا از قابل مقایسه بودن آن در سطح بین الملل اطمینان حاصل شود^۱. تعداد زیادی از هفده هدف انکشاف پایدار به طور مستقیم به مسکن و انکشاف زیستگاه انسان رابطه دارد. ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در باره مسکن و تسهیلات خانوار ۸ شاخص اهداف انکشاف پایدار را برای اهداف ذیل فراهم می نماید:

- هدف پنجم انکشاف پایدار: دست یافتن به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان و دختران؛
- هدف ششم انکشاف پایدار: حصول اطمینان از موجودیت و مدیریت پایدار آب و فاضلاب برای همه؛
- هدف هفتم انکشاف پایدار: حصول اطمینان از دسترسی به انرژی مدرن قابل حصول، پایدار و مطمئن برای همه؛

^۱ بخش احصائیه سازمان ملل متحد، شاخص های اهداف انکشاف پایدار، آرشیف میتادیتا: <https://unstats.un.org/sdgs/metadata>. که به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۷ تجدید شده است.

- هدف نهم انکشاف پایدار: ایجاد زیربناهای پویا، توسعه صنعتی شدن فراگیر و پایدار و تقویت نوآوری ها؛
- هدف یازدهم انکشاف پایدار: ایجاد شهرها و زیستگاه فراگیر، مصون، پویا و پایدار؛
- هدف هفدهم انکشاف پایدار: تقویت ابزار ها عملی و حیات بخشیدن مشارکت جهانی برای انکشاف پایدار؛

بعضی شاخص ها مطابق به تعاریف قبلی اهداف انکشاف هزاره گزارش شده اند تا قابلیت مقایسه با دوره های قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان را داشته باشند.

۲.۱۰ نوع تصرف و مشخصات مسکن

۱.۲.۱۰ تصرف

تصرف مسکن یک بعد مهم سکتور مسکن است. این به توافقی اشاره دارد که مطابق به آن خانوار منزلی را در اختیار گرفته و اعضای آن در آن زندگی می نمایند (پراگراف ۴.۵۵۶، ملل متحد ۲۰۱۷). این امر اکثراً منجبت واحد نیابتی جهت اندازه گیری عاید و ثروت مدنظر گرفته میشود. مسکن نامناسب ممکن فاقد مصونیت قانونی ملکیت می باشد.

با آنکه در مقایسه با سروی دوره قبلی کاهش اندک به عمل آمده است ولی سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان می دهد که اکثر خانوارهای افغان مالک منزلی اند که در آن زندگی می کنند (در حدود ۸۷.۲ فیصد در جریان ۱۳۹۵ و ۸۸.۹ فیصد در سال ۱۳۹۳). میزان خانوارهایی که مالک منزل اند، به طور قابل ملاحظه یی در دهات در مقایسه به شهرها بلندتر است (به ترتیب ۹۴.۲ و ۶۶.۹ فیصد). جدول ۱.۱۰، توزیع خانوارها را به تفکیک نوع تصرف مسکن در مناطق شهری، دهات و در میان کوچی ها نشان میدهد. منازل شخصی شامل کتگوری هایی مانند واحدهای میراثی، فراهم شده توسط فامیل، منازل خریداری شده و منازل اعمار شده توسط خانوار میباشد.

جدول ۱.۱۰: خانوارها، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع تصرف منزل (به فیصدی)

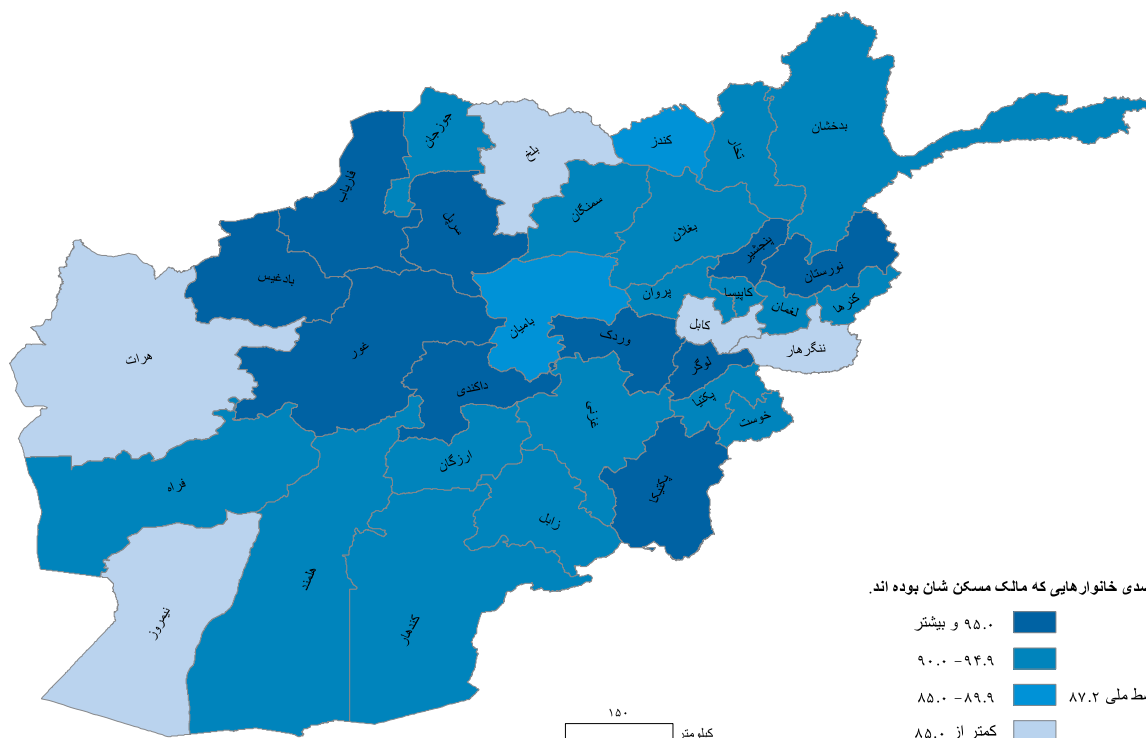
محل اقامت	میراثی یا اهداء شده	منزل خریداری شده	منزل اعمار شده	کرایه نشینی	سایر توافقی موقت	سایر توافقات موقت	مجموع
ملی	۴۸.۵	۱۲.۳	۲۶.۴	۷.۹	۴.۲	۰.۷	۱۰۰.۰
شهری	۲۵.۵	۲۱.۵	۱۹.۹	۲۶.۶	۶.۰	۰.۴	۱۰۰.۰
دهاتی	۵۸.۱	۶.۸	۲۹.۳	۱.۷	۳.۶	۰.۴	۱۰۰.۰
کوچی	۲۸.۶	۴۲.۸	۱۷.۰	۱.۵	۴.۵	۵.۵	۱۰۰.۰

در میان گروه خانوارهایی که منازل شخصی دارند، جالب است که در سطح ملی فیصدی واحدهای میراثی یا واحدهای اهداء شده به طور اندک کاهش نموده است — بیشتر از آن در مناطق شهری صورت گرفته — در مقایسه با سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳، این میزان از ۵۰.۶ فیصد به ۴۸.۵ فیصد کاهش نموده است. فیصدی خانوارهایی که در منازل اعمار شده زندگی می کنند، در میان نفوس دهاتی در مقایسه به نفوس شهری بلندتر است. کرایه گیری افزایش یافته و این امر در مناطق شهری بیشتر معمول است، در حالیکه در دهات و در میان کوچی ها خیلی کم است. خانوارهایی که دارای منازل گروهی بوده و یا با استفاده از سایر امکانات منازل را در اختیار دارند، در تمام مناطق کم است، اما در مقایسه به سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ در حال افزایش است.

فیصدی منازل خریداری شده، اگرچه در سطح ملی ثابت بوده، به طور قابل ملاحظه در میان کوچی ها از ۳۰.۸ به ۴۲.۸ فیصد افزایش داشته است. بنابر خصوصیات متحرک بودن کوچی ها، ارقام مسکن این گروه از نفوس ایجاب تحلیل ها و تفسیر های بیشتر را نموده، و از محدوده هدف این گزارش فراتر است.

در سطح ولایتی، کابل دارای ویژگی جالبی است: فیصدی خانوارهایی که دارای منازل شخصی اند، در حدود ۶۴.۹ فیصد بوده و پایین تر از اوسط سطح ملی است. در واقع ۲۷.۶ فیصد خانوارهای کابلی در واحد های کرایه زندگی می کنند و این امر گرایش مدرن بودن شان را نظر به سایر ولایات نشان می دهد. از سوی دیگر، ارقام ولایات دهاتی به طور برجسته از اوسط ملی بلندتر است (شکل ۱.۱۰).

شکل ۱.۱۰: فیصدی خانوارهایی که منازل مسکونی شخصی دارند، به تفکیک ولایات



۲.۲.۱۰ مشخصات مسکن

در حدود ۶۸ فیصد خانوارهای افغان در خانه های تک فامیلی زندگی نموده و یک چهارم آنها در منازل مشترک زندگی می کنند. اگرچه اکثریت خانه های تک فامیلی در دهات موقعیت دارند، بیشتر خانه های مشترک در مناطق شهری موقعیت داشته و فیصدی آنها در مقایسه به سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۳، ۳ درجه افزایش یافته است. حسب توقع، تمام آپارتمانها در مناطق شهری وجود دارد و بیشتر آنها در شهر کابل موقعیت دارند. فیصدی خیمه ها یا سرپناه های موقت صرف برای نفوس کوچی خیلی زیاد است (جدول ۲.۱۰).

جدول ۲.۱۰: خانوارها، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک نوع تصرف منزل (به فیصدی)

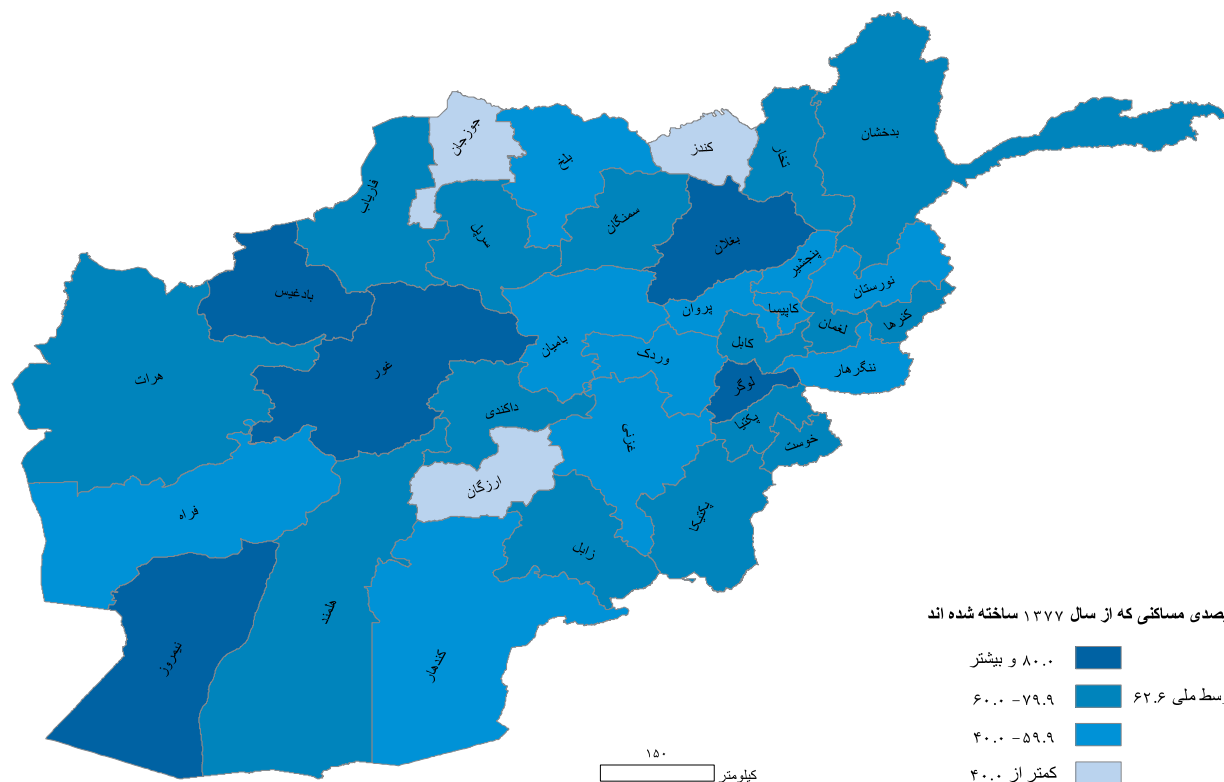
محل اقامت	خانه های تک فامیلی	بخشی از خانه های مشترک	آپارتمان	خیمه	سرپناه موقت / کلبه	سایر	مجموع
ملی	۶۸.۳	۲۵.۶	۰.۵	۴.۵	۱.۱	۰.۱	۱۰۰.۰
شهری	۵۱.۹	۴۶.۰	۱.۲	۰.۱	۰.۷	۰.۱	۱۰۰.۰
دهاتی	۷۸.۷	۲۰.۱	۰.۲	۰.۰	۰.۹	۰.۱	۱۰۰.۰
کوچی	۵.۲	۰.۹	۰.۲	۸۸.۰	۵.۸	۰.۰	۱۰۰.۰

بیشتر منازل که خانوارهای افغان در آنها سکونت می کنند، بعد از سال ۱۳۷۶ ساخته شده اند (۶۲.۶ فیصد)، که از آن میان ۳۰.۶ فیصد بین سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۸۵، ۲۰.۴ فیصد بین سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰، ۹.۲ فیصد بین سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ و صرف ۲.۴ فیصد در جریان ۲ سال قبل از سروی ساخته شده اند.^۲ در این فیصدی ها منازل کوچی ها که

^۲ سال و مدت اعمار منازل معلومات مهم در جهت مشخص سازی قدامت خانه های موجود در کشور است، اما اینگونه ارقام اکثراً عاری از دقت می باشد زیرا ساکنین منازل در مورد زمان اعمار منازل خویش نمیدانند و یا به یاد ندارند. جهت بهبود دقت این متغیر ها، سروی وضعیت زندگی در افغانستان به عوض سالها، مدت زمانی را استفاده نموده است و این ارقام در هر حالت از خطا عاری نیست، خصوصاً در سطح ولایات.

منحیث خیمه شناسایی شده و آن منازل که تثبیت سال اعمار آن ممکن نمی باشد، شامل نیست. در سطح ولایات، از میان ۳۴ ولایت ۲۷ ولایت دارای فیصدی های مشابه منازل تقریباً جدید اند (کمتر از ۲۰ سال قبل)، نزدیک به اوسط ملی (بین ۴۰ الی ۸۰ فیصد). از سوی دیگر، در ولایات لوگر، بغلان، غور، بادغیس و نیمروز تقریباً تمام منازل در ۲۰ سال اخیر اعمار گردیده اند، در حالیکه در ولایت کندز، ارزگان و جوزجان اکثریت خانوارها در منازل قدیمی تر زندگی می کنند (شکل ۲.۱۰).

شکل ۲.۱۰: فیصدی منازل اعمار شده از سال ۱۳۷۷ بدینسو، به تفکیک ولایت



مواد ساختمانی عمده دیوارهای بیرونی، سقف ها و سطوح منازل که در آنها خانوارها زندگی می کنند، جهت ارزیابی دوام و مقاومت ساختمان مهم اند. در افغانستان، اکثر مواد استفاده شده جهت اعمار ساختمانها و منازل غیر مقاوم بوده، با در نظر داشت آن خانه های سستی گلی به طور روز افزون اکثریت مساکن کشور را تشکیل می دهند. اکثریت خانه ها دیوارهای بیرونی دارند که از خشت های گلی ساخته شده اند (۶۶.۶ فیصد در سال ۱۳۹۵ و ۶۸.۲ فیصد در سال ۱۳۹۳)، سقف های اعمار شده با چوب و گل (۷۱.۵ فیصد در سال ۱۳۹۵ و ۷۳.۹ فیصد در سال ۱۳۹۳) بوده است. خانه ها با سنگ و گل نیز اعمار شده اند، خصوصاً در دهات و در میان مردم کوچی که در خیمه ها زندگی نمی کنند (تقریباً ۲۰ فیصد در سطح کشور). خانه های با دیوارهای کانکریتی و خشت پخته اکثراً در مناطق شهری موقعیت داشته و تقریباً ۱۵ فیصد (۱۰ فیصد مطابق به سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳) تمام مسکن موجود در کشور را احتوا می کنند (جداول ۳.۱۰، ۴.۱۰، ۵.۱۰).

جدول ۳.۱۰: خانوارها، به تفکیک محل اقامت، و به تفکیک مواد اساسی ساختمان دیوارهای بیرونی منازل (به فیصدی)

محل اقامت	خشت پخته / سنگ	کانکریت	خشت خام / گل	سنگ / گل	سایر	مجموع
ملی	۱۰.۶	۴.۳	۶۶.۶	۱۷.۷	۰.۷	۱۰۰.۰
شهری	۳۰.۸	۱۲.۰	۵۵.۱	۱.۹	۰.۲	۱۰۰.۰
دهاتی	۳.۴	۱.۶	۷۰.۷	۲۳.۴	۰.۹	۱۰۰.۰
کوچی	۱.۰	۰.۰	۷۶.۱	۱۸.۴	۴.۴	۱۰۰.۰

جدول ۴.۱۰: خانوارها، به تفکیک محل اقامت، و به تفکیک نوع مواد ساختمانی سقف منازل (به فیصدی)

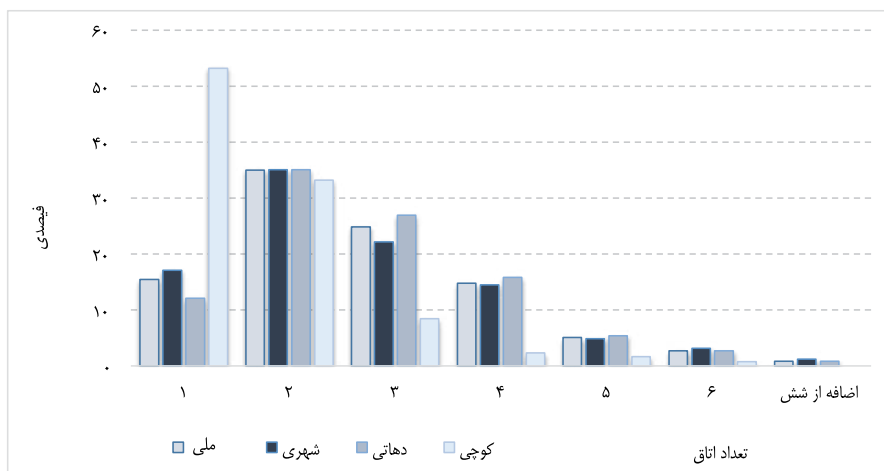
محل اقامت	کانکریت	چوب / چوب با گل	آهن چادر / فلز	گریدر با خشت پخته	خشت خام	سایر	مجموع
ملی	۵.۷	۷۱.۵	۰.۳	۹.۶	۱۲.۵	۰.۴	۱۰۰.۰
شهری	۱۸.۷	۵۲.۱	۰.۳	۲۳.۶	۴.۹	۰.۳	۱۰۰.۰
دهاتی	۱.۲	۷۸.۴	۰.۲	۴.۶	۱۵.۲	۰.۴	۱۰۰.۰
کوچی	۰.۰	۶۹.۹	۰.۰	۱.۵	۲۱.۸	۶.۹	۱۰۰.۰

جدول ۵.۱۰: خانوارها به تفکیک محل اقامت و به تفکیک مواد ساختمانی اساسی سطح منازل (به فیصدی)

محل اقامت	گل / خاک	کانکریت / سنگ کاشی	سایر	مجموع
ملی	۸۲.۱	۱۷.۵	۰.۴	۱۰۰.۰
شهری	۵۰.۱	۴۹.۳	۰.۵	۱۰۰.۰
دهاتی	۹۳.۵	۶.۲	۰.۳	۱۰۰.۰
کوچی	۹۷.۵	۱.۰	۱.۵	۱۰۰.۰

تعداد اتاق ها متحولی است که مساحت منزل را نشان داده و برای تثبیت ازدحام استفاده شده میتواند. ازدحام در خانوارها نشان دهنده آن است که تعداد افراد ساکن در خانوار بیشتر از ظرفیت واحد مسکونی جهت دریافت سرپناه و خدمات کافی استفاده می نمایند. شکل ۳.۱۰ نشان میدهد که تعداد زیاد خانوارهای افغان دارای ۲ اتاق اند (۳۵ فیصد)، کمتر آنها یک اتاق دارند (۱۵.۴ فیصد) و تقریباً نصف خانوارهای افغان دارای ۳ یا بیشتر از ۳ اتاق در دسترس دارند. تعداد اتاق ها در هر خانوار تقریباً در مناطق شهری و روستایی مشابه اند. اکثریت خانوار های کوچی در یک خیمه زندگی می کنند (۵۳.۲ فیصد)، اما در حدود ۳۳.۲ فیصد آنها در ۲ خیمه یا اتاق زندگی می کنند. این ارقام بسیار مشابه به ارقام حاصله از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ می باشد.

شکل ۳.۱۰: خانوارها، به تفکیک تعداد اتاق در منزل و به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)



بنابر بزرگ بودن حجم خانوارها در افغانستان (به طور اوسط ۷.۷ نفر در هر خانوار؛ به فصل ۳ رجوع شود) و فضای محدود در اکثر منازل، تعداد زیاد افغانستانها در وضعیت مزدحم زندگی می کنند. معیارهای بین المللی ازدحام را منحیث یکی از شرایط جهت صنف بندی مسکن نامناسب و تعریف واژه "خانوار ساحات فقیر نشین" در نظر گرفته اند. خانوار ساحات فقیر نشین به وضعیت محرومیتی اطلاق میگردد که اعضای خانوار حداقل به یکی از وضعیت های ذیل مواجه باشند، همانطوریکه از تعریف مسکن مناسب (و نامناسب) توسط کمیسیون حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد (OHCHR۲۰۱۳) اشتقاق شده است:

الف: عدم دسترسی به منبع آب سالم؛

ب: عدم دسترسی به سهولت های سیستم فاضلاب سالم؛

ج: عدم موجودیت ساحه کافی برای زندگی؛

د: مقاومت پایین مسکن؛

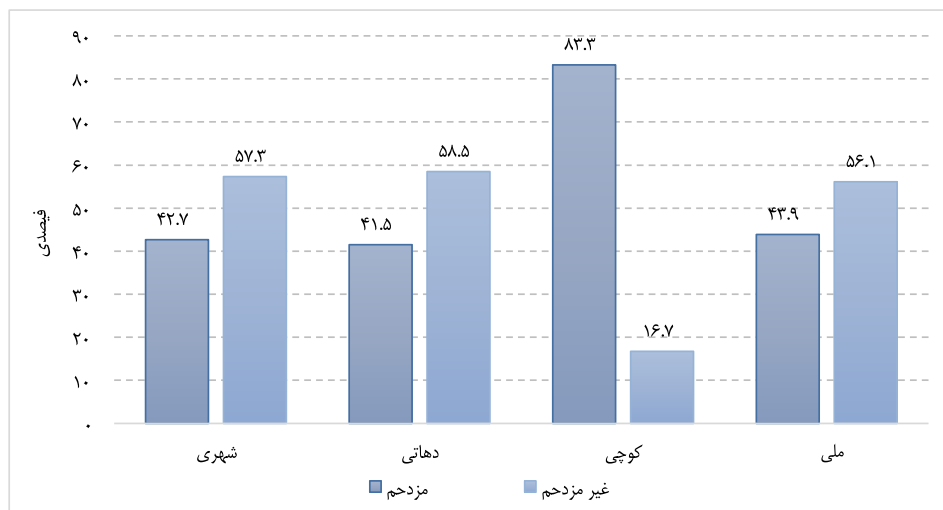
ه: عدم مصونیت ملکیت؛

بر اساس تعریف وسیع، واژه "خانوار ساحه فقیر نشین" به افرادی اطلاق میشود که در یک خانوار زندگی نموده و با کمبود یک یا بیشتر خصوصیات فوق الذکر مواجه باشند (UN-Habitat ۲۰۰۳). این تعریف خانوار ساحه فقیر نشین - تلاش جهت اندازه گیری فقر شهری است - یکی از شاخص ها جهت نظارت از پیشرفت هدف هفتم از اهداف انکشاف هزاره، مقصد ۷ بوده است (که با تطبیق آن تا سال ۱۳۹۹ بهبود قابل ملاحظه در زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون ساحه فقیر نشین بوجود خواهد آمد). همچنان این یکی از شاخص ها جهت نظارت هدف ۱۱ اهداف انکشاف پایدار، مقصد ۱.۱۱ می باشد (حصول اطمینان از دسترسی به مسکن مناسب، مصون و قابل حصول و خدمات اساسی برای همه و بهتر سازی ساحات فقیر نشین). از آنجا که دسترسی به منابع آبی و سهولت های سیستم فاضلاب سالم در بخش بعدی این فصل مورد بحث قرار میگیرد (تسهیلات خانوار)، ساحات زندگی مردم افغان، مقاومت مسکن و مصونیت ملکیت در ذیل ارائه شده است.

در سطح ملی، اوسط تعداد افرادی که در یک اتاق زندگی می کنند ۳.۲ تن بوده و مشابه به نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ (۳.۱ تن) است. مناطق شهری و دهاتی سهم مساوی دارند، اما میزان نفوس کوچی هنوز در حدود ۵ نفر در هر اتاق می باشد. مطابق به سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، به طور کل، ۴۳.۹ فیصد نفوس افغانستان، با تفاوت اندک میان ساکنین شهرها و دهات در وضعیت خانه های مزدحم زندگی می کنند. کوچی ها باز هم نظر به ارقام در وضعیت خیلی آسیب پذیر قرار داشته و ۸۳.۳ فیصد آنها در منازل مزدحم زندگی می کنند (شکل ۴.۱۰). تأثیرات ازدحام زیاد در بر گیرنده افزایش خطر سرایت امراض متعدد ساری و عادات زشت اجتماعی همانند خشونت داخلی و سوء استفاده از اطفال بوده و نتایج منفی را بالای آموزش و انکشاف طفل به جا می گذارد.

^۳ UN-Habitat ازدحام را چنین تعریف نموده است: منازل با بیشتر از ۳ شخص در هر اتاق (UN-Habitat ۲۰۰۷).

شکل ۴.۱۰: نفوس شاغل به تفکیک گروپ های سنی ده ساله و حالت استخدام (به فیصدی)



سروی وضعیت زندگی در افغانستان مقاومت منازل را بر مبنای ثبات ساختارها یعنی مواد دیوارها، سقف و کف اتاق های تعمیر اصلی دایمی اندازگیری می نماید^۴. در صورتی که در دیوارهای بیرونی خشت پخته، سنگ، کانکریت و سمنت استفاده شده باشد، مقاوم در نظر گرفته می شوند؛ همچنان در صورتی که در سقف اتاق کانکریت با فلز، چوب، تیر آهنی و خشت پخته یا خشت خام استفاده شده باشد؛ و در کف اتاق کانکریت و کاشی استفاده شده باشند، منزل مقاوم حساب می شوند. بر اساس این شرایط، ۸۶.۷ فیصد واحد های مسکونی افغانستان که به هدف رهایش استفاده شده اند، غیرمقاوم اند. واژه مصونیت ملکیت - حق حفاظت مؤثر از جانب دولت در برابر اخراج اجباری می باشد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان تمام خانوارهایی را که یک سند قانونی ملکیت، شامل سند ثبت منزل (قباله شرعی)، سند خرید (قباله عرفی) یا سند دیگری که منجیث ثبوت برای مصونیت ملکیت استفاده شده بتواند، در اختیار داشته باشند، ملکیت مصون به حساب می آورد. در سطح کشور، ۴۷.۵ فیصد خانوارها در وضعیت عدم مصونیت ملکیت زندگی می کنند.

ساحات فقیر نشین ثبوت آشکار شرایط نامناسب زندگی، نشانه یی از نابرابری مسکن و عمدتاً مکانی برای زندگی کردن بی سرپناهان می باشد. هدف ۱۱ اهداف انکشاف پایدار (ساختن شهرها و زیستگاه های فراگیر، مصون، پویا و پایدار) قصد دارد تا زندگی در منازل فقیر نشین و نامناسب شهری را کاهش داده و پویایی را تقویت بخشد، تا شهرها برای افرادی که در تلاش فرصت های بهتر کاری و زندگی بهتر اند جذاب گردد. شاخص ۱۰.۱۱ اهداف انکشاف پایدار در تحت این هدف "نسبت نفوس شهری که در ساحات فقیر نشین، مسکن غیررسمی و مسکن نامناسب زندگی می کنند" می باشد. این شاخص در بر گیرنده سه جز است:

الف: خانوارهای فقیرنشین: بخشی از نفوس شهری که در ساحات فقیرنشین زندگی می کنند؛

ب: خانوارهایی دارای مسکن غیررسمی: بخشی از نفوس شهری که خانوارهای شان در محلات غیررسمی زندگی می کنند؛

ج: خانوارها با مسکن نامناسب: بخشی از نفوس شهری که در مسکن نامناسب زندگی می کنند.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ فرصت شناسایی خانوار های ساحات فقیر نشین را فراهم نموده است. میزان واقعی مردم که در ساحات فقیر نشین شهری زندگی می کنند، در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ با استفاده از نیابت و به نماینده گی از نفوسی اندازه گیری شده اند که در خانوارهای شهری با حداقل یکی از مشخصاتی که در بالا در رابطه به مسکن مناسب یادآوری شده است، به استثنای مشخصه مصونیت ملکیت، زندگی می کنند. این امر یک سفارش بین المللی است که برای فعال در شاخص اهداف انکشاف پایدار شامل نگردد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نفوس ساحات فقیر نشین که در شهرها زندگی می کنند، تقریباً ۵.۰ میلیون نفر برآورد نموده که ۷۲.۴ فیصد مجموع نفوس شهری را تشکیل می دهد^۵. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ ارقام مشابه را بر اساس اعداد مطلق نشان می دهد، با آنکه تخمین های سازمان ملل یک قسمت از نفوس شهری را به اندازه تقریباً ۱۰ فیصد کمتر از دوره ذکر شده، بیان میکند^۶.

مؤسسه هیئات ملل متحد افغانستان و حکومت افغانستان تخمین نموده اند که در حدود ۷۰ فیصد منازل شهری در ساحات غیر پلائی موقعیت دارند (حکومت جمهوری افغانستان ۱۳۹۴).

سایت رسمی سازمان ملل متحد در مورد شاخص های اهداف انکشاف پایدار، <https://unstats.un.org/sdgs/indicators/databas> گزارش داده است که در سال ۲۰۱۴، نفوس ساحات فقیر نشین شهری در افغانستان

۶۲.۷ فیصد است. این ممکن است ناشی از استفاده تخمین های مختلف نفوس بوده باشد.

چوکات متن ۱۰۱۰: شاخص ۱۰۱۱ اهداف انکشاف پایدار- قسمتی از نفوس شهری که در ساحات فقیر نشین، زیستگاه های غیررسمی یا مسکن نامناسب زندگی می کنند

قسمتی از نفوس شهری که در ساحات فقیر نشین، زیستگاه های غیررسمی یا مسکن نامناسب زندگی می کنند تا محدودیت های مردم را بخاطر حق مسکن مناسب مستند سازی کند. در افغانستان، این شاخص بهتر است منحصراً شاخص نیابتی جهت گزارش دهی شاخص های اهداف انکشاف پایدار در نظر گرفته شود. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که در سطح ملی ۷۲.۴ فیصد نفوس شهری در ساحات فقیر نشین زندگی می کنند، در حالیکه این رقم ۷۳.۸ فیصد در سال ۱۳۹۳ بود که بهبود اندک را نشان میدهد.

۷۲.۴ فیصد

۳.۱۰ تسهیلات خانوار

معلومات در مورد تسهیلات خانوار جهت دانستن وضعیت اجتماعی - اقتصادی که مردم در آن شرایط زندگی میکنند، مهم است. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ جهت جمع آوری متحول های تسهیلات خانوار مانند منبع آب آشامیدنی، دسترسی به آب آشامیدنی، نوع سهولت تشناب، موقعیت وسایل پخت و پز، نوع مواد مورد استفاده جهت پخت و پز، تسخین و تنویر و منابع برق، طرح گردیده است. همه این ابعاد به طور مستقیم یا غیر مستقیم کیفیت زندگی و حالت صحتی اعضای خانوار را متأثر میسازد. به طور مثال حفظ الصحه اساسی به واسطه تأمین آب آشامیدنی صحتی و سیستم فاضلاب مناسب فراهم شده و به طور کل مؤثر ترین استراتژی ها جهت بهبود حالت صحتی نفوس شمرده میشوند. برعلاوه شواهدی وجود دارد که در سطح جهان ارایه خدمات سیستم فاضلاب مناسب، عرضه آب صحتی و آموزش حفظ الصحه نشان دهنده یک مداخله مثبت و مؤثر صحتی است که باعث کاهش شیوع امراض، مرگ و میر (خصوصاً مرگ و میر اطفال پایین تر از ۵ سال) و مصارف صحتی می گردد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ ارقام مرتبط به دارایی خانوار، مانند یخچال، ماشین رخت شویی، موتر، موترسیکل، رادیو، تلویزیون، موبایل و شبکه های اینترنتی که مالک آنها خانوارها اند، را جمع آوری نموده است. بخش های زیر معلومات در مورد تعداد محدود از تسهیلات خانوار را نشان میدهد. تحلیل کامل ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان در مورد سکتور مسکن نیاز به تحلیل عمیق دارد که فراتر از هدف تحلیل این گزارش است.

۱.۳.۱۰ آب و بهداشت

جهت توانمند سازی نظارت جهانی بر آب آشامیدنی، سیستم فاضلاب و حفظ الصحه (شستن)^۷، سازمان صحتی جهان و یونیسف تحت پروگرام مشترک نظارت برای عرضه آب و سیستم فاضلاب با استفاده از ارقام رسمی کشورها، معیارها و نورم های آب و سیستم فاضلاب به سطح بین المللی انکشاف داده اند. نقش پروگرام نظارت مشترک منحصراً مسؤول مقاصد اهداف انکشاف پایدار در مورد آب آشامیدنی (مقصد ۱۶ اهداف انکشاف پایدار) و سیستم فاضلاب و حفظ الصحه (مقصد ۲۶ اهداف انکشاف پایدار) توسط دفاتر داخلی ملل متحد و گروه متخصصین شاخص های اهداف انکشاف پایدار، در چارچوب آجندای انکشاف پایدار ۲۰۳۰، شناخته شده است. به ادامه رویکرد اهداف انکشافی هزاره، ارقام در مورد آب و سیستم فاضلاب بر مبنای صنف بندی منابع آب آشامیدنی و سهولت های سیستم فاضلاب به تفکیک سالم و ناسالم تقسیم شده است. مقاصد اهداف انکشاف پایدار، معلومات جدید را در مورد سطوح خدمات اضافه نموده، که اندکی تصنیف منابع آب صحتی سالم را تغییر داده است و سهولت های سالم را به سه کتگوری تصنیف کرده که بیشتر شامل خدمات "محدود"، "اساسی" و "مدیریت شده مصون" می گردد. سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ آخرین صنف بندی تعدیل شده و میتود های محاسبه شاخص ها را استفاده نموده است (WHO, UNICEF ۲۰۱۷)، و اولین بار به طور امتحانی در ۱۰ ولایت افغانستان آزمایش کیفیت آب آشامیدنی که توسط اعضای خانوار به مصرف میرسند، تطبیق گردید. آزمایش کیفیت آب به طور امتحانی از طرف یونیسف افغانستان حمایت گردید (بخش فرعی درمورد کیفیت آب بخش پائین را ببینید). هدف ششم اهداف انکشاف پایدار از کشور ها می خواهد تا از موجودیت و مدیریت پایدار آب و سیستم فاضلاب برای همه اطمینان حاصل نمایند و این دربرگیرنده مقصد ۱۶ (تا سال ۲۰۳۰، دسترسی همگانی و کافی به آب آشامیدنی مصون و قابل تهیه برای همه) و مقصد ۲۶ (تا سال ۲۰۳۰، دست یافتن به سیستم فاضلاب و حفظ الصحه مناسب و عادلانه برای همه و پایان بخشیدن رفع حاجب در فضای باز، توجه خاص به نیازهای زنان و دختران و آنهایی که در شرایط آسیب پذیر قرار دارند)، می باشد.

ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ برای اولین بار جهت تهیه شاخص های رسمی اهداف انکشاف پایدار برای افغانستان استفاده شده که ارزیابی نماید:

- قسمتی از نفوسی که از خدمات آب مدیریت شده صحتی استفاده می کنند؛ و
- قسمتی از نفوسی که از خدمات سیستم فاضلاب مدیریت شده سالم مستفید میگردند.

این شاخص ها بهتر است که منحصی تخمین های قوی برای آن قسمت نفوس افغانستان که از منابع آب سالم و سهولت های سیستم فاضلاب سالم استفاده می کنند، همچنان منحصی شاخص های نیابتی از لحاظ دسترسی به خدمات مدیریت شده در کشور، در نظر گرفته شوند.

آب آشامیدنی

چنانچه در بالا ذکر گردید، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ در رابطه به شاخص ۱.۱.۶ اهداف انکشاف پایدار (بخشی از نفوسی که از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی استفاده می نمایند) کتگوری های جدیدی را جهت نظارت از خدمات آب آشامیدنی انکشاف داده است که شامل: مدیریت شده سالم، اساسی، محدود، ناسالم، و عدم آرایه خدمات می گردد (چوکات متنی ۲.۱۰ دیده شود).

جدول ۶.۱۰ نشان میدهد که به طور کل تنها ۳۶.۰ فیصد نفوس افغانستان از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی استفاده می نمایند، با تفاوت بزرگ میان گروه های نفوس. مردم که در مناطق دهاتی زندگی می کنند و نفوس کوچی کمترین سهولت ها را جهت دسترسی به خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحتی دارند - به ترتیب ۲۵.۱ فیصد و ۳۰ فیصد- در مقایسه به نفوس شهری (۷۵.۳ فیصد). اگر آلودگی آب در نظر گرفته شود، این سطوح بیشتر کاهش می یابد و تفاوت ها در میان گروه های نفوس احتمالاً افزایش خواهد یافت.

جدول ۶.۱۰: نفوس، به تفکیک محل اقامت و به تفکیک خدمات آب آشامیدنی (به فیصدی)

محل اقامت	مدیریت شده صحتی ^a	خدمات اساسی	خدمات محدود	نا سالم	نبود خدمات	مجموع
ملی	۳۶.۰	۲۶.۶	۱.۳	۲۲.۱	۱۴.۱	۱۰۰.۰
شهری	۷۵.۳	۱۵.۶	۰.۵	۴.۸	۳.۷	۱۰۰.۰
دهاتی	۲۵.۱	۳۰.۲	۱.۳	۲۶.۶	۱۶.۸	۱۰۰.۰
کوچی	۳.۰	۲۸.۵	۴.۳	۴۰.۴	۲۳.۸	۱۰۰.۰

^a شاخص نیابتی آب آشامیدنی از منابع آبی بهبود یافته منازل، موجودیت و آلوده شدن نهائی آب را که بررسی آن توسط از اعضای خانوار صورت می گیرد در نظر نمی گیرد.

چوکات متن ۲۰۱۰: کتگوری ها جهت نظارت از خدمات آب آشامیدنی

پروگرام نظارت مشترک برای عرضه آب و سیستم فاضلاب سازمان صحتی جهان و یونیسیف تصنیف جدیدی را برای خدمات آب آشامیدنی، بر مبنای شرایط متعدد، طرح نموده است:

- نوع منبع آب آشامیدنی سالم و ناسالم. تصنیف یک منبع آب آشامیدنی سالم که در جریان زمان تصفیه شده باشد. منابع سالم آنهایی اند که از لحاظ دیزاین و ساختمان توانایی رساندن آب سالم را دارند. اینها شامل انتقالات لوله کشی شده و انتقالات لوله کشی نشده (مانند چاه های عمیق، چاه های محافظت شده، چشمه ها، آبهای باران و آبهای بسته بندی شده یا انتقال داده شده یا تانکرهای آب می گردد). منابع آب های آشامیدنی ناسالم در مقابل آلودگی محافظت نشده اند، مانند چشمه ها و چاه های غیر محافظت شده. کتگوری "نبود خدمات" شامل آب سطح زمین مانند دریاها، جوی ها، کانالهای آبیاری و دریاچه ها می گردد.
 - قابلیت دسترسی در محل
 - زمان مورد نیاز جهت بدست آوردن آب آشامیدنی به شمول در صف ایستادن
 - موجودیت در هنگام ضرورت
 - عدم آلوده گی
- ترکیب این شرایط خدمات آب آشامیدنی را با کتگوری های ذیل گروپ بندی می کند:

سطح خدمات	تعریف
مدیریت شده صحی	آب آشامیدنی از منبع آب سالم آن است که در محل موقعیت داشته، در هنگام ضرورت قابل دسترس بوده و عاری از آلودگی به مدفوعات و مواد کیمیاوی مضر باشد.
اساسی	آب آشامیدنی از منبع سالم، که زمان بدست آوری شامل رفت و برگشت برای آن به شمول در صف ایستادن، بیشتر از ۳۰ دقیقه نباشد.
محدود	آب آشامیدنی از منبع سالم که زمان بدست آوردن آن شامل رفت و برگشت، به شمول ایستادن در صف بیشتر از ۳۰ دقیقه دربر گیرد.
نا سالم	آب آشامیدنی از چاه های محافظت نشده و یا چشمه های محافظت نشده.
عدم خدمات	آب آشامیدنی مستقیم از دریا، بند، دریاچه، حوض، جوی، کانال یا کانال آبیاری؛

بخشی از نفوسی که به بلندترین کتگوری خدمات آب آشامیدنی دسترسی دارند- خدمات مدیریت شده صحی - شاخص ۱۰۱۶. اهداف انکشاف پایدار برای آب آشامیدنی است. این شاخص در مقایسه به شاخص مرتبط به آب آشامیدنی اهداف انکشافی هزاره که صرف به دسترسی منبع آب آشامیدنی سالم اشاره داشت و در صنف بندی جدید، همسان با خدمات کتگوری های اساسی و محدود می باشد، بیشتر آرزومندانه است.

چوکات متن ۲۰۱۰: شاخص ۱۰۱۶ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوسی که از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحی استفاده می نمایند (به فیصدی)^۸

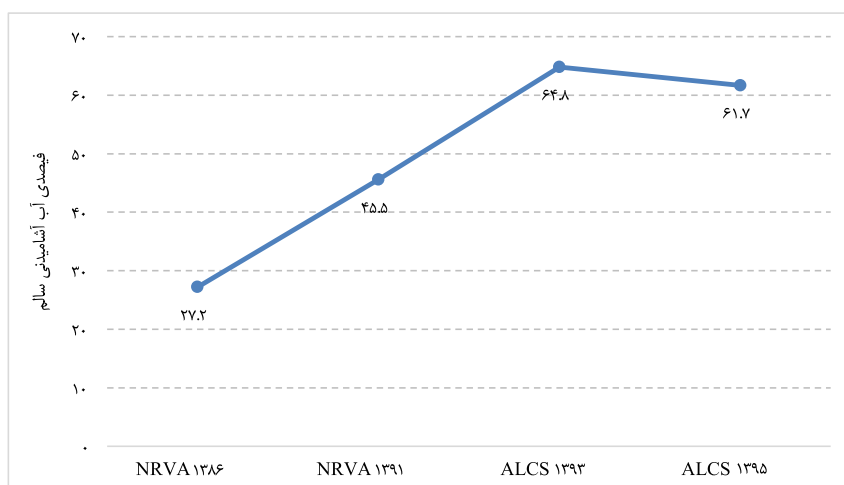
بخشی از نفوسی که از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحی استفاده می نمایند، یک شاخص جدید اهداف انکشاف پایدار است که هدف آن اندازه گیری و بررسی دسترسی به آب پاک به روش مؤثرتر در مقایسه به رویکرد استفاده شده توسط سیستم اهداف انکشاف هزاره است، زیرا تمرکز آن بالای منابع آب آشامیدنی سالم و ناسالم بود.

ملی	۳۶.۰
شهری	۷۵.۳
دهاتی	۲۵.۱
کوچی	۳.۰

^۸ JMP در سال ۱۳۹۴ تخمین نمود که بخشی از نفوس افغانستان که دسترسی به آب آشامیدنی مدیریت شده سالم دارند در حدود ۶۳ فیصد می باشد (www.washdata.org/data#/afg). اگر سهم آب مدیریت شده سالم در بخش خدمات اساسی اضافه شود، فیصدی مشابه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، ۶۲۶ فیصد است.

در رابطه به منابع آب آشامیدنی، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تخمین نموده است که ۶۳.۹ فیصد نفوس افغانستان دسترسی به آب آشامیدنی سالم دارند. این نشان دهنده کاهش اندک اما از لحاظ احصائیوی در مقایسه به ارقام تخمین شده سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۳ (۶۶.۴ فیصد) مهم است.^۹ سروی های قبلی ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و وضعیت زندگی در افغانستان، بهبود مستمر و قوی را از لحاظ دسترسی به آب آشامیدنی نشان داده است (شکل ۵.۱۰) و سروی فعلی اولین سروی بی است که توسعه بیشتر را نشان نمی دهد.

شکل ۵.۱۰: بخشی از نفوس که دسترسی به آب آشامیدنی سالم دارند، به تفکیک سروی (به فیصدی)^۹



^۹ گراف، محاسبه دسترسی به آب آشامیدنی سالم با در نظر داشت تعریف دوره قبلی سروی را نشان می دهد، لاری های تانکر از کنگوری منابع آب آشامیدنی سالم حذف شده است تا قابلیت مقایسه حفظ شود.

از لحاظ انواع منابع آب، پمپ های دستی بیشترین استفاده را در میان منابع آب محافظت شده داشته، در حالیکه چاه ها و آب های سطحی بیشترین استفاده را در میان انواع منابع محافظت نشده دارند. منابع اخیر عملاً توسط نفوس کوچی استفاده می گردند. آب های پایپ تقریباً در مناطق دهاتی وجود ندارد، در حالیکه آب اکثراً از پمپ های دستی، چاه ها و چشمه ها بدست می آید. بیشتر از ۴۰ فیصد نفوس که در دهات زندگی می کنند، آب را از منابع ناسالم بدست می آورند. این رقم بیشتر از ۶۰ فیصد در میان افراد کوچی است (جدول ۷.۱۰).

جدول ۷.۱۰: نفوس، به تفکیک محل اقامت، و به تفکیک منبع آب آشامیدنی (به فیصدی)

محل اقامت	نل داخل		نل عمومی	پمپ دستی	چشمه یا کاریز		چاه		آب های سطحی	تانکر ها	سایر	مجموع
	منزل	محل			محافظت شده	محافظت نشده	محافظت شده	محافظت نشده				
ملی	۲.۹	۷.۳	۵.۴	۳۳.۷	۳.۴	۹.۷	۸.۹	۱۲.۳	۱۲.۳	۲.۲	۱.۸	۱۰۰.۰
شهری	۸.۷	۲۱.۶	۳.۹	۴۵.۱	۰.۴	۰.۲	۷.۰	۴.۶	۱.۵	۴.۸	۲.۲	۱۰۰.۰
دهاتی	۱.۲	۳.۰	۶.۳	۳۰.۵	۴.۵	۱۱.۸	۱۰.۰	۱۴.۷	۱۵.۳	۱.۱	۱.۵	۱۰۰.۰
کوچی	۰.۱	۰.۰	۰.۱	۲۴.۸	۲.۳	۲۵.۴	۳.۰	۱۵.۰	۲۰.۹	۵.۵	۲.۹	۱۰۰.۰

خانوارها به طور اوسط ۹ دقیقه را برای بدست آوردن آب از منبع آن صرف می کنند. برای نفوس شهری، به طور اوسط رفت و برگشت جهت بدست آوردن آب صرف ۲ دقیقه را در بر می گیرد، اما ۱۰ دقیقه را در مناطق دهاتی و ۲۸ دقیقه را برای نفوس کوچی در بر می گیرد. نبود سیستم آب رسانی مناسب داخل منزل، خانم ها و اطفال را متأثر می سازد، با در نظر داشت اینکه تهیه آب عمدتاً از مسؤلیت آنها محسوب می گردد. اوسط زمان تهیه آب تفاوت قابل ملاحظه در سطح ولایات نشان نمی دهد، ولی فاصله طولانی رسیدن و برگشت از منبع آب آشامیدنی اغلب باعث آلودگی آب می گردد. تقریباً ۲۵ فیصد نفوس کوچی آب را از فاصله طولانی تهیه می کنند (جدول ۸.۱۰).

^۹ رقم ۶۴.۸ فیصد در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ به نشر رسیده است. گزارش تحلیلی شامل منبع لاری تانکر نبوده، که اکنون منحنی منبع آب آشامیدنی سالم توسط شاخص اهداف انکشاف پایدار مدنظر گرفته شده است.

یک مدل ارزیابی کیفیت آب به طور امتحانی در ۵ ماه اخیر سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ در ۱۰ ولایت از میان ۳۴ ولایت کشور به هدف جمع آوری ارقام در مورد کیفیت آب، تطبیق گردید. آزمایش دربرگیرنده نظارت شاخص مدفوع بکتریای ایکولای در آب آشامیدنی بود. چوکات متن ۴۰۱۰ را ملاحظه کنید که در آن روش آزمایش کیفیت آب تشریح شده است. با درنظر داشت انتخاب تعداد محدود خانوارها در ولایاتی که آزمایش در آن ها صورت گرفته است، یافته ها فقط وضعیت آنها را تشریح نموده و به سطح ملی یا ولایتی نماینده گی کرده نمی تواند.

چوکات متن ۴۰۱۰: روش آزمایش آب

آزمایش کیفیت آب در ۳۰۷ کلستر انجام شده که در این سروی نمونه گیری شده بود. ۳ خانوار به طور تصادفی از میان ۱۰ خانوار در هر کلستر انتخاب شده و با آنها مصاحبه صورت گرفته است، در مجموع به تعداد ۸۹۶ آزمایش از آب آشامیدنی خانوارها و ۸۱۶ آزمایش از منبع آب آشامیدنی خانوارها صورت گرفت. با حمایت یونسف، کارمندان آب آشامیدنی لائبراتور وزارت صحت عامه و وزارت احیا و انکشاف دهات، تیم های سروی را آموزش داده و تیم های اداره مرکزی احصائیه جهت اطمینان کیفیت مودل کیفیت آب، بررسی ساحه را انجام دادند.

موجودیت E.coli در آب آشامیدنی با فلتر نمودن ۱۰۰ میلی لیتر آب ذریعه فلتر ورقی ۰.۴۵ میکرون (Millipore Microfil) و با استفاده از ماشین آلات کم مصرف جدید، ارزیابی گردید. فلتر ورقی بعداً بالای پلیت های فشرده خشک که برای رشد ایکولای مورد استفاده قرار میگیرد گذاشته شد (Nissui). چوپه کشی با استفاده از چوپه کش های تهیه شده خاص و تغییر مرحله دهنده (که توسط پوهنتون بریستون انگلستان توسعه داده شده است) صورت گرفت تا حرارت بیشتر یا مساوی ۳۰ درجه سانتی گراد را در جریان شب حفظ نماید. بعد از ۲۴ ساعت، تعداد نقطه های آبی، که حاکی از موجودیت و شکل گیری واحد های باکتریای (cfu) ایکولای بودند، ثبت گردیده و به کتگوری های خطر زیر صنف بندی گردیدند: خطر کم (>۱۰ در ۱۰۰ میلی لیتر)، خطر متوسط (۱ - ۱۰ در ۱۰۰ میلی لیتر)، خطر بلند (۱۱-۱۰۰ در ۱۰۰ میلی لیتر) و خطر خیلی بلند (<۱۰۰ در ۱۰۰ میلی لیتر). اگر در صفحات بیشتر از ۱۰۰ نقطه باشد و در صورتی که نقطه های آبی/سبز میگردیدند، این منحنی ۱۰۱ ثبت میشد و دلالت به این داشت که باکتریای مذکور خیلی زیاد است تا شمارش گردد. نمونه های آب آشامیدنی خانوارها از گیلای آب اعضای خانوار که معمولاً می نوشیدند، گرفته شده بود. اما در خصوص نمونه های منبع، آب در ابتدا در قطی های ضد عفونی شده جمع آوری گردیده بود.

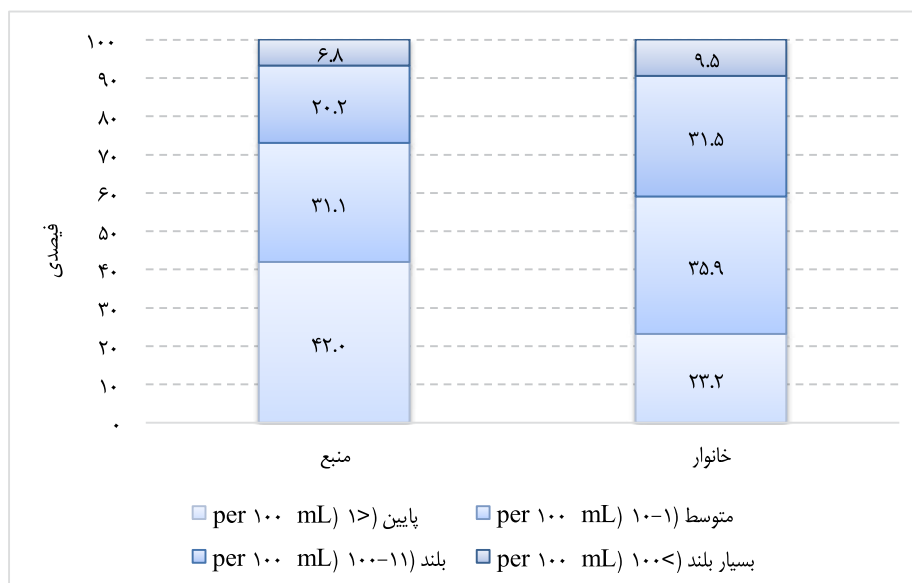
جدول ۹.۱۰ سطوح آلوده گی آب آشامیدنی را که از منابع آبی بدست آمده، نشان میدهد. به طور کل، دریافت گردید که ۵۸.۱ فیصد منابع آب آشامیدنی با باکتریای ایکولای آلوده بوده و ۲۷.۰ فیصد در معرض خطر بلند یا خطر خیلی بلند قرار دارند. خانوارهایی که از منابع آب آشامیدنی سالم به شمول آب نل و یا چاه های عمیق استفاده می نمایند، زیاد احتمال دارد که منبع آب شان عاری از آلوده گی باشد. آلوده گی با مدفوع در تقریباً نصف منابع سالم که توسط خانوارها استفاده میگردید، دریافت شده است. ۲ در هر ۳ خانوار دهاتی و کوچی (۶۷ فیصد) در ۱۰ ولایت از منبع آبی استفاده می نمودند که آلوده اند (جدول ۹.۱۰ و شکل ۷.۱۰).

جدول ۹.۱۰: خانوارها در ولایات انتخاب شده، به تفکیک متحول های پیشینه، و به تفکیک سطح خطر آلوده گی با مدفوع بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای که در منبع آب آشامیدنی شناسایی شد (به فیصدی)

مشخصات متحول	سطح خطر بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای در هر ۱۰۰ ملی لیتر					فیصدی خانوارها که منبع آب شان دارای باکتریای ایکولای می باشد
	پایین (کمتر از ۱ در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	متوسط (۱- در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	بلند (۱۱-۱۰۰ در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	بسیار بلند (بزرگتر از ۱۰۰ ملی لیتر در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	مجموع	
مجموع (۱۰ ولایت)	۴۲.۰	۳۱.۱	۲۰.۲	۶.۸	۱۰۰.۰	۵۸.۱
محل اقامت						
شهری	۵۴.۵	۳۰.۹	۱۰.۵	۴.۱	۱۰۰.۰	۴۵.۵
دهاتی/کوچی	۳۳.۱	۳۱.۰	۲۷.۱	۸.۹	۱۰۰.۰	۶۷.۰
نوع منبع آب آشامیدنی						
نل	۶۱.۱	۳۰.۱	۷.۷	۱.۱	۱۰۰.۰	۳۸.۹
چاه عمیق	۵۰.۸	۳۳.۰	۱۲.۹	۳.۳	۱۰۰.۰	۴۹.۲
چاه ها و چشمه های محافظت شده	۳۳.۵	۲۲.۰	۴۱.۳	۳.۲	۱۰۰.۰	۶۶.۵
چاه ها و چشمه های محافظت نشده	۲۱.۴	۳۵.۸	۳۲.۵	۱۰.۳	۱۰۰.۰	۷۸.۶
آب سطحی	۱.۹	۹.۸	۴۸.۴	۳۹.۹	۱۰۰.۰	۹۸.۲
سایر	۱۳.۳	۶۰.۲	۱۵.۶	۱۰.۹	۱۰۰.۰	۸۶.۷
منبع آب آشامیدنی						
سالم	۵۱.۱	۳۱.۱	۱۵.۳	۲.۵	۱۰۰.۰	۴۸.۹
ناسالم	۱۵.۹	۳۰.۹	۳۴.۳	۱۸.۹	۱۰۰.۰	۸۴.۱
تسهیلات سیستم فاضلاب						
سالم	۴۸.۸	۲۸.۲	۱۵.۹	۷.۱	۱۰۰.۰	۵۱.۲
ناسالم	۲۸.۳	۳۶.۳	۲۸.۹	۶.۵	۱۰۰.۰	۷۱.۷

در تعداد زیادی از خانوارها مشاهده گردیده که کیفیت آب در بین تهیه از منبع و مصرف آن در خانه در حال بدتر شدن است. شکل ۷.۱۰ نشان میدهد که آن بخشی از خانوارهایی که در آب آشامیدنی آنها باکتریای ایکولای شناسایی شده، در میان منبع آب آشامیدنی (۵۸.۱ فیصد) الی گلاس در خانه (۷۶.۹ فیصد)، افزایش داشته است. بزرگترین افزایش در سطح بلند آلودگی (۱۱-۱۰۰ باکتریای ایکولای در هر ۱۰۰ ملی لیتر) تثبیت گردید و این احتمالاً آلوده گی را در جریان ذخیره سازی و استفاده نشان میدهد.

شکل ۷.۱۰: منابع آب و خانوارها در ولایات انتخاب شده، به تفکیک سطح باکتریای ایکولای در آب آشامیدنی (به فیصدی)



جدول ۱۰.۱۰ سطح آلوده گی آب آشامیدنی را که از یک گلاس آب خانه حاصل شده است، نشان میدهد. این موضوع کیفیت آب آشامیدنی را قبل از مصرف آن توسط اعضای خانوار منعکس می سازد. آب آشامیدنی از منابع سالم اغلباً هنگام استفاده آن در خانه آلوده می گردد - صرف ۲۳.۲ فیصد عاری از آلوده گی بوده اند. اکثریت خانوارهای دهاتی و کوچی (۸۴.۲ فیصد) و در حدود دو سوم-حصه خانوارهای شهری (۶۷.۱ فیصد) آب آشامیدنی را که می نوشند دارای باکتریای ایکولای است.

جدول ۱۰.۱: خانوارها در ولایات انتخاب شده، به تفکیک معلومات قبلی متحولین انتخاب شده و به تفکیک سطح خطر آلوده گی با مدفوع بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای که در آب آشامیدنی تثبیت شده است (به فیصدی)^a

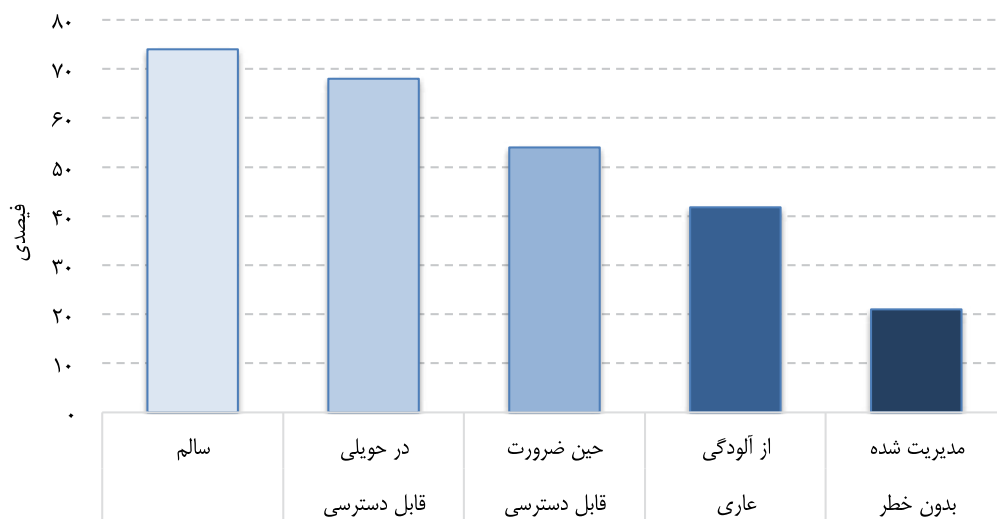
مشخصات متحول	سطح خطر بر مبنای تعداد باکتریای ایکولای در هر ۱۰۰ ملی لیتر					فیصدی خانوارها که منبع آب شان دارای باکتریای ایکولای می باشد
	پایین (کمتر از ۱ در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	متوسط (۱ - ۱۰ در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	بلند (۱۱ - ۱۰۰ در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	بسیار بلند (بزرگتر از ۱۰۰ ملی لیتر در هر ۱۰۰ ملی لیتر)	مجموع	
مجموع (۱۰ ولایت)	۲۳.۲	۳۵.۹	۳۱.۵	۹.۵	۱۰۰.۰	۷۶.۹
محل اقامت						
شهری	۳۲.۹	۳۹.۱	۲۱.۵	۶.۵	۱۰۰.۰	۶۷.۱
دهاتی/کوچی	۱۵.۹	۳۳.۴	۳۸.۹	۱۱.۸	۱۰۰.۰	۸۴.۲
نوع منبع آب آشامیدنی						
نل	۳۸.۳	۴۰.۶	۱۵.۹	۵.۲	۱۰۰.۰	۶۱.۷
چاه عمیق	۲۵.۴	۴۲.۲	۲۶.۷	۵.۷	۱۰۰.۰	۷۴.۶
چاه ها و چشمه های محافظت شده	۱۴.۰	۳۶.۳	۴۰.۱	۹.۶	۱۰۰.۰	۸۶.۰
چاه ها و چشمه های محافظت نشده	۱۵.۱	۲۵.۳	۴۷.۶	۱۲.۰	۱۰۰.۰	۸۴.۹
آب سطحی	۰.۰	۱۱.۱	۵۲.۷	۳۶.۲	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
سایر	۱۰.۰	۳۸.۴	۴۲.۴	۹.۲	۱۰۰.۰	۹۰.۰
منبع آب آشامیدنی						
سالم	۲۷.۶	۴۰.۷	۲۵.۹	۵.۸	۱۰۰.۰	۷۲.۴
ناسالم	۱۱.۱	۲۲.۹	۴۶.۶	۱۹.۳	۱۰۰.۰	۸۸.۹
تسهیلات سیستم فاضلاب						
سالم	۲۸.۷	۳۷.۷	۲۵.۱	۸.۵	۱۰۰.۰	۷۱.۳
ناسالم	۱۲.۱	۳۲.۳	۴۳.۹	۱۱.۷	۱۰۰.۰	۸۷.۹

^a مجموع خانه ها ممکن است بنابر تقرب دهی ارقام مساوی به ۱۰۰ فیصد نگردد.

چنانچه در بالا تذکر به عمل آمد، شاخص جهانی جهت نظارت دستیابی به آب آشامیدنی، (مقصد ۱۶ اهداف انکشاف پایدار) استفاده از خدمات آب آشامیدنی مدیریت شده صحی، منیث منبع آب آشامیدنی سالم قابل دسترس در داخل محوطه، موجود بودن زمانی که نیاز است، و عاری از آلودگی تعریف شده است. برای خانوار های انتخاب شده در ۱۰ ولایت که آزمایش کیفیت آب در آنها صورت گرفته است، سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ موضوعاتی مانند اینکه آیا خانوارها از منبع داخل حویلی استفاده می کنند؟ آیا منبع آب در ماه گذشته همه روزه آب کافی فراهم نموده است؟ طوری که در بالا تذکر داده شد، آیا سنجش مستقیم کیفیت مایکرو بیولوژیکی آب آشامیدنی در سطح منبع و خانوار شامل شده است؟ را نشان می دهد.

جدول ۱۱.۱۰ و شکل ۸.۱۰ معلومات در مورد موقعیت، موجودیت و کیفیت آب آشامیدنی ۱۰ ولایت افغانستان که در آن آزمایش صورت گرفته را ترکیب نموده است. در این ولایات، ۶۸.۲ فیصد خانوارها از خدمات آب استفاده نموده اند که در منزل یا در حویلی و یا در مسیر شان موقعیت داشته (قابل دسترس در محوطه) و ۵۴.۰ فیصد از خدمات آب استفاده کرده اند که به مقدار کافی در جریان ماه گذشته مهیا بوده است (موجود بودن هنگام نیازمندی). فقط ۴۱.۸ فیصد خانوارها از منبع آب که در آن باکتریای ایکولای شناسایی نگردیده، (بدون آلوده گی) استفاده نموده اند. یافته های مجموعی بررسی امتحانی سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان میدهد که دو خانوار از ده خانوار (۲۱.۰ فیصد) از خدمات مدیریت شده صحی استفاده نموده اند. خانوارهای مناطق شهری (۳۶.۷ فیصد) بیشتر تمایل به استفاده از خدمات آب مدیریت شده صحی در مقایسه به خانوارهای دهاتی و کوچی (۱۰.۱ فیصد) داشته اند، خصوصاً بنابر آب آشامیدنی غیر کافی یا آب آلوده با باکتریای ایکولای. برآورد ۲۱.۰ فیصد خانوارها اولین تلاش جهت تخمین بخشی از نفوس است که از خدمات آب آشامیدنی صحی در افغانستان استفاده می نمایند و کاملاً در تطابق به شرایطی می باشد که توسط JMP برای مقصد ۱۶ اهداف انکشاف پایدار تعیین شده است. اگرچه این رقم از دوره فعلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان نماینده گی نمی کند و این رقم واضحاً پایین تر از رقم تخمین شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ است (۳۶.۰ فیصد)، زیرا کیفیت آبی را که خانوارها در واحد های مسکونی خویش واقعاً استفاده می نمایند، در اینجا در نظر گرفته نشده است.

شکل ۸.۱۰: فیصدی خانوارها در ولایاتی انتخاب شده که از منبع آب آشامیدنی سالم استفاده می کنند، با موجودیت آب در حویلی، قابل دسترسی در هنگام نیاز، عاری از آلوده گی به مدفوع و مدیریت شده صحی



جدول ۱۱.۱۰: فیصدی خانوارها در ولایات انتخاب شده که دارای مشخصات آب آشامیدنی هستند (الف) سالم، (ب) قابل دسترسی در حویلی، (ج) قابل دسترسی در هنگام ضرورت، (د) عاری از آلوده گی به مدفوع (و) مدیریت شده سالم به تفکیک محل اقامت.

محل اقامت	الف. سالم	ب. قابل دسترسی در حویلی	ج. قابل دسترسی در هنگام ضرورت	د. عاری از آلوده گی	و. مدیریت شده سالم
مجموع (۱۰ ولایت)	۷۴.۰	۶۸.۰	۵۴.۰	۴۱.۸	۲۱.۰
شهری	۹۱.۸	۷۳.۴	۸۴.۴	۵۴.۵	۳۶.۷
دهاتی/کوچی	۶۱.۶	۶۴.۳	۳۲.۸	۳۳.۱	۱۰.۱

سیستم فاضلاب

سیستم فاضلاب پیشرفته و جلوگیری از رفع حاجت در فضای باز، از پیش شرط های اساسی کاهش فقر و انکشاف پایدار در کشورهای رو به انکشاف می باشد. دور سازی مدفوعات انسان به طور مناسب اولین مانع جهت مصاب شدن به امراض مرتبط به مدفوعات است و سرایت مستقیم و غیرمستقیم امراض را که از طریق حیوانات و حشرات صورت می گیرد، کاهش می دهد. در سطح جهان در سال ۱۳۹۴ در حدود ۵ میلیون نفر سهولت های صحی سالم را که مستقل از سایر خانوارها بوده است، استفاده نموده اند (خدمات اساسی صحی)؛ در حالیکه ۶۰۰ میلیون نفر (۸ فیصد نفوس جهان) از سهولت های سالم مشترک، استفاده کرده اند. بسیاری از کشورها به شمول افغانستان حداقل ۵۰ فیصد از دسترسی به خدمات اساسی سیستم فاضلاب برای نفوس به دور مانده اند.

هدف انکشاف پایدار ۶ (حصول اطمینان از دسترسی و مدیریت پایدار آب و سیستم فاضلاب برای همه) دربر گیرنده یک شاخص برای اندازه گیری دسترسی به سیستم فاضلاب و حفظ الصحه مناسب است. شاخص ۱.۲۶ (بخشی از نفوسی که از خدمات مدیریت شده صحی استفاده می نمایند) تعریف محدود تر از سیستم فاضلاب مناسب را در مقایسه به شاخص اهداف انکشاف هزاره مورد استفاده قرار میدهد. برای اینکه خدمات مناسب – "مدیریت شده سالم" – صنف بندی شده بتواند، خانوارها باید از سهولت های صحی سالم غیر مشترک، جایی که مدفوعات به طور مناسب دفع شده، یا برداشته شده در موقعیتی به خارج از محل انتقال داده شده بتواند، استفاده نمایند. این نوع سیستم فاضلاب را میتوان از خدمات صحی سطوح پایین به حساب آورد. جعبه متنی ۵.۱۰ سطوح مختلف خدمات صحی و شرایط که جهت تشخیص کتگوری ها استفاده میگردد را تعریف می نماید.

چوکات متن ۵.۱۰: تصنیف خدمات سیستم فاضلاب

- تصنیف بین المللی خدمات سیستم فاضلاب، چنانچه توسط JMP توصیه شده است، شرایط متعدد را جهت شناسایی سطح خدمات سیستم فاضلاب ارائه شده، استفاده می نماید.
- نوع سیستم فاضلاب سالم و ناسالم، سهولت های سیستم فاضلاب سالم طوری تعریف می گردد که مدفوعات انسان به طور صحی از تماس انسان جدا کرده شود. این سهولت ها شامل تکنالوژی فاضلاب مرطوب (تشناب های فلش دار و پاشنده که به مجرای فاضلاب، چاه های سپتیک یا حفره ها وصل اند) و تکنالوژی فاضلاب خشک (تشناب های پیشرفته چاه دار با هوا کش، تشناب های سرپوشیده چاه دار، تشناب های کمپوست کننده).
- شریک سازی سهولت های سیستم فاضلاب با سایر خانوارها. دسترسی به سهولت سیستم فاضلاب خصوصی خدمات بهتر را در مقایسه به شریک سازی آن با سایر خانوارها فراهم می نماید.
- مدیریت مدفوعات: در صورتی که مدفوعات به طور مصون از محل خارج ساخته شود و یا به نحوی در بیرون از محل از بین برده شود، در آنصورت مدفوعات به صورت مناسب مدیریت شده است.

ترکیب این شرایط، تصنیف خدمات سیستم فاضلاب را در کتگوری های ذیل فراهم میکند.

سطح خدمات	تعریف
مدیریت مصون	استفاده از سهولت های سیستم فاضلاب سالم که با سایر خانوارها مشترک نبوده و مدفوعات آن به طور مصون از بین رفته و یا به خارج ساحه انتقال می گردد
اساسی	استفاده از سهولت پیشرفته که با سایر خانوارها مشترک نباشد
محدود	استفاده از سهولت پیشرفته که بین دو یا بیشتر از خانوارها مشترک باشد
ناسالم	استفاده از منبع غیرسالم که در مقابل آلوده گی محافظت نگردیده باشد
رفع حاجب در فضای باز	نبود خدمات؛ مدفوعات در مزرعه ها، جنگلات، بته ها، جریان های باز آب، سواحل یا سایر فضای باز دفع شده باشد و یا با مواد جامد دفع شده باشد.

در این صنف بندی، شاخص اهداف انکشاف هزاره برای "سیستم فاضلاب سالم" با کتگوری خدمات ابتدایی سیستم فاضلاب مطابقت دارد. شاخص ۱.۲۶ اهداف انکشاف پایدار مرتبط به سیستم فاضلاب (بخشی از نفوس که از خدمات سیستم فاضلاب مدیریت شده مصون استفاده می نمایند) سطح دیگری از دفع نهایی مدفوعات را شامل ساخته است.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ معلوماتی را جمع آوری نموده تا امکان آن را فراهم سازد که استفاده خدمات صحی اساسی، محدود و ناسالم^{۱۱} بخشی از نفوس و بخش بدون خدمات (رفع حاجت در فضای باز) را سنجش کند. جدول ۱۲.۱۰ توزیع نفوس را بر اساس سطوح خدمات صحی نشان می دهد. معلومات جهت سنجش نسبت نفوسی که از خدمات مدیریت شده صحی مصون استفاده می نمایند و یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای صحت می باشد، در دسترس نیست.

جدول ۱۲.۱۰ نشان میدهد که ۴۱.۴ فیصد نفوس از خدمات اساسی صحی استفاده می نمایند - خدمات سالم که با سایر خانوارها مشترک نباشد - ۵۲.۹ فیصد از خدمات اساسی یا محدود استفاده می نمایند - سهولت های صحی سالم که مشترک یا مجزا اند. با در نظر داشت شرایط سیستم فاضلاب سالم و سهولت های مشترک (چوکات متن ۵.۱۰ دیده شود) در سروی قبلی وضعیت زندگی در افغانستان، ارقام اخیر پیشرفت سریع را در رابطه به دسترسی به خدمات صحی سالم نشان میدهد که در سال ۱۳۹۳ این رقم ۳۹.۰ فیصد بود.

طوری که در جدول ۱۲.۱۰ نشان داده شده است، در ارقام به سطح ملی تفاوت های بزرگ از لحاظ محل اقامت وجود دارد، چنانکه ارقام مرتبط در بلند ترین حد ۸۳.۲ فیصد برای نفوس شهری، ۴۶.۱ فیصد برای نفوس دهاتی و پایین ترین آن ۷.۴ فیصد برای کوچی ها است.

^{۱۱} در مطابقت با تعریف JMP، انواع سهولت های صحی پیشرفته در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ دربرگیرنده تشناب های سر پوشیده حفره دار، تشناب های حفره دار پیشرفته با هوا کش، تشناب های فلش دار متصل به مجرای فاضلاب، چاه سپتیک یا خندق، و تشناب های حفره دار. سهولت های صحی ناسالم شامل تشناب حفره ای بی سرپوش، رفع حاجب در فضای باز، تشناب های فلش دار و سایر سهولت هایی که از لحاظ صحی تماس انسان را از مدفوع او تضمین نمی کند.

جدول ۱۲.۱۰: نسبت نفوس به تفکیک محل اقامت و به تفکیک سطح خدمات سیستم فاضلاب (به فیصدی)^a

محل اقامت	مدیریت شده صحنه	خدمات اساسی	خدمات محدود	ناسالم	نبود خدمات	مجموع
ملی	۳۶.۰	۲۶.۶	۱.۳	۲۲.۱	۱۴.۱	۱۰۰.۰
شهری	۷۵.۳	۱۵.۶	۰.۵	۴.۸	۳.۷	۱۰۰.۰
دهاتی	۲۵.۱	۳۰.۲	۱.۳	۲۶.۶	۱۶.۸	۱۰۰.۰
کوچی	۳.۰	۲۸.۵	۴.۳	۴۰.۴	۲۳.۸	۱۰۰.۰

^a مجموع خانه ها ممکن است بنابر تقرب دهی ارقام مساوی به ۱۰۰ فیصد نگردد.

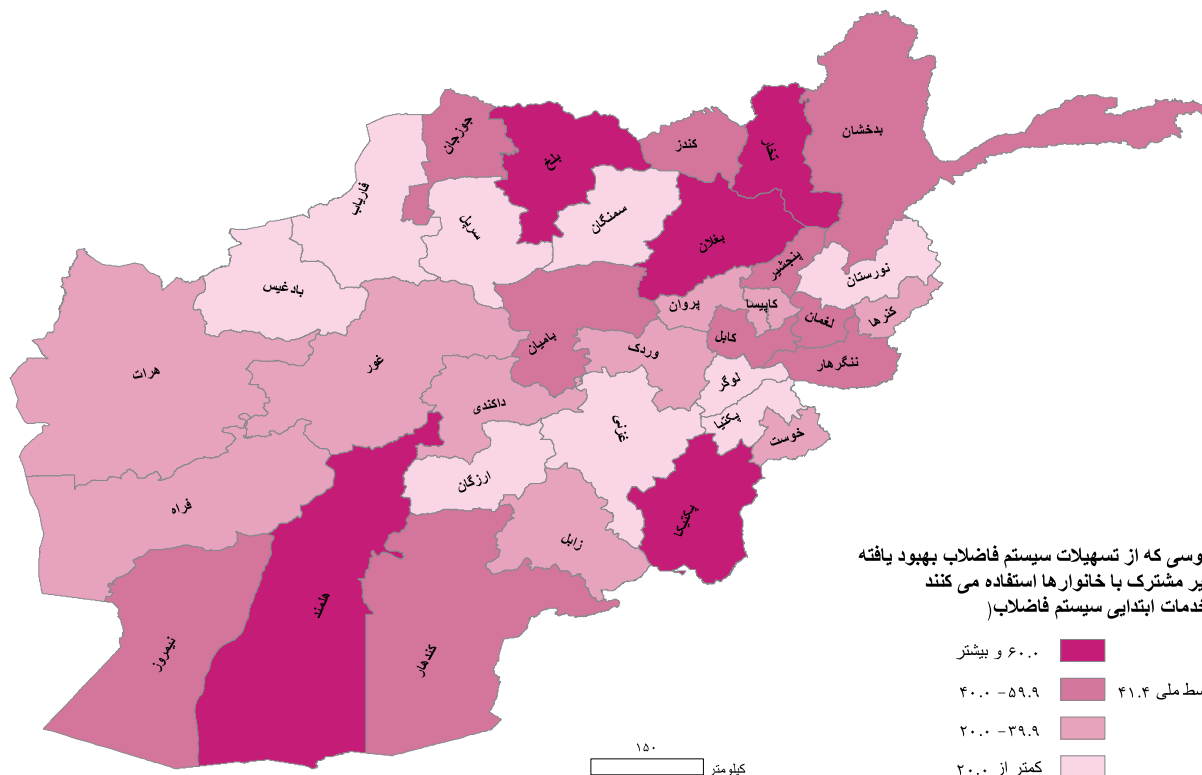
در نبود معلومات در مورد مدیریت مدفوعات انسان، بخشی از نفوس که از خدمات اساسی صحنه استفاده می نمایند منجیت شاخص نیابتی ۱۱.۲۶ اهداف انکشاف پایدار استفاده شده است (چوکات متن ۶.۱۰). به طور کل ۵۶.۵ فیصد نفوس شهری دسترسی به خدمات اساسی صحنه دارند در مقایسه به ۳۸.۳ فیصد نفوس مناطق دهاتی. همچنان نتایج از لحاظ ولایات تفاوت بزرگ را نشان میدهد. در ۹ ولایت، کمتر از ۲۰ فیصد مردم دسترسی به خدمات اساسی صحنه دارند و در ۱۰ ولایت این نسبت بلندتر است اما با آنهم پایین تر از رقم وسطی ملی (۴۱.۴ فیصد) است. تنها در ولایات بلخ، بغلان، پکتیکا، تخار و هلمند فیصدی ها بیشتر از ۶۰ فیصد اند (۹۰.۱۰). در کابل تقریباً ۵۰ فیصد نفوس به خدمات اساسی سیستم فاضلاب دسترسی دارند.

چوکات متن ۶.۱۰: شاخص نیابتی برای شاخص ۱۱.۲۶ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوسی که از خدمات سیستم فاضلاب مدیریت شده مصون استفاده می کنند.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ معلومات در مورد خدمات اساسی سیستم فاضلاب را (استفاده از سهولت های پیشرفته غیرمشترک با سایر خانوارها) ارایه میکند. محاسبه نسبت نفوسی که از سهولت های صحنه مدیریت شده مصون استفاده می کنند، نیازمند ارقام در مورد دفع مدفوع است که در این دور سروی وضعیت زندگی در افغانستان جمع آوری نشده است.

ملی	۴۱.۴
شهری	۵۶.۵
دهاتی	۳۸.۸
کوچی	۶.۷

شکل ۹.۱۰: فیصدی نفوسی که از سهولت های صحی پیشرفته غیرمستترک با سایر خانوارها، استفاده می کنند به تفکیک ولایت (به فیصد)



معمول ترین سهولت های صحی که در افغانستان استفاده میشود، تشناب حفره یی بدون سرپوش است (۲۹.۵ فیصد، ۴۱.۸ فیصد در سال ۱۳۹۳) و تشناب های حفره یی سرپوشیده (۱۴.۵ فیصد، ۲۶.۳ فیصد در ۱۳۹۳) در حالی که تشناب های فلش دار توسط ۱۱.۸ فیصد مردم استفاده میشود (۹.۵ فیصد در سال ۱۳۹۳) ولی تفاوت های بارز میان مناطق شهری و دهاتی وجود دارند. مثلاً در مناطق شهری، تقریباً ۳۶.۴ فیصد نفوس از تشناب های حفره یی بی سرپوش استفاده می نمایند (۵۰.۵ فیصد در سال ۱۳۹۳)، در حالیکه ۳۳.۷ فیصد خانوارهای شهری از تشناب های فلش دار که به چاه های سبتیک متصل است، استفاده می نمایند. تقریباً هیچ یک از نفوس کوچی دسترسی به سهولت های صحی ندارند. در سطح ملی رفع حاجت در فضای باز ۱۳.۶ فیصد نفوس افغان وجود دارد.

جدول ۱۳.۱۰: نفوس، براساس دسترسی به توالت اصلی و براساس محل اقامت (به فیصد)

انواع توالت	شهری	دهاتی	کوچی	مجموع
مجموع	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
مبرز حفره ئی معمولی سرپوشدار	۸.۷	۱۷.۲	۲.۸	۱۴.۵
مبرز حفره ئی معمولی بدون سرپوش	۱۵.۱	۳۵.۹	۷.۴	۲۹.۵
مبرز حفره ئی بهبود یافته هواکش دار	۱۳.۷	۶.۹	۰.۰	۸.۲
مبرز کمود دار(بافلش) وصل شده درسیستم فاضلاب	۴.۵	۰.۶	۰.۰	۱.۵
مبرز کمود دار(بافلش) وصل شده درچاه سبتیک	۳۳.۷	۱.۱	۰.۰	۸.۸
مبرز کمود دار(بافلش) وصل شده درچاه /یا گودال	۴.۱	۰.۳	۰.۰	۱.۲
مبرز کمود دار(بافلش) وصل شده در جای دیگر	۰.۷	۰.۱	۰.۰	۰.۲
مبرز یک خانه ئی یا دو خانه ئی - همراهی مجرای ادراری	۱۰.۵	۷.۳	۰.۵	۷.۷
مبرز یک خانه ئی یا دوخانه ئی - بدون مجرای ادراری	۷.۹	۱۲.۹	۴.۳	۱۱.۳
مبرز نداریم /صحرائی / ساحه باز/بته ها	۰.۵	۱۳.۳	۸۰.۷	۱۳.۶
سایر مشخص سازید	۰.۴	۴.۴	۴.۳	۳.۵

برعلاوه آب و سیستم فاضلاب، وضعیت سایر تسهیلات خانوار انعکاس دهنده کیفیت زندگی خانوار نیز است. بطور مثال، چراغ های برقی زمینه را برای مطالعه، آموزش و ساختن خانه را بیشتر مهیا می سازد؛ سوخت جدید و منقل های پیشرفته محیط پاکتر و صحت بهتر را فراهم میکند؛ شرایط بهتر پخت و پز کار پر زحمت داخلی زنها را کاهش داده و زمان اختصاص یافته برای سایر امور را افزایش میدهد؛ دسترسی به معلومات و تکنالوژی منفعت را جهت انکشاف بشری ایجاد کرده، مشوق تحصیل و تساوی جنسیتی بوده و وسیله یی جهت تطبیق پالیسی های انکشافی در سطح ملی و محلی می باشد.

دسترسی به سرک

در افغانستان مناطق متعدد دهاتی و دور افتاده از بازار و خدمات عمومی محروم بوده، و از لحاظ فرصت های اقتصادی، تعداد زیاد خانوارهای افغان را در فعالیت های کمتر مولد و فقر محدود نموده است. تجربه سایر کشورها نشان میدهد که سرمایه گذاری بالای سرک های ابتدائیه و متوسطه دهات تأثیر مثبت بر مولدیت سکتور خصوصی، کاهش فقر، شمولیت به مکاتب، دسترسی به خدمات صحتی و رشد اقتصادی دارد. همچنان زیر بنا های بهتر در دهات، رفت و آمد آزادانه زنان را تسهیل نموده و میتواند منجر به توانمند سازی بهتر زنان گردد.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نشان می دهد که در سطح ملی تقریباً ۳۰ فیصد مردم دسترسی به سرک های قابل راننده گی در محلات شان ندارند. از آنجا که تقریباً تمام خانوارهای ساکن در مناطق شهری میتوانند دسترسی به سرک های قابل راننده گی در نزدیک خانه های شان داشته باشند، بنابراین این فیصدی تقریباً و مشخصاً به نفوس دهاتی و کوچی اشاره دارد.

"بخشی از نفوس دهاتی که در فاصله دو کیلومتری از سرک های در تمام فصول سال زندگی می کنند" یکی از شاخص های مقصد ۱.۹ اهداف انکشاف پایدار است (اعمار زیربنا های با کیفیت، قابل اعتماد، پایدار و پویا، به شمول زیربنا های منطقوی و سرحدی، تا انکشاف اقتصادی و رفاهیت انسانی را با توجه به دسترسی عادلانه و اقتصادی برای همه سهولت ببخشد) و هدف نهم انکشاف پایدار (اعمار زیر بنا های پویا، ترویج صنعتی سازی پایدار و همه شمول و تقویت نوآوری) می باشد. ارزش آن در سطح ملی در زیر ارائه شده است، و تأیید کننده این امر است که تعداد زیادی از مناطق دهاتی افغانستان از سایر بخش های کشور بطور قابل ملاحظه یی منزوی اند.

چوکات متن ۷.۱۰: شاخص ۱.۹ اهداف انکشاف پایدار - بخشی از نفوس دهاتی که در دو کیلومتری سرک همه فصوله زندگی می کنند (به فیصد)

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ معلومات را از کلسر های نمونوی دهاتی و کوچی در نزدیکترین سرک قابل رانندگی که در همه فصول سال دسترسی به آن امکان داشته باشد، جمع آوری کرده است. سنجش این شاخص ارتباط به محلاتی دارد که امکانات دسترسی به حداقل یک سرک قابل راننده گی در فاصله دو کیلومتری وجود داشته باشد.

دهاتی و کوچی: ۶۳.۱ فیصد

شاخص ۱.۹ اهداف انکشاف پایدار به طور عموم از سروی های خانوار حاصل شده، اگرچه تجارب اخیر نشان داده است که مفهوم "سرک همه فصله" به طور بهتر در سطح ملی گزارش شده است، اما مشکل است که از آن در جهت مسیرهی پلانگذاری سرمایه گذاری سرکهای ملی استفاده کرد. روش های جدید در سطح جهان تحقیق شده اند تا از مجموع ارقام فضایی، (الف) در جهت شناسایی موقعیت های محلات شهری، (ب) در جهت نقشه کشی شبکه های سرک و (ج) در جهت جمع آوری معلومات در مورد مشخصات آنها، استفاده شوند. استفاده از وسایل سیستم معلومات جغرافیایی (GIS) نوید میدهد که این ابزار در جهت توحید اجرای سه گانه فوق الذکر مهم و معتبر است.

در سال ۱۳۹۱ پروژه دسترسی به دهات (ARAP) که توسط بانک جهانی حمایت شده بود، تجربه روش جدید را در افغانستان آغاز نمود، به تعقیب آن پروگرام ملی دسترسی به دهات توسط حکومت افغانستان در سال ۱۳۸۲ راه اندازی گردید، تا بازسازی زیر بناها و معیشت را در دهات حمایت کند. هدف انکشافی پروژه دسترسی به دهات این است تا حکومت را در توانمند سازی محلات دهاتی کمک کند تا از سرک های همه فصله جهت دسترسی به خدمات اساسی و سهولت ها از طریق بازسازی و ترمیم زیر بناهایی که دسترسی به دهات را سهولت می بخشد، مستفید شوند. پروژه توسط دو اداره تطبیق گردید: وزارت فواید عامه و وزارت احیا و انکشاف دهات. ارقام ارایه شده توسط پروژه دسترسی به دهات افغانستان نشان می دهد که سهم نفوس شهری که به سرک های همه فصله دسترسی دارند در میزان ۱۳۹۵، ۶۳.۰ فیصد بوده است^{۱۲}، که این امر تأیید کننده قوت نتایج سروی سال ۱۳۹۵ وضعیت زندگی در افغانستان است.

عدم دسترسی به برق عمیقاً انکشاف اقتصادی و فرصت های زندگی مردم را محدود نموده و فقر را افزایش میدهد. ارقام سروی های ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان نشان میدهد که نسبت خانوارهای افغان که دسترسی به برق دارند از سال ۱۳۸۶ تا حال سریعاً افزایش نموده، و هنوز هم در حال افزایش است. طوریکه گزارش ها نشان می دهند این رقم از ۴۲.۴ فیصد آغاز شده چنانکه در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶ گزارش شده، در سال ۱۳۹۱، ۶۹.۱ فیصد خانوارها را تحت پوشش قرار داده، در سال ۱۳۹۳ به ۸۹.۵ فیصد افزایش نموده و اکنون تقریباً به ۹۷.۷ فیصد رسیده است. تنها تفاوت های اندک در میان پوشش خانوارهای شهری و دهاتی وجود دارد (جدول ۱۴.۱۰). با آنهم ۸۶.۱ فیصد نفوس کوچی دسترسی به برق دارند.

جدول ۱۴.۱۰: نفوس به تفکیک محل اقامت و به تفکیک دسترسی به منابع مختلف برق در ماه گذشته (به فیصد)

محل اقامت	یکی از منابع	شبکه برق	جنراتور دولتی	خصوصی		محلی		برق آفتابی	بادی	بطری
				جنراتور	داینمو	جنراتور	داینمو			
ملی	۹۷.۷	۳۰.۹	۰.۲	۱.۴	۱.۰	۰.۵	۶.۷	۵۹.۴	۰.۵	۱۰.۸
شهری	۹۹.۵	۹۱.۹	۰.۵	۴.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۱	۱۵.۷	۰.۲	۷.۹
دهاتی	۹۷.۸	۱۲.۷	۰.۱	۰.۶	۱.۴	۰.۷	۹.۳	۷۳.۲	۰.۶	۱۱.۳
کوچی	۸۶.۱	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۶	۷۰.۸	۰.۳	۱۷.۱

شاخص ۱.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار، نسبت نفوسی که دسترسی به برق دارند، نشان میدهد که دسترسی به برق در این اواخر برای تقریباً تمام خانوارهای افغانستان فراهم گردیده است (جعبه متنی ۸.۱۰). اما موجودیت یک لین برق در خانوار افغان لزوماً تضمین کننده آن نیست که انرژی عرضه شده از لحاظ کیفیت و اطمینان مناسب بوده یا از لحاظ مصرف، اقتصادی است، بناءً مطلوب خواهد بود تا معلومات مفصل تر در مورد استفاده واقعی برق به دسترس قرار داشته باشد.

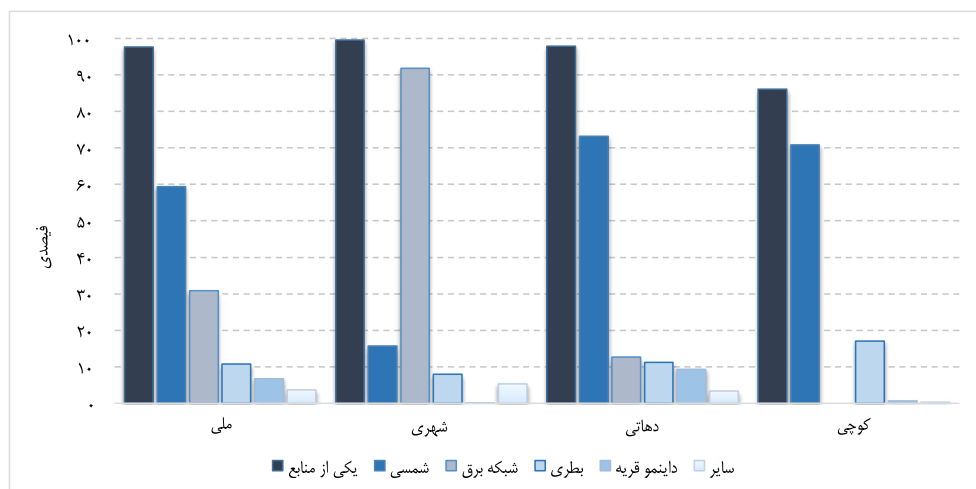
چوکات متن ۸.۱۰: شاخص ۱.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار - نسبت نفوسی که دسترسی به برق دارند (به فیصد)

نسبت نفوس که دسترسی به برق دارند، یکی از شاخص های اهداف انکشاف پایدار برای مقصد ۱.۷ (تا سال ۱۴۰۹ باید از دسترسی همگانی به خدمات انرژی اقتصادی، قابل اطمینان و مدرن اطمینان حاصل گردد) بوده تا هدف هفتم اهداف انکشاف پایدار (حصول اطمینان از دسترسی به خدمات انرژی اقتصادی، قابل اطمینان و مدرن برای همه) حاصل گردد. این شاخص مشکلات بزرگی تمام ابعاد انکشاف پایدار به شمول بهبود وضعیت زندگی اعضای خانوار و همکاری جهت خلق عاید بر اساس فعالیت های خانوار را مرفوع می نماید.

۹۷.۷	ملی
۹۹.۵	شهری
۹۷.۸	دهاتی
۸۶.۱	کوچی

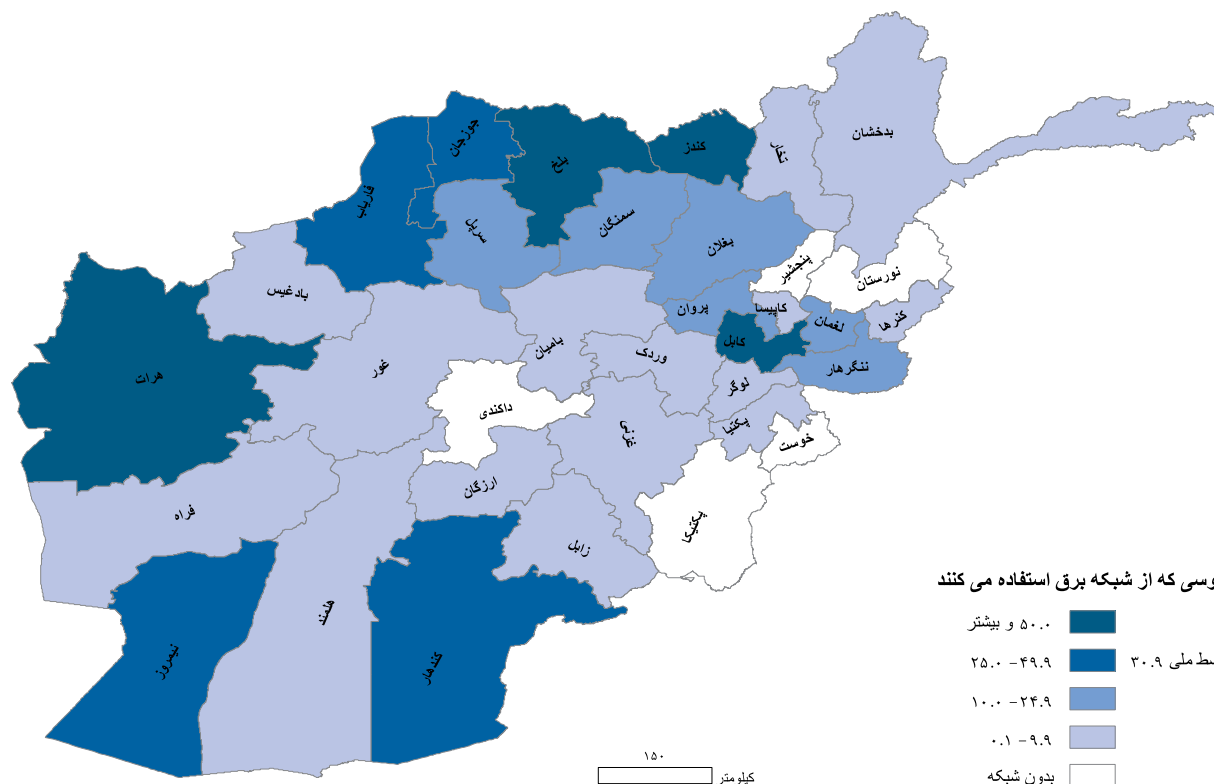
پیشرفت سریعی که در رابطه به دسترسی به برق ممکن گردید ناشی از سهم انرژی آفتابی باشد که تعداد زیادی از خانوار های افغان به خصوص در مناطق دهاتی و در میان خیل های کوچی آنرا استفاده می نمایند. در سه سال اخیر، بخشی نفوس دهاتی و کوچی که از انرژی آفتابی استفاده می کنند، به ترتیب ۱۳ و ۱۲ فیصد افزایش نموده است. گسترش انرژی آفتابی یک تجربه موفق است: ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ نشان داده است که دو فیصد خانوارها از انرژی آفتابی استفاده می نمودند، ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱ این رقم را ۲۲ فیصد نشان می دهد، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ این رقم را ۴۸ فیصد ثبت کرده است. در حالی که در حال حاضر انرژی آفتابی توسط ۵۹.۴ فیصد نفوس در سطح ملی و توسط ۷۳.۲ و ۷۰.۸ فیصد نفوس دهاتی و کوچی به ترتیب استفاده میگردد. شبکه برق توسط ۳۰.۹ فیصد نفوس استفاده میگردد، این رقم در پنج سال به اندازه ای ۵ فیصد افزایش یافته است (از ۲۶ فیصد سال ۱۳۹۱). این منبع اصلی انرژی در مناطق شهری است، که توسط ۹۱.۹ فیصد ساکنین آن استفاده میگردد، در حالی که در مناطق دهاتی ۱۲.۷ فیصد نفوس از این منبع استفاده کرده اند. بطری ها که یک منبع منقول اند، برای کوچی ها مهم می باشد، اما استفاده آنها در حال کاهش است. داینمو ها عمدتاً در محلات دهاتی استفاده میگردد، در حالیکه جنراتورها - چه شخصی یا محلی و یا دولتی - به ندرت استفاده میگرددند (شکل ۱۰.۱۰).

شکل ۱۰.۱۰ فیصدی نفوس که به منابع مختلف برق دسترسی دارند، به تفکیک محل اقامت



در سطح ولایتی، تنها در پکتیکا فیصدی خانوارهایی که از هیچ نوع برق استفاده نمی کنند، اندکی پایینتر از ۹۰ فیصد است. خانوارهای سایر ولایات بین ۹۰ و ۱۰۰ فیصد دسترسی به برق دارند. انرژی آفتابی در تمام ولایات، با بلندترین استفاده در مناطق دهاتی اما با استفاده محدود در ولایاتی که شهرهای بزرگ افغانستان در آنها موقعیت دارند توسط خانوارها استفاده میگردد. به طور مثال، تنها ۱۲.۹ فیصد خانوارها از انرژی آفتابی در ولایت کابل استفاده می کنند. از سوی دیگر، تفاوت بزرگ میان ولایات از لحاظ دسترسی خانوارها به شبکه ملی برق وجود دارد. شکل ۱۰.۱۰ نشان میدهد که تنها در ۴ ولایت حد اقل ۵۰ فیصد خانوارها می توانند به شبکه برق وصل شوند (۸۸.۹ فیصد در ولایت کابل)، ولی در ۴ ولایت دیگر این فیصدی میان ۲۵ و ۵۰ فیصد است. سایر ولایات تنها اتصال محدود دارند به استثنای خانوارهایی که در شهرها موقعیت دارند. در ولایات دایکندی، پکتیکا، خوست، پنجشیر و نورستان، شبکه برق در دسترس نیست. خانوارهایی که در این ولایات زندگی می کنند، حداقل به طور نسبی می توانند ضروریات خویش را به برق از طریق استفاده از قطعات انرژی آفتابی یا دیناموها برآورده سازند.

شکل ۱۱.۱۰: فیصدی نفوس با دسترسی به شبکه برق، به تفکیک ولایت



نمونه‌ای از ولایات و مناطق نمایش داده شده در نقشه:

- ۵۰.۰ و بیشتر
- ۳۰.۹ - ۴۹.۹
- ۱۰.۰ - ۲۴.۹
- ۰.۱ - ۹.۹
- بدون شبکه

مواد سوخت برای پخت و پز، و تنویر و تسخین

مواد سوخت که توسط خانوارها برای اهداف روشنایی استفاده می‌گردد، عمدتاً از منابع پاک اند، مواد سوخت پخت و پز و تسخین علاقمندی روز افزون را در ۲۵ سال گذشته ایجاد کرده است، زیرا قطع چوب باعث قطع وسیع درختان جنگلی شده است، و بخاطریکه سوخت چوب و ذغال چوب گازهای گلخانه‌ای تولید کرده که موجب گرم شدن زمین شده است. برعلاوه، پخت و پز با مواد سوخت طبیعی در محیط باز باعث مشکلات بزرگ صحتی می‌گردد. قرارگرفتن در معرض آلوده گی هوای داخل تعمیر و پیامدهای آن برای صحت، وابستگی به تعامل میان منابع آلوده کننده (مواد سوخت و نوع اجاق)، انتشار آن (ساختار مسکن و سیستم هواکش) و حضور اعضای خانوار در خانه، دارد. مواد سوختی جامد مانند چوب، ذغال چوب، باقیمانده های گیاهی یا سرگین حیوانی توسط تعداد خانوارها جهت پخت و پز و تسخین در سراسر جهان در حال استفاده اند. در نتیجه آلوده گی هوای خانوار در اثر سوخت های جامد عامل تعداد زیاد مرگ و میر و معیوبیت می باشد (WHO ۲۰۱۴).

شاخص ۲.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار (نسبت نفوسی که اتکای اصلی شان بر سوخت های پاک و تکنالوژی است) بر یک روش جدید جهت نظارت از عوامل خطر محیطی و صحتی تمرکز دارد (Bonjour et al. ۲۰۱۳). مقصد این موضوع تنها شناسایی و انفصال استفاده از سوخت های جامد نیست، بلکه همچنان چگونگی تعامل مواد سوختی با اعضای خانوار و فضای مسکن، و چگونگی نوع تکنالوژی استفاده شده برای پخت و پز، تسخین و روشنایی را نیز در نظر دارد. به طور مثال، استفاده از مواد سوخت بی کیفیت برای پخت و پز، عامل مهمی است که منتج به مرگ و میر خصوصاً در میان زنان و کودکان در داخل خانه می گردد. با درنظرداشت اهمیت استفاده از انرژی پاک و مصون برای خانوارها، سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ ارقامی در مورد استفاده از مواد سوختی جامد و غیر جامد را جمع آوری نموده است.^{۱۳}

^{۱۳} سوخت های جامد شامل سوخت های زیست محیطی، مانند بته ها، چوب، ذغال چوب، محصولات یا سایر ضایعات زراعتی، سرگین حیوان و ذغال. مواد سوخت غیرجامد شامل برق و گاز می‌گردد.

چوکات متن ۹.۱۰: شاخص ۲.۱.۷ اهداف انکشاف پایدار - نسبت نفوس با اتکا اساسی به مواد سوخت پاک و تکنالوژی (به فیصد)

نسبت نفوس با اتکای اساسی به مواد سوخت پاک و تکنالوژی شاخص دوم اهداف انکشاف پایدار است برای مقصد ۱.۷ (تا سال ۲۰۳۰، حصول اطمینان از دسترسی همگانی به خدمات انرژی اقتصادی، قابل اطمینان و مدرن) و برای هدف هفتم اهداف انکشاف پایدار می باشد. این شاخص با در نظر داشت فیصدی نفوسی که مواد سوخت پاک و تکنالوژی را برای پخت و پز، تسخین و تنویر استفاده می کنند، سنجش میشود. رهنمود های سازمان صحتی جهان در مورد کیفیت هوای داخل خانه، اهمیت تأمین مواد سوخت و تکنالوژی را برای محافظت مناسب از سلامت عمومی خانوارها، برجسته ساخته است. با آنهم نسبت مواد سوخت غیر جامد، که منجبت مواد سوخت پاک در نظر گرفته شده است، به حیث معیار مناسب جهت برآورد مواد سوخت مصون در خانوار پذیرفته شده است.

پخت و پز
تسخین
تنویر

۲۵.۲
۴.۲
۹۸.۱

جدول ۱۵.۱۰ فیصدی نفوسی را که از مواد سوخت جامد و غیر جامد استفاده می کنند و یا از هیچ نوع مواد سوخت استفاده نمی کنند، را در سطح ملی با جزئیات نفوس شهری، دهاتی و کوچی نشان میدهد. ارقام نشان میدهد که در افغانستان، استفاده از مواد سوخت جامد به طور عام جهت پخت و پز و تسخین ادامه دارد، که بالترتیب ۷۶ و ۹۵ فیصد را بر اساس سروی وضعیت زندگی افغانستان در سال ۱۳۹۳ تأیید می کند. تنویر تقریباً به طور کامل از برق و گاز بدست می آید. یک بخشی بزرگ نفوس کوچی دسترسی به تسخین در وقت زمستان ندارند (۱۷.۹ فیصد).

جدول ۱۵.۱۰: نفوس به تفکیک محل اقامت و به تفکیک استفاده از مواد سوخت غیر جامد برای پخت و پز، تسخین در زمستان و تنویر (به فیصد)

محل اقامت	مواد سوخت غیر جامد			نبود تسخین	نبود تنویر
	پخت و پز	تسخین	تنویر		
ملی	۲۵.۲	۴.۲	۹۸.۱	۲.۱	۰.۴
شهری	۷۹.۱	۱۱.۹	۹۹.۸	۱.۱	۰.۱
دهاتی	۹.۰	۱.۹	۹۸.۲	۱.۳	۰.۳
کوحی	۱.۱	۰.۶	۸۷.۷	۱۷.۹	۲.۴

وسایل معلومات و ارتباطات

تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات تأثیری بالای ابعاد متعدد پروسه انکشاف مانند انکشاف اقتصادی، ظرفیت انسانی، تساوی جنسیتی، صحت، محیط زیست و تعلیم و تربیه یک کشور دارد. بر علاوه ارتباط با زندگی روزانه مردم دارد. تیلیفون، کمپیوتر و انترنت به مردم این فرصت را مهیا می سازد تا تجارب شان را تبادل نموده و از یکدیگر بیاموزند، آنها میتوانند در ترویج توانمند سازی زنان همکاری نموده و در پیشرفت آموزش و رشد فرهنگ و اقتصاد محلات که در ساحات کمتر انکشاف یافته زندگی می کنند، کمک نمایند.

آخرین ارقام در مورد انکشاف تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات از (ITU ۲۰۱۷) پیشرفت دوا مدار جهانی در رابطه به ارتباطات و استفاده از تکنالوژی های معلوماتی را نشان میدهد. در دهه اخیر، دسترسی به ارتباطات، با توجه به رشد تکنالوژی تیلیفون، موبایل و اخیراً استفاده بخاطر وصل شدن به انترنت رشد با ثبات داشته است. رشد زیر ساخت های موبایل انترنت دارد، دسترسی به انترنت و استفاده آنرا تسریع بخشیده است. تعداد دارنده گان موبایل در سطح جهان از تعداد نفوس جهان بیشتر گردیده است، با آنکه تعدادی از افراد، خصوصاً در کشورهای رو به انکشاف، تا هنوز از تیلیفون موبایل استفاده نمی کنند. تعداد اشتراک کننده گان انترنت از طریق موبایل در سطح جهان بیشتر از ۵۰ در هر ۱۰۰ نفر بوده، که دسترسی سالم به انترنت و خدمات آنلاین را فراهم میسازد. تقسیمات بزرگ دیجیتلی میان کشورها و مناطق، میان کشورهای انکشاف یافته و رو به انکشاف، خصوصاً کشورهای که کمترین انکشاف را یافته اند وجود دارد. بیشتر از نصف خانوارها در سطح جهان دسترسی به انترنت دارند.

اجندای اهداف انکشاف پایدار ۲۰۳۰، استفاده از تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات را به عنوان وسیله پیشرفت اهداف انکشاف پایدار به رسمیت می شناسد. در مطابقت با مقاصد اهداف انکشاف هزاره، چارچوب اهداف انکشاف پایدار دربرگیرنده ۷ شاخص است، که ۶ مقصد و ۴ هدف انکشاف پایدار مرتبط به تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات می باشد. ۴ هدف انکشاف پایدار عبارت از شماره های ۴، ۵، ۹، ۱۷: بالترتیب مربوط به آموزش با کیفیت، تساوی جنسیتی، صنعت، نوآوری و زیربناء و مشارکت می باشند. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ ارقام اهداف انکشاف پایدار ۵ و ۱۷ را جمع آوری نمود که در مورد افراد دارای تیلیفون موبایل و استفاده کننده از انترنت معلومات ارایه میکند.

چوکات متن ۱۰۱۰ : شاخص ۱.۵.ب هدف انکشاف پایدار - بخشی افرادی که دارای تیلِفون همراه اند، به تفکیک جنس (به فیصد).

نسبت افرادی که دارای تیلِفون موبایل اند، به تفکیک جنس یک شاخص جدید تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات می باشد که توسط سمپوزیم جهانی شاخص های ارتباطات در سال ۱۳۹۳ مورد تایید قرار گرفت. این شاخص به مقصد b.۵ (تقویت توانایی های استفاده از تکنالوژی به خصوص تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات، تا توانمند سازی زنان پیشرفت کند) هدف پنجم انکشاف پایدار (تساوی جنسیتی) مرتبط است. هدف اصلی این است که استفاده از تیلِفون های همراه در میان گروپ های مختلف نفوس اندازه گیری و نظارت گردد تا تساوی جنسیتی معلوم گردد، زیرا تیلِفون های همراه وسیله شخصی یی است که درجه استقلالیت و خودمختاری زنان را نشان می دهد. اما سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ معلومات در مورد استفاده از تیلِفون همراه را نظر به جنس ارائه کرده نمی تواند.

ملی	۴۳.۳
شهری	۶۰
دهاتی	۳۸.۴
کوچی	۲۴.۸

تیلِفون های همراه روش در حال تسلط ارتباطات در بسیاری از کشورها است. استفاده از آن نشان دهنده یک جامعه معلوماتی است. مشترکین موبایل با استفاده کننده آن تیلِفون هایی اطلاع میگرد که دارای حسابات اشتراک پس پرداخت یا پیش پرداخت اند. استفاده از تیلِفون های همراه در افغانستان هنوز هم نظر به معیارهای بین المللی پایین است، با آنکه سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ نشان میدهد که ۴۳.۴ فیصد مجموع نفوس افغانستان که ۱۵ سال یا بالاتر اند، از تیلِفون موبایل جهت ارتباطات یا برای وصل شدن به شبکه اینترنت استفاده می کنند. این شاخص بر مبنای سفارش های اخیر (ITU ۲۰۱۷) و رهنمودهای اهداف انکشاف پایدار سنجش گردیده است. توزیع محل اقامت افرادی که از تیلِفون موبایل استفاده می کنند، نشان دهنده حدود ۶۰ فیصد در ساحات شهری، ۳۹ فیصد در ساحات دهاتی و ۲۵ فیصد در میان کوچی است. همچنان یک تفاوت جغرافیایی وجود دارد چنانچه بعضی ولایات - مانند کابل، پنجشیر، کاپیسا، لوگر و پکتیکا - از حد اوسط ملی بالاتر اند، در حالیکه سایر ولایات مانند نورستان و فراه نسبت خیلی کوچک را نشان میدهند.

هنگامیکه با سروی وضعیت زندگی افغانستان در سال ۱۳۹۳ مقایسه گردد، در آن سروی تمام نفوس بجای گروپ های سنی ۱۵ سال و بالاتر درنظر گرفته شده بود (شاخص قبلی ۱۵.۸ اهداف انکشاف هزاره)، بنابراین این شاخص نشان میدهد که اکنون ۶ تیلِفون موبایل در هر ۱۰۰ نفر بیشتر از ۳ سال قبل است. با آنکه تفاوت های بزرگ میان نفوس شهری، دهاتی و کوچی وجود دارد، ولی ارقام نشان دهنده یی ۶ الی ۷ فیصد افزایش در ساحات شهری و دهاتی می باشد.

ارقام جهانی در مورد استفاده از اینترنت نشان می دهد که تقسیمات دیجیتلی میان کشورهای بیشتر و کمتر وصل شده یک چالش باقیمانده، که نیاز است حل گردد، در صورتیکه معلومات وسیع جهت رسیدن به اهداف انکشاف پایدار کمک نماید. همچنان تقسیمات دیجیتلی میان کشورها هویدا است، بطور مثال میان ساحات شهری و دهاتی و میان گروپ های سنی. در بسیاری از کشورها، ساکنین شهری و نفوس جوان نظر به ساکنین دهات و کهن سالان بیشتر احتمال دارد که از اینترنت استفاده کنند. در بسیاری از کشورها زنان در مقایسه به مردان کمتر از اینترنت استفاده می کنند، اما در مقایسه با کشورهای انکشاف یافته زنان در کشورهای روبه انکشاف، به خصوص در کشورهای که کمترین انکشاف را داشته اند به مراتب کمتر از اینترنت استفاده می کنند.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تأیید میکند که استفاده از اینترنت در افغانستان برای گروپ کوچک از نفوس مختص گردیده است. تنها ۱۰.۰ فیصد خانوارها در کشور در منزل شان اینترنت دارند و تنها ۳.۹ فیصد نفوس ۱۵ ساله و بالاتر در ۱۲ ماه گذشته قبل از سروی از اینترنت استفاده نموده اند. این رقم در میان نفوس شهری و مردان بلندتر است (بالترتیب ۱۱.۸ فیصد و ۶.۴ فیصد) نسبت بر نفوس دهانی و زن ها (۱.۵ و ۱.۳ فیصد به ترتیب) این شاخص بر مبنای آخرین تعریف های اهداف انکشاف پایدار سنجش گردیده، که اشخاص ۱۵ سال و بالاتر از آن منجیت نفوس مرجع استفاده شده است. با آنکه ITU جمع آوری ارقام جهت استفاده از اینترنت را در جریان ۳ ماه قبل از مصاحبه سفارش میکند، ولی سروی وضعیت زندگی در افغانستان استفاده آنرا در ۱۲ ماه گذشته پرسیده است. در سطح ولایتی، تنها مردم کابل استفاده قابل ملاحظه یی را از اینترنت کرده اند (به طور اوسط ۱۲ فیصد، ۲۰ فیصد مردها و ۵ فیصد زنان)، در حالیکه در بیشتر ولایات استفاده آن تا هنوز اندک است.

^{۱۴} بخش احصائیه ملل متحد، شاخص های اهداف انکشاف پایدار، مخزن میتادیتا: <https://unstats.un.org/sdgs/metadata>، که به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۷ تجدید گردیده است.

چوکات متن ۱۱.۱۰ : شاخص ۱۸.۱۷ اهداف انکشاف پایدار - نسبت افرادی که از انترنت استفاده می کنند (به فیصد)

نسبت افرادی که از انترنت استفاده می کنند، یک شاخص مقصد ۱۷.۸ (عملی سازی مکمل بانک تکنالوژی و علم، تکنالوژی، میکانیزم ظرفیت سازی نوآوری و تکنالوژی برای کشور های که کمترین انکشاف را داشته اند در ۲۰۱۷ و افزایش توانمند سازی استفاده از تکنالوژی، خصوصاً تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات) برای هدف ۱۷ (تقویت توانایی های تطبیق و احیای مجدد مشارکت جهانی برای انکشاف پایدار) می باشد. شاخص توسط ITU چنین تعریف شده است: نسبت افرادی که از انترنت از مناطق مختلف در طی ۳ ماه گذشته استفاده نموده اند.

ملی	۳.۹	شهری	۱۰.۸
مرد	۶.۴	دهاتی	۱.۵
زن	۱.۳	کوچی	۰.۲

از اینکه قابلیت مقایسه را با دور قبلی سروی وضعیت زندگی در افغانستان پیدا نماید، همین شاخص در مورد استفاده کننده گان افغان از انترنت از مجموع نفوس سنجش گردیده است (شاخص ۱۶.۸ اهداف انکشاف هزاره). نتایج زمانیکه با سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ مقایسه گردد، ۲۰ فیصد را در سطح ملی نشان می دهد که نشان دهنده یک پیشرفت اندک (۱.۲ فیصد) است. استفاده از انترنت و تیلفون های همراه به خصوص برای زنان ممکن است که کمتر گزارش داده شده باشد، این امر واضح است که استفاده از تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی در افغانستان در مقایسه با انکشاف اقتصادی کشور و انکشاف بشری مردم افغانستان خیلی محدود است.

۱.۱. چالش ها و راهکارهای خانوار

خلاصه: ارزیابی های خانوار و جامعه شرایط زندگی چالش برانگیز و نامطمئن را برای اکثریت خانوارها در افغانستان نشان می دهد. حدود نیم (۵۱ فیصد) تمام خانوارها وخامت وضعیت اقتصادی را در یک سال قبل از سروی گزارش داده اند، در حالی که صرف ۱۲ فیصد از بهبود یادآوری کرده اند. خانوارهای شهری اغلب وخامت را (۵۷ فیصد) نسبت به خانوار های دهاتی و کوچی گزارش داده اند (۴۹ فیصد).

تکان های خانوار - حوادث خطرناک با پیامدهای منفی که خارج از کنترل مستقیم مردم می باشد - توسط ۵۹ فیصد خانوارها در سال قبل از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تجربه شده اند. خانوارهای شهری با داشتن (۶۴ فیصد) چنین تکان ها را نسبت به خانوارهای دهاتی (۵۶ فیصد) زیادتیر ولی به نسبت خانوارهای کوچی (۶۸ فیصد) قدری کمتر تجربه نموده اند. خانوارهای شهری به طور ویژه تحت تأثیر تکان های خاص خانوار قرار گرفتند، مانند ورشکستگی، بیکاری یا از دست دادن دستمزد. خانوارهای دهاتی بطور خاص تکان های مربوط به قییم مواد غذایی و مزرعه و شرایط زراعتی را تجربه نموده اند. تکان های مربوط به امنیت تنها ۱۴ فیصد خانوارها را متأثر ساخته است. با این حال خانوارها بیشترین این موارد را با داشتن تأثیرات شدیدی روی شرایط زندگی شان گزارش داده اند.

در کنار محل سکونت، عوامل خطر سازی که بالای آسیب پذیری در تجربه تکان خانوار اثر داشته شامل موسم سال، حجم خانوار، درجه تحصیلی، وضعیت فعالیت اقتصادی و نوع معلولیت رئیس خانوار، مالکیت زمین و وضعیت فقر می باشد. معمول ترین روش برای مقابله با تکان های خانوار عبارت از کاهش دادن مصارف (که بالای ۴۱ فیصد از خانوار هایی که تکان را تجربه نموده اند تطبیق شده است)، گرفتن قرضه (۲۸ فیصد را در بر گرفته است)، کاهش در کیفیت مواد غذایی (۱۹ فیصد) و خریداری مواد غذایی به قرض (۱۰ فیصد) می باشد.

اکثریت (۶۶ فیصد) خانوارها شرایط امنیتی را در ولسوالی مسکونی شان بطور مثبت در نظر گرفته اند و ۲۱ فیصد خانوارها در ولسوالی که سکونت اختیار نموده اند آن را ناامن احساس می کنند. احساس امنیت خانوارها به تکنیک محل سکونت تفاوت های جدی را نشان می دهد: ۲۶ فیصد خانوارهای دهاتی و ۳۰ فیصد خانوار های کوچی احساس می کنند که در ولسوالی های ناامن حیات به سر می برند، اما صرف ۶ فیصد خانوارهای شهری چنین مفکوره دارند. اکثریت بزرگی (۷۲ فیصد) خانوارها از پولیس راضی بوده صرف ۱۱ فیصد آنها عدم رضایت خود را از پولیس ابراز نموده اند. در اینجا همچنان خانوارهای شهری (۹۰ فیصد) نسبت به خانوارهای کوچی و دهاتی (بالترتیب ۶۶ فیصد و ۵۸ فیصد) احساس خود را بیشتر مثبت گزارش داده اند. احساس نمایندگان ذکور و انث خانوار در مورد تغییر وضعیت اقتصادی خانوار، امنیت ولسوالی و رضایت از پولیس درجه بالایی تشابه را نشان می دهد.

سه اولویت عمده که برای انکشاف جامعه توسط نمایندگان ذکور و انث خانوارها و همچنان توسط شورای مردان تذکر داده شده است عبارتند از: بهبود آب آشامیدنی (در ۲۰ فیصد از مجموع جوابات تذکر داده شده است)، بهبود زیربنای جاده یی (۱۷ فیصد) و بهبود وضعیت امنیتی (۱۷ فیصد). برعلاوه آب آشامیدنی و تأمین برق و حمایت از فارم داری و مالدارانی نگرانی های بخصوص خانوارهای دهاتی و کوچی بوده، به بار آورده است، در حالیکه بازسازی سرک و اشتغال از طرف خانوارهای شهری به جدیت تذکر داده شده است. به طور کلی اولویت بندی های مردان، زنان و شوراها تمایل به تشابه دارد. روند نزولی در اشاره به آب آشامیدنی، تأمین برق و تسهیلات طبی انعکاس دهنده بهبود در این ساحات می باشد که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۱ گزارش داده شده است. از سوی دیگر افزایش شدید در تذکر امنیت به عنوان نخستین گام انکشاف، نشان دهنده وضعیت رو به وخامت امنیتی در چند سال اخیر در کشور می باشد.

۱.۱.۱ مقدمه

افغانستان به علت ترکیبی از شرایط اقلیمی و طبیعی، وضعیت ناپایدار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و شواهد تاریخ معاصر ملو از جنگ، یک کشور معروض به خطر است. با وجود پیشرفت های قابل ملاحظه یی در چندین ساحات، شاخص های مختلف سروی وضعیت زندگی در افغانستان برملا می سازد که بخش بزرگی از نفوس افغانستان در وضعیت دشواری زندگی می کنند. فصل اخیر احساس و فهم مردم را در رابطه به وضعیت مشخص زندگی، چالش هایی که خانوارها با آن روبرو می شوند، راهکار هایی که خانوارها برای مبارزه به چنین چالشها به کار می برند و همچنان اولویت های انکشاف که توسط نمایندگان مرد و زن خانوارها و شورای مردان ابراز شده است معطوف می سازد.

۲.۱۱ درک وضعیت زندگی

یک مجموعه کوچک از سوالات در پرسشنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان گنجانیده شده است که مبرهن درک و دریافت مردم در رابطه به موضوعات ذیل می باشد:

- وضعیت اقتصادی خانوار در مقایسه به یک سال قبل؛
- رضایت از پولیس در ولسوالی یا ناحیه؛ و
- وضعیت امنیتی در ولسوالی یا ناحیه.

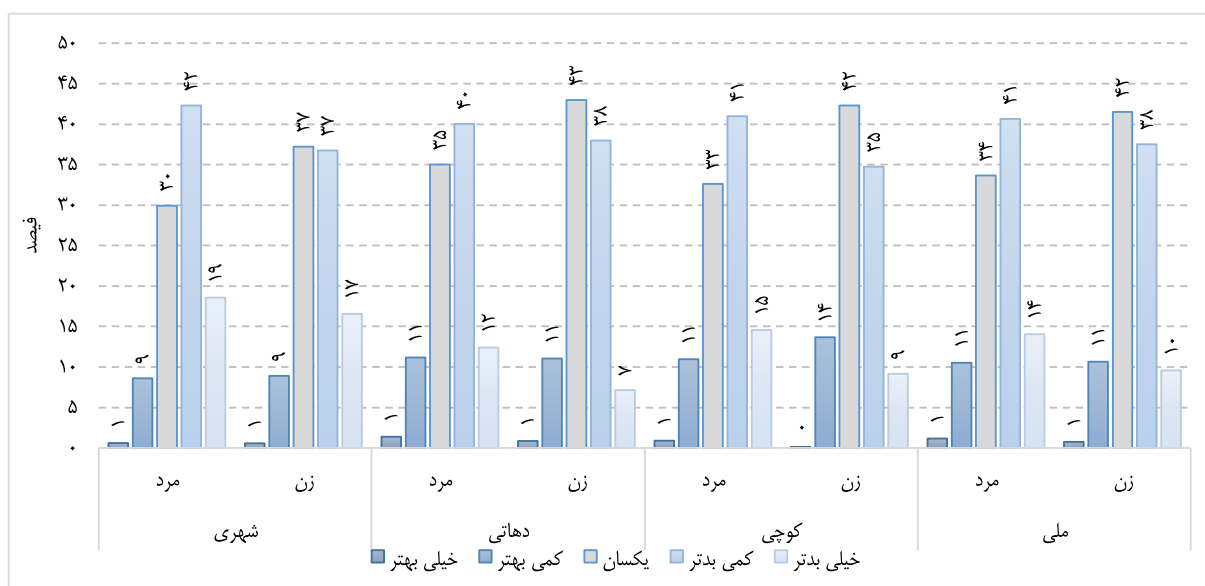
این سوالات از رئیس خانوار (معمولاً مرد) و یا عضو ارشد اناث خانوار، پرسیده شده است برای اینکه بتواند ارزیابی های خاص جنسیتی قابل ثبت باشد.

۱.۲.۱۱ وضعیت اقتصادی خانوار

وضعیت اقتصادی خانوار، طوری که توسط خود خانوارهای افغان به نظر گرفته شده طبق شکل ۱.۱۱ در حال بدتر شدن است. حدود نیم (۵۰.۹ فیصد) پاسخ دهنده گان ذکور و اناث وضعیت را وخیم گزارش داده اند، در حالیکه صرف ۱۲.۰ فیصد از بهبود یادآور شده اند. برای خانوارهای شهری وخامت وضعیت را بیشتر (۵۷ فیصد) نسبت به خانوارهای دهاتی و کوچی (بالترتیب ۴۸.۸ و ۴۹.۸ فیصد) گزارش داده اند. زنان نسبت به مردان کمتر بدبین بوده اند، ۴۷.۱ فیصد زنان در مقایسه با ۵۴.۷ فیصد مردان به وخامت وضعیت اقتصادی معتقد بودند. همچنان قابل یادآوریست که به ندرت (در حدود یک فیصد) کسی خواهد پنداشت که در آنجا وضعیت اقتصادی بهبود چشمگیری داشته است. زمانی که در رابطه به نتایج ارائه شده تحلیل فقر (فصل ششم) نگاه شود، دیده می شود که مفکوره خانواده ها در رابطه به تغییر وضعیت اقتصادی مطابق به سنجش روند فقر بوده است.

درک تغییر در وضعیت اقتصادی خانوارها همچنان رو به وخامت است. در مقایسه به ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۹۱، نسبت خانوارهایی که می پندارند وضعیت اقتصادی شان بدتر شده است مخصوصاً در مناطق شهری، به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در آن زمان، حدود ۳۳ فیصد تمام خانوارها و ۲۴ فیصد خانوارهای شهری وخامت وضعیت اقتصادی خود را کمتر و یا بیشتر دریافتند. تغییرات بیشتر در مناطق شهری باز هم مطابق به افزایش بیشتر فقر شهری می باشد.

شکل ۱.۱۱: درک نمایندگان خانوارها از تغییرات اقتصادی خانوارها به تفکیک محل سکونت، جنسیت و جهت تغییر (به فیصدی)



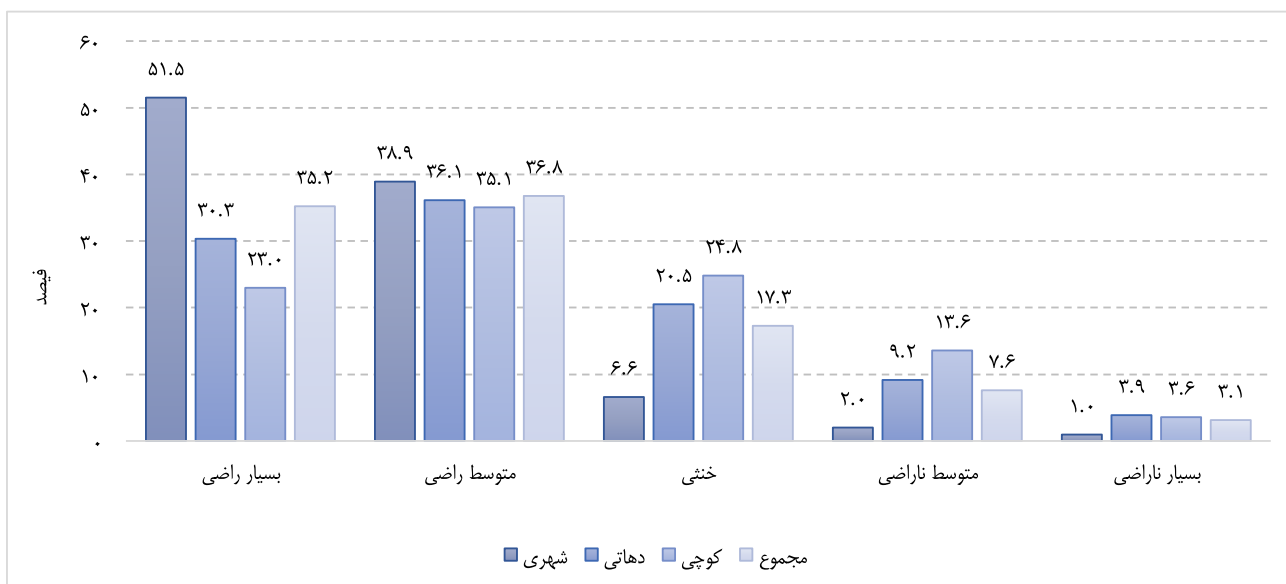
۲.۲.۱۱ رضایت از پولیس در ولسوالی

به طور عموم، اکثریت خانوارهای افغان در ولسوالی های خود از پولیس راضی هستند. مردان و زنان در مورد پولیس دیدگاه مشابه دارند. نزدیک به ۷۰ فیصد مردان و ۷۲ فیصد زنان از پولیس رضایت دارند.

قابل یادآوری است که یک نسبت کم خانوارها از پولیس ناراض می باشند که ۱۲ فیصد آنها را مردان و ۱۱ فیصد شان را زنان تشکیل می دهند.

همچنان سطح رضایت از پولیس نشان می دهد که در مناطق شهری بسیار بلند بوده طوری که در مقایسه با ۳۰.۳ فیصد مناطق دهاتی و ۲۳.۰ فیصد خانوارهای کوچی، ۵۱.۵ فیصد خانوارهای شهری کاملاً از پولیس رضایت داشتند (شکل ۲.۱۱). این وضعیت با اظهارات خیلی اندک و معمولی ناراضیتی خانوارهای شهری به نسبت خانوارهای دهاتی و کوچی تقابل دارد. دو فیصد خانوارهای شهری بالتزتیب در مقایسه به ۹.۲ فیصد و ۱۳.۶ فیصد خانوارهای دهاتی و کوچی نسبتاً ناراضی می باشند و یک فیصد خانوارهای شهری در برابر با حدود ۴ فیصد خانوارهای دهاتی و کوچی خیلی ناراضی هستند.

شکل ۲.۱۱: رضایت نمایندگان خانوار از پولیس منطقه به تفکیک سطح رضایت و محل سکونت (به فیصدی)

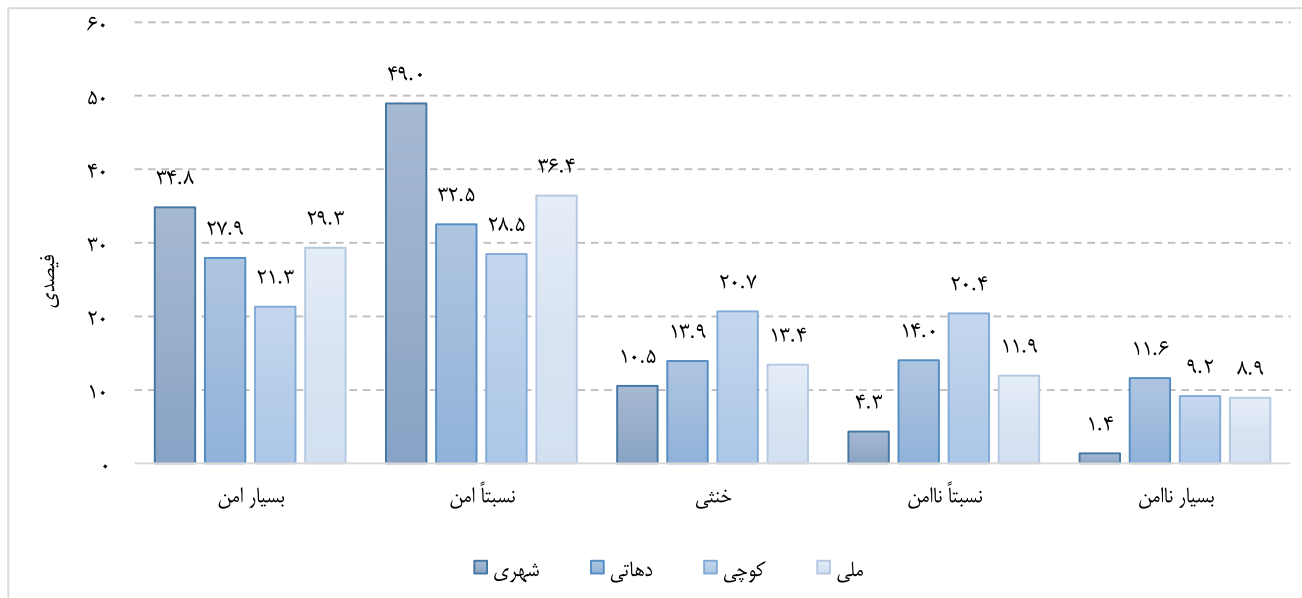


۳.۲.۱۱ احساس امنیت در ولسوالی

خانوارهای افغان در مورد وضعیت امنیتی ساحات مسکونی اکثراً احساس مثبت دارند، ۶۵.۷ فیصد نمایندگان خانوارهای افغان به این فکر هستند که در ولسوالی ای که زندگی می کنند یا بسیار و یا نسبتاً امن است. همینطور، ۲۰.۸ فیصد نمایندگان خانوارها بدین باور اند که در ساحه ناامن زندگی می کنند، باوجود گزارش دهی رسانه ها در مورد امنیت و چگونگی بخش عظیمی از مردم که برای یک زندگی عادی تا آخرین حد امکان می کوشند. از منظر جنسیتی، گزارش سطح امنیت در بین مردان و زنان بیشتر همسان می باشد.

تفاوت ها در احساس امنیت به تفکیک محل سکونت حایز اهمیت زیاد می باشد، طوری که صرف ۵.۷ فیصد خانوارهای شهری به این احساس بوده که آنها در ناحیه ناامن زندگی می کنند، در حالیکه ۲۵.۶ فیصد خانوارهای دهاتی و ۲۹.۵ فیصد خانوارهای کوچی محل سکونت شان را ناامن می دانند (شکل ۳.۱۱). باز هم وضعیت از دید متفاوت دیگر طوریت که ۸۳.۸ فیصد خانوارهای شهری گزارش می دهند که در یک ناحیه نسبتاً امن در مقایسه با ۶۰.۵ فیصد خانوارهای دهاتی و ۴۹.۸ فیصد خانوارهای کوچی زندگی می کنند.

شکل ۳.۱۱: ارزیابی امنیت ولسوالی توسط نمایندگان خانوار به تفکیک سطح امنیت و محل سکونت (به فیصدی)



۳.۱۱ تکان های خانوار و راهکار مقابله

۱.۳.۱۱ تکان های خانوار

همانند دوره های قبلی سروی، سروی کنونی وضعیت زندگی در افغانستان در مورد تکان هایی که خانوارها طی ۱۲ ماه قبل از انجام مصاحبه تجربه کرده اند، تحقیقاتی انجام داده است. تکان های خانوار آنده حوادثی پنداشته می شوند که پیامدهای منفی داشته و از کنترل مستقیم خانوارها خارج باشند. این پیامدها می توانند موقتی و نسبتاً خفیف باشند، مگر همچنان می توانند بنیاد هستی خانوار و اعضای آنرا تکان داده که هیچ راهکار مقابله ای نمی تواند جواب مناسب را ارایه نماید.

یک تفاوت اساسی بین تکان های عمومی و تکان های خاص وجود دارد. اولی با وقایع و حوادثی که احتمالاً بالای تمام جامعه تأثیر می گذارد ارتباط می گیرد، مانند: سیل، امراض حیوانی، خشکسالی و نا امنی عمومی در حالیکه دومی بیشتر به همان حوادثی تعلق می گیرد که بالای خانوارها و یا افراد خاص اثر می گذارد مانند: مرگ یکی از اعضای خانوار، از دست دادن وظیفه (شغل) و سوختن و از بین رفتن خانه می باشد. جعبه متنی ۱.۱۱ فراهم کننده طبقه بندی تکان های خاص به کتگوری های بزرگتر می باشد. برعلاوه ثبت انواع مختلف تکان ها که توسط خانوارها تجربه شده بود، پیامد تکان از هر یک چنین پرسیده شد که آیا اثر تکان خفیف، متوسط و یا شدید بود.

در دور سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، بخشی از خانوارهایی که تجربه تکان خود را گزارش داده اند نزدیک به ۵۹ فیصد می رسد. این تکان ها کاهش قابل ملاحظه بی را نظر به ارقام ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱ نشان می دهد که در آن ۸۴ فیصد خانوارها تجربه تکان ها را گزارش داده بودند. نوعیت تکان اکثراً در رابطه به قیمت مواد غذایی و قیمت محصولات زراعتی مزرعه و یا فارم می باشد که ۳۰.۶ فیصد گزارش داده اند، به دنبال تکان های خاص که توسط ۲۸.۸ فیصد خانوارها گزارش داده شده است. سومین نوع تکان های زیاد معمول که توسط خانوارها گزارش شده است تکانهای زراعتی می باشد (۲۶.۳ فیصد). در سال ۱۳۹۵ کوچکترین تکان هایی که خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است مربوط به حوادث طبیعی می باشد که ۱۰.۵ فیصد خانوارهای متأثر گزارش داده اند.

آب آشامیدنی: کاهش مقدار و کیفیت آب آشامیدنی.

ناامنی: ناامنی، خشونت و سرقت.

زراعتی: کاهش کیفیت و کمبود آب زراعتی، سطح بالا و غیرعادی آفات و امراض زراعتی، ریشه کن سازی تریاک، ترک کشت تریاک، سطح بالا و غیرعادی امراض حیوانی، کاهش دسترسی به چراگاه ها و کاهش دسترسی به مسیرهای مهاجرتی کوچی.

غذا و قیمت فروش دهقان: افزایش غیر معمول قیمت های مواد غذایی، کاهش غیرمعمول قیمت های فروش توسط دهقان بالای خرمن.

آفات طبیعی: زلزله، لغزش زمین و برف کوچه ها، سیل، یخبندان مخرب اخیر، باران های سنگین مانع کار، شرایط شدید زمستانی و باریدن شدید زاله.

حالات خاص: ورشکستگی تجارت خانوادگی، مریضی جدی یا حادثه ترافیکی عضو کارگر خانوار، مرگ یک عضو کارگر خانوار، مرگ یا بیماری اعضای دیگر خانوار، از دست دادن غیرعادی خانه یا زمین، از دست دادن غیرارادی حیوانات، از دست دادن شغل یک عضو خانوار، کاهش حقوق و دستمزد یک عضو خانوار.

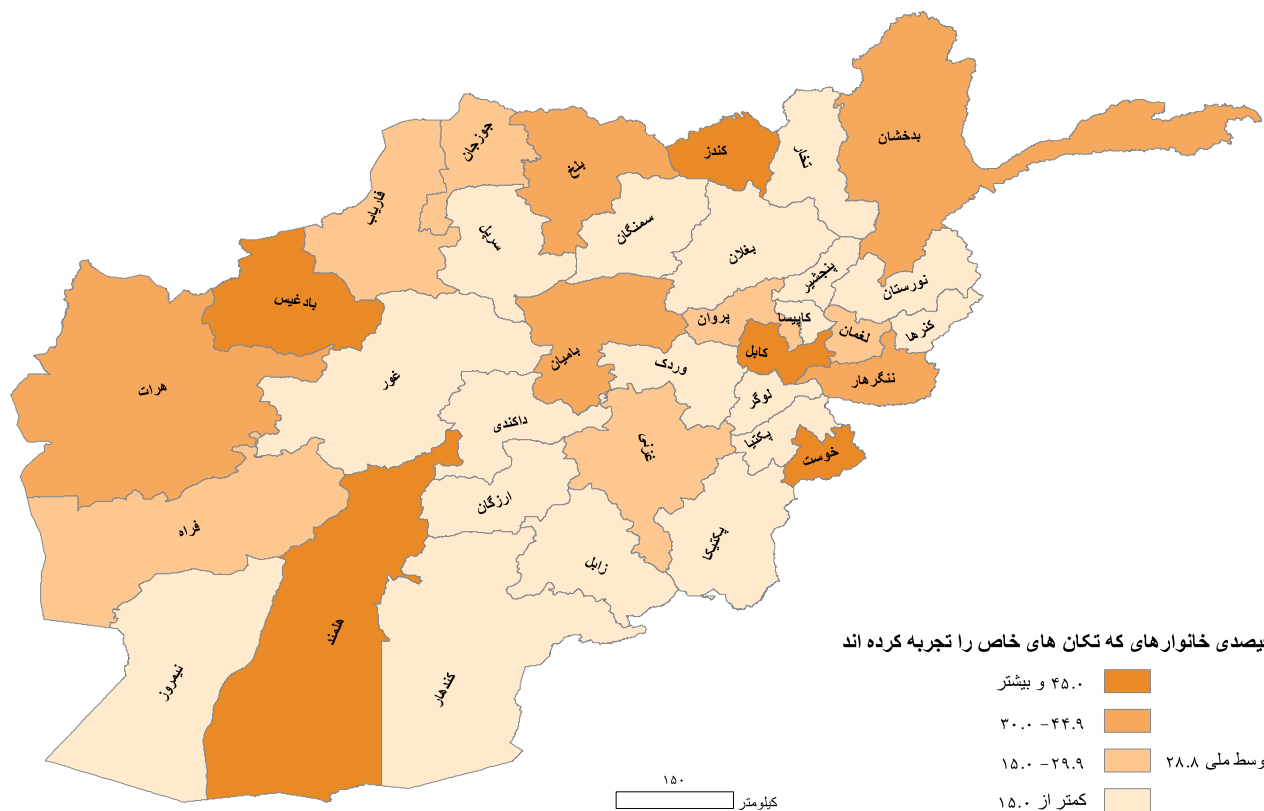
راجع به تفاوت های مسکونی، یک تصویر جالب پدید می آید، طوری که خانوارهای شهرنشین گزارش تجربه نمودن تکان های بیشتری را نسبت به خانوارهای دهاتی با ۶۴.۴ فیصد خانوارهای شهری در مقابل ۵۶.۲ فیصد خانوارهای دهاتی داده اند. (جدول ۱.۱۱). به نظر می رسد که خانوارهای کوچی اکثرا متاثر از تکان ها بوده ۶۸.۳ فیصد گزارش شده که تکان های خانوار را تجربه کرده اند. همچنین قابل توجه است که اغلب شواهد گزارش شده نوع تکان توسط خانوارهای شهری یک تکان ویژه یا فردی است (۴۰.۵ فیصد از چنین تکان هایی گزارش شده است)، در حالی که برای خانوارهای دهاتی بیشترین تکان گزارش شده غالباً از نوع تکان های زراعتی بوده اند.

از دست دادن عاید به دلیل افلاس، بیکاری و یا از دست دادن معاش اکثرا توسط خانوارهای شهری گزارش شده که تکان ویژه ای را تجربه نموده اند، در حالیکه خانوارهای دهاتی که گزارش دهنده تکانهای زراعتی بوده، عام ترین کنگوری فرعی ذکر شده، کم شدن آب زراعتی بوده است.

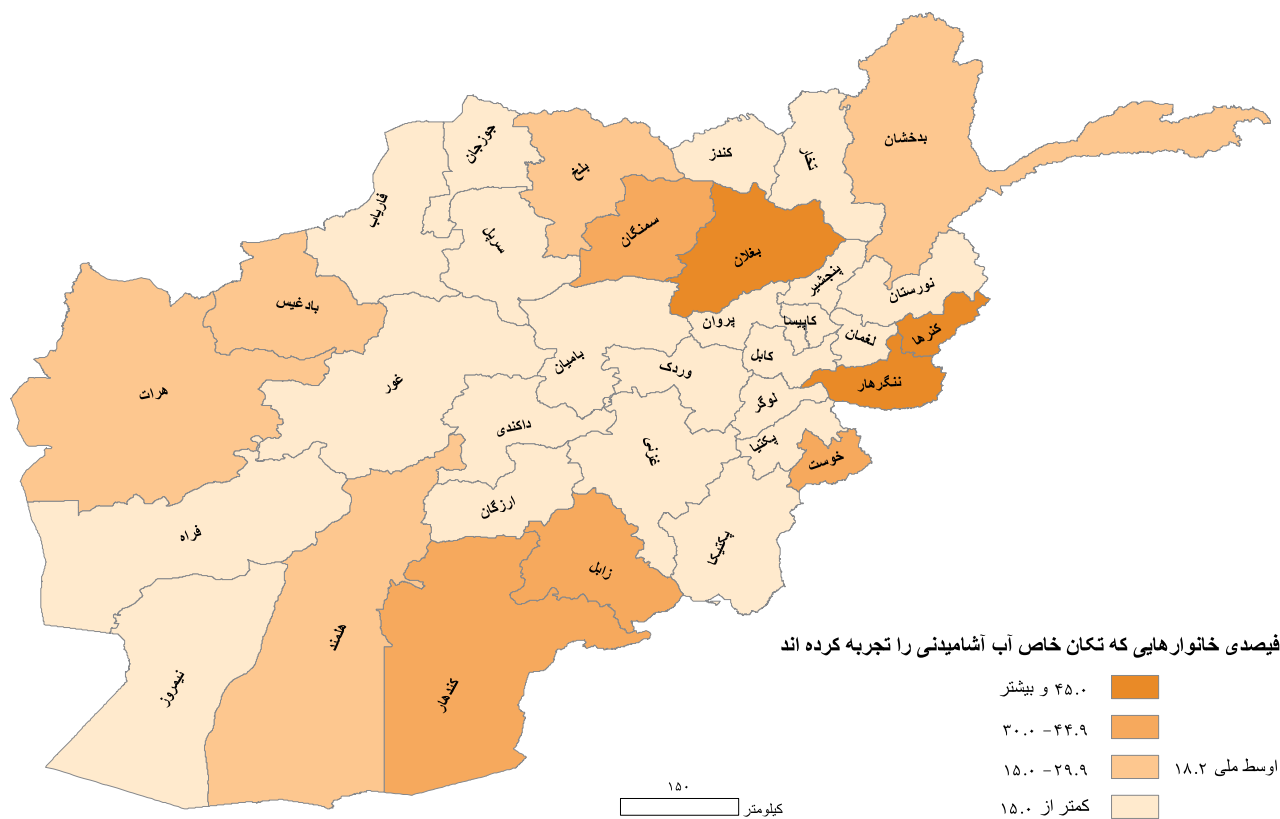
تکان های ویژه اغلب تأثیر زیاد منفی بالای خانوارها می گذارد، با توجه به یافته ها، ۴۵ فیصد از خانوارهایی که چنین تکان ها را تجربه می نمایند آنها را تکان های شدید می دانند. به نظر می رسد که تکان های زراعتی تأثیر کمتری به نوبه خود بالای خانوارها داشته، زیرا اغلب آنها به عنوان تکان هایی با تأثیر متوسط شناخته می شوند. تکان های مربوط به امنیت تنها روی ۱۴ فیصد خانوارها تأثیر گذاشته است. با این حال، این نوع تکان ها دارای زیاده ترین تأثیر بوده، زیرا بیشتر از ۶۰ فیصد خانوارهایی که چنین تکانها را تجربه کرده بودند گزارش دادند که این مورد شدید است. این کنگوری با بزرگترین سهم تأثیر شدید می باشد.

شکل های ۴.۱۱ و ۵.۱۱ بالترتیب نمایانگر تقسیمات جغرافیایی سهام خانوار است که تحت تأثیر شوک های خاص و آب آشامیدنی قرار می گیرند. ولایات واقع در سرحدات شمالی و غربی کشور و ولایات اطراف آنها به شمول ولایت کابل بزرگترین شواهد تکان های ویژه را نشان میدهند. ولایات دارای بزرگترین مراکز شهری مثل کابل، بلخ، ننگرهار و هرات فیصدی های بیشتر خانوار های را ثبت نموده اند که تکان های خاص را گزارش داده اند و این تکان ها بالاتر از اوسط سطح ملی قرار دارد. همانند تکان های خاص، خانوار های ولایات سرحدی کشور سهم بزرگتر تکان های آب آشامیدنی را نشان میدهند، که ولایات ننگرهار، کنر ها و بغلان بزرگترین سهم خانوار های متاثر از تکان های آب آشامیدنی در سطح کشور را گزارش داده اند.

شکل ۴.۱۱: فیصدی خانوارهایی که تکان منحصر به فرد را در ۱۲ ماه قبل از سروی به اساس ولایت تجربه نموده اند



شکل ۵.۱۱: فیصدی خانوارهایی که تکان آب آشامیدنی را در ۱۲ ماه قبل از سروی به تفکیک ولایت تجربه نموده اند



از سال ۱۳۹۱ به اینطرف تقریباً تمام انواع تکانها کاهش چشمگیری داشته است. جدول ۱۰.۱۱ تغییرات زیادی را نشان می دهد که تا حدودی وضعیت متغیر را روی زمین شرح می نماید که احتمالاً تغییر دیدگاه و گرایشات گزارش شده را نیز قسماً منعکس می سازد. یک تفاوت اصلی با دور سروی قبلی آنست که در سروی وضعیت زنده گی در افغانستان ۱۳۹۵ بروز تکان ها در خانوارهای شهری نسبت به خانوارهای دهاتی بالاتر است.

جدول ۱۰.۱۱: فیصدی خانوارهایی که تکان خانوادگی را به تفکیک سال سروی، محل سکونت و به تفکیک نوع تکان تجربه نموده اند

سال سروی محل سکونت	هرگونه تکان	تکان عمومی				تکان خاص
		آب آشامیدنی	زراعتی	آفت طبیعی	امنیت	
سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵						
ملی	۵۸.۹	۱۸.۲	۲۶.۳	۱۰.۵	۱۴.۰	۳۰.۶
شهری	۶۴.۴	۱۳.۹	۱۴.۵	۴.۴	۷.۲	۳۹.۹
دهاتی	۵۶.۲	۱۹.۱	۳۰.۰	۱۲.۸	۱۶.۵	۲۷.۵
کوچی	۶۸.۳	۲۶.۵	۳۳.۲	۹.۸	۱۳.۱	۲۶.۹
ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱						
ملی	۸۴	۴۷	۳۷	۳۶	۱۵	۶۱
شهری	۷۷	۳۶	۸	۲۶	۶	۶۴
دهاتی	۸۵	۴۸	۴۴	۳۸	۱۷	۵۸
کوچی	۹۴	۷۸	۶۲	۳۷	۳۲	۷۶
ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶						
ملی	۶۵	۱۸	۲۲	۳۹	۱۱	۳
شهری	۳۴	۶	۵	۱۸	۲	۴
دهاتی	۷۲	۲۱	۲۴	۴۴	۱۳	۳
کوچی	۸۱	۲۸	۴۸	۴۰	۱۳	۱
ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۴						
ملی	۴۵	۲۵	۴۷	۵۳	۱۱	۱۹
شهری	۱۸	۲۳	۱۰	۳۶	۹	۲۷
دهاتی	۵۱	۲۵	۴۸	۵۵	۱۲	۱۹
کوچی	۵۲	۳۰	۶۸	۴۰	۹	۹

درباره تکان های عمومی، کاهش وقوع تکان آب آشامیدنی قابل توجه است، از ۴۷.۰ فیصد در ۱۳۹۱ به ۱۸.۲ فیصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. با توجه به وضعیت اقامت، بیشترین کاهش در تکان آب آشامیدنی در میان خانوارهای کوچی رخ داده، که در حال حاضر این تکان ها فقط به ۲۶.۵ فیصد در مقایسه با ۷۸ فیصد در سالهای ۱۳۹۱ گزارش شده است. بروز تکان آب آشامیدنی نیز در خانوارهای شهری و دهاتی بیش از نیم شده است. این تغییرات می تواند نتیجه تلاش های بزرگ و سرمایه گذاری در عرضه و کیفیت آب آشامیدنی را نشان دهد. فصل ۱۰ درباره مسکن و سهولت ها معلومات بیشتر به این موضوع را فراهم می کند.

در گزارش آفات طبیعی نیز میتوان کاهش شدید تکانها را مشاهده کرد. به عنوان مثال، تعداد کمی از خانوارها (۴.۴ فیصد) اعلام کرده اند که این نوع تکان ها را تجربه نموده اند، در حالیکه در سروی قبلی این تکان ها بطور اغلب تجربه شده اند. تکان های مربوط به قیمت مواد غذایی و فارم ها نیز کمتر گزارش شده است، با وجودی که بروز واقعات آنها در مناطق شهری بلند بوده (۴۰ فیصد)، در حالیکه یک کاهش شدید در خانوارهای کوچی دیده شده (از ۷۶.۰ تا ۲۶.۹ فیصد از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵). خانوارهای دهاتی تکان های کمتری را در قیمت مواد غذایی و فارم گزارش داده اند. در مجموع بروز واقعات مربوط به تکان های امنیتی ۱۵ فیصد سال ۱۳۹۵ مشابه به سال ۱۳۹۱ بوده، با وجودی که خانوارهای کوچی یک وقوع شگفت آور کمتر از ۱۳ فیصد را گزارش داده اند که از ۳۲ فیصد در سال ۱۳۹۱ کمتر شده است.

چشمگیرترین یافته سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در باره تکان های خانوادگی، بیشتر شدن تکان های خاص بوده، که از ۲۲.۰ فیصد به ۲۸.۸ فیصد در خانوارها به سطح ملی، خاصا در خانوارهای شهری از ۲۳.۰ به ۴۰.۵ فیصد افزایش یافته است. زیادتیرین کنگوری تکان های خاص از دست دادن عایدات خانوار بوده، در مجموع با ۱۲ فیصد خانوارها رنجیده از این نوع تکان ها با ۲۲ فیصد از خانوارها در مناطق شهری می باشد. همانطور که توسط بانک جهانی سال (۱۳۹۶) گزارش شده است این وضعیت می تواند به کاهش عمده در تولید ناخالص داخلی خارج از بخش زراعتی در سال ۱۳۹۵ مربوط باشد.

یک رگرسیون لوجستیک در سال گذشته به اساس تجربه یک یا چند تکان توسط خانوارها غرض شناسایی عوامل خطر برای تجربه نمودن تکان های خانگی انجام شد. شکل ۱۱.۶ نتایج را از نظر فیصدی احتمال برای انواع خانوارها ارائه می نماید. این فیصدی ها باید به عنوان احتمالی، که یک خانوار با یک ویژگی خاص تکان را تجربه می نماید تفسیر شود نسبت به خانوار مرجع (که با یک میله خاکی رنگ **** نشان داده شده است)، در حالیکه اثر همه متغیرهای دیگر را کنترل می کند. برای توضیحات بیشتر در مورد رگرسیون لوجستیک به جعبه متنی ۳ در فصل ۴ مراجعه کنید.

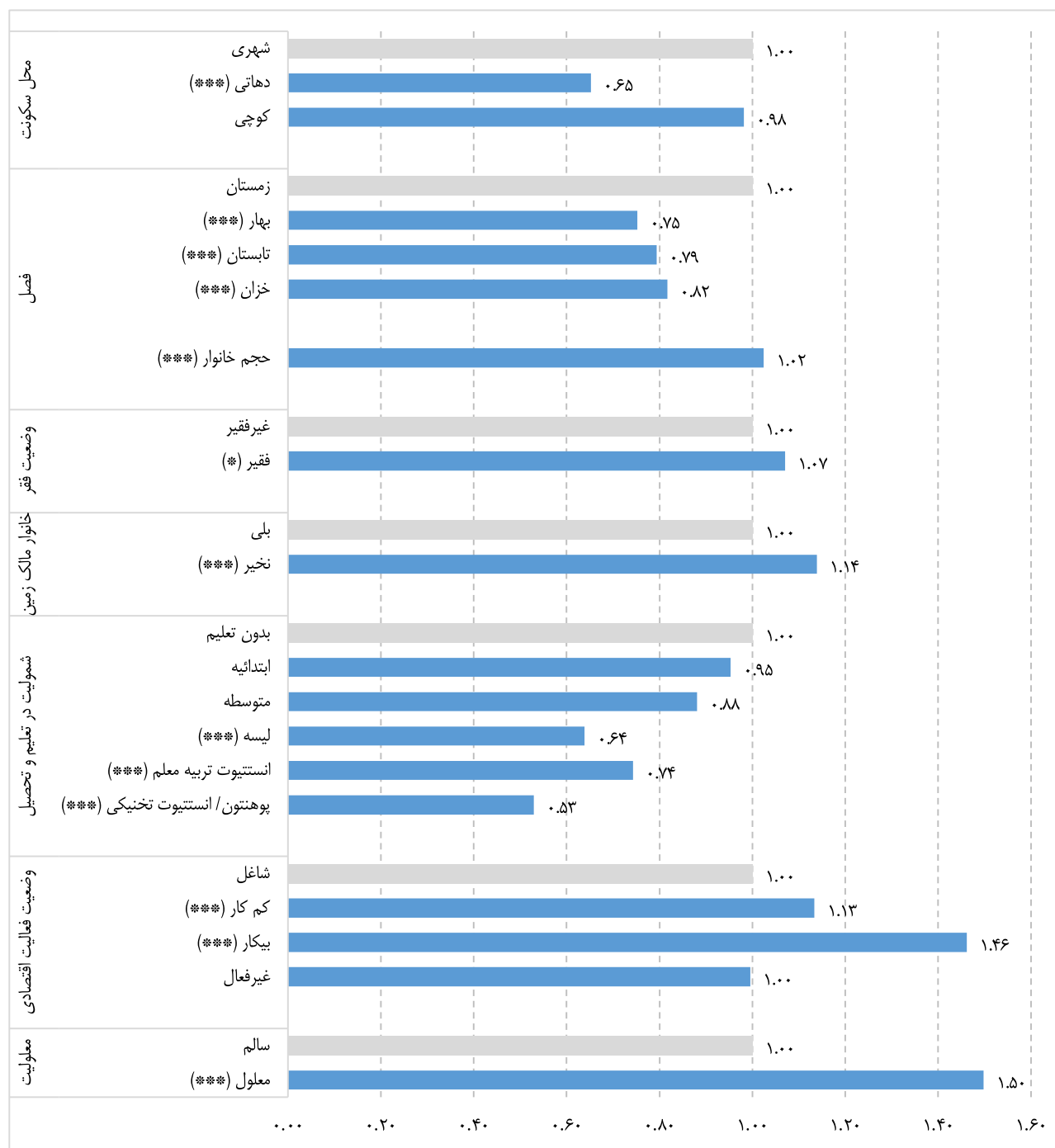
شکل ۱۱.۶ نشان می دهد که خانوارهای دهاتی نسبت به خانوارهای شهری هنگام کنترل متغیرهای دیگر، ۳۵ فیصد کمتر احتمال تجربه تکان را دارند. حالت فصلی نیز یک اثر قوی - و از نگاه احصائیهی معنی دار- بر احتمال وقوع تکانها را داشت. جای تعجب نیست، که فصل زمستان با بلندترین احتمال همراه است. احتمالا در بهار پایین ترین بوده، زمانی که ۲۵ فیصد کمتر از زمستان است.

به نظر میرسد که مالکیت زمین خانوارها را قدری از رنج بردن تکان ها حفاظت می کند زیرا خانوارهای بدون زمین ۱۴ فیصد بیشتر نسبت به خانوارهایی که مالک زمین اند احتمال رنج بردن از تکان را دارند. حجم خانوار تاثیر قابل توجهی در وقوع تکان ها را دارد زیرا احتمال این امر با ۲ فیصد افزایش برای هر عضو اضافی خانوار بیشتر می شود. حالت فقر یک تاثیر نسبتا متوسط در احتمال وقوع تکان دارد زیرا خانوارهای فقیر تنها ۷ فیصد بیشتر احتمال وقوع تکان را نسبت به خانوارهای غیر فقیر دارند.

معلوم میشود که مشخصات و ویژه گی های سرپرست خانوار نیز بر احتمال وقوع تکان های خانوار اثر می گذارد. از تمام عواملی که به نظر می رسد احتمال وقوع تکان را تحت تاثیر قرار می دهد، عامل اصلی با بیشترین اثر معلولیت می باشد: خانوارهایی که سرپرست شان از معلولیت رنج می برد ۵۰ فیصد بیشتر احتمال وقوع تکان را دارند. دومین عامل برجسته که باعث افزایش تاثیر احتمال تکان می شود وضعیت فعالیت اقتصادی سرپرست خانواده است. خانوارهایی که سرپرستش کم کار اند ۱۳ فیصد بیشتر احتمال دارند از تکان های خانوادگی نسبت به خانوارهایی که سرپرستش شغل دارد متاثر شوند. خانوارهای با سرپرست بیکار حتی ۴۶ فیصد بیشتر احتمال دارد تکانها را تجربه نماید.

دست آوردهای آموزشی سرپرست خانوار یک نمونهء روشن رابطه معکوس با احتمال تجربه نمودن تکان های خانوار را نشان میدهد، باوجودی که نتایج همیشه از نظر احصائیه معنی دار نیستند. به طور کلی، هر قدر سطح دست آوردهای آموزشی سرپرستان خانوار بالاتر باشد خطر ابتلا به تکانهای خانوار در آنها کمتر بوده ولی خانوارهایی که سرپرستان شان انستتوت تربیه معلم را تکمیل کرده باشد در الگوی کلی در سطح نسبتا استثنایی قرار دارند. خانوارهایی که سرپرستش مدرک دانشگاه دارند ۴۷ فیصد کمتر احتمال رنج بردن از تکان را نسبت به خانوارهایی که سرپرستان شان فاقد تحصیل اند، دارند.

شکل ۶.۱۱: نسبت های احتمال رگرسیون لجستیک در باره وقوع تکانهای خانوار



(***) معنی دار در سطح احتمال ۰.۰۱ (***) معنی دار در سطح احتمال ۰.۰۵ و (*) معنی دار در سطح احتمال ۰.۱؛ ضریب تثبیت = ۰.۰۲۰۰

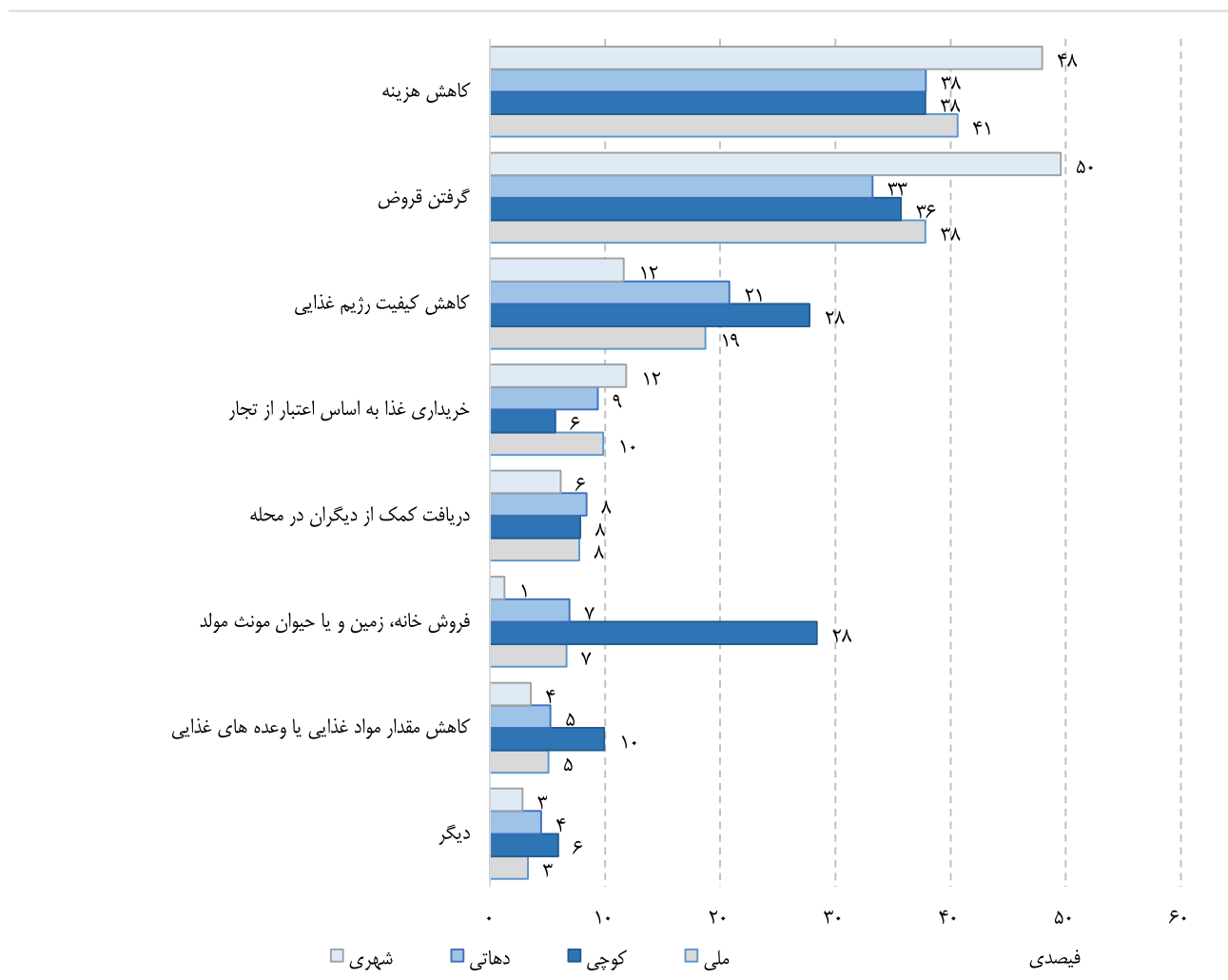
۲.۳.۱۱ راهکارهای مقابله

نظر به شدت تکانهای تجربه شده، خانوارها باید بالمقابل راهکارهایی را برای تنظیم زندگی روزمره خود پیدا نمایند. اگر چنین باشد، خانوارها شاید انواع مختلف راهکارهای مقابله را با توجه به ماهیت و شدت تکانهایی که خانوار آن را تجربه می کنند، پیدا بکنند از تمام خانوارهایی که یک یا چندین تکان را در سال قبل

از سروی تجربه نموده اند، ۴۱٫۶ فیصد اعلام نموده که آنها ضرورت به انجام دادن هیچ چیزی نداشته اند و ۵۸٫۴ فیصد هر یک از راهکارها را برای مقابله با تکان و یا تکان ها به کار برده اند. خانوارهای دهاتی اغلب استطاعت مالی دارند که هیچ کاری نکنند، در حالیکه خانوارهای شهری بیشتر مجبور بودند که باید اقدامات لازم انجام دهند.

رایج ترین راهکارهای مقابله ای کاهش هزینه بوده (۴۱ فیصد)، گرفتن قرضه (۳۸ فیصد)، کاهش کیفیت رژیم غذایی (۱۹ فیصد) و خرید مواد غذایی به قرض (۱۰ فیصد) (شکل ۷.۱۱). خانوارهایی که مصارف خود را در هر زمانی کاهش داده اند ۷.۳ میلیون نفر را نشان می دهد. انتقال خانه و یا وسایط تولید (کرایه، گروی دادن یا فروش خانه، زمین و یا حیوانات مونث و مولد) یک راهکار اصلی دیگر برای خانوارهای کوچی بوده (برای ۲۴ فیصد از کسانی که تجربه تکان نموده اند) و به میزان کمتری نیز برای خانوارهای دهاتی (۱۱ فیصد). با وجود اثر سبک کوتاه مدت این راهکار، این امر می تواند به شدت توانایی درازمدت خانوارها را بهبود بخشیده و موقعیت اقتصادی شان را بهتر سازد. راهکارهایی که به طور مستقیم بر سلامت کودکان تأثیر می گذارد، شامل حذف فرزندان از مدرسه است (با ۶ فیصد خانوارها که تجربه تکان نموده اند)، افزایش کار کودکان (۷ فیصد) و فروش عروس کودک (۱ فیصد) (ارقام نشان داده نشده).

شکل ۷.۱۱: خانوارهایی که یک تکان خانگی را تجربه نموده اند، به تفکیک استفاده از راهکار مقابله ای و به تفکیک محل سکونت (به فیصدی)



راهکارهای مرتبط به کار، مانند کار برای برنامه های امداد رسانی و یا پیوستن به نیروهای نظامی توسط سهم تقریباً ناچیز خانوار که تکان را تجربه نموده اند ذکر شده است (کمتر از یک فیصد) که نسبت به ۱۳۹۱ یک کاهش شدید یافته است. این می تواند نشان دهد که این نوع راهکارها دیگر در دسترس نیست یا نمایندگی از یک راهکار مناسب برای خانوارها را نمی کند

نتایج سروی نشان می دهد که حدود ۲۱۲ هزار نفر در برنامه های (غذا در مقابل کار، پول نقد در مقابل کار و یا پروگرام های تولید معاش) کار نموده اند، نزدیک به نیم تعداد راهکار های ثبت شده در ارزیابی ملی آسیب پذیری ۱۳۹۱ (یک کاهش از ۹۰۰ به ۵۰۲ فیصد خانوارها).

۴.۱۱ اولویت های انکشاف جامعه

پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل سوالهایی در مورد کمک های دولت بوده که بیشترین منفعت را برای جامعه می رساند. این پرسشها از رئیس خانوار - عمدتا مرد - و زن ارشد خانوارها پرسیده شد که به تجزیه و تحلیل جنسیتی اولویت های انکشاف کمک می کند. علاوه بر این، پرسشنامه شورا شامل همان مجموعه از سوالاتی بوده که باعث می شود این امکان را برای ارزیابی فراهم نماید که تا چه حد شوراهای مردان معرف دیدگاههای مردم در امر انکشاف است.

جوابات مشترک زن و مرد خانوارها به سوال مرتبط به اولویت اول برای انکشاف جامعه، سه کتگوری برگزیده را نشان می دهد: بهبود آب آشامیدنی (ذکر شده توسط ۲۰.۳ فیصد از پاسخ دهندگان)، بهبود زیرساخت جاده ای (۱۷.۰ فیصد) و بهبود امنیت (۱۶.۵ فیصد) (شکل ۸.۱۱). مسائل مربوط به آب آشامیدنی^۱ خاصا برای خانوارهای دهاتی بسیار مهم است (۲۲.۱ فیصد) و حتی بیشتر برای خانوارهای کوچی (۳۴.۹ فیصد) درخور اهمیت است، در حالی که تنها ۱۲.۱ فیصد خانوارهای شهری این را به عنوان اولین اولویت انکشافی ذکر نموده اند. از سوی دیگر بهبود در زیرساخت جاده^۲ ای اغلب از طرف نمایندگان خانوارهای شهری ذکر شده (۲۳.۴ فیصد)، کمتر توسط همتهایان دهاتی (۱۵.۸ فیصد) و به سختی توسط نمایندگان خانوارهای کوچی (۱.۵ فیصد). اولویت های امنیتی^۳ به طور مساوی در سراسر سطح اقامت قرار دارد.

ردیف دوم اولویت های انکشافی ذکر شده توسط نمایندگان مرد و زن خانوارها، اشتغال، تسهیلات صحتی، تأمین برق، مسائل زراعتی و مالداري، سهولت های تعلیمی و آموزشی^۴ بوده که در مجموع نمایندگی از ۵ تا ۱۰ فیصد اولین اولویت های انکشافی را می نماید. تفاوت های مسکونی قابل توجه در ارائه فرصت های شغلی (اکثرا یک نگرانی شهری)، تأمین برق (عمدتا یک نگرانی دهاتی)، پشتیبانی از زراعت و مالداري (چنانکه بیشتر انتظار می رود یک نگرانی دهاتی و کوچی است).

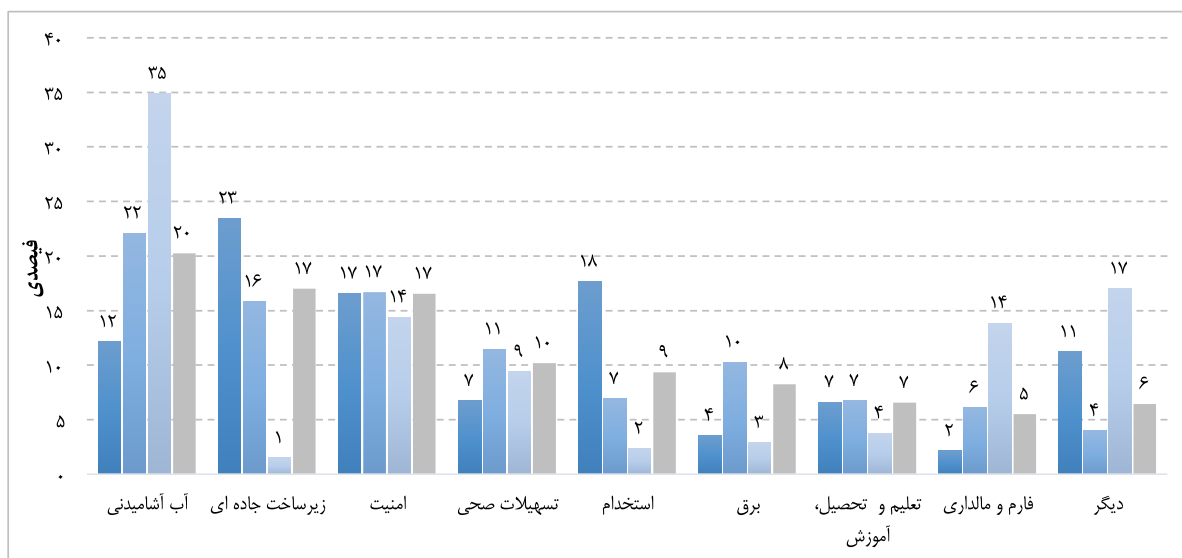
^۱ آب آشامیدنی: کیفیت و کمیت آب آشامیدنی

^۲ زیرساخت جاده ای: تعمیر و ساخت سرک ها و ساخت و ساز پل / بازسازی

^۳ امنیت: افزایش امنیت، مکانیسم حل و فصل اختلاف بالای زمین و یا مسکن ، خلع سلاح شبه نظامیان / فرماندهان محلی

^۴ اشتغال: افزایش فرصت های شغلی برای زنان، برای مردان و برای زنان و مردان؛ طرح جدید/ بهتر قرضه های کوچک؛ مسائل مربوط به فارم داری و مالداري؛ بازسازی سیستم آبیاری، بهبود خدمات زراعتی، بهبود خدمات مالداري؛ تسهیلات تعلیم و آموزش؛ امکانات جدید/ بهبود تسهیلات محلی آموزش برای دختران و پسران و برای هر دو دختران و پسران، ترینتگ سواد آموزی برای زنان، برای مردان و برای هر دو زنان و مردان؛ آموزش مهارت های حرفه ای برای زنان، برای مردان و برای هر دو زنان و مردان.

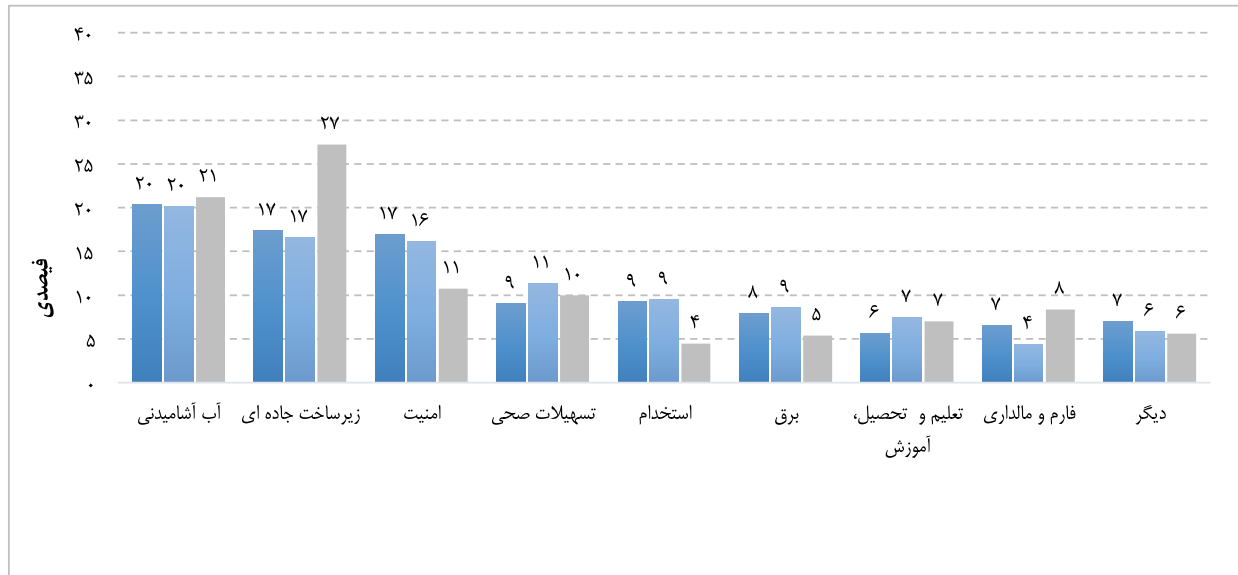
شکل ۸.۱۱: توزیع اولین اولویت انکشاف جامعه^۵ نمایندگان خانوارها به تفکیک محل اقامت (به فیصدی)



شکل ۸.۱۱ اولین اولویت انکشافی نمایندگان مرد و زن خانوارها و شورای مردان را نشان میدهد. توزیع اولویت های انکشافی چنانکه توسط سرپرستان مرد و زنان بزرگسال خانوار یادآوری شده با هم بسیار مشابه اند. یگانه استثناء، تذکر مکرر مبنی بر پشتیبانی از فارم داری و مالداري بوده که اکثرا توسط مردها (۶.۶ فیصد) نسبت به زنها (۴.۴ فیصد) ذکر شده است. تا حد زیادی، توزیع اولویت های انکشافی طوری که توسط شورای مردها یادآوری شده مشابهت به آنهایی دارد که نمایندگی از خانوارها میکنند. انحرافات قابل توجه شامل بهبود زیرساخت سرک است که اغلبا توسط شوراهای یادآوری شده (۲۷.۲ فیصد) است و خاصتا توسط شوراهای شهری (۴۰.۷ فیصد). از سوی دیگر یادآوری کمتر شوراهای امنیت (۱۰.۸ فیصد، شوراهای دهاتی ۵.۲ فیصد) و استخدام (۱۰.۸ فیصد) به عنوان اولویت برای انکشاف جامعه.

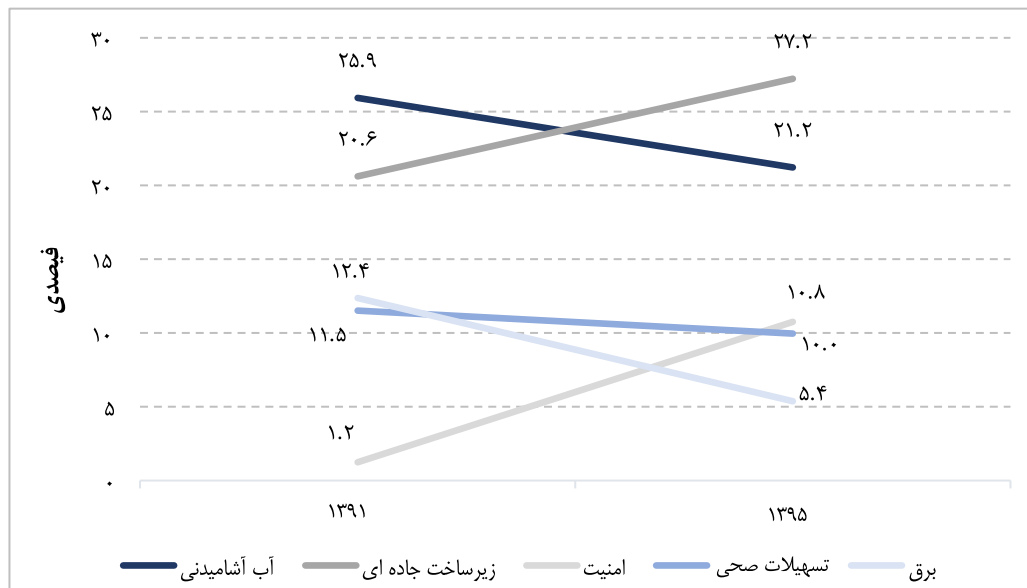
^۵ پاورقی های ۱ الی ۴ و دیگر: مسکن جدید/ بهبود یافته، سیستم عدالت محلی اصلاح شده/ بهبود یافته.

شکل ۹.۱۱: توزیع اولویت اول انکشافی جامعه شورای مردها و نمایندگان مرد و زن خانوار (به فیصدی)



شکل ۱۰.۱۱ روند رو به رشد اولویت های انکشاف جامعه را نشان می دهد که در سروی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ توسط شورای مردان به مثابه مهمترین در نظر گرفته شده بود. کاهش در تذکر سهولت های صحتی و بخصوص آب آشامیدنی و تامین برق پیشرفت هایی است که توسط سروی وضعیت زندگی در افغانستان ثبت شده است (به فصل های ۹ و ۱۰ نگاه کنید). از سوی دیگر، مشاهده یک افزایش شدید در تذکر مکرر امنیت، به عنوان یک اولویت دیده می شود. این نشان موضوع نشان دهنده انکشاف وضعیت امنیتی است طوری که در مقدمه (فصل ۱) ارائه شده است. افزایش در تذکر زیرساخت جاده ای ممکن است به دلیل شهرنشینی و عدم توانایی در تطبیق ترافیک شهری جایجا نموده بیروبار شهری در مناطق مرکزی کشور باشد.

شکل ۱۰.۱۱: اولین اولویت های انتخاب شده انکشاف جامعه توسط شورای مردان به تفکیک سال سروی (به فیصدی)



ضمیمه ۱ اشخاصیکه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان شامل بودند

۱.۱ کارمندان اداره ملی احصائیه و معلومات

محمد سمیع نبی	-	آمر پروژه / رئیس ریاست عملیات ساحه
عصمت الله حکیمی	-	هماهنگ کننده داخلی پروژه
احمد خالد امرخیل	-	احصائیه دان ارشد
محمد منیر جمشیدی	-	مامور اداره سروی
احمد سمیر صمدی	-	سوپروایزر چک کردن ارقام
عبدالله احمد شیرزی	-	کمک و حمایت کارمندان - تدارکات
محمد صادق صدیقی	-	چک کننده کیفیت ارقام
محمد امان رحیمی	-	چک کننده کیفیت ارقام
نرگس اکبر	-	چک کننده کیفیت ارقام
فرح دیبا یوسف زی	-	کود گذار
مهناز نوری	-	کود گذار
محمد وحید ابراهیمی	-	آمر دیتابیس
احمد زبیر سروری	-	آمر ادخال ارقام
شکیبا رحیمی	-	آمر سیستم معلوماتی جغرافیایی
محمد نعیم	-	راننده (درایور)

۲.۱ کارمندان آیکان

کریستوف دیتریچ	-	مدیر پروژه
روبرتو بیان چینی	-	رهبر تیم
بارت دی براین	-	تحلیلگر ارشد/ تصحیح کننده
فرانک ایلنس	-	متخصص پروسس ارقام
ترانه فیروز	-	مدیر مالی
سمیع الله زازی	-	راننده

۳.۱ کمیته رهبری

جلالت‌مآب احمد جاوید رسولی، رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات (از اسد ۱۳۹۶)
 جلالت‌مآب شیر محمد جامی زاده، سرپرست ریاست عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات (تا به اسد ۱۳۹۶)
 پوهنمل حسیب الله موحّد، معاون رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات
 آقای احمد جان نعیم، معین وزارت صحت عامه
 آقای ولی محمد فرهودی، مدیر برنامه - انکشاف دهات، نماینده اتحادیه اروپا در افغانستان
 آقای امان الله اصیل، مامور برنامه، وی ا ام - دبلیو اف پی
 آقای حاجی قدرت الله اچ آر پی، وزارت احیا و انکشاف دهات
 آقای چندرا شیکرچیرلا متخصص یونیسیف، پی اند ام
 آقای غلام ربانی حقیقت پال، رئیس احصائیه وزارت زراعت، آبیاری و مالداري
 آقای احمد شکیل حازم، رئیس پالیسی اقتصاد وزارت زراعت، آبیاری و مالداري
 آقای عصمت الله رمزی، مشاور رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات
 آقای محمد سمیع نبی، رئیس عملیات ساحه اداره ملی احصائیه و معلومات
 داکتر کریستینا ویزر، اقتصاددان، فقر و نابرابری عمل جهانی، بانک جهانی (از ۲۰۱۶)
 داکتر سلویا ردبلی، اقتصاددان، تیم پالیسی اقتصادی و فقر، بانک جهانی (تا ۲۰۱۶)
 و دیگران که در اینجا ذکر نشده اند.

۴.۱ کمیته تخنیکي مشورتی

جلالتمآب احمد جاوید رسولی، رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات (از اسد ۱۳۹۶)
جلالتمآب شیر محمد جامی زاده، سرپرست ریاست عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات (تا به اسد ۱۳۹۶)
پروفیسور حسیب الله موحّد، معین رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات
آقای عصمت الله رمزی، مشاور رئیس عمومی اداره ملی احصائیه و معلومات
آقای محمد سمیع نبی، رئیس عملیات ساحه اداره ملی احصائیه و معلومات
خانم تی وان هوانگ رئیس بخش وی اِ ام - دبلیو اف پی
آقای امان الله اصیل، مامور برنامه، وی اِ ام - دبلیو اف پی
داکتر کریستینا ویزر، اقتصاددان، فقر و نابرابری عمل جهانی، بانک جهانی (از ۲۰۱۶)
داکتر سلویا ردیلی، اقتصاددان، تیم پالیسی اقتصادی و فقر، بانک جهانی (تا ۲۰۱۶)
داکتر بارت دی براین، تحلیل گر پیشتاز / تصحیح کننده سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، آیکان
آقای کریستوف دیتریچ، مدیر ارشد پروژه، آیکان
آقای محمد منیر جمشیدی، سکرتر کمیته تخنیکي مشورتی، اداره ملی احصائیه و معلومات
و دیگران که در اینجا ذکر نشده اند.

۵.۱ مولفین فصل ها

۱. مقدمه - نندینی کریشان و کریستینا ویزر (بانک جهانی) و بارت دی براین (آیکن)
۲. میتودولوژی سروی و عملیات - عصمت الله حکیمی و احمد خالد امر خیل (اداره ملی احصائیه و معلومات)، بارت دی براین و روبرتو بیان چینی (آیکن)
۳. نفوس و خانوارها - فرانک ایلنس و بارت دی براین (آیکن)
۴. بازار کار - بارت دی براین (آیکن)
۵. زراعت و مالداري - احمد خالد امرخیل (اداره ملی احصائیه و معلومات) و بارت دی براین (آیکن)
۶. فقر - اندریا گرمینیاسی، نندینی کریشان، ژیهائو وانگ و کریستینا ویزر (بانک جهانی)
۷. مصنویت غذائی - امان الله اصیل (دبلیو اف پی)
۸. آموزش و پرورش - بارت دی براین (آیکن)
۹. صحت - فرانک ایلنس (آیکن)
۱۰. مسکن و امکانات خانوار - روبرتو بیان چینی (آیکن) و عصمت الله حکیمی (اداره ملی احصائیه و معلومات)
۱۱. چالش ها و استراتژیهای خانوار - کریستوف دیتریچ (آیکن)

ضمیمه ۲ پوشش موضوعات در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ الی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵

موضوع					دور ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری / وضعیت زندگی در افغانستان
۱۳۸۶	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۹۵	۱۳۹۷	
X	X	X	X	X	ساختمان خانوار
X	X	X	X	X	مسکن و تسهیلات
X	X	کاهش یافته است	X	-	مالداری
X	کاهش یافته است	X	کاهش یافته است	-	زراعت
X	کاهش یافته است	توسعه یافته است	X	توسعه یافته است	نیروی کار
X	-	توسعه یافته است	-	توسعه یافته است	کار اطفال
X	X	کاهش یافته است	X	کاهش یافته است	فقر
X	X	کاهش یافته است	X	کاهش یافته است	مصنوعیت غذایی
X	X	X	X	X	تعلیم و تحصیل
X	کاهش یافته است	توسعه یافته است	کاهش یافته است	کاهش یافته است	مهاجرت
X	-	-	X	-	معلولیت
X	کاهش یافته است	-	X	کاهش یافته است	صحت طفل
X	کاهش یافته است	کاهش یافته است	X	X	صحت مادر
X	کاهش یافته است	-	-	-	تولدت و مرگ و میر
X	-	X	-	-	جنسیت
X	X	X	X	X	تکان ها و راه های حل

X - سطح پوشش ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال ۱۳۸۶
کاهش یافته است - پوشش کاهش یافته است
افزایش یافته است - پوشش افزایش یافته است
باید توجه داشت که دوره های ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ سروی تطبیق گردیده است و دوره ۱۳۹۸ تحت پلان هست.

ضمیمه ۳ پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان

۱.۳ پرسشنامه خانوار سروی وضعیت زندگی در افغانستان

 سروی وضعیت زندگی در افغانستان 1395 	
پرسشنامه خانوار	
بخش 1: مشخصات خانوار (بخش تکمیل)	
1.1 نام ولایت 1.2 نام ولسوالی 1.3 کد ساحت کنترول و ساحت شمار 1.4 کد کلسر/خوشه 1.5 کد محل اقامت 1.6 اگر 1.5 مساوی به 14 تاجه شهری 1.7 اگر 1.5 مساوی به 24 نام قریه	1.8 نمبر خانوار (1-15) 1.9 نمبر دروازه 1.10 اسم رئیس خانوار 1.11 اسم پدر رئیس خانوار 1.12 در صورتیکه پاسخ دهنده رئیس خانوار باشد سوالات 1.12 و 1.13 را ختم پری کنید 1.13 شماره سطر پاسخ دهنده (از بخش راجستر)
بخش 2: نظرات از پرسشنامه ارقام	
تمام مداخلات این پرسشنامه توسط < سوپروایزر تیم و آمر اخصایه > چک و کنترل گردیده و اسناد آماده ارسال به اداره مرکزی اخصایه میباشد.	
2.1 این پرسشنامه چک شده؟ 2.2 این پرسشنامه چک شده؟ 2.3 شماره سوپروایزر منطوقی	تصدیق: امضا: 2.4
2.5 تاریخ مصاحبه 2.6 وقت شروع مصاحبه 2.7 وقت ختم مصاحبه 2.8 شماره مصاحبه کننده 2.9 تاریخ چک در دفتر 2.10 کد چک کننده دفتر 2.11 کد انخال کننده ارقام (مرفقه اول) 2.12 کد انخال کننده ارقام (مرفقه دوم)	2.3 2.4 2.5 2.6 2.7 2.8 2.9 2.10 2.11 2.12

بخش ۳: ثبت خانوار											
3.1	3.2	3.3	3.4	3.5	3.6	3.7	3.8	3.9	3.10	3.11	ملاحظات
شماره سطر	نام و نام خانوادگی اعضای خانوار	تاریخ تولد یا تاریخ وفات	جنسیت	آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	حالت مدنی چیست؟ از کوه دلی طرف	شماره سطر (اولین همسر)	آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟	شماره سطر پدر چیست؟	آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟	شماره سطر مادر چیست؟	توضیحات
01		01	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف	98	1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		توضیحات: 3.3 آیا اعضای خانوار یا رئیس خانوار را 01=سرپرست خانوار 02=شوهر یا خاتم 03=مادر یا پسر 04=عمه یا خوار 05=قربان 06=پدر یا مادر 07=برادر یا خواهر 08=خواهر یا برادر خاتم/خواهر یا برادر 09=مادر یا برادر/خواهر یا برادر 10=خواهر یا برادر خاتم 11=غیر از اینها
02		02	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
03		03	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
04		04	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
05		05	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
06		06	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
07		07	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
08		08	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
09		09	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
10		10	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
11		11	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		
12		12	مرد	1=آیا حامله است؟ یا آنکه است؟	از کوه دلی طرف		1=آیا پدر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		1=آیا مادر در خانه است؟ یا خوار زندگی میکند؟		

بخش 4. مسکن و تسهیلات

4.1	چگون خله تارا شرح میدهید. آیا > گزینه ها را بخوانید؟	1..... خله مستقل 2..... قسمتی از خله شریکی 3..... پارلمان جداگانه یا پارلمان شریکی 4..... خیبه 5..... سرپناه یا کلبه موقت 6..... سایر	<< 4.6
4.2	مواد صده ساختمانی دیوار خارجی تقوای تعمیر که خلوار برآن زیست دارد چه است؟	1..... خشت پخته / سنگ 2..... کلاکریت/سمنت 3..... خشت خام/ گن 4..... سنگ / گن 5..... سایر	
4.3	مواد صده ساختمانی پام تقوای تعمیر که خلوار برآن زیست دارد چه است؟	1..... کلاکریت یا سیخ گول 2..... چوب / چوب پا گن 3..... حلبی / فلزی 4..... گنر یا خشت پخته 5..... خشت خام 6..... سایر	
4.4	مواد صده ساختمانی کف تقوای تعمیر که خلوار برآن زیست دارد چه است؟	1..... گن / خاک 2..... کلاکریت / کلتی 3..... سایر	
4.5	بن خله چه وقت ساخته شده؟	1..... کمتر از دو سال قبل 2..... 2 - 4 سال قبل 3..... 5 - 9 سال قبل 4..... 10 - 19 سال قبل 5..... 20 - 29 سال قبل 6..... بیشتر از سی سال قبل 9..... نمی داند	
4.6	خله لکه بر آن زیست میکنید چگونه به آن تصرف دارید؟	1..... خله میراثی فایبل 2..... خریداری شده 3..... اصرار نموده ایم 4..... نگهبان 5..... گروهی 6..... خویشاوند یا دوست صاحب خله 7..... مالک بطور مچلی برایش داده/ خیراتی 8..... کرایه نشین (کرائی) 9..... سایر	<< 4.8
4.7	در یک ماه چند افغلی خلوار شما در مقابل سکونت در این خله کرایه میدهید؟ (اگر کرایه خله بشکل خدمت یا جتن برای صاحب خله پرداخت شود، ارزش یک ماهه تخمیناً چند می شود؟)	افغلی	<< 4.10
4.8	اگر همین خله را فعلاً خریداری کنید، قیمت این خله چند افغلی خواهد بود؟ اگر نمایی دانست "88.888.888" بنویسید.		
4.9	آیا کدام اسنادی دارید که نشان دهد که شما ملک این خله یا تعمیر هستید؟	1..... بلی، سند (سند ملکیت یا قبله شرعی) 2..... بی، قبله عرفی (سند خرید) 3..... بی، سایر اسناد 4..... نهمیدانم 5..... نخیر	
4.10	آیا شما کتلیجه (صغلی) از طرف شهرداری دارید؟ در صورت خلوار دهلی (در ناحیه باشد) 2 را حقه کنید	1..... بی 2..... نخیر	<< 4.12
4.11	آیا پول صغلی (حفظ لصحه) را می پردازید؟ در صورت خلوار دهلی (در ناحیه باشد) 2 را حقه کنید	1..... بی 2..... نخیر	

بخش 4. مسکن و تسهیلات (ادامه)		
4.12	چه نوع آتشخانه / تسهیلات آشپزی (این خانه دارد؟)	1..... آتشخانه یک اتاق جدا در داخل تعمیر است 2..... آتشخانه قسمتی از اتاق در داخل تعمیر است (یا قسمتی از خیمه) 3..... آتشخانه یک اتاق جدا بیرون از تعمیر است 4..... پخت و پز در فضای بی صورت میگیرد 5..... سایر
4.13	چند اتاق را خانوار شما اسبقه میفاید (بدون نهایی، برآورد و بالکن)؟ برای خانوار کوچکی که در خیمه ها زندگی می کنند تعداد خیمه ها را ثبت کنید.	تعداد اتاق
4.14	مطی مه گذشته خانوار تان کدام وقت یکدام منابع نیل برق دسترسی داشته اند؟ مصححیه کننده: باید تمام گزینه ها را از a - i بخواند	بلی تخری a. شبکه برق دولتی 1 2 b. جزا اثر دولتی 1 2 c. جزا اثر خصوصی (نیل) 1 2 d. دینامو خصوصی (نیل) 1 2 e. جزا اثر قریه (نیل) 1 2 f. دینامو قریه (نیل) 1 2 g. برق آفتابی 1 2 h. برق بادی 1 2 i. بطری 1 2
4.15	عمده ترین منبع انرژی برای تولید منزل تان چه است؟	1..... روشهای سرخانه نیست 2..... برق 3..... گز 4..... شمع 5..... مواد سوخت (نیل، نیل خاک و غیره) 6..... سایر منابع
4.16	مطی مه گذشته عمده ترین منبع انرژی برای پخت و پز خانوار تان چه بود؟	1..... فضولات حیوانی 2..... هیزم، بته و شاخه سوخت 3..... چوب سوخت 4..... باقی مانده مواد زراعتی و زیاده یا اشغالی 5..... ذغال سنگ/ذغال چوب 6..... گز 7..... برق 8..... سایر
4.17	نرمستان عمده ترین منبع برای گرم کردن خانه تان چه است؟	1..... خانه هیچ گرم نمی شود 2..... کاه بته، شاخه سوخت و کاه 3..... چوب سوخت 4..... فضولات حیوانی 5..... باقی مانده مواد زراعتی و زیاده یا اشغالی 6..... ذغال سنگ/ذغال چوب 7..... گز 8..... برق 9..... سایر
4.18	نرمادگاه شده خانوار تان چند فضائی را برای هریک از انواع مواد سوخت که برزیل تان گردیده است به مصرف رسانیده است (به فضائی)؟ همه سوالاتها خوانده شود a - e اگر این خانوار انواع مواد سوخت مشخص شده را مصرف نکرده بود "0" بنویسید	a. برق b. گز c. نیل، مواد سو d. چوب سوخت e. فضولات حیوانی، کاه و بته

بخش 4. مسکن و تسهیلات (داده)		
4.19	خانوار تان لکام نوع برقت اسفله میگذر؟	1..... هیز حفره ئی معمولی سرپوشدار 2..... هیز حفره ئی معمولی بدون سرپوش 3..... هیز حفره ئی بیپود یافته هوکش دار 4..... هیز کسود دار (با فلش) وصل شده نیستم فاضلاب 5..... هیز کسود دار (با فلش) وصل شده نرچاه سپتیک 6..... هیز کسود دار (با فلش) وصل شده نرچاه / یا گودال 7..... هیز کسود دار (با فلش) وصل شده در جای دیگر 8... هیز یک خانه ئی یا دو خانه ئی - هوی مجرای انراری 9..... هیز یک خانه ئی یا دو خانه ئی - بدون مجرای انراری 10..... هیز تدرید / مصراتی / ساحه بزی / بته ها 11..... سای مشخص سازید << 4.21
4.20	آیا تسهیلات برقت که شما اسفله میکنید با خانوار های دیگر مشترک است؟	1..... بلی 2..... تخیر
4.21	صده ترین منبع آب آشامیدنی اعضای خانوار تان در سه گذشته چه بود؟	1..... تل در داخل خانه 2..... تل در داخل حویلی یا محدوده خانه 3..... تل عامه / یا تل ایستاده 4... بیه بستی (چه برمه ئی، کویه ئی / چه بستی) 5..... چشمه پاکلریز - محفوظ 6..... چشمه پاکلریز - غی محفوظ 7..... چاه - محفوظ 8..... چاه - غی محفوظ 9..... آب سطحی (بریا، جوی، نهر، کانال، آبیلری، حوض، کندهم) 10..... تلر آب 11..... سای مشخص سازید << 4.23
4.22	برای گرفتن آب آشامیدنی از منبع عمده یا پای پیاده چند دقیقه را سرور میگیرید؟	دقیقه هرگاه منبع آب در داخل حویلی یا پیاده روی نباشد "0" بنویسید هرگاه جواب ندانده میباید بصورت تصدیقی بنویسید
4.23	برای بست آوردن آب آشامیدنی از این منابع چند افغانی پرداخته اید و یا خواهید پرداخت؟	افغانی هرگاه کسی پرداخته "0" بنویسید

بخش 5. مالداري					
5.1	آيا کدام عضو خلول شما برحال حاضر کدام حيوان يا موالی دارد بدون پرندگان؟ 1. بی 2. نخي				
	5.6	5.5	5.4	5.3	5.2
5.3	چه تعداد از جوانات قبل را -				
5.4	بشمول چوپه های آن - خلول شما				
5.5	برحال حاضر مالک آن است؟				
5.6					
		کودهای پايين	کودهای پايين	کودهای پايين	
برصورتیکه از نوع حيوان مشخص را داشته باشد تعداد آن را در سوال 5.2 نوشته و سوالات 5.3 الي 5.6 پييده شود برصورتیکه از نوع حيوان مشخص را نداشته باشد در سوال 5.2 صفر 0 نوشته و در مورد حيوان ديگر پيوريد شود					
	a. گاو (شیری و گوشتی)	a. 3 2 1	a. 3 2 1	a. 3 2 1	
	b. بز	b. 3 2 1	b. 3 2 1	b. 3 2 1	
	c. گوسفند	c. 3 2 1	c. 3 2 1	c. 3 2 1	
	d. قبه گاو و غن گاو	d. 3 2 1	d. 3 2 1	d. 3 2 1	
	e. اشتر	e. 3 2 1	e. 3 2 1	e. 3 2 1	
	f. اسب	f. 3 2 1	f. 3 2 1	f. 3 2 1	
	g. خر			g. 3 2 1	
کودها برای سوال 5.3 1 = بیشتر 2 = عين چیز 3 = کمتر کودها برای سوال 5.4 1 = هیچکدام 2 = یک تعداد 3 = همه کودها برای سوال 5.5 1 = فروش جوانات و محصولات حیوانی 2 = اسقاده و مصرف توسط خود خلول 3 = هر دو فروش و اسقاده / مصرف توسط خود خلول					
5.7	آيا برسال گذشته دسترسی به چراگاه برای این جوانات داشتید؟ 1. بی ، کفی 2. بی ، اما ناکفی 3. نخي				
5.8	ازکدام نوع خوراکی های مختلف حیوانی برای این جوانات برزمستان 1394 اسقاده کردید؟ a. گاو بقيد b. بده (شیر/ریشه خشک) c. ناله بلب d. کتجره بلب e. سبوس f. بسته غذاهای مزارک g. نمک h. سالی i. برزمستان 1394 جوانات نداشت				
5.9	کدام نوع ازخوراکی های مختلف حیوانی برای تهیه کردن لکفی بوده است؟ تمام انواع غذاهای نکرشده را حلقه نماید a. گاو بقيد b. بده (شیر/ریشه خشک) c. ناله بلب d. کتجره بلب e. سبوس f. بسته غذاهای مزارک g. نمک h. سالی				

بخش 5. ملداری (ادامه)

5.10	آیا خوار شما انویه حیوانات ، خدمت وترزی ومعلومات بر مورد حیوانات را بر 12 ماه گذشته بریفت کرد؟	بی نهی	1 2	<< 5.12
5.11	خلور شما بعد تا و کدام نوع تهیه کفده خدمت وترزی انقاده نمود اند؟	خدمت وترزی دولتی واحد هلی ساحوی وترزی یا VFU خدمت وترزی تهیه شده توسط ارگهای غیر دولتی خدمت وترزی خصوصی سای	1 2 3 4 5	<< 5.13
5.12	لیل عدد که شما و توصیه ها و کمکهای خدمت وترزی طی 12 ماه گذشته مسقید نه شده اید چه بود؟	یل به مشوره هایشان نداشتیم تعداد حیوانات ما پسیل کم و محدود است قوانینم انرا حصول تعلیم / پسیل بر مصرف بود پسیل دور بود تعدادیم چطور انرا بریفت تعلیم یا بست اوریم انرا خدمت وترزی یا ما همگاری ندارد سای	1 2 3 4 5 6 7	
5.13	آیا خلور شما کدام حیوان زنده را بر 12 ماه گذشته به فروش رسقید ؟	بی نهی	1 2	<< 5.15
5.14	خلور شما بعد تعداد و حیوانات زنده را بر 12 ماه گذشته به فروش رسقید ؟ نمره همه مویشی نکر شده a - برسیده شود اگر کدام حیوان را به فروش نرسانده '0' بنویسید	a. گاو b. قیه گاو / غز گاو c. اسب d. خر e. اشتر f. بز g. گوسفند h. مرغ i. فیل مرغ ، مرغی و سایر پرندگان	 	
5.15	آیا خلور شما بر ماه گذشته محصولات حیوانی از قبیل شیر، گوشت، پوست، پشم، موی پوست وعلییر ویا تخم طیور را فروش رسقید؟	بی نهی	1 2	<< بخش بعدی
5.16	چی قنل و تعداد این قنل را بر ماه گذشته به فروش رسقید اید ؟ نمره هر محصول نکر شده برسیده شود a - j اگر کم کم را تفروخته اند '0' نوشته کم بعدی برسیده شود.	a. شیر b. مسکروغن زرد c. پنیر d. قریوت e. ماست f. گوشت کوفتند ، بز ، گاو ، اسب وغیره g. گوشت طیور (مرغ ، فیل مرغ وغیره) h. پشم ، موی پوست i. پوست ، چرم j. تخم	شیر مسکروغن زرد پنیر قریوت ماست گوشت کوفتند ، بز ، گاو ، اسب وغیره گوشت طیور (مرغ ، فیل مرغ وغیره) پشم ، موی پوست پوست ، چرم تخم	

بخش 6. زراعت (داده دارد)

6.13	از لحاظ ارزش مجموعی، عمده ترین نوع محصول را که خوار شما در فصل برداشت حاصل بهاری 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید	اگر '95' << 6.19
6.14	چقدر از این <عمده ترین محصول> خوار شما بدست آورده است؟	گیلو گرام	
6.15	دومین محصول عمده (از لحاظ ارزش مجموعی) را که خوار شما در فصل برداشت حاصل بهاری 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید در صورتیکه محصول نوم نباشد '00' بنویسید	اگر '00' << 6.19
6.16	چقدر از این <دومین محصول عمده> خوار شما بدست آورده است ؟	گیلو گرام	
6.17	سومین محصول عمده (از لحاظ ارزش مجموعی) را که خوار شما در فصل برداشت حاصل بهاری 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید در صورتیکه محصول نوم نباشد '00' بنویسید	اگر '00' << 6.19
6.18	چقدر از این <سومین محصول عمده> خوار شما بدست آورده است؟	گیلو گرام	
6.19	چند جریب زمین آبی را خوار تان در فصل برداشت حاصل زمستانی 1394 کشت کرده بود؟	جریب اگر نباشد '0.0' بنویسید	اگر '0.0' << 6.28
6.20	از لحاظ ارزش مجموعی، عمده ترین نوع محصول را که خوار شما در فصل برداشت حاصل زمستانی 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید	اگر '95' << 6.26
6.21	چقدر از این <عمده ترین محصول> خوار شما بدست آورده است ؟	گیلو گرام	
6.22	دومین محصول عمده (از لحاظ ارزش مجموعی) را که خوار شما در فصل برداشت حاصل زمستانی 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است ؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید در صورتیکه محصول نوم نباشد '00' بنویسید	اگر '0.0' << 6.26
6.23	چقدر از این <دومین محصول عمده> خوار شما بدست آورده است ؟	گیلو گرام	
6.24	سومین محصول عمده (از لحاظ ارزش مجموعی) را که خوار شما در فصل برداشت حاصل زمستانی 1394 از زمین آبی تان بدست آورده کدام است ؟	بخطر کد ، به قسمت پایین صفحه مراجعه کنید در صورتیکه محصول نوم نباشد '00' بنویسید	اگر '0.0' << 6.26
6.25	چقدر از این <سومین محصول عمده> خوار شما بدست آورده است ؟	گیلو گرام	
6.26	آیا مقدار کافی آب برای زمین آبی تان در فصل برداشت حاصل زمستانی 1394 داشتید ؟	بله 1 2 تخیر	
6.27	آیا خوار شما قوریه و یا درختان را برای تولید چوب (ستک) دارد ؟	بله 1 2 تخیر	
نموده ها برای 6.13، 6.15، 6.17، 6.20، 6.22 و 6.24 برداشت محصول از زمین زراعتی آبی 00 = محصول نوم یا سوم نیست 07 = ریشه ، شدر سیر طوفه جات 08 = ارزن 09 = پیله 10 = تریاک 11 = زیر سفید 12 = زعفران 13 = زیر سیاه 14 = کچلو 15 = لویا 16 = پانجان سیاه 17 = پانجان رومی 18 = پیاز 19 = بایه 20 = سیر سبز جات 21 = میوه سرخنی 22 = تریز / خریزه 23 = سایر میو جات 24 = میوه خسته دار (بانام ، پسته ، چهار مغز) 25 = سایر محصولات (بدون میوه و سبزیجات) 95 = محصولات بصورت کامل از بین رفته (تتها) برای 6.13 و 6.20 1 = گندم 2 = جواری / بلجره 3 = جو 4 = برنج 5 = کتان 06 = لبلو / تیشکر (تتها برای 6.15، 6.17، 6.22 و 6.24)			

بخش 6. زراعت (نامه دارد)		
6.28	آیا شما و یاکدام یک از اعضای خانوارتان مالک کدام زمین لاهی بدون باغ است؟	بلی 1 نخیر 2
6.29	خانوار شما مالک چند جریب زمین لاهی - بدون باغ بر فصل برداشت حاصل بهیزی 1394 بود؟	جریب - و و و
6.30	آیا خانوار شما بر فصل برداشت بهیزی 1394 از این زمین های لاهی را به اجاره ، گروی ، نهقانی و یا رایگان داده است؟	بلی 1 نخیر 2
6.31	چقدر از این زمین های لاهی را خانوارتان بر فصل برداشت بهیزی 1394 داده است؟	ا. اجاره / گریه داده ب. گروی داده ج. نهقانی داده د. به شکل رایگان داده
6.32	آیا خانوار شما بر فصل برداشت بهیزی 1394 کدام زمین لاهی را به اجاره ، گروی ، نهقانی و یا به شکل رایگان گرفته است؟	بلی 1 نخیر 2
6.33	چقدر زمین لاهی را خانوارتان بر فصل برداشت بهیزی 1394 گرفته است؟	ا. اجاره / گریه گرفته ب. گروی گرفته ج. نهقانی گرفته د. به شکل رایگان گرفته
6.34	چند جریب زمین لاهی - بدون باغ را خانوارتان بر فصل برداشت بهیزی 1394 لامزروع گذاشته اند ؟	جریب - و و و اگر '0.0' 6.36 <<
6.35	دلیل عدم لامزروع گذاشتن زمین لاهیتان بر فصل برداشت حاصل بهیزی 1394 چه بود؟	1..... کمبود آب (بیان) 2..... نداشتن بودجه پول برای کشت 3..... منزهه روی ملکیت زمین 4..... مشکلات امنیتی 5..... زمین حاصلخیز نیست/به تنه کشت میگرد 6..... سایر دلایل
6.36	چند جریب زمین لاهی - بدون باغ - را بر فصل برداشت حاصل بهیزی 1394 اعضای خانوارتان کشت کرده بود ؟	جریب - و و و اگر '0.0' 6.44 <<
6.37	بر مجموع خانوار شما به مقایسه سال 1393 ساحه زمین لاهی را بیشتر ، کمتر و یا به عین چیز بر فصل بهیزی 1394 کشت کرده بود؟	1..... بیشتر 2..... عین چیز 3..... کمتر

به صفحه بعدی ادامه دهید

بخش 6. زراعت (نامه دارد)

6.38	اِزْلَحْظ اَرْزِش مَجْمُوعِي، عَمَدَه تَرِين نَوْع مَحْصُول رَا كِه خَلَوَر شَمَا نَر فِصْل پُر دَاثْت حَاصِل بَهْلَرِي 1394 زَ زَمِين لَمِي تَان بَسْت آورده كُدام اِسْت؟ بِخَاطَر كُود، بَه قِسْمَت پَالِيْن صَفْحَه مَرَاجَعَه كُود	اگر '95' << 6.44
6.39	چَتَر اَزِين <عَمَدَه تَرِين مَحْصُول> خَلَوَر شَمَا بَسْت آورده اِسْت؟ گِيلُو گَرَام'	
6.40	دوِهيْن مَحْصُول عَمَدَه (اِزْلَحْظ اَرْزِش مَجْمُوعِي) رَا كِه خَلَوَر شَمَا نَر فِصْل پُر دَاثْت حَاصِل بَهْلَرِي 1394 زَ زَمِين لَمِي تَان بَسْت آورده كُدام اِسْت؟ بِخَاطَر كُود، بَه قِسْمَت پَالِيْن صَفْحَه مَرَاجَعَه كُود نَر صَوْرِيَكِه مَحْصُول نُوْم نَبَاثْت '00' پُورِيَسِيْد	اگر '0.0' << 6.44
6.41	چَتَر اَزِين <دوِهيْن مَحْصُول عَمَدَه> خَلَوَر شَمَا بَسْت آورده اِسْت؟ گِيلُو گَرَام'	
6.42	دوِهيْن مَحْصُول عَمَدَه (اِزْلَحْظ اَرْزِش مَجْمُوعِي) رَا كِه خَلَوَر شَمَا نَر فِصْل پُر دَاثْت حَاصِل بَهْلَرِي 1394 زَ زَمِين لَمِي تَان بَسْت آورده كُدام اِسْت؟ بِخَاطَر كُود، بَه قِسْمَت پَالِيْن صَفْحَه مَرَاجَعَه كُود نَر صَوْرِيَكِه مَحْصُول نُوْم نَبَاثْت '00' پُورِيَسِيْد	اگر '0.0' << 6.44
6.43	چَتَر اَزِين حَوِهيْن مَحْصُول عَمَدَه خَلَوَر شَمَا بَسْت آورده اِسْت؟ گِيلُو گَرَام'	

خُودِها بَرَاي 6.38، 6.40، 6.42 (مَحْصُول زَمِين لَمِي)

0 = مَحْصُول دُوْم و سُوْم نَيْسْت	3 = جَوَارِي / بَايِرَه	7 = خَر بُوْرَه / تَرِيْزِيْن
1 = گُذَم	4 = پَنِيَه	8 = سَلِي مَحْصُوْلَات
2 = جُو	5 = كُتَان	95 = مَحْصُوْلَات بِصَوْرَت كَامِل زَ بِيْن رَقْعَه
	6 = زِيْرَه	(اَتْلِها بَرَاي 6.37)

6.44	اَيَا شَمَا و يَا يَكِي اَز اَعْضَاي خَلَوَر تَان نَر سَال 1394 مَلِك و يَا سَتَرَسِي بَه باغ دَاثْتِيْد؟ بَلِي نَخِي	1 2 << 6.51
6.45	بَه چَنْد حَرِيْب باغ شَمَا يَا اَعْضَاي خَلَوَر شَمَا نَر سَال 1394 مَلِك يَا سَتَرَسِي دَاثْتِيْد؟ حَرِيْب	
6.46	چَنْد حَرِيْب باغ رَا شَمَا يَا اَعْضَاي خَلَوَر شَمَا نَر سَال 1394 كُشْت و نَگَهْنَارِي كَرِيْد؟ حَرِيْب اگر قِيَاثْت '0.0' پُورِيَسِيْد	اگر '0.0' << 6.51
6.47	اِزْلَحْظ اَرْزِش مَجْمُوعِي، عَمَدَه تَرِين نَوْع مِيُوْدَه يَا مَحْصُول رَا كِه خَلَوَر شَمَا نَر 1394 اَز باغ بَسْت آورده كُدام اِسْت؟ بِخَاطَر كُود، بَه قِسْمَت پَالِيْن صَفْحَه مَرَاجَعَه كُود	اگر '95' << 6.51
6.48	چَتَر اَزِين <عَمَدَه تَرِين مِيُوْدَه يَا مَحْصُول> خَلَوَر شَمَا بَسْت آورده اِسْت؟ گِيلُو گَرَام'	
6.49	دوِهيْن نَوْع مِيُوْدَه يَا مَحْصُول عَمَدَه (اِزْلَحْظ اَرْزِش مَجْمُوعِي) رَا كِه خَلَوَر شَمَا نَر 1394 اَز باغ بَسْت آورده كُدام اِسْت؟ بِخَاطَر كُود، بَه قِسْمَت پَالِيْن صَفْحَه مَرَاجَعَه كُود نَر صَوْرِيَكِه مَنِيْع مَحْصُول نُوْم نَبَاثْت '00' پُورِيَسِيْد	اگر '0.0' << 6.51
6.50	چَتَر اَزِين <دوِهيْن مِيُوْدَه يَا مَحْصُول عَمَدَه> رَا خَلَوَر شَمَا بَسْت آورده اِسْت؟ گِيلُو گَرَام'	

خُودِها بَرَاي سَوَالَات 6.47، 6.49 (مَحْصُول باغ)

0 = مَحْصُول عَمَدَه دُوْم نَيْسْت	5 = سِيْب	11 = چِيْلَمَقَر پَسْتَه اَبَا نَام
1 = نَگَرِي، كِه بِشَكْل تَلْزَه بَه فَرُوش رَسِيْدَه بَاثْت	6 = نَار	12 = جَوَارِي / بَايِرَه
2 = اَنگُور، كِه كُشْمَش شُدَه بَه فَرُوش رَسِيْدَه بَاثْت	7 = شَقْتَلُو	13 = رَشَقَه، شِيْر و سَلِي عَنُوفَه جَلْت
3 = زَرْدَنُو، كِه بِشَكْل تَلْزَه بَه فَرُوش رَسِيْدَه بَاثْت	8 = قُجِيْر	14 = شَكَرِيَارَه
4 = زَرْدَنُو، كِه بَه شَكْل مِيُوْدَه خُشَك يَا كُشْتَه بَه فَرُوش رَسِيْدَه بَاثْت	9 = اَلُو	95 = مَحْصُوْلَات بِصَوْرَت كَامِل زَ بِيْن رَقْعَه
	10 = سَلِي مِيُوْدَه جَلْت	(اَتْلِها بَرَاي 6.47)

بخش 6. زراعت (نامه دارد)

6.51	مصلحه فقهه: آیا خاوار کدام زمین زراعتی (آبی، لعی، ویا باغ را در فصل برداشت حاصل بهاری 1394 کثت کرده بود؟	سوال 6.9، 6.38 و 6.48 چک شود 1..... بلی 2..... نخه	<< بخش بعدی
6.52	نروی اصلی قله و آماد سازی زمین به منظور کثت فصل بهاری 1394 که خاوار شما اسقاده نموده چه بود؟	1..... تراکتور / سایر ماشین 2..... قله گاو / سایر حیوانات 3..... نروی انسانی	
6.53	چند کیلو گرام کود کیمیاوی خاوار شما برای فصل برداشت 1394 اسقاده نموده بود؟	کیلو گرام:	
6.54	چند کیلو گرام کود کیمیاوی خاوار شما برای فصل برداشت 1394 ضرورت داشت؟	کیلو گرام:	
6.55	مجموع خاوار شما برای برداشت حاصل 1394، چقر پول را در بخش های ذیل به مصرف رسانیده است؟	فقدانی اگر مصرف نموده اند 100 بنویسید	
a	اجاره زمین		
b	تخم		
c	آبیاری		
d	کود کیمیاوی (پوریا/DAP)		
e	گیاه کش ها و افت کشها		
f	مزد کارگر (برای خیشاود وغیره)		
g	کرایه تراکتور		
h	سایر مصیقات برای آماد سازی زمین، کثت و برداشت		

بخش 7. نازایی خاتوار (انامه دارد)

7.5	7.4	7.3	افلام			7.3
مطابق به نرخ روز، به نظر شما این جنس را دوباره به چند افغانی فروخته می‌توانید؟	این «جنس» را به چند افغانی خریداری نموده اید؟	یا این «جنس» را 12 ماه گذشته خریداری نموده اید؟ 1 = بله 2 = نه	کود	تاریخ	شماره	7.4
در صورتیکه نمی‌دانست 99999999 بنویسید	در صورتیکه نمی‌دانست 99999999 بنویسید	نرخ نهی < 7.5				7.5
	پرونده به چمن بعدی				15	
		2 1			16	
		2 1			17	
		2 1			18	
		2 1			19	
		2 1			20	
		2 1			21	
		2 1			22	
		2 1			23	
		2 1			24	
		2 1			25	
		2 1			26	
		2 1			27	
		2 1			28	
		2 1			29	
		2 1			30	

السلامة الصحية يعدي

بخش 7. نرایی خانوار (ادامه دارد)

مصحح کننده: مصاحبه کننده: پیرسیده سوالات 7.6 و 7.7 را برای جنس اولی، بعداً برای جنس نومی ادامه دهید همراهی 7.6 و 7.7، و غیره. اگر در 7.6 جنس نبود 10 پیرسیده یا 7.6 و 7.7 همراهی جنس یعنی ادامه دهید		
7.6 7.7	اجناس	7.7 مطابق به نرخ روز به نظر شما اجناس نایل را گرانتر فروش برساند چند فغانی دست خواهد آورد؟ 7.6 خانوار شما چه تعداد از اجناس نیل را در آبی باشد؟
a	تلفون موبایل	a.
b	قالین (قالین جنسیت اصلی قیمتی و بافته شده توسط دست)	b.
c	گلیم، شمرنجی، سندفروش (سای قالین های تولید شده)	c.
d	کابل لاجف	d.
e	دیش آنتن (سلالت دیش)	e.
f	تخته انرژی فغانی	f.
g	ظروف آشپزخانه بشقاب / کاسه / پیگ / غوری	g.
7.8	سوال 7.6a چک شود: در صورتیکه خانوار موبایل داشته باشد سوال 7.8 پرسیده شود در غیر این به سوال 7.9 بروید می تواند لطفاً شماره موبایل تان را برای بگوئید؟ تتباوقتی از شماره موبایل شما اسقله خواهد شد بر صورتیکه کدام چیز را فراموش کرده باشید بر غیران کمالاً محرم خواهد بود 	
7.9	چند عضو نکور فامیل تان بر 12 ماه گذشته از انترنت اسقله نموده اند؟ 	
7.10	چند عضو آنت فامیل تان بر 12 ماه گذشته از انترنت اسقله نموده اند؟ 	
7.11	آیا خانه شما به شبکه انترنت وصل است؟ بله 1 نخه 2	

بخش 8. عاید خانوار			
8.1 8.2	8.1 بیشترین عاید پولی را که خانوار شما در سال گذشته بدست آورده است از کدام فعالیت میباشد؟	8.2 بصورت تصدیقی اندازه سهم این فعالیت در مجموع عایدات خانوارتان چقدر بوده؟	از کونهای پلین استفاده شود در صورتیکه عاید پولی نداشته باشد "00" بنویسید << بخش 9
8.3 8.4	8.3 دومین منبع مهم عاید پولی این خانوار از کدام فعالیت بود؟	8.4 بصورت تصدیقی اندازه سهم این فعالیت در مجموع عایدات خانوارتان چقدر بوده؟	از کونهای پلین استفاده شود در صورتیکه منبع دوم عاید پولی نباشد "00" نوشته << و به 8.9 برود
8.5 8.6	8.5 سومین منبع مهم عاید پولی این خانوار از کدام فعالیت بود؟	8.6 بصورت تصدیقی اندازه سهم این فعالیت در مجموع عایدات خانوارتان چقدر بوده؟	از کونهای پلین استفاده شود در صورتیکه منبع سوم عاید پولی نباشد "00" نوشته << و به 8.9 برود
8.7 8.8	8.7 چهارمین منبع مهم عاید پولی این خانوار از کدام فعالیت بود؟	8.8 بصورت تصدیقی اندازه سهم این فعالیت در مجموع عایدات خانوارتان چقدر بوده؟	از کونهای پلین استفاده شود در صورتیکه منبع چهارم عاید پولی نباشد "00" نوشته << و به 8.9 برود
8.9	بصورت تصدیقی مقدار عاید پولی مجموعی از > فعالیت نکرده در 8.1 < در سال گذشته چقدر بوده؟		

کده های برای سوالات 8.1 ، 8.3 ، 8.5 و 8.7 (فعالیت های تولید عاید)			
زراعت و ماهیاری		تجارت	
1 = تولید و فروش محصولات زراعتی و کله خشک (بنون قریباک)		41 = تجارت، خرده فروشی، لوکاتنداری	
2 = تولید و فروش قریباک		42 = دست فروش روی سرک	
3 = تولید و فروش میوه جات		43 = سای تجلات	
4 = مزبور کلهی در بخش زراعت (بنون قریباک)		سایر کارها	
5 = مزبور کلهی در بخش ذرع قریباک		51 = سایر انواع مزبور کلهی ها	
6 = تولید و فروش حیوانات و تولیدات حیوانی		52 = سایر کلهی های روزمزد	
7 = چوپانی		خدمات	
تولیدات صنعتی و ساختمانی		21 = معملی	
11 = قالین بافی		22 = دکتر، نرس، کلرکن صحنی	
12 = خیاطی گندوزی و غیره		23 = خدمت نظاهی	
13 = سای صنایع دستی		24 = پولیس	
14 = تولید و بسته بندی مواد غذایی (نذوانی، قصابی و غیره)		25 = کارمند دولتی	
		26 = کارمند موسسات غیر دولتی	
		27 = سای کلرکنان دولتی / ان، جی، او / اهل متحد	
		28 = نکسی / ترانسپورت	
		29 = کارمندان امنیتی	
		30 = سایر کلهی های خدمتی	
		سایر عایدات	
		81 = قرض گرفتن	
		82 = عواید از ترک کرایه	
		83 = ارسال پول توسط مهاجرین	
		84 = زکات	
		85 = تقاعدی	
		86 = مهریه	
		87 = گائی	

بخش 9. مصارف خانوار

میخواهم از شما یک سلسله سوالات را بر این مبنای به مصرف تمام اعضای خانوارتان نزدیک شده پرسیم .
سوالات دیگر به مصرف سال گذشته و تبادلات ملحقاً بطور دقیق تمام مصرف این خانوار را بگویند .

اگر برای کدام کلم مشخص مصرف صورت گرفته "0" بنویسید

می‌توانید بفرمایید که در 30 روز گذشته خانوار شما کدام مصارف ذیل را داشته است ؟		فعلی	
9.01			9.01
9.02			9.02
9.03			9.03
9.04			9.04
9.05			9.05
9.06			9.06
9.07			9.07
9.08			9.08
9.09			9.09
9.10			9.10
9.11			9.11
9.12			9.12
9.13			9.13
9.14			9.14
9.15			9.15
9.16			9.16
9.17			9.17
9.18			9.18
9.19			9.19
9.20			9.20
9.21			9.21

ادامه به صفحه بعدی

بخش 9. مصارف خانوار (ادامه)

می‌توانید بریم بگوئید که در 12 ماه گذشته خانوار شما کدام مصارف ذیل را داشته است ؟		اگر برای کدام قلم مشخص مصرف صورت گرفته "0" بنویسید	
		فصلی	
9.22	اعمل و قریب خانه، مصرف مواد و مزد ویرکل		9.22
9.23	فیس تحصیل / فیس مکتب و فاکولته / پوهنتون		9.23
9.24	لباس مکتب		9.24
9.25	کتب های نرسی		9.25
9.26	قلم/پنل/کتابچه و لوازم مکتب		9.26
9.27	سایر قرطاسیه باب		9.27
9.28	ترمیم/ حفظ و مراقبت / خرید تابلو برای وسایط نقلیه		9.28
9.29	کرایه طیله		9.29
9.30	لباس مردانه غیر از پلوش / بوت		9.30
9.31	لباس زنانه غیر از پلوش / بوت		9.31
9.32	لباس اطفال (غیر از یونیفرم مکتب و بوت)		9.32
9.33	بوت مردانه		9.33
9.34	بوت زنانه		9.34
9.35	بوت اطفال		9.35
9.36	پرداخت جریمه و قروض		9.36
9.37	عروسی/ مراسم عزاداری و حج		9.37
9.38	تجلیل و مراسم سالانه، خیر و خیرات		9.38
9.39	مصرف عتیک و سایر مصارف معاینات چشم؟		9.39
9.40	آله شنوائی، عصا چوب و وسایل مصنوعی (بست و پای پلاستیکی)		9.40

ادامه به صفحه بعدی

بخش 9. مصارف خانوار (نامه)			
حالا میخواهم از شما سوال کنم که چه مقدار پول تمام اعضای خانوارتان بالای خدمات صبحی خویش به مصرف رسانیده اند. مصارف میتواند بشکل پول نقدی و یا میتواند بشکل غی نقد باشد مانند تحفه. ارزش چیزی که بشکل غی نقدی پرداخت گردیده باید شامل مصرف گردند.			
9.41	در 12 ماه گذشته چند تن از اعضای خانوارتان در شفاخانه از طرف شب بستر مانده اند؟		فر 9.52
9.42	اعضای خانوار کی/کلیها بودند که از طرف شب در شفاخانه ماندند؟ مصاحبه کننده: اسم اعضا و شماره دفتر داخل بسترشان را در 9.43 است نامید اگر تازه نفر بیشتر باشد، ورق اضافی استفاده گردد		
9.43	شماره دفتر اختصاص بستری [از رجستر قتل شود] اسم شخص بستری		
9.44	در مدت زمان 12 ماه گذشته چند بل (اسم) بستری گردیده؟		
9.45	برای کدام نوع مریمضی (اسم) در هنگام آخرین بستری بودن در شفاخانه مداوی گردید؟ از کوبهای پالین استفاده شود در صورت سایر (16) مشخص سازی		
9.46	در کدام مرکز صبحی (اسم) برای آخرین بار برای گرفتن مراقبت های صبحی بستری (شب سپری) گردید؟ گرسایر (4) مشخص سازی	از کوبهای پالین استفاده شود	از کوبهای پالین استفاده شود
9.47	چه مقدار پول برای بست آوردن خدمات صبحی در آخرین دور بستری بودن (اسم) در این شفاخانه پرداخت نمودید؟	فغانی	فغانی
	a. فیس داخله		
	b. فیس داکتر / فیس مشوره		
	c. مصرف لابراتوار / کسری		
	d. نوا و تهیه دوا		
	e. غذا		
	f. مصرف ترانسپورت		
9.48	در صورتیکه پرداخت شده بود صدق بنویسید اگر من بگویم مجموع پول کم (اسم) مصرف نموده (مجموع را نکر کنید) فغانی بوده، آیا درست است؟ اگر درست نیست جواب درست را در فغانی و اصلاح سازی		
مبلغ مصارف را از 9.47a تا 9.47f جمع نموده و سون 9.48 را بنویسید			

نمود برای 9.45 (انواع امراض) امراض اتسلی و پراکنشی 1 = توبرکلوز 2 = امراض اتسلی معنی و معانی (اسهالات) 3 = سایر 4 = تومور ها امراض غدی، تغذی و بیشانولیزم 5 = مرض شکر 6 = تفسی 7 = تشوشت روانی و رفتاری	نمود برای 9.46 (تجهیزات صبحی) 1 = (در افغانستان) شفاخانه عمده 2 = شفاخانه خصوصی (در افغانستان) 3 = شفاخانه نظامی (در افغانستان) 4 = (در افغانستان) سایر 5 = خارج از کشور	امراض سیستم تنفسی 8 = امراض فشارخون 9 = امراض قلبی امراض سیستم تنفسی 10 = امراض حاد سیستم تنفسی 11 = نفس تنگی 12 = امراض سیستم هضمی 13 = امراض سیستم پولی تنفسی 14 = بارداری، ولادت، دوره نقامت بعد از ولادت 15 = منبسط، تشوشت و پیچیدگی های بیرونی 16 = سایر امراض، مشخص سازی

بخش 9. مصارف خانوار (داده)

9.49	بدون پول کدام تحفه و یا کدام خدمت جهت بست آوردن خدمات / تدوین سر هنگام آخرین بستری شدن (اسم) صورت گرفته است؟	بلی تخیر 2 1	بلی تخیر 2 1	بلی تخیر 2 1
		اگر 2، به 9.51 بروید	اگر 2، به 9.51 بروید	اگر 2، به 9.51 بروید
9.50	ارزش مقدار مجموعی چیزی که پرداختید تصدیقاً به افغانی چند بود	افغانی 	افغانی 	افغانی
9.51	پول را که بخواهش مصارف بستن برون (اسم) پرداختید از کجا تهیه نمود؟ اگر سایر (7) منبع پول را مشخص نماید	کود در پالتین 	کود در پالتین 	کود در پالتین
نموده برای سوال 9.51 منابع پول 1= معاشات یا منبع عاید منظم 2= پس انداز 3= قرض 4= فروش خانه، زمین و مواتی 5= فروش وسایل خانه 6= کرایه و گرو کردن زمین 7= سایر، مشخص سؤی 8= مصرف ثابت				

9.52	حالا میخواهم از شما بپرسم اعضای خانواده تان که جهت بست آوردن خدمات صبحی بر یک ماه گذشته بدون اینکه شب را سهری نمایند به عرضه کننده گان خدمات صبحی مراجعه نموده اند ، چند سوال بپرسم ایا بر یک ماه گذشته یکی از اعضای خانواده تان خدمات صبحی را از عرضه کننده گان خدمات صبحی، نواخانه ویا حکیم های سنتی بدون اینکه از طرف شب بماند بست آورده اند؟	بلی 1 تخیر 2	<< بخش بعدی
9.53	مصلحه تقده : کدام کدام ها عضو (اعضا) خانواده تان بدون اینکه شب را سهری نمایند، به مراکز صبحی مراجعه نموده است؟	نام (ها) شماره سطر مریض سر ایا در 9.54 ست نماید اگر بیشتر از سه مراقبت های سر ایا بگذرد، ورق بیشتر ضمیمه نماید	
9.54	شماره سطر مریض سر ایا اسم شخص/ اشخاص که خدمات صبحی را دریافت نموده		
9.55	برای کدام نوع مریضی تدوین را (اسم) بر هنگام آخرین ملاقات بدون اینکه شب را سهری نمایند بر یک ماه گذشته بست آورده است؟ کود در پالتین اگر سایر (18) لطفاً مشخص نماید		
9.56	از کجا (اسم) این مراقبت ها را بست آورده؟ اگر سایر (7) نوع شفاخانه را مشخص نماید	از کوبه های پالتین استفاده شود 	از کوبه های پالتین استفاده شود

نموده برای 9.55 (انواع امراض)	امراض سیستم دورانی	نموده برای 9.56 (تسهیلات صبحی)
1= توبرکلوز	8= امراض فشارخون	1= کلینیک عصب/پوسته صبحی
2= امراض انتقالی معدی و معایی (اسهالات)	9= امراض قلبی	2= شفاخانه بولتی
3= سایر	امراض سیستم تنفسی	3= کلینیک خصوصی
4= تومورها	10= امراض حاد سیستم تنفسی	4= شفاخانه خصوصی
امراض عفونی، تغذی و متابولیزم	11= قن تنگی	5= مرکز صبحی نظامی
5= مرض شکر	12= امراض سیستم هضمی	6= نواخانه های خصوصی
6= تغذی	13= امراض سیستم بولی تناسلی	7= سایر، مشخص سؤی
7= تشوشت روانی و رفتاری	14= بارداری، ولادت دوره نقاهت بعد از ولادت	
	15= صدمات جسمانی و پیچید های بیرونی	
	16= سایر امراض، مشخص سؤی	

بخش 9. مصارف خانوار (ادامه)

9.57	چه مقدار پول (اسم) جهت بست آوردن خدمات صحنی در آخرین ملاقاتتان بر ماه گذشته پرداخته است؟	فغانی	فغانی	فغانی
	a. فیس یا پول ثبت راجد؟			
	b. فیس برای دکتر/ فیس مشوره گری			
	c. معاینات لابراتواری و ایکسری			
	d. دویه و سایر تجهیزات طبیی			
	e. غذا			
	f. مصارف ترانسپورت			
9.58	در صورتیکه چیزی پرداخت نشده باشد، همیشه 0 نوشته کنید اگر مه مدت بگویم مجموع پول که (اسم) مصرف نموده (مجموع را تکرار کنید) فغانی بوند، آیا مدت است؟ اگر مدت نیست، جواب مدت را رقمی و اصلاح سزید	فغانی	فغانی	فغانی
9.59	بوند پول، کدام تحفه و یا کدام خدمت جهت بست آوردن مراقبت/قوانی در جریان یک ماه گذشته گردیده است؟	فغانی	فغانی	فغانی
9.60	لزش مقدار مجموعی چیزی که پرداختید تصنیاً به افغانی چند بود	فغانی	فغانی	فغانی
9.61	آیا (اسم) در یک ماه گذشته انویه اخذ نموده است؟ انویه که در بالای ذکر شد شامل نمیشود	فغانی	فغانی	فغانی
9.62	کی این انویه را به (اسم) تجویز کرد؟ جوابات را بخوانید کود در پایین	فغانی	فغانی	فغانی
9.63	انویه برای (اسم) را از کجا بست آوردید؟ جوابات را بخوانید کود در پایین	فغانی	فغانی	فغانی
9.64	برای خرید انویه (اسم) در جریان یک ماه گذشته چند پرداخت نمود اید؟ در صورتیکه انویه بست آمدن را بگن بود، "0" بنویسید.	فغانی	فغانی	فغانی

کود برای 9.63 (از کجا انویه بست آمد)

- 1= کلینیک عامه/پرسنه صحنی
2=شفافخانه دولتی
3=کلینیک خصوصی
4=شفافخانه خصوصی
5=مرکز صحنی نظامی
6=نواخانه های خصوصی
7=سای، مشخص سزید

کود برای 29.62 (تجویز انویه)

- 1=دکتر
2=قبیله
3=نرس
4=کلینیک صحنی جامعه
5=سوا ساز شخصی
6=سای، مشخص نماید

بخش 10. صدمات خانوار و استراتژی های مقابله با آن			
10.1	در دوازده ماه گذشته، آیا خنوار شما کدام صدمه را که شدیداً تأثیرات منفی بالای اعضای خنوار داشته باشد تجربه کرده است؟ بعضی واقعیات ممکنه را مانند معیشت خنوار، صحت یکی از اعضای خنوار، امنیت یا وضعیت زندگی تأثیر گناشته بشد شرح دهید	1 بله 2 نه	10.5 <<
10.2	10.2 لطفاً نوع واقعه را بریم بگویید	10.3 شدت صدمه چقدر بود؟ برای هر صدمه حلقه شدت بپرسید	
10.3	خداکل به صدمه خنوار را حلقه کنید	1- ضعیف 2- متوسط 3- شدید	
	a. کسی مقدار آب آشامیدنی b. کسی ویا خرابی آب زراعتی c. سطح بسیار باند و غیر معمول آفت و امراض نباتی d. محدو کوکنار e. سطح بسیار باند و غیر معمول امراض حیوانی f. کاهش ساحه چراگاه ها و علوفه ها g. کاهش دسترسی به راه مهاجرت کوچی ها h. حوادث طبیعی (زلزله، لغزش زمین / برف کوچ و غیره) i. خرابی آب وهوا که باعث پائین آمدن محصولات یا عید گردید j. تعداد بیش از حد عونت کنندگان k. باند رغن بیش از حد ترخ مواد غذائی l. پائین آمدن یش از حد ترخ محصولات زراعتی m. به شدت عید خنوار پائین آمد (مقتدر: از دست دادن کار یا معاش، قحط در کاروبار) n. مریضی شدید، تصادم یا قوت یکی از اعضای کارکن خنوار o. مریضی شدید، تصادم یا قوت اعضای دیگر خنوار p. از دست دادن حلقه، زمین ویا مواشی q. نا امنی، خشونت، سرقت	3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1 3 2 1	
10.4	خنوار شما برای بهبود صدمات چه کرد؟ گزینه های متکرره را نخوئید، اما برای جوابات جستجو کنید صام جوابات ارائه شده را حلقه کنید	برای هر استراتژی دیگری که شما میتوانید فکر کنید؟	
	a. برای جبران حادثه ضرورت به کدام کار نبود b. کیفیت مواد غذائی را کم کرد c. مقدار مواد غذائی را کم کرد یا از چند بار غذا خوردن صرف نظر شد d. مصارف را کم کردید e. مواد غذائی را از تاجر بطور قرض گرفتید f. قرض گرفتید g. از مردم محل کمک گرفتید h. لوازم منزل خویش را فروختید i. زمین خود را به گرو یا جاره داده ید j. حلقه، زمین ویا مواشی موئت تکثیری خود را فروختید k. در پروگرام های مدرستی کار کردید l. بانروی نظامی پیوستید m. اطفال را از مکتب رغن منع کردید n. کار یا لای اطفال را بیشتر کردید o. دختر را در معقل طویفه به شوهر دادید p. نسبت به گدایی زبید q. سایر، مشخص سازی	a b c d e f g h i j k l m n o p q	

بخش 10. صحت خانوار و استراتژی های مقابله با آن (نامه)

10.5	1..... بی 2..... نهی	ممنوعیت یا کدام عضو خانوار شما در پروگرام های پول دریافت کرد ؟ خانوارهای کل و یا در پروگرامها یا پروژه های تولید عواید اشتراک نموده است ؟	<< 10.7
10.6	a..... غذا دریافت کرد b..... پول دریافت کرد c..... تولید عواید	چند تن از اعضای خانوار شما در پروگرام ها / پروژه های تولید عواید شرکت نموده ؟ اگر کسی در پروگرام مشخص کرد نموده "0" بنویسید	
10.7	1..... بسیار بهتر 2..... اندکی خوب تر 3..... عین چنان 4..... اندکی بدتر 5..... بسیار بدتر	وضعیت عمومی اقتصادی خانوار خویش در تیرماه یک سال گذشته چگونه مقایسه می کنید ؟	
10.8	1..... خیلی راضی 2..... به صورت متوسط راضی 3..... نه راضی و نه ناراضی 4..... به صورت متوسط ناراضی 5..... خیلی ناراضی	تا چه اندازه از انجام وظیفه پولیس که بر خدمات و حفاظت مردم است در محل خود راضی هستید ؟	
10.9	1..... بسیار امن 2..... به صورت متوسط امن 3..... امن نیست ، تا امنی نیست 4..... به صورت متوسط نا امن 5..... بسیار نا امن	وضعیت امنیتی را در این محل چگونه ارزیابی می کنید ؟	
10.10	1..... بی 2..... نهی	آیا این خانوار به دلیل خشونت یا نا امنی در محل حاضر از محل زندگی خویش بیجا گردیده است ؟	<< 10.12
10.11	ولایت	در کدام ولایت افغانستان این خانوار قبل از بیجا شدن زندگی میکرد ؟	
10.12	1..... بی 2..... نهی	از سال 1381 (2002) ، آیا این خانوار از داخل و یا خارج افغانستان به محل فعلی بازگشت نموده ؟	<< 10.20
10.13	ولایت / کشور	از کدام ولایت افغانستان یا از کدام کشور این خانوار بازگشت نموده است ؟	
10.14	1..... قریه 2..... شهرک 3..... کمپ مهاجرین	آیا این خانوار در قریه ، شهرک و یا در کمپ مهاجرین زنده می کند ؟	
10.15	سال شمسی	در کدام سال خانوار شما به آواره گردیده بود ؟	
10.16	سال شمسی	در کدام سال خانوار شما در جای فعلی بازگشت نموده ؟	
10.17	1..... به کمک کمترین علی سزمان ملل سازمانهای و سازمانات 2..... اخراج شده 3..... نامشخص بازگشت نموده	آیا شما به کمک کمترین علی سزمان ملل سازمانهای و سازمانات و یا ادارات دیگر بازگشت نموده اید ، اخراج شده اید و یا که نامشخص بازگشت نموده اید ؟	
10.18	ولایت / کشور	در کدام ولایت افغانستان و یا در کدام کشور این خانوار قبل از بیجا شدن زنده می کرد ؟	
10.19	1..... قریه 2..... شهرک 3..... کمپ مهاجرین	آیا این خانوار در قریه ، شهرک و یا در کمپ مهاجرین زنده می کند ؟	

بخش 10. صحت خانوار و استراتژی های مقابله با آن (نامه)

اولویت انگشتمانی	10.20	10.21	10.22
یک جواب را برای هر یک از اولویت های اول، دوم و سوم حلقه کنید ؟	اولین اولویت تقاضای خوار شما در این منطقه برآورده شدن آن از دولت چیست ؟	دومین اولویت تقاضای خوار شما در این منطقه برآورده شدن آن از دولت چیست ؟	سومین اولویت تقاضای خوار شما در این منطقه برآورده شدن آن از دولت چیست ؟
a بهبود بخشیدن کیفیت آب آشامیدنی	1	1	1
b بهبود بخشیدن کیفیت آب آشامیدنی	2	2	2
c احیای مجدد سیستم آبیاری	3	3	3
d احداث یا ترمیم سرکهای محلی	4	4	4
e احداث/احیای مجدد پل و پلیچک ها	5	5	5
f بهبود بخشیدن تسهیلات جدید صحنی	6	6	6
g بهبود بخشیدن تسهیلات/ایجاد تسهیلات جدید تعلیم و تربیه برای دختران	7	7	7
h بهبود بخشیدن تسهیلات/ایجاد تسهیلات جدید تعلیم و تربیه برای پسران	8	8	8
i ایجاد/بهبود بخشیدن تسهیلات تعلیم و تربیه برای هر دو دختران و پسران	9	9	9
j ایجاد /بهبود بخشیدن هتل/رهنش	10	10	10
k بهبود بخشیدن خدمات زراعتی	11	11	11
l بهبود بخشیدن خدمات و تروری	12	12	12
m ایجاد / بهبود بخشیدن سیستم پروگرام قرضه های کوچک	13	13	13
n افزایش فرصت استخدام برای زنان	14	14	14
o افزایش فرصت استخدام برای مرد ها	15	15	15
p افزایش فرصت استخدام برای هر دو مردان و زنان	16	16	16
q تدویر کورسهای سواد آموزی برای زنان	17	17	17
r تدویر کورسهای سواد آموزی برای مردها	18	18	18
s تدویر کورسهای سواد آموزی برای هر دو مردان و زنان	19	19	19
t تدویر کورسهای آموزشی مسلکی برای زنان	20	20	20
u تدویر کورسهای آموزشی مسلکی برای مردها	21	21	21
v تدویر کورسهای آموزشی مسلکی برای هر دو مردان و زنان	22	22	22
w تهیه برق	23	23	23
x اصلاح و بهبود بخشیدن وضعیت سیستم قضایی محلی	24	24	24
y افزایش امنیت	25	25	25
z خلع سلاح قوملداان و ملیشه های محلی	26	26	26
aa ایجاد میکروزم محلی حل منازعت بالای مسلک زمین و خانه	27	27	27
ab سایر را مشخص کنید	28	28	28
اگر اولویت دوم گزینه "الف" باشد مشخص کنید:			
اگر اولویت سوم گزینه "الف" باشد مشخص کنید:			

[illegible]

بخش ۱۲. نیروی کار

سوالهای ۱۲.۱ تا ۱۲.۱۹: اعضای خانوار که سن شان ۱۴ سال و بیشتر از آن باشد پرسیده شد. (شماره خانوار که کمتر از ۱۴ سال عمر دارند سفید گذاشته شود)						
۱۲.۱	۱۲.۲	۱۲.۳	۱۲.۴	۱۲.۵	۱۲.۶	۱۲.۷
شماره مطهر انگلیسی سن شان ۱۴ سال و به بالا	آیا برهه گذشته ۱۲ ماهه کدام کار برای موسسه شما کار کرده و به کدام شخص که موسسه این خانوار فقط انجام داده	برهه گذشته ۱۲ ماهه آیا در اسم < کدام کارزارهای باقی زمین خود با ۱۴ ساله زمین دیگران مدخل داشت و کار جمعآوری محصولات افراد دیگری زمین و مزارع آن موتوری یا موشی را انجام داده	برهه گذشته ۱۲ ماهه آیا در اسم < کدام کار غیر از این: حساب خویش ویا مورو دمن خانوار، مدخل تجارت، و قمار و بر مورو دیگر، خجلی، نجاری فلزی بقی، صنایع دستی و غیره را انجام داده	برهه گذشته ۱۲ ماهه آیا در اسم < بر تولید کدام جنس مشاکی مدخل داشت، فلز گرم، قارچ و غیر که اعضای خانوار از آن استفاده میکند سهم گرفته؟	۱- اگر کمتر از ۱۲.۵ ۱۲.۵ تا ۱۲.۶ ۲- اگر ۱۲.۵-۱۲.۶ تغییر باشد اگر نه	آیا در اسم < حقی برای یک ساعت مهم تر فعالیت ما را انجام داده است؟
نمود به بالا	۱ = آری ۲ = نه	۱ = آری ۲ = نه	۱ = آری ۲ = نه	۱ = آری ۲ = نه	۱ = آری ۲ = نه	۱۲.۸ یا هر یک که در اسم < بر هه گذشته کاری را انجام نداده و یا او کار کل بقی باشد که بر آن موقوفه غیر حاضر باشد ؟
						۱ = آری ۲ = نه
01	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	12.10 < اگر نه
02	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
03	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
04	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
05	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
06	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
07	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
08	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
09	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
10	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
11	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
12	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1

پیش 12: تیروی کل (اسه)

اصغر خنوز که در سن 14 سال و بیشتر از آن است (شماره پیش از مشخص خنوز که کمتر از 14 سال عمر دارند سفید گذاشته شود)

هفته

شماره سفر	129 تاریخ عدد برای غیر حضوری این «سه» از کارهای بر هفت گذاشته چه بوده است ؟	اصغر خنوز که در سن 14 سال و بیشتر از آن است (شماره پیش از مشخص خنوز که کمتر از 14 سال عمر دارند سفید گذاشته شود)				1210 انگیزه گرمای 12.7 سایه به تغییر پیش از این پیش از این شروع تغییر کند تجربیات در چهارهفته گذشته گوشش سروده ؟ در صورت پیشینه کاری ؟	1211 آیا «سه» برای پیش از این شروع تغییر کند تجربیات در چهارهفته گذشته گوشش سروده ؟ در صورت پیشینه کاری ؟	1212 تاریخ عدد که تاریخ عدد که تاریخ عدد که تاریخ عدد که	1213 «سه» چیست چه کل میگوید 1- برادر کل را اگر میزنند 2- کلگر با دانش در سکون خصوصی 3- کلگر با دانش در سکون دولتی 4- کلگر حساب خود یا کلگران بدون مدرک (دانش در زمان خود دهایی دیگران - دهقان است فریادی)	1214 نوبت گذشته «سه» چه روز کل هرورده ؟	1215 روزانه «سه» چه ساعت واقعا به طور اوسط نوبت گذشته معمول است ؟ نوبت است ؟
		1210	1211	1212	1213						
		1210	1211	1212	1213						
01		2 1	2 1								
02		2 1	2 1								
03		2 1	2 1								
04		2 1	2 1								
05		2 1	2 1								
06		2 1	2 1								
07		2 1	2 1								
08		2 1	2 1								
09		2 1	2 1								
10		2 1	2 1								
11		2 1	2 1								
12		2 1	2 1								

نوبت ها برای سال 12.12 (دهایی جدید)

چشمی (تاریخ)

1- محصل / نامزد است

2- خانه / انبار / کدوم خانه است

3- مأمور / کدوم محل است

4- مریض / مریض است

5- معیوب است

6- برادر شکر میزند

7- بر خدمت نقلی است

8- «سه» یقه که پنهان شکر خواهد شد

9- هزاره پولت و یکار است

10- معطر فصل است که کار زیاده شود

11- نمی خواهد کار کند

12- چشم پیدا کردن کل را ندارد کار

13- کل را ندارد کار میدهد

14- سبیل

کلید ها برای سال 12.9 (تاریخ برای تغییر در کار)

1- مریض / مریض است

2- روزهای رسمی / مریض / مریض

3- کلید به مکتب / مریض / مریض

4- آب و هوا و مکتب

5- فصل کل / آب و هوا

6- خانه کل شکر با کل کل کل / آب و هوا

7- فصل / آب و هوا

8- مشکلات آب و هوا

9- سبیل / فصل / آب و هوا

بخش ۱۲: نیروی کار (ادامه)									
ردیف	اعضای خانوار که سن شان ۱۴ سال و بیشتر از آن است (شماره دفتر اعضای خانوار که کمتر از ۱۴ سال عمر دارد، در ستون گذشته ثبت شود)								
شماره دفتر	۱۲.۱۸	۱۲.۱۷	۱۲.۱۹	۱۲.۲۰	۱۲.۲۱				
	عدد کل معمول یا خدمات که توسط شرکت، وارد و یا شخص که در آن به کار می رود به کار گرفته شده بر آن کار می رود؟	محل: تولید گندم، تولید محصولات حیوانی، فروش نان، خدمات تعلیمی، خدمات صحت، سایر خدمات عامه، خدمات اجتماعی، ترابری، امارت محلی و غیره	محل: باغی، سرکاری، بوت فردی، پروکاز / سوک، تریس، درمکن، ایستگاه، نجیبی، نظارتی، خشت ملی، سایر فرشت و غیره	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟	آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟ آیا در این کار به کار می رود؟ بله است که ساخت پیشتر نسبت به کار هفته تعلیم میدهد کار نمایی؟
01				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
02				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
03				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
04				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
05				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
06				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
07				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
08				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
09				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
10				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
11				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1
12				2 1	2 1	2 1	2 1	2 1	2 1

بخش ۱۳. مهارت ها

13.10	13.9	13.8	13.7	13.6	13.5	13.4	13.3	13.2	13.1
آیا در سیمه بر 12 ماه گذشته به بخش پیشبرد کارهای یک ماهه و بیشتر از آن از حقوق دور بوده است؟	در صورتیکه سن جسم > 12 سال و یا بیشتر باشد شهر، سفر را حلقه نمایند	در کدام ولایت افغانستان ویا در کدام کشور > (اسم) در سال 1393 زندگی میکرد؟	در صورتیکه سن جسم > 2 سال و یا بیشتر باشد شهر، سفر را حلقه نمید	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	آیا در سیمه کار یافت خارج از حوزات مسکن؟ زندگی نموده است؟	بر کدام ولایت افغانستان ویا بر کدام کشور > (اسم) در ولایت شده است؟	شماره سفر
1 = آری 2 = خیر	در صورتیکه سن جسم > 12 سال و یا بیشتر باشد شهر، سفر را حلقه نمید	نام ولایت یا کشور یکبار در سیمه زندگی میکرد نمیکرد؟	در صورتیکه سن جسم > 2 سال و یا بیشتر باشد شهر، سفر را حلقه نمید	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	چگونه وقت > (اسم) در این محل برای زندگی کردن آمده؟ (محل مسکن)	آیا در سیمه کار یافت خارج از حوزات مسکن؟ زندگی نموده است؟	نیم ولایت یا کشور را برای مسکن و یا بهیچیکه اگر مسکن بود > 13.8	
2 1	01		01				2 1		01
2 1	02		02				2 1		02
2 1	03		03				2 1		03
2 1	04		04				2 1		04
2 1	05		05				2 1		05
2 1	06		06				2 1		06
2 1	07		07				2 1		07
2 1	08		08				2 1		08
2 1	09		09				2 1		09
2 1	10		10				2 1		10
2 1	11		11				2 1		11
2 1	12		12				2 1		12

9 = برای دسترسی به خدمات صحتی
 10 = حالات طبیعی
 11 = سبیل و زایل
 5 = قرار و خدمت
 6 = ملاقات روزی زمین و حلقه
 7 = برای یکجانبه بقیل در محل جدید زندگی
 8 = برای تحصیل
 1 = بهیچیکه و یا سبیل و زایل
 2 = برای بقیل کار/ کار بهیچیکه
 3 = برای ازدواج
 4 = برگشت از بیجا آمده گی
 13.8 (در این که به این محل آمده و زندگی نمیکرد)

14. تست آزمایش آب

14.1	در ماه گذشته آیا زمینی موجود بود که خانواده شما مقدار کافی آب آشامیدنی نداشته باشند؟	بلی 1 خیر 2 تمیزقم 3
14.2	آیا منزل برای آزمایش کیفیت آب انتخاب گردیده است؟	بلی 1 خیر 2
14.3	آیا می‌توانید یک گیاه آب ای برایم بیاورید که این خانواده همیشه از آن می‌نوشد؟	بلی 1 خیر 2
14.4	آیا نمونه از آب گرفته شده است؟	بلی 1 نمونه را به شکل (H-XXXX-YY) لبل گذاری نمایید، که (XXXX) شماره کلاستر و (YY) شماره منزل میباشد. آزمایش آب را در ظرف 30 دقیقه اجرا نمایید. خیر 2
14.5	آیا آب آشامیدنی از منبع که در محوطه قرار دارد جمع آوری گردیده است یا از محل دیگری؟	منبع آب در داخل محوطه 1 منبع آب از جای دیگری 2
14.6	آیا به من (یا مصاحبه کننده) منبع آب را نشان داده می‌توانید، تا من (یا او) بتوانم یک نمونه از آن نمونه گیری نمایم؟	بلی 1 خیر 2
14.7	آیا نمونه آب از منبع آب در محوطه منزل توسط خود مصاحبه کننده اخذ گردیده است؟	بلی 1 نمونه را به شکل (S-XXXX-YY) لبل گذاری نمایید، که (XXXX) شماره کلاستر و (YY) شماره منزل میباشد. آزمایش آب را در ظرف 30 دقیقه اجرا نمایید. خیر 2
14.8	لطفاً بریم توضیح دهید که این نقطه جمع آوری آب در کجا قرار دارد؟	مصاحبه کننده: به سوپروایزر اطلاع ده که برای اخذ نمونه آب از منبع به کجا مراجعه نماید. بلی 1 نمونه را به شکل (S-XXXX-YY) لبل گذاری نمایید، که (XXXX) شماره کلاستر و (YY) شماره منزل میباشد. آزمایش آب را در ظرف 30 دقیقه اجرا نمایید. خیر، منبع خیلی دور است 2 خیر، منبع مشابه سایر منازل 3 میباشد که قبلاً از نمونه گرفته شده است. 4 خیر، سایر موارد، مشخص نمایید
14.9	آیا منزل برای تست آزمایشی، انتخاب گردیده است؟	بلی 1 خیر 2
14.10	بوتل هنی آب جوشیده شده را از سوپروایزر خویش بدست آورید؟	بلی 1 آیا یک نمونه تست آزمایشی از سوپروایزر جمع آوری گردیده است؟ نمونه را به شکل (B-XXXX-YY) لبل گذاری نمایید، که (XXXX) شماره کلاستر و (YY) شماره منزل میباشد. آزمایش آب را در ظرف 30 دقیقه اجرا نمایید. خیر، دلایل آنرا مشخص سازید 2

نتایج آزمایش آب		
با در نظر داشت دوره تفریخ 24 الی 48 ساعت، نتایج آزمایش کیفیت آب باید درج / ریکارد گردد. شماره دارای 3 عدد کالونی های آبی رنگ را برای نمونه های منزل و منبع ریکارد نمایید. هرگاه بتعداد (101) یا بیشتر کالونی ها شمارش گردیدند، (101) را ریکارد نمایید. هرگاه ریکارد نتایج امکان پذیر نباشد و یا نتایج از دست رفته باشد، (998) ریکارد نمایید.		
14.11	نتایج آزمایش آب منزل	تعداد کالونی های آبی در صد ملی لیتر
14.12	نتایج آزمایش آب منبع	تعداد کالونی های آبی در صد ملی لیتر هرگاه از منبع نمونه اخذ نگردیده باشد، (997) ریکارد نمایید
14.13	نتایج آزمایش در نمونه آزمایشی	تعداد کالونی های آبی در صد ملی لیتر هرگاه نمونه آزمایشی اخذ نگردیده باشد، (997) ریکارد نمایید



سروی وضعیت زندگی در افغانستان

1395



بخش 20: مشخصات خانوار (بخش اناث)

مصلحیه کتیده: این معلومات را از بخش 1 (مشخصات خانوار بخش نکور) نقل کنید.

20.1 نام ولایت	کود	20.8 نام خلوار (1-15)
20.2 نام ولسوالی	کود	20.9 نام عروازه
20.3 کود ساحه کټرول و ساحه شمل	20.10 اسم رئیس خانوار	
20.4 کود کلسټر/خوښه		
20.5 کود محل قنټ	1..... شهری 2..... دهلي 3..... کوچی	
20.6 اگر 20.5 مساوی به 1 تلحیه شهری	کود	20.11 شمزه نظر خلم بزرگ سال جواب نهده
20.7 اگر 20.5 مساوی به 2 نام قریه	کود	20.12 شمزه نظر پلخ نهده نکور در صورت غیبت اعضای انټ خانوار
20.13 زمان شروع مصاحبه	ساعت : دقیقه	20.14 زمان ختم مصاحبه
	ساعت : دقیقه	ساعت : دقیقه

بخش 21 لی 24 باید توسط خلم بزرگ سال جواب داده شود که همسر رئیس خلوار باشد یا فعلی ترین و مهم ترین عضو خلوار باشد و یا اینکه ریاست خلوار یدوش وی باشد

در صورت غیبت هر یک از عضو انټ خلوار و یا در عدم موجودیت سرویس طبقه انټ نقطه سوالات بخش 23، A.22 و 24 اعضای نکور خانوار جواب بدهد براین صورت شمزه نظر پلخ نهده نکور را در سوال 20.12 درج نماید

بخش B.22 و بخش 25 بصورت جداگانه از هر یک خانم های واجد شرایط پرسیده شود

بخش 21. اعضای خنوار که از بخش راجستر شده است

مصلحه گفته : ما تمامی اعضای خنوار شمارا ثبت کرده ایم ، ولی میخواهیم که همراهی شما آنها چک کنیم که آیا واقعا همه آنها که در این خانه معمولاً زندگی می کنند شامل آن است یا نه ، خاصاً تاغه داریم که بیدم فلفل نوزاد ، دختران و زنان - مخصوصاً زنان که سال که از ثبت شده است

تفاهات راجستر را همراهی مصلحه شوند چک نمایند و آنچه مشخص که از ثبت شده همراهی با معلومات اضافی آن در ذیل درج نمایند

21.1	21.2	21.3	21.4	21.5	21.6	21.7	21.8	21.9	21.10	21.11
شماره شماره نامه آرامش	نام اعضای اضافی خنوار	قرابت >اسم< یا رئیس خنوار چست ؟	در آخرین سال روز تولد >اسم< نکور انک چند سله بود ؟	آیا >اسم< نکور یا نک است ؟	حالت منی >اسم< چست ؟ زکود های پلین اسقاده نمایند	شماره همسر (اولین همسر)	آیا پدر این >اسم< در این خله زنده گی میکند ؟	شماره پدر >اسم< چست	آیا مادر >اسم< در این خانه زنده گی میکند ؟	شماره مادر >اسم< چست
		زکود های پلین اسقاده نمایند	اگر کمتر زیکس باشد 00* بنویسید	1= نکور 2= انک	اگر متاهل چست 21.8 <<	اگر بر این خنوار نکست 98* نویسید	1= بله 2= نخیر قر تخیر << شماره یعنی	1= بله 2= نخیر قر تخیر << شماره یعنی		
				2 1			2 1		2 1	
				2 1			2 1		2 1	
				2 1			2 1		2 1	
				2 1			2 1		2 1	
				2 1			2 1		2 1	

نکده ها برای سوال 21.3 (قرابت اعضای خانواده یا رئیس خنوار)	نکده ها برای سوال 21.6 (حالت منی)
01= رئیس خنوار	01- متاهل
02= شوهر یا خاتم	02- بیوه /مرد زن مرده
03= دختر یا پسر	03- طلاق شده /جا شده
04= ناماد / عروس	
05= نواسه	
06= پدر یا مادر	
07= برادرزاده یا خواهرزاده	
08= برادر ویا خواهر	
09= خاتم برادر /شوهر خواهر/خواهر خاتم یا	
	10= سالی قاریب و خیشا و زنان
	11= غنی قاریب

با بخش یعنی ادامه دهید

بخش 22. وضعیت عمومی زنده گی	
بخش های 22 الی 24 باید توسط ختم بزرگ سال جواب داده شود که همسر رئیس خانوار باشد، یا فعل ترین و مهم ترین عضو خانوار باشد و یا اینکه ریاست خانوار بهوش وی باشد	
22.1	چند دانه مرغ خانگی خلول تن دارد ؟
22.2	آیا به مقیسه یک سال قبل تعداد مرغ ها زیاده، عین چیز یا کمتر است ؟ 1 بیشتر 2 عین چیز 3 کمتر
22.3	چی تعداد از این مرغ های خانگی واکسین شده ؟
22.4	چی تعداد از این مرغ ها تولیدی است ؟
22.5	بر 12 ماه گذشته خانوار شما چه تعداد مرغ هلی زنده را به فروش رسانیده است ؟
22.6	بر ماه گذشته خانوار شما چقدر گوشت مرغ را به فروش رسانیده است ؟ کیلو گرام
22.7	بر ماه گذشته خانوار شما چند دانه تخم مرغ را به فروش رسانیده است ؟ بیضه
22.8	امروز خانوار شما ملک چی تعداد از پرند گان بیگر ملته مرغی خیل مرغ و قل است ؟
22.9	آیا به مقیسه یک سال قبل تعداد مرغ ها زیاده، عین چیز یا کمتر است ؟ 1 بیشتر 2 عین چیز 3 کمتر
22.10	چه تعداد از این پرند گان واکسین شده ؟
22.11	چی تعداد از این پرند گان تولیدی است ؟
22.12	بر 12 ماه گذشته خانوار شما چه تعداد پرند گان زنده را به فروش رسانیده است ؟
22.13	بر ماه گذشته خانوار شما چقدر گوشت پرند گان را به فروش رسانیده است ؟ کیلو گرام
22.14	بر ماه گذشته خانوار شما چند دانه تخم پرند گان را به فروش رسانیده است ؟ بیضه
22.15	خلوار شما چند فغلی را بر ماه گذشته برای موارد ذیل مصرف کرده ؟ a. آرایش یا آرایشگاه و وسایل آرایش b. تلفت شخصی (آرایش، کوتاهی مو، و غره) برای زنان و دختران (مردان نیست) c. پودر فغال d. سرباک e. پمپ
22.16	خلوار شما بر سال گذشته چند فغلی را برای تعویذ / شویست (به منظور صحت) به مصرف رسانیده است ؟

بخش B.22 وضعیت عمومی زنده گی (ادامه دارد)		
22.17	وضعیت عمومی اقتصادی خانوار تان را با یک سال قبل چگونه مقایسه می کنید ؟	1..... بسیارخوبتر 2..... اندکی خوبتر 3..... همین چیز 4..... اندکی بدتر 5..... بسیار بدتر
22.18	تا چه اندازه از انجام وظیفه پولیس که برخاسته و خلقت مردم است بر محل خود راضی هستید ؟	1..... خیلی راضی 2..... بصورت متوسط راضی 3..... نه راضی و نه نراضی 4..... بصورت متوسط نراضی 5..... خیلی نراضی
22.19	وضعیت امنیتی را در این محل چگونه ارزیابی می کنید ؟	1..... بسیار امن 2..... بصورت متوسط امن 3..... امن نیست ، تا امنی نیست 4..... بصورت متوسط نا امنی 5..... بسیار نا امن
به صفحه بعدی ادامه دهید		

بخش B.22 وضعیت عمومی زنده گنی (دامه نارد)			
22.20	اولویت انگشانی	22.21	22.22
اولین اولویت تقاضای	دومین اولویت تقاضای	سومین اولویت تقاضای	
خلوار شما در این منطقه	خلوار شما در این منطقه	خلوار شما در این منطقه	
بر آورده شدن آن از	بر آورده شدن آن از	بر آورده شدن آن از	
دولت چی است ؟	دولت چی است ؟	دولت چی است ؟	
a	بهبود بخشین کمیت آب آشامی	1	1
b	بهبود بخشین کمیت آب آشامی	2	2
c	احیای مجدد سیستم لیلی	3	3
d	اعمل یا ترمیم سرکهای محلی	4	4
e	اعمل/ احیای مجدد پل و پلیچ ها	5	5
f	بهبود بخشین تسهیلات جدید صحنی	6	6
g	بهبود بخشین تسهیلات/ ایجاد تسهیلات جدید تطبیع و تریه برای بختران	7	7
h	بهبود بخشین تسهیلات/ ایجاد تسهیلات جدید تطبیع و تریه برای پسران	8	8
i	ایجاد/ بهبود بخشین تسهیلات تطبیع و تریه برای هر بختران و پسرانگ	9	9
j	ایجاد / بهبود بخشین هتلز رهایی	10	10
k	بهبود بخشین خدمت زراعتی	11	11
l	بهبود بخشین خدمت و ترنری	12	12
m	ایجاد / بهبود بخشین سیستم پروگرام قرضه های کوچک	13	13
n	افزایش فرصت استخدام برای زنان	14	14
o	افزایش فرصت استخدام برای مرد ها	15	15
p	افزایش فرصت استخدام برای هر دو مردان و زنان	16	16
q	توسیع کورسهای سواد آموزی برای زنان	17	17
r	توسیع کورسهای سواد آموزی برای مرد	18	18
s	توسیع کورسهای سواد آموزی برای هر دودمردان و زنان	19	19
t	توسیع کورسهای آموزشی مسلکی برای زنان	20	20
u	توسیع کورسهای آموزشی مسلکی برای مردها	21	21
v	توسیع کورسهای آموزشی مسلکی برای هر دو مردان و زنان	22	22
w	تیه برق	23	23
x	اصلاح و بهبود بخشین وضعیت سیستم قضلی محلی	24	24
y	افزایش امنیت	25	25
z	خج سلاح قوماندان و میله های محلی	26	26
aa	ایجاد میکافرم محلی حل منزلت بالای مسلک زمین و خله	27	27
ab	بای را مشخص سزید	28	28

اگر اولویت دوم سلی باشد مشخص سزید

اگر اولویت سوم سلی باشد مشخص سزید

بخش 23. مصرف غذا		
23.1	چند تن از اعضای خانوار طی 7 روز گذشته سر خاله بودند و بطور منظم حد اقل سر نان شب اشتراک داشتند به شمول خود شما؟	
23.2	چند بار غذا توسط میهمانان خانوار از دیگر خدوای طی 7 روز گذشته صرف گردیده؟ هرگاه هیچ میهمان طی 7 روز گذشته در هیچ یک وقت غذا شرکت ننموده باشند عدد صفر را بنویسید	
23.3	سر 7 روز گذشته اعضای مقیم خدوای سر خارج (غیر از غذاهای تهیه شده سر خاله) چند بار غذا صرف کرده اند؟	
23.4	دریون چند بار غذا توسط اعضای خانوار صرف گردیده؟ a. اطفال زیر سن 5 سال b. بچه های 5 الی 17 ساله c. نوجوانان 17 الی 64 ساله d. مردان بالغ 18 الی 64 ساله e. زنان بالغ 18 الی 64 ساله f. بزرگسالان 65 ساله و بالاتر	
مصاحبه کننده بخواند: حالا میخواهم از شما پرسیده که سر 7 روز گذشته اعضای خانوار سر نان و یا میهمانان سر انواع غذاهای مختلف ذیل را صرف کرده اند؟ سر اید سوالهای عمومی را به انواع غذا و بعداً راجع به غذای مشخص سوال خواهم کرد. ما همچنان علاقه مند هستیم تا بدانیم که غذا را چطور پخت آورید.		
23.5	23.6	23.6
23.6	طی 7 روز گذشته خانوار شما چند روز از گروه غذایی ذیل صرف نمود؟ اگر 0* سوال 23.6 را در نظر نگرفته قدم بعدی را بپرسید	23.6 میتع عدد این مواد غذایی چه بود؟ از کد های پائین استفاده شود
	a. غله جات (مانند: نان گندم، برنج، جواری و غیره) b. حبوبات ریشه ای (مانند: کچالو، کچالوشیرین و غیره) c. حبوبات (مانند: لوبیا، عدس، لنگ نخود، دال و غیره) d. سبزیجات e. میوه جات f. همه انواع گوشت و ماهی، تخم مرغ g. لبنیات و محصولات لبنی (مانند: شیر، ماست، قروت، پنیر) h. سر و محصولات لبنی بدون شیر چای i. روغن، مسکه و چربی	
کده ها برای سوال 23.6 (میتع غذا) 1 = خریداری شده 2 = محصولات خویشا 3 = سر جان جتن حاصل شده 4 = بطور قرض گرفته شده 5 = بطور سوغات گرفته شده 6 = هدیه یا کمک غذایی 7 = سایر		
به صفحه بعدی ادامه دهید		

بخش 23. مصرف غذا (نامه دارد)			
مصلحیه کننده بخورند : حالا میخواهیم از شما این مورد قلم غذای های مختلف ذیل که توسط اعضای خانوار و یا کدام مهمان صرف گردیده پرسیم : در این بخش سوالات مشابه پرسیده خواهد شد همان مورد غذای مشخص ما همچنان علاقه مند هستیم تا بدانیم که چقدر از هر یک نوع غذا طی 7 روز گذشته مصرف گردیده			
23.9	23.8	23.7	مورد غذایی
چه مقدار این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اند؟	مذبح صده این مورد غذایی چه بود؟	چند روز این مورد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اند؟	
	از کود های پائین اسفاده شود	اگر مصرف نموده 0 بنویسید	
نوع و حیثیت			
برنج - کیفیت اصلی			کیلو گرام
برنج - کیفیت پائین			کیلو گرام
آرد گندم			کیلو گرام
نان غریبه شده (قرص)			قرص
جو			کیلو گرام
جواری			کیلو گرام
لوبیا			کیلو گرام
ماش			کیلو گرام
نخود			کیلو گرام
عدس (نسک)			کیلو گرام
آش/مکرونی			کیلو گرام
سایر انواع نان و غله جات			کیلو گرام
گوشت و ماهی			
گوشت گاو			کیلو گرام
گوشت گوساله			کیلو گرام
گوشت گوسفند			کیلو گرام
گوشت بز			کیلو گرام
گوشت مرغ			کیلو گرام
جگر			کیلو گرام
گوشت قاق			کیلو گرام
ماهی			کیلو گرام
سایر انواع گوشت و ماهی			کیلو گرام
کود های برای سوال 23.8 (مذبح غذا) 1 = خریداری شده 2 = محصولات خویشا 3 = دریل جنس حاصل شده 4 = بطور قرص گرفته شده 5 = بطور سوخت گرفته شده 6 = هدار یا کمک غذایی 7 = سایر			
به صفحه بعدی ادامه دهید			

بخش 23. مصرف غذا (نامه دارد)			
مواد غذایی	23.7	23.8	23.9
	چند روز این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟	هنگامی که این مواد غذایی چه بود؟	چه مقدار این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟
	اگر مصرف نمودید "0" بنویسید	از کد های پایین استفاده شود	
شیر، پنیر و تخم مرغ			
شیر تازه			
شیر پوری			
ماست			
چکمه			
قزویت (خشک)			
نوغ			
روغن زرد			
مسکه			
پنیر			
تخم (بیضه)			
سای انواع لبنیات			
روغن و جری			
روغن نباتی، پیه دانه و گجند			
جری خجولی			
سای انواع روغن و جری			
سبزیجات			
کچلو			
کچلو شیرین			
پیاز			
پانچان رومی			
پامیه			
پالک			
گلپی			
پانچان سیاه			
زرنگ			
کدو یا کدو گک			
پانزنگ			
کد های برای سوال 23.8 (مصرف غذا) 1 = خرباری شده 2 = محصولات خورما 3 = دریل چش حاصل شده 4 = بطور قرض گرفته شده 5 = بطور سوخت گرفته شده 6 = امداد یا کمک غذایی 7 = سای			
به صفحه بعدی ادامه دهید			

بخش 23. مصرف غذا (میزبجیات ادامه دارد)			
23.9	23.8	23.7	مواد غذایی
چه مقدار این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟	مبلغ تخمید این مواد غذایی چه بود؟	چند روز این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟	
	از کد های پایین استفاده شود	اگر مصرف نموده اید بنویسید	
کیلو گرام			ملی سرخک
کیلو گرام			شکر
کیلو گرام			کاهو
کیلو گرام			گندم
کیلو گرام			مرچ تند
کیلو گرام			سبزیجات برگه وحشی
کیلو گرام			کشنی
کیلو گرام			آغاج
کیلو گرام			پانچان رومی خشک
کیلو گرام			سبزی جات خشک
کیلو گرام			اجل سبزی جات
کیلو گرام			فاصلیه
کیلو گرام			سای سبزیجات
			مخصص سبزی:

میوه و مغزیه			
کیلو گرام			سیب
کیلو گرام			انگور
کیلو گرام			خریزه / تربوز
کیلو گرام			شفتالو
کیلو گرام			زردآلو تازه
کیلو گرام			زردآلو خشک
کیلو گرام			نارنج ، ستره و گینو
کیلو گرام			الو ، لوبالو
کیلو گرام			انار
کیلو گرام			آلب
کیلو گرام			کینه
کیلو گرام			کشمش
کیلو گرام			توت تازه

4 = بطور قرض گرفته شده 5 = بطور سوخت گرفته شده 6 = امداد یا کمک غذایی 7 = سالی	کدها برای سوال 23.8 (منبع غذا) 1 = خریداری شده 2 = محصولات خویشا 3 = دریافت چش حاصل شده

به صفحه بعدی ادامه دهید

بخش 23. مصرف غذا (دوره جات ادامه دارد)			
23.9	23.8	23.7	مواد غذایی
چه مقدار این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟	مبلغ عدد این مواد غذایی چه بود؟	چند روز این مواد غذایی را در 7 روز گذشته مصرف نموده اید؟	
	از کودکان پائین اسقاط شود	اگر مصرف نموده 0 نیویسد	
کیلوگرام			توت خشک
دانه			ام
کیلوگرام			چلغز بدون پوست
کیلوگرام			پسته بدون پوست
کیلوگرام			بادام بدون پوست
کیلوگرام			سایر میوه جات
دوره و شریانی باب			
کیلوگرام			بوره
کیلوگرام			گر
کیلوگرام			صل
کیلوگرام			چاکلیت، قندو شریانی
نوشابه باب			
گرام			چای سید
گرام			چای سبز
لیتر			نوشابه های قندی شده بوتل های آب معدنی (لیتر)
لیتر			سایر نوشابه ها
مصله جات			
کیلوگرام			نمک
گرام			مرج سید
گرام			سیر / زنجبیل
گرام			رب بلانچان رومی
گرام			مصله ترکیبی
گرام			سایر مصله جات
نکته ها برای سوال 23.8 (مبلغ غذا) 1 = خریداری شده 2 = محصولات خوفا 3 = دریافتی جنس حاصل شده 4 = بطور قرض گرفته شده 5 = بطور سوغات گرفته شده 6 = هدا یا کمک غذایی 7 = سایر			
به صفحه بعدی ادامه دهید			

بخش 23. مصرف غذا (نام نه دارد)		
23.10	طی 7 روز گذشته آیا چنین وضع شده که خدوړ تان کدام روز غذای کافی ویا پول برای خرید غذا نداشته بود؟ 1..... بلی 2..... نه	<< 23.12
23.11	در 7 روز گذشته چند روز خانوار شما به کل های ذیل دست زده اند: a. اسقله و تکیه بیشتر از غذا های غیر قابل پخت و ارزان b. به قرض گرفتن غذا ویا تکیه بر کمک دوستان و خویشاوندان c. اسقله به مقدار کم غذا هنگام غذا خوردن d. نخورین غذا توسط بزرگسالان بخاطر بکه اسقلال خوردن سن غذا بخورند e. کاهش در تعداد دفعات خوردن غذا بر صورتیکه سقرا نیازی اسقلال نشده بود "0" بنویسید ☐ ☐ ☐ ☐ ☐	
23.12	آیا در 4 هفته گذشته گاهی چنین وضع شده که نسبت نداشتن توان خرید هیچ نوع غذای برای خوردن در خانه تان نبود؟ 1..... هرگز نه 2..... بعضی اوقات (1 الی 10 بار) 3..... اکثریت اوقات (بیشتر از 10 بار)	
23.13	آیا در 4 هفته گذشته خود شما یا کدام عضو دیگر خانوار تان نسبت نبودن غذای کافی گرسنه خوابیده اید؟ 1..... هرگز نه 2..... بعضی اوقات (1 الی 10 بار) 3..... اکثریت اوقات (بیشتر از 10 بار)	
23.14	آیا در 4 هفته گذشته خود شما یا کدام عضو دیگر خانوار تان یک روز مگمل و شب را بون خوردن هیچ نوع غذا نسبت نبود غذا بهری کرده اید؟ 1..... هرگز نه 2..... بعضی اوقات (1 الی 10 بار) 3..... اکثریت اوقات (بیشتر از 10 بار)	

24. سبکبازی از تسلیم اعضای خنجر و پوسیده نشود

24.13	24.12	24.11	24.10	24.9	24.8	24.7	24.6	24.5	24.4	24.3	24.2	24.1
عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	به بدن وضعت عضل ترکیبی، ذهنی یا احساسی، یا جسمانی در رابطه گرفتن یا بیگونی نازده ملاذ درک کردن بیگونی و درک شدن او توسط بیگونی	عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	یا جدید مشکل مر به یاد گرفتن (حفظه) و تمرکز کردن نازده	عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	یا جدید مشکل مر به مراقبت از خود، نقد شش خود و آشنی بدنش نازده	عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	یا جدید مشکل مر راه رفتن و بالا رفتن از زیاده ها نازده	عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	یا جدید مشکل مر شین نازده، حد یا اعتدال از سمعکه نازده	عضل به وجود آمدن این مشکل چه بوده	یا جدید مشکل مر بین نازده، حد یا اعتدال از حیاکه نازده	شماره
	اگر 1 < < شخص بعضی		اگر 1 < < 24.12		اگر 1 < < 24.10		اگر 1 < < 24.8		اگر 1 < < 24.6		اگر 1 < < 24.4	
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	01
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	02
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	03
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	04
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	05
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	06
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	07
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	08
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	09
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	10
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	11
	4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1		4 3 2 1	12
نوعه ها برای 24.2/5/7/9/11/13												
8= سن بالا	5= چنگ/بازگشایی	2= جلد به جریان کمر	24.3/5/7/9/11/13	نوعه ها برای 24.2/5/7/9/11/13	3= لبی - مشکلات زیست نازده	1= تغییر - مشکل نازده	24.2/4/6/8/10/12	نوعه ها برای 24.2/4/6/8/10/12	2= لبی - بعضی مشکلات نازده	3= لبی - مشکلات زیست نازده	2= لبی - بعضی مشکلات نازده	1= لبی - بعضی مشکلات نازده
9= موارد معجزه	6= ز بهر وند (میلز/زانی)	3= سبک حواش		(عضل معجزه)	لبه قلز به لبش نیست							(لبت معجزه)
10= سبک معجزه	7= مرخصی	4= سبک/مورد قناری		1= جلد به تر فکری								

اصطلاحی که در این سوزانات به صورت چنانکه از این ختم واحد شش به (ازواج) گرفته می‌شود و 4 سال یا کمتر من 5 سال به (یکه) این سوزانده شده.

[illegible]

[illegible]

۲.۳ پرسشنامه شورای مردان سروی وضعیت زندگی در افغانستان

	سروی وضعیت زندگی در افغانستان 1395				
پرسشنامه شورای مردان					
بخش 1: مشخصات شورا					
1.1	نام ولایت	کود	1.5	کود محل قیامت	1..... شهری 2..... تعلی 3..... کوچی
1.2	نام ولسوالی	کود	1.6	اگر 1.5 مساوی به 1 تلجه شهری	کود
1.3	کود ساحه کتروزلر و ساحه شمل		1.7	اگر 1.5 مساوی به 2 نادقریه	کود
1.4	کود کتسر/خوشه				
بخش 2: نظارت و پیروسی ارقام					
2.1	تاریخ مصلحه	روز	ماه	سال	
2.2	شماره شخص (شماره سپروایزر یا سروی)				
2.4	تاریخ چک در نظر	روز	ماه	سال	
2.5	کود چک کننده	خز			

سئرسى ، 3a												
3	وضع تپوگرافي انگرېت زهېښى زراعتى كه توسط مردم قريه مورد استفاده قورل مى گورد چگونه است ؟	1..... زمينهاى هموار 2..... نره جلت 3..... نره جلت و تپه ها 4..... تپه ها (نره جلت غير قبل كشت)										
3	قريه شما ز نږدېكترين سرك موټر رو چقدر نور است ؟ اگر سرك نر خود قريه باشدا 10' بنويسيد	كيلومتر										
3	آيا نږدېكترين سرك ين قريه به عراده جلت نر تمام موقع سل قبل استفاده مى باشد ؟	1..... بلى 2..... نهى										
3	بريك سل عاينى نر كدام ماد ها ين سرك غير قبل استفاده مى باشد ؟	تمام ماد هاى را كه ياد آورى مينعنه حلقه تميزيد										
	حمل 1 شور 2 جوزا 3 سوطان 4 اسد 5 سنبله 6 ميزان 7 عقرب 8 قوس 9 جدى 10 بلو 11 حوت 12											
3	آيا كدام پروگرام نر قريه شما براى سلقتمان و تر موم سرك و سلقن پل و لچكها نر 3 سل اخير بوده است ؟ مصلحه كنند : تمام جوابات ارائه شده را نشلى تميزيد	a..... كل توسط مردم قريه b..... پروژه هاى سرك سزى توسط دولت c..... بهبود بخشين سرك توسط پروژه غذا نر عقابل كارموسه پروگرام عاينى جهان d..... پروژه هاى ديگر سرك سزى غذا نر عقابل كل e..... پروژه سرك سزى همپستگى ملى f..... پروژه سرك سزى موسست غير دولتى g..... پروژه سرك سزى نظامى h..... سلى i..... هيچكدام										
3.6	آيا طى سه سل گذشته سئرسى شما به سرك تقى نموده است ؟	1..... سئرسى به سرك تقى يفته 2..... سئرسى به سرك بهتر شده 3..... سئرسى به سرك خراب تر شده										
3.7	نام محلى كه مردم ين قريه مواد خوراكى خود را نر ماد گذشته خريدارى ميكنند چه است											
3.8	اين محل (ملكيت) نر كجا موقعيت داشت ؟	1..... ملكيت محلى 2..... ملكيت ولسوالى نر عين ولايت 3..... ملكيت ولسوالى نر سلى ولايات 4..... نر مركز ولايت										
3.9	a. نام آن ولايت چيست ؟ b. نام آن ولسوالى چيست ؟	a. نام ولايت b. نام ولسوالى										
	نوعيت ترانسپورت :	a. پياده / توسط حيوان b. بيسكل c. موټر اتكى										
3.10	راه رسين يك طرفه به نږدېكترين ملكيت نايمى مواد عاينى نر ماد گذشته به فكيك نوع چه مت بوده است ؟ بخطر كود ها پلن صفحه را ببيد	☐ اگر 1 يا 7 سوان هاى 3.11 و 3.12 برسيده نشود										
3.11	مصلرف رفت و آمد به ملكيت نايمى به فغلى بشعول مصلرف شب بلن ، هرگاه ضرورت باشد ،س ماد گذشته چند بود ؟	فغلى										
3.12	مصلرف اتقال يك خريطه 50 كيلو گرام گندم ز ملكيت نايمى به قريه نر ماد گذشته چند بود ؟	فغلى										
3.13	a. مزد روزانه يك كلريگر سلكى يا حرفوى چند فغلى است ؟ b. مزد روزانه يك كلريگر عاينى چند فغلى است ؟	a. b.										
نمود ها براى سوال 3.10a لى 3.10c (وقت رسين به ملكيت مواد عاينى) =1 كم تر ز 1 ساعت ، ملكيت نر خود محل يا نږدېك محل =2 يك ساعت يا ييشتر ، مگر كمتر ز 2 ساعت =3 2 ساعت يا ييشتر ، مگر كمتر ز 4 ساعت =4 4 ساعت يا ييشتر ، مگر كمتر ز 6 ساعت =5 6 ساعت يا ييشتر ، مگر كمتر ز 12 ساعت =6 12 ساعت يا ييشتر =7 به ملكيت سئرسى نرند (مثلاً ، سرك قنيت)												

[illegible]

بخش 3 (b) دسترسی (قسمه دره)

3.21	3.20	3.19	3.18	نوع مکان	
فاصله یکطرفه بر اثر سون به نزدیکترین (نوع مکان) چند کیلومتر است؟ این مکان موجود است؟	چند تعداد (نوع مکان) خصوصی یا غیر دولتی (NGO) بر این مکان موجود است؟	چند تعداد (نوع مکان) دولتی یا عامه بر این مکان موجود است؟	آیا کدام یک از (نوع مکان) بر این محل پاس کریک این محل موجود است؟ اگر تغییر >= 3.21 1=بله 2=تغییر	نوع مکان	
اگر چنین مکان وجود داشته باشد 98% توضیح و بر مورد نوع مکان دیگر بیان کنید					
☐	☐	☐	1 2		اینکه این پیران و دختران
☐	☐	☐	1 2		اینکه اینه، دختر اینه
☐	☐	☐	1 2		اینکه اینه، پسر اینه
☐	☐	☐	1 2	مکان متوسطه دختران و پسران	
☐	☐	☐	1 2	مکان متوسطه مکان متوسطه	
☐	☐	☐	1 2	مکان متوسطه مکان متوسطه	
☐	☐	☐	1 2	مکان متوسطه مکان متوسطه	

مردان روزانه کار می کنند و مردان به قدری

کارگر میانی کارگر میانی

4. پروژه ها

شماره	4.1	4.2
	آیا کدام ساختمان زیرینتی یا پروگرام نیک (a الی n) درجین پروژه ها در 12 ماه گذشته ساخته شده یا تکمیل گردیده ؟ اگر جواب تخیل (2) باشد سوال 4.2 پرسیده نشود یا پروگرام بعدی ادامه دهید	تحت کدام پروگرام این فعالیت یا زیرینا تمویل شده ؟ شیع عدد تمویل این فعالیت کدام است
	بلی تخیل	از کدهای پائین استفاده شود
a	بازسازی یا اصل سرکها و پل ها	1 2 3 4 5 6 7 8
b	ساختمان های زهکشی (پل ، آب گتر ، بیوزهای لستای وغیره)	1 2 3 4 5 6 7 8
c	بیوزهای استادی مقابل سلیب ویریا	1 2 3 4 5 6 7 8
d	زیرساخت های آبیاری - ساختن/بهبود - فندها پاکلی وغیره	1 2 3 4 5 6 7 8
e	برق ، دستگاه کوچک برق آبی و جراثور بیزلی	1 2 3 4 5 6 7 8
f	احیاء مجدد جنگل /قریبه /باغ و ترختان مشر	1 2 3 4 5 6 7 8
g	برق ، دستگاه کوچک برق آبی و جراثور بیزلی	1 2 3 4 5 6 7 8
h	پروژه قرضه کوچک	1 2 3 4 5 6 7 8
i	اصل یا احیاء مجدد تسلیات صحنی	1 2 3 4 5 6 7 8
j	اصل یا احیاء مجدد مکتب	1 2 3 4 5 6 7 8
k	سواد /آموزش حرفه ای	1 2 3 4 5 6 7 8
l	پروژه های خله سزی برای عونت کتنده گان	1 2 3 4 5 6 7 8
m	پروژه های ایجاد عاید - زنان	1 2 3 4 5 6 7 8
n	سیر مشخص سزید	1 2 3 4 5 6 7 8

کدها برای سوال 4.2 (تمویل)

- 1= پروژه های دولتی یا پروگرام (NERAP)
2= پروگرام همبستگی ملی
3= سایر پروگرام های پولی تر تمویل کل
4= پروگرام های ایجاد عاید
5= پروگرام های شتا تر تمویل کل
6= ملل متحد
7= سلی
8= تمیلاتم

4.3	آیا کدام فلرم نگهباری حیوانات در این محل موجود است ؟	بلی 1..... تخیل 2.....	< بخش 5
4.4	کدام نوع فلرم نگهباری حیوانات موجود است ؟	a..... فلرم گلو ناری b..... فلرم مورغ ناری c..... فلرم گوسفند ناری d..... فلرم گوسفند قرقل e..... فلرم ملالی f..... سلی انواع	
4.5	چی تعداد از این فلرم ها مربوط نولت میباشند ؟	☐	
4.6	چی تعداد از این فلرم ها شخصی میباشند ؟	☐	

بخش 5 : اولویت های توسعه محل

اولویت اکتشافی	5.1	5.2	5.3
لحظه مقدمه: یک جواب را برای هر یک از اولویت های اول، دوم و سوم حلقه کنید ؟	اولین اولویت قضای این قریه بر آورده شدن آن از دولت چی است ؟	دومین اولویت قضای این قریه بر آورده شدن آن از دولت چی است ؟	سومین اولویت قضای این قریه بر آورده شدن آن از دولت چی است ؟
a بهبود بخشیدن کیفیت آب آشامیدنی	1	1	1
b بهبود بخشیدن کیفیت آب آشامیدنی	2	2	2
c احیای مجدد سیستم آبیاری	3	3	3
d ساخت و احیای مجدد سرکهای محلی	4	4	4
e اعمار/احیای مجدد پل و پلچک ها	5	5	5
f تسهیلات جدید صحنی / بهبود بخشیدن تسهیلات	6	6	6
g تسهیلات جدید تفریح و تفریه / بهبود بخشیدن موجود برای دختران	7	7	7
h تسهیلات جدید تفریح و تفریه / بهبود بخشیدن موجود برای پسران	8	8	8
i تسهیلات جدید تفریح و تفریه / بهبود بخشیدن موجود برای مرد و پسران و دختران	9	9	9
j اعمار سربادهای جدید / بهبود بخشیدن منازل موجود قریه	10	10	10
k بهبود بخشیدن خدمات و زراعتی	11	11	11
l بهبود بخشیدن خدمات و تفریحی	12	12	12
m ایجاد / بهبود بخشیدن سیستم پروگرام قرضه های کوچک	13	13	13
n افزایش فرصت استخدام برای زنان	14	14	14
o افزایش فرصت استخدام برای مرد ها	15	15	15
p افزایش فرصت استخدام برای هر دو مردان و زنان	16	16	16
q تدویر کورسهای سواد آموزی برای زنان	17	17	17
r تدویر کورسهای سواد آموزی برای مرد	18	18	18
s تدویر کورسهای سواد آموزی برای هر دو مردان و زنان	19	19	19
t تدویر کورسهای آموزشهای مسلکی برای زنان	20	20	20
u تدویر کورسهای آموزشهای مسلکی برای مرد ها	21	21	21
v تدویر کورسهای آموزشهای مسلکی برای هر دو مردان و زنان	22	22	22
w تهیه برق	23	23	23
x اصلاح و بهبود بخشیدن وضعیت سیستم قضایی محلی	24	24	24
y بهبود امنیت	25	25	25
z خلع سلاح قورمندان و ملیشه های محلی	26	26	26
aa ایجاد میکلفرم محلی حل منازعات بالای مسکن زمین و خانه	27	27	27
ab سایر ، مشخص سازید	28	28	28
اگر اولویت دوم گزینه "سایر" باشد :			
اگر اولویت سوم گزینه "سایر" باشد :			

۳.۳ پرسشنامه قیّم سروی وضعیت زندگی در افغانستان

	سروی وضعیت زندگی در افغانستان 1395	
پرسشنامه قیّم		
بخش 1 : مشخصات موقعیت مارکیت یا بازار		
1.1 کد کستر/خوشه 	1.4	کد ساحة کنترولر و شمار
1.2 نام ولایت 	1.5	ناحیه شهری
1.3 نام ولسوالی 	1.6	نام قریه
بخش 2 : نظارت از پروسس اقدام		
2.1 تاریخ مصاحبه روز / ماه / سال		
2.2 شماره شخص (شماره سوپروایزر یا سرویر) 		
2.4 تاریخ چک در دفتر روز / ماه / سال		
2.5 کد چک کننده دفتر 		

3. قیمت ها

واحد	قیمت یک واحد	واحد	قیمت یک واحد
سبزی جات		نان و غله جات	
کیلوگرام	3.32	یک قرص	3.1
کیلوگرام	3.33	جو	3.2
کیلوگرام	3.34	جوار (دانه)	3.3
کیلوگرام	3.35	لوبیا	3.4
کیلوگرام	3.36	ماش	3.5
کیلوگرام	3.37	نخود	3.6
کیلوگرام	3.38	عس	3.7
کیلوگرام	3.39	آش / مکرونی	3.8
کیلوگرام	3.40	گوشت و ماهی	
کیلوگرام	3.41	گوشت گاو	3.9
کیلوگرام	3.42	گوشت گوساله	3.10
کیلوگرام	3.43	گوشت گوسفند	3.11
کیلوگرام	3.44	گوشت بز	3.12
کیلوگرام	3.45	گوشت مرغ	3.13
کیلوگرام	3.46	جگر	3.14
کیلوگرام	3.47	گوشت قاق	3.15
کیلوگرام	3.48	ماهی	3.16
کیلوگرام	3.49	شیر، پنیر و تخم	
کیلوگرام	3.50	شیر (تازه)	3.17
کیلوگرام	3.51	شیر پوری	3.18
کیلوگرام	3.52	ماست	3.19
کیلوگرام	3.53	چک	3.20
کیلوگرام	3.54	قروت	3.21
روغن و چربی		روغن	3.22
کیلوگرام	3.55	روغن زرد	3.23
کیلوگرام	3.56	مسکه	3.24
کیلوگرام	3.57	پنیر	3.25
بهره و شیرینی بلب		تخم	3.26
کیلوگرام	3.58	مصله جات	
کیلوگرام	3.59	نمک	3.27
کیلوگرام	3.60	مرج سیاه	3.28
کیلوگرام	3.61	زنوبیل و سی	3.29
		روب پادنان رومی	3.30
		مصله ترکیبی	3.31

3. نامه قیمت ها

اقلام	واحد	قیمت یک واحد
نوشابه ها		
چای سیاه	کیلوگرام	3.83
چای سبز	کیلوگرام	3.84
نوشابه قهوه ای / بونل و آب معدنی	لیتر	3.85
سایر اجناس		
گندم محلی (فروش دهقان)	کیلوگرام	3.86
گندم محلی (درمارکت)	کیلوگرام	3.87
گندم توریید شده	کیلوگرام	3.88
آرد گندم محلی	کیلوگرام	3.89
آرد گندم توریید شده	کیلوگرام	3.90
برنج - کیفیت اعلی	کیلوگرام	3.91
برنج - کیفیت پایین	کیلوگرام	3.92
گاز مایع	کیلوگرام	3.93
تیل خاکی	لیتر	3.94
بیزل	لیتر	3.95
پترویل	لیتر	3.96
نان خشک	کیلوگرام	3.97

اقلام	واحد	قیمت یک واحد
بویه جلت و مغزیب		
سیب	کیلوگرام	3.62
انگور	کیلوگرام	3.63
تربوز / خربوزه	کیلوگرام	3.64
شفتلو	کیلوگرام	3.65
زردآلو	کیلوگرام	3.66
کشته	کیلوگرام	3.67
نارنج / مالله ، کینو ، سلتزه	کیلوگرام	3.68
انار	کیلوگرام	3.69
آلو	کیلوگرام	3.70
ناک	کیلوگرام	3.71
کینه	درجن	3.72
کشمش	کیلوگرام	3.73
توت تازه	کیلوگرام	3.74
توت خشک	کیلوگرام	3.75
ام	دقه	3.76
چارمغز (پوست دار)	کیلوگرام	3.77
چارمغز (بدون پوست)	کیلوگرام	3.78
پسته (پوست دار)	کیلوگرام	3.79
پسته (بدون پوست)	کیلوگرام	3.80
بادام (پوست دار)	کیلوگرام	3.81
بادام (بدون پوست)	کیلوگرام	3.82

ضمیمه ۴ طرح نمونه و تطبیق آن

۱.۴ مقدمه

طرح نمونه گیری سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ برای حاصل کردن نتایج که از لحاظ احصائیوی برای اکثریت شاخص ها به سطح ملی و ولایتی قابل اطمینان و موثق بوده انکشاف داده شده است. بر علاوه، هدف از طرح نمونه گیری عبارت بود از داشتن تخمین های که به تفکیک فصل به اساس تقویم شمسی که در افغانستان^۱ استفاده می گردد نمایندگی کرده بتواند، تا نوسانات فصلی را به اساس یک تعداد شاخص های کلیدی ثبت و بیان کرده بتواند. طرحی که برای دور سروی ۱۳۹۵ انکشاف داده شده یک روش خوشه ئی دو مرحله طبقه بندی شده بود. توزیع نمونه به قدر کافی نزدیک به توزیع شهری - دهاتی به سطح ملی بوده که تحلیل جداگانه برای این جمعیت ها توجیه می گردد.

۲.۴ چوکات نمونه

فهرست برداری خانوار قبل از سرشماری که در سالهای ۸۴-۱۳۸۲ توسط اداره ملی احصائیه و معلومات صورت گرفته بود و در سال ۱۳۸۸ تجدید شده بود به حیث چوکات نمونه استفاده شده است. برای هفت ولایت چوکات نمونه گیری از فهرست قبلی سروی اقتصادی - اجتماعی و دموگرافیکی استفاده شده: بامیان (ارقام در سال ۱۳۸۹ جمع آوری شد)، غور و دایکندی (ارقام هر دو در سال ۱۳۹۱ جمع آوری شده)، کاپیسا و پروان (ارقام هر دو در سال ۱۳۹۳ جمع آوری شده)، کابل (ارقام در سال ۱۳۹۲ جمع آوری شد) و سمنگان (ارقام در سال ۱۳۹۴ جمع آوری شد). قبل از کار ساحوی، از ساحات شمار انتخاب شده - شهری و دهاتی - برای نقشه برداری تازه و جدید از خانوارها دیدن صورت گرفت، که به اساس مرحله دوم نمونه گیری تطبیق گردیده است.

چوکات نمونه گیری برای نفوس کوچی از ارزیابی چندین سکتوری ملی کوچی ها در سالهای ۸۳-۱۳۸۲ (۲۰۰۴-NMAK) مورد استفاده قرار گرفته بود. هرچند با در نظر داشت میزان مسکن گزین شدن کوچی ها در سال های اخیر و بحثی که در مورد تعریف کوچی وجود دارد، گرچه از کامل بودن به دوراست یک چوکات بسیار خوب موجود برای این بخش از نفوس افغانستان میباشد.

۳.۴ حجم نمونه

تحلیل دوره های قبلی سروی ملی خطرات و آسیب پذیری نشان داده است که یک سائز نمونه حدود ۲۱ هزار خانوار با سائز خوشه ده خانوار برای اکثریت متحولین، تخمین های به اندازه کافی قابل اطمینان و موثق را تولید کرده می تواند در نتیجه، این سائز نمونه به حیث معیار برای سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ حفظ گردیده است.

۳.۴ طبقه بندی

نمونه به ۳۵ حوزه تحلیلی طبقه بندی شده بود: یک حوزه برای هر ۳۴ ولایت افغانستان و یک حوزه برای نفوس کوچی. برای تخصیص نمونه مطلوب در تمام ولایات، با استفاده از توان تخصیص کیش $I=0.25$ بین تخصیص تناسبی و تخصیص اندازه مساوی تعادل ایجاد گردید. این روش وزن کافی را برای ولایات با اندازه کمتر نفوس تضمین کرده در عین حال قابلیت مقایسه نتیجه را در سطح ولایات افزایش داده است. از آنجائیکه نمونه های فرعی ولایتی به طور مساویانه در ۱۲ ماه سروی توضیح شده بودند، ۴ فصل نیز هر یک به حیث حوزه های تحلیلی جداگانه عرض وجود کردند. با توجه به دشواری عملی تعیین موقعیت جوامع مهاجر در بهار و پاییز ارقام مربوط به طبقه کوچی تنها در فصل تابستان سال ۱۳۹۵ و فصل زمستان سال ۱۳۹۵ جمع آوری گردیده بود.

^۱ برای تبدیل تاریخ شمسی، به ضمیمه مفاهیم و تعاریف مراجعه کنید.

۵.۴ حجم و تعداد خوشه ها

سایز خوشه در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ ده خانوار تعیین گردیده بود؛ در اینجا در تعیین حد بالای سایز خوشه یک محدودیت عملی و واقع بینانه وجود دارد، نظر به زمان و مصارفی که برای رسیدن به قریه جات دور دست دخیل است و عدم موجودیت جای و مکان مناسب که برای کارکنان ساحوی در چنین ساحات مخصوصا کارمندان اناث وجود دارد. بر علاوه شرایط خاص موجود در افغانستان تجویز کننده این امر است که در ساحات نا امن، کارکنان ساحوی در معرض خطرات موجود نباید بیشتر از دو روز در ساحه مصاحبه باشند. ده مصاحبه خانوار (با یک مصاحبه شورا و یک مصاحبه قیمت های بازار) حداکثر ارقامی است که در مدت زمان دو روز بدست آمده می تواند.

۶.۴ مراحل نمونه گیری و پروسه انتخاب

در هر یک از ۳۴ طبقه ولایتی ساحه شمار به حیث واحد اولی نمونه گیری در مرحله اول نمونه گیری به اساس احتمال متناسب به اندازه انتخاب گردیده است. در مرحله دوم یک خوشه دارای ۱۰ خانوار از فهرست خانوار تازه به اساس پروسیجر فاصله های ثابت و شروع تصادفی انتخاب شدند. در ساحات شمار دهاتی که دارای بیشتر از یک قریه بوده، یک مرحله سومی معرفی گردید تا یکی از قریه ها را انتخاب کند، زیرا امکان پذیر نبود قریه های مختلف را در جریان و تجدید فهرست خانوارها قبل از کار ساحه تحت پوشش قرار داد.

بخاطر وفق با حالات ممکنه عدم پاسخدهی روش های متفاوت مورد اجرا قرار گرفت. عدم پاسخدهی در یک خوشه با انتخاب ۵ خانوار اضافی از فهرست خانوار در ساحه مورد توجه قرار گرفت، که توانائی جایگزینی خانوارهایی را که موجود نیستند، رد می کنند و نمی پذیرند و یا آمادگی برای مصاحبه را ندارند، دارا میباشد.

جایگزینی آنده از ساحات شمار انتخاب شده که نظر به مشکلات فیزیکی (به خصوص در فصل زمستان) و یا ناامنی قابل دسترس نبودند با استفاده از ساحه شمار نمونه گیری شده ماه های بعدی در مدت سروی انجام یافته است. این اصل به اساس این فرضیه که دسترسی فیزیکی در زمان دیگری از سال امکان پذیر بوده و امنیت یک وضعیت متحرک و در حال تغییر میباشد که امکان بهتر شدن آن با گذشت زمان ممکن است، صورت گرفته است. هر چند در مرحله اخیر کار ساحه یک روش یا استراتژی بدیل مورد اجرا قرار گرفت تا خوشه های ساحات ناامن جایگزین گردد. یک نمونه احتیاطی از واحد های نمونه گیری ابتدائی از چوکات تهیه گردید، که از آن ولسوالی هایی که توسط سوپروایزرها و ادارات احصائیه ولایتی نا امن بیان شده بودند خارج گردید، همچنان آنده از ساحات شمار که در شروع کار نمونه گیری شده بودند. ساحات شماری که در شروع کار در این ولسوالی ها انتخاب شده بودند و تا هنوز تحت پوشش قرار نگرفته بودند با ساحات شمار از لیست احتیاطی تعویض گردیدند. مشکلات امنیتی مجزا در حال ظهور در ولسوالی های دیگر نیز باعث استفاده از تعویض ها از لیست احتیاطی می گردید. ولسوالی هایی که از چوکات نمونه احتیاطی خارج گردیدند، در جدول ۴.۱ درج گردیده اند.

برای طبقه کوچی یک مرحله اولی انتخاب متناسب به سایز جوامع کوچی به اساس لیست ارزیابی ملی چندین سکتوری کوچی صورت گرفت. مرحله دوم که شامل نمونه گیری سیستماتیک و خوشه های مرکب از ۱۰ خانوار می گردید، به اساس توحید ساحوی خیمه ها و خانه های دایمی که در آن کوچی ها زندگی می کنند صورت گرفته است. این باعث بوجود آمدن جوامع بزرگ که دارای بیشتر از یک خوشه و حتی جوامعی که دارای الی ۹ خوشه میباشند گردید.

جدول ۱.۴: ولسوالی های که از چوکات نمونه بمنظور نمونه احتیاطی خارج ساخته شده اند.

ولایت	ناحیه / ولسوالی	ولایت	ناحیه / ولسوالی
کاپیسا	۰۷ اله سالی	غزنی	۱۸ اجرستان
	۰۶ تگاب		۱۰ ناور
وردک	۰۴ چک وردک	هلمند	۱۲ باگران
	۰۸ جغتو		۰۶ گرمسیر
	۰۵ سیدآباد		۰۹ موسی قلعه
	۰۲ نرخ		۰۷ نوزاد
لوگر	۰۶ خروار		۰۸ سنگین قلعه
	۰۷ ازره	ارزگان	۰۴ شهید حساس
بادغیس	۰۵ بالا مرغاب		۰۵ خاص ارزگان
	۰۷ غورماچ	جوزجان	۰۵ قوش تپه
ننګرهار	۱۳ کوت		۱۱ درزاب
	۲۱ حصارک	کندهار	۱۴ شورابک
	۱۹ شیرزاد		۱۶ ریگ (شگه)
	۱۱ پچيرواګام		۱۳ میانشین
	۱۰ ده بالا		۱۲ نیش
	۲۲ در بابا		۱۵ معروف
	۱۸ لعل پور	کنړها	۱۳ چپه دره
زابل	۰۷ دای چوپان		۱۵ ناری
	۱۰ شملزی		۱۱ غازی آباد
	۱۱ کاکړ (خاک افغان)	لغمان	۰۳ علیشنگ
بغلان	۱۱ تاله و برفک		۰۶ بادپخ
	۰۲ دهنه غوری	پکتیا	۰۹ جانی خیل
	۰۹ برکه		۰۳ زرمت
فراه	۰۶ بالابلوک		۰۵ وازه جدران
	۱۰ گلستان	سرپل	۰۴ سوزمه قلعه
	۱۱ پرچمن		۰۳ کوهستانات
فاریاب	۰۴ المار		
	۰۷ قیصار		
	۱۰ کوهستان		

۷.۴ تطبیق طرح نمونه

دو موضوع عمده مانع تطبیق طرح نمونه در جریان مدت کار ساحه گردید. یکی آن عبارت بود از شرایط امنیتی در بعضی بخش های کشور که در مجموع ۱۷۱ خوشه (۸.۱ فیصد از ۲۱۰۰ خوشه اصلی)، ساحه پوشش از لحاظ زمانی تغییر کرده یا خوشه های جایگزین انتخاب شده است. برعلاوه، ۳۴ خوشه که نمایندگی از ۳۴۰ خانوار می کند، تطبیق نگردیده و تعویض نیز نشده است. شکل ۲.۱ در فصل دوم نشان دهنده آنده از ولسوالی ها است که در آن ها سروی مطابق طرح نمونه تطبیق گردیده است و ولسوالی هایی که در آنها به اندازه بسیار کم و یا هیچ جمع آوری ارقام صورت نگرفته است، میباشد.

موضوع دوم که باعث اخلاص در طرح نمونه گردید تاخیرات در کار ساحوی به دلیل مشکلات اداری، لجستیکی و تخنیکی میباشد. این موضوع عواقب ذیل را با خود داشت:

- کار ساحه به مدت دو هفته تمدید گردید تا نمونه کامل بدست آید.
- نمونه کوچی در تابستان و زمستان سال ۱۳۹۵ تطبیق گردیده است.

جدول ۴.۲: تعداد خانوار های مصاحبه شده را به تفکیک فصل نشان میدهد. در مجموع ۱۹۸۳۸ خانوار تحت پوشش قرار گرفته اند.

جدول ۲.۴: خانوار های مصاحبه شده به تفکیک فصل (تقویم شمسی)

فصل	خانوار ها	فیصدی
زمستان	۵,۵۰۹	۲۷.۸
بهار	۴,۰۷۸	۲۰.۶
تابستان	۵,۱۸۶	۲۶.۱
خزان	۵,۰۶۵	۲۵.۵
مجموع	۱۹,۸۳۸	۱۰۰.۰

عدم پاسخ دهی طرح

بین خوشه ها بسیار محدود بود صرف ۱۰۱۹ خانوار (۵.۱ فیصد) خانوار در خوشه های ملاقات شده قابل دسترس یا موجود نبوده اند یا رد کرده اند و یا هم آماده برای اشتراک در مصاحبه نبوده اند. در ۱۰۱۷ مورد از جمله اینها، چنین خانوارها با خانوار های احتیاطی که در لست احتیاطی خوشه لست گردیده بودند تعویض گردیدند، ۲ خانوار شمرده نشده است (۰.۰۱ فیصد).

۸.۴ محاسبه کردن وزن های نمونه و طبقه بندی بعدی

وزن های نمونه فکتور پیمایش اند که بخاطر افزایش خانوارهای نمونه به خانوار هاییکه از آنها ها در سروی نمایندگی میکنند لازمی است. استفاده از طبقه بندی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵ مستلزم آنست که وزن های نمونه گیری برای هر طبقه جداگانه محاسبه شود. به علت کاستی ها در تطبیق سروی وزن های نمونه تعدیل گردیده اند تا نمایندگی مطلوب نتایج سروی بدست آید این بخش به سنجش وزن های نمونه گیری برای نفوس ساکن و کوچی بصورت جداگانه می پردازد.

۱.۸.۴ نفوس ساکن

سنجش وزن های نمونه گیری

گام نخست در سنجش وزن های نمونه، محاسبه وزن هایی است که خانوارهای نمونه را به تعداد خانوارها در چوکات نمونه گیری افزایش دهد. این محاسبه از احتمال انتخاب شدن خانوار طوریکه در طرح نمونه تعریف گردیده پیروی میکند.

در طرح دو مرحله ای سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ واحد اولی نمونه گیری ساحه شمار بود طوریکه چوکات نمونه گیری که در فهرست برداری خانوار سال ۱۳۸۸ و فهرست برداری خانوار موجود از سروی اقتصادی اجتماعی و دموگرافیکی تعریف شده اند. انتخاب واحد اولی نمونه گیری در مرحله اول حسب ذیل تطبیق گردیده:

- طبقه بندی به تفکیک ولایت
- یک تخصیص مطلوب توزیع برای ولایات که خطای معیاری را به حداقل می رساند
- انتخاب با احتمال متناسب به تعداد خانوارها

احتمال انتخاب یک واحد اولی در مرحله اول عبارت است از:

$$p_1 = c_s * h_{ps} / H_{s09}$$

طوری که در چوکات نمونه گیری بیان گردید، p_1 عبارت است از احتمال انتخاب واحد اولی نمونه گیری (یا ساحه شمار) p در طبقه c_s ، تعداد خوشه های انتخاب شده در طبقه s ، h_{ps} تعداد خانوار در ساحه شمار p از طبقه s و H_{s09} تعداد خانوار ها در طبقه s است.

برای ساحات شماری که دو قریه یا بیشتر از آن را در برگرفت، یک مرحله دوم نمونه گیری معرفی شد تا زمان سفر و مصارف کاهش یابد. انتخاب قریه که باید شامل نمونه شود از طریق احتمال متناسب به تعداد خانوارها با فورمول ذیل صورت گرفته

$$p_2 = m_{vs} / h_{ps}$$

در اینجا p_p احتمال انتخاب شدن یک قریه از تمام قریه جات در ساحه شمار P در طبقه m_{vs} ، تعداد خانوارها در آن قریه و h_{ps} تعداد خانوارها در ساحه شمار p از طبقه s است. برای ساحات شمار بدون تقسیم به چند قریه

$$m_{vs} = h_{ps} \text{ and } p_{vp} = 1$$

واحد نهایی نمونه گیری در سروی خانوارها بودند. طرح نمونه گیری تعداد ثابت ۱۰ خانوار را در هر ساحه شمار انتخاب شده مشخص کرده، بنابراین احتمال انتخاب شدن یک خانوار در یک ساحه شمار یا در قریه انتخاب شده در ساحه شمار در مرحله سوم نمونه گیری عبارت است از

$$p_3 = 10 / m_{vs}$$

احتمال کلی انتخاب یک خانوار عبارت از حاصل ضرب احتمالات انتخاب در هر مرحله برای هر طبقه است.

$$P_{123} = P_1 * P_2 * P_3 = (C_s * h_{ps} / H_{s09}) * (m_{vs} / h_{ps}) * (10 / m_{ps}) = 10 * C_s / H_{s09}$$

وزن طرح برای خانوار نمونه گرفته شده عبارت از معکوس احتمال انتخاب است. بنابراین

$${}_dW_{hs} = 1 / P_{123} = H_{s09} / 10_{cs}$$

درین جا ${}_dW_{hs}$ وزن طرح برای خانوار در طبقه s است. مجموع وزنی نمونه - مجموع حاصل ضرب خانوارهای نمونه و وزن های طرح مربوط - مساوی است به مجموع نفوس خانوار در هر طبقه در چوکات نمونه

$$\sum h_{ps} * {}_dW_{hs} = H_{s09}$$

سنجش ضریب عدم پوشش

دو علت عمده برای عدم شمولیت خانوارها در ارقام جمع آوری شده وجود دارد:

- عدم ارائه جواب - خانوارهاییکه نمی خواستند مصاحبه شوند و یا در دسترس قرار نداشتند.
- عدم پوشش - خانواریکه به علت وضع امنیتی محلی و شرایط راه قابل دسترسی نبودند.^۲

عدم ارائه جواب در سروی وضع زندگی در افغانستان یک مساله عمده نیست. عدم ارائه جواب کلی ۵.۱ فیصد بود. تعداد بسیار کم خانوارها از همکاری در سروی امتناع کردند و زیاده ترین عدم ارائه جواب به علت عدم موجودیت خانوارها بود. از آنجائیکه سروی وضعیت زندگی افغانستان از استراتیژی تعویض خانوارها از لیست احتیاطی استفاده میکرد ضرورت به تصحیح از لحاظ عدم ارائه جواب وجود ندارد.

از جانب دیگر عدم پوشش مخصوصاً به علت دلایل امنیتی در کشور یک مشکل جدی در سروی بود. به عدم پوشش قسماً از طریق تعویض خوشه های نا امن از لیست خوشه های احتیاطی رسیده گی صورت گرفت. از آنجائیکه یک تعداد از خوشه های نا امن در جریان کار ساحوی سروی قابل تعویض نبودند، خانوارهای نمونه وزن داده شده توسط وزن طرح $h_{ps} * {}_dW_{hs}$ به مجموع نفوس خانوارها H_s در چوکات نمونه گیری اضافه نمی شود. جهت جبران خانوارهای تحت پوشش قرار نگرفته وزن طرح با یک فکتور تعدیلی عدم پوشش تعدیل شد. جهت بدست آوردن فکتور تعدیلی عدم پوشش نخست میزان عدم پوشش محاسبه شد. این نسبت میان خانوارهای عملاً مصاحبه شده و خانوارهای نمونه گرفته شده می باشد.

$$n_{cs} = h_s / {}_s h_s$$

در اینجا n_{cs} میزان عدم پوشش در طبقه h_s ، تعداد خانوار مصاحبه شده در طبقه s و ${}_s h_s$ خانوارهای نمونه گرفته شده در طبقه s . فکتور تعدیلی برای عدم پوشش در طبقه (s) معکوس میزان عدم پوشش nc میباشد

$${}_n W_{hs} = 1 / n_{cs}$$

وزن نمونه که برای افزایش خانوارهای نمونه گرفته شده به مجموع نفوس خانوارها در چوکات نمونه ضرورت است $({}_d W_{hs})$ اکنون حاصل ضرب وزن طرح و فکتور عدم پوشش، برای هر طبقه s عبارت است از

$${}_d W_{hs} = {}_d W_{hs} * {}_n W_{hs}$$

مجموع نمونه جدیداً وزن شده $\sum h_{ps} * {}_d W_{hs}$ بار دیگر به مجموع نفوس چوکات نمونه $H_{s,9}$ مساوی میشود

^۲ علاوه بر این، بعضی از سروی ها برخی از مناطق را از قبل حذف می کنند، زیرا اطلاعات از این چنین - مثلاً نواحی کم جمعیت - هزینه دسترسی به آن را جبران نمی کند.

فکتورهای توسعه اضافی جهت تجدید مقیاس تعداد خانوارها در چوکات نمونه به تعداد خانوارها در مدت که سروی تطبیق شده، مورد ضرورت است. همانند دوره قبلی سروی تخمین تعداد خانوارها از برآورد نفوس ولایت که توسط اداره احصائیه و معلومات صورت گرفته محاسبه شده است (P_{sq}). برای خانوارهای ساکن نفوس ولایتی تقسیم بر اوسط اندازه خانوار برای همان ولایت شده است که در این سروی بدست آمده تقسیم گردیده از طریق بکار بردن W_{sq} (ترکیب وزن طرح و فکتور عدم پوشش) تا تحریف های ناشی از نمونه گیری و تاثیرات پوشش کاهش یابد.

از آنجائیکه تجدید مقیاس تعداد خانوارها در سطح ولایت صورت گرفت، این عملیه عادی سازی دلالت بر طبقه بندی بعدی نمونه می کند. فکتورهای تجدید مقیاس محاسبه گردیده منحیت نسبت بین برآورد خانوارها توسط اداره احصائیه و معلومات در سال ۱۳۹۵ در یک طبقه و تعداد خانوارها در چوکات نمونه گیری سنجش شده است

$$W_{hs} = H_{s16} / H_{s09}$$

و وزن ترکیبی نمونه گیری عبارت است از

$$W_{hs} = W_{hs} * W_{hs}$$

توزیع فصلی

به علت اینکه تطبیق مصاحبه در طول فصل ها (ربع ها) کاملاً به عین شکل صورت نمیگرفت، تخمین های سالانه تصحیح نا شده وزن نسبتاً کمی را بر فصلی که نمونه انجام شده دارد خواهد گذاشت. بنابراین به سطح ملی نمایندگی کردن نتایج را تحریف میکند. بخاطر اینکه نمونه به تفکیک فصل طبقه بندی شده بود و تحمیل این فرض که سطح مهاجرت فصلی، بین المللی بی اهمیت است. توزیع وزنی میتواند هموار گردد تا اطمینان حاصل شود که اندازه نفوس تخمین شده به تفکیک ربع ها عین رقم است. این تعدیل بصورت ذیل تطبیق گردیده است:

$$W_{hsq} = (I / W_{hs}) * 0.25 * P_{s16} / P_{sq}$$

درین جا W_{hsq} عاملی است که در بین ربع ها همگون سازی میکند و P_{sq} نفوس نمونه گرفته شده در طبقه s و فصل q است که توسط وزن های طرح نمونه، عدم پوشش و تجدید مقیاس وزن داده شده است. مخرج کسر تعداد مجموعی نمونه گرفته شده یعنی افراد موجود در هر طبقه به تفکیک ربع است. قسمت تصحیح صورت کسر نفوس افراد برای هر طبقه را به تفکیک ربع نشان میدهد که مطابق برآورد سال ۱۳۹۵ اداره ملی احصائیه و معلومات است.

وزن نهایی نمونه گیری خانوار hw_{hsq} عبارت از حاصل ضرب همه فکتورها است:

$$hw_{sq} = W_{hs} * W_{hsq}$$

^۳ پیش بینی جمعیت ۱۳۹۵ اداره ملی احصائیه و معلومات با سروی میانی نفوس همزمان میشود.

جهت دریافت ضریب توسعه برای افراد محاسبه ذیل صورت گرفته:

$$iw_{hsq} = hw_{hsq} * hs_{hsq}$$

در این جا قسمت hs_{hsq} سائزخانوار h در طبقه s در ربع q می باشد.

۲.۸.۴ نفوس کوچی

نمونه کوچی بر اساس ارزیابی ملی چند سکتور کوچی (۲۰۰۴-NMAK) صورت گرفته است. برای این طبقه جداگانه کوچی یک انتخاب جامعه با احتمال متناسب به اندازه و یک انتخاب مرحله دوم با یک سائز ثابت خوشه ده خانوار بکار رفته ۶۰ خوشه (۶۰۰ خانوار) بین تابستان (۴۰ خوشه) و زمستان (۲۰ خوشه) در سال ۱۳۹۳ تقسیم گردیده.

در نبود معلومات جدید در مورد تعداد واقعی کوچی ها و حساسیت سیاسی برخورد با این قضیه موقف که قبلا توسط اداره مرکزی احصائیه اتخاذ گردیده عبارت از آنست که نفوس ثابت به تعداد ۱.۵ میلیون نفر است.

علاوه بر چوکات نمونه گیری، محدودیت به دو فصل و نبود ضرورت در نظر گرفتن رشد نفوس پروسیجر برای وزن های نمونه گیری برای نفوس کوچی همان پروسیجر نفوس مسکون است.

۳.۸.۴ وزن های متحولین

ارزش های نهایی وزن نمونه خانوار hw_{hsq} و وزن های نمونه افراد iw_{hsq} در ست ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۱۳۹۵ منحیث متحولین وزن بالترتیب hh_weight و ind_weight شامل گردیده. متحول وزن hh_weight ارقام سطح خانوار را به نفوس مجموعی خانوار ها و ارقام سطح افراد را به مجموع نفوس افراد توسعه میدهد. متحول وزن ind_weight ارقام سطح خانوار را به مجموع نفوس افراد توسعه میدهد.

ضمیمه ۵ استفاده جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و جی آی اس در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵

۱.۵ ارزیابی تخنیکی

۱.۱.۵ معرفی

این سند یک ارزیابی تخنیکی در مورد استفاده از رویکرد واحد برای جمع آوری ارقام در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ است:

۱. مصاحبه فردی به کمک سیستم کمپیوتری
۲. سیستم موقعیت یابی جهانی
۳. سیستم معلومات جغرافیایی

سیستم موقعیت یابی جهانی، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و سیستم معلومات جغرافیایی جهت جمع آوری داده ها برای پرسشنامه شورای مردان و پرسشنامه قیمت بازار در سطح جامعه استفاده شدند. این اولین باری بود که فن آوری های موبایل و بیسیم برای سروی های احصائیوی خانوار در افغانستان مورد استفاده قرار گرفتند و استفاده آنها در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شکل آزمایشی برای دوره های بعدی سروی وضعیت زندگی در افغانستان و سایر سروی های که توسط اداره ملی احصائیه و معلومات انجام خواهند شد را داشت.

تصمیم آزمایش فن آوری های جدید در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ بر اساس ارزیابی انجام شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ گرفته شد که در آن برای جمع آوری داده های شورا پرسشنامه های کاغذی مورد استفاده قرار گرفت و مختصات جغرافیایی توسط دستگاه های دستی جی پی اس جمع آوری شد. ارزیابی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ چنین نتیجه داد که کیفیت داده های شورا که توسط فرم های کاغذی جمع آوری شدند بعضی اوقات پایین است چنانچه تعداد قابل توجهی از ارزش های از دست رفته موجود بوده و مختصات جی پی اس اغلب توسط ناظران اشتباه گرفته شده اند و در بسیاری از موارد در پرسشنامه اشتباه ثبت شده اند و یا در هنگام پروسه ورود داده ها اشتباه وارد شده اند. بنابراین، داده های سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۳ تنها کد گذاری جغرافیایی شده اند و تجزیه و تحلیل داده های سروی جنبه های جغرافیایی را شامل نشدند.

میتودولوژی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل گردآوری الکترونیکی پرسشنامه های شورا و پرسشنامه قیمت بازار برای خوشه های نمونه در موبایل های هوشمند با اندازه ۴ اینچ بود. تیم سروی وضعیت زندگی افغانستان برای هر یک از دو پرسشنامه برنامه مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر را در زبانهای دری، پشتو و انگلیسی با نسخه ۶.۲ (CSPPro) ایجاد کرد. برنامه ها طوری طراحی شده بودند که شامل الگوهای خودکار گذر، مکانیسم اعتبارسنجی پاسخ و منوهای کشویی برای انتخاب گزینه های مناسب باشند. به دلایل مختلف، در تعداد کمی از خوشه های سروی، سوپروایزرها از نسخه های کاغذی پرسشنامه به جای برنامه های مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر استفاده کردند و چنین انحرافات را به تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان در مقر اداره مرکزی احصائیه گزارش دادند. برنامه های مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر با استفاده از قابلیت های سیستم موقعیت یابی جهانی در موبایل های هوشمند، مختصات جغرافیایی مکان هایی را که ناظران سروی وضعیت زندگی در افغانستان در آن مصاحبه های محلی را انجام دادند و اطلاعات مربوط به قیمت ها را ثبت کردند جمع آوری میکرد.

چک کننده های ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان مسئول بودند که داده های برنامه کپی را که به شکل هفته وارهماهنگ شده و در دیتابیس مرکزی ذخیره میشدند را بررسی و جدول بندی کنند تا نا هماهنگی های احتمالی و ارزش های از دست رفته را شناسایی کرده و به سوپروایزران در ساحه از طریق موبایل بازخورد فوری بدهند. چک کننده ها برای ارزیابی خطاهای پوشش، داده های جی پی اس را که از دیتابیس مرکزی صادر شده بودند در یک محیط جی آی اس استفاده میکردند تا مکان هایی را که داده ها از آن جمع آوری شدند را تصویرسازی کنند.

برنامه های CSPPro دارای یک بخش بنام شناسایی جامعه بود که سوپروایزر در آن کدهای اداری و جغرافیایی، تعداد خوشه ها و نوع خوشه ها را که به اساس شهری، روستایی یا کوچی تقسیم شده ثبت میکرد. برنامه به شکلی تنظیم شده بود که مختصات جغرافیایی را به طور خودکار بدست بیاورد و تنها پس از کسب چنین مختصات مصاحبه مورد تایید قرار گیرد. این برنامه اجازه ویرایش مصاحبه های تکمیل شده و همچنین دسترسی به داده های جمع آوری شده در تلفن های هوشمند را نمی داد.

سوپروایزران برای بدست آوردن مختصات جی پی اس در داخل مرزهای نقشه های خوشه یی شان که توسط تیم جی آی اس اداره ملی احصائیه و معلومات آماده شده بود آموزش دیدند. برنامه وارد کردن ارقام در موبایل طوری طرح شده بود که مختصات جی پی اس را برای ۶۰ ثانیه، حداقل از چهار ماهواره، در یک محدوده یی از مختصات معتبری که از قبل به برنامه داده شده بود جمع آوری کند. داده های جی پی اس به شکل درجه های اعشاری با شش رقم اعشار برای طول و عرض جغرافیایی با استفاده از سیستم مختصات جغرافیایی WGS۸۴، با فراهم آوری دقت ۰.۱۱ m در عدم موجودیت خطای موقعیتی و یا خطاهای بوجود آمده از ابزار و یا هم خطاهایی که از بابت استفاده نادرست دستگاه بوجود آمده، جمع آوری شده است. دقت موقعیتی خوانش جی پی اس تقریباً ۵ متر بوده است.

بخاطر استفاده از رویکرد واحد بین جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کامپیوتر و جی آی اس، تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان قادر به نظارت بر کیفیت داده ها، پوشش سروی و بصورت عموم عملکرد سوپروایزران بود. به طور کلی، استفاده از فناوری های جدید در جمع آوری ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان و نظارت ساحه، عامل بالقوه مهمی را برای بهبود کیفیت ارقام و کاهش زمان جمع آوری ارقام نشان داد. همچنان فرصتی برای تجربه و پیدا کردن راه حل ها برای مبارزه با چالش هایی مانند عدم موجودیت برق دوام دار در برخی از مناطق برای چارج موبایل ها ، خرابی موبایل های هوشمند، ظرفیت محدود تیم حمایتی برای انجام به موقع ارزیابی کیفیت و پوشش ارقام ، بی میلی برخی از سوپروایزران برای استفاده از دستگاه های موبایل در ناحیه های ناامن را ایجاد کرد. بنابراین، در بعضی از ولایات و در برخی از مناطق ولایات، پرسشنامه های کاغذی به عوض فرم های الکترونیکی توسط سوپروایزران استفاده شده است.

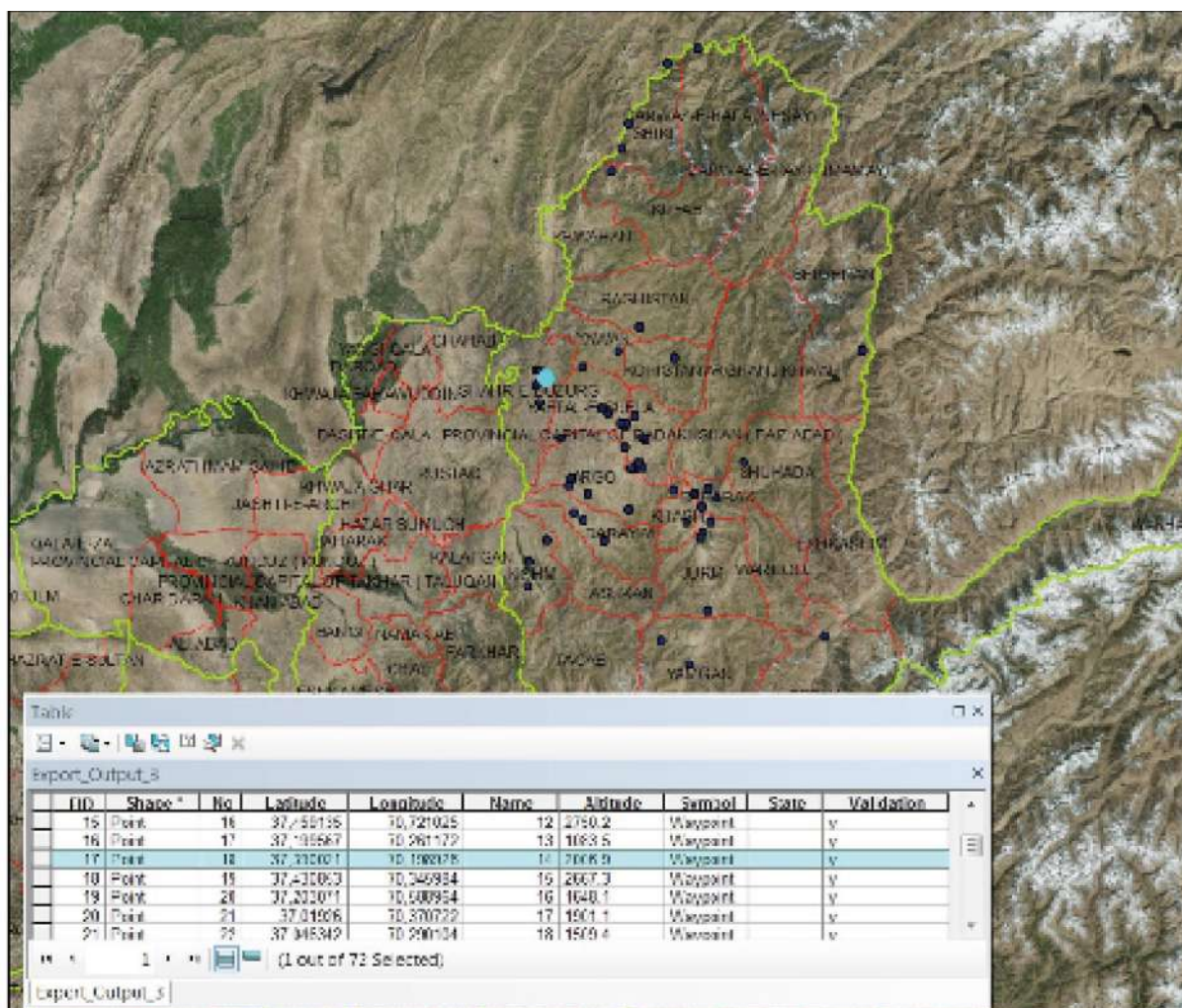
۲.۱.۵ یافته های اصلی ارزیابی

از ۱۹۲۹ خوشه در ۳۴۲ ولسوالی افغانستان که داده هایشان توسط سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ جمع آوری شده بود، حدود ۹۵ فیصد از اطلاعات شورا و ۹۳ فیصد از ارقام مربوط به قیمت های بازار به گونه الکترونیکی توسط تلفن های هوشمند جمع آوری شده بود. این اختلاف دو فیصد احتمالا به این دلیل است که در چند مورد، سوپروایزران به این نظر بودند که مرتبط نیست در صورت عدم وجود بازار در خوشه های انتخابی اطلاعات مربوط به قیمت ها جمع آوری شود. با وجودی که ارزش های از دست رفته در تجزیه و تحلیل این ارزیابی در نظر گرفته نشده اند، داده های دریافت شده در سرور نشان دادند که مقدار آنها بسیار کم است، به لطف قوانین ویرایش برنامه برنامه کپی که امکان خالی گذاشتن خانه های پرسشنامه های الکترونیکی را توسط سوپروایزران به حداقل می رساند.

در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ جهت ارزیابی ارقام که به شکل الکترونیکی جمع آوری شده اند از رویکرد یکپارچه به عوض روش سطح دقت و صحت معلومات جغرافیایی چون عرض البلد و طول البلد استفاده صورت گرفته است. ارزیابی تنها بر روی داده های شورا انجام شد. برای گردآوری برخی آمارها در مورد استفاده از جی پی اس در سروی، مختصات خوشه های جمع آوری شده توسط برنامه کپی در محیط جی آی اس (شکل ۱.۵) تصویرسازی شدند و طبق کدهای ذیل طبقه بندی شده اند:

- ۱= مختصاتی که به درستی در میان خوشه های تعیین شده برای سوپروایزران قرار گرفته است.
- ۲= مختصاتی که در خارج از خوشه های تعیین شده برای سوپروایزران اما در ۲۰۰ متری آن، بصورت خودکار، از نزدیکترین مرز خوشه های تعیین شده قرار گرفته اند.
- ۳= مختصاتی که در خارج از خوشه های تعیین شده برای سوپروایزران در فاصله ای بزرگتر از ۲۰۰ متر ، بصورت خودکار، از نزدیکترین مرز خوشه های تعیین شده قرار گرفته اند.
- ۴= مختصات در خوشه های متفاوت از خوشه های تعیین شده قرار دارند.
- ۵= مختصات بدست نیامده و یا اگر بدست آمده بدون دقت مورد نیاز اند.

شکل ۱.۵: مثال مختصات جغرافیایی تجسم شده در محیط جی آی اس (۱ خوشه انتخاب شده)



نتایج در جدول ذیل گزارش داده شده:

جدول ۱.۵: مختصات جغرافیایی خوشه های نمونه بر اساس مکان (فیصدی)

کوردینات (طبقه بندی بالا را ببینید)					
	۱	۲	۳	۴	۵
مجموع	۶۳.۴	۱۸.۸	۱۳.۲	۰.۰	۴.۶
پرسنانه شورای مردان					۱۰۰.۰

- تجزیه و تحلیل داده های ارائه شده در بالا برخی از اولین نتیجه گیری ها در مورد دستاوردهای مثبت را نشان میدهد و اطلاعات در مورد چالش های اصلی مواجهه شده در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ را نیز ارائه میکند. یافته های اصلی در زیر خلاصه شده است:
- با در نظر داشت اینکه اداره مرکزی احصائیه برای اولین بار از موبایل و تکنالوژی های جغرافیایی و فضایی استفاده کرده، به طور کلی کود گذاری جغرافیایی داده های سروی موفقیت آمیز بوده و بیش از ۸۰ درصد از داده ها با توجه به استانداردهای پذیرفته شده کودگذاری شدند (کتگوری ۱ و ۲)
 - هیچ مختصاتی در خوشه ای متفاوت از خوشه های تعیین شده مشاهده نشده (کتگوری ۴)
 - سوپروایزران همیشه مصاحبه ها را در محدوده خوشه نمونه مورد نظرشان انجام نمی دهند. در تقریباً ۲۰ درصد موارد، مصاحبه های محلی در مکان هایی صورت گرفتند که دور از مناطق اختصاص داده شده نیستند، احتمالاً به دلیل نزدیکی محل سکونت آنها به محل مصاحبه ها بوده است (کتگوری ۲)
 - در تقریباً ۱۳ فیصد قضایا (کتگوری ۳)، سوپروایزران مصاحبه ها را در یک مکان متفاوت از مناطق تعیین شده انجام دادند. تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان قادر به نظارت بر برخی از این موارد بود و از سوپروایزران خواست تا مصاحبه ها را در مناطق درست تکرار کنند.

در موارد دیگر چنین مشاهده شد که نقشه های آماده شده توسط واحد اطلاعات جغرافیایی اداره ملی احصائیه و معلومات قادر به راهنمایی سوپروایزران به ویژه در برخی مناطق دهاتی و کوهستانی در ساحه نبوده است. در چند مورد، سوپروایزران اطلاعات را در محل اقامت خود جمع آوری کردند. در چنین رویدادهایی، تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان اقدامات شدیدی علیه چنین سوپروایزران اتخاذ کردند.

- در تقریباً کمتر از ۵ فیصد قضایا (کنگوری ۵)، ارقام شورا در مناطقی جمع آوری شده بودند که سیگنال سیستم موقعیت یابی جغرافیایی به دلیل وجود درختان یا به دلیل اینکه ناظران به طور کامل دستورالعمل های داده شده را تعقیب نکرده بودند ضعیف بود.

۲.۵ درس های آموخته شده اصلی

نتایج کلی این ارزیابی، حتی اگر محدود به ارقام شورا و جنبه های جغرافیایی جمع آوری ارقام توسط برنامه کپی باشد، نیروی بالقوه بسیار بالایی را در استفاده از یک روش واحد، جی پی اس، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر و جی آی اس برای دوره های آینده سروی وضعیت زندگی در افغانستان و احتمالاً برای اکثر سروی های احصائیوی آینده اداره ملی احصائیه و معلومات تحت شرایط خاص نشان میدهد. استفاده از آن در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ به شورا و پرسشنامه های قیمت بازار محدود بود تا از معرفی فناوری های جدید در اداره ملی احصائیه و معلومات در تولید ارقام احصائیوی و به دلیل محدودیت منابع بشری و مالی اطمینان حاصل شود. به طور کلی، برنامه کپی زمانی که به طور کامل برنامه ریزی و آزمایش شده و با عملکردهای جی پی اس و ابزارهای جی آی اس ادغام گردد، می تواند کیفیت بهتر داده ها و انتشار داده های احصائیوی را به موقع آن تضمین کند، در صورتی که اداره مرکزی احصائیه روزانه به طور مناسب از فعالیت های ساحه نظارت کند.

به طور دقیق تر، برای بهبود استفاده آن در سروی های احصائیوی آینده تعدادی از اقدامات باید مورد توجه قرار گیرد. قرار ذیل:

- آزمون های بیشتری از برنامه کپی باید در مناطق مختلف کشور انجام شود
- آموزش های عملی بیشتری برای سوپروایزران / مصاحبه کننده ها باید سازماندهی شود و همچنین آموزش های ویژه ای نیز باید برای دفاتر ساحوی اداره مرکزی احصائیه برای برنامه ریزی حمایت مستقیم به سوپروایزران / مصاحبه کننده ها در سطح ولایات برگزار شود.
- مدیریت و نظارت موثر و مداوم به شکل مرکزی توسط اداره ملی احصائیه و معلومات در مقر اصلی آن
- نقشه های ساحات خصوصاً برای مناطق دهاتی و کوهستانی باید توسعه داده شده و در موبایل ها ذخیره شود
- عملکرد سوپروایزران قبل و در طول دوره های جمع آوری ارقام باید به طور منظم نظارت شود
- صفحه نمایش موبایل ها باید بین ۵ تا ۷ اینچ باشد
- با استفاده از قابلیت های جی آی اس و جی پی اس، یک برنامه ردیابی ساحه باید انکشاف یابد تا حرکات کارکنان بخش را در طول فعالیت های جمع آوری ارقام دنبال کند.

ضمیمه ۶ جداول نفوس

جدول ۱: نفوس به تفکیک پنجساله سن، محل اقامت و جنس (ارقام به هزار)

گروه های سنی	شهری		دهانی		کوچی		ملی		هر دو جنس
	اناث	ذکور	اناث	ذکور	اناث	ذکور	اناث	ذکور	
مجموع	۲,۳۹۴	۲,۳۹۳	۱۰,۵۵۶	۱۰,۵۵۶	۷۰۱	۷۵۶	۱۴,۸۱۷	۱۴,۸۱۷	۲۹,۱۱۳
۴۰-۹۰	۵۱۵	۴۹۳	۱,۸۵۰	۱,۸۸۴	۱۴۴	۱۴۴	۲,۵۴۳	۲,۵۴۳	۵,۰۲۹
۹۰-۵	۵۱۶	۴۷۴	۱,۷۰۱	۱,۸۴۴	۱۲۸	۱۵۱	۲,۵۱۱	۲,۵۱۱	۴,۸۱۴
۱۴-۱۰	۵۰۲	۴۶۶	۱,۳۶۰	۱,۵۲۳	۸۹	۱۰۵	۲,۱۳۱	۲,۱۳۱	۴,۰۴۵
۱۹-۱۵	۴۳۴	۴۱۸	۱,۰۶۱	۱,۱۱۷	۵۸	۷۷	۱,۶۲۷	۱,۶۲۷	۳,۱۶۵
۲۴-۲۰	۳۳۳	۳۶۸	۸۷۱	۸۳۶	۵۴	۵۱	۱,۲۹۴	۱,۲۹۴	۲,۵۱۳
۲۹-۲۵	۲۶۸	۲۹۰	۷۹۶	۷۴۰	۶۰	۴۳	۱,۰۳۳	۱,۰۳۳	۲,۱۱۷
۳۴-۳۰	۱۷۲	۱۷۳	۴۹۹	۵۲۰	۴۰	۴۲	۷۳۵	۷۳۵	۱,۴۴۶
۳۹-۳۵	۱۷۸	۱۶۹	۴۶۴	۴۵۴	۳۷	۳۴	۶۶۶	۶۶۶	۱,۳۳۶
۴۴-۴۰	۱۳۴	۱۳۴	۳۸۲	۳۶۳	۲۴	۲۹	۵۲۶	۵۲۶	۱,۰۶۶
۴۹-۴۵	۱۰۹	۱۲۱	۲۵۲	۲۳۶	۲۶	۲۰	۴۵۵	۴۵۵	۹۵۴
۵۴-۵۰	۹۴	۹۹	۲۶۷	۲۵۵	۱۵	۲۲	۳۷۱	۳۷۱	۷۵۲
۵۹-۵۵	۶۸	۷۳	۱۸۱	۲۰۱	۹	۱۲	۲۸۱	۲۸۱	۵۴۵
۶۴-۶۰	۶۸	۵۸	۱۶۵	۱۸۸	۹	۱۰	۲۶۳	۲۶۳	۴۹۸
۶۹-۶۵	۴۹	۲۵	۸۷	۱۴۴	۲	۶	۲۰۰	۲۰۰	۳۳۴
۷۴-۷۰	۳۰	۲۳	۶۳	۱۰۱	۴	۴	۱۲۵	۱۲۵	۲۲۵
۷۹-۷۵	۱۸	۱۱	۲۷	۴۵	۱	۳	۶۶	۶۶	۱۰۵
۸۴-۸۰	۱۶	۱۱	۱۸	۲۷	۱	۱	۴۴	۴۴	۷۴
۸۵+	۱۱	۶	۹	۱۹	۱	۱	۳۰	۳۰	۴۶

جدول ۴: نفوس به تفکیک پنجساله سن ، محل اقامت و جنس (ارقام به فیصدی)

گروه سنی	شهری		دهاتی		هرود جنس		کروچی		ملی	
	زکور	اناث	زکور	اناث	زکور	اناث	زکور	اناث	زکور	اناث
مجموع	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۴-۰	۱۴.۷	۱۴.۴	۱۷.۸	۱۸.۲	۱۸.۰	۱۹.۰	۲۰.۵	۱۹.۷	۱۷.۴	۱۷.۳
۵-۹	۱۴.۸	۱۳.۹	۱۷.۴	۱۶.۸	۱۷.۱	۲۰.۰	۱۸.۲	۱۹.۱	۱۶.۹	۱۶.۵
۱۰-۱۴	۱۴.۴	۱۳.۶	۱۴.۴	۱۳.۴	۱۳.۹	۱۳.۹	۱۲.۶	۱۳.۳	۱۳.۴	۱۳.۹
۱۵-۱۹	۱۲.۴	۱۲.۲	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۱	۸.۲	۹.۲	۱۱.۰	۱۰.۹
۲۰-۲۴	۹.۵	۱۰.۸	۷.۹	۸.۶	۸.۲	۶.۷	۷.۸	۷.۲	۸.۲	۸.۶
۲۵-۲۹	۷.۱	۸.۵	۷.۰	۷.۸	۷.۴	۵.۷	۸.۵	۷.۰	۷.۰	۷.۵
۳۰-۳۴	۴.۹	۵.۰	۴.۹	۴.۹	۴.۹	۵.۶	۵.۷	۵.۶	۵.۰	۵.۰
۳۵-۳۹	۵.۱	۴.۹	۴.۳	۴.۶	۴.۴	۴.۵	۵.۳	۴.۹	۴.۷	۴.۶
۴۰-۴۴	۳.۸	۳.۹	۳.۴	۳.۸	۳.۶	۳.۸	۳.۵	۳.۷	۳.۸	۳.۷
۴۵-۴۹	۲.۱	۳.۵	۲.۱	۲.۵	۲.۳	۲.۷	۳.۶	۲.۲	۲.۵	۲.۳
۵۰-۵۴	۲.۷	۲.۹	۲.۴	۲.۶	۲.۵	۲.۹	۲.۱	۲.۵	۲.۷	۲.۶
۵۵-۵۹	۱.۹	۲.۱	۱.۹	۱.۸	۱.۸	۱.۶	۱.۳	۱.۵	۱.۸	۱.۹
۶۰-۶۴	۱.۹	۱.۷	۱.۸	۱.۶	۱.۷	۱.۳	۱.۴	۱.۳	۱.۸	۱.۷
۶۵-۶۹	۱.۴	۱.۰	۱.۴	۰.۹	۱.۱	۰.۸	۰.۳	۰.۶	۰.۹	۱.۱
۷۰-۷۴	۰.۹	۰.۷	۱.۰	۰.۶	۰.۸	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۶	۰.۸
۷۵-۷۹	۰.۵	۰.۳	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۰.۴	۰.۱	۰.۳	۰.۴	۰.۴
۸۰-۸۴	۰.۵	۰.۳	۰.۳	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۳	۰.۳
۸۵+	۰.۳	۰.۲	۰.۲	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۲	۰.۲

جدول ۳.۶: نفوس به تفکیک ولایات، گروپ های سنی و جنس (ارقام به هزار)

ولایت	ذکور	اناث	هر دو جنس	ولایت	ذکور	اناث	هر دو جنس
گروپ سنی				گروپ سنی			
ملی	۱۴,۸۳۷	۱۴,۲۷۶	۲۹,۱۱۳	لغمان	۲۴۷	۲۳۳	۴۸۰
۱۴-۰	۷,۱۸۴	۶,۷۰۴	۱۳,۸۸۸	۱۴-۰	۱۲۴	۱۲۰	۲۴۴
۲۴-۱۵	۲,۸۴۷	۲,۸۳۱	۵,۶۷۸	۲۴-۱۵	۵۰	۴۴	۹۴
۳۹-۲۵	۲,۴۳۲	۲,۵۲۶	۴,۹۵۸	۳۹-۲۵	۳۹	۳۸	۷۷
۶۴-۴۰	۱,۸۹۹	۱,۹۱۵	۳,۸۱۴	۶۴-۴۰	۲۷	۲۹	۵۵
۶۵+	۴۷۵	۳۰۰	۷۷۴	۶۵+	۷	۳	۱۰
کابل	۲,۳۳۹	۲,۲۸۸	۴,۶۲۷	پنجشیر	۷۹	۷۶	۱۵۵
۱۴-۰	۱,۰۰۶	۹۳۲	۱,۹۳۷	۱۴-۰	۳۳	۲۹	۶۲
۲۴-۱۵	۵۱۵	۵۴۷	۱,۰۶۱	۲۴-۱۵	۲۱	۲۰	۴۱
۳۹-۲۵	۴۰۷	۴۲۲	۸۲۹	۳۹-۲۵	۱۰	۱۱	۲۲
۶۴-۴۰	۳۲۳	۳۲۸	۶۵۱	۶۴-۴۰	۱۱	۱۲	۲۴
۶۵+	۸۹	۶۰	۱۴۹	۶۵+	۴	۳	۷
کاپیسا	۲۲۶	۲۴۲	۴۶۸	بغلان	۴۸۰	۴۶۹	۹۴۹
۱۴-۰	۹۷	۱۰۸	۲۰۵	۱۴-۰	۲۳۴	۲۲۴	۴۵۹
۲۴-۱۵	۵۴	۵۷	۱۱۱	۲۴-۱۵	۸۷	۱۰۰	۱۸۷
۳۹-۲۵	۳۳	۳۳	۶۷	۳۹-۲۵	۸۷	۷۹	۱۶۶
۶۴-۴۰	۳۵	۳۷	۷۱	۶۴-۴۰	۵۶	۵۸	۱۱۴
۶۵+	۷	۷	۱۴	۶۵+	۱۶	۷	۲۳
پروان	۳۶۱	۳۵۹	۷۲۰	بامیان	۲۳۴	۲۱۹	۴۵۳
۱۴-۰	۱۶۶	۱۶۱	۳۲۷	۱۴-۰	۱۰۶	۹۸	۲۰۴
۲۴-۱۵	۸۱	۷۷	۱۵۷	۲۴-۱۵	۵۱	۴۹	۱۰۰
۳۹-۲۵	۵۲	۵۷	۱۰۹	۳۹-۲۵	۳۵	۳۵	۷۰
۶۴-۴۰	۴۸	۵۷	۱۰۵	۶۴-۴۰	۳۳	۳۲	۶۵
۶۵+	۱۴	۸	۲۱	۶۵+	۹	۵	۱۴
وردک	۳۲۳	۳۱۸	۶۴۱	غزنی	۶۵۸	۶۳۱	۱,۲۹۰
۱۴-۰	۱۴۹	۱۵۹	۳۰۸	۱۴-۰	۲۹۶	۲۷۳	۵۷۰
۲۴-۱۵	۶۵	۵۲	۱۱۷	۲۴-۱۵	۱۳۴	۱۲۳	۲۵۷
۳۹-۲۵	۵۲	۵۵	۱۰۷	۳۹-۲۵	۱۱۲	۱۲۰	۲۳۲
۶۴-۴۰	۴۶	۴۴	۹۰	۶۴-۴۰	۸۴	۹۳	۱۷۸
۶۵+	۱۲	۸	۲۰	۶۵+	۳۱	۲۱	۵۲
لوگر	۲۵۲	۲۴۱	۴۹۳	پکتیکا	۲۴۶	۱۹۷	۴۴۳
۱۴-۰	۱۴۱	۱۳۴	۲۷۶	۱۴-۰	۱۱۸	۸۵	۲۰۳
۲۴-۱۵	۲۳	۲۴	۴۷	۲۴-۱۵	۴۴	۳۶	۸۰
۳۹-۲۵	۵۴	۵۳	۱۰۶	۳۹-۲۵	۵۳	۴۵	۹۸
۶۴-۴۰	۲۸	۲۷	۵۴	۶۴-۴۰	۲۸	۲۸	۵۶
۶۵+	۶	۴	۱۰	۶۵+	۳	۳	۶

جدول ۳.۶: نفوس به تفکیک ولایات، گروپ های سنی و جنس (ارقام به هزار) (ادامه)

ولایت				ولایت			
گروپ سنی	ذکور	اناث	هر دو جنس	گروپ سنی	ذکور	اناث	هر دو جنس
پکتیا				ننگرهار			
۱۴-۰	۱۵۸	۲۵۵	۵۶۲	۱۴-۰	۵۰۲	۸۰۶	۱,۶۹۴
۲۴-۱۵	۵۷	۱۲۶	۲۸۴	۲۴-۱۵	۱۲۵	۱۲۸	۲۵۲
۳۹-۲۵	۴۶	۴۷	۹۳	۳۹-۲۵	۱۳۸	۱۴۶	۲۸۵
۶۴-۴۰	۳۸	۳۴	۷۲	۶۴-۴۰	۱۰۶	۸۷	۱۹۳
۶۵+	۸	۲	۱۰	۶۵+	۱۷	۱۱	۲۸
سرپل				خوست			
۱۴-۰	۱۴۷	۲۹۲	۵۹۲	۱۴-۰	۱۷۰	۲۹۹	۶۱۶
۲۴-۱۵	۵۱	۱۳۹	۲۸۶	۲۴-۱۵	۵۷	۱۵۲	۳۳۲
۳۹-۲۵	۴۹	۵۲	۱۰۷	۳۹-۲۵	۵۲	۵۰	۱۰۲
۶۴-۴۰	۴۱	۴۰	۸۰	۶۴-۴۰	۳۳	۳۸	۷۱
۶۵+	۱۲	۵	۱۷	۶۵+	۵	۳	۹
غور				کنړها			
۱۴-۰	۱۹۵	۳۸۳	۷۵۱	۱۴-۰	۱۲۳	۲۲۱	۴۵۸
۲۴-۱۵	۴۵	۲۱۸	۴۱۳	۲۴-۱۵	۴۶	۱۱۶	۲۳۹
۳۹-۲۵	۸۳	۸۰	۱۶۲	۳۹-۲۵	۳۳	۳۰	۶۳
۶۴-۴۰	۳۹	۳۲	۷۲	۶۴-۴۰	۲۸	۳۰	۵۸
۶۵+	۵	۳	۸	۶۵+	۶	۴	۱۰
دایکندی				نورستان			
۱۴-۰	۱۰۸	۲۴۰	۴۶۸	۱۴-۰	۳۷	۷۵	۱۵۱
۲۴-۱۵	۴۴	۱۰۸	۲۱۷	۲۴-۱۵	۱۱	۳۷	۷۴
۳۹-۲۵	۳۵	۵۶	۱۰۰	۳۹-۲۵	۱۳	۱۲	۲۳
۶۴-۴۰	۳۰	۳۸	۷۳	۶۴-۴۰	۱۳	۱۶	۲۹
۶۵+	۹	۳۱	۶۱	۶۵+	۲	۹	۲۲
ارزگان				بدخشان			
۱۴-۰	۹۰	۱۷۷	۳۷۹	۱۴-۰	۲۳۵	۴۸۶	۹۹۳
۲۴-۱۵	۴۵	۸۵	۱۷۵	۲۴-۱۵	۹۹	۲۲۵	۴۵۹
۳۹-۲۵	۳۷	۲۹	۷۴	۳۹-۲۵	۸۸	۱۰۲	۲۰۱
۶۴-۴۰	۲۵	۳۲	۶۹	۶۴-۴۰	۶۷	۸۴	۱۷۲
۶۵+	۵	۲۷	۵۱	۶۵+	۱۸	۶۵	۱۳۳
زابل				تخار			
۱۴-۰	۱۱۷	۱۵۷	۳۶۰	۱۴-۰	۲۳۷	۴۸۶	۹۹۹
۲۴-۱۵	۱۷	۷۶	۱۹۴	۲۴-۱۵	۱۰۷	۲۱۹	۴۵۶
۳۹-۲۵	۴۷	۱۷	۳۴	۳۹-۲۵	۸۲	۱۰۵	۲۱۲
۶۴-۴۰	۱۸	۴۷	۹۳	۶۴-۴۰	۶۷	۷۸	۱۶۰
۶۵+	۴	۱۴	۳۲	۶۵+	۲۰	۷۲	۱۳۹
		۳	۷			۱۲	۳۲

جدول ۳.۶: نفوس به تفکیک ولایات، گروپ های سنی و جنس (ارقام به هزار) (ادامه)

ولایت	ذکور	اناث	هر دو جنس	ولایت	ذکور	اناث	هر دو جنس
گروپ سنی				گروپ سنی			
کنندز	۵۴۷	۵۳۲	۱,۰۸۰	کندهار	۶۶۵	۶۱۴	۱,۲۷۹
۱۴-۰	۲۵۹	۲۵۵	۵۱۴	۱۴-۰	۳۷۴	۳۱۸	۶۹۲
۲۴-۱۵	۱۱۵	۱۰۸	۲۲۳	۲۴-۱۵	۹۸	۱۰۱	۱۹۹
۳۹-۲۵	۸۵	۸۸	۱۷۳	۳۹-۲۵	۱۱۴	۱۱۳	۲۲۶
۶۴-۴۰	۷۴	۷۲	۱۴۷	۶۴-۴۰	۶۸	۷۲	۱۴۱
۶۵+	۱۴	۹	۲۳	۶۵+	۱۱	۱۰	۲۱
	۲۰۴	۱۹۰	۳۹۴				
سمنگان				جوزجان	۲۷۹	۲۶۹	۵۴۸
۱۴-۰	۱۰۱	۹۲	۱۹۳	۱۴-۰	۱۲۹	۱۱۶	۲۴۵
۲۴-۱۵	۳۹	۳۷	۷۵	۲۴-۱۵	۵۴	۵۱	۱۰۵
۳۹-۲۵	۲۹	۳۱	۶۰	۳۹-۲۵	۴۷	۵۲	۹۹
۶۴-۴۰	۲۹	۲۶	۵۵	۶۴-۴۰	۳۹	۴۲	۸۰
۶۵+	۷	۴	۱۰	۶۵+	۱۱	۹	۱۹
بلخ	۶۸۶	۷۰۰	۱,۳۸۶	فاریاب	۵۸۰	۵۷۹	۱,۱۵۹
۱۴-۰	۲۹۸	۳۰۷	۶۰۵	۱۴-۰	۲۸۸	۲۷۱	۵۵۹
۲۴-۱۵	۱۶۱	۱۵۱	۳۱۲	۲۴-۱۵	۱۱۱	۱۱۶	۲۲۷
۳۹-۲۵	۱۰۴	۱۱۵	۲۱۹	۳۹-۲۵	۷۵	۸۴	۱۵۹
۶۴-۴۰	۹۲	۱۰۷	۱۹۸	۶۴-۴۰	۸۶	۹۰	۱۷۶
۶۵+	۳۲	۲۰	۵۲	۶۵+	۲۲	۱۷	۳۸
هلمند	۵۰۰	۴۷۶	۹۷۶	فراه	۳۰۷	۲۸۷	۵۹۴
۱۴-۰	۲۹۴	۲۷۹	۵۷۲	۱۴-۰	۱۶۴	۱۴۸	۳۱۲
۲۴-۱۵	۸۵	۷۷	۱۶۲	۲۴-۱۵	۵۴	۵۴	۱۰۷
۳۹-۲۵	۶۹	۷۵	۱۴۴	۳۹-۲۵	۵۲	۵۲	۱۰۳
۶۴-۴۰	۴۴	۴۳	۸۷	۶۴-۴۰	۳۱	۳۱	۶۲
۶۵+	۸	۲	۱۰	۶۵+	۶	۳	۹
بادغیس	۳۵۳	۳۴۴	۶۹۷	نیمروز	۱۰۷	۱۰۶	۲۱۲
۱۴-۰	۱۷۳	۱۶۳	۳۳۶	۱۴-۰	۵۶	۵۶	۱۱۲
۲۴-۱۵	۶۱	۶۲	۱۲۳	۲۴-۱۵	۲۰	۲۱	۴۱
۳۹-۲۵	۵۸	۶۵	۱۲۳	۳۹-۲۵	۱۵	۱۶	۳۱
۶۴-۴۰	۵۰	۴۵	۹۶	۶۴-۴۰	۱۳	۱۲	۲۴
۶۵+	۱۱	۸	۱۹	۶۵+	۲	۱	۴
هرات	۱۰۱۸	۱,۰۲۹	۲,۰۴۷				
۱۴-۰	۴۵۹	۴۴۲	۹۰۲				
۲۴-۱۵	۲۲۳	۲۲۷	۴۵۰				
۳۹-۲۵	۱۴۸	۱۸۵	۳۳۳				
۶۴-۴۰	۱۴۸	۱۵۱	۲۹۹				
۶۵+	۴۰	۲۴	۶۴				

ضمیمه ۷ روش اندازه گیری فقر با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵

۱.۷ میتودولوژی

خط فقر رسمی برای افغانستان در سال ۱۳۸۶ با استفاده از اطلاعات موجود در ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری تنظیم و با پیروی از بهترین روش های بین المللی، خط فقر به اساس روش مصارف نیازهای اساسی تعیین گردید. روش مصارف نیازهای اساسی نشان دهنده میزان مصرف سرانه ای است که در آن می توان انتظار داشت که اعضای یک خانوار بتوانند نیازهای اساسی خود را از لحاظ مصارف غذایی و غیر غذایی برآورده سازند. اندازه گیری فقر مبتنی بر سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ با به روز رسانی خط فقری که با استفاده از سروی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶ تعیین شده بود بدست می آید. به طور خاص، روش مصارف نیازهای اساسی یک بسته مصرفی را تعیین می کند که برای پاسخگویی به نیازهای اولیه مصرف مناسب است و هزینه های خرید این بسته را برآورد می کند. بسته مصرف شامل محصولاتی است که فرد مصرف می کند تا (i) به اندازه کافی تغذیه کند و (ii) به طور کامل در جامعه ای که در آن زندگی می کند شرکت کند. بخش مواد غذایی خط فقر به نیاز کالری برای حفظ وزن بدن و حفظ سطح فعالیت، مطابق با سلیقه های غذایی محلی و الگوهای مصرف وابسته است. علاوه بر این، یک جزء غیر غذایی نیز اضافه شده است، که با الگوهای هزینه فقرا سازگار است. آنها با هم برآوردی برای یک خط فقر مطلق - که به صراحت در سطح مشخصی از رفاه ثابت شده است - ارائه می دهند که امکان مقایسه فقر را در میان افراد فراهم می کند.

به روز رسانی خط فقر اصلی، به جای ایجاد یک خط جدید، قابل مقایسه بودن ارزش های فقر را در طول زمان حفظ می کند، به این ترتیب تجزیه و تحلیل تغییرات فقر را امکان پذیر می سازد. بطور خاص، برای ممکن ساختن مقایسه سه سال که سروی آن انجام شده (سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۶، و ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ۱۳۹۱) و ارقام رفاه آن نیز در دسترس میباشد، مقیاس های مورد استفاده (مجموع مصارف) سنجش رفاه برای رتبه بندی خانوار با استفاده از میتودولوژی سال اساس ساخته شود. این امر تضمین می کند که خط فقر "به روز شده"، همان سطح سلامتی را که توسط خط فقر اصلی شناسایی شده است، نشان می دهد اما بر اساس قیمت های بدست آمده از سروی حاضر مورد ارزیابی قرار میگیرد.

۲.۷ تشکیل مجموع مصرف با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان

اولین گام در تخمین خط فقر، ایجاد مجموع مصرف است. پروسه ساخت مجموع مصرف، از روش تنظیم خط فقر با استفاده از اطلاعات NRVA ۲۰۰۷-۰۸ و NRVA ۲۰۱۱-۱۲ صورت میگیرد. به طور خاص، عین اجزای فرعی مجموع مصارف تعریف شده اند، بویژه:

۱. اجزای غذایی
۲. اجزای غیر غذایی
۳. کالای مصرفی با دوام
۴. مسکن

ما یک خلاصه روش شناسی را در مورد چگونگی ساخت هر یک از این زیرمجموعه ها ارائه می دهیم.

۱.۲.۷ اجزای غذایی

همانند دوره های قبلی، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل یک بخش مفصل مصرف مواد غذایی میباشد که از پاسخ دهندگان انات در مورد مصارف خانوار (به مقدار / واحد مصرف شده) در هفت روز گذشته پرسان شده است. مصارف غذایی خانوار شامل ۹۲ قلم غذا بوده که به ۹ دسته تقسیم شده است. داده های مصرف مواد غذایی شامل غذای خریداری شده، تولید شده در خانه و همچنین مواد غذایی است که ممکن از طریق معاملات غیرنقدی، مانند هدیه و کمک غذایی، بدست آمده باشد. هزینه های اسمی مصرف مواد غذایی با ترکیب مصرف مواد غذایی (مقادیر)

^۱ ۱۴-۲۰۱۳ ALCS دارای بخش مصارف نبوده و تخمین مستقیم فقر در دسترس نیست. در عوض، در سال ۲۰۱۳ برای تخمین فقر در سطح ملی، survey-to-survey imputation انجام شد.

با قیمت های مربوطه آنها که از سروی قیمت ولسوالی^۲ که یکجا با سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ اداره میشد، به دست آمده اند.

بخش مصارف ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ طراحی شده اند تا:

- محصولات فصلی را مد نظر بگیرد، از این رو ابزار با ماهیت سالانه سروی سازگاری دارد
- شامل انواع زیادی از محصولات مصرف شده توسط خانوارها باشد
- اقلام غذائی را پوشش دهد که به طور معنی داری در جذب کالوری مردم افغانستان تأثیری نمی گذارند، اما با اینحال توسط خانواده ها مصرف میشوند مانند آب و ادویه

برای هر یک از ۹ دسته غذایی، یک دسته اقلام غذایی باقی مانده (یا "دیگر") شامل گردیده است. در صورت عدم موجودیت قیمت برای گروه های باقیمانده، قیمت های نیابتی برای هر دسته (دیگر) میدیان قیمت های اقلام هر گروه غذایی در آن ولسوالی و همان ماه تعیین شده است همانطوری که در مجموع مصارف سال ۱۳۸۶ محاسبه شده است. از آنجائیکه هر قلم غذایی در همه ولسوالی ها و بازارها در تمام اوقات سال در سروی قیمت ولسوالی قابل دسترسی نیست قیمت های از دست رفته بر اساس نزدیکترین قیمت های قابل دسترسی محاسبه شده تا یک متریکس کامل قیمت را بدست بیاوریم.

یک جزء نهایی مصرف مجموعی مواد غذایی، ارزش مجموعی وعده های غذایی مصرف شده در خارج از منزل است، به عنوان مثال در رستوران ها، غذاهای خریداری شده از بازار و غیره. سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ این اطلاعات را در بخش ۹ پرسشنامه خانوار آقایان با این پرسش که "خانوار در یک ماه گذشته به چه اندازه برای مواد غذایی و نوشیدنی در خارج از منزل مصرف کرده است" جمع آوری میکند، و به این ترتیب، ارزش کل مواد غذایی مصرف شده بیرون از خانه در تخمین کل مواد غذایی مصرف شده گنجانده شده است.

۲.۲.۷ اجزای غیر غذایی

مجموع مصارف مواد غیر غذایی با جمع آوری مصارف کالاها و خدمات از چند بخش مختلف سروی وضعیت زندگی در افغانستان ساخته شده است. مجموع مواد غیرغذایی شامل طیف گسترده و ناهمگونی از اقلام مانند مصارف انرژی، آموزش، حمل و نقل و لباس می شود. مطابق به استاندارد، مجموع غیر غذایی شامل بعضی مصارف خاص نمی شود، یعنی آن دسته از مصارف که (i) ماهیت سنگین دارند؛ (ii) برای اهداف سرمایه گذاری استفاده می شوند؛ و (iii) مرتبط به رفاه خانوار نباشد. نمونه هایی از این مصارف شامل مصارف عروسی، جشن ها، مراسم تشییع جنازه و حج، مصارف ساخت و ساز مسکن؛ و مصارف برای صحت است. اقلام غیر غذایی با دوره های مرجعی غیر از یک ماه گذشته، به مقادیر ماهانه تبدیل شده اند.

۳.۲.۷ کالای مصرفی با دوام

به تاسی از میتودولوژی اساس و بهترین تجارب بین المللی، خرید کالاهای با دوام^۳ از جمله مصارف سنگین محسوب می شود و به همین دلیل به "معادل اجاره" یا "هزینه مستهلک" تبدیل می شوند که نشان دهنده هزینه فرصتی پول که در کالای با دوام گره خورده، طول عمر و استهلاک آن میباشد. برای تخمین هزینه مستهلک کالای با دوام، ما تاریخ خرید و همچنین مصارف اقلام را در نظر می گیریم و طول عمر ده سال (با استهلاک مستقیم ۱۰ فیصد در سال) و سود به نرخ چهار فیصد را فرض میکنیم، به این معنی که نرخ تخفیف موثر چهارده فیصد است. یک خانوار به طور متوسط هزینه مستهلک ۸۱۹ افغانی در هر ماه برای کالاهای با دوام را نشان می دهد که حدود ۵ فیصد کل هزینه های خانوار در سال های ۱۳۹۵ را تشکیل می دهد.

^۲ پرسشنامه DPS در بخش مصرف، قیمت تمام اقلام مواد غذایی و چندین مورد دیگر مانند حیوانات و مواد سوخت را پوشش می دهد.

داده های DPS در طی سروی ALCS از PSUs جمع آوری شدند. ناظران ساحوی مسئول دیدار بازار قریه های مربوطه (یا ناحیه در مناطق شهری) و مدیریت سروی بودند. شناسایی بازار مربوطه مورد سروی و موقعیت آن - چه در مرکز ولسوالی، مرکز ولایت ویا دریک ولسوالی همسایه - توسط مصاحبه های آگاهی دهنده های کلیدی در داخل هر جامعه هدایت شدند. اطلاعات قیمت با مصرف مواد غذایی خانوار با در نظر داشت محل و ماه مصاحبه مقایسه شد.

^۳ کالاهای بادوام شامل یخچال، ماشین کالاشویی، جاروب برقی، چرخ گوشت، اجاق نان، اجاق گاز / بالن گاز، بخاری گازی، ماشین خیاطی، اتو، پکه برقی، رادیو / نوار ضبط، تلویزیون، VCR / DVD، کمپیوتر، بایسکل، موتور سیکلت، موتر، تراکتور / تریش، تلفن همراه، فرش (قالین)، گلیم، پتو، دیش ماهواره، پنل های سولر و وسایل آشپزخانه میباشد. در مقایسه با سال ۲۰۱۱-۱۲: یخچال، اجاق گاز / بالن گاز، ماشین خیاطی، اتو، رادیو / نوار ضبط، تلویزیون، VCR / DVD، تلفن ماهواره ای، پکه برقی، بایسکل، موتور سیکلت، موتر و تراکتور / تریش.

۴.۲.۷ مسکن

همانند کالای های مصرفی با دوام، سهم مسکن در رفاه خانواده در مجموع مصرف با برآورد ارزش کرایه ماهانه آن در نظر گرفته میشود. با پیروی از رویکرد مشابهی که برای سروی اساس در سال ۱۳۸۶ اتخاذ گردیده بود، ارزش اجاره مسکن یا توسط اجاره گزارش شده توسط خانوارها محاسبه می شود و یا هم - اگر خانوار اجاره را گزارش ندهد - با استفاده از یک مدل قیمت گذاری هیدونیک تخمین میشود، بطور مثال توسط ریگراسیون مشخصات مسکن موجود بالای قیمت های مسکن محاسبه میگردد.

اکثر خانوارها مقادیر کرایه پرداخت شده را گزارش ندادند (برای مثال صاحبان مسکن به جای کرایه نشینان)، اما حدود نیمی از خانوارها در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ ارزش مسکن خود را گزارش دادند (برای مثال صاحبان). برای این خانوارها، یک مدل مسکن هیدونیک تخمین شده است که ارزش خانه را براساس ویژگی های مسکن پیش بینی می کند. یک مدل مسکن هیدونیک قیمت مسکن را به عواملی مانند اندازه، موقعیت، مصالح ساختمانی و غیره مرتبط می سازد. برای در نظر گرفتن ناهمگونی در این مدل قیمت گذاری، ریگراسیون های جداگانه برای خانه های شهری، روستایی و خیمه تخمین زده شده است.

با پیروی از همان تجاربی که در سروی پایه استفاده شده، مقادیر واقعی یا پیش بینی شده مسکن با برقرار کردن رابطه بر اساس نرخ بهره و استهلاک به اجاره ماهانه تبدیل می شود. به طور خاص، برای سال ۱۳۹۵، نرخ استهلاک ۱.۵ فیصد و نرخ بهره ۲.۵ فیصد مورد استفاده قرار گرفته است.^۴ جدول ۱۰.۷ میدیان های ارزش واقعی و پیش بینی شده مسکن از سه گروه مسکونی را نشان می دهد.

جدول ۱۰.۷: میانه ارزش گزارش شده و تخمین شده خانه، براساس نوع مسکن (به افغانی)

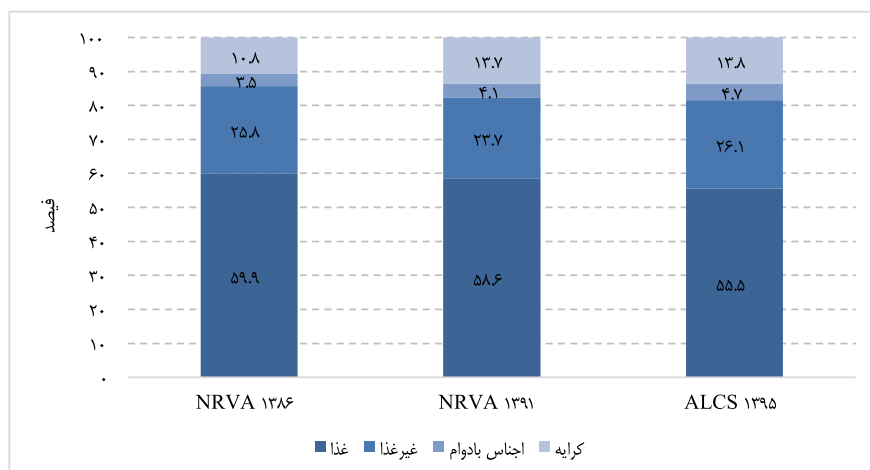
نوع منزل	قیمت منزل	
	گزارش شده	محاسبه شده
منزل شهری	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۵۹,۳۴۶
منزل دهاتی	۲۰۰,۰۰۰	۲۶۱,۱۲۷
خیمه	۱۲,۰۰۰	۱۹,۴۲۴

۵.۲.۷ تحلیل مجموع مصرف

مجموع مصرف بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ عبارت از مجموع مصارف غذایی و غیر غذایی و همچنین ارزش های ماهانه کالاهای با دوام و مسکن مستهلك میباشد. سهم نسبی هر مولفه نظر به مجموع در طول سال های سروی متفاوت است (شکل ۵.۱). در سال ۱۳۹۵، کاهش قابل توجهی در سهم مواد غذایی دیده می شود که معمولاً وقتی اتفاق می افتد که هزینه های غذایی ثابت باقی می ماند یا در شرایط واقعی رشد می کند اما هزینه های مواد غیرغذایی نیز با رشد اقتصادی رشد میکنند. با این حال در مورد افغانستان، کاهش سهم مواد غذایی ناشی از رکود یا کاهش هزینه ها به علت بدتر شدن سطح رفاه است.

^۴ گزینه های مختلف در نظر گرفته شدند، اما نرخ تخفیف ۴ فیصد به قیمت های واقعی کرایه گزارش داده شده توسط خانوار هایی که خانه های خود را در شهر ها اجاره میدهند ارائه می دهد.

شکل ۱.۷: مجموع مصرف، با استفاده از مصرف و اجزای مصرف (فیصدی)



علیرغم این که ما مجموع مصرف را در سطح خانوار تعیین می کنیم، رفاه را در سطح افراد به عوض خانوار ارزیابی می کنیم. به این معنا که ما می خواهیم فیصدی جمعیتی را که در آستانه خط فقر هستند بدانیم. از آنجایی که ما در مورد مصرف فردی اطلاعات نداریم، مصارف خانوار را با استفاده از اندازه خانوار به عنوان ضریب برای محاسبه تفاوت ها در اندازه و ترکیب خانوار، به شکل سرانه تبدیل می کنیم.^۵

رویکرد مصارف نیازهای اساسی به ما اجازه می دهد که فقر را به سطح ثابت رفاه ارتباط دهیم، که مقایسه مقدار مصارف در طول زمان تسهیل مینماید. با این حال، خانوارها با توجه به جایی که در آن زندگی می کنند، با قیمت های مختلفی مواجه میشوند. برای مثال، قیمت ها در شهر کابل از قیمت ها در قریه های فراه متفاوت اند و ما باید چنین تفاوت ها در هزینه های زندگی را در هنگام مقایسه استانداردهای زندگی در مکان های مختلف و یا در طول مدت زمان با استفاده از معیارهای ثابت رفاه در نظر بگیریم. به دلیل افزایش سریع قیمت مواد غذایی نظر به قیمت های مواد غیر غذایی، شاخص های مختلف برای هزینه های مواد غذایی و غیر غذایی مورد استفاده قرار گرفتند. قیمت های مواد غذایی با محاسبه یک شاخص زمانی و مکانی قیمت مواد غذایی از سروی قیمت بازار^۶ و هزینه های غیر غذایی با استفاده از شاخص قیم مستهلک غیر غذایی^۷ به طور موقت تنظیم شدند.

۳.۷ خط فقر

خط فقر معیاری است برای نشان دادن این که آیا یک فرد قادر است به حد اقل سلامتی که از مصرف ضروریات اساسی غذایی و غیر غذایی فراهم می شود، نایل گردد. هدف نهایی اندازه گیری فقر با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ اینست که تخمینات قابل مقایسه با آنهایی که در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱ انجام شده است را ارائه دهد. بصورت مشخص، خط فقر سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ باید عین سطح سلامتی که برپایه خط فقر رسمی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۸۶ و همچنان تجدید آن در سال ۱۳۹۱ تثبیت گردیده بود، را انعکاس دهد.

خط فقر متشکل از دو جزء است: خط فقر غذایی و تخصیص مصارف برای نیازهای اولیه غیر غذایی. مجموع مصرف اساس اندازه گیری سطح رفاه می باشد در حالیکه خط فقر معیار است برای اندازه گیری اینکه آیا یک فرد قادر است تا به حد اقل سطح رفاهی مورد نیاز نایل گردد. به بیان دیگر، اگر عاید سرانه و مصرف واقعی (براساس قیمت تعدیل شده) یک فرد پائین تر از خط فقر باشد، فرد فقیر محسوب می شود.

^۵ این روش، صرفه جویی مقیاس درون خانواده را در نظر نمی گیرد و مصرف برابر اعضای خانوار را فرض میکند.

^۶ شاخص قیمت مواد غذایی برای تنظیم مصرف مواد غذایی عبارت از شاخص قیمت لاسپیرز در ناحیه مجازی کل - سطح چهارم میباشد. شاخص لاسپیرز شامل قیمت ها در هر واحد منطقه ای با یک مرجع پایه می باشد.

^۷ با توجه به فقدان CPI غیر غذایی برای تمام ولایت های افغانستان، هزینه های غیر غذایی صرفاً به صورت موقت تنظیم شدند.

۱.۳.۷ خط فقر غذایی

مطابق روش مصارف نیازهای اساسی، خط فقر غذایی نشان دهنده هزینه مصرف سبد کالاهای اساسی مورد نیاز است، یعنی بسته مواد غذایی که پاسخگوی حداقل مقدار کالوری مورد نیاز باشد (جدول ۷.۲). در افغانستان، فقر مواد غذایی بر اساس الگوی مصرف معمول نسبتاً فقیر^۸، معادل است به هزینه دستیابی به ۲۱۰۰ کیلو کالوری.

جدول ۷.۲: سبد نیازهای اولیه ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری * ۱۳۸۶

مقدار	کته گوری غذا
۰.۴۳۱۷	نان و غله جات
۰.۰۱۷۹	گوشت
۰.۱۰۳۰	لبنیات
۰.۰۲۸۱	روغن
۰.۱۵۶۵	سبزیجات
۰.۰۴۱۴	میوه
۰.۰۲۳۵	شیرینی و شکر
۰.۰۰۶۴	نوشیدنی ها
۰.۰۱۸۷	مصالحه جات

* سبد نیازهای اولیه شامل ۸۴ قلم غذا است که در این جدول به کته گوری های اساسی غذا دسته بندی شده است.

برای تجدید خط فقر مواد غذایی، سبد کالاهای اساسی که در سالهای ۱۳۸۶ در نظر گرفته شده بود، با استفاده از معلومات مربوط به سروی قیمت ساحوی ۱۳۹۵ قیمت گذاری شده است. بنابراین، مقادیر مصرف مواد غذایی خانوار ابتدا با استفاده از یک جدول تبدیل کالوری به کیلو کالوری تبدیل گردید. این بسته ارجاع شده حاوی ۲،۳۷۷ کالوری است. اگر این کالوری ها با پیروی از الگوهای مصرف مشابه در بسته مواد غذایی جمعیت مرجع، فراهم گردیده باشد، سپس هزینه های دریافت ۲،۱۰۰ کالوری را برآورد می کنیم. هزینه تخمینی این بسته مواد غذایی ۱،۱۸۸ افغانی سرانه در هر ماه^۹ بوده که نشان دهنده اوسط هزینه خرید سبد مواد غذایی ضروری در سال ۱۳۹۵ است.

۲.۳.۷ اجزای غیر غذایی خط فقر

به منظور نشان دادن کامل نیازهای اساسی، خط فقر نیز شامل مصرف ضمنی برای نیازهای ضروری غیر غذایی است که برای حفظ حد اقل استاندارد های زندگی فقرا ضروری است. تعیین خط فقر غیر غذایی نسبت به خط فقر غذایی چالش برانگیزتر است، زیرا چوکات حد اقلی برای مصارف غیر غذایی مثل حد اقل مصرف کالوری برای نیازهای غذایی، وجود ندارد. بنابراین، جزء غیر غذایی خط فقر به طور معمول، به عنوان اوسط مصرف غیر غذایی افراد با مصرف غذایی در اطراف خط فقر مواد غذایی محاسبه می شود.^{۱۰}

خط فقر غیر غذایی سال ۱۳۹۵ با متورم ساختن خط فقر غیر غذایی هر ساحه و ربع سال ۱۳۸۶ با استفاده از شاخص قیمت مستهلک غیر غذایی بخاطر فراهم ساختن سطح قیمت مصارف غیر غذایی در ربع اول سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ تخمین شده است. این تورم حد اقلی های غیر غذایی از سطوح معیاری سال ۱۳۸۶ شان، با استفاده از نرخ تورم غیر غذایی که با شاخص قیمت مستهلک رسمی اندازه گیری می شود، از روش که در سال ۱۳۹۰ اجرا گردیده، متفاوت است. با این وجود، تغییر وارده در متودولوژی به نفع افزایش شفافیت و در مطابقت با عملکرد خوب بین المللی است. برای اطمینان از مقایسه در طول زمان، تمام تغییرات متودولوژیکی به وجود آمده در سال ۱۳۹۵ در تمام سال های سروی اجرا گردیده است.^{۱۱}

^۸ نسبتاً فقیر به افرادی اطلاق می شود که سطح مصرف شان ۵-۲ حصه از ده حصه عاید سرانه حقیقی در هر منطقه باشد.

^۹ خط فقر به صورت واقعی محاسبه تفاوت های مصارف زندگی بیان شده است - و بر اساس قیمت ربع اول (بهار-تابستان ۲۰۱۶) و ساحه ۱ (ساحه مرکز شهر) قیمت گذاری شده است. با توجه به این واقعیت که ما هزینه های مواد غذایی (مصارف واقعی غذا) را بصورت مکانی و موقتی تنظیم می نماییم، خط فقر غذایی برای همه افغانها مشابه می باشد، در حالیکه بصورت اسمی در سطح مناطق و ربع های سال متفاوت است.

^{۱۰} نمونه های فرعی از خانواده ها برای تخمین کمک هزینه های غیر غذایی در افغانستان با هدف دوگانه انتخاب شدند: تضمین اندازه نمونه کافی برای هر یک از ۱۴ منطقه و نمایندگی کردن از خانواده هایی که هزینه مصرف مواد غذایی شان کمی بالا و کمی پایین خط فقر مواد غذایی بود. به طور خاص، تعریف نمونه های فرعی مربوطه شامل ۱۰ درصد از نمونه بالا و ۱۰ درصد نمونه زیر خط فقر می گردد.

^{۱۱} سه تغییر مهمی که صورت گرفته است:

۳.۳.۷ تعیین خط فقر ملی

خط فقر به صورت کلی مجموع خط فقر مواد غذایی و کمک هزینه های غیر غذایی است. خط فقر متوسط ملی بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، معادل ۲۰۶۴ افغانی در هر ماه است. این مبلغ مجموع هزینه دستیابی هر فرد به ۲۱۰۰ کالوری در روز بر اساس سبد نیازهای اولیه که در سال ۱۳۸۶ تعیین شده است و هزینه های دستیابی به نیازهای اولیه غیر غذایی را نشان می دهد. یک خانوار در صورتی فقیر تلقی می گردد که، ارزش مجموعی مصرف سرانه واقعی آن زیر خط فقر قرار گیرد. در سال ۱۳۹۵، ۵۴.۵ درصد نفوس افغانستان فقیر بوده اند. یعنی تقریباً ۱۵.۹ میلیون افغان در این سال قادر نبودند تانیاها های اساسی خود را بر آورده سازند.

جدول ۳.۷: شاخص های فقر در افغانستان

شاخص فقر	ارزش	انحراف معیاری	۹۵٪ سطح اطمینان	
			پائین	بالا
نرخ سرانه فقر	۵۴.۵	۰.۸	۵۲.۹	۵۶.۱
شگاف فقر	۱۴.۹	۰.۳	۱۴.۳	۱۵.۶
مربع شگاف فقر	۵.۶	۰.۲	۵.۲	۵.۹

- به منظور بالا رفتن شفافیت و در مطابقت با عملکرد خوب بین المللی، با استفاده از پایه تورم غیر غذایی که با CPI رسمی اندازه گیری گردیده است، حد اقلی غیر غذایی از سطوح معیاری آنها در سال ۲۰۰۷-۰۸ متورم گردیده است.
- بهبود و تغییر در پرسشنامه سروی سبب گردید تا در تعریف میزان رفاه تغییرات کوچکی بوجود آید، که مرتباً برای تمام سال های سروی تجدید شده است. و
- اداره ملی احصائیه و معلومات در جهت شفاف سازی بیشتر در برآوردهای ملی تصمیمی را به تصویب رسانده است که شامل تمام ولایات می شود، در حالیکه به وضوح ولایاتی را نشان می دهد که به دلیل وضعیت امنیتی یا نگرانی های مربوط به کیفیت ارقام برآوردهای آن از کیفیت ناکافی برخوردار است. این اصلاحات به این معنی است که برآوردهای فعلی ممکن از ارقام قبلاً منتشر شده تفاوت داشته باشد.

ضمیمه ۸ روش تحلیل مصئونیت غذایی

در جریان سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، ارقام مربوط به مصارف خانوار، مقادیر و نوع غذاها و تعداد روزهای غذای مطمئن که طی یک دوره هفت روزه مصرف شده بود، جمع آوری شد. برای تعیین امنیت غذایی خانوار، ارقام مربوط به مصرف کیلو کالوری بر اساس هفت روز استفاده شده است. کالوری های موجود در هر خانوار و هر فرد بر اساس محتوی کالوری متشکل از تمامی اقلام غذایی مصرف شده توسط خانوار براساس راپور هفت روزه، محاسبه گردیده است. با توجه به اینکه برخی از مواد غذایی توسط بازدیدکنندگان مصرف شده و برخی از اعضای خانواده در دوره فراخوان حضور نداشته اند، یک اندازه موثر خانوار در نظر گرفته شده است که سپس برای تعیین کالوری مصرف شده در هر خانوار و هر فرد در طول یک روز استفاده شده است.

نیاز کالوری خانوار بر اساس ترکیب جنس و سن خانوار تعیین گردیده است. کالوری مصرف مواد غذایی توسط هر فرد در روز برای تعیین اینکه آیا افراد داخل خانواده کالوری کافی برای یک زندگی عادی و سالم مصرف می کنند محاسبه گردیده است. مقدار نیاز به کالوری که برای جنس و سن اعضای خانوار در نظر گرفته شده است همچنین سایر نیازها در فصل شدیداً سرد زمستانی در کشور مورد توجه قرار گرفته است - برای بزرگسالان ۳۰۰ کیلو کالوری فی نفر در روز، ۱۰۰ کیلو کالوری فی نفر در روز برای کودکان ۵ تا ۹ ساله، ۱۵۰ کیلو کالوری فی نفر در روز برای کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله و هیچ کالوری اضافی برای کودکان زیر ۵ سال. با توجه به ماه های زمستان، با مشوره (FEWS NET Afghanistan)، نیاز به کالوری در هفت ولایت (بدخشان، نورستان، پنجشیر، بامیان، غور، غزنی و دایکندی) برای پنج ماه زمستان (عقرب - حوت)، برای بادغیس چهار ماه، برای چهار ولایت (ننگرهار، لغمان، کنر و خوست) دو ماه، در حالی که در ولایات باقی مانده برای سه ماه زمستان (جدی - حوت) تنظیم شده است.

برای شناسایی تغییرات امنیت غذایی و خصوصیات کلیدی خانواده های که امنیت غذایی ندارند، یک مثلث از حد اقل های کالوری استفاده شده در امنیت غذایی، با شاخص های دیگر مانند خصوصیات دموگرافیکی، معیشت، مصرف مواد غذایی و سطوح مصرف، تشکیل داده می شود. تحلیل کمبود پروتئین براساس مقدار مصرف غذا و میزان نیاز به پروتئین براساس سن و جنس اعضای خانواده، نیز در تجزیه و تحلیل گنجانده شده است.

محاسبه کالوری های مورد نیاز

محاسبه کالوری های موجود

$$c) Kr = \sum_n \{(Ha1) \times A1r + (Ha2) \times A2r + \dots\}$$

$$a) Kh = \sum_n \{(QFI) \times F1c + (QFI) \times F1c + \dots\}$$

$$d) Krpc = (Kr / Nh)$$

$$b) Kpc = (Kh / HHsize) / T$$

چنانچه:		چنانچه:	
Kr	=	کیلو کالوری مورد نیاز هر خانوار در روز، به تفکیک گروه سنی و جنس	
Ha1	=	تعداد افراد شامل در گروه سنی در خانوار	
N	=	تعداد کته گوری های سنی به تفکیک جنسیت	
A1r	=	کالوری مورد نیاز به تفکیک گروه سنی و جنس	
Krpc	=	کالوری مورد نیاز هر فرد در روز	
Nh	=	تعداد افراد در هر خانوار	
T	=	دوره زمانی مصرف غذا	
Kh	=	کیلو کالوری موجود در هر خانوار در یک دوره مشخص	
QFI	=	مقدار غذای مصرف شده توسط هر خانوار در یک دوره مشخص	
n	=	تعداد اقلام غذایی	
F1c	=	کالوری شامل در اقلام غذایی	
Kpc	=	کالوری موجود برای هر فرد در روز	
HHsize	=	تعداد افراد در هر خانوار	
T	=	دوره زمانی مصرف غذا	
e) Ksp= Kpc-Krpc		کسر / مازاد	
Ksp = کالوری در هر فرد در هرروز کسر یا مازاد			

نمره مصرف غذا یک شاخص نیابتی قابل قبول برای اندازه گیری مصرف کالوری و کیفیت غذایی در سطح خانوار است که در صورت ترکیب با سایر شاخص های دسترسی به مواد غذایی خانوار، وضعیت امنیت غذایی خانوار را نشان می دهد است. نمره مصرف غذا هنگامی مفید است که ارقام مربوط به مصرف کالوری و مصرف پروتئین در دسترس نباشد. این یک نمره ترکیبی است که بر مبنای تنوع غذایی، تکرار وعده غذا (یعنی تعداد روزهایی که گروه های مشخص غذایی در طی دوره هفت روزه فراخوان قبلی به مصرف رسیده است)، و اهمیت نسبی تغذیه گروه های مختلف غذایی، شکل گرفته است. نمره مصرف غذا بر اساس مصرف غذایی هفت روز گذشته خانوار محاسبه شده و به سه دسته تقسیم می شود:

- مصرف ضعیف (۲۸.۰ الی ۱۰۰ FCS)
- خط مرزی (۲۸.۱ الی ۴۲.۰ FCS): و
- مصرف قابل قبول یا مناسب (FCS > ۴۲.۰).

نمره مصرف غذا مجموعه ای از گروپ های غذایی ثقلت دار است. ثقلت یا وزن هر گروپ غذایی با ضرب نمودن تعداد روزهای که اقلام غذایی مصرف گردیده است، با وزن نسبی آن محاسبه می شود. نمره مصرف غذا به طور معمول با سایر شاخص ها، مانند فیصدی مصرف بالای غذا، شاخص استراتیژی مقابله یا مالکیت دارایی، ترکیب شده است. این ها در تعیین دسترسی خانواده به مواد غذایی کمک نموده و منجر به طبقه بندی جامع امنیت غذایی می شود.

ضمیمه ۹ تضمین و ارزیابی کیفیت

۱.۹ مقدمه

تضمین کیفیت به هر فعالیت و مراحل عملیات احصائیوی ارتباط دارد. تضمین کیفیت باید منجیت یک مفهوم چند بعدی شناخته شده و ابعاد ذیل را شامل شود:

الف.	ارتباط
ب.	کامل بودن
ج.	دقت
د.	مقایسه پذیری
ف.	سازگاری
ه.	به موقع
ی.	قابلیت دسترسی

این برداشت مستلزم آن است که دقت ارقام فقط یک بعد (البته مهم) کیفیت کلی ارقام است. بخش ۲ این ضمیمه، خلاصه ای از اقدامات برای ارزیابی کیفیت ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ را با توجه به این ابعاد، و اقدامات و رویه های اجرا شده برای اطمینان از کیفیت ارقام، ارائه می دهد.

بخش های بعدی (۳.۹ و ۴.۹) بیشتر در مورد دو نوع خطای ارقام که بر سروی های نمونه گیری تأثیر می گذارد، می پردازند: خطاهای نمونه گیری و خطاهای غیر نمونه گیری. خطاهای نمونه گیری مربوط به این واقعیت است که خانوارهای انتخاب شده یکی از نمونه های احتمالی است که می توانست از چارچوب نمونه گیری انتخاب شود. هر یک از این ها نتایج را ایجاد خواهد کرد که تا حدی متفاوت از یکدیگر بوده و احتمالاً تا حدودی متفاوت از کل جمعیت باشند. خطای غیر نمونه گیری به طیف گسترده ای از دیگر خطاهای ارقام که در طول دوره فعالیت های سروی، به غیر از نمونه گیری، بوجود می آیند اطلاق می شود. در حالی که تخمین خطاهای نمونه گیری می توانند با محاسبه خطاهای معیاری مقداری گردد، دشوار است که خطای غیر نمونه گیری را بصورت احصائیوی ارزیابی نمود.

۲.۹ تضمین کیفیت

هیچ سروی نمیتواند به طور کامل به هر یک از ابعاد کیفیت ارقام دست یابد، زیرا بسیاری تمایل دارند با مصارف دیگران بهبود نصیب گردد. برای مثال، ارقام با کیفیت بسیار بالا، نیاز به آموزش کارکنانی دارد که در تمامی سطوح اجرای سروی برای دوره های وسیع دخیل بوده، در امر نظارت درچنین شرایطی دست داشته، و در ویرایش ارقام به جزئیات تمام حضور داشته باشد، دراین صورت بدون شک پروژه از محدودیت زمانی و بودجه تجاوز می کند. بنابراین، هر سروی باید تعادل عملی و قابل قبول را در محدوده منابع و محدودیت های موجود پیدا کند. جدول شماره ۱.۹ یک بررسی اجمالی از اقدامات مربوط به سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۵ با توجه به ابعاد مشخص شده تضمین کیفیت ارائه می دارد. باقی مانده این بخش، برای اطمینان از کیفیت ارقام، فعالیت های کلیدی و روش های اجرا شده در سروی را فهرست می نماید.

الف. مدیریت ارتباط

- برای بحث و تشخیص معلومات مورد نیاز که در سروی های سال ۱۳۹۰ و دور بعدی آن باید جمع آوری شود مشاوره گسترده ای با مشارکت جوانب ذی نفع صورت گرفت. مشورت های ویژه به منظور تطبیق نیازهای معلوماتی در حال ظهور سازماندهی گردید.
- باوجود اینکه سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ قبل از دسترسی به میتادیتا (معلومات توضیحی)، طراحی شده بود، بسیاری از شاخص های و جمع آوری ارقام مربوطه در پرسشنامه های آپدیت شده پیش بینی و درج شده است.
- نتایج سروی و پیش نویس تهیه شده و همچنان ضمایم گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۲ بمنظور ارزیابی و اصلاح با جوانب ذی نفع مربوطه به اشتراک گذاشته شد (جدی سال ۱۳۹۶).
- لیست های خانوار ساحات مورد شمارش که برای کار میدانی انتخاب شده بود، بلافاصله قبل از جمع آوری ارقام آپدیت شد.

جدول ۱.۹: معیارها و ابعاد تضمین کیفیت در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵

ابعاد	شرح	معیارهای تضمین کیفیت سروی وضعیت زندگی در افغانستان
الف. ارتباط	درجه ای که در آن ارقام به اهدافی دست می یابند که بخاطر شان تولید گردیده و توسط کاربران جستجو می شوند؛ از لحاظ مأموریت نماینده گی، ارزش بیشتر به خاطر شایستگی آن اهداف مشخص شده است.	• اداره ملی احصائیه و معلومات مرجع با صلاحیت تولید احصائیه های ملی در افغانستان است؛ سروی وضعیت زندگی در افغانستان، ابزار اساسی این اداره برای جمع آوری ارقام مربوط به خانوار است. • کاربران ارقام در ترتیب پرسشنامه، تهیه طرح کلی گزارش وولان جدول بندی و تجزیه و تحلیل دیتا، بررسی شایستگی دریافت شده و سایر نتایج، و در چندین موارد در تحلیل و راپورتیسی، دخلل بودند. • سروی وضعیت زندگی در افغانستان یگانه سروی است که معلومات موثق در سطح ولایت را تولید می نماید. اگرچه، تقاضای بسیار بلند برای معلومات نماینده گی در سطح ولسوالی وجود دارد که با سروی وضعیت زندگی در افغانستان فراهم نمی گردد. • سروی وضعیت زندگی در افغانستان یگانه سروی ملی است که معلومات را بصورت فصل بندی فراهم می سازد. • سروی وضعیت زندگی در افغانستان یگانه سروی ملی است که معلومات مربوط به عشایر کوچی را جمع آوری می نماید.
ب. کامل بودن	با در نظر داشت محدودیت منابع، درجه ای که ارقام در حد ممکن بصورت کامل مورد استفاده کاربران قرار می گیرد.	• سروی وضعیت زندگی در افغانستان تنها سروی است که معلومات نماینده برای کل جمعیت افغانستان تهیه می کند، از جمله عشایر کوچی (در حال حاضر حدود ۵ فیصد کل جمعیت را تخمین زده است). • منخبت یک سروی چند هدفه، تقاضای معلوماتی را در حد توقع به جزئیات مورد نیاز پوشش نمی دهد. با این وجود اصل چرخش در سروی وضعیت زندگی در افغانستان اطمینان می دهد که با یک نرخ بازگشت مربوط، معلومات مورد نظر در مراحل پیوسته سروی ارائه می شود.
ج. دقت	درجه که ارقام بصورت دقیق مقادیر و مشخصات را که سروی بخاطر اندازه گیری آن طرح شده است، بصورت دقیق تخمین و تشریح می نماید.	• تضمین کیفیت با تخمین خطاهای معیاری و درجه اطمینان (بخش ۳.۹ و ۴.۹ در قسمت اعداد ترتیبی دقت صورت گیرد دیده شود) مورد بررسی قرار گرفته است. • طیف گسترده ای از فعالیت ها برای افزایش دقت ارقام (به بخش مدیریت دقت ارقام مراجعه گردد) اجرا گردیده است. • اداره ملی احصائیه و معلومات تخمین نفوس را اعمال می کند که به احتمال زیاد از ارقام واقعی نفوس حذف شده است. تا جائیکه این مورد مطرح است، اعداد محاطق ارائه شده در این گزارش نادرست خواهد بود. احتمال دارد که درصد توزیعها - اکثریت قریب به اتفاق نتایج ارائه شده در این گزارش - موقعیت واقعی را بسیار بهتر انعکاس دهند. • سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در واقع برای ارقام شورا و قیمت های مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر را معرفی کرده است. این روش خطاهای جمع آوری ارقام را کاهش داده و شامل جمع آوری مختصات جغرافیایی مکان ها شده است، که فرصت را برای بررسی اینکه آیا اطلاعات گردآوری شده در محل مناسب جمع آوری شده اند، را فراهم میسازد.
د. مقایسه پذیری	درجه ای که در آن احصائیه ها در زمان و مکان قابل تفکیک اند.	• پرسشنامه ها، تعاریف و میتودولوژی ها با توصیه های بین المللی و شیوه های ملی هماهنگ است. بنابراین، سروی وضعیت زندگی در افغانستان روش های توصیه شده بین المللی برای فقر، امنیت غذایی، WASH و SDG را اجرا می کند، که با روش های انجام شده در UNICEF-MICS, DHS مقایسه پذیری دارد. • و سروی نیروی کار برای شاخص های صحت، دموگرافی و بازار کار ملاحظت دارد. مقایسه در طول زمان یکی از خصوصیات کلیدی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان است. با این حال، این خصوصیات با معیار های دیگر مانند مقایسه پذیری با سایر منابع ارقام و ارزیابی تفکر مفهومی، مورد بحث قرار گرفته است. در نتیجه، سروی وضعیت زندگی در افغانستان یک وسیله توسعه پایدار، و پذیرای تغییرات است در صورت که اکتشاف به اندازه کافی مطمئن و تضمین شده باشد. هنگامی که تعاریف با روش های جدید معرفی می شود امکان نقشه برداری جدید بالای نتایج قریبی تا حد ممکن، مطمئن است.

هـ. سازگاری	درجه که در آن ارقام ناشی از پروگرام واحد احصائیه و ارقام گرد آوری شده از پروگرام احصائیه، بصورت منطقی باهم مرتبط اند.	- حتی اگر توسط تیم سروی وضعیت زندگی در افغانستان هم پیشنهاد گردیده است، هیچ روش رسمی برای هماهنگی نمونه برداری، جمع آوری ارقام، روش ها، مفاهیم، تعاریف، طبقه بندی ها شاخص ها و سایر احصائیه ها، و انتشار در سطح قابلیت های آماری اداره ملی احصائیه و معلومات و یا بین این اداره و دیگر تولید کنندگان و کاربران ارقام، وجود نداشت. - تلاش های مداوم اما بصورت مجزا برای جاسازی سروی وضعیت زندگی در افغانستان در توافق وسیع تر جوانب ذی نفع در مورد سروی و تولید احصائیه ها روی دست گرفته شده بود.
و. به موقع	تاخیر بین دوره که معلومات به آن مربوط می شود، و تاریخ که معلومات در دسترس قرار می گیرد.	- فاصله زمانی بین تکمیل جمع آوری ارقام و انتشار گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، ۱۲ ماه بود. با ملاحظه معیارهای بین المللی مربوط به به موقع بودن سروی های احصائیه و، و با توجه به پیچیدگی سروی و تجربه اداره ملی احصائیه و معلومات در این مورد، دوره زمانی این سروی کوتاه محسوب می شود. برای تعادلی از کاربران ارقام، نتایج سروی قبل از قبل ارزش قابل توجهی را از دست داده اند. - بمنظور ازبین بردن خلا بین جمع آوری و نشر ارقام، یک گزارش میان مدت و یک گزارش بر جسته با تعداد مشخصی از شاخص های کلیدی تهیه گردیده بود.
ز. قابلیت دسترسی	موجودیت معلومات و مناسب بودن طریقه که از آن معلومات به دسترس قرار می گیرد.	- گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در زبان های دری، پشتو و انگلیسی موجود بوده و در هر سه زبان هم در وب سایت اداره ملی احصائیه و معلومات وهم به صورت چاپی در دسترس قرار دارد. - جداول منتخب در سطح ملی و ولایتی در وب سایت اداره ملی احصائیه و معلومات موجود خواهد بود. - گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ ارقام بزرگ شامل معلومات مربوط به پرسشنامه، طرح نمونه گیری، پروسه سروی، مفاهیم و تعاریف، روش های کاربردی برای بازار کار، فقر، امنیت غذایی، اهداف انکشاف پایدار و تضمین کیفیت را پیشکش می نماید. - اداره ملی احصائیه و معلومات به پایسی دسترسی به ارقام خام که به ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانستان نیز اعمال می شود، پابند است.

- این سروی برای تولید معلومات طراحی شده است که:
 - در سطح ولایت نمایندگی کند.
 - شاخص های توسعه را بصورت فصلی داشته باشد.
- پرسشنامه برای جمع آوری معلومات مربوط به زمینه مشخص افغانستان طراحی شده است.
- این نظرسنجی، در توافق با جوانب ذی‌نفع اصلی نظیر وزارت اقتصاد، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی، نقش کلیدی را در ارائه تعاریف ملی اشتغال، کم کاری و بیکاری ایفا نموده است.
- برای بهینه سازی احتمال انجام کارهای میدانی در مناطق دور افتاده و خطرناک یک استراتژی دقیق طراحی و اجرا گردیده است، که بنابراین از تحت تاثیر قرار گرفتن و دوگانه گی در نتایج سروی اجتناب می نماید.
- برای تأیید از سلامت استراتژی و تمام اجزای تکنیکی پروژه، جوانب ذی‌نفع کلیدی در کمیته اجرایی سروی وضعیت زندگی در افغانستان و کمیته مشورتی تکنیکی شرکت داشتند.

ب. مدیریت کامل بودن

- دوران سروی وضعیت زندگی در افغانستان بر اساس یک طرح دورانی که مورد توافق سهامداران قرار گرفته (حوت ۱۳۸۸) طرح گردیده است. این بدان معنی است که در سراسر دوره سروی یک مجموعه اصلی از شاخص های کلیدی در زمینه ایجاد شده است، و در فواصل مناسب، مدل های اضافی یا گسترش یافته پرسشنامه به منظور فراهم آوردن معلومات جامع تر برای موضوعات انتخاب شده در دوره های سروی روی دست گرفته شده است.
- برای جمع آوری معلومات مربوط به جمعیت کوچی تلاش ویژه صورت گرفته است.

ج. مدیریت دقت

- در طراحی پرسشنامه ملاحظات مربوط به توجیه سوال، کلمه بندی، توالی سوالات و مدل ها، پیچیدگی مسیر، بارگیری مصاحبه، طبقه بندی، فارمت سازی و طرح بندی شامل بوده است.
- ابزارهای سروی، و طرزالعمل های آموزش آن قبل از شروع کار ساحوی در دوره های قبلی سروی مورد آزمایش قرار گرفته است. از آنجائیکه پرسشنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ شامل چند مورد جدید بود، پرسشنامه های ترجمه شده توسط کارکنان اداره ملی احصائیه و معلومات مورد آزمایش قبلی قرار گرفت.
- استخدام کارکنان ساحوی براساس ارزیابی خلص سوانح شان، یک امتحان کتبی و مصاحبه با متقاضیانی که شارت لیست شده بودند، و همچنین منحیت امتحان نهایی در حین ترینینگ کارکنان، صورت گرفته است.
- فعالیت ها و روش های آموزشی عبارتند از:
 - آموزش کارکنان ساحوی توسط کارکنان عالی رتبه اداره ملی احصائیه و معلومات در کابل سازماندهی شده بود.
 - آموزش کارکنان ساحوی در طول سه هفته کامل اجرا گردید تا زمان کافی برای عناصر آموزشی مناسب فراهم شود.
 - علاوه بر آموزش ابتدایی، در هر ربع دوره سروی، ورکشاپ های ساحوی به منظور بحث روی آموخته ها و آرایه آموزش های جدید تدویر گردید.
 - نظارت و بررسی ساحوی در سطوح مختلف صورت گرفت:
 - ناظران ساحوی از پروسیجرهای کاری روز مره نظارت نموده و پرسشنامه های تکمیل شده را بررسی نمودند.
 - مدیران محلی احصائیه پرسشنامه های تکمیل شده را بصورت نمونه ای بررسی کردند.
 - مدیران محلی احصائیه از عملیات عمومی ساحه نظارت کردند.
 - کارکنان کلیدی سروی وضعیت زندگی در افغانستان از اداره ملی احصائیه و معلومات بصورت فصلی از عملیات ساحه نظارت کردند.
 - برای ارزیابی سریع کیفیت یک پروگرام طرح و تطبیق گردیده است تا مشکلات در پروسه جمع آوری ارقام را در اسرع وقت شناسایی و مرفوع سازد.
- سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ در واقع برای ارقام شورا و قیمت های بازار، مصاحبه شخصی به کمک کمپیوتر معرفی کرده است. این روش خطاهای جمع آوری ارقام را کاهش داده و شامل جمع آوری مختصات جغرافیایی مکان ها شده است، که فرصت مناسب بررسی اینکه آیا اطلاعات گردآوری شده در محل مناسب جمع آوری شده اند، را فراهم میسازد.
- فعالیت ها و طرزالعمل پروسس ارقام موارد زیر را شامل می گردید:
 - دسته های پرسشنامه تکمیل شده بصورت ماهوار، پس از رسیدن به دفاتر مرکزی اداره مرکزی احصائیه به منظور حصول اطمینان از کامل بودن و رفع مشکلات بزرگ توحید سازی بررسی شده است. در صورت موجودیت نواقص جدی، پرسشنامه ها دوباره به ساحه مربوطه آن مسترد گردید.
 - گرفتن ارقام در نرم افزار CSPro شامل وارد کردن ارقام و باز بینی بخاطر دوباره وارد کردن ارقام می شود. این امر در اصل خطاهای ارقام که به علت اشتباهات تایپی بروز کرده است را حذف می کند.
 - بمنظور شناسایی و رفع مشکلات توحید در ساختار اساسی ارقام، یک بررسی در پروگرام CSPro صورت گرفت.
 - یک برنامه گسترده ای از تطابق و محدوده چک، اصلاح داده ها و محاسبه در CSPro قبل از تحویل داده های خام اجرا گردید.
 - قبل از اینکه دیتا سیت انتقال پیدا کند، یک برنامه جامع برای بررسی ثبات ودامنه، اصلاح و متناسب بودن ارقام در پروگرام CSPro اجرا گردید.
 - برنامه های جامع ویرایش ارقام به منظور اجرای ثبات بیشتر، بررسی دامنه اعتبار در اثنای مرحله تحلیل توسط تحلیل گران واجد شرایط، در پروگرام Stata انجام شد.
 - برای تعیین توزیعات پاسخ دهی و تشخیص هرگونه خمیدگی در توزیع ، ارزشهای از دست رفته، نتایج غیر عادی و خارج از محدوده ارقام، جدول های متقابل و فرکونسی دربرنامه Stata ایجاد گردید.

- نتایج سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ با نتایج دوره های قبلی سروی و سایر مراجع ارقام که برای ارزیابی قابل اعتبار بودن شان به دسترس قرار داشت، به روش های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت.
- به منظور بررسی اجزای کیفی ارقام مشخص، شاخص های خطاهای نمونه گیری و غیر نمونه گیری معرفی گردیده است (۳۹ و ۴۰).

د. مدیریت مقایسه پذیری ارقام

- بخاطر همگون سازی بهتر مراحل تهیه و تحلیل ارقام سروی وضعیت زندگی مردم در افغانستان با استندرد های بین المللی و تجدید سازی آن با پیشرفت های نو، با متخصصین ادارات بین المللی (UNICEF, UN-Habitat, WFP, FAO و بانک جهانی) مشورت های لازم صورت گرفت.
- به منظور جستجوی مقایسه پذیری بین سروی وضعیت زندگی مردم در افغانستان و دیگر مراجع ارقام و همچنان استراتژی های بهبود مقایسه پذیری، با جوانب ذی نفع داخلی مشوره های لازم صورت گرفت.
- در هر مرحله از اجرای سروی، مقایسه پذیری با دوره های قبلی سروی وضعیت زندگی مردم در افغانستان از جمله ملاحظات کلیدی به حساب میرفت.

ف. مدیریت سازگاری

- در نبود یک پروسیجر رسمی در اداره ملی احصائیه و معلومات، سروی وضعیت زندگی مردم در افغانستان به صورت خاص روی ثبات نمونه گیری، جمع آوری ارقام، میتودولوژی، مفاهیم، تعاریف، طبقه بندی ها، شاخص ها و دیگر احصائیه ها، و انتشار فعالیت های احصائیوی در اداره ملی احصائیه و معلومات و بین اداره ملی احصائیه و معلومات و سایر تولید کنندگان و کاربران ارقام، اکتشاف داده است.
- مدیریت سازگاری لازم می داند تا ادارات دولتی و سایر جوانب ذی نفع راجع به چگونگی کاربرد ارقام به اداره ملی احصائیه و معلومات فیدبک منظم ارائه نمایند.
- بر علاوه، تعداد جوانب ذی نفع که اداره ملی احصائیه و معلومات را در تحلیل ارقام حمایت می نمایند باید افزایش یابد.

ه. مدیریت به موقع بودن

- جمع آوری و پروسس ارقام به صورت موازی انجام گرفت تا فاصله زمانی بین تکمیل هر دو فعالیت به حداقل برسد.
- به منظور کاهش زمان تجزیه و تحلیل در دوره پس از جمع آوری ارقام، اصلاح و تجزیه و تحلیل میان دوره ای ارقام صورت گرفت.
- طرز العمل نظارتی برای جمع آوری و پروسس ارقام طرح و اجرا گردید تا از جریان پیشرفت جمع آوری و پروسس ارقام نظارت درست صورت گیرد.
- به منظور ایجاد ارتباط بین جمع آوری و نشر ارقام، یک گزارش میان دوره ای و یک گزارش مقدماتی با شاخص های کلیدی انتخابی (به ترتیب در جدی و دلو ۱۳۹۵) تهیه گردیده است. اگر چه اداره ملی احصائیه و معلومات تصمیم گرفت تا گزارش ها را نشر نکند.

ی. مدیریت دسترسی

- گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ به زبان های دری، پشتو و انگلیسی جهت افزایش موثریت رسیدن ارقام به مخاطبین بیشتر، تهیه و بدسترس قرار خواهد گرفت.
- گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ هم در وب سایت اداره ملی احصائیه و معلومات و هم به شکل چاپی به دسترس قرار داده خواهد شد.
- جدول های انتخاب شده به سطح ملی و ولایتی در وب سایت اداره ملی احصائیه و معلومات قابل دسترس خواهد بود.
- گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵، در مورد ارقام توضیحی (میتادیتا) معلومات ارائه می نماید که در زمینه درک محتویات و کیفیت نتایج سروی کمک می کند. این معلومات ارقام توضیحی (میتادیتا) شامل معلومات در مورد پرسشنامه ها، طرح نمونه، پروسیجرهای سروی، و مفاهیم و تعاریفات، روش های عملی برای بازار کار، فقر، مصونیت غذایی و ارزیابی از تضمین کیفیت، می گردد.
- ارقام وضعیت زندگی مردم افغانستان در مطابقت با پالیسی دسترسی به ارقام خام اداره ملی احصائیه و معلومات، به دسترس استفاده کننده های ارقام قرار داده خواهد شد.

۳.۹ خطاء نمونه گیری

از آنجائیکه نمونه ها تمام نفوس را شامل نمی شوند، احصائیه های مبتنی بر یک نمونه، مانند اوسط ها و فیصدی ها، نظر به احصائیه هائیکه از کل نفوس بدست می آید بصورت کل متفاوت میباشد. خطای نمونه گیری به تفاوت بین احصائیه های نمونه و احصائیه های کل جمعیت اطلاق می شود. اکثراً این خطاء به طور مستقیم مشاهده و اندازه گیری شده نمی تواند، مگر به طور احتمالی تخمین میگردد.

خطای نمونه گیری به صورت عموم به اساس خطای معیاری برای یک احصائیه مخصوص، که مساوی میشود به جذرمربع واریانس همان احصائیه در نمونه. سپس، خطای معیاری برای محاسبه کردن فاصله اطمینان مورد استفاده قرار گرفته می تواند که در آن ارزش واقعی احصائیه برای کل جمعیت به طور معقول فرض شده می تواند که شامل: یک ارزش احصائیه که از نمونه حاصل میشود شاید در محدوده دو چند خطای معیاری مثبت یا منفی همان احصائیه در ۹۵ فیصد تمام نمونه های ممکنه دارای سائز و طرح مشابه، قرار بگیرد.

جدول ۲.۹ یک نظر کلی خطاهای معیاری و درجه اطمینان را برای شاخص های کلیدی منتخب ارائه میدارد. از آنجائیکه سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ نمونه گیری ساده تصادفی نیست، بلکه یک روش طبقه بندی شده چند مرحله ای است، روش خطی ساختن جهت تخمین خطای معیاری مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۳.۹: خطاهای نمونه گیری و درجه اطمینان برای شاخص های انتخاب شده

احتمالیه	نفوس اساس	شاخص های اهداف	ارزش	خطای معیاری	خطای نسبی	حدود اطمینان	
						پائین	بالا
نرخ مشارکت نیروی کار	نفوس مستعد به کار(۱۴+)	اهداف انکشاف پایدار/اهداف انکشافی هزاره	۵۳.۹	۰.۴	۰.۷	۵۳.۳	۵۴.۷
نرخ بیکاری	نفوس فعال اقتصادی (۱۴+)	اهداف انکشاف پایدار ۸.۵.۲	۳۳.۹	۰.۴	۱.۸	۳۳.۱	۳۴.۷
نرخ بیکاری جوانان	نفوس فعال اقتصادی ۱۵-۲۴		۳۰.۷	۰.۷	۲.۳	۲۹.۳	۳۲.۱
نسبت اشتغال بر نفوس	نفوس مستعد به کار(۱۴+)	اهداف انکشافی هزاره ۱۵	۴۱	۰.۴	۰.۹	۴۰.۳	۴۱.۸
نرخ کم کاری بر اساس فیصدی نیروی کار	نفوس فعال اقتصادی (۱۴+)		۱۵.۶	۰.۳	۲.۲	۱۴.۹	۱۶.۳
نرخ کم کاری بر اساس فیصدی استخدام	نفوس استخدام شده (۱۴+)		۲۰.۵	۰.۵	۲.۲	۱۹.۶	۲۱.۴
نسبت کارگر خودی و مشارکت در کارخانه بر استخدام مجموعی	نفوس استخدام شده (۱۴+)	اهداف انکشافی هزاره ۱.۷	۸۰.۲	۰.۶	۰.۷	۷۹.۱	۸۱.۳
استخدام در صنعت به نسبت استخدام مجموعی	نفوس استخدام شده (۱۴+)	اهداف انکشاف پایدار ۹.۲.۲	۱۸.۱	۰.۵	۲.۵	۱۷.۲	۱۹
نسبت زنان در موقف مدیریتی بر کل	مدیران ارشد	اهداف انکشاف پایدار ۵.۵.۲	۴.۳	۲.۴	۵.۶	-۰.۵	۹
نسبت جوانان (۱۵- ۳۴ ساله) که در تعلیم استخدام و آموزش حضور ندارند (خالص)	جوانان در سنین ۱۵-۳۴	اهداف انکشاف پایدار ۸.۶.۱	۴۲	۰.۵	۱.۲	۴۱	۴۲.۹
نرخ سرانه فقر	نفوس مجموعی	اهداف انکشاف پایدار ۱.۲.۱	۵۴.۵	۰.۷	۱.۳	۵۳.۱	۵۵.۹
شکاف فقر	مجموع نفوس زیر خط فقر	اهداف انکشافی هزاره ۲.۱	۱۴.۹	۰.۳	۱.۸	۱۴.۴	۱۵.۵
مرجع شکاف فقر	مجموع نفوس زیر خط فقر		۵.۶	۰.۱	۲.۴	۵.۳	۵.۸
شاخص جی نی	نفوس مجموعی		۰.۳	۰	۰	۰.۳	۰.۳
نسبت نفوس با غذای غیر مطمئن	نفوس مجموعی	اهداف انکشافی هزاره ۱.۹	۴۴.۶	۰.۷	۱.۶	۴۳.۱	۴۶
فیصدی خانواده های دارای زمین های آبی	مجموع خانواده ها		۳۷.۹	۰.۷	۱.۷	۳۶.۶	۳۹.۲
فیصدی خانواده های دارای زمین های للمی	مجموع خانواده ها		۱۹.۴	۰.۵	۲.۸	۱۸.۳	۲۰.۵
فیصدی خانواده های دارای زمین باقی	مجموع خانواده ها		۱۳.۱	۰.۵	۳.۵	۱۲.۲	۱۴

۴۳.۷	۴۰	۱.۷	۰.۷	۴۱.۴		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های که به زمین های آبی دسترسی دارند
۲۱.۶	۱۹.۴	۲.۷	۰.۶	۲۰.۵		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های که به زمین آبی دسترسی دارند
۳۹.۸	۳۷.۳	۱.۶	۰.۶	۳۸.۶		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های داری گاو
۲۵.۱	۲۲.۵	۲.۸	۰.۷	۲۳.۸		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های داری بز
۲۷.۸	۲۵.۲	۲.۶	۰.۷	۲۶.۵		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های داری گوسفند
۵۷.۸	۵۴.۵	۱.۵	۰.۸	۵۶.۲		نفوس در سنین ابتدایه مکتب (۷-۱۲)	نرخ حضور خالص در مکتب ابتدایه
۳۷.۱	۳۴.۴	۲	۰.۷	۳۵.۷		نفوس در سنین متوسطه مکتب (۱۳-۱۵)	نرخ حضور خالص در مکتب متوسطه
۱۰.۶	۸.۸	۴.۵	۰.۴	۹.۷		نفوس در سنین لیسه (۱۶-۱۸)	نرخ حضور خالص در لیسه
۲۹.۷	۲۷.۴	۲.۱	۰.۶	۲۸.۵	اهداف انکشاف پایدار ۲۰۲۱	جوانان در سنین ۱۵-۲۴	نرخ اشتراک جوانان در آموزش رسمی و غیر رسمی و تربیتینگ در گذشته
۲۵.۹	۲۳.۶	۱.۷	۰.۶	۲۴.۸		نفوس سن ۱۵ساله و بالاتر	نرخ سواد بزرگسالان
۵۵.۳	۵۲	۱.۵	۰.۸	۵۳.۶		نفوس سن ۱۵-۲۴	نرخ سواد جوانان
۷۰.۹	۶۹.۱	۰.۶	۰.۴	۷۰	اهداف انکشافی هزاره ۵.۵	زنان داری یک زنده در جریان ۵ سال قبل از سروی	فیمیدی زنان با حد اقل یک بار مراجعه قبل از ولادت
۱۷	۱۵.۶	۲.۲	۰.۴	۱۶.۳	اهداف انکشافی هزاره ۵.۵	زنان داری یک ولادت زنده در جریان ۵ سال قبل از سروی	فیمیدی زنان با حد اقل چار بار مراجعه قبل از ولادت
۵۴.۳	۵۲.۴	۰.۹	۰.۵	۵۳.۴	اهداف انکشاف پایدار ۲۰۲۱ / اهداف انکشافی هزاره ۵.۲	زنان داری یک ولادت زنده در جریان ۵ سال قبل از سروی	نسبت ولادت های که با کمک پرسونل صحتی ماهر صورت گرفته است
۳۶.۵	۳۴.۶	۱.۳	۰.۵	۳۵.۶		زنان داری یک ولادت زنده در جریان ۵ سال قبل از سروی	فیمیدی بارداری زنان که حین بارداری واکسین تیتانوس دریافت کرده اند
۳.۳	۳.۱	۱.۶	۰.۱	۳.۲		نفوس مجموعی	نرخ شیوع معلولیت
۸۸.۱	۸۶.۳	۰.۵	۰.۵	۸۷.۲		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانواده های داری مسکن
۶۳.۸	۶۱.۴	۰.۹	۰.۶	۶۲.۶		مجموع خانواده ها	فیمیدی خانه های ساخته شده از ۱۹۹۸ بدینسو

۴۵.۲	۴۲.۶	۱.۴	۰.۶	۴۳.۹		نفوس مجموعی	فیصدی نفوس کہ در خانہ ہا ی پر ازدحام زندہ گی می کنند
۷۵.۴	۶۹.۴	۲	۱۵	۷۲.۴	اهداف انکشاف پایدار ۱۱.۱.۱	نفوس شہری	نسبت نفوس شہری کہ در محلات فقیرنشین، سرپناہ غیر رسمی و خانہ ہا ی نا مساعد زندہ گی می کنند
۳۷.۶	۳۴.۴	۲.۲	۰.۸	۳۶	اهداف انکشاف پایدار ۶.۱.۱	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ از خدمات آب نوشیدنی مصفون و مدیریت شدہ استفادہ می کنند
۶۳.۴	۶۰	۱.۳	۰.۸	۶۱.۷	اهداف انکشافی ہزارہ ۷.۸	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ از منابع آب آشامیدنی بہود یافتہ استفادہ می کنند
۴۳.۸	۴۰	۱.۷	۰.۷	۴۱.۴	اهداف انکشاف پایدار ۶.۲.۱	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ از سیستم فاضلاب مصفون و مدیریت شدہ استفادہ می کنند
۹۸.۱	۹۷.۳	۰.۲	۰.۲	۹۷.۷	اهداف انکشاف پایدار ۷.۱.۱	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ بہ برق دسترسی دارند
۲۶.۶	۲۳.۸	۲.۷	۰.۷	۲۵.۲	اهداف انکشاف پایدار ۷.۱.۲	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ ارتکالوژی و انرژی پاک در آشپزی استفادہ می کنند
۴.۸	۳.۶	۷	۰.۳	۴.۲	اهداف انکشاف پایدار ۷.۱.۲	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ از تکنالوژی و انرژی پاک در امور گرمایی استفادہ می کنند
۹۸.۵	۹۷.۷	۰.۲	۰.۲	۹۸.۱	اهداف انکشاف پایدار ۷.۱.۲	نفوس مجموعی	نسبت نفوس کہ از تکنالوژی و انرژی پاک در امور روشنائی استفادہ می کنند
۶۵.۷	۶۰.۵	۲	۱.۳	۶۳.۱	اهداف انکشاف پایدار ۹.۱.۱	نفوس دھاتی	نسبت نفوس روسائیی کہ در ۲ کیلو متری جادہ عمومی زندہ گی می کنند
۴۴.۰	۴۲.۶	۰.۸	۰.۴	۴۳.۳	اهداف انکشاف پایدار b.۱.۵	مجموع نفوس ۱۵ سالہ و بالاتر	نسبت افراد دارندہ تلفون ہماہ
۹.۹	-۲.۲	۷۸.۳	۳.۰	۳.۹	اهداف انکشاف پایدار ۱۷.۸.۱	مجموع نفوس ۱۵ سالہ و بالاتر	تعداد کاربران انترنت در ہر ۱۰۰ نفر نفوس کشور

۴.۹ خطاهای غیر نمونه گیری

۱.۴.۹ نظر اجمالی در مورد خطاهای ممکن غیر نمونه گیری

جدای از اشتباهات نمونه گیری که با پروسه انتخاب نمونه ارتباط دارد، یک سروی در معرض انواع متعدد و وسیع اشتباهات غیر نمونه گیری نیز قرار دارد. این خطاهای امکان دارد - به طور غیر قابل اجتناب - در تمام مراحل سروی به وقوع بپیوندد. خطاهای غیر نمونه گیری اکثراً به دو دسته تقسیم می گردند: خطاهای تصادفی و خطاهای منظم. خطاهای تصادفی، خطاهای غیر قابل پیش بینی هستند که به طور عموم در صورت استفاده از یک نمونه کلان از بین می روند. از آنجائیکه سروی وضعیت زندگی دارای نمونه با حجم بزرگ میباشد، خطاهای تصادفی فکر می شود موضوع بسیار قابل تشویش و نگرانی نباشد. خطاهای سیستماتیک عبارت از خطاهای هستند که ممکن است بالای کل نمونه تاثیر گذار بوده، و ممکن است که به طور قابل ملاحظه و زیاد در نتایج سروی تمایلات یک جانبه را بوجود آورد. بنا براین، این مجموعه خطاهای غیر نمونه گیری یکی از عوامل تشویش و نگرانی، شمرده میشود. نظراجمالی ذیل نشان دهنده انواع عمده خطاهای اساسی غیر نمونه گیری را نشان میدهد.

خطاهای پوششی

خطاهای پوششی وقتی به وقوع می پیوندد که خانوار ها حذف شده، تکراری ثبت شده و یا بطور غلط در نفوس و یا نمونه شامل شده باشند. چنین خطا ها به دلایل کاستی در چوکات نمونه گیری مانند عدم دقت، عدم تکمیل، تکرار بودن، نارسایی یا نامناسب بودن به وجود می آید. خطاهای پوششی همچنان ممکن است که در روش های ساحه نیر، به طور مثال وقتی که افراد یا خانوار های مشخص حذف گردند، به وقوع بپیوندد.

چوکات نمونه گیری که در سروی وضعیت زندگی در افغانستان استفاده شده است مشمول فهرست برداری خانوارها قبل از سرشماری سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۲ که در سالهای ۱۳۸۸ و ارزیابی ملی چند بعدی کوچی ها در سالهای ۱۳۸۲ تجدید شده است، میباشد. در حالیکه چوکات اولی بصورت قابل قبول برای سروی وضعیت زندگی ۱۳۹۲ تازه بود، چوکات بعدی منسوخ گردیده و احتمال دارد در دوره سروی تغییرات قابل ملاحظه در رابطه به تعداد و توزیع جغرافیایی خانوار های کوچی بعمل آمده باشد. در کنار میزان مشاهده شده، اما غیر قابل تعیین مسکن گزینی خانوار های کوچی و رشد طبیعی نفوس، تغییر در الگوی مهاجرت ها باعث توزیع نفوس در سالهای ۱۳۹۲ شده است که با لست ارزیابی ملی چند بعدی کوچی ها متفاوت است. سروی های اجتماعی-دموگرافیک و اقتصادی مختلف که از سال ۱۳۸۹ در ولایات بامیان، غور، دایکندی، کاپیسا، پروان، سمنگان و کابل انجام شده است، چوکات نمونه گیری بیشتری را برای سروی وضعیت زنده گی افغانستان ارائه می دهند.

خطاهای عدم پاسخ دهی

دونوع عدم پاسخدهی وجود دارد: عدم پاسخ واحد (نمونه) و عدم پاسخ در یک بخش (جز). عدم پاسخ واحد به این معنی است که هیچ گونه معلومات از یک واحد نمونه داده شده بدست نیامده است، در حالیکه عدم پاسخ یک جز عبارت از وضعیت است که یک تعداد معلومات، نه کل معلومات از یک واحد(نمونه) جمع آوری شده است. عدم پاسخ در یک بخش وقتی واقع میشود که پاسخ دهنده گان بخاطر رد کردن، غفلت و یا نداشتن ظرفیت برای جواب معلومات نا مکمل را ارائه کنند. اکثراً عدم پاسخ در سرتاسر واحد (نمونه) به طور یکنواخت توسعه پیدا نمی کند مگر در بین گروه های فرعی متمرکز می شود. در نتیجه توزیع خصوصیات گروههای کوچک یا فرعی ممکن از نمونه انتخاب شده تفاوت پیدا کند.

عدم پاسخ واحد در سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ به اندازه واقع شد که از دسته های نمونه دیدن صورت نگرفته است، یا اینکه با خانواده های منتخب در دسته های نمونه مصاحبه صورت نگرفته است. از جمله ۲۱۰۲ نمونه های پلان شده اصلی، با ۲۹۴ (۱۴ فیصد) آن ملاقات صورت نگرفت. برای ۱۹۶ دسته ملاقات نشده ها، دسته های تعویضی در نمونه قرارداد شده و مصاحبه صورت گرفت. هر چند این تعویض از درستی حجم نمونه مورد هدف اطمینان میدهد، مگر با آنهم نمیتواند از معرفی احتمالی یک اندازه تمایلات مغرضانه که ممکن نمونه های اصلی با نمونه های تعویض شده دارای خصوصیات متفاوت باشند، خود داری کند.

در نمونه های ملاقات شده - به شمول نمونه های جایگزین - ۱۰۲۱ خانوار (۵.۱ فیصد مجموع) به دلیل اینکه اکثراً نخواستند و یا نتوانستند در مصاحبه اشتراک کنند، و یا هم به دلیل عدم پیدا شدن این خانواده ها، مصاحبه صورت نگرفت. از جمله خانوار های بی پاسخ، برای تعداد ۱۰۱۹ خانوار آن (۵.۱ فیصد مجموع) جایگزین تعیین گردیده و با خانوارهای تعویض شده مصاحبه صورت گرفت. از آنجائیکه سطح خانوار های بدون پاسخدهی پائین است و توقع برده میشود که خانوار های تعویضی نمایندگی معقول و مناسب از خانوار های عدم پاسخده را، نموده باشند، بناً خطای عدم پاسخدهی خانوارها از اهمیت کمتری برخوردار است. نرخ مجموعی عدم پاسخ که شامل دسته های ملاقات نشده و خانوارهای مصاحبه نشده میباشد، بدون تعویض ۱۴.۰ فیصد می باشد.

در رابطه به رقم عدم پاسخدهی، متغیرین موجود در پرسشنامه های خانوار های سروی وضعیت زندگی در افغانستان، شورا و قیمت مارکیت هر کدام ارزش های مفقود شده مختلف را نشان می دهد. در جریان چک کردن مراحل پروسس ارقام توسط کارمندان، تصحیح کمپیوتری

کمپیوتری ارقام و تصحیح نهائی براساس استراتژی تصحیح، این سطح ارزش های مفقود شده کاهش داده شده است. برای بعضی از متغیر های کلیدی^۱ ارزش مفقود شده ۱۰۰ فیصد، پر گردیده است. برای متغیرهای دیگر ارزش های مفقود شده فقط زمانی پر گردید که شواهد متقاعد کننده برای تعیین یک ارزش خاص در یافت شده باشد. بخش ۲.۴.۹ در مورد ارزش مفقود شده متغیر های انتخاب شده بعد از تصحیح، معلومات ارائه می نماید. معلومات فوق یافته های را ارائه میدارد که نشان دهنده این است که به صورت کل فیصدی ارزش های مفقود شده کم است.^۲ برای متغیر های سوالنامه به سطح خانوار اندازه ارزش های مفقود شده به صورت کل نزدیک به صفر فیصد میباشد. متحولین با ارزش های از دست رفته بالاتر از ۵ فیصد معمولاً آن های اند که مردم در مورد آن نمی دانند یا آنهائیکه به عاید و مصرف ارتباط دارند و مردم ترجیح میدهند آشکار ن سازند. نسبت ارزشهای مفقود شده در متغیرین به سطح افراد بیشتر متحول است، اما در سطوح بالاتر از ۵ فیصد مستثنا از این امر است.

خطاهای پاسخ دهی

خطا های پاسخ دهی وقتی واقع میشود که سوالات بطور نادرست پرسیده شده، ویا معلومات به طور نادرست ارائه ، دریافت ویا ثبت شده باشد. این اشتباهات میتواند نسبت طرح نامناسب پرسشنامه، آموزش دهی ناکافی مصاحبه کننده، برخورد ناتوان و غیر مسئولانه مصاحبه کننده، فشار در زمان مصاحبه و یا کوتاهی ها و کمی های مصاحبه دهنده، مانند غلط فهمی، عدم دقت، ندانستن، مشکلات دوباره جمع آوری معلومات و یا بی میلی برای ارائه پاسخ درست، باشد.

برنامه تصحیح CSPro که به منظور تشخیص و تا حد ممکن، اصلاح از قلم افتادگی ها و اشتباهات در ارقام سروی انکشاف داده شده بود، مرکب از دو جز بود: یکی تصحیح خطاهای ساختاری که با درستی دیتابیس و تشخیص مشکلات و دیگری به مشکلات رابطه و پرداختن به ارقام نا سازگار، ارزش های از دست رفته، و ارقام خارج از محدوده و غیر قابل قبول می پرداخت.

- خطاهای ساختاری. در این جز پروگرام ۴۳ ارزیابی مختلف صورت گرفت. بسیاری از این ارزیابی ها سطح خطاهای کمتر از ۱ فیصد را نشان دادند. متباقی ارزیابی های با خطاهای بالاتر از ۱ فیصد به موارد آتی مربوط بودند:
الف) مشکلات اداری (نبود کودهای سپروایزر، شماره های نادرست ویا مفقود شده ردیف "خط" شخص) که میتوانست اصلاح شود.
ب) مادل های مفقود. معلومات این مادل های مفقود شده دوباره بدست آمده نتوانست.
- خطا های رابطه ای. در این جز پروگرام نزدیک به ۷۹۶ ارزیابی مختلف انجام یافت. بسیاری از این ارزیابی ها سطح خطاهای کمتر از ۱ فیصد را نشان دادند. ارزیابی های که اشتباه ۵ فیصد و بالاتر را نشان داده اند به موارد آتی مربوط اند:
الف) ارقام مفقود از پرسشنامه خانم ها که تطبیق شده نتوانست - این ها نمیتوانستند اصلاح شوند.
ب) معلومات در مورد عاید خانوار - قسماً اصلاح شد.
ج) معلومات در مورد اندازه زمین زراعتی و تولید محصولات - قسماً اصلاح شد.
د) انواع مختلفه اشتباهات دیگر - قسماً اصلاح شد.

اشتباهات پروسس ارقام

در اصول، هر مرحله از پروسس ارقام - ارزیابی دستی پرسشنامه، اخذ ارقام، تصحیح دسته ای ارقام ، تصحیح نهائی - و مدیریت عمومی ارقام، می توانند به تعداد اشتباهات شامل دردیتا سیت نهائی اضافه کنند. هرچند عمده ترین منبع خطای پروسس ارقام عبارت از مرحله اخذ ارقام میباشد. طرز العمل های بررسی دقیق ارقام و پروگرام های تصحیح ارقام تا اندازه زیادی می توانند اشتباهات ارقام را تصحیح کنند، ولی هیچ دیتا سیت کاملاً بدون اشتباه نمی باشد.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۳۹۵ از وارد کردن اولیه ارقام و بازبینی از طریق وارد کردن دوباره ارقام استفاده نموده است. چنانچه این امر در اصل هر گونه اشتباهات تایپی را حذف می نماید، یگانه اشتباهات موجود در فایل ارقام ، خطای پاسخ دهی میباشد. یک سلسله از بررسی های کمپیوتری معلوماتی را در مورد چگونگی رفع مشکلات اساسی ساختاری و توحید ارقام ارائه کردند. برعلاوه، بررسی های زیادی در مورد سازگاری و محدوده ارقام صورت گرفته و سبب شد تا خطاها و ارزش های از دست رفته که بصورت خود کار سنجش شده بود، براساس استنباط منطقی تشخیص گردد.

دومین محور عمده تصحیح ارقام توسط تحلیل گران واجد شرایط منحیت بخش از مرحله تحلیل ارقام صورت گرفت. اگرچه هنوز هم خطا های آشکار در ست نهایی ارقام وجود دارد. اما فرضیه طوربست که تعدا اینها کم و اکثراً از لحاظ احصائیوی مهم نباشد.

^۱ تمام متحولین تشخیص خانوار- کود ولایت (Q_۱_۱)، کود ولسوالی (Q_۱_۲)، کود کنترول و ساحت شمارش (Q_۱_۳)، کود کلستری خوشه (Q_۱_۴)، کود محل اقامت (Q_۱_۵)، کود ناحیه (Q_۱_۶)، کود قریه (Q_۱_۷) و کود خانوار (Q_۱_۸)، همچنان متغیرین تاریخ مصاحبه (C-Q_۲_۵۵) و متغیرین در سطح افراد مربوط به سرپرست خانواده (Q_۲_۳)، سن (Q_۲_۴)، جنس (Q_۲_۵) و حالت مدنی (Q_۲_۶).
^۲ ارزشهای غیر واقعی نیز شامل ارزشهای مفقود شده بودند، اما کدام ارزش قابل توجیه برایشان پیدا نشد. (به بخش اشتباهات عدم پاسخ دهی نیز مراجعه نمایند).

۲.۴.۹ ارزشهای ازدست رفته

جدول ۳.۹ در مورد فیصدی ارزش های از دست رفته برای متغیرین انتخاب شده معلومات ارائه می کند. متغیرین عمداً از بین تمام بخش (مادول) های پرسشنامه خانوار انتخاب گردیده اند و همچنان هر دو متحولین کلیدی و ثانوی را تحت پوشش قرار میدهد.

جدول ۳.۹: فیصدی ارزشهای از دست رفته برای متغیرین منتخب

متغیر	نفوس اساس	فیصدی ارزشهای از دست رفته
متغیرین - در سطح خانوار		
مواد ساختمانی دیوارها (۴.۲)	۱۹,۳۵۵	۰.۲
دوره ساختمان واحد مسکونی (۴.۵)	۱۹,۳۵۵	۰.۱
تعداد اطاق ها ی واحد مسکونی (۴.۱۳)	۱۹,۸۳۸	۰.۶
منابع مهم انرژی پخت و پز (۴.۱۶)	۱۹,۸۳۸	۰.۲
مصرف چوب سوخت (d.۴.۱۸)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
استفاده از نوع تشناب (۴.۱۹)	۱۹,۸۳۸	۰.۲
منابع مهم آب آشامیدنی (۴.۲۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۸
خانواده های دارنده مواشی (۵.۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۰
تعداد بزهای واکسین شده (b.۵.۴)	۵,۰۶۵	۰.۵
عرضه کننده خدمات وترنری (۵.۱۱)	۳,۸۲۲	۰.۰
حیوان فروخته شده (۵.۱۳)	۱۹,۸۳۸	۰.۰
خانواده های دارنده زمین آبی (۶.۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۰
تعداد جریب های زمین آبی تحت ملکیت (۶.۲)	۸,۴۰۷	۰.۱
تعداد جریب های زمین آبی زرع شده (۶.۹)	۹,۲۰۰	۰.۲
محصولات مهم تولید شده در زمین های آبی (۶.۱۳)	۷,۴۴۴	۰.۲
مقدار محصولات مهم تولید شده (۶.۱۴)	۷,۳۹۱	۰.۴
مبلغ مصرف شده برای کود (d.۶.۵۵)	۹,۹۱۲	۰.۸
تعداد تلفون همراه (a.۷.۶)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
منبع اول در آمد خانوار (۸.۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
منبع دوم در آمد خانوار (۸.۳)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
مصرف بالای غذا در خانه (۹.۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
تعداد اعضای خانواده که بستر شده (۹.۴۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۲
تکان کاهش آب آشامیدنی از لحاظ کمیت (a.۱۰.۲)	۱۰,۳۳۰	۰.۰
بررسی زنان از وضعیت اقتصادی (۱۰.۷)	۱۹,۸۳۸	۰.۴
تعداد مرغ خانگی (۹.۱)	۱۹,۸۳۸	۰.۰
بررسی مردان از وضعیت اقتصادی (۲۲.۱۷)	۱۹,۸۳۸	۱.۵
غذای مصرف شده توسط اطفال زیر ۵ سال (a.۲۳.۴)	۱۴,۴۷۷	۰.۶
تعداد روزهای که در آن حیوانات مصرف شده (a.۲۳.۵)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
تعداد روزهای که آرد گندم مصرف شده (c.۲۳.۷)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
تعداد روزهای که بوره مصرف شده (bz.۲۳.۷)	۱۹,۸۳۸	۰.۱
نبود غذا یا پول برای تهیه غذا (۲۳.۱۰)	۱۹,۸۳۸	۰.۲
خانواده های که آب آشامیدنی کافی ندارند (۲۶.۱)	۲,۸۹۳	۰.۹

		متغیرین - در سطح افراد
۰.۹	۸۳,۷۸۸	کار در تجارت و موسسه (۱۲.۲)
۰.۹	۸۳,۷۸۸	شخص که در ماه گذشته کار کرده است (۱۲.۶)
۲.۱	۳۴,۷۷۲	روزهای کاری کار شده در هفته گذشته (۱۲.۱۴)
۲.۹	۳۴,۵۸۳	صنعت (۱۲.۱۶)
۰.۷	۱۵۵,۶۸۰	محل تولد (۱۳.۲)
۰.۹	۱۲۱,۸۲۹	سواد (۱۱.۲)
۰.۸	۱۲۱,۸۲۹	حضور در مکتب رسمی (۱۱.۵)
۲.۱	۵۲,۴۲۲	بالا ترین درجه تحصیل تکمیل شده (۱۱.۸)
۱.۷	۴۱,۱۷۸	حضور فعلی در مکتب (۱۱.۹)
۰.۳	۱۵۵,۶۸۰	مشاهده معلولیت (۲۴.۲)
۳.۶	۱۷,۱۶۳	زنان که همیشه ولادت زنده داشته اند (۲۵.۷)
۴.۶	۱۷,۱۶۳	پرستاری از ولادت (۲۵.۱۷)
		متغیرین - در سطح شورا (مرد)
۰.۰	۱,۹۲۸	فاصله با نزدیک ترین سرک (۳.۲)
۰.۰	۱,۹۲۸	محل بازار غذا (۳.۸)
۱۹.۳	۱,۹۲۸	زمان پیاده روی تا مرکز صحتی (a.۳.۱۴)
۰.۱	۱,۹۲۸	زمان پیاده روی تا کلینیک عامه (b.۳.۱۴)
۰.۱	۱,۹۲۸	کمیت آب آشامیدنی بهبود یافته براساس اولویت (۵.۱)
		متغیرین مربوط به قیمت مارکیت
۶.۷	۱,۷۹۷	قیمت خرید نان (۳.۲)
۰.۵	۱,۷۹۷	قیمت کچالو (۳.۳۲)
۴.۶	۱,۷۹۷	قیمت گوشت گوسفند (۳.۱۱)
۶.۷	۱,۷۹۷	قیمت آرد گندم (۳.۹۰)

a براساس مشاهدات وزن نشده، بعد از اصلاح.

ضمیمه ۱۰ مفاهیم و تعاریف

افراد بالغ: شخصی که دارای ۱۸ سال یا بزرگتر از آن باشد.

میزان سواد/افراد بالغ: فیصدی افراد با سواد که ۱۵ ساله یا بزرگتر باشند.

مراقبت های قبل از ولادت: کارکنان مسلکی صحنی که دارای اعتبارنامه باشند مانند: قابله، داکتر و یا نرس- که در زمینه مهارت های تخصصی جهت اداره حاملگی های معمولی (که پیچیده نباشد)، تولد نوزاد و مراقبت های بعدی نوزاد و در شناسایی، مدیریت و ارجاع اختلالات در مادران و نوزادان آموزش دیده اند. دایه های محلی آموزش دیده و آموزش ندیده هردو شامل نمی باشند.

خدمات اساسی آب آشامیدنی: تهیه آب آشامیدنی از منابع بهبود یافته به شرط اینکه مدت زمان وصول آن (رفت و آمد به شمول انتظار) از ۳۰ دقیقه بیشتر نباشد.

خدمات اساسی حفظ الصحة: استفاده از امکانات بهبود یافته که با سایر خانوارها شریک نباشد.

کمبود کالوری: گرفتن کالوری روزانه کمتر از ۲۱۰۰ کیلو کالوری فی نفر.

طفل: شخص که زیر سن ۱۸ سال باشد.

نسبت وابستگی اطفال: نسبت تعداد اطفال ۰-۱۴ سال بر تعداد افراد در سنین بیشترمولد ۱۵-۶۴ ساله که به فیصدی بیان می شود.

خانوار مرکب: خانوار که حداقل یک عضو آن با یک عضو یا بیشتر از یکی اعضای خانوار دیگر مرتبط نبوده باشد.

میزان شیوع وسایل جلوگیری از حاملگی: در حال حاضر نسبت خانم های متاهل ۱۴ الی ۴۹ ساله که حد اقل از یکی از میتود های جلوگیری از حاملگی خود یا شریک جنسی آن استفاده می نمایند، بدون در نظر داشت میتود که استفاده نموده اند.

کارگران کمک کننده فامیل: آنده از کارگران که دارای شغل آزاد "کار مستقل" در یک موسسه مبتنی بر بازار بوده که توسط یک شخص مرتبط که در عین خانواده زندگی می کند اداره و به پیش برده می شود، که نمی تواند به عنوان شریک در نظر گرفت شود، زیرا میزان تعهد آنها نسبت به فعالیت موسسه از نظر اوقات کاری و سایر عواملی که بواسطه شرایط ملی مشخص می شود، در مقایسه با رئیس همان موسسه قابل مقایسه نیست.

استراتیژی های مقابله: روش های که توسط خانوار برای تنظیم امور معیشتی در مقابل تکان ها به کار برده می شود.

تقسیم دموگرافیکی: پتانسیل های رشد اقتصادی که در اثر تغییر در ساختار سنی جمعیت بوجود می آید، بخصوص هنگامیکه سهم جمعیت فعال (۱۵ تا ۶۴ ساله) بزرگتر از سهم جمعیت غیر فعال باشد.

نسبت وابستگی: نسبت تعداد افراد سنین غیرمولد ۰-۱۴ و بالای ۶۵ ساله بر تعداد اشخاص سنین بسیار مولد ۱۵-۶۵ ساله که به فیصدی بیان می شود. سه شاخص مختلف را می توان سنجش کرد: نسبت وابستگی مجموعی (مجموع اشخاص زیر سن ۱۵ ساله جمع اشخاص ۶۵ ساله و بالاتر بر سنین ۱۵-۶۴ ساله ضرب در صد)، نسبت وابستگی اطفال (اشخاص زیر سن ۱۵ ساله بر سنین ۱۵-۶۴ ساله ضرب در صد) و نسبت وابستگی سالمندان (اشخاص ۶۵ ساله و بالاتر بر سنین ۱۵-۶۴ ضرب در صد).

معلولیت: در طبقه بندی بین المللی عملکرد، معلولیت و سلامت، معلولیت به عنوان یک اصطلاح عمومی برای اختلالات، محدودیت های فعالیت و محدودیت های مشارکت

استفاده می شود، که منعکس کننده جنبه های منفی تعامل بین یک فرد (با شرایط صحنی) و عوامل محیطی آن فرد (عوامل محیطی و شخصی) است.

مسکن (خانه های) بادوام: خانه های که دیوارهای بیرونش، سقف و فرشش از مواد با دوام ساخته شده باشد تا از ساکنین آن در مقابل شرایط خراب اقلیمی مانند باران، گرمی، سردی و رطوبت محافظت کند. خشت پخته، کانکریت، خشت خام و سنگ از جمله مواد ساختمانی مقاوم و بادوام به حساب می آیند. برای سقف همچنان چوب از جمله مواد با دوام پذیرفته می شود.

سکتور اقتصادی: یک گروه از مؤسسات که مشغول فعالیت های تولیدی یکسان یا مشابه باشند.

درجه تحصیل: بالاترین سطح تعلیم و تحصیل را که یک فرد به صورت موقته تکمیل کرده باشد.

سالمندان: اشخاص ۶۵ ساله یا بالاتر.

مهاجر به خارج از کشور: یک شخص که یک کشور را ترک کرده و در خارج از آن کشور برای مدت حداقل یک سال مسکن گزین می گردد.

مهاجرت به خارج: عمل عبور از یک سرحد بین المللی و مسکن گزینی در خارج برای مدت حد اقل یک سال.

مصروف کار (شاغل): تمام افراد ۱۴ ساله و بالاتر که در جریان مدت یک هفته مورد نظر مصروف کار با معاش بوده و یا کارگر مستقل بوده و حداقل ۸ ساعت کار کرده باشند. شاغلین شامل نظامیان، کارآموزان و همچنان افرادی که به طور موقتی در وظیفه نظر به رخصتی یا مرخصی نباشند، افراد که موقتی از کار برطرف شدند یا افرادی که وظیفه داشته باشند که مربوط به دسترسی به زمین آبیاری باشد، می شود.

کارفرمایان: آنده از کارگران که برای خود کار می کنند و یا دارای یک یا چند شریک می باشند که نوع وظیفه شان کارگر مستقل نامیده می شود، و در این موقف به طور مداوم یک و یا چندین نفر دیگر به صفت کارگر برای شان کار می کنند.

کارگران: افراد که به طور رسمی و یا غیر رسمی با یک شرکت تعهد می نمایند تا در بدل پاداش نقدی یا غیر نقدی کار کنند.

نسبت اشتغال بر نفوس: نسبت نفوس سن کار که مصروف کار می باشند.

ساحه شمار: ساحات که یک کشور تقسیم شده است که در بر گیرنده تعداد از خانوارها بوده که توسط یک سرشمار در جریان سرشماری شمار شده بتواند.

خانوار گسترده: خانوار غیر هسته ای که شامل افراد می باشد که همه با هم از طریق خون، ازدواج یا فرزند می باشند.

مصفونیت غذایی: مصفونیت غذایی زمانی وجود دارد که تمام مردم، در همه اوقات به غذایی مصفون و مغذی برای یک زندگی صحتمند و فعال از نظر فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی دسترسی کافی داشته باشند. در اینجا، خانوار های که ۲۱۰۰ کالوری در یک روز در ازای هر عضو می گیرند از لحاظ غذایی مصفون تلقی می گردند.

شاخص برابری جنسیتی: نسبت مقادیر زن بر مرد برای شاخص داده شده. شاخص تساوی جنسیتی معادل ۱ بیان کننده تساوی میان خانم ها و مرد ها می باشد.

نسبت حضور یابی ناخالص: تعداد شاگردان که در سطح معین از تعلیم و تحصیل حضور دارند، بدون در نظر داشت سن که منحیت فیصدی نفوس در گروپ سنی رسمی در عین دوره تحصیل نشان داده می شود.

میزان ناخالص جذب: تعداد شاگردان جدید در صنف اول دوره ابتدایی تحصیل، بدون در نظر داشت سن، که منحیت فیصدی تعداد مجموعی اطفال سن شمول به مکتب بیان می شود.

شاخص جینی: شاخص که توزیع مصرف و هزینه ها میان افراد یا خانوارها را که در یک اقتصاد از یک توزیع کاملاً مساویانه انحراف می کند را اندازه گیری می نماید.

رئیس خانوار: شخصی که اعضای خانوار آنرا به حیث رئیس خود پذیرفته باشند. معمولاً عمده ترین نان آور و تصمیم گیرنده خانوار می باشد.

پوسته صحت: خدمت صحتی که توسط کارمندان صحتی محلی از خانه هایشان مراقبت های صحتی اولیه را فراهم می نمایند.

خانوار: یک گروپ از افراد، چه با هم رابطه داشته باشند یا نداشته باشند، با هم یکجا به شکل یک واحد زندگی می کنند و دارای تنظیمات خانه داری مشترک بوده که از طریق شریک سازی بودجه یا یک بودجه مشترک حمایت می شوند. آنها با هم یکجا زندگی می کنند، پول خود را یکجا می سازند و حداقل روزانه یک وعده غذایی را باهم صرف می کنند.

نمره تنوع رژیم غذایی خانوار: مقیاس اندازه گیری تنوع غذایی بر حسب تعداد گروپ از مواد غذایی که در جریان یک هفته صرف گردیده. خانوار های که در مدت هفت روز کمتر از

چهار گروپ از جمله هشت گروپ غذایی مصرف نموده باشند دارای تنوع غذایی پائین رده بندی می گردند.

مهاجرت به داخل یک کشور: عمل عبور از یک سرحد بین المللی و داخل شدن به یک کشور و در آن کشور برای حداقل یکسال مسکن گزین شدن.

منبع بهبود یافته آب آشامیدنی: منبع بهبود یافته آب آشامیدنی به منبع گفته می شود که طرح و ساختار طبیعی آن ظرفیت تهیه آب مصفون را داشته باشد. شامل عرضه نلی و غیر نلی (از قبیل چاه برمه ای، چشمه و چاه سرپوشیده، آب باران و بسته بندی شده یا آب تهیه شده توسط موتر های تانکر دار) می باشد. منابع آب آشامیدنی بهبود نیافته که در مقابل آلودگی

حفاظت نشده است مانند چشمه و چاه سرباز.

امکانات بهداشتی بهبود یافته: امکانات که مدفوعات انسانی را طور صحتی از تماس با انسان ها دور می سازد. این سهولت ها شامل تکنالوژی های مرطوب (تشناب های با فلشینگ و

ریزش آب اتصال به فاضلاب، مخازن سپتیک یا تشناب های گودال) و تکنالوجی های حفظ الصحه خشک (تهویه بهتر حفره های گودال، تشناب های گودال با اسلب و کمپوست).

نفوس غیرفعال یا افراد یکه شامل نیروی کار نمی باشند: تمام افرادی که دارای سن ۱۴ و بالاتر از آن باشند و در جریان یک هفته نه دارای کار بوده باشند و نه بیکار بوده باشند به

دلایل: (الف) حضور در نهاد های تعلیمی و تحصیلی، (ب) مشغول در امور خانوار، (ج) تقاعد کرده و یا سالخورده باشد، (د) ناتوانی یا معلولیت باشد و یا (ه) دلایل دیگر که می تواند مشخص شود.

استخدام غیر رسمی: در سروی وضعیت زندگی در افغانستان، استخدام غیر رسمی توسط کنگوری های ذیل وضعیت استخدام، تعریف می گردد: کارگران آزاد، کارگران روزانه یا کارگران بدون مزد فامیلی.

مهاجر داخلی: یک شخص که داخل یک ساحه اداری در داخل خود یک کشور گردیده باشد و حداقل برای یکسال در آنجا مسکن گزین شده باشد.

مهاجرت داخلی: عمل عبور از سرحد یک واحد اداری در داخل کشور و مسکن گزین در همان ساحه برای حداقل یک سال.

نسبت مهاجرت داخلی: تعداد مهاجرین داخلی منحیت درصد نفوس مقیم.

مراقبت های مریضان داخل بستر: مراقبت از مریضان که طور رسمی در یک نهاد جهت معالجه یا مراقبت بستر شده باشد و حداقل یک شب را در شفاخانه و یا سایر نهاد که خدمات

داخل بستر را عرضه می نمایند.

مهاجرت در داخل: عمل عبور از سرحد بین دو واحد اداری در داخل یک کشور و مقیم شدن در ساحه دیگر برای مدت حداقل یک سال.

مهاجرت های بین المللی: عمل عبور از سرحد بین دو کشور و مقیم شدن در کشور دیگر برای مدت حداقل یکسال.

فرد بیجاء شده داخلی: شخصی که به خشونت و زور مجبور ساخته شده تا از خانه و جای زندگی دایمی خود فرار و یا آنرا ترک کند، به خصوص در نتیجه و یا بخاطر اجتناب از اثرات

جنگ های مسلحانه، وضعیت خشونت عمومی، نقض حقوق بشری یا حوادث طبیعی یا فاجعه های ساخته شده بشر و شخص از سرحدات بین المللی شناخته شده عبود نکرده باشد.

تعلیمات اسلامی: شامل مدرسه (صنوف ۱-۱۲)، دارالعلوم (صنوف ۱۳-۱۴) و دارالحفاظ (صنوف ۱-۱۲) می گردد.

کوچی: مالداران کوچی که در افغانستان به صفت کوچی و نیمه کوچی زندگی می کنند.

توقع به حیات در زمان تولد: اوسط تعداد سالهای که توقع می رود یک نوزاد زندگی کند در صورتیکه شرایط مرگ و میر مربوط به همان سال در جدول حیات ثابت باقی بماند.

مهاجر عمری: شخصی که محل اقامت خود را از زمان تولدش در بین یک سرحد اداری تغییر داده باشد - چه ملی و یا بین المللی باشد.

خدمات آب آشامیدنی محدود: تهیه آب آشامیدنی از منابع بهبود یافته که مدت زمان تهیه آن (رفت و آمد به شمول انتظار) از ۳۰ دقیقه بیشتر باشد.

خدمات حفظ الصحة محدود: استفاده از امکانات بهتر مشترک میان دو یا بیشتر خانوارها.

شاخص تساوی جنسیتی سواد: نسبت میزان سواد خانمها بر میزان سواد مردها.

نیروی کار: نفوس از لحاظ اقتصادی فعال - شامل افراد کم کار و بیکار در سنین کاری (۱۴ و بالاتر) می باشد.

میزان سهم گیری در نیروی کار: نسبت نیروی کار به نفوس سن کاری (۱۴ و بالاتر) که به فیصدی بیان می گردد.

مهاجرت عمری: مهاجرت - چه داخلی بین المللی - از زمان تولد.

رگرسیون لوجستیک: یک روش تحلیل احصای ارقام است که در آن یک یا چندین متغیر مستقل تعیین کننده یک نتیجه است. نتیجه توسط یک متغیر دو قیمته (که در آن تنها دو نتیجه ممکن است) اندازه گیری می گردد.

مرگ و میر مادران: مرگ یک خانم در جریان حاملگی یا در مدت ۴۲ روز اتمام حاملگی، صرف نظر از مدت حاملگی بنابر هر دلیل یا بدتر شدن حاملگی یا مدیریت آن

نسبت مرگ و میر مادران: تعداد مرگ و میر مرتبط با حاملگی در جریان یک مدت زمان معین در هر ۱۰۰,۰۰۰ تولد زنده در همان دوره.

میدیان: ارزش که لست اعداد ترتیب شده را به دو بخش مساوی تقسیم می نماید.

مهاجرت: عمل عبور از سرحد و مقیم شدن در جای دیگر برای مدت حداقل یکسال.

نسبت خالص حضور: تعداد شاگردان در سن نظری یا تیوریک مکتب رفتن برای یک سطح معین تعلیم و تحصیل، منحنی فیصدی نفوس مجموعی در همان گروپ سنی بیان می شود.

میزان خالص جذب در تعلیمات ابتدایی: تعداد اطفال سن مکتب که به صنف اول مکتب ابتدایی شامل می شوند منحنی فیصدی از مجموع تعداد اطفال سن شمول به مکتب

خانوار هسته ای: خانوار که طور کامل از یک خانواده (فامیل) واحد تشکیل شده است.

شغل: مجموعه از کارهای که اهداف عمده فعالیت ها و ظایف آن به مقدار زیاد باهم مشابه باشند. افراد از طریق رابطه خود با شغل گذشته، حال یا آینده طبقه بندی می شوند.

نسبت وابستگی سالمندان: نسبت تعداد سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر به تعداد افرادی که در سنین بالاترین مولدیت ۱۵-۶۴ ساله هستند که به طور فیصدی نشان داده می شود.

اشخاص سالمند: اشخاص ۶۵ ساله و بالاتر از آن.

مهاجر خروجی در داخل یک کشور: یک شخص که یک واحد اداری را ترک کرده و در یک ساحه دیگر در همان کشور برای حداقل یکسال مقیم گردد.

مهاجرت خروجی در داخل یک کشور: عمل عبور از سرحد یک واحد اداری در داخل یک کشور و مقیم شدن در جای دیگر همان کشور برای حداقل یکسال.

مراقبت مریضان سرایا: مراقبت هایی که در شفاخانه و یا سایر مراکز درمانی به مریضان داده می شود، هنگامیکه مریض در مرکز داخل بستر نمی باشد.

خانه های پرجمعیت (پرازدحام): مسکن که در آن بیش از سه نفر در هر اتاق زندگی می کنند.

کارکنان مستقل: آنده از کارکنان که، به حساب خود یا با یک یا چند شریک کار می کنند و دارای نوع کاری هستند که به عنوان شغل آزاد نامیده می شود و به طور مداوم هیچ کارمند برای شان در طول دوره مرجع کار نمی کردند.

شگاف فقر: اندازه گیری فقر که فاصله متوسط بین سطح مصرف فقر و خط فقر را نشان می دهد، همچنان نشان می دهد که فقرا به اندازه خط فقر یا خیلی کمتر از خط فقر مصرف می کنند.

شیوع: تمامی موارد جدید و قدیمی یک رویداد، مریضی یا ناتوانی در یک جمعیت و زمان خاص.

میزان تکمیل دوره ابتدایی: تعداد مجموعی جدیدالشمولان در آخرین صنف دوره ابتدایی (صنف ۶)، بدون در نظر داشت سن، منحنی فیصدی تعداد تیوریک اطفال سن شمولیت به

آخرین صنف دوره ابتدایی (سن ۱۲ سال).

تعلیمات ابتدایی: شامل تعلیمات از صنف اول الی صنف ششم می گردد. سن مکتب ابتدایی سن است که اطفال در آن تعلیمات ابتدایی را دریافت میکنند.

هرم (نفوس یا سن): نمایش گرافیکی که توزیع نفوس را به تفکیک گروپ های سنی نشان میدهد. شکل گراف زمانیکه نفوس رشد می کند مشابه هرم است.

تضمین کیفیت: هر روش و یا پروسیجر که برای پلانگذاری، جمع آوری، پروسس یا تحلیل ارقام سروی که به هدف تأمین و یا بهتر ساختن اطمینان یا اعتبار آن به کار برده شود. مهاجر/خیز: یک شخص که محل اقامت خود را نظر به سرحدات اداری داخلی یا بین المللی - در یک زمان نزدیک تغییر داده است. در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ منحیت مهاجرت در دو سال قبل از مصاحبه تعریف گردیده.

مهاجرت/خیز: مهاجرت - داخلی یا بین المللی - که محل اقامت خود را نظر به سرحدات اداری داخلی یا بین المللی - در یک نقطه زمان نزدیک که در سروی وضعیت زندگی افغانستان ۱۳۹۵ منحیت مهاجرت در دو سال قبل از مصاحبه تعریف گردیده.

عودت کننده: یک شخص که در اثر بیجاء شدگی چه در داخل کشور (افراد بیجاء شده داخلی سابقه) و یا از کشور دیگر (مهاجر و یا پناهنده سابقه) بازگشت کرده باشد. میزان تکرار: تعداد تکرار کنندگان در یک صنف معین در سال جاری تعلیمی منحیت فیصدی تعداد شاگردان که در همان صنف در سال قبل تعلیمی حضور داشتند.

سن باروری: زنان در سنین ۱۵ الی ۴۹ سالگی.

ساحات دهاتی: ساحاتی که منحیت ساحات دهاتی در سطح واحد اولی نمونه گیری در نمونه اصلی توسط اداره مرکزی احصائیه تعریف گردیده. این تعریف بر معیار های اداری متکی باشد. نفوس دهاتی: نفوسیکه در مناطق دهاتی زندگی میکنند

آب آشامیدنی مصوّن مدیریت شده: آب آشامیدنی از یک منبع آب بهبود یافته که در محل قرار گرفته و در صورت نیاز مورد استفاده قرار می گیرد و عاری از آلودگی مواد کیمیایی مضر و فاضلات می باشد.

سیستم بهداشتی مصوّن مدیریت شده: استفاده از تاسیسات بهداشتی بهبود یافته که با سایر خانواده ها مشترک نمی باشد و در آن مدفوع طور مصوّن در محل قرار گرفته و یا حمل و در جای دیگر دفع می شود.

توقع به مکتب: تعداد وسطی سالهایکه احتمال دارد یک طفل در سیستم تعلیمی سپری کند. به طور خاص، آن را عنوان تعداد سال های مکتب در آینده که انتظار می رود یک طفل بعد از وارد شدن در سیستم مکتب دریافت کند، با فرض اینکه احتمال شمولیت دختر/پسر به میزان سهمگیری عمومی مساوی باشد. این شاخص مدت وسطی سالهای مکتب رفتن را نشان میدهد نه تعداد صنف های تکمیل شده.

نسبت جنس: تعداد مرد ها در مقابل هر ۱۰۰ زن در جمعیت.

نسبت جنس هنگام تولد: تعداد تولدات ذکور بر تعداد تولدات اناث.

فصل: فصل ها با توجه به تقویم شمسی تعریف شده اند:

۱۳۹۵	
بهار	حمل - جوزا (۲۰ مارچ الی ۲۰ جون ۲۰۱۶)
تابستان	سرطان - سنبله (۲۱ جون الی ۲۱ سپتمبر ۲۰۱۶)
خزان	میزان - قوس (۲۲ سپتمبر الی ۲۰ دسمبر ۲۰۱۶)
زمستان	جدی - حوت (۲۱ دسمبر الی ۲۰ مارچ ۲۰۱۷)

تعلیمات ثانوی: شامل دوره متوسطه (صنوف ۷-۹) و دوره لیسه (صنوف ۱۰-۱۲) می شود.

سن مکتب: محدوده سن مورد استفاده در این گزارش برای دوره مکتب ابتدائیه ۷-۱۲، برای دوره مکتب ثانوی ۱۳-۱۸ و ۱۹-۲۴ سال برای تحصیلات عالی است. محدوده سن رسمی برای تعلیمات ابتدایی و ثانوی به ترتیب ۶-۱۱ و ۱۲-۱۷ سال است.

پرستل ماهر ولادت: کارمندان صحتی آموزش دیده در مراقبت های زایمان نجات دهنده از جمله مراقبت، نظارت و مشاوره لازم برای زنان در حین بارداری، کار و دوره پس از زایمان، انجام ولادت های به موقع و مراقبت نوزادان آموزش دیده اند. دایه های محلی، حتی اگر کورس های آموزشی کوتاه مدت را نیز دریافت کرده باشند شامل این گروپ نمی باشند.

خانوار فقیر نشین: خانواریکه یک و یا چندین شرایط ذیل را نداشته باشد:

- دسترسی به آب بهبود یافته
- دسترسی به سیستم بهبود یافته بهداشتی
- خانه یا مسکن پرازدحام
- استحکامیت مسکن یا خانه

مربع شکاف فقر: اندازه گیری فقر که فاصله بین سطوح مصرف فقرا و خط فقر است، اما وزن بیشتر را به فاصله های دورتر زیر خط فقر می دهد، بنابر این "شدت" فقر را نشان می دهد. وضعیت استخدام: وضعیت یک فرد اقتصاداً فعال با توجه به اشتغال خود و یا نوع قرار داد صریح یا ضمنی استخدام با افراد یا سازمان های دیگر که شخص در کار خود دارد.

میزان باروری مجموعی: تعداد مجموعی کودکان که متولد شده و یا ممکن که در طول زندگی یک زن تولد شود در صورتیکه وی تابع میزان باروری عمومی در سنین مشخص جمعیت باشد. تحصیلات عالی: شامل دارالمعلمین (صنوف ۱۳-۱۴)، انستیتیوت تخنیک (صنوف ۱۳-۱۴)، پوهنتون (صنوف ۱۳-۱۶) و تحصیلات فوق لیسانس (۱۷-۱۹) می گردد.

صنعت گردشگری: سکتور های فرعی اقتصاد که شامل گروپ های عمده صنعت گردشگری میباشد، -۶۲۸- فروش پرچون غذا و نوشابه ها در روی سرک و بازار ها، ۶۳۱- رستوران ها، کافی شاپ ها و دیگر مکان های خوردن و نوشیدن، ۶۳۲- هتل ها، مهمان خانه ها، اردوگاه ها و دیگر محل های اقامت، ۷۱۱- حمل و نقل زمینی اگر شغل مربوط به ISCO-۰۸ کد ۸۳۲ (موتور، تاکسی، رانندگان ون و موتور سیکلت) باشد، ۹۴۱- فیلم و سایر خدمات سرگرمی، ۹۴۲- کتابخانه ها، موزیم ها، باغ های وحش و گیاه شناسی و سایر خدمات فرهنگی که در جاهای دیگر طبقه بندی نشده اند و ۹۴۹- خدمات تفریحی و سرگرمی که در جاهای دیگر طبقه بندی نشده اند.

نرخ انتقال به مکتب ثانوی: تعداد اطفالیکه در آخرین صنف (صنف ۶) دوره ابتدائیه در سال گذشته تعلیمی حضور داشتند و در سال جاری تعلیمی در صنف اول دوره ثانوی حضور دارند، منحیت فیصدی کلی شاگردانیکه در جریان سال گذشته تعلیمی در آخرین صنف دوره ابتدائیه حضور داشتند، بیان می شود.

نرخ انتقال به تحصیلات عالی: تعداد اطفالیکه در سال قبل تعلیمی در آخرین صنف دوره ثانوی (صنف دوازدهم) حضور داشتند و در سال جاری تعلیمی در صنف اول موسسات تحصیلات عالی حضور داشتند، منحیت فیصدی مجموع تعداد اطفال که سال گذشته تعلیمی در آخرین صنف دوره ثانوی حضور داشتند بیان می شود.

کم کار: ساعات کاری فرد که کار میکند در رابطه با وضعیت اشتغال جایگزین وجود دارد که در آن فرد مایل و در دسترس است برای اشتراک (کم کاری مرتبط به زمان). معیار ملی در افغانستان عبارت از کار کردن کمتر از ۴۰ ساعت در هفته می باشد.

بیکار: تمام افراد دارای سن ۱۴ و بالاتر از آن که در جریان مدت زمان یک هفته دارای وضعیت ذیل بودند:

الف: بدون هیچ گونه کار بوده و یا روزانه کمتر از ۸ ساعت کار کرده اند، و

ب: در جستجوی کار می باشند.

بیکار شامل آنده از افراد نیز می گردد که کار نمی کنند و به دلیل اینکه از یافتن هر گونه کار دلسرد شده اند در جستجوی کار نیستند (تعریف تعدیل شده "بیکاری").

میزان بیکاری: تعداد افراد بیکار منحیت فیصدی تمام نیروی کار.

ساحه شهری: ساحاتی که به عنوان ساحه شهری در سطح واحد اولی نمونه گیری در نمونه اصلی توسط اداره مرکزی احصائیه تعریف گردیده است. این تعریف بر معیارهای اداری متکی می باشد.

نفوس شهری: نفوس که در ساحات شهری زندگی می کنند.

استخدام/آسیب پذیر: استخدامی که توسط شرایط نسبتاً متزلزل مشخص می شوند مانند: فقدان توافق رسمی کار و دسترسی به مزایا یا برنامه های حمایت اجتماعی، و نیز حقوق پائین کارکنان مستقل و کارکنان کمک کننده فامیلی وضعیت های از استخدام اند که استخدام آسیب پذیر تلقی می شوند. در سروی وضعیت زندگی در افغانستان کارگران روز مزد نیز شامل گردیده است.

شاخص ویپل: یک روش برای اندازه گیری تمایل افراد به نادرست گزارش دادن سن واقعی یا تاریخ تولد آنها است. پاسخ دهندگان در سرشماری یا سرویها گاهی اوقات سن یا تاریخ تولد خود را طوری گزارش می دهند تا از لحاظ فرهنگی مطلوب به نظر برسد، به عنوان مثال جوان تر جلوه دادن، یا متولد شدن در تاریخ که خوش شانس تر از تاریخ واقعی تولد خود شان به نظر می رسد. نمره شاخص با جمع کردن تعداد افراد در محدوده سنی ۲۳ و ۶۲ ساله، که سنی خود را طور گزارش داده اند که به ۰ و ۵ به پایان رسیده است، تقسیم بر آن مجموعه بر جمع کل جمعیت بین سنین ۲۳ تا ۶۲ ساله و نتیجه آن ضرب در ۵ می گردد. نتیجه را به عنوان درصد گزارش نموده که شاخص نمره بین ۱۰۰ (هیچ نوع ارجحیت به سنین که ۰ و ۵ می انجامد وجود ندارد) و ۵۰۰ (همه افراد سن خود را به سنین که به ۰ و ۵ می انجامد گزارش می دهند) اخذ می کند.

سن کار: سن ۱۴ سال و بالاتر.

میزان سواد جوانان: درصد افراد با سواد در سنین ۱۵-۲۴ سالگی.

- Aturupane, H., R. Gunatilaka, R. Ebenezer, and M. Shojo (2013), Education, Economic Welfare and Subjective well-being in Afghanistan. Washington D.C., World Bank.
- Azeng, T.F. and T.U. Yogo (2013), Youth unemployment and political instability in selected developing countries. Working Paper Series N° 171, African Development Bank, Tunis.
- Bloom, D.E., D. Canning and J. Sevilla (2003), The demographic dividend: a new perspective on the economic consequences of population change. RAND Population Matters Program MR-1274, Santa Monica CA.EC
- (2013), Working together for Europe's young people. A call to action on youth unemployment. Brussels, EC.
- Bonjour S., H. Adair-Rohani, J. Wolf, N.G. Bruce, S. Mehta, A. Prüss-Ustün , M. Lahiff, E.A. Rehfuess, V. Mishra and K.R. Smith (2013), Solid Fuel Use for Household Cooking: Country and Regional Estimates for 1980-2010. *Environ. Health Perspect.*
- CSO (2007), The National Risk and Vulnerability Assessment 2005. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO (2009), National Risk and Vulnerability Assessment 2007/8. A profile of Afghanistan. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO (2010), Afghanistan National Statistical Plan. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO (2014), National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12. Afghanistan Living Conditions Survey. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO (2016), Afghanistan Living Conditions Survey 2013-14. National Risk and Vulnerability Assessment. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO (2017), Afghanistan Statistical Yearbook 2016-17. Kabul, Central Statistics Organization.
- CSO and UNICEF (2012), Afghanistan Multiple Indicator Cluster Survey 2010-11: Final report. Kabul, Central Statistics Organization and UNICEF.
- CSO, MoPH and ICF (2017), Afghanistan Demographic and Health Survey 2015. Kabul, Central Statistics Organization.
- FAO (2008), Afghanistan national livestock census 2002-2003. Final report 2006. Rome, Food and Agriculture Organization.
- Government of Afghanistan (2008), Afghanistan National Development Strategy 2008-2013. Phoenix Design Aid A/S.
- Government of Afghanistan (2009), Millennium Development Goals Islamic Republic of Afghanistan Vision 2020. Progress report 2008.
- Government of Afghanistan (2015), The State of Afghan Cities 2015, Volume one. Kabul.
- Hajnal, J. (1953), Age at Marriage and Proportions Marrying. *Population Studies*, Vol. 7, No. 2, pp. 111-136.
- Handicap International (2006), Understanding the Challenge Ahead. National Disability Survey in Afghanistan, 2005. Executive Summary Report. Authors: Jean-Francois Trani & Parul Bakhshi. http://www.handicap-international.org/uploads/media/understanding_the_challenge_ahead_s_01.pdf
- IAEG-SDGs (2017), Revised list of global Sustainable Development Goal indicators. Report of the Inter-Agency and Expert Group on Sustainable Development Goal Indicators (E/CN.3/2017/2), Annex III.
- ILO (1993), 15th International Conference of Labour Statisticians, Report of the Conference. CLS/15/1D.6 (Rev. 1). Geneva, International Labour Organization.
- ILO (2007), Global Employment Trends. January 2009. Geneva, International Labour Organization.
- ILO (2008), Decent work indicators for Asia and the Pacific: a guidebook for policy-makers and researchers. Bangkok, International Labour Organization.
- ILO (2011), Key Indicators of the Labour Market (KILM) (7th edition). [<http://kilm.ilo.org/manuscript/default.asp>]
- ILO (2015), Global Employment Trends for Youth 2015. Scaling up investments in decent jobs for youth. Geneva, International Labour Organization.
- ITU (2017), Measuring the Information Society Report 2017 - Volume 1. International Telecommunication Union, Geneva.
- Klasen, S., Lechtenfeld, T. and Povel, F. (2011), What about the Women? Female Headship, Poverty and Vulnerability in Thailand and Vietnam. [<https://www.oecd.org/dev/pgd/46982877.pdf>]
- LandInfo (2011). Report: Afghanistan: Marriage. Oslo, Country of Origin Information Centre. Retrieved from https://landinfo.no/asset/1852/1/1852_1.pdf
- Lee, A.C.C., S. Cousens, G.L. Darmstadt, H. Blencowe, R. Pattinson, N.F. Moran, G.J. Hofmeyr, R.A. Haws, S.Z. Bhutta and J.E. Lawn J.E. (2011), Care during labor and birth for the prevention of intrapartum-related neonatal

deaths: a systematic review and Delphi estimation of mortality effect. BMC Public Health, Vol. 11, No. 3.

MAIL (2012), Agricultural Prospect Report 2012. Kabul, Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock.

MAIL (2016), Wheat production and agriculture Condition Report 1395. Kabul, Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock.

Mason, A. and T. Kinugasa (2005), East Asian Economic Development: Two Demographic Dividends. East-West Center Working Papers, No. 83, June 2005.

Ministry of Education (2014), National Education Strategic Plan (2015-2020) (Draft). Kabul, Ministry of Education.

Ministry of Education (2106), National Education Strategic Plan (2017 – 2021). Kabul, Ministry of Education.

MoPH (2007), Afghanistan Health Survey 2006. Estimates of Priority Health Indicators. Kabul, Ministry of Public Health, General Directorate of Policy and Planning Monitoring & Evaluation Department.

MoPH and WHO (2011), Afghanistan Pharmaceutical Country Profile. Kabul, Ministry of Public Health of Afghanistan.

MoPH and UNICEF (2013), National Nutrition Survey Afghanistan (2013). Survey Report. Kabul, Ministry of Public Health and UNICEF.

MoPH, CSO, ICF Macro, ILMR and WHO/EMRO (2011), Afghanistan Mortality Survey 2010. Kabul, Ministry of Public Health, Afghan Public Health Institute.

NUFFIC (2015), The Afghan education system. NUFFIC. <https://www.nuffic.nl/en/library/education-system-afghanistan.pdf>

OHCHR (2013), Report of the Special Rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living, and on the right to non-discrimination in this context. A/HRC/25/54. www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/.../A_HRC_25_54_Add.2_ENG.DOC

UNECE (2006), Recommendations for the 2010 censuses of population and housing. New York, United Nations.

UNDESA (1968), International Standard Industrial Classification. Statistical Papers, Series M, No. 4. New York, United Nations Department of Economic and Social Affairs.

UNDESA (2013), International migration policies. Government views and priorities. New York, United Nations Department of Economic and Social Affairs.

UNDESA (2017), World population prospects. The 2017 Revision. New York, United Nations Department of Economic and Social Affairs. [<https://esa.un.org/unpd/wpp/>]

UNDP (2016), Human Development Report 2016. Human Development for Everyone. New York, United Nations Development Programme.

UN-ESCAP (2012), Incheon Strategy to 'Make the Right Real' for Persons with Disabilities in Asia and the Pacific. ST/ESCAP/2648. Bangkok, United Nations, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.

UNESCO (2009), Education indicators. Technical guidelines. UNESCO Institute for Statistics.

UNESCO (2016), Global education monitoring report 2016. Education for people and planet: creating sustainable futures for all. Paris, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

UNFPA (2012), Sex imbalances at birth. Current trends, consequences and policy implications. Bangkok, UNFPA Asia and the Pacific Regional Office.

UNFPA (n.d.), Methodological Guidelines for the Gender Analysis of National Population and Housing Census Data. United Nations Population Fund.

[<http://www.unfpa.org/publications/methodological-guidelines-gender-analysis-national-population-and-housing-census-data>]

UN-Habitat (2003), Slums of the World: The face of urban poverty in the new millennium. Nairobi, United Nations Human Settlements Programme.

UN-HABITAT (2007), The state of the world's cities 2006-7. Monthly report, June 2017. <https://data2.unhcr.org/en/documents/download/59085>

UNHCR (2017), UNHCR Afghanistan Voluntary Repatriation. London. United Nations Human Settlements Programme.

UNICEF (2005), The State of the World's Children 2005. Childhood under threat. New York, United Nations Children's Fund. [https://www.unicef.org/publications/index_24432.html]

UNICEF (2016), The State of the World's Children 2016. A fair chance for every child. New York, United Nations Children's Fund. [<https://www.unicef.org/sowc2016/>]

United Nations (2007), Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies. Third Edition. New York, United Nations.

United Nations (2008), United Nations Principles and Recommendations for Population and Housing Censuses. Revision 2. New York, United Nations.

United Nations (2015), The Millennium Development Goals Report 2015. New York, United Nations.

United Nations (2017), Principles and Recommendations for Population and Housing Censuses, Revision 3 (ST/

ESA/STAT/SER.M/67/Rev.3). New York, United Nations Department of Economic and Social Affairs.

Villar, J. and P. Bergsjø (2002), WHO Antenatal Care Randomized Trial: Manual for the Implementation of the New Model. (WHO/RHR/01.30). Geneva, World Health Organization.

Washington Group (2010), The Measurement of Disability: Recommendations for the 2010 Round of Censuses. Washington Group on Disability Statistics. (http://www.washingtongroup-disability.com/wp-content/uploads/2016/02/recommendations_for_disability_measurement-1.pdf)

WFP and MRRD (2004), Report on Findings from the 2003 National Risk and Vulnerability Assessment (NRVA) in Rural Afghanistan. Kabul, World Food Programme and Ministry of Rural Rehabilitation and Development.

WHO (s.d.), Maternal immunization against tetanus. Integrated Management of Pregnancy and Childbirth (IMPAC). Standards for Maternal and Neonatal Care.

WHO (2009), Global prevalence of vitamin A deficiency in populations at risk, 1995–2005. WHO Global Database on Vitamin A Deficiency. Geneva, World Health Organization.

WHO (2011), World Report on Disability 2011. Retrieved from http://www.who.int/disabilities/world_report/2011/en/

WHO (2014), WHO Guidelines for indoor air quality: Household Fuel Combustion. <http://www.who.int/indoorair/guidelines/hhfc/en/>

WHO and UNICEF (2017), Progress on Drinking Water, Sanitation and Hygiene. 2017 Update and SDG Baselines. Geneva, World Health Organization and the United Nations Children's Fund. <http://www.who.int/mediacentre/news/releases/2017/launch-version-report-jmp-water-sanitation-hygiene.pdf>

World Bank (2015), The little data book on financial inclusion. Washington, The World Bank.

World Bank (2017a), Afghanistan Development Update. May 2017.

World Bank (2017a), Afghanistan Development Update. November 2017.

<https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/28928>

ISBN 978-9936-1-0311-5



9 789936 103115